القرآن الكريم

وترجمة معانيه إلى

اللغة الفارسية

إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ

إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ فِي كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ تَنزِيلٞ مِّن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ

تشرف بالأمر بطباعة هذا المصحف الشريف وترجمة معانيه
خادم الحرمين الشريفين الملك فهد بن عبد العزيز آل سعود
ملك المملكة العربية السعودية

القرآن الكريم

وترجمة معانيه إلى
اللغة الفارسية

مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف

قرآن کریم

و ترجمهٔ معانی آن
بزبان فارسی

چاپخانهٔ قرآن کریم مجمّع ملک فهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

مقدمة

بقلم معالي الدكتور : عبدالله بن عبدالمحسن التركي
وزير الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد
المشرف العام على المجمع

الحمد لله رب العالمين ، القائل في كتابه الكريم :

﴿ ... قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٌ وَكِتَٰبٌ مُّبِينٌ ﴾ .

والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين ، نبينا محمد ، القائل :

((خيركم من تعلم القرآن وعلّمه)) .

أما بعد :

فإنفاذاً لتوجيهات خادم الحرمين الشريفين، الملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود ، حفظه الله، بالعناية بكتاب الله، والعمل على تيسير نشره، وتوزيعه بين المسلمين، في مشارق الأرض ومغاربها، وتفسيره، وترجمة معانيه إلى مختلف لغات العالم .

وإيماناً من وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد بالمملكة العربية السعودية، بأهمية ترجمة معاني القرآن الكريم، إلى جميع لغات العالم المهمة، تسهيلاً لفهمه على المسلمين الناطقين بغير العربية، وتحقيقاً للبلاغ، المأمور به في قوله ﷺ : ((بلّغوا عنّي ولو آية)) .

وخدمة لإخواننا الناطقين باللغة الفارسية، يطيب لمجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة، أن يقدم للقارئ الكريم هذه الترجمة الفارسية، التي قام بها الشيخ الشاه ولي الله الدهلوي. وراجعها من قبل المجمع فضيلة الشيخين د./ عبدالغفور عبدالحق البلوشي، ومحمد علي داري .

ونحمد الله سبحانه وتعالى، أن وفق لإنجاز هذا العمل العظيم، الذي نرجو أن يكون خالصاً لوجهه الكريم، وأن ينفع به المسلمين .

إننا لندرك أن ترجمة معاني القرآن الكريم، مهما بلغت دقتها، فإنها ستكون قاصرة عن أداء المعاني العظيمة التي يحويها النص القرآني المعجز، وأن المعاني التي تؤديها الترجمة إنما هي حصيلة ما بلغه علم المترجم في فهم كتاب الله الكريم، وأنه يعتريها ما يعتري عمل البشر كلّه من خطأ ونقص.

ومن ثم نرجو من كل قارئ لهذه الترجمة أن يوافي مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف بالمدينة النبوية، بما قد يجده فيها من خطأ أو نقص أو زيادة، للاستفادة من هذه الملاحظات في الطبعات القادمة إن شاء الله .

والله الموفق، وهو الهادي إلى سواء السبيل .

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

پیش گفتار ،

نوشته عالیمقام دکتر عبدالله بن عبدالمحسن الترکی .

وزیر امور اسلامی واوقاف و دعوت وارشاد

سرپرست عمومی مجمع (چاپ و ترجمه قرآن کریم) .

حمدو ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است که درکتاب خود فرموده است ، ﴿ ... قَدۡ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ نُورٞ وَكِتَٰبٞ مُّبِينٞ ﴾ به تحقیق که آمد شمارا ازطرف خداوند نوری و کتاب روشن بیان و درودسلام برأشرف انبیاء پیامبر مان محمد (ﷺ) که فرمودند : " خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه " بهترین شماکسی است که قرآن را بیآموزد وبه دیگران آموزش دهد ، أما بعد :

برای تحقق رهنمودهای خادم حرمین شریفین شاه فهد بن عبدالعزیز آل سعود ـ حفظه الله . دراهتمام راجع بقرآن کریم و چاپ و نشرآن و تقسیمش بین مسلمانان دراقصی نقاط جهان و همچنین ترجمه و تفسیر معانی آن به زبانهای مختلف جهان ، .

وبنابر اعتقاد وزارت أمور اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد مملکت عربستان سعودی دراهمیت ترجمه معانی قرآن کریم به تمامی زبانهای مهم جهان و تسهیل فهم آن برای مسلمان غیر عرب زبان و تحقق مصداق رهنمود پیامبرگرامی اسلام ـ ﷺ ـ که فرمودند (بلغوا عنی ولو آیة) ابلاغ کنید ازمن حتی یك آیه .

و برای خدمت برادران فارسی زبانمان باعث مسرّت است که این ترجمه فارسی را تقدیم خوانندگان فارسی زبان کنیم که بوسیلهٔ شیخ شاه ولی الله دهلوی ترجمه ، وباز بيني و بررسی مجدد ازجهت مجمع توسط د/ عبدالغفور عبدالحق بلوچ و شیخ محمد علی داری شده است .

شکر و سپاس خدارا داریم که توفیق این کار بزرگ راعطا فرمود ، وامیدواریم که خالص برای رضای خداباشد و باعث منفعت مسلمانان قرارگیرد .

والبته ماخوب درک می کنیم که ترجمه معانی قرآن کریم هر چند که دقیق باشد فراگیرندهٔ مفهوم اصلی معانی وسیع نصوص پراعجاز قرآن نخواهد بود ، وأما معانی ایکه ترجمه دربر دارد خلاصه ای ازرسائی علم مترجم درفهم قرآن کریم است .

ودربرگیرندهٔ نقص و اشتباهاتی خواهد بود که عموم بشر ازآن مصون نیست .

پس بنابراین ازتمامی خوانندگان محترم این ترجمه خواهشمندیم درصورت مشاهدهٔ هرگونه اشتباهاتی ازقبیل کمی و بیشی وغیره لطفا آنرا به مجمع ملك فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره ارسال نموده تاکه درچاپهای آینده از ملاحظات شما استفاده گردد إن شاء الله تعالی .

والله الموفق و الهادی إلی سواء السبیل ،

خدااست توفیق دهنده و اوست راهنمابه راه راست ،

سُوْرَةُ الْفَاتِحَةِ

سوره فاتحه مکی وآن هفت آیات ست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ①

ستائش برای خدای است پروردگار عالمها * [1] (١)

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ②

بخشاینده مهربان (٢) .

مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ ③

خداوند روزِجزا (٣) .

اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ④

(تنها) ترا می پرستیم و(تنها)ازتو مدد می‌طلبیم (٤) .

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ⑤

بنما مارا راه راست (٥) .

صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ⑥

راه آنانکه اکرام کرده ای برایشان (٦) .

غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ ⑦

نه راه آنانکه خشم‌گرفته شد برآنها و نه راه گمراهان [2] (٧) .

(*) توضیح : ستائش خداوندی راسزاست که پروردگار جهانیان است .

(١) مترجم‌گوید یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علیٰ هذالقیاس فتح الرحمٰن .

(٢) مترجم‌گوید مراداز آنانکه اکرام کرده شد برآنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین ومراد ازآنانکه خشم‌گرفته شد برآنها یهود اندوازگمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای مارا فتح الرحمٰن .

سُورَةُ البَقَرَة

سوره بقره مدنی است و آن دوصد و هشتادو شش آیات وچهل رکوع ست

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓ ﴿١﴾

الٓمّٓ (١) .

ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ ۛ فِيْهِ ۛ هُدًى لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٢﴾

این کتاب هیچ شبهه نیست درآن رهنماست پرهیزگاران را (٢) .

الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿٣﴾

آنانکه ایمان می آرند به نادیده و برپامی دارند نمازرا وازآنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند (٣) .

وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ﴿٤﴾

وآنانکه ایمان می آرند بآنچه فروداآورده شده بسوی تو وآنچه فرود آورده شده پیش ازتو و بآخرت ایشان یقین دارند (٤) .

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ ۙ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٥﴾

ایشانند برهدایت ازجانب پروردگار خویش و ایشانند رستگاران (٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٦﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند برابراست برایشان که بترسانی ایشان را یا نه ترسانی ایشان را ایمان نیارند (٦) .

خَتَمَ اللهُ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَعَلٰى سَمْعِهِمْ ۚ وَعَلٰٓى اَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ ۫ وَّلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٧﴾

مهرنهاد خدا بر دلهای ایشان وبرشنوائی ایشان ـ وبرچشمهای ایشان پرده ایست و ایشان راست عذاب بزرگ (٧) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّقُوْلُ اٰمَنَّا بِاللهِ وَبِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨﴾

وازمردمان کسی هست که می‌گوید ایمان آوردیم بخدا و بروز بازپسین ونیستند ایشان مومنان (٨) .

يُخٰدِعُوْنَ اللهَ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۚ وَمَا يَخْدَعُوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٩﴾

فریب می دهند خدا را و مومنان را و بحقیقت نمی فریبند مگر خودرا و نمی فهمند (٩) .

فِىْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ ۙ فَزَادَهُمُ اللّٰهُ مَرَضًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ
اَلِيْمٌ ۢ ۙ بِمَا كَانُوْا يَكْذِبُوْنَ ﴿۱۰﴾

در دلهای ایشان بیماری ست پس افزون داد بایشان خدا بیماری وایشان راست عـذاب درد دهنـده ببسـب آنکـه دروغ می گفتند (۱۰) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوْا فِى الْاَرْضِ ۙ قَالُوْٓا اِنَّمَا نَحْنُ
مُصْلِحُوْنَ ﴿۱۱﴾

وچون گفته شود ایشان را تباه کاری مکنید درزمین، گویند جزاین نیست که مااصلاح کاریم (۱۱) .

اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُوْنَ وَلٰكِنْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ﴿۱۲﴾

آگاه شو به تحقیق ایشانند تباه کاران ولیکن آگاه نمی شوند (۱۲) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ اٰمِنُوْا كَمَآ اٰمَنَ النَّاسُ قَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ كَمَآ
اٰمَنَ السُّفَهَآءُ ۗ اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَآءُ وَلٰكِنْ
لَّا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۳﴾

وچون گفته شود ایشان را که ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمـان آریـم چنـانچـه ایمـان آوردنـد بیخردان؟ آگاه شوبتحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند(۱۳) .

وَاِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْٓا اٰمَنَّا ۚۖ وَاِذَا خَلَوْا اِلٰى
شَيٰطِيْنِهِمْ ۙ قَالُوْٓا اِنَّا مَعَكُمْ ۙ اِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُوْنَ ﴿۱۴﴾

ووقتیکه ملاقات می کنند بااهلِ ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند بـاشیـاطین خـود[۱] گـوینـد هـر آئینـه ماباشمائیم جزایـن نیسـت که ماتمسخر می کنیم(۱٤) .

اَللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِىْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿۱۵﴾

خدا تمسخرمی کند به ایشان و مهلت میدهد ایشان را در گمراهی خویش سرگشته شده(۱۵) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى ۠ فَمَا رَبِحَتْ تِّجَارَتُهُمْ
وَمَا كَانُوْا مُهْتَدِيْنَ ﴿۱۶﴾

ایشان آنکسانند که خریدند گمراهی را عوضِ هدایت پس سود نیافت تجارت ایشان و راه یاب نشدند (۱٦) .

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِى اسْتَوْقَدَ نَارًا ۚ فَلَمَّآ اَضَآءَتْ مَا حَوْلَهٗ

داستانِ ایشان مانند داستانِ کسی ست که

---

(۱) یعنی رئیسانِ خود .

ذَهَبَ اللّٰهُ بِنُوْرِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِيْ ظُلُمٰتٍ لَّا يُبْصِرُوْنَ ﴿١٧﴾

افروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش دوربر اورا دورساخت خدا نوراین گروه را و بگذاشت ایشان را درتاریکی ها هیچ نه بینند(١٧) .

صُمٌّۢ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ﴿١٨﴾

کرانند گنگانند کورانند پس ایشان بازنمی گردند[١] (١٨) .

اَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَآءِ فِيْهِ ظُلُمٰتٌ وَّرَعْدٌ وَّبَرْقٌ ۚ يَجْعَلُوْنَ
اَصَابِعَهُمْ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ۭ وَاللّٰهُ مُحِيْطٌ
بِالْكٰفِرِيْنَ ﴿١٩﴾

یا داستان ایشان مانند باران تنداست آمده از آسمان که باشد دروی تاریکی ها ورعد و برق درمی آرند انگشتانِ خودرا در گوشهای خود بسبب آواز های پُرهول از ترسِ مرگ، وخدااحاطه کننده است کافرانَ را (١٩) .

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ اَبْصَارَهُمْ ۭ كُلَّمَآ اَضَاۗءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيْهِ ۤۙ
وَاِذَآ اَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوْا ۭ وَلَوْ شَاۗءَ اللّٰهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ
وَاَبْصَارِهِمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٠﴾

نزدیك ست که برق بُرباید چشمهای ایشان را، هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روند درآن روشنی و چون تاریکی دهد برایشان بایستند واگر خدامی خواست هر آئینه می‌برد شنوائی ایشان را ودیده های ایشان را هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست[٢] (٢٠) .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوْا رَبَّكُمُ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ
وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿٢١﴾

ای مردمان بپرستید پروردگار خویش را آنکه آفریدشمارا وکسانی را که پیش

---

(١) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دورشد .

(٢) مترجم گوید که حاصل مثل آن ست که منافقان درظلمات نفسانی افتاده اند وچون مواعظه بلیغه شنوند فی الجمله ایشان را تنبیهی می شودوآن فائده نکند مانند مسافران که درشبِ تاریك و ابرحیران باشند ودربرق دوسه قدم بروند وبازایستند والله اعلم .

ازشمابوده اند تادرپناه شوید[1] (٢١) .

الَّذِىْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ فِرَاشًا وَّالسَّمَآءَ بِنَآءً ۪ وَّاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ
مَآءً فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۚ فَلَا تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ اَنْدَادًا
وَّاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٢﴾

آنکه ساخت برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی و فرود آورد ازآسمان آب پس بیرون آورد بسبب وی ازانواع میوه ها روزی برای شما پس مقرر مکنید همتایان برای خدا درحالیکه شمامیدانید (٢٢) .

وَاِنْ كُنْتُمْ فِىْ رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّنْ
مِّثْلِهٖ ۪ وَادْعُوْا شُهَدَآءَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ
صٰدِقِيْنَ ﴿٢٣﴾

واگر هستید درشبهه ازآنچه فرود آوردیم بربندهٔ خود (یعنی ازقرآن) پس بیاریدیك سوره مانندآن وبخوانید مددگاران خودرا بغیراز خدا اگر هستید راست گو (٢٣) .

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا وَلَنْ تَفْعَلُوْا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِىْ وَقُوْدُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۚ اُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٤﴾

پس اگرنکردید والبته نتوانید کردن پس حذرکنید ازآن آتشی که آتش انگیز وی[2] مردمان وسنگهاباشند آماده کرده شده است برای کافران (٢٤) .

وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ مِنْ
تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۗ كُلَّمَا رُزِقُوْا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِّزْقًا ۙ قَالُوْا هٰذَا
الَّذِىْ رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ ۙ وَاُتُوْا بِهٖ مُتَشَابِهًا ۗ وَلَهُمْ فِيْهَآ اَزْوَاجٌ
مُّطَهَّرَةٌ ۙ وَّهُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٢٥﴾

وبشارت ده آنکسان را که ایمان آورده اند وکردند کارهای شائسته بآنکه ایشان راست بوستانها میرود زیرِآن جویهاهر گاه داده شوند ازآنجاروزی ازقسم میوه، گویند این هما نست که داده شده بودیم پیش ازین وآورده شود بایشان آنروزی مانند یکدیگر[3] وایشان راست درآنجازنان پاك کرده شده وایشان درآنجاجاویدند (٢٥) .

---

(١) تاپرهیزگارشوید .

(٢) یعنی هیزمهای وی .

(٣) یعنی غبارِفقد ان مرغوب هیچ ساعت بخاطرایشان نه نشیند والله اعلم .

إِنَّ اللّٰهَ لَا يَسْتَحْيٖٓ اَنْ يَّضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوْضَةً فَمَا فَوْقَهَا ۚ فَاَمَّا
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَيَعْلَمُوْنَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّهِمْ ۚ وَاَمَّا الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا فَيَقُوْلُوْنَ مَاذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا ۘ يُضِلُّ
بِهٖ كَثِيْرًا وَّيَهْدِيْ بِهٖ كَثِيْرًا ۚ وَمَا يُضِلُّ بِهٖٓ
اِلَّا الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٦﴾

هر آئینه خدا شرم نمیکندازآنکه بزند مثال پشه وبالاترازآن ، اماآنانکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال راست است از پروردگار ایشان واماآنانکه کافرند می گویند چه چیزخواسته است خدا باین مثال خدا گمراه میکند بسبب وی بسیاری را و هدایت میکند بسبب وی بسیاری را و گمراه نمی کند به آن مگربدکاران را (٢٦).

الَّذِيْنَ يَنْقُضُوْنَ عَهْدَ اللّٰهِ مِنْۢ بَعْدِ مِيْثَاقِهٖ ۖ وَيَقْطَعُوْنَ
مَآ اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ يُّوْصَلَ وَيُفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ ۗ اُولٰٓئِكَ
هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٢٧﴾

(آن فاسقان)[1] که می شکنند پیمان خدارا بعد بستن آن ومی بُرند آنچه خدافرموده است بپیوستن آن وفساد می‌کنند در زمین ایشانند زیَان کاران (٢٧).

كَيْفَ تَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَكُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَاَحْيَاكُمْ ۚ ثُمَّ
يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيْكُمْ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٢٨﴾

چگونه کافرشوید بخدا وحال آنکه بودید بی جان پس زنده گردانیدشمارا، بعدازآن بمیراندشمارا باززنده گرداندشمارا بازبسوی وی باز گردانیده شوید (٢٨) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا ۗ ثُمَّ اسْتَوٰٓى اِلَى
السَّمَآءِ فَسَوّٰىهُنَّ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٢٩﴾

وی آنست که بیافریدبرای شما هر چه در زمین ست همه را بازمتوجه شد به سوی آسمان پس ساخت آن راهفت آسمان واو به همه چیز داناااست (٢٩) .

وَاِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّيْ جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ خَلِيْفَةً ۗ قَالُوْٓا
اَتَجْعَلُ فِيْهَا مَنْ يُّفْسِدُ فِيْهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ ۚ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

ویادکن چون گفت پروردگارتوبه فرشتگان که من آفریننده ام درزمین جانشینی را گفتندآیا می آفرینی درزمین

---

(١) کافران چون ذکر پشّه وعنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکراین چیزهای خسیس چه اراده کرده است این آیت نازل شد والله اعلم .

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّيٓ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

کسی را که فساد کند دروی وخونریزی کند وما تسبیح می گوئیم بحمدتوو به پاکی اقرارمی کنیم برای تو۔ فرمود هر آئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید (۳۰) .

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ
أَنْۢبِـُٔونِي بِأَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿٣١﴾

وبیاموخت خدا آدم را نامهای همه مخلوقات باز عرضه کرد آن چیزهارا برفرشتگان پس گفت خبردهید مرا بنام های این چیزها اگرشماراست گوهستید (۳۱) .

قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ
الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾

گفتند به پاکی یاد می کنیم ترا هیچ دانش نیست مارا مگر آنچه توآموختی بما هر آئینه توئی دانای باحکمت (۳۲) .

قَالَ يٰٓـَٔادَمُ أَنْۢبِئْهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّآ أَنْۢبَأَهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ
أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّيٓ أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ
مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾

فرمود ای آدم خبرده فرشتگان را بنام های این ها، پس چون خبرداد ایشان را به نام های این ها فرمود آیانه گفته بودم شمارا که هر آئینه من میدانم پنهان آسمان ها وزمین را ومیدانم آنچه آشکارا می کنید و آنچه پوشیده می داشتید (۳۳) .

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوٓا إِلَّآ إِبْلِيسَ أَبٰى
وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِينَ ﴿٣٤﴾

وچون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را، پس سجده کردند مگرابلیس قبول نکرد وسرکشی نمود وگشت ازکافران (۳٤) .

وَقُلْنَا يٰٓـَٔادَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا
رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ
فَتَكُونَا مِنَ الظّٰلِمِينَ ﴿٣٥﴾

وگفتیم ای آدم بمان تو و زنِ تو دربهشت وبخورید ازبهشت خوردن بسیار هرجاکه خواهید ونزدیك مشوید باین درخت که خواهیدشد ازستمگاران (۳۵) .

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطٰنُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا

پس بلغزانید هردورا شیطان ازآنجاپس برآورد ایشان را ازآن نعمتهاکه بودنددرآن

اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ
وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٣٦﴾

وفرموديم فرودآئيد بعضِ شمادشمن باشدبعضى راوشماراهست در زمين آرام‌گاه وبهره مندى تامدتى (٣٦) .

فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۚ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

پس فرا گرفت آدم ازپروردگار خود سخنى چند پس قبول كردخداوندتوبه اورا بمهربانى خود، بيشك اوتوبه قبول كنندهٔ مهربانست[1] (٣٧) .

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ
هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾

فرموديم فرودآئيد از آنجاهمه شما پس اگر بيايد به شما ازمن هدايتى پس هركه پيروى كرد هدايتِ مرا هيچ ترس نيست برآن جماعت ونه ايشان اندوه خورند (٣٨) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ
فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾

وكسانيكه كفرورزيدند وتكذيب كردند آياتهاى ماراايشان اند باشندگانِ دوزخ، ايشان درآنجاجاويدند (٣٩) .

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا
بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾

اى[2] فرزندان يعقوب يادكنيد آن نعمت مراكه ارزانى داشتم برشما ووفاكنيد به پيمان من تاوفاكنم پيمان شمارا وتنها ازمن بترسيد (٤٠) .

وَآمِنُوا بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ
كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾

وايمان آريد بآنچه فرود آورده ام درحاليكه باور كننده آنچه باشماست ومباشيد نخستين منكراو ومستانيدعوض آيتهاى من بهاى اندك را تنهاازمن بترسيد (٤١) .

---

(١) وآن كلمات اين ست رَبَّنَا ظَلَمنَا انفُسَنَا وَ اِن لَمْ تَغفِرلَنَا وَتَرحَمنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسرِينَ والله اعلم .

(٢) مترَجم گويد خداى تعالى بنى اسرائيل رانعمتهاى خود ياد آورى ومعجزه هائى‌كه درين قوم ظاهرشده بودذكر فرمود آنگاه شبهات وهفوات ايشان را ردكرد بدلائل واين قصه ممتداست تاقوله تعالى وَاِذابتلٰى اِبراهِيمَ رَبُّهُ .

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾

وخلط مکنید راست را باناراست وپنهان مکنید راست را درحالیکه شمامیدانید، (٤٢) .

وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را ونماز گذارید بانماز گذارندگان (٤٣) .

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ
الْكِتٰبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾

آیامی فرمائید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنید خویشتن را و شما می‌خوانید کتاب (یعنی تورات) راآیا نمی فهمید (٤٤) .

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخٰشِعِينَ ﴿٤٥﴾

ومددطلبید[1] به شکیبائی ونماز- وهرآئینه نماز دشوار ست مگربرفروتنان (٤٥) .

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلٰقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رٰجِعُونَ ﴿٤٦﴾

آنانکه میدانند که ایشان ملاقات خواهند کرد باپروردگار خویش و آنکه ایشان بسوی وی بازخواهندگشت (٤٦) .

يٰبَنِي إِسْرٰٓءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي
فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِينَ ﴿٤٧﴾

ای فرزندان یعقوب یادکنید آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام برشما وآنکه فضل دادم شمارا برهمه عالم ها[2] (٤٧) .

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْـًٔا وَلَا يُقْبَلُ
مِنْهَا شَفٰعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٨﴾

وحذرکنید ازآن روزکه کفایت نه کند هیچکس ازکس چیزی را و پذیرفته نه شود ازهیچ کس شفاعت و گرفته نشود ازهیچ کسی عوض ونه ایشان یاری داده شوند (٤٨) .

وَإِذْ نَجَّيْنٰكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ
يُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِنْ

(یاد کنید نعمت من) آنوقت که رهانیدیم شمارا از آلِ فرعون میرسانیدند بشما سخت ترین عذاب ذبح میکردند پسرانِ

---

(١) یعنی درجمیع حاجات و مصائب والله اعلم .

(٢) یعنی عالمیان آن زمان .

رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾

شمارا وزنده میگذاشتند دختران شمارا ودرین کار آزمائشی بزرگ بود از جانب پروردگار شما[(۱)] (٤٩) .

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾

وآنوقت که شگافتیم برای شما دریارا پس خلاص کردیم شمارا و غرق ساختیم کسانِ فرعون را وشما میدیدید (٥٠) .

وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ
مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾

وآن[(۲)] وقت که میعاد مقرر کردیم باموسیٰ چهل شب پس گرفتید گوساله[(۳)] راپس ازرفتن موسی وشماستمگار بودید (٥١) .

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾

پس درگزرانیدیم ازشما بعدازین تابُوَدکه شما سپاسگذاری کنید (٥٢) .

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾

وآنوقت که دادیم موسیٰ را کتاب و حجت تابُوَدکه شماراه یابید (٥٣) .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ
بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ
هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾

وآن وقت که گفت موسی قوم خودرا ای قوم من هر آئینه شما ستم کردید برخویشتن بفرا گرفتن گوساله پس باز آئید بسوی آفرید گارخود بکشید خویشتن را این بهتر ست شمارا نزد آفرید گارِ شما پس پذیرفت خداوند توبه شمارا بمهربانی خود هر آئینه اوست توبه پذیر

---

(۱) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بودکه کاهنان فرعون راخبرداده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافتادن پادشاهی اوگردد .

(۲) مترجم گویدکه خداموسیٰ علیه السلام راوعده دادکه چهل شب درطور معتکف شودتاتورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد عودِ موسیٰ حکم فرمود که بعض ایشان بعض رابکشند واین توبه ایشان ست .

(۳) یعنی معبود ساختید .

مهربان (٥٤) .

وَإِذْ قُلْتُمْ يٰمُوسٰى لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرَى اللّٰهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصّٰعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ﴿٥٥﴾

و[1] آن وقت که گفتید ای موسیٰ هرگزباورنداریم ترا تاآنکه به بینیم خدارا آشکارا پس گرفت شمارا صاعقه وشما میدیدید (٥٥) .

ثُمَّ بَعَثْنٰكُمْ مِّنْۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿٥٦﴾

باز زنده گردانیدیم شمارا پس ازمردنِ شما ، تاشماشکرگزاری کنید[2] (٥٦) .

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى ؕ كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ ؕ وَمَا ظَلَمُوْنَا وَلٰكِنْ كَانُوْٓا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿٥٧﴾

وسایبان ساختیم برشما ابررا وفرود آوردیم برشما مَنْ و سلوی را، گفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه دادیم شمارا۔ وایشان ستم نه کردند برما ولیکن بر خویش ستم میکردند (٥٧) .

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوْا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوْا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَّادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّقُوْلُوْا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطٰيٰكُمْ ؕ وَسَنَزِيْدُ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٥٨﴾

وآن وقت که گفتیم درآئید درین ده[3] پس بخورید ازآنجا بافزونی هرجاکه خواهید خوردنی گوارا ودرآئید به دروازه سجده کنان وبگوئید سوالِ ماآمرزش ست تا بیامرزیم شمارا گناهان

---

(١) مترجم گوید موسیٰ علیه السلام هفتاد کس راازبنی اسرائیل با خود بُرد تاباوی کلام الهی استماع نمایند ایشان بعد ازشنیدن خواهانِ رویت شدند ودرطلب آن پاازحدِ ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه رابصاعقه بسوخت وبازبدعای موسیٰ زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت .

(٢) بنی اسرائیل مامورشدند به جهاد عمالقه وایشان درآن باب تغافل کردند پس معاقب شدند بافتادن دربیابان چهل سال و آنجاچون آب و طعام وخیمه ها مفقود شد خدای تعالی به دعای موسیٰ علیه السلام مَنّ وسلویٰ نازل ساخت وازسنگی دوازده چشمه روان کردوابرراسایبان گردانید قدراین نعمتها نشناختندوکفرانِ نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت .

(٣) یعنی دهی که درزمان حضرت موسیٰ فتح شده بود .

شما وزیاده خواهیم دادنکوکاران را (٥٨) .

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا
عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا
يَفْسُقُونَ ٥٩

پس بدل کردند کسانیکه ستمگار بودندسخنی بجزآنچه فرموده شدایشان را[1] پس فرودآوردیم برآن ستمگاران عذابی از آسمان بسبب بدکاربودن ایشان (٥٩) .

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي
الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ٦٠

وآنوقت که آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن بعصای خود سنگ را پس روان شدازسنگ دوازده چشمه بدانست هر قوم آب خوردِ خودرا[2] گفتیم بخورید وبنوشید ازروزی خدا و فساد مکنید درزمین تباهی کنان (٦٠) .

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا
وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۖ قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي
هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ۚ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا
سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ
مِنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا
وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ٦١

وآن وقت که گفتید ای موسی هرگز شکیبائی نه کنیم بریك طعام پس طلب برای مااز پروردگار خودتابیرون آردبرای ماازآن جنس که میرویاندش زمین ازتره وی وبادرنگ وی وگندم وی وعدس وی وپیازوی ـ گفت موسی آیا بدل می کنید آنچه وی فروترست برآنچه وی بهترست ـ فرودآئید بشهری پس هر آئینه باشدشمارا آنچه خواستید، وزده شد[3] برایشان خواری وبی نوائی وبازگشتند بخشمی ازخدا این بسبب آنست که باورنمی

---

(١) یعنی بجای حِطته حِنطته گفتند .

(٢) یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله یك چشمه معین شد والله اعلم .

(٣) یعنی فرود آورده شد .

داشتند آیت های خدارا ومی کشتند پیغامبران را به ناحق این بسبب گناه کردن ایشان است وآنکه ازحد در می گذشتند (٦١) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ
مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾

هر آئینه آنانکه مسلمان شدند وآنانکه یهود شدند و نصاریٰ و بی دینان هرکه ازایشان ایمان آردبخدا وبروزبازپسین وکردکارِ شائسته پس ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ونه ترس بُوَدبرایشان ونه ایشان اندوهگین شوند(١) (٦٢) .

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا
آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾

وآن وقت که گرفتیم پیمان شمارا وبرداشتیم بالای شما طوررا گفتیم بگیرید آنچه داده ایم شمارا باستواری (٢) ویاد کنید آنچه درآنست تابُوَد که درپناه شوید (٦٣) .

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾

باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشائش خدا برشماومهربانی او هر آئینه می شدیداز زیان کاران (٦٤) .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ
كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾

وهر آئینه دانسته اید آن کسانرا که ازحد درگذشتند ازشما درشنبه(٣) پس گفتیم ایشان را بوزینه شوید خوارشده (٦٥) .

---

(١) حاصل معنی آیت آنکه آدمی دراصل ازهرفرقه که باشد چون ایمان آورد ازاهل نجات بود خصوصیتِ فرقه معتبر نیست .

(٢) یعنی احکام تورات .

(٣) یعنی شکار کردند وشکار کردن در روزشنبه دردین بنی اسرائیل حرام بود .

فَجَعَلْنٰهَا نَكٰلًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً
لِّلْمُتَّقِيْنَ ﴿٦٦﴾

پس ساختیم این قصه را عبرتی برای آن قوم که در آن دِه بودند[1] وآن قوم که پس ازایشان آیند و پندی پرهیزگاران را (٦٦) .

وَإِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖٓ إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوْا بَقَرَةً ۖ
قَالُوْٓا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۖ قَالَ أَعُوْذُ بِاللّٰهِ أَنْ أَكُوْنَ مِنَ
الْجٰهِلِيْنَ ﴿٦٧﴾

و[2] آنوقت که گفت موسی بقوم خود هر آئینه خدا می فرمایدشمارا به کشتن گاوی گفتند آیامارا مسخره می گیری ؛ گفت پناه می‌گیرم بخدا ازآنکه باشم ازنادانان (٦٧) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِيَ ۚ قَالَ إِنَّهٗ يَقُوْلُ
إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَّلَا بِكْرٌ ۖ عَوَانٌۢ بَيْنَ ذٰلِكَ ۖ
فَافْعَلُوْا مَا تُؤْمَرُوْنَ ﴿٦٨﴾

گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خود تابیان کند برای ماچیست آن گاو گفت هر آئینه خدا می‌فرمایدکه هر آئینه وی گاوی است نه پیرونه جوان میانه است درمیان این وآن پس عمل کنید به آنچه فرموده شدید (٦٨) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا لَوْنُهَا ۚ قَالَ إِنَّهٗ يَقُوْلُ
إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ ۙ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النّٰظِرِيْنَ ﴿٦٩﴾

گفتند سوال کن برای ماازپروردگار خودتابیان کند برای ماچیست رنگ آن گاو، گفت هر آئینه خدا میفرمایدکه وی گاویست زرد، پُر رنگ آن قدر که خوش میکند بینندگان را (٦٩) .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِيَ ۙ إِنَّ الْبَقَرَ تَشٰبَهَ عَلَيْنَا ۗ
وَإِنَّآ إِنْ شَآءَ اللّٰهُ لَمُهْتَدُوْنَ ﴿٧٠﴾

گفتند سوال کن برای ما ازپروردگار خودتابیان کند برای ماچگونه است آن گاو هر آئینه گاوان مشتبه شدندبرما وهر آئینه اگر خواسته است خدا راه

---

(١) یعنی درآن زمانه حاضر بودند .

(٢) مترجم گویدشخصی رااز‌بنی اسرائیل کشته یافتند وکشنده آن معلوم نه بود خدای تعالی حکم فرمودکه گاوی را ذبح کنند وبعض وی رابرآن مقتول بزنند تازنده شود وازقاتلان خود خبر دهد القصه گاؤرابه مبلغ خطیرخرید کردند وبزدند مقتول زنده شدوپسران عم خود رانام بردکه ایشان کشتند پس قاتلان رابقصاص رسانیدند ازآن بازقاتل را ازمیراث محروم ساختند والله اعلم .

یافتگانیم (۷۰) .

قال انه یقول انها بقرة لا ذلول تثیر الارض ولا تسقی
الحرث مسلمة لا شیة فیها قالوا الئن جئت بالحق
فذبحوها وما کادوا یفعلون ۷۱

گفت هر آئینه خدا میفرماید که وی گاویست نه محنت کشنده که شخم زند زمین را ونه آب می دهدزراعت را سلامت ست هیچ خال نیست دروی ، گفتند حالا آوردی سخن درست (☆) پس ذبح کردند و نزدیك بودکه این کارنکنند (۷۱) .

واذ قتلتم نفسا فادرءتم فیها والله مخرج ما کنتم
تکتمون ۷۲

و آنوقت که کشتید شخصی را پس نزاع کردید دروی - وخدا بیرون آرنده است چیزی‌را که پنهان میکردید (۷۲) .

فقلنا اضربوه ببعضها کذلك یحی الله الموتی ویریکم
ایته لعلکم تعقلون ۷۳

پس فرمودیم بزنیداین شخص را به پاره ای ازگاو این طور زنده میکند خدا مُردگان را ومی نماید شمارا نشانهای خود تابُوَدکه دریابید (۷۳) .

ثم قست قلوبکم من بعد ذلك فهی کالحجارة
او اشد قسوة وان من الحجارة لما یتفجر منه الانهر وان
منها لما یشقق فیخرج منه الماء وان منها لما یهبط
من خشیة الله وما الله بغافل عما تعملون ۷۴

بازسخت شد دلهای شما بعد ازین پس آنها مانند سنگ اند بلکه زیاده تردر سختی ، وهر آئینه از سنگ هاآنست که روان می شود ازوی جویها- وهر آئینه از سنگها آنست که می شگافدپس بیرون می‌آیدازوی آب، وهر آئینه ازسنگهاآنست که فرومی افتد از ترس خدا ونیست بیخبر ازآنچه می کنید (۷٤) .

افتطمعون ان یؤمنوا لکم وقد کان فریق منهم
یسمعون کلم الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه

(ای مومنان) آیاامیدی داریدکه (یهود) منقادشوند به دین شما وهر آئینه گروهی ازایشان می شنیدندکلام خدارا (یعنی

(☆) توضیح : وی گاویست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و ازهرعیبی پاك و نباشد دروی رنگ دیگری .

وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ
إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ
وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾

وَمِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا
يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ
هَٰذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا
كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ
عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾

تورات را) پس بدل میکردندش دانسته بعدازآنکه فهمیده بودند اورا (۷۵) .

وچون ملاقات کنند باِمومنان گویندایمان آوردیم وچون تنهاشوندبعض ازایشان بابعضی [(۱)] گویند آیاخبر مید هیدایشان را بآنچه کشاده است خدا برشما[(۲)] تامناظره کنند باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا درنمی یابید (۷۶) .

(این جهولان) آیا نمیدانندکه خدا میداند آنچه پنهان می کنند و آنچه آشکارامی نمایند (۷۷) .

وبعضی ازایشان ناخوانندگان (یعنی بیسوادانند) کتاب (توراة) راجز آرزوهای باطل نه پندارند ونیستند مگرگمان کننده (۷۸) .

پس وای آنکسان را که می نویسندکتاب را بدست های خود بازمی گویند این ازنزدیك خداست تا بگیرند عوض وی بهای اندك را پس وای ایشان را بسبب نوشتن دست های ایشان و وای ایشان را بسبب پیشه گرفتن ایشان (۷۹) .

وگفتند نرسدبماآتش دوزخ مگر چندروز شمرده شده بگو آیا گرفتید ازپیش خدا پیمانی تاهرگزخلاف نه کند خدا پیمان خودرا یااینکه می گوئید برخدا آنچه

---

(۱) یعنی بارئیسان خویش .

(۲) یعنی نعمت پیغمبرآخرالزمان .

بَلٰى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَّاَحَاطَتْ بِهٖ خَطِيْٓئَتُهٗ فَاُولٰٓئِكَ
اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٨١﴾

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ
الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٨٢﴾

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ لَا تَعْبُدُوْنَ
اِلَّا اللّٰهَ ۗ وَبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّذِى الْقُرْبٰى
وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَقُوْلُوْا لِلنَّاسِ حُسْنًا
وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۗ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ
اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْكُمْ وَاَنْتُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٨٣﴾

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُوْنَ دِمَآءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُوْنَ
اَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ اَقْرَرْتُمْ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ﴿٨٤﴾

ثُمَّ اَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ تَقْتُلُوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُوْنَ فَرِيْقًا مِّنْكُمْ
مِّنْ دِيَارِهِمْ ۡ تَظٰهَرُوْنَ عَلَيْهِمْ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۗ وَاِنْ
يَّاْتُوْكُمْ اُسٰرٰى تُفٰدُوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ اِخْرَاجُهُمْ ۗ
اَفَتُؤْمِنُوْنَ بِبَعْضِ الْكِتٰبِ وَتَكْفُرُوْنَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَآءُ
مَنْ يَّفْعَلُ ذٰلِكَ مِنْكُمْ اِلَّا خِزْىٌ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَيَوْمَ

نمی دانید[۱] (۸۰) .

آری هرکه کرد کاربد وبه احاطه گرفت اورا گناه او پس ایشان اند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (۸۱) .

وکسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شائسته ایشانند باشندگان بهشت ایشان درآنجا جاویدند (۸۲) .

وآنگاه که گرفتیم پیمانِ بنی اسرائیل که نه پرستید مگرخدارا وبوالدین نکوئی کنید وباهل قرابت و یتیمان وبی نوایان وبگوئید بمردمان سخن نیك وبرپادارید نمازرا وبدهیدزکوة را پس برگشتید روگردان شده مگر اندکی ازشما (۸۳) .

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا که مریزیدخون یکدیگررا وبیرون مکنید قوم خویش را ازخانه های خویش پس قبول کردید وخود شما گواهی میدهید (۸٤) .

بازشما آن گروهید که می کشید قوم خویش را وبیرون می کنید گروهی را ازقوم خود ازخانه های ایشان یکی مددگار دیگری می شوید برستم کردن درحق ایشان بگناه وتعدی واگراسیرشده بشمامی آیند فدا میدهید عوض ایشان

---

(۱) مترجم گویدیکی ازعقائدباطله یهود آن بود که می گفتند یهودنبا شند در دوزخ مگرروزی چند واین خطااست زیراکه دخولِ جنت موقوف برایمان بخدا وروزقیامت و پیغامبرآخرزمان ست جنس یهود وغیرآن اعتبار ندارد واشارت بهمین معنی است درین آیت والله اعلم .

الْقِيٰمَةِ يُرَدُّوْنَ اِلٰٓى اَشَدِّ الْعَذَابِ ؕ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿۸۵﴾

وحال آنکه حرام است برشمابیرون کردن ایشان آیاایمان می آرید به بخشی ازکتاب و کافرمی شوید به بخش دیگر پس چیست جزای آنکه چنین کند ازشما مگرخواری در زندگانی دنیا وروز قیامت گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب ونیست خدا بی‌خبر ازآنچه میکنید[۱] (۸۵) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ؗ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿۸۶﴾

ایشان آنکسانندکه خریدند زندگانی دنیارا عوض آخرت پس سبك کرده نشود ازایشان عذاب ونه ایشان یاری داده شوند (۸٦) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ بِالرُّسُلِ ؗ وَاٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَاَيَّدْنٰهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ؕ اَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا تَهْوٰٓى اَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ ۚ فَفَرِيْقًا كَذَّبْتُمْ ؗ وَفَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ ﴿۸۷﴾

وهرآئینه دادیم موسی را کتاب وازپی درآوردیم بعد ازوی پیغمبران را ودادیم عیسیٰ پسرمریم رانشانه های روشن وقوت دادیم اورا بروح القدس ـ یعنی جبرئیل ـ آیاهرگاه آورد پیغامبری نزدشماآنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید پس گروهی را دروغگوداشتید وگروهی راکشتید (۸۷) .

وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا غُلْفٌ ؕ بَلْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ

و گفتند[۲] دلهای مادرپرده است، بلکه

---

(۱) یعنی منع کرده شدند از کشتن وجلاوطن کردن ودرظلم مدد گاری نمودن وفرموده شدند بفدای اسیران وایشان ازین همه احکام بفدای اسیران عمل کردند وبس زیراکه موافق نفس ایشان افتاد واین طاعت نفس است طاعت خدا نیست .

(۲) مترجم گوید ودیگرازقبائح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی دردین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی یابدواین خطااست که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد وجهل بود نه تقوی زیراکه آثارِتقویٰ هیچگاه =

فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

نفرين كرده است ايشان را خدا بسبب كفر ايشان پس اندكى ايمان آرند (٨٨) .

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
وَكَانُوا مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا
جَاءَهُم مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ ۚ فَلَعْنَةُ
اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾

وآنگاه كه آمدبايشان كتاب ازنزديك[1] خدا باوركننده آنچه بايشان است و پيش ازين طلب فتح مى كردند برمشركان پس هرگاه آمدبايشان آنچه ميدانستند منكرشدند ويرا پس لعنت خدا است برآن كافران[2] (٨٩) .

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا
أَن يُنَزِّلَ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۖ
فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ ۚ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾

بدچيز است آنچه فروختند عوض وى خويشتن راكه كافرشوند بآنچه فرودآورده است خدا بسبب حسد برآنكه فرودآورد خدا برحمت خود برهركه خواهد ازبندگان خود پس بازگشتند بخشمى بالاى خشمى وكافران راست عذاب خواركننده (٩٠) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ
بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ
الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ۗ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ
أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾

وچون گفته شود ايشان را ايمان آريدبآنچه فرود آورده است خدا گويند ايمان مى آريم بآنچه فرود آورده شدبرما وايشان كافرمى شوند بآنچه غيرأز ويست حال آنكه او راست است باوركننده آنچه بايشان است بگو پس چرامى كشتيد پيغمبران خدارا پيش ازين اگر شمامؤمن بوديد (٩١) .

وَلَقَدْ جَاءَكُم مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ

وهرآئينه آمد به شما موسىٰ به نشانه هاى

= ازايشان ظاهر نمى شدواشارت بهمين معنى است درين آيات .

(١) يعنى قرآن .

(٢) تعريض است بآن قصه كه يهود خيبر باغطفان جنگ ميكردند و هزيمت مى يافتند آخردعا كردند كه به بعثت نبى آخرالزمان مارانصرت بده .

مِنْۢ بَعْدِهٖ وَاَنْتُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿٩٢﴾

روشن پس گرفتید گوساله را پس ازوی وشما ستمگار بودید (۹۲) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّوْرَؕ
خُذُوْا مَآ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاسْمَعُوْاؕ قَالُوْا سَمِعْنَا
وَعَصَيْنَا وَاُشْرِبُوْا فِىْ قُلُوْبِهِمُ الْعِجْلَ
بِكُفْرِهِمْؕ قُلْ بِئْسَمَا يَاْمُرُكُمْ بِهٖٓ
اِيْمَانُكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٩٣﴾

وآنگاه که گرفتیم پیمان شمارا وبرداشتیم بالای شما طور را گفتیم بقوت بگیرید آنچه رابه شمادادیم و بشنوید ـ گفتند[۱] شنیدیم ونافرمانی کردیم وآمیخته کرده شد دردلهای ایشان دوستی گوساله بسبب کافر بودن ایشان بگوبد چیز است آنچه میفرمایدشمارا ایمان شما اگر هستیدازاهل ایمان (۹۳) .

قُلْ اِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ عِنْدَ اللّٰهِ خَالِصَةً مِّنْ
دُوْنِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٩٤﴾

بگو[۲] اگر هست شمارا سرای بازپسین نزد خدا بتخصیص بجزازمردمان دیگر پس آرزو کنید مرگ را اگر هستیدراست گو (۹٤) .

وَلَنْ يَّتَمَنَّوْهُ اَبَدًاۢ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْؕ
وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٥﴾

وهرگزآرزونکنند اورا هیچگاه بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان وخدا داناست به ستمگاران (۹۵) .

وَلَتَجِدَنَّهُمْ اَحْرَصَ النَّاسِ عَلٰى حَيٰوةٍۚ وَمِنَ
الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْاۚ يَوَدُّ اَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ اَلْفَ سَنَةٍۚ
وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهٖ مِنَ الْعَذَابِ اَنْ يُّعَمَّرَؕ وَاللّٰهُ
بَصِيْرٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٩٦﴾

وهرآئینه بیابی ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی و حریص تر ازآنانکه مشرك اند دوست میداردیکی ازایشان کاش عمر داده شود هزارسال ونیست رهانندۀ وی ازعذاب آنکه عمر داده شود وخدا بیناست بآنچه می کنند[۳] (۹٦) .

---

(۱) یعنی بزبان حال .

(۲) دیگرازتحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شددر بهشت هیچکس مگر یهودو این خطاست زیراکه علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقاتِ خداست وایشان ازمرگ هراسان بودند واشارت بهمین معنی است درین آیت .

(۳) دیگرازجمع هفوه کلام بیهوده راگویند هرچه ازدهن برآید .

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ
بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ
لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾

بگو[1] هرکه باشددشمن جبرئیل چه زیان می کند پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن رابردل تو بحکم خدا باور دارنده آنچه پیش ازوی است ورهنما ومژده دهندۀ اهل ایمان (۹۷).

مَن كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ
وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾

هرکه باشد دشمن خدارا وفرشتگان ویرا و پیغامبران ویرا و جبرئیل و میکائیل را پس هر آئینه خدا دشمن کافران است (۹۸).

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۖ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا
الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾

وهرآئینه فرودآوردیم بسوی تو نشانه های روشن وکافر نمی شوند بآنهامگر بدکاران (۹۹).

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُم ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾

آیاهرگاه که بستند پیمانی را برانداخت آن را گروهی ازایشان بلکه اکثرایشان باورنمی دارند (۱۰۰).

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ
ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

وهرگاه که آمد بایشان پیغامبری ازنزدخدا باوردارنده آنچه بایشان است افگند گروهی ازآن قوم که داده شده اندکتاب آن کتاب خدارا پس پشت خویش، گویا نمی دانند (۱۰۱).

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۖ

وپیروی[2] کردند آنچه می خواندند

---

(۱) دیگر ازهفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطااست که جبرئیل مامور است ازبارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار.

(۲) دیگراز هفوات یهود آن بود که سحر میکر دند وسلیمان علیه السلام راساحر می دانستند این افترابود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

وَمَا كَفَرَ سُلَيْمٰنُ وَلٰكِنَّ الشَّيٰطِيْنَ كَفَرُوْا يُعَلِّمُوْنَ
النَّاسَ السِّحْرَ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ
هَارُوْتَ وَمَارُوْتَ وَمَا يُعَلِّمٰنِ مِنْ اَحَدٍ حَتّٰى يَقُوْلَآ اِنَّمَا
نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُوْنَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُوْنَ
بِهٖ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهٖ وَمَا هُمْ بِضَآرِّيْنَ بِهٖ مِنْ
اَحَدٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَتَعَلَّمُوْنَ مَا يَضُرُّهُمْ
وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوْا لَمَنِ اشْتَرٰىهُ مَا لَهٗ
فِى الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهٖٓ
اَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠٢﴾

شیطانان درسلطنت سلیمان ـ وکافرنشد سلیمان ولیکن شیطانان کافر شدند می‌آموختند مردمان را جادو وپیروی کردند بآنچه فرود آورده شد بردوفرشته دربابل هاروت وماروت ونمی آموزند هیچ کس را تاآنکه گویند جزاین نیست که مابلائیم پس کافرمشو پس یادمی گیرندازایشان افسونی که جدائی می افگنند بسبب وی درمیان مرد و زن او ونیستند ایشان زیان رساننده بسحر هیچکس را مگر بارادهٔ خدا وایشان می آموختند آنچه زیان میرساند ایشانرا وسود ندهد ایشان را وهر آئینه دانسته اند هرکه بستاند جادو که نیست اورا درآخرت هیچ بهره وهر آئینه بد چیزست آنچه فروختند عوض وی خویشتن را کاش می دانستند (١٠٢) .

وَلَوْ اَنَّهُمْ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَمَثُوْبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ
لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٠٣﴾

وا گرایشان ایمان می آوردند و تقوی اختیار می کردند هر آئینه ثواب ازنزدیك خدا بهتر بودی کاش می دانستند (١٠٣) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقُوْلُوْا رَاعِنَا وَقُوْلُوا انْظُرْنَا
وَاسْمَعُوْا وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٠٤﴾

ای مومنان مگوئید راعنا و بگوئید انظرنا ونیك بشنوید و کافران راست عذاب درد دهنده[1] (١٠٤) .

---

(١) دیگر ازهفوات یهود آن بود که در مجلس پیغامبر آمده لفظ راعنامی گفتند واین لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن مارا وشفقت کن برما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله ـ وقصد ایشان سبّ بود حق سبحانه مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سدّباب فساد واشارت بهمین معنی است درین آیت .

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ
أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللّٰهُ يَخْتَصُّ
بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾

دوست نمیدارند آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ونه مشرکان که فرود آورده شود برشما هیچ نیکی از پروردگارشما وخدا مخصوص می کند به بخشائش خود هرکراخواهد وخدا خداوندفضل بزرگ است (١٠٥) .

مَا نَنْسَخْ مِنْ اٰيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ
تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾

هرچه نسخ می کنیم ازآیتی یا فراموش می گردانیم آنرامی آریم بهتر ازوی یا ماندوی آیاندانسته ای که خدا برهمه چیز تواناست[١] (١٠٦) .

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾

آیاندانسته ای که خداراست پادشاهی آسمانها وزمین ونیست شمارا بجزوی هیچ دوست ونه یاری دهنده (١٠٧) .

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسٰى
مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ
سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾

آیامی خواهید که سوال کنید پیغامبر خودرا چنانکه سوال کرده شد موسی پیش ازین وهرکه بستاند کفررا عوض ایمان پس هر آئینه‌گم کرد راه میانه را (١٠٨) .

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ
إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتّٰى يَأْتِيَ
اللّٰهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾

دوست داشتند بسیاری ازاهل کتاب که کافر گردانند شمارا بعد ازایمان شما بسبب حسد ازنزدیك نفوس خود پس ازآنکه واضح شد برایشان حق پس عفوکنید ودرگذرانید تاآنکه آردخدا فرمان خودرا[٢] هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (١٠٩) .

---

(١) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم .

(٢) یعنی امرکند بجهاد ایشان والله اعلم .

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۚ وَمَا تُقَدِّمُوْا لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿١١٠﴾

وبرپادارید نمازرا و بدهید زکوٰة را وآنچه پیش می فرستید برای خویشتن ازنیکوکاری خواهیدیافت آنرا نزد خدا هر آئینه خدا بآنچه می کنید بینااست (۱۱۰).

وَقَالُوْا لَنْ يَّدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا مَنْ كَانَ هُوْدًا اَوْ نَصٰرٰى ۗ تِلْكَ اَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١١١﴾

وگفتند هرگز به بهشت درنیاید مگرآنکه یهودباشد یاترساباشد این آرزوهای باطله ایشانست بگوبآرید دلیل خودرا اگر هستید راستگو (۱۱۱) .

بَلٰى ۚ مَنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهٗٓ اَجْرُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ ۪ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿١١٢﴾

بلی هرکه منقادکرد روی خودرا برای خدا ووی نیکوکار باشد پس اور است مزد او نزد پروردگار خویش، ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۱۱۲).

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ لَيْسَتِ النَّصٰرٰى عَلٰى شَيْءٍ ۪ وَّقَالَتِ النَّصٰرٰى لَيْسَتِ الْيَهُوْدُ عَلٰى شَيْءٍ ۙ وَّهُمْ يَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١١٣﴾

وگفتند[1] یهود نیستند ترسایان برهیچ چیزی، و گفتند ترسایان نیستند یهود برهیچ چیزی وایشان همه می خوانند کتاب را هم چنین‌گفتند آنانکه نمی دانند،[2] مانند قول ایشان، پس خدا حکم کندمیان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کنندرآن (۱۱۳) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسٰجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُّذْكَرَ فِيْهَا اسْمُهٗ وَسَعٰى فِيْ خَرَابِهَا ۗ اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ اَنْ يَّدْخُلُوْهَآ اِلَّا خَآئِفِيْنَ ۬ ۗ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ

وکیست ستمگارتر ازآنکه منع کرد مسجد های خدارا ازآن که یاد کرده شود نام خدا درآنها و کوشش کرد در ویرانی آنها، این گروه نمی سزد ایشان را که درآیند

---

(۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آنبود که هر فرقه از یهود و نصاریٰ دیگر را انکارمی کردو اشارت به همین معنی است درین آیت .

(۲) یعنی مشرکان گفتند .

عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾

بمسجدها مگر هراسان ایشان راست دردنیا خواری وایشان راست در آخرت عذاب بزرگ[1] (١١٤) .

وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ ۚ إِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾

وخداراست مشرق و مغرب هرسوکه روآرید همانجاست روی خدا هر آئینه خدا فراخ نعمت داناست[2] (١١٥) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ۗ سُبْحَانَهُ ۖ بَل لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ ﴿١١٦﴾

و گفتند بگرفت خدا فرزند را، پاکی او راست بلکه او راست آنچه درآسمانها وزمین است، همه فرمانبردار اوهستند[3] (١١٦) .

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِذَا قَضٰى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾

آفرینندهٔ آسمان ها وزمین است، وچون می کندکاری پس جزاین نیست که می گویداورابشو پس می شود (١١٧) .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ۗ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ ۘ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ ۗ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾

و گفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چراباماسخن نمی گوید خدا یانمی آیدبما نشانه ای هم چنین گفتند کسانیکه پیش ازایشان بودند مانند قول ایشان بیکدیگر مشابهت دارند دلهای ایشان، هر آئینه بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند (١١٨) .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۖ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ

هر آئینه مافرستادیم ترا براستی مژده

---

(١) درین آیت تعریض است بکفارمکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم .

(٢) دیگر ازهفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند اشارت بهمین معنی است درین آیت .

(٣) دیگر ازهفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیز راو نصاریٰ عیسیٰ را پسرخدامی گفتند دررد ایشان خدای تعالی این آیت نازل کرد .

أَصۡحٰبِ الۡجَحِيۡمِ ﴿١١٩﴾

دهنده وبیم کننده، وپُرسیده نخواهد شد ترا از اهل دوزخ (١١٩) .

وَلَنۡ تَرۡضٰى عَنۡكَ الۡيَهُوۡدُ وَلَا النَّصٰرٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡ‌ؕ قُلۡ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الۡهُدٰى‌ؕ وَلَئِنِ اتَّبَعۡتَ اَهۡوَآءَهُمۡ بَعۡدَ الَّذِىۡ جَآءَكَ مِنَ الۡعِلۡمِ‌ۙ مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنۡ وَّلِىٍّ وَّلَا نَصِيۡرٍ ﴿١٢٠﴾

وهرگز خوشنود نشوند ازتویهودان ونه ترسایان تاآنکه پیروی کنی کیش ایشان را بگو هر آئینه هدایت خدا همانست هدایت واگر پیروی کردی آرزوهای باطلهٔ ایشان را پس ازآنچه آمده است بتو ازدانش نباشدترا برای خلاص ازعذاب خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده ای (١٢٠) .

اَلَّذِيۡنَ اٰتَيۡنٰهُمُ الۡكِتٰبَ يَتۡلُوۡنَهٗ حَقَّ تِلَاوَتِهٖ ؕ اُولٰٓئِكَ يُؤۡمِنُوۡنَ بِهٖ‌ؕ وَمَنۡ يَّكۡفُرۡ بِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الۡخٰسِرُوۡنَ ﴿١٢١﴾

آنانکه دادیم ایشان را کتاب (یعنی تورات) میخوانند آنراحق خواندن آن ایشان باور میدارند ویرا (هدایت خدارا) وهرکه منکروی باشد پس ایشانند زیان کاران[1] (١٢١) .

يٰبَنِىۡٓ اِسۡرَآءِيۡلَ اذۡكُرُوۡا نِعۡمَتِىَ الَّتِىۡٓ اَنۡعَمۡتُ عَلَيۡكُمۡ وَاَنِّىۡ فَضَّلۡتُكُمۡ عَلَى الۡعٰلَمِيۡنَ ﴿١٢٢﴾

ای بنی اسرائیل یادکنید آن نعمت مرا که انعام کرده ام برشما وآنکه فضل دادم شمارا بر همه عالمها (١٢٢) .

وَاتَّقُوۡا يَوۡمًا لَّا تَجۡزِىۡ نَفۡسٌ عَنۡ نَّفۡسٍ شَيۡـًٔـا وَّلَا يُقۡبَلُ مِنۡهَا عَدۡلٌ وَّلَا تَنۡفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَّلَا هُمۡ يُنۡصَرُوۡنَ ﴿١٢٣﴾

وحذرکنید ازآن روز که کفایت نه کند کسی ازکسی چیزیرا وپذیرفته نشود ازکسی بدل وسود ندهداورا شفاعت ونه ایشان یاری داده شوند[2] (١٢٣) .

---

(١) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه میکنند وآنانکه تصدیق نمی کنند تورات را نمی فهمند .

(٢) مترجم گوید ازین جا تاسیقول السفهاء خدای تعالی اثبات می فرماید نبوت پیغمبر مارا صلی الله علیه وسلم ازقصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکوراست و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیغمبر برای آن مبعوث اندورد میکند قول یهود را که حضرت یعقوب مارابه یهودیت وصیت کرده است واز تفریق =

وَاِذِ ابْتَلٰۤى اِبْرٰهٖمَ رَبُّهٗ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ ؕ قَالَ اِنِّىْ جَاعِلُكَ
لِلنَّاسِ اِمَامًا ؕ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِىْ ؕ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِى
الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٢٤﴾

ویادکن چون بیآزمودابراهیم را پروردگار او بسخنی چند، پس ابراهیم بانجام رسانید آنهارا، گفت خدا هر آئینه من می گردانم ترا پیشوای مردمان گفت ابراهیم واز اولاد من نیز (پیشوایان پیداکن ـ) فرمود نه رسد عهد (وحی) من بظالمان (١٢٤) .

وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاَمْنًا ؕ وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ
مُصَلًّى ؕ وَعَهِدْنَاۤ اِلٰۤى اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِيْنَ
وَالْعٰكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ ﴿١٢٥﴾

وآنگاه که قرار دادیم کعبه را مرجع مردمان ومحل امن وبگیرید ازجای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه و وحی فرستادیم بسوی ابراهیم و اسمعیل که پاك سازید خانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنندگان ورکوع سجده کنندگان (١٢٥) .

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهٗ مِنَ
الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ
فَاُمَتِّعُهٗ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهٗۤ اِلٰى عَذَابِ النَّارِ ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿١٢٦﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بسازاین مکان را شهر باامن و روزی ده ساکنان وی راازمیوه ها و روزی ده آنرا که ایمان آورد ازایشان بخدا وروز بازپسین فرمود خدا و کسیکه کافر شود بهره مندگردانمش اندکی پس به بیچارگی برانم اورا بسوی عذاب آتش ووی بدجای بازگشت است (١٢٦) .

وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهٖمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيْلُ ؕ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ؕ
اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿١٢٧﴾

آنگاه که بلندمی کردند ابراهیم واسمعیل بنیادهای خانه راگفتند ای پروردگار ماقبول کن ازما هر آئینه توئی شنوا دانا (١٢٧) .

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَاۤ اُمَّةً مُّسْلِمَةً

ای پروردگارما وبگردان مارا فرمان

= درانبیاء نهی میفرمایدیعنی معتقد بعضی باشد ومنکر بعضی .

لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا ۚ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ
الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾

بردارخودت و از اولاد ما بکن گروهی منقاد خودت وبنمامارا طریق عبادتهای ما وبمهربانی بازآ برما بدرستیکه توئی توبه پذیر مهربان (١٢٨) .

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيٰتِكَ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾

ای پروردگار مابفرست درمیان ایشان پیغامبری ازایشان بخواند برایشان آیتهای ترا وبیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاك كندايشان را هر آئینه توئی توانادانا (١٢٩) .

وَمَنْ يَّرْغَبُ عَنْ مِّلَّةِ إِبْرٰهِمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ ۚ وَلَقَدِ
اصْطَفَيْنٰهُ فِي الدُّنْيَا ۚ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
الصّٰلِحِينَ ﴿١٣٠﴾

وکیست که روبگرداند از کیش ابراهیم مگرآنکه در احمقی افگند نفس خودرا وهر آئینه برگزیدیم اورا درین سرای و هر آئینه او درسرای دیگر ازشائستگان است (١٣٠) .

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ ۙ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٣١﴾

آنگاه که گفت اورا پروردگار اوکه منقادشو گفت منقادشدم مر پروردگار عالمهارا (١٣١) .

وَوَصّٰى بِهَا إِبْرٰهِمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ ۖ يٰبَنِيَّ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى
لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾

ووصیت کرد باین کلمه ابراهیم پسران خودرا و یعقوب نیز فرزندانش را ای فرزندان من هر آئینه خدا برگزیده است برای شما این دین را پس (ازین جهان) نمیرید مگر مسلمان شده (١٣٢) .

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ ۙ إِذْ قَالَ
لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي ۖ قَالُوا نَعْبُدُ إِلٰهَكَ وَإِلٰهَ
آبَآئِكَ إِبْرٰهِمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ إِلٰهًا وَّاحِدًا ۚ
وَّنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾

آیاحاضر بودید آنگاه که پیش آمد یعقوب را موت آنگاه که گفت فرزندان خودرا چه چیزرا عبادت خواهید کرد بعدازمن گفتند عبادت کنیم معبودترا و معبود پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند عبادت کنیم آن معبود یگانه را وما او را منقادیم (١٣٣) .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

این گروهی است که درگذشت وی راست آنچه کسب کردند وشمارا است آنچه کسب کردید وشماپرسیده نخواهید شد ازآنچه آن گروه می کردند (١٣٤) .

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾

وگفتند شوید یهودیاترسا تاراه بیابید، بگو بلکه پیروی می کنیم بملت ابراهیم که حنیف بود ونبود ازاهل شرك (١٣٥) .

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ
مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾

بگوئید ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرود آورده شده بسوی ماو آنچه فرود آورده شده بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ذریت یعقوب وبآنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ را وآنچه داده شدند پیغامبران از پروردگار خویش تفریق نمی کنیم درمیان هیچ کس ازایشان وما برای حق عزوجل منقادیم (١٣٦) .

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا
فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾

پس اگر باور دارند اهل کتاب بآنچه باور داشتید شما پس راه یافتند واگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود با شد که کفایت کند ترا خدا بانتقام از ایشان واوست شنوا دانا (١٣٧) .

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ
عَابِدُونَ ﴿١٣٨﴾

قبول کردیم رنگ خدارا[1] وکیست بهتر ازخدا باعتبار رنگ وما اورا پرستندگانیم (١٣٨) .

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا

بگو آیا مکابره می کنید با ما درباب خدا واو پروردگار ماوشمااست وماراست

---

(١) یعنی دین اورا .

وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾

کردارهای ما و شما راست کردارهای شما وماواورا باخلاص پرستندگانیم (۱۳۹) .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾

آیامی گوئید که هر آئینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان او یهود بودند یا ترسابودند بگو شمادانا ترید یا خدا وکیست ستمگار تراز آنکه بپوشد آن‌گواهی را که نزدیك اوست ازجانب خدا ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (۱٤۰) .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾

این گروهی است که درگذشت ویراست آنچه کسب کردند وشماراست آنچه شماکسب کردید وپرسیده نخواهیدشد ازآنچه ایشان می کردند (۱٤۱) .

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا ۚ قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾

[(۱)] خواهند گفت بیخردان ازمردم چه چیز برگردانید ایشان را ازآن قبله که ایشان بودند برآن (یعنی از بیت المقدس) بگوخدار است مشرق و مغرب راه می نماید هر کرا خواهد بسوی راه راست (۱٤۲) .

(۱) چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت فرمود شانزده ماه یاهفتده ماه بطرف بیت المقدس نمازمی گذارد آرزو میکردکه خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل کرد قدنری تقلب الآیة بعد ازآن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سیقول السفهاء وبعد ازآن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد ودر بسیاری ازاحکام توحید وقصاص و حج و صوم وصدقه ونکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و ردّ وابطال شبهات مخالفین کردوسوال های ایشانراجواب داد واین سیاق ممتد است تا الم ترالی الذین خرجوا .

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً وَّسَطًا لِّتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُوْنَ
الرَّسُوْلُ عَلَيْكُمْ شَهِيْدًا ؕ وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِيْ كُنْتَ عَلَيْهَآ
اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَّتَّبِعُ الرَّسُوْلَ مِمَّنْ يَّنْقَلِبُ عَلٰى عَقِبَيْهِ ؕ
وَاِنْ كَانَتْ لَكَبِيْرَةً اِلَّا عَلَى الَّذِيْنَ هَدَى اللّٰهُ ؕ وَمَا كَانَ اللّٰهُ
لِيُضِيْعَ اِيْمَانَكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤٣﴾

وهم چنین ساختیم شمارا گروهی مختار تا گواه باشید برمردمان وتاباشد رسول گواه برشما ومقرر نکردیم آن قبله راکه بودی برآن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آنکه بدانیم کسی را که پیروی پیغمبر کند جداازآن کس که بازگردد بر هردوپاشنه خودوهر آئینه هست این خصلت دشوار مگر برآنانکه ایشانرا راه نموده است خدا وخدا ضائع نمی سازد گرویدنِ شمارا هر آئینه خدا بمردمان بخشاینده مهربان است (١٤٣) .

قَدْ نَرٰى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَآءِ ۚ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضٰىهَا ۖ فَوَلِّ
وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ
شَطْرَهٗ ؕ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ لَيَعْلَمُوْنَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّهِمْ ؕ
وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٤٤﴾

به تحقیق مامی بینیم گشتن روی تو درجانب آسمان[1] پس البته متوجه گردانیم ترابآن قبله که خوشنود شوی بوی پس متوجه گردان روی خودرا بطرف مسجد حرام وهرجاکه باشید پس متوجه گردانید روهای خویش رابطرف وی و هر آئینه اهل کتاب میدانند که این راست است ازپروردگار ایشان ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنند (١٤٤) .

وَلَئِنْ اَتَيْتَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ بِكُلِّ اٰيَةٍ مَّا تَبِعُوْا قِبْلَتَكَ ۚ
وَمَآ اَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ؕ
وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ

وهر آئینه اگر بیاری پیش اهل کتاب هرنشانه هرگز پیروی نکنند قبله تراونیستی تو پیروی کننده قبلهٔ ایشان را

(١) یعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کعبه باشد وتوجه به بیت المقدس یك چند مدت بنابر حکمت امتحان است .

الْعِلْمِ ۙ إِنَّكَ إِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٤٥﴾

ونیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعض دیگررا واگر توپیروی کنی خواهش های نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است بتوازدانش هر آئینه توباشی آنگاه ازستمگاران (١٤٥) .

الَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَعْرِفُوْنَهٗ كَمَا يَعْرِفُوْنَ اَبْنَآءَهُمْ ؕ وَاِنَّ
فَرِيْقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُوْنَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿١٤٦﴾

کسانیکه داده ایم ایشان را کتاب می شناسند * ویراچنانکه می شناسند فرزندان خویش را وهر آئینه گروهی ازایشان می پوشند حق را دانسته[٢] (١٤٦) .

اَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ ﴿١٤٧﴾

این درست است ازپروردگار تو پس مباش ازشك آرندگان (١٤٧) .

وَلِكُلٍّ وِّجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيْهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرٰتِ ؕ اَيْنَ مَا تَكُوْنُوْا
يَاْتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٤٨﴾

وهر کسی راجانبی هست که وی متوجه آنست پس شتاب کنید بسوی نیکی هاهرجا که باشید بیاردشمارا خدا جمع ساخته هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (١٤٨) .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَاِنَّهٗ
لَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ ؕ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٤٩﴾

وهرجا که روی پس متوجه کن روی خودرا جانب مسجد حرام وهر آئینه وی راست است ازپروردگار تو ونیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (١٤٩) .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَحَيْثُ
مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ شَطْرَهٗ ۙ لِئَلَّا يَكُوْنَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ ۙ
اِلَّا الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْهُمْ ۗ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِيْ ۗ وَلِاُتِمَّ
نِعْمَتِيْ عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿١٥٠﴾

وهر جاکه روی پس متوجه کن روی خودرا جانب مسجد حرام وهر جاکه باشید پس متوجه کنید رو های خویش را جانب وی تانباشد مردمان را الزام برشما مگر آنانکه ستم کردندازین جماعت پس

(☆) بعض علماء از ضمیر "يَعرِفُونَهُ" پیغمبر مرادگرفته اند والله اعلم (مصحح).

(١) یعنی حقیقت استقبال کعبه را .

مترسید از ایشان وبترسید ازمن وتاتمام کنم نعمت خودرا برشما وتابود که راه یابید[1] (١٥٠) .

كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ
وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾

چنانکه فرستادیم پیغامبری درمیان شماازقوم شما میخواند برشما آیت های مارا پاك می سازد شمارا ومی آموزدشمارا کتاب وحکمت ومی آموزد شمارا آنچه نمی دانستید (١٥١) .

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾

پس یادکنید مراتا یادکنم شمارا و سپاس گوئید مراو ناسپاسی من مکنید (١٥٢) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوٰةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ
الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

ای مسلمانان مددجوئید درتحصیل ثواب آخرت به صبر و نماز وهر آئینه خدا باصابران است (١٥٣) .

وَلَا تَقُولُوا لِمَن يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِن
لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾

ومگوئید کسی را که کشته شود درراه خدا که ایشان مردگانند بلکه ایشان زنده اند ولیکن شما درك نمی کنید (١٥٤) .

وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾

وهرآئینه بیازمائیم شمارا به چیزی ازترس و گرسنگی ونقصانِ مال ها وجان ها ومیوه ها و بشارت ده صابران را (١٥٥).

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ
رَاجِعُونَ ﴿١٥٦﴾

آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هر آئینه ما ازآن خدائیم وهر آئینه مابسوی وی بازخواهیم گردید (١٥٦) .

أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

این گروه برایشان است درودها از

---

(١) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره است برصدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نزدیك احبار یهود اگرچه سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمن .

پروردگار ایشان وبخشائش وایشانند راه یافتگان (١٥٧) .

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ اللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾

هر آئینه صفا و مروه ازنشانه های خدا است پس هرکه حج خانه کند یا عمره بجاآرد پس بزه نیست بروی درآنکه طواف کند درمیان این هر دو(١) وهرکه نیکی بجا آرد پس خدا قبول کننده دانا است (١٥٨) .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِن بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ ۙ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ﴿١٥٩﴾

هر آئینه آنانکه می پوشند آنچه فرود آورده ایم ازسخنان روشن و هدایت بعد ازآنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان درکتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا ولعنت میکنند ایشانرا لعنت کنند گان (١٥٩) .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾

مگر کسانیکه توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند وبیان کردند پس این گروه(بمهربانی) توبه می پذیرم از ایشان و منم توبه پذیر مهربان (١٦٠) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾

هر آئینه آنانکه کافرشدند ومردند درحال کافر بودن آن گروه برایشان است لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه یك جا (١٦١) .

خَالِدِينَ فِيهَا ۖ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾

همیشه باشند درآن لعنت سبك کرده نشود از ایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده شوند (١٦٢) .

---

(١) بعض اهل اسلام صفاومروه را ازشعائر طوا فیتگمان کرده ازآن دست بازداشتند ـ زیراکه درجاهلیت بالای صفا ومروه دوبت عبادت می‌شد ـ پس این آیه نازل شد .

وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

و معبود شما خدا یگانه است نیست هیچ معبود برحقی بجزوی بخشاینده مهربان است (١٦٣) .

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ
مِنَ السَّمَاءِ مِن مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾

هر آئینه در آفرینش آسمانها و زمین وآمدورفت شب و روز و آن کشتی که میرود در دریا بآنچه سود میدهد مردم را(یعنی بتجارت) ودرآنکه فرود آورد خدا ازآسمان آب پس زنده ساخت بسبب وی زمین را پس ازمردن آن و پراگنده ساخت در زمین هر نوع جنبنده و درگردانیدنِ بادها و در ابررام کرده شده میانِ آسمان و زمین هر آئینهَ نشانه هاست آن گروه را که درمی یابند (١٦٤) .

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ
اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ
يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ
اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾

وازمردمان کسی هست که مي‌گیرد بغیراز خدا همتایان را، دوست میدارند ایشان را مانند دوستی خدا وکسانیکه ایمان آوردند قوی تراند در دوستی خدا واگر ببینند ستمگاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می فهمند) اینکه قدرت و توانائی همه خدا را است واینکه خدا صاحب سخت عقوبت است (١٦٥) .

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾

درآن حالت که بیزار شوند پیشوایانِ کفر ازتابعان وببینند عذاب را وبریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیلها (١٦٦) .

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا
مِنَّا ۗ كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ ۖ
وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾

وگویند پیروی کنندگان کاش مارا باز گشتی باشد تابیزاری کنیم ازآن پیشوایان چنانکه بیزار شدند ایشان ازما هم چنین بنماید خدا در نظر ایشان کردارهای

ایشانرا پشیمانی ها برایشان ونیستند ایشان بیرون آیندگان از دوزخ (۱٦۷) .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾

ای مردمان بخورید حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است و پیروی مکنید گام های شیطان را هر آئینه او شمارا دشمن آشکار است[1] (۱٦۸) .

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ
مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

جزاین نیست که میفرماید شمارا به بدکاری وبی حیائی و بآنکه افترا کنید برخدا آنچه نمی دانید (۱٦۹) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ
مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ
لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾

و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید آنراکه فرود آورد خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزیرا که یافته ایم بروی پدران خویش را آیا تقلید می کنند اگرچه پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را وراه نمی یافتند (۱۷۰) .

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا
دُعَاءً وَنِدَاءً ۚ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾

ومثال کافران درنشنیدن پندپیغامبرودرك نکردن آن مانند حال کسی است که او آوازکند آنچه را که نشنود او (یعنی حیوانی که درك نکند) از آن آواز جزصدا و خواندن پس ایشان کران و گنگان و کورانند پس ایشان هیچ نمی فهمند (۱۷۱) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾

ای مسلمانان بخورید ازپاکیزه ها آنچه روزی دادیم شمارا و سپاس گوئید خدارا اگر هستید اورامی پرستید (۱۷۲) .

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ

جزاین نیست که حرام کرده است برشما مرداررا وخون را وگوشت خوك را وآنچه

---

(۱) مترجم گوید اهل جاهلیّت چیزهارا ازنزد خویش حرام ساخته بودند بحائر و سوائب خدای تعالی دررّدایشان نازل کرد (فتح الرحمن) .

لِغَيْرِ اللّٰهِ ۚ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۷۳﴾

آواز بلندکرده شود براوبغير نام خدا پس هرکه مضطر شود نه تعدی کننده ونه ازحد درگذرنده پس‌گناه نيست بروی (١) هر آئينه خدا آمرزنده مهربان است (٢) (١٧٣) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْتُمُوْنَ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَشْتَرُوْنَ بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۙ اُولٰۗىِٕكَ مَا يَاْكُلُوْنَ فِيْ بُطُوْنِهِمْ اِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ ښ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۱۷۴﴾

هر آئينه کسانيکه می پوشند آنچه فرود آورده است خدا از کتاب ومی ستانند عوض وی بهای اندك، آن جماعت نمی خورند در شکم های خود مگر آتش را وسخن نگويد بايشان خدا روز قيامت و نه پاك کند ايشان را و ايشان راست عذاب درد دهنده (١٧٤) .

اُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ ۚ فَمَآ اَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿۱۷۵﴾

ايشانند آنانکه خريد کردند گمراهی را عوض هدايت وعذاب را عوض آمرزش پس چه شکيبااندايشان بردوزخ (١٧٥).

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ نَزَّلَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ ۭ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اخْتَلَفُوْا فِي الْكِتٰبِ لَفِيْ شِقَاقٍۢ بَعِيْدٍ ﴿۱۷۶﴾

اين همه بسبب آنست که خدا فرود آورد کتاب را براستی وهر آئينه آنانکه اختلاف کردند در کتاب البته درمخالفت دوراند ازصواب (١٧٦) .

لَيْسَ الْبِرَّ اَنْ تُوَلُّوْا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ

نيست نکوکاری آنکه متوجه کنيد روی خودرا بطرف مشرق و

(١) يعنی درخوردن آن چيزها .

(٢) مترجم گويد که اگرگوئی که درين آيت حصر کرده شد تحريم را دراشياء مذکوره حالانکه درحديث سباع وحمار و مانند آن را نيز حرام شمرده است پس وجه تطبيق چه باشد گويم حصراضافی است به نسبت بحائرو سوائب که حرام می دانستند پس دربهيمة الانعام هيچ چيز حرام نيست غيراشياء مذکوره و درخبائث و سباع ومانند آن سخن نه داشتند والله اعلم .

وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيّٖنَ ۚ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ ۙ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ ۚ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ ۚ وَالْمُوْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا ۚ وَالصّٰبِرِيْنَ فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِيْنَ الْبَاْسِ ۗ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا ۗ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿١٧٧﴾

مغرب(١) ولیکن صاحب نکوکاری آنست(٢) که بخدا وروز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیغامبران ایمان آورد و بدهد مال را باوجود دوست داشتن آن مال به خویشاوندان و یتیمان و فقیران ومسافران را وسوال کنندگان را وخرج کند درباب بردها(٣) وبرپادارد نمازرا و بدهدزکوٰة را ووفا کنندگان برعهدخویش چون عهد کنند وصبر کنندگان درتنگ دستی وسختی وبوقت کارزار ایشانند راست گو وایشانند پرهیزگاران (١٧٧).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى ؕ اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى ؕ فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ مِنْ اَخِيْهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌۢ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ؕ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ ؕ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٧٨﴾

ای مسلمانان لازم کرده شد برشما قصاص درکشتگان (٤) آزاد در مقابلهٔ آزاد است (٥) وبنده درمقابلهٔ بنده وزن در مقابلهٔ زن پس کسی که درگذاشته شد از او چیزی را ازخون برادرش(٦) پس حکم او پیروی کردن است به نیکوئی(٧) ورسانیدن خون بهاست بوی به خوش خوئی(٨) این حکم سبک کردن است

---

(١) یعنی توجه جهت مشرق و مغرب چنانکه یهودونصاریٰ زعم می کنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است .

(٢) یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملتهادرآن اختلاف ندارند فتح .

(٣) یعنی درآزادی یا خلاصی بندگان مکاتب .

(٤) یعنی اعتبار مماثلث درکشتگان .

(٥) یعنی مثل اوست درحکم .

(٦) یعنی چیزی ازخون مسلمان مقتول .

(٧) یعنی وی دم به حسن معامله مطالبه کندنه به درشتی .

(٨) یعنی قاتل به خوش خوئی ادانماید نه به صعوبت .

ازپروردگار شماو مهربانی است پس هرکه ازحد گذرد بعد ازین ویراست عذاب درد دهنده (۱۷۸) .

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يّٰاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿۱۷۹﴾

وشمارا بسبب قصاص زندگانی است ای خداوندانِ خرد تاباشیدکه پرهیزگاری کنید[۱] (۱۷۹) .

كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرَاۨ ۚ الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ ۚ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۸۰﴾

لازم کرده شد برشما و قتیکه پیش آید کسی را ازشماموت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدرومادر ونزدیکان به نیکوئی لازم شد این کاربرمتقیان (۱۸۰) .

فَمَنْ بَدَّلَهٗ بَعْدَ مَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ ۚ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۱۸۱﴾

پس هرکه بدل کند وصیت را بعدازآنکه شنیدش پس جزین نیست که‌گناهِ تبدیل برآنکسان است که بدل می کنندآن وصیت را هر آئینه خدا شنوای داناست (۱۸۱) .

---

(۱) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضیع نمیکشتند ودر مقابله شریف چند کس ازوضیع میکشتند خدای تعالی نازل فرمودکه حکم الهی باعتبار مماثلت است دراجناس کشتگان باین معنی که احراررا حکم جداست که هرحرمثل حر دیگرست درآن حکم وعبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگرست درآن حکم و زنانرا حکم جداست که هرزن مثل زن دیگرست درآن حکم وامتیاز زنان ست حکم و درباب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی ازین اجناس مساوی ست بافرد دیگر هرچند بعضی شریف باشد و بعضبی وضیع و بعضی جمیل وبعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر وسنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان درمقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعض ورثه عفوکنند یا ازکشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دوم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که بخوشخوئی اداکند نه به بدخوئی .

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوْصٍ جَنَفًا اَوْ اِثْمًا فَاَصْلَحَ بَيْنَهُمْ
فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٨٢﴾

پس هرکه ترسید ازوصیت کننده ظلمی یا گناهی پس صلاح آرد درمیان ایشان پس هیچ گناه نیست بروی هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است[۱] (۱۸۲) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿١٨٣﴾

ای کسانیکه ایمان آوردند لازم کرده شد برشما روزه داشتن چنانچه لازم کرده شد برکسانیکه پیش ازشمابودند تاباشدکه پرهیزگاری کنید (۱۸۳) .

اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ ۭ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ عَلٰي سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ۭ وَعَلَي الَّذِيْنَ يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ
طَعَامُ مِسْكِيْنٍ ۭ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ ۭ وَاَنْ
تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١٨٤﴾

روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه باشد ازشما بیمار یا مسافر پس لازم است شمارا آن ازروزهای دیگر و لازم است برآنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیه[۲] که عبارت ازخوراك يك درویش است پس هرکه بجا آرد نیکی این پس بهتر است اورا وآنکه روزه دارید بهتر است شمارا اگر شمامی دانید[۳] (۱۸٤) .

---

(۱) حکم وصیت منسوخ است بآیت مواریث .

(۲) مضمون این آیت تخییر است درصوم و فدیه این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است برآنانکه میتوانند داد فدیه را دادن فدیه که عبارت ازطعام يك درویش است مراد صدقه الفطراست و سنت آنرا مقدر کردبه يك صاع خرما یا صاع از طعام پس آیت محکم باشدنه منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است برآنانکه میتوانند قضاکردن یعنی وقضانکردند تاآنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم .

(۳) فدیه دادن که عبارت ازطعام يك مسکین ست وآن مقدراست بیك مد واین حکم منقول است از قاسم وسعیدبن جبیر و همین است مذهب شافعی ودرین صورت نیز محکم است غیر منسوخ .

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْٓ اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ
وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ
الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۗ وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ۗ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿١٨٥﴾

ماه رمضان آن است که فرود آورده شد دروی قرآن راه نمای برای مردمان وسخنان روشن ازهدایت وازجداکردن حق و باطل پس هرکه دریابد ازشما آن ماه را پس البته روزه دارد آن را وهرکه بیمارباشد یا مسافر پس بروی لازم است شمار آنچه فوت شد از روزهای دیگر میخواهد خدا به شما آسانی ونمی خواهد بشما دشواری و میخواهد که تمام کنید شمار را وبه بزرگی یاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نمود شمارا وتاباشدکه شما شاکر شوید (١٨٥) .

وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِيْ عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ ۚ اُجِيْبُ دَعْوَةَ
الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لِيْ وَلْيُؤْمِنُوْا بِيْ لَعَلَّهُمْ
يَرْشُدُوْنَ ﴿١٨٦﴾

وچون استفسار کنندترا بندگان من ازحال من پس هر آئینه من نزدیك ام قبول می کنم دعای دعا کننده را وقتیکه دعاکندمرا پس باید که فرمانبرداری من کنند و باید که بگروند بمن تاباشد که راه یابند (١٨٦) .

اُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ اِلٰى نِسَآئِكُمْ ۗ هُنَّ
لِبَاسٌ لَّكُمْ وَاَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ ۗ عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ
تَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۚ فَالْـٰٔنَ
بَاشِرُوْهُنَّ وَابْتَغُوْا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوْا وَاشْرَبُوْا حَتّٰى
يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْاَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْاَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ۪
ثُمَّ اَتِمُّوا الصِّيَامَ اِلَى الَّيْلِ ۚ وَلَا تُبَاشِرُوْهُنَّ وَاَنْتُمْ
عٰكِفُوْنَ فِي الْمَسٰجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَقْرَبُوْهَا ۗ

حلال کرده شد برای شما درشبِ روزه مخالطت کردن با زنان خود ایشان بمنزلهٔ پوشش اند شمارا وشما بجای پوشش اید ایشان را دانست خدا که شماخیانت می کردید درحق خویشتن پس بمهربانی باز گشت برشما و درگذشت ازشما پس الآن مخالطت کنید بازنان و طلب کنید آنچه مقدر کرده است خدا برای شما(یعنی اولاد) و بخورید و به نوشید تاآنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید ازرشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ﴿١٨٧﴾

فجراست) پس ازآن تمام کنید روزه راتاشب ومساس نکنید زنان را درحالیکه شما معتکف باشید درمسجدها این ها منهیات خدا است پس نزدیك نشوید بآنها همچنین بیان می کند خداآیت های خود را برای مردمان تاپرهیزگاری کنند (١٨٧) .

وَلَا تَأْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوْا بِهَآ اِلَى الْحُكَّامِ لِتَاْكُلُوْا فَرِيْقًا مِّنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١٨٨﴾

و مخورید اموال خویش را درمیان خویشتن بناحق و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی برشوت) تابخورید پاره ای از اموال مردم به گناه (به ستم) درحالیکه شما میدانید (١٨٨) .

يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْاَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ ظُهُوْرِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى وَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ اَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿١٨٩﴾

می پرسند ترا[1] ازماه های بگو این ها میعاداند برای مردمان و برای حج [2] و نیست نیکوکاری آنکه درآئید درخانه های (در حالت احرام) ازپس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند و درآئید درخانه ها ازراه دروازه ها و بترسید ازخدا تا باشد که شما رستگار شوید (١٨٩) .

وَقَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ

وجنگ کنید درراه خدا بآنانکه جنگ می کنندباشما وازحد مگذرید هر آئینه خدا

(١) مترجم گوید ظاهرنزدیك این بنده آن ست که سوال کردند ازشهرحج که شوال و ذیقعده ونه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است بآنهایانه ویکی از تحریفات جاهلیت آن بود که درحالت احرام ازبالای دیوار جسته ویا ازسوارخ دیوارگذشته بخانه می آمدند واز راه دروازه نمی آمدند پس نازل شداین آیت .

(٢) یعنی تامردمان احرام حج بندند در آنها فتح الرحمن .

وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

دوست نمی دارد ازحد گذرندگان را (١٩٠) .

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُم مِّنْ حَيْثُ
أَخْرَجُوكُمْ ۚ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ
عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِن
قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ ۗ كَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾

و بکشید مشرکان را هرجاکه بیابیدایشان را وبیرون کنید ایشان را ازآنجا که بیرون کردند شمارا(یعنی ازمکه) و غلبه شرك سخت تر است ازقتل [1] وکارزار مکنید باایشان نزدیك مسجدحرام تاآنکه کارزار کنند باشما درآن جا پس ا گر بجنگند باشما پس بکشید ایشان را هم چنین است سزای کافران (١٩١) .

فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾

پس ا گر بازماندند پس هر آئینه خدا آمرزندۀ مهربان است (١٩٢) .

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ
لِلَّهِ ۖ فَإِنِ انتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾

وبجنگیدباایشان تاآنکه نابودشود شرك و شود دین محض برای خدا پس ا گر باز ماندند[2] پس نیست دست درازی مگر برستمگاران (١٩٣) .

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَنِ
اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ ۚ
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾

ماه حرام عوض ماه حرام است وحرمت شکنیهادارای قصاص است پس هرکه تعدی کند برشما پس دست درازی کنید بروی مانند دست درازئ وی برشما وبترسید ازخدا و بدانید که خدا باپرهیزگاران است[3] (١٩٤) .

---

(١) یعنی در مقابلۀ او قتل جائزاست .

(٢) یعنی ازشرك .

(٣) حاصل این آیات آنست که درمسجد حرام ودرشهرحرام ابتداء به قتال نباید کرد وچون کافران ابتدا کنند در مقابله ایشان باید جنگ کردن که این معنی باحرمت مسجد وشهر نزاع ندارد چنانکه ابتداء ازکشتن مسلمان درست نیست و ا گر خون=

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ۛ وَأَحْسِنُوا ۛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾

وخرج كنيد درراه خدا و ميفگنيد خويشتن را بسوى هلاكت ونيكوكارى كنيد هر آئينه خدا دوست مى دارد نيكوكاران را (١٩٥) .

وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ۚ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۖ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ ۚ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ۗ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

وتمام كنيد حج و عمره را براى خدا پس اگر بازداشت شويد لازم است آنچه سهل باشد ازقربانى و متراشيد سرهاى خودرا تاآنكه برسد قربانى بجائش[١] پس هركه باشد ازشما بيمار يا اورا رنجى باشد درسراو[٢] پس لازم است عوض آن از روزه يا صدقه ياقربانى پس چون ايمن شديد پس هركه بهره ورشدبه اداء عمره[٣] سپس به اداء حج (يعنى تمتع كرد يا قران) پس لازم است آنچه سهل باشد از قربانى پس هركه نيابد پس لازم است روزه داشتن سه روز دروقت حج وهفت روز وقتيكه بازگرديد ازسفراين يك ده تمام ست اين حكم آن راست كه نه باشد خانواده وى باشندۀ مسجد حرام و بترسيد ازخدا وبدانيد كه خدا سخت عقوبت ست[٤] (١٩٦) .

= ناحق ريخته باشد به قصاص ميتوان كشت و فقهاء بآن سبب تصريح نكرده اند كه اقامت حربيان به مكه بعد فتح مكه بودنى نيست والله اعلم .

(١) يعنى درحج رمى جمرة العقبه كنند بمنى و در عمره ازسعى بين الصفا والمروه فارغ شوندبه مكه والله اعلم .

(٢) يعنى شپش بسيار داشته باشد و باين سبب حلق كند پيش ازحلال شدن والله اعلم .

(٣) يعنى باموريمنوعه احرام بهره و رشد .

(٤) درين آيت چندحكم مذكور شده است و جواب اتمام حج و عمره بعداز شروع =

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَٰتٌ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ
وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ
اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ
وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾

حج موقت است بماه های دانسته شده[١] پس هر که لازم کردبرخود درین ماه هاحج را (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست ونه بدکاری ونه باهم مشاجره کردن درحج وهرچه می کنید ازنیکی میداند او را خدا وتوشه همراه گیرید هر آئینه بهترین فوائد توشه پرهیزگاری است (یعنی ازسوال و دزدی) وازمن بترسید ای خداوندان خرد (١٩٧) .

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ
فَإِذَا أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ
الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِن
كُنتُم مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾

نیست شمارا گناهی درآنکه طلب کنید درموسم حج روزی ازپروردگار خویش پس آنگاه که باز گردید ازعرفات پس یادکنید خدارا نزدیك مشعر حرام (یعنی بمزدلفه) ویاد کنید خدارا به شکر آنکه راه نموده است شمارا وهر آئینه بودید پیش ازین ازگمراهان (١٩٨) .

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٩﴾

پس بازگردیدازآنجا که باز میگردند عامه مردمان[٢] وآمرزش طلب کنید ازخدا هرآئینه خدا آمرزنده مهربانست (١٩٩) .

فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ
كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ

پس چون ادا کردید ارکان حج خویش را پس یاد کنید خدا را (یعنی درمنیٰ) مانند یاد کردن شما پدرانِ خویش را بلکه

= وحکم احصار وکفارت ارتکاب امورممنوعه احرام به عذر مرض و ماهیت تمتع ووجوب قربانی برمتمتع والله اعلم .

(١) یعنی شوال و ذیقعده و عشره ذالحجه .

(٢) مترجم گوید یعنی از عرفات نه ازمزدلفه چنانکه قریش تحریف کرده بودند و الله اعلم .

مَنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِى الدُّنْيَا وَمَا لَهٗ فِى
الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿٢٠٠﴾

زیاده تر یاد کردن پس ازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما بده مارا دردنیا ونیست اورا در آخرت هیچ نصیبی (۲۰۰) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّقُوْلُ رَبَّنَآ اٰتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَّفِى الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾

وازمردمان کسی هست که می گوید ای پروردگارما بده مارا دردنیا نعمت ودرآخرت نعمت و محفوظ دار مارا ازعذاب دوزخ (۲۰۱) .

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّمَّا كَسَبُوْا ؕ وَاللّٰهُ سَرِيْعُ
الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

این گروه ایشان راست بهره از ثواب آنچه بعمل آوردند (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زود کنندهٔ حساب است (۲۰۲) .

وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِىْٓ اَيَّامٍ مَّعْدُوْدٰتٍ ؕ فَمَنْ تَعَجَّلَ
فِىْ يَوْمَيْنِ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۚ وَمَنْ تَاَخَّرَ فَلَآ
اِثْمَ عَلَيْهِ ۙ لِمَنِ اتَّقٰى ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا
اَنَّكُمْ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٢٠٣﴾

و یاد کنید خدارا درچند روز شمرده شده (یعنی ایام منیٰ) پس کسی که شتاب کوچ کند دردو روز (یعنی ازمنیٰ) پس گناه نیست بروی وآنکه دیرماند پس گناه نیست بروی مرآنرا که پرهیزگاری کند وبترسید از خدا و بدانید که شما بسوی وی جمع آورده خواهیدشد[1] (۲۰۳) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّعْجِبُكَ قَوْلُهٗ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ
اللّٰهَ عَلٰى مَا فِىْ قَلْبِهٖ ۙ وَهُوَ اَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٠٤﴾

و ازمردمان کسی هست که بشگفت می آرد ترا سخن او درباب زندگانی دنیا و گواه می آرد خدا را برآنچه دردل ویست حال آنکه او سخت ترین ستیزندگان ست (۲۰٤) .

وَاِذَا تَوَلّٰى سَعٰى فِى الْاَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيْهَا وَيُهْلِكَ
الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ؕ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ﴿٢٠٥﴾

وچون ریاست پیداکند بشتابد درزمین تاتباهی کند درآن ونابود سازد زراعت

(۱) مترجم گویدبعدازین خدای تعالی تصویرمی فرماید حال کافران ومومنان را والله اعلم .

ومواشی را وخدا دوست ندارد تباه کاری
را (٢٠٥) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ
فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾

وچون گفته شود اورا بترس ازخدا حمل
کندش تکبر برگناه پس کفایت کنندهٔ وی
دوزخ است وهر آئینه وی بدجائیست
(٢٠٦) .

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ
اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾

وازمردمان کسی هست که میفروشد
خویش را برای طلب رضامندی خدا و
خدا مهربان است بر بندگان (٢٠٧) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ
كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ إِنَّهُ
لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

ای کسانیکه ایمان آوردید درآئید باسلام
همه یك جا وپیروی مکنید گامهای شیطان
را هر آئینه اوشمارا دشمن آشکاراهست
(٢٠٨) .

فَإِن زَلَلْتُم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنٰتُ
فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾

پس ا گر لغزیدید بعد ازآنکه آمد به شما
سخنان روشن پس بدانید که خدا غالب
داناست (٢٠٩) .

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ
الْغَمَامِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ
وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٢١٠﴾

انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن راکه
بیاید بایشان خدا در سایبان ها از ابر
وبیایند فرشتگان و بانجام رسانیده
شودکار وبسوی خدا بازگردانیده میشوند
کارها (٢١٠) .

سَلْ بَنِي إِسْرَآءِيلَ كَمْ آتَيْنٰهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ
وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ
فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾

بپرس از بنی اسرائیل چه قدر دادیم
ایشان را از نشانه های روشن وهرکه بدل
کند نعمت خدارا پس ازآنکه بیاید بوی
یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد
پس هر آئینه خدا سخت عقوبت ست
(٢١١) .

زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ

آراسته کرده شده است کافران را
زندگانی این جهان وسخریه می کنند

اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾

باهلِ ايمان وكسانيكه تقوى دارند بالا ترازايشان باشند روزقيامت و خدا روزى ميدهد هركرامى خواهد بى شمار (يعنى بسيار) (٢١٢) .

كَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيّٖنَ مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيْمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيْهِ اِلَّا الَّذِيْنَ اُوْتُوْهُ مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ بَغْيًاۢ بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَا اخْتَلَفُوْا فِيْهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهٖ وَاللّٰهُ يَهْدِىْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٢١٣﴾

بودند مردمان يك گروه[١] پس فرستاد خداى تعالى پيغامبران را بشارت دهنده وبيم كننده وفرود آورد بايشان كتاب به راستى تاحكم كند آن كتاب ميان مردمان درآنچه اختلاف كردند درآن[٢] واختلاف نه كردند درآن مگر كسانيكه داده شده بايشان كتاب (يعنى امت دعوت) بعد ازآنكه آمد بايشان نشانه ها ازجهت حسد درميان خويش پس راه نمود خدا مومنان را بآن حق كه اختلاف كردند دروى باراده‌ٔ خود و خدا راه مى نمايد كسى را كه خواهد بسوى راه راست[٣] (٢١٣).

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَّثَلُ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَآءُ وَالضَّرَّآءُ وَزُلْزِلُوْا حَتّٰى يَقُوْلَ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ اَلَآ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيْبٌ ﴿٢١٤﴾

آيا پنداشتيد اى مردمان كه درآئيد به بهشت حال آنكه هنوز پيش نيامده است شمارا حالت آنانكه گذشتند پيش ازشما رسيدبايشان سختى و محنت و جنبانيده شدند تاآنكه مى گفت پيغامبر وكسانيكه ايمان آوردند باوى كى باشد يارى دادن خدا آ گاه شويد كه هرآئينه يارى دادن

(١) يعنى پيش از آمدن هرپيغامبر متفق بودند بايك ديگر دردينِ او واختلاف نداشتند .

(٢) يعنى دراصول مختلف مى شوند .

(٣) حاصل آنست كه سُنة الله جارى شده است بآنكه بعد بعثت هر پيغامبر درامت دعوت اختلاف واقع مى شود ازان تنگدل نبايدشد والله اعلم .

خدا نزدیك است (٢١٤) .

يَسْـَٔلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ ۬ قُلْ مَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ خَيْرٍ
فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ
السَّبِيْلِ ؕ وَمَا تَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ﴿۲۱۵﴾

سوال می کنندترا که چه چیزرا خرج کنند بگو آنچه خرج کردید ازمال پس مادر و پدر را باید و خویشاوندان و یتیمان و درویشان ومسافران را و آنچه کنید ازنیکی پس هر آئینه خدا بوی داناست (٢١٥) .

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۚ وَعَسٰٓى اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْـًٔا
وَّهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَعَسٰٓى اَنْ تُحِبُّوْا شَيْـًٔا وَّهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ؕ وَاللّٰهُ
يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۲۱۶﴾

لازم کرده شد برشما جنگ وآن دشواراست شمارا و شاید که شماناخوش داریدچیزی راحال آنکه وی بهتر باشدشمارا وشاید که دوست دارید چیزی را حال آنکه وی بدباشدشمارا وخدا میداند وشمانمی دانید (٢١٦) .

يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيْهِ ؕ قُلْ قِتَالٌ فِيْهِ
كَبِيْرٌ ؕ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَكُفْرٌۢ بِهٖ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۗ
وَاِخْرَاجُ اَهْلِهٖ مِنْهُ اَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ وَالْفِتْنَةُ اَكْبَرُ مِنَ
الْقَتْلِ ؕ وَلَا يَزَالُوْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ حَتّٰى يَرُدُّوْكُمْ عَنْ
دِيْنِكُمْ اِنِ اسْتَطَاعُوْا ؕ وَمَنْ يَّرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ
فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَاُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِى

سوال می کنند ترا ازماه حرام از جنگ کردن درآن[1] بگو جنگ کردن دروی سخت کاری است و باز داشتن ازراه خدا وناگرویدن بخدا و باز داشتن از مسجد حرام وبیرون کردن اهل این مسجد ازوی سخت تر است نزدیك خدا وفتنه انگیختن[2] سخت تر است ازکشتن[3] وهمیشه باشند که جنگ می

---

(١) یعنی رجب، ذی القعده و ذی الحجه و محرم که درشریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند که در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه ؟ الله اعلم .

(٢) یعنی ترویج شرك .

(٣) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است و تحریم قتالِ مسلمین مغلظه میشود والله اعلم .

الدُّنْيَا وَالْأٰخِرَةِ ۚ وَأُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٢١٧﴾

کنند باشما تاآنکه بازگردانند شمارا ازدین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند وهرکه برگردد ازشما ازدین خود پس کافر بمیرد آن گروه نابود شد کارهای ایشان دردنیا و آخرت وایشانند باشندگان دوزخ ایشان درآنجا جاویدند (۲۱۷) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجٰهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۙ أُولٰٓئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللّٰهِ ۚ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢١٨﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وآنانکه هجرت کردند وجهادنمودند در راه خدا آن گروه امیدوارند بخشایش خدا را وخدا آمرزندۀ مهربان ست (۲۱۸) .

يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَّمَنٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ ۖ قُلِ الْعَفْوَ ۗ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْأٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾

سوال می کنند ترا ازشراب و قمار بگو درین هردوگناه بزرگ است و نفع هاست مردمان را (یعنی دردنیا) وگناه این هر دو بزرگ تر است از نفع آنها[۱] و سوال می کنند ترا چه چیز خرج بکنند بگوخرج کنید زیاده را[۲] هم چنین بیان می کند خدا برای شما آیت ها را تاباشدکه تأمل کنید (۲۱۹) .

فِي الدُّنْيَا وَالْأٰخِرَةِ ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ الْيَتٰمٰى ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ۖ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ ۚ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ۚ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَأَعْنَتَكُمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾

در مصلحتِ دنیا و آخرت وسوال می کنندترا از یتیمان بگو بصلاح آوردن کار ایشان بهتر است[۳] واگر مشارکت کنید بایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا میداند تباه کاررا از صلاح کار واگر خدا می‌خواست سخت می‌گرفت شمارا هر آئینه

---

(۱) یعنی حرام اندو به منافع التفات نه بایدکرد والله اعلم .

(۲) یعنی ازحاجت ضروری .

(۳) یعنی بغیر شرکت .

وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكٰتِ حَتّٰى يُؤْمِنَّ ۚ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن
مُّشْرِكَةٍ وَّلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَتّٰى يُؤْمِنُوْا ۚ
وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَّلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُولٰٓئِكَ
يَدْعُوْنَ إِلَى النَّارِ ۖ وَاللّٰهُ يَدْعُوٓا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ
بِإِذْنِهٖ ۚ وَيُبَيِّنُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۲۱﴾

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْمَحِيْضِ ۖ قُلْ هُوَ أَذًى ۙ فَاعْتَزِلُوا النِّسَآءَ فِي
الْمَحِيْضِ ۙ وَلَا تَقْرَبُوْهُنَّ حَتّٰى يَطْهُرْنَ ۚ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوْهُنَّ
مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللّٰهُ ۚ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ وَيُحِبُّ
الْمُتَطَهِّرِيْنَ ﴿۲۲۲﴾

نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوْا حَرْثَكُمْ أَنّٰى شِئْتُمْ ۖ وَقَدِّمُوْا
لِأَنفُسِكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا أَنَّكُم مُّلٰقُوْهُ ۗ وَبَشِّرِ

خدا غالب استوار کاراست (۲۲۰).

وبزنی مگیرید زنان مشرك را تاآنکه ایمان آرند و هر آئینه کنیز مسلمان بهتر است اززن مشرك اگر چه بشگفت آورده باشد شمارا و بزنی مدهید به مشرکان تاآنکه ایمان آرند (یعنی زنانِ مومنه را) و هر آئینه غلام مسلمان بهتر است از مشرك ا گرچه به شگفت آورده باشد شمارا[۱] گروه مشرکان می خوانند به سوی دوزخ وخدا می خواند بسوی بهشت و بسوی آمرزش بقدرت خود وبیان می کند آیتهای خودرا برای مردمان تاباشدکه پندپذیر شوند (۲۲۱)

و سوال می کنند ترا از حیض بگو که وی نجاست است پس یکسو شوید اززنان درحال حیض و نزدیکی مکنید بایشان تاآنکه پاك شوند پس چون نیك پاك شدند[۲] پس نزدیکی کنید باایشان ازآن راه که مباح کرده است شمار خدا (یعنی در قُبُلْ) هر آئینه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست میدارد پاك شوندگان را (۲۲۲) .

زنانِ شما کشت زارِ شمایند پس بیائید به کشت زار خویش هر روش که خواهید[۳]

(۱) یعنی هربنده از بندگان خداکه مومن باشد وهرکنیز از کنیز های‌خدا که مومنه باشد بهتر است ازمشرك و مشرکه والله اعلم .

(۲) یعنی غسل بجاآرند .

(۳) یعنی بهرگونه که بخواهید می‌توانید جماع کردن (نزدیکی باهمسران خود) یعنی =

الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾

وپیش فرستید یعنی اعمال صالحه را برای خویشتن و بترسید ازخدا و بدانید که شما باوی ملاقات خواهیدکرد و بشارت ده مسلمانان را (٢٢٣) .

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٤﴾

ومکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش برای اینکه نیکوکاری کنید و پرهیزگاری نمائید و صلاح آرید درمیانِ مردمان وخدا شنوای داناست[1] (٢٢٤) .

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾

موآخذه نمی کند شمارا خدا به بیهوده گوئی درسوگند های شما[2] ولیکن مواخذه می کند شمارا بآنچه که قصد کرده است دل های شما و خداآمرزندهٔ بردباراست (٢٢٥) .

لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ ۖ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾

مرآنکسان راکه ایلامی کنند اززنان خویش[3] انتظار کردن چهار ماه است پس ا گر باز گشتند یعنی ازین سوگند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست (٢٢٦) .

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾

وا گر قصد کردند جدائی راپس هر آئینه خدا شنوای داناست (٢٢٧) .

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ ۚ وَلَا يَحِلُّ

وآن زنان که طلاق داده شد ایشان را انتظار سه حیض یاسه طهر کنانند خویشتن را وجائز نیست ایشان را اینکه

= غلطانده و ازپس پشت وغیرآن به شرط آنکه در قُبُل باشد (یعنی در مکان معروف) .

(١) یعنی سوگند برای موقوف کردن کارنیك جائزنیست .

(٢) یعنی لاوالله و بلی والله بغیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم .

(٣) یعنی قسم می‌خورند که جماع نکنند .

لَهُنَّ اَنْ يَّكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ فِيْٓ اَرْحَامِهِنَّ اِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ وَبُعُوْلَتُهُنَّ اَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِيْ ذٰلِكَ اِنْ اَرَادُوْٓا اِصْلَاحًا ؕ وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِيْ عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ۪ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿۲۲۸﴾

پنهان کنندآنچه خدا آفریده است در رحمهای ایشان (یعنی ولد وحیض) اگر ایمان آورده اند بخدا و روز بازپسین وشوهران ایشان سزاوار تراند به بازآوردن ایشان درحباله خود درین مدت اگر خواهند نیکوکاری وزنان را هست مانند آنچه برزنان است بوجه پسندیده[۱] ومردان راهست برایشان بلندی یعنی فرمانروائی وخدا غالب استوار کا راست (۲۲۸) .

اَلطَّلَاقُ مَرَّتٰنِ ۪ فَاِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ تَسْرِيْحٌۢ بِاِحْسَانٍ ؕ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَاْخُذُوْا مِمَّآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ شَيْـًٔا اِلَّآ اَنْ يَّخَافَآ اَلَّا يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ؕ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا يُقِيْمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۙ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيْمَا افْتَدَتْ بِهٖ ؕ تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ فَلَا تَعْتَدُوْهَا ۚ وَمَنْ يَّتَعَدَّ حُدُوْدَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿۲۲۹﴾

طلاق (رجعی) دوباراست پس ازآن یانگاه داشتن ست بخوش خوئی یارها کردن به نکوئی وحلال نیست شمارا که بگیرید چیزی رااز آنچه داده ایدزنان را[۲] مگرآنگاه که بترسند مرد و زن که برپا نتوانند داشت احکام خدارا[۳] پس اگر بترسید ای مسلمانان ازآنکه برپاندارند این هر دو احکام خدارا پس گناه نیست برایشان درآنچه عوض خود داد زن، این حدهامقرر کرده خداست پس بیرون مروید ازآنها وهرکه بیرون رود ازحدود خدا پس آن گروه ایشانند ستمگاران (۲۲۹) .

فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهٗ مِنْۢ بَعْدُ حَتّٰى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهٗ ؕ فَاِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ اَنْ

پس اگرطلاق داد (یعنی بارسوم) پس هرگز حلال نمی شود این زن آن مرد را تا آنکه درآید به نکاح شوهر دیگر (یعنی

---

(۱) یعنی زنان را برمردان حق است چنانچه مردان را برزنان حق است .
(۲) یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد .
(۳) یعنی در معاشرت .

يَّتَرَاجَعَآ إِنْ ظَنَّآ أَنْ يُّقِيمَا حُدُوْدَ اللّٰهِ ۗ وَتِلْكَ
حُدُوْدُ اللّٰهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٢٣٠﴾

اودخول کند) پس ا گر طلاق دادش این شوهر دیگر پس گناه نیست برآن هر دو در آنکه بازگردند بنکاح باهم ا گر بدانند که برپامی توانند داشت احکام خدارا واین حدودِ خداست بیان میکندآن حدودرا برای قومی که میداند (۲۳۰) .

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ
فَأَمْسِكُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ أَوْ سَرِّحُوْهُنَّ بِمَعْرُوْفٍ ۠
وَلَا تُمْسِكُوْهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوْا ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ
ذٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهٗ ۗ وَلَا تَتَّخِذُوْٓا اٰيٰتِ اللّٰهِ
هُزُوًا ۚ وَّاذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَمَآ أَنْزَلَ
عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتٰبِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهٖ ۗ وَاتَّقُوا
اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا أَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٢٣١﴾

چون طلاق دادید زنان را پس رسید ند به میعاد خود[1] پس نگاه دارید ایشان را به نکوئی یارها کنید ایشان را به نکوئی ونگـاه مـداریـد ایشـان را بـرای ضرررسانیدن تا ستم کنید وهر که این کند پس هر آئینه ستم کردبرخود ومگیرید آیت های خدارا تمسخر ویادکنید نعمت خدارا برخویش وآنچه فرود آورد برشما ازکتاب وعلم که پندمیدهدشمارا بآن و بترسید از خدا وبدانید که خدا بهر چیز داناست (۲۳۱) .

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا
تَعْضُلُوْهُنَّ أَنْ يَّنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا
بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوْفِ ۗ ذٰلِكَ يُوْعَظُ بِهٖ مَنْ
كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۗ
ذٰلِكُمْ أَزْكٰى لَكُمْ وَأَطْهَرُ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ
وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٣٢﴾

وچون طلاق دادیدزنان را پس رسیدند به میعاد خود[2] پس منع مکنید ایشان را ازآنکه نکاح کنند باشوهران خویش[3] وقتیکه بایك دیگر راضی شدند درمیان خویش به روش پسندیده این حکم پندداده میشود بآن هر کسی را که مومن باشدازشما بخدا وروز قیامت واین

---

(۱) یعنی نزدیك رسیدند بانقضاعدّت .

(۲) یعنی عدتّ منقضی شد .

(۳) یعنی باشوهران سابق خود یاشوهران دیگرکه بایشان رغبت پیدا کردند .

وَالْوَالِدٰتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ
يُّتِمَّ الرَّضَاعَةَ ؕ وَعَلَى الْمَوْلُوْدِ لَهٗ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ؕ
لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَآرَّ وَالِدَةٌۢ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُوْدٌ
لَّهٗ بِوَلَدِهٖ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ ۚ فَاِنْ اَرَادَا فِصَالًا عَنْ
تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ؕ وَاِنْ اَرَدْتُّمْ اَنْ
تَسْتَرْضِعُوْٓا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا سَلَّمْتُمْ مَّآ اٰتَيْتُمْ
بِالْمَعْرُوْفِ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ بِمَا
تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۲۳۳﴾

وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُوْنَ اَزْوَاجًا يَّتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ
اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَّعَشْرًا ۚ فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
فِيْمَا فَعَلْنَ فِيْٓ اَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿۲۳۴﴾

کارخوشتراست وپاکیزه تر وخدا می داند وشمانمی دانید (۲۳۲) .

ومادران باید که شیردهند فرزندان خویش رادوسال تمام این حکم آن راست که خواهد تمام کردن مدت شیر را وبر پدر نفقه و پوشاك این زنان شیرده است بوجه پسندیده تکلیف داده نمی شود برهیچ کس الاقدرتوانائی او رنج نبایدداد مادر را بسبب فرزند وی ونه پدررا بسبب فرزند وی ولازم است بروصی مانننداین پس اگر بخواهند مادر و پدر ازشیر بازگرفتن (یعنی پیش ازدوسال) بعد رضامندی میان یکدیگر و مشورت کردن بایکدیگر پس هیچ گناه نیست برایشان وا گر خواهید که دایه گیرید برای فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست برشما چون تمام تسلیم نمودید آنچه دادنش را مقررکردید بخوش خوئی وبترسید ازخدا وبدانید که خدا به آنچه می کنید بیناست (۲۳۳) .

وکسانی که بمیرند ازشما وبگذارند زنان را بایدکه انتظارکنانداین زنان خویشتن را چهارماه و ده روز پس چون رسید نند به میعاد[1] خویش پس گناه نیست برشما درآنچه کردند درحق خویشتن بوجه پسندیده یعنی نکاح بطور شرع وخدا

---

(۱) یعنی به انقضاء عدّت .

بآنچه می کنید آ گاه ست (۲۳٤) .

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ
فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ
سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ
حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي
أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾

ونیست گناه برشما درسخنی که کنایت کردید بوی ازخواستگاری زنان یعنی درمیان عدّت یا پنهان داشتید دردلهای خود دانست خداکه شما یاد خواهید کرداین زنان را یعنی آشکارا بعد از عدّت ولیکن وعده ندهید بایشان نکاح را به پنهانی مگر آنکه گوئید سخنی پسندیده را یعنی بکنایت وقصد مکنید عقد نکاح را تاآنکه رسد میعاد مقرر به نهایتِ خود وبدانید که خدامی‌داند آنچه دردلهای شماست پس بترسید ازوی وبدانید که خدا آمرزنده بُردباراست (۲۳۵) .

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ
تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ
عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾

هیچ گناه نیست برشما ا گر طلاق دادید زنان را درآن وقت که هنوزدست نرسانیده ایدبایشان یا معین نکرده اید برای ایشان مقداری[1] وبهره دهید این چنین مطلقات را[2] لازم است برتوانگر مقدار حال او بهره دادن وبرتنگدست مقدارحال اوبهره دادن بخوشخوئی لازم شده برنیکوکاران (۲۳٦) .

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ
لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ
الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۚ وَ

وا گر طلاق داده اید زنان را پیش ازآنکه دست رسانید بایشان ومعین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه ببخشندزنان

---

(۱) یعنی مهر را .

(۲) یعنی پوشاك بدهید .

لَاتَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٢٣٧﴾

یادرگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد و آنکه درگذرید نزدیك تراست به پرهیزگاری وفراموش مکنید احسان کردن را درمیان خویش هر آئینه خدا بآنچه می کنید بیناست (۲۳۷) .

حَافِظُوْا عَلَى الصَّلَوٰتِ وَالصَّلٰوةِ الْوُسْطٰى ۚ وَقُوْمُوْا لِلّٰهِ قٰنِتِيْنَ ﴿٢٣٨﴾

پایبندی‌کنید برهمه نمازها وبرنماز میانه (یعنی خصوصًا برنماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان (۲۳۸) .

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَّا لَمْ تَكُوْنُوْا تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٣٩﴾

پس اگر ترسیدید یعنی از دشمن ومانند آن پس روان برپاهای خود نماز گذاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدارا چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید (۲۳۹) .

وَالَّذِيْنَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُوْنَ أَزْوَاجًا ۚ وَّصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ ۚ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْ مَا فَعَلْنَ فِيْ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوْفٍ ۗ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٤٠﴾

وآنانکه قبض روح ایشان کرده شود ازشما و بگذارند زنان را لازم کرده شد برایشان وصیت کردن برای زنان خویش بآنکه بهره دهند ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن پس اگر بیرون روند پس گناه نیست برشما درآنچه کردند درحق خویشتن ازکار پسندیده یعنی نکاح بطور شرع و خدا غالب استوار کاراست[1] (۲٤۰) .

وَلِلْمُطَلَّقٰتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوْفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ﴿٢٤١﴾

طلاق داده شدگانرا لازم است بهره مند ساختن بخوشخوئی یعنی نفقه وسکنی لازم کرده شد بر پرهیزگاران (۲٤۱) .

---

(۱) مترجم گوید این آیت نزدیك جمهور منسوخ است بآیت ﴿أربعة أشهروعشرا﴾ والله اعلم .

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ۝٢٤٢

همچين بيان ميكند خدا براى شمااحكامِ خودراتاباشد كه شما بفهميد(۲۴۲) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ خَرَجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوْفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ
فَقَالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوْتُوْا ثُمَّ اَحْيَاهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى
النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ۝٢٤٣

آيا نه ديدى اى بيننده بسوى كسا نيكه بيرون آمدندازخانه هاى خويش و ايشان هزاران بودندازبيم مرگ پس گفت ايشان را خدا بميريد بازرنده گردانيد ايشان را هر آئينه خدا صاحب بخشائش است برمردمان و ليكن اكثر ايشان سپاس نمى كنند (۲۴۳) .

وَقَاتِلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَاعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۝٢٤٤

وجنگ كنيد درراه خدا وبدانيد كه خدا شنواىداناست (۲۴۴) .

مَنْ ذَا الَّذِيْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ لَهٗ اَضْعَافًا
كَثِيْرَةً وَاللّٰهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝٢٤٥

كيست آنكه وام دهد خدارا وام دادن نيك پس چندبرابر سازد خدا آن مال را براى اوبمراتب بسيار و خدا تنگ مى سازد وكشاده مى كند روزى راو بسوى اوبازگردانيده شويد (۲۴۵) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الْمَلَاِ مِنْ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ مِنْ بَعْدِ مُوْسٰى ۘ اِذْ
قَالُوْا لِنَبِيٍّ لَّهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُّقَاتِلْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ قَالَ
هَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ اَلَّا تُقَاتِلُوْا ؕ قَالُوْا
وَمَا لَنَآ اَلَّا نُقَاتِلَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَقَدْ اُخْرِجْنَا مِنْ
دِيَارِنَا وَاَبْنَآئِنَا ؕ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا اِلَّا قَلِيْلًا
مِّنْهُمْ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالظّٰلِمِيْنَ ۝٢٤٦

آيانگاه نكردى بجمعى ازبنى اسرائيل بعد از موسىٰ چون گفتند مر پيغامبر خويش را كه بر انگيز براى ما بادشاهى تاجنگ كنيم درراه خدا گفت پيغامبر آيا نزديك هستيد ا گر واجب كرده شود بر شما جنگ اين كه جنگ نكنيد گفتند وچه شده است مارا كه جنگ نه كنيم درراه خدا وبتحقيق بيرون كرده شديم ازخانه هاى خويش وجدا كرده شديم ازفرزندان خويش پس آنگاه كه واجب كرده شد بر ايشان جنگ رو گردانيدند مگراندكى از ايشان و خدا داناست به ستمگاران (۲۴۶) .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ
قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ
مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ
عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللَّهُ يُؤْتِي
مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (٢٤٧)

وگفت مرایشان را پیغامبرایشان هر آئینه خدا پادشاه مقررکرده است برای شما طالوت را گفتند چگونه باشد اورا پادشاهی برما وماسزاوار تریم به پادشاهی ازوی وداده نشده است وی رافراخی درمال گفت هر آئینه خدا برگزیده است اورابرشما وداده است اورا فراخی دردانش و افزونی دربدن وخدا می‌بخشد پادشاهی خودرا بهر که خواهد وخدا جوادادانا است (٢٤٧) .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ
سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ
تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٢٤٨)

وگفت ایشان را پیغامبرایشان هر آئینه نشان پادشاهی اوآنست که بیاید به شماصندوقی که درآن آرام دلست از پروردگار شما وباقیمانده ازآنچه که گذاشتند آل موسیٰ و آل هارون برمیدارند اورا فرشتگان هر آئینه درین صورت نشانه است شمارا اگر باوردارنده اید (٢٤٨) .

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ
فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ
اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۚ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُ
هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۚ
قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ

پس چون جدا شد (یعنی ازوطن) طالوت بالشکرها گفت هر آئینه خدا آزمائش کننده است شمارا بجوئی پس هرکه بنوشدازآن جوی پس نیست ازآل من وهرکه نچشد آنرا پس اوازآل من است الّاآنکه برداردیك کف آب بدست خود پس آشامیدند ازآن جوی مگراندکی ازایشان پس آنگاه که گذشتند ازجوی طالوت و مومنان همراه اوگفتند نوشنلگان نیست توانائی مارا امروز بمقابله جالوت و لشکر های او گفتند آنانکه می

غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيْرَةًۢ بِإِذْنِ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٢٤٩﴾

که ایشان ملاقات خواهند کردباخدا بسا گروهِ اندك غالب شد برگروه بسیار بارادهٔ خدا وخدابا شکیبایانست (۲٤۹) .

وَلَمَّا بَرَزُوْا لِجَالُوْتَ وَجُنُوْدِهٖ قَالُوْا رَبَّنَآ اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَّثَبِّتْ اَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٥٠﴾

وآنگاه به میدان آمدند برای جنگ جالوت ولشکر های وی این صالحان گفتند ای پروردگار مابریزبرما شکیبائی ومحکم کن قدم های مارا و غلبه ده مارا برگروه ناگرویدگان (۲۵۰) .

فَهَزَمُوْهُمْ بِإِذْنِ اللّٰهِ ۙ وَقَتَلَ دَاوٗدُ جَالُوْتَ وَاٰتٰىهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهٗ مِمَّا يَشَآءُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْاَرْضُ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ ذُوْ فَضْلٍ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢٥١﴾

پس شکست دادندآن کفار را بتوفیق خدا و کشت داود جالوت را ودادخدای تعالی داود را پادشاهی و علم وبیآموخت اورا ازآنچه میخواست و اگر نمی‌بود دور کردن خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی هر آئینه تباه می‌شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشائش است برعالم ها (۲۵۱) .

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٢٥٢﴾

این هاآیات خداست میخوانیم آنرا برتو(ای محمد) براستی و هر آئینه توازپیغامبرانی (۲۵۲) .

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ ۘ مِنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللّٰهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجٰتٍ ۗ وَاٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَاَيَّدْنٰهُ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِيْنَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ مِّنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَلٰكِنِ اخْتَلَفُوْا فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ ۗ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلُوْا ۗ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ﴿٢٥٣﴾

این پیغامبران فضل دادیم بعضی را ازایشان بر بعضی، ازایشان کسی هست که بااوسخن گفت خدا و بلند کرد بعضی را درمرتبه ها ودادیم عیسیٰ پسر مریم را معجزه ها وقوت دادیم اورا بروح القدس و اگر می‌خواست خدا بایکدیگر قتال نمی کردند آنانکه پس ازایشان بودند پس ازآنکه آمد بایشان حجت ها ولیکن اختلاف کردند پس ازایشان کسی هست که ایمان آورد واز ایشان کسی هست که

كافرشده واگرمی‌خواست خدابایکدیگر
نمی جنگیدند ولیکن خدا میکند آنچه می
خواهد (٢٥٣) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْفِقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ
يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خُلَّةٌ وَّلَا شَفَاعَةٌ ۗ وَالْكٰفِرُوْنَ
هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٥٤﴾

ای مسلمانان خرج کنید ازآنچه روزی
دادیم شمارا پیش ازآنکه بیاید روزی که
خرید و فروش نیست درآن روز ونه
دوستی ونه سفارش و کافران ایشانند
ظالمان (٢٥٤) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ۚ لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ ۗ
لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ مَنْ ذَا الَّذِيْ يَشْفَعُ
عِنْدَهٗٓ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ۗ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۚ
وَلَا يُحِيْطُوْنَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ ۚ وَلَا يَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ﴿٢٥٥﴾

خدا آنست که هیچ معبود برحقی نیست
بجزوی زندهٔ تدبیر کنندهٔ عالم نمی گیرد
او را (پینکی) یعنی خواب سبك ونه
خواب اوراست آنچه درآسمانهاست
وآنچــه در زمیــن اســت کیســت آنکــه
شفاعت کند نزد اوالابحکم او میداند
آنچه پیش دست ایشان است و آنچه پس
پشت ایشان است وفرانمیگیرند مردمان
از معلومات حق چیزی را مگر بآنچه وی
خواسته است فرا گرفته است کرسی
اوآسمان ها و زمین را و گران نمی شود
بروی نگهبانی این هردو واو بلند مرتبهٔ
بزرگ قدراست (٢٥٥) .

لَآ اِكْرَاهَ فِي الدِّيْنِ ۟ۙ قَدْ تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَّكْفُرْ
بِالطَّاغُوْتِ وَيُؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقٰى ۗ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٥٦﴾

نیست جبرکردن برای دین[1] هر آئینه
ظاهر شده است راه یابی ازگمراهی پس
هرکه منکر طاغوت شود (یعنی معبودان
باطل) وایمان آرد بخدا پس هر آئینه

---

(١) یعنی حجت اسلام ظاهر شدپس گویاجبر کردن نیست ا گر چه فی الجمله به صبر
باشد والله اعلم .

چنگ زده است بدست آویزی محکم که نیست گُسِستن آنرا وخدا شنوای دانااست (٢٥٦) .

ٱللَّهُ وَلِيُّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُخْرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ ۖ
وَٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ أَوْلِيَآؤُهُمُ ٱلطَّٰغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ ٱلنُّورِ
إِلَى ٱلظُّلُمَٰتِ ۗ أُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٥٧﴾

خداکارسازِ مومنان است بیرون می آرد ایشانرا ازتاریکی ها بسوی روشنی وآنانکه کافراند کارسازانِ ایشان طاغوت است (یعنی معبودان باطل) بیرون می آرند ایشان را از روشنی بسوی تاریکی ها این جماعت باشندگان دوزخندایشان درآنجا جاویدند (٢٥٧) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى ٱلَّذِى حَآجَّ إِبْرَٰهِۦمَ فِى رَبِّهِۦٓ أَنْ ءَاتَىٰهُ ٱللَّهُ
ٱلْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَٰهِۦمُ رَبِّىَ ٱلَّذِى يُحْىِۦ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا۠
أُحْىِۦ وَأُمِيتُ ۖ قَالَ إِبْرَٰهِۦمُ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَأْتِى بِٱلشَّمْسِ مِنَ
ٱلْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ ٱلْمَغْرِبِ فَبُهِتَ ٱلَّذِى كَفَرَ ۗ وَٱللَّهُ
لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

آیاندیدی بسوی کسی که مکابره کرد باابراهیم دربارهٔ پروردگار او بخاطر آنکه داد او را خدا پادشاهی (یعنی نمرود) چون گفت ابراهیم پروردگار من آنست که زنده میکندومی میراند گفت آن کافرمن زنده می کنم ومی میرانم[١] گفت ابراهیم پس هر آئینه خدا می آرد خورشید را از مشرق پس توبیار آن را ازطرف مغرب پس مغلوب شدکافر وخدا راه نمی نماید گروه ستمگاران را (٢٥٨) .

أَوْ كَٱلَّذِى مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِىَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا
قَالَ أَنَّىٰ يُحْىِۦ هَٰذِهِ ٱللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۖ فَأَمَاتَهُ ٱللَّهُ
مِا۟ئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُۥ ۖ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۖ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا

یامانندآن شخصی که گذشت بردهی ووی افتاده بود برسقفهای خود[٢] گفت چگونه زنده کند این را خدا بعد از مردن آن

(١) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم .

(٢) مترجم گوید آن شخص عزیربود .

أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۖ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ
طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ ۖ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ
وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ ۖ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ
كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ
قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

پس میراند اورا خدای تعالی صدسال بعد ازآن برانگیختش گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یك روز یا پاره ای ازروز گفت بلکه درنگ کردی صدسال پس نگاه کُن به سوی طعام خود وآشامیدنی خود که متغیر نشده ونگاه کُن بسوی الاغ خود ومی خواهیم که گردانیم ترانشانه ای برای مردمان ونگاه کُن بسوی استخوانها چگو نه به حرکت درمی آوریم آن رابعد ازآن می پوشانیم برآن گوشت راپس چون واضح شدش این حال گفت به یقین می دانم خدا برهمه چیز تواناست (٢٥٩) .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أَوَلَمْ
تُؤْمِن ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً
مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ
جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۚ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

وآنگاه که گفت ابراهیم ای پروردگار من بنما مرا چگونه زنده می کنی مردگان را گفت خدا آیا باور نداری گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که آرام گیرد دل من[١] گفت خدا پس بگیر چهارعدد از پرندگان پس بهم آورهمه را نزدیك خود قطعه قطعه بعد ازآن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان بعد ازآن ندا کن ایشان را البته بیایند پیش توشتابان وبدان که خدا غالب استوار کار است (٢٦٠) .

مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ
حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ ۗ

صفت آنانکه خرج می کنند اموال خودرا درراه خدا مانند صفت یك دانه است که برویاند هفت خوشه رادرهرخوشه صد

(١) یعنی عین الیقین میخواهم والله اعلم .

وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾

دانه است و خدا چندبرابرمی دهد هرکرا خواهد وخداجوادداناست (٢٦١) .

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ
مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾

آنانکه خرج می کنند اموال خودرا درراه خدا بازازپی آن انفاق نمی آرند منّت نهادن را و نه ایذارسانیدن را ایشانراست مزدایشان نزد پروردگار ایشان نیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٢٦٢) .

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى
وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾

سخن ملائم گفتن ودرگذشتن[1] بهتر است ازآن خیرات که ازپی آن آزرده کردن باشد و خدا بی نیاز بُردباراست (٢٦٣) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى
كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ
وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾

ای مومنان تباه مکنید خیرات خودرا به منت نهادن و آزرده کردن همچوکسیکه خرج می کند مال خود رابرای نمودن مردمان وایمان ندارد بخدا و روزقیامت پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشداندك خاکی پس رسید بوی بارانی عظیم پس گذاشت اوراسخت وصاف مانده، توانائی ندارند اهل ریا برچیزی ازآنچه عمل کردند وخدا راه نمی نماید گروه کافران را[2] (٢٦٤).

---

(١) ازبی ادبی سائل .

(٢) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان و مرائی دردنیا می‌نماید که عمل است و در آخرت نابود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه برسنگی خاك افتاده باشدو بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محوشود والله اعلم .

وَمَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ
وَ تَثْبِيْتًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍۭ بِرَبْوَةٍ اَصَابَهَا وَابِلٌ
فَاٰتَتْ اُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ ۚ فَاِنْ لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ ؕ وَاللّٰهُ
بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٢٦٥﴾

وصفت آنانکه خرج می کنند مال های خویش راازجهت طلب رضامندی خدا وبسبب اعتقاد ناشی ازدلِ خویش مانند صفت باغی است بمکان بلند که رسید بوی بارانی عظیم پس آورد میوهای خودرا دوچندان وا گر نمی رسید اورا باران عظیمی پس شبنم کفایت میکرد و خدا بآنچه می کنید بیناست(۱) (٢٦٥) .

اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُوْنَ لَهٗ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّاَعْنَابٍ
تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ لَهٗ فِيْهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ ۙ
وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهٗ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ ۚۖ فَاَصَابَهَآ
اِعْصَارٌ فِيْهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ
لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ ﴿٢٦٦﴾

آیا دوست میدارد یکی ازشماکه باشد اورا باغی ازدرختانِ خرماوانگور می رود زیرآن جویها مراورا هست درآن باغ هر جنس ازمیوها ورسیده باشد اورا کلان سالی و باشد اورا اولاد ناتوان پس درین حالت رسید آن باغ را گردبادی که درآن آتش است پس پاك بسوخت همچنین واضح می سازد خدا برای شما آیتها را تاباشد که تأمل کنید(۲) (٢٦٦) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَنْفِقُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ
اَخْرَجْنَا لَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ ۪ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيْثَ مِنْهُ
تُنْفِقُوْنَ وَلَسْتُمْ بِاٰخِذِيْهِ اِلَّاۤ اَنْ تُغْمِضُوْا
فِيْهِ ؕ وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ﴿٢٦٧﴾

ای مومنان خرج کنید ازپاکیزه های آنچه شما کسب کردید واز پاکیزه های آنچه بیرون آوردیم برای شما اززمین وقصد مکنید ناپاك را ازآن خرج میکنید آن را ونیستید گیرنده آن مگر وقتیکه چشم پوشی کنید در گرفتن آن وبدانید که خدا

(۱) مترجم گوید حاصل این مثل آن ست که عمل اهل اخلاص فائده ها میدهداز سابقین باشد یا ازاصحاب یمین .

(۲) حاصل این مثل آن ست که عمل منان و مرائی دروقت شدت احتیاج نابود شود چنانکه بوستان این شخص دروقت شدت احتیاج به سوخت .

بی نیاز ستوده است (٢٦٧) .

اَلشَّيْطٰنُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَآءِ ۚ وَاللّٰهُ يَعِدُكُمْ مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ۗ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٦٨﴾

شیطان وعده میدهد به شما تنگدستی را ومی فرماید به بی حیائی شمارا وخدا وعده می کند به شما آمرزش را ازجانب خود و نعمت دادن را وخدا جواد دانا است (٢٦٨) .

يُّؤْتِى الْحِكْمَةَ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ اُوْتِىَ خَيْرًا كَثِيْرًا ۗ وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾

میدهدحکمت را هرکه را خواهد وهرکه داده شد اورا حکمت پس هر آئینه داده شدنیکوئی بسیار وپندپذیر نه می شوند مگر خداوندانِ خرد (٢٦٩) .

وَمَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ اَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُهٗ ۗ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿٢٧٠﴾

وآنچه خرج کردید ازخیرات ویالازم کردید برخود از نذری پس هر آئینه خدا میداند آنرا ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (٢٧٠) .

اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقٰتِ فَنِعِمَّا هِىَ ۚ وَاِنْ تُخْفُوْهَا وَتُؤْتُوْهَا الْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّاٰتِكُمْ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿٢٧١﴾

ا گر آشکار کنید خیرات را پس نیکو چیز است آن وا گر پنهان کنید آنرا وبدهید آن را به فقیران پس این بهتراست شمارا ودور سازد ازشما بعض گناهان شمارا وخدا بآنچه می کنید آ گاه است (٢٧١) .

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدٰىهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِىْ مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَلِاَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْنَ اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللّٰهِ ۗ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ يُّوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ ﴿٢٧٢﴾

لازم نیست برتو(ای محمد) هدایت ایشان[1] لیکن خدا هدایت می‌کند هرکرامی خواهد و آنچه خرج کردیدازمال پس نفع برای ذات شماست ولائق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا وآنچه خرج کردیداز مال به تمام رسانیده شود بسوی شما (یعنی ثواب) او، وشما ستم کرده نخواهید

(١) یعنی ایصال مطلوب الی الله .

شد (۲۷۲) .

لِلْفُقَرَآءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ
أَغْنِيَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمٰهُمْ لَا يَسْـَٔلُونَ
النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾

خیرات برای آن فقیرانست که بندکرده شدند در راهِ خدا[1] نمی توانند سفر کردن در زمین، توانگر می پندارد ایشان رانادان بسبب طمع نه کردن تومی شناسی ایشان را به قیافه ایشان سوال نمی کنند ازمردمان بالحاح وآنچه خرج کنید ازمال پس هر آئینه خدا بآن دانا است (۲۷۳) .

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا
وَّعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾

کسانیکه خرج می کنندااموال خویش را شب وروز پنهان و آشکارا پس ایشان راست مُزدایشان نزد پروردگار ایشان ونیست ترس برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۲۷٤) .

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبٰوا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ
مِثْلُ الرِّبٰوا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا فَمَنْ جَآءَهُ
مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ فَانْتَهٰى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ
وَمَنْ عَادَ فَأُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٢٧٥﴾

کسانیکه میخورند سودرا برنه خیزند یعنی از گور مگر چنانکه برمی خیزد کسی که دیوانه ساخت اورا شیطان به سبب آسیب رسانیدن، این بسبب آنست که سود خوران گفتندجزاین نیست که سودا گری مانند سود است وحالانکه حلال کرده است خدا سودا گری را و حرام ساخته سود را پس کسی که آمد بوی پند ازجانب پروردگاراو پس بازماند ازین کار پس اوراست آنچه گذشت و کاراو مفوض است بخدا[2] وهر که

---

(۱) یعنی بسبب اشغال بجهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم .

(۲) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته بازگردانیدنش لازم نیست والله اعلم .

بازگشت بسود خوری[۱] پس آن گروه باشندگان دوزخ اندایشان درآنجاجاویدند (۲۷۵) .

يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي الصَّدَقٰتِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
كَفَّارٍ اَثِيْمٍ ﴿٢٧٦﴾

نابودمی سازد خدا برکت سود را و افزون می سازد برکت خیرات را و خدا دوست ندارد هرناسپاس گنهگاررا (۲۷۶) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ
وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٢٧٧﴾

هر آئینه کسانیکه ایمان آورده اند وکردند کارهای شائسته وبرپاداشتند نمازرا ودادند زکوٰة را مرایشان راست مُزد ایشان نزدِ پرورد گار ایشان ونیست ترس بر ایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (۲۷۷) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوْا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوٓا
اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٢٧٨﴾

ای کسانیکه ایمان آوردید بترسید ازخدا وترك کنید آنچه مانده است ازسود ا گر هستید ازاهل ایمان (۲۷۸) .

فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا فَاْذَنُوْا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ۚ وَاِنْ
تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوْسُ اَمْوَالِكُمْ ۚ لَا تَظْلِمُوْنَ
وَلَا تُظْلَمُوْنَ ﴿٢٧٩﴾

پس ا گر نه کردید پس خبردار باشید به جنگی ازطرف خدا ورسول او وا گر توبه کردید پس شما راست اصل مال های شما نه شما ستم کنید ونه برشماستم کرده شود (۲۷۹) .

وَاِنْ كَانَ ذُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ ۚ وَاَنْ تَصَدَّقُوْا
خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٢٨٠﴾

وا گر باشد مفلسی پس لازم است مهلت دادن تاتوانگری وآنکه خیرات کنید بهتر است شماراا گر هستید داننده (۲۸۰) .

وَاتَّقُوْا يَوْمًا تُرْجَعُوْنَ فِيْهِ اِلَى اللّٰهِ ۗ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ
مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٢٨١﴾ ع

وبترسید ازآن روزکه باز گردانیده شوید درآن بسوی خدا پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است وایشان ستم کرده نه شوند(۲۸۱) .

---

(۱) یعنی بعد ازتحریم .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى
فَاكْتُبُوْهُ ۭ وَلْيَكْتُبْ بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌۢ بِالْعَدْلِ ۠ وَلَا يَاْبَ كَاتِبٌ اَنْ
يَّكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْيَكْتُبْ ۚ وَلْيُمْلِلِ الَّذِيْ عَلَيْهِ الْحَقُّ
وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْـــًٔا ۭ فَاِنْ كَانَ الَّذِيْ عَلَيْهِ
الْحَقُّ سَفِيْهًا اَوْ ضَعِيْفًا اَوْ لَا يَسْتَطِيْعُ اَنْ يُّمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ
وَلِيُّهٗ بِالْعَدْلِ ۭ وَاسْتَشْهِدُوْا شَهِيْدَيْنِ مِنْ رِّجَالِكُمْ ۚ فَاِنْ
لَّمْ يَكُوْنَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَّامْرَاَتٰنِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ
الشُّهَدَاۗءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدٰىهُمَا فَتُذَكِّرَ اِحْدٰىهُمَا الْاُخْرٰى ۭ
وَلَا يَاْبَ الشُّهَدَاۗءُ اِذَا مَا دُعُوْا ۭ وَلَا تَسْـــَٔـمُوْٓا اَنْ تَكْتُبُوْهُ
صَغِيْرًا اَوْ كَبِيْرًا اِلٰٓى اَجَلِهٖ ۭ ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمُ
لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰٓى اَلَّا تَرْتَابُوْٓا اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً حَاضِرَةً
تُدِيْرُوْنَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَلَّا
تَكْتُبُوْهَا ۭ وَاَشْهِدُوْٓا اِذَا تَبَايَعْتُمْ ۠ وَلَا يُضَاۗرَّ كَاتِبٌ
وَّلَا شَهِيْدٌ ڛ وَاِنْ تَفْعَلُوْا فَاِنَّهٗ فُسُوْقٌۢ بِكُمْ ۭ
وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ وَيُعَلِّمُكُمُ اللّٰهُ ۭ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ٢٨٢

ای مومنان ا گرمعامله کنید بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر پس بنو یسید آن را وباید که بنویسد میان شما نویسنده بانصاف وسربازنزنند نویسنده ازآنکه نویسد چنانچه آموخته است اورا خدا پس بایدکه وی بنویسد واملاء کندآنکه وام بذمهٔ وی است وبایدکه بترسد ازخدا پروردگار خود و نقصان نکند ازآن وام چیزی را پس ا گر باشد کسیکه وام بذمهٔ وی است بی خرد یا ناتوان یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگذاراو بانصاف و گواه گیرید دوشاهد را ازمردان خویش[1] پس ا گر نه باشند دومرد پس یك مرد ودوزن کفایت است ازکسانیکه رضامند باشید از گواهان[2] تا ا گر فراموش کندیك زن یاد دهاند یکی دیگررا وباید که سرباز نه زنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند ومانده مشوید ازآنکه نویسید حق را اندك باشد یابسیارتا میعاد وی این باانصاف تر است نزدِ خدا ودرست تر برای گواهی وقریب تر ازآنکه درشك نشوید مگر وقتیکه باشد آن معامله سوداگری دست بدست که دستگردان می کنید آن رامیان خویش پس نیست برشما گناه درآنکه نه نویسید آن را و گواه گیرید هر گاه که خرید و فروخت

(١) یعنی ازمسلمانان .
(٢) یعنی از مسلمانان امین متقی .

کنید وباید که رنج داده نشود نویسنده ونه گواه واگر بکنید این کار را پس هر آئینه این گناه است شمارا وبترسید از خدا ومی آموزدشمارا خدا وخدا بهر چیز داناست (٢٨٢) .

وَاِنْ كُنْتُمْ عَلٰى سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدُوْا كَاتِبًا فَرِهٰنٌ مَّقْبُوْضَةٌ ؕ فَاِنْ
اَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِى اؤْتُمِنَ اَمَانَتَهٗ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ
رَبَّهٗ ؕ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ؕ وَمَنْ يَّكْتُمْهَا فَاِنَّهٗۤ اٰثِمٌ قَلْبُهٗ ؕ
وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٢٨٣﴾

وا گر مسافر باشید ونیابید نویسنده را پس لازم است گروبدست آورده شده پس ا گر امین داند گروهی از شما گروهی را پس باید که اداکند آن کس که امین دانسته شد امانت خود را وباید که به ترسد از خدا پروردگار خود وپنهان نکنید گواهی را وهر که پنهان کند آن را پس هر آئینه گناهگار است دل او خدا بآنچه می کنید آ گاه است (٢٨٣) .

لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ؕ وَاِنْ تُبْدُوْا مَا فِىۤ
اَنْفُسِكُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللّٰهُ ؕ فَيَغْفِرُ لِمَنْ
يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٢٨٤﴾

خدا راست آنچه در آسمان هاست وآنچه در زمین است وا گر آشکار کنید آنچه دردل شما است[1] یاپنهان دارید آنرا البته حساب آن بگیرد ازشما خدا پس بیامرزد کسی را که خواهد وعذاب کند کسی را که خواهد وخدا برهمه چیز تواناست (٢٨٤) .

اٰمَنَ الرَّسُوْلُ بِمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْهِ مِنْ رَّبِّهٖ وَالْمُؤْمِنُوْنَ ؕ
كُلٌّ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ ۟ لَا نُفَرِّقُ

باور داشت پیغامبر آنچه فرودآورده شد بسوی اواز پروردگار اوومومنان نیز همه ایمان آوردند بخدا و فرشتگانِ اُو وکتاب های اُوو پیغامبران اُو و گفتند فرق نمی

(١) یعنی ازقسم نفاق و اخلاق وحسدو نصیحت ومثل آن نه از قسم حدیث نفس والله اعلم .

بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ
غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

گذاریم میان هیچ کسی ازپیغامبران او[۱] وگفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم میخواهیم آمرزش توای پروردگار ماوبسوی تواست باز گشت (۲۸۵) .

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا
اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا
وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن
قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا
وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

خدا واجب نمی کند برهیچ کس الامقدار طاقت او مراوراست آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگار مابعقوبت مگیر مارا اگر فراموش کنیم یا خطاکنیم ای پروردگار ماومنه برسرمابار گران چنانکه نهادی آنرا برکسانیکه پیش ازمابودند ای پروردگار ماومنه برسرماآنچه توانائی آن نیست مارا و درگذرازما وبیامرزمارا وبه بخشای مارا توئی خداوند ماپس غلبه ده مارابر گروه کافران (۲۸۶) .

سُورَةُ آلِ عِمْرَانَ

سوره آل عمران مدنی است و آن دو صد آیت و بیست رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمٓ ﴿١﴾

الٓمٓ (۱) .

اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿٢﴾

خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحقی مگر اوزندهٔ تدبیرکنندهٔ عالم است (۲) .

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
وَأَنزَلَ التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ ﴿٣﴾

فرود آورد برتو کتاب را براستی باور دارندهٔ آنچه پیش دست وی است و فرود آورد تورات و انجیل را (۳) .

---

(۱) یعنی بعض را معتقد و بعض رامنکرنمی باشیم .

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ۗ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ۗ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝٤

پیش ازین برای راه نمودن بمردمان و فرود آورد قرآن را هرآئینه کسانیکه کافر شدند بآیات خدا ایشانراست عذابِ سخت وخدا غالب صاحب انتقام است (٤) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ ۝٥

هر آئینه بر خدا پوشیده نمی شود چیزی در زمین ونه در آسمان (٥) .

هُوَ الَّذِيْ يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَآءُ ۗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝٦

او آنست که صورت می بندد شمارا در ارحام چنانچه خواهد نیست هیچ معبود برحق بجز اوغالب استوار کاراست (٦) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ مِنْهُ اٰيٰتٌ مُّحْكَمٰتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتٰبِ وَاُخَرُ مُتَشٰبِهٰتٌ ۗ فَاَمَّا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُوْنَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَآءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَآءَ تَاْوِيْلِهٖ ۚ وَمَا يَعْلَمُ تَاْوِيْلَهٗٓ اِلَّا اللّٰهُ ۘ وَالرّٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ يَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِهٖ ۙ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۚ وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۝٧

او آنست که فرود آورد برتو کتاب بعضی ازآن آیت های واضح است آنجمله اصل کتاب است وبعضی دیگر محتمل معانی باهم مشتبه پس اماکسانیکه دردل ایشان کجی است پیروی می کنند آنرا که متشابه است ازآن کتاب برای طلب فتنه وطلب تأویل آن ونمیداند مراد آن را مگر خدا و ثابت قدمان در علم می گویند ایمان آوردیم باین متشابه این همه از نزدِ پروردگار ماست و پندپذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد (٧) .

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ۝٨

می گویند ای پروردگار ماکج مکن دلهای مارا بعد ازآنکه راه نمودی مارا وعطا کن برای مازنزد خود رحمت هر آئینه توئی عطا کننده (٨) .

رَبَّنَآ اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيْهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ

ای پروردگارما هرآئینه توجمع کنندهٔ مردمانی درآن روز که هیچ شک نیست

الْمِيعَادَ ﴿٩﴾

درآن هر آئینه خدا خلاف نمیکند وعده را (۹) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١٠﴾

هر آئینه آنانکه کافر شدند دفع نکند ازایشان اموال ایشان ونه اولاد ایشان از عذاب خدای تعالی چیزی را وایشانند آتش انگیز دوزخ (۱۰) .

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١١﴾

حال ایشان مانند حال آل فرعون است وآنانکه پیش ازایشان بودند دروغ داشتند آیاتِ مارا پس گرفت ایشانرا خدا بسبب گناهان ایشان وخدا سخت عقوبت است (۱۱) .

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۚ
وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾

بگو کافران را که مغلوب خواهید شد وبرانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ وبدجایگاه است او (۱۲) .

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۖ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ ۚ وَاللَّهُ
يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾

بتحقیق هست شمارا نشانه درآن دو قوم که بهم آمدند[1] یك گروه جنگ میکرد در راه خدا و گروهِ دیگر کافر بودند می دیدند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش بدیدهٔ چشم وخدا قوت میدهد به نصرت خود هرکرا خواهد هر آئینه درین واقعه پندی هست خداوندانِ بصیرت را (۱۳) .

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ
الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۗ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ

آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس اززنان و فرزندان و خزانه های جمع ساخته اززر وسیم واسپانِ نشانمند ساخته وچهار پایان

---

(۱) یعنی روزبدر والله اعلم .

وَاللّٰهُ عِنْدَهٗ حُسْنُ الْمَاٰبِ ﴿١٤﴾

وزراعت، این ست بهرهٔ زندگانی دنیا و نزدِخداست بازگشتِ نیك (١٤).

قُلْ اَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذٰلِكُمْ ۭ لِلَّذِيْنَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ
جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَاَزْوَاجٌ
مُّطَهَّرَةٌ وَّرِضْوَانٌ مِّنَ اللّٰهِ ۭ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

بگو(ای محمد) آیا خبردهم شمارا بآنچه بهتر است ازین مرمتقیان را باشد نزد پروردگار ایشان بوستان ها می رود از زیرآن جویها جاوید باشندگان درآن و باشند زنانِ پاکیزه وباشند خوشنود از خدا و خدابیناست به بندگان (١٥) .

اَلَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اِنَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَقِنَا
عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾

آنانکه می گویند ای پروردگارما هرآئینه ماایمان آوردیم پس بیامرزمارا گناهان ماو نگاهدار مارااز عذاب آتش (١٦) .

اَلصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالْقٰنِتِيْنَ وَالْمُنْفِقِيْنَ
وَالْمُسْتَغْفِرِيْنَ بِالْاَسْحَارِ ﴿١٧﴾

شکیبایان وراست گویان وفرمانبرداران وخرج کنندگان و آمرزش خواهندگان دراوقات سحر (١٧) .

شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۙ وَالْمَلٰۗىِٕكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ
قَاۗىِٕمًۢا بِالْقِسْطِ ۭ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿١٨﴾

گواهی[(١)] دادخدا[(٢)] آنکه نیست هیچ معبود برحقی مگراو و گواهی دادند فرشتگان و خداوندانِ دانش درآن حال که خداتدبیر کنندهٔ عالم ست بعدل، نیست هیچ معبود برحقی مگر او غالب استوار کار است (١٨) .

اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ الْاِسْلَامُ ۣ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِيْنَ
اُوْتُوا الْكِتٰبَ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَاۗءَھُمُ الْعِلْمُ بَغْيًۢا

هر آئینه دین معتبر نزد خدا اسلام است و اختلاف نه کردند (یعنی درقبول اسلام)

---

(١) مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع می فرماید درمناظره اهل کتابین و ردِّ شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان واین قصه ممتداست تاقوله واذغدوت من اهلك .

(٢) یعنی آشکار ساخت .

بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ
الْحِسَابِ ﴿١٩﴾

اهل کتاب مگر بعد ازآنکه آمد بایشان دانش[1] ازروی حسد درمیان خویش وهرکه کافر باشد بآیت های خدا پس هر آئینه خدا زود گیرندهٔ حساب است (١٩) .

فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ
وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ
أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ۗ
وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾

پس ا گر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس بگومنقاد ساختم روی خود را برای خدا وهر که پیروی من کرد نیز منقادساخت وبگو باهل کتاب وبناخوانندگان آیا اسلام آوردید پس ا گر اسلام آوردند به تحقیق راه یافتند وا گر روی گرانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن وخدا بیناست به بندگان(٢٠) .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ
بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ
النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾

هر آئینه کسانیکه کافر می شوند بآیتهای خدا ومی کشند پیغامبران را بناحق ومی‌کشند آنان را که بعدل می‌فرمایند ازمردمان پس خبرده ایشانرا بعذاب درد دهنده (٢١) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

این گروه آنند که نابود شد عمل های ایشان در دنیا و آخرت ونیست ایشان را یاری دهنده (٢٢) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ
اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه داده شدند پاره ای ازعلم کتاب خوانده می شوند بسوی کتاب خدا تاحکم کند میان ایشان پس رومی گرداند گروهی از ایشان اعراض کنان (٢٣) .

(١) یعنی حقیقت حال دانستند .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۖ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

این بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز نرسد بما آتش دوزخ مگر روزی چند شمرده شده و فریفت ایشان را در دین ایشان آنچه افترا میکردند (٢٤) .

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾

پس چگونه بُوَد حال وقتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که هیچ شك نیست درآن و تمام داده شود هر شخصی را جزاء آنچه عمل کرده و ایشان ستم کرده نشوند (٢٥) .

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ ۖ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾

بگوبار الٰها ای خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی هرکرا خواهی و بازمی گیری پادشاهی ازهر که خواهی و ارجمند می‌سازی هرکرا خواهی و خوار می سازی هرکرا خواهی بدست تست نیکی هر آئینه توبرهمه چیز توانائی[1] (٢٦) .

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۖ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾

درمی آری شب را در روز ودرمی آری روزرا در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هرکرا می خواهی بی‌شمار (٢٧) .

لَّا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَمَن يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ

بایدکه دوست نگیرند مسلمانان کافران را بجز اهل ایمان وهرکه این کند پس نیست درچیزی ازآن خدا[2] مگر آنکه دفع شرایشان کنید بنوعی ازحذر کردن

---

(١) مترجم گوید که درامراین دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران ـ .

(٢) یعنی درعهد خدا نیست .

نَفْسَهٗ ؕ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿۲۸﴾

وبرحذر می‌دارد شمارا خدا از خود و بسوی خدا بازگشت است (۲۸) .

قُلْ اِنْ تُخْفُوْا مَا فِىْ صُدُوْرِكُمْ اَوْ تُبْدُوْهُ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ ؕ
وَيَعْلَمُ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ
شَىْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۲۹﴾

بگوا گر پنهان کنید آنچه درسینه های شماست یا آشکار کنیدش می داندآن را خدا و میداند آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا برهمه چیز تواناست (۲۹) .

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا ۖۚ وَّمَا عَمِلَتْ مِنْ
سُوْٓءٍ ۚ تَوَدُّ لَوْ اَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهٗۤ اَمَدًاۢ بَعِيْدًا ؕ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ
نَفْسَهٗ ؕ وَاللّٰهُ رَءُوْفٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿۳۰﴾

آن روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه عمل کرده است از نیکی وآنچه کرده است ازبدی دوست داردکه کاش بودی درمیان وی ودرمیـان آن بـدی مسـافتـی دور وبرحذ رمی دارد شمارا خدا ازخود و خدا بسیار مهربان است بربندگان (۳۰) .

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّوْنَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُوْنِىْ يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
ذُنُوْبَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۳۱﴾

(ای محمد) بگو ا گر دوست می دارید خدارا پس پیروی من کنید تا دوست دارد شمارا خدا وبیامرزدشمارا گناهان شماو خدا آمرزندهٔ مهربان است (۳۱) .

قُلْ اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ
لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۳۲﴾

بگوفرمان برید خدارا و پیغامبر را پس ا گر روگر دانند پس هر آئینه خدا دوست ندارد کافران را [1] (۳۲) .

اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰۤى اٰدَمَ وَنُوْحًا وَّاٰلَ اِبْرٰهِيْمَ وَاٰلَ عِمْرٰنَ عَلَى
الْعٰلَمِيْنَ ﴿۳۳﴾

هر آئینه خدا بر گزید آدم را و نوح را و آل ابراهیم را و آل عمران را برعالمها (۳۳) .

ذُرِّيَّةًۢ بَعْضُهَا مِنْۢ بَعْضٍ ؕ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿۳۴﴾

درحالتیکه این جماعت نسلی بودند

---

(۱) مترجم گوید که نصاریٰ باحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم درباب عیسیٰ علیه السلام گفتگو کردند حق سبحانه این آیات نازل ساخت بعد از نزول این آیتهانصاریٰ را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند .

بعضی آن پیدا شده ازبعضی و خدا
شنوای دانا است (٣٤) .

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي
مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۖ إِنَّكَ أَنتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾

آنگاه که گفت زن عمران ای پروردگار
من هر آئینه من نیاز تو کردم آنچه
درشکم من است آزاد کرده[1] پس قبول
کن ازمن هر آئینه توئی شنوای‌دانا(٣٥) .

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ
بِمَا وَضَعَتْ ۚ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَىٰ ۖ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ
وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾

پس چون بزاد دخترراگفت ای پروردگار
من هر آئینه زادم این را دختر وخدا
داناست بآنچه وی بزاد گفت آن زن
ونیست پسر مانند دختر[2] و هر آئینه
نامیدم اورا مریم و هر آئینه من درپناه تو
می‌گذارم او را و نسل اورا ازشیطان
ملعون (٣٦) .

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا
زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا
رِزْقًا ۖ قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ ۖ
إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

پس قبول کرد مریم را پروردگار اوبه
قبول نیك وپالیده ساخت اورا پالیدن
نیك وخبر گیر ساخت بروی زکریا را
هرگاه داخل می‌شد زکریا برمریم در
مسجد می‌یافت نزد اوروزی را[3] گفت
ای مریم ازکجاست تراااین روزی گفت
اواز نزدِ خداست هر آئینه خدا می‌دهد
روزی هرکرا می خواهد بی شمار (٣٧) .

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً
طَيِّبَةً ۖ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾

آن وقت طلب کرد زکریااز‌پررودگار خود
گفت ای پروردگار من عطا کن مرا ازنزدِ

(١) یعنی ازخدمت والدین معاف داشته .
(٢) یعنی دختر خدمت بیت المقدس رانمی شاید .
(٣) یعنی میوهٔ زمستان درتابستان ومیوهٔ تابستان در زمستان .

خودنسل پاك هر آئينه تو شنواى دعائى (٣٨) .

فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُّصَلِّيْ فِي الْمِحْرَابِ ۙ
أَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَسَيِّدًا
وَّحَصُوْرًا وَّنَبِيًّا مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٣٩﴾

پس ندا كردند اورا فرشتگان واوايستاده بود نمازمى گذارد در عبادت گاه، كه خدا بشارت مى دهدترا به يحيى باشد باوردارنده كلمه ازجانب خدا[١] وسردار وپارسا و پيغامبرى ازنيكوكاران (٣٩) .

قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَّقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَاَتِيْ
عَاقِرٌ ۗ قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿٤٠﴾

گفت اى پروردگار من چگونه پيدا مى‌شود براى من فرزندى و رسيده است مراكلان سالى وزن من نازاهست، گفت همچنين خدا ميكند آنچه مى خواهد (٤٠) .

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْٓ اٰيَةً ۗ قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ
ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمْزًا ۗ وَاذْكُرْ رَّبَّكَ كَثِيْرًا وَّسَبِّحْ
بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ﴿٤١﴾

گفت اى پروردگار من معّين كن براى من نشانى[٢] فرمودكه نشان تو آنست كه سخن نه توانى گفت بامردمان سه روزمگر باشارت ويادكن پروردگار خودرابسيار و تسبيح بگوبه شام و صباح (٤١) .

وَاِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ يٰمَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰىكِ
وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰىكِ عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٢﴾

وآنگاه كه گفتند فرشتگان اى مريم هر آئينه خدا بر گزيدترا وپاك ساخت ترا وبر گزيدترا برزنان عالمها (٤٢) .

يٰمَرْيَمُ اقْنُتِيْ لِرَبِّكِ وَاسْجُدِيْ وَارْكَعِيْ مَعَ الرّٰكِعِيْنَ ﴿٤٣﴾

اى مريم فرمانبردارى كن پرورد گار خودرا وسجده كن ونمازگذار بانماز گذاران (٤٣) .

ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ ۗ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ

(اى محمد) اين ازخبرهاى غيب است وحى مي كنيم آنرا بسوى تو وتو نبودى

(١) يعنى عيسىٰ راباور دارد .
(٢) يعنى نشان حمل آن فرزند .

إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ ۖ وَمَا كُنتَ
لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾

نزد آن قوم چون می انداختند قلمهای خویش را[1] تاکدام کس از ایشان خبر گیر مریم شود و نبودی نزد ایشان آنگاه که باهم منازعه می کردند (٤٤) .

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ
الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

آنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم هر آئینه خدابشارت می دهدترابه کلمه ای از جانب خود که نام اومسیح عیسیٰ پسر مریم است باآبرو دردنیا و آخرت واز مقرّبان بارگاه حضرت عزت است(٤٥) .

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾

وسخن گوید به مردمان در گهواره ووقت کهن سالی وباشد از شائستگان (٤٦) .

قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ ۖ قَالَ
كَذَٰلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ
لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾

گفت ای پروردگار من چگونه شود مرا فرزند ودست نرسانیده است بمن هیچ آدمی فرمود همچنین خدا پیدا میکند هرچه می خواهد چون سرانجام میکند کاری پس جزاین نیست که میگوید اورا که بشوپس میشود (٤٧) .

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ ﴿٤٨﴾

وبشارت دادکه می آموزد اورا خدا کتاب و دانش وتورات و انجیل را(٤٨) .

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ
أَنِّي أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنفُخُ فِيهِ
فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ ۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ
وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ
إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾

و گرداند اورا پیغامبری بسوی بنی اسرائیل باین دعوی که آورده ام پیش شمانشانه ای ازپروردگار شما اینکه هر آئینه من می سازم برای شما از گِل مانندِ شکل پرنده پس می‌دَمَم درآن پس باشد پرنده ای به حکم خدا وبه می کنم کور مادرزاد را وبرص داررا (یعنی پیسی

(١) یعنی قرعه می انداختند .

را) وزنده می سازم مُرد گان رابه حکم خدا وخبر می دهم شمارا بآنچه میخورید وآنچه ذخیره می نهید درخانه های خود هر آئینه دراین کار نشانه است شمارا ا گر باور دارند ه اید (٤٩) .

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِأُحِلَّ لَكُم بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُم بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿٥٠﴾

وآمده ام باور دارندۀ آنچه پیش دست من است از تورات و آمده ام تاحلال گردانم برای شما بعض آنچه حرام شده بود برشما وآوردم نزد شمانشانه از پرورد گار شما پس بتر سید ازخدا و فرمان من برید(٥٠) .

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾

هر آئینه خدا پرورد گار من و پرورد گار شماست پس پرستش کنید اورااین است راه راست[1] (٥١) .

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

پس آنگاه که دریافت عیسیٰ ازقوم خود کفررا گفت کیستند یاری دهند گان من بسوی خدا گفتند حواریان مائیم یاری دهند گان خدا ایمان آوردیم به خدا وگواه باش که ما فرمانبرداریم (٥٢) .

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾

ای پرورد گار ما ایمان آوردیم بآنچه فرود آوردی و پیروی کردیم پیغمبررا پس بنویس ماراباشاهدان[2] (٥٣) .

وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾

نقشه کشیدند و خداوند چاره جوئی کرد و خداوند[3] بهترین چاره جویان

(١) القصه این بشارت درحق عیسیٰ علیه السلام متحقق شد و یهود را بدین خوددعوت نمود .

(٢) یعنی درزمرۀ شهداء که اکمل امت اند والله اعلم .

(٣) یعنی بآن کافران .

است (٥٤) .

إِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسٰىٓ اِنِّيْ مُتَوَفِّيْكَ وَرَافِعُكَ اِلَيَّ
وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَجَاعِلُ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْكَ
فَوْقَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ۚ ثُمَّ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ
فَاَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيْمَا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ﴿٥٥﴾

آنگاه که گفت خدااى عیسیٰ هر آئینه من برگیرنده توأم[١] وبردارنده توام بسوی خـود و پـاك كنـندۀ تـوام از صحبـت کسانیکه کافرشدند و گردانندۀ تابعان توام بالای کافران[٢] تاروزقیامت بازبسوی من است باز گشت شما پس داوری می‌کنم میان شما درآنچه اختلاف می کردید اندرآن (٥٥) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَاُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا فِي
الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۡ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٥٦﴾

اماکافران پس عذاب کنم ایشان را به عذاب سخت دردنیا و آخرت ونیست ایشان را یاری دهنده (٥٦) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ
اُجُوْرَهُمْ ۭ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٥٧﴾

واماکسانیکه ایمان آوردنـد وکـردنـد کارهای شائسته پس تمام دهد خدا ایشانرا مزدایشان وخدا دوست نمی دارد ظالمان را (٥٧) .

ذٰلِكَ نَتْلُوْهُ عَلَيْكَ مِنَ الْاٰيٰتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيْمِ ﴿٥٨﴾

این رامی خوانیم (یا محمد) برتو که ازآیتها و کتاب حکیم است (٥٨) .

اِنَّ مَثَلَ عِيْسٰى عِنْدَ اللّٰهِ كَمَثَلِ اٰدَمَ ۭ خَلَقَهٗ
مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿٥٩﴾

هر آئینه حال عیسیٰ نزدِ خدا مانند حال آدم است آفرید اوراازخاك باز گفت اورا بشو پس شد[٣] (٥٩) .

اَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْمُمْتَرِيْنَ ﴿٦٠﴾

ایـن سخـن راسـت اسـت ازپـروردگـار توپس مباش ازشك آرندگان (٦٠) .

فَمَنْ حَآجَّكَ فِيْهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ

پس هرکه مکابره کند باتودربارۀ عیسیٰ

---

(١) یعنی ازین جهان .
(٢) یعنی غالب بر ایشان .
(٣) یعنی انسان شد .

تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَآءَنَا وَاَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ
وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَّعْنَتَ اللّٰهِ
عَلَى الْكٰذِبِيْنَ ﴿٦١﴾

بعد ازآنچه آمد بتو از دانش پس بگوبیائیدتابخوانیم فرزندانِ خودرا و فرزندانِ شمارا وزنانِ خودرا و زنانِ شمارا وذات های خودرا و ذات های شمارا پس همه بزاری دعا کنیم پس لعنت خدا گوئیم بردروغگویان (٦١) .

اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ ۚ
وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٦٢﴾

هر آئینه این ست خبرراست و نیست هیچ معبود برحقی بجزخدا وهر آئینه خدا غالب استوار کاراست (٦٢) .

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِالْمُفْسِدِيْنَ ﴿٦٣﴾

پس ا گر روگردانیدند پس خدا داناست به تباه کاران (٦٣) .

قُلْ يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍۢ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهٖ شَيْـًٔا وَّلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا
بَعْضًا اَرْبَابًا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُوْلُوا
اشْهَدُوْا بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ ﴿٦٤﴾

بگوای اهل کتاب بیائید بسوی سخنی مسلّم میان ما وشما که نه پرستیم بجز خدا و شریك نسازیم باوی چیزی دیگررا و پروردگار نگیردبعض ازما بعض دیگررا بجز خدا پس ا گر روی گردانیدند پس بگوئید که گواه باشید ما مسلمانیم (٦٤) .

يٰۤاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تُحَآجُّوْنَ فِيْۤ اِبْرٰهِيْمَ وَمَاۤ اُنْزِلَتِ التَّوْرٰىةُ
وَالْاِنْجِيْلُ اِلَّا مِنْۢ بَعْدِهٖ ۚ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٥﴾

ای اهل کتاب چرامکابره می کنید دربارۂ ابراهیم[1] وفرود آورده نه شده است تورات و انجیل مگر بعد ابراهیم آیا نمی‌فهمید (٦٥) .

هٰۤاَنْتُمْ هٰۤؤُلَآءِ حَاجَجْتُمْ فِيْمَا لَكُمْ بِهٖ
عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّوْنَ فِيْمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهٖ عِلْمٌ ۚ
وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦٦﴾

آ گاه شوید شما ای قوم مکابره کردید درآنچه شمارا بوی دانش است پس چرامکابره می کنید در آنچه شمارا بوی دانش نیست و خدامی داند وشما

---

(١) یعنی بعض گفتند یهودی بود و بعض گفتند نصرانی بود .

نمی‌دانید[١] (٦٦) .

مَا كَانَ إِبْرٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَّلَا نَصْرَانِيًّا وَّلٰكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾

نه بود ابراهیم یهودی ونه نصرانی ولیکن بود حنیف مسلمان ونه بود ازشرك آرند گان[٢] (٦٧) .

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرٰهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا ۗ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾

هر آئینه نزدیك ترین مردم بابراهیم آن کسان بودند که پیروی او کردند یعنی درزمان اوواین پیغامبرو مومنان وخدا کارساز مومنان است (٦٨) .

وَدَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ ۖ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّآ أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾

آرزو کردند طائفه ای ازاهل کتاب که گمراه سازند شمارا و گمراه نمی سازند مگر خویشتن را وآگاه نیستند (٦٩) .

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

ای اهل کتاب چراکافرمی شوید بآیتهای خدا حال آنکه خود شما گواهی میدهید (٧٠) .

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبٰطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٧١﴾

ای اهل کتاب چرا خلط می کنید حق را به باطل وچرا می‌پوشید حق را و حال آنکه شما میدانید (٧١) .

وَقَالَتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ اٰمِنُوا بِالَّذِيٓ أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ اٰمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوٓا اٰخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾

و گفتند گروهی ازاهل کتاب[٣] ایمان آریدبآنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز وانکار کنید آخرآن روز تاشاید که مسلمانان بر گردند[٤] (٧٢) .

---

(١) یعنی درمسائل منصوصه درتورات اختلاف کردید تاچه رسد بغیر منصوصه .

(٢) مترجم گوید حنیف آنرامی گفتند که استقبال کعبه کند وحج گذارد وختنه نمایدواز جنابت غسل کند حاصل آنکه نام کسی بُوَد که بشریعت ابراهیمی متدین باشد .

(٣) یعنی بایکدیگر .

(٤) یعنی درشك افتند .

وَلَا تُؤْمِنُوٓا۟ إِلَّا لِمَن تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ ٱلْهُدَىٰ هُدَى ٱللَّهِ أَن يُؤْتَىٰٓ أَحَدٌ مِّثْلَ مَآ أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَآجُّوكُمْ عِندَ رَبِّكُمْ ۗ قُلْ إِنَّ ٱلْفَضْلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾

ومنقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شماکند بگو (یامحمد) هر آئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه داده شده اید شما، یا گروهی الزام دهند شمارا نزد پروردگار شمابگونعمت بدست خدا ست می دهدآن را بهرکه خواهد و خدا فراخ نعمتِ داناست (۷۳).

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

مختص می گرداند به بخشائش خود هرکراخواهد و خدا صاحبِ فضلِ عظیم است (۷٤).

وَمِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مَنْ إِن تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِۦٓ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا۟ لَيْسَ عَلَيْنَا فِى ٱلْأُمِّيِّۦنَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ ٱلْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

وازاهل کتاب کسی هست که اگر امین داری اورا بخزانه بازدهداو را بتو وازایشان کسی هست که اگر امین داری اورا بیك دینار بازندهد آنرابتو مگر تاوقتیکه باشی برسراوایستاده واین خیانت بسبب آنست که گفتند نیست برمادرحق ناخواندگان هیچ راه[1] ودروغ می گویند برخداوحال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷۵).

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَّقِينَ ﴿٧٦﴾

آری هرکه وفاکند بعهدخود وپرهیزگاری کند پس هرآئینه خدا دوست میدارد پرهیزگاران را (۷٦).

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ ٱللَّهِ وَأَيْمَٰنِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُو۟لَٰٓئِكَ لَا خَلَٰقَ لَهُمْ فِى ٱلْءَاخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ ٱللَّهُ وَلَا يَنظُرُ

هر آئینه کسانیکه می ستانند عوض پیمانی که باخدا بستند و عوض سوگندان خویش بهای اندك را آن گروه هیچ نصیب

---

(۱) یعنی مارابرمال عرب که هم دین مانیستندمؤاخذه نخواهد شد.

إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيْمٌ ﴿٧٧﴾

نیست ایشان را درآخرت وسخن نگویدباایشان خدا ونگاه نه کند بسوی ایشان روزقیامت وپاك نه سازد ایشان را وایشان راست عذاب درد دهنده (٧٧) .

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيْقًا يَّلْوٗنَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتٰبِ لِتَحْسَبُوْهُ مِنَ الْكِتٰبِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَقُوْلُوْنَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَيَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ﴿٧٨﴾

وهر آئینه ازاهل کتاب گروهی هستند که می پیچند زبان خویش را به(خواندن) کتاب تا گمان کنید که آن ازکتابست ونیست آن ازکتاب[1] ومی گویند که این ازنزد خدا ست ونیست آن ازنزد خدا دروغ می گویند برخدا وحال آنکه ایشان(این را) میدانند (٧٨) .

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُّؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُوْلَ لِلنَّاسِ كُوْنُوْا عِبَادًا لِّيْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ كُوْنُوْا رَبّٰنِيّٖنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُوْنَ الْكِتٰبَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُوْنَ ﴿٧٩﴾

سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند اوراخدا کتاب و علم و نبوت باز بگوید به مردمان بند گان شوید مرا بدون خدا ولیکن مثلِ این شخص می گوید که باشید ربانی[2] بسبب آموزاندن کتاب و خواندن آن (٧٩) .

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلٰٓئِكَةَ وَالنَّبِيّٖنَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ ﴿٨٠﴾

وسزاوار نیست که فرمایدشمارا که پروردگار گیرید فرشتگان و پیغامبران را آیا بکفر می‌فرماید شمارا بعد ازآنکه مسلمان شده باشید (٨٠) .

وَإِذْ أَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ النَّبِيّٖنَ لَمَآ اٰتَيْتُكُمْ مِّنْ كِتٰبٍ وَّحِكْمَةٍ ثُمَّ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهٖ وَلَتَنْصُرُنَّهٗ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ

وآنگاه که گرفت خدای تعالی پیمان پیغامبران راکه آنچه دادم شمارا ازکتاب وعلم بازبیاید به شما پیغامبری باور کنندۀ آنچه باشماست البته ایمان آرید باو

---

(١) یعنی به تکلف ازخودچیزی نوشته درکتاب غلط ساخته می خوانند .

(٢) یعنی مرشد خلق شوید .

عَلٰى ذٰلِكُمْ اِصْرِىْ ۗ قَالُوْٓا اَقْرَرْنَا ۗ قَالَ فَاشْهَدُوْا وَاَنَا مَعَكُمْ مِّنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٨١﴾

والبته یاری دهید اورا، فرمود خدا آیا اقرار کردید و گرفتید براین کار عهد مرا[1] گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید[2] ومن باشما ازگواهانم (٨١) .

فَمَنْ تَوَلّٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٨٢﴾

پس هرکه بر گردد بعد ازین پس آن گروه ایشانند بدکاران (٨٢) .

اَفَغَيْرَ دِيْنِ اللّٰهِ يَبْغُوْنَ وَلَهٗٓ اَسْلَمَ مَنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَّكَرْهًا وَّاِلَيْهِ يُرْجَعُوْنَ ﴿٨٣﴾

آیااین کافران غیر دین خدا می‌طلبند و خدارا منقاد شده اند آنانکه درآسمان ها و زمین اند بخوشی یا نا خوشی وبسوی او گردانیده شوند (٨٣) .

قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَآ اُنْزِلَ عَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَآ اُوْتِىَ مُوْسٰى وَعِيْسٰى وَالنَّبِيُّوْنَ مِنْ رَّبِّهِمْ ۪ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ ۫ وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُوْنَ ﴿٨٤﴾

بگوایمان آوردیم بخدا وبآنچه فرودآورده شده است برماو بآنچه فرود آورده شده بود برابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان وی و آنچه داده شد موسیٰ و عیسیٰ و پیغامبران را از پروردگار ایشان فرق نمی گذاریم میان هیچ یك از ایشان وماخدارا منقادیم (٨٤) .

وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُّقْبَلَ مِنْهُ ۚ وَهُوَ فِى الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٨٥﴾

وهرکه طلب کند غیر اسلام دینی دیگررا پس هرگزقبول کرده نخواهد شدازو واودر آخرت از زیان کاران است (٨٥) .

كَيْفَ يَهْدِى اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوْا بَعْدَ اِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوْٓا اَنَّ الرَّسُوْلَ حَقٌّ وَّجَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ ۚ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٨٦﴾

چگونه راه نماید خدا گروهی را که کافرشدند بعد از اسلام خود و بعد از اینکه گواهی دادند که پیغمبر برحق است وبعد ازآنکه آمدبایشان حجت، وخدا راه نمی‌نماید گروه ستم گاران را (٨٦) .

---

(١) یعنی قبول کردید .

(٢) یعنی بریکدیگر .

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾

این گروه سزای ایشان آنست که باشد برایشان نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همهٔ ایشان (٨٧) .

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾

جاویدان درآن لعنت، سبك کرده نه شود ازایشان عذاب ونه ایشان مهلت داده شوند (٨٨) .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾

الّاآنانکه توبه کردند بعد ازین ونیکوکاری نمودند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (٨٩) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَّن تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾

هر آئینه کسانیکه کافر شدند بعد از اسلام خویش باز زیادتی کردند درکفر هرگز قبول کرده نشود توبه ایشان و آن گروه ایشانند گمراهان (٩٠) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِم مِّلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَدَىٰ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٩١﴾

هر آئینه آنانکه کافر شدند و کافر مردند هرگز قبول کرده نخواهد شدازهیچ یك ایشان مقدار پُری زمین از زر واگر چه عوض خود دهدآن را آن گروه ایشانراست عذاب درددهنده و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده(٩١) .

لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾

هرگزنیابید نیکوکاری را تاآنکه خرج کنید ازآنچه که دوست می دارید وهرچیز که خرج کنید پس بدرستیکه خدا بوی داناست (٩٢) .

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِن قَبْلِ أَن تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾

همه طعام حلال بود بر بنی اسرائیل مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب برخویشتن پیش ازآنکه تورات نازل کرده شود بگوبیارید تورات را پس بخوانیدآن را

اگر هستید راست گوی[1] (۹۳) .

فَمَنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ
هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٩٤﴾

پس هرکه دروغ بندد بر خدا بعد ازین
پس آن گروه ایشانند ستم‌گاران (۹٤) .

قُلْ صَدَقَ اللّٰهُ فَاتَّبِعُوْا مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ حَنِيْفًا وَمَا كَانَ
مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿٩٥﴾

بگوراست گفت خدا پس پیروی کنید
ملت ابراهیم را حنیفی کیش شده ونه بود
ازمشرکان (۹۵) .

اِنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُّضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ مُبٰرَكًا وَّهُدًى
لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿٩٦﴾

هر آئینه اول خانه ای که مقررکرده شدبرای
مردمان آن ست که درمکه است برکت
داده شده و هدایت مرمردمان را (۹٦) .

فِيْهِ اٰيٰتٌۢ بَيِّنٰتٌ مَّقَامُ اِبْرٰهِيْمَ وَمَنْ دَخَلَهٗ كَانَ اٰمِنًا وَلِلّٰهِ
عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ
كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٩٧﴾

درآن خانه نشانه های روشن است ازآن
جمله جای ایستادن ابراهیم[2] وهر که
درآید آنجاایمن بود وحق خدا ست
برمردمان حج خانه کعبه هرکه توانائی
دارد رفتن بسوی آن ازجهت اسباب راه
وهرکه کافرشود پس هر آئینه خدا بی نیاز
است ازعالم ها (۹۷) .

قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ
شَهِيْدٌ عَلٰى مَا تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٨﴾

بگوای اهل کتاب چرا کافر می شوید
بآیاتِ خدا وخدا حاضر است برآنچه
می‌کنید (۹۸) .

قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ
تَبْغُوْنَهَا عِوَجًا وَّاَنْتُمْ شُهَدَآءُ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ

بگوای اهل کتاب چرا بازمی دارید از راه
خدا کسی را که ایمان آورد می طلبید

---

(۱) مترجم گوید یهود برحضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید و آنچه درخاندان ابراهیم نمی خوردندمانند گوشت شتر وشیر آن میخورید حق تعالی جواب دادکه همه چیزحلال بود پیش ازنزول تورات الاّ گوشت و شیرشتر و تحریم گوشت و شیر شتر ملتِ ابراهیم نیست خاصه بنی اسرائیل بود بسبب تحریم جدّ ایشان والله اعلم .

(۲) یعنی نقشی که درسنگ ظاهر شده .

عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾

برای آن راه کجی[١] وشماباخبراید و نیست خدا بی خبر ازآنچه می کنید (۹۹) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٠﴾

ای مسلمانان اگر فرمان برید گروهی را از اهل کتاب کافر گردانند شمارا بعد ازاسلام شما (۱۰۰) .

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَن يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٠١﴾

وچگونه کافر شوید وخوانده می شود برشما آیات خدا و درمیان شما هست پیغامبر خدا وهر که چنگ استوار کرد بخدا پس هر آئینه راه نموده شدبسوی راه راست (۱۰۱) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾

ای مسلمانان بترسید ازخداحق ترسیدن ازوی و نمیرید مگر مسلمان شده (۱۰۲) .

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾

وچنگ زنید به ریسمان خدا[٢] جمع آمده وپراگنده مشوید ویادکنید نعمت خدارا که برشماست چون بودید دشمن یکدیگر[٣] پس الفت انداخت میان دلهای شما پس شُدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر وبودید برکناره چاله ای ازآتش پس رهانید شماراازآن همچنین بیان می کند خدا برای شما نشانه های خودرا تاباشد که راه یابید[٤] (۱۰۳) .

---

(١) یعنی شبهات می آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است .

(٢) به دین خدا .

(٣) یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه وعرب وعجم بایك دیگر دشمنی داشتند .

(٤) یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی شیعه و علی هذاالقیاس .

وَلْتَكُنْ مِّنْكُمْ أُمَّةٌ يَّدْعُوْنَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ؕ وَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿۱۰۴﴾

وبایدکه باشد ازشما گروهی که بخوانند بسوی نیکی وبه فرمایند به کارپسندیده ومنع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران[۱] (۱۰٤) .

وَلَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ تَفَرَّقُوْا وَاخْتَلَفُوْا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ
الْبَيِّنٰتُ ؕ وَأُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿۱۰۵﴾

ومباشید مانند کسانیکه پراگنده شدند واختلاف بایکدیگر کردند بعد ازآنکه آمد بایشان حجت ها وآن گروه ایشان راست عذاب بزرگ[۲] (۱۰۵) .

يَّوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوْهٌ وَّتَسْوَدُّ وُجُوْهٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِيْنَ اسْوَدَّتْ
وُجُوْهُهُمْ ۟ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيْمَانِكُمْ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ
بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿۱۰۶﴾

آن روزکه سفید شودیك پاره رویها و سیاه گردديك پارۀ روی ها اماآنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدیدبعداز اسلام خویش پس بچشید عذاب را بسبب کافرشدن خویش (۱۰٦).

وَأَمَّا الَّذِيْنَ ابْيَضَّتْ وُجُوْهُهُمْ فَفِيْ رَحْمَةِ اللّٰهِ ؕ هُمْ فِيْهَا
خٰلِدُوْنَ ﴿۱۰۷﴾

واماآنانکه سفید شد روی های ایشان پس دررحمت خدا باشند ایشان درآنجا جاویدند (۱۰۷) .

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ؕ وَمَا اللّٰهُ
يُرِيْدُ ظُلْمًا لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۰۸﴾

این آیاتِ خداست می خوانیم آن رابرتوبراستی ونمی خواهد خدا ستم کردن برمردمان (۱۰۸) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ؕ وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ
الْأُمُوْرُ ﴿۱۰۹﴾

وخدا راست آنچه درآسمان هاست و آنچه در زمین است وبسوی خدا باز گردانیده می شود همۀ کارها (۱۰۹) .

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُوْنَ
بِالْمَعْرُوْفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ ؕ

هستیدشما بهترین امتی که بیرون آورده شد[۳] برای مردمان می فرمائید بکار

---

(۱) یعنی واجب بالکفایه است که جمعی بامرمعروف ونهی از منکر قیام نمایند .
(۲) یعنی مانند یهود و نصاریٰ مشوید که هفتاد وچند فرقه گشتند .
(۳) یعنی مقرر کرده شد .

وَلَوْ اٰمَنَ اَهْلُ الْكِتٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۭ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ وَاَكْثَرُھُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿١١٠﴾

پسندیده ومنع می کنید از ناپسندیده وباور میدارید خدارا و اگر ایمان می‌آوردند اهل کتاب هر آئینه بهتر می‌بود ایشان را بعضی از ایشان مسلمانند و اکثرایشان بدکاراند (١١٠) .

لَنْ يَّضُرُّوْكُمْ اِلَّآ اَذًى ۭ وَاِنْ يُّقَاتِلُوْكُمْ يُوَلُّوْكُمُ الْاَدْبَارَ ۣ ثُمَّ لَا يُنْصَرُوْنَ ﴿١١١﴾

هرگززیان نه رسانند به شما مگراندك رنجی(١) واگر کارزار کنند باشماپشت بسوی شماکنند(٢) بازنصرت داده نه شوند (١١١) .

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَ مَا ثُقِفُوْٓا اِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللّٰهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَاۗءُوْ بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ۭ ذٰلِكَ بِاَنَّھُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ الْاَنْۢبِيَاۗءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۭ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ﴿١١٢﴾

زده شد برایشان خواری هرجاکه یافته شوند مگر بدست آویزی ازخدا ودست آویزی ازمردمان(٣) وباز گشتند بخشمی ازخدا وزده شد برایشان ناداری، این بسبب آنست که کافرمی بودند بآیات خدا ومی کشتند پیغامبران رابناحق این بسبب گناه کردن ایشان ست و بسبب آنکه ازحدمی گذشتند (١١٢) .

لَيْسُوْا سَوَاۗءً ۭ مِنْ اَھْلِ الْكِتٰبِ اُمَّةٌ قَاۗىِٕمَةٌ يَّتْلُوْنَ اٰيٰتِ اللّٰهِ اٰنَاۗءَ الَّيْلِ وَھُمْ يَسْجُدُوْنَ ﴿١١٣﴾

برابر نیستند همه ازاهل کتاب گروهی هست ایستاده(٤) می خوانند آیاتِ خدارا دراوقات شب وایشان سجده می کنند(٥) . (١١٣)

يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُوْنَ

باورمیدارند خدارا وروزقیامت را و

---

(١) یعنی بسبب زبان درازی .

(٢) یعنی بگریزند .

(٣) یعنی مگربعهدو ذمه .

(٤) یعنی راست کردار .

(٥) یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده مانند عبدالله بن سلام .

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ
فِي الْخَيْرَاتِ ۖ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٤﴾

می‌فرمایند بکار پسندیده ومنع می کنند ازناپسندیده و سبقت می کنند درنیکی ها وایشان از شائسته کارانند (١١٤) .

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ
عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١١٥﴾

وآنچه می‌کنند ازنیکی پس ناقدرشناسی کرده نه شود بایشان به نسبت آن عمل و خداداناست به پرهیز گاران (١١٥) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾

هر آئینه کسانیکه کافرشدند دفع نکند ازایشان مالهای ایشان ونه فرزندانِ ایشان ازعذاب خداچیزی راوایشانند دوزخیان ایشان درآنجاجاویدند (١١٦) .

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَٰذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا
صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ ۚ وَمَا
ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾

مثالِ آنچه خرج می کنند درین زندگانی دنیا مانند مثالِ بادیست که درآن سرمای سخت است برسید زراعت گروهی راکه ستم کردند برخویشتن پس نابود ساخت آن را وستم نه کرد برایشان خدا و لیکن برخویشتن ستم می کردند[1] (١١٧) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ
لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ
مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ۚ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ ۖ
إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾

ای مسلمانان دوست پنهان مگیرید غیراز خویش[2] کوتاهی نمی‌کنند درفتنه انگیزی میان شما دوست داشتند رنج شمارا هر آئینه ظاهر شد دشمنی ازدهان ایشان وآنچه پنهان کرده است سینه های ایشان سخت تراست هر آئینه بیان کردیم برای شمانشانه ها اگر دانا هستید (١١٨) .

هَا أَنْتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ

آگاه شوید شمااای قوم که دوست میدارید ایشان را وایشان دو ست

---

(١) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود .

(٢) یعنی ازغیر مسلمانان .

كُلِّهٖ ۚ وَاِذَا لَقُوْكُمْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا ۖ ۚ وَاِذَا خَلَوْا عَضُّوْا عَلَيْكُمُ
الْاَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ ۭ قُلْ مُوْتُوْا بِغَيْظِكُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ
بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿١١٩﴾

نمی‌دارند شمارا وایمان می آرید بهمه کتاب الهی وایشان چون ملاقات کنند باشما گویند ایمان آوردیم و چون تنها بشوند بگزند برشما انگشتان خودرا ازخشم بگو بمیرید بسبب خشم خویش هر آئینه خدا داناست بآنچه درسینه هاست (۱۱۹) .

اِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۡ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ
يَّفْرَحُوْا بِهَا ۭ وَاِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُھُمْ
شَيْــــًٔـا ۭ اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطٌ ﴿١٢٠﴾

اگر برسد به شمانعمتی ناخوش کندایشان را واگر برسدبه شما سختی خوشحال شوندبآن واگر شکیبائی کنید وپرهیزگاری نمائید هیچ زیان نه رساند بشما مکر ایشان هر آئینه خدا بآنچه می‌کنند در برگیرنده است[1] (۱۲۰) .

وَاِذْ غَدَوْتَ مِنْ اَھْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِيْنَ مَقَاعِدَ
لِلْقِتَالِ ۭ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿١٢١﴾ ۙ

ویادکن آنگاه که پگاه بیرون آمدی ازمیان اهل خانه خود می نشاندی مسلمانان رادر جایگاهها برای جنگ وخداشنوای دانا است[2] (۱۲۱) .

اِذْ ھَمَّتْ طَّاۗىِٕفَتٰنِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا ۙ وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا ۭ وَعَلَى

آنگاه که خواستند دوفرقه ازشماکه بزدلی

---

(۱) درغزوهٔ احد اهل نفاق میل کردند باآنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند بعد ازآنکه هزیمت واقع شدمنا فقان این را محل طعن گرفتند ووقت جنگ حضرت پیغامبربربالای کوهی جماعتی را مقید ساختندکه ازین جانجنبند چون آثار فتح ظاهر شدن در گرفت آن جماعت درپی غنیمت افتادند وعصیان پیغمبر کردند بشومی این عصیان هزیمت برمسلمانان افتادوهمه فرار کردند الّاماشاء الله خبر شهادت حضرت پیغامبر شائع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان وعتاب خلاف امر کنندگان وتشنیع بیوفایان حق سبحانه نازل کرد .

(۲) ویاد کن زمانی را که بامداد ازمیان خانوادهٔ خود بیرون رفتی و پایگا ههای جنگ را برای مسلمانان مهیا میکردی (مصحح) .

اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١٢٢﴾

کنند وخدا کارساز ایشان بود وبرخدابايد که توکل کنند مسلمانان[1] (۱۲۲) .

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَّاَنْتُمْ اَذِلَّةٌ ۚ فَاتَّقُوا اللّٰهَ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿١٢٣﴾

وهر آئينه خدا فتح داد شمارا روزبدروشما خواربوديد پس به ترسيد ازخدا تابُوَد که شکر گذاری کنيد (۱۲۳).

اِذْ تَقُوْلُ لِلْمُؤْمِنِيْنَ اَلَنْ يَّكْفِيَكُمْ اَنْ يُّمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلٰثَةِ
اٰلٰفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُنْزَلِيْنَ ﴿١٢٤﴾

چون می گفتی به مسلمانان آيا کفايت نه خواهد کرد شمارا که امداد کند شمارا پروردگار تان به سه هزار کَس از فرشتگان فرود آورده شده (۱۲٤) .

بَلٰٓى ۙ اِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا وَيَاْتُوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا
يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اٰلٰفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُسَوِّمِيْنَ ﴿١٢٥﴾

بلی اگر صبر کنيد وپرهيزگاری نمائيدو بيايند کافران بسوی شمابااين جوش خودامداد کند شمارا پروردگار شما به پنج هزار کَس ازفرشتگان نشان مندکرده (۱۲٥) .

وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوْبُكُمْ بِهٖ ۚ وَمَا
النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ﴿١٢٦﴾

ونه ساخت خدای تعالی اين مدد را مگر برای مژده دادن شماوبرای آنکه آرام گيرد دلهای شماباآن ونيست فتح مگر ازنزد خدا غالب استوارکار (۱۲٦) .

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوْا
خَآئِبِيْنَ ﴿١٢٧﴾

چنين کردتاهلاك کند طائفه ای را از کافران يا مغلوب سازد ايشان را پس باز گردند به مراد نارسيده (۱۲۷) .

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ اَوْ يَتُوْبَ عَلَيْهِمْ اَوْ يُعَذِّبَهُمْ
فَاِنَّهُمْ ظٰلِمُوْنَ ﴿١٢٨﴾

نيست تراازين کار چيزی يا بمهربانی توبه ايشان را می پذيرد يا غالب کندايشان را زيرا که ايشان ستمگارند (۱۲۸) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ يَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ

و خدا راست آنچه درآسمان هاست و

---

(۱) يعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خيال فرار بخاطر ايشان گذشته بودباز خدای تعالی ايشان رااز جبن محفوظ داشت .

وَ يُعَذِّبُ مَنۡ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ غَفُوۡرٌ رَّحِيۡمٌ ﴿١٢٩﴾

آنچه درزمین است می آمرزد هرکرا خواهدو عذاب می دهد هرکراخواهد وخداآمر زندهٔ مهربان است (١٢٩) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا لَا تَاۡكُلُوا الرِّبٰٓوا اَضۡعَافًا
مُّضٰعَفَةً ۖ وَّاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُوۡنَ ﴿١٣٠﴾

ای مومنان مخوریدسودرا چندبرابر توبرتو وبترسید ازخداتاباشدکه رستگار شوید (١٣٠) .

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِىۡۤ اُعِدَّتۡ لِلۡكٰفِرِيۡنَ ﴿١٣١﴾

وپناه گیریدازآن آتش که آماده کرده شده است برای کافران (١٣١) .

وَاَطِيۡعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوۡلَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُوۡنَ ﴿١٣٢﴾

وفرمان برید خدارا وپیغامبرراتاباشد که برشما مهربانی کرده شود (١٣٢) .

وَسَارِعُوۡۤا اِلٰى مَغۡفِرَةٍ مِّنۡ رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا السَّمٰوٰتُ
وَالۡاَرۡضُ ۙ اُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِيۡنَ ﴿١٣٣﴾

وشتاب کنید بسوی آمرزش ازپروردگار خویش و بسوی بهشتی که پهنائی آن مانند آسمان ها و زمین است آماده کرده شده است برای پرهیزگاران (١٣٣) .

الَّذِيۡنَ يُنۡفِقُوۡنَ فِى السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالۡكٰظِمِيۡنَ الۡغَيۡظَ
وَالۡعَافِيۡنَ عَنِ النَّاسِ ؕ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الۡمُحۡسِنِيۡنَ ﴿١٣٤﴾

آنانکه خرج می کنند درآسائش و سختی وفروخورندگان خشم وعفوکنندگان تقصیر ازمردمان وخدادوست می داردنیکوکاران را (١٣٤) .

وَالَّذِيۡنَ اِذَا فَعَلُوۡا فَاحِشَةً اَوۡ ظَلَمُوۡۤا اَنۡفُسَهُمۡ ذَكَرُوا اللّٰهَ
فَاسۡتَغۡفَرُوۡا لِذُنُوۡبِهِمۡ ۚ وَمَنۡ يَّغۡفِرُ الذُّنُوۡبَ اِلَّا اللّٰهُ ۚ
وَلَمۡ يُصِرُّوۡا عَلٰى مَا فَعَلُوۡا وَهُمۡ يَعۡلَمُوۡنَ ﴿١٣٥﴾

وآنانکه چون کارزشت کنند یا ستم کنند برخود یادکنند خدارا پس آمرزش خواهند برای گناهان خود وکیست که بیامرزد گناهان را مگرخدا وبه آنچه کردند دانسته اصرار نورزیدند (١٣٥) .

اُولٰٓـئِكَ جَزَآؤُهُمۡ مَّغۡفِرَةٌ مِّنۡ رَّبِّهِمۡ وَ جَنّٰتٌ تَجۡرِىۡ
مِنۡ تَحۡتِهَا الۡاَنۡهٰرُ خٰلِدِيۡنَ فِيۡهَا ؕ وَنِعۡمَ اَجۡرُ الۡعٰمِلِيۡنَ ﴿١٣٦﴾

آن گروه پاداش ایشان آمرزش است ازپروردگار ایشان وبوستانهائی که می رود زیرآن جویها جاویدند درآن جا ونیك است اجر اطاعت کنندگان (١٣٦) .

قَدۡ خَلَتۡ مِنۡ قَبۡلِكُمۡ سُنَنٌ ۙ فَسِيۡرُوۡا فِى الۡاَرۡضِ

هر آئینه گذشته است پیش ازشما واقعه های آنانی که پیش از شمابودند، پس

فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿١٣٧﴾

سیر کنید درزمین وبنگرید که چگونه
بودآخرکار تکذیب کنند گان (۱۳۷) .

هَٰذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾

این پیامی است برای مردمان وهدایتی و
پندی برای پرهیزگاران (۱۳۸).

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

وسست مشوید واندوهناك مباشید وشمائید
غالب اگر مسلمان هستید (۱۳۹).

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ ۚ
وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ
الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ
لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾

اگربرسد شمارا زخمی پس رسیده است
جماعت کافران را زخمی مانند آن[۱] واین
حادثه ها که می گردانیم آن را درمیان
مردمان برای فوائد بسیاروتا متمیز سازد
خداومونان را وشهید گرداند بعضی را
ازشما و خدا دوست نمی داردستمگاران
را (۱٤۰) .

وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾

وتاکه سره و خالص کندخدا مسلمانان
را[۲] ونابودسازد کافران را (۱٤۱) .

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ
جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾

آیا گمان کردید که درآئید به بهشت وهنوز
متمیزنه ساخته است خدا مجاهدان را
ازشما و پیش ازآنکه متمیزسازد صابران
را (۱٤۲) .

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ
رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾

وهر آئینه شما آرزومی کردید مرگ را[۳]
پیش ازآنکه ملاقات آن کنید پس دیدید
آن را و (درحالیکه) شمامی نگریستید
.(۱٤۳)

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ۚ

ونیست محمد مگر پیغمبر هر آئینه گذشته

---

(۱) یعنی دربدر .
(۲) یعنی ذنوب ایشان رامحوکند .
(۳) یعنی شهادت را .

اَفَاۡئِنْ مَّاتَ اَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ ۚ وَمَنْ
يَّنْقَلِبْ عَلٰى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَّضُرَّ اللّٰهَ شَيْـًٔا ۚ وَسَيَجْزِى
اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٤٤﴾

اند پیش ازوی پیغامبران آیااگر بمیرد
یاکشته شود برمی‌گردید برپاشنه های
خود[1]؟ وهرکه برگردد برپاشنه های خود
پس هیچ زیان نه رساند خدارا وخداثواب
خواهد دادشکر گذاران را (١٤٤) .

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوْتَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ كِتٰبًا مُّؤَجَّلًا ۚ
وَمَنْ يُّرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهٖ مِنْهَا ۚ وَمَنْ يُّرِدْ
ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ نُؤْتِهٖ مِنْهَا ۚ وَسَنَجْزِى الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٤٥﴾

ونیست هیچ شخصی را که بمیرد
الاباراده خدا نوشته شده است مقید
بقیدوقت وهرکه خواهد جزای دنیا
بدهیمش ازثواب دنیا وهرکه خواهد
جزای آخرت بدهیمش ازثواب آخرت
وبزودی جزای نیك خواهیم
دادسپاسگذاران را (١٤٥) .

وَكَاَيِّنْ مِّنْ نَّبِىٍّ قُتِلَ ۙ مَعَهٗ رِبِّيُّوْنَ كَثِيْرٌ ۚ فَمَا
وَهَنُوْا لِمَآ اَصَابَهُمْ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوْا
وَمَا اسْتَكَانُوْا ۗ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ ﴿١٤٦﴾

وبساپیغامبر که قتال کردند باکفار همراه
اوخدا پرستان بسیار، پس سستی نه
کردندبسبب مصیبتی که ایشانرا رسید
درراه خدا و ناتوانی نه کردند وبیچارگی
نه نمودند وخدادوست می داردصابران
را (١٤٦) .

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ اِلَّآ اَنْ قَالُوْا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا
ذُنُوْبَنَا وَاِسْرَافَنَا فِىْٓ اَمْرِنَا وَثَبِّتْ اَقْدَامَنَا
وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٤٧﴾

ونبود سخن این خداپرستان بجز آنکه
گفتند ای پروردگار مابیآمرز مارا گناهانِ
مارااوازحد گذشتن ما درکارخود واستوار
کن پاهای مارا ونصرت ده مارا برقوم
کافران (١٤٧) .

فَاٰتٰىهُمُ اللّٰهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْاٰخِرَةِ ۗ
وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٤٨﴾

پس عطاکرد خداایشان را جزای نیك
دردنیا وجزای نیك در آخرت وخدا
دوست می داردنیکوکاران را (١٤٨) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنْ تُطِيْعُوا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

ای مومنان اگرفرمان برداری کافران کنید

(١) یعنی مرتد شوید .

يَرُدُّوْكُمْ عَلٰٓي اَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿١٤٩﴾

باز گردانند شمارا برپاشنه های شما پس باز گردیدزیان کارشده (١٤٩) .

بَلِ اللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ ۚ وَهُوَ خَيْرُ النّٰصِرِيْنَ ﴿١٥٠﴾

بلکه خدا یاری دهندهٔ شمااست واو بهترین یاری دهندگان است (١٥٠) .

سَنُلْقِيْ فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَآ اَشْرَكُوْا
بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا ۚ وَمَاْوٰىهُمُ النَّارُ ۭ وَ
بِئْسَ مَثْوَى الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٥١﴾

خواهیم انداخت دردل کافران بزدلی بسبب آنکه شریك مقررساختند باخداچیزی را که هیچ حجت فرونه آورده است خدا برای او وجای ایشان دوزخ است واو بد اقامت گاه است ستمگاران را (١٥١) .

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعْدَهٗٓ اِذْ تَحُسُّوْنَهُمْ بِاِذْنِهٖ ۚ
حَتّٰٓي اِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْاَمْرِ وَعَصَيْتُمْ
مِّنْۢ بَعْدِ مَآ اَرٰىكُمْ مَّا تُحِبُّوْنَ ۭ مِنْكُمْ مَّنْ يُّرِيْدُ
الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرِيْدُ الْاٰخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ
عَنْھُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۚ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۭ وَاللّٰهُ
ذُوْ فَضْلٍ عَلَي الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٥٢﴾

وهر آئینه راست کردخدا درحق شما وعده خودرا چون می کشتید کافران را بحکم خدا تاوقتیکه بزدلی کردید و نزاع کردید درکارخویش ونافرمانی کردید بعدازآنکه عطا نمود به شما آنچه می خواستید ازشماکسی بود که می خواست دنیارا وازشما کسی بودکه می خواست آخرت را آنگاه باز گردانید شمارا از ایشان[1] تاامتحان کند شمارا وهرآئینه درگزرانید ازشما وخدا صاحب رحمت است برمومنان (١٥٢) .

اِذْ تُصْعِدُوْنَ وَلَا تَلْوٗنَ عَلٰٓي اَحَدٍ وَّالرَّسُوْلُ
يَدْعُوْكُمْ فِيْٓ اُخْرٰىكُمْ فَاَثَابَكُمْ غَمًّۢا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا
تَحْزَنُوْا عَلٰي مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَآ اَصَابَكُمْ ۭ
وَاللّٰهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٥٣﴾

آنگاه که دورمی رفتید درگریختن ومتوجه نمی شدید برهیچ کس وپیغامبر می خواندشمارا درجماعت که پس پشت شمابود پس جزا داد شمارااندوهی بالای اندوهی این پنددادن برای آنست تااندوهناك نشوید برآنچه ازدست

---

(١) یعنی فرار کردید .

شمارفت ونه برآنچه رسید بشماو خدا باخبراست بآنچه می کنید (۱۵۳) .

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَّغْشٰى طَآئِفَةً
مِّنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ
ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ
الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلّٰهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ
لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هٰهُنَا قُلْ لَّوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ
لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلٰى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ
اللّٰهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۱۵۴﴾

بازفرودآورد برشما پس ازاندوه ایمنی که پینکی بودمی‌پوشید گروهی را ازشما و گروهی دیگر بودند که اندوهناك ساخته بودایشان را فکر خویشتن گمان می کردند بخدا گمان باطل چون گمان اهل جاهلیه (یعنی اهل کفر) می گفتند آیاهست مارا ازاین کارهیچ چیزی[۱] بگوبدرستیکه همه کار خداراست پنهان می دارند در دل خویشتن آنچه آشکار نمی کنند برای تو می گویند اگر بودی ماراازین کار چیزی کشته نمی شدیم درین جا بگو اگر می بودید درخانه های خویش هر آئینه بیرون می آمدند کسانیکه مقدرشده است برایشان کشته شدن بسوی کشتن گاه خویش[۲] وتابآزماید خداآنچه درسینه شما است وتاکه سره وخالص کند آنچه دردلهای شماست وخدا دانااست بآنچه درسینه هااست (۱۵٤) .

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعٰنِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ
الشَّيْطٰنُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهُمْ إِنَّ
اللّٰهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۱۵۵﴾

هر آئینه کسانیکه رو گردانیدند ازشما روزی که بهم آمدند دوجماعت[۳] جزاین نیست که لغزانیدایشان را شیطان بشومی بعض آنچه کردند وهر آئینه عفوکرد خدا

(۱) یعنی درین کارما را اختیارنیست و به تدبیر ماکارنمی کنند .
(۲) واین کاربرای آن کرده شدکه درعلم الهی مقدربود .
(۳) یعنی کافران و مسلمانان .

ازایشان هر آئینه خدا آمرزندهٔ بُردباراست (١٥٥) .

يَآأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾

ای مومنان مباشید مانند آنانکه کافر شدند و گفتند درحق برادران خویش وقتیکه سفر کنند درزمین یاباشند بجهاد بیرون آمده[1] اگر می‌بودند ایشان نزد ما نمی‌مردند وکشته نمی‌شدند تا گرداندخدا این سخن را حسرتي دردل های ایشان وخدازنده می کندو می‌میراندوخدا بآنچه می کنید بینااست (١٥٦) .

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

وا گر کشته شدید درراه خدا یامُردید هر آئینه آمرزشی ازخدا وبخشایشی بهتراست ازآنچه جمع می کنند(١٥٧) .

وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾

و ا گرمُردید یاکشته شدید البته بسوی خدا برانگیخته خواهید شد (١٥٨) .

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۖ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

پس به سبب مهربانی از خدا نرم شدی برای ایشان وا گرمی بودی درشت خوسخت دل پرا گنده می شدند ازدوروبر تو پس در گذرازایشان وآمرزش خواه برای ایشان و مشورت کن بایشان درین کار پس آنگاه که قصد محکم کردی پس اعتماد کن برخدا هر آئینه خدا دوست می دارد توکل کنند گان را (١٥٩) .

إِن يَنصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۖ وَإِن يَخْذُلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنصُرُكُم مِّن بَعْدِهِ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾

ا گر نصرت دهدشمارا خدا هیچکس غالب نیست برشماوا گربغیر نصرت وا گذارد شمارا پس کیست که نصرت دهدشمارا بعدازوی وبرخدا باید که

(١) یعنی چون بمیرند درین حالت .

توکل کنند مسلمانان (۱٦۰) .

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ ۚ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾

و هرگزخیانت نبی رانشاید وهرکه خیانت کند خواهد آورد آن چیزرا که خیانت کرده است بروز قیامت[1] پس تمام داده شود هر شخصی راجزای آنچه کرده است وایشان ستم کرده نشوند[2] (۱٦۱).

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ
جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾

آیاکسیکه درپی خوشنودی خدا ست باشد مانند کسی که بازگشت بخشم خدا وجای اودوزخ است وبدجائی است (۱٦۲) .

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾

ایشان دارای مراتب اند نزد خدا وخدا بیناست بآنچه می کنند (۱٦۳) .

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ
يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦٤﴾

هر آئینه نعمت فراوان داد خدا برمومنان آنگاه که فرستاد درمیان ایشان پیغمبری ازقوم ایشان می خواند برایشان آیات خدا وپاك سازد ایشان راومی آموزد ایشان را کتاب و علم وهر آئینه بودند پیش ازین درگمراهی آشکار (۱٦٤) .

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَٰذَا ۖ
قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾

آیاچون رسید به شمامصیبتی که بدست آورده بودید دوچند ازآن گفتید ازکجا آمداین مصیبت بگوکه آن ازنزد نفوس شماست هر آئینه خدا برهمه چیز تواناست (۱٦٥) .

---

(۱) یعنی برسر برداشته .

(۲) مترجم گوید چون حضرت صلی الله علیه وسلم متصرف بودند در غنیمت این آیت نازل شدتا کسی گمان خیانت نه کند .

وَمَآ أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ
الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٦٦﴾

و آنچه رسید به شما روزیکه بهم آمدنددو گروه پس باراده خدا بود وتامتمیزسازد مومنان را (١٦٦) .

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ
اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ
يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ
فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾

وتامتمیز سازدآنان را که منافق شدند و گفته شدایشان را بیائید بجنگید در راه خدا یادفع کنید کافران را[1] گفتند ا گرمی دانستیم جنگ کردن[2] هر آئینه پیروی شما می کردیم این گروه بسوی کفرآن روز نزدیك تر بودند نسبت به ایشان بجانب ایمان می گویند بدهان های خویش آنچه نیست دردل های ایشان وخدا داناتراست بآنچه می پوشند (١٦٧) .

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ
فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾

آنانکه خود ازجنگ بازنشسته گفتند درحق برادران خویش که ا گر فرمان مامی بردند کشته نمی شدند بگودفع کنید ازخویشتن مرگ را ا گر هستیدراست گو (١٦٨) .

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾

ومرده گمان مکن کسانی را که کشته شدند درراه خدا بلکه زنده اند نزد پروردگار خویش روزی داده می‌شوند (١٦٩) .

فَرِحِينَ بِمَآ آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ
يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾

شادان بآنچه عطا کرده است خدا ایشان را از فضل خود و خوش وقت می شوند به آنانکه بایشان نه پیوسته اند ازپس ایشان به سبب آنکه هیچ ترس نیست برایشان ونه ایشان اندوهناك شوند (١٧٠) .

---

(١) یعنی ازبلادخویش .
(٢) یعنی مصلحت می دانستیم .

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾

خوش وقت می شوند به نعمت خدا وفضل او وبآنکه خدا ضائع نمی کند مزد مومنان را[1] (١٧١) .

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِن بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾

کسانیکه قبول کردند حکم خدا ورسول را بعد ازآنکه رسیده بود بایشان زخم، برای کسانی ازین جماعت که نیکوکاری وتقوی کرده اند مزدبزرگ است (١٧٢) .

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

آنانکه گفتند بایشان مردمان (که کافران) لشکر جمع کرده اند برای شما پس به ترسید ازآن لشکر هاپس زیاده کرد این سخن ایمان ایشان را و گفتند بس است مارا خدا و نیك کارگزار است (١٧٣) .

فَانقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾

پس باز گشتند این مسلمانان به نعمتی از خداو فضل او و نه رسید بایشان هیچ آسیبی وپیروی خوشنودی خدا کردند وخدا صاحبِ فضلِ بزرگ است (١٧٤) .

إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

جزاین نیست که این خبردهنده شیطانست می ترساند دوستان خودرا[2] پس شما مترسید ازکافران وبه ترسید ازمن ا گر

---

(١) مترجم گوید در احد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدرباشد چون موسم سوق بدررسید کفار شخصی را فرستادند جمعیت ایشان بیان کرده مسلمانان را درحیزتوقف اندازد باوجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آنحضرت برآمدند وبدر رسیدند ودر تجارت سودها یافتند وهیچ یك ازکفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری میگویند خدا درمدح ایشان می فرماید .

(٢) یعنی ضعیف اسلام را .

مومن هستید (۱۷۵) .

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ۚ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا ۗ
يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾

واندوهگین نه کنند ترا (یامحمد) آنانکه می شتابند در نصرت کفر هر آئینه ایشان هیچ زیان نه رسانند خدارا[1] می خواهد خدا که نه دهد ایشان راهیچ بهره در آخرت وایشان راست عذاب بزرگ (۱۷٦) .

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾

هر آئینه آنانکه خریدند[2] کفررا عوض ایمان هیچ زیان نه رسانند خدارا وایشان راست عذاب درد دهنده (۱۷۷) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ ۚ
إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾

و گمان نه کنند کافران که مهلت دادن ماایشان را بهتر است درحق ایشان جزاین نیست که مهلت می دهیم ایشان را تازیاده شوند درگناهگاری وایشان راست عذاب خوار کننده (۱۷۸) .

مَّا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ
الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ ۖ فَآمِنُوا بِاللَّهِ
وَرُسُلِهِ ۚ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾

هرگز نه گذاردخدا مسلمانان را برآن حال که شماهستید برآن تاآنکه جداکند ناپاك را ازپاك وهرگز مطلع نه کند خداشمارا برغیب ولیکن خدا برمی گزیند ازپیغامبران خود هرکرا خواهد پس ایمان آریدبه خدا و پیغامبران او واگر ایمان آرید و پرهیزگاری کنید شمارا باشد مزدبزرگ (۱۷۹) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن
فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم ۖ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ ۖ سَيُطَوَّقُونَ

وبایدکه گمان نکنند آنانکه بخل می کنند بآنچه عطاکرده است خدا ایشان را ازفضل خود این بخل را بهتر برای

---

(۱) یعنی دین اورا .

(۲) یعنی اختیار کردند .

مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ وَ لِلّٰهِ مِيْرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿١٨٠﴾

خویش بلکه اوبدست برای ایشان نزدیك است که برشکل طوق پوشانیده شود ایشان را آنچه بخل کرده اند بآن روز قیامت[1] وخداراست میراث اهلِ آسمانها و زمین وخدا بآنچه می کنید داناست (١٨٠).

لَقَدْ سَمِعَ اللّٰهُ قَوْلَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا إِنَّ اللّٰهَ فَقِيْرٌ وَّنَحْنُ أَغْنِيَآءُ ؕ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوْا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۙ وَّنَقُوْلُ ذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ﴿١٨١﴾

هر آئینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیراست وما توانگریم[2] خواهیم نوشت آنچه گفتند وبنویسیم کشتن ایشان پیغمبران را بناحق وبگوئیم بچشید عذاب سوزنده را (١٨١).

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيْكُمْ وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ﴿١٨٢﴾ۚ

این عذاب بسبب عملی است که پیش فرستاده است دست های شماوبسبب آنست که خدا ستم کننده نیست بر بندگان (١٨٢).

اَلَّذِيْنَ قَالُوْٓا إِنَّ اللّٰهَ عَهِدَ إِلَيْنَآ أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُوْلٍ حَتّٰى يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ ؕ قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِيْ بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالَّذِيْ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوْهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿١٨٣﴾

آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است بسوی ماکه ایمان نیاریم به هیچ پیغامبر تاآنکه بیارد مارا قربانی که بخورد اورا آتش[3] بگوآوردند نزدِ شماپیغامبران پیش ازمن معجزه ها وآن رانیز که شما گفتید پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید راست گو (١٨٣).

فَإِنْ كَذَّبُوْكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَآءُوْ

پس اگر بدروغ نسبت کردند تراپس بدروغ نسبت کرده شدند پیغامبران

---

(١) یعنی آن مال را بصورت مارکرده درگردن ایشان اندازند .

(٢) یعنی چون یهود شنیدنداقرضواالله گفتند ماغنی ایم و خدافقیر است والله اعلم .

(٣) یعنی گوسفندی که ازغیب آتش اورا بردارد .

بِالْبَيِّنٰتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتٰبِ الْمُنِيْرِ ﴿١٨٤﴾

پیش ازتو آوردند حجت هارا وصحیفه هارا وکتاب روشن را (١٨٤) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَاِنَّمَا تُوَفَّوْنَ اُجُوْرَكُمْ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَاُدْخِلَ
الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا مَتَاعُ
الْغُرُوْرِ ﴿١٨٥﴾

هر نفسی چشندهٔ موت است وجزاین نیست که تمام داده خواهید شدمزد خویش را روز قیامت پس هرکه دورداشته شد ازدوزخ و درآورده شدبه بهشت پس هر آئینه بمراد رسید ونیست زندگانی دنیا مگر بهره فریبنده (١٨٥) .

لَتُبْلَوُنَّ فِيْٓ اَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ۗ وَلَتَسْمَعُنَّ
مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِيْنَ
اَشْرَكُوْٓا اَذًى كَثِيْرًا ۗ وَاِنْ تَصْبِرُوْا وَتَتَّقُوْا فَاِنَّ
ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿١٨٦﴾

البته آزمائش خواهید کرده شود شمارا درمالهایتان وجانهایتان و خواهید شنید از آنانکه کتاب داده شده اند پیش ازشما وازمشرکان سرزنش بسیار واگر صبر کنید وپرهیزگاری نمائید هر آئینه این خصلت ازکارهای مقصود است (١٨٦) .

وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ لَتُبَيِّنُنَّهٗ
لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُوْنَهٗ ۡ فَنَبَذُوْهُ وَرَآءَ ظُهُوْرِهِمْ
وَاشْتَرَوْا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا ۗ فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُوْنَ ﴿١٨٧﴾

ویادکن چون گرفت خدا عهد اهل کتاب را که البته بیان کنید کتاب را برای مردمان ونه پوشید آن را پس بانداختند آن عهد را پس پشت خویش وگرفتند عوض وی بهای اندك پس بدچیزی است که می‌ستانند (١٨٧) .

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَفْرَحُوْنَ بِمَآ اَتَوْا وَّيُحِبُّوْنَ اَنْ يُّحْمَدُوْا
بِمَا لَمْ يَفْعَلُوْا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ ۚ
وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٨٨﴾

هرگز مپندار کسانی را که شادمان می شوند بآنچه کردندو دوست میدارند که ستوده شوند بآنچه نه کرده اند هرگز مپندار ایشان را نجات یافته ازعذاب وایشان راست عذاب درد دهنده (١٨٨) .

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿١٨٩﴾

وخداراست پادشاهی آسمان ها و زمین وخدا برهمه چیز تواناست (١٨٩) .

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ
وَالنَّهَارِ لَاٰيٰتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾

هرآئینه درآفرینش آسمان هاو زمین و آمدوشد شب و روز نشانه هاست خداوندانِ خرد را (١٩٠) .

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُودًا وَّعَلٰى جُنُوبِهِمْ
وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا
خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾

آنانکه یادمی کنند خدارا ایستاده ونشسته و بر پهلوی خویش خفته وتأمل می کنند درآفرینش آسمان ها و زمین می گویند ای پروردگار ما نیافریده ای این را باطل(١) پاکیست ترا پس نگاه دار مارا از عذاب آتش (١٩١) .

رَبَّنَآ إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهٗ وَمَا لِلظّٰلِمِينَ
مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾

ای پروردگار ماهرآئینه توهر کرا در آری به دوزخ به تحقیق رسوا کردی اورا ونیست ستم گاران را هیچ یاری دهنده (١٩٢) .

رَبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِي لِلْإِيمَانِ
أَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾

ای پروردگار ماهر آئینه شنیدیم ندا کننده را بآواز بلند میخواند بسوی ایمان که ایمان آرید به پروردگار خویش پس ایمان آوردیم ای پروردگار ماپس بیامرز گناهان مارا ودورکن ازما بدیهای مارا وبمیران مارا بانیکوکاران (١٩٣) .

رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

ای پروردگارماوبده مارا آنچه وعده کرده ای به ما بزبان رسولان خود ورسوا مکن مارا روز قیامت هر آئینه توخلاف وعده نمی کنی (١٩٤) .

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ
ذَكَرٍ أَوْ أُنْثٰى بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا
وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيٰرِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقٰتَلُوا وَقُتِلُوا

پس قبول کرد دعای ایشان را پروردگار ایشان بآنکه من ضائع نمی سازم عمل هیچ عمل کننده را ازشماازمردیازن بعضی شما ازجنس بعض است پس

---

(١) یعنی بغیرتدبیر بلیغ والله اعلم .

لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِىْ
مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ؕ وَ اللّٰهُ
عِنْدَهٗ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾

آنانکه هجرت کردند وبیرون کرده شدند ازخانه های خویش ورنجانیده شدند در راه من وجنگ کردند وکشته شدند البته دورکنم ازایشان گناهانِ ایشان را والبته درآرم ایشان را درباغ هائی که میرود زیر آن جوی ها پاداشی ازنزد خدا وخدا نزد اوست پاداش نیك (١٩٥) .

لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِى الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾

بایدکه نه فریبد ترا آمدوشد کافران درشهر ها (١٩٦) .

مَتَاعٌ قَلِيْلٌ ۟ ثُمَّ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؕ وَ بِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٩٧﴾

این بهره مندی اندك است بعد ازآن جای ایشان دوزخ باشد ووی بدجائی است (١٩٧) .

لٰكِنِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ
خٰلِدِيْنَ فِيْهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ؕ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ
خَيْرٌ لِّلْاَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾

لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگار خود ایشان راست بوستان ها میرودزیر آن جوی ها جاویدان درآنجا مهمانی از نزد خدا و آنچه نزد خدا ست بهتر است نیکوکاران را (١٩٨) .

وَاِنَّ مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ لَمَنْ يُّؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ
وَمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ خٰشِعِيْنَ لِلّٰهِ ۙ لَا يَشْتَرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ
ثَمَنًا قَلِيْلًا ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ
سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾

وهر آئینه ازاهل کتاب کسانی اندکه ایمان می آرند بخدا وبآنچه فرودآورده شدبسوی شما و بآنچه فرود آورده شدبسوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا نمی ستانند عوض آیتهای خدابهای اندك آن گروه ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان هر آئینه خدا زود حساب گیرنده است (١٩٩) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اصْبِرُوْا وَصَابِرُوْا وَرَابِطُوْا ۟ وَاتَّقُوا اللّٰهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٢٠٠﴾

ای مومنان صبر کنید ومحنت کشید وبرای جهاد آماده باشید و بترسیداز خدا باشد که رستگار شوید (٢٠٠) .

سُورَةُ النِّسَاءِ

سوره نساء مدنى است وآن يك صد وهفتاد وهفت آيت و بيست وچهار ركوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

يَاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمُ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيْرًا وَّنِسَآءً ۚ وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِىْ تَسَآءَلُوْنَ بِهٖ وَالْاَرْحَامَ ۚ اِنَّ اللهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيْبًا ①

اى مردمان به ترسيد ازآن پروردگار خويش كه بيافريد شمارا ازيك كس و آفريدازآن يك كس زن اورا ومنتشر ساخت ازين دوكس مردمانِ بسيار و زنان بيشمار و بترسيد ازآن خدا كه ازيكديگر به نام اوسوال مى كنيد و بترسيد ازقطع خويشاوندى هر آئينه خدا هست نگاهبان برشما (١) .

وَاٰتُوا الْيَتٰمٰٓى اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيْثَ بِالطَّيِّبِ ۪ وَلَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَهُمْ اِلٰٓى اَمْوَالِكُمْ ۭ اِنَّهٗ كَانَ حُوْبًا كَبِيْرًا ②

و بدهيد به يتيمان اموال ايشان را وبدل نكنيد ناپاك را به پاكيزه ومخوريد اموال ايشان را بهم آورده باموال خويش هر آئينه اين گناهى بزرگ ست[1] (٢) .

وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوْا فِى الْيَتٰمٰى فَانْكِحُوْا مَا طَابَ لَكُمْ مِّنَ النِّسَآءِ مَثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ۚ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تَعْدِلُوْا فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ۭ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَلَّا تَعُوْلُوْا ③

و اگر ترسيديد كه عدل نتوانيد كرد درحق دخترانِ يتيمه پس نكاح كنيد آنچه خوش آيد شمارا ازسائر زنان دودو، وسه سه، و چهار چهار، پس اگر دانيدكه درين صورت نيز عدل نتوانيد كرد پس نكاح كنيد يك زن راياسريه گيريد آنراكه مالك اوشد دستهاى شما اين نزديك تراست بآنكه جورنكنيد (٣) .

وَاٰتُوا النِّسَآءَ صَدُقٰتِهِنَّ نِحْلَةً ۭ فَاِنْ طِبْنَ لَكُمْ

وبدهيد زنان را مهرايشان بخوشدلى و

(١) درجاهليت اولياى دختران يتيمان مانند (پسران عمو) ايشان را بنكاح خود درمى‌آوردند وايفاى حقوق نكاح نمى كردند خداى تعالى آيت فرستاد .

عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيٓـًٔا مَّرِيٓـًٔا ﴿٤﴾

اگر زنان در گذرندبخوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر پس بخورید آن راساز گار وخوشگوار (٤) .

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ أَمْوَٰلَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَٰمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٥﴾

ومدهید بی خردان را اموال خود که کرده است خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شماوبخورانید وبه پوشانید ایشان را ازآن اموال وبگوئید بایشان سخن نیکو[١] (٥) .

وَابْتَلُوا الْيَتَٰمَىٰ حَتَّىٰٓ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ ءَانَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوٓا إِلَيْهِمْ أَمْوَٰلَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَآ إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَٰلَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٦﴾

وامتحان کنید یتیمان را[٢] تاآنگاه که رسند به حدنکاح[٣] پس اگر دریافتید ازایشان حسن تدبیر پس برسانید بایشان اموال ایشان را ومخورید آن اموال را[٤] باسراف وشتاب ازترس آنکه بزرگ شوند وهرکه باشد توانگر پس بایدکه پرهیزگاری کند[٥] وهر که فقیر باشد پس بایدکه بخورد بوجه پسندیده پس چون رسانید بایشان اموال ایشان را گواه گیرید برایشان وبس است بحقیقت خدا حساب گیرنده (٦) .

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَٰلِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ

مردان را حصه هست ازآنچه بگذارند پدرومادر وخویشان وزنان را نیز حصه

---

(١) یعنی برسفهاحِجرباید کردواموال ایشان که بحقیقت همه مسلمانان بآن منتفع اندبی واسطه یا بواسطه بدست ایشان داده ضائع نه باید ساخت والله اعلم .

(٢) یعنی درایام کودکی .

(٣) یعنی بالغ شوند .

(٤) یعنی درخردسالی ایشان .

(٥) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشدازاموال یتیم چیزی نگیرد .

وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ
مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۝٧

هست ازآنچه بگذارند پدرو مادروخویشان ازآنچه کم باشدازمال یابسیار حصه مقررکرده شده[۱] (۷) .

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ
قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۝٨

وچون حاضر شوند هنگام قسمت میراث خویشان[۲] ویتیمان و گدایان پس بدهیدایشانرا چیزی ازآن[۳] وبگوئید بایشان سخن نیکو (۸) .

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً
ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ
وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝٩

وبایدکه بترسند ازخداآنانکه اگر بگذارند بعد از خود اولاد ناتوان را خائف باشند برایشان که ضائع شوند پس بایدکه ازخدا بترسند وبایدکه بگویند سخن استوار[٤] (۹)

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا
يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۝١٠

هر آئینه آنانکه میخورند اموال یتیمان را به ظلم جزاین نیست که میخورند درشکم خویش آتش را وبزودی درآیند به دوزخ (۱۰) .

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ ۖ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ ۚ فَإِن كُنَّ
نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ ۖ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا
النِّصْفُ ۚ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن

حکم می کندشماراخدا درحق اولادشما که مرد راهست مانند حصه دوزن اگر اولاد میت همه دختر باشند بیشتر ازدو نفر پس ایشان راست دوسوم آنچه

---

(۱) یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارندازهر مال که باشد کم بودیابسیار درین ردّ است براهل جاهلیت که زنان راحصه نمی دادند .

(۲) یعنی خویشان غیر وارث .

(۳) یعنی بطریق استحباب .

(٤) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند بوجهی وصیت کنند که اولاد راضرر نرسدواین درشرع بمقدار یك سوم مال یاکمتر ازآن است والله اعلم .

كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُ وَلَدٌ وَّوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ
فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
يُّوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

میت گذاشته است[1] واگر ذریتش یك دخترباشد پس اوراست نیم ترکه وهست پدرومادر میت راهریکی راازایشان یك ششم آنچه بگذاشته است اگر باشدمیت را فرزندی، پس اگر نباشداورافرزندی ووارث اوپدرو مادراوشوند پس هست مادرش رایك سوم ترکه[2] پس اگر باشند میت رابرادران هست مادرش رایك ششم ترکه[3] واین تقسیم بعد از ادای وصیتی است که میت بآن فرموده یابعد از ادای دَین[4] پدران شماو پسران شما نمید انید که کدام یك ازایشان نزدیك تراست به شما درنفع رسانیدن حصه معین کرده شدازجانب خداهر آئینه هست خدادانای استوارکار (١١) .

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ
كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
يُّوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَّمْ يَكُنْ
لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ
مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ

وشماراهست نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگرنباشدایشان را فرزندی پس اگر ایشان را فرزندی باشدشماراااست یك چهارم آنچه بگذاشته اند بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشند یا بعد از ادای دَین وزنان را ست یك چهارم آنچه

---

(١) مترجم گوید حکم دو دخترنیزثلثان است والله اعلم .

(٢) یعنی مابقی برای پدراست .

(٣) یعنی برادران و خواهران حصه مادررا ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابندویك برادر ویك خواهر ناقص سازد و الله اعلم .

(٤) یعنی اگر وصیت باشدنخست ادای وصیت کنندو اگر دین باشد نخست ادای دین کنند .

يُوْرَثُ كَلٰلَةً اَوِ امْرَاَةٌ وَّلَهٗٓ اَخٌ اَوْ اُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا
السُّدُسُ ۚ فَاِنْ كَانُوْٓا اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَآءُ فِي الثُّلُثِ
مِنْۢ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوْصٰى بِهَآ اَوْ دَيْنٍ ۙ غَيْرَ مُضَآرٍّ ۚ وَصِيَّةً
مِّنَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَلِيْمٌ ﴿١٢﴾

شمابگذاشتید اگر نه باشد شمارا فرزندی پس اگر باشد شمارا فرزندی پس زنان را ست یك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشید یا ادای دَین واگر مرد مرده که ازوی میراث می خواهندیا زن مرده کلاله باشد(١) واورا برادری هست یاخواهری(٢) پس هریك ازایشان راست یك ششم ترکه پس اگراخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم شریك انددر یك سوم ترکه بعد ازادای وصیتی که بآن فرموده شده یابعد از ادای دَین بغیرآنکه ضرررساننده باشد(٣) حکم کرده شده است ازجانب خداوخدا دانای بُردباراست (١٢) .

تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ ۗ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ
تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۗ وَذٰلِكَ
الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿١٣﴾

این همه حدهامقررکردۀ خداست وهر که فرمانبرداری کند خدا ورسول او را در آردش به بهشت هائی که میرود زیرآن جوی ها جاویدان در آن و این ست پیروزی بزرگ (١٣) .

وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَتَعَدَّ حُدُوْدَهٗ يُدْخِلْهُ
نَارًا خَالِدًا فِيْهَا ۠ وَلَهٗ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿١٤﴾

وهرکه نافرمانی کند خدا و رسول اورا وتجاوزکنداز حدهای مقررکردۀ اودرآردش بآتش جاوید ان درآن و اوراست عذاب رسواکننده (١٤) .

وَالّٰتِيْ يَاْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَآئِكُمْ

آنانیکه زنامی کنندازززنان شما پس گواه

---

(١) ومعنی کلاله آن ست که پدروفرزند وبرادروخواهرتنی ندارد .

(٢) یعنی اخیافی .

(٣) یعنی وصیتی که زیاده ازثلث بود اعتبار ندارد و الله اعلم .

فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِكُوْهُنَّ فِي الْبُيُوْتِ حَتّٰى يَتَوَفّٰهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا ﴿١٥﴾

طلبید برایشان چهارمرد ازجنس خویش(١) پس اگر گواهی دادند محبوس کنید ایشان را درخانه ها تاآنکه عمر ایشان را تمام کند مرگ یا مقرركند خدای تعالی برای ایشان راهی(٢) (١٥) .

وَالَّذٰنِ يَاْتِيٰنِهَا مِنْكُمْ فَاٰذُوْهُمَا فَاِنْ تَابَا وَاَصْلَحَا فَاَعْرِضُوْا عَنْهُمَا اِنَّ اللّٰهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيْمًا ﴿١٦﴾

وآن دوکس که زنا می کنندازشماپس آزار دهید ایشان را پس اگر توبه کردند ونیکوکاری پیش گرفتند پس اعراض کنید ازتعذیب ایشان هر آئینه خدا هست توبه پذیر مهربان(٣) (١٦) .

اِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللّٰهِ لِلَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السُّوْٓءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوْبُوْنَ مِنْ قَرِيْبٍ فَاُولٰٓئِكَ يَتُوْبُ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١٧﴾

جزاین نیست که وعده قبول توبه لازم برخداست برای آن کسان که میکنند معصیت را به نادانی بعد ازآن توبه کنند بزودی(٤) پس آن گروه است که خداوند توبه وبازگشت آنان رامی پذیرد وهست خدا دانای استوارکار (١٧) .

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ حَتّٰٓى اِذَا حَضَرَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ اِنِّيْ تُبْتُ الْـٰٔنَ وَلَا الَّذِيْنَ يَمُوْتُوْنَ وَهُمْ كُفَّارٌ اُولٰٓئِكَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٨﴾

ونیست وعده قبول توبه آن کسان را که می کنندمعاصی تاآنگاه که پیش آیدکسی را ازایشان مرگ، گفت هر آئینه من توبه کردم الحال ونه آن کسان را ست که کافر بمیرند این گروه آماده ساختیم برای ایشان عذاب درد دهنده (١٨) .

---

(١) یعنی از مسلمانان .

(٢) بعد این آیت خدای تعالی راهی مقرركردو آن رجم ثیب وجلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم .

(٣) این آیت مجمل است ودراحادیث آمده است که بِکر آزاد را صدتازیانه، بایدزد و ثیّب آزاد را سنگسار باید کرد وغلام راپنجاه تازیانه بایدزد والله اعلم .

(٤) یعنی پیش ازحضور مرگ .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا ۖ وَلَا
تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ
بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ ۚ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ
فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

ای مومنان حلال نیست شمارا آنکه میراث گیریدزنان را وایشان ناخوش باشند[١] ومنع مکنید ایشان را[٢] تابدست آرید بعض آنچه داده اید ایشان را مگراینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و زندگانی کنید بازنان بوجه پسندیده زیرا که اگر ناپسندکنید ایشان را پس شاید که ناپسند کنید چیزی راوپیدا کند خدای تعالی درآن چیز خیربسیار (١٩) .

وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ
قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا ۚ أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا
وَإِثْمًا مُبِينًا ﴿٢٠﴾

وا گر بخواهید تبدیل کردن زنی بجای زنی وداده باشید یکی راازایشان قنطاری[٣] پس بازمگیرید ازآن مال چیزی را آیامی گیرید آن رابه ستم وتعدی آشکار (٢٠) .

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ
مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٢١﴾

وچگونه می‌گیریدآن را حال آنکه رسیده است بعض شمابه بعضی[٤] و گرفتند زنان ازشما عهد محکم را[٥] (٢١) .

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۚ
إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ﴿٢٢﴾ ع

ونکاح مکنید کسی را که نکاح کرده باشند با او پدران شما اززنان مگر آنچه گذشت (عفواست) هر آئینه این هست کاربدو مبغوض واین بدراهی است (٢٢).

---

(١) اهل جاهلیت زنان را نیزازجملهٔ میراث می دانستند ولی میّت ا گر می‌خواست بجبردر (نکاح خود) می آورد وا گر می‌خواست منع میکردکه بااجنبی نکاح کند تاآنکه حق تعالی این آیت فرستاد .

(٢) یعنی ازنکاح بهرکه خواهند .

(٣) یعنی مال بسیار درمهرداده باشید .

(٤) یعنی مباشرت کردید .

(٥) یعنی ایجاب وقبول بحضور شهود درمیان آمد .

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهٰتُكُمْ وَبَنٰتُكُمْ وَأَخَوٰتُكُمْ وَعَمّٰتُكُمْ وَخٰلٰتُكُمْ
وَبَنٰتُ الْأَخِ وَبَنٰتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهٰتُكُمُ الّٰتِيْٓ أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوٰتُكُمْ
مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهٰتُ نِسَآئِكُمْ وَرَبَآئِبُكُمُ الّٰتِيْ فِيْ حُجُوْرِكُمْ
مِّنْ نِّسَآئِكُمُ الّٰتِيْ دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَّمْ تَكُوْنُوْا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَآئِلُ أَبْنَآئِكُمُ الَّذِيْنَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ
وَأَنْ تَجْمَعُوْا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللّٰهَ
كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٢٣﴾

حرام کرده شدند برشما مادران شما ودختران شماوخواهران شما و خواهران پدران شما وخواهران مادران شما ودختران برادر ودختران خواهرو آن مادران شماکه شیر داده اند شمارا[١] وخواهران شما ازجهت شیرخوارگی ومادران زنان شما ودختران زنان شما که درکنار شما پرورش می یابند ازبطن آن زنان که شما وطئ کردید بایشان پس اگروطئ نکرده باشید بایشان پس هیچ گناه نیست برشما وزنان پسران شما که ازپشت شماباشند[٢] وحرام کرده شد آنکه جمع کنید میان دوخواهر مگر آنچه گذشت (عفواست) هر آئینه خدا هست آمرزندۀ مهربان (٢٣) .

وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ النِّسَآءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتٰبَ
اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَآءَ ذٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوْا بِأَمْوَالِكُمْ
مُّحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسٰفِحِيْنَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهٖ مِنْهُنَّ فَاٰتُوْهُنَّ
أُجُوْرَهُنَّ فَرِيْضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا تَرٰضَيْتُمْ بِهٖ مِنْ بَعْدِ
الْفَرِيْضَةِ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿٢٤﴾

وحرام کرده شدند زنان شوهردار مگر آنچه مالك اوشده است دست های شما[٣] لازم ساخته است خدا برشماو حلال کرده شد شمارا ماسوای این همه محرمات (حلال کرده شد) که طلب نکاح کنید باموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی[٤] پس کسی که استمتاع کردید باوی اززنان بدهید ایشان را مهر

---

(١) یعنی دایه ها .

(٢) یعنی پسرخوانده نه باشد .

(٣) یعنی اگرزنی رااز دارالحرب اسیرکرده اند نکاح وتَسرّی اوصحیح بُودهرچندآنجازوج داشته باشد والله اعلم .

(٤) یعنی نکاح صحیح آن ست که مهرباشدومؤبدباشدبحسب ظاهر زیراکه چون حاجت جماع همیشه است واحصان بدون عقدمؤبّدحاصل نشودوالله اعلم .

ایشان که مقرر کرده شده[۱] ونیست برشما گناهی در آنچه بایکدیگرراضی شدید بعداز مهرمقرر[۲] هر آئینه خدا هست دانای استوارکار (٢٤) .

وَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنكُمْ طَوْلًا أَن يَنكِحَ الْمُحْصَنٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ
فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمٰنُكُم مِّن فَتَيٰتِكُمُ الْمُؤْمِنٰتِ ۚ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ
بِإِيمٰنِكُم ۚ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ ۚ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ
أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنٰتٍ غَيْرَ مُسٰفِحٰتٍ
وَلَا مُتَّخِذٰتِ أَخْدَانٍ ۚ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفٰحِشَةٍ
فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنٰتِ مِنَ الْعَذَابِ ۚ ذٰلِكَ
لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنكُمْ ۚ وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ ۗ
وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٥﴾

وهرکه نتواند ازشما ازجهت توانگری که نکاح کندزنانِ آزاد مسلمان را پس بایدکه نکاح کند ازآنچه مالك اوشده است دست شما (مراد کنیزکان شما اندکه مسلمان باشند) و خدا داناتراست بایمان شمابعض شماازجنس بعض است[۳] پس نکاح کنید کنیزکان را باجازهٔ اهل ایشان وبدهید ایشان را مهر ایشان بخوش خوئی درحالیکه عفیفه باشند نه زناکننده نه دوست پنهانی گیرنده[٤] پس چون درحبالهٔ زوج آمدند اگر زناکنند پس برایشان است نیم مقدار آنچه برزنان آزاداست ازعقوبت[٥] نکاح کنیزکان کسی راست که بترسد ازگناه ازشما وآنکه صبر کنید بهتر است شمارا خدا آمرزندهٔ مهربان است (٢٥) .

---

(۱) یعنی بجماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم .

(۲) یعنی بعد مقررکردن اگر بتراضی زیاده یاکم کنید باك نیست والله اعلم .

(۳) یعنی کنیزکان نیزبنات آدم اندوالله اعلم .

(٤) فارق درنکاح واتخاذ اخدان شرط شهوداست ودراحصان وسفاح مؤبد بودن عقدبحسب ظاهر والله اعلم .

(٥) یعنی پنجاه تازیانه واگردر حباله زوج نباشدنیز عقوبت اوپنجاه تازیانه است زیراکه ذکر این قید بجهت نفی احتمال زیاده است واین معنی درحدیث مبین شده والله اعلم .

يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ
وَيَتُوْبَ عَلَيْكُمْ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٦﴾

می خواهد خدا که بیان کند برای شما وبنماید شمارا راه های کسانیکه پیش ازشمابودندوبرحمت بازگرددبرشما وخدادانای استوار کاراست (٢٦) .

وَاللّٰهُ يُرِيْدُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْكُمْ ۫ وَيُرِيْدُ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ الشَّهَوٰتِ
اَنْ تَمِيْلُوْا مَيْلًا عَظِيْمًا ﴿٢٧﴾

وخدا می‌خواهد که برحمت بازگردد برشما ومی خواهند آنانکه پیروی شهوات می کنند که کجروی کنید کجروی عظیم (٢٧) .

يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّخَفِّفَ عَنْكُمْ ۚ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيْفًا ﴿٢٨﴾

می خواهد خداکه سبك کند ازشما وانسان ضعیف آفریده شده است (٢٨) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ
اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ ۟ وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَنْفُسَكُمْ ۭ
اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ﴿٢٩﴾

ای مؤمنان مخورید اموال خودرا درمیان خویش بناحق[1] مگر اینکه آن دادستد تجارت باشدبعدرضامندی یکدیگر ازشما و مَکُشید خویشتن را هر آئینه خدا هست به شمامهربان (٢٩) .

وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا وَّظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيْهِ نَارًا ۭ وَكَانَ
ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ﴿٣٠﴾

وهرکه چنین کند به تعدی وستم پس بزودی درآریمش به دوزخ واین برخدا آسان است (٣٠) .

اِنْ تَجْتَنِبُوْا كَبَاۗىِٕرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ
وَنُدْخِلْكُمْ مُّدْخَلًا كَرِيْمًا ﴿٣١﴾

ا گراحتراز کنید ازکبائر منهیات نابود سازیم ازشما صغائر شمارا ودرآریم شمارا بمحل گرامی[2] (٣١) .

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلٰي بَعْضٍ ۭ لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ

وآرزوی مکنید مرتبه ای را که خداوند به آن برتری داده بعضی را از شمابربعضی

---

(١) یعنی مال یك دیگر بناحق نباید خورد .

(٢) گناه کبیره آنست که برآن حدمشروع شده یا وعده دوزخ کرده آمده یابکفرمُسمّی شده در قرآن یا سنت صحیحه وهرکه از کبائر اجتناب کند صغائر اورا نمازوروزه وصدقه نابودمی سازد والله اعلم .

مِمَّا اكْتَسَبُوا ۖ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ ۚ وَسْأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٣٢﴾

مردان را هست بهره ازآنچه حاصل کرده اند وزنان راهست بهره ازآنچه حاصل کرده اند وبطلبید ازدرگاه خدا ازبخشائش اوهر آئینه خداهست بهمه چیزدانا (۳۲) .

وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ ۚ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

ومقررکردیم وارثان برای هر چیزی ازآنچه گذ اشته اند پدرومادروخویشان وکسانیکه ایشان را مربوط ساخته است عهدهای شماپس بدهید ایشان را بهرۀ ایشان هر آئینه خدا هست برهمه چیزحاضر[1] (۳۳) .

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ ۚ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ ۖ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ﴿٣٤﴾

مردانِ تدبیر کارکننده تسلط دارند برزنان به سبب آنکه فضل نهاده است خدا بعض آدمیان را بر بعضی[2] وبسبب آنکه خرج کردند ازاموال خویش پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، نگاهدارنده اند[3] درغیبت زوج به نگاه داشت خدا[4] وآن زنان که میترسید ازنافرمانی ایشان پس پندده‌ید ایشان را وترك کنید ایشانرا درخواب گاه[5] وبزنید ایشان را پس اگر فرمانبرداری شماکردند پس جستجو

---

(۱) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند وایشانرا درمیراث دخل نیست ومیراث برای اقربا مقرر کرده شده است والله اعلم .

(۲) یعنی بسبب آنکه مردان دراصل جبلت برترانداززنان .

(۳) یعنی مال و آبرورا .

(٤) دراین آیت بیان فرمودکه مردفرمان روا است بسبب فضل جبلی و بسبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند وحفظ مال ـ وآبرو ـ نماید والله اعلم .

(٥) یعنی مباشرت مکنید .

مکنیـد بـرایشـان را هـی را(١) هـر آئینـه خداهست بلند مرتبهٔ بزرگ قدر (٣٤) .

وإن خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكما من أهله وحكما من أهلها إن يريدا إصلاحا يوفق الله بينهما إن الله كان عليما خبيرا ﴿٣٥﴾

وا گرترسیدید (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهر پس بر گزینید صلاح کـاری ازخـویشـان مـرد وصـلاح کـاری ازخویشان زن ا گر این صلاح کاران بخواهند صلح را البته موافقت آردخدا درمیان ایشان هر آئینه هست خدا دانای آ گاه (٣٥) .

واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين إحسانا وبذي القربى واليتامى والمساكين والجار ذي القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبيل وما ملكت أيمانكم إن الله لا يحب من كان مختالا فخورا ﴿٣٦﴾

و بپرستید خدارا وشریك او مقررمکنید چیزی را وبه پدرو مادر نیکوکاری کنید وبخویشان ویتیمان و گدایان وهمسایهٔ خویشاوند و همسایه اجنبی وبه هم نشین برپهلو نشسته وبه مسافر وبآنچه دست شما مالك اوشد(٢) هر آئینه خدادوست ندارد کسی راکه باشد متکبر خود ستاینده (٣٦) .

الذين يبخلون ويأمرون الناس بالبخل ويكتمون ما آتاهم الله من فضله وأعتدنا للكافرين عذابا مهينا ﴿٣٧﴾

کسانیکه آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل وامی‌دارند ومی پوشند آنچه خدا داده است ایشان را ازفضل خود و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسواکننده (٣٧) .

والذين ينفقون أموالهم رئاء الناس ولا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر ومن يكن الشيطان له قرينا فساء قرينا ﴿٣٨﴾

وآنان راکه خرج می کنندعموال خودرا برای نمودن مردمان ومعتقدنیستند بخدا ونه بروزقیامت وهرکه شیطان یار اوباشد

---

(١) یعنی به حیله ایذادادن تجسس مکنیدوالله اعلم .

(٢) یعنی غلامان و کنیزکان .

پس وی بدیاری است (٣٨) .

وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا
رَزَقَهُمُ اللّٰهُ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ بِهِمْ عَلِيْمًا ﴿٣٩﴾

وچه زیان بود برایشان اگر ایمان می‌آوردند بخدا و روز آخر وخرج می‌کردند ازآنچه خداداده است ایشان را وهست خدا بایشان دانا (٣٩) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ۚ وَاِنْ تَكُ حَسَنَةً يُّضٰعِفْهَا
وَيُؤْتِ مِنْ لَّدُنْهُ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٤٠﴾

وهر آئینه خدا ستم نمی کند وزنِ ذرّه ای و اگر آن عمل نیکی باشد چندبرابر کُنَدَش وبدهد ازنزد خود مزدِ بزرگ (٤٠) .

فَكَيْفَ اِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍۭ بِشَهِيْدٍ وَّجِئْنَا بِكَ
عَلٰى هٰۤؤُلَآءِ شَهِيْدًا ﴿٤١﴾

پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم ازهر قومی گواهی را وبیاریم ترا گواه براین امت (٤١) .

يَوْمَئِذٍ يَّوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَعَصَوُا الرَّسُوْلَ لَوْ تُسَوّٰى
بِهِمُ الْاَرْضُ ؕ وَلَا يَكْتُمُوْنَ اللّٰهَ حَدِيْثًا ﴿٤٢﴾

آنروز آرزو کنند آنانکه کافرشدند ونافرمانی پیغامبر کردند کاش برایشان زمین هموار کرده شود(١) وپنهان نکنند ازخداهیچ سخنی را (٤٢) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْرَبُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْتُمْ سُكٰرٰى
حَتّٰى تَعْلَمُوْا مَا تَقُوْلُوْنَ وَلَا جُنُبًا اِلَّا عَابِرِيْ سَبِيْلٍ
حَتّٰى تَغْتَسِلُوْا ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ مَّرْضٰۤى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَآءَ
اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوْا
مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ
وَاَيْدِيْكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُوْرًا ﴿٤٣﴾

ای مومنان به نماز نزدیك مشوید حال آنکه شما مست باشید تاآنکه به فهمید آنچه بزبان می گوئید(٢) وبه نماز نزدیك مشوید درحال جنابت تاآنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید واگر بیمارباشید یا مسافر یابیاید کسی ازشما ازجای قضاء حاجت یا مباشرت زنان کنید ونیابید آب را پس قصد کنید به زمین پاك پس مسح کنید برویهای خویش ودست های خویش هر آئینه هست خداعفوکنندۀ بخشاینده (٤٣) .

---

(١) یعنی ازایشان نامی ونشانی نماند .

(٢) این حکم قبل ازتحریم خمر بود بعد ازان مستی بالکلیه حرام شد والله اعلم .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ اُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يَشْتَرُوْنَ الضَّلٰلَةَ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ تَضِلُّوا السَّبِيْلَ ﴿٤٤﴾	آیاندیدی[1] کسانیکه داده شده اند بهره ای ازکتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را ومی خواهند که شما گم کنید راه را (٤٤).
وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَآئِكُمْ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا ۙ وَّكَفٰى بِاللّٰهِ نَصِيْرًا ﴿٤٥﴾	وخدا داناتراست به دشمنان شما وخدا دوست بس است و خدایاری دهنده بس است (٤٥) .
مِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَّرَاعِنَا لَيًّا بِاَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِى الدِّيْنِ ؕ وَلَوْ اَنَّهُمْ قَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَقْوَمَ ۙ وَلٰكِنْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٤٦﴾	از یهود گروهی هستند که تغییرمی دهند کلمه هارا ازجای آن ها ومی گویند[2] شنیدیم ونافرمانی کردیم ومی گویند «اسمع غیر مسمع وراعنا» می پیچانند سخن را بزبان خویش وطعنه می زنند دردین واگر ایشان می گفتند شنیدیم وفرمانبرداری کردیم و بجای «اسمع غیر مسمع» اسمع می گفتند وبجای «راعنا» انظرنا هر آئینه بهترمی بود ایشان را و درست تر ولیکن لعنت کرده است ایشان را خدابسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگراندکی[3] (٤٦) .
يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ اٰمِنُوْا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّطْمِسَ وُجُوْهًا فَنَرُدَّهَا عَلٰۤى اَدْبَارِهَاۤ	ای اهل کتاب ایمان آرید بآنچه فرودآوردیم، باور کنندهٔ آنچه باشماست

(١) مترجم گوید که خدای عزوجل در ردّیهود و تعدادقبائح ایشان آیات فرستاد .

(٢) یعنی بزبان حال .

(٣) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سَب راچنان درکلام خلط کنند که کسی نشناسد «واسمع غیر مسمع» دومعنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم ومحترمی و کسی باتوخلاف رضای تونتواند گفت دیگرآنکه بشنودر حالتی که محقری وکسی باتوسخن نمی گوید وراعنانیزدومعنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما رادیگراحمق رعونت دارنده غرض ایشان سَب بود کلمهٔ محتمل معنیین می گفتند والله اعلم .

أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّآ أَصْحٰبَ السَّبْتِ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ﴿٤٧﴾

پیش ازآنکه محوکنیم صورت هایی را پس بگردانیمش برشکل پشت سَر یالعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم اهل شنبه را وهست ارادهٔ خدا شدنی (٤٧) .

إِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ
يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدِ افْتَرٰٓى إِثْمًا عَظِيْمًا ﴿٤٨﴾

هر آئینه خدا نمی آمرزد که اورا شریك مقرر کرده شود ومی آمرزد غیر از آن هرکرا خواهد وهر که به خدا شرك ورزد هر آئینه افترابسته است گناهی بزرگ را (٤٨) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِيْنَ يُزَكُّوْنَ أَنْفُسَهُمْ ۚ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ
يَّشَآءُ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٤٩﴾

آیا ندیدی بسوی کسانیکه ستائش می‌کنند خودرا بلکه خدا ستائش می کند هرکراخواهد و ستم کرده نخواهند شد مقدار رشته ای (٤٩) .

أُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ ۚ وَكَفٰى بِهٖٓ
إِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٥٠﴾

به بین چگونه می بندند برخدادروغ را واین‌گناه آشکار او را بس است[1] (٥٠) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِيْنَ أُوْتُوْا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُوْنَ
بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوْتِ وَيَقُوْلُوْنَ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا هٰٓؤُلَآءِ
أَهْدٰى مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا سَبِيْلًا ﴿٥١﴾

آیاندیدی بسوی کسانیکه بهره ازکتاب داده شدند ایمان می‌آورند به بت و معبود باطل ومی گویند درحق مشرکان که ایشان راه یابنده تراند از مسلمانان[2] (٥١) .

أُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ ۚ وَمَنْ يَّلْعَنِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ
لَهٗ نَصِيْرًا ﴿٥٢﴾

ایشان آن گروه اند که لعنت کرد خدا ایشان را وهرکه لعنت کندش خدا پس نخواهی یافت مراو را یاری دهنده (٥٢) .

أَمْ لَهُمْ نَصِيْبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَّا يُؤْتُوْنَ النَّاسَ

آیا ایشان راهست بهره ای ازپادشاهی پس

---

(١) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزید گان خدایند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روز .

(٢) درین آیت تعریض است بآن که یهود روزاحزاب مددگار مشرکان شدند .

نَقِيرًا ﴿٥٣﴾

آن هنگام ندهند بمردمان مقدار نقیری[1] (٥٣) .

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلٰى مَآ اٰتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ
فَقَدْ اٰتَيْنَآ اٰلَ اِبْرٰهِيْمَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ
وَاٰتَيْنٰهُمْ مُّلْكًا عَظِيْمًا ﴿٥٤﴾

آیاحسدمی کنند برمردمان بر آنچه ایشان را داده است خدای تعالی ازفضل خود پس هر آئینه مادادیم آل ابراهیم را کتاب ودانش ودادیم ایشان را پادشاهی بزرگ (٥٤) .

فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ ۚ وَكَفٰى بِجَهَنَّمَ
سَعِيْرًا ﴿٥٥﴾

پس ازکفار کسی هست که ایمان آوردبآن کتاب و ازایشان کسی هست که باز داشت ازوی و کفایت ست دوزخ آتش افروخته (٥٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيْهِمْ نَارًا ۚ كُلَّمَا نَضِجَتْ
جُلُوْدُهُمْ بَدَّلْنٰهُمْ جُلُوْدًا غَيْرَهَا لِيَذُوْقُوا الْعَذَابَ ۚ
اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿٥٦﴾

هر آئینه کسانی که کافر شدند بآیاتِ ما زود درآریم ایشان را بآتش هر گاه که پخته گرددپوستهای ایشان بعوض پیداکنیم برای ایشان پوستهای دیگر غیرازآن تابچشند عذاب را هر آئینه خدا هست غالبِ استوارکار (٥٦) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ
تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۚ لَهُمْ فِيْهَآ اَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۚ
وَّنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيْلًا ﴿٥٧﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند زود درآریم ایشان را به بوستانهائی‌که میرود زیرآن جوی ها جاویدان آنجاهمیشه، ایشان راست آن جا زنانِ پاك کرده شده و درآریم ایشان را بسایه نیك (یعنی راحت تمام) (٥٧) .

اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُكُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰٓى اَهْلِهَا ۙ وَاِذَا حَكَمْتُمْ
بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوْا بِالْعَدْلِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهٖ ۚ اِنَّ
اللّٰهَ كَانَ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ﴿٥٨﴾

هر آئینه خدا می فرماید شمارا که اداکنید امانت هارا به اهل آن ومیفرماید که براستی حکم کنید چون حاکم شوید میان

---

(١) نقیرغلاف نازکی است که برپشت خسته خرمامی باشد .

مردمان هر آئینه نیکو چیز یست آنچه خدابآن پندمیدهد شمارا هر آئینه خداهست شنوای بینا[1] (٥٨) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ ۚ فَاِنْ تَنَازَعْتُمْ فِيْ شَيْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلَى اللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ اِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ۭ ذٰلِكَ خَيْرٌ وَّاَحْسَنُ تَاْوِيْلًا ۝٥٩

ای مومنان فرمانبرداری کنید خدارا و فرمانبرداری کنید پیغامبررا وفرمان روایان راازجنس خویش پس اگر اختلاف کنید در چیزی پس برگردانید اورا بسوی خداو پیغامبر اگر اعتقاد دارید بخدا وروز آخرت این بهتراست ونیکوتر باعتبار عاقبت[2] (٥٩) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يَزْعُمُوْنَ اَنَّھُمْ اٰمَنُوْا بِمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَحَاكَمُوْٓا اِلَى الطَّاغُوْتِ وَقَدْ اُمِرُوْٓا اَنْ يَّكْفُرُوْا بِهٖ ۭ وَيُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّضِلَّھُمْ ضَلٰلًۢا بَعِيْدًا ۝٦٠

آیاندیدی بسوی کسانیکه گمان می کنند که ایمان آوردند بآنچه بسوی تونازل کرده شده است وبآنچه پیش ازتونازل کرده شد، می خواهند که قضایای خویش رفع کنند بسوی سرکش وحالانکه فرموده شد ایشان را که منکر وی شوند و شیطان می خواهد که گمراه سازد ایشان راگمراهی دور (٦٠) .

وَاِذَا قِيْلَ لَھُمْ تَعَالَوْا اِلٰى مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَاِلَى الرَّسُوْلِ رَاَيْتَ الْمُنٰفِقِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْكَ صُدُوْدًا ۝٦١

وچون گفته شود بایشان بیائید بسوی آنچه نازل کرده است خدا و بسوی پیغامبر می‌بینی منافقان را بازمی ایستند

---

(١) درین آیت اشاره است بقصه عثمان حجبی که مفتاح کعبه ازدست وی گرفتند ومردمان آن راا‌ز حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم طلب کردند آنحضرت قبول نموده بعثمان ردفرمود .

(٢) مردم ضعیف الایمان درخلاف هوای نفس بحکم شرع راضی نمی شدند و گاهی بکاهنان و رئیسان کفر رجوع می کردند چون آنحضرت ایشان را براین معنی تعزیر یاتهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نیست خدای تعالی درین باره آیات فرستاد .

ازتوباعراض (٦١) .

فَكَيْفَ إِذَآ أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَآءُوكَ يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ إِحْسَٰنًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبتی بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان پس هرگاه بیایندنزد توقسم می خورند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکوکاری وموافقت کردن را[1] (٦٢) .

أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعْلَمُ ٱللَّهُ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِىٓ أَنفُسِهِمْ قَوْلًۢا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾

این گروه آنانندکه می داندخدا آنچه دردل های ایشان است پس اعراض کن ازایشان[2] وپندده ایشان راوبگوبایشان سخنی مؤثر در دلهای ایشان (٦٣) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَٱسْتَغْفَرُوا۟ ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُوا۟ ٱللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾

ونه فرستادیم هیچ پیغامبری را مگر برای آنکه اطاعت کرده شود بحکم خدا واگر این جماعت وقتیکه ستم کردند برخویشتن می‌آمدندنزد تو پس آمرزش طلب می کردند ازخداو طلب آمرزش کرد برای ایشان پیغمبر هر آئینه می یافتند خدارا توبه پذیر مهربان (٦٤) .

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

پس قسم به پروردگار توکه ایشان مسلمان نه باشند تاآنکه حاکم کنند ترادراختلافی که واقع شد میان ایشان بازنیابند در دلهای خویش تنگی ازآنچه حکم فرمودی وقبول کنند بانقیاد (٦٥) .

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ ٱقْتُلُوٓا۟ أَنفُسَكُمْ أَوِ ٱخْرُجُوا۟

واگرمامی نوشتیم[3] برایشان که بکشیدخویشتن را یا بیرون شوید ازخانه های

---

(١) یعنی مردمان خصوم .

(٢) یعنی ازقتل ایشان .

(٣) یعنی واجب میکردیم .

مِنْ دِيَارِكُمْ مَّا فَعَلُوْهُ اِلَّا قَلِيْلٌ مِّنْهُمْ ؕ وَلَوْ اَنَّهُمْ فَعَلُوْا مَا يُوْعَظُوْنَ بِهٖ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَشَدَّ تَثْبِيْتًا ﴿٦٦﴾

خویش نمی کردند این کار را مگر اندکی ازایشان وا گر می کردند آنچه بآن پندداده می شدند هر آئینه بهتر بودی ایشان را و محکم تردر استواری دین (٦٦).

وَّاِذًا لَّاٰتَيْنٰهُمْ مِّنْ لَّدُنَّآ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٦٧﴾

وآنگاه البته می دادیم ایشان را ازنزد خویش مزدبزرگ (٦٧) .

وَّلَهَدَيْنٰهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿٦٨﴾

وهدایت می کردیم ایشان را براه راست (٦٨) .

وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ وَالشُّهَدَآءِ وَالصّٰلِحِيْنَ ۚ وَحَسُنَ اُولٰٓئِكَ رَفِيْقًا ﴿٦٩﴾

وهرکه فرمان برد خداو رسول را پس این جماعت همراه آن کسانند که انعام کرده است خدابر ایشان ازپیغمبران وصدّیقان وشهیدان وصالحان وچه خوبند آنهاازجهت رفاقت (٦٩) .

ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ عَلِيْمًا ﴿٧٠﴾

این بخشائش ازخدااست وبس ست خدا دانا[1] (٧٠) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا خُذُوْا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوْا ثُبَاتٍ اَوِ انْفِرُوْا جَمِيْعًا ﴿٧١﴾

ای مسلمانان برگیرید سلاح خودرا پس بیرون روید گروه گروه شده یابیرون روید همه باهم (٧١) .

وَاِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيُبَطِّئَنَّ ۚ فَاِنْ اَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةٌ قَالَ قَدْ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيَّ اِذْ لَمْ اَكُنْ مَّعَهُمْ شَهِيْدًا ﴿٧٢﴾

و هر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ می کند پس ا گر برسد به شمامصیبتی بگوید انعام کرد خدا برمن چون نبودم حاضر بایشان (٧٢) .

وَلَئِنْ اَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللّٰهِ لَيَقُوْلَنَّ كَاَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهٗ مَوَدَّةٌ يّٰلَيْتَنِيْ كُنْتُ مَعَهُمْ

وا گر به رسد به شمانعمتی از خدا البته بگوید گویاهرگز نبودمیان شما ومیان

---

(١) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام دراول اسلام که جهادفرض نشده بود دعوت اسلام قبول نمودندو چون جهاد فرض شداازآن تقاعد کردند وازبعضی کلمات منافقانه سربر می زدو بعضی بامخالفین همزبان شده خلاف رضای آنحضرت رای مي دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد .

فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾

وی دوستی کاش می‌بودم باایشان پس می‌یافتم مطلب بزرگ را (۷۳) .

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ۚ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

پس باید که جنگ کنند درراه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیارا بآخرت وهرکه جنگ کند درراه خدا پس کشته شودیاغالب آید بدهیمش مزدبزرگ را (۷٤) .

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا ۚ وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۚ وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

و چیست شمارا که جنگ نمی کنید درراه خدا وبرای بیچارگان از مردان وزنان وکودکان[۱] آنانکه می گویند ای پروردگار مابیرون آرمارا ازین دِه که ستمگاراند اهل آن ومقررکن برای ما از نزد خود کارسازی و مقرر کن برای ما از نزد خودیاری دهنده (۷۵) .

اَلَّذِينَ اٰمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوٓا أَوْلِيَآءَ الشَّيْطٰنِ ۚ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطٰنِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾

مومنان می‌جنگند درراه خدا وکافران می جنگند درراه معبود باطل پس جنگ کنید بادوستانِ شیطان هر آئینه حیلهٔ شیطان سست است (۷٦) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوٓا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللّٰهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ

آیاندیدی بسوی کسانیکه گفته شد ایشان را بازدارید دستهای خود را[۲] وبرپاکنید نماز را وبدهید زکوٰة را[۳] پس چون نوشته شد برایشان جنگ ناگاه گروهی ازایشان می ترسند ازمردمان مانند ترسیدن از خدا یابیشتر و گفتند ای

---

(۱) یعنی گرفتاران بدست کفار .

(۲) یعنی جنگ مکنید .

(۳) یعنی پس قبول کردند .

كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَآ أَخَّرْتَنَآ إِلٰىٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ
مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقٰى وَلَا تُظْلَمُونَ
فَتِيلًا ﴿٧٧﴾

پروردگار ماچرانوشتی برماکارزار چرازنده نگذاشتی مارا تاوقتی نزدیك بگوبهره مندی دنیا اندك است وآخرت بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند و ستم کرده نخواهید شد مقدارِ رشته ای (۷۷) .

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يُدْرِككُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنتُمْ فِي بُرُوجٍ
مُّشَيَّدَةٍ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هٰذِهٖ مِنْ عِندِ اللّٰهِ
وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هٰذِهٖ مِنْ عِندِكَ قُلْ كُلٌّ
مِّنْ عِندِ اللّٰهِ فَمَالِ هٰٓؤُلَآءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
حَدِيثًا ﴿٧٨﴾

هر جاكه باشيد دريابد شمارا مرگ واگرچه باشيد درمحل های محکم واگر برسد بایشان نعمتی گویند این از نزد خداست واگر برسد بایشان شدّتی (یعنی سختی)گویند یامحمد این ازنزد تست بگوهمه ازنزد خدا است پس چه حال است این قوم را نزدیك نیستند که بفهمند سخنی را (۷۸) .

مَآ أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ وَمَآ أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٍ فَمِن
نَّفْسِكَ وَأَرْسَلْنٰكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾

آنچه رسید به تو ازنعمت پس ازخداست وآنچه رسید به تو از محنت پس ازنزد نفس تست وفرستادیم ترا برای مردمان پیغامبری وبس است خدا حاضر و گواه (۷۹) .

مَن يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ وَمَن تَوَلّٰى فَمَآ
أَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ﴿٨٠﴾

هرکه فرمانبرداری کند پیغامبر را پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد وهر که اعراض کرد پس نفرستادیم ترا برایشان نگهبان[1] (۸۰) .

---

(۱) یعنی این کلمه حق است که خیرازجانب خدا است وشراز جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست وآن اینست که جهاد باجمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بس نعمتی غیر مترقب است واگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیراست وچون جهاد بامرالهی همه خیراست عقل را درآنجادخل دادن صحیح نه باشد والله اعلم .

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَآئِفَةٌ
مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِى تَقُولُ وَاللهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ
عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ وَكَفٰى بِاللهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾

ومی گویند دردل ما فرمانبرداریست پس
چون بیرون روندازنزد تو گروهی از
ایشان بوقت شب رای زنند غیرآنچه
تومی فرمائی وخدامی نویسد یعنی درنامۀ
اعمال آنچه شب می گویند پس اعراض
کن ازایشان وتوکل نمابر خدا وخدا
کارسازنده بس است (٨١) .

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْاٰنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللهِ
لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾

آیاتأمل نمی کنند قرآن را و اگرمی‌بود
ازنزد غیر خدا البته می‌یافتند دراواختلاف
بسیار (٨٢) .

وَإِذَا جَآءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ
إِلَى الرَّسُولِ وَإِلٰٓى أُولِى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ
مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطٰنَ
إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾

ووقتیکه بیاید نزد ایشان خبری ازایمنی
یاترس مشهور سازندآن را واگر
برمیگردانیدند آن رابسوی پیغامبر و
بسوی فرمان روایان ازاهل اسلام هر آئینه
می‌یافتند مصلحتِ آن خبرراآنانکه
ازایشان میتوانند بر آوردن مصلحت آن
واگر نمی‌بود بخشائش خدابرشما
ورحمت اوالبته پیروی می کردیدشما
شیطان را مگر اندکی (٨٣) .

فَقَاتِلْ فِى سَبِيلِ اللهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ
الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللهُ أَنْ يَّكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللهُ أَشَدُّ
بَأْسًا وَّأَشَدُّ تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾

پس جنگ کن (یامحمد) درراه خدا
برتومؤاخذه نیست مگرازجان توورغبت
ده مسلمانان را[(١)] نزدیک است که
موقوف سازدخدا جنگ کافران را وخدا
سخت تراست باعتبار جنگ و سخت
تراست باعتبار عقوبت (٨٤) .

مَنْ يَّشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَّكُنْ لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَّشْفَعْ

هرکه شفاعت کند شفاعتی نیك
باشداورابهره ای ازثواب آن وهر که

(١) یعنی برتورغبت دادنست وبس ا گر همراهی نکنند برتو مؤاخذه نیست والله اعلم.

شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَّكُنْ لَّهٗ كِفْلٌ مِّنْهَا ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ مُّقِيْتًا ﴿٨٥﴾

شفاعت كند شفاعتی بد باشداورا حصه ای از عذاب آن وهست خدا برهمه چیز توانا[١] (٨٥) .

وَاِذَا حُيِّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوْا بِاَحْسَنَ مِنْهَآ اَوْ رُدُّوْهَا ؕ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ حَسِيْبًا ﴿٨٦﴾

وچون تعظیم کرده شویدبه سلامی پس تعظیم کنید بکلمه ای بهترازآن یا مانند همان کلمه جواب دهید هر آئینه هست خدابرهمه چیزحساب گیرنده (٨٦) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ؕ لَيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ؕ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيْثًا ﴿٨٧﴾

بجز خدانیست هیچ معبود برحقی البته بهم آرد شمارا به روزقیامت هیچ شك نیست درآن وکیست راست گوتر ازخدادرسخن[٢] (٨٧) .

فَمَا لَكُمْ فِى الْمُنٰفِقِيْنَ فِئَتَيْنِ وَاللّٰهُ اَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوْا ؕ اَتُرِيْدُوْنَ اَنْ تَهْدُوْا مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ؕ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ سَبِيْلًا ﴿٨٨﴾

پس چیست ای مسلمانان شمارادرباره تملق کنندگان دو گروه شدید[٣] وخدا نگونسارساخت ایشان رابشومی آنچه کردند آیا می خواهید که راه نمائید (یعنی ازجمله راه یابان شمارید) کسی راکه گمراه ساخت اورا خداوهرکرا خداگمراه کندنیابی برای اوهیچ را هی (٨٨) .

وَدُّوْا لَوْ تَكْفُرُوْنَ كَمَا كَفَرُوْا فَتَكُوْنُوْنَ سَوَآءً فَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ اَوْلِيَآءَ حَتّٰى يُهَاجِرُوْا فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوْهُمْ وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُّمُوْهُمْ ۪ وَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿٨٩﴾

این تملق کنندگان آرزو کردند که شما نیز کافرشوید چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس دوست مگیریدهیچکس را ازیشان تاآنکه هجرت کنند در راه

---

(١) یعنی مثلاً سفارش گدای به تَوانگرتا اورا جیزی بدهدنیك است وسفارش برای سارق تادست اونه بُرند درست نیست .

(٢) مترجم گویدخدای تعالی بیان می فرماید که به تملقِ کفار اعتمادنبایدکرد .

(٣) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند ومی بایست که همه باتفاق فریفته نمی شدند والله اعلم .

إِلَّا الَّذِيْنَ يَصِلُوْنَ إِلٰى قَوْمٍۭ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيْثَاقٌ أَوْ جَآءُوْكُمْ حَصِرَتْ صُدُوْرُهُمْ أَنْ يُّقَاتِلُوْكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوْا قَوْمَهُمْ ۭ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقٰتَلُوْكُمْ ۚ فَإِنِ اعْتَزَلُوْكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ ۙ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيْلًا ﴿۹۰﴾

سَتَجِدُوْنَ اٰخَرِيْنَ يُرِيْدُوْنَ أَنْ يَّأْمَنُوْكُمْ وَيَأْمَنُوْا قَوْمَهُمْ ۭ كُلَّمَا رُدُّوْٓا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوْا فِيْهَا ۚ فَإِنْ لَّمْ يَعْتَزِلُوْكُمْ وَيُلْقُوْٓا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوْٓا

خدا[١] پس اگر اعراض کردند (یعنی ازاسلام و هجرت) پس اسیر گیرید ایشان را وبکشید هرجا که یابید ایشان را ودوست ویار مگیرید کسی رااز ایشان (۸۹).

(اسیر گیریدوبکشید) مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما ومیان ایشان عهد است یابیایند نزد شما حالانکه تنگ آمده است سینه های ایشان ازآنکه بجنگند باشمایا بجنگند باقوم خویش[٢] واگرخدامی‌خواست هر آئینه مسلط می‌ساخت ایشان را برشماپس می‌جنگیدند باشما پس اگراین فریق یکسوشوند ازجانب شماو نجنگندباشماو بیفگنند بسوی شماپیغام صلح را پس خداوند برضدایشان را هی دراختیار شما نگذاشته است[٣] (۹۰).

خواهید یافت قومی را که می خواهند ایمن شوندازشما وایمن شوندازقوم خود هرگاه باز گردانیده می شوند بسوی فتنه انگیزی نگونسارانداخته شونددرآن[٤] پس اگر یکسونه شوندازجنگ

(١) یعنی مسلمان شوند وهجرت کنند.

(٢) مترجم گوید و کسی که ایمان آردوهجرت نه کندحکم اوبطریق اولی فهمیده شد والله اعلم.

(٣) یعنی اگراسلام آرندوهجرت کنندایشان را دوست باید گرفت واگر اسلام نیارندمی باید کشت مگرآنکه پیمان داشته باشند وثابتانرا برعهدوحلفای معاهدان رابه هیچ وجه نتوان ایذاداد والله اعلم.

(٤) صلح می کنندوبازنقض عهد می‌نمایند والله اعلم.

أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ ۚ
وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٩١﴾

شماونیفگنند بسوی شما پیغام صلح را وبـازنـدارنـد دستهـای خـویش را پس اسیر گیریدایشان را وبکشید هرجاکه یابید ایشان را واین جماعت داده ایم شمارا برایشان حجت ظاهر (۹۱) .

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً ۚ وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً
فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا ۚ فَإِنْ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۖ وَإِنْ
كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ
وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ
تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩٢﴾

ونـه[۱] سِـزَدمسلمـانـی را کـه بکشـد مسلمانی را لیکن قتل واقع میشود بخطأ (یعنی بغیر قصد) وهرکه بکُشد مسلمانی رابخطأ پس لازم است آزادکردن برده مسلمان و خون بهارسانیده شده به کسان مقتول مگرآنکه درگذرندازآن پس اگر بـاشـدمقتـول ازگـروه دشمنـانِ شمـا واومسلمانست پس لازم است آزادکردن بردهٔ مسلمان[۲] واگر باشدمقتول ازقومی که میان شماوایشان عهداست[۳] پس لازم است خون بهارسانیده شده بکسان اووآزاد کردن بردهٔ مسلمان پس هرکه نیابدبرده را پس لازم است روزه داشتن دوماه پی درپی مشروع در کفارّت بجهت قبول توبه است ازجانب خداوهست خدادانای استوارکار[٤] (۹۲) .

---

(۱) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطأبیان می فرماید وآنکه امتناع ازکسیکه به کلمهٔ اسلام متکلم شدواجب است وفضل مجاهدان ووجوب هجرت ازدار کفر بداراسلام و کیفیت نماز سفرونمازخوف بیان می کُند والله اعلم .

(۲) یعنی مقتول مسلمان اگر ازساکنان دارالحرب باشد دیت لازم نیست والله اعلم.

(۳) یعنی واو مومن باشد .

(٤) جمهـورمفسریـن تصـور (وان کـان مـن قـوم بینکـم وبینهـم میثـاق) درمقتـول کافرکردندبه ملاحظه آنکه توارث درمیان مومن وکافر منقطع است وسبیل دیت =

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٣﴾

وهركه بِكُشَد مسلمانی را بقصد پس جزای او دوزخ است جاویدباشدآنجا وخشم گرفته است براوخداو لعنت کرداورا وآماده ساخته است برای اوعذابی بزرگ (٩٣) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوا
وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ
الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ
فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

ای مسلمانان چون سفر کنید درراه خدا(یعنی برای جهاد) پس نیك تحقیق کنید ومگوئید کسی را که بسوی شماسلام انداخته است نیستی مسلمان می طلبید متاع زندگانی دنیا را پس نزد خداغنیمت های بسیاراست هم چنین بودید پیش ازین پس انعام کردخدا برشماپس تحقیق کنید هر آئینه خداهست بآنچه کنیدآگاه (٩٤) .

لَا يَسْتَوِي الْقٰعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجٰهِدُونَ
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِينَ
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقٰعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ
الْحُسْنٰى وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجٰهِدِينَ عَلَى الْقٰعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾

برابرنیستند نشینندگان غیر معذور ازمسلمانان وجهاد کنندگان درراه خدای تعالی به مالهای خویش وجانهای خویش برتری داده است خدامجاهدان را به مال و جان خویش برنشینندگان درمرتبه وهریکی را وعدهٔ نیك کرده است خدا وافزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان مزدبزرگ[1] (٩٥) .

= سبیل میراث است و بندهٔ ضعیف می گوید تمهید مسئله به (وما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناالاخطأ) وتقید به «وهومؤمن» درنظیر مانحن فیه ظاهر است درآنکه اینجاقیدایمان معتبر است ولزوم دیت بجهت وفابعهدست نه برسبیل میراث ونظیرش وجوب مهرست درمسئله مؤمنه ازقوم متعاهدین درسوره ممتحنه الله اعلم .

(١) فائده قید غیراولی الضررآنست که دراولی الضرراین حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند ازاولی الضرر که نیت صحیحه دارند ثواب عمل کامل یابندوالله اعلم .

دَرَجٰتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَّرَحْمَةً ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٩٦﴾	افزون داده است مرتبه هاازجانب خویش وآمرزش وبخشایش وهست خداآمرزندۀ مهربان (٩٦) .
اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَفّٰىهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِيْٓ اَنْفُسِهِمْ قَالُوْا فِيْمَ كُنْتُمْ ۚ قَالُوْا كُنَّا مُسْتَضْعَفِيْنَ فِي الْاَرْضِ ۚ قَالُوْٓا اَلَمْ تَكُنْ اَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوْا فِيْهَا ۚ فَاُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۚ وَسَآءَتْ مَصِيْرًا ﴿٩٧﴾	هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند درحالتیکه ستمگار بودند برخویشتن(١) فرشتگان بایشان گفتند درچه حال بودید شما گفتند بودیم بیچاره گان درزمین گفتند آیافراخ نبود زمین خدا تاهجرت می کردید درآن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است واوبدجائی است (٩٧) .
اِلَّا الْمُسْتَضْعَفِيْنَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَآءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ حِيْلَةً وَّلَا يَهْتَدُوْنَ سَبِيْلًا ﴿٩٨﴾	مگرآنانکه بحقیقت بیچاره اند ازمردان و زنان وکودکان هیچ چاره نمی توانند وهیچ راه نمی یابند (٩٨) .
فَاُولٰٓئِكَ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّعْفُوَ عَنْهُمْ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُوْرًا ﴿٩٩﴾	پس آن جماعت نزدیك است که خدا عفو کند ازایشان وهست خداعفوکنندۀ آمرزنده (٩٩) .
وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِي الْاَرْضِ مُرٰغَمًا كَثِيْرًا وَّسَعَةً ۚ وَمَنْ يَّخْرُجْ مِنْۢ بَيْتِهٖ مُهَاجِرًا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٠٠﴾	وهرکه ترك وطن کند درراه خدا بیابددرزمین اقامت گاه بسیارو فراخی معیشت وهرکه بیرون رودازخانۀ خود هجرت کنان بسوی خداو پیغامبراو وسپس دریابد اورا موت(٢) پس به تحقیق ثابت شد مزداوبرخدا وهست خدا آمرزندۀ مهربان (١٠٠) .
وَاِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ	وچون سفرکنید درزمین پس نیست برشما

(١) یعنی بترك هجرت از دارالحرب بدارالسلام وبه تکثیر سوادکفاروالله اعلم .

(٢) یعنی درراه قبل وصول بمقصد .

تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلٰوةِ ۖ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَّفْتِنَكُمُ الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا ۚ إِنَّ الْكٰفِرِيْنَ كَانُوْا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِيْنًا ﴿١٠١﴾

وَإِذَا كُنْتَ فِيْهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلٰوةَ فَلْتَقُمْ طَآئِفَةٌ
مِّنْهُمْ مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوْا أَسْلِحَتَهُمْ ۖ فَإِذَا سَجَدُوْا فَلْيَكُوْنُوْا
مِنْ وَّرَآئِكُمْ ۖ وَلْتَأْتِ طَآئِفَةٌ أُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوْا فَلْيُصَلُّوْا
مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوْا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَدَّ الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا لَوْ تَغْفُلُوْنَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيْلُوْنَ
عَلَيْكُمْ مَّيْلَةً وَّاحِدَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ
أَذًى مِّنْ مَّطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَّرْضٰى أَنْ تَضَعُوْا أَسْلِحَتَكُمْ ۖ وَ
خُذُوْا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿١٠٢﴾

گناهی درآنکه قصر کنید قدری ازنماز اگر بترسید ازآنکه دربلاافگند شمارا کافران هر آئینه کافران هستند شمارادشمن آشکار[1] (١٠١) .

وچون باشی درمیان مؤمنان[2] پس برپاکردی برای ایشان نمازرا پس باید بایستد گروهی ازایشان باتو وبایدکه برگیرند سلاح خویش را پس چون سجده کردند آنان پس بایدکه باشندپشت سرشما[3] وبایدکه بیاید آن گروه دیگرکه هنوز نمازنخوانده اند پس نماز گذارندباتو وبایدکه بگیرند حذر[4] وسلاح خودرا آرزوکردندکافران کاش غافل شوید ازسلاح خویش و متاع خویش پس حمله کنند برشما یك باره و هیچ گناه نیست برشما اگر باشد شمارا رنجی ازباران یا بیمارباشید درآن که بنهید سلاح خویش را والبته بگیریدحذرخودرا هر آئینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب رسواکننده[5] (١٠٢) .

(١) مترجم گوید مشهور آن ست که این آیت درصلوٰة مسافرنازل شده است وخوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیك این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت درصلوٰة خوف نازل شده است وسفرقیداتفاقیست و مراد از قصردرکیفیت رکوع وسجود است که بایمای اداميتوان کرد نه درکمیت رکعات والله اعلم .

(٢) یعنی وقت خوف .

(٣) یعنی مقابل عدو .

(٤) وحذرخوذوزره وسپررا گویند .

(٥) مترجم گوید این راصورتهاست یکی آنکه امام دوبارنماز گذاردیك بار =

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلٰوةَ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ قِيٰمًا وَّقُعُوْدًا وَّعَلٰى جُنُوْبِكُمْ ۚ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ ۚ إِنَّ الصَّلٰوةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ كِتٰبًا مَّوْقُوْتًا ﴿١٠٣﴾

پس چون نماز تمام کردید پس یاد کنیدخدارا ایستاده ونشسته وبرپهلوهای خویش پس چون مطمئن شدید برپا کنیدنمازرا(۱) هر آئینه هست نمازبرمومنان فرض وقت معین کرده شده(۱۰۳) .

وَلَا تَهِنُوْا فِى ابْتِغَآءِ الْقَوْمِ ۖ إِنْ تَكُوْنُوْا تَأْلَمُوْنَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُوْنَ كَمَا تَأْلَمُوْنَ ۚ وَتَرْجُوْنَ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا يَرْجُوْنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿١٠٤﴾

وسستی مکنید درجستجوی کفارا گر شمادردمند می شوید پس ایشان نیزدردمند می شوند چنانکه شما می‌شوید و شماامید داریداز خدا آنچه ایشان را امید نیست وهست خداداناى استوارکار (۱۰٤) .

إِنَّآ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَآ أَرٰىكَ اللّٰهُ ۚ وَلَا تَكُنْ لِّلْخَآئِنِيْنَ خَصِيْمًا ﴿١٠٥﴾

هر آئینه(۲) مافرود آوردیم بسوی توکتاب را براستی تاحکم کنی میان مردمان بآنچه شناسانده است تراخداومباش خصومت کننده برای حمایت خیانت کنندگان (۱۰۵) .

= باینجماعت ودیگربار بآن جماعت دیگر آنکه امام بایك جماعت يك ركعت گذاردودرقیام توقف کندتاآنکه رکعت دیگرخوانده مقابل عدوروند آنجماعت دیگرآمده اقتدا به امام کنندو رکعت دیگر بآنجماعت خواند درقعده چندان توقف کندکه ازرکعت دوم فارغ شوند آنگه بایشان سلام دهداین هردوباصورتهای دیگرهمه صحیح شده وهمه محتمل آنست والله اعلم.

(۱) یعنی بطریق نمازامن والله اعلم .

(۲) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی راازایشان مرتکب گناهی می‌شد دور وی حیله ها بافته پیش آنحضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت اوبخاطرمبارك می‌رسید وبایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف درمیان می‌آوردند خدای تعالی آیات فرستاد .

وَّاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ١٠٦

وآمرزش خواه ازخدا هر آئينه هست خدا آمرزندهٔ مهربان (١٠٦) .

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِيْنَ يَخْتَانُوْنَ اَنْفُسَھُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا اَثِيْمًا ١٠٧

وخصومت مكن ازجانب آنانكه خيانت مى كنند خويشتن را هر آئينه خدا دوست نداردآنرا كه باشدخيانت كنندهٔ گنهگار (١٠٧) .

يَّسْتَخْفُوْنَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُوْنَ مِنَ اللّٰهِ وَھُوَ مَعَھُمْ اِذْ يُبَيِّتُوْنَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُوْنَ مُحِيْطًا ١٠٨

پنهان مى كنند ازمردمان و پنهان نمى كنند ازخدا واوبايشان ست آنگاه كه به شب مشورت ميكنندآنچه خدانمى پسنددازتدبير وهست خداباآنچه ميكننددر بر گيرنده (١٠٨) .

ھٰٓاَنْتُمْ ھٰٓؤُلَاۗءِ جٰدَلْتُمْ عَنْھُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۣ فَمَنْ يُّجَادِلُ اللّٰهَ عَنْھُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَمْ مَّنْ يَّكُوْنُ عَلَيْھِمْ وَكِيْلًا ١٠٩

آ گاه باشيد شمااى قوم كه خصومت كرديد ازطرف خيانت كنند گان درزندگانى دنيا پس كيستكه خصومت كندباخدا ازطرف ايشان روزقيامت ياكيست كه باشدبرايشان كارسازنده (١٠٩) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ سُوْۗءًا اَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهٗ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ١١٠

وهركه انجام دهد كاربدياستم كندبرخويش بازآمرزش طلبدازخدا بيابد خدارا آمرزندهٔ مهربان (١١٠) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ اِثْمًا فَاِنَّمَا يَكْسِبُهٗ عَلٰي نَفْسِهٖ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ١١١

وهركه بكند گناهى پس جزاين نيست كه مى كندآن رابرجان خويش وهست خدا داناى استواركار (١١١) .

وَمَنْ يَّكْسِبْ خَطِيْۗئَةً اَوْ اِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهٖ بَرِيْۗــــًٔا فَقَدِ احْتَمَلَ بُھْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ١١٢

وهركه بكند خطائى يا گناهى بازتهمت زندبآن بيگناهى را پس برخود برداشت افتراو گناه ظاهررا (١١٢) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهٗ لَهَمَّتْ طَّاۗىِٕفَةٌ مِّنْھُمْ اَنْ يُّضِلُّوْكَ ۭ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّآ اَنْفُسَھُمْ وَمَا يَضُرُّوْنَكَ مِنْ شَيْءٍ ۭ وَاَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ

وا گرنمى‌بود فضل خدابرتو وبخشائش او قصدكرده بودند گروهى ازايشان كه گمراه كنندترا و گمراه نمى كنند مگرخويشتن

مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيْمًا ﴿١١٣﴾

را وهیچ ضرری نرسانند به توازچیزی ونازل ساخت خدا برتوکتاب و دانش و آموخت ترا آنچه نمی دانستی وهست فضل خدا برتوبزرگ (۱۱۳) .

لَا خَيْرَ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنْ نَّجْوٰىهُمْ اِلَّا مَنْ اَمَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ
مَعْرُوْفٍ اَوْ اِصْلَاحٍۭ بَيْنَ النَّاسِ ۗ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ
ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١١٤﴾

نیست خوبی دربسیاری ازمشورت پنهانی ایشان لیکن خوبی درمشورت کسی است که می‌فرماید بصدقه یابکار پسندیده یا به صلاح کاری میان مردمان وهرکه این کند به طلب خوشنودی خدا پس بزودی بدهیمش مزدبزرگ (۱۱٤) .

وَمَنْ يُّشَاقِقِ الرَّسُوْلَ مِنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ
الْهُدٰى وَ يَـتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيْلِ الْمُؤْمِنِيْنَ نُوَلِّهٖ
مَا تَوَلّٰى وَنُصْلِهٖ جَهَنَّمَ ۗ وَسَآءَتْ مَصِيْرًا ﴿١١٥﴾

وهرکه مخالفت پیغامبرکند بعد ازآنکه معلوم شداوراهدایت وپیروی کندغیر راه مسلمانان را متوجه بکنیمش بآنچه میگردد[1] ودرآریمش بدوزخ واوبدجائی ست (۱۱۵) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ مَا دُوْنَ ذٰلِكَ
لِمَنْ يَّشَآءُ ۗ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ
ضَلٰلًاۢ بَعِيْدًا ﴿١١٦﴾

هر[2] آئینه خدا نمی آمرزدآنکه شریك باومقررکرده شود و می آمرزد غیرشرك هرکراخواهد وهرکه شریك خدا مقررکند پس گمراه شد گمراهی دور (۱۱٦) .

اِنْ يَّدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖۤ اِلَّاۤ اِنٰثًا ۚ وَاِنْ يَّدْعُوْنَ
اِلَّا شَيْطٰنًا مَّرِيْدًا ﴿١١٧﴾

مشرکان نمی پرستند بجز خدامگربتانی راکه بنام دختران مسمی کرده اند ونمی پرستند مگرشیطان دوررفته ازحدرا (۱۱۷) .

لَّعَنَهُ اللّٰهُ ۘ وَقَالَ لَاَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيْبًا
مَّفْرُوْضًا ﴿١١٨﴾

لعنت کرداوراخداو گفت شیطان بگیرم ازبندگان توحصه ای که در علم ازلی معین شده (۱۱۸) .

وَّلَاُضِلَّنَّهُمْ وَلَاُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ اٰذَانَ

والبته گمراه کنم ایشان را و البته درآرزوی

---

(۱) مترجم گوید یعنی قوت دل بیفزائم .

(۲) مترجم گوید ازینجا تغلیظ تحریم شرك می فرماید .

الْاَنْعَامِ وَلَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ ؕ وَمَنْ يَّتَّخِذِ الشَّيْطٰنَ وَلِيًّا مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِيْنًا ﴿١١٩﴾

باطل افگنم ایشان را والبته بفرمایم ایشان را تابشگافند گوش چهارپایان راوالبته بفرمایم ایشان راتاتغییردهندآفرینش خدارا[1] وهرکه دوست گیردشیطان را بجزخدا پس زیان کارشد زیان ظاهر (۱۱۹) .

يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيْهِمْ ؕ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ﴿١٢٠﴾

وعده می دهدایشان راودرآرزوی می اندازد ایشانراو وعده نمی دهدایشان راشیطان الابفریب (۱۲۰) .

اُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؗ وَلَا يَجِدُوْنَ عَنْهَا مَحِيْصًا ﴿١٢١﴾

آن جماعت جای ایشان دوزخ است و نیابند ازآن راه نجاتی (۱۲۱) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ؕ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ؕ وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيْلًا ﴿١٢٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند درآریم ایشان را به بوستانهائی که می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه وعده کرده است خدابراستی وکیست راست‌گوترازخدادرسخن (۱۲۲) .

لَيْسَ بِاَمَانِيِّكُمْ وَلَآ اَمَانِيِّ اَهْلِ الْكِتٰبِ ؕ مَنْ يَّعْمَلْ سُوْٓءًا يُّجْزَ بِهٖ ۙ وَلَا يَجِدْ لَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿١٢٣﴾

نیست کاربوفق آرزوی شما ونه بوفق آرزوی اهل کتاب هرکه بکندکاربد جزاداده خواهدشدبه آن ونیابدبرای خود بجز خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده (۱۲۳) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ مِنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُوْنَ نَقِيْرًا ﴿١٢٤﴾

وهرکه بکندازکارهای شایسته مرد باشد یا زن واومسلمان است پس آن جماعت درآیند به بهشت وستم کرده نه شوندمقدارنقیری (۱۲٤) .

وَمَنْ اَحْسَنُ دِيْنًا مِّمَّنْ اَسْلَمَ وَجْهَهٗ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

وکیست نیکوتر باعتباردین ازکسی که

---

(۱) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بربدن تاسرخ یاکبود گردانند والله اعلم .

وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرٰهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَاتَّخَذَ اللّٰهُ إِبْرٰهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾

منقاد ساخت روی خودرا برای خداو اونیکوکاراست وپیروی کردملت ابراهیم رادرحالتی که حنیف بود وخدا دوست گرفت ابراهیم را (١٢٥) .

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ مُّحِيطًا ﴿١٢٦﴾

وخداراست آنچه درآسمان هاست و آنچه درزمین ست وهست خدا بهمه چیزدر برگیرنده (١٢٦) .

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَآءِ ۖ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ ۙ وَمَا
يُتْلٰى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ فِي يَتٰمَى النِّسَآءِ الّٰتِي لَا
تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ
وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدٰنِ ۙ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتٰمٰى
بِالْقِسْطِ ۚ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾

وطلب فتوی می کنندازتودرباره زنان[1] بگو خدافتوىٰ میدهدشمارادرباره زنان وآنچه خوانده می شودبرشمادرکتاب نازل شده است درحق آن زنان یتیمه که نمی دهیدایشان راآنچه فرض کرده شده است برای ایشان ورغبت می کنیدکه به نکاح درآر یدایشانرا[2] ونازل شده است درباره بیچاره گان ازکودکان وحکم ست بآنکه تعهدحال یتیمان کنیدبانصاف وهرآنچه می کنیدازنیکوئی هست خداآن دانا[3] (١٢٧) .

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا
جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا ۚ وَالصُّلْحُ خَيْرٌ

اگرزنی بترسد ازشوهرش سرکشی یا روگردانی راپس گناه نیست برایشان درآنکه صلح آرنددرمیان خویش نوعی ازصلح

---

(١) یعنی چه نوع بایشان معامله بایدکرد والله اعلم .

(٢) درنکاح زنان یتیمه رغبت می کردند بسبب براعت جمال وحداثت سن درادای نفقه ومهر کوتاهی می نمودند والله اعلم .

(٣) جواب این استفتاء تفصیلی داشت پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرمودبر آیات سابقه وآن مسئله تحریم ظلم بر یتامی النساء است وبعضی را اینجاجواب داد وآن مسئله نشوزوتحریم میل کلّی بیك زن و اعراض ازرن دیگر واباحه طلاق درصورت ضرورت والله اعلم .

وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ ۚ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ
كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾

وصلح کاری بهتراست، وحاضرکرده شده اند نفوس نزدیك بخل[1] واگر نیکوکاری وپرهیزگاری کنیدپس هر آئینه خدا هست بآنچه می‌کنیددانا (١٢٨) .

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ
فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ۚ وَإِنْ تُصْلِحُوا
وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾

ونه توانید هرگز عدل کردن میان زنان اگرچه نهایت رغبت کنید پس باری کجی مکنید تمام کجی تاآنکه بگذارید آن زنان را مانند معلقه[2] واگر اصلاح کنید وپرهیزگاری نمائید پس هر آئینه خداهست آمرزندهٔ مهربان (١٢٩) .

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ ۚ وَكَانَ
اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾

و اگر مردوزن ازیکدیگرجداشوندکفایت کندخدای تعالی هریکی راازتوانگری خودهست خداجواد استوارکار (١٣٠) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَإِنْ تَكْفُرُوا
فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ
غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿١٣١﴾

وخدای راست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست وهرآئینه حکم فرمودیم آنانراکه داده شدند کتاب پیش ازشما وشمارانیزکه بترسید ازخدا و اگر کافر شوید پس هرآئینه خداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وهست خدا توانگر ستوده شده (١٣١).

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ
وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾

وخداراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است وخدا کارسازبس است (١٣٢) .

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۚ وَكَانَ
اللَّهُ عَلَىٰ ذٰلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾

اگر خواهد دورکندشمارا ای مردمان وبوجود آرد دیگران را وهست خدا براین کار توانا (١٣٣) .

---

(١) یعنی ازبخل غائب نمی شوند وآن رانمی گذارند والله اعلم .
(٢) مترجم گوید معلقه زنیست که نه بیوه باشدونه باو شوهر موافقت کند .

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ﴿١٣٤﴾

هركه باشدطالب جزای دنیا (یعنی جزای عمل دردنیا طلب کند)پس نزد خدااست ثواب دنیاو آخرت وخدا شنواوبیناست[1] (١٣٤) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ اَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ ۚ اِنْ يَّكُنْ غَنِيًّا اَوْ فَقِيْرًا فَاللّٰهُ اَوْلٰى بِهِمَا ۗ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰٓى اَنْ تَعْدِلُوْا ۚ وَاِنْ تَلْوٗٓا اَوْ تُعْرِضُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿١٣٥﴾

ای مسلمانان باشید برپادارندۂ عدالت اظهارحق کننده برای خدا واگرچه برضررخویشتن یاپدرومادر وخویشاوندان باشد اگرآنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یافقیر بهرحال خدا مهربان تراست برایشان پس پیروی خواهش نفس مکنید اعراض کنان ازعدل واگر بپیچانید سخن را یارو گردانید پس هرآئینه خداهست بآنچه می کنیدآگاه (١٣٥) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْ نَزَّلَ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ۗ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًاۢ بَعِيْدًا ﴿١٣٦﴾

ای مسلمانان ایمان آریدبخدا وپیغامبراو وآن کتاب که فروفرستاده است برپیغامبرخود وآن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین وهرکه کافر شودبخدا وبه فرشتگان او وکتاب های اووپیغامبران او وروزآخرت پس هرآئینه گمراه شد گمراهی دور[2] (١٣٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ ازْدَادُوْا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيْلًا ﴿١٣٧﴾ۭ

بیگمان آنانکه ایمان آوردند بازکافرشدند بازایمان آوردند بازکافرشدند بازرزیادت کردنددرکفر[3] هرگزنیامرزد خدای تعالی ایشان را وهرگزننماید ایشان را

---

(١) یعنی پس چرا طالب هر دونباشید والله اعلم .

(٢) مترجم گوید مرادآنست که هرکه درملت اسلامیه داخل شداورابه تفصیل تصدیق این چیزها بایدکرد .

(٣) یعنی اصرار کردند والله اعلم .

راهی (۱۳۷) .

بَشِّرِ الْمُنٰفِقِيْنَ بِاَنَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٣٨﴾

خبر[1] ده منافقان را بآنکه ایشان را باشدعذاب درد دهنده (۱۳۸) .

الَّذِيْنَ يَتَّخِذُوْنَ الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۚ
اَيَبْتَغُوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَاِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ﴿١٣٩﴾

آن منافقان که کافران را دوست میگیرند بجز مؤمنان آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند پس هرآئینه ارجمندی خدارااست همه یکجا (۱۳۹) .

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ
بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِيْ
حَدِيْثٍ غَيْرِهٖٓ ۖ اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ
الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْكٰفِرِيْنَ فِيْ جَهَنَّمَ جَمِيْعًا ﴿١٤٠﴾

وهرآئینه فروفرستاده است خدابرشما درقرآن که چون بشنویدآیاتهای خدارا که به آنهاکفر ورزیده میشود وتمسخرکرده میشودبآنهاپس منشینید باایشان تاآنکه شروع کنند درسخنی غیراز آن هرآئینه شما اگرچنین نکنید مانندآن کافران باشیدهرآئینه خدابهم آرنده است منافقان وکافران را همه یك جادردوزخ (۱٤۰) .

الَّذِيْنَ يَتَرَبَّصُوْنَ بِكُمْ ۚ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللّٰهِ قَالُوْٓا
اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ ۖ وَاِنْ كَانَ لِلْكٰفِرِيْنَ نَصِيْبٌ ۙ قَالُوْٓا اَلَمْ
نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۗ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ وَلَنْ يَّجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكٰفِرِيْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ سَبِيْلًا ﴿١٤١﴾

آن منافقان که انتظارشمامی کشند پس اگر باشدشمارا فتحی ازجانب خدا گویندآیانبودیم باشما[2] واگر باشدکافران را نصیبی گویند یعنی بکافران آیاغالب نه شدیم برشما[3] وآیا باز نه داشتیم شمارا ازضرر مسلمانان[4] پس خداحکم خواهد کردمیان شما روزقیامت وهرگز

---

(۱) مترجم گوید ازینجاوعید منافقان بیان می فرماید .

(۲) يعني اززمره شمايم والله اعلم .

(۳) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دانستیم که بامسلمانان بجنگیدونه گذاشتیم که بمصلحت دیگرعمل کنید والله اعلم .

(٤) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشمانه رسد والله اعلم .

نگشایدخدا مرکافران رابرمومنان راهی[١] (١٤١) .

إِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ يُخٰدِعُوْنَ اللّٰهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ ۚ وَإِذَا قَامُوْٓا
إِلَى الصَّلٰوةِ قَامُوْا كُسَالٰى ۙ يُرَآءُوْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُوْنَ
اللّٰهَ إِلَّا قَلِيْلًا ﴿١٤٢﴾

هرآئینه منافقان فریب می‌دهند بگمان خود خدا را وخدانیزفریب می دهدایشانرا وچون منافقان بسوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند می نمایند به مردمان ویاد نمی‌کنندخدارا مگراندکی (١٤٢) .

مُّذَبْذَبِيْنَ بَيْنَ ذٰلِكَ ۖ لَآ إِلٰى هٰٓؤُلَآءِ وَلَآ إِلٰى هٰٓؤُلَآءِ ۚ وَمَنْ
يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ سَبِيْلًا ﴿١٤٣﴾

مترددانددرمیان این وآن نه بسوی اینانند ونه بسوی آنان وهرکرا گمراه کندخدا پس هرگز نیابی برای او هیچ راهی (١٤٣) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِيْنَ أَوْلِيَآءَ مِنْ
دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۚ أَتُرِيْدُوْنَ أَنْ تَجْعَلُوْا لِلّٰهِ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا
مُّبِيْنًا ﴿١٤٤﴾

ای مسلمانان دوست مگیرید کافران را بجزمومنان آیا می خواهید که ثابت کنیدبرای خدابرخویشتن دلیلی ظاهر (١٤٤) .

إِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ ۚ وَلَنْ تَجِدَ
لَهُمْ نَصِيْرًا ﴿١٤٥﴾

هرآئینه منافقان درطبقهٔ زیرترین اند ازآتش ونه یابی هرگزبرای ایشان هیچ یاری دهنده (١٤٥) .

إِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا وَأَصْلَحُوْا وَاعْتَصَمُوْا بِاللّٰهِ وَأَخْلَصُوْا
دِيْنَهُمْ لِلّٰهِ فَأُولٰٓئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۖ وَسَوْفَ يُؤْتِ
اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ أَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١٤٦﴾

مگرآنانکه توبه کردندواصلاح پیش گرفتند وچنگ زدند (بریسمان) خدا وخالص گردانیدند دین خودرا برای خدا پس آنجماعت همراه مومنانند وزود بدهدخدا مومنان را مزدبزرگ (١٤٦) .

مَا يَفْعَلُ اللّٰهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَاٰمَنْتُمْ ۚ وَكَانَ
اللّٰهُ شَاكِرًا عَلِيْمًا ﴿١٤٧﴾

چه کندخدا بعذاب شمااگرشکرگذاری کنید وایمان آرید وهست خداقدرشناس دانا (١٤٧) .

---

(١) یعنی نشودکه اسلام رامستاصل گردانند والله اعلم .

لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوْٓءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظُلِمَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا عَلِيْمًا ﴿۱۴۸﴾

دوست نمی داردخدا بلند گفتن سخن بدرا مگر سخت گفتن مظلوم که عفواست وهست خداشنوا دانا (١٤٨) .

اِنْ تُبْدُوْا خَيْرًا اَوْ تُخْفُوْهُ اَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوْٓءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيْرًا ﴿۱۴۹﴾

ا گرآشکاراکنیدکارنیك را یاپنهان کنیدآن را یا عفوکنیدازظلمی پس هرآئینه هست خداعفوکننده توانا (١٤٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّفَرِّقُوْا بَيْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَّنَكْفُرُ بِبَعْضٍ ۙ وَّيُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّتَّخِذُوْا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ۙ ﴿۱۵۰﴾

هرآئینه کسانی که کافرمی شوند بخدا وپیغامبران اومی خواهند که تفرقه کنند درمیان خدا و پیغامبران او[1] می گویندایمان می آریم به بعض پیغامبران ونامعتقدمی شویم بعض راومیخواهندکه راهی گیرند درمیان این وآن (١٥٠) .

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ حَقًّا ۚ وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ﴿۱۵۱﴾

آن جماعت ایشانندکافران به حقیقت وآماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده (١٥١) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَلَمْ يُفَرِّقُوْا بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ اُولٰٓئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿۱۵۲﴾

وکسانیکه ایمان آوردندبخدا وپیغامبران او وتفرقه نه کردنددرمیان هیچ یکی ازایشان آنجماعت خواهدداددخداایشان را مزدایشان وهست خدا آمرزنده مهربان (١٥٢) .

يَسْـَٔلُكَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتٰبًا مِّنَ السَّمَآءِ فَقَدْ سَاَلُوْا مُوْسٰٓى اَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقَالُوْٓا اَرِنَا اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

در[2] خواست می کنندازتواهل کتاب که فرود آری برایشان کتابی ازآسمان یعنی یکدفعه پس سوال کرده بودند ازموسیٰ سخت تر ازین گفتندخدارا بنمابماآشکارا

---

(١) یعنی بخداایمان آرند وبه پیغامبران ایمان نیارند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردّشبه یهودمیکند که قرآن چرایکدفعه مثل الواح موسیٰ نازل نه شدواین سخن ممتداست تایااهل الکتاب لاتغلوا .

مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذٰلِكَ ۚ وَاٰتَيْنَا مُوْسٰى سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ﴿١٥٣﴾

پس گرفت ایشان راصاعقه بسبب گناه ایشان بازمعبود گرفتند گوساله را بعدازآنکه آمدبایشان معجزه ها پس در گذشتیم ازین جریمه ودادیم موسی را غلبه ظاهر (١٥٣) .

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّوْرَ بِمِيْثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوْا فِي السَّبْتِ وَاَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيْثَاقًا غَلِيْظًا ﴿١٥٤﴾

وبرداشتیم بالای ایشان طوررا برای گرفتن عهدایشان و گفتیم ایشان رادرآئیدبه دروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را تجاوزمکنیددرروزشنبه و گرفتیم ازایشان عهدمحکم (١٥٤) .

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيْثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَقَتْلِهِمُ الْاَنْۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَّقَوْلِهِمْ قُلُوْبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ طَبَعَ اللّٰهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿١٥٥﴾

پس بسبب شکستنِ ایشان عهدخود را وبسبب کفرایشان بآیاتِ خداوکشتن ایشان انبیارا بناحق و گفتنِ ایشان که دلهای مادرپرده است نه بلکه مُهرنهاده است خدای‌تعالی بردل های ایشان بسبب کفرایشان پس ایمان نیارندمگراندکی (١٥٥) .

وَّبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلٰى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيْمًا ﴿١٥٦﴾

وبسبب کفرایشان و گفتن ایشان برمریم بهتانی بزرگ[1] (١٥٦) .

وَّقَوْلِهِمْ اِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيْحَ عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُوْلَ اللّٰهِ ۚ وَمَا قَتَلُوْهُ وَمَا صَلَبُوْهُ وَلٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اخْتَلَفُوْا فِيْهِ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ ۚ مَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ اِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوْهُ يَقِيْنًا ﴿١٥٧﴾

وبسبب گفتن ایشان هرآئینه ماکشتیم مسیح عیسیٰ پسرمریم راکه فی الواقع پیغامبر خدابود ونه کشته اند او را وبردار نه کرده اند اورا ولیکن مشتبه شدبرایشان وهرآئینه کسانیکه اختلاف کردند درباب عیسیٰ درشك اندازحال او ونیست ایشان

---

(١) یعنی قذف بزنا .

رابآن یقینی لیکن پیروی ظن میکنندوبه یقین نه کشته انداورا (۱۵۷) .

بَلْ رَّفَعَهُ اللّٰهُ اِلَيْهِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿۱۵۸﴾

بلکه برداشت اوراخدای‌تعالیٰ بسوی خود وهست خدا غالب استوارکار (۱۵۸) .

وَاِنْ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهٖ ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكُوْنُ عَلَيْهِمْ شَهِيْدًا ﴿۱۵۹﴾

ونباشدهیچ کس ازاهل کتاب الّا البته ایمان آورد بعیسی پیش ازمردن عیسیٰ[(۱)] وروزقیامت باشد عیسیٰ گواه برایشان (۱۵۹) .

فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبٰتٍ اُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ كَثِيْرًا ﴿۱۶۰﴾

پس به سبب ظلمیکه به ظهورآمدازیهود حرام ساختیم برایشان چیزهای پاکیزه که حلال بودندایشان را وبسبب بازداشتن ایشان مردمان بسیارازراه خدا (۱۶۰) .

وَّاَخْذِهِمُ الرِّبٰوا وَقَدْ نُهُوْا عَنْهُ وَاَكْلِهِمْ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ ؕ وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿۱۶۱﴾

و گرفتنِ ایشان سود را وحال آنکه منع کرده شده اندازآن وخوردن ایشان اموالِ مردمان را بناحق ومهیاکردیم برای کافران ازایشان (یعنی مصرّان برکفر) عذاب درد دهنده[(۲)] (۱۶۱) .

لٰكِنِ الرّٰسِخُوْنَ فِى الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُوْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَاۤ اُنْزِلَ اِلَيْكَ وَمَاۤ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيْمِيْنَ الصَّلٰوةَ

لیکن ثابت قدمان درعلم ازاهل کتاب ومومنان ایمان می آرندبآنچه فروفرستاده شده است بسوی تووآنچه فروفرستاده

---

(۱) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضرشوند نزول عیسیٰ را البته ایمان آرند والله اعلم.

(۲) مترجم گویدا گرگوئی انکار عیسیٰ بعدنزول تورات کرده بودند وتحریم لحوم ابل وتحریم ذی ظفردر تورات مذکور بودپس چگونه جزای انکار عیسیٰ باشد گویم نزدیك این بنده ظاهر آنست مراد ازتحریم طیّبات موقوف داشتن نعمت هااست که سابقًا ایشانرا داده بودند ازپادشاهی ونبوت ونصرت و غیرآن واین مشابه آن آیتیست (ضربت علیهم الذلةوالمسکنه) الایه واین آیت (وحرام علی قریة اهلکناها) وحینئذٍ جمیع کلام باهم مربوط باشد والله اعلم .

وَالْمُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اُولٰٓئِكَ سَنُؤْتِيْهِمْ اَجْرًا عَظِيْمًا ﴿١٦٢﴾

شده است پیش ازتوو(مدح می کنیم) برپادارندگانِ نمازراوهم چنین دهندگان زکوٰة را وایمان آرندگان بخدا و روزآخر این جماعت زود بدهیم ایشانرا مُزدبزرگ (١٦٢) .

اِنَّآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ كَمَآ اَوْحَيْنَآ اِلٰى نُوْحٍ وَّالنَّبِيّٖنَ مِنْ بَعْدِهٖ ۚ وَاَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ وَعِيْسٰى وَاَيُّوْبَ وَيُوْنُسَ وَهٰرُوْنَ وَسُلَيْمٰنَ ۚ وَاٰتَيْنَا دَاوٗدَ زَبُوْرًا ﴿١٦٣﴾

هرآئینه ما وحی فرستادیم بسوی توچنانکه وحی فرستادیم بسوی نوح وپیغامبران پس ازوی وچنانکه وحی فرستادیم بسوی ابراهیم واسمعیل و اسحق و یعقوب ونبیرگان وعیسیٰ وایوب ویونس و هارون وسلیمان وچنانکه دادیم داؤد رازبور (١٦٣) .

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنٰهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ ؕ وَكَلَّمَ اللّٰهُ مُوْسٰى تَكْلِيْمًا ﴿١٦٤﴾

وچنانکه فرستادیم پیغامبرانی که قصهٔ ایشان گفته ایم برتوپیش ازین وپیغامبرانی که قصهٔ ایشان نه گفته ایم به تو و گفت خداباموسیٰ سخن (١٦٤) .

رُسُلًا مُّبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ لِئَلَّا يَكُوْنَ لِلنَّاسِ عَلَى اللّٰهِ حُجَّةٌ ۢ بَعْدَ الرُّسُلِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿١٦٥﴾

فرستادیم پیغامبرانِ مژده دهندگان وبیم کنندگان تانه باشد مردمان را برخدا الزام بعد فرستادن پیغامبران[1] وهست خداغالب استوارکار (١٦٥) .

لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ بِمَآ اَنْزَلَ اِلَيْكَ اَنْزَلَهٗ بِعِلْمِهٖ ۚ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَشْهَدُوْنَ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿١٦٦﴾

لیکن خداگواهی میدهدبآنچه فروفرستاده است بسوی توکه فرو فرستاد آن رابه علم خودوفرشتگان نیز گواهی می دهند وبس است خدا گواه (١٦٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوْا ضَلٰلًا ۢ بَعِيْدًا ﴿١٦٧﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند وبازداشتند یعنی مردمان راازراه خدا به تحقیق گمراه

(١) یعنی تانه گویند که تقصیر مانیست هیچ پیغمبر نزدیك مانیامد والله اعلم .

شدند گمراهی دور (١٦٧) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾

هرآئینه کسانیکه کافرشدند وستم کردند هرگز نیامرزد ایشان را خدا ونه نمایدایشان راراهی (١٦٨) .

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾

مگرراه دوزخ جاویدان آنجا همیشه وهست این آسان برخدا (١٦٩) .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ ۚ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾

ای مردمان هرآئینه آمدبه شما پیغامبر براستی ازجانب پروردگار شما پس ایمان آریدتاایمان آوردن بهتر باشدبرای شماو اگر کافرشویدپس هرآئینه خدارا است آنچه درآسمانها وزمین است وهست خداداناواستوارکار (١٧٠) .

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ إِلَّا الْحَقَّ ۚ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللّٰهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ ۖ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ ۖ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ ۚ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ ۚ إِنَّمَا اللّٰهُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ ۘ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللّٰهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾

ای[1] اهل کتاب ازحدمگزرید دردین خود ومگوئیدبرخدا مگرسخنِ راست جزاین نیست که مسیح عیسیٰ پسرمریم پیغامبر خداست وکلمهٔ اوست انداخت آن را بسوی مریم وروحی است ازجانب خدا پس ایمان آریدبخداوپیغامبران او ومیگوئید خدایان سه اند بازآئید ازین قسمِ گفتار تااین باز ماندن بهتر باشد شمارا جزاین نیست که خدامعبود یگانه است پاکیست خداراازآن که باشداورا فرزندی مراو راست آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین است وبس است خداکارسازنده (١٧١) .

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلّٰهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ

هز گزننگ ندارد عیسیٰ ازآنکه باشد بندهٔ

---

(١) مترجم گوید ازینجاشروع می فرماید در ردّ شبه نصاریٰ والله اعلم .

الْمُقَرَّبُوْنَ ۭ وَمَنْ يَّسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهٖ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ اِلَيْهِ جَمِيْعًا ﴿۱۷۲﴾

خدا ونه فرشتگان مقرب ننگ دارند وهركه ننگ كند ازبندگی او وسركشی كند پس خواهد برانگیخت ایشانرا نزدیك خویش همه یكجا (۱۷۲) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ وَ يَزِيْدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۚ وَاَمَّا الَّذِيْنَ اسْتَنْكَفُوْا وَاسْتَكْبَرُوْا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ڏ وَّلَا يَجِدُوْنَ لَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَّلَا نَصِيْرًا ﴿۱۷۳﴾

پس اماكسانیكه ایمان آوردند وكارهای شائسته كردند پس تمام دهدایشان را مزدایشان و زیاده دهدایشان را ازفضل خود واماكسانی كه ننگ داشتند وسركشی كردند پس عذاب كندایشان راعذاب درد دهنده ونیابند برای خویش بجز خداهیچ دوستی ونه هیچ یاری دهنده ای (۱۷۳) .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَاَنْزَلْنَاۤ اِلَيْكُمْ نُوْرًا مُّبِيْنًا ﴿۱۷۴﴾

ای مردمان به تحقیق آمدنزدیك شما دلیلی ازپروردگار شما ونازل كردیم بسوی شما روشنی آشكارا (۱۷٤) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوْا بِهٖ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِيْ رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ ۙ وَّيَهْدِيْهِمْ اِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿۱۷۵﴾ ؕ

اماكسانی كه ایمان آوردند بخدا وچنگ زدندباو پس زود درآردایشان را دررحمت و فضل (ازنزدیك) خود وبه نماید ایشان را بسوی خودراه راست (۱۷۵) .

يَسْتَفْتُوْنَكَ ۭ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيْكُمْ فِي الْكَلٰلَةِ ۭ اِنِ امْرُؤٌا هَلَكَ لَيْسَ لَهٗ وَلَدٌ وَّلَهٗۤ اُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۚ وَهُوَ يَرِثُهَاۤ اِنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهَا وَلَدٌ ۭ فَاِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثٰنِ مِمَّا تَرَكَ ۭ وَاِنْ كَانُوْۤا اِخْوَةً رِّجَالًا وَّنِسَآءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنْثَيَيْنِ ۭ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اَنْ تَضِلُّوْا ۭ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۱۷۶﴾ ع

طلب فتویٰ میكنند ازتو بگوخدای‌تعالی فتویٰ میدهد شمارا درباب ِ میراث كسیكه والد وولدندارد ا گر مردی بمیردكه فرزندش نیست (یعنی ونه والد) واوراخواهری باشد[1] پس خواهرش راست نیمه آنچه گذاشته است و ا گر این خواهر مُردی آن برادروارثِ اوشدی

---

(۱) مترجم گویدیعنی اعیانی وا گر نباشدعلاتی قائم مقام اعیانی بود .

ا گرنباشد آنرافرزندی پس ا گرخواهران دوباشند پس ایشان را ست دوسوم حصه آنچه بگذاشته است وا گرایشان جماعت باشندمردان و زنان پس مردراست مانندِ حصه دوزن بیان می کندخدای برای شما تا گمراه نشوید وخدابهمه چیز داناست (١٧٦) .

سُورَةُ الْمَائِدَة

سوره مائده مدنی است وآن یکصد وبیست آیت وشانزده رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَوْفُوْا بِالْعُقُوْدِ ۚ اُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيْمَةُ
الْاَنْعَامِ اِلَّا مَا يُتْلٰى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّى الصَّيْدِ وَاَنْتُمْ حُرُمٌ ۗ اِنَّ اللّٰهَ
يَحْكُمُ مَا يُرِيْدُ ①

ای مومنان وفاکنید بعهد ها(یعنی عهدی که باخدابسته ایددرالتزام احکام اوتعالی) حلال کرده شده برای شما چهار پایان ازقسم اَنعام مگر آنچه خوانده شد برشما[1] نه حلال دارندِه شکار درحالتی که محرم باشید هرآئینه خدا حکم میکند آنچه می خواهد (١) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُحِلُّوْا شَعَآئِرَ اللّٰهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ
وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَآئِدَ وَلَآ آٰمِّيْنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُوْنَ
فَضْلًا مِّنْ رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۗ وَاِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوْا ۗ
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ
تَعْتَدُوْا ۘ وَتَعَاوَنُوْا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ۖ وَلَا تَعَاوَنُوْا عَلَى الْاِثْمِ

ای مسلمانان هتك حرمت مکنید نشانهای خدارا ونه ماه حرام را[2] ونه قربانی را وآنچه درگردن اوقلاده می اندازند ونه قصد کنندگان بیت الحرام راکه می طلبند فضلی ازپروردگار خویش وخوشنودی ازوی[3] وچون احرام کشادید پس شکار

(١) یعنی شتر و گاؤ و گوسفند واین سه قسم رااَنعام گویند حلال است مگرمیته، موقوذه وآنچه بیاید والله اعلم .

(٢) یعنی قتال دررجب وذیقعده وذی الحجه ومحرم نه بایدکرد والله اعلم .

(٣) یعنی تعرض حاجیان ومعتمران مسلمانان نبایدکرد ولقطهٔ ایشان نباید گرفت =

وَالْعُدْوَانِ ۪ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿۲﴾

بکنید۔ وحمل نکند شمارا دشمنی گروهی بسبب آنکه بازداشتند شمارا ازمسجد الحرام[۱] برتجاوزکردن ازحد وبایکدیگر مدد کنید برنیکوکاری و پرهیز گاری وبایکدیگرمددمکُنید برگناه وستم وبترسید ازخداهرآئینه خدا سخت است عقوبت او[۲] (۲) .

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيْرِ وَمَاۤ اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوْذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيْحَةُ وَمَاۤ اَكَلَ السَّبُعُ اِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ ۫ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَاَنْ تَسْتَقْسِمُوْا بِالْاَزْلَامِ ؕ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ ؕ اَلْيَوْمَ يَىِٕسَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ دِيْنِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ؕ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا ؕ فَمَنِ اضْطُرَّ فِيْ مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِّاِثْمٍ ۙ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۳﴾

حرام کرده شد برشما مردار وخون (یعنی خون مسفوح) و گوشتِ خوك و آنچه نام غیر خدا بوقت ذبح اویاد کرده شودوآنچه به خفه کردن مرده باشد وآنچه بسنگ یابعصامرده باشد وآنچه ازجای بلند افتاده بمیرد وآنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد الاآنچه بعد آفتهاذبح کرده باشید، حرام است آنچه ذبح کرده شود به نام بتها[۳] وحرام کرده شدآنکه طلب کنید معرفت قسمت خود به تیرهای فال این همه فسق است ۔ امروزناامید شدند کافران ازدین شما پس مترسید ازایشان وبترسید ازمن امروزکامل کردم برای شمادین شمارا

= والله اعلم .

(۱) یعنی پیش ازفتح مکه و پیش ازآنکه مسلمان شوند والله اعلم .

(۲) مترجم گویدحکم تغلیظ تحریم قتال دراشهر حرم مخصوص است بمسلمین بدلیل آیت سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به مسلمین آیت سورهٔ براءت واین آیات آخرمانزل است منسوخ داشتن آنهاچنانکه عامه مفسرین گویند راست نمی آید والله اعلم .

(۳) مترجم گویدیعنی برصورت قبر والله اعلم .

وتمام کردم برشمانعمت خودرا واختيار کردم اسلام را دين برای شما پس هرکه ناچار شود درگرسنگی غير مائل به گناه پس هرآئينه خدا آمرزنده مهربان است[۱] (۳) .

يَسْئَلُوْنَكَ مَاذَآ اُحِلَّ لَهُمْ قُلْ اُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبٰتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِّنَ
الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِيْنَ تُعَلِّمُوْنَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللّٰهُ فَكُلُوْا مِمَّآ
اَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ
سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٤﴾

سوال می کنندتراچه حلال کرده شد برای ايشان بگوحلال کرده شد برای شماپاکيزه ها[۲] وآنچه آموخته باشيد اورا ازجانوران شکاری درحالتيکه شکار تعليم کنندگانيد می آموزيداين هارا بعض آنچه خدای تعالی شمارا آموخته است پس بخوريد ازآنچه نگاهداشتندبرای شما[۳] ويادکنيد نام خدارا برآن[٤] وبترسيدازخدا هرآئينه خدا زودحساب کننده است (٤) .

اَلْيَوْمَ اُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبٰتُ وَطَعَامُ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ حِلٌّ
لَّكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَّهُمْ وَالْمُحْصَنٰتُ مِنَ الْمُؤْمِنٰتِ وَالْمُحْصَنٰتُ

امروزحلال کرده شدبرای شماپاکيزه ها وطعام اهل کتاب حلال است برای شما وطعام شما حلال است برای ايشان[۵]

---

(۱) مترجم گويد يعنی درمخمصه خوردن مردار جائزاست ونزديك ابی حنيفه فائده لفظ غير مائل بگناه آنست که زياده ازضرورت نخورد ونزديك مالك وشافعی آنست که قاطع طريق و سارق رارخصت نيست واين آيت آخر قرآنست بعد ازين هيچ آيت نازل نه شد والله اعلم .

(۲) آنچه عرب پاکيزه دانند والله اعلم .

(۳) مترجم گويد يعنی نخورده وندريده باشند برای خوردن خود والله اعلم .

(٤) مترجم گويد يعنی نزديك ارسال جانوران شکاری والله اعلم .

(۵) مترجم گويديعنی آنچه براهل کتاب حلال بود برشماحلال ست مثل گوسفندو گاؤ وآنچه برشما حلال کرده شد بر کسيکه ازايشان مسلمان شود حلالست مثل شترو ذی ظفروقبيله ها يهود و نصاری را درين باب اعتبارنيست والله اعلم.

مِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ اِذَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ
مُحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسٰفِحِيْنَ وَلَا مُتَّخِذِيْٓ اَخْدَانٍ ؕ وَمَنْ يَّكْفُرْ
بِالْاِيْمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهٗ ؗ وَهُوَ فِى الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٥﴾

وحلال کرده شدبرای شما محصنات اززنانِ مسلمانان ومحصنات اززنانِ کسانیکه کتاب داده شدند پیش ازشما چون بدهید ایشان را مهرایشان عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان ونه دوست پنهان گیرندگان وهرکه نامعتقدِاسلام باشد پس نابودشد عمل او واودرآخرت اززیان کاران ست(۱) (٥) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا قُمْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوْا
وُجُوْهَكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ اِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوْا بِرُءُوْسِكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ
اِلَى الْكَعْبَيْنِ ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوْا ؕ وَاِنْ كُنْتُمْ
مَّرْضٰٓى اَوْ عَلٰى سَفَرٍ اَوْ جَآءَ اَحَدٌ مِّنْكُمْ مِّنَ الْغَآئِطِ
اَوْ لٰمَسْتُمُ النِّسَآءَ فَلَمْ تَجِدُوْا مَآءً فَتَيَمَّمُوْا صَعِيْدًا
طَيِّبًا فَامْسَحُوْا بِوُجُوْهِكُمْ وَاَيْدِيْكُمْ مِّنْهُ ؕ مَا يُرِيْدُ اللّٰهُ
لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ حَرَجٍ وَّلٰكِنْ يُّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ
لِيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿٦﴾

ای مسلمانان چون برخیزید بسوی نماز پس بشوئید رویهای خودرا ودست های خودرا تاآرنج های و مسح کنید سرهای خودرا وبشوئید پائیهای خودرا تاشتالنگ و اگر باشید باجنابت پس غسل کنید واگرباشید بیمار یا مسافر یا بیایدیکی ازشما (ازقضاء حاجت) ازخلاجای یامساس کرده باشید زنان را(۲) پس نیابید آب پس قصد کنید خاك پاك را پس مسح کنید ازآن خاك بروی خودودست خود نه می خواهد خدا که مشروع کندبرشما مشقتی ولیکن می خواهد که پاك سازدشمارا وتمام کند نعمت خودرابرشما تاشود که شکرگزاری کنید (٦) .

---

(۱) مترجم گویدمحصنات اینجانزدیك امام ابی حنیفه بمعنی پارساست ونزدیك شافعی بمعنی آزاد واز (غیر مسافحین) مفهوم شدکه نکاح متعه درست نیست واز (ولامتخذی اخدان) مفهوم شدکه نکاحِ سرّ درست نیست والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی جماع کرده باشید ونزدیك شافعی دست رسانیدن بزنان ناقض وضوست والله اعلم .

وَاذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَمِيْثَاقَهُ الَّذِيْ
وَاثَقَكُمْ بِهٖٓ ۙ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا ۚ
وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٧﴾

و یادکنید نعمت خدارا برخویش وپیمان خدارا که عهد بسته است باشمابآن پیمان آنگاه که گفتید شنیدیم وفرمان برداری کردیم[1] وبترسید ازخدا هرآئینه خداداناست بآنچه درسینه هاباشد (٧) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ لِلّٰهِ شُهَدَآءَ
بِالْقِسْطِ ۡ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓي
اَلَّا تَعْدِلُوْا ۭ اِعْدِلُوْا ۣ هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى ۡ
وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿٨﴾

ای مسلمانان متعهد حق خدا باشید گواهی دهند گان براستی وحمل نکند شمارا دشمنی قومی برترك عدل عدل كنيد عدل نزديك تراست به پرهيز گارى وبترسيد ازخدا هرآئينه خداآگاه است بآنچه مى كنيد (٨) .

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۙ لَهُمْ
مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿٩﴾

وعده كرده است خدابه كسانيكه ايمان آوردند وكارهاى شائسته كردند باين مضمون كه ايشان راست آمرزش و مزدِبزرگ (٩) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ
الْجَحِيْمِ ﴿١٠﴾

وكسانى كه كافرشدند وبدروغ نسبت كردند آيات مارا ايشانند اهل دوزخ (١٠) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ
هَمَّ قَوْمٌ اَنْ يَّبْسُطُوْٓا اِلَيْكُمْ اَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ
اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۭ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١١﴾

اى مومنان يادكنيد نعمت خدارا برخويشتن آنگاه كه قصد كردند قومى كه درازكنند دستهاى خودرابسوى شما[2] پس باز داشت دست هاى ايشان را ازشما وبترسيدازخدا وبرخدا بايد كه توكل كنند مومنان[3] (١١) .

---

(١) يعنى عهديكه وقت بيعت بستيد والله اعلم .

(٢) يعنى قتال كنند والله اعلم .

(٣) اين معجزه چند نوبت متحقق شدازآن جمله آنست كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم به تقريبى بمحلهٔ يهود رفته بودند شخصى ازايشان خواست كه سنگى =

وَلَقَدْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۚ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ
اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيْبًا ۗ وَقَالَ اللّٰهُ اِنِّيْ مَعَكُمْ ۗ لَئِنْ اَقَمْتُمُ
الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاٰمَنْتُمْ بِرُسُلِيْ
وَعَزَّرْتُمُوْهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا
لَّاُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَلَاُدْخِلَنَّكُمْ جَنّٰتٍ
تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ
مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ السَّبِيْلِ ﴿١٢﴾

وهرآئينه گرفت خدای تعالى پيمان بنی اسرائيل ومعيّن ساختيم ازايشان دوازده سردار و گفت خداهر آئينه من باشمام مضمون پيمان آنكه ا گر برپاداشتيد نمازرا ودادیدزکوٰة را ومعتقد شديد پيغمبران مرا وتقويت كرديد ايشان را وقرض داديد خدارا قرض نيك[1] البته نابود سازم ازشما گناهانِ شمارا و البته درآرم شمارا به بوستانهامیرود زيرآن جويها پس هركه كافرشود ازشمابعدازين پس گم كرد راه راست را (١٢) .

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيْثَاقَهُمْ لَعَنّٰهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوْبَهُمْ
قٰسِيَةً ۚ يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ ۙ وَنَسُوْا
حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوْا بِهٖ ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلٰى خَآئِنَةٍ
مِّنْهُمْ اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاصْفَحْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٣﴾

پس به سبب شكستن ايشان پيمان خويش را لعنت كرديم ايشان را وسخت گردانيم دلهای ايشان را تغيير ميدهند كلمات را از مواضع آن ها وفراموش كردند حصه ازآنچه بآن پندداده شدند وهميشه هستی كه آگاه ميشوی برخيانتی ازايشان مگراندكی ازايشان پس درگذركن ازايشان واعراض كن هرآئينه خدادوست ميدارد نيكوكاران را (١٣) .

وَمِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّا نَصٰرٰٓى اَخَذْنَا مِيْثَاقَهُمْ
فَنَسُوْا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوْا بِهٖ ۠ فَاَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ

و گرفتيم ازكسانيكه گفتند مانصارىٰ ئيم پيمان ايشان را پس فراموش كردند حصه ازآنچه بآن پندداده شدند پس برانگيختيم

= بالای آنحضرت بافگند خدای تعالى دست آن شخص بندكردو ازآن جمله آن ست كه كفار قريش درحديبيه ازجنگ بازايستادند بعد ازآنكه داعيه جنگ داشتند وازآن جمله آنست كه يكی از ياران مسيلمه كذاب دست درازی خواست خدای تعالى دست اوراگرفت ساخت .

(١) يعنی درجهاد صرف كرديد بتوقع ثواب آخرت والله اعلم .

الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾

درمیان فرقه های نصاریٰ دشمنی وکینه تاروزقیامت و زود خبرخواهددادایشان را خدا بآنچه می کردند (١٤) .

يَٰأَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتٰبِ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ ۚ قَدْ جَآءَكُم مِّنَ اللهِ نُورٌ وَكِتٰبٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

ای اهل کتاب هرآئینه آمدبه شما پیغامبرمابیان می کند برای شما بسیاری ازآنچه پنهان می داشتید ازکتاب یعنی ازکتاب الهی واودر گذر میکنداز تقصیرات بسیار (ای اهل کتاب) هرآئینه آمد به شماازجانب خدا نوری وکتابی روشن (یعنی قرآن) (١٥) .

يَهْدِى بِهِ اللهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَٰنَهُۥ سُبُلَ السَّلٰمِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِۦ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾

بسبب آن دلالت می نماید خدا کسی راکه طلب رضای اوکرد بسوی راه های نجات وبیرون می آردایشان را ازتاریکی ها بسوی روشنی بارادهٔ خود ودلالت می کند ایشان را بسوی راه راست (١٦) .

لَّقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوٓا إِنَّ اللهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ مِنَ اللهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُۥ وَمَن فِى الْأَرْضِ جَمِيعًا ۗ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ وَاللهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند که خدا همون مسیح پسر مریم است[1] بگو کِه می تواند از خداچیزی را (ازانتقام) ا گر بخواهد که هلاك کند عیسیٰ پسر مریم را ومادرش را که مریم است وآنان را که درزمین اندهمه یکجا وخدا راست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هردواست می آفریند هرچه میخواهد وخدا برهمه چیز تواناست (١٧) .

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصٰرَىٰ نَحْنُ أَبْنٰٓؤُا اللهِ وَأَحِبّٰٓؤُهُۥ ۚ قُلْ فَلِمَ

و گفتند یهود وترسایان ماپسران خدائیم و دوستان اوئیم[2] بگوپس چرا عذاب می

(١) یعنی حلول کرده است دروی والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی خداراپدرخودمی گفتند والله اعلم .

يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ
وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ⑱

کند شمارا بر گناهان شما بلکه شما آدمیانیداز جنس آنچه پیداکرده است می آمرزد هرکراخواهد وعذاب می کند هر کراخواهد خدارا است پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان این هر دوباشد وبسوی اوست رجوع (١٨) .

يٰٓأَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلٰى فَتْرَةٍ مِّنَ
الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَآءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَّلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَآءَكُمْ
بَشِيرٌ وَّنَذِيرٌ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑲

ای اهل کتاب هرآئینه آمده است بشما پیغامبرما بیان می کند برای شما درحالت انقطاع آمدنِ پیغمبران[1] تانگوئید که نیامدنزدیك ما هیچ مژده دهنده وبیم دهنده آری هرآئینه آمده است بشما مژده دهنده وبیم دهنده وخدا برهمه چیز تواناست (١٩) .

وَإِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ
إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَآءَ وَجَعَلَكُمْ مُّلُوكًا وَّاٰتٰىكُمْ مَّا لَمْ
يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِينَ ⑳

ویادکن چون گفت موسیٰ قوم خودرا ای قوم من یادکنید نعمت خدارا برخویش چون پیداکرد درمیان شماپیغامبران را وپادشاه ساخت شمارا ودادبه شما آنچه نداد به هیچ کس ازعالمیان[2] (٢٠) .

يٰقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ
وَلَا تَرْتَدُّوا عَلٰٓى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خٰسِرِينَ ㉑

ای قوم من درآئید به زمین پاك که مقرر ساخته است آن را خدا برای شما وروگردان مشوید برسمت پشت خود آنگاه زیان کار گردید (یعنی فرار مکنید) (٢١) .

قَالُوا يٰمُوسٰٓى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنْ نَّدْخُلَهَا
حَتّٰى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَّخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دٰخِلُونَ ㉒

گفتند ای موسی هرآئینه آنجا گروهی هستند زورآور وهر گزما داخل نشویم آنجا تاآنکه ایشان بیرون آیندازآنجا پس

---

(١) یعنی بعد عیسیٰ بجز پیغمبرماهیچ پیغمبری مبعوث نشد ومدت میانِ ایشان پانصد شصت سال بود والله اعلم .

(٢) یعنی معجزات عظیمه ازفلقِ بحر(یعنی شگاف دریا) ورفع طور والله اعلم .

ا گر ایشان ازآن جا بیرون شوند هرآئینه مادرآئیم (٢٢) .

قَالَ رَجُلٰنِ مِنَ الَّذِيْنَ يَخَافُوْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوْا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا دَخَلْتُمُوْهُ فَاِنَّكُمْ غٰلِبُوْنَ ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَتَوَكَّلُوْٓا اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٢٣﴾

گفتند دومردازاهلِ تقویٰ که انعام کرده بود خدا برایشان[1] درآئید ای قوم براین جماعت ازراهِ دروازه چون درآمدید به دروازه پس هرآئینه شماغالب باشید وبرخداتوکل کنید ا گر مسلمان هستید (٢٣) .

قَالُوْا يٰمُوْسٰٓى اِنَّا لَنْ نَّدْخُلَهَآ اَبَدًا مَّا دَامُوْا فِيْهَا فَاذْهَبْ اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَآ اِنَّا هٰهُنَا قٰعِدُوْنَ ﴿٢٤﴾

گفتند ای موسیٰ ماهرگز در نه آئیم درین زمین هیچ گاه مادامی که ایشان درآنجااند پس تووپروردگار توبروید وجنگ کنید هرآئینه مااین جانشته گانیم (٢٤) .

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ لَآ اَمْلِكُ اِلَّا نَفْسِيْ وَاَخِيْ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٥﴾

گفت (موسیٰ) ای پروردگار من قادر نیستم الّابرخود وبرادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میانِ ماومیانِ گروه گناهگاران (٢٥) .

قَالَ فَاِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً ۚ يَتِيْهُوْنَ فِى الْاَرْضِ ۗ فَلَا تَاْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٦﴾

گفت خدا پس آن زمین حرام کرده شده است برایشان چهل سال سرگردان می شوند درزمین پس اندوهناك مباش بر گروه ستمگاران[2] (٢٦) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ ابْنَيْ اٰدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ اَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْاٰخَرِ قَالَ لَاَقْتُلَنَّكَ قَالَ اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٢٧﴾

وبخوان برقوم خودخبرِ دوپسرآدم را براستی چون نیازحق کردند قربانی را پس قبول کرده شدازیکی وقبول کرده نه شد ازدیگر[3] گفت قابیل البته بکشم

---

(١) یعنی یوشع وکالب .

(٢) یعنی حکم کردیم که بآن زمین منتفع نشوند چهل سال .

(٣) یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیازبُرداز غیب آتشی ظاهر شدوبخورد وقابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش نیازش راقبول نکرد واین سبب حسد شد=

تراهابیل گفت جزاین نیست که خدا قبول
می کنداز متقیان (٢٧) .

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ
لِأَقْتُلَكَ ۖ إِنِّي أَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعٰلَمِينَ ﴿٢٨﴾

ا گردرازکنی بسوی من دستِ خودرا
تابکشی مرا من هرگزدرازنکنم بسوی
تودست خودراتابکشم ترا هر آئینه من می
ترسم ازخدا پروردگار عالمها (٢٨) .

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ
أَصْحٰبِ النَّارِ ۚ وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا الظّٰلِمِينَ ﴿٢٩﴾

هرآئینه من می خواهم که ببری گناه مرا و
گناه خودرا پس باشی ازاهل دوزخ واین
جزای ستمگاران است (٢٩) .

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِينَ ﴿٣٠﴾

پس نفسِ اوسهل ساخت درنظر اوکشتن
برادرش را پس بکشت اوراپس
شداززیان کاران[1] (٣٠) .

فَبَعَثَ اللّٰهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي
سَوْءَةَ أَخِيهِ ۚ قَالَ يٰوَيْلَتَىٰٓ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هٰذَا
الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ النّٰدِمِينَ ﴿٣١﴾

پس فرستاد خدا زاغی را که میشگافت
درزمین تابنمایدش چگونه بپوشد جثه
برادرخودرا گفت ای وای برمن! آیاعاجز
شدم ازآنکه باشم مانندااین زاغ پس
بپوشیدمی جثه برادر خود را پس
شدازپشیمان شدگان (٣١) .

مِنْ أَجْلِ ذٰلِكَ ۚ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِيٓ إِسْرَآءِيلَ أَنَّهُ مَنْ
قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ
النَّاسَ جَمِيعًا ۖ وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَآ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۚ
وَلَقَدْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنٰتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ
ذٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾

بسبب این حادثه حکم کردیم بربنی
اسرائیل که هرکه بکشد کسی را بغیر
عوض کسی وبغیر فساد درزمین (یعنی
قطع طریق وارتداد) پس چنانستی که
کشته است مردمان را همه یکجا وهر که
سبب زندگانی کسی شدپس چنانستی که
زنده ساخت مردمان راهمه یکجا وهرآئینه

= والله اعلم .

(١) بعد کشتن ندانست که چگونه دفن کند جثهٔ اورابر پشت نهاده میگشت والله اعلم.

آمدند به بنی اسرائیل پیغامبران مابه نشانه های روشن بازبسیاری ازایشان بعد ازین درزمین تجاوز کنندگانند[١] (٣٢) .

إِنَّمَا جَزٰٓؤُا الَّذِيْنَ يُحَارِبُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَسْعَوْنَ
فِي الْاَرْضِ فَسَادًا اَنْ يُّقَتَّلُوْٓا اَوْ يُصَلَّبُوْٓا اَوْ تُقَطَّعَ
اَيْدِيْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنَ
الْاَرْضِ ؕ ذٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي
الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٣٣﴾

جزاین نیست جزای کسانیکه جنگ می کنند باخدا ورسول اوو می شتابند درزمین بقصد فساد (یعنی قطع طریق می کنند) آنست که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یابریده شود دست ها وپایهای ایشان ازجانب مخالف[٢] یا دور کرده شوندازوطن این رسوائی است ایشان را دردنیا وایشان راست درآخرت عذاب عظیم (٣٣) .

اِلَّا الَّذِيْنَ تَابُوْا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَقْدِرُوْا عَلَيْهِمْ ۚ
فَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٣٤﴾

مگر کسانیکه توبه کردند پیش ازآنکه دست یابید برایشان پس بدانیدکه خدا آمرزنده مهربان است[٣] (٣٤) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوْٓا اِلَيْهِ
الْوَسِيْلَةَ وَجَاهِدُوْا فِيْ سَبِيْلِهٖ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُوْنَ ﴿٣٥﴾

ای مسلمانان بترسید ازخدا وبه طلبید قرب بسوی او وجهادکنید درراه اوتارستگار شوید (٣٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ
جَمِيْعًا وَّمِثْلَهٗ مَعَهٗ لِيَفْتَدُوْا بِهٖ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ

هرآئینه کافران ا گرباشد بدست ایشان آنچه درزمین است همه یك جا وهمراه او مانند اومهیابرای آنکه عوض خود دهند

(١) یعنی چون از قابیل رسم قتل پیداشدهرقتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه کنند همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نومی کند بحکم من سَنَّ سنة سیئة کان لهُ کفلٌ منها۔ درقتلی که بعد ازوی آمدشرکتی پیدامی نمایدپس این جا من اجل ذالك بجای علی قیاس ذالك واقع شده است والله اعلم .

(٢) یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم .

(٣) یعنی حدساقط است وحقوق آدمیان ساقط نیست والله اعلم .

الْقِيٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٣٦﴾

آن رااازعذاب روزقیامت هرگزقبول کرده
نه شودازایشان وایشان راست عذاب درد
دهنده (٣٦) .

يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخٰرِجِيْنَ
مِنْهَا ۫ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٣٧﴾

بخواهند که بیرون روند ازدوزخ ونیستند
بیرون رفتگان ازدوزخ وایشان راست
عذاب دائم (٣٧) .

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوْٓا اَيْدِيَهُمَا جَزَآءًۢ بِمَا كَسَبَا
نَكَالًا مِّنَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٣٨﴾

ومرد دزد وزن دزد ببرید دستهای ایشان
را جزای آنچه به عمل آورده اند عبرتی از
طرف خدا وخدا غالب داناست (٣٨) .

فَمَنْ تَابَ مِنْۢ بَعْدِ ظُلْمِهٖ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوْبُ
عَلَيْهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٣٩﴾

پس هرکه توبه کرد بعد ستم
خودوکارشائسته بعمل آورد پس هرآئینه
خدا برحمت بازمیگردد بروی هرآئینه
خداآمرزنده مهر بانست (٣٩) .

اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ يُعَذِّبُ
مَنْ يَّشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٤٠﴾

آیاندانستهٔ ای که خدامراوراست پادشاهی
آسمان ها و زمین عذاب می کند
هرکراخواهد ومی آمرزد هرکراخواهد
وخدابرهمه چیز تواناست[١] (٤٠) .

يٰٓاَيُّهَا الرَّسُوْلُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِيْنَ يُسَارِعُوْنَ فِى الْكُفْرِ
مِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوْبُهُمْ ۛ
وَمِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا ۛ سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ سَمّٰعُوْنَ
لِقَوْمٍ اٰخَرِيْنَ ۙ لَمْ يَاْتُوْكَ ؕ يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ مِنْۢ بَعْدِ

ای پیغامبراندوهگین نه کندترا کسانیکه
سعی می کنند درکفر ازآنانکه گفتندبدهان
خویش ایمان آوردیم وایمان نیاورده
است دلهای ایشان وازقوم یهود نیز ایشان
شنوندگانند سخن دروغ را[٢] شنوندگانند

---

(١) مترجم گوید درتورات رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده روی زانی را سیاه کردن وچند تازیانه زدن قرار دادند ودر زمان آنحضرت درمیان ایشان زنا واقع شد زانی را پیش آنحضرت بدست منافقان وذمیان فرستادندبقرارآن که ا گر جلد فرمایند بکنیم وا گر رجم فرمایند نکنیم آن حضرت صلی الله علیه وسلم حقیقت رجم اظهار فرمودند ورجم کردند درین آیات اشاره است بآن قصه .

(٢) یعنی معتقد آن شده اند .

مَوَاضِعِهٖ ۚ يَقُولُونَ اِنْ اُوْتِيتُمْ هٰذَا فَخُذُوْهُ وَاِنْ لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوْا ۭ وَمَنْ يُّرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهٗ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۭ اُولٰۗىِٕكَ الَّذِيْنَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ اَنْ يُّطَهِّرَ قُلُوْبَهُمْ ۭ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ښ وَّلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۝۴۱

برای گروه دیگران که هنوز پیش تونیامده اند[1] تغییر میدهند کلمات را(بعد ازثبوت آنها) درموضع خویش گویند ا گرداده شوید این حکم محرف قبول کنید و ا گرآنرا داده نه شوید پس احترازنمائید وهرکه خداضلالت اورا اراده کرده است پس هرگز نه توانی برای اوازخدا چیزی ازهدایت ایشان آنانند که نخواسته است خدا که پاك کند دلهای ایشان را ایشان راست دردنیارسوائی وایشان راست درآخرت عذابِ بزرگ (٤١) .

سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ اَكّٰلُوْنَ لِلسُّحْتِ ۭ فَاِنْ جَاۗءُوْكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ ۚ وَاِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَّضُرُّوْكَ شَـيْـــًٔـا ۭ وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۝۴۲

ایشان شنوندگانندسخن دروغ را خورندگانند حرام را(یعنی رشوت را) پس ا گر بیایند پیش توحکم کن میان ایشان یا اعراض کن ازایشان وا گر اعراض کنی ازایشان هیچ زیان نه رسانند بتو وا گر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان بانصاف هرآئینه خدادوست میدارد عدل کنندگان را[2] (٤٢) .

وَكَيْفَ يُحَكِّمُوْنَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰىةُ فِيْهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ ۭ وَمَآ اُولٰۗىِٕكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ۝۴۳

وچگونه حَکَم می کنند ترا ونزدیك ایشان تورات است که درآن حکم خداست بازاعراض می کنند بعد ازین ونیستند ایشان معتقدان[3] (٤٣) .

---

(١) یعنی جاسُوسان حربیان اند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی اهل ذمه ا گرقضیه خویش باماِم رفع کنند ا گر خواهد حکم کند و ا گر خواهد بزعمای ایشان مفوّض نماید والله اعلم .

(٣) یعنی ا گر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی بودی بر تورات عمل =

إِنَّآ أَنزَلْنَا التَّوْرٰىةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ ۚ يَحْكُمُ بِهَا
النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبّٰنِيُّونَ
وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتٰبِ اللهِ وَكَانُوا
عَلَيْهِ شُهَدَآءَ ۚ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا
بِاٰيٰتِى ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ اللهُ
فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ ﴿٤٤﴾

هرآئینه مافرودآوردیم تورات را در وی هدایت وروشنی است حکم می کنند بآن پیغامبران که منقادحُکمِ الهی اند برای یهود وحکم می کنند خداپرستان واحبار ایشان همه حکم میکردند بآنچه حافظ آن گردانیده شده اندازکتاب خدا وبرآن گواه بودند(۱) پس گفتیم مترسید ازمردمان وبترسید ازمن وخریدمکنید بآیت های من بهای اندك وهرکه حکم نکندبآنچه فروفرستاده است خدا پس ایشانند نامعتقدان (٤٤) .

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَآ أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ
بِالْعَيْنِ وَالْأَنفَ بِالْأَنفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ
بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ ۚ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ
كَفَّارَةٌ لَّهُ ۚ وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ اللهُ فَأُولٰٓئِكَ
هُمُ الظّٰلِمُونَ ﴿٤٥﴾

ولازم ساختیم بریهود درتورات که شخص به عوض شخص ست یعنی بعوض اوباید کشت وچشم عوض چشم است وبینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است ودندان عوض دندان وحکم زخم ها به اعتبار مماثلت است پس هرکه عفوکند ازآن زخم پس این عفوکفارت است ویراو هرکه حکم نه کندبآنچه خدافروفرستاده است پس ایشانند ستمگاران (٤٥) .

وَقَفَّيْنَا عَلٰٓى اٰثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ
يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ ۖ وَاٰتَيْنٰهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَّ
مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَهُدًى وَّمَوْعِظَةً
لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾

وازپس فرستادیم برپی این پیغمبران عیسیٰ پسرمریم را باوردارنده آنچه پیش اوبود که تورات است ودادیمش انجیل دروی هدایت و روشنی است وباوردارنده آنچه پیش وی بود که تورات

= میکردند لیکن غرض فاسدداشتند .

(۱) یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است والله اعلم .

باشد وهدايت وپند متقيان را (٤٦) .

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۚ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا
أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾

وفرموديم بايدكه حكم كنند اهل انجيل بآنچه فروفرستاده است خداىتعالى دروى وهركه حكم نكند بآنچه فروفرستاده است خداپس ايشانند بدكاران (٤٧) .

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ
الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۖ
وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلٍّ جَعَلْنَا
مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً
وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۖ فَاسْتَبِقُوا
الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا
كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾

وفروفرستاديم بسوى توكتاب را براستى باوردارنده آنچه پيش وى است ازكتاب ونگهبان بروى[1] پس حكم كن درميان ايشان بآنچه فروآورده است خدا وپيروى مكن خواهش هاى ايشان را اعراض كنان ازآنچه آمدبتوازحكم الهى براى هر گروهى ازشمامقررساخته ايم شريعتى وراهى و ا گرخواستى خدا گردانيدى شمارا يك امت وليكن خواست كه بيازمايد شمارا درآنچه به شماداده است پس شتاب كنيد بسوى نيكوكارى[2] بسوى خدا رجوع شماراست همه يك جا پس خبردهدشمارا بآنچه درآن اختلاف مى كرديد (٤٨) .

وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
إِلَيْكَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ
بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ
لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾

وفرموديم كه حكم كن ميان ايشان بآنچه فرودآورده است خداوپيروى مكن خواهش هاى ايشانرا و بترس ازايشان ازآنكه گمراه كنند ترا ازبعض آنچه فروفرستاده است خدا بسوى توپس ا گر اعراض كنند پس بدان كه مى خواهد خداكه عذاب كند ايشان را به سبب

---

(١) يعنى تحريف راازغير تحريف جدامى سازد والله اعلم .

(٢) يعنى اتباع فرمان الهى درشريعت پيغمبرزمان والله اعلم .

بعض گناهان ایشان وهر آئینه بسیاری ازمردمان بدکارانند (٤٩) .

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ
حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

آیاحکم جاهلیت می خواهند؟ وکیست خوب ترازخداباعتبار حکم برای قومی که یقین دارند[1] (٥٠) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ ۘ
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ ۗ
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾

ای مومنان دوست مگیرید یهود ونصارىٰ را بعض ایشان دوست بعض اند وهرکه ازشمادوست دارد ایشان را پس هرآئینه اوازجمله ایشانست هرآئینه خداراه نمی نمایدگروه ستمگاران را (٥١) .

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ
يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ ۚ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ
بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسَرُّوا
فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿٥٢﴾

پس می بینی کسانی راکه دردلهای ایشان بیماریست یعنی نفاق سعی می کنند دردوستی یهود و نصارىٰ می گویند می ترسیم ازآنکه برسدمایان را مصیبتی[2] پس نزدیك است که خدا بیارد فتح را یا چیزی دیگررااز نزدیك خودپس پشیمان شوند برآنچه پنهان داشتند دردل های خویش (٥٢) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ
جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ۙ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۚ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾

وبگویند مومنان (یعنی بعدازفتح وپیروزی) آیاایشانند آنانکه قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگند های خویش که البته ایشان همراه شما اند امروزنابود

---

(١) مترجم گوید حاصل این آیات الزام است براهل کتاب که باوجود التزامِ کتاب برحسب آن عمل نمی کنند و درین آیات بیان آن ست که هر قرنِ را شَریعتی داده اندو بعد نزول قرآن بجز متابعت آن متابعت دیگر جائز نیست والله اعلم.

(٢) مترجم گوید یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتدپس موافقت باحربیان مصلحت است .

شدعملهای ایشان پس گشتند زیان کار (٥٣) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَنْ يَّرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ فَسَوْفَ يَاْتِي
اللّٰهُ بِقَوْمٍ يُّحِبُّهُمْ وَيُحِبُّوْنَهٗٓ اَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ اَعِزَّةٍ
عَلَى الْكٰفِرِيْنَ يُجَاهِدُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا يَخَافُوْنَ
لَوْمَةَ لَآئِمٍ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ
وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ﴿٥٤﴾

ای مومنان هرکه ازشمابر گردد ازدین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را وایشان دوست می دارند اورامتواضع اند بر مومنان درشت طبع اند برکافران جهادمی کنند درراه خدا ونمی ترسندازملامتِ ملامت کننده این بخشائش خدااست میدهد آن را بهرکه خواهد وخدا جواد داناااست[1] (٥٤) .

اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوا الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ
الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رٰكِعُوْنَ ﴿٥٥﴾

جزاین نیست که دوست شماخدااست ورسول اوومومنانی که برپامی دارند نمازرا ومی دهنده زکات راوایشان پیوسته نمازگزارند (٥٥) .

وَمَنْ يَّتَوَلَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَاِنَّ حِزْبَ
اللّٰهِ هُمُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿٥٦﴾

وهرکه دوستی کند باخدا وبارسول او وبا مومنان پس هرآئینه گروه خداهمونست غالب (٥٦) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا دِيْنَكُمْ
هُزُوًا وَّلَعِبًا مِّنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ
وَالْكُفَّارَ اَوْلِيَآءَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٥٧﴾

ای مسلمانان دوست مگیرید کسانی را که تمسخرو بازی گرفته اند دینِ شمارا ازکسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش ازشماونه سائر کافران را وبترسید ازخدا ا گر مسلمان هستید (٥٧) .

وَاِذَا نَادَيْتُمْ اِلَى الصَّلٰوةِ اتَّخَذُوْهَا هُزُوًا وَّلَعِبًا
ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُوْنَ ﴿٥٨﴾

وچون نداکنید بسوی نماز تمسخروبازی گیرندآن را[2] این بسبب آن ست که ایشان

---

(١) مترجم گوید این وعده درزمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد ومهاجران وانصار وتابعان ایشان بامرتدان جهادکردند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی باذان استهزاکنند والله اعلم .

گروهی هستند که نمی فهمند (۵۸) .

قُلْ يَاَهْلَ الْكِتٰبِ هَلْ تَنْقِمُوْنَ مِنَّآ اِلَّآ اَنْ اٰمَنَّا
بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَآ اُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ
وَاَنَّ اَكْثَرَكُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٥٩﴾

بگوای اهل کتاب عیب نمی گیریدبرما مگرآنکه ایمان آوردیم بخداوبآنچه فروفرستاده شده است بسوی ماوبآنچه فروفرستاده است پیش ازین ومگرآنکه بیشترازشمابدکارانند (۵۹) .

قُلْ هَلْ اُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذٰلِكَ مَثُوْبَةً عِنْدَ اللّٰهِ ۚ مَنْ لَّعَنَهُ
اللّٰهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيْرَ
وَعَبَدَ الطَّاغُوْتَ ۚ اُولٰٓئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَّاَضَلُّ عَنْ سَوَآءِ
السَّبِيْلِ ﴿٦٠﴾

بگوآیا خبردهم شمارا به بدترازاین[1] باعتبار جزاء نزدیك خدا آن بدترکسی است که لعنت کرد اورا خداوخشم گرفت بروی و گردانید ازایشان بوزینه گان وخوکان وکسیکه پرستیدمعبود باطل را این گروه بدتراندباعتبار جای و گمراه تراند ازراه راست (۶۰) .

وَاِذَا جَآءُوْكُمْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَقَدْ دَّخَلُوْا بِالْكُفْرِ وَهُمْ
قَدْ خَرَجُوْا بِهٖ ۚ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا كَانُوْا يَكْتُمُوْنَ ﴿٦١﴾

وچون بیایندپیش شما گویندایمان آوردیم حال آنکه به کفر درآمدند وبه کفربیرون رفتند وخدا دانا تراست بآنچه می پوشیدند (۶۱) .

وَتَرٰى كَثِيْرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُوْنَ فِى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
وَاَكْلِهِمُ السُّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٦٢﴾

ومی بینی که بسیاری ازایشان سعی می کنند در گناه وتعدی وحرام خوردن ایشان هرآئینه بدچیزیست که به عمل آوردند (۶۲) .

لَوْلَا يَنْهٰىهُمُ الرَّبّٰنِيُّوْنَ وَالْاَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ
الْاِثْمَ وَاَكْلِهِمُ السُّحْتَ ۚ لَبِئْسَ مَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ ﴿٦٣﴾

چرا منع نمی کنند ایشان را خدا پرستان ودانشمندان ازدروغ گفتنِ ایشان وحرام خوردنِ ایشان هرآئینه بدچیزیست که می کردند (۶۳) .

وَقَالَتِ الْيَهُوْدُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُوْلَةٌ ۚ غُلَّتْ اَيْدِيْهِمْ وَلُعِنُوْا بِمَا

و گفتند یهود دستِ خدابگردن بسته

---

(۱) مترجم گوید یعنی بدتر ازآن عیب دارکه شما بیان کردید .

قَالُوا۟ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَآءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا
مِّنْهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ
الْعَدَٰوَةَ وَالْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَٰمَةِ كُلَّمَآ أَوْقَدُوا۟ نَارًا
لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِى الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا
يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

است[۱] بگـردن بسته باد دست هـای ایشان و لعنت کرده شد ایشان را بسبب آنچه گفتند بلکه دودستِ اوکشاده است خرچ می کندچنانچه میخواهد والبته بیفـزایـددرحـق بسیاری ازایشـان آنچـه فروفرستاده شدبسوی تواز پروردگار تونافرمانی وکفررا وافگندیم درمیان فـرقـه هـای یهـود دشمنـی ونـاخـوشـی تاروزقیامت هر گاه که برمی افروزند آتشی را برای جنگ فرومی نشاندش خدا[۲] ومی شتابند درزمین برای فساد وخدادوست نمی دارد مفسدان را (٦٤) .

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَٰبِ ءَامَنُوا۟ وَاتَّقَوْا۟ لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ
وَلَأَدْخَلْنَٰهُمْ جَنَّٰتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾

و ا گر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند نابود ساختمی ازایشـان گنـاهـان ایشـان را ودرآوردمـی ایشان را به بوستان های نعمت (٦٥) .

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا۟ التَّوْرَىٰةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْهِم مِّن
رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا۟ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم مِّنْهُمْ
أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾

و ا گرایشان برپامی داشتند حکم تورات وانجیل را وآنچه فرودآورده شده است بسـوی ایشـان ازپـروردگـار ایشـان[۳] خوردندی ازبالای خود واززیرپایهای خود ازایشان گروهی هست میانه رو و بسیـاری ازایشـان بـدچیـزیست کـه مـی کنند[٤] (٦٦) .

(۱) یعنی بخل دارد .
(۲) یعنی چون می خواهند که بادشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند مقهور ومغلوب می شوند .
(۳) یعنی سائر کتب سابقه .
(٤) مترجم گوید حاصل آن است که ا گر برپامی داشتند حکم تورات و انجیل را =

يَٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغۡ مَآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَۖ وَإِن لَّمۡ تَفۡعَلۡ
فَمَا بَلَّغۡتَ رِسَالَتَهُۥۚ وَٱللَّهُ يَعۡصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِۗ إِنَّ ٱللَّهَ
لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٦٧﴾

ای پیغامبربرسان آنچه فرودآورده شده است بسوی توازجانب پروردگار تو و اگر نکردی(۱) نرسانده باشی پیغام خدارا وخدانگاهداردترا ازمردمان هرآئینه خداراه نمی نمایدگروه کافران را (٦٧) .

قُلۡ يَٰٓأَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ لَسۡتُمۡ عَلَىٰ شَيۡءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ
وَٱلۡإِنجِيلَ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡكُم مِّن رَّبِّكُمۡۗ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرٗا
مِّنۡهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗاۖ فَلَا
تَأۡسَ عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾

بگوای اهل کتاب نیستید برچیزی تاآنکه برپاکنید حکم تورات وانجیل را و آنچه فروفرستاده شده است بسوی شما ازپروردگار شما(۲) والبته بیفزایددرحق بسیاری ازایشان آنچه فرو فرستاده شده است بسوی توازجانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان و کفر راپس اندوهگین مشوبرقوم کافران(۳) (٦٨) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ وَٱلنَّصَٰرَىٰ
مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ
يَحۡزَنُونَ ﴿٦٩﴾

هرآئینه مسلمانان ویهودان (وهمچنین است) حال ستاره پرستان وترسایان هرکه ایمان آرد ازایشان بخدا و روزآخر وکردکار شائسته هیچ ترس نیست برایشان و ایشان اندوهگین نه شوند(٤) (٦٩) .

لَقَدۡ أَخَذۡنَا مِيثَٰقَ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ وَأَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمۡ رُسُلٗاۖ كُلَّمَا

هرآئینه گرفتیم عهدبنی اسرائیل

= پیش ازنزول قرآن و پیش ازآنکه حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم مبعوث شود برکت فراوان نصیب ایشان می شد لیکن مخالفت کردند پس بانواع بلا مبتلا گشتند والله اعلم .

(۱) یعنی ا گر یك آیت هم نرساندی والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی قرآن وسائر کتب سابقه .

(۳) مترجم گوید حاصل آنست که بروفق قول خود ملزم می شوند زیرا که التزام شریعتی میکنند وبرحسب آن نمی روند قطع نظر ازانکار قرآن والله اعلم .

(٤) یعنی دراصل از هرفرقه که باشد چون ایمان آرد از اهل نجات است و خصوصیت فِرَق را اعتبار نیست والله اعلم .

جَآءَهُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا تَهْوٰٓى اَنْفُسُهُمْ ۙ فَرِيْقًا كَذَّبُوْا وَفَرِيْقًا يَّقْتُلُوْنَ ﴿٧٠﴾

وفرستاديم بسوی ایشان پیغمبران را هر گاه آمدی بایشان پیغامبری بآنچه دوست نمی داشت نفس ایشان گروهی را به دروغ نسبت کردندوگروهی را می کشتند (٧٠).

وَحَسِبُوْٓا اَلَّا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ فَعَمُوْا وَصَمُّوْا ثُمَّ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوْا وَصَمُّوْا كَثِيْرٌ مِّنْهُمْ ۭ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌۢ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿٧١﴾

وپنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بودپس کورشدند وکر گشتند پس باز گشت برحمت خدابرایشان(١) پس بازکورشدند و کر گشتند بسیاری ازایشان وخدا بیناست بآنچه می کنند (٧١) .

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ ۭ وَقَالَ الْمَسِيْحُ يٰبَنِيْٓ اِسْرَاۗءِيْلَ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبَّكُمْ ۭ اِنَّهٗ مَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَاْوٰىهُ النَّارُ ۭ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿٧٢﴾

هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند خدا همان است عیسیٰ پسر مریم و گفته بود عیسیٰ ای بنی اسرائیل بپرستید خدارا پروردگار من و پروردگار شماهرآئینه کسیکه شریك خدا مقررمی کند حرام کرده است خدابهشت رابروی وجای اودوزخ است ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده(٢) (٧٢) .

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ ثَالِثُ ثَلٰثَةٍ ۘ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّآ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۭ وَاِنْ لَّمْ يَنْتَھُوْا عَمَّا يَقُوْلُوْنَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٧٣﴾

هرآئینه کافرشدند کسانیکه گفتند که خدا سوم سه کس است(٣) وهیچ إله برحق نیست مگراله یگانه وا گرباز نه آیند ازآنچه می گویند خواهدرسیدکافران را ازایشان(٤) عذاب درد دهنده (٧٣) .

اَفَلَا يَتُوْبُوْنَ اِلَى اللّٰهِ وَيَسْتَغْفِرُوْنَهٗ ۭ

آیارجوع نمی کنند بسوی خدا وآمرزش

---

(١) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد والله اعلم .

(٢) اعتقاد حلول نوعی ازشرك است .

(٣) یعنی درمرتبه الوهیت سه کس هستند یکی خداودیگری عیسیٰ وسوم روح القدس والله اعلم .

(٤) یعنی اهل اصراررا ازایشان .

وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٧٤﴾

نمی طللبندازاو و خدا آمرزنده مهربان ست (٧٤) .

مَا الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَاُمُّهٗ
صِدِّيْقَةٌ كَانَا يَاْكُلٰنِ الطَّعَامَ اُنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْاٰيٰتِ
ثُمَّ انْظُرْ اَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿٧٥﴾

نیست عیسیٰ پسر مریم مگرپیغامبری گـذشتـه انـد پیـش ازوی پیغـامبران ومادراوولیه بود هردومی خوردند طعام را ببین چگو نه بیان می کنیم برای ایشان نشانه ها بازببین چگونه گردانیده می شوند[1] (٧٥) .

قُلْ اَتَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا
وَاللّٰهُ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٧٦﴾

بگو آیاعبادت می کنید بجز خدا چیزی را که نمی تواند برای شما زیانی ونه سودی وخدا همان است شنوادانا (٧٦) .

قُلْ يٰاَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغْلُوْا فِيْ دِيْنِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ
وَلَا تَتَّبِعُوْا اَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوْا مِنْ قَبْلُ
وَاَضَلُّوْا كَثِيْرًا وَّضَلُّوْا عَنْ سَوَآءِ السَّبِيْلِ ﴿٧٧﴾

بگوای اهل کتاب ازحدمگذرید دردین خود بناحق وپیروی مکنید خواهش نفس قومی را که گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمانِ بسیاررا وکجروی کردندازراه راست[2] (٧٧) .

لُعِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ بَنِيْ اِسْرَآءِيْلَ عَلٰى لِسَانِ دَاوٗدَ
وَعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ﴿٧٨﴾

لعنت کرده شدکافران را ازبنی اسرائیل برزبان داؤد وعیسیٰ پسر مریم این بسبب آنسـت کـه نـافـرمـانـی میکـردنـد وازحدمیگذشتند (٧٨) .

كَانُوْا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُّنْكَرٍ فَعَلُوْهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوْا
يَفْعَلُوْنَ ﴿٧٩﴾

یك دیگر رامنع نمی کردند ازآن عمل زشت که مرتکب آن شدند هرآئینه بدچیزی است که میکردند (٧٩) .

تَرٰى كَثِيْرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

می بینی که بسیاری ازایشان دوستی میکنند باکافران (یعنی بامشرکان) هرآئینه

---

(١) یعنی ازمعرفت حق .

(٢) یعنی پیشوایان یهودیت ونصرانیت که برای ایشان مذهب قرار داده اند والله اعلم.

لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خٰلِدُوْنَ ﴿٨٠﴾

بدچیزیست که پیش فرستاده است برای ایشان نفوس ایشان آن چیزخشم گرفتن خداست برایشان وایشان درعذاب جاویدانند (۸۰) .

وَلَوْ كَانُوْا يُؤْمِنُوْنَ بِاللهِ وَالنَّبِيِّ وَمَآ أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوْهُمْ أَوْلِيَآءَ وَلٰكِنَّ كَثِيْرًا مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٨١﴾

و ا گرایمان آوردند به خدا و پیغامبر (یعنی پیغامبر خود) وآنچه فروفرستاده شده است بسوی وی البته دوست نه گرفتند مشرکان را ولیکن بسیاری ازایشان فاسقانند(۸۱) .

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوا الْيَهُوْدَ وَالَّذِيْنَ أَشْرَكُوْا ۚ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوا الَّذِيْنَ قَالُوْٓا إِنَّا نَصٰرٰى ۭ ذٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيْسِيْنَ وَرُهْبَانًا وَّأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿٨٢﴾

هرآئینه بیابی سخت ترین مردمان درعداوت بامسلمانان یهود و مشرکان را وهرآئینه بیابی نزدیك ترین مردمان دردوستی مسلمانان کسانی را که گفتند مانصاریٰ ئیم این بسبب آن ست که ازجنس ایشان هستند دانشمندان و گوشه نشینان وبسبب آنست که ایشان تکبر نمیکنند (۸۲) .

وَإِذَا سَمِعُوْا مَآ أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُوْلِ تَرٰٓى أَعْيُنَهُمْ تَفِيْضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوْا مِنَ الْحَقِّ ۚ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اٰمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٨٣﴾

وچون بشنوند آنچه فروفرستاده شده برپیغامبر به بینی چشم های ایشان را اشك میریزد به سبب آنچه شناختند ازحق می گویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بنویس مارا باشاهدان[۱] (۸۳) .

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللهِ وَمَا جَآءَنَا مِنَ الْحَقِّ ۙ وَنَطْمَعُ أَنْ يُّدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٨٤﴾

وچیست ماراکه ایمان نیاریم بخداوآنچه آمده است بمااز دین راست وچیست مارا که طمع نه کنیم که داخل کند مارا پروردگار[۲] باقوم صالحان (۸٤) .

---

(۱) یعنی جماعتی که اکمل امت باشند والله اعلم .

(۲) یعنی به بهشت .

فَأَثَابَهُمُ اللّٰهُ بِمَا قَالُوا جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ
فِيهَا وَذٰلِكَ جَزَآءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾

پس جزا داد ایشان را خدابرآن مقوله که گفتند بوستانها میرود زیر آن جویها جاویدان آنجا واین است جزای نیکوکاران[1] (٨٥) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَآ أُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ الْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾

وکسانیکه کافرشدند وبدروغ نسبت کردند آیاتِ مارا ایشانند اهل دوزخ (٨٦) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبٰتِ مَآ أَحَلَّ اللّٰهُ لَكُمْ
وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾

ای مومنان حرام مکنید لذایذ آنچه خدا حلال ساخته است برای شما وازحدمگذرید هرآئینه خدا دوست نمیدارد ازحد گذرندگان را (٨٧) .

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلٰلًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيٓ
أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

وبخورید آنچه روزی داده است شمارا خدا حلال پاکیزه وبترسید ازآن خدا که شمابوی ایمان آوردید[2] (٨٨) .

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيٓ أَيْمٰنِكُمْ وَلٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ
بِمَا عَقَّدْتُّمُ الْأَيْمٰنَ فَكَفَّارَتُهُٓ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسٰكِينَ
مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ
فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ أَيَّامٍ ذٰلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمٰنِكُمْ
إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوٓا أَيْمٰنَكُمْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ

بازخواست نمی کند ازشما خدا به لغو درسوگند های شما ولیکن بازخواست می کند ازشما بسبب محکم کردن سوگندها بقصد[3] پس کفارت یمین منعقده طعام دادن ده مسکین راست ازجنس میانه ازآنچه می خورانیداهلِ خودرا یا پوشش دادن ایشان را یاآزادکردن برده پس هرکه نیابدلازم است

(١) مترجم گوید درآیات مذکوره اشارت است به فضیلت قومی ازنصاریٰ حبشه که همراه جعفر طیار بخدمت آنحضرت آمده مسلمان شدند والله اعلم .

(٢) یعنی ترك نکاح یا ترك اکل کم وامثال آن درست نیست والله اعلم .

(٣) مترجم گوید یعنی به لغوکفارت واجب نیست چنانکه ازدورشبهی بیند وبظن گوید که والله زید است وزید نباشدوبریمین منعقده ا گرحانث شود کفارت واجب است چنانکه گوید والله این طعام نخورم یا درین خانه درنه آیم وعلی هذا القیاس والله اعلم .

اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿۸۹﴾

روزه داشتن سه روزاینست کفارت سوگندِ های شماچون سو گند خورید (یعنی وحانث شوید) ونگاهدارید سوگند های خودرا[۱] همچنین بیان می کند خدابرای شماآیتهای خودرا تابود که شماشکرکنید (۸۹) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ وَالْاَزْلَامُ
رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاجْتَنِبُوْهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۹۰﴾

ای مسلمان جزاین نیست که خمروقمار ونشانهای معبودان باطل وتیرهای فال پلیداست ازکردار شیطان است پس احتراز کنید ازوی تابود که شما رستگارشوید (۹۰) .

اِنَّمَا يُرِيْدُ الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّوْقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ
فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ
اَنْتُمْ مُّنْتَهُوْنَ ﴿۹۱﴾

جزاین نیست که می خواهد شیطان که بیندازددرمیان شما دشمنی وناخوشی بسبب خمر وقمار وبازدارد شمارا ازیاد خدا وازنماز پس آیاالحال شماباز ایستادگانید (۹۱) .

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاحْذَرُوْا فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوْۤا اَنَّمَا
عَلٰى رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿۹۲﴾

وفرمانبرداری کنید خدا را وفرمانبرداری کنید پیغامبررا وبترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که برپیغامبر مانیست مگرپیغام رسانیدن آشکار (۹۲) .

لَيْسَ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جُنَاحٌ فِيْمَا طَعِمُوْۤا
اِذَا مَا اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوْا ثُمَّ اتَّقَوْا
وَّاَحْسَنُوْا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۹۳﴾

نیست برکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند گناهی درآنچه خوردند[۲] چون پرهیزگاری کردند وایمان آوردند وکارهای شائسته کردند بازپرهیزگاری کردند وایمان آوردند بازپرهیزگاری کردند ونیکوکاری نمودندو خدادوست

---

(۱) یعنی تامقدورحانث نه شوید والله اعلم .

(۲) یعنی قبل ازتحریم .

میداردنیکوکاران را[(١)] (٩٣) .

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللّٰهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهٗٓ اَيْدِيْكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَنْ يَّخَافُهٗ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٩٤﴾

ای مسلمانان هرآئینه می آزمایدشمارا خدا به چیزی ازشکاربرسدبآن دستهای شما ونیزه های شما تامتمیزکند خداکسی را که غائبانه ازوی ترسد پس هرکه تعدی کند بعدازین اوراست عذاب درد دهنده (٩٤) .

يَاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَاَنْتُمْ حُرُمٌ ؕ وَمَنْ قَتَلَهٗ مِنْكُمْ مُّتَعَمِّدًا فَجَزَآءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهٖ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًاۢ بٰلِغَ الْكَعْبَةِ اَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسٰكِيْنَ اَوْ عَدْلُ ذٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوْقَ وَبَالَ اَمْرِهٖ ؕ عَفَا اللّٰهُ عَمَّا سَلَفَ ؕ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللّٰهُ مِنْهُ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

ای مسلمانان مکشید صیدرا چون احرام بسته باشید وهرکه بکشد اوراازشمابقصد پس واجب است جزاوآن جزامانند چیزیست که اوراکشته است ازجنس چهارپایان حکم کند بآن دوصاحب عدالت ازشما باشد آن چهارپایه قربانی رسیده بکعبه یاآن جزاکفارت است طعام فقیران یا برابرآن ازروزه تابچشدجزای کردارخودعفوکرده است خدا ازآنچه گذشت وهرکه دیگربارکندانتقام گیرد ازوی خداوخداغالب صاحب انتقام است[(٢)] (٩٥) .

---

(١) مترجم گوید یعنی آنچه قبل ازتحریم خوردندعفواست چون درتقویٰ رسوخ پیداکردند واین سخن بدان ماند که کسی گوید باتو احسان کنم وبازبتواحسان کنم بمعنی آنکه پیوسته احسان کنم والله اعلم .

(٢) مترجم گویدجزای صید یکی ازسه چیزتواند بود مماثل صیدرادرحرم ذبح کند ومماثلت نزدیك شافعی بخلقت وهیئت است ونزدیك ابی حنیفه به قیمت یا بقیمت صیدطعام خریدنمایدوبمسکینان دهد و نزدیك شافعی هر مسکینی را مدی ونزدیك ابی حنیفه هر مسکینی رانیم صاع از گندم یایك صاع ازجویابشمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد والله اعلم .

أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ ۖ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩٦﴾

حلال کرده شدبرای شماشکار دریا و خوردن آن تامنفعت باشدبرای شما وبرای قافله وحرام کرده شدبرشما شکاربیابان تاوقتیکه احرام بسته باشید وبترسیدازآن خداکه بسوی وی حشرکرده خواهیدشد (٩٦) .

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ۚ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾

گردانیدخدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوارست سبب انتظام امورمردمان وماه حرام را وقربانی راوآنچه درگردنش قلاده اندازنداین بیان برای آنست که تابدانیدکه خدا میداند آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین است و تابدانیدکه خدا بهمه چیزداناست (٩٧) .

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٨﴾

بدانیدکه خدا سخت است عقوبتِ او و آنکه بدانید که خداآمرزنده مهربان است (٩٨) .

مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾

نیست برپیغامبر مگر رسانیدن پیغام وخدامی داندآنچه آشکارا می کنید وآنچه پنهان می کنید(٩٩) .

قُل لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ ۚ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾

بگو(ای محمد)برابرنیست پلید وپاك وا گر چه درعجب آردترابسیاری پلید پس بترسید ازخدا ای خداوندان خردتارستگار شوید[1] (١٠٠) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِن تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ

ای مسلمانان سوال مکنیدازآن چیزها که ا گر ظاهر کرده شودحقیقت آنهاپیش شماغمگین کندشمارا و ا گر سوال کنید

---

(١) مترجم گوید یعنی مال حرام ومال حلال برابرنیست ا گرچه حرام بسیارجمع می شود والله اعلم .

لَكُمْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهَا وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿۱۰۱﴾

ازآن وقتیکه فرودآورده می شودقرآن البته ظاهرکرده شودبرای شماعفو کرد خدای‌تعالی ازآن سوالات وخدا آمرزنده بردباراست[۱] (۱۰۱) .

قَدْ سَاَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ اَصْبَحُوْا بِهَا كٰفِرِيْنَ ﴿۱۰۲﴾

هرآئینه سوال کرده بودند ازمثل آن چیزهاقومی پیش ازشما باز کافرشدند بآنها (۱۰۲) .

مَا جَعَلَ اللّٰهُ مِنْۢ بَحِيْرَةٍ وَّلَا سَآئِبَةٍ وَّلَا وَصِيْلَةٍ وَّلَا حَامٍ ۙ وَّلٰكِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ ؕ وَاَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿۱۰۳﴾

مشروع[۲] نکرده است خدای‌تعالی هیچ بحیره ونه سائبه ونه وصیله و نه حام را ولیکن کافران دروغ برخدا می بندند وبسیاری ازایشان درنمی یابند (۱۰۳) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلٰى مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَاِلَى الرَّسُوْلِ قَالُوْا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا ؕ اَوَلَوْ كَانَ اٰبَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ شَيْـًٔا وَّلَا يَهْتَدُوْنَ ﴿۱۰۴﴾

وچون گفته شودایشان را بیائید بسوی آنچه فروفرستاده است خداوبسوی پیغامبر گویند بس است ماراآنچه برآن یافتیم پدرانِ خودرا وا گر چه پدرانِ ایشان هیچ نمی دانستند وهیچ راه نمی یافتند (۱۰٤) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا عَلَيْكُمْ اَنْفُسَكُمْ ۚ لَا يَضُرُّكُمْ مَّنْ ضَلَّ اِذَا

ای مسلمانان محافظت کنید خویشتن را ضررنمی رساند شماراکسی که گمراه

---

(۱) مترجم گوید بعض مردم ازآنحضرت بغیر ضرورت سوال میکردندیکی گفت پدرمن کیست ودیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ درین باب نازل شد.

(۲) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چنداختراع کرده بودند ودرآنهابه قول اسلاف خود تمسك مینمودندازآنجمله بحیره و آن ماده شتری است که اورا برای بتان مقرر میکردند وشیراوبکسی نمیدادند و سائبه که برای بتان جانور را میگذاشتند وباربرپشت اونمی نهادند ووصیله وآن ماده شتریست که اول بار دراول عمر شترماده نرآیدبعد ازآن بغیر فصل دیگربار ماده زاید پس آنرابرای بتان میگذاشتند وبعد ازآنکه از حملی چندبچه گرفتندی اورا معاف داشتندی ازرکوب وجزآن او راعام گفتندی خدای تعالی این همه را فسخ فرمود وآیت فرستاد .

اهْتَدَيْتُمْ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾

شدچون شماراه یاب شدید بسوی خداست رجوع شماهمه یك جا پس خبردهد شمارا بآنچه عمل می کردید(۱) (۱۰۵).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ
أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ ۚ
تَحْبِسُونَهُمَا مِن بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ
لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۙ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ
اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ ﴿١٠٦﴾

ای مسلمانان نصاب شهادت درمیان شماوقت وصیت چون برسد به یکی ازشماموت دوکس اندکه صاحب عدالت باشندازشما یادیگران ازغیرشما ا گرشما سفرکرده باشید درزمین پس رسدبه شمامصیبتِ موت ا گرشك داشته باشید بازداریدایشان را بعد ازنماز(یعنی نمازعصر) پس قسم خورند بخدا که خرید نمی کنیم عوض سوگند خدابهای دنیا را و ا گرچه کسیکه برای نفع او گواهی میدهیم صاحب قرابت باشدوپنهان نمی کنیم گواهی خدا(۲) هرآئینه ماآنگاه ازگنهگاران باشیم (۱۰۶).

فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا

ا گر ☆ اطلاع واقع شدبرآنکه این دو گواه

---

(۱) یعنی ا گرشمااصلاح کردید و شرط امرمعروف بجاآوردید مخالفتِ مخالفان ضررنمی کند والله اعلم.

(۲) ایضًا مترجم گوید ا گر مسلمانی رااتفاق سفر افتاد ودرجائی که هیچ مسلمان نبود محتضر شد ناچاردوذمی را ترکه خود سپرد وبروصیت خود گواه ساخت، ایشان ازآن ترکه جام نقرهٔ ای را خیانت کردند وچون اولیای میت ازایشان مطالبه نمودند قسم خوردند که ماباَن اطلاع نه داریم بعد ازآن آن جام نزدیك صواغی پیداشد گفت که این دوذمی بدست من فروختند درین باره آیت نازل شدودوکس ازاولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.

(☆) توضیح: پس ا گراطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند پس دو گواه ازاقارب نزدیك میت که نسبت به اقارب دیگر میت مستحق میراث اویند جانشین آن دو گواه شوند.

مِنَ الَّذِيْنَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْاَوْلَيٰنِ فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ
لَشَهَادَتُنَآ اَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَآ ۖ اِنَّآ اِذًا
لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٠٧﴾

حاصل کردند گناهی[١] پس بایستند دوکس دیگر که قرابت قریبه داشته باشند بجای آنهاازجماعتی که مال راحق خودساخت هریکی ازدو گواه دروغ به زبردستی برایشان[٢] پس سوگند خورند بخداکه گواهیٔ مادرست تراست ازگواهیٔ آن دووازحدتجاوزنکرده ایم هرآئینه ماآنگاه ازستمگاران باشیم (١٠٧) .

ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ يَّاْتُوْا بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَجْهِهَآ اَوْ يَخَافُوْٓا اَنْ
تُرَدَّ اَيْمَانٌۢ بَعْدَ اَيْمَانِهِمْ ۗ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاسْمَعُوْا ۗ وَاللّٰهُ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿١٠٨﴾

این اسلوب نزدیك تراست بآنکه بیارند گواهی را بروجه آن یعنی بروجهیکه بایددر گواهی دادن یابترسند ازآنکه ردّکرده شود سوگندها بعد سوگند های ایشان[٣] وبترسید ازخدا وبشنویدحکم اورا وخدا راه نمی نماید گروه فاسقان را[٤] (١٠٨) .

---

(١) یعنی گواه حق که خدابآن فرموده والله اعلم .

(٢) یعنی دروغ گواهی دادندودروغ قسم خوردند .

(٣) یعنی ا گر کسی داندکه بعدازسوگند من سوگند مدعی نخواهد بود سوگند دروغ خورد وا گر بداند که چون کذب ظاهر شود مدعیانرا سوگند دهندو حق به سوگند ایشان ثابت شودازسوگند دروغ احتیاط کند .

(٤) مترجم گوید تاویل آیت بمذهب شافعی آن ست که مراد ازشهادت وصیت است وازمنکم من اقاربکم و ذکراثنین برای احتیاط و قسم دادن بجهت مدعاعلیه بودن درین دعوی که خیانت کرده اند وتعین صلوة عصر بجهت تغلیظ یمین واختیار اثنین برای احتیاط واقامت اولیان بجهت مدعاعلیه بودن برایشان دردعوای که بجهت حذرخود تقریر میکند چنانچه درصورت مذکوره دعوی اشتراء کرده بودندوان ارتبتم فان عثر اشارتست بتوجه دعوای کسی وبمذهب ابی حنیفه مانند آن ست مگرآنکه تعین صلوة عصر بجهت آنست که قضات در محکمه همین وقت می نشستند پس گویا که گفته شد درمحکمه قضا =

يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُوْلُ مَاذَآ اُجِبْتُمْ قَالُوْا لَا عِلْمَ لَنَا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿۱۰۹﴾

یادکن آن روز راکه جمع کندخدا پیغامبران را پس بگویدچه جواب داده شدشمارا گویند هیچ دانش نیست مارا هرآئینه توی داننده امر پنهانی[1] (۱۰۹) .

اِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِيْ عَلَيْكَ وَعَلٰى وَالِدَتِكَ ۘ اِذْ اَيَّدْتُّكَ بِرُوْحِ الْقُدُسِ ۗ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۚ وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ ۚ وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّيْنِ كَهَيْـَٔةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِيْ فَتَنْفُخُ فِيْهَا فَتَكُوْنُ طَيْرًا ۢ بِاِذْنِيْ وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِيْ ۚ وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ عَنْكَ اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۱۰﴾

آن وقت که گوید خدای‌تعالی ای عیسیٰ پسر مریم یادکن نعمت مرا برخویش و بروالدهٔ خویش چون قوت دادم ترا بروح القدس (یعنی به جبریل علیه السلام) سخن می گفتی بامردمان در گهواره ودرحالت معمری وچون آموختم ترا کتاب و دانش وتورات وانجیل وچون پیدا می کردی ازگِل مانند شکل مرغ به حکم من پس دم می زدی دروی پس می شد مرغی به حکم من وبِه میکردی کورمادرزاد را وبرص داررا به حکم من وچون بیرون می آوردی مردگان را بحکم من[2] وچون بازداشتم شربنی اسرائیل را ازتو آنگاه که آوردی نزدیك ایشان معجزه هاپس گفتند کافران ازایشان نیست این مگرسحر آشکارا (۱۱۰) .

وَ اِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيّٖنَ اَنْ اٰمِنُوْا بِيْ وَبِرَسُوْلِيْ ۚ قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَاشْهَدْ بِاَنَّنَا مُسْلِمُوْنَ ﴿۱۱۱﴾

وچون الهام فرستادم بسوی حواریان که ایمان آریدبه من و به پیغامبر من گفتند ایمان آوردیم وگواه باش یا عیسیٰ برآنکه

= والله اعلم .

(۱) یعنی نخست ازسر خضوع ونیایش ایشان گویند دربرابرتوبه نسبت دانش ماراهیچ دانش نیست بعد ازآن گواهی دهند براست خویش والله اعلم .

(۲) یعنی از گور زنده برمی آوردی والله اعلم .

مامسلمانيم (١١١) .

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ
رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ ۖ قَالَ
اتَّقُوا اللّٰهَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾

چون گفتند حواريان اى عيسىٰ پسر مريم آيامى تواندپروردگار تو كه فروفرستد برمادسترخوانى ازآسمان گفت عيسىٰ بترسيدازخدا ا گر مومن هستيد[1] (١١٢) .

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ
صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشّٰهِدِينَ ﴿١١٣﴾

گفتند مى خواهيم كه بخوريم ازآن دسترخوان وآرام گيرد دل هاى ما وبدانيم كه راست گفتى باما وباشيم برنزول آن از گواهان (١١٣) .

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ السَّمَآءِ
تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَاٰيَةً مِّنْكَ ۚ وَارْزُقْنَا
وَأَنْتَ خَيْرُ الرّٰزِقِينَ ﴿١١٤﴾

گفت عيسىٰ پسرمريم بارخدايا اى پروردگارما فرود آربرما دسترخوانى پُر ازطعام ازآسمان تاباشدعيدى براى ماوبراى اوائل امت ماوآخرامت ماومعجزه ازجانب تو وروزى ده مارا وتوبهترين روزى دهندگانى (١١٤) .

قَالَ اللّٰهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۚ فَمَنْ يَّكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّيٓ
أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّآ أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِينَ ﴿١١٥﴾

گفت خدا من فرودآورنده ام آن رابرشما پس هركه ازشماكافر شود بعد ازين پس من تعذيب كنم اورا عذابيكه تعذيب نه كنم بآن هيچ يك راازاهل عالم[2] (١١٥) .

وَإِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي
وَأُمِّيَ إِلٰهَيْنِ مِنْ دُونِ اللّٰهِ ۖ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا يَكُونُ لِيٓ أَنْ أَقُولَ

ويادكن آن وقت كه گويدخدااى عيسىٰ پسر مريم آياتو گفتى به مردمان كه خدا گيريد مرا ومادرمرا بجز خداى‌تعالى[3]

---

(١) حاصل اين ست كه الهام فرستادم بسوى حواريان درآن مدت كه معجزه طلب كردند و برحسب مرادد يدند .

(٢) مترجم گويد بعد ازآن خوانى نازل شد ازآسمان بروى گوشت ونان پس خوردند و سير شدند والله اعلم .

(٣) مترجم گويد خداى تعالى روزقيامت نعمت هاى خود را بر عيسىٰ ياد دهد بعد=

مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي
وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿١١٦﴾

گفت به پاکی یادمی کنم ترانه سزد مرا که بگویم آنچه لائق من نیست ا گر گفته باشم این قول پس تو آن را دانسته ای می دانی آنچه درضمیر من است ونه می دانم آنچه درضمیر تست هرآئینه تودانندهٔ امور پنهانی (١١٦) .

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ
وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ
أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾

نه گفته ام بایشان مگر آنچه فرموده بودی مرابآن که پرستید خدارا پروردگار من وپروردگار شماوبودم برایشان نگاهبان مادامی که درمیان ایشان بودم پس وقتیکه بر گرفتی مرا[1] توبودی نگاه بان برایشان وتو برهمه چیز نگاه بانی (١١٧) .

إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾

ا گر عذاب کنی ایشان را پس ایشان بندگان تواند و ا گر بیامرزی ایشانرا پس توی غالب استوارکار (١١٨) .

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا
عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾

گویدخدا امروز روزی است که نفع کند راست گویان را راستیٔ ایشان ایشان راباشد بوستانهامیرود زیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه خوشنود شد خدا ازایشان وخوشنودشدند ایشان ازخدا این ست رستگاری بزرگ (١١٩) .

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢٠﴾

خدا راست پادشاهی آسمان هاو زمین وآنچه درآن هاست واوبرهمه چیز تواناست (١٢٠) .

= ازآن سوال کند که خود را اله می گفتی یا نه بجهت تاکید و برای قطع شبهه نصاریٰ بابلغ وجوه والله اعلم فتح الرحمن .

(١) یعنی برآسمان بردی مرا .

سُورَةُ الأَنْعَامِ

سوره انعام مکی است وآن یك صدو شصت وپنج یاشش آیت و بیست رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ۖ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ①

ستائش آن خدای راست که آفریدآسمان هاوزمین راوپیداکرد تاریکی ها و روشنی بازکافران باپروردگار خویش برابرمی کنند[1] (۱) .

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ۖ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ ②

اوست آنکه بیافرید شمارا از گِل بازمقررکردوقت مرگ را ومدتی معین هست نزدیك او[2] بازشماشك می کنید(۲) .

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ ۖ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ③

واوست خدا[3] درآسمان ها ودرزمین می داند پنهان شماراو آشکارشمارا ومیداند آنچه عمل می کنید (۳) .

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ④

ونمی آید به کافران هیچ نشانه ازنشانه های پروردگار ایشان الاازآن رو گردان شدند (٤) .

فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ⑤

پس بدرستیکه تکذیب کردند حق را (یعنی رسول را وآنچه آورده بود ازقرآن ودین حق) چون آمدایشانرا پس خواهد آمد بایشان جزای آنچه بوی تمسخر میکردند[4] (۵) .

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ

آیا ندیده اند که چه قدر هلاك کرده ایم

---

(۱) یعنی معبودان باطل را .

(۲) یعنی برای قیام قیامت .

(۳) یعنی متصرف وفرمانروا .

(٤) یعنی باصدق آن خبردارد والله اعلم .

مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٦﴾

پیش ازایشان ازأمتهاکه استقرار داده بودیم ایشان را درزمین آنقدر که استقرارنداده ایم شماراوفرستاده بودیم باران برایشان پی درپی ریزنده وپیداکردیم جویها میرفت زیرایشان[۱] پس هلاك كرديم ایشان را به گناهان ایشان وپیداکردیم بعدازایشان امتی دیگر یعنی مردمان دیگر (٦) .

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾

وا گر فروفرستادیم برتونوشته درورقی پس مساس میکردند آن رابدست خود گفتندی کافران نیست این مگر سحر ظاهر[۲] (۷) .

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ﴿٨﴾

و گفتند کافران چرا فرودنه آورده شدبرپیغامبر فرشته ای[۳] و اگر فروفرستادیم فرشته را البته بانجام رسانیده شدی کارباز مهلت داده نه شوند[٤] (۸) .

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ ﴿٩﴾

وا گر میکردیم آن فرستاده را فرشته ای لازم می شدکه کنیمش مردی (یعنی به شکل مردی) وهرآئینه مشتبه میکردیم برایشان آنچه الحال اشتباه میکنند(۹) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ

وهرآئینه تمسخرکرده شدبه پیغامبران پیش ازتو پس فرود آمد به تمسخر کنندگان

(۱) یعنی زیر مساکن ایشان .

(۲) یعنی تعصب ایشان بمرتبه ای است که ا گر نزول کتاب را بحس ظاهر به بینند نیزانکار کنند .

(۳) یعنی بوجهی که ماآنرابحس ظاهر به بینیم والله اعلم .

(٤) یعنی ظهور ملائکه باین وجه مستلزم هلاك ایشان است درحکمت الهی والله اعلم.

بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾

ازايشان جزای آنچه بآن تمسخر می کردند[1] (١٠) .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾

بگوسیرکنید درزمین بازنظر کنید چگونه شدآخرکار دروغ پندارندگان (١١) .

قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ
نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾

بگو- کراست آنچه درآسمان هاوزمین است بگوخدای راست لازم کرد برخودمهربانی البته جمع کند شمارا درروزقیامت هیچ شك نیست درآن آنانکه زیان کردند درحق خویشتن پس ایمان نمی آرند (١٢) .

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾

واوراست آنچه ساکن شد درشب وروز واواست شنوادانا(١٣) .

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ
يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ
أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾

بگوآیادوستی گیرم بجزخدای پیدا کنندهٔ آسمان هاوزمین واو رزق میدهد و رزق داده نمی شود بگوهر آئینه امرکرده شده است مراکه باشم نخستین مسلمان (یعنی ازین امت) وفرموده شد که مباش از شریك مقرر کنندگان (١٤) .

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾

بگوهرآئینه من می ترسم ا گرنافرمانی پروردگار خود کنم ازعذاب روز بزرگ (١٥) .

مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ
الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾

هر که عذاب بازداشته شود از وی آن روزپس مهربانی کردخدابروی واین است مطلب یابی ظاهر (١٦) .

وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن

وا گر سختی رساندخدابتوهیچ دفع کننده نیست آن رامگراو و ا گر نعمت

---

(١) یعنی جزای کلمه که بطریق سخر یه باینهامی گفتند .

يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

رساند به تو پس اوبرهمه چیز تواناست (١٧) .

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

واوست غالب بالای بندگان خود واوست دانا آ گاه (١٨) .

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ
وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ ۚ أَئِنَّكُمْ
لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ ۚ قُل لَّا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا
هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾

بگوچه چیزبرتراست درباب شهادت[١] بگوخداست وی اظهار حق کننده است میانِ من ومیانِ شماووحی کرده شد بسوی من این قرآن تابیم کنم شمارا بآن وبیم کنم آن را نیز که قرآن باوبرسد آیاشمااثبات می کنید که باخدا هستند معبودان دیگر بگو من اثبات نمی کنم بگوجزاین نیست که او معبود یگانه است وهرآئینه من بیزارم ازآنچه شما شریك مقررمیکنید (١٩) .

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ ۘ
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

آنانکه ایشان را کتاب داده ایم می شناسند حقیقت این قول را[٢] چنانکه می شناسند پسران خودرا آنانکه زیان کارشدند درحق خویشتن پس ایشان ایمان نمی آرند (٢٠) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ إِنَّهُ
لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾

وکیست ستمگارتر ازکسی که بربست برخدا دروغ را یا بدروغ نسبت کرد آیاتِ اورا هرآئینه رستگار نمی شوند

---

(١) یعنی اظهار حق کردن والله اعلم .

(٢) یعنی کلمه توحید، همینطور تفسیر کرده است مترجم وبرای توضیح گوئیم که بسیاری ازمفسرین مراداز (یعرفونه کما یعرفون ابنائهم) که می شناسند اورا یعنی رسول خدارا که درکتابهای آنان وصف ونعت او موجوداست همین معنی را گرفته اند والله اعلم .

ستمگاران (٢١) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ
شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾

ویادکن آن روزکه حشر کنیم ایشان راهمه
یك جا باز گوئیم مشرکان را کجااندآن
شریکان شما که ایشان رابظن اثبات می
کردید (٢٢) .

ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا
مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾

بعد ازآن نه باشد عذرایشان مگرآنکه
گویند قسم بخدا پروردگارما که مشرك نه
بودیم (٢٣) .

انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ
مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

بنگرچگونه دروغ گفتند برخویشتن و گم
گشت ازایشان آنچه افترامی کردند (٢٤).

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۖ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ
يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا
بِهَا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ
هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾

وازایشان کسی هست که گوش می نهد
بسوی تو وپیداکرده ایم بردلهای ایشان
پرده ها تانه فهمند آن را ودرگوشهای
ایشان گرانی را وا گر به بینند هر معجزه
ایمان نیارند بآن تاوقتیکه بیایند پیش
تومکابره کنان باتو گویند این کافران
نیست این مگرقصهای پیشینیان (٢٥) .

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ ۖ وَإِنْ يُهْلِكُونَ
إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

وایشان منع میکنند ازمتابعت او ودورمی
شوند ازمتابعت او وهلاك نمی کنندمگر
خویشتن را ونمی دانند (٢٦) .

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ
بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾

وتعجب کنی ا گر ببیني ایشان را وقتیکه
بازداشته شوند نزدیك آتش پس گویند ای
کاش ماباز گردانیده شویم پس بدروغ
نسبت نه کنیم آیاتِ پروردگار خویش را
وشویم از مسلمانان (٢٧) .

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ ۖ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا
لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾

نه بلکه ظاهر شدایشان را جزای آنچه می
پوشیدند پیش ازین یعنی جزای عقائد
باطله را و ا گردانیده شوند البته رجوع
کنند بسوی آنچه منع کرده می شدند

وهرآئینه ایشان دروغگویانند (۲۸) .

وَقَالُوٓا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ
بِمَبْعُوثِينَ ۝٢٩

و گفتند نیست هیچ حیات مگر زندگانی این جهانی ماونیستیم مابرانگیختگان[1] (۲۹) .

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۚ قَالَ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ ۚ
قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا
كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۝٣٠

وتعجب کنی ا گر به بینی آنگاه که بازداشته شوند بحضور پروردگار خویش گویدخداآیااین درست نیست گویند آری درست است وقسم پروردگار ما گوید بچشیدعذاب رابسبب آنکه کافربودید (۳۰) .

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَآءِ اللَّهِ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَتْهُمُ
السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَٰحَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ
يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۚ أَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ ۝٣١

به تحقیق زیان کارشدند آنانکه بدروغ نسبت کردندملاقات خداراتاآنگاه که بیایدبایشان قیامت ناگهان گویند ای پشیمانی ما برتقصیر ما درباب قیامت وایشان بردارندبارهای خویش را[2] برپشتهای خویش آگاه شوید بدچیزیست آنچه برمیدارند[3] (۳۱) .

وَمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَآ إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۖ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ
يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝٣٢

ونیست زندگانی دنیا مگربازی ولهو وهرآئینه سرای آخرت بهتر است متقیان را آیادرنمی یابید (۳۲) .

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُۥ لَيَحْزُنُكَ الَّذِى يَقُولُونَ ۖ فَإِنَّهُمْ
لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ الظَّٰلِمِينَ بِـَٔايَٰتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝٣٣

هرآئینه میدانیم که اندوهگین میکندتراآنچه ایشان می گویندپس هرآئینه ایشان به دروغ نسبت نمی کنند ترافقط ولیکن این ستمگاران آیاتِ خدارا

---

(۱) یعنی منکر حشراند والله اعلم .

(۲) یعنی گناهان خویش را .

(۳) یعنی عمل بدبشکل خیری نهایت زشتی وناخوشی شده برپشت اوبنهند .

انکارمی کنند (۳۳) .

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا
وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا ۚ وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ
وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبَإِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه بدروغ نسبت کرده شد پیغامبران را پیش ازتوپس صبر کردند برتکذیب خویش ورنجانیده شدن خویش تاآنکه بیامدبایشان نصرت ما ونیست هیچ تغیر دهنده وعده های خدارا وهرآئینه آمدبه تو بعض خبرپیغامبران (۳٤) .

وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ
نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ ۚ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾

وا گر گران شده باشد برتوروگردانی ایشان پس ا گر می توانی که بجوئی سوراخی درزمین یا نردبانی درآسمان پس بیاری پیش ایشان معجزه[1] و اگرخواستی خداجمع ساختی ایشان را برهدایت پس مباش ازجاهلان (۳٥) .

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ۘ وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ
إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾

جزاین نیست که قبول میکنند[2] آنانکه می شنوند ومُردگان (یعنی کافران) برانگیزدایشان را خدا بازبسوی او گردانیده شوند (۳٦) .

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن
يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾

و گفتند چرا فرودنه آورده شد برپیغامبر نشانه ای ازجانب پروردگار[3] بگوهرآئینه خداقادراست برآنکه فروفرستد آیتی و لیکن اکثر ایشان نمی دانند (۳۷) .

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ

ونیست هیچ جانوری درزمین ونه هیچ

---

(۱) یعنی ازآنجا که می توانی که معجزه بیاری بیار حاصل آنست که تفویض کن امُرخودرا برخدا والله اعلم .

(۲) یعنی دعوت اسلام را .

(۳) یعنی ازآن نشانه ها که می طلبیدند والله اعلم .

أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتٰبِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ
إِلٰى رَبِّهِمْ يُحْشَرُوْنَ ﴿٣٨﴾

پرنده که می پرد بدو پَر خود مگر ایشان جماعت هااند مانندشما فرو گذاشت نکرده ایم درکتاب (یعنی لوح محفوظ) هیچ چیزی رابازبسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد (٣٨) .

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا صُمٌّ وَّبُكْمٌ فِي الظُّلُمٰتِ مَنْ يَّشَإِ اللّٰهُ
يُضْلِلْهُ وَمَنْ يَّشَأْ يَجْعَلْهُ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٣٩﴾

وکسانیکه بدروغ نسبت کردند آیاتِ مارا کرانند و گنگانند درتاریکی ها هرکراخواهد خدا گمراه کندش وهرکرا خواهد براه راست گرداندش (٣٩) .

قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتٰىكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللّٰهِ
تَدْعُوْنَ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٤٠﴾

بگوآیادیدید ا گر بیاید بشما عذاب خدا یابیاید به شما قیامت آیا بغیر خدا تضرع می کنید ا گر راست گوهستید (٤٠) .

بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُوْنَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُوْنَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ
مَا تُشْرِكُوْنَ ﴿٤١﴾

نه بلکه خاص بجناب اودعامی کنید پس دفع می کندآنچه دعامی کنید برای دفع آن ا گر خواهد و فراموش می کنید آن چیزرا که اوراشریك مقررکردید (٤١) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلٰى أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنٰهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُوْنَ ﴿٤٢﴾

وهرآئینه فرستادیم بسوی امتان پیش ازتو[1] پس در گرفت کردیم ایشان را به تنگی معیشت و بیماری تازاری کنند (٤٢) .

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوْا وَلٰكِنْ قَسَتْ قُلُوْبُهُمْ وَزَيَّنَ
لَهُمُ الشَّيْطٰنُ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٤٣﴾

پس چرا زاری نکردند و قتیکه آمدبایشان عذابِ ما ولیکن سخت شددلهای ایشان وزینت داد درنظرایشان شیطان آنچه می کردند (٤٣) .

فَلَمَّا نَسُوْا مَا ذُكِّرُوْا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ

پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدایشان را بآن کشاده ساختیم برایشان

---

(١) یعنی پیغامبران .

حَتّٰۤى اِذَا فَرِحُوْا بِمَاۤ اُوْتُوْۤا اَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً فَاِذَا هُمْ مُّبْلِسُوْنَ ﴿٤٤﴾

درهای همه چیز[1] تاآن هنگام که شادمان گشتند بآنچه داده شد ایشان را درگرفت کردیم ایشان را ناگهان پس شدند نااميد (٤٤) .

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ؕ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٥﴾

پس بریده شد بیخ گروه ستمگاران وسپاس خدای راست پروردگار عالمها (٤٥) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ اَخَذَ اللّٰهُ سَمْعَكُمْ وَاَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلٰى قُلُوْبِكُمْ مَّنْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَاْتِيْكُمْ بِهٖ ؕ اُنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْاٰيٰتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُوْنَ ﴿٤٦﴾

بگوآیادیدید اگرباز گیردخدا شنوائی شمارا و چشم های شمارا ومُهر زندبردل های شما کیست خداغیر الله تعالی که آنرا بیارد به شما به بین چگونه گوناگون بیان می کنیم آیت هارا بازایشان رو گردان می شوند (٤٦) .

قُلْ اَرَءَيْتَكُمْ اِنْ اَتٰىكُمْ عَذَابُ اللّٰهِ بَغْتَةً اَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ اِلَّا الْقَوْمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٤٧﴾

بگوآیا دیدید اگربیایدبه شما عذابِ خدا ناگهان یا آشکارا آیا هلاك کرده شوند[2] مگر قوم ستمگاران (٤٧) .

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۚ فَمَنْ اٰمَنَ وَاَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٤٨﴾

ونمی فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده وبیم دهنده پس هرکه ایمان آورد و نیکوکاری کردپس هیچ ترس نبود برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٤٨) .

وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿٤٩﴾

وکسانیکه به دروغ نسبت کرده اند آیاتِ مارا برسدبایشان عذاب بسبب فاسق بودن ایشان (٤٩) .

قُلْ لَّاۤ اَقُوْلُ لَكُمْ عِنْدِيْ خَزَآئِنُ اللّٰهِ وَلَاۤ اَعْلَمُ الْغَيْبَ

بگونمی گویم بشما که نزدیك من است خزانه های خدا ونه می گویم که میدانم

---

(١) یعنی باستدراج نعمتهای فراوان دادیم والله اعلم .

(٢) یعنی هلاك کرده نشوند .

وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۖ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۚ قُلْ
هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾

غیب راونه می گویم بشما که من فرشته ام پیروی نمی کنم مگر چیزی راکه وحی کرده شد بسوی من بگوآیابرابرمیشود نابینا وبینا آیاتأمل نمی کنید (۵۰) .

وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ ۙ لَيْسَ
لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٥١﴾

و بترسان بقرآن یعنی پند ده بقرآن کسانی را که می ترسندازآنکه حشرکرده شوند بسوی پروردگار خویش نباشد ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی ونه سفارش کننده تاپرهیزگاری کنند (۵۱) .

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَ
مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ
فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾

(۱) ودورمکن کسانی را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد وشام می طلبند رضای اورا نیست برتو ازحسابِ ایشان چیزی ونیست ازحسابِ تو برایشان چیزی تابرانی ایشان را که آنگاه باشی ازستمگاران (۵۲) .

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَٰؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ
عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٣﴾

وهمچنین امتحان کردیم بعض مردمان را به بعض تا گویند آیااین جماعت انعام کرده است خدا بریشان ازمیان ما خدایتعالی فرمودآیا نیست خدا داناتر بشکر کنندگان (۵۳) .

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ
رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ

وچون بیایند پیش توکسانیکه ایمان آورده اند بآیتهای ما پس بگو سلام علیکم لازم کرده است پروردگار شمابرخود مهربانی را (لازم کرده است) که هرکه بکند ازشماکار بد به نادانی

---

(۱) رؤسائ کفار بآن حضرت گفتند که مارا عارست که با فقرای مسلمین صحبت داریم ایشانرا ازمجلس خود یکسوکن تاباتوبنشینیم خدای تعالی آیت فرستاد .

ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهٖ وَاَصْلَحَ فَاَنَّهٗ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٥٤﴾

بازتوبه کرد بعد ازآن ونیکوکاری نمود پس خدا آمرزنده مهربان است (٥٤) .

وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ وَلِتَسْتَبِيْنَ سَبِيْلُ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٥٥﴾

وهمچنین تفصیل می کنیم نشانه هارا وتاظاهر شود راه ستمگاران[1] (٥٥) .

قُلْ اِنِّيْ نُهِيْتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۭ
قُلْ لَّآ اَتَّبِعُ اَهْوَاۗءَكُمْ ۙ قَدْ ضَلَلْتُ اِذًا وَّمَآ اَنَا مِنَ
الْمُهْتَدِيْنَ ﴿٥٦﴾

بگوهر آئینه منع کرده شدمراکه عبادت کنم آن کسانی را که شما می پرستید بجزخدا بگوپیروی نمی کنم آرزوهای شمارا گمراه شده باشم آنگاه ونه باشم ازراه یافتگان (٥٦) .

قُلْ اِنِّيْ عَلٰي بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَكَذَّبْتُمْ بِهٖ ۭ مَا عِنْدِيْ مَا
تَسْتَعْجِلُوْنَ بِهٖ ۭ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ ۭ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ
خَيْرُ الْفٰصِلِيْنَ ﴿٥٧﴾

بگوهرآئینه من برحجتم ازپروردگار خود وبدروغ داشتید آن دلیل را نیست نزدیك من آنچه شمابزودی می طلبید آن را[2] نیست حکم مگرخدارا بیان می کنددین درست راو اوبهترین فیصله کنند گان است (٥٧) .

قُلْ لَّوْ اَنَّ عِنْدِيْ مَا تَسْتَعْجِلُوْنَ بِهٖ لَقُضِيَ الْاَمْرُ بَيْنِيْ
وَبَيْنَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿٥٨﴾

بگو اگربودی نزدیك من آنچه بزودی می طلبیدش هرآئینه بانجام رسانیده شدی کارمیانِ من و میانِ شماوخدا داناتراست به ستمگاران (٥٨) .

وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ اِلَّا هُوَ ۭ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۭ وَمَا
تَسْقُطُ مِنْ وَّرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِيْ ظُلُمٰتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ
وَّلَا يَابِسٍ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿٥٩﴾

ونزداوست کلید های غیب[3] نمی دانندش مگراو ومیداندآنچه دربیابان ودریاست ونمی افتد هیچ برگی الّا می داندش ونمی افتد هیچ دانه درتاریکی های زمین ونه هیچ تری ونه خشکی

---

(١) ظاهر نزدیك مترجم آن ست که این واوْ زائد است مثل واوْوفتحت ابوابها .
(٢) یعنی عقوبت دراختیار من نیست .
(٣) یعنی انواع علم غیب .

الاثبت است درکتاب روشن (٥٩) .

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ
ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ
يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾

واوست آنکه قبض روح شمامی کندبه شب[١] ومی داند آنچه کسب کردید بروزبازبرمی انگیزدشمارا در روزتابانجام رسانیده شود میعاد معین بازبسوی اوباز گشت شمااست بازخبر دهدشمارا بآنچه می کردید (٦٠) .

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ
أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦١﴾

واوست غالب بالای بندگان خود و می فرستد برشما ملائکه نگاهبان تاوقتیکه بیاید به کسی ازشمامرگ قبض روح اوکنند فرستادگان ماوایشان تقصیرنمی کنند (٦١) .

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ
الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾

باز گردانیده شوند مُردگان بسوی الله خداوندایشان که حق است مر او راست حکم و اوشتاب ترین حساب کنندگان ست (٦٢) .

قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا
وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾

بگوکیست که می رهاند شمارااز تاریکی های بیابان ودریا[٢] مناجات می کنید بجناب اوبزاری ونیازپنهانی می گوئید ا گر رهای دهدمارا ازین محنت هر آئینه باشیم ازشکر کنندگان (٦٣) .

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿٦٤﴾

بگوخدامی رهاند شمارا ازآن محنت وازهر اندوهی بازشما شریك مقررمی کنید (٦٤) .

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ

بگواوست توانابرآنکه فرستدبرشما عذابی

(١) یعنی وقت نوم .

(٢) یعنی ازمصیبت های بیابان ودریا .

أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ ۗ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾

ازبالای شما[1] یااززیرپاهای شما[2] وجمع کند شمارا گروه گروه وبچشاند بعض شمارا جنگ بعض[3] بنگرچگونه گوناگون بیان می کنیم آیت هارا تابفهمند (٦٥) .

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾

وبه دروغ نسبت کردند قرآن راقوم تووآن راست است بگونیستم برشما نگاهبان (٦٦) .

لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ ۚ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٦٧﴾

هرخبررامیعادیست وخواهید دانست (٦٧) .

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾

وچون به بینی آنان را که بحث شروع کنند درآیت های ما پس روبگردان ازایشان تاوقتیکه بحث شروع کنند درسخنی غیروی و اگر فراموش گرداند ترا شیطان پس منشین بعد یاد آوردن با گروه ستمگاران (٦٨) .

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَلَٰكِن ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٩﴾

ونیست برکسانیکه پرهیزگاری کردند ازحساب کافران چیزی ولیکن برایشان لازم است پنددادن تاشود که پرهیزگاری کنند (٦٩) .

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۚ وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ

و بگذارکسانی را که دین خود گرفتند بازی ولهو وفریفت ایشان را زندگانی دنیا و پندده بقرآن برای احتیاط ازآنکه بمهلکه گذاشته شود نفسی را بسبب آنچه

---

(١) یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید .

(٢) یعنی چنانکه قارون بزمین رفت .

(٣) یعنی افواج متعدده پیداشود وبایکدیگر جنگ کنند .

لَا يُؤْخَذْ مِنْهَا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۖ لَهُمْ
شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾

کرده است نیست اورابجز خدا هیچ دوست ونه شفاعت کننده و ا گر عوض خود دهد هرفدای که تواند گرفته نه شود از وی آن جماعت آنانند که بمهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند ایشان راست آشامیدنی ازآب جوشانیده وایشان راست عذاب درد دهنده بسبب آنکه کافربودند (۷۰) .

قُلْ أَنَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ
أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ
فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا ۗ
قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۖ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

بگوآیامناجات کنیم بجز خداکسی را که نفع نه دهدمارا و زیان نه رساند مارا وباز گردانیده شویم برپاشنهای خود بعدازآنکه راه راست نموده است مارا خدامانند کسی که گمراه کرده باشند اوراپریان درزمین حیران مانده مر اوراياراننـد كه مي خوانندش بسوی راه راست که بیابسوی مابگوهرآئینه هدایت خداهمان است هدایت حقیقی وفرموده شده است ماراکه منقاد شویم پروردگار عالمهارا (۷۱) .

وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ ۚ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ
تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾

وفرموده شدکه برپادارید نمازرا وبترسید ازخداواوست آنکه بسوی اوحشر کرده خواهید شد (۷۲) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۖ وَيَوْمَ
يَقُولُ كُن فَيَكُونُ ۚ قَوْلُهُ الْحَقُّ ۚ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ
فِي الصُّورِ ۚ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

واوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین بتدبیر محکم وروزیکه بفرماید[1] که بشو پس می شود سخن اودرست است و مراوراست پادشاهی روزیکه دمیده شوددرصور

(۱) یعنی چیزی را .

دانندهٔ پنهان وآشکاراست واوست استوارکار آگاه (٧٣) .

وَإِذْ قَالَ إِبْرٰهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً ۚ إِنِّيٓ أَرٰىكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾

ویادکن چون‌گفت ابراهیم پدرخود آزر را آیامیگیری بتان را معبودان هرآئینه من می بینم ترا وقوم ترادرگمراهی ظاهر (٧٤) .

وَكَذٰلِكَ نُرِيٓ إِبْرٰهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾

وهمچنین می نمودیم ابراهیم را ملك آسمان ها وزمین تااو ازیقین کنندگان باشد[1] (٧٥) .

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ الَّيْلُ رَاٰ كَوْكَبًا ۚ قَالَ هٰذَا رَبِّي ۚ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿٧٦﴾

پس چون تاریك شد بروی شب دیدستاره ای‌گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرورفت‌گفت دوست ندارم فرورونداگان را (٧٦) .

فَلَمَّا رَاَ الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هٰذَا رَبِّي ۚ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّآلِّينَ ﴿٧٧﴾

پس چون دیدماه را طلوع کرده‌گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرورفت گفت اگر هدایت نکندمرا پروردگار من البته شوم ازگروه‌گمراهان (٧٧) .

فَلَمَّا رَاَ الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هٰذَا رَبِّي هٰذَآ أَكْبَرُ ۚ فَلَمَّآ أَفَلَتْ قَالَ يٰقَوْمِ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾

پس وقتیکه دیدخورشید را طلوع کرده گفت این ست پروردگار من این بزرگتر ست پس چون فرورفت‌گفت ای قوم هرآئینه من بیزارم ازآنچه شریك مقرر میکنید (٧٨) .

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا ۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾

هرآئینه متوجه ساختم روی خودرا بسوی کسیکه بیافرید آسمانهاوزمین را درحالتیکه حنیفم ونیستم ازمشرکان (٧٩) .

---

(١) یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لائق عبادت نیستند نیزظاهر ساختیم که ستاره وهرچه درآسمانها است وزمین لائق عبادت نیست و واو در ولیکون زائده است والله اعلم .

وَحَآجَّهٗ قَوْمُهٗ قَالَ اَتُحَآجُّوْنِّیْ فِی اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰىنِ
وَلَآ اَخَافُ مَا تُشْرِكُوْنَ بِهٖٓ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ رَبِّیْ شَيْـًٔا ؕ
وَسِعَ رَبِّیْ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا ؕ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٨٠﴾

وجدال کردند بااوقوم او گفت آیاجدال می کنید بامن درباره خدا وتحقیق هدایت کرده است مراونمی ترسم ازآنچه شما شريك مقررمی کنید باخدا ولیکن می ترسم ازآنکه خدااراده کند چیزی[1] واحاطه کرده است پروردگار من بهمه چیزازجهت دانش آیاپندنمی گیرید (٨٠).

وَكَيْفَ اَخَافُ مَآ اَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُوْنَ اَنَّكُمْ اَشْرَكْتُمْ بِاللّٰهِ
مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهٖ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا ؕ فَاَیُّ الْفَرِيْقَيْنِ اَحَقُّ بِالْاَمْنِ ۚ
اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨١﴾

وچگونه ترسم ازکسی که اوراشريك مقررمی کنید وشمانمی ترسید ازآنکه شريكِ خدا مقرركرديد چیزی را که فرونه فرستاده است برشمادلیلی برای آن پس کدام يك ازین دو گروه سزاوار تراست بامن بگوئید ا گر می دانید (٨١).

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَمْ يَلْبِسُوْٓا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ
وَهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿٨٢﴾

خدای تعالی فرمودکسانیکه ایمان آوردند ونیا میختند ایمان خودرا به شرك آن جماعت ایشان راست ایمنی وایشانند راه یافتگان (٨٢) .

وَتِلْكَ حُجَّتُنَآ اٰتَيْنٰهَآ اِبْرٰهِيْمَ عَلٰى قَوْمِهٖ ؕ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ
مَّنْ نَّشَآءُ ؕ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿٨٣﴾

واین است حجت مادادیمش ابراهیم را برقوم او وبلند می کنیم درمراتب هرکرا می خواهیم هرآئینه پروردگار تواستوارکار داناست (٨٣) .

وَوَهَبْنَا لَهٗٓ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ ؕ كُلًّا هَدَيْنَا ۚ وَنُوْحًا هَدَيْنَا
مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهٖ دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ وَاَيُّوْبَ وَيُوْسُفَ
وَمُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٨٤﴾

وعطاکردیم ابراهیم را اسحاق و یعقوب هریکی را ازایشان هدایت کردیم ونوح را هدایت کردیم پیش ازین وازاولاد ابراهیم راه نمودیم داوٗد و سلیمان وایوب

---

(١) یعنی ازانواع محنت .

ویوسف وموسیٰ و هارون را وهم چنین جزامی دهیم نیکوکاران را (٨٤) .

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ ۖ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٥﴾

وهدایت کردیم زکریا و یحیٰ و عیسیٰ والیاس را همه آنان ازصالحان بودند (٨٥) .

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا ۚ وَكُلًّا فَضَّلْنَا
عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾

وهدایت کردیم اسمٰعیل والیسع ویونس و لوط را وهریك را فضل دادیم براهل زمان (٨٦) .

وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ ۖ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ
إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾

وهدایت کردیم بعض راازپدران ایشان واولاد ایشان وبرادران ایشان وبرگزیدیم ایشان را ودلالت کردیم ایشان را بسوی راه راست (٨٧) .

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۚ وَلَوْ
أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾

این است هدایت خدا دلالت می کند بدان هرکراخواهد ازبندگان خویش و ا گر شریك مقرر میکردند نابودشدی ازایشان آنچه کرده بودند (٨٨) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ۚ فَإِن
يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا
بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾

این جماعت آنانند که دادیم ایشان را کتاب وحکمت وپیغامبری پس ا گر کافر شوند بآیاتِ قرآن این کافران پس مامقررساختیم برای ایمان بآنها گروهی را که هرگز کافرنه شوند(١) (٨٩) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ ۖ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ ۗ
قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ
لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

این جماعت انبیاءکسانی اند که هدایت کردایشان را خداپس به روش ایشان اقتداکن بگوسوال نمی کنم ازشما هیچ مزدبرتبلیغ قرآن نیست این مگر پندعالمهارا(٢) (٩٠) .

---

(١) یعنی مهاجرین وانصار و سائر اخیار والله اعلم .

(٢) یعنی چنانکه انبیاء صبر کردند برایذاء کفار تو نیزصبر کن والله اعلم .

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖٓ اِذْ قَالُوْا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِّنْ شَیْءٍ ؕ قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتٰبَ الَّذِیْ جَآءَ بِهٖ مُوْسٰى نُوْرًا وَّ هُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُوْنَهٗ قَرَاطِیْسَ تُبْدُوْنَهَا وَ تُخْفُوْنَ كَثِیْرًا ۚ وَ عُلِّمْتُمْ مَّا لَمْ تَعْلَمُوْٓا اَنْتُمْ وَ لَآ اٰبَآؤُكُمْ ؕ قُلِ اللّٰهُ ۙ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِیْ خَوْضِهِمْ یَلْعَبُوْنَ ﴿٩١﴾

وصفت نکردند یهودخداراحق صفت او چون گفتند فرو نه فرستاده است خدا برهیچ آدمی چیزی بگوکه فروفرستاد کتابی که آورده است اورا موسیٰ روشنی و هدایت مردمان رامی گردانید اورا دوقسم ورقهاآشکارا می کنید آن را وپنهان می کنید بسیاری راوآموخته شدید (یعنی درقرآن) آنچه نمی دانستید شما ونه پدران شمامی دانستند[1] بگوخدا فرودآوردباز بگذار ایشان را دربحث ایشان درحالتیکه بازی میکنند[2] (٩١) .

وَ هٰذَا كِتٰبٌ اَنْزَلْنٰهُ مُبٰرَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِیْ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ لِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَ مَنْ حَوْلَهَا ؕ وَ الَّذِیْنَ یُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ یُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَ هُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ یُحَافِظُوْنَ ﴿٩٢﴾

واین قرآن کتابیست که فرستادیم او را برکت باور دارنده آنچه پیش ازوی بود وتابیم کنی اهل مکه را وکسانی را که گردمکه ساکن اند ومعتقدان آخرت البته ایمان می آرند بقرآن وایشان برنمازخود محافظت می کنند[3] (٩٢) .

وَ مَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ قَالَ اُوْحِیَ اِلَیَّ

وکیست ستمگار تراز کسی که بربست برخدا دروغی[4] یا گفت وحی فرستاده

---

(١) یعنی کتمانِ آیات تورات راقرآن اظهار کرد و الّاسابق بیقین نمی دانستند .

(٢) حاصل آنست که ا گر یهود گویند که خدای تعالی بهیچ بشر وحی نمیفرستد نقض کرده میشود بتورات و ا گر گویند میفرستد استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس إذقالوابجای إن قالو ا گفته شد .

(٣) مترجم گوید انذاراولاً عرب را کرده شدکه زبان عربی می فهمند ثانیًا جمیع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس این جا انذارِ اول مراد است مانند آیت "هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته الآ یة" ودرآیت "ومارسلناك الارحمة للعلمین" از اولیٰ وثانوی والله اعلم .

(٤) یعنی اعتقاد کردمثلاً که بحائر وسوائب از امرالهی است واتفاق سلف دلیل =

وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللهُ
وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظّٰلِمُونَ فِي غَمَرٰتِ الْمَوْتِ وَالْمَلٰئِكَةُ بَاسِطُوْا
أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوْا أَنْفُسَكُمْ اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا
كُنْتُمْ تَقُوْلُوْنَ عَلَى اللهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيٰتِهِ تَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿٩٣﴾

شده است به من وبحقیقت نفرستاده شده است بسوی اوچیزی وازکسی که گفت فرودخواهم آوردمانند آنچه فرودآورده خدا(۱) وتعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان درشدائد مرگ باشند وفرشتگان دست های خود را درازمی کنند(۲) می گویند بیرون آرید روحهای خودرا امروز جزاداده خواهید شدعذاب رسواکننده به سبب آنکه می گفتید برخداناحق وبسبب آنکه ازتصدیق آیات اوسرکشی می کردید . (۹۳)

وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰى كَمَا خَلَقْنٰكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَّتَرَكْتُمْ
مَّا خَوَّلْنٰكُمْ وَرَاءَ ظُهُوْرِكُمْ وَمَا نَرٰى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِيْنَ
زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيْكُمْ شُرَكٰؤُا لَقَدْ تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ
مَّا كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ ﴿٩٤﴾

و گوئیم هرآئینه آمدید پیش ما تنهاچنانکه آفریده بودیم شمارا اول بار وبگذاشتیدآنچه عطاکرده بودیم شمارا پس پشت خویش ونمی بینیم باشما شفاعت کنندگان شمارا آنکه گمان می کردید که ایشان درتربیت شما شریکان خدااند هرآئینه بریده شدپیوندمیانِ شماوگم شدازشما آنچه گمان می کردید (۹٤) .

إِنَّ اللهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوٰى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ
الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذٰلِكُمُ اللهُ فَأَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٩٥﴾

هرآئینه خداشگافنده دانه وخسته است بیرون مـی آردزنـده را ازمـرده وبیرون آرندهٔ مرده است اززنده این ست خدا پس ازکجابر گردانیده می شوید (۹۵) .

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ الَّيْلَ سَكَنًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا

شگافنده صبح است و گردانید شب را

= برآن ست والله اعلم .

(۱) یعنی انشای کتابی مثل قرآن خواهم کردوانشارا بطریق مشاکلت انزال گفته شد.

(۲) یعنی میزنند والله اعلم .

ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾

آرامگاه و گردانید خورشید وماه رامعیار حساب این ست تقدیر خدا غالب دانا (٩٦) .

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٩٧﴾

واوست آنکه بیافرید برای شما ستاره ها تا راه بیابید به سبب آنها درتاریکی های بیابان ودریا هرآئینه به تفصیل بیان کردیم نشانه هارا برای‌گروهی که می دانند (٩٧) .

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾

واوست آنکه پیدا کردشمارا ازیك شخص پس شماراقرار گاهی است وودیعت جائی هرآئینه به تفصیل بیان کردیم نشانه هارا برای گروهی که می فهمند (٩٨) .

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَىٰ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾

واوست آنکه فرودآورد ازآسمان آبی پس بیرون آوردیم بسبب آن آب گیاه هرچیزراسپس بیرون آوردیم ازآن گیاه سبزه راکه بیرون می آریم ازآن سبزه دانها یکی بردیگری پیوسته وازشکوفه های درخت خرما خوشه های آویزان نزدیك بهم ودردسترس است وبیرون آوردیم بوستانهاازدرختان انگور وبیرون آوردیم زیتون وانار مانند یکدیگر وغیرمانند یکدیگر(١) بنگرید بسوی میوهٔ درخت چون میوه آردوبسوی پختگی اوهرآئینه دراین نشانه هاست گروهی راکه ایمان دارند (٩٩) .

---

(١) یعنی درصورت درخت وثمرمانند یکدیگر است و درطعم مخالف یك پاره شیرین ویکپاره ترش یاتلخ والله اعلم .

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ
بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٠٠﴾

ومقررکردند کافران برای خداشریکان را که ازقسم جن اند حال آنکه خداآفریده است ایشان را وبه افترااثابت کردند اورافرزندان و دختران بغیر دانش پاکیست اوراوبلند است ازآنچه بیان میکنند (١٠٠) .

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ
صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

اوآفریننده آسمانها وزمین است چگونه باشد اورا فرزندی وحال آنکه نبود او را زن وبیافرید هر چیزرا واوبهر چیز داناست (١٠١) .

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾

این است خدا پروردگار شما نیست هیچ معبود برحق مگراو آفریننده هرچیزاست پس پرستش کنید اوراواو برهرچیز کارسازاست (١٠٢) .

لَّا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ
الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾

درنمی یابنداورا چشم ها(یعنی دردنیا) واودرمی یابدچشم هارا واوست مهربان آ گاه (١٠٣) .

قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ
عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿١٠٤﴾

هرآئینه آمدند بشمادلیل هاازجانب پروردگار شما پس هرکه بیناشد نفع اوراست وآن که نابیناماند پس زیان برویست بگو (یا محمد) ونیستم برشمانگاهبان (١٠٤) .

وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾

وهمچنین گوناگون بیان می کنیم نشانه ها را وتاآنکه گویند که خواندای وتابیان کنیم این دین را برای گروهی که می دانند[1] (١٠٥) .

---

(١) مترجم گوید احتمال بود که کفار گویند کتابهای سابقه را خوانده وآنچه میگوی ماخوذ ازکتب سابقه است نه وحی الهی است پس خدای تعالی قرآن را بوجهی نازل ساخت وبوجهی گونا گون بیان کردکه محال این شبهه نماندزیرا که این =

اِتَّبِعْ مَآ اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١٠٦﴾

(یامحمد) پیروی کن چیزی را که وحی کرده شد بسوی توازجانب پروردگار توهیچ معبود برحق نیست مگراو واعراض کن از مشرکان (١٠٦).

وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَآ اَشْرَكُوْا ۗ وَمَا جَعَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا ۚ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ﴿١٠٧﴾

و اگر خواستی خدا شریك مقرر نمی کردند ونگردانیدیم ترا برایشان نگاهبان ونیستی تو برایشان متعهد (١٠٧) .

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَيَسُبُّوا اللّٰهَ عَدْوًا ۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ كَذٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ۖ ثُمَّ اِلٰى رَبِّهِمْ مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٠٨﴾

وای مسلمانان دشنام مدهید کسانی را که مشرکان می پرستند بجز خدا زیراکه ایشان دشنام خواهند داد خدا را ازروی ظلم بغیر دانش همچنین آراسته کردیم درنظر هرگروهی کردار آنگروه باز بسوی پروردگار ایشان باشد رجوع ایشان پس خبردهد ایشان را بعاقبت حال آنچه می کردند (١٠٨) .

وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَآءَتْهُمْ اٰيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا ۗ قُلْ اِنَّمَا الْاٰيٰتُ عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ ۙ اَنَّهَآ اِذَا جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١٠٩﴾

وسوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه البته ایمان آرند بآن بگوجزاین نیست که معجزه ها نزدیك خداست وچه مطلع ساخته است شمارا ای مسلمانان آیا نمیدانید که آن معجزها چون بیایدایشان ایمان نیارند (١٠٩) .

وَنُقَلِّبُ اَفْـِٕدَتَهُمْ وَاَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوْا بِهٖٓ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّنَذَرُهُمْ فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿١١٠﴾

وصرف کنیم دلهای ایشان را وچشمهای ایشان را چنانکه ایمان نیاوردند بقرآن اول بار وبگذاریم ایشان را درگمراهی خود سرگردانگشته (١١٠) .

=   قسم بیان ازخواندن کتب سابقه نمی آید بدون وحی الهی والله اعلم .

وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتٰى وَ
حَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
اللّٰهُ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١١﴾

و اگر مامی فرستادیم بسوی ایشان فرشتگان را و سخن می گفتند بایشان مُردگان وجمع میکردیم برایشان همه چیز گروه گروه هرگزایمان نمی آوردند مگر وقتیکه خواستی خدا ولیکن بسیاری ازایشان نادانی می کنند (۱۱۱) .

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيٰطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ
يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلٰى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ
رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾

وهمچنین پیداکردیم برای هر پیغامبری دشمن ازشیطانهای انس وجن بطریق وسوسه القاء می کنند بعض ایشان بسوی بعضی سخن ظاهر آراسته تافریب دهند و اگر خواستی پروردگار تونمی کردند این کاررا پس بگذارایشان را بافترای ایشان (۱۱۲) .

وَلِتَصْغٰٓى إِلَيْهِ أَفْـِٔدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ
وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾

والقاء می کنند سخن بظاهر آراسته تامیل کنند بسوی اودل های کسانیکه ایمان ندارند بآخرت وتاپسند کننداورا وتاعمل کنند آنچه ایشان کنندهٔ آنند (۱۱۳) .

أَفَغَيْرَ اللّٰهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتٰبَ
مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ
مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾

بگو آیاطلب کنم فیصله کننده بجز خداواوست آنکه فروفرستاد بسوی شما قرآن واضح کرده شده وکسانیکه داده ایم ایشان را کتاب یعنی تورات می دانند که قرآن فروفرستاده شده است از جانب پروردگار تو براستی پس مباش ازشک کنندگان[1] (۱۱٤) .

---

(۱) یعنی یهودی دانند که نزول وحی میشود و آدمی را خدای تعالی پیغمبر می سازد و درحضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم ودرقرآن دلائل صدق موجود هست مترجم گوید درسورتهای مکیه مذکورشده است که یهود تصدیق میکنند =

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَّعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿١١٥﴾

وتمام است سخن پرور دگار تودرراستی وانصاف هیچکس تغیر کننده نیست سخن های اورا واوست شنوادانا (١١٥).

وَاِنْ تُطِعْ اَكْثَرَ مَنْ فِي الْاَرْضِ يُضِلُّوْكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿١١٦﴾

و ا گر فرمانبرداری کنی بساکسانی را که در زمین اند گمـراه کننـد تـرا ازراه خـداپیروی نمـی کننـد مگـر گمـان را ونیستند مگردروغگو[1] (١١٦) .

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ مَنْ يَّضِلُّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿١١٧﴾

هرآئینه پروردگار داناتراست بکسی که دورمی شود ازراه وی واوداناتراست براه یافتگان (١١٧) .

فَكُلُوْا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ بِاٰيٰتِهٖ مُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٨﴾

پس بخورید ازآنچه ذکرکرده شدنام خدا بروی (یعنی هنگام ذبح وی) ا گر مومن هستید بآیاتِ خدا (١١٨) .

وَمَا لَكُمْ اَلَّا تَاْكُلُوْا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَيْهِ وَاِنَّ كَثِيْرًا لَّيُضِلُّوْنَ بِاَهْوَآئِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِيْنَ ﴿١١٩﴾

وچیست شمارا که نمی خوریدازآنچه ذکرکرده شده است نام خدابروی وحال آنکه به تفصیل بیان کرده است برای شماآنچه برشماحرام ساخته است الآآنچه مضطـربـاشیـد بسـوی او[2] وهـرآئینـه بسیاری گمراه می کنند بخواهش نفس

= قرآن را ودرسورتهای مدنیه مذکور است که یهود تکذیب میکنندآنراووجه تطبیق آن ست که چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم درمکه بود هنوز دعوت یهودنکرده بودهمه بصدق قرآن معترف بودند که حکم آن برعرب لازم است وهیچکس ازایشان انکارنکرده وچون هجرت فرمود ایشانرا دعوت کرد بعناد درآمدند درسیرت ابن اسحاق چند قصه باین مضمون مذکوراست والله اعلم.

(١) یعنی آنچه کافران درباب تحریم وتحلیل اشیا شبهات میکردند باطل است والله اعلم.

(٢) مترجم گوید یعنی میته حرام است الاوقت ضرورت تناول آن رخصت است والله اعلم .

خویش بغیر دانش هرآئینه پروردگارتو داناتراست به ستمگاران (۱۱۹) .

وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ
سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ﴿١٢٠﴾

وترك كنید آشكارا گناه را وپنهان اورا هرآئینه كسانیكه گناه می كنندجزاداده خواهند شد بحسب آنچه میكردند (۱۲۰) .

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ
الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ ۖ وَإِنْ
أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿١٢١﴾

ومخورید ازآنچه یاد كرده نه شد نام خدا بروی وهرآئینه خوردنش گناه است وهرآئینه شیاطین وسوسه القاء می كنند بسوی دوستان خویش تاخصومت كنند باشما وا گر فرمانبرداری ایشان كنید هر آئینه شما مشرك باشید[(۱)] (۱۲۱) .

أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ
فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا ۚ
كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾

آیاكسی كه مرده بود پس زنده ساختیمش[(۲)] وپیداكردیم برای اونوری كه میرودباوی میان مردمان مانند كسی باشد كه صفتش این ست كه درتاریكی ها است نیست بیرون آینده ازآن همچنین آراسته كرده شده است درنظر كافران آنچه می كردند[(۳)] (۱۲۲) .

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا
فِيهَا ۖ وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾

وهمچنین پیداكردیم درهردهی رئیسان فساق آن ده تافساد كنند درآن ده وبحقیقت ضررنمی كنند مگردرحق خویشتن ونمی دانند(۱۲۳) .

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ

وچون بیاید بایشان نشانه ای گویند هرگز

---

(۱) مترجم گوید مراد ازین وسوسه آنست كه اهل جاهلیت می گفتند چراكشته خودرا بخوریم وكشته خدارا نخوریم والله اعلم .

(۲) یعنی كافر بود هدایت كردیمش .

(۳) چنانكه رؤساء كفارمكه درنصرت كفرسعی می كردند والله اعلم .

مَآ أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِۘ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُۥۗ
سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ
شَدِيدٌۢ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

ایمان نیاریم تاوقتیکه داده شودمارا مانندآنچه داده شده است پیغامبران خدارا[۱] خدادانا تراست بمحل نهادن پیغامبری خود خواهد رسید این گناهگاران را رسوائی نزدیك خدا وعذابی سخت بسبب آنکه بدمی اندیشیدند (١٢٤) .

فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُۥ يَشْرَحْ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِۖ
وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُۥ يَجْعَلْ صَدْرَهُۥ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا
يَصَّعَّدُ فِي السَّمَآءِۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾

پس هرکه خداخواهد که هدایت کندش کشاده کندسینه اورابرای اسلام[۲] وهرکراخواهد که گمراه کندش تنگ کندسینه اورا درنهایت تنگی گویا بالامیرود درآسمان همچنین می اندازد خدا ناپاکی را بر کسانیکه ایمان نمی آرند[۳] (١٢٥) .

وَهَٰذَا صِرَٰطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًاۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْأَيَٰتِ لِقَوْمٍ
يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾

واین اسلام راه پروردگار تست راست آمده هرآئینه تفصیل کردیم نشانه هارا برای گروهی که پندپذیر میشوند (١٢٦) .

لَهُمْ دَارُ السَّلَٰمِ عِندَ رَبِّهِمْۖ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾

ایشان راست سرای سلامتی یعنی بهشت نزدیك پروردگار ایشان واو کارسازِ ایشانست بسبب آنچه میکردند (١٢٧) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَٰمَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم
مِّنَ الْإِنسِۖ وَقَالَ أَوْلِيَآؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ
بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَآ أَجَلَنَا الَّذِيٓ أَجَّلْتَ لَنَاۚ قَالَ

وروزی که حشر کندخدا ایشانرا همه یك جا گویدای گروه جن[٤] تابع خودبسیار گرفتید ازمردمان ومیگویند دوستان ایشان ازآدمیان[٥] ای پروردگار مابهره مند

---

(١) یعنی برهرکسی ازماجبرئیل فرودآیدووحی نازل بشود والله اعلم .
(٢) یعنی بفهماندش حقیقت اسلام ومحاسن آن والله اعلم .
(٣) یعنی هرچند می خواهند حقیقت اسلام ومحاسن آن بفهمند نمی توانند والله اعلم.
(٤) یعنی ای شیاطین .
(٥) یعنی تابعان ایشان راازکفار .

النَّارُ مَثْوٰىكُمْ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ۭ اِنَّ
رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ ﴿١٢٨﴾

شد بعض ما از بعض[١] ورسیدیم بمیعادخویش که معین کرده بودی برای ما[٢] گویدخداآتش جای شماست جاویدان آنجالیکن آنچه خداخواسته است[٣] هرآئینه پروردگار تواستوارکار داناست (١٢٨) .

وَكَذٰلِكَ نُوَلِّيْ بَعْضَ الظّٰلِمِيْنَ بَعْضًۢا بِمَا كَانُوْا
يَكْسِبُوْنَ ﴿١٢٩﴾

وهمچنین مسلط می کنیم بعض ستمگاران را بربعض به سبب شومئ آنچه می کردند (١٢٩) .

يٰمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اَلَمْ يَاْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ
يَقُصُّوْنَ عَلَيْكُمْ اٰيٰتِيْ وَيُنْذِرُوْنَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ
هٰذَا ۭ قَالُوْا شَهِدْنَا عَلٰٓي اَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ
الدُّنْيَا وَشَهِدُوْا عَلٰٓي اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كَانُوْا كٰفِرِيْنَ ﴿١٣٠﴾

ای گروه جن وانس آیانیامدند به شما پیغمبران ازجنسِ شما می خواندند برشما آیاتِ مرا وبیم می کردندشمارا ازملاقات این روزشما گویندااعتراف کردیم برخویشتن وفریب داده بودایشانرا زندگانی دنیا و گواهی دادند برخویشتن که ایشان کافر بودند[٤] (١٣٠) .

ذٰلِكَ اَنْ لَّمْ يَكُنْ رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَّاَهْلُهَا
غٰفِلُوْنَ ﴿١٣١﴾

این ارسالِ رسل بسبب آنست که هرگز پروردگار تو هلاك کنندهٔ شهرهاناباشد بجزای ظلم درحالیکه اهل آنهاغافل باشند[٥] (١٣١) .

وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا ۭ

وهر شخص را مرتبه هاست ازاجرآنچه

---

(١) یعنی متبوعان خوشوقت شدند بتابعان و تابعان محظوظ شدند ازمتبوعان والله اعلم.

(٢) یعنی برای حسابِ ما پس درحق ماچه حکم است .

(٣) یعنی درحق اهلِ نجات والله اعلم .

(٤) مترجم گوید مرادآن است که آیانیامده اندازمجموعه جن و انس وآن صادق است ببودن رسل از انس مبعوث بانس و جن والله اعلم .

(٥) قبل بعثت عقوبت نمی آید والله اعلم .

وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ١٣٢

کردند ونیست پروردگار توبی خبر ازآنچه به عمل می آرند (١٣٢) .

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِكُم مَّا يَشَاءُ كَمَا أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ١٣٣

وپروردگار توغنی خداوندرحمت است ا گر خواهد دورکند شمارا وجانشین سازدپس ازشما هرکه را خواهد چنانکه پیداکردشمارا ازنسل قومی دیگر (١٣٣) .

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ ۖ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ١٣٤

هرآئینه آنچه وعده کرده میشود شماراالبته آمدنی است ونیستید شماعاجز کنندگان (١٣٤).

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۗ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ١٣٥

بگوای قوم من عمل کنیدشمابرحالت خویش هرآئینه من نیزعمل کننده ام زودباشد که بدانید کسی را که باشداورا عاقبت پسندیده درآخرت هرآئینه رستگارنشوندظالمان (١٣٥) .

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا

[1] ومقرركردندبرای خدا ازآنچه او

(١) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند ازآن جمله آنست که اززراعت ومواشی پاره ای برای خدامقررمی کردندپاره ای برای بتان و حصه خدابرمساکین وضعیفان صرف میکردند وحصه بتان بآستانه بتان میرسانیدندپس ا گر چیزی ازحصه خدادر حصه بتان مخلوط میشدترك می کردند که خدا حاجت نه دارد وا گر از حصه بتان درحصه خدا مخلوط می شد آن راجدا میکردند که بتان محتاج اندوآنجمله آنست که قتل دختران تجویز میکردند وپیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند وازآنجمله آنست که بعض زراعت ومواشی را حجر میساختد که غیر سدنه بتان کسی دیگر نخوردوآنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا برآن نمی گرفتند ازآنجمله آنست که چون بحائر وسوائب بچه میدادندا گرزنده بودی مردان را حلال میدانستندنه زنان را وا گر مرده بودی همه را حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمودوآنچه حکم حق است بیان فرمودو محرماتی که همه اهل باطل برآن متفق اندذکر کرد والله اعلم .

فَقَالُوْا هٰذَا لِلّٰهِ بِزَعْمِهِمْ وَهٰذَا لِشُرَكَآئِنَا ۚ فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللّٰهِ ۚ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلٰى شُرَكَآئِهِمْ ۗ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ﴿١٣٦﴾

پیداکرده است ازجنس زراعت وچهارپایان حصه گفتند این حصه برای خداست بگمان خویش و این حصه برای شرکاء که مامقرر کرده ایم پس آنچه بود برای شرکای ایشان نمی رسد به خدا و آنچه باشد برای خدامیرسد به شرکای ایشان بدچیزیست که مقررمی کنند (١٣٦) .

وَكَذٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيْرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوْهُمْ وَلِيَلْبِسُوْا عَلَيْهِمْ دِيْنَهُمْ ۖ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا فَعَلُوْهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُوْنَ ﴿١٣٧﴾

وهمچنین آراسته کرده است درنظر بسیاری ازمشرکان قتل اولادایشان را شرکای ایشان[1] تاهلاك کنندایشان را وتامختلط کنند برایشان دین ایشان را و اگرخواستی خدانکردندی این کار پس بگذارایشان رابامفتریات ایشان (١٣٧) .

وَقَالُوْا هٰذِهٖٓ أَنْعَامٌ وَّحَرْثٌ حِجْرٌ ۖ لَّا يَطْعَمُهَآ إِلَّا مَنْ نَّشَآءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُوْرُهَا وَأَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُوْنَ اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا افْتِرَآءً عَلَيْهِ ۚ سَيَجْزِيْهِمْ بِمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿١٣٨﴾

و گفتند این چهارپایان و زراعت حجراست نخوردآن را مگرآنکه ماخواهیم بگمان خویش وچهارپایان دیگراند که حرام کرده شده است سواری برپشت آنهاوچهار پایان دیگراندکه نام خدانمی گیرند هنگام ذبح آن بسبب آنکه دروغ بسته اند برخدا زودجزاء خواهد دادایشان را بمقابله آنچه افترای می کردند (١٣٨) .

وَقَالُوْا مَا فِيْ بُطُوْنِ هٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُوْرِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلٰٓى أَزْوَاجِنَا ۖ وَإِنْ يَّكُنْ مَّيْتَةً فَهُمْ فِيْهِ

و گفتند آنچه درشکم این چهارپایان باشد[2] حلال است برای مردان ما وحرام است برزنان ما و اگرمُرده باشد

---

(١) یعنی شیاطین که وسوسه کرده اندباپیشوایان که مذهب قرارداده اند والله اعلم.

(٢) یعنی درشکم بحائر سوائب باشد .

شُرَكَاءُ ۚ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ ۚ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾

همه درآن شريك اند جزاخواهد داد به مقابله اين بيان ايشان هرآئينه اواستواركار داناست (١٣٩) .

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ
عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ۚ قَدْ
ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾

هرآئينه زيان كارشدند آنانكه كشتندفرزندان خودرا ازجهت بيخردى بغير دانش وحرام كردند آنچه روزى دادايشان را خدابه سبب دروغ بستن برخدا به تحقيق‌گمراه شدند ايشان ونبودند راه يافتگان (١٤٠) .

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ
مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ
وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ ۚ
كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ
حَصَادِهِ ۖ وَلَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾

وخداآنست كه پيدا كردبوستانهاى برداشته شده برپايها[1] وبوستانهاى غيربرداشته شده برپايها[2] وپيدا كرددرختان خرماراوزراعت را گونا گون ميوه هاى هريكى وزيتون واناررامانند يكديگر وغيرمانند يكديگر[3] بخوريد ازميوه هاى آن چون ميوه بيرون آورد و بدهيد زكوٰة اورا روز درويدن وى واسراف مكنيد هرآئينه خدادوست ندارد اسراف كنندگان را (١٤١) .

وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا ۚ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ
وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٤٢﴾

وپيداكردازچهارپايان بار بردارنده را وجانورى راكه برزمين غلطانندبجهت ذبح بخوريد ازآنچه روزى داده است خداشماراوپيروى مكنيد گامهاى شيطان

---

(١) يعنى درختان انگور ومانند آن والله اعلم .

(٢) يعنى درختان برساق ايستاده والله اعلم .

(٣) يعنى افراد هر نوعى باعتبار صورت مانند يك ديگراند و به اعتبار مزه نه والله اعلم .

را هرآئینه اوشمارا دشمن ظاهراست (١٤٢) .

ثَمَٰنِيَةَ أَزْوَٰجٍ ۖ مِّنَ ٱلضَّأْنِ ٱثْنَيْنِ وَمِنَ ٱلْمَعْزِ ٱثْنَيْنِ ۗ
قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ ٱلْأُنثَيَيْنِ أَمَّا ٱشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ
أَرْحَامُ ٱلْأُنثَيَيْنِ ۖ نَبِّـُٔونِى بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٤٣﴾

آفریدهشت قسم را از گوسفند دوقسم وازبزدوقسم[1] بگوآیااین دونررا حرام کرده است خدای تعالی یااین دوماده را یاآن را که مشتمل شده است بروی رحمهای این دوماده خبردهیدمرابه دانش[2] اگر هستیدراست گو (١٤٣) .

وَمِنَ ٱلْإِبِلِ ٱثْنَيْنِ وَمِنَ ٱلْبَقَرِ ٱثْنَيْنِ ۗ قُلْ ءَآلذَّكَرَيْنِ
حَرَّمَ أَمِ ٱلْأُنثَيَيْنِ أَمَّا ٱشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ ٱلْأُنثَيَيْنِ ۖ
أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَا ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ
ٱفْتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ ٱلنَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا
يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٤٤﴾

وپیداکرد ازشتردوقسم واز گاؤدوقسم بگو آیااین دونرراحرام کرده است خدایااین دوماده رایاآنراکه مشتمل شده است بروی رحم های این دوماده آیاحاضربودید وقتیکه حکم کردشمارا خداباآن پس کیست ستمگارتر ازکسی که بندد برخدادروغ تا گمراه کند مردمان را بغیر دانش هرآئینه خدا راه نمی نماید قوم ستمگاران را (١٤٤) .

قُل لَّآ أَجِدُ فِى مَآ أُوحِىَ إِلَىَّ مُحَرَّمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُۥٓ
إِلَّآ أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ
خِنزِيرٍ فَإِنَّهُۥ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ ٱللَّهِ بِهِۦ ۚ فَمَنِ
ٱضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٥﴾

بگونمی یابم درآنچه وحی فرستاده شده بسوی من هیچ چیزحرام برخورنده که بخوردآن را مگر آنکه باشد مردار یاخون ریخته شده یا گوشت خوك پس هرآئینه حرام است یاآنچه فسق باشدکه برای غیر خداآوازبلند کرده ذبح شود پس هرکه درمانده شود نه بغی کننده ونه ازحد گذرنده پس هرآئینه پروردگار تو آمرزنده

---

(١) یعنی نرو ماده ازهر یك والله اعلم .

(٢) یعنی نقلی صحیح بیارید ازابراهیم واسمعیل علیهماالسلام واز کتب الهیه والله اعلم.

مهربان است[1] (١٤٥) .

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ ۖ وَمِنَ الْبَقَرِ
وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ
ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ۚ
ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ ۖ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ١٤٦

وبريهودحرام ساختيم هرجانورناخن دار[2] واز گاؤ و گوسفند حرام ساختيم برايشان پيه اين دوقسم مگرپيهى كه برداشته است پشت اين دوقسم يابرداشته است آنرا رودهايا آنچه متعلق شدباستخوان اين طور جزاداديم ايشان را بمقابله ستم ايشان وهرآئينه ماراست گوئيم (١٤٦) .

فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ
بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ١٤٧

پس ا گر به دروغ نسبت كنند ترابگوكه پروردگارشماخداوندمهربانى بسياراست وردكرده نمى شود عقوبتِ اوازقومِ ستمگاران (١٤٧) .

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا
آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ
مِن قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا ۗ قُلْ هَلْ عِندَكُم
مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا ۖ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ
أَنتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ١٤٨

زودباشد كه بگويند مشركان ا گر خواستى خدا يعنى رضاى اوبودى شريك مقررنمى كرديم ونه پدران مامى كردند ونه حرام ميكرديم چيزى را همچنين بدروغ نسبت كردندكسانيكه پيش ازايشان بودند تاآنكه چشيدند عقوبتِ ما بگوآيا هست نزديك شما دانشى[3] تابيرون آريد آن رابراى ماپيروى نمى كنيد مگرشبهه را ونيستيد شمامگر دروغگو (١٤٨) .

---

(١) مرادحصر اضافى است به نسبت بهيمة الانعام وآن اصناف ثمانيه مذكوراست سگ وشير وبازوغير آن ا گرچه حرام است ازبهيمة الانعام نيست ودرآن بحث نداشتند والله اعلم .
(٢) يعنى مثل شتروشتر مرغ والله اعلم .
(٣) يعنى نقلى ازكتب الهى والله اعلم .

قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ ۚ فَلَوْ شَآءَ لَهَدٰىكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿١٤٩﴾

بگوخدا راست دلیل محکم پس ا گر خواستی خدا هدایت کردی شمارا همه یك جا (١٤٩) .

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ الَّذِيْنَ يَشْهَدُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ هٰذَا ۚ فَاِنْ شَهِدُوْا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ﴿١٥٠﴾

بگوبیارید گواهان خودرا آنانکه گواهی میدهند که خداحرام ساخته است این را پس (یامحمد) ا گر بفرض گواهی دهند تو معترف مشوباایشان و پیروی مکن خواهش کسانی که به دروغ نسبت کردند آیاتِ مارا وکسانیکه اعتقاد ندارند بآخرت وایشان باپروردگار خودبرابر میکنند(١) . (١٥٠)

قُلْ تَعَالَوْا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ اَلَّا تُشْرِكُوْا بِهٖ شَيْـًٔا وَّبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا ۚ وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ ۭ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِيَّاهُمْ ۚ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِيْ حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ ۭ ذٰلِكُمْ وَصّٰىكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿١٥١﴾

بگوبیائید تابخوانم آنچه حرام کرده است پروردگارشما برشما (فرموده است) که شریك اومقررمکنید چیزیرا وبوالدین نیکوکاری کنید ومکشیداولاد خودرا ازترس فقر ما روزی میدهیم شمارا و ایشان را ونزدیك مشوید به بی حیائی(٢) آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده باشد ومَکُشید هیچ نفس را که حرام ساخته است خداکشتنش الّابحق(٣) این حکم فرموده است شمارا تابودکه شمابه فهمید . (١٥١)

وَلَا تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهٗ ۚ وَاَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ لَا نُكَلِّفُ

ونزدیك مشوید به مال یتیم الّا بخصلتی که وی نیك است تاآنکه رسدبه جوانی خود وتمام کنید پیمانه وترازو را بانصاف

(١) یعنی معبود باطل را والله اعلم .
(٢) یعنی بزنا ولواطت .
(٣) یعنی بقصاص ومثل آن .

نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۖ وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۖ
وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٢﴾

تکلیف نمی دهیم هیچکس را مگر قدرطاقت او وچون سخن گوئید[۱] پس رعایت انصاف بنمائید وا گر چه آن محکوم علیه صاحب قرابت باشد وبعهد خدا[۲] وفاکنید این حکم فرموده است شمارا تاپندپذیر شوید (١٥٢) .

وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥٣﴾

وخبرداده است که آنچه مذکورشد راه من است راست ودرست آمده پس پیروی اوکنید وپیروی مکنید راه های دیگرراکه این راه هاجدا کنندشمارا ازراه خدا این حکم فرموده است شمارا تاپرهیزگاری کنید (١٥٣) .

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا
لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٤﴾

بازمی گویم که داده بودیم موسیٰ را کتاب تانعمت تمام کنیم برهرکه نیکوکار بود وبیان کنیم هرچیزرا وبجهت هدایت ومهربانی تاایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آرند[۳] (١٥٤) .

وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ ﴿١٥٥﴾

واین قرآن کتابیست که فروفرستادیمش بابرکت پس پیروی اوکنید وپرهیزگاری کنید تامهربانی کرده شود برشما (١٥٥) .

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا
وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿١٥٦﴾

فرستادیمش تانگوئید بجزاین نیست که فرودآورده شدکتاب یعنی تورات وانجیل بردو گروه پیش ازماوبه تحقیق بودیم ما ازتلاوت ایشان بی خبر (١٥٦) .

---

(١) یعنی گواهی دهید یاحکم کنیدوالله اعلم .

(٢) یعنی بنذراو .

(٣) مترجم گوید ظاهر نزدیك این بنده آنست که حرام گردانیدیم اشیای مذکوره رادرازل برقوم نوح وهلم جرابازدادیم موسی را کتاب والله اعلم .

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتٰبُ لَكُنَّا أَهْدٰى مِنْهُمْ ۚ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ ۚ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَصَدَفَ عَنْهَا ۗ سَنَجْزِي الَّذِيْنَ يَصْدِفُوْنَ عَنْ اٰيٰتِنَا سُوْٓءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوْا يَصْدِفُوْنَ ﴿١٥٧﴾

یا گوئید ا گرفرودآورده شدی برماکتاب هرآئینه می بودیم راه یافته ترازایشان پس آمده است به شماحجتی ازپروردگار شما و هدایت وبخشایش پس کیست ستمگار تراز کسی که بدروغ نسبت کند آیاتِ خدارا واعراض کندازآن جزاخواهیم داد اعراض کنندگان را ازآیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکه اعراض می کردند (۱۵۷) .

هَلْ يَنْظُرُوْنَ إِلَّآ أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ اٰيٰتِ رَبِّكَ ۗ يَوْمَ يَأْتِيْ بَعْضُ اٰيٰتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِيْٓ إِيْمَانِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ انْتَظِرُوْٓا إِنَّا مُنْتَظِرُوْنَ ﴿١٥٨﴾

آیامنتظر نیستند مگرآن را که بیایند بدیشان فرشتگان[١] یابیاید پروردگار تو یابیاید بعض نشانه های پروردگارتو[٢] روزیکه بیاید بعض نشانه های پروردگارتو نفع نه دهدنفسی را که ایمان نیاورده بودپیش ازین ایمان او یانفع ندهد نفسی راکه کسب نکرده بود درایمان خودعمل خیر[٣] بگوانتظار کنید هرآئینه مانیز منتظریم (۱۵۸) .

إِنَّ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِيْ شَيْءٍ ۚ إِنَّمَآ أَمْرُهُمْ إِلَى اللّٰهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ ﴿١٥٩﴾

به تحقیق کسانیکه پراگنده کردند دین خودرا و گروه گروه شدند نیستی ازایشان درهیچ حساب[٤] جزاین نیست که کارایشان گذاشته شده بسوی خداست بازخبردهد ایشان را بعاقبت آنچه می

---

(۱) یعنی برای قبض ارواح .

(۲) یعنی طلوع شمس ازمغرب یادابة الارض والله اعلم .

(۳) یعنی آنروزتوبهٔ گنهگار وایمان کافر قبول نشود والله اعلم .

(٤) یعنی ازتومواخذه نخواهند کرد والله اعلم .

کردند (۱۵۹) .

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُۥ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ۖ وَمَنْ جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ
فَلَا يُجْزَىٰٓ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾

هرکه آورد نیکی پس اوراست ده چندان آن وهرکه آوردبدی جزا داده نخواهد شد الّا مثل آن وایشان ستم کرده نخواهند شد (۱٦۰) .

قُلْ إِنَّنِى هَدَىٰنِى رَبِّىٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ
إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾

بگو هرآئینه دلالت کرده است مرا پروردگار من بسوی راه راست مراد می دارم دین درست کیش ابراهیم را حنیف شده و نه بود ازمشرکان (۱٦۱) .

قُلْ إِنَّ صَلَاتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلَّهِ
رَبِّ الْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٢﴾

بگو هرآئینه نمازمن وحج وقربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست پروردگار عالمها (۱٦۲) .

لَا شَرِيكَ لَهُۥ ۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾

هیچ شریك نیست مراورا و باین توحید فرموده شد مراو من نخستین مسلمانانم (۱٦۳) .

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَىْءٍ ۚ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ
إِلَّا عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾

بگوآیا طلب کنم پروردگار غیر خدا واوست پروردگار همه چیز وعمل نمی کند هیچ کسی مگر برذات خود وبرندارد هیچ بردارنده باردیگررا بازبسوی پروردگار شما رجوع شماباشد پس خبردار کند شمارا بآنچه که درآن اختلاف می کردید (۱٦٤) .

وَهُوَ الَّذِى جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ
دَرَجَٰتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِى مَآ ءَاتَىٰكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُۥ
لَغَفُورٌ رَّحِيمٌۢ ﴿١٦٥﴾

واو آنست که ساخت شمارا جانشینان در زمین وبلند کرد بعضی را بالای بعضی درجه ها تابیازماید شمارا درآنچه داده است به شما هرآئینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است وهرآئینه او آمرزنده مهربان است(۱٦۵) .

سُورَةُ الأَعْرَافِ

سوره اعراف مکی است وآن دوصدو شش آیت و بیست وچهار رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدا بخشاینده مهربان .

الٓمٓصٓ ①

الٓمٓصٓ (١) .

كِتٰبٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِيْ صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ
لِتُنْذِرَ بِهٖ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ②

این کتابیست که فرودآورده شد بسوی توپس بایدکه نباشد درسینهٔ تو هیچ تنگی ازتبلیغ اوفرودآورده شدتابیم کنی بآن وبرای پند مسلمانان را (٢) .

اِتَّبِعُوْا مَآ أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوْا مِنْ
دُوْنِهٖٓ أَوْلِيَآءَ ۗ قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ③

پیروی کنید آنراکه فرودآورده شد بسوی شماازجانبِ پروردگار شما و پیروی مکنید بجزوی دوستان را[1] اندکی پندمی پذیزید (٣) .

وَكَمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنٰهَا فَجَآءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا
أَوْ هُمْ قَآئِلُوْنَ ④

وبَسادِه که هلاك کردیمش پس آمدبوی عقوبتِ ماوایشان شبانگاه آرمیده بودندیا وقتیکه ایشان درخواب نیم روز بودند . (٤)

فَمَا كَانَ دَعْوٰىهُمْ إِذْ جَآءَهُمْ بَأْسُنَآ إِلَّآ أَنْ قَالُوْٓا إِنَّا كُنَّا
ظٰلِمِيْنَ ⑤

پس نبود قول ایشان چون بیامد بایشان عقوبت ماالآآنکه گفتند هرآئینه ماستمگاربودیم (٥) .

فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِيْنَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِيْنَ ⑥

پس البته سوال خواهیم کردآن کسانی را که پیغامبر فرستاده شد بسوی ایشان و البته سوال خواهیم کرد پیغامبران را (٦).

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَّمَا كُنَّا غَآئِبِيْنَ ⑦

پس البته بیان خواهیم کرد بحضورایشان[2] بدانش ونبودیم غائب (٧) .

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذِ الْحَقُّ ۚ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ

وسنجیدنِ اعمال بانصاف آن روزبودنیست

---

(١) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتید والله اعلم .

(٢) یعنی همه اعمال ایشان را .

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ⑧

پس هرکه‌گران شدپله نیکی های او پس
ایشانند رستگار (٨) .

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم
بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ⑨

وهرکه سبك شدپلهٔ نیکی های او پس
آنجماعت آنانند که زیان کردند درحق
خویشتن بسبب آنکه بآیاتِ ما انکارمی
کردند (٩) .

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ⑩

و هرآئینه استقرار دادیم شمارادرزمین
وپیداکردیم برای شمادرآنجا اسباب
معیشت اندکی شکرمی کنید (١٠) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا
لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ⑪

وهرآئینه آفریدم شمارا (یعنی پدرشمارا)
بازصورت بستیم شمارا (یعنی
پدرِشمارا) باز گفتیم به فرشتگان که
سجده کنیدآدم را پس سجده کردند مگر
ابلیس نبود از سجده کنندگان (١١) .

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي
مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ⑫

گفت خداچه چیزمنع کردتراازآنکه سجده
کنی وقتیکه امرکردم تراگفت من بهترم
ازو آفریدی مراازآتش وآفریدی اورا ازگِل
(١٢) .

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ
مِنَ الصَّاغِرِينَ ⑬

گفت پس فرود رو ازآسمان زیراکه لائق
نیست ترا که سرکشی کنی درآن پس بیرون
شو هرآئینه توازخوار شوندگانی (١٣) .

قَالَ أَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ⑭

گفت بار الٰهامهلت ده مرا تاروزیکه آدمیان
برانگیخته شوند (١٤) .

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ⑮

گفت خداهر آئینه تو ازمهلت داده شدگانی
(١٥) .

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ⑯

گفت پس بسبب آنکه‌گمراه کردی مرا البته
به نشینم برای آدمیان براه راست تویعنی
تاازآن منع کنم (١٦) .

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن

پس البته بیایم بسوی ایشان ازپیش ایشان

شَمَآئِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَٰكِرِينَ ﴿١٧﴾

وازپس پشت ایشان وازجانب راست ایشان وازجانب چپ ایشان ونیابی اکثر ایشان را شکر گذار (١٧) .

قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ
جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾

گفت بیرون روازآسمان نکوهیده رانده شده بخداهرکه پیروی کند تراازآدمیان البته پُرکنیم دوزخ را ازشما همه یکجا (١٨) .

وَيَٰٓـَٔادَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا
وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّٰلِمِينَ ﴿١٩﴾

و گفتیم ای آدم ساکن شوتو و زن تو دربهشت پس بخوریدازهرجاکه خواهید و نزدیك مشوید باین درخت که خواهید شد ازستمگاران (١٩) .

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَٰنُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُۥرِيَ عَنْهُمَا مِن
سَوْءَٰتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَىٰكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَٰذِهِ الشَّجَرَةِ
إِلَّآ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَٰلِدِينَ ﴿٢٠﴾

پس وسوسه داد ایشان را شیطان تاآشکارا گرداند برای ایشان آنچه پوشیده بودازنظرایشان ازشرم گاه های ایشان گفت منع نکرده است شمارا پروردگار شما ازین درخت مگربرای احتیاط ازآنکه شوید دوفرشته یا شوید ازجاوید باشندگان (٢٠) .

وَقَاسَمَهُمَآ إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّٰصِحِينَ ﴿٢١﴾

وقسم خوردبرای ایشان که من ازنصیحت کنندگانم شمارا (٢١) .

فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَٰتُهُمَا وَطَفِقَا
يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَىٰهُمَا رَبُّهُمَآ أَلَمْ أَنْهَكُمَا
عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَآ إِنَّ الشَّيْطَٰنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾

پس بسوی پستی انداخت ایشانرا بفریب دادن پس چون چشیدندآن درخت راظاهر شدایشان را شرمگاهای ایشان و شروع کردند که برگی بالای برگی می چسپانیدند برخویش ازبرگ درختان بهشت وندا کرد ایشان را پروردگار ایشان که آیا منع نکرده بودم شمارا ازین درخت ونه گفته بودم به شما که هرآئینه شیطان شمارا دشمن آشکار است (٢٢) .

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَٰسِرِينَ ﴿٢٣﴾

گفتند ای پروردگار ماستم کردیم برخویش و ا گرنیامرزی مارا ومهربانی نکنی برما البته از زیان کاران باشیم (٢٣) .

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾

گفت خدافروروید بعض شمابعضی رادشمن خواهد بود وشمارادر زمین استقرار وبهره مندی باشد تاوقتی معین (یعنی تامرگ) (٢٤) .

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾

گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و درآنجاخواهید مرد وازآنجا بیرون آورده شوید (٢٥) .

يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَٰرِي سَوْءَٰتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَٰتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٢٦﴾

ای فرزندان آدم هرآئینه مافرودآوردیم برشما لباسی که بپوشد شرمگاه شمارا وفرودآوردیم جامه های زینت را ولباس پرهیز گاری وی ازهمه بهتراست این ازنشانه های خداست تاایشان پندپذیرشوند (٢٦) .

يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَٰنُ كَمَآ أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَٰتِهِمَآ إِنَّهُ يَرَىٰكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَٰطِينَ أَوْلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٧﴾

ای فرزندان آدم گمراه نکند شمارا شیطان چنانکه بیرون آورد پدر ومادر شمارا ازبهشت برمی کشید ازایشان جامهٔ ایشان را تابنماید ایشان را شرمگاه ایشان هرآئینه شیطان وقوم اومی بینند شماراازآن جاکه شما نه می بینید ایشانرا هرآئینه ماساختیم شیاطین را کار گذار کسانیکه ایمان ندارند (٢٧) .

وَإِذَا فَعَلُوا فَٰحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَآ ءَابَآءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

وچون بکنند کارزشت گویند یافتیم برین کارپدرانِ خودرا وخدافرموده است ماراآن بگوهرآئینه خدانمی فرماید بکارزشت آیامی گوئید برخدا آنچه نمی دانید (٢٨) .

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۖ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾

بگوهرآئینه فرموده است پروردگار من بانصاف وفرموده است که راست کنید رویهای خودرا[1] نزدیك هرنماز وپرستیداورابرای اوخالص کرده عبادت را چنانکه آفریدشمارانخست هم چنان دیگربار خواهید شد[2] (٢٩) .

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

گروهی راراه نمود و گروهی را ثابت شدبرایشان گمراهی هرآئینه شیاطین را دوست گرفتند بجزخدا ومی پنداشتند که ایشان راه یافتگانند (٣٠) .

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

ای فرزندان آدم بگیریدزینت خودرا[3] نزدیك هرنماز وبخورید وبیاشامیدوازحدمگذرید هرآئینه خدادوست نمیدارد ازحد گذرندگان را (٣١) .

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾

بگوکیستکه حرام کرد زینت خداراکه پیداکرده است برای بندگان خودوکیستکه حرام کرده است پاکیزه هاراازرزق بگوآن پاکیزه هاازملابس و مآکل برای مسلمانان ست درزندگانی دنیا[4] خالص شده برای ایشان روزقیامت همچنین بیان می کنیم نشانه هارا برای گروهی که می دانند[5] (٣٢) .

---

(١) یعنی بسوی کعبه .

(٢) یعنی سروپابرهنه ختنه ناکرده محشورشوید والله اعلم .

(٣) یعنی لباس خودرا .

(٤) یعنی لائق ایشانست ا گرچه دیگران نیزاستعمال کنند والله اعلم .

(٥) مترجم گوید درین آیت اشارت است برمذهب رهبان یهود و نصاری ومخنثین عرب که توسع رادرمآکل و ملابس مکروه میداشتند والله اعلم .

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ
وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا
وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

بگوجزاین نیست که حرام کرده است پروردگار من بی حیائی ها را آنچه علانیه باشدازآن وآنچه پوشیده وحرام کرده است گناه وتعدی ناحق وآنکه شریك خدا مقرركنید چیزی را که خدا هیچ دلیل برآن نازل نکرده است وآنکه بگوئید برخدا آنچه نمی دانید(٣٣) .

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً
وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٤﴾

وهرگروهی را میعادیست[١] پس چون بیاید[٢] میعادایشان تاخیر نکنند یك ساعت ونه سبقت کنند[٣] (٣٤) .

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ
اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾

ای فرزندانِ آدم ا گر بیایند به شماپیغامبران ازجنس شما می خوانند برشماآیاتِ مرا پس هرکه پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس نه باشد برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٣٥) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ
هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾

وکسانیکه بدروغ نسبت کردند آیاتِ ماراوسرکشی کردندازقبول آنهاایشان بندگان دوزخ اند ایشان آنجاجاویدان اند (٣٦) .

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ
أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ ۖ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ

پس کیست ستمگار تراز کسی که بربست برخدادروغ رایا بدروغ نسبت کردآیاتِ اورا آن جماعت برسد بایشان بهرهٔ ایشان ازآنچه نوشته شددرلوح محفوظ[٤] تاوقتیکه چون بیایند نزدیك ایشان

---

(١) یعنی وقتی معین است برای هلاك ایشان والله اعلم .

(٢) یعنی نزدیك شود .

(٣) یعنی برزبان حضرت آدم چنانکه درسورهٔ بقرة اشارت رفت والله اعلم .

(٤) یعنی نعمت و نعمت که مقدرشده دردنیا بایشان برسد والله اعلم .

كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

فرستادگان ما تا قبض ارواح ایشان کنند گویندکجاست آنچه شما می پرستیدید بجزخدا گویند گم شدندایشان ازماومعترف شدند برخویش باین که ایشان کافربودند (۳۷) .

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَٰكِن لَّا تَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

حکم کندخداکه داخل شوید همراه امتانی که گذشته اند پیش ازشما ازجن وانس درآتش هر گاه که درآید قومی لعنت کند قوم دیگرمانند خودرا تاوقتیکه چون به یکدیگربرسنددردوزخ بهمه یکجا گویدجماعت متاخر ازایشان درحق جماعت متقدم ازایشان ای پروردگارما ایشان گمراه کردند مارا پس بده ایشان را عذاب دوچند ازدوزخ فرماید خداهریکی را دوچند است ولیکن نمی دانید[1] (۳۸) .

وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾

و گویند جماعت متقدم ازایشان جماعت متاخررا ازایشان پس نیست شمارا هیچ بزرگی برما پس بچشید عذاب را بسبب آنچه می کردید (۳۹) .

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه کسانیکه بدروغ نسبت کردند آیات ماراوسرکشی کردنداز قبول آن هرگزکشاده نه شودبرای ایشان دروازه های آسمان ودرنیایند به بهشت تاوقتیکه داخل شود شتردرسوراخ سوزن[2] وهمچنین جزامیدهیم گناهگاران را (٤٠) .

---

(۱) یعنی تابعین را عذاب کفرتقلید ومتبوعین را عذاب ضلال واضلال والله اعلم .

(۲) یعنی محال است والله اعلم .

لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَّمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ ﴿٤١﴾

ایشان را ازدوزخ فرش بُوَد وازبالای ایشان ازدوزخ پوششهاباشد وهمچنین جزا می دهیم ستمگاران را (٤١) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿٤٢﴾

وکسانیکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند تکلیف نمی دهیم هیچکس را مگر به قدر طاقت او آنجماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجاجاویدان باشند (٤٢) .

وَنَزَعْنَا مَا فِيْ صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدٰىنَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَآ اَنْ هَدٰىنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُوْدُوْٓا اَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ اُوْرِثْتُمُوْهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٤٣﴾

وبیرون آریم آنچه درسینه های ایشان بُوَد از کینه[1] میرودزیرایشان نهرهَا و گویند سپاس آن خدا راست که دلالت کردمارابسوی این بهشت و هر گز نبودیم راه یابنده ا گر راه نه نمودی ماراخدا هرآئینه آمدندفرستاد گان پروردگار مابراستی ونداکرده شوندکه این بهشت داده شدید آن را بسبب آنچه می کردید (٤٣) .

وَنَادٰٓى اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ اَصْحٰبَ النَّارِ اَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُّمْ مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوْا نَعَمْ فَاَذَّنَ مُؤَذِّنٌۢ بَيْنَهُمْ اَنْ لَّعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ﴿٤٤﴾

ونداکنند اهلِ بهشت اهلِ دوزخ را که ماراست یافتیم آنچه وعده کرده بود به ماپروردگارما پس آیاشماهم راست یافتید آنچه به شماوعده کرده بودپروردگار شما گفتند آری پس آواز کند آوازکننده ای درمیان ایشان که لعنت خدا برآن ستمگاران است (٤٤) .

الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

که بازمی داشتند مردمان را ازراهِ خدا

---

(١) یعنی آن کینه هاکه در دل بهشتیان باشد دورکنیم مثل آنچه میان عثمان وعلی وطلحه وزبیر وعائشه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم .

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كٰفِرُونَ ﴿٤٥﴾

ومی خواستند برای آن راه کجی[1] وایشان بآخرت اعتقادنداشتند (٤٥) .

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمٰهُمْ وَنَادَوْا أَصْحٰبَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾

ودرمیان بهشت ودوزخ حجابیست[2] وبراعراف مردمانی باشند که می شناسند هریکی راازاهل موضعین بقیافۂ ایشان ونداکنند اهل اعراف اهل بهشت را که سلام علیکم هنوزبه بهشت درنیامده اند وایشان طمع آن دارند (٤٦) .

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصٰرُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحٰبِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِينَ ﴿٤٧﴾

وچون گردانیده شود چشمهای اهل اعراف به طرف اهل دوزخ گویند ای پروردگارما مکن ماراهمراه گروه ستمگاران (٤٧) .

وَنَادَىٰ أَصْحٰبُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمٰهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾

ونداکردند اهل اعراف مردانی راکه می شناسند ایشان را به قیافۂ ایشان گویند کفایت نه کرد ازشماجمعیت شما وآنکه سرکشی می کردید (٤٨) .

أَهٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾

آیااین جماعت اند آنانکه شماقسم میخوردید که هرگزخدا نه رساند بایشان هیچ رحمت[3] گفته شدایشان را که درآئید به بهشت هیچ ترس نیست برشماونه شما اندوهگین شوید (٤٩) .

وَنَادَىٰ أَصْحٰبُ النَّارِ أَصْحٰبَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالُوا إِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾

ونداکنند اهل دوزخ اهل بهشت را که بریزیدبرما چیزی ازآب یاازسائرآنچه روزی داده است شمارا خدا گویند هرآئینه خداحرام ساخته است این

(١) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند .

(٢) وآن مسمی باعراف است والله اعلم .

(٣) یعنی فقرای مسلمین که کافران ازایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم .

هردورابركافران (٥٠) .

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ نَنْسٰهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا ۙ وَمَا كَانُوا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾

آنانكه گرفته اند دين خودرا بازى ولهوو فريب دادايشان را زندگانى دنيا پس امروز فراموش كنيم ايشان راچنانكه ايشان فراموش كردند ملاقات اين روزخويش را وچنانكه انكار ميكردند بآياتِ ما[١] (٥١) .

وَلَقَدْ جِئْنٰهُمْ بِكِتٰبٍ فَصَّلْنٰهُ عَلٰى عِلْمٍ هُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٥٢﴾

وهرآئينه آورديم براى ايشان كتابى كه مفصّل كرده ايم آنرابدانش براى رهنمائى وبخشائش مومنان را (٥٢) .

هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا تَاْوِيْلَهٗ ۭ يَوْمَ يَاْتِيْ تَاْوِيْلُهٗ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ نَسُوْهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاۗءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ۚ فَهَلْ لَّنَا مِنْ شُفَعَاۗءَ فَيَشْفَعُوْا لَنَآ اَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِيْ كُنَّا نَعْمَلُ ۭ قَدْ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٥٣﴾

انتظارنمى كنندكفار مگرمصداق اين وعده را روزيكه بيايد مصداق آن گويند كسانيكه فراموش كرده بودند آنراپيش ازين هر آئينه آمده بودند پيغامبران پروردگار مابراستى پس آيا هستند براى ما شفيعان تاشفاعت كنند براى ما يا بازگردانيده شويم بسوى دنيا پس عمل كنيم غير آنچه مى كرديم[٢] هرآئينه زيان كردند درحق خويشتن و گم شده ازايشان آنچه افترامى كردند (٥٣) .

اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۣ يُغْشِي الَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهٗ حَثِيْثًا ۙ وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُوْمَ مُسَخَّرٰتٍۢ بِاَمْرِهٖ ۭ اَلَا

هرآئينه پروردگار شماآن خدااست كه آفريدآسمان هاوزمين را درشش روز باز مستقرشد برعرش مى پوشاند شب رابه روز[٣] مى طلبد شب روزرابه شتاب[٤]

(١) وفراموش كردن خدا ترك ايشان است دردوزخ والله اعلم .
(٢) يعنى مسلمان شويم و بت را نه پرستيم .
(٣) يعنى گاهى اجزاى شب را بلباس نهار پوشانيده درحساب نهارمى گرداند والله اعلم.
(٤) يعنى ازپى درآمدن شب بعد روز مشابه آنست كه گويا كسى كسى رادوان وشتابان مى طلبد .

لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾

وآفريد خورشيد وماه وستارگان را رام شده بفرمان خدا آگاه شو اوراست آفريدن وفرمانروائى بغايت بزرگ است خدا پروردگار عالمها (٥٤) .

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾

به پرستيد پروردگار خودرا زارى كنان و پوشيده ازمردمان هرآئينه اودوست ندارد ازحدگذرندگان را (٥٥) .

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا
وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

وفسادمكنيد درزمين بعداصلاح آن(١) وبه پرستيد اورابه ترس واميد هرآئينه بخشائش خدا نزديك است ازنيكوكاران (٥٦) .

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ
حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ
فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

واوست آنكه مى فرستد بادها را مژده دهنده پيش از رحمت خود(٢) تاوقتيكه بردارد ابرگران را روان كنيم آن رابسوى شهرى مرده پس فرودآريم بواسطه آن ابرآب راپس بيرون آريم بآن آب ازجنس هر ميوه همچنين بيرون آريم مردگان را(٣) تاپند پذير شويد (٥٧) .

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ
لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾

وشهر پاكيزه برمى آيدگياه او بفرمان پروردگار او وزمين ناپاكيزه برنمى آيد رستنى اومگرناهموار بديررونده همچنين گوناگون بيان مى كنيم نشانه هابراى قومى كه شكرگذارى مى كنند(٤) (٥٨) .

---

(١) يعنى بسبب بعثت رسول الله صلى الله عليه وسلم .

(٢) يعنى پيش ازباران .

(٣) يعنى ازقبور بيرون كنيم .

(٤) مترجم گويد اين مثل است براى پنددرقلب سليم وعدم تاثير آن درغير سليم والله اعلم .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا
لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾

هر آئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبودبرحق بجزوی هرآئینه من می ترسم برشما ازعقوبتِ روزبزرگ[1] (٥٩) .

قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾

گفتند اشراف ازقوم او هرآئینه ما می بینیم ترادرگمراهی ظاهر (٦٠) .

قَالَ يَٰقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَٰلَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ
الْعَٰلَمِينَ ﴿٦١﴾

گفت ای قوم من نیست بامن هیچ گمراهی ولیکن من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (٦١) .

أُبَلِّغُكُمْ رِسَٰلَٰتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ
اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

میرسانم به شماپیغام های پروردگار خودونیك خواهی می کنم برای شماو میدانم ازحکم خدا آنچه نمی دانید (٦٢) .

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ
لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٦٣﴾

آیاتعجب کردید ازآنکه آمد به شما پندی ازجانب پروردگار شما (فرودآمده) برزبان مردی ازشماتابیم کند شمارا وتاپرهیزگاری کنید وتامهربانی کرده شودبرشما (٦٣) .

فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَٰهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِـَٔايَٰتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾

پس دروغگوپنداشتند آن را پس نجات دادیم اوراوکسانی را که باوی بودند درکشتی و غرق ساختیم کسانی را که دروغ پنداشتند آیاتِ ماراهرآئینه ایشان بودندگروهی نابینا (٦٤) .

وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم
مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾

وفرستادیم بسوی قوم عاد برادرایشان هود را گفت ای قوم من عبادت کنیدخدا را نیست شمارا هیچ معبودبرحق غیراو

---

(١) یعنی روزقیامت .

آیا پرهیزگاری نمی کنید (٦٥) .

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾

گفتند اشراف کفار ازقوم او هرآئینه مامی بینیم ترا در بی خِرَدی وهرآئینه ما می پنداریم ترا ازدروغگویان (٦٦) .

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾

گفت ای قوم من نیست بامن هیچ بی خِرَدی ولیکن من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (٦٧) .

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾

میرسانم بشما پیغام های پروردگار خودمن برای شما نیك خواه باامانتم (٦٨) .

أَوَعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ ۚ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۖ فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾

ایا تعجب کردیدازآنکه بشماپندی آمد ازجانب پروردگار شما برمردی ازشما تابیم کندشمارا ویادکنیدآن وقت که گردانید شمارا جانشین بعدازقوم نوح وافزود برای شما درخلقت قوت را پس یادکنید نعمت های خدارا تاشمارستگار شوید (٦٩) .

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا ۖ فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾

گفتند آیاآمده ای پیش ماتاعبادت کنیم خدارا تنهاوبگذاریم آنچه می پرستیدند پدرانِ ماپس بیارپیش ما آنچه وعید می کنی[1] مارا اگرهستی ازراستگویان (٧٠) .

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُم مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ ۚ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿٧١﴾

گفت ثابت شدبرشما ازجانب پروردگار شما عقوبت وخشم آیامکابره می کنید بامن درباره نامهائ چند که شما مقررکرده اید آن را و پدران شما مقرر کرده اند[2] فرونیاورده است خدابرآن

---

(١) یعنی بیارعقوبت را .

(٢) یعنی بی اصل است .

هیچ دلیل پس انتظار کنیدهرآئینه من نیز همراه شما ازمنتظرانم (٧١) .

فَأَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٧٢﴾

پس نجات دادیم اوراوکسانی را که بااوبودندبمهربانی ازجانب خویش وبریدیم بیخ آنانکه دروغ می پنداشتند آیاتِ ماراونه بودند ازمومنان (٧٢) .

وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۘ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ قَدْ جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ ؕ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٧٣﴾

وفرستادیم بسوی قوم ثمود برادرایشان صالح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شماراهیچ معبودبرحق غیراو هرآئینه آمدبه شما دلیلی ازجانب پروردگار شما این ماده شتریست پیداکردۀ خدا نشانه ای برای شماپس بگذاریدش که چرد درزمین خداومرسانید اورا هیچ بدی که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتِ درد دهنده (٧٣) .

وَاذْكُرُوْٓا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ عَادٍ وَّبَوَّاَكُمْ فِى الْاَرْضِ تَتَّخِذُوْنَ مِنْ سُهُوْلِهَا قُصُوْرًا وَّتَنْحِتُوْنَ الْجِبَالَ بُيُوْتًا ۚ فَاذْكُرُوْٓا اٰلَآءَ اللّٰهِ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿٧٤﴾

ویادکنید (نعمت الهی) آن وقت که گردانید شمارا جانشین بعدازقوم عاد واستقرار داد شمارا درزمین می سازید ازنرم آن کوشکها وتراشیده خانه ها می سازید کوه هارا پس یادکنید نعمت های خدارا وتباهی مکنید درزمین فسادافگنان (٧٤) .

قَالَ الْمَلَاُ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖ لِلَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا لِمَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ اَتَعْلَمُوْنَ اَنَّ صٰلِحًا مُّرْسَلٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ؕ قَالُوْٓا اِنَّا بِمَآ اُرْسِلَ بِهٖ مُؤْمِنُوْنَ ﴿٧٥﴾

گفتندآن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او آنانرا که هرکسی ضعیف دانست ایشان را مرکسانی را که ایمان آورده بودنداز ایشان آیامیدانید که صالح فرستاده شده است ازجانب پروردگار خودگفتند اهل ایمان هر آئینه مابشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت

معتقدانیم (۷۵) .

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوٓا إِنَّا بِالَّذِىٓ ءَامَنتُم بِهِۦ
كَٰفِرُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند سرکشان هرآئینه مابآنچه معتقد آن شدید کافرانیم (۷٦) .

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا
يَٰصَٰلِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ
الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾

پس کشتندآن ماده شتررا وتجاوز کردند ازفرمان پروردگار خویش و گفتند ای صالح بیاربما آنچه وعیدمی کنی مارا اگر هستی ازپیغامبران (۷۷) .

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِى دَارِهِمْ جَٰثِمِينَ ﴿٧٨﴾

پس درگرفت ایشان رازلزله پس گشتند مرده بزانو افتاده درسرای خویش (۷۸) .

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّى
وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّٰصِحِينَ ﴿٧٩﴾

پس صالح اعراض کردازایشان وگفت ای قوم من رسانیدم به شماپیغام پروردگار خود ونیك خواهی کردم برای شماولیکن دوست نمی داریدنیك خواهی کنندگان را (۷۹) .

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ أَتَأْتُونَ الْفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم
بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَٰلَمِينَ ﴿٨٠﴾

فرستادیم لوط راآن وقت که گفت بقوم خود آیا می کنید آن بی حیائی که پیش ازشما نکرده است آنرا هیچ کس ازعالمها (۸۰) .

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَآءِ ۚ
بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

هرآئینه شمامیروید بشهوت بسوی مردان بجز زنان بلکه شماگروه مُسرفانید (۸۱) .

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓا أَخْرِجُوهُم
مِّن قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾

ونه بود جواب قوم او الّا آنکه گفتند بیرون کنید ایشان راازده خود هرآئینه ایشان مردم پاکیگی طلب کننده اند (۸۲) .

فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا امْرَأَتَهُۥ كَانَتْ
مِنَ الْغَٰبِرِينَ ﴿٨٣﴾

پس نجات دادیم او را واهل خانه اورامگر زنش را که بودازباقی ماندگان درآنجا (۸۳) .

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ
الْمُجْرِمِينَ ﴿٨٤﴾

وبارانیدم برایشان بارانی (یعنی از سنگ) پس بنگر چگونه بود آخر کارگناهگاران (۸٤) .

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۗ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن
رَّبِّكُمْ ۖ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ۚ
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾

وفرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من به پرستیدخدارا نیست شمارا هیچ معبودبرحق بجزاو هرآئینه آمده است بشما دلیلی ازپروردگار شما پس تمام کنید پیمانه وترازو را وناقص مدهید بمردمان اشیای ایشان را وفسادمکنید درزمین بعد اصلاح آن این کارکه‌گفتیم بهترست شمارا اگر باوردارندگانید (٨٥) .

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ وَاذْكُرُوا
إِذْ كُنتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ ۖ وَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾

ومنشینید بهرراه که بترسانید وبازدارید ازراهِ خدا کسی را که ایمان آورده است باو و مجوئید برای آن راه کجی ویادکنید آن وقت که شما اندك بودید پس بسیار گردانید شمارا وبنگرید چگونه شد آخرکار مفسدان (٨٦) .

وَإِن كَانَ طَائِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي
أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ
يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾

واگر هست گروهی ازشما مومن بآنچه فرستاده شدم بآن وگروهی نا مومن پس صبر کنید تاآنکه فیصله کند خدا درمیانِ ما واوبهترین حکم کنندگان است[١] (٨٧) .

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ
يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا ۚ
قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴿٨٨﴾

گفتند آن اشراف که سرکشی کرده بودند ازقوم او البته بیرون کنیم ترا ای شعیب وکسانی راکه همراه توایمان آوردند ازدِه خود یااین که بازگردید دردین ما گفت آیا عودکنیم اگر چه

---

(١) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند برایمان وچون متفق نه شدندمنتظر فیصله کردن باشند والله اعلم .

ماناخواهان باشیم (۸۸) .

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجّٰنَا
اللّٰهُ مِنْهَا ۚ وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ رَبُّنَا ۚ
وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۚ عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا ۚ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفٰتِحِينَ ﴿٨٩﴾

هرآئینه بربسته باشیم برخدا دروغی اگر بازگردیم در دین شما بعد ازآنکه بَرهانید خدا ماراازوی وهرگزلائق نیست ماراکه عودکنیم درآن مگرآنکه خواهد خدا پروردگارما احاطه کرده است پروردگارما بهمه چیزازروی دانش برخدا توکل کردیم ای پروردگارما فیصله کن درمیانِ ماودرمیان قوم مابراستی و توبهترین فیصله کنندگانی (۸۹) .

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا
إِنَّكُمْ إِذًا لَّخٰسِرُونَ ﴿٩٠﴾

وگفتند آن اشراف که کافربودند ازقوم او بیارانِ خود اگر متابعت کنید شعیب را هرآئینه شماآنهنگام زیان کارباشید (۹۰) .

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جٰثِمِينَ ﴿٩١﴾

پس درگرفت ایشان رازلزله پس صبح کردند درسرای خویش مرده برزانوافتاده (۹۱) .

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ الَّذِينَ كَذَّبُوا
شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخٰسِرِينَ ﴿٩٢﴾

آنانکه دروغگوپنداشتند شعیب را گویا نبودند آنجا، آنانکه دروغگوپنداشتند شعیب را ایشان بودند زیان کار (۹۲) .

فَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسٰلٰتِ رَبِّي
وَنَصَحْتُ لَكُمْ ۚ فَكَيْفَ آسٰى عَلٰى قَوْمٍ كٰفِرِينَ ﴿٩٣﴾

پس روگردانید ازایشان وگفت ای قوم من رسانیدم به شما پیغام های پروردگار خود و نیك خواهی کردم برای شما پس چگونه اندوه خورم برقوم کافران (۹۳) .

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ
وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿٩٤﴾

ونه فرستادیم درهیچ دیهی پیغامبری را مگرگرفتارکردیم اهل آنرا به سختی ورنج تا(بُوَد) که ایشان زاری کنند(۹٤) .

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتّٰى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ
آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

بازدادیم بایشان بجای محنت راحت را تاآنکه بسیارشدندوگفتند هرآئینه رسیده بودپدران مارا سختی

وراحت[۱] پس گرفتیم ایشان را ناگهان وایشان خبر نه داشتند (٩٥) .

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم
بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾

وا گراهلِ ده ها ایمان آوردندی وپرهیز گاری کردندی هرآئینه می کشادیم برایشان برکت هااز آسمان و زمین ولیکن به دروغ نسبت کردند پس گرفتیم ایشان را به وبال آنچه میکردند (٩٦) .

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ
نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید عذاب مابایشان شبانگاه و ایشان خفته باشند (٩٧) .

أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى
وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾

آیاایمن شدند اهلِ ده ها ازآنکه بیاید بایشان عذاب ماوقت چاشت وایشان بازی میکنند(٩٨) .

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ ۚ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾

آیاایمن شدندازمکرخدا[۲] پس ایمن نمی شوندازمکر خدا مگر گروه زیان کاران (٩٩) .

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا
أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ ۚ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ
فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾

آیا واضح نه شد برآنانکه وارث زمین می شوند بعد از هلاك ساکنان آن زمین که ا گر خواستمی عقوبت رسانیدمی ایشان را بسبب گناهان ایشان ومُهرمی نهیم بردل های ایشان پس ایشان نمی شنوند (١٠٠) .

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا ۚ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ

این دِه هارااذکر می کنیم پیش تو بعض ازخبرهایشان وهرآئینه آمده بودند باهل

(١) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشداز باب مؤاخذه براعمال نه بُوَد والله اعلم .

(٢) یعنی ازتدبیراهلاك والله اعلم .

كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿١٠١﴾

آنها پیغمبران ایشان بامعجزه ها پس هرگز ایمان نیاوردند بآنچه تکذیب کرده بودند پیش ازآن همچنین مُهرمی نهد خدا بردل های کافران (۱۰۱) .

وَمَا وَجَدْنَا لِاَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ ۚ وَاِنْ وَّجَدْنَآ اَكْثَرَهُمْ لَفٰسِقِيْنَ ﴿١٠٢﴾

ونه یافتیم دراکثرایشان وفابعهد وهرآئینه یافتیم اکثرایشان رابدکار (۱۰۲) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُّوْسٰى بِاٰيٰتِنَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ فَظَلَمُوْا بِهَا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٠٣﴾

باز فرستادیم بعد ایشان موسیٰ را به نشانه های خویش بسوی فرعون وقوم او پس کافر شدند بآن نشانه ها پس بنگرچگونه بود آخرکار مفسدان (۱۰۳) .

وَقَالَ مُوْسٰى يٰفِرْعَوْنُ اِنِّيْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠٤﴾

و گفت موسیٰ ای فرعون هرآئینه من پیغامبرم ازجانب پروردگار عالمها (۱۰٤) .

حَقِيْقٌ عَلٰٓى اَنْ لَّآ اَقُوْلَ عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ ۗ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاَرْسِلْ مَعِيَ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ﴿١٠٥﴾

سزاوارم بآنکه نه گویم بر خدامگر سخن راست ، آورده ام به شما نشانه ازجانب پروردگار شما پس بفرست بامن بنی اسرائیل را (۱۰۵) .

قَالَ اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِاٰيَةٍ فَاْتِ بِهَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١٠٦﴾

گفت ا گرآورده ای معجزه پس حاضرکن آن را ا گرهستی ازراست گویان (۱۰٦) .

فَاَلْقٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٠٧﴾

پس انداخت عصای خودرا پس ناگهان آن عصا اژدهائ ظاهر شد (۱۰۷) .

وَّنَزَعَ يَدَهٗ فَاِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِيْنَ ﴿١٠٨﴾

وبیرون آورددست خودراپس ناگهان آن دست نورانی شد برای بینندگان (۱۰۸) .

قَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيْمٌ ﴿١٠٩﴾

گفتند اشراف ازقوم فرعون بایکدیگر هرآئینه این شخص ساحرداناست (۱۰۹) .

يُّرِيْدُ اَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ ۚ فَمَاذَا تَاْمُرُوْنَ ﴿١١٠﴾

می خواهد که بیرون کند شمارا اززمین شما پس چه می فرمائید (۱۱۰) .

قَالُوْٓا اَرْجِهْ وَاَخَاهُ وَاَرْسِلْ فِي الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ﴿١١١﴾

گفتند ای فرعون موقوف داراورا وبرادر اورا و بفرست در شهرها نقیبان را (۱۱۱) .

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾

تابیارندپیش توهرساحر دانارا (١١٢) .

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾

وآمدند ساحران پیش فرعون‌گفتند هرآئینه مارا مزدی می باید اگر غالب شویم (١١٣) .

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾

گفت آری وهرآئینه شما ازمقربان باشید (١١٤) .

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾

گفتند ای موسیٰ یااین است که نخست توافگنی یاماباشیم اندازنده (١١٥) .

قَالَ أَلْقُوا ۖ فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾

گفت موسیٰ شما افگنید پس آن هنگام که افگندند بجادو بستند چشم های مردمان را و بترسانیدند ایشان را وآوردند جادوئ بزرگ را(١١٦) .

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ ۖ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾

ووحی فرستادیم بسوی موسیٰ که بیفگن عصای خودرا پس ناگهان آن عصافرومی بردآنچه بدروغ اظهار میکردند (١١٧) .

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾

پس ثابت شد حق وباطل شدآنچه می کردند (١١٨) .

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانقَلَبُوا صَاغِرِينَ ﴿١١٩﴾

پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجاوخوار گشتند (١١٩) .

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

وانداخته شدند ساحران سجده کنان (١٢٠) .

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها (١٢١) .

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾

پروردگار موسیٰ وهارون (١٢٢) .

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنتُم بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾

گفت فرعون آیاایمان آوردید بموسی پیش ازآنکه إجازت دهم شمارا هرآئینه این تدبیریست که اندیشیده ایدآنرا درشهرتابیرون کنید ازین شهر ساکنان آنرا پس خواهید دانست (١٢٣) .

لَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَاُصَلِّبَنَّكُمْ
اَجْمَعِيْنَ ﴿١٢٤﴾

البته بِبُرَم دست های شمارا وپاهای شمارا بخلاف یکدیگر[1] بازبردارکشم شمارا همه یك جا (١٢٤) .

قَالُوْٓا اِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ﴿١٢٥﴾

گفتند هرآئینه مابسوی پروردگار خودرجوع کنندگانیم (١٢٥) .

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّآ اِلَّآ اَنْ اٰمَنَّا بِاٰيٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتْنَا ؕ رَبَّنَآ
اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَّتَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ ﴿١٢٦﴾

وانکارنمی کنی برما مگرآنکه ایمان آوردیم به نشانه های پروردگار خویش چون بیامدبما ای پروردگارمابریزبرما شکیبائی و قبض ارواح ماکن درحالیکه مسلمان باشیم (١٢٦) .

وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اَتَذَرُ مُوْسٰى وَقَوْمَهٗ
لِيُفْسِدُوْا فِي الْاَرْضِ وَيَذَرَكَ وَاٰلِهَتَكَ ؕ قَالَ سَنُقَتِّلُ
اَبْنَآءَهُمْ وَنَسْتَحْيٖ نِسَآءَهُمْ ۚ وَاِنَّا فَوْقَهُمْ قٰهِرُوْنَ ﴿١٢٧﴾

وگفتند اشراف از قوم فرعون آیامی‌گذاری موسیٰ وقوم اورا تافسادکنند درزمین و تابگذاردعبادت ترا ومعبودان ترا گفت خواهیم کشت پسران بنی اسرائیل را و زنده خواهیم‌گذاشت دختران ایشانرا ومابرایشان غالبانیم (١٢٧) .

قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهِ اسْتَعِيْنُوْا بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوْا ۚ اِنَّ
الْاَرْضَ لِلّٰهِ ۙ يُوْرِثُهَا مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ؕ
وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿١٢٨﴾

گفت موسیٰ بقوم خود مددطلبید ازخدا وصبرکنید هرآئینه زمین خداراست اووارث می کند هرکراخواهد ازبندگان خویش وسرانجام خوب برای پرهیزگاران است (١٢٨) .

قَالُوْٓا اُوْذِيْنَا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَاْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ؕ
قَالَ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي
الْاَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُوْنَ ﴿١٢٩﴾

گفتند ایذا داده شدیم پیش ازآنکه بیائی نزدیك ماو بعدازآنکه آمدی نزدیك ما گفت امید است که پروردگار شما هلاك کنددشمن شمارا وخلیفه گرداند شمارا درزمین پس بنگرد چگونه عمل می

(١) یعنی دست راست وپای چپ والله اعلم .

كنید (١٢٩) .

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

وهرآئینه گرفتارکردیم کسان فرعون را بقحط ها وبه نقصان میوه ها تاشود که ایشان پندپذیرند (١٣٠) .

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾

پس چون آمدی بایشان فراخی گفتندی این لائق ماست وا گربرسیدی بایشان سختی شگون بدگرفتندی موسیٰ وکسانیکه باوی بودند آ گاه باش جزاین نیست که شگون بدایشان نزدیك خداست ولیکن بیشتر ازایشان نمی دانند[1] (١٣١) .

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾

و گفتند کسان فرعون ای موسیٰ هرچه بیاری آن رااازنشانه ها تاسحرکنی مارابدان پس مانیستیم ترا باوردارنده (١٣٢) .

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾

پس فرستادیم برایشان طوفان وملخ و کنه (شپش) وغوکها (قورباغها) وخون نشانه های واضح کرده شده پس سرکشی کردند وبودندقوم گناهگاران (١٣٣) .

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ ۖ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٤﴾

ووقتیکه فرودآمد برایشان عقوبت گفتند ای موسیٰ دعاکن بجناب پروردگار خودبآن اسماء وادعیه که وحی کرده است نزدیك توا گرزائل کنی ازما عقوبت رااالبته معتقد شویم تراو به فرستیم باتو بنی اسرائیل را (١٣٤) .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿١٣٥﴾

پس چون زائل کردیم ازایشان عقوبت راتامدتی که ایشان رسندگانند بآن نا گهان عهدمی شکستند (١٣٥) .

---

(١) یعنی مؤاخذه اعمال برایشان است والله اعلم .

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنٰهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ ﴿١٣٦﴾

پس انتقام‌گرفتیم ازایشان پس غرق کردیم ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان دروغ می‌پنداشتند آیاتِ ماراوبودند ازآن بی خبر (١٣٦) .

وَاَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِيْنَ كَانُوْا يُسْتَضْعَفُوْنَ مَشَارِقَ الْاَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنٰى عَلٰى بَنِيْۤ اِسْرَآءِيْلَ ۙ بِمَا صَبَرُوْا ۗ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهٗ وَمَا كَانُوْا يَعْرِشُوْنَ ﴿١٣٧﴾

ومیراث دادیم گروهی را که ضعیف شمرده می شدند مشارق ومغارب زمینی که برکت نهادیم درآن[1] راست شدوعدهٔ نیك پروردگارتو بربنی اسرائیل بسبب آنکه صبرکردند وخراب کردیم آنچه ساخته بود فرعون وکسان او وآنچه برمی افراشتند (١٣٧) .

وَجٰوَزْنَا بِبَنِيْۤ اِسْرَآءِيْلَ الْبَحْرَ فَاَتَوْا عَلٰى قَوْمٍ يَّعْكُفُوْنَ عَلٰۤى اَصْنَامٍ لَّهُمْ ۚ قَالُوْا يٰمُوْسَى اجْعَلْ لَّنَاۤ اِلٰهًا كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ ۗ قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُوْنَ ﴿١٣٨﴾

وگذرانیدیم بنی اسرائیل را ازدریا پس آمدند برگروهی که مجاورت می کردند بربتان خویش گفتند (بنی اسرائیل) ای موسیٰ بسازبرای مامعبودی چنانکه ایشان را هستند معبودان‌گفت هرآئینه شما گروهی هستید که نادانی می کنید (١٣٨) .

اِنَّ هٰۤؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيْهِ وَبٰطِلٌ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٣٩﴾

هرآئینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآنند وباطل است آنچه میکردند (١٣٩) .

قَالَ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْغِيْكُمْ اِلٰهًا وَّهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٤٠﴾

گفت موسیٰ آیاغیرخدا طلب کنم برای شما معبودی واوفضل داده است شمارا بر عالمها (١٤٠) .

وَاِذْ اَنْجَيْنٰكُمْ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ ۚ يُقَتِّلُوْنَ اَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ ۗ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ﴿١٤١﴾

ویادکنید نعمتِ ما چون نجات دادیم شمارا ازکسان فرعون می رسانیدند به شما عقوبتِ سخت می کشتند پسران شمارا وزنده می‌گذاشتند دختران شمارا

(١) یعنی زمین شام بایشان دادیم چه بقعه های شرقیه وچه بقعه های غربیه والله اعلم.

ودرين مقدمه آزمایش بزرگ بود ازجانب پروردگارشما (١٤١) .

وَوٰعَدْنَا مُوْسٰى ثَلٰثِيْنَ لَيْلَةً وَّاَتْمَمْنٰهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيْقَاتُ رَبِّهٖٓ اَرْبَعِيْنَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوْسٰى لِاَخِيْهِ هٰرُوْنَ اخْلُفْنِيْ فِيْ قَوْمِيْ وَاَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٤٢﴾

ووعده کردیم باموسیٰ سی (٣٠) شب وتمام کردیم آن میعاد را بده شب پس کامل شدمیعاد پروردگار اوچهل شب و گفت موسیٰ به برادرخود هارون جانشین من باش درقوم من وصلاح کاری کن وپیروی منما راه تباه کاران را (١٤٢) .

وَلَمَّا جَآءَ مُوْسٰى لِمِيْقَاتِنَا وَكَلَّمَهٗ رَبُّهٗ ۙ قَالَ رَبِّ اَرِنِيْٓ اَنْظُرْ اِلَيْكَ ۚ قَالَ لَنْ تَرٰىنِيْ وَلٰكِنِ انْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهٗ فَسَوْفَ تَرٰىنِيْ ۚ فَلَمَّا تَجَلّٰى رَبُّهٗ لِلْجَبَلِ جَعَلَهٗ دَكًّا وَّخَرَّ مُوْسٰى صَعِقًا ۚ فَلَمَّآ اَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ تُبْتُ اِلَيْكَ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٤٣﴾

وچون آمدموسیٰ بوعده‌گاه ما وسخن‌گفت بااوپروردگار او گفت ای پروردگار من بنمابمن خویشتن را تانظرکنم بسوی تو گفت خدا نخواهی دیدمراولیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر قرارگیرد بجای خودخواهی دیدمراپس وقتیکه ظهور کرد پروردگار او برآن کوه‌گردانید آن کوه را زمین هموار ساخته وافتاد موسیٰ بی هوش شده پس چون به هوش آمدگفت به پاکی یادمی کنم ترابازگشتم بسوی تو ومن اول مسلمانانم (١٤٣) .

قَالَ يٰمُوْسٰٓى اِنِّى اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسٰلٰتِيْ وَبِكَلَامِيْ ۖ فَخُذْ مَآ اٰتَيْتُكَ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿١٤٤﴾

گفت ای موسیٰ هرآئینه من برگزیدم ترا بر مردمان به پیغام های خودوبه شنوانیدن سخن خودپس بگیرآنچه عطا کردم تراوباش ازشکر کنندگان (١٤٤) .

وَكَتَبْنَا لَهٗ فِى الْاَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَّتَفْصِيْلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ ۚ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَّاْمُرْ قَوْمَكَ يَاْخُذُوْا بِاَحْسَنِهَا ۗ سَاُورِيْكُمْ دَارَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿١٤٥﴾

ونوشتیم برای موسیٰ درلوح ها ازهرجنس برای پند وبرای بیان هرچیز پس گفتیم بگیرآنرابه قوت وبفرماقوم خودرا تاعمل کنند به بهترین آنچه دروست[1] خواهم

(١) یعنی بعزیمت دادن رخصت والله اعلم .

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾

وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ ۚ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ۘ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾

وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي ۖ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ

نمودشمارا سرای گناه گاران[١] (١٤٥).

بازخواهم داشت ازتأمل در آیاتِ خودکسانی را که تکبر می کنند درزمین ناحق وا گربه ببینند هرنشانه که هست ایمان نیارند وا گر ببینند راه راستی راه نگیرند آن را وا گر ببینند راه گمراهی را راه گیرند آن را این به سبب آن است که ایشان دروغ پنداشتند آیاتِ مارا وازآن غافل ماندند (١٤٦).

وکسانی که دروغ پنداشتند آیاتِ مارا ودروغ پنداشتند ملاقات آخرت را نابود شدعمل های ایشان جزاداده نه شوند الّا بآنچه می کردند (١٤٧).

وساختند قوم موسیٰ بعد رفتنش اززیور قبطیان گوساله بدنی که اورا آواز گاو بود آیاندیدندکه آن گوساله بایشان هیچ سخن نمی گفت ودلالت نمی کرد ایشان را به هیچ راه معبود گرفتند آن را وایشان ستمگاربودند (١٤٨).

وچون نادم شدند ودیدند که ایشان گمراه شدند گفتند ا گر مهربانی نکند برما پروردگارما ونیامرزد مارا البته باشیم اززیان کاران (١٤٩).

وچون بازآمد موسیٰ بسوی قوم خود خشمناك شده اندوهگین گشته گفت بد جانشینی است جانشینی که کردید پس

(١) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید .

وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ
اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ
وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾

ازمن آیاشتاب کردیدازحکم پروردگار خویش وانداخت الواح را وگرفت موسیٰ سربرادر خودرا می کشیدش بسوی خود گفت هارون ای پسرمادر من هرآئینه این قوم ضعیف شمردند مرا ونزدیك بودند که بکشند مرا پس شادمکن بسبب اهانت من دشمنان را وشمارمکن مرا با گروه ستمگاران (١٥٠) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾

گفت موسیٰ ای پروردگار من بیامرزمرا وبرادر مرا وداخل کن مارا دربخشایش خود وتوبخشاینده ترین بخشایندگانی (١٥١) .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾

هرآئینه کسانی که معبودگرفتند گوساله را خواهد رسید باین جماعت خشمی از پروردگار ایشان ورسوائی درحیات دنیا وهم چنین جزامی دهیم افترا کنندگان را (١٥٢) .

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا
إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥٣﴾

وهرآئینه کسانی که گناه هاکردند بازتوبه نمودند بعد ازآن گناهان وایمان آوردند البته پروردگار توبعدازتوبه آمرزنده مهربان ست (١٥٣) .

وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۖ وَفِي نُسْخَتِهَا
هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾

وچون ساکن شد خشم ازخاطر موسیٰ گرفت الواح را ودرمکتوب وی هدایت بود و بخشائش آنان را که ایشان از پروردگار خودمی ترسند (١٥٤) .

وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ
الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ ۖ أَتُهْلِكُنَا

واختیار کرد موسیٰ ازقوم خود هفتادکس برای میعادما[1] پس وقتیکه گرفت ایشان

(١) یعنی تاعذرگویندازعبادت گوساله واین جماعت اگرچه عبادت نکرده بودند =

بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۖ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

رازلزله گفت موسیٰ ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را ومرا هلاك می کردی(١) آیاهلاك می کنی مارا بجزای آنچه کردند بی خردان ازقوم مانیست این حادثه مگرامتحان تو گمراه می کنی بآن هرکراخواهی و راه می نمائی بآن هرکراخواهی توکارساز مائی پس بیامرز مارا ومهربانی کن برما وتوبهترین آمرزندگانی (١٥٥) .

وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ ۚ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ ۖ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۚ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾

وبنویس (یعنی مقدرکن) برای ما درین دنیا نیکی ودرآخرت نیزنیکی هرآئینه ما رجوع کردیم بسوی تو گفت خداعذاب من می رسانمش بهرکه خواهم ومهربانی من احاطه کرده است هرچیزرا پس خواهم نوشت (رحمت کامله خودرا)(٢) برای کسانیکه پرهیزگاری میکنند وزکوٰة میدهند و کسانیکه ایشان بآیاتِ مامعتقد می شوند(٣) (١٥٦) .

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ

(خواهم نوشت رحمت اخرویه) برای آنانکه پیروی می کنند آن پیغامبررا که نبی امی است آنکه می یابند نعت اونوشته نزدیك خویش درتورات وانجیل می

= برعبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاك ساخت والله اعلم.

(١) یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاك می شدند تهمت قتل برموسیٰ نه نهادندی والله اعلم .

(٢) یعنی درآخرت .

(٣) یعنی فساکتبهاآنست که درآخرزمان رحمت خاص باشد بمتابعان نبی امی والله اعلم .

لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ
اِصْرَهُمْ وَالْاَغْلٰلَ الَّتِىْ كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا بِهٖ وَعَزَّرُوْهُ وَنَصَرُوْهُ وَاتَّبَعُوا النُّوْرَ
الَّذِىْٓ اُنْزِلَ مَعَهٗٓ ۙ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٥٧﴾

فرماید ایشان را بکارپسندیده ومنع می کند ایشان راازناپسندیده و حلال می سازدبرای ایشان پاکیزه هارا وحرام می کند برایشان ناپاکیزه هارا وساقط می کندازایشان بار گرانِ ایشان را وآن مشقت هارا که بود برایشان پس آنانکه ایمان آوردند باووتعظیم کردند اوراویاری دادند اوراوپیروی کردند نوری را که همراه وی نازل کرده شده است ایشانندرستگاران[1] (١٥٧) .

قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنِّىْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيْعَا
الَّذِىْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيٖ
وَيُمِيْتُ ۖ فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ النَّبِىِّ الْاُمِّىِّ الَّذِىْ
يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمٰتِهٖ وَاتَّبِعُوْهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ ﴿١٥٨﴾

بگو ای مردمان هرآئینه من پیغامبر خدایم بسوی شماهمه یکجا، آن خدااوراست پادشاهی آسمان ها وزمین نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده می کندومی میراند پس ایمان آرید به خدا وبه پیغامبر اوکه نبی امی است آنکه تصدیق می نماید خدارا وسخنان اورا وپیروی کنید اوراتابُوَد که شما راه یاب شوید (١٥٨) .

وَمِنْ قَوْمِ مُوْسٰٓى اُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ
يَعْدِلُوْنَ ﴿١٥٩﴾

وازقوم موسیٰ گروهی هست که دلالت می کنند مردمان را براه راست و براستی حکم می کنند (١٥٩) .

وَقَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَىْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَمًا ۚ وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى
مُوْسٰٓى اِذِ اسْتَسْقٰىهُ قَوْمُهٗٓ اَنِ اضْرِبْ بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ۚ
فَانْۢبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۚ قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ

ومتفرق ساختیم بنی اسرائیل رابه دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه و وحی فرستادیم بسوی موسیٰ وقتی که آب

---

(١) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسیٰ راوبه امت مرحومه اول دلیل است برنبوت آنحضرت ولهذامی فرماید والله اعلم .

مَّشْرَبَهُمْ ۚ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ
الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ ۖ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ۚ
وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٠﴾

خواستند ازوی قوم وی که بزن بعصای خود سنگ را پس روان شد ازآن سنگ دوازده چشمه بدانست هر گروهی آب خور خودرا وسایبان ساختیم برایشان ابررا ونازل کردیم برایشان من و سلوی راگفتیم بخورید ازپاکیزه های آنچه روزی داده ایم شمارا وایشان برماستم نکردند ولیکن بر خویشتن ستم می کردند (۱۶۰) .

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا
حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا
نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ ۚ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٦١﴾

ویادکن چون گفته شدایشان را که ساکن شوید درین دیه وبخورید ازین دیه هرجاکه خواسته باشید وبگوئید حطه وداخل شوید به دروازه سجده کنان تابیامرزیم برای شماگناهان شمارا زیاده خواهیم دادنکوکاران را (۱۶۱) .

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ
لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا
كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٦٢﴾

پس بدل کردند ستمگاران ازبنی اسرائیل سخنی غیر آنچه فرموده شدایشان را پس فرستادیم برایشان عقوبتی ازآسمان بسبب آنکه ستم می کردند (۱۶۲) .

وَسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ
الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ
يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ ۙ لَا تَأْتِيهِمْ ۚ
كَذَٰلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٣﴾

وسوال کن (یا محمد) یهودرا ازحال دیهی که بود ساکن برلب دریاچون ازحدمی گذشتند درروزشنبه وقتیکه می آمد ماهیان به ایشان ظاهر شده روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند وروزیکه تعظیم شنبه نمی کردند نمی آمدندایشان راهمچنین آزمودیم ایشان را بسبب آنکه فسق میکردند[1] (۱۶۳) .

---

(۱) مترجم‌گوید اهل دیه سه قسم بودند قسمی شکار میکردند وقسمی ازآن نهی می=

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۙ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾

ویادکن چون گفت گروهی ازاهل آن دیه[1] چراپندمیدهید گروهی را که خدای تعالی هلاك خواهد کرد ایشان را یا عذاب خواهد کردایشان را عذاب سخت گفتند تاماراعذری باشدنزدیك پروردگار شماوتاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند (١٦٤) .

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾

پس وقتی که فراموش کردند آنچه بآن پندداده شدایشانرا نجات دادیم کسانی را که منع میکردند ازکار بد وگرفتار کردیم ستمگاران را به عذاب سخت به سبب آنکه فاسق بودند (١٦٥) .

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾

پس چون تکبر کردند ازترك آنچه منع کرده شدایشان رااز آن گفتیم ایشانرا شوید بوزینگان خوارشده (١٦٦) .

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾

ویادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو[2] که البته بفرستدبرایشان تاروزقیامت کسی راکه برساند بایشان عقوبتِ سخت هرآئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هرآئینه اوآمرزنده مهربان است[3] (١٦٧) .

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَوْنَاهُم بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾

وپراگنده کردیم بنی اسرائیل را درزمین گروه گروه بعض ازایشان شائسته کارانند وبعض ازایشان سوای ایننـد وامتحـان

= کردند وقسمی نه شکارمی کردند ونه ازآن منع میکردند والله اعلم .

(١) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم .

(٢) یعنی بنی اسرائیل را .

(٣) بعدازین هیچ پادشاهی دربنی اسرائیل پیدانشده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام ونصاریٰ ومجوس می بودند والله اعلم .

کردیم ایشانرا به نعمت هاومشقت ها تابازگردند یعنی بسوی راه راست (١٦٨) .

فَخَلَفَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَّرِثُوا الْكِتٰبَ يَاْخُذُوْنَ عَرَضَ
هٰذَا الْاَدْنٰى وَيَقُوْلُوْنَ سَيُغْفَرُ لَنَا ۚ وَاِنْ يَّاْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهٗ
يَاْخُذُوْهُ ۗ اَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِّيْثَاقُ الْكِتٰبِ اَنْ لَّا يَقُوْلُوْا عَلَى
اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوْا مَا فِيْهِ ۗ وَالدَّارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ
يَتَّقُوْنَ ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿١٦٩﴾

پس ازپی درآمدند بعد ازایشان جانشینان بدکه وارث تورات شدند[١] اختیارمی کنند متاع این عالم خسیس را ومی‌گویند آمرزیده خواهد شدبرای ما و اگر بیاید متاعی مانند آن البته بگیرندآن را[٢] آیا گرفته نه شده است برایشان آن عهد که در تورات است که نگویند برخدا مگرسخن راست وخوانده اند آنچه درتورات است و سرای آخرت بهتراست پرهیزگاران را آیا نمی فهمید (١٦٩) .

وَالَّذِيْنَ يُمَسِّكُوْنَ بِالْكِتٰبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۗ اِنَّا لَا نُضِيْعُ
اَجْرَ الْمُصْلِحِيْنَ ﴿١٧٠﴾

وآنانکه تمسك می کنند به کتاب وبرپاداشتند نمازرا هرآئینه ماضائع نمی سازیم مزداین نکوکاران را (١٧٠) .

وَاِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَاَنَّهٗ ظُلَّةٌ وَّظَنُّوْٓا اَنَّهٗ وَاقِعٌۢ بِهِمْ ۚ
خُذُوْا مَآ اٰتَيْنٰكُمْ بِقُوَّةٍ وَّاذْكُرُوْا مَا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ﴿١٧١﴾

ویادکن چون برداشتیم کوه را بالای ایشان‌گویاوی سائبان است وگمان کردند که آن کوه خواهد افتاد برایشان گفتیم بگیریدآنچه دادیم شمارا بجدتمام ویادکنید آنچه دروست تابُوَدکه شما درپناه باشید از عذاب (١٧١) .

وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْۢ بَنِيْٓ اٰدَمَ مِنْ ظُهُوْرِهِمْ

ویادکن چون‌گرفت پروردگار توازبنی آدم ازپشت ایشان اولاد ایشان را[٣] وگواه

(١) یعنی احباربنی اسرائیل .

(٢) یعنی مصراندبراخذآن و غیر نادم اند ازان وتوبهٔ مصرغیر نادم صحیح نیست والله اعلم .

(٣) یعنی روزمیثاق ازآدم اولاد او را پیدا کرد از ایشان اولاد ایشانرا به ترتیبی که =

ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ
بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَآ أَن تَقُولُوا يَوْمَ
الْقِيَٰمَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَٰفِلِينَ ﴿١٧٢﴾

گردانید ایشان را برذات ایشان‌گفت آیانیستم پروردگار شماگفتند آری هستی‌گواه شدیم، این شاهدگرفتن برای احترازازآن است که بگوئید روز قیامت هرآئینه ما بی خبربودیم ازین توحید (١٧٢) .

أَوْ تَقُولُوٓا إِنَّمَآ أَشْرَكَ ءَابَآؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنۢ
بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾

یابگوئید که بجزاین نیست که شرك آورده بودند پدران ماپیش ازماومانسلی بودیم آمده بعد ازایشان[1] آیاهلاك می کنی مارا به عقوبت آنچه بدکاران کردند (١٧٣) .

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْءَايَٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾

وهم چنین بیان می کنیم نشانه ها وتاباز گردند (١٧٤) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِىٓ ءَاتَيْنَٰهُ ءَايَٰتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا
فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَٰنُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾

وبخوان برایشان خبرکسی که داده بودیم اورا علمِ آیاتِ خودپس بیرون رفت ازعلم آن آیات[2] پس درپی اوشد شیطان پس‌گشت ازگمراهان[3] (١٧٥) .

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَٰهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُۥٓ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ
هَوَىٰهُ فَمَثَلُهُۥ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ
أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

و اگرمی خواستیم برداشتمی اورا[4] به سبب این آیات ولیکن میل کرد بسوی پستی وپیروی خواهش خود کردپس صفت اومانندِ صفت سگ ست اگر مشقت اندازی بروی[5] زبان ازدهن

= درخارج متحقق شد والله اعلم .

(١) یعنی پس تقلید ایشان کردیم .

(٢) یعنی تابع شهوات نفس شدوتابع شهوات نفس را عالم نه توان‌گفت .

(٣) یعنی بلعم باعورکه کتب الهی خوانده بودبعدازآن باغوای زن خودایذای حضرت موسیٰ علیه السلام قصد کرد وملعون شد والله اعلم .

(٤) یعنی منزلت اورا .

(٥) یعنی بزدن ودوانیدن .

بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (١٧٦)

بیرون افگند واگر بگذاری اورانیز بیرون افگند این صفتِ گروهیست که دروغ شمردند آیات مارا پس بخوان برایشان این پندهارا تاایشان تأمل کنند (١٧٦) .

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا
يَظْلِمُونَ (١٧٧)

باعتبار صفت بَداند این قوم که دروغ شمردندآیاتِ مارا وبرخویشتن ستم می کردند (١٧٧) .

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْخَاسِرُونَ (١٧٨)

هرکه راخدا راه نمایدش پس همانست راه یابنده وهرکه‌گمراه سازدش پس آن جماعت ایشانند زیان کاران (١٧٨) .

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا
يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ
لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ
أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (١٧٩)

وهرآئینه بیافریدیم برای دوزخ بسیاری ازجنیان وآدمیان، ایشانرا دلهاست که نمی فهمند بآن وایشان راچشم هاست که نمی بینند بآن وایشان راگوشها است که نمی شنوند بآن ایشان مانند چهارپایان اند بلکه ایشان گمراه تراند، ایشانند بی خبران (١٧٩) .

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ
فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٨٠)

وخداراست نام های نیك پس بخوانید اورابآن نام ها وبگذارید آنانراکه کجروی می کنند درنام های خدا[١] داده خواهد شدمرایشان را جزای آنچه میکردند (١٨٠) .

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (١٨١)

وازآن جماعت که پیداکرده ایم گروهی هست که دلالت می کنند بدین حق وبآن دین حق عدل می کنند (١٨١) .

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ

وکسانیکه دروغ پنداشتند آیات مارا پایه

(١) یعنی ابو المسیح وابو الملائکه می‌گفتند .

لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾

پایه بکشیم ایشان را (تامحل هلاك) ازآنجا که ندانند (۱۸۲) .

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾

ومهلت دهم ایشان را، هرآئینه تدبیرمن محکم است (۱۸۳) .

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾

آیاتأمل نه کردند که نیست این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی، نیست اومگربیم کننده آشکارا (۱۸٤) .

أَوَلَمْ يَنظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾

آیا نظر نکردند به پادشاهی خدا درآسمان ها و زمین ودرآنچه خدا پیدا کرده است ازهر چیز وآیانظر نه کردند درآن که شاید نزدیك شده باشداجل ایشان پس بکدام سخن بعد قرآن ایمان خواهند آورد (۱۸٥) .

مَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ ۚ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾

هرکه گمراه سازدش خدا پس هیچ راه نماینده نیست اورا ومی‌گذارد ایشان را خدا در گمراهی خویش سرگردان شده (۱۸٦) .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي ۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ۚ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً ۗ يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

سوال می کنندتراازقیامت که کی باشداستقراراو بگوجزاین نیست که علم قیامت نزدیك پروردگار من است پدید نیارد او را در وقت اومگر خدا، گران شده است(۱) در آسمانها و زمین نیاید به شمامگر ناگهان سوال می کنند ترااز قیامت‌گویاتوکاوش کننده ای ازآن(۲) بگوجزاین نیست که دانش اونزدیك

---

(۱) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت .

(۲) یعنی عالمی بآن .

خداست وليكن بسيارى ازمردمان نمى دانند (۱۸۷) .

قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِىْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ؕ وَلَوْ كُنْتُ اَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ ۚۛ وَمَا مَسَّنِىَ السُّوْٓءُ ۚۛ اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۱۸۸﴾

بگو نمى توانم براى خود نفع رسانيدن ونه ضرركردن مگرآنچه خداخواسته است و اگرمن دانستمى علم غيب را هرآئينه بسيارجمع كردمى ازجنس منفعت ونه رسيدى بمن هيچ سختى، نيستم من مگر بيم كننده مژده دهنده براى‌گروهى كه ايمان دارند (۱۸۸) .

هُوَ الَّذِىْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ اِلَيْهَا ۚ فَلَمَّا تَغَشّٰىهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهٖ ۚ فَلَمَّآ اَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ اٰتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿۱۸۹﴾

اوست آنكه پيداكردشمارا ازيك شخص وپيداكردازآن يك شخص زنش را تاآرام گيرد باوى[(۱)] پس چون جماع كرد مردى با زن خودبارگرفت بارى سبك پس آمدورفت كردبآن بارسبك بعد ازآن چون زن گران بارشد هردودعا كردند بجناب پروردگار خويش كه اگر فرزندى شائسته به دهى ماراباشيم از شكر كننلگان (۱۸۹) .

فَلَمَّآ اٰتٰىهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهٗ شُرَكَآءَ فِيْمَآ اٰتٰىهُمَا ۚ فَتَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿۱۹۰﴾

پس چون دادخداى تعالى ايشان را فرزندى شائسته مقرركردند براى اوشريكان درآنچه داده بودبايشان پس بلند قدراست خداازآنچه شريك مقرر ميكنند[(۲)] (۱۹۰) .

---

(۱) "فلماتغشها" كلام عليحده است يعنى خداى تعالى آدم وحوا را پيدا كرد و ازايشان نسل بسيار پيدا آورد بعد ازآن تفصيل انتشار نسل مى فرمايد .

(۲) مترجم‌گويد اين تصويراست حال آدمى را كه نزديك ثقل حمل نيت اخلاص درست كند وچون فرزند بوجودآيدآن را فراموش سازد ودر تسميه اشراك كند منطبق برحال حواچنانكه درحديث صحيح آمده كه حواحامله شد شيطان بدلش=

أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿١٩١﴾

آیا این مشرکان شریك مقرر می کنند چیزیرا که هیچ نمی آفریند وخوداین شریکان آفریده می شوند (۱۹۱) .

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿١٩٢﴾

ونمی توانند برای پرستندگان خود یاری دادن ونه خودرا یاری می دهند (۱۹۲) .

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ ﴿١٩٣﴾

وا گر بخوانیدبتان را بسوی راه هدایت پیروی نکنند شمارا[1] برابراست برشما آنکه دعوت کنید ایشان را یا خاموش باشیدای مشرکان (۱۹۳) .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾

هرآئینه کسانیکه عبادت می کنید ایشان را بجزخدا بندگانند مانند شما پس بخوانید ایشان را وباید که قبول کنند دعای شمارا ا گر راست گوهستید (۱۹٤) .

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونِ ﴿١٩٥﴾

آیابتان را پاهاست که راه می روندبآن آیا ایشان را دست هااست که تناول میکنند بآن آیاایشان را چشم ها است که می بینند بآن آیاایشان را گوشهااست که می شنوندبآن بگوای مشرکان بخوانید شریکان خودرا بعدازآن تدبیر کنیددرحق من ومهلت مدهید مرا (۱۹۵) .

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿١٩٦﴾

هرآئینه کارسازمن خداست آنکه فرود آورد کتاب را واو کارسازی می

= وسواس انداخت وچون فرزند متولد شدنام او عبدالحارث مقررکرد وچون وجود جمیع قیود درامثال این مواضع ضرور نیست آدم ازلوث شرك مبراباشد واین آیت عصمت اورا مصادمت نکندکذافهمت وازینجا دانسته شد که شرك در تسمیه نوعیست از شرك چنانکه اهل زبان ماغلامِ فلان وعبدفلان نام می نهند.

(۱) یعنی ا گر بگوئید بخورید یابیاشا میدهیچ کار نکَنند .

کندنیکوکاران را (۱۹٦) .

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿١٩٧﴾

وآنانکه می خوانید ایشان را بجزخدا نمی توانند یاری دادن شمارا ونه خودرا یاری می دهند (۱۹۷) .

وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾

واگر دعوت کنید ایشان رابِسوی راه هدایت نه شنوند سخن شمارا وای بیننده می بینی بتان را که می نگرند بسوی تووحال آنکه ایشان هیچ نمی بینند (۱۹۸) .

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾

لازم‌گیر درگذر راوبفرمابکار پسندیده واعراض کن ازنادانان (۱۹۹) .

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾

واگر بازدارد تراوسوسهٔ بازدارنده ازجانب شیطان آمده پس پناه طلب کن ازخدا هرآئینه اوشنوا دانااست (۲۰۰) .

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾

هرآئینه متقیان چون برسدایشان را وسوسه ازشیطان یادمی کنند خدارا پس ناگهان ایشان بینامی شوند (۲۰۱) .

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾

وبرادران کافران[1] می کَشَندایشان را در گمراهی سپس بازنمی ایستند (۲۰۲) .

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَٰذَا بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾

وچون نمی آری نزدیك ایشان آیتی می گویند چراازطرف خوداختیار نکردی اورا بگوجزاین نیست که پیروی می کنم بآنچه فرود آورده شده است بسوی من از پروردگار من این قرآن نشانه ها است آمده از پروردگار شماوهدایت وبخشائش

---

(۱) یعنی قرینان ایشان ازشیاطین والله اعلم .

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾

وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾

إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾

سُورَةُ الْأَنفَالِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنفَالِ ۖ قُلِ الْأَنفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ ۖ فَاتَّقُوا

است مرقوم مومنان را (٢٠٣) .

وچون خوانده شودقرآن پس گوش نهيد بسوى آن وخاموش باشيدتامهربانى كرده شود برشما (٢٠٤) .

ويادكن پروردگار خودرا درضمير خود بزارى وترسكارى ويادكن پروردگار خودرا به كلام پست تر از بلند آوازى بامدادوشبانگاه ومباش ازغافلان (٢٠٥) .

هرآئينه كسانيكه نزديك پروردگار تواند[١] سر كشى نمى كنند ازعبادت او وبپاكى يادميكنند اورا وبتخصيص اوراسجده مى كنند (٢٠٦) .

سوره انفال مدنى است وآن هفتادو پنج آيت وده ركوع است

بنام خداى بخشاينده مهربان .

مى پرسند تراازغنيمت ها[٢] بگوغنيمت

(١) يعنى ملاء اعلى .

(٢) سورهٔ انفال درقصه بدر فرودآمده است درآياتِ اين سوره اشارت بوقائع اين غزوه واقع شده ازآن جمله آنست كه مسلمانان درغنيمت مباحثه ميكردند آنانكه غارت كرده بودند خواستند كه تنهابرآن متصرف شوند ديگران خواستند كه على السويه قسمت شود خداى تعالى نازل ساخت كه متصرف ومختار درغنائم خدا ورسول اوست و ديگرى را درين باب دخل نيست آنچه اهل جاهليت مى كردند ازاستيثارغارت كننده به غنيمت باطل است بعد ازآن حكم فرمود كه غنيمت راپنج قسم بايدكرد چهار قسم درميان غانمان قسمت كنندويكى در بيت المال نگاهداشته به تصرف آن رسانند واين تصرف حق است وعطاى اوست بغير دخل غارت كنندگان پس آيه "قل الانفال لله والرسول" محكم است غير منسوخ.

اللّٰهَ وَاَصۡلِحُوۡا ذَاتَ بَيۡنِكُمۡ وَاَطِيۡعُوا اللّٰهَ وَرَسُوۡلَهٗۤ اِنۡ كُنۡتُمۡ
مُّؤۡمِنِيۡنَ ﴿١﴾

هاخداورسول راست[١] پس به ترسید ازخداوبه صلاح آرید صحبتی را که میان شما است وفرمانبرداری کنید خداو رسول اورا ا گر مسلمان هستید (١) .

اِنَّمَا الۡمُؤۡمِنُوۡنَ الَّذِيۡنَ اِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَجِلَتۡ قُلُوۡبُهُمۡ
وَاِذَا تُلِيَتۡ عَلَيۡهِمۡ اٰيٰتُهٗ زَادَتۡهُمۡ اِيۡمَانًا وَّعَلٰى رَبِّهِمۡ
يَتَوَكَّلُوۡنَ ﴿٢﴾

جزاین نیست که مومنان آنانند که چون یادکرده شودخدا بترسد دلهای ایشان وچون خوانده شود برایشان آیات خدا زیاده سازندآن آیات ایمان ایشان را وبرپروردگار خویش توکل میکنند (٢) .

الَّذِيۡنَ يُقِيۡمُوۡنَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقۡنٰهُمۡ يُنۡفِقُوۡنَ ﴿٣﴾

آنانکه برپامی دارندنمازرا وازآنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند (٣) .

اُولٰۤئِكَ هُمُ الۡمُؤۡمِنُوۡنَ حَقًّا ؕ لَهُمۡ دَرَجٰتٌ عِنۡدَ رَبِّهِمۡ
وَمَغۡفِرَةٌ وَّرِزۡقٌ كَرِيۡمٌ ﴿٤﴾

این جماعت ایشانندمومنان به تحقیق ایشان را است مرتبه هانزدیك پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیك (٤) .

كَمَاۤ اَخۡرَجَكَ رَبُّكَ مِنۡۢ بَيۡتِكَ بِالۡحَقِّ وَاِنَّ فَرِيۡقًا مِّنَ
الۡمُؤۡمِنِيۡنَ لَكٰرِهُوۡنَ ﴿٥﴾

چنانکه بیرون آورد ترا پروردگار توازخانه تو به تدبیر درست وهرآئینه گروهی ازمسلمانان ناخوشنودبودند[٢] (٥) .

يُجَادِلُوۡنَكَ فِى الۡحَقِّ بَعۡدَ مَا تَبَيَّنَ كَاَنَّمَا يُسَاقُوۡنَ اِلَى الۡمَوۡتِ
وَهُمۡ يَنۡظُرُوۡنَ ﴿٦﴾

خصومت میکردند باتودرسخن راست بعدازآنکه ظاهرشد گویا رانده می شوند بسوی مرگ وایشان درآن می نگرند (٦) .

وَاِذۡ يَعِدُكُمُ اللّٰهُ اِحۡدَى الطَّآئِفَتَيۡنِ اَنَّهَا لَكُمۡ
وَتَوَدُّوۡنَ اَنَّ غَيۡرَ ذَاتِ الشَّوۡكَةِ تَكُوۡنُ لَكُمۡ

و(یادکن نعمت الهی را) آن گاه که خدایکی ازدو گروه را وعده شمامی داد که وی شمارا باشد و دوست میداشتید

---

(١) یعنی متصرف درغنائم ایشانند وکسی دیگررا اختیار نیست والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی کاردر قسمت بروفق حکم خدا ست نه موافق آرزوی نفوس چنانکه بیرون آوردن تو به تدبیر درست بودنزدیك خدابرخلاف اراده قوم والله اعلم .

وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَٰفِرِينَ ﴿٧﴾

که چیزی غیرازجنگ شماراَبُوَد ومی خواست خدا که ثابت کنددین حق را به فرمان های خویش وبِبُرد بنیادکافران را (٧) .

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَٰطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾

می خواست تاثابت کند دین حق راو برطرف کنددین باطل را ا گر چه ناخوشنود باشند گناهگاران[1] (٨) .

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَٰٓئِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾

آنگاه که فریادمی کردیددرجناب پروردگار خویش پس قبول کرد دعای شماراکه من مددکنندۀ شماام بهزار کس ازفرشتگان ازپس ایشان جماعت دیگر را آورده[2] (٩) .

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

ونساخت خدااین مدد را مگربرای مژده وتاآرام گیرد بآن دل های شما ونیست فتح مگراز نزدیك خداهرآئینه خدا غالب باحکمت است (١٠) .

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَآءِ مَآءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَٰنِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ﴿١١﴾

آنگاه که می پوشیدشمارا به خواب سبك بجهت ایمنی ازنزدیك خود وفرود می آورد برشما ازآسمان آب باران تاپاك کند شمارا بآن وبِبَرَدازشما آلودگی شیطان وتابه بنددبر دلهای شما یعنی ثابت دارد

---

(١) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم درغزوه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شدواین خبربکاروان رسید راه ساحل اختیار نمودند خلاص شدند ابوجهل که بمددایشان بالشکر گران از مکه بر آمده بود مقابل آنحضرت شد بعضی اصحاب میل بغارت کردن وجمعی قصد کارزار لشکر نمودند ومرضی آنحضرت جنگ با لشکر بود .

(٢) یعنی یکهزار بودند بعد ازآن سه هزار گشتند وبعد ازآن پنجهزار شدند والله اعلم.

دلهارااومحكم كند بآن پا هارا[1] (١١) .

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ اٰمَنُوا ۚ
سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ
الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾

آنگاه كه وحى مى فرستاد پروردگار توبسوى فرشتگان كه من باشمام پس استوارسازيد مسلمانان را رعب خواهم افگند دردلهاى كافران پس بزنيد اى مسلمانان بالاى گردن ها وبزنيدازايشان هرطرف دست وپاى را (١٢) .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللّٰهَ
وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾

اين بسبب آن ست كه ايشان خلاف كردند باخدا و رسولِ او وهركه خلاف كندباخدا و رسولِ او پس خداسخت عقوبت است (١٣) .

ذٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكٰفِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾

اين رابچشيد وبدانيد كه كافران راست عذاب آتش (١٤) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا
فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ ﴿١٥﴾

اى مومنان چون بهم آئيد باكافران انبوه كرده پس مگردانيد بسوى ايشان پشت هارا (١٥) .

وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُٓ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ
أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلٰى فِئَةٍ فَقَدْ بَآءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللّٰهِ
وَمَأْوٰىهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

وهركه بگرداند بسوى ايشان آن روز پشت خودرا مگررجوع كنان براى جنگى ياپناه جويان بسوىگروهى پس هرآئينه باز گشت بخشمى ازخدا وجاى اوجهنم است وبدجاى است (١٦) .

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ قَتَلَهُمْ ۚ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ

پس شما نه كشته ايد اين جماعت را وليكن خداكشت ايشان را وتو(يامحمد)

---

(١) مترجم گويد درين آيات تعريض است بآن قصه كه روز بدر مسلمانان تشنه بودند ومحدث بودند آب نداشتند وازين جهت وسوسه شيطان به خاطر ايشان راه مى يافت خداى تعالى باران فرستاد وخواب سبك را برچشم ايشان مسلط كرد تااضطراب دلِ ايشان برطرف شد .

وَلَٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى ۚ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا ۚ إِنَّ
اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾

نيافگندى[١] وقتيكه افگندى وليكن خداافگند تاعطاكند مسلمانان را ازنزديك خويش عطاى نيكو هرآئينه خدا شنواداناااست[٢] (١٧) .

ذٰلِكُمْ وَأَنَّ اللّٰهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكٰفِرِينَ ﴿١٨﴾

حال اين ست وبدانيد كه خداسست كننده است حيله كافران را (١٨) .

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ ۖ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ
لَكُمْ ۖ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ ۚ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ
كَثُرَتْ ۙ وَأَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾

اى كافران ا گر طلب فتح مى كرديد پس آمدبه شمافتح وا گربازايستيد پس آن بهتراست شمارا وا گر باز گرديد(يعنى بنافرمانى) باز گرديم[٣] ودفع نكندازشما جماعت شما هيچ چيزا گر چه بسيارباشد. وبدانيد كه خدابامسلمانان است[٤] (١٩)

يٰأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا
عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾

اى مسلمانان فرمانبردارى كنيد خدا ورسول اورا و روى مگردانيد از وى وحال آنكه شمامى شنويد (٢٠) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾

ومشويد مانند كسانيكه گفتند شنيديم وايشان نمى شنوند[٥] (٢١) .

---

(١) يعنى مشتِ خاك را .

(٢) مترجم گويد تعريض است بآن قصه كه آن حضرت صلى الله عليه وسلم روز بدريك مشت سنگ ريزه بسوى كفارانداخت پس هيچكس ازايشان نه بود كه چيزى ازآن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و اين تائيد غيبى بود .

(٣) يعنى بجزا دادن .

(٤) مترجم گويد تعريض است بآن قصه كه ابو جهل روز غزوه بدر دعا كرد كه بار خدايا هر كه ازميان اين هردو گروه قاطع رحم است ودين باطل پيش گرفته است او را هلاك كن وبه حقيقت متصف باين صفات ابو جهل و قوم اوبودند .

(٥) يعنى مانندِ اهل كتاب كه تورات خواندندوبه زبان معترف شدند وبرآن عمل نكردند.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ
لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾

هر آئینه بدترین جنبندگان نزدیك خدا کرانندگنگانند آنانکه درنمی یابند (٢٢) .

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ ۖ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ
لَتَوَلَّوا وَّهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

و اگردانستی خدا درایشان نیکوئی البته شنواندی ایشان را[١] و اگر شنوانیدی ایشان را حتماً روی میگردانیدند اعراض کنان (٢٣) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا
دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ
الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾

ای مسلمانان قبول کنید خواندنِ خدا و رسول را چون بخواند شمارا برای آنکه زنده سازد شمارا وبدانید که خدا حائل می شود درمیان انسان ودل او[٢] وبدانید که بسوی اوبرانگیخته خواهید شد (٢٤) .

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ
خَاصَّةً ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾

وبه پرهیزید ازفتنه که نه رسد بآنانکه ستم کردندازشما به تخصیص[٣] وبدانید که هرآئینه خدا سخت عقوبت کننده است[٤] (٢٥) .

وَاذْكُرُوا إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ
أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم
مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾

ویادکنید (ای مهاجران نعمت الهی را) آن وقت که شما اندك بودید ناتوان شمرده درزمین یعنی درمکه می ترسیدید ازآنکه بربایند شمارا مردمان پس جای دادشمارا یعنی در مدینه وقُوَّت داد شمارابه نصرت خود و روزی داد شمارا ازچیزهای پاکیزه تاشود که سپاسداری کنید (٢٦) .

---

(١) یعنی لیکن ندانست .
(٢) یعنی عزیمت اونسخ می کند .
(٣) یعنی بلکه عام بودشامت او والله اعلم .
(٤) وآن فتنه ظهور عقوبت بدعت است یاترك نهی منكر والله اعلم .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَخُونُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ وَتَخُونُوٓا۟ أَمَٰنَٰتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾

ای مسلمانان خیانت مکنید باخداورسول وخیانت مکنید امانت های یك دیگررا درحالیکه شما میدانید (یعنی مفاسدآنرا) (۲۷) .

وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾

وبدانید که مال های شما و فرزندان شما آزمائش است وآنکه خدا نزدیك اوست مزدبزرگ (۲۸) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِن تَتَّقُوا۟ ٱللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

ای مسلمانان اگربترسیدازخدا پیداکندبرای شما فتحی را ودرگذارد ازشماگناهان شمارا وبیامرزدشمارا وخدا صاحب فضل بزرگ است (۲۹) .

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ ٱللَّهُ وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَٰكِرِينَ ﴿٣٠﴾

و (یادکن نعمت الهی)آنگاه که تدبیربد کردند درحق توکافران تاحبس کنند ترا یا بکشند ترا یا جلاوطن کنند ترا وایشان تدبیربَد می کردند وخدا تدبیر می کردیعنی بایشان وخدابهترین تدبیر کنندگانست[1] (۳۰) .

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا قَالُوا۟ قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَآءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَآ إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾

وچون خوانده شودبرین جماعت آیات ما گویند بتحقیق شنیدیم اگرخواهیم بگوئیم ماننداین نیست این مگرافسانهٔ پیشینیان (۳۱) .

وَإِذْ قَالُوا۟ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾

وآنگاه که‌گفتند بارخدایا اگر هست این قرآن راست ازنزدیك تو پس ببار برما سنگ را ازآسمان یابیاربرما عذاب دردناك را (۳۲) .

وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ

ونیست خداکه عذاب کندایشان را وتو میان ایشان باشی وهرگز نیست

(۱) تعریض است بآن قصه که کفاردرمکه جمع شده این رای می زدند .

مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

خداعذاب كنندهٔ ايشان وايشان استغفار مى كنند[١] (٣٣) .

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾

وچيست مرايشان را كه عذاب نكندايشان را خدا حال آنكه ايشان باز ميدارند يعنى مردمان را ازمسجدالحرام ونيستند سزاوار آنجا، نيستند سزاواردرآنجا مگرمتقيان وليكن بيشترين ايشان نمى دانند (٣٤) .

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾

ونيست[٢] نمازايشان نزديك خانه كعبه بجزصفير كردن و دستك زدن پس بچشيداى كافران عذاب را بسبب كافرشدن خود (٣٥) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾

هرآئينه كافران خرج مى كنند اموال خودرا تا بازدارند مردمان رااززراهِ خدا پس زودباشد كه خرج كنند آنرابازباشد آن خرج كردن پشيمانى برايشان بازمغلوب شوند وكافران بسوى دوزخ رانده شوند (٣٦) .

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٣٧﴾

تاجدا سازد خداى تعالى ناپاك را ازپاك وبنهد ناپاك را بعض آن رابربعض پس توده سازد آنهمه را يكجا پس درآردش دردوزخ اين جماعت ايشانند زيان كاران[٣] (٣٧) .

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ

بگو كافران را اگر بازايستند آمرزيده

(١) يعنى سنت خدا آنست كه تاپيغامبر درميان قوم باشد عذاب عام نمى كند وهمچنين تاآنكه ايشان استغفار كنند عذاب نمى آيد .
(٢) يعنى بعد هجرت حضرت سيدالبشر ازميان ايشان .
(٣) يعنى دراصل استحقاق عذاب دارند ليكن بودن پيغامبر درميان ايشان مانع بودوالحال مانع برخاست .

وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾

شودایشان را آنچه‌گذشت واگرعود کنند پس هرآئینه‌گذشته است روش پیشینیان[۱] (۳۸) .

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ
لِلَّهِ ۚ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾

وکارزار کنید ای مسلمانان بایشان تاآنکه نه باشد هیچ فتنه (یعنی غلبه کفر) و باشد دین همه برای خدا پس اگر بازایستند ازشرك (یعنی مسلمان شوند) هرآئینه خدا بآنچه میکنند بیناست (۳۹) .

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ ۚ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ
وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾

واگر روبگردانند[۲] پس بدانید که خدا مددگار شما است نیك مددگار است وی و نیك یاری دهنده است (٤٠) .

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ
لِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ
السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ
الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾

وبدانید که آنچه غنیمت یا فتیدازکافران ازهرجنس پس پنجم حصه اش خداراست و پیغامبررا وخویشاوندان را[۳] ویتیمان ودرویشان ومسافران را اگر ایمان آورده اید بخدا وبآنچه فروفرستادیم بربنده خویش روزی که جداشدحق از باطل روزیکه بهم آمدند دو گروه[٤] وخدابرهمه چیز تواناست[٥] (٤١) .

---

(۱) مترجم‌گوید واین تصویر است حال کسی را که مي خواهد جزو کل چیزی را باطل سازد ودفع کند .

(۲) یعنی ازاسلام .

(۳) یعنی خویشاوندان پیغامبر راکه بنی هاشم وبنی مطلب اند .

(٤) یعنی ایمان آوردند بآنکه بروزبدرنصرت نازل فرمود .

(٥) مترجم‌گوید چهار خمس غانمان را بایدداديك خمس دربيت المال نهاده برپنج حصه قسمت بايك ديگر على اختلاف المذاهب والله اعلم .

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوٰى وَ
الرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي
الْمِيْعٰدِ وَلٰكِنْ لِّيَقْضِيَ اللّٰهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُوْلًا لِّيَهْلِكَ
مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَّيَحْيٰى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ
وَإِنَّ اللّٰهَ لَسَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٤٢﴾

اگر ایمان آوردید بآنچه فروفرستادیم بربنده خود آنگاه که شما بکنارهٔ نزدیك بودید وایشان بکنارهٔ دورتروکاروان پائین ترازشما (یعنی بجانب دریا) واگر بایکدیگر وعده جنگ مقررمی کردید البته اختلاف می نمودید دروعده لیکن جمع کردتابانجام رساند خداکاری را که کردنی بود تاهلاك شود کسی که هلاك شده است بعد قیام حجت و زنده ماند کسی که زنده شده بعد قیام حجت وهر آئینه خدا شنواداناست[1] (٤٢) .

إِذْ يُرِيْكَهُمُ اللّٰهُ فِيْ مَنَامِكَ قَلِيْلًا وَلَوْ أَرٰىكَهُمْ
كَثِيْرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلٰكِنَّ
اللّٰهَ سَلَّمَ إِنَّهٗ عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٤٣﴾

آنگاه که بنمود خداایشان را به تودر خواب تواند کی و اگر بنمودی بتوایشان را بسیارالبته بزدلی میکردید و بایکدیگر نزاع می نمودید درکار ولیکن خدا سلامت داشت یعنی ازبزدلی هر آئینه وی داناست بآنچه در سینه ها ست (٤٣) .

وَإِذْ يُرِيْكُمُوْهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِيْ أَعْيُنِكُمْ قَلِيْلًا وَّيُقَلِّلُكُمْ
فِيْ أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللّٰهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُوْلًا وَإِلَى اللّٰهِ
تُرْجَعُ الْأُمُوْرُ ﴿٤٤﴾

وآنگاه که به نمود به شما ایشان را چون روبرو شدید درچشمهای شما اندکی وکم نمود شمارا درچشمهای آنان تابانجام رساند خدا کاری را که کردنی بود و بسوی خدابازگردانیده شوند کارها (٤٤) .

يٰۤأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا إِذَا لَقِيْتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوْا وَاذْكُرُوا
اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٤٥﴾

ای مسلمانان چون روبروشوید با گروهی پس ثابت باشید و یادکنید خدارا بسیار

(١) مرادازهلاك اصرار برکفر است وازحیات مسلمان شدن واین که ایمان آورده اید بآنچه فروفرستادیم بربنده خود .

بود که شما رستگارشوید (٤٥) .

وَأَطِيعُوا اللهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ
رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللهَ مَعَ الصّٰبِرِينَ ﴿٤٦﴾

وفرمانبرداری کنید خدا ورسول اورا وبایکدیگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید وبرود دولت (وقوت) شما وشکیبائی کنید هرآئینه خدا باشکیبایان است (٤٦) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ
النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللهِ وَاللهُ بِمَا
يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾

ومباشید مانندکسانیکه بیرون آمدنداز خانه های خود ازروی سرکشی وخودنمائی بمردمان وبازمیدارند ازراه خدا وخداباآنچه می کنندبر گیرنده است[1] (٤٧) .

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ
الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتٰنِ
نَكَصَ عَلٰى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرٰى مَا لَا تَرَوْنَ
إِنِّي أَخَافُ اللهَ وَاللهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾

وآنگاه که شیطان بیاراست برای این کافران کردار های ایشان را وگفت هیچ کس ازمردمان غلبه کننده نیست برشما امروز وهرآئینه من مدد کننده ام شمارا پس چون روبرو شدند هردوگروه باز گشت شیطان برپاشنهای خودوگفت هرآئینه من بی تعلقم ازشما هرآئینه من می بینم آنچه شما نه می بینید هرآئینه من می ترسم از خدا وخداسخت عقوبت است (٤٨) .

إِذْ يَقُولُ الْمُنٰفِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ
هٰٓؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَإِنَّ اللهَ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾

آنگاه که می گفتند منافقان وآنانکه در دلهای ایشان بیماریست فریفته کرده است این مسلمانان را دین ایشان وهرکه توکل کند برخدا هرآئینه خدا غالب درست کاراست (٤٩) .

(١) درین حالِ ابوجهل و تابعانِ اوست .

وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ
وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَٰرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾

و(تعجب میکردی) اگرمی دیدی (ای بیننـده) چـون فـرشتگـان قبـض ارواح کافران می کنند میزنند برروبهای ایشان وبرپشتهای ایشان (ومی گویند) بچشید عذاب سوزان را (٥٠) .

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ
بِظَلَّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾

این به سبب آن کردار که پیش فرستاده است دستهای شما و بسبب آنست که خدا ظلم کننده نیست بربندگان (٥١) .

كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِـَٔايَٰتِ اللَّهِ
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾

مانند عادت قوم فرعون وآنانکه پیش ازایشان بودند کافرشدند بآیاتِ خدا پس گرفتار کرد خداایشان را بگناهان ایشان هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت است (٥٢) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ
يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾

این بسبب آنست که خدا هرگز نیست تغییردهنده هیچ نعمتی که انعام کرده باشد آنرابرقومی تاآنکه ایشان بدل کنند حالی را که درذات ایشانست[1] وبسبب آنست که خدا شنوادانا است (٥٣) .

كَدَأْبِ ءَالِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِـَٔايَٰتِ
رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَآ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ
كَانُوا ظَٰلِمِينَ ﴿٥٤﴾

مانند حال کسان فرعون وآنانکه پیش ازایشـان بـودنـد دروغ شمـردنـد آیـاتِ پروردگار خویش را پس هلاك ساختیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق ساختیم کسان فرعون را وهریك ستمگاربودند (٥٤) .

إِنَّ شَرَّ الدَّوَآبِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٥﴾

هرآئینه بدترین جنبندگان نزدیك خدا آنانـند که کافرشـدنـد پس ایمان نمی

(١) یعنی کفران نعمت رابه شکرومعصیت را به طاعت .

آرند (٥٥) .

الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾

آنانكه عهدبسته اى بايشان بازمى شكنند عهد خودرا درهرمرتبه وايشان پرهيزنمى كنند[١] (٥٦) .

فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

پس اگر بيابى ايشان را درجنگ متفرق سازبه سبب كشتن ايشان آنان را كه پس پشت ايشان باشند بُوَد كه پندپذير شوند (٥٧) .

وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ ﴿٥٨﴾

واگر بترسى ازگروهى خيانت را پس باز گردان بسوى ايشان عهد ايشانرا بنوعى كه همه برابر شوند[٢] هرآئينه خدادوست نميدارد خيانت كنندگان را (٥٨) .

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا ۚ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ﴿٥٩﴾

وبايد كه نه پندارند كافران كه ايشان پيش دستى كرده اند هر آئينه ايشان عاجز نتوانند ساخت (٥٩) .

وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾

ومهياسازيد اى مسلمانان براى ايشان آنچه توانيد ازتوانائى[٣] وازآماده داشتن اسپان بترسانيدبآن دشمن خدارا ودشمن خويش را وقومى ديگررا نيزبجزايشان شمانمى دانيدايشان را خدا ميداند ايشان را[٤] وآنچه خرج كنيد ازهرچه باشد

---

(١) مترجم گويد تعريض است بقبائل يهود كه آنحضرت صلى الله عليه وسلم بايشان صلح كرده بودند وايشان وقت بعد وقت غدرمى نمودند والله اعلم .

(٢) يعنى ملامت نقض عهد برشمالازم نيايد والله اعلم .

(٣) يعنى استعمال آلات جنگ مثل تيرانداختن .

(٤) يعنى اهل نفاق را والله اعلم .

دررا‌هِ خدا تمام داده شود به شما[(١)] وشما ستم کرده نشوید (٦٠) .

وَإِن جَنَحُوا۟ لِلسَّلْمِ فَٱجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

و اگرمیل کنند بصلح توهم میل کن بسوی آن[(٢)] وتوکل کن بر خداهرآئینه وی شنواداناست (٦١) .

وَإِن يُرِيدُوٓا۟ أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ ٱللَّهُ ۚ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِۦ وَبِٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾

و اگر خواهند که فریب دهندترا پس کفایت کننده است ترا خداهمونست آنکه قوت دادترا بیاری دادن خود و به مسلمانان (٦٢) .

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ ۚ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِى ٱلْأَرْضِ جَمِيعًا مَّآ أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّهُۥ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٣﴾

وهمونست آنکه الفت دادمیان دلهای ایشان اگر خرج می کردی آنچه درزمین است همه یك جا الفت نمی دادی میان دل های ایشان ولیکن خدا الفت افگند میان ایشان هرآئینه وی غالب باحکمت است (٦٣) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ حَسْبُكَ ٱللَّهُ وَمَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٤﴾

ای پیغامبر کفایت کننده است ترا خدا و کفایت کنندهٔ آنان راکه پیروی توکرده اند از مسلمانان (٦٤) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ حَرِّضِ ٱلْمُؤْمِنِينَ عَلَى ٱلْقِتَالِ ۚ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَٰبِرُونَ يَغْلِبُوا۟ مِا۟ئَتَيْنِ ۚ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّا۟ئَةٌ يَغْلِبُوٓا۟ أَلْفًا مِّنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾

ای پیغامبر رغبت دِه مسلمانان را برجنگ اگر باشند ازشما بیست کس صبر کننده غالب شوند بردوصدکس و اگر باشند ازشما صدکس غالب شوند برهزار کس ازکافران بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند[(٣)] (٦٥) .

---

(١) یعنی ثواب او والله اعلم .

(٢) مترجم‌گوید این امر برای اباحت است والله اعلم .

(٣) مترجم‌گوید چون این آیت نازل شد واجب‌گشت ثبات با ده چندان ازکفار بعد=

اَلْـٰٔنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ اَنَّ فِيْكُمْ ضَعْفًا ۚ فَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَّغْلِبُوْا مِائَتَيْنِ ۚ وَاِنْ يَّكُنْ مِّنْكُمْ اَلْفٌ يَّغْلِبُوْٓا اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٦٦﴾

اکنون سبك ساخت خداازسرشما ودانست که درمیان شما ضعفی هست پس ا گر باشند ازشما صدکس شکیباغالب آیند بردوصدکس وا گر باشند ازشما هزارکس غالب آیند بردوهزار کس به فرمان خدا وخدا باصابران است (٦٦) .

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ اَنْ يَّكُوْنَ لَهٗٓ اَسْرٰى حَتّٰى يُثْخِنَ فِى الْاَرْضِ ۚ تُرِيْدُوْنَ عَرَضَ الدُّنْيَا ۖ وَاللّٰهُ يُرِيْدُ الْاٰخِرَةَ ۗ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٦٧﴾

سزاوار نه بود پیغامبری را که بدست وی اسیران باشند تاآنکه قتل بسیار بوجود آرد درزمین می خواهید مال دنیارا وخدامی خواهد مصلحت آخرت را وخدا غالب باحکمت است[1] (٦٧) .

لَوْلَا كِتٰبٌ مِّنَ اللّٰهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيْمَآ اَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٦٨﴾

ا گر نبودی حکم از خداپیشی گرفته[2] البته میرسید به شمادرآنچه گرفتید عذاب بزرگ (٦٨) .

فَكُلُوْا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلٰلًا طَيِّبًا ۖ وَّاتَّقُوا اللّٰهَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦٩﴾

پس بخورید ازآنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه وبترسیدازخدا هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربان است(شمارا) (٦٩) .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّمَنْ فِيْٓ اَيْدِيْكُمْ مِّنَ الْاَسْرٰٓى ۙ اِنْ يَّعْلَمِ اللّٰهُ فِيْ قُلُوْبِكُمْ خَيْرًا يُّؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّآ اُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٧٠﴾

ای پیغامبر بگو آنان را که دردستهای شمااند ازاسیران ا گرداند خدا دردل شمانیکی البته بدهد شمارا بهترازآنچه گرفته شد از شما وبیامرزد شمارا وخدا

= ازان منسوخ شدبوجوب ثبات درمقابله دوچند والله اعلم .

(١) مترجم گوید صحابه ازاسیران بدرفدا گرفتند باجتهاد خویش ومرضی نزدیك خدای تعالی قتل اینجماعت بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بود عفو فرمود این آیت نازل شد .

(٢) یعنی حکم غیر منصوص ومُقدَّر درلوح محفوظ والله اعلم .

امرزندهٔ مهربان است[۱] (۷۰) .

وَإِن يُرِيدُوا۟ خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا۟ ٱللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

واگر خواهند خیانت باتو پس هر آئینه خیانت کرده بودند باخدا پیش ازین پس قدرت داد ترا برایشان وخداداناباحکمت است (۷۱) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهَاجَرُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ بِأَمْوَٰلِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَوا۟ وَّنَصَرُوٓا۟ أُو۟لَٰٓئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَمْ يُهَاجِرُوا۟ مَا لَكُم مِّن وَلَٰيَتِهِم مِّن شَىْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا۟ ۚ وَإِنِ ٱسْتَنصَرُوكُمْ فِى ٱلدِّينِ فَعَلَيْكُمُ ٱلنَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍۭ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَٰقٌ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند وجهادنمودند بمالهای خود و جانهای خود در راه خدا وآنانکه جای دادند ونصرت کردند این جماعت بعض ایشان دوستان بعض اند[۲] وآنانکه ایمان آوردند وهجرت نه کرده اند نیست شمارا ازکارسازی ایشان هیچ چیز تاآنکه هجرت کنند واگر مددطلب کنند از شما درکاردین پس لازم است برشما یاری کردن مگربرجماعتی که میان شما ومیان ایشان عهد باشد وخدا بآنچه می کنید بیناست (۷۲) .

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِى ٱلْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾

وآنانکه کافرشدند بعض ایشان دوستان بعض اند اگر نه کنید ای مسلمانان این کاررا[۳] باشد فتنه درزمین وفساد بزرگ (۷۳) .

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَهَاجَرُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلَّذِينَ ءَاوَوا۟ وَّنَصَرُوٓا۟ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۚ لَّهُم

وآنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند وجهاد نمودند در راهِ خدا وآنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعت ایشانند

(۱) تعریض است بعباس بن عبدالمطلب .
(۲) یعنی مهاجر وانصار بایکدیگرباید که نصرت دهند ومواخات کنند .
(۳) یعنی دوستی را بایکدیگر .

مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٧٤﴾

مومنان به حقیقت ایشان راست آمرزش و روزی نیك (٧٤) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْۢ بَعْدُ وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا مَعَكُمْ فَاُولٰٓئِكَ
مِنْكُمْ ۭ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ ۭ
اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٧٥﴾

وآنانكه ایمان آوردند پس ازین وهجرت نمودند وجهادکردند همراه شمااین گروه نیزازشماست وخویشاواندان بعض ایشان نزدیك تراند به بعضی درحکم خدا[١] هرآئینه خدا بهمه چیز داناست (٧٥) .

سُوْرَةُ التَّوْبَة

سوره توبه مدنی است وآن یك صدوبیست ونه آیت وشانزده رکوع است

بَرَاۗءَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖٓ اِلَى الَّذِيْنَ عٰهَدْتُّمْ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١﴾

قطع معامله است ازجانب خدا و رسول او از آنانکه عهد بسته بودید بایشان از مشرکان[٢] (١) .

فَسِيْحُوْا فِي الْاَرْضِ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَّاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّٰهِ ۙ
وَاَنَّ اللّٰهَ مُخْزِي الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢﴾

پس سیرکنیدای مشرکان درزمین چهار ماه وبدانید که شما عاجز کنندهٔ خدا نه باشید وبدانید آنکه خدارسواکنندهٔ کافران است (٢) .

وَاَذَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖٓ اِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اَنَّ
اللّٰهَ بَرِيْۗءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ ڏ وَرَسُوْلُهٗ ۭ فَاِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ

وخبر رسانید نست ازجانب خدا و رسول او بسوی مردمان روزحج بزرگ که خدا بیزاراست از مشرکان ورسول اونیز

---

(١) یعنی صله وتوارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض وعصبات اند لازم است والله اعلم .

(٢) مترجم گویدسال نهم حضرت پیغامبرصلی الله علیه وسلم علی مرتضیٰ را در موسم حج فرستاد تاعهود مشرکان را براندازد الّاچهار ماه ایشان را فرصت داد تادر امر خود تأمل کنند مگردوفرقه بنی ضمره و بنو کنانه که خیانت درعهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تامیعاد آن مقرر داشت وتا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرك بحج نیاید وهیچ برهنه طواف کعبه نکند واوائل سوره برأة برایشان برخواند والله اعلم .

لَكُمْ ۚ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوٓا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّٰهِ ۗ وَبَشِّرِ
الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۙ ﴿۳﴾

بیزاراست پس اگر توبه کنید آن بهتر باشدشمارا واگر روی بگردانید پس بدانید که شما عاجز کننده خدانه اید وخبرده کافران را به عذاب درد دهنده (۳) .

إِلَّا الَّذِينَ عٰهَدْتُّمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ
شَيْـًٔا وَّلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوٓا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ
إِلٰى مُدَّتِهِمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۴﴾

مگر آنانکه بایشان عهد بسته بودید ازمشرکان بازکمی نه کردند باشما درچیزی ومدد ندادند برشما کسی را پس بوفا رسانید بسوی ایشان عهدایشان را تامدت ایشان هرآئینه خدا دوست می دارد پرهیزگاران را(٤) .

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ
وَجَدْتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا
لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ۚ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَ
اٰتَوُا الزَّكٰوةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۵﴾

پس چون آخر شوند ماه های حرام[۱] بکشید مشرکان را هرجاکه بیابید وبگیریدایشان را وبند کنید ایشان را وبنشنید برای ایشان بهرکمین‌گاه پس اگر توبه کنند وبرپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را پس بگذارید راهِ ایشان را هرآئینه خدا آمرزنده مهربان است (۵) .

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتّٰى يَسْمَعَ
كَلٰمَ اللّٰهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ۚ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
لَّا يَعْلَمُونَ ۧ ﴿٦﴾

واگر کسی ازمشرکان طلب امان کند ازتوامان بده اورا تابشنود قرآن بازبرسان اورا بجای ایمنی وی واین بسبب آنست که ایشان گروهی هستند که نمیدانند[۲] (٦) .

---

(۱) یعنی آن چهارماه که ایشان را فرصت داده بودند .

(۲) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم باکفار قریش صلح کرده بودند وایشان درمقام عذرآمده برکشتن حلفای آنحضرت اعانت نمودند واین صورت سبب فتح مکه شد خدای تعالی برای ترغیب برغزوهٔ فتح آیات فرستاد .

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ
إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا
لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ٧

چگو نه بود مشرکان را عهدنزدیك خدا ونزدیك رسول او إلا آنانکه عهد بسته بودید بایشان نزدیك مسجد حرام[1] پس مادام که برعهد ثابت باشند برای شما، نیز ثابت باشید شمابرای ایشان هرآئینه خدا دوست میدارد پرهیز گاران را (۷) .

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً
يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ
فَاسِقُونَ ٨

چگونه بُوَدمشرکان را عهد و ا گر غالب آیند برشما نگاه ندارند درباب شماحق خویشی را و نه عهد را رضامند می سازند شمارا بدهنهای خویش وقبول نمی کنددلهای ایشان و بیشترین ایشان فاسقانند (۸) .

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ
إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ٩

خرید کردند بآیت های خدابهای اندك[2] پس بازداشتند مردمان را ازراه خدا هرآئینه بدکاری ست که ایشان می کردند (۹) .

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُعْتَدُونَ ١٠

نگاه نمی دارند درباره هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه عهدرا وآن جماعت ایشانند از حددر گذشتگان (۱۰) .

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي
الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ١١

پس ا گر توبه کنند وبرپادارندنمازرا وبدهند زکوٰة را پس ایشان برادران شمااند دردین وواضح می سازیم آیات را برای گروهی که می دانند (۱۱) .

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ
وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ

و ا گر بشکنند سو گندان خویش را پس ازعهد بستن خویش وطعنه زنند دردین شما پس کارزار کنید باپیشوایان کفر

(۱) یعنی قریش که درحدیبیه بایشان صلح واقع شده بود .
(۲) یعنی تابع شهوات نفس شدند ایمانراترك كردند .

إِنَّهُمْ لَآ أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُوْنَ ﴿١٢﴾

هرآئينه سوگند نيست ايشان را، بُوَد كه ايشان بازمانند (١٢) .

أَلَا تُقَاتِلُوْنَ قَوْمًا نَّكَثُوْٓا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوْا
بِإِخْرَاجِ الرَّسُوْلِ وَهُمْ بَدَءُوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ
أَتَخْشَوْنَهُمْ ۚ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٣﴾

آياجنگ نمى كنيد با گروهى كه شكستند سوگندان خويش را وقصد كردند جلاوطن ساختن پيغامبررا وايشان ابتداكردند نقض عهد باشما اول مرتبه آيامى ترسيد ازايشان پس خدا سزاوار تراست بآنكه بترسيد از وى اگر مسلمانيد (١٣) .

قَاتِلُوْهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيْكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ
وَيَشْفِ صُدُوْرَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٤﴾

جنگ كنيد بايشان تاعذاب كند ايشان را خدابدستهاى شما ورسواسازدايشان را وفتح دهدشمارا برايشان و شفابخشد سينه هاىگروه مسلمان را (١٤) .

وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوْبِهِمْ ۗ وَيَتُوْبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللَّهُ
عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿١٥﴾

ودوركند اندوه دلهاى ايشان را وبرحمت باز گردد برهركه خواهد وخدا داناى استوار كار است (١٥) .

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوْا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِيْنَ جٰهَدُوْا مِنْكُمْ
وَلَمْ يَتَّخِذُوْا مِنْ دُوْنِ اللَّهِ وَلَا رَسُوْلِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِيْنَ وَلِيْجَةً ۚ
وَاللَّهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٦﴾

آياگمان كرديد كهگذاشته شويد[1] وهنوز متميز نه ساخته است خدا آنان را كه جهاد كرده اند از شماونه گرفته اند بجزخدا وبجزپيغامبر او وبجز مومنان هيچ دوست پنهانى وخدا داناست بآنچه مى كنيد (١٦) .

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِيْنَ أَنْ يَّعْمُرُوْا مَسٰجِدَ اللَّهِ شٰهِدِيْنَ عَلٰىٓ
أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ ۚ أُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۚ وَفِي النَّارِ هُمْ
خٰلِدُوْنَ ﴿١٧﴾

روانباشد مشركان را كه آباد سازند مسجد هاى خدارا اعتراف كرده برخود به كفر آن جماعت باطل شد عمل هاى ايشان ودرآتش هميشه باشند

(١) يعنى تكليف جهاد نشود .

گانند[1] (١٧) .

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسٰجِدَ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ اِلَّا اللّٰهَ فَعَسٰٓى اُولٰٓئِكَ اَنْ يَّكُوْنُوْا مِنَ الْمُهْتَدِيْنَ ﴿١٨﴾

جزاین نیست که عمارت می کند مسجد های خدارا کسیکه ایمان آورده است بخدا وبروزآخر وبرپاداشته است نمازرا وداده است زکوٰة ونه ترسیده است مگرازخدا پس توقع است که این جماعت ازراه یافتگان باشند (١٨) .

اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَآجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَجٰهَدَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ لَا يَسْتَوٗنَ عِنْدَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٩﴾

آیاکردید آب نوشانیدن حاجیان را وآباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی که ایمان آورده است بخدا و روز آخر وجهاد کرده است درراه خدا برابرنیستند نزدِ خدا وخدا راه نمی نمایدگروه ستمگاران را (١٩) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَهَاجَرُوْا وَجٰهَدُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ۙ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ ؕ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿٢٠﴾

وآنانکه ایمان آوردند وهجرت کردند وجهادنمودند در راه خدا باموال خویش وجان های خویش بزرگ تراند درمرتبه نزدِ خدا واین جماعت ایشانند مطلب یابان (٢٠) .

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَّجَنّٰتٍ لَّهُمْ فِيْهَا نَعِيْمٌ مُّقِيْمٌ ﴿٢١﴾

مژده دهدایشان را پروردگار ایشان برحمت ازنزدیك خودوبخوشنودی وببوستانها که ایشان را درآنجانعمت دائم بُوَد (٢١) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ؕ اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗٓ اَجْرٌ عَظِيْمٌ ﴿٢٢﴾

باشندگان آنجاهمیشه هرآئینه خدا نزدیك اوست مزد بزرگ (٢٢) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْٓا اٰبَآءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ

ای[2] مسلمانان دوست مگیرید پدران

(١) مترجم‌گوید تعریض است به جواب مفاخرت قریش بعمارت مسجد حرام .

(٢) مترجم‌گوید بعد غزوه فتح درترغیب بر جهاد مشرکین واهل کتاب نازل شد .

أَوْلِيَآءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيْمَانِ ۚ وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٣﴾

خودرا وبرادران خودرا اگراختیار کنند کفر را برایمان وهرکه ازشمادوستی دارد بایشان آن جماعت ایشانند ستمگاران (٢٣) .

قُلْ إِنْ كَانَ اٰبَآؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيْرَتُكُمْ وَأَمْوَالُ ۨاقْتَرَفْتُمُوْهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسٰكِنُ تَرْضَوْنَهَآ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَجِهَادٍ فِيْ سَبِيْلِهٖ فَتَرَبَّصُوْا حَتّٰى يَأْتِيَ اللّٰهُ بِأَمْرِهٖ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٢٤﴾

بگوا گرهستند پدران شما وپسران شما وبرادران شما و زنان شما وخویشاوندان شما وآن مالهائی که کسب کرده اید آن را وتجارتی که می ترسید از بی رواجی آن ومنزل هاکه پسندمی کنید آن را دوست تر نزدیك شما ازخدا ورسول او وازجهاد درراه او پس منتظر باشید تاآنکه بیارد خدا عقوبتِ خود را وخداراه نمی نماید گروه فاسقان را (٢٤) .

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِيْ مَوَاطِنَ كَثِيْرَةٍ ۙ وَّيَوْمَ حُنَيْنٍ ۙ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَّضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُّدْبِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

هرآئینه[1] فتح دادشمارا خدا درجاهای بسیار وروزحنین نیز چون به شگفت آورد شمارا بسیاری شما پس دفع نه کردآن بسیاری ازشما چیزی را وتنگ شدبرشما زمین باوجود فراخی آن پس بر گشتید پشت داده (٢٥) .

ثُمَّ أَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَأَنْزَلَ جُنُوْدًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَعَذَّبَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۗ وَذٰلِكَ جَزَآءُ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٢٦﴾

بازفروفرستاد خدای تعالی تسکین خود را برپیغامبر خود و برمومنان وفروفرستاد لشکر هائی که شما نه دیدیدایشان را وعقوبت کرد کافران را واین ست جزای کافران (٢٦) .

ثُمَّ يَتُوْبُ اللّٰهُ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ

بازبرحمت بازگردد خدا بعدازین برهرکه

---

(١) مترجم گوید درغزوه حنین شکست گونه بمسلمین رواداده بود بعد ازآن خدای تعالی نصرت دادوبجهت تذکیر نعمت این آیات فرستاد .

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٧﴾

خواهد[1] وخداآمرزنده مهربان است (٢٧) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّمَا ٱلْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا۟ ٱلْمَسْجِدَ ٱلْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا ۚ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦٓ إِن شَآءَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾

ای مسلمانان جزاین نیست که مشرکان پلیداند پس بایدکه نزدیك نشوند به مسجد حرام بعد ازین سال شان واگر می ترسید تنگدستی را[2] پس توانگر خواهد ساخت شمارا خدا ازفضل خود اگر خواهد هرآئینه خدا دانای درست کارست[3] (٢٨) .

قَٰتِلُوا۟ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا بِٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ ٱلْحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعْطُوا۟ ٱلْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَٰغِرُونَ ﴿٢٩﴾

جنگ کنید باآنانکه ایمان نمی آرند بخدا ونه به روزآخر وحرام نمی شمردند آنچه حرام کرده است خدا وپیغامبراو واختیار نمی کنند دین راست را ازاهل کتاب تاآنکه بدهندجزیه را ازدست خود خوارشدگان (٢٩) .

وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ عُزَيْرٌ ٱبْنُ ٱللَّهِ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى ٱلْمَسِيحُ ٱبْنُ ٱللَّهِ ۖ ذَٰلِكَ قَوْلُهُم بِأَفْوَٰهِهِمْ ۖ يُضَٰهِـُٔونَ قَوْلَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِن قَبْلُ ۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُ ۚ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٣٠﴾

وگفتند یهود که عزیر پسرخداست وگفتند نصاری که مسیح پسر خداست این قول ایشان ست بدهنهای شان[4] مشابهت کرده اند باسخن قومی که کافر شدند پیش ازین[5] لعنت کرد ایشان را خدا چگونه برگردانیده می شوند[6] (٣٠) .

---

(١) یعنی توفیق اسلام دهد هرکراخواهد ازکافران والله اعلم .

(٢) یعنی بسبب انقطاع سوداگران والله اعلم .

(٣) مترجم‌گوید خدایتعالی درباب جهاداهل کتاب وگرفتن جزیه ازایشان می فرماید.

(٤) یعنی اصلی ندارد .

(٥) یعنی مشرکان که ملائکه را دختران خدا می‌گویند .

(٦) یعنی ازراه صواب .

اِتَّخَذُوْٓا اَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ اَرْبَابًا مِّنْ
دُوْنِ اللّٰهِ وَالْمَسِيْحَ ابْنَ مَرْيَمَ ۚ وَمَآ اُمِرُوْٓا
اِلَّا لِيَعْبُدُوْٓا اِلٰهًا وَّاحِدًا ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۭ
سُبْحٰنَهٗ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٣١﴾

گرفتند دانشمندان وزاهدان خودرا پروردگاران بجزخدا ومسیح پسر مریم را ونه فرموده شده اند مگرآنکه عبادت کنندیك خدارا نیست هیچ معبود برحق بجزوی پاکست وی ازآنکه شریك اومقررمی کنند (۳۱) .

يُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّطْفِـُٔوْا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَيَاْبَى
اللّٰهُ اِلَّآ اَنْ يُّتِمَّ نُوْرَهٗ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ﴿٣٢﴾

می خواهند که فرونشانند نورخدارا بدهنهای شان[1] وقبول نکندخدا الّا آنکه تمام سازد نور خود را اگرچه ناخوش شوند کافران (۳۲) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ
لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ ۙ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ﴿٣٣﴾

اوست آنکه فرستادپیغامبر خودرا به هدایت ودین راست تاغالب کندش برادیان همه اگرچه ناخوش شوند مشرکان (۳۳) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ الْاَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ
لَيَاْكُلُوْنَ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّوْنَ عَنْ
سَبِيْلِ اللّٰهِ ۭ وَالَّذِيْنَ يَكْنِزُوْنَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ
وَلَا يُنْفِقُوْنَهَا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۙ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣٤﴾

ای مسلمانان هرآئینه بسیاری ازدانشمندان وزاهدان اهل کتاب می خورند اموال مردمان را به باطل وبازمی دارند ازراه خدا وآنانکه ذخیره می کنند زر و نقره را وخرج نمی نمایند آن را درراهِ خدا[2] بشارت ده این جماعت را به عذاب دردناك (۳٤) .

يَّوْمَ يُحْمٰى عَلَيْهَا فِيْ نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوٰى بِهَا جِبَاهُهُمْ
وَجُنُوْبُهُمْ وَظُهُوْرُهُمْ ۭ هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ فَذُوْقُوْا

روزی که گرم کرده شود[3] برآن مال درآتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن پیشانیهای ایشان را وپهلوهای ایشان را

---

(۱) یعنی به شبهات تقریرمی کنندرابطال دین والله اعلم .
(۲) یعنی زکوٰة نمی دهند .
(۳) یعنی دمیده شود .

مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُوْنَ ﴿٣٥﴾

وپشتهای ایشان را وگفته شود این ست آنچه ذخیره نهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید (٣٥) .

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُوْرِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِيْ
كِتٰبِ اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَآ
أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوْا
فِيْهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِيْنَ كَآفَّةً كَمَا
يُقَاتِلُوْنَكُمْ كَآفَّةً وَاعْلَمُوْآ أَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿٣٦﴾

هرآئینه شمار ماه ها نزدیك خدا دوازده ماه است درکتاب خدا روزی که آفرید آسمان ها و زمین رااازآن جمله چهارماه حرام است اینست دین درست پس ستم مکنید درآن چهار ماه برخویشتن[1] وجنگ کنیدبامشرکان همه ایشان چنانکه ایشان جنگ می کنندباهمه شما وبدانید که خدا بامتقیان است (٣٦) .

إِنَّمَا النَّسِيْٓءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا
يُحِلُّوْنَهٗ عَامًا وَّيُحَرِّمُوْنَهٗ عَامًا لِّيُوَاطِـُٔوْا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ
اللّٰهُ فَيُحِلُّوْا مَا حَرَّمَ اللّٰهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوْٓءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللّٰهُ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٣٧﴾

جزاین نیست که نَسِی زیادتی است درکفر گمراه‌گردانیده می شوند بآن کافران حلال می شمرند آن ماه رایك سال وحرام می شُمُرَند آن را سال دیگرتاموافقت کنند با شمارآنچه حرام ساخته است خداپس حلال سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا آراسته کرده شده است برای ایشان کردار های بدایشان وخداراه نمی نماید قوم کافران را[2] (٣٧) .

---

(١) مترجم گوید دردین حضرت ابراهیم مقرربودکه در محرم ورجب ذیقعده وذی الحجه بایك دیگر جنگ نه کنندا هل جاهلیت این حکم را تحریف کرده‌گاهی صفررامحرم می ساختند ومحرم را صفرو علی هذالقیاس واین را نسی می‌گفتند خدایتعالی اصل این حکم راباقی داشت باینوجه که جنگ ناحق هیچ‌گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن مغلظ میشود وجنگ با کافران همه وقت درست است ونفی تحریف ایشان فرمود .

(٢) یعنی بقتال ناحق .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَا لَكُمْ اِذَا قِيْلَ لَكُمُ انْفِرُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ ۭ اَرَضِيْتُمْ بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْاٰخِرَةِ ۚ فَمَا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا قَلِيْلٌ ﴿۳۸﴾

ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شماگفته می شود بیرون آئید درراه خدا گران شده میل می کنید بسوی زمین آیارضامند شدید به زندگانی دنیا عوض آخرت پس نیست متاع زندگانی دنیا دربرابرآخرت مگراندکی[1] (۳۸) .

اِلَّا تَنْفِرُوْا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ڏ وَّيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوْهُ شَـيْـــًٔـا ۭ وَاللّٰهُ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۳۹﴾

اگر بیرون نیائید عذاب کند شمارا عذابی درد دهنده وبدل شماگیردقومی را بجز شما وهیچ زیان نه رسانید خدارا وخدا برهمه چیز تواناناست (۳۹) .

اِلَّا تَنْصُرُوْهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّٰهُ اِذْ اَخْرَجَهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ثَانِيَ اثْنَيْنِ اِذْ هُمَا فِي الْغَارِ اِذْ يَقُوْلُ لِصَاحِبِهٖ لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا ۚ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلَيْهِ وَاَيَّدَهٗ بِجُنُوْدٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا السُّفْلٰى ۭ وَكَلِمَةُ اللّٰهِ هِىَ الْعُلْيَا ۭ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿۴۰﴾

اگر نصرت ندهید پیغامبرراچه باك هر آئینه نصرت داده است اوراخدای تعالی آنگاه که بیرون کردندش کافران دوم دوکس آنگاه که این دوکس درغاربودند آنگاه که می‌گفت یارخودرا[2] اندوه مخور هرآئینه خداباماست پس فروفرستادخدا تسکین خودرا برپیغامبر وقوت دادش به لشکر هائی که ندیدید آن را وفروترساخت سخن کافران را وسخن خدا همونست بلند وخداغالب درست کاراست (٤۰) .

---

(۱) مترجم‌گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم دروقت عسرت وگرمی هوامتوجه غزوه تبوك شدند و بسیاری ازصحابه موافقت کردند وازمسلمین سه کس بغیر عذر تخلف کردند وتوبه ایشان بعد پنجاه روز قبول افتادوازمنافقان کلمات نفاق سربرزد خدایتعالی درمدح اینان وذم آنان وعفوازآن سه کس آیات فرستاد .

(۲) یعنی ابوبکرصدیق را .

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

بیرون آئید سبك بارو گرانبار[1] وجهاد کنید بمالهای خویش وجانهای خویش درراه خدا این بهتر است شمارا اگرمی دانید (٤١) .

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ
وَلَٰكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ ۚ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ
لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٤٢﴾

اگربودی آنچه بآن دعوت می کنی نفع قریب الحصول وسفری آسان البته پیروی می کردندترا ولیکن دورشد برایشان مسافت راه و سوگند خواهند خوردبخدا که اگر می توانستیم بیرون می آمدیم باشما هلاك می کنند خویش را[2] وخدامی داند که ایشان دروغگویند (٤٢) .

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ
الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ ﴿٤٣﴾

عفوکندخدااز توچرا دستور اجازت دادی ایشان را تاآنوقت که بُوَد که هویدا شوند مرترا راستگویان وبدانی دروغگویان را (٤٣) .

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾

اجازت نمی طلبند ازتوآنانکه ایمان آورده اند بخدا وروزآخردرتخلف ازآنکه جهادکنندباموال خویش وجانهای خویش وخداداناست بمتقیان (٤٤) .

إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ
يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾

جزاین نیست که اجازت می طلبند ازتوآنانکه ایمان نمی آرند بخدا وروزآخر وشك آورده است دلهای ایشان پس ایشان درشك خود سرگردان می شوند (٤٥) .

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِنْ كَرِهَ

و اگر خواستندی بیرون آمدن مهیامی

---

(١) یعنی درحالیکه اسباب وحشم بسیار داریدیابجز قدر ضروری بدست شما نباشد و باین توجیه آیت محکم باشد غیر منسوخ والله اعلم .

(٢) یعنی بسوگند دروغ .

اللهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيْلَ اقْعُدُوْا
مَعَ الْقٰعِدِيْنَ ﴿٤٦﴾

کردند برای آن سفرسامان را ولیکن ناپسند داشت خدابرانگیختن ایشان را پس ازحرکت بازداشت ایشان را وگفته شدبنشینید بانشینندگان[1] (٤٦) .

لَوْ خَرَجُوْا فِيْكُمْ مَّا زَادُوْكُمْ اِلَّا خَبَالًا
وَّلَاۡاَوْضَعُوْا خِلٰلَكُمْ يَبْغُوْنَكُمُ الْفِتْنَةَ
وَفِيْكُمْ سَمّٰعُوْنَ لَهُمْ وَاللهُ عَلِيْمٌۢ بِالظّٰلِمِيْنَ ﴿٤٧﴾

اگربرمی آمدند میان شما نمی افزودنددرحق شما مگرفسادرا والبته مرکب می تاختند میان شما فتنه جویان درحق شما[2] ومیان شما سخن شنواندازایشان[3] وخدادانااست به ستمگاران (٤٧) .

لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوْا لَكَ الْاُمُوْرَ
حَتّٰى جَآءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ اَمْرُ اللهِ وَهُمْ كٰرِهُوْنَ ﴿٤٨﴾

هرآئینه طلب کرده بودند فتنه را پیش ازین وبگردانیدند برای تو مصلحت ها تاآنکه بیامد نصرت حق وغالب شدکارخدا وایشان ناخواهان بودند (٤٨).

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّقُوْلُ ائْذَنْ لِّيْ وَلَا تَفْتِنِّيْ اَلَا فِي
الْفِتْنَةِ سَقَطُوْا وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌۢ بِالْكٰفِرِيْنَ ﴿٤٩﴾

وازایشان کسی است که می‌گویداجازت ده مرا ودرفتنه میندازمرا[4] آگاه شوکه درفتنه افتاده اند وهر آئینه دوزخ دربر گیرنده است کافران را (٤٩) .

اِنْ تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَاِنْ تُصِبْكَ مُصِيْبَةٌ
يَّقُوْلُوْا قَدْ اَخَذْنَآ اَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَّهُمْ
فَرِحُوْنَ ﴿٥٠﴾

اگربرسد به تونعمتی ناخوش کند ایشان را و اگر برسد به تو مصیبتی گویند بدست آورده ایم مصلحت خود پیش ازین[5] وبگردند شادمان شده (٥٠) .

---

(١) واین تصویراست القای عزم مختلف رادرخاطر ایشان .

(٢) یعنی سعی درفتنه میکردند .

(٣) یعنی سخن ایشان قبول میکنند .

(٤) یعنی مرادربلادروم مبرید که جمال رومیان دیده مفتون خواهم شد والله اعلم.

(٥) یعنی پنهان بااعداء موافقت کرده ایم یاازسفر تخلف نموده ایم مارا هیچ باك =

قُلْ لَّنْ يُّصِيْبَنَآ اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا هُوَ مَوْلٰنَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿٥١﴾

بگو هرگزنه رسدبما مگرآنچه نوشته است خدا برای مااوست کارسازما وبرخدا بایدکه توکل کنند مسلمانان (۵۱) .

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُوْنَ بِنَآ اِلَّآ اِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ اَنْ يُّصِيْبَكُمُ اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهٖٓ اَوْ بِاَيْدِيْنَا فَتَرَبَّصُوْٓا اِنَّا مَعَكُمْ مُّتَرَبِّصُوْنَ ﴿٥٢﴾

بگوانتظار نمی برید درحق ما مگریکی ازدوخصلت نیك را[۱] ومماانتظار می کشیم درحقِ شما که برساندخدابه شما عذاب را ازنزدیك خود یا بدست ما پس انتظار کشید هرآئینه مانیزباشمامنتظرانیم (۵۲) .

قُلْ اَنْفِقُوْا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَّنْ يُّتَقَبَّلَ مِنْكُمْ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ﴿٥٣﴾

بگوای منافقان خرج کنید بخوشی یا ناخوشی هر گزقبول کرده نخواهد شد ازشما هرآئینه شماهستید قوم فاسقان (۵۳) .

وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقٰتُهُمْ اِلَّآ اَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَبِرَسُوْلِهٖ وَلَا يَاْتُوْنَ الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُوْنَ اِلَّا وَهُمْ كٰرِهُوْنَ ﴿٥٤﴾

وبازنداشت ایشان را ازآن که قبول کرده شودازایشان خرج ایشان الّاآنکه ایشان کافرشدندبخدا ورسول او ونمی آیند به نماز مگرکاهلی کنان وخرج نمی کنند مگر ناخواهان (٥٤) .

فَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿٥٥﴾

پس به شگفت نیارد ترا مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان جزاین نیست که می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را بآنها درزندگانی دنیا[۲] وبرآید جانهای ایشان وایشان کافرباشند (۵۵) .

وَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ اِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ

و سوگند می خورند بخداکه ایشان از

= نیست والله اعلم .

(۱) یعنی فتح یا شهادت .

(۲) یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف برآنچه فوت شود والله اعلم .

وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ﴿٥٦﴾

جرگهٔ شمااند ونیستند ایشان ازشما ولیکن ایشان جماعتی هستند که می ترسند (٥٦).

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغٰرٰتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ
وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾

اگر بیابند پناهی را یاغارهارا یاجای درآمدن را هرآئینه متوجه شوند بآن شتاب کنان (٥٧) .

وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقٰتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا
رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾

وازایشان کسی هست که عیب می کندترا درقسمت صدقات پس اگر داده شودایشان را ازآن خوشنود شوند واگرداده نه شوند ازآن ناگهان ایشان خشم می‌گیرند (٥٨) .

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتٰهُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا
حَسْبُنَا اللّٰهُ سَيُؤْتِينَا اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ
إِنَّا إِلَى اللّٰهِ رٰغِبُونَ ﴿٥٩﴾

و اگرایشان رضامند می شدند بآنچه داده است ایشان را خدا و رسول اوومی‌گفتند بس است ما را خدا، خواهد داد مارا خدا ازفضل خود ورسول اوهرآئینه مابسوی خداتوقع دارندگانیم (بهتر بودی) (٥٩) .

إِنَّمَا الصَّدَقٰتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسٰكِينِ وَالْعٰمِلِينَ عَلَيْهَا
وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغٰرِمِينَ وَفِي
سَبِيلِ اللّٰهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾

جزاین نیست که صدقه ها برای فقیران است وبی نوایان وکارکنان برجمع صدقات وآنانکه الفت داده می شود دلهای ایشان را[1] وبرای خرج کردن درآزادی برده هاوبرای وام داران وبرای خرج کردن درراه خدا[2] وبرای مسافران است حکم ثابت شده از نزدیك خدا وخدا دانای درست کاراست (٦٠) .

وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ

وازایشان آنانند که می دهندآزار پیغامبررا

---

(١) يعنى ضعيف الإسلام .

(٢) يعنى جهاد .

أُذُنُ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِيْنَ
وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ
رَسُوْلَ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٦١﴾

و مـی‌گـویـنـد وی سبـك‌گـوش اسـت[١] بگووی سبك‌گوش نیکوست برای شما باورمی کند گفتهٔ خداراوقبول می کند مشورت مسلمانان را ورحمت است برای اهل ایمان ازشما وآنانکه ایذامی دهند پیغامبرخدارا ایشان راست عذاب درد دهنده (٦١) .

يَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَكُمْ لِيُرْضُوْكُمْ وَاللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗۤ
اَحَقُّ اَنْ يُّرْضُوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٦٢﴾

سو گند می خورند بخدا برای شما تارضامندکنند شمارا وخدا و رسول او سزاوار تراند بآنکه رضامند سازند او را ا گر مسلمان اند (٦٢) .

اَلَمْ يَعْلَمُوْۤا اَنَّهٗ مَنْ يُّحَادِدِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاَنَّ لَهٗ
نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيْهَا ذٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيْمُ ﴿٦٣﴾

آیاندانستند که هرکه خلاف کند باخدا ورسول او پس هرآئینه اوراست آتش دوزخ جاویدان آنجا این ست رسوائی بزرگ (٦٣) .

يَحْذَرُ الْمُنٰفِقُوْنَ اَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُوْرَةٌ تُنَبِّئُهُمْ
بِمَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِءُوْا اِنَّ اللّٰهَ مُخْرِجٌ
مَّا تَحْذَرُوْنَ ﴿٦٤﴾

می ترسند منافقان ازآنکه فرودآورده شودبرمسلمانان سوره ای که خبردهد ایشان را بآنچه دردل های منافقان است بگومسخره کنید هرآئینه خداپدیدآرنده است چیزی را که می ترسید (٦٤) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ لَيَقُوْلُنَّ اِنَّمَا كُنَّا نَخُوْضُ وَنَلْعَبُ قُلْ
اَبِاللّٰهِ وَاٰيٰتِهٖ وَرَسُوْلِهٖ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٦٥﴾

و اگرسوال کنی ایشان راگویند جزاین نیست که ما درهزل شروع می نمودیم وبازی می کردیم بگو آیابخدا وآیت های او وپیغامبراو تمسخرمی کردید (٦٥) .

لَا تَعْتَذِرُوْا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ اِنْ نَّعْفُ عَنْ

عذرمگوئید هرآئینه شماکافریدبعدازایمان

---

(١) یعنی هرچه کسی‌گوید قبول می کند .

طَآئِفَةٍ مِّنكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةًۢ بِأَنَّهُمْ كَانُوا۟
مُجْرِمِينَ ٦٦

خود(۱) اگردر گذریم ازسرگروهی ازشما البته عذاب کنیم گروهی را بسبب آنکه ایشانگنهگاربودند (٦٦) .

ٱلْمُنَٰفِقُونَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتُ بَعْضُهُم مِّنۢ بَعْضٍ ۚ يَأْمُرُونَ
بِٱلْمُنكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ
أَيْدِيَهُمْ ۚ نَسُوا۟ ٱللَّهَ فَنَسِيَهُمْ ۗ إِنَّ ٱلْمُنَٰفِقِينَ
هُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ٦٧

مردمان منافق و زنان منافق بعض ایشان ازجنس بعض اند می فرمایند بکارِ ناپسندیده و منع می کنند ازکار پسندیده ومی بنددندستهای خودرا فراموش کردند خدارا پس خدافراموش ساخت ایشان راهرآئینه منافقان ایشانند فاسقان (٦٧) .

وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ
خَٰلِدِينَ فِيهَا ۚ هِىَ حَسْبُهُمْ ۚ وَلَعَنَهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَلَهُمْ
عَذَابٌ مُّقِيمٌ ٦٨

وعده داده است خدا مردان منافق را وزنان منافق را وکافران را آتش دوزخ همیشه باشندگان آنجا، دوزخ بس است ایشانرا ولعنت کردایشان را خدا وایشان راست عذاب دائم (٦٨) .

كَٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوٓا۟ أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ
أَمْوَٰلًا وَأَوْلَٰدًا فَٱسْتَمْتَعُوا۟ بِخَلَٰقِهِمْ فَٱسْتَمْتَعْتُم
بِخَلَٰقِكُمْ كَمَا ٱسْتَمْتَعَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَٰقِهِمْ
وَخُضْتُمْ كَٱلَّذِى خَاضُوٓا۟ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى
ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ٦٩

مانند آنانکه پیش ازشما بودند زیاده تر ازشمادرقوت وبیشتر دراموال واولاد پس بهره مند شدند به نصیبهٔ خویش(۲) پس شمانیز بهره مند شدید به نصیبهٔ خویش چنانکه بهره مند شدند آنانکه پیش ازشمابودند به نصیبهٔ خویش وشروع درهزل کردید چنانکه ایشان شروع درهزل کردند آن جماعت نابودشد عمل های ایشان دردنیا وآخرت وآن جماعت ایشانند زیان کاران (٦٩) .

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ

---

(۱) یعنی ایمان بزبان خود .

(۲) یعنی ازدنیا .

وَثَمُودَ ۙ وَقَوْمِ إِبْرَٰهِيمَ وَأَصْحَـٰبِ مَدْيَنَ وَٱلْمُؤْتَفِكَـٰتِ ۚ
أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِٱلْبَيِّنَـٰتِ ۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَـٰكِن
كَانُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾

آیانیامده است بایشان خبرآنانکه پیش ازایشان بودند قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابراهیم واهل مدین واهل موتفکات آمدندبایشان پیغامبران ایشان به نشانه های روشن پس هرگز نه شدکه خدا ظلم کند برایشان ولیکن ایشان برخویشتن ظلم میکردند (۷۰) .

وَٱلْمُؤْمِنُونَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ
يَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ
وَيُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَيُطِيعُونَ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ ۚ أُو۟لَـٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ ٱللَّهُ ۗ إِنَّ
ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾

ومردان مسلمانان وزنان مسلمانان بعض ایشان دوستان بعض اند می فرمایند بکارپسندیده ومنع کنند ازکار ناپسندیده وبرپامی دارند نمازرا ومی دهند زکوٰة را وفرمانبرداری می کنند خدا ورسول اورا این جماعت رحم خواهد کرد برایشان خدا هرآئینه خداغالب درست کاراست (۷۱) .

وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَـٰتِ جَنَّـٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا
ٱلْأَنْهَـٰرُ خَـٰلِدِينَ فِيهَا وَمَسَـٰكِنَ طَيِّبَةً فِى جَنَّـٰتِ عَدْنٍ ۚ
وَرِضْوَٰنٌ مِّنَ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

وعده کرده است خدامردان مسلمانان وزنان مسلمانان را بوستانها که میرود زیرآن جویها همیشه باشندگان آنجا وجایهای پاکیزه دربهشت های همیشه ماندن وخوشنودی خدابزرگ تراست ازهمه این ست پیروزی بزرگ (۷۲) .

يَـٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ جَـٰهِدِ ٱلْكُفَّارَ وَٱلْمُنَـٰفِقِينَ وَٱغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ وَ
مَأْوَىٰهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿٧٣﴾

ای پیغامبر جهاد کن باکافران[1] وجهاد کن بامنافقان[2] ودرشتی کن برایشان وجای ایشان دوزخ است ووی بدجایٔ است (۷۳) .

(۱) یعنی بسیف .
(۲) یعنی بزبان .

يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ مَا قَالُوا۟ ۚ وَلَقَدْ قَالُوا۟ كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا۟
بَعْدَ إِسْلَٰمِهِمْ وَهَمُّوا۟ بِمَا لَمْ يَنَالُوا۟ ۚ وَمَا نَقَمُوٓا۟ إِلَّآ أَنْ
أَغْنَىٰهُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُۥ مِن فَضْلِهِۦ ۚ فَإِن يَتُوبُوا۟ يَكُ خَيْرًا
لَّهُمْ ۖ وَإِن يَتَوَلَّوْا۟ يُعَذِّبْهُمُ اللّٰهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِى
الدُّنْيَا وَالْءَاخِرَةِ ۚ وَمَا لَهُمْ فِى الْأَرْضِ مِن
وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾

سوگند می خورند بخداکه نه گفته اند وهرآئینه‌گفته اند سخن کفر وکافرشده اند بعداسلام خویش وقصدکردند آنچه نیافتند[1] وانکارنکردند مگرآنکه توانگر ساخت ایشان را خدا ورسول او ازفضل خود[2] پس اگرتوبه کنند بهتر باشد ایشان را واگربر گردندازتوبه عذاب کندایشان را خدا عذاب درد دهنده دردنیا وآخرت ونیست ایشان را درزمین هیچ کارساز ونه هیچ یاری دهنده (٧٤) .

وَمِنْهُم مَّنْ عَٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ ءَاتَىٰنَا مِن فَضْلِهِۦ لَنَصَّدَّقَنَّ
وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّٰلِحِينَ ﴿٧٥﴾

وازیشان کسی هست که عهد بسته است باخدا البته اگربدهد مارااازفضل خود هر آئینه صدقه دهیم والبته باشیم ازنیکوکاران (٧٥) .

فَلَمَّآ ءَاتَىٰهُم مِّن فَضْلِهِۦ بَخِلُوا۟ بِهِۦ وَتَوَلَّوا۟ وَّهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾

پس وقتی که بداد ایشان را ازفضل خود بخیلی کردند بآن وبرگشتند اعراض کنان (٧٦) .

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُۥ بِمَآ أَخْلَفُوا۟
اللّٰهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا۟ يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾

پس خدای تعالی عاقبت حال ایشان ساخت نفاق را دردلهای ایشان تا روزی که ملاقات کنند باوی بشومی آنکه خلاف کردند باخدا آنچه وعده کرده بودند باوی و بشومی آنکه دروغ‌گفتند (٧٧) .

أَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُمْ وَأَنَّ
اللّٰهَ عَلَّٰمُ الْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾

آیاندانسته اند که خدا می داند سخن پنهان ایشان را و رازگفتن ایشان را وآنکه خدادانندهٔ غیب هاست (٧٨) .

---

(١) يعنى ايذای پیغمبر .
(٢) واین نوعی ازتحکم است والله اعلم .

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي
الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ ۙ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

آنانکه عیب می کنند، رغبت کنندگان را ازمسلمانان درصدقات وعیب می کنند آنان را که نمی یابند مگرمشقت خودرا[١] پس تمسخرمی کنند بایشان تمسخر کردخدابآن تمسخر کنندگان وایشان راست عذاب درد دهنده (٧٩) .

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً
فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾

آمرزش طلب کن برای ایشان یا آمرزش طلب مکن برای ایشان[٢] اگر آمرزش خواهی برای ایشان هفتادبار هرگز نیامرزد ایشان را خدا این بسبب آنست که ایشان کافرشدند بخداورسول او وخدا راه نمی نمایدگروه فاسقان را (٨٠) .

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ ۗ
قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا ۚ لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾

شادمان شدند پس ماندگان به نشستن خویش برخلاف پیغمبرخدا وناپسندکردند که جهاد کنند باموال خویش وبه جانهای خویش در راه خدا وگفتند بایکدیگربیرون مروید درگرمی بگوآتش دوزخ سخت تراست درگرمی اگردرمی یافتندی (چنین نکردندی) (٨١) .

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا
كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾

پس باید که بخندنداندکی وبگریند بسیاری سزای آنچه می‌کردند[٣] (٨٢) .

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ

پس اگر بازآردترا خدای تعالی بسوی گروهی ازایشان پس دستوری طلبند

(١) یعنی بمزدوری چیزی پیدامیکنند وصدقه میدهند .

(٢) یعنی هردوصورت یکسان است .

(٣) مترجم‌گوید مرادخبرست باآنکه دردنیا خواهند خندیدودرآخرت خواهندگریست .

فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوْا مَعِيَ اَبَدًا وَّلَنْ تُقَاتِلُوْا مَعِيَ عَدُوًّا ۭ اِنَّكُمْ
رَضِيْتُمْ بِالْقُعُوْدِ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخٰلِفِيْنَ ﴿٨٣﴾

ازتوبرای بیرون آمدن[1] بگوبیرون
نخواهید آمدبامن هرگز وجنگ نخواهید
کرد همراه من باهیچ دشمنی هرآئینه شما
رضامندشدید به نشستن اول بار پس
بنشینید باپس ماندگان (۸۳) .

وَلَا تُصَلِّ عَلٰٓي اَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّاتَ اَبَدًا وَّلَا تَقُمْ عَلٰي قَبْرِهٖ ۭ
اِنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَمَاتُوْا وَهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٨٤﴾

و(یامحمد) نمازمگذاربرهیچ یکی ازایشان
که بمیرد، هرگز ومایست بگور وی
هرآئینه ایشان کافرشدند بخداورسول او
ومردند وایشان فاسق بودند (۸٤) .

وَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَاَوْلَادُهُمْ ۭ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّعَذِّبَهُمْ
بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿٨٥﴾

وبشگفت نیارد ترا اموال ایشان ونه
فرزندان ایشان جزاین نیست که می
خواهدخدا که عقوبت کند ایشان را بآن
دردنیا وبیرون شود روح ایشان وایشان
کافرباشند (۸۵) .

وَاِذَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ اَنْ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَجَاهِدُوْا مَعَ رَسُوْلِهِ
اسْتَاْذَنَكَ اُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوْا ذَرْنَا نَكُنْ مَّعَ الْقٰعِدِيْنَ ﴿٨٦﴾

وچون فرودآورده شود سورتی باین
مضمون که ایمان آرید بخدا وجهاد کنید
همراه رسول او دستوری می طلبند
ازتوخداوندان وسعت ازایشان و
گویندبگذار مارا تاباشیم بانشستگان (۸٦) .

رَضُوْا بِاَنْ يَّكُوْنُوْا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلٰي قُلُوْبِهِمْ
فَهُمْ لَا يَفْقَهُوْنَ ﴿٨٧﴾

راضی شدند بآنکه باشند با زنانِ پس
مانده ومهرنهاده شد بردلهای ایشان پس
ایشان فهم نمی کنند (۸۷) .

لٰكِنِ الرَّسُوْلُ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ جٰهَدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ
وَاَنْفُسِهِمْ ۭ وَاُولٰۗىِٕكَ لَهُمُ الْخَيْرٰتُ ۡ وَاُولٰۗىِٕكَ
هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٨٨﴾

لیکن پیغامبر وآنانکه ایمان آوردند
بااو جهاد کردند باموال خود وجان
های خود واین جماعت ایشان
راست نیکی ها واین جماعت ایشانند

(۱) یعنی برای احرازغنائم .

رستگاران (۸۸) .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾

آماده ساخته است خدابرای ایشان بوستانها میرود زیرآن جویها جاویدان آنجا این ست پیروزی بزرگ (۸۹) .

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾

وآمدند اهلِ عذر ازصحرای نشینان تادستوری داده شود ایشان راو نشستند آنانکه دروغ گفتند باخداورسول او (یعنی دراظهار اسلام) خواهد رسیدبکافران ازایشان عذاب درد دهنده (۹۰) .

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩١﴾

نیست برناتوانان ونه بر بیماران ونه بر آنانکه نه می یابند آنچه خرج کنند هیچ گناهی چون نیك خواهی کنند باخداورسول او نیست برنیکوکاران هیچ راه عتاب وخدا آمرزندهٔ مهربان است (۹۱) .

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ ﴿٩٢﴾

ونه بر آنانکه چون بیایند پیش تو تا سواری دهی ایشان را گوئی نمی یابم آنچه سوارکنم شمارا برآن باز گردند وچشم های ایشان روان باشد باشك بجهت اندوه که نمی یابند آنچه خرج کنند (۹۲) .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٩٣﴾

جزاین نیست که راه عتاب برآنان ست که دستوری می طلبند ازتو وایشان توانگرانند راضی شدند بآنکه باشند بازنان پس مانده ومُهر نهاد خدا بردلهای ایشان پس ایشان نمی فهمند (۹۳) .

يَعْتَذِرُوْنَ اِلَيْكُمْ اِذَا رَجَعْتُمْ اِلَيْهِمْ ؕ قُلْ لَّا
تَعْتَذِرُوْا لَنْ نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّاَنَا اللّٰهُ مِنْ اَخْبَارِكُمْ ؕ وَ
سَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهٗ ثُمَّ تُرَدُّوْنَ اِلٰى عٰلِمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٤﴾

عذرخواهی کنند پیش شما چون بازآئید بسوی ایشان بگوعذرخواهی مکنید باورنکنیم سخن شمارا هرآئینه آگاه ساخته است خدامارا به بعض خبرهای شما وخواهد دیدخدا ورسول او عمل شمارا (یعنی دردنیا) سپس بازگردانیده شوید بسوی عالم الغیب وآشکار پس خبردهدشمارا بآنچه میکردید (٩٤) .

سَيَحْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَكُمْ اِذَا انْقَلَبْتُمْ اِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوْا عَنْهُمْ ؕ
فَاَعْرِضُوْا عَنْهُمْ ؕ اِنَّهُمْ رِجْسٌ ۫ وَّمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۚ جَزَآءًۢ بِمَا
كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٩٥﴾

سوگند خواهند خورد بخدا پیش شما چون بازآئید بسوی ایشان تا روبگردانید ازایشان پس شما روبگردانید ازایشان هرآئینه ایشان پلیداند وجای ایشان دوزخ است سزای آنچه میکردند(٩٥) .

يَحْلِفُوْنَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۚ فَاِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ
لَا يَرْضٰى عَنِ الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٩٦﴾

سوگند میخورند برای شما تا رضا مند شوید ازایشان پس ا گر رضامند شوید ازایشان هرآئینه خدا رضامند نشود ازگروه فاسقان (٩٦) .

اَلْاَعْرَابُ اَشَدُّ كُفْرًا وَّنِفَاقًا وَّاَجْدَرُ اَلَّا يَعْلَمُوْا
حُدُوْدَ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُوْلِهٖ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٩٧﴾

صحرانشینان سخت تراندرکفرو نفاق[1] وسزاوار تراند بآنکه ندانندااحکام شریعتی را که نازل کرده است خدا برپیغامبرخود وخدا دانای درست کاراست (٩٧) .

وَمِنَ الْاَعْرَابِ مَنْ يَّتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَّيَتَرَبَّصُ
بِكُمُ الدَّوَآئِرَ ؕ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ السَّوْءِ ؕ وَاللّٰهُ
سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٩٨﴾

وازاعراب کسی هست که تاوان می‌شمارد چیزی را که خرج می‌کند وانتظارمی کشد درحق شما مصائب را برایشان باد مصیبتِ بد وخدا شنوای داناست (٩٨) .

وَمِنَ الْاَعْرَابِ مَنْ يُّؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَتَّخِذُ

وازاعراب کسی هست که ایمان می آرد

(١) یعنی به نسبت اهل شهر .

مَا يُنْفِقُ قُرُبٰتٍ عِنْدَ اللّٰهِ وَصَلَوٰتِ الرَّسُوْلِ ۭ اَلَآ
اِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۭ سَيُدْخِلُهُمُ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۭ اِنَّ
اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٩٩﴾

بخدا وروزآخر ومی شمارد چیزی را که خرج می کند سبب قربت نزد خدا ووسیلهٔ دعای نیك پیغامبر آ گاه باش هر آئینه وی قربتست ایشان را داخل خواهد کرد ایشان را خدا دررحمت خود هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربان است (۹۹) .

وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِيْنَ
اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ ۙ رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ وَاَعَدَّ لَهُمْ
جَنّٰتٍ تَجْرِيْ تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۭ ذٰلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيْمُ ﴿١٠٠﴾

وسبقت کنندگان نخستین ازمهاجران وانصار وآنانکه پیروی ایشان کردند به نیکوکاری خوشنود شد خدا ازین جماعت وایشان خوشنود شدنداازوی وآماده ساخت برای ایشان بوستانهائی که میرود زیرآن جویها جاویدان آنجاهمیشه، این ست پیروزی بزرگ (۱۰۰) .

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ مُنٰفِقُوْنَ ۭ وَمِنْ اَهْلِ
الْمَدِيْنَةِ ڀ مَرَدُوْا عَلَى النِّفَاقِ ۣ لَا تَعْلَمُهُمْ ۭ نَحْنُ
نَعْلَمُهُمْ ۭ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّوْنَ اِلٰى عَذَابٍ عَظِيْمٍ ﴿١٠١﴾

ازآنانکه دوروبر شمایند ازاعراب منافقانند وبعضی ازاهل مدینه خوی نفاق دارند تونمی دانی ایشان را مامیدانیم ایشان را عذاب خواهیم دادایشانرا دوبار[1] سپس بازگردانیده شوند بسوی عذاب بزرگ (۱۰۱) .

وَاٰخَرُوْنَ اعْتَرَفُوْا بِذُنُوْبِهِمْ خَلَطُوْا عَمَلًا صَالِحًا وَّاٰخَرَ سَيِّئًا ۭ
عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّتُوْبَ عَلَيْهِمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٠٢﴾

ودیگران هستند که اقرار کردند بگناهان خود آمیخته اند عمل نیك را باعمل دیگرکه بَدَست، نزدیك ست که خدا برحمت متوجه شود برایشان هرآئینه خداآمرزندهٔ مهربانست (۱۰۲) .

خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيْهِمْ بِهَا وَصَلِّ

بگیرازاموال ایشان زکوٰة راتاپاك سازی ایشان را وبابرکت کنی ایشان را بآن

---

(۱) یعنی درمیان مسلمانان ذلیل شوند ودراموال واولاد آفات بینند .

عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾

ودعای خیر کن برای ایشان هرآئینه دعای تو سبب آرامش است ایشان را وخدا شنوای داناست (١٠٣) .

أَلَمْ يَعْلَمُوٓا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِۦ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَٰتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾

آیاندانسته اند که خدا اوست که توبه قبول می‌کند ازبندگان خود ومیگیرد صدقات را وآنکه خدااوست توبه پذیرندۀ مهربان (١٠٤) .

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُۥ وَالْمُؤْمِنُونَ ۖ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾

وبگوعمل کنید پس زود خواهد دید خدا ورسول او ومومنان عمل شمارا و زود بازگردانیده خواهید شد بسوی دانندۀ پنهان و آشکار پس خبردهد شمارا بآنچه می‌کردید (١٠٥) .

وَءَاخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

ودیگران اند موقوف داشته شده برفرمان خدا یااین ست که عذاب دهدایشان را یابرحمت متوجه شودبرایشان وخداداناى درست کاراست (١٠٦) .

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًۢا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُۥ مِن قَبْلُ ۚ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّا الْحُسْنَىٰ ۖ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٠٧﴾

وازایشان آنانند که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن وبجهت کفر وبرای تفرقه افگندن میان مسلمانان وکمین گاه ساختن برای آنانکه جنگ کرده اند باخداو رسول او پیش ازین والبته سوگند خورند که نخواسته ایم مگرخصلت نیك را وخدا گواهی میدهد که ایشان دروغگویانند[1] (١٠٧) .

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ۚ لَّمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ

مایست آنجاهرگز ، هرآئینه مسجدی که

---

(١) مترجم گوید جماعتی ازمنافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تاتفریق مسلمین باشدو کمینگاه کافران خدای تعالی بهدم آن امر فرمود والله اعلم .

أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ۚ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ۚ وَاللَّهُ
يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ﴿١٠٨﴾

بنیاد نهاده شده است برنیت تقوی ازروزاوّل بهترست که بایستی درآن، آنجامردانی اند که دوست میدارند که پاك شوند وخدا دوست میدارد پاك شوندگان را (١٠٨) .

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ
أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي
نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٩﴾

آیا کسی که بنیاد نهاد عمارت خودرا برترس ازخدا وخوشنودی اوبهترست یاآنکه بنیاد نهاده است عمارت خودرا برکنارۀ زمینِ رودخوردۀ درحال افتادن پس افتادباصاحب خوددرآتش دوزخ وخدا راه نمی نماید گروه ستمگاران را[۱] (١٠٩) .

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ
تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١١٠﴾

همیشه باشد عمارت ایشان که بناکرده اند[۲] سبب شك دردلِ ایشان مگرآنکه پاره پاره شوددلهای ایشان وخدا دانای درست کاراست (١١٠) .

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ
يُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۚ فَاسْتَبْشِرُوا
بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

هرآئینه خداخریده است ازمسلمانان جانهای ایشان ومالهای ایشان را بعوض آنکه ایشان را باشد بهشت، جنگ می‌کنند درراه خدا پس می کشند وکشته می‌شوند وعدۀ لازمی است برخدا ثابت درتورات وانجیل وقرآن وکیست وفاکننده تر بعهدخویش از خدا پس شادمان باشید باین فروختن خود که

(١) عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است ازاخلاص دراعمال وعمارت شاختن برکنارۀ رودخورده کنایت ازریاوعُجب دراعمال والله اعلم .

(٢) یعنی مسجد ضرار .

معامله کردید بآن واین است پیروزی بزرگ (١١١) .

اَلتَّآئِبُوْنَ الْعٰبِدُوْنَ الْحٰمِدُوْنَ السَّآئِحُوْنَ الرّٰكِعُوْنَ السّٰجِدُوْنَ الْاٰمِرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰفِظُوْنَ لِحُدُوْدِ اللّٰهِ ؕ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٢﴾

ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، سفرکنندگانند درراه خدا، رکوع وسجده کنندگانند، فرمایندگانند بکارپسندیده ومنع کنندگانند ازناپسندیده و نگاه دارندگانند احکام خدا را ومژده دِه مسلمانان را (١١٢) .

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَنْ يَّسْتَغْفِرُوْا لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْۤا اُولِيْ قُرْبٰى مِنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿١١٣﴾

روانبُوَد پیغامبررا و نه مسلمانان را که طلب آمرزش کنند برای مشرکان اگر چه خویشاوند باشند بعدازآنکه ظاهر شد ایشان را که آنگروه اهل دوزخ اند (١١٣).

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَاۤ اِيَّاهُ ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗۤ اَنَّهٗ عَدُوٌّ لِّلّٰهِ تَبَرَّاَ مِنْهُ ؕ اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ لَاَوَّاهٌ حَلِيْمٌ ﴿١١٤﴾

ونبودآمرزش خواستن ابراهیم برای پدرخود مگربخاطر وعده ای که کرده بود باوی پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خداست بیزار شد از وی هرآئینه ابراهیم دردمند بُردبار بود (١١٤) .

وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَوْمًاۢ بَعْدَ اِذْ هَدٰىهُمْ حَتّٰى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَّا يَتَّقُوْنَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿١١٥﴾

وهرگز نیست که خداگمراه کند قومی را[١] بعد ازآنکه هدایت نموده باشدایشان را تاآنکه واضح سازد برایشان آنچه از وی پرهیزکنند هرآئینه خدا بهر چیزداناست[٢] (١١٥) .

---

(١) یعنی درحساب‌گمراهان نمی شمارد قومی را .

(٢) یعنی تاپیغامبر نه آید تبلیغ نکند معذوراند فتح .

اِنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۭ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿١١٦﴾

هرآئینه خدا ویراست پادشاهی آسمان هاوزمین زنده می کند و می میراند ونیست شمارا بجزوی هیچ کارسازی ویاری دهنده ای (١١٦) .

لَقَدْ تَّابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهٰجِرِيْنَ وَالْاَنْصَارِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ فِيْ سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْۢ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيْغُ قُلُوْبُ فَرِيْقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ ۭ اِنَّهٗ بِهِمْ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١١٧﴾

هرآئینه برحمت متوجه شد خدا برپیغامبر وآن مهاجران وانصار که پیروی وی کردند دروقت تنگ دستی بعدازآنکه نزدیك بود که منحرف شود دلهایگروهی ازایشان بازبرحمت متوجه شد برایشان هرآئینه وی برایشان بخشایندهٔ مهربان است (١١٧) .

وَّعَلَى الثَّلٰثَةِ الَّذِيْنَ خُلِّفُوْا ۭ حَتّٰٓي اِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ اَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوْٓا اَنْ لَّا مَلْجَاَ مِنَ اللّٰهِ اِلَّآ اِلَيْهِ ۭ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوْبُوْا ۭ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ﴿١١٨﴾

وبرآن سه کس که موقوف داشته شدند تاآنکه تنگ شد برایشان زمین باوجود فراخی آن وتنگ شدبرایشان جانهای ایشان ودانستند که پناهی نیست ازخدا مگر بسوی اوبازخدا برحمت متوجه شدبرایشان تاایشان رجوع کنند[1] هرآئینه خدا توبه پذیرندهٔ مهربانست (١١٨) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُوْنُوْا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿١١٩﴾

ای مسلمانان بترسید ازخدا وباشید باراستگویان (١١٩) .

مَا كَانَ لِاَهْلِ الْمَدِيْنَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ اَنْ يَّتَخَلَّفُوْا عَنْ رَّسُوْلِ اللّٰهِ وَلَا يَرْغَبُوْا بِاَنْفُسِهِمْ عَنْ نَّفْسِهٖ ۭ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ لَا يُصِيْبُهُمْ ظَمَاٌ وَّلَا نَصَبٌ وَّلَا مَخْمَصَةٌ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا يَطَـُٔـوْنَ مَوْطِئًا يَّغِيْظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُوْنَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا اِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهٖ

لایق نبُوَد اهل مدینه را وآنانراکه حوالی ایشانند ازاعراب که بازپس مانند ازهمراهیِ رسولِ خدا ونه آنانکه رغبت کنند درحفظ خویش اعراض کرده ازذاتِ رسول خدا این بسبب آنست که نمی رسدبایشان تشنگی ونه رنج ونهگرسنگی

---

(١) یعنی بمقام قریب .

عَمَلٌ صَالِحٌ ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيْعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٢٠﴾

دراهِ خدا وننهندگامی بر جائی که بخشم آرد کافران را وبدست نمی آرند ازدشمن هیچ دست آوردی مگرنوشته شودبرای ایشان بسبب آن عمل صالح هرآئینه خدا ضائع نمی‌کند مزدنیکوکاران را (١٢٠).

وَلَا يُنْفِقُوْنَ نَفَقَةً صَغِيْرَةً وَّلَا كَبِيْرَةً وَّلَا يَقْطَعُوْنَ
وَادِيًا اِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا كَانُوْا
يَعْمَلُوْنَ ﴿١٢١﴾

وخرج نمی کنند هیچ خرجی چه اندك وچه بسیار وطی نمی کنند هیچ میدانی را مگرنوشته شود برای ایشان عمل صالح تاجزا دهدایشان را خداپاداش نیکوترین آنچه می کردند (١٢١).

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُوْنَ لِيَنْفِرُوْا كَاۗفَّةً ۭ فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ
فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَاۗىِٕفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوْا فِي الدِّيْنِ وَلِيُنْذِرُوْا
قَوْمَهُمْ اِذَا رَجَعُوْٓا اِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُوْنَ ﴿١٢٢﴾

وممكن نیست مومنان را که برآیند[1] همه یك جا پس چرا بیرون نیآید ازهر جمعی ازایشان چند کس تادانشمند شوند دردین و تا بیم دهند قوم خودرا چون بازآیند بسوی ایشان بُوَد که ایشان بترسند[2] (١٢٢).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَاتِلُوا الَّذِيْنَ يَلُوْنَكُمْ مِّنَ
الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوْا فِيْكُمْ غِلْظَةً ۭ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ
الْمُتَّقِيْنَ ﴿١٢٣﴾

ای مسلمانان جنگ کنید بآنانکه نزدیك شمایند ازکافران وبایدکه کافران بیابند درشمادرشتی را وبدانید که خدا بامتقیان است (١٢٣).

وَاِذَا مَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّقُوْلُ اَيُّكُمْ
زَادَتْهُ هٰذِهٖٓ اِيْمَانًا ۚ فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَزَادَتْهُمْ
اِيْمَانًا وَّهُمْ يَسْتَبْشِرُوْنَ ﴿١٢٤﴾

وچون فرودآورده شود سوره ای پس ازمنافقان کسی هست که می‌گوید درحق کدام یك ازشما افزوده است این سوره ایمان را امّااهل ایمان پس بتحقیق افزوده است درحق ایشان ایمان را

---

(١) یعنی به طلب علم.

(٢) یعنی طلب علم دین فرض کفایه است.

وایشان شادمان می شوند (۱۲٤) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا اِلٰى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوْا وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿١٢٥﴾

واما آنانکه دردلهای ایشان بیماریست پس افزوده است درحق ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان ومُردند وایشان کافربودند (۱۲۵) .

اَوَلَا يَرَوْنَ اَنَّهُمْ يُفْتَنُوْنَ فِيْ كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً اَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوْبُوْنَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُوْنَ ﴿١٢٦﴾

آیانمی بینند که ایشان سزاداده می‌شوند درهرسال یك بار یادوبار[1] بازتوبه نمی کنند ونه ایشان پندمی‌گیرند (۱۲٦) .

وَاِذَا مَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ هَلْ يَرٰىكُمْ مِّنْ اَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوْا صَرَفَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ ﴿١٢٧﴾

وچون فرودآورده شود سوره ای[2] نظرکنند بعض ایشان به بعضی باشرمندگی وگویدآیا می بیند هیچ کس شمارا؟ پس بازگردند[3]، بازگردانیده است خداادلهای ایشان را بسبب آنکه ایشان‌گروهی هستند که نمی دانند (۱۲۷) .

لَقَدْ جَآءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢٨﴾

به تحقیق ای مسلمانان آمده است به شما پیغامبری ازقبیله شما دشوارست بروی رنج شما حریص است برهدایت شما به مسلمانان بخشاینده مهربان است (۱۲۸) .

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿١٢٩﴾

پس اگر بازگردند بگوبس است مراخدا، هیچ معبود برحقی نیست بجزوی، بروی توکل کردم واوخداوندِ عرش بزرگ است[4] (۱۲۹) .

---

(۱) یعنی باامراض ومصائب .

(۲) یعنی سوره ای که دروی بیان نفاق ایشان باشد .

(۳) یعنی بخانه های خود .

(٤) یعنی چنانکه قادرست عرش رانگاه می دارد و ترا نیز نگاه می دارد ازشرِ کافران ومنافقان .

سُوْرَةُ يُوْنُسَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الٓرٰ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِيْمِ ﴿١﴾

اَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا اَنْ اَوْحَيْنَآ اِلٰى رَجُلٍ مِّنْهُمْ اَنْ اَنْذِرِ النَّاسَ
وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ قَالَ
الْكٰفِرُوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٢﴾

اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ ؕ مَا مِنْ شَفِيْعٍ اِلَّا مِنْۢ
بَعْدِ اِذْنِهٖ ؕ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٣﴾

اِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا ؕ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ؕ اِنَّهٗ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيْدُهٗ لِيَجْزِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ بِالْقِسْطِ ؕ
وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيْمٍ وَّعَذَابٌ اَلِيْمٌۢ بِمَا كَانُوْا
يَكْفُرُوْنَ ﴿٤﴾

هُوَ الَّذِيْ جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَآءً وَّالْقَمَرَ نُوْرًا وَّقَدَّرَهٗ مَنَازِلَ
لِتَعْلَمُوْا عَدَدَ السِّنِيْنَ وَالْحِسَابَ ؕ مَا خَلَقَ اللّٰهُ ذٰلِكَ اِلَّا بِالْحَقِّ ۚ

سورهٔ یونس مکی است وآن یك صد و نه آیت ویازده رکوع است

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

الٓر، این آیت های کتاب باحکمت است (١) .

آیاتعجب است مردمان را که وحی فرستادیم بسوی مردی ازایشان که بترسان مردمان را وبشارت ده مسلمانان را بآنکه ایشانرا هست جای پای نیکی نزد پروردگار ایشان، گفتند کافران هرآئینه این شخص جادوگر آشکاراست (٢) .

هرآئینه پروردگار شما خدائیست که آفرید آسمان ها وزمین را درشش روز بازمستقرشد برعرش تدبیر می‌کند کاررا نیست هیچ شفاعت کننده مگربعد دستور وی، این ست خداپروردگار شماپس بپرستید اورا آیاپندنمی‌گیرید (٣) .

بسوی اوست رجوع شماهمه یك جا وعده کرده است خدا وعدهٔ درست هرآئینه وی ابتداکند آفرینش را بازدیگر باربازگرداندش تاجزا دهد آنان را که ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند بانصاف وآنانکه کافرشدند ایشان راست آشامیدنی ازآب گرم وعقوبت درد دهنده بسبب آنکه کافربودند (٤) .

اوآنست که ساخت خورشید را درخشنده وماه را روشن ومعین کردبرای ماه منزل هاراتابدانید شمارسال هاو تابدانید

يُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٥﴾

حساب را نیافریده است خدای تعالی این را مگر به تدبیر درست بیان می کند نشانها را برای گروهی که میدانند (٥) .

اِنَّ فِي اخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَّقُوْنَ ﴿٦﴾

هرآئینه درآمد ورفت شب وروز ودرآنچه آفریده است خدا درآسمان ها وزمین نشانه هاست گروهی را که پرهیزگاری می‌کنند (٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا وَرَضُوْا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
وَاطْمَاَنُّوْا بِهَا وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنْ اٰيٰتِنَا غٰفِلُوْنَ ﴿٧﴾

هرآئینه آنانکه امید ندارند ملاقات مارا وخوشنود شده اند به زندگانی دنیا وآرام گرفته اند بآن وآنانکه ازنشانه های ما بی خبراند (٧) .

اُولٰٓئِكَ مَاْوٰىهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٨﴾

این جماعت جای ایشان آتش ست به سبب آنچه عمل می کردند (٨) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ يَهْدِيْهِمْ رَبُّهُمْ
بِاِيْمَانِهِمْ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ فِيْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ﴿٩﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند هدایت کند ایشان را پروردگار بسبب ایمانِ ایشان یعنی بمقامات نجات، میرود زیرایشان جویهادر بوستانهای نعمت (٩) .

دَعْوٰىهُمْ فِيْهَا سُبْحٰنَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيْهَا سَلٰمٌ وَاٰخِرُ
دَعْوٰىهُمْ اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠﴾

دعای ایشان درآنجا سبحانك اللّٰهم باشد یعنی پاکی تراست بارِ خدایاو دعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بُوَد و نهایت دعای ایشان این ست که حمد خداراست پروردگار عالمیان (١٠) .

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ
اِلَيْهِمْ اَجَلُهُمْ فَنَذَرُ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا فِيْ
طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿١١﴾

و اگر زود می‌رساند خدای تعالی بمردمان سختی رامانند آنکه زود می‌طلبندنعمت را بانجام رسانیده می‌شد در حق ایشان اجل ایشان پس می گذاریم آنان را که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده دربیراهیِ خویش (١١) .

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهٖٓ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَآئِمًا ۚ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهٗ مَرَّ كَأَنْ لَّمْ يَدْعُنَآ إِلٰى ضُرٍّ مَّسَّهٗ ۚ كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِيْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٢﴾

وچون رنج برسد بآدمی دعاکند ببارگاه ما خفته برپهلوی خود یانشسته یا ایستاده پس آنگاه که برداشتیم ازوی رنج وی را برود گویا نخوانده بودمارا بدفع کردن رنجی که رسیدش هم چنین آراسته کرده شداز حد گذرندگان را آنچه می کردند (١٢) .

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُوْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا ۙ وَجَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ وَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا ۚ كَذٰلِكَ نَجْزِى الْقَوْمَ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٣﴾

وهرآئینه هلاك کرده ایم قرن هارا پیش ازشما چون ستم کردند وآمدند بایشان پیغامبران ایشان بانشانه های روشن وهرگز آمادهٔ آن نبودند که ایمان آرند هم چنین سزا می‌دهیم گروه گناه گاران را (١٣) .

ثُمَّ جَعَلْنٰكُمْ خَلٰٓئِفَ فِى الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُوْنَ ﴿١٤﴾

بازجانشین ساختیم شمارا در زمین پس ازایشان تاببینیم چگونه کار می‌کنید (١٤) .

وَإِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ ۙ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ لِقَآءَنَا ائْتِ بِقُرْاٰنٍ غَيْرِ هٰذَآ أَوْ بَدِّلْهُ ۚ قُلْ مَا يَكُوْنُ لِيْٓ أَنْ أُبَدِّلَهٗ مِنْ تِلْقَآئِ نَفْسِيْ ۚ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوْحٰٓى إِلَيَّ ۚ إِنِّيْٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿١٥﴾

و چون خوانده شود برایشان آیات واضح ما گویند آنانکه امیدملاقات ما را ندارند بیار قرآنی بجزاین یاتغییر دِه اورا[1] بگوروا نَبُوَد مرا که تبدیل کنمش از جانب خود پیروی نمی کنم مگر آنچه را که وحی فرستاده شد بسوی من هرآئینه من می ترسم اگر نافرمانی پروردگار خودکنم ازعذاب روز بزرگ (١٥) .

قُلْ لَّوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهٗ عَلَيْكُمْ وَلَآ أَدْرٰىكُمْ بِهٖ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيْكُمْ عُمُرًا مِّنْ قَبْلِهٖ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿١٦﴾

بگو اگر خدامی خواست نمی خواندم آن رابرشما وخبردار نمی‌کرد خدا شمارابآن هرآئینه گذرانده ام در میان شما

(١) یعنی تاموافق عقائد باطلهٔ ایشان باشد .

عمری پیش ازاین آیادرنمی یابید (١٦) .

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ
إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾

پس کیست ستمگارتر ازکسی که بربندد برخدا دروغ را یا دروغ شُمُرَد آیاتِ وی را هرآئینه (سخن اینست که) رستگار نمی شوند گناهگاران (١٧) .

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ
وَيَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِندَ اللَّهِ ۚ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ
اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ
سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾

ومی پرستند بغیرازخدا چیزی که ضرر نه دهدایشان را ونه سود رساند بایشان ومی گویند ایشان شفاعت کنندگان مایند نزد خدا بگوآیا آ گاه می‌کنید خدارا بآنچه نمی داند درآسمان ها و زمین، پاکی وی راست وبرتراست ازآنکه شریك مقررمی کنند (١٨) .

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا ۚ وَلَوْلَا
كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ
يَخْتَلِفُونَ ﴿١٩﴾

ونبُودند مردمان مگریك امت[1] پس اختلاف کردند[2] وا گر نمی‌بود کلمه ای که سابق صادر شده است از پروردگار تو فیصله کرده می‌شد میان ایشان درآنچه اندران اختلاف دارند (١٩) .

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۖ
فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُم
مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

ومی گویند چرا فرو فرستاده نه شده است براین پیغامبر نشانه ای ازپروردگار وی بگوجزاین نیست که علم غیب خداراست پس انتظار کنید هرآئینه من باشما ازمنتظرانم (٢٠) .

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ
فِي آيَاتِنَا ۚ قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا ۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ﴿٢١﴾

وچون بچشانیم مردمان را رحمتی پس ازسختی که رسیده بود بایشان نا گهان ایشان رابداندیشی باشددرنشان های

(١) یعنی برتوحید و ملت ابراهیمی .
(٢) یعنی بسبب عمرو بن لحی .

ما(١) بگوخدا زودترست در تدبیر کردن هرآئینه فرستادگان ما می نویسند آنچه بداندیشی می‌کنید(٢) (٢١) .

هُوَ الَّذِىْ يُسَيِّرُكُمْ فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتّٰٓى اِذَا كُنْتُمْ فِى الْفُلْكِ وَ
جَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيْحٍ طَيِّبَةٍ وَّفَرِحُوْا بِهَا جَآءَتْهَا رِيْحٌ عَاصِفٌ
وَّجَآءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَّظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ اُحِيْطَ بِهِمْ دَعَوُا
اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ لَئِنْ اَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهٖ لَنَكُوْنَنَّ
مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿٢٢﴾

اوست آنکه روان می کند شمارا درخشکی ودردریا تاوقتیکه باشید درکشتی ها و روان شوند کشتی ها باسواران خود ببادخوش وشادمان شوند ایشان بآن بادموافق، ناگاه برسد بآن کشتی ها بادی تُند وبیاید بایشان موج ازهرطرف وبدانند که ازهرجهت گرفتار گشتند دعاکنند ببارگاه خدا خالص کرده برای اوعبادت را که اگر نجات دهی مارا ازین بلا باشیم ازشکرگذاران (٢٢) .

فَلَمَّآ اَنْجٰىهُمْ اِذَا هُمْ يَبْغُوْنَ فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ
اِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ مَّتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ
فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٣﴾

پس آنگاه که نجات داد ایشان را ناگهان ایشان بیراهی می کنند درزمین ناحق، ای مردمان جزاین نیست که بیراهی شمازیان برجان شماست یافتید بهرهٔ زندگانی دنیارا، بازبسوی ما بازگشت شماست پس باخبرسازم شمارا بآنچه می کردید (٢٣) .

اِنَّمَا مَثَلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ
بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ مِمَّا يَاْكُلُ النَّاسُ وَالْاَنْعَامُ حَتّٰٓى اِذَآ
اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ اَهْلُهَآ اَنَّهُمْ
قٰدِرُوْنَ عَلَيْهَآ اَتٰىهَآ اَمْرُنَا لَيْلًا اَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنٰهَا

جزاین نیست که مثالِ زندگانیِ دنیا مانند آبی است که فرودآوردیمش ازآسمان پس درهم آمیخت بسبب وی روئیدگی زمین ازآنچه می خورند مردمان وچهار پایان تاوقتی که بدست آورد زمین پیرایه خودرا

---

(١) یعنی بکفران نعمت .

(٢) مترجم‌گوید بعد ازآن خدای تعالی بیان میفرمایدکیفیت مکر وکفرانِ نعمت را والله اعلم .

حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

وآراسته شد وگمان كردند ساكنان آن زمين كه ايشان توانايند برانتفاع ازآن ناگهان بيامد بزمين فرمان مادرشب يا درروز پس گردانيديم آن را مثل زراعت ازبيخ بريده گويا نبود ديروز، همچنين بيان مى كنيم نشانه ها را براى گروهى كه تأمل مى كنند (٢٤) .

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾

وخدا مى خواند بسوى سراى سلامتى وهدايت مى كند هركراخواهد بسوى راه راست (٢٥) .

لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾

آنان كه نيكوكارى كردند برايشان بهشت باشدو زياده برآن[١] ونه پوشدچهره هاى ايشان را هيچ سياهى ونه هيچ خوارى اين جماعت اهل بهشت اندايشان آنجاجاودانند (٢٦) .

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾

وآنان را كه بعمل آوردند كردار هاى بد، جزاى بدى مثل آنست وبپوشد ايشان را خوارى، نباشد ايشان رااز خدا هيچ پناه دهنده، گويا پوشانيده شده است صورتهاى ايشان به پاره هائى از شب تاريك اين جماعت اهل آتش اند ايشان آنجاجاودانند (٢٧) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ ۚ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ ۖ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾

وبترسيد ازروزيكه برانگيزيم ايشانرا همه يكجا بازگوئيم مشركان را بايستيد برجاى خود، شما وآنانكه شماايشان را شريك خداساخته ايد پس جدائى اندازيم ميان

(١) يعنى رؤيت خداى تعالى .

ایشان و می‌گویند شریکان ایشان که شمامارا نمی پرستیدید (٢٨) .

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ
لَغَافِلِينَ ﴿٢٩﴾

پس بس است خدا گواه میان ماومیان شما هرآئینه مابودیم ازپرستش شما بی‌خبر (٢٩) .

هُنَالِكَ تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ
الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣٠﴾

آنجادریابد هرشخصی آنچه پیش فرستاده است، و گردانیده شوند بسوی خدامالكِ حقیقی ایشان وگم شد ازایشان آنچه افترا می‌بستند (٣٠) .

قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ
وَالْأَبْصَارَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ
الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾

بگوكِه روزی می دهدشمارا ازجانب آسمان و زمین، کیست که مالك باشد گوش وچشمها را[١] وکیست که بیرون آرد زنده را ازمرده وبیرون آرد مرده را اززنده[٢] وکیست که تدبیر کندکاررا خواهند گفت آن خدا است بگو آیا پس حذرنمی کنید (٣١) .

فَذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّىٰ
تُصْرَفُونَ ﴿٣٢﴾

پس این ست خدا پروردگار شمابحق پس چیست بعد راستی مگر گمراهی پس چگونه برگردانیده می شوید(ازعبادت خدا) (٣٢) .

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

هم چنین ثابت شد قضای پروردگارتو بر فاسقان که ایشان ایمان نیارند (٣٣) .

قُلْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ
يَبْدَؤُا الْخَلْقَ

بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که آغازکند آفرینش را بازدوباره بازگرداندش بگوخدا نومی کند آفرینش

---

(١) یعنی خالق گوش وچشم باشد .

(٢) یعنی حیوان راازنطفه ونطفه راازحیوان .

ثُمَّ يُعِيْدُهٗ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٣٤﴾

را بازدوباره بازگردانَدَش پس چگونه برگردانیده می‌شوید (ازعبادت خدا) (٣٤).

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَّنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ ؕ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِيْ
لِلْحَقِّ ؕ اَفَمَنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ يُّتَّبَعَ اَمَّنْ لَّا يَهِدِّيْٓ
اِلَّآ اَنْ يُّهْدٰى ۚ فَمَا لَكُمْ ۟ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿٣٥﴾

بگوآیاهست ازشریکان شما کسی که راه نماید بسوی دین حق؟ بگوخدا ست که راه می نماید بسوی دین حق، پس کسی که راه می نماید بسوی حق لائق تراست بآنکه پیروی کرده شود یاکسیکه خود راه نمی یابد مگرآنوقت که راه نموده شود وی را پس چیست شمارا؟ چگونه حکم می‌کنید (٣٥).

وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا ؕ اِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِيْ مِنَ الْحَقِّ شَيْـًٔا ؕ
اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٣٦﴾

وپیروی نمی کنند بیشتر ازایشان مگروهم را هرآئینه وهم کفایت نمی کند ازمعرفت حق چیزی را هرآئینه خدا داناست بآنچه می کنند (٣٦).

وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ اَنْ يُّفْتَرٰى مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ
تَصْدِيْقَ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيْلَ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيْهِ
مِنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٣٧﴾

ونیست این قرآن افتراء بغیر حکم خدا ولیکن هست باوردارندهٔ آنچه پیش ازوی است وبیان شریعتی است که نوشته شد برمردمان هیچ شبهه نیست درآن از پروردگار عالم هاست (٣٧).

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ؕ قُلْ فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا مَنِ
اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٣٨﴾

آیامی گویند افترابسته است آن را بگوپس بیارید سوره ای مانند آن وبخوانید هرکرا توانید بغیرازخدا اگر هستید راست گو (٣٨).

بَلْ كَذَّبُوْا بِمَا لَمْ يُحِيْطُوْا بِعِلْمِهٖ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَاْوِيْلُهٗ ؕ
كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٣٩﴾

بلکه دروغ شمرده اندچیزی را که نمی‌دانندآنرا وهنوز نیامده است مصداق وعدهٔ وی هم چنین دروغ پنداشتند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بنگر چگونه شد عاقبت ستمکاران (٣٩).

وَمِنْهُمْ مَّنْ يُّؤْمِنُ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهٖ ؕ وَرَبُّكَ اَعْلَمُ

وازایشان کسی هست که ایمان می آرد

بِالْمُفْسِدِيْنَ ﴿٤٠﴾

بـآن وازايشـان كسـى هسـت كـه ايمـان نمی‌آرد بآن وپروردگار تودانا تراست بمفسدان (٤٠) .

وَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقُلْ لِّيْ عَمَلِيْ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۚ اَنْتُمْ بَرِيْٓــُٔوْنَ
مِمَّآ اَعْمَلُ وَاَنَا بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٤١﴾

وا گـر بـه دروغ نسبت كننـد تـرا پـس بگومراست عمل من و شماراست عمل شما شما بى تعلقيد ازآنچه من مى كنم ومن بى تعلقم ازآنچه شمامى كنيد (٤١) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّسْتَمِعُوْنَ اِلَيْكَ ؕ اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوْا
لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٤٢﴾

وازايشـان كسـى هسـت كـه گـوش فرامـى دهـد بسـوى توآياتـو مى شنوانى كَران را ا گرچه درنمى يافتند (٤٢) .

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّنْظُرُ اِلَيْكَ ؕ اَفَاَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَ
لَوْ كَانُوْا لَا يُبْصِرُوْنَ ﴿٤٣﴾

وازايشان كسى هست كه مى نگرد بسوى تو آياتوراه مى نمائى كوران را ا گرچه نمى بينند[1] (٤٣) .

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْــًٔا وَّلٰكِنَّ النَّاسَ اَنْفُسَهُمْ
يَظْلِمُوْنَ ﴿٤٤﴾

هرآئينه خداهيچ ستم نمى كند برمردمان وليكن مردمان برخويشتن ستم مى كنند (٤٤) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَاَنْ لَّمْ يَلْبَثُوْٓا اِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُوْنَ
بَيْنَهُمْ ؕ قَدْ خَسِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِلِقَآءِ اللّٰهِ وَمَا كَانُوْا
مُهْتَدِيْنَ ﴿٤٥﴾

وروزيكه برانگيزد خدا ايشانرا گويا كه درنگ نه كرده بودند مگرساعتى از روز شناساباشند بايك ديگر بتحقيق زيان كارشدند آنانكه دروغ پنداشتند ملاقات خدارا ونه بودند راه يافتگان (٤٥) .

وَاِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِيْ نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِلَيْنَا
مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللّٰهُ شَهِيْدٌ عَلٰى مَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٤٦﴾

وا گـر بنمـائيـم تـرا بعـض آنچـه وعـده می‌كنيم بايشان يابميرانيم ترا (بهرحال) بسوى ما ست بازگشت ايشان بازخدا آگاه است برآنچه مى كنند (٤٦) .

وَلِكُلِّ اُمَّةٍ رَّسُوْلٌ ۚ فَاِذَا جَآءَ رَسُوْلُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ

وهرامتى را پيغامبرى هست پس چون

---

(١) يعنى ايشان مانند كران وكورانند .

بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

آمد پیغامبر ایشان فیصله کرده شود میان ایشان بانصاف وبرایشان ستم کرده نه شود[1] (٤٧) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾

ومی گویند کَی باشد این وعده اگر هستیدراست گو (٤٨) .

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ
أَجَلٌ ۚ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً
وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾

بگو مالك نیستم برای خود زیانی ونه سودی مگر آنچه خداخواسته است هر گروهی رامیعادی هست چون بیاید میعادایشان تاخیرنه کنند ساعتی ونه سبقت جویند (٤٩) .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ
مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾

بگو آیادیده اید اگربیاید به شماعذاب او شبانگاه یابروز (بهرحال) چه چیزرا بشتاب می‌طلبند ازآن عذاب این گناه کاران (٥٠) .

أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ ۚ آلْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ
بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥١﴾

باز وقتی که متحقق شود آیا ایمان آرید بآن آنگاه گفته شودآیااکنون ایمان آوردید وپیش ازین بشتاب می طلبیدید آن را[2] (٥١) .

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ
إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾

بازگفته شود ستمگاران را به چشید عذاب جاویدان را جزا داده نمی شوید مگر بسبب آنچه شما می کردید (٥٢) .

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ ۖ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥٣﴾

ومی پرسندترا آیادرست است این وعده بگوآری قسم به پروردگار من هرآئینه آن درست است وشماعاجز کننده نیستید (٥٣) .

---

(١) یعنی رسل واتباع ایشان نجات یابندوکافران هلاك شوند .

(٢) یعنی باستهزاوتکذیب .

وَلَوْ اَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْاَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهٖ ۗ وَاَسَرُّوا النَّدَامَةَ
لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ ۚ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٥٤﴾

وا گر باشد هرنفس ستم کننده را آنچه درزمین است البته فدیه خود دهدآن را ودرضمیر خود دارندپشیمانی چون ببینند عذاب را وفیصله کرده شود میان ایشان بعدل وبرایشان ستم کرده نشود (٥٤) .

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ اَلَآ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ
وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٥٥﴾

آ گاه باش هرآئینه خدای راست آنچه درآسمان هاوزمین است، آ گاه باش هرآئینه وعدهٔ خداراست است ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند (٥٥) .

هُوَ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٥٦﴾

اوزنده می کند ومی میراند وبسوی وی بازگردانیده شوید (٥٦) .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُمْ مَّوْعِظَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا
فِي الصُّدُوْرِ ۙ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٥٧﴾

ای مردمان آمده است به شما پندی ازپروردگار شما وشفای آن مرضی که درسینه ها ست وراه نمودنی وبخشایشی مسلمانان را (٥٧) .

قُلْ بِفَضْلِ اللّٰهِ وَبِرَحْمَتِهٖ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوْا ۗ هُوَ خَيْرٌ
مِّمَّا يَجْمَعُوْنَ ﴿٥٨﴾

بگوبه فضل خدا وبرحمت او باین چیزهابايد که شادمان شوند،آن بهتر است ازآنچه جمع می کنند (٥٨) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ مَّآ اَنْزَلَ اللّٰهُ لَكُمْ مِّنْ رِّزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِّنْهُ حَرَامًا
وَّحَلٰلًا ۗ قُلْ آٰللّٰهُ اَذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلَى اللّٰهِ تَفْتَرُوْنَ ﴿٥٩﴾

بگوآیادیدید چیزی را که فرودآورده است خدابرای شما ازجنس روزی پس ساختید بعض آن راحرام وبعض آن را حلال بگو آیاخدا اجازه داده است شما را یابرخدا دروغ می بندید (٥٩) .

وَمَا ظَنُّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ اِنَّ
اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٦٠﴾

وچیست گمان آنانکه افترامی بندند برخدا دروغ را به روزقیامت[1] هرآئینه خداصاحب فضل است برمردمان ولیکن

(١) یعنی خدابایشان چه خواهد کرد در روز قیامت .

بیشتر ایشان سپاسگذاری نمی کنند (٦٠).

وَمَا تَكُوْنُ فِيْ شَاْنٍ وَّمَا تَتْلُوْا مِنْهُ مِنْ قُرْاٰنٍ وَّلَا تَعْمَلُوْنَ
مِنْ عَمَلٍ اِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُوْدًا اِذْ تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ ۭ وَمَا يَعْزُبُ
عَنْ رَّبِّكَ مِنْ مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاۗءِ
وَلَآ اَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْبَرَ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿٦١﴾

ونمی باشی درهیچ شغلی ونمی خوانی هیچ آیتی رااز طرف خداآمده ونمی کنیدهیچ کاری مگرهستیم برشما مطلع چون درمی آئید درآن کار وپوشیده نمی شود ازپروردگار تو هم وزن ذره ای درزمین ونه درآسمان ونیست خرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگرنوشته شده است درکتاب روشن (٦١) .

اَلَآ اِنَّ اَوْلِيَاۗءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿٦٢﴾

آ گاه باش هرآئینه دوستان خدا هیچ ترسی نیست برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند (٦٢) .

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿٦٣﴾

آنانکه ایمان آوردند ومی‌ترسیدند (٦٣) .

لَهُمُ الْبُشْرٰى فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ ۭ لَا تَبْدِيْلَ
لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ ۭ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿٦٤﴾

ایشان راست بشارت درزندگانیِ دنیا[1] ودرآخرت، نیست هیچ تبدیل مرسخنان خدارا این بشارت همانست پیروزی بزرگ (٦٤) .

وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ اِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ۭ
هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٦٥﴾

وغمگین نه کند ترا سخن ایشان هرآئینه غلبه خداراست همه یك جا اوست شنوای دانا (٦٥) .

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ ۭ وَمَا يَتَّبِعُ
الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شُرَكَاۗءَ ۭ اِنْ
يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿٦٦﴾

آ گاه باش هرآئینه خداراست هرکه درآسمان هاست وهرکه درزمین است وپیروی نمی کنند آنانکه پرستش می کنند بغیرازخدا شریکان را بحقیقت پیروی نمی کنند مگروهم را ونیستند مگر دروغ گو (٦٦) .

---

(١) یعنی برویای صالحه و بشارت .

هُوَ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ
مُبْصِرًا ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿٦٧﴾

اوست آنکه ساخت برای شما شب را تا آرام گیرید درآن وساخت روز را روشن هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که می شنوند (٦٧) .

قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ ۭ هُوَ الْغَنِيُّ ۭ لَهٗ مَا فِي
السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ اِنْ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍۢ
بِهٰذَا ۭ اَتَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٦٨﴾

گفتند کافران فرزند گرفته است خدا، پاکی اوراست اوست بی نیاز، اوراست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین است نیست نزد شما هیچ حجتی برین آیا می‌گوئید برخدا آنچه نمی دانید (٦٨) .

قُلْ اِنَّ الَّذِيْنَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا
يُفْلِحُوْنَ ﴿٦٩﴾

بگوهرآئینه آنانکه برمی بندند برخدا دروغ را رستگار نمی شوند (٦٩) .

مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيْقُهُمُ
الْعَذَابَ الشَّدِيْدَ بِمَا كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ ﴿٧٠﴾

ایشان را باشد بهره مندی دردنیا بازبسوی ماست بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشان را عذاب سخت بسبب آنکه کفرمی ورزیدند (٧٠) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ نُوْحٍ ۘ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ
مَّقَامِيْ وَتَذْكِيْرِيْ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمِعُوْٓا
اَمْرَكُمْ وَشُرَكَاۗءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوْٓا اِلَيَّ وَ
لَا تُنْظِرُوْنِ ﴿٧١﴾

وبخوان برایشان خبرنوح را چون گفت به قوم خود ای قوم من اگر دشوار شده باشد برشما قیام من وپند دادن من بآیت های خدا پس برخدا توکل کردم پس عزیمت درست کنید درکار خود همراه شریکان خویش پس نه باشد کارشماپوشیده برشما بازحمله برید بسوی من ومهلت مدهیدمرا (٧١) .

فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ ۭ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۙ
وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٧٢﴾

پس اگر اعراض کردید[1] پس نخواسته بودم ازشما هیچ مزدی نیست مزدمن مگربرخدا وفرموده شدمرا که باشم

(١) یعنی ازگفته من چه زیان .

ازمسلمانان (۷۲) .

فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ
وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾

پس دروغ پنداشتندش پس نجات دادیم اورا وآنان را که باوی بودند درکشتی وگردانیدیم ایشان را جانشین وغرق کردیم کسانی را که دروغ پنداشتند آیاتِ مارا پس بنگر چگونه شدآخرکار بیم کرده شد گان (۷۳) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ
فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِن قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَىٰ
قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾

بازفرستادیم بعد نوح پیغامبران را بسوی قوم ایشان پس آوردند پیش ایشان نشانه های روشن را پس هرگز مستعد آن نه بودند که ایمان آرند بآنچه دروغ پنداشته بودند آن را پیش ازین هم چنین مُهرمی‌نهیم بردل های ازحد گذرندگان (۷٤) .

ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾

بازفرستادیم بعدازایشان موسیٰ وهارون را بسوی فرعون وقوم وی بانشانه های خویش پس تکبر کردند و بودند قومی گناهکار (۷٥) .

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٦﴾

پس چون آمدبایشان سخن درست ازنزدِ ماگفتند هرآئینه این سِحرِ ظاهر است (۷٦) .

قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ ۖ أَسِحْرٌ هَٰذَا وَلَا يُفْلِحُ
السَّاحِرُونَ ﴿٧٧﴾

گفت موسیٰ آیاچنین می گوئید سخن درست را چون بیامد به شماآیاسحراست این، ورستگارنمی شوند ساحران (۷۷) .

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا
الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

گفتند آیاآمده ای پیش ما تا باز داری مارا ازدینی که یافتیم برآن پدران خودرا وتاباشد شمارا ریاست درزمین ونیستیم ماشمارا باوردارنده (۷۸) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾

وگفت فرعون بیارید پیش من هرساحر بسیار دانارا (۷۹).

فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰى اَلْقُوْا مَآ اَنْتُمْ مُّلْقُوْنَ ﴿٨٠﴾

پس وقتی که آمدند ساحران گفت ایشان را موسیٰ بافگنید آنچه شما افگنند گانید (٨٠) .

فَلَمَّآ اَلْقَوْا قَالَ مُوْسٰى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهٗ
اِنَّ اللّٰهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٨١﴾

پس چون افگندند گفت موسیٰ آنچه آورده اید سحراست هرآئینه خداباطل خواهد ساخت آن را هرآئینه خداراست نمی آردکارمفسدان را (٨١) .

وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿٨٢﴾

وثابت خواهد کردخدا سخن درست را به فرمان خود ا گرچه ناخوش دارند گناهگاران (٨٢) .

فَمَآ اٰمَنَ لِمُوْسٰىٓ اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهٖ عَلٰى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ
وَمَلَا۟ئِهِمْ اَنْ يَّفْتِنَهُمْ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى الْاَرْضِ وَاِنَّهٗ
لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ ﴿٨٣﴾

پس ایمان نیاوردند به موسیٰ مگرجماعتی ازقوم وی باوجود خوف ازفرعون واشراف ایشان که عقوبت کند ایشان را وهرآئینه فرعون سرکشی بود درآن سرزمین وهرآئینه وی ازحد گذرندگان بود (٨٣) .

وَقَالَ مُوْسٰى يٰقَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوْٓا اِنْ
كُنْتُمْ مُّسْلِمِيْنَ ﴿٨٤﴾

وگفت موسیٰ اِي قوم من ا گرایمان آورده اید بخدا پس بروَی توکل کنید ا گر مسلمان هستید (٨٤) .

فَقَالُوْا عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ
الظّٰلِمِيْنَ ﴿٨٥﴾

پس گفتند برخدا توکل کردیم، ای پروردگار ما مکن مارا لگدکوب قوم ستمگاران (٨٥) .

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٨٦﴾

ونجات دِه مارا برحمت خود ازگروه کافران (٨٦) .

وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰى وَاَخِيْهِ اَنْ تَبَوَّاٰ لِقَوْمِكُمَا
بِمِصْرَ بُيُوْتًا وَّاجْعَلُوْا بُيُوْتَكُمْ قِبْلَةً وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٨٧﴾

ووحی فرستادیم بسوی موسیٰ و برادر وی که بگیریدبرای قوم خوددر شهر مصر خانه ها وقراردهیدخانه های خودرا جای نماز[1] وبرپادارید نمازرا وبشارت

(١) يعنى مساجد البيت بناكنيد .

دِه مومنان را (٨٧) .

وَقَالَ مُوْسٰى رَبَّنَآ اِنَّكَ اٰتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَاَهٗ زِيْنَةً
وَّاَمْوَالًا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيْلِكَ ۚ رَبَّنَا
اطْمِسْ عَلٰٓى اَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْا حَتّٰى
يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ﴿٨٨﴾

وگفت موسیٰ ای پروردگارما هرآئینه تودادہ ای فرعون و قبیلهٔ اورازینت ومال های بسیار درزندگانی دنیا ای پروردگارما تا گمراه کنند عالم را ازراهِ تو ای پروردگارما مسخ کن مالهای ایشان را مُهر زَن بر دلهای ایشان که ایمان نیارند تاببینند عذاب درد دهنده (٨٨) .

قَالَ قَدْ اُجِيْبَتْ دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيْمَا وَلَا تَتَّبِعٰٓنِّ سَبِيْلَ
الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٨٩﴾

گفت خداهرآئینه قبول کرده شد دعای شما پس ثابت باشید وپیروی مکنید راه جاهلان را (٨٩) .

وَجٰوَزْنَا بِبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ الْبَحْرَ فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُوْدُهٗ بَغْيًا
وَّعَدْوًا ۭ حَتّٰٓى اِذَآ اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ ۙ قَالَ اٰمَنْتُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
الَّذِيْٓ اٰمَنَتْ بِهٖ بَنُوْٓا اِسْرَآءِيْلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٩٠﴾

وگذرانیدیم اولاد یعقوب را ازدریا پس درپَی ایشان شدند فرعون ولشکراو ازراه ستم وتعدی تاوقتی که رسیدش مشقّتِ غرق گفت باورداشتم که نیست هیچ معبود برحقی مگر آنکه ایمان آورده است به وی بنی اسرائیل ومن ازمسلمانانم (٩٠) .

آٰلْئٰنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٩١﴾

گفته شدآیااکنون ایمان می‌آری وبتحقیق نافرمانی کرده بودی پیش ازاین و بودی ازمفسدان (٩١) .

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيْكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُوْنَ لِمَنْ خَلْفَكَ اٰيَةً ۭ وَاِنَّ كَثِيْرًا
مِّنَ النَّاسِ عَنْ اٰيٰتِنَا لَغٰفِلُوْنَ ﴿٩٢﴾

پس امروزنجات دهیم بَدَنَت را[1] (به همان جسد تویعنی بغیر تغییر) تاباشی نشانه آنان را که پس ازتوآیند وهرآئینه بسیاری از مردمان ازنشانه های ما بی‌خبراند (٩٢) .

وَلَقَدْ بَوَّاْنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ مُبَوَّاَ صِدْقٍ وَّرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ

هرآئینه جادادیم بنی اسرائیل را بمقام

(١) یعنی بروی آب آریم ترا .

الطَّيِّبٰتِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوْا حَتّٰى جَآءَهُمُ الْعِلْمُ ۭ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿٩٣﴾

نیك وروزی دادیم ایشان را ازپاکیزه ها پس اختلاف نکردند تاآنکه آمدبایشان دانش (یعنی قرآن) هرآئینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند (۹۳) .

فَاِنْ كُنْتَ فِيْ شَكٍّ مِّمَّآ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ فَسْـَٔلِ الَّذِيْنَ يَقْرَءُوْنَ
الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لَقَدْ جَآءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ
مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ ﴿٩٤﴾

پس ا گر درشکّی ازآنچه فروفرستادیم بسوی توپس بپرس آنان را که می خوانند کتاب راپیش ازتو[1] هرآئینه آمده است پیش تووحی درست از پروردگار توپس هرگز مشو ازشك آرندگان (۹٤) .

وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَتَكُوْنَ مِنَ
الْخٰسِرِيْنَ ﴿٩٥﴾

وهرگز مباش ازآنانکه دروغ پنداشتند آیاتِ خدارا، آنگاه شوی اززیان کاران (۹٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٩٦﴾

هرآئینه آنانکه ثابت شد برایشان حکم پروردگارتو ایمان نیارند (۹٦) .

وَلَوْ جَآءَتْهُمْ كُلُّ اٰيَةٍ حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ﴿٩٧﴾

ا گرچه بیایدبایشان هرنشانه تاآنکه ببینند عذاب درددهنده را (۹۷) .

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ اٰمَنَتْ فَنَفَعَهَآ اِيْمَانُهَآ اِلَّا قَوْمَ يُوْنُسَ ۚ
لَمَّآ اٰمَنُوْا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
وَمَتَّعْنٰهُمْ اِلٰى حِيْنٍ ﴿٩٨﴾

پس چرانبُود دِهی که ایمان آرد[2] پس سوددَهدَش ایمان وی مگرقوم یونس چون ایمان آوردند برداشتیم ازایشان عقوبت رسوائی درزندگانی دنیا و بهره مندساختیم ایشان راتامدتی (۹۸) .

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَاٰمَنَ مَنْ فِي الْاَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيْعًا ۭ اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ
النَّاسَ حَتّٰى يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٩٩﴾

وا گر می‌خواست پروردگارتو ایمان می‌آوردند آنانکه درزمین اند همهٔ ایشان یك جا آیاتو اجبارتوانی کرد مردمان را

---

(۱) یعنی تاظاهر شود که برانبیای سابق نیزوحی نازل میشد والله اعلم .

(۲) یعنی نزدیك نزول عذاب .

تامسلمان شوند (٩٩) .

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۭ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ
عَلَى الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ ۝١٠٠

وروانبُوَد هيچ شخصى را كه ايمان آردمگربخواست خدا ومى اندازد پليدى را برآنانكه درنمى يابند (١٠٠) .

قُلِ انْظُرُوْا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَمَا تُغْنِي الْاٰيٰتُ
وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُوْنَ ۝١٠١

بگو ببينيد چه چيزاست درآسمان ها وزمين وفائده نمى دهند نشانه ها و ترسانند گان گروهى را كه باورنمى كنند (١٠١) .

فَهَلْ يَنْتَظِرُوْنَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ قُلْ
فَانْتَظِرُوْٓا اِنِّيْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ۝١٠٢

پس انتظارنمى كشند مگرمانند مصيبت هاى آنانكه گذشتند پيش ازايشان بگو انتظار بكشيد هرآئينه من نيزباشما ازمنتظرانم (١٠٢) .

ثُمَّ نُنَجِّيْ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كَذٰلِكَ ۚ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ
الْمُؤْمِنِيْنَ ۝١٠٣

بازنجات دهيم پيغامبران خودرا وآنان را كه ايمان آوردندهمچنين لازم است برماكه نجات دهيم مومنان را (١٠٣) .

قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِّنْ دِيْنِيْ فَلَآ اَعْبُدُ
الَّذِيْنَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ اَعْبُدُ اللّٰهَ الَّذِيْ
يَتَوَفّٰىكُمْ ښ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝١٠٤

بگواى مردمان ا گر هستيد درشبهه ازدين من پس نمى پرستم آنان را كه شما مى‌پرستيد غيرازخدا وليكن عبادت مى‌كنم آن خدارا كه قبض ارواح شما مى‌كند وفرموده شدمرا كه باشم ازمسلمانان (١٠٤) .

وَاَنْ اَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا ۚ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ
الْمُشْرِكِيْنَ ۝١٠٥

وفرموده شدآنكه راست كن روى خود را براى دين حنيف وهرگز مباش ازمشركان (١٠٥) .

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۚ فَاِنْ
فَعَلْتَ فَاِنَّكَ اِذًا مِّنَ الظّٰلِمِيْنَ ۝١٠٦

ومخوان بجزخداچيزى را كه سودندهد ترا وزيان نه رساند به تو پس ا گرچنين كنى باشى آنگاه ازستمگاران (١٠٦) .

وَاِنْ يَّمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗٓ اِلَّا هُوَ ۚ وَاِنْ يُّرِدْكَ
بِخَيْرٍ فَلَا رَاۗدَّ لِفَضْلِهٖ ۭ يُصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَّشَاۗءُ مِنْ عِبَادِهٖ ۭ وَهُوَ

وا گر برساند خدا بتورنجى پس نيست بردارنده آن را مگر او وا گر خواهد

الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿١٠٧﴾

درحق تونعمتی پس نیست هیچ دفع کننده فضل اورا میرساندش بهرکه خواهد ازبندگان خود واوست آمرزندهٔ مهربان (۱۰۷) .

قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ ۚ فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَمَآ اَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيْلٍ ﴿١٠٨﴾

بگوای مردمان بتحقیق آمده است به شماوحی راست از پروردگار شماپس هرکه راه یافت جزاین نیست که راه یابد برای خود وهرکه گمراه شد جزاین نیست که گمراه می شود بزیان خود ونیستم من برشما نگهبان (۱۰۸) .

وَاتَّبِعْ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

و(یامحمد) پیروی کن چیزی را که وحی فرستادیم بتووشکیبائی کن تاآنکه فیصله کند خدا واو بهترین فیصله کنندگان است (۱۰۹) .

سُوْرَةُ هُوْدٍ

سوره هود مکی است وآن یك صدو بیست وسه آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓرٰ

الٓرٰ .

كِتٰبٌ اُحْكِمَتْ اٰيٰتُهٗ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ خَبِيْرٍ ۙ ﴿١﴾

این کتابیست که استوارکرده شد آیاتِ او بازواضح کرده شده آمده ازنزد خدای درست کارباخبر (۱) .

اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّا اللّٰهَ ۗ اِنَّنِيْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ ۙ ﴿٢﴾

(بآن مضمون که پیغامبرگوید) عبادت نکنید مگر خدارا هرآئینه من شمارا ازجانب اوبیم کننده وبشارت دهنده ام (۲) .

وَّاَنِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَّتَاعًا حَسَنًا اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّيُؤْتِ كُلَّ ذِيْ فَضْلٍ فَضْلَهٗ ۗ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنِّيْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيْرٍ ﴿٣﴾

وآنکه آمرزش طلب کنید ازپروردگار خود بازرجوع کنید بسوی وی تابهره مند سازدشمارا به بهرهٔ نیك تامیعاد معلوم وتا بدهد هرصاحب بزرگی را جزای

بزرگی او وا گر روگردان شوید پس هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روز بزرگ (٣) .

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾

بسوی خداست بازگشت شماواو برهرچیز تواناست (٤) .

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ۚ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

آ گاه باش این کافران می پیچند سینه های خودرا[1] می خواهند که پنهان شوند ازخدا آ گاه باش چون برسر می‌کنند جامه های خودرا میداند آنچه پنهان می دارند وآنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست بسریکه در سینه هاست[2] (٥) .

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾

ونیست هیچ جنبنده درزمین مگربرخداست روزی اوو می داند جای ماندن اورا وجای نگاهداشتن اورا هریك درکتاب روشن ست[3] (٦) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ

واوست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را درشش روز وبود عرش او برآب (آخرکار آفریدن شماآنکه) تابیازماید شمارا که کدام یك ازشما نیکوتراست

(١) یعنی اعراض می کنند .

(٢) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت ازآنست که فکر های ناصواب کند وبشبهات واهیه دل خودرا اطمینان دهد وعقائد حقه را فراموش سازد زیرا که صدراینجا بمعنی علومِ صدرآمده است .

(٣) یعنی درلوح محفوظ نوشته شده مترجم گوید مستودع جائی است که بغیر اختیار اوآنجا نگاهداشته بودندمانند صُلب ورَحِم ومستقر جائیست که باختیار خود می‌ماند مثل خانه .

هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٧﴾

ازجهت عمل و اگر گوئی که هرآئینه شمابرانگیخته شوید بعدازموت البته گویند کافران نیست این سخن مگر جادوئی ظاهر (٧) .

وَلَئِنْ اَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ اِلٰٓى اُمَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ لَّيَقُوْلُنَّ
مَا يَحْبِسُهٗ ۭ اَلَا يَوْمَ يَاْتِيْهِمْ لَيْسَ مَصْرُوْفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ
مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٨﴾

وا گر بازداریم ازایشان عقوبت راتامدتی شمرده شده البته گویند چه چیز باز می‌دارد آنرا آ گاه باش روزیکه بیاید بایشان نه باشد بازداشته شده ازایشان وفرا گیرد ایشان را آنچه استهزامی کردند بآن (٨) .

وَلَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنٰهَا مِنْهُ ۚ اِنَّهٗ
لَيَـُٔوْسٌ كَفُوْرٌ ﴿٩﴾

وا گر بچشانیم آدمی را نعمتی ازنزد خودبازبرگیریم آن راازوی هرآئینه وی ناامید وناسپاس است (٩) .

وَلَئِنْ اَذَقْنٰهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ ذَهَبَ
السَّيِّاٰتُ عَنِّيْ ۭ اِنَّهٗ لَفَرِحٌ فَخُوْرٌ ﴿١٠﴾

وا گر بچشانیم آدمی را رفاهیتی بعد سختی که رسیده باشد به وَی البته گوید برفتند سختی هاازمن هرآئینه وی شادمان خود ستاینده است (١٠) .

اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۭ اُولٰۗىِٕكَ لَهُمْ
مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿١١﴾

مگر آنانکه شکیبائی نمودند وکارهای شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش ومزدِبزرگ (١١) .

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌۢ بَعْضَ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَضَاۗىِٕقٌۢ بِهٖ
صَدْرُكَ اَنْ يَّقُوْلُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ جَاۗءَ مَعَهٗ
مَلَكٌ ۭ اِنَّمَآ اَنْتَ نَذِيْرٌ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ﴿١٢﴾

پس شاید توترك کنی بعض آنچه وحی فرستاده می‌شود بسوی تو وتنگ می‌شود بآن سینه تو[1] ازجهت آنکه می‌گویند چرا فروآورده نه شد بروی گنجی یاچرا نیامد همراه اوفرشته جزاین نیست که توبیم کننده ای وخدا برهر چیز نگهبان است (١٢) .

---

(١) یعنی ترك مکن دلتنگ مشو .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۖ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَّادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾

آیامی گویند افترابسته است (قرآن را) بگوپس بیارید ده سوره را ماننداین بربافته وبخوانید هرکرا توانید بجز خدا ا گر راست گوهستید[1] (١٣) .

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٤﴾

پس ا گر قبول نکنند آن کافران سخن شمارا بدانید که قرآن نازل کرده شده است بعلم خدا وبدانید که هیچ معبود برحقی نیست مگروی پس آیاشما مسلمان هستید[2] (١٤) .

مَن كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾

هرکه خواسته باشد زندگانی دنیا وتجمل آن بتمام رسانیم بسوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا درینجا وایشان درینجا نقصان داده نه شوند[3] (١٥) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

این جماعت آنانند که نیست ایشان را درآخرت مگر آتش وباطل شد درآخرت آنچه کرده بودند ونابودست آنچه به عمل می آوردند (١٦) .

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً ۚ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَن

آیاکسی که باشد بر حجتی ازجانب پروردگارخود[4] ودنبال وی می آید گواهی ازجانب پروردگار او[5] وپیش

---

(١) مترجم گوید نخست بِدَه سوره تحدّی واقع شدوچون ازآن عاجز شدند بیك سوره تحدّی فرمود .

(٢) یعنی براسلام ثابت باشید .

(٣) یعنی ثواب صدقه وصلهٔ رحم که ازکفار بوجود می آید در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق وصحت بدن .

(٤) یعنی دلیل عقلی .

(٥) یعنی قرآن .

يَّكْفُرْ بِهٖ مِنَ الْاَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهٗ ۚ فَلَا تَكُ فِيْ مِرْيَةٍ
مِّنْهُ ۗ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۷﴾

ازقرآن‌گواه وی بود کتاب موسیٰ پیشوائی وبخشایشی مثل دیگران باشد این جماعت ایمان می آرند بقرآن و هرکه کافرشد بآن ازگروه ها پس آتش وعده گاه ویست پس مباش درشبهه ازنزول قرآن هرآئینه وی درست است، آمده ازپروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند (۱۷) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ؕ اُولٰٓئِكَ يُعْرَضُوْنَ
عَلٰى رَبِّهِمْ وَيَقُوْلُ الْاَشْهَادُ هٰٓؤُلَآءِ الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلٰى
رَبِّهِمْ ۚ اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۸﴾

وکیست ستمگارتر ازکسی که بربست برخدا دروغی را این جماعت آورده شوند پیش پروردگار خویش و گویند گواهان[۱] ایشانند آنانکه دروغ بستند برپروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست برستمگاران (۱۸) .

الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَيَبْغُوْنَهَا عِوَجًا ؕ وَهُمْ
بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿۱۹﴾

آنانکه بازمی دارند مردمان را ازراهِ خداومیخواهند برای آن راه کجی را وایشان بآخرت کافراند (۱۹) .

اُولٰٓئِكَ لَمْ يَكُوْنُوْا مُعْجِزِيْنَ فِي الْاَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ
مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَآءَ ۘ يُضٰعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ؕ مَا كَانُوْا
يَسْتَطِيْعُوْنَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوْا يُبْصِرُوْنَ ﴿۲۰﴾

این جماعت نه باشند عاجز کننده درزمین ونه باشد ایشان را بجز خدا از دوستان، دوچند کرده شود ایشان را عذاب نمی توانستند شنیدن (یعنی بسبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند[۲] (۲۰) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا
يَفْتَرُوْنَ ﴿۲۱﴾

این جماعت آنانند که زیان کردند درحق خویش وگم شد ازایشان آنچه برمی بافتند (۲۱) .

---

(۱) یعنی کرامًا کاتبین .

(۲) مترجم گوید ومیتوان گفت که همزۀ استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا نمی‌توانستند شنیدن وآیانمی دیدند .

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾

بیشك این جماعت درآخرت ایشانند زیانکارتر (۲۲) .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وعمل های شائسته کردند وفروتنی کردند توجه کنان بسوی پروردگار خویش ایشان اهل بهشت اند ایشان آنجا جاویدانند (۲۳) .

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۚ هَلْ
يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

مثال این دوفریق مانندکور وکر وبینا وشنوااست آیا هردوبرابراند درصفت آیاپندنمی‌گیرید (٢٤) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢٥﴾

وهرآئینه فرستادیم نوح رابسوی قوم اوگفت هرآئینه من برای شمابیم دهندهٔ آشکارم (۲۵) .

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾

(باین مضمون) که مپرستید مگر خدارا هرآئینه من می ترسم برشما ازعذاب روزدرد دهنده (٢٦) .

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا
مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا
بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ
كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾

پس گفتندجماعتی که کافربودند ازقوم اونمی بینیم ترا مگر آدمی مانند خویش ونه می بینیم که پیروی توکرده باشند (بتأمل سرسری) مگر آنانکه ایشان اراذل مایند ونمی بینیم برای شما هیچ بزرگی برخود بلکه می پنداریم شمارا دروغگو (۲۷) .

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي
رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا
وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾

گفت ای قوم من خبر دهیدمرا بدانکه اگر باشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن بخشائشی ازنزد خود پس پوشانیده شد حقیقت آن

برشما آیا اجبار کنیم شمارا برآن
وشماناخواهان آن باشید؟ (٢٨) .

وَيٰقَوْمِ لَآ اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا ۭ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَمَآ اَنَا
بِطَارِدِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۭ اِنَّهُمْ مُّلٰقُوْا رَبِّهِمْ وَلٰكِنِّيْٓ اَرٰىكُمْ قَوْمًا
تَجْهَلُوْنَ ﴿٢٩﴾

وای قوم من طلب نمی کنم ازشمابراین
پیغام رسانیدن مالی را، نیست مزدِمن
مگر بر خدا و نیستم طردکنندۀ
مسلمانان (یعنی ازصحبت خود) هرآئینه
ایشان ملاقات کنندگانند با پروردگار
خویش ولیکن من می بینم شمارا قومی
که جهالت می کنید (٢٩) .

وَيٰقَوْمِ مَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ طَرَدْتُّهُمْ ۭ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٣٠﴾

وای قوم من کِه نصرت دهد مراازعقوبت
خدا اگر برانم ایشان را آیاپندنمی گیرید
(٣٠) .

وَلَآ اَقُوْلُ لَكُمْ عِنْدِيْ خَزَاۗىِٕنُ اللّٰهِ وَلَآ اَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَآ
اَقُوْلُ اِنِّىْ مَلَكٌ وَّلَآ اَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ تَزْدَرِيْٓ اَعْيُنُكُمْ لَنْ يُّؤْتِيَهُمُ
اللّٰهُ خَيْرًا ۭ اَللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ ښ اِنِّىْٓ اِذًا لَّمِنَ
الظّٰلِمِيْنَ ﴿٣١﴾

ونمی گویم به شما که نزد من است
خزینه های خدا ونه آنکه میدانم غیب را
ونمی گویم که من فرشته ام ونمی گویم
آنان را که بخواری می نگردبدیشان
چشمهای شما که نخواهد دادخدا بدیشان
هیچ نعمتی خدادانا تراست بآنچه
درضمیر های ایشان است هرآئینه من
آنگاه ازستمگاران باشم (٣١) .

قَالُوْا يٰنُوْحُ قَدْ جٰدَلْتَنَا فَاَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَاْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ
اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٣٢﴾

گفتند ای نوح مکابره کردی باما پس
بسیارکردی مکابرۀ مارا پس بیارآنچه
وعده می کنی اگر هستی از راستگویان
(٣٢).

قَالَ اِنَّمَا يَاْتِيْكُمْ بِهِ اللّٰهُ اِنْ شَاۗءَ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٣٣﴾

گفت جزاین نیست که بیارد آن را به
شماخدا اگر خواهد وشماعاجز کننده
نیستید (٣٣) .

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِيْٓ اِنْ اَرَدْتُّ اَنْ اَنْصَحَ لَكُمْ اِنْ كَانَ اللّٰهُ يُرِيْدُ

وسودنمی دهد شمارا نصیحت من اگر
خواهم که نصیحت کنم شمارا اگر خدا

اَنْ يُّغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٣٤﴾

خواسته باشد که‌گمراه کند شمارا اوست پروردگار شما وبسوی اوبازگردانیده می‌شوید (٣٤) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ قُلْ اِنِ افْتَرَيْتُهٗ فَعَلَيَّ اِجْرَامِيْ وَاَنَا بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تُجْرِمُوْنَ ﴿٣٥﴾

(یا محمد) آیامی گویند افترابسته است قرآن را بگو اگر افترابسته ام قرآن را پس برمن است‌گناه من ومن بی تعلّقم ازگناه کردن شما[1] (٣٥) .

وَاُوْحِيَ اِلٰى نُوْحٍ اَنَّهٗ لَنْ يُّؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ اِلَّا مَنْ قَدْ اٰمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ ﴿٣٦﴾

ووحی فرستاده شد بسوی نوح که ایمان نخواهد آورد ازقوم تو مگرآنکه مومن شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می‌کردند (٣٦) .

وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِاَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِيْ فِي الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا اِنَّهُمْ مُّغْرَقُوْنَ ﴿٣٧﴾

وبه ساز کشتی را بدیدگاه ما وبفرمانِ ما وسخن مگوبامن دربارهٔ آنانکه ستم کردند هرآئینه ایشان غرق شلگانند (٣٧) .

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَاٌ مِّنْ قَوْمِهٖ سَخِرُوْا مِنْهُ قَالَ اِنْ تَسْخَرُوْا مِنَّا فَاِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُوْنَ ﴿٣٨﴾

ومی ساخت نوح کشتی را وهرگاه که میگذشت برآن کشتی جماعتی ازقوم او تمسخر میکردند باوی ،گفت اگر مسخره می کنید مارا پس هرآئینه مامسخره خواهیم کردشمارا چنانکه شما مسخره می‌کنید (٣٨) .

فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ مَنْ يَّاْتِيْهِ عَذَابٌ يُّخْزِيْهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٣٩﴾

پس خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وفرودآید بروی عقوبتی دائم (٣٩) .

حَتّٰٓى اِذَا جَآءَ اَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّوْرُ قُلْنَا احْمِلْ فِيْهَا مِنْ كُلٍّ

(درهمین معامله بود) تاوقتیکه آمدفرمان ما وبجوشید تنور وگفتیم بردار درکشتی

(١) مترجم‌گوید این جمله اضافه کرده شددر وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه باحال قوم حضرت نوح والله اعلم .

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
وَمَنْ آمَنَ ۚ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾

ازهرجنسی دوتن (نروماده) را وبردار اهل خودرا مگرآنکه سبقت کرده است بروی قضا[1] وبردار مسلمانان را، وایمان نیاوردند باوی مگراندکی (٤٠) .

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا ۚ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ
رَحِيمٌ ﴿٤١﴾

وگفت (نوح) سوار شوید درکشتی، بنام خداست روان شدن وی وایستادن وی هر آئینه پروردگار من آمرزندۂ مهربانست (٤١).

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ
وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾

وآن کشتی می بُرد ایشان را درموجی مانند کوه ها وآواز داد نوح پسر خودرا واوبود درکرانه ای پسرك من سوارشو باما ومباش باکافران (٤٢) .

قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ
الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ۚ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ
مِنَ الْمُغْرَقِينَ ﴿٤٣﴾

گفت پناه خواهم‌گرفت بسوی کوهی که نگاه دارد مرا ازآب گفت نوح هیچ نگاه دارنده نیست امروز از عذاب خدا مگر آنکه خدا رحم کرده است بروی وحائل شد موج میان ایشان پس شد ازغرق شدگان (٤٣) .

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ
وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ ۖ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

وگفته شد ای زمین فروبرآب خودرا وای آسمان بازمان[2] وکم کرده شد آب وبه انجام رسانیده شدکار وقرارگرفت کشتی برکوه جودی وگفته شد هلاکت باد قوم ستمگاران را (٤٤) .

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي

و آوازداد نوح پروردگار خودرا پس‌گفت ای پروردگار من هرآئینه پسر من ازاهل

---

(١) یعنی زن نوح وکنعان پسر نوح .
(٢) یعنی ازباران .

وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿٤٥﴾

من است وهرآئینه وعدهٔ توراست است
وتوبهترین حکم کنندگانی (٤٥) .

قَالَ يٰنُوْحُ إِنَّهٗ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهٗ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا
تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ إِنِّيْٓ أَعِظُكَ أَنْ تَكُوْنَ مِنَ
الْجٰهِلِيْنَ ﴿٤٦﴾

گفت ای نوح هرآئینه وی نیست ازاهل تو
هر آئینه او کاری ناشائسته است پس
سوال مکن تو مرا ازچیزی که نیست ترا
دانش به آن هرآئینه من پندمیدهم ترا
برای احتراز ازآنکه باشی ازجاهلان
(٤٦) .

قَالَ رَبِّ إِنِّيْٓ أَعُوْذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ وَإِلَّا
تَغْفِرْ لِيْ وَتَرْحَمْنِيْٓ أَكُنْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٤٧﴾

گفت ای پروردگار من هرآئینه من پناه می‌برم
به توازآنکه به پرسم ازتو آنچه نیست
مرادانش به آن واگر نیامرزی مرا و رحمت
نه کنی برمن باشم از زیان کاران (٤٧) .

قِيْلَ يٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكٰتٍ عَلَيْكَ وَعَلٰٓى أُمَمٍ
مِّمَّنْ مَّعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيْمٌ ﴿٤٨﴾

گفته شدای نوح فرودآ با سلامتی ازجانب
ما وهمراه برکت هافرودآمده برتووبرامت
هائی که پیدا شوند ازهمراهان تووامت
هائی دیگرکه بهره مند می سازیم ایشان
را دردنیابازبرسد بایشان ازجانب ماعذاب
درد دهنده (٤٨) .

تِلْكَ مِنْ أَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهَآ إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَآ أَنْتَ
وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٤٩﴾

این قصه ازاخبار غیب است وحی
میفرستیم آن را بسوی تونمی دانستی آن
را تو ونه قوم تو می دانستندپیش ازین
پس صبرکن هرآئینه عاقبت مرمتقیان
راست (٤٩) .

وَإِلٰى عَادٍ أَخَاهُمْ هُوْدًا قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ
إِلٰهٍ غَيْرُهٗ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُوْنَ ﴿٥٠﴾

وفرستادیم بسوی عاد برادر ایشان هود را
گفت ای قوم من عبادت کنید خدارا
نیست شماراهیچ معبود برحقی بجزوی
نیستید شما مگر افتراء کننده (٥٠) .

يٰقَوْمِ لَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِيْ

ای قوم من نمی طلبم ازشما براین پیغام
مزدی را، نیست مزدمن مگر برکسیکه

فَطَرَنِيٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٥١

آفریده است مرا آیادرنمی یابید (٥١) .

وَيَٰقَوۡمِ ٱسۡتَغۡفِرُواْ رَبَّكُمۡ ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِ يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ
عَلَيۡكُم مِّدۡرَارٗا وَيَزِدۡكُمۡ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمۡ وَلَا تَتَوَلَّوۡاْ
مُجۡرِمِينَ ٥٢

وای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بسوی اوتابفرستدباران را برشماریزان وبیافزاید شمارا قوتی همراه قوتِ شما وروگردان مشوید گنهگارشده (٥٢) .

قَالُواْ يَٰهُودُ مَا جِئۡتَنَا بِبَيِّنَةٖ وَمَا نَحۡنُ بِتَارِكِيٓ ءَالِهَتِنَا
عَن قَوۡلِكَ وَمَا نَحۡنُ لَكَ بِمُؤۡمِنِينَ ٥٣

گفتند ای هود نیاوردی بما دلیلی ونیستیم ما ترك کننده معبودان خودرا بگفتهٔ تو ونیستیم ماترا باوردارنده (٥٣) .

إِن نَّقُولُ إِلَّا ٱعۡتَرَىٰكَ بَعۡضُ ءَالِهَتِنَا بِسُوٓءٖۗ قَالَ إِنِّيٓ أُشۡهِدُ ٱللَّهَ
وَٱشۡهَدُوٓاْ أَنِّي بَرِيٓءٞ مِّمَّا تُشۡرِكُونَ ٥٤

نمی‌گوئیم مگرآنکه رسانیده اند بتو بعض معبودان ما ضرری ، گفت هرآئینه من‌گواه می سازم خدارا وشماگواه باشید که من بی تعلقم ازآنچه شما شریك می گیرید (٥٤) .

مِن دُونِهِۦۖ فَكِيدُونِي جَمِيعٗا ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ٥٥

بجزوی پس توطئه کنیددرحق من همه یك جابازمهلت مدهیدمرا (٥٥) .

إِنِّي تَوَكَّلۡتُ عَلَى ٱللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمۚ مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلَّا هُوَ
ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ٥٦

هرآئینه من توکل کردم برخدا پروردگار من وپروردگارشما نیست هیچ جنبنده ای مگر خداگیرنده است به پیشانی او[1] هرآئینه پروردگارمن برراه راست است[2] (٥٦) .

فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقَدۡ أَبۡلَغۡتُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦٓ إِلَيۡكُمۡۚ
وَيَسۡتَخۡلِفُ رَبِّي

پس اگر روگردان شوید ضرری بمن عائد نیست هرآئینه رسانیدم به شماپیغامی را که فرستاده شدم همراه آن بسوی شماوجانشین سازد پروردگار من

---

(١) یعنی مالك اوست .

(٢) یعنی حکیم است .

قَوْمًا غَيْرَكُمْ ۚ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا ۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٥٧﴾

قـومـی را بغیـراز شمـاوهیـچ زیـان
نتوانیدرسانیدن خدارا هرآئینه پروردگار
من برهمه چیزنگهبان است (٥٧) .

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا
وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾

وچون آمد عذاب مانجات دادیم هود را
وآنان را که ایمان آوردند باوی برحمتی
ازجـانـب خـود و بـرهـانیـدیـم ایشـان
راازعقوبتِ سخت (٥٨) .

وَتِلْكَ عَادٌ ۖ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٥٩﴾

واین است سرگذشت عاد انکار کردند
آیات پروردگار خودرا ونافرمانی نمودند
پیغامبران اورا وپیروی کردند فرمان
هرسرکش ستیزنده را (٥٩) .

وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ عَادًا
كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿٦٠﴾

وازپَیِ ایشان فرستاده شددردنیا لعنتی
وروزقیامت نیز، آگاه باش هرآئینه عاد
کافرشدند به پروردگار خود آگاه باش
نفرین بادعاد را که قوم هودبودند (٦٠) .

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ
غَيْرُهُ ۖ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ
ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ﴿٦١﴾

وفرستادیم بسوی ثمود برادرایشان صالح
راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا
نیست شمارا هیچ معبود برحقی بجزوی
اوپیداکـرد شمـارا ازرمیـن[1] و سـاکـن
گردانید شمارا درزمین پس طلب آمرزش
کنید ازوی بازرجوع کنید بسوی او
هرآئینه پروردگار من نزدیك است
پذیرندهٔ دعاست (٦١) .

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَا ۖ أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا
يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٦٢﴾

گفتنـد ای صـالـح بـودی تـودرمیـان
ماامیدداشته شده پیش ازین آیامنع می‌کنی
مارااز‌آنکه عبادت کنیم معبودانی را که

---

(١) یعنی آفریدپدرومادر شما آدم وحوا راازخاك که شما ازنسل آنهائید .

عبادت میکردند پدران ماوهرآئینه مادرشبهه قوی ایم ازآنچه میخوانی مارا بسوی آن (٦٢) .

قَالَ يٰقَوْمِ أَرَءَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَاٰتٰىنِيْ مِنْهُ
رَحْمَةً فَمَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ إِنْ عَصَيْتُهٗ فَمَا تَزِيْدُوْنَنِيْ غَيْرَ
تَخْسِيْرٍ ﴿٦٣﴾

گفت ای قوم من آیادیدید ا گرباشم برحجتی ازپروردگار خود عطا کرده باشد بمن ازجانب خود بخشائشی پس که نصرت دهدمرا ازعقوبتِ خداا گر نافرمانی اوکنم پس نمی‌افزائید درحق من مگر زیان کاری را (٦٣) .

وَيٰقَوْمِ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَأْكُلْ فِيْٓ أَرْضِ اللّٰهِ
وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ﴿٦٤﴾

وای قوم من اینست ماده شتری که خدافرستاده است برای شمانشانه پس بگذاریدش تابخورد در زمین خدا ومرسانید به وی هیچ ضرری که آنگاه بگیرد شمارا عقوبتی نزدیك (٦٤) .

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ ثَلٰثَةَ أَيَّامٍ ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ
مَكْذُوْبٍ ﴿٦٥﴾

پس پَی زدند آن را پس گفت صالح بهره مند باشید درسرای خود سه روز این وعده هست غیر دروغ (٦٥) .

فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صٰلِحًا وَّالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا
وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ ﴿٦٦﴾

پس وقتی که آمد فرمان مانجات دادیم صالح را وآنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشائشی ازجانب خود ورهانیدیم ازرسوائیِ آن روز، هرآئینه پروردگارتو اوست توانای غالب (٦٦) .

وَأَخَذَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوْا فِيْ دِيَارِهِمْ جٰثِمِيْنَ ﴿٦٧﴾

ودر گرفت ستمگاران راآواز سخت پس صبح کردند درسراهای خود مرده هائی برروی افتاده (٦٧) .

كَأَنْ لَّمْ يَغْنَوْا فِيْهَا أَلَآ إِنَّ ثَمُوْدَا۟ كَفَرُوْا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا
لِّثَمُوْدَ ﴿٦٨﴾

گویا هرگز نه بودندآن جا آ گاه باش هرآئینه ثمود انکار کردند پروردگار خودرا هرآئینه دوری باد ثمود را (٦٨) .

وَلَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُنَآ إِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى قَالُوْا سَلٰمًا قَالَ سَلٰمٌ

هرآئینه آمدند فرستاد گان ماپیش ابراهیم

فَمَا لَبِثَ أَنْ جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾

به بشارت، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه آورد گوساله ای بریان (٦٩) .

فَلَمَّا رَآ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾

پس چون دیدکه دستهای ایشان نمی رسد بآن خوف زده شد ازایشان وبخاطر آوردازایشان ترسی گفتندمترس هرآئینه مافرستاده شده ایم بسوی قوم لوط (٧٠) .

وَامْرَأَتُهُ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَٰهَا بِإِسْحَٰقَ وَمِن وَرَآءِ إِسْحَٰقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید[١] پس مژده دادیمش بتولد اسحاق وبعد اسحاق بوجود یعقوب (٧١) .

قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِى شَيْخًا ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾

گفت ای وای برمن آیاخواهم زادومن پیرم واین شوهر من است کلان سال شده هرآئینه این چیزی عجیب است (٧٢) .

قَالُوٓا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ ۖ رَحْمَتُ ٱللَّهِ وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ ۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ﴿٧٣﴾

فرشتگان گفتند آیا تعجب می کنی ازقدرتِ خدا، بخشائش خدا و برکات اوبرشماست ای اهل این خانه هرآئینه خداستوده شدهٔ بزرگوارست (٧٣) .

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِى قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾

پس چون رفت ازابراهیم خوف وآمدش بشارت شروع نمود جدال کردن با مادربارهٔ قوم لوط (٧٤) .

إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّٰهٌ مُّنِيبٌ ﴿٧٥﴾

هرآئینه ابراهیم بردبار ناله کننده رجوع کننده بخدابود (٧٥) .

يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَآ ۖ إِنَّهُۥ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾

گفتیم ای ابراهیم بگذرازین جدال هرآئینه (حال اینست که) آمد عقوبت پروردگار تووهر آئینه این جماعت

(١) مترجم گوید یعنی بسبب خوش وقتی ازهلاك قوم لوط .

خواهدآمد بایشان عقوبتی که باز گردانیده نشود (۷٦) .

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَّقَالَ هٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾

وچون آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندوهگین شد بسبب ایشان دلتنگ شد به سبب ایشان و گفت این روزیست سخت[1] (۷۷) .

وَجَآءَهٗ قَوْمُهٗ يُهْرَعُونَ اِلَيْهِ ؕ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ ؕ قَالَ يٰقَوْمِ هٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِىْ هُنَّ اَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُوْنِ فِىْ ضَيْفِىْ ؕ اَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيْدٌ ﴿٧٨﴾

وآمدند پیش لوط قوم اوشتابان بسوی اووپیش ازآن میکردند کارهای زشت لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح کنید) این ها پاکیزه تراند برای شماپس بترسید ازخدا ورسوامکنید مرا درمورد مهمانان من آیانیست ازشما هیچ مردشائسته ای (۷۸) .

قَالُوْا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِىْ بَنٰتِكَ مِنْ حَقٍّ ۚ وَاِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيْدُ ﴿٧٩﴾

گفتند هرآئینه تودانسته ای که نیست مارا در دختران توحاجتی وهرآئینه تومیدانی آنچه می خواهیم (۷۹) .

قَالَ لَوْ اَنَّ لِىْ بِكُمْ قُوَّةً اَوْ اٰوِىْٓ اِلٰى رُكْنٍ شَدِيْدٍ ﴿٨٠﴾

گفت ا گر مرا بمقابلهٔ شما قوتی می‌بود یا پناه می گرفتم به قوم زورآور(چنین میکردم) (۸۰) .

قَالُوْا يٰلُوْطُ اِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَّصِلُوْٓا اِلَيْكَ فَاَسْرِ بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ اِلَّا امْرَاَتَكَ ؕ اِنَّهٗ مُصِيْبُهَا مَآ اَصَابَهُمْ ؕ اِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ؕ اَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيْبٍ ﴿٨١﴾

فرشتگان گفتند ای لوط هرآئینه مافرستادگان پروردگار توایم نخواهند رسید به تو پس ببراهل خودرا بپاره ای از شب وباید که واپس ننگرد هیچکس ازشمامگرزن تو که رسیدنی است اوراآنچه رسید باین قوم هرآئینه میعاد

---

(۱) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند وعادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیداشد والله اعلم .

ایشان وقت صبح ست آیاصبح نزدیك نیست؟ (٨١) .

فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيْلٍ ۙ مَّنْضُوْدٍ ﴿٨٢﴾

پس چون آمد فرمان ما ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن وبارانیدیم برآنجاسنگهاای ازگِل پخته ، پَی درپَی (٨٢) .

مُّسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ ؕ وَمَا هِيَ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ بِبَعِيْدٍ ﴿٨٣﴾

نشان مند ساخته شده نزد پروردگار تواین سنگ هانیستند دورازستمگاران (٨٣) .

وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا ؕ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ اِنِّيْۤ اَرٰىكُمْ بِخَيْرٍ وَّاِنِّيْۤ اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيْطٍ ﴿٨٤﴾

وفرستادیم بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب راگفت ای قوم من عبادت کنید خدارا نیست شمارا هیچ معبود برحقی مگروی وکم مکنید پیمانه وترازو را هر آئینه من می بینم شمارا که درنعمتید وهرآئینه من می ترسم برشماازعذاب روزدر بگیرنده[1] (٨٤) .

وَيٰقَوْمِ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ﴿٨٥﴾

وای قوم من کامل کنید پیمانه وترازو را بانصاف وکم مرسانید بمردمان چیزهای ایشان را وتباهکاری مکنید درزمین فسادکنان (٨٥) .

بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۚ وَمَاۤ اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ ﴿٨٦﴾

باقی‌گذاشتهٔ خدای تعالی بهتر است برای شما اگر باور دارنده اید ونیستم من برشما نگهبان (٨٦) .

قَالُوْا يٰشُعَيْبُ اَصَلٰوتُكَ تَاْمُرُكَ اَنْ نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَاۤ اَوْ اَنْ نَّفْعَلَ فِيْۤ اَمْوَالِنَا مَا نَشٰٓؤُا ؕ اِنَّكَ لَاَنْتَ الْحَلِيْمُ الرَّشِيْدُ ﴿٨٧﴾

گفتند ای شعیب آیانماز تومیفرمایدترا که بگذاریم آنچه می پرستیدند پدران ما یا بگذاریم آنکه کنیم درمال خود هرچه خواهیم هرآئینه تو مردِ بُردبار شائستهٔ

(١) یعنی هلاك کننده .

معامله ای (ومقصودایشان استهزابود) . (٨٧)

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّىْ وَرَزَقَنِىْ
مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ؕ وَمَاۤ اُرِيْدُ اَنْ اُخَالِفَكُمْ اِلٰى مَاۤ
اَنْهٰكُمْ عَنْهُ ؕ اِنْ اُرِيْدُ اِلَّا الْاِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ؕ
وَمَا تَوْفِيْقِىْۤ اِلَّا بِاللّٰهِ ؕ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ
اُنِيْبُ ﴿٨٨﴾

گفت ای قوم من آیا دیدید ا گرباشم برحجتی از پروردگار خود وداده باشد بمن ازجانب خود روزیِ نیك[1] ونمی خواهم که خلاف کنم باشماامائل شده بسوی آنچه منع می کنم شمارا ازآن[2] نمی خواهم مگر صلاح کاری تابتوانم ونیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم وبسوی اورجوع می‌کنم (٨٨) .

وَيٰقَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِىْۤ اَنْ يُّصِيْبَكُمْ مِّثْلُ مَاۤ اَصَابَ
قَوْمَ نُوْحٍ اَوْ قَوْمَ هُوْدٍ اَوْ قَوْمَ صٰلِحٍ ؕ وَمَا قَوْمُ لُوْطٍ مِّنْكُمْ
بِبَعِيْدٍ ﴿٨٩﴾

و ای قوم من ضدیت بامن نباید وادار سازد شمارا باین خصلت که برسد بشما مانند آنچه رسید بقوم نوح یا بقوم هود یابقوم صالح ونیست قوم لوط دورازشما . (٨٩)

وَاسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْۤا اِلَيْهِ ؕ اِنَّ رَبِّىْ رَحِيْمٌ وَّدُوْدٌ ﴿٩٠﴾

وطلب آمرزش کنید از پروردگار خود بازرجوع کنید بسوی اوهرآئینه پروردگار من مهربانِ دوستدارست (٩٠) .

قَالُوْا يٰشُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَقُوْلُ وَاِنَّا لَنَرٰىكَ
فِيْنَا ضَعِيْفًا ۚ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنٰكَ ؗ وَمَاۤ اَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيْزٍ ﴿٩١﴾

گفتند ای شعیب نمی فهمیم بسیاری ازآنچه می گوئی وهرآئینه مامی بینیم ترا درمیان خودناتوان وا گر نه می‌بود قبیلهٔ تو سنگسار میکردیم ترا ونیستی توپیش ما گرامی قدر (٩١) .

قَالَ يٰقَوْمِ اَرَهْطِىْۤ اَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ ؕ وَاتَّخَذْتُمُوْهُ

گفت ای قوم من آیاقبیلهٔ من گرامی

---

(١) یعنی حلال چگونه سخن شمارا شنوم .

(٢) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که بکار نیك بفرمایم وخود نکنم والله اعلم .

وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا ۖ إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾

تراست پیش شمااازخدا وگرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش هرآئینه پروردگار من بآنچه میکنید دربرگیرنده است (٩٢) .

وَيَٰقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾

وای قوم من عمل کنید برطور خود هرآئینه من نیز عمل کننده ام زود خواهید دانست آن را که بیایدش عذابی که رسوا کندش وآن را که وی دروغگوست وانتظار برید هرآئینه من باشما منتظرم (٩٣) .

وَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ﴿٩٤﴾

ووقتیکه آمد عذاب ما نجات دادیم شعیب را وآنان را که ایمان آوردند باوی به بخشائشی ازخود ودرگرفت ظالمان را آواز سخت پس‌گشتند درسراهای خویش مرده افتاده (٩٤) .

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَآ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾

گویاهرگز نه بودند آنجا آگاه باش دوری باد مَدیَن را چنانکه دور افتادند ثمود (٩٥) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود وبه دلیل روشن (٩٦) .

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِۦ فَاتَّبَعُوٓا أَمْرَ فِرْعَوْنَ ۖ وَمَآ أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾

بسوی فرعون وجماعت او پس پیروی کردند فرعون را ونه بود فرمان فرعون براه راست (٩٧) .

يَقْدُمُ قَوْمَهُۥ يَوْمَ الْقِيَٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۖ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾

پیشوا شود فرعون قوم خودرا روزقیامت پس بیاردایشان را بآتش وبدجائیست که وارد آن شدند (دوزخ) (٩٨) .

وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِۦ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَٰمَةِ ۚ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾

وازپی ایشان آورده شد لعنت درین دنیا وروزقیامت نیز بدعطائیست که داده

شد(آن لعنت) (۹۹) .

ذٰلِكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْقُرٰى نَقُصُّهٗ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَّحَصِيْدٌ ﴿١٠٠﴾

این ازاخبارده ها ست که میخوانیم آن را برتو بعضی ازآن باقیست وبعضی ازبیخ بریده (۱۰۰) .

وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ ظَلَمُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَمَآ اَغْنَتْ عَنْهُمْ اٰلِهَتُهُمُ الَّتِيْ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا جَآءَ اَمْرُ رَبِّكَ ؕ وَمَا زَادُوْهُمْ غَيْرَ تَتْبِيْبٍ ﴿١٠١﴾

وستم نکردیم ایشانرا ولیکن ایشان ستم کردند برخویشتن پس هیچ دفع نکردند ازایشان معبودان ایشان که میخواندند بغیرازخدا وقتی که آمدفرمان پروردگار تو ونیفزودند ایشان را بجز هلاکی (۱۰۱) .

وَكَذٰلِكَ اَخْذُ رَبِّكَ اِذَآ اَخَذَ الْقُرٰى وَهِيَ ظَالِمَةٌ ؕ اِنَّ اَخْذَهٗٓ اَلِيْمٌ شَدِيْدٌ ﴿١٠٢﴾

وهمچنین ست گرفتار کردن پروردگار تو چون بگیردِ ده ها را وآنها ستمگار باشند هرآئینه گرفت وی درد دهندهٔ سخت است (۱۰۲) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْاٰخِرَةِ ؕ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوْعٌ ۙ لَّهُ النَّاسُ وَذٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُوْدٌ ﴿١٠٣﴾

هرآئینه درین سخن نشانه است کسی راکه ترسیده است ازعذاب آخرت آن روز روزیست که جمع کرده شوند درآن مردمان وآن روز روزیست که همه حاضر شوند دروی (۱۰۳) .

وَمَا نُؤَخِّرُهٗٓ اِلَّا لِاَجَلٍ مَّعْدُوْدٍ ﴿١٠٤﴾

وموقوف نمی داریم آنرا مگرتامدت معین (۱۰٤) .

يَوْمَ يَاْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ۚ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَّسَعِيْدٌ ﴿١٠٥﴾

روزی که بیاید سخن نگوید هیچ کس مگربدستور حق پس بعض ایشان بدبخت باشند وبعضی نیك بخت (۱۰۵) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ شَقُوْا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيْهَا زَفِيْرٌ وَّشَهِيْقٌ ﴿١٠٦﴾

اماآنانکه بدبخت شدند پس درآتش باشند ایشان راباشد آنجافریادسخت ونالهٔ زار(یعنی مانند آوازخر) (۱۰٦) .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ؕ اِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيْدُ ﴿١٠٧﴾

باشند جاودان آنجا مدتِ بقای آسمان ها و زمین مگرآنچه که خواسته است

پروردگار تو هر آئینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد (۱۰۷) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ سُعِدُوْا فَفِي الْجَنَّةِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ
وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ ؕ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوْذٍ ﴿۱۰۸﴾

واما آنانکه نیك بخت کرده شدند پس دربهشت باشندجاودان آنجاتامدتِ بقای آسمان ها وزمین مگرآنچه که خواسته است پروردگار توبخششی غیر منقطع[۱] (۱۰۸) .

فَلَا تَكُ فِيْ مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هٰٓؤُلَآءِ ؕ مَا يَعْبُدُوْنَ اِلَّا كَمَا
يَعْبُدُ اٰبَآؤُهُمْ مِّنْ قَبْلُ ؕ وَاِنَّا لَمُوَفُّوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ غَيْرَ
مَنْقُوْصٍ ﴿۱۰۹﴾

پس مباش درشبهه ازآنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه می‌پرستیدند پدران ایشان پیش ازین ومماالبته تمام دهندهٔ ایشانیم حصه ایشان را ناکاهیده[۲] (۱۰۹) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيْهِ ؕ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ؕ وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ
مُرِيْبٍ ﴿۱۱۰﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ راکتاب پس اختلاف افتاد درآن وا گر نمی بود سخنی که سابقًا صادر شده از پروردگار تو هرآئینه فیصله کرده می شد میان ایشان و ایشان درشبهه قوی اندازآن (۱۱۰) .

وَاِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ اَعْمَالَهُمْ ؕ اِنَّهٗ بِمَا يَعْمَلُوْنَ
خَبِيْرٌ ﴿۱۱۱﴾

وهرآئینه هرکسی وقتی که برانگیخته شود البته تمام خواهد دادایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان هرآئینه وی بآنچه میکنند داناست (۱۱۱) .

فَاسْتَقِمْ كَمَآ اُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا ؕ اِنَّهٗ بِمَا
تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۱۱۲﴾

پس استوار باش چنانچه فرموده شده توراوآنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، وازحد مگذریدهرآئینه وی بآنچه می کنید

---

(۱) مترجم گوید یعنی مدت ماندن دربهشت ودوزخ مانند مدت دوام آسمان ها وزمین است دردنیا اگر زیادتی را که درمشیت خداست ودرفهم کسی نمی گنجد اعتبار نکندحاصل بیان دوام است بابلغ وجوه والله اعلم .

(۲) یعنی حصه ایشان ازعذاب .

بيناست (١١٢) .

وَلَا تَرْكَنُوٓا۟ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾

ومیل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند که آنگاه برسد به شما آتش ونیست شمارا بجزخدا دوستان بازنصرت داده نه شوید (١١٣) .

وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ طَرَفَىِ ٱلنَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ ٱلَّيْلِ إِنَّ ٱلْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ ﴿١١٤﴾

وبرپاکن نمازرا دوطرف روز وساعتی چنداز شب هرآئینه طاعات دورمیکنند گناهان را این پندی هست پندپذیران را (١١٤) .

وَٱصْبِرْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾

وشکیبائی کن هرآئینه خدا ضائع نمی سازد مزدنیکوکاران را (١١٥) .

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ ٱلْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُو۟لُوا۟ بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْفَسَادِ فِى ٱلْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَآ أُتْرِفُوا۟ فِيهِ وَكَانُوا۟ مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾

پس چرا نه شدند ازآن قرنهاکه پیش ازشمابودند اهل خرد که منع کنند ازفساد درزمین مگراندکی ازآن جماعت که نجات دادیم ازمیان ایشان وپیروی کردند ستمگاران چیزی را که آسودگی داده شدند بآن[1] وبودندگناه گاران (١١٦) .

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

وهرگز نیست پروردگار توکه هلاك کند ده ها را به ستم واهل آن نیکوکار باشند (١١٧) .

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ ٱلنَّاسَ أُمَّةً وَٰحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ ﴿١١٨﴾

وا گر می‌خواست پروردگار توالبته می گردانید مردمان را یك ملت وهمیشه باشند مختلف (١١٨) .

إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ

مگرآنکه بروی رحم کرده است پروردگار تو وبرای این اختلاف آفریده است ایشان را وتمام شد سخن

(١) یعنی بلذات دنیا مشغول شدند .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾

پروردگار تو، که البته پرکنم دوزخ را از جنیان ومردمان همه یك جا[1] (١١٩) .

وَكُلًّا نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ ۚ
وَجَاءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾

وهرچیزی را حکایت می کنیم برتوازاخبار پیغامبران آن چیزی است که ثابت می گردانیم بآن دل ترا وآمده است به تودرین سوره سخن درست و پندی ویادآوری برای مسلمانان (١٢٠) .

وَقُل لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ
إِنَّا عَامِلُونَ ﴿١٢١﴾

وبگوآنان را که ایمان نمی آرند عمل کنید برطور خود هرآئینه مانیز عمل کنندگانیم (١٢١) .

وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿١٢٢﴾

وانتظار کشید هرآئینه مانیز منتظریم (١٢٢).

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ
وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

وخدا راست علم غیب آسمان ها وزمین وبسوی اوبازگردانیده می شودکار همه آن پس عبادت کن اورا وتوکل کن براو ونیست پروردگار تو بیخبر ازآنچه می‌کنید (١٢٣) .

سُورَةُ يُوسُف

سورهٔ یوسف مکی است وآن یك صدویازده آیت ودوازده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾

الٓرٰ این آیت ها آیاتِ کتاب روشن است (١) .

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾

هرآئینه مافروفرستادیم آن را قرآن عربی

(١) مترجم گوید درعرف اختلاف رانسبت میکنند باهل باطل نه باهل حق ویقال قال اهل الحق کذاوخالَفَهُم فِرَقٌ پس استثنای مَنْ رَحِمَ بی تکلف صحیح شد والله اعلم .

باشد که شمادریابید (۲) .

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ
هٰذَا الْقُرْاٰنَ ۖ وَاِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ الْغٰفِلِيْنَ ③

ماحکایت می کنیم برتو بهترین قصه ها بوحی فرستادن خود بسوی تواین قرآن را وهرآئینه حال این ست که تو بودی پیش ازآن از بی خبران (۳) .

اِذْ قَالَ يُوْسُفُ لِاَبِيْهِ يٰٓاَبَتِ اِنِّيْ رَاَيْتُ اَحَدَ عَشَرَ
كَوْكَبًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَاَيْتُهُمْ لِيْ سٰجِدِيْنَ ④

یادکن چون گفت یوسف پدرخودرا ای پدرمن هرآئینه من بخواب دیدم یازده ستاره را و خورشید وماه را دیدم برای خود سجده کننده (٤) .

قَالَ يٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلٰٓى اِخْوَتِكَ فَيَكِيْدُوْا لَكَ
كَيْدًا ۗ اِنَّ الشَّيْطٰنَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ⑤

گفت ای پسرك من بیان مکن خواب خودرا پیش برادران خود که آنگاه اندیشه کنند درحق توحیله هرآئینه شیطان آدمی را دشمن آشکاراست (٥) .

وَكَذٰلِكَ يَجْتَبِيْكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَاْوِيْلِ
الْاَحَادِيْثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكَ وَعَلٰٓى اٰلِ يَعْقُوْبَ كَمَآ اَتَمَّهَا
عَلٰٓى اَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْحٰقَ ۗ اِنَّ رَبَّكَ
عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ⑥

وچنانکه خواب بتونمود همچنین برگزیندترا پروردگار تووبیاموزد ترا ازعلم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) وتمام کند نعمت خودرا برتو وبرفرزندان یعقوب چنانکه تمام کرد آن را بردوجدِّتو پیش ازین ابراهیم واسحق هرآئینه پروردگار تودانای استوارکارست (٦) .

لَقَدْ كَانَ فِيْ يُوْسُفَ وَاِخْوَتِهٖٓ اٰيٰتٌ لِّلسَّآئِلِيْنَ ⑦

هر آئینه هست درقصهٔ یوسف وبرادرانِ او نشانه هاسوال کنندگان را (۷) .

اِذْ قَالُوْا لَيُوْسُفُ وَاَخُوْهُ اَحَبُّ اِلٰٓى اَبِيْنَا مِنَّا
وَنَحْنُ عُصْبَةٌ ۗ اِنَّ اَبَانَا لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنِۨ ⑧

چون گفتند که یوسف وبرادر حقیقی اودوست تراند نزدِ پدرماازماوماجماعتی هستیم هرآئینه پدرِما در خطای ظاهر است (۸) .

اِقْتُلُوْا يُوْسُفَ اَوِ اطْرَحُوْهُ اَرْضًا يَّخْلُ لَكُمْ وَجْهُ اَبِيْكُمْ

بِکُشید یوسف را یابیفکنیدش به زمین غیر معلوم تاخالی شود برای شما توجه

وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ⑨

پدرشماوتاباشید بعد ازین گروهی شائسته (یعنی توبه کنید) (۹) .

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ⑩

گفت گوینده ازایشان مَکُشید یوسف را و بیفکنیدش درقعرِ تاریك چاه تا برگیرداو را بعض مسافران اگر کنند گانید (این کاررا) (۱۰) .

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ⑪

گفتند ای پدرما چیست حال توکه امین نمی پنداری مارا بر یوسف وهرآئینه مااورانیك خواهانیم (۱۱) .

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ⑫

بفرست اوراباما فردا تا میوه بسیار خُورَد وبازی کند وهرآئینه ما اورا نگاه بانیم (۱۲) .

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَن تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ⑬

گفت هرآئینه اندوهگین می کندمرا آنکه ببَریدش ومی ترسم ازآنکه بخورد اورا گرگ وشماازوی بی خبرباشید (۱۳) .

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ ⑭

گفتند اگر بخورَد او را گرگ وماجماعتی هستیم هرآئینه ما آنگاه زیان کارباشیم (۱٤) .

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ⑮

پس چون بِبُرَدَندَش و عزیمت کردند که بیفکنندش درقعر تاریك چاه ووحی فرستادیم بسوی اوکه البته خبردار خواهی ساخت ایشان را باین ماجرای ایشان و ایشان نه شناسند (۱۵) .

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ⑯

وآمدندپیش پدرخودشبانگاه میگریستند (۱٦) .

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ⑰

گفتند ای پدرماهرآئینه ماشروع کردیم در مسابقه وگذاشتیم یوسف را نزدیك رخت خویش پس بِخُورد او راگرگ نیستی توباور دارندۂ ما اگرچه باشیم راستگو (۱۷) .

وَجَآءُوْ عَلٰى قَمِيْصِهٖ بِدَمٍ كَذِبٍ ۭ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ
لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا ۭ فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ ۭ وَاللّٰهُ الْمُسْتَعَانُ
عَلٰى مَا تَصِفُوْنَ ﴿١٨﴾

وآوردند برپيراهن او خون دروغ را يعقوب گفت نه، بلكه آراسته است براى شما نفس شماتدبيرى را پس كارمن صبر نيك است وخدامدد طلبيده مى شود از وى برآنچه شما بيان مى كنيد (١٨) .

وَجَآءَتْ سَيَّارَةٌ فَاَرْسَلُوْا وَارِدَهُمْ فَاَدْلٰى دَلْوَهٗ ۭ قَالَ
يٰبُشْرٰى هٰذَا غُلٰمٌ ۭ وَاَسَرُّوْهُ بِضَاعَةً ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ
بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿١٩﴾

وآمد كاروانى پس فرستادند سقاى (يعني آب آور) خودرا پس انداخت دَلوِخود گفت اى مژده من اين نوجوانى است واهل قافله پنهان ساختند اوراسرمايهٔ دانسته وخداداناست بآنچه مى كردند (١٩) .

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍۢ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُوْدَةٍ ۚ وَكَانُوْا فِيْهِ
مِنَ الزّٰهِدِيْنَ ﴿٢٠﴾

و (برادران) فروختندش به بهاى ناقص درهمى چند شمرده شده وبودند دربارهٔ يوسف ازبى رغبتان (٢٠) .

وَقَالَ الَّذِى اشْتَرٰىهُ مِنْ مِّصْرَ لِامْرَاَتِهٖٓ اَكْرِمِىْ مَثْوٰىهُ
عَسٰٓى اَنْ يَّنْفَعَنَآ اَوْ نَتَّخِذَهٗ وَلَدًا ۭ وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوْسُفَ
فِى الْاَرْضِ ۡ وَلِنُعَلِّمَهٗ مِنْ تَاْوِيْلِ الْاَحَادِيْثِ ۭ وَاللّٰهُ غَالِبٌ
عَلٰٓى اَمْرِهٖ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢١﴾

و گفت شخصى كه خريد يوسف رااز اهل مصر بِزَنِ خود گرامى دارجاى اورا شايد كه نفع دهد مارا يافرزند گيريم اورا وهمچنين قرارداديم يوسف را درآن سرزمين وتا بيا موزيم اورا ازعلم تاويل الاحاديث وخداتواناست برمراد خود وليكن اكثر مردمان نميدانند (٢١) .

وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهٗٓ اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا ۭ وَكَذٰلِكَ
نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٢٢﴾

وچون رسيد يوسف به نهايتِ قوتِ خود داديم وى را دانائى و علم وهمچنين جزاميدهيم نيكوكاران را (٢٢) .

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِىْ هُوَ فِىْ بَيْتِهَا عَنْ نَّفْسِهٖ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ
وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۭ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهٗ رَبِّىْٓ اَحْسَنَ مَثْوَاىَ ۭ
اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٢٣﴾

طلب كرد يوسف را زنى كه او درخانه اش بود ازنفس او (واين كنايت ازطلب جماع است) وبِبَست درهارا و گفت پيش آ گفت پناه برخدا بيشك اومولاى من است نيكوساخت جايگاه

مرا[١] هرآئینه رستگارنمی شوند ظالمان (٢٣) .

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَآ اَنْ رَّاٰ بُرْهَانَ رَبِّهٖ
كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْٓءَ وَالْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ
عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ ﴿٢٤﴾

وهرآئینه قصد کردآن زن بسوی یوسف وقصد کردی یوسف بسوی او ا گر نه بودآنکه دید یوسف دلیل پروردگار خودرا، چنین کردیم تابازگردانیم ازوی بدی وبی حیائی را هرآئینه وی از بندگان مخِلص ماست (٢٤) .

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيْصَهٗ مِنْ دُبُرٍ وَّاَلْفَيَا
سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَآءُ مَنْ اَرَادَ بِاَهْلِكَ
سُوْٓءًا اِلَّآ اَنْ يُّسْجَنَ اَوْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٢٥﴾

وبایکدیگرسبقت کردند بسوی دروازه وبدریدآن زن پیراهن یوسف را از پشت ویافتند شوهر زن رانزدیك دروازه گفت چیست جزای کسیکه خواسته باشد باهل توکاربد را مگر آنکه بزندان انداخته شود یا عقوبتی درد دهنده (٢٥) .

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِيْ عَنْ نَّفْسِيْ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ اَهْلِهَا
اِنْ كَانَ قَمِيْصُهٗ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ
وَهُوَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٢٦﴾

یوسف گفت این زن خواست مرااز نفس من وگواهی داد گواهی از قبیلهٔ زن که ا گر هست پیراهن یوسف دریده از جلو، پس این زن راست گفته است ویوسف ازدروغ گویانست (٢٦) .

وَاِنْ كَانَ قَمِيْصُهٗ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ
الصّٰدِقِيْنَ ﴿٢٧﴾

وا گر هست پیراهن او دریده ازپشت، پس این زن دروغ گفته است ویوسف ازراست گویان است (٢٧) .

فَلَمَّا رَاٰ قَمِيْصَهٗ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ اِنَّهٗ مِنْ كَيْدِكُنَّ اِنَّ
كَيْدَكُنَّ عَظِيْمٌ ﴿٢٨﴾

پس شوهرش چون دیدپیراهن اورا دریده ازپشت، گفت این قضیه ازمکر شما زنان است هرآئینه مکرشما زنان بزرگ است (٢٨) .

(١) یعنی خیانت اونتوانم کرد .

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا ۚ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿٢٩﴾

ای یوسف درگذر ازین ماجرا وای زن طلب آمرزش کن برای گناه خود هرآئینه تو بوده ای ازخطا کنند گان (٢٩) .

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ ۖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۖ إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

وگفتند زنانی چند در شهر که زن عزیز می طلبد نوجوان خودرا ازنفس او هرآئینه دردلش جاکرده است از روی دوستی هرآئینه مامی بینیم اورا درگمراهی ظاهر (٣٠) .

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ ۖ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾

پس چون شنیدزن عزیزغیبت ایشانرا قاصد فرستاد بسوی ایشان و مهیا کرد برای ایشان مجلسی وداد هریکی را ازایشان کاردی وگفت ای یوسف بیرون آ براین زنان پس چون بدیدَندَش بزرگ یافتندش وبِبُریدند دستهای خویش وگفتند پاك است خدا، نیست این نوجوان بشری، نیست این شخص مگر فرشتهٔ گرامی (٣١) .

قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ ۖ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ ۖ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ ﴿٣٢﴾

زن عزیز گفت این ست آنکه ملامت کرده بودید مرا در عشق وی وهرآئینه طلبیدم ازاونفس اورا پس نگاه داشت خودرا وا گر نکند آنچه می فرمایم اورا البته بزندان انداخته شود والبته باشداز خوارشدگان (٣٢) .

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٣﴾

یوسف گفت ای پروردگار من زندان دوست تراست نزد من ازآنچه میخوانند مرابسوی آن وا گر توبازنداری ازمن فریب این زنان را البته میل کنم بایشان وباشم ازنادانان (٣٣) .

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ ۚ إِنَّهُ هُوَ

پس قبول کرد دعای اورا پروردگار او

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾

پس بازداشت ازیوسف فریب ایشان را هرآئینه وی شنوای داناست (٣٤) .

ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾

بازظاهر شدآن جماعت را بعد ازآن که دیده بودند نشانه ها که البته بزندان درآورند اوراتامدتی[1] (٣٥) .

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ ۖ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا ۖ
وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ ۖ
نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ ۖ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾

وداخل شدند بزندان همراه یوسف دوجوان یکی ازایشان گفت هرآئینه بخواب می بینم خودرا که آب گیرم ازانگور ودیگری گفت که هرآئینه بخواب می بینم خودرا که برداشته ام برسرخود نانی که مرغان ازآن میخورند خبردارکن مارا به تعبیر این خواب هرآئینه مابینیم ترا ازنیکوکاران (٣٦) .

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ
قَبْلَ أَن يَأْتِيَكُمَا ۚ ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي ۚ إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ
قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٧﴾

گفت نخواهدآمد بشماهیچ طعامی که داده می شوید آن رامگر خبردارکنم شمارا به تعبیر آن پیش ازآنکه بیاید به شما این تعبیرازآن قبیل ست که آموخته است مرا پروردگار من هرآئینه من ترك کردم کیش قومی که ایمان نمی آرند بخدا وایشان بآخرت اعتقادندارند (٣٧) .

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ مَا كَانَ
لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللَّهِ مِن شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ مِن فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا
وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾

وپیروی کردم کیش پدران خودرا، ابراهیم واسحق ویعقوب نشایدمارا که شریك خدا مقررکنیم چیزی را، این از فضل خداست برما وبرمردمان ولیکن بیشترمردمان شکرنمی کنند (٣٨) .

---

(١) یعنی مشورت کردند که یوسف رابزندان باید کرد تانزدِ مردمان برائت زلیخاظاهر شود .

يٰصَاحِبَيِ السِّجْنِ ءَاَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُوْنَ خَيْرٌ اَمِ اللّٰهُ
الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۳۹﴾

ای دویار زندان آیامعبودان پراکنده
بهتراند یا خدا یکتای غالب (۳۹) .

مَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖۤ اِلَّاۤ اَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوْهَاۤ اَنْتُمْ
وَاٰبَآؤُكُمْ مَّاۤ اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ
اَمَرَ اَلَّا تَعْبُدُوْۤا اِلَّاۤ اِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّيْنُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۴۰﴾

عبادت نمی کنید بغیرازخدا مگر نام هائی
چندرا که نام نهاده اید آنها را شماوپدران
تان نفرستاده است خدا برآنها هیچ دلیلی
نیست فرمانروائی مگر خدارا فرمودکه
عبادت مکنید مگر فقط وی را این ست
کیشِ درست ولیکن بیشتر مردمان
نمی‌دانند (٤٠) .

يٰصَاحِبَيِ السِّجْنِ اَمَّاۤ اَحَدُكُمَا فَيَسْقِيْ رَبَّهٗ خَمْرًا
وَاَمَّا الْاٰخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَاْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَّاْسِهٖ قُضِيَ
الْاَمْرُ الَّذِيْ فِيْهِ تَسْتَفْتِيٰنِ ﴿۴۱﴾

ای دو یارِ زندان اَمّایکی ازشما پس
بنوشاند مولای خودرا شراب واماآن
دیگر پس بردارکرده شود پس بخورند
مرغان ازسراو فیصله کرده شدکاری که
دروی سوال می کنید (٤١) .

وَقَالَ لِلَّذِيْ ظَنَّ اَنَّهٗ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِيْ عِنْدَ
رَبِّكَ فَاَنْسٰىهُ الشَّيْطٰنُ ذِكْرَ رَبِّهٖ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ
بِضْعَ سِنِيْنَ ﴿۴۲﴾

و گفت یوسف به شخصی که دانسته بود
که خلاص یابنده است ازآن دوکس
یادکن مرانزدِ مولای خود پس شیطان
فراموش گردانید ازخاطروی که
یادکندپیش مولای خودپس ماند یوسف
درزندان چند سال (٤٢) .

وَقَالَ الْمَلِكُ اِنِّيْۤ اَرٰى سَبْعَ بَقَرٰتٍ سِمَانٍ يَّاْكُلُهُنَّ
سَبْعٌ عِجَافٌ وَّسَبْعَ سُنْۢبُلٰتٍ خُضْرٍ وَّاُخَرَ يٰبِسٰتٍ يٰۤاَيُّهَا
الْمَلَاُ اَفْتُوْنِيْ فِيْ رُءْيَايَ اِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُوْنَ ﴿۴۳﴾

و گفت پادشاه هرآئینه من بخواب می‌بینم
که هفت گاو فربه میخورند آن هارا هفت
گاولاغر ومی بینم هفت خوشه سبزرا
وهفت خوشهٔ دیگر خشك رااَی جماعت
جواب دهیدمرا دربارهٔ خوابِ من ا گر
خواب را تعبیر می گوئید (٤٣) .

قَالُوْۤا اَضْغَاثُ اَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَاْوِيْلِ الْاَحْلَامِ بِعٰلِمِيْنَ ﴿۴۴﴾

گفتند این خوابهای شوریده است
ومانیستیم به تعبیر خوابهای شوریده دانا
(٤٤) .

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ
فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٥﴾

وگفت آنکه نجات یافته بود ازآن دوکس وبیاد آورد بعد مدتی من خبردهم شمارا به تعبیر این خواب پس بفرستیدمرا[1] (٤٥) .

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ
يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ
يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾

گفت ای یوسف ای راست گو جواب دِه مارا درین خواب که هفت گاوِفربه میخورند ایشان را هفت گاو لاغر وهفت خوشهٔ سبز وهفت خوشهٔ دیگر خشك، بُوَد که من بازگردم بسوی مردمان تاایشان بدانند(٤٦) .

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ
فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾

گفت زراعت کنید هفت سال پَی درپَی برعادت خودپس آنچه بدرویدبگذاریدش درخوشهٔ آن مگراند کی ازآنچه بخورید (٤٧) .

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ
إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾

باز بیاید بعدازآن هفت سالِ سخت بخورند آنچه سابق ذخیره نهاده بودید برای آنها مگر اندکی ازآنچه باحتیاط نگاه دارید (٤٨) .

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ
يَعْصِرُونَ ﴿٤٩﴾

بازبیاید بعدازآن سالی که دروباران فرستاده شود برمردمان، ودروآب گیرندازانگور وغیرآن[2] (٤٩) .

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ
إِلَىٰ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ

و گفت پادشاه بیارید پیش من یوسف را پس چون آمدنزدِ یوسف فرستادهٔ پادشاه گفت بازگرد بسوی مولای خود پس سوال

---

(١) مترجم گوید پس بسوی یوسف فرستادند وملاقات کرد والله اعلم .

(٢) پادشاه این تعبیر شنیده مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علیه السلام مدتی توقف نمودتا برائت ذمه اش ظاهرگردد والله اعلم .

أَيْدِيَهُنَّ ۚ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾

كن اورا چيست حال آن زنان كه بريدند دستهاى خويش را هرآئينه پروردگار من بحيلهٔ بازيِ ايشان داناست[1] (٥٠).

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ ۚ قُلْنَ حَاشَ
لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ ۚ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ
الْحَقُّ أَنَا رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٥١﴾

گفت پادشاه چه بُودحال شما وقتى كه خواستيد يوسف را ازنفس او (يعنى تابلغزانيدش) گفتند پاكى خداراست ندانستيم بريوسف هيچ گناهى، گفت زن عزيز اكنون ظاهر شد سخن راست كه من طلبيدم اورااازنفسش وهرآئينه اوازراست گويان است (٥١).

ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾

(گفت يوسف) اين همه براى آنست تابداند عزيز كه من خيانتِ او نكرده ام غائبانه وبداند كه خدا راه نمى نمايد خيانت كنندگان را (٥٢).

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي ۚ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا
مَا رَحِمَ رَبِّي ۚ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٣﴾

وبه پاكى صفت نمى كنم نفس خودرا هرآئينه نفس بسيارفرماينده است به بدى مگرآنوقت كه مهربانى كند پروردگار من هرآئينه پروردگار من آمرزندهٔ مهربانست (٥٣).

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي ۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُ
قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾

و گفت پادشاه بياريدش پيش من تامقرر كنمش خالص براى خدمت خود پس چون سخن گفت بايوسف[2] گفت اى يوسف هرآئينه توامروزپيشِ ماصاحب قدرِآمانت دارى (٥٤).

---

(١) يعنى شهادت براقرارزليخابه عفت يوسف پوشيده اند والله اعلم.

(٢) يعنى قابليت اوشناخت.

قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۖ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾

گفت مقرركن مرا برخزانه های این سرزمین هرآئینه من محافظت کنندهٔ دانایم (٥٥) .

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۚ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ ۖ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾

وهمچنین تمکین دادیم یوسف را درآن سرزمین، قرارمی گرفت ازآن سرزمین هرجاکه میخواست، می رسانیم برحمت خود هرکرا خواهیم وضائع نمی کنیم مزدنیکوکاران را (٥٦) .

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾

وهرآئینه مزدِ آخرت بهترست آنان را که ایمان آوردند وپرهیزگاری می کردند (٥٧) .

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ﴿٥٨﴾

وآمدند[1] برادران یوسف پس داخل شدند بروی پس بشناخت ایشان راوایشان اوراناشناسابودند (٥٨) .

وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ ۚ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾

وچون مهیاکرد برای ایشان سامان ایشان را گفت بیاریدپیش من برادرعلاّتی (ناتنی) خودرا که ازپدرشماست آیا نمی بینید که من تمام میدهم پیمانه را ومن بهترین پذیرائی کنندگانم (٥٩) .

فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿٦٠﴾

پس اگر نیاوردید اورا پیش من پس هرگز پیمانه نه باشد برای شما نزدِ من وهرگز نزدیك نشوید بمن (٦٠) .

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾

گفتند اورااز پدرش خواهیم خواست، ماالبته این کار کنندگانیم (٦١) .

وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ

وگفت یوسف غلامان خودرا بنهید

---

(١) بعد ازآن قحط افتاد در جمیع نواحی مصرو شام اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید بسوی یوسف متوجه شدند والله اعلم .

يَعْرِفُونَهَآ إِذَا انْقَلَبُوٓا إِلٰٓى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٢﴾

سرمایه ایشان را درخرجینهای ایشان، شاید ایشان به شناسند آن را چون بازروند باهل خویش بُوَدکه ایشان بازآیند[1] (٦٢) .

فَلَمَّا رَجَعُوٓا إِلٰٓى أَبِيهِمْ قَالُوا يٰٓأَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ
فَأَرْسِلْ مَعَنَآ أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُۥ لَحٰفِظُونَ ﴿٦٣﴾

پس چون بازگشتند بسوی پدرخویش گفتند ای پدرِ ما منع کرده شدازما پیمانه پس بفرست باما برادرمارا تاپیمانه گیریم وهرآئینه مانگهبان وی هستیم (٦٣) .

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَآ أَمِنتُكُمْ عَلٰٓى أَخِيهِ مِن قَبْلُ
فَاللّٰهُ خَيْرٌ حٰفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرّٰحِمِينَ ﴿٦٤﴾

گفت یعقوب امین نگیرم شمارا بروی مگر چنانکه امین گرفته بودم شمارا بربرادروی پیش ازین پس خدا بهترست نگاه دارنده واومهربان ترین مهربانان است (٦٤) .

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتٰعَهُمْ وَجَدُوا بِضٰعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ
قَالُوا يٰٓأَبَانَا مَا نَبْغِى هٰذِهِۦ بِضٰعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ
أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿٦٥﴾

وچون بگشادند رخت خود یافتندسرمایه خودرا بازگردانیده بایشان گفتند ای پدرماچه می خواهیم بیش ازین این ست سرمایهٔ مابازگردانیده شده بسوی ماپس بازرویم به مَلِك وغله آوریم برای اهل خودو حفاظت کنیم برادر خودرا وزیاده آریم پیمانه یك شتروآنچه آورده ایم پیمانهٔ اندك است (٦٥) .

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُۥ مَعَكُمْ حَتّٰى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللّٰهِ
لَتَأْتُنَّنِى بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ
اللّٰهُ عَلٰى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾

گفت نه فرستم اوراباشما تاآنکه دهیدمرا عهدی ازخدا که البته بازآرید اورابمن مگر آنکه گرفتارکرده شوید پس چون دادندش عهد خویش یعقوب گفت خدا برآنچه می گوئیم نگهبان است (٦٦) .

وَقَالَ يٰبَنِىَّ لَا تَدْخُلُوا مِنۢ بَابٍ وٰحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ

و گفت ای پسران من داخل مشوید ازیك

---

(١) یعنی بسبب دادن طعام وبگرفتن سرمایه دیگر بارطمع کنند والله اعلم .

أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ ۖ
إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾

دروازه ودرآئید ازدروازهای پراکنده[1] ودفع نمی کنم ازسرشما چیزی راازقضای خدا، نیست فرمانروائی مگر خدارا بروی توکل کردم وبروی باید که توکل کنند متوکلان (٦٧) .

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي
عَنْهُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ
قَضَاهَا ۚ وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾

وچون داخل شدندازآن راه که فرموده بود ایشان را پدرایشان دفع نمی توانست کرد ازسرایشان چیزی راازقضای خدا لیکن سرانجام دادخطری را که در ضمیروی بود وهرآئینه اوبودخداوند دانش بآنچه ماآموخته بودیم اورا ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٦٨) .

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ ۖ قَالَ إِنِّي أَنَا
أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

وچون داخل شدند بریوسف جای داد بسوی خود برادر تنی خودرا گفت هرآئینه من برادرتوام پس اندوهگین مباش بسبب آنچه میکردند (٦٩) .

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ
أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾

پس وقتی که مهیاکرد برای ایشان سامان ایشان نهاد آوند آب خوردن را درخرجین برادر خود بعد ازآن آواز داد آواز دهنده ای که ای کاروان هرآئینه شما دزدید (٧٠) .

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾

روبسوی ایشان درآورده گفتندچیست آنچه گم کرده اید (٧١) .

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ
بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾

گفتند گم کرده ایم پیمانهٔ پادشاه را وبرای کسی که بیاوَرَدَش یك بارِ شترباشد ومن باین وعده ضامنم (٧٢) .

(١) یعنی تاچشم زخم نرسد .

قَالُوْا تَاللّٰهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِى الْاَرْضِ وَمَا كُنَّا سٰرِقِيْنَ ﴿٧٣﴾

گفتند بخدا قسم هرآئینه دانسته اید که نیامده ایم ماتافسادکنیم درزمین وهرگز نه بوده ایم دزد (٧٣) .

قَالُوْا فَمَا جَزَآؤُهٗۤ اِنْ كُنْتُمْ كٰذِبِيْنَ ﴿٧٤﴾

گفتند پس چیست جزای این فعل ا گر دروغ گوباشید (٧٤) .

قَالُوْا جَزَآؤُهٗ مَنْ وُّجِدَ فِىْ رَحْلِهٖ فَهُوَ جَزَآؤُهٗ ؕ كَذٰلِكَ نَجْزِى الظّٰلِمِيْنَ ﴿٧٥﴾

گفتند جزای این فعل کسی است که یافته شود متاع در خرجین اوپس همان شخص باشد جزای او[1] همچنین جزامی دهیم ستم گاران را (٧٥) .

فَبَدَاَ بِاَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَآءِ اَخِيْهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِّعَآءِ اَخِيْهِ ؕ كَذٰلِكَ كِدْنَا لِيُوْسُفَ ؕ مَا كَانَ لِيَاْخُذَ اَخَاهُ فِىْ دِيْنِ الْمَلِكِ اِلَّاۤ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ ؕ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ مَّنْ نَّشَآءُ ؕ وَفَوْقَ كُلِّ ذِىْ عِلْمٍ عَلِيْمٌ ﴿٧٦﴾

پس شروع کرد یوسف به تفحّص خرجینهای ایشان پیش ازخرجین برادر خود بعد ازآن برآورد پیمانه را ازخرجین برادر خود همچنین تدبیر کردیم برای یوسف نمی خواست که اسیر گیرد برادر خودرا بحکم قانون پادشاه لیکن (اسیر گرفتنش) به مشیت خدا بلندمی گردانیم مراتب کسی را که خواهیم و بالای هرخداوندِ دانش دانائی هست (٧٦) .

قَالُوْۤا اِنْ يَّسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ اَخٌ لَّهٗ مِنْ قَبْلُ ۚ فَاَسَرَّهَا يُوْسُفُ فِىْ نَفْسِهٖ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ اَنْتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۚ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا تَصِفُوْنَ ﴿٧٧﴾

گفتند ا گر دزدی کند این شخص دور نیست که دزدی کرده بود برادر اوپیش ازین پس پنهان داشت یوسف این سخن را در ضمیر خود وآشکار نه کرد آن را پیش ایشان گفت (دردل خود) شمابدترید در منزلت وخدا دانا است بآنچه وصف می کنید[2] (٧٧) .

---

(١) یعنی اوراغلام گیرند والله اعلم .

(٢) حضرت یوسف بتی ازطلا ازآن جد مادریِ خود بدزدید تا از عبادت صنم بازماند=

قَالُوا يٰٓاَيُّهَا الْعَزِيْزُ اِنَّ لَهٗٓ اَبًا شَيْخًا كَبِيْرًا فَخُذْ اَحَدَنَا مَكَانَهٗ ۚ اِنَّا نَرٰىكَ مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٧٨﴾

گفتند ای عزیز هرآئینه اورا پدریست پیرکلان سال پس بگیریکی را ازما بجای او هرآئینه مامی بینیم ترا ازنیکوکاران (٧٨) .

قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اَنْ نَّاْخُذَ اِلَّا مَنْ وَّجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهٗٓ ۙ اِنَّآ اِذًا لَّظٰلِمُوْنَ ﴿٧٩﴾

گفت پناه بر خدا ازآنکه بگیریم مگر کسی را که یافته ایم متاع خویش را نزدِ او بتحقیق آنگاه ستمگار باشیم (٧٩) .

فَلَمَّا اسْتَيْئَسُوْا مِنْهُ خَلَصُوْا نَجِيًّا ؕ قَالَ كَبِيْرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوْٓا اَنَّ اَبَاكُمْ قَدْ اَخَذَ عَلَيْكُمْ مَّوْثِقًا مِّنَ اللّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُّمْ فِيْ يُوْسُفَ ۚ فَلَنْ اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰى يَاْذَنَ لِيْٓ اَبِيْٓ اَوْ يَحْكُمَ اللّٰهُ لِيْ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ ﴿٨٠﴾

پس چون نا امید شدند ازوی، تنها رفتند بخلوت مشورت کنان گفت بزرگ ترین ایشان آیاندانسته اید که پدرشما گرفته است برشماعهدی ازخدا وپیش ازین کوتاهی کرده بودید درحق یوسف پس ترك نخواهم کرداین سرزمین را تاوقتیکه اجازه دهدمرا پدرم یا حکم کند خدا مرا واوبهترین حکم کنند گان است (٨٠) .

اِرْجِعُوْٓا اِلٰٓى اَبِيْكُمْ فَقُوْلُوْا يٰٓاَبَانَآ اِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ ۚ وَمَا شَهِدْنَآ اِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حٰفِظِيْنَ ﴿٨١﴾

(ای برادران) باز رویدبسوی پدر خویش پس بگوئید ای پدرماهرآئینه پسر تودزدی کرد و گواهی نه دادیم الاّ بآنچه می‌دانستیم(١) ونه می دانستیم علم غیب را (٨١) .

وَسْـَٔلِ الْقَرْيَةَ الَّتِيْ كُنَّا فِيْهَا وَالْعِيْرَ الَّتِيْٓ اَقْبَلْنَا فِيْهَا ۭ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿٨٢﴾

وبپرس دهی که بودیم درآن وازکاروانی که آمده ایم درآن والبته ماراست گویانیم (٨٢) .

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا ۭ فَصَبْرٌ جَمِيْلٌ ۭ

گفت (یعقوب) بلکه آراسته کرده است

= یامشابه به این قصه چیزیکه سبب تهمت اوباشد بدزدی، بوقوع آمده بود والله اعلم .

(١) یعنی گفتند "جزآؤه من وجد فی رحله فهوجزآؤه" والله اعلم .

عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَّأْتِيَنِيْ بِهِمْ جَمِيْعًا ۚ إِنَّهٗ هُوَ
الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ﴿٨٣﴾

برای شما نفوس شماکاری را پس حال
من صبر نیك است امید آنست که
خدابیارد پیش من ایشان را همه یك جا
هرآئینه اوداناى باحکمت است (٨٣) .

وَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يٰۤاَسَفٰى عَلٰى يُوْسُفَ وَابْيَضَّتْ
عَيْنٰهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيْمٌ ﴿٨٤﴾

وروبگردانید ازایشان و گفت وای اندوه
من بریوسف وسفید شدند دوچشم
اوبسبب اندوه پس اوپُر شده بودازغم
(٨٤) .

قَالُوْا تَاللّٰهِ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوْسُفَ حَتّٰى تَكُوْنَ حَرَضًا
اَوْ تَكُوْنَ مِنَ الْهٰلِكِيْنَ ﴿٨٥﴾

گفتند بخدا همیشه هستی که یادمی کنی
یوسف را تاآنکه شوی بیمار یا شوی
ازهلاك شدگان (٨٥) .

قَالَ اِنَّمَاۤ اَشْكُوْا بَثِّيْ وَحُزْنِيْۤ اِلَى اللّٰهِ وَاَعْلَمُ مِنَ
اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٦﴾

گفت جزاین نیست که بیان می کنم غم
سختِ و اندوه خودرا به جناب خدا ومی
دانم ازجانب خدا آنچه نمی‌دانید (٨٦) .

يٰبَنِيَّ اذْهَبُوْا فَتَحَسَّسُوْا مِنْ يُّوْسُفَ وَاَخِيْهِ وَلَا تَايْـَٔسُوْا
مِنْ رَّوْحِ اللّٰهِ ۚ اِنَّهٗ لَا يَايْـَٔسُ مِنْ رَّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ
الْكٰفِرُوْنَ ﴿٨٧﴾

ای پسران من بروید پس جستجو کنید از
یوسف وبرادراو ونااميد مباشيد ازرحمت
خدا هرآئینه (سخن اینست که) نااميد
نمی شوند ازرحمت خدا مگر گروه
کافران (٨٧) .

فَلَمَّا دَخَلُوْا عَلَيْهِ قَالُوْا يٰۤاَيُّهَا الْعَزِيْزُ مَسَّنَا وَاَهْلَنَا
الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجٰىةٍ فَاَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ
وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا ۖ اِنَّ اللّٰهَ يَجْزِى الْمُتَصَدِّقِيْنَ ﴿٨٨﴾

پس چون داخل شدند بریوسف گفتند ای
عزیز رسیده است بما واهل ماسختی
وآورده ایم سرمایهٔ ناچیز (یعنی اندك)
پس تمام دِه مارا پیمانه وصدقه کن برما
هرآئینه خدا جزامی دهد صدقه دهندگان
را (٨٨) .

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَّا فَعَلْتُمْ بِيُوْسُفَ وَاَخِيْهِ
اِذْ اَنْتُمْ جٰهِلُوْنَ ﴿٨٩﴾

گفت آیا دانستید قبح آنچه کردید به
یوسف و برادرش وقتی که شمانادان
بودید (٨٩) .

قَالُوْۤا ءَاِنَّكَ لَاَنْتَ يُوْسُفُ ۚ قَالَ اَنَا يُوْسُفُ وَهٰذَاۤ اَخِيْ ۫

گفتند آیابه تحقیق تو یوسفی؟ گفت من

قَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا ۖ إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾

يوسفم واين برادرمن است هرآئينه منّت نهاد خدا برما هرآئينه (سخن اين ست كه) هركه پرهيزگارى كند و صبر نمايدپس خداضائع نمى سازد مزد نيكوكاران را (٩٠) .

قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿٩١﴾

گفتند قسم به خدا هرآئينه برترى داده است تراخدا برما وهرآئينه ماخطا كننده بوديم (٩١) .

قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ ۖ يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ ۖ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿٩٢﴾

گفت هيچ سرزنش نيست برشما امروز بيامرزد خدا شمارا واو مهربان ترين مهربانان است (٩٢) .

اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾

ببَريداين پيراهن مرا پس بيفكنيدش برچهرهٔ پدرم تاشود بينا وبياريد پيش من اهل خويش را همه يك جا (٩٣) .

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ ۖ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾

وچون جدا شدكاروان (يعنى ازشهر) گفت پدرايشان هرآئينه من مى يابم بوى يوسف را ا گر به نقصان عقل نسبت نكنيد مرا (٩٤) .

قَالُوا تَاللّٰهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

گفتند بخدا قسم هرآئينه تو درخطاى قديم خودى (٩٥) .

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾

پس چون بيامد پيش وى مژده دهنده انداخت پيرهن را برصورت وى پس بينا گشت گفت آيا نه گفته بودم به شما كه هرآئينه من ميدانم ازجانب خداآنچه نميدانيد (٩٦) .

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾

گفتند اى پدرماآمرزش طلب كن براى مادرحق گناهان ما هرآئينه ما گنهگاربوديم (٩٧) .

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۖ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾

گفت بزودى طلب آمرزش خواهم

کردبرای شما از پروردگار خود هرآئینه اوآمرزندۀ مهربان است (٩٨) .

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ﴿٩٩﴾

پس چون درآمدند بریوسف (یعنی درخیمه اش واوبرای استقبال برآمده بود) جای داد بسوی خود پدرومادر خودرا گفت درآئیدبمصر ایمن شده ا گرخدا خواسته باشد (٩٩) .

وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾

وبالا بُرد پدرومادر خودرا برتخت خود وایشان افتادند بسوی او سجده کنان و گفت ای پدرمن این ست تعبیر خواب من که پیش ازین دیده بودم هرآئینه راست ساخت آنرا پروردگار من ونعمت فراوان داد بمن چون بیرون آورد مرا اززندان وآوردشمارا ازصحرا بعد ازآنکه خلاف افگند شیطان میان من ومیان برادران من هرآئینه پروردگار من تدبیر نیك سازنده است چیزی را که میخواهد هرآئینه اوست دانای باحکمت (١٠٠) .

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾

ای پروردگار من دادی مرا پادشاهی وآموختی مرا تاویل احادیث ای پیدا کنندۀ آسمان ها وزمین توئی کارساز من دردنیا وآخرت مسلمان بمیران مرا ولاحق کن مرا به صالحان (١٠١) .

ذَٰلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۖ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾

(یا محمد) این قصه ازاخبار غیب است وحی می کنیم آن را بسوی تو وتونه بودی نزدایشان چون عزم کردند برمشورت خود توطئه کنان (١٠٢) .

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

ومسلمان نیستند اکثر مردمان وا گرچه حرص کنی (١٠٣) .

وَمَا تَسْئَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِينَ ﴿١٠٤﴾

وسوال نمی کنی ازایشان برتبلیغ قرآن هیچ مزدی، نیست این مگرپندی جهانیان را (١٠٤) .

وَكَأَيِّنْ مِّنْ اٰيَةٍ فِى السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ
عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾

وبسا نشانه هايند درآسمان ها وزمین می‌گذرند برآن اعراض کنان ازتأمل درآن (١٠٥) .

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ إِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾

وایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر شریك او مقررکرده (١٠٦) .

أَفَأَمِنُوٓا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللّٰهِ
أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾

آیاایمن شده اند ازآنکه بیاید بایشان عقوبتی عام از عذاب خدا یابیاید بایشان قیامت ناگهان وایشان آگاه نه باشند (١٠٧) .

قُلْ هٰذِهٖ سَبِيلِىٓ أَدْعُوٓا إِلَى اللّٰهِ ۚ عَلٰى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ
اتَّبَعَنِى ۖ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ وَمَآ أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾

بگواین راه من است می خوانم بسوی خدا باحجت ظاهر، من و پیروان من وپاکی خداراست ونیستم من از مشرکان (١٠٨) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِمْ مِّنْ أَهْلِ الْقُرٰى ۗ
أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ الْاٰخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾

ونه فرستاده ایم پیش ازتو مگر مردانی را که وحی می فرستادیم بسوی ایشان ازاهل ده ها یا سیرنکرده اند درزمین تابه بینند چگونه شد آخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند وهرآئینه سرای آخرت بهترست متقیان را آیانمی فهمید (١٠٩) .

حَتّٰىٓ إِذَا اسْتَيْئَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوٓا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَآءَهُمْ
نَصْرُنَا فَنُجِّىَ مَنْ نَّشَآءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ
الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾

(مهلت دادیم) تاوقتیکه چون ناامید شدند پیغامبران وگمان کردند قوم ایشان که بدروغ وعده کرده شده بایشان آمد بایشان نصرت ماپس نجات داده شدهرکرا خواستیم وبازداشته نمی شود عذاب ماازگروه ستمگاران (١١٠) .

لَقَدْ كَانَ فِى قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِى الْأَلْبٰبِ ۗ مَا كَانَ

هرآئینه هست درقصه پیغامبران پندی

حَدِيْثًا يُّفْتَرٰى وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ
تَفْصِيْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿١١١﴾

خداوندانِ خِرَدرا نیست قرآن سخنی که بدروغ بربافته شود ولیکن هست باوردارندۀ آنچه پیش ازوی هست وبیان کنندۀ هرچیز وهدایت وبخشایش مسلمانان را (١١١) .

سُوْرَةُ الرَّعْدِ

سوره رعدمدنی است وآن چهل وسه آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓرٰ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ ؕ وَالَّذِيْٓ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ
وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿١﴾

الٓمّٓرٰ این ها آیاتِ قرآنند وآنچه فروفرستاده شداز پروردگار تو راست است ولیکن اکثر مردمان ایمان نمی آرند (١) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ رَفَعَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى
الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ؕ كُلٌّ يَّجْرِيْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ
يُدَبِّرُ الْاَمْرَ يُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَآءِ رَبِّكُمْ تُوْقِنُوْنَ ﴿٢﴾

خداآنست که برداشت آسمانهارا بغیر ستون ها که بینید آنِ را بعد ازآن مستقرشد برعرش ومسخّر کرد خورشید وماه را هریکی سیر میکند بمیعادی معین تدبیر کارمی نماید بیان می کندنشانه هارا تاشما به ملاقات پروردگار خودیقین آرید (٢) .

وَهُوَ الَّذِيْ مَدَّ الْاَرْضَ وَجَعَلَ فِيْهَا رَوَاسِيَ وَاَنْهٰرًا ؕ وَمِنْ
كُلِّ الثَّمَرٰتِ جَعَلَ فِيْهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي الَّيْلَ النَّهَارَ ؕ
اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٣﴾

واوآنست که گسترد زمین را وآفرید در آن کوه ها ونهرها را واز هرنوع میوه آفرید درزمین دوقسم (ترش و شیرین خوب وبد) می پوشاند شب رابروز هرآئینه درین نشانه هاست قومی را که تَفکّر می‌کنند (٣) .

وَفِي الْاَرْضِ قِطَعٌ مُّتَجٰوِرٰتٌ وَّجَنّٰتٌ مِّنْ اَعْنَابٍ وَّزَرْعٌ وَّنَخِيْلٌ
صِنْوَانٌ وَّغَيْرُ صِنْوَانٍ يُّسْقٰى بِمَآءٍ وَّاحِدٍ ۫ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا
عَلٰى بَعْضٍ فِي الْاُكُلِ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٤﴾

ودرزمین تکه های مختلف پیوسته بایکدیگراست وبوستانهائی از درختانِ انگور و کشت زارست ودرختان خرمای بعضی بسیارپُر شاخ و بعضی غیرآن، آبیاری می شوند به یك آب وبرتری می

دهیم بعضی را بربعض درطعم میوه ها هرآئینه دراین نشانه ها ست قومی را که می‌فهمند (٤) .

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ ءَإِذَا كُنَّا تُرٰبًا ءَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ
جَدِيدٍ ۗ أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۚ وَأُولٰٓئِكَ الْأَغْلٰلُ فِي
أَعْنَاقِهِمْ ۚ وَأُولٰٓئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿٥﴾

و ا گر تعجب کنی پس عجب است سخن ایشان که آیا وقتیکه خاك شویم آیامادرآفرینشی نوخواهیم بود، ایشانند آنانکه نامعتقد شدند به پروردگار خویش وایشانند (باین صفت) که طوق درگردن ایشان باشد وایشانند اهل آتش ایشان آنجاجاویدان باشند (٥) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ
قَبْلِهِمُ الْمَثُلٰتُ ۗ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلٰى
ظُلْمِهِمْ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾

وبه شتاب می طلبند ازتو عقوبت پیش ازراحتی وهرآئینه گذشته است پیش ازایشان عقوبت ها وهرآئینه پروردگار توخداونـدِ آمرزش است مردمان را باوجود ستمگار بودنِ ایشان و هرآئینه پروردگار تو سخت عقوبت است (٦) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَآ أُنْزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ۗ
إِنَّمَآ أَنْتَ مُنْذِرٌ ۖ وَّ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ﴿٧﴾

ومی گویند کافران چرا فرستاده نه شد براین پیغمبر نشانه از پروردگار او (یا محمد) جزاین نیست که توبیم دهنده ای وهرقومی راراه نمائی‌است (٧) .

اَللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثٰى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ
وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهٗ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾

خدامی داند آنچه درشکم داردهرماده وآنچه ناقص میکنند رحم هاوآنچه زیاده می گردانند وهرچیزی نزدِاو باندازه است (٨) .

عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾

داناست به پنهان وآشکار بزرگ است بلند مرتبه است (٩) .

سَوَآءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهٖ وَمَنْ هُوَ
مُسْتَخْفٍ بِالَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾

یکسان است ازشما کسی که به پوشد سخن را وکسیکه بآواز بلند گوید آن را وکسی که وی پنهان است درشب وکسی

که اوراه میرود درروز (١٠) .

لَهُ مُعَقِّبٰتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُوْنَهُ
مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا
بِاَنْفُسِهِمْ ؕ وَاِذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِقَوْمٍ سُوْٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ ۚ وَمَا لَهُمْ
مِّنْ دُوْنِهِ مِنْ وَّالٍ ﴿١١﴾

برای آدمی فرشتگانند ازپی یکدیگر آینده میان دودست او و پشت سراونگاه میدارند اورا به حکم خدا هرآئینه خدا تغییرنمی دهد حالتی را که به قومی باشد تاوقتی که ایشان تغییردهند آنچه در ضمیر ایشان ست وچون اراده کند خدا بقومی عقوبت را پس بازگردانیدن نیست آن راو نیست ایشان را بجزوی هیچ کارسازی (١١) .

هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنْشِئُ السَّحَابَ
الثِّقَالَ ﴿١٢﴾

واوست آنکه می نماید شمارا برق برای پیداکردن ترس و امید وبرمیدارد ابرهای گران را (١٢) .

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهٖ وَالْمَلٰٓئِكَةُ مِنْ خِيْفَتِهٖ ۚ وَيُرْسِلُ
الصَّوَاعِقَ فَيُصِيْبُ بِهَا مَنْ يَّشَآءُ وَهُمْ يُجَادِلُوْنَ
فِي اللّٰهِ ۚ وَهُوَ شَدِيْدُ الْمِحَالِ ﴿١٣﴾

وبه پاکی یاد می‌کند رعدباستائش او وفرشتگان نیز ازترس او، ومی فرستد صاعقه ها را پس میرساندآنرا بهرکه خواهد وکافران مکابره می کنند دربارهٔ خدا و او بسیاربا قوت است (١٣) .

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ ؕ وَالَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ لَا يَسْتَجِيْبُوْنَ
لَهُمْ بِشَيْءٍ اِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ اِلَى الْمَآءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ
بِبَالِغِهٖ ؕ وَمَا دُعَآءُ الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿١٤﴾

مراوراست دعای حق[1] وآنانکه کافران ایشان را میخوانند بغیرازخدا قبول نمی‌کنند دعای ایشان را بهیچ وجه مگر مانند کسی که بگشاید دودست خودرا بسوی آب تابرسد بدهنش، وآن آب هرگزرسنده نیست بدهان او ونیست دعای کافران مگر در بی فائدگی (١٤) .

وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَّكَرْهًا

وخدارا سجده می کند هرکه درآسمان ها

(١) یعنی اورا سزد که بجناب اونیاز کنند ومدعا طلبند واواجابت فرماید والله اعلم.

وَظِلٰلُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ ۩ ﴿١٥﴾

وزمین است خواهان وناخواهان وسجده می کنند سایه های ایشان بوقت صبح وشام[1] (١٥) .

قُلْ مَنْ رَّبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِؕ قُلِ اللّٰهُؕ قُلْ اَفَاتَّخَذْتُمْ
مِّنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِيَآءَ لَا يَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّاؕ
قُلْ هَلْ يَسْتَوِى الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ۙ اَمْ هَلْ تَسْتَوِى
الظُّلُمٰتُ وَالنُّوْرُ ۚ اَمْ جَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوْا كَخَلْقِهٖ
فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْؕ قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ وَّهُوَ
الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿١٦﴾

بگو کیست پروردگارآسمان ها وزمین بگو(ازطرف ایشان) خداست بگوآیا گرفتید بجز وی دوستانی که نمی توانند برای خویشتن سودی ونه زیانی بگوآیا برابرست نابینا وبینا (هرگز) آیابرابرست تاریکی ها و روشنی آیا مقرر کرده اند خدارا شریکانی که آفریده باشند مانند آفریدن خدا پس مشتبه شده است آفرینش برایشان بگوخدا آفرینندۀ هرچیز است واوست یگانۀ غالب (١٦) .

اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ اَوْدِيَةٌۢ بِقَدَرِهَا
فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًاؕ وَمِمَّا يُوْقِدُوْنَ
عَلَيْهِ فِى النَّارِ ابْتِغَآءَ حِلْيَةٍ اَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهٗؕ
كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ؕ فَاَمَّا
الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَآءًۚ وَاَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ
فَيَمْكُثُ فِى الْاَرْضِؕ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَؕ ﴿١٧﴾

فروفرستاد ازآسمان آب را پس روان شدند رودها باندازه خویش پس برداشت آب روان کفی راکه بالای آب بلند شده وازآنچه میگدازندش درآتش به طلب پیرایه یا به طلب رختِ خانه کفی هست مانند کفِ آب همچنین بیان می کند خدا مثل حق وباطل را ، اماآن کف پس میرود ناچیز شده واماآنچه سودمیرساند بمردمان می ماند درزمین همچنین بیان می‌کند خدا مثل هارا[2] (١٧) .

---

(١) کافران ومنافقان ناخواهان سجده می کنند هنگام سختی یا ترس شمشیرِ فرشتگان و مسلمانان خواهان والله اعلم .

(٢) مترجم گوید لابُدست که در هرجنس خیروشر باشد همچنین لابُداست که در آدمیان نیکوکاران وبدکاران باشند لیکن نیکوکارانرا مستقر میسازد وکارایشان را =

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ
لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٨﴾

آنان را که قبول کردند سخن پروردگار خویش حالت نیك است وآنانکه قبول نه کردند سخن اورا ا گر باشد ایشان را آنچه درزمین است همه یك جا و مانند آن همراه آن البته فدیهٔ خود دهندآن را آنجماعت، ایشان راست سختی حساب وجای ایشان دوزخ است وآن بدجائی است (۱۸) .

أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ ۚ
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾

آیا کسی که میداند آنچه راکه فروفرستاده شده بسوی تو ازجانب پروردگار توراست است مانند کسی است که وی نابیناست جزاین نیست که پندپذیر میشوند خداوندانِ خرد (۱۹) .

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿٢٠﴾

آنانکه وفامی کنند بعهد خدا ونه می شکنند عهدرا (۲۰) .

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾

وآنانکه می پیوندند آنچه فرموده است خدا پیوند کردن آن و می‌ترسند ازپروردگار خویش ومی ترسند از سختیِ حساب (۲۱) .

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ
أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾

وآنانکه شکیبائی کردند به طلب رضای پروردگار خویش[1] وبرپا داشتند نمازرا وخرج کردند ازآنچه ماروزی دادیم بایشان پنهان وآشکارا ودفع می کنند با نیکوئی بدی را این جماعت را است جزای آن سرای (۲۲) .

= پیش میبرد وبدکاران را هلاك میکند والله اعلم .

(۱) یعنی بطلب رضای او .

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ
وَذُرِّيّٰتِهِمْ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَدْخُلُوْنَ عَلَيْهِمْ مِّنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾

به بوستانهای همیشه جاودان درآیند ایشان وهرکه نیکوکارباشد ازپدران ایشان وزنان ایشان واولاد ایشان وفرشتگان داخل شوند برایشان ازهردروازه (٢٣) .

سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾

گویند سلامتی باد برشما بسبب صبرکردن شما پس نیك است جزای آن سرای (٢٤) .

وَالَّذِيْنَ يَنْقُضُوْنَ عَهْدَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِيْثَاقِهٖ وَيَقْطَعُوْنَ
مَآ اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ يُّوْصَلَ وَيُفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ اُولٰٓئِكَ
لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوْٓءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾

وآنانکه می شکنند عهد خدارا بعد استوارکردن آن وقطع می کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و فسادمی کنند درزمین آنجماعت ایشان راست لعنت وایشان راست سختی آن سرای (٢٥) .

اَللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوْا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَا
الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ ﴿٢٦﴾

خدا گشاده می سازد روزی را برای هرکه خواهد وتنگ می سازد وکافران شادمان شدند به زندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا نسبت به آخرت مگر متاع اندك (٢٦) .

وَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ
يُضِلُّ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْٓ اِلَيْهِ مَنْ اَنَابَ ﴿٢٧﴾

ومی گویند کافران چرا فرودآورده نه شد برپیغامبر نشانه ازجانب پروردگار[1] بگو هرآئینه خدا گمراه می کند هرکرا خواهد وراه می نماید بسوی خویش هرکرا که رجوع کرد (یعنی راه می نماید بسوی خود) (٢٧) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ اَلَا بِذِكْرِ
اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوْبُ ﴿٢٨﴾

آنان که ایمان آوردند آرام می گیرند دل های ایشان به یاد خدا آ گاه شوبه یاد خدا آرام می گیرندل ها (٢٨) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوْبٰى لَهُمْ وَحُسْنُ مَاٰبٍ ﴿٢٩﴾

آنان را که ایمان آوردند وکارهای نیك

(١) مترجم گوید یعنی ازقسمی که درخواست میکردند .

کردند حالت خوش باشد ایشان راوخوب جایگاه باشد (٢٩) .

كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَا۟
عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَٰنِ ۚ قُلْ هُوَ رَبِّي
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾

همچنین فرستادیم ترا درامتی که گذشتند پیش ازآن امت های بسیار تابخوانی برایشان آنچه وحی فرستادیم بسوی تو وایشان کافرند بخدای بخشاینده بگواوپروردگار من است نیست هیچ معبود برحقی مگراو بروی توکل کردم وبسوی اوست رجوع من (٣٠) .

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ
أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ ۗ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ۗ أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَن
لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا ۗ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم
بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۚ إِنَّ
اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾

وا گر می‌بود قرآنی که روان کرده می‌شد بسبب آن کوههایا شگافته می شد به سبب آن زمین یابه سخن آورده میشد بسبب آن مُردگان را (نیزایمان نمی آوردند) بلکه خداراست کارهمه یکجا آیاندانسته اند مسلمانان که ا گر می‌خواست خداالبته راه می‌نمود مردمان را همه یك جا وهمیشه کافران باین صفت باشند که میرسد بایشان بسبب آنچه کردند عقوبتی سخت یافرو می‌آید آن عقوبت نزدیك بخانهٔ ایشان[1] تاوقتی که بیاید وعده خدا هرآئینه خدا خلاف وعده را نمی کند (٣١) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ
أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٣٢﴾

وهرآئینه تمسخر کرده شد به پیغمبران پیش ازتو پس مهلت دادم کافران را باز گرفتار کردم ایشان را پس چگونه بود

---

(١) مترجم گوید وآن کنایت است ازشدتی که ازوی خوفِ هلاك برایشان مستولیٰ شود بآخرت نجات یابند والله اعلم .

عقوبت من (٣٢)

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ ۚ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَم بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ۗ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

آیا کسی که خبر گیرنده است برهرکس بجزای آنچه عمل کرده است (مثل این بتان باشد) ومقرر کردند کافران خدای را شریکان بگوبیان کنید نامهای ایشان را[1] آیاخبرمیدهید خدا را به آنچه نمیداند در زمین یا فریفته می شوید به سخن سرسری[2] بلکه آراسته کرده شده است کافران را اندیشهٔ فاسد ایشان و بازداشته شده اند از راه وهرکه را گمراه کند خدا نیست اوراهیچ راه نما (٣٣) .

لَّهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ ۖ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ ﴿٣٤﴾

ایشان راست عذاب در زندگانی دنیا وهرآئینه عذاب آخرت سخت ترست ونیست ایشان رااز(عذاب) خداهیچ نگاه دارنده (٣٤) .

مَّثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا ۚ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوا ۖ وَّعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿٣٥﴾

صفت بهشتی که وعده کرده شده است متقیان را اینست که میرود زیرآن جویها، میوه های اوجاویدان است و سایه اش همچنین، این است جزای متقیان وجزای کافران آتش است (٣٥) .

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ ۖ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَن يُنكِرُ بَعْضَهُ ۚ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ

وآنانکه دادیم ایشان را کتاب خوشحال میشوند بآنچه فرستاده شد بسوی تو وازین جماعت ها کسی است که انکارمی کند بعض اورابگو جزاین نیست

---

(١) مترجم گوید یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تاباوصافِ خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهر گردد والله اعلم .

(٢) یعنی تقلید پدران میکنید درسخن بی اساس والله اعلم .

أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ ۚ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَآبِ ﴿٣٦﴾

که فرموده شدمرا که عبادت کنم خدارا وشرك نوَرزم به وی، بسوی او میخوانم وبسوی اوست بازگشت من (۳٦) .

وَكَذَٰلِكَ أَنزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا ۚ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ﴿٣٧﴾

وهمچنین فروفرستادیم قرآن راکتابی عربی وا گر پیروی کنی خواهش نفس ایشان را بعد ازآنچه آمده است به تو ازعلم نیست تراازعقوبت خدا هیچ کارسازنده ونه نگاه دارنده (۳۷) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً ۚ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٨﴾

وهرآئینه فرستادیم پیغامبران را پیش ازتو ودادیم ایشان را زنان و فرزندان ونشاید هیچ پیغامبررا که بیارد هیچ نشانه مگر به حکم خدا هر قضائی رااجل وموعدی باشد (۳۸) .

يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ ۖ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿٣٩﴾

نابود میسازد خدا هرچه میخواهد و ثابت می کند هرچه خواهد نزد اوست ام الکتاب (یعنی لوح محفوظ)[1] (۳۹) .

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾

وا گر بنمائیم ترا بعض آنچه وعده می‌کنیم بایشان یا قبض روح تو کنیم بهرحال جزاین نیست که برتو پیغام رسانیدن است وبرماست حساب (٤٠) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤١﴾

آیا ندیدند که مامی آئیم به این زمین ناقص می سازیم آنرا ازجوانب آن وخدا حکم می کند نیست هیچ ردّکننده حکم او را

---

(۱) مترجم گوید صورت حادثه درعالم ملکوت خلق میفرماید بعدازآن ا گر خواهد محو کند و ا گر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می کند خدای تعالی آنچه میخواهد و ثابت می گذارد آنچه راخواهد نزد اوست لوح محفوظ والله اعلم .

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا ۖ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ ۗ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٤٢﴾

واو زود حساب گیرنده است[١] (٤١) .
وهرآئینه تدبیر کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس خدا راست تدبیر همه میداند آنچه به عمل می آرد هر نفسی وخواهند دانست این کافران که کراباشد جزای آن سرای (٤٢) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۚ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

ومی گویند کافران نیستی پیغامبر بگوبس است خداگواه درمیان من و شما وبس است کسیکه نزد اوست علم کتاب[٢] (٤٣) .

سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ

سورهٔ ابراهیم مکی است وآن پنجاه ودوآیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الر ۚ كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾

الٓرٰ این کتابیست که فروفرستادیم آن را بسوی توتابیرون آری مردمان را ازتاریکی ها بسوی روشنی بحکم پروردگار ایشان بسوی راه خدای غالب ستوده (١) .

اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾

براه خدائی که اوراست آنچه درآسمان ها است وآنچه درزمین است ووای کافران را از عذاب سخت (٢) .

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن

آنانکه اختیار می کنند زندگانی دنیارا برآخرت وبازمی دارند مردمان راازراه

---

(١) یعنی روزبروز شوکت اسلام بزمین عرب منتشر میشود ودارالحرب ناقص میگردد وازاطراف آن عامهٔ مفسرین آین آیت را مدنیه دانند ونزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد ازنقصان دارالحرب اسلام اسلم و غفارو جهینه وعرِنة وقبائل ، این است پیش ازهجرت .

(٢) یعنی احبار یهود می‌دانند که رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحیح است والله اعلم .

سَبِيلِ اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ أُولَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٍ بَعِيدٍ ③

خدا ومی طلبند دروی کجی[1] ایشانند در گمراهی دور (٣) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِۦ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ
فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَن يَشَآءُ وَيَهْدِي مَن يَشَآءُ ۚ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ④

ونه فرستادیم هیچ پیغامبررا مگر به زبان قوم او تابیان کند برای ایشان پس گمراه سازد خدا هرکرا خواهد وراه نماید هرکرا خواهد واوست غالب باحکمت (٤) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَآ أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَٰتِ
إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُم بِأَيَّىٰمِ اللّٰهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأَيَٰتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ ⑤

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود گفتیم که بیرون آرقوم خودرا ازتاریکی‌ها بسوی روشنی وپنده‌ِ ایشان را بروزهای خدا[2] هرآئینه درین نشانه هاست برای هرشکیبایِ شکر گذار (٥) .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ إِذْ
أَنجَىٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوٓءَ الْعَذَابِ
وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَآءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُم
بَلَآءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ⑥

ویادکن آنوقت که گفت موسیٰ قوم خودرا یادکنید نعمت خدا را برخویش چون نجات داد شمارااز آل فرعون میرسانیدند به شما سختیِ عذاب و می‌کشتند پسران شمارا وزنده می گذاشتند دختران شمارا ودرین حال آزمائش بزرگ بود ازپروردگار شما (٦) .

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ۖ وَلَئِن
كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ⑦

وآن وقت که خبردار ساخت پروردگار شما که ا گر شکرکنید بیشتر دهم شمارا و ا گر ناسپاسی کنید هرآئینه عذاب من سخت است (٧) .

وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِن تَكْفُرُوٓا أَنتُمْ وَمَن فِي الْأَرْضِ
جَمِيعًا فَإِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ⑧

و گفت موسیٰ ا گر کافرشویدشما وهرکه درزمین است همه یك جا پس هرآئینه خدا توانگر ستوده شده است (٨) .

---

(١) یعنی به شبهات ثابت می کنند که کج است .

(٢) یعنی بوقائعی که ازجانب اوبودند .

اَلَمۡ يَاۡتِكُمۡ نَبَؤُا الَّذِيۡنَ مِنۡ قَبۡلِكُمۡ قَوۡمِ نُوۡحٍ وَّعَادٍ وَّثَمُوۡدَ ؕ وَالَّذِيۡنَ مِنۡۢ بَعۡدِهِمۡ ؕ لَا يَعۡلَمُهُمۡ اِلَّا اللّٰهُ ؕ جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُمۡ بِالۡبَيِّنٰتِ فَرَدُّوۡۤا اَيۡدِيَهُمۡ فِىۡۤ اَفۡوَاهِهِمۡ وَقَالُوۡۤا اِنَّا كَفَرۡنَا بِمَاۤ اُرۡسِلۡتُمۡ بِهٖ وَاِنَّا لَفِىۡ شَكٍّ مِّمَّا تَدۡعُوۡنَنَاۤ اِلَيۡهِ مُرِيۡبٍ ﴿۹﴾

آیانیامده است به شما خبرآنانکه پیش ازشمابودند قوم نوح وعاد و ثمود وکسانی که بعد ازایشان آمدند نمی‌داند ایشان را(۱) مگر خدا آمدند نزدایشان پیغامبران ایشان به معجزه ها پس بازآوردنددستهای خودرادر دهانهای خود(۲) و گفتند هرآئینه ما منکریم بآنچه فرستاده شدید به آن وهرآئینه مادر شبهه قوی ایم ازآنچه می‌خوانید مارا بآن (۹).

قَالَتۡ رُسُلُهُمۡ اَفِى اللّٰهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ ؕ يَدۡعُوۡكُمۡ لِيَـغۡفِرَ لَـكُمۡ مِّنۡ ذُنُوۡبِكُمۡ وَيُؤَخِّرَكُمۡ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ قَالُوۡۤا اِنۡ اَنۡتُمۡ اِلَّا بَشَرٌ مِّثۡلُنَا ؕ تُرِيۡدُوۡنَ اَنۡ تَصُدُّوۡنَا عَمَّا كَانَ يَعۡبُدُ اٰبَآؤُنَا فَاۡتُوۡنَا بِسُلۡطٰنٍ مُّبِيۡنٍ ﴿۱۰﴾

گفتند پیغامبران ایشان آیادرخداشبهه است آفرینندهٔ آسمان ها وزمین میخواند شما را تا بیامرزد برای شما گناهان شما وموقوف داردشمارا تامدتی معین، گفتند نیستید شما مگرآدمی مانند ما میخواهید که بازدارید مارا ازآنچه عبادت میکردند پدران ما پس بیارید پیش ما حجتی ظاهر (۱۰).

قَالَتۡ لَهُمۡ رُسُلُهُمۡ اِنۡ نَّحۡنُ اِلَّا بَشَرٌ مِّثۡلُكُمۡ وَلٰـكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلٰى مَنۡ يَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِهٖ ؕ وَمَا كَانَ لَنَاۤ اَنۡ نَّاۡتِيَكُمۡ بِسُلۡطٰنٍ اِلَّا بِاِذۡنِ اللّٰهِ ؕ وَعَلَى اللّٰهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ الۡمُؤۡمِنُوۡنَ ﴿۱۱﴾

گفتند بایشان پیغامبران ایشان نیستیم مامگر آدمی مانندشما ولیکن خدا نعمت فراوان میدهد بهرکه خواهد ازبند گان خود ونیست ممکن مارا که بیاریم حجتی مگر به حکم خدا وبر خدا باید که توکل کنند مسلمانان (۱۱).

وَمَا لَنَاۤ اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدۡ هَدٰٮنَا سُبُلَنَا ؕ وَلَنَصۡبِرَنَّ

وچیست مارا که توکل نه کنیم بر خدا وهرآئینه نموده است مارراه های ما

---

(۱) یعنی عدد و صفات ایشان را.

(۲) یعنی ازنهایت تعجب و انکار انگشت به دندان گزیدند والله اعلم.

عَلٰى مَآ اٰذَيْتُمُوْنَا ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿١٢﴾

والبته صبر خواهیم کرد براذیتی که ماراکردید وبرخدا باید که توکل کنند توکل کنندگان (١٢) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ اَرْضِنَآ اَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِيْ مِلَّتِنَا ۚ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٣﴾

و گفتند کافران پیغامبران خویش را البته اخراج کنیم شمارا ازسرزمین خود یا بازآئید دردین ما پس وحی فرستاد بسوی ایشان پروردگارایشان که هلاك خواهیم کرد ستمگاران را (١٣) .

وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْاَرْضَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ۚ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِيْ وَخَافَ وَعِيْدِ ﴿١٤﴾

وساکن خواهیم ساخت شمارا درزمین بعدازایشان این وعده برای کسی است که بترسد ازایستادن بحضور من وبترسداز بیمِ من (١٤) .

وَاسْتَفْتَحُوْا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ﴿١٥﴾

وطلب فتح کردند پیغامبران وزیان کارشد هر گردن کش ستیزنده (١٥) .

مِّنْ وَّرَآئِهٖ جَهَنَّمُ وَيُسْقٰى مِنْ مَّآءٍ صَدِيْدٍ ﴿١٦﴾

پیش روی اودوزخ است ونوشانیده شود ازآب زرداب (یعنی چرك وخون جهنمیان) (١٦) .

يَّتَجَرَّعُهٗ وَلَا يَكَادُ يُسِيْغُهٗ وَيَاْتِيْهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَّمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۚ وَمِنْ وَّرَآئِهٖ عَذَابٌ غَلِيْظٌ ﴿١٧﴾

جرعه جرعه فروکشد آن را ونزدیك نه بُوَد ازآنکه بسهولت درکشدآن را وبیایدش موت[1] ازهرجای واومرده نه بُوَد وپیش روی اوست عذابی سخت (١٧) .

مَثَلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ اَعْمَالُهُمْ كَرَمَادِ ِۨاشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ يَوْمٍ عَاصِفٍ ۚ لَا يَقْدِرُوْنَ مِمَّا كَسَبُوْا عَلٰى شَيْءٍ ۚ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ﴿١٨﴾

مثال آنانکه نامعتقد شدند به پروردگار خویش (این ست) اعمال ایشان مانند خاکستری بُوَد که سخت وزید برآن باد در روزی که بادتنددارد قدرت ندارند برهیچ چیزازآنچه کسب کرده بودند این

(١) یعنی اسباب موت بیایدش .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٩﴾

وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿٢٠﴾

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفٰؤُا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدٰىنَا اللَّهُ لَهَدَيْنٰكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ﴿٢١﴾

وَقَالَ الشَّيْطٰنُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٢﴾

است گمراهی دور[١] (١٨) .

آیاندیدی که خداآفرید آسمان ها وزمین را بتدبیر محکم اگر خواهد دور کندشمارا وبیاردآفرینش خلقی نو (١٩) .

ونیست این برخدا دشوار (٢٠) .

وحاضر شوند پیش خدا همه یك جا پس گویند ضعیفان گردن کشان را (یعنی تابعان پیش روان را) هرآئینه مابودیم تابع شما پس آیاشما دفع کننده هستیدازما پاره ای ازعذاب خدا گویند اگرراه می‌نمود مارا خدا، راه نمائی می کردیم شمارابرابرست برما که اضطراب کنیم یاشکیبائی ورزیم نیست ماراهیچ نجات دهنده ای (٢١) .

و گفت شیطان وقتی که فیصله کرده شدکار[٢] هرآئینه خداوعده دادشمارا وعدهٔ راست ووعده دادم شمارا پس خلاف وعده کردم من باشما ونه بود مرا برشما هیچ تسلط لیکن بودآنکه بخواندم شمارا پس قبول کردید سخن مرا پس ملامت مکنید مرا وملامت کنید خویش را نیستم فریادرس شما وشمانیستید فریادرس من هرآئینه من بیزارشدم ازآنکه مرا شریك مقررکردید پیش ازین هرآئینه

(١) یعنی اعمال ایشان همه برباد شوند وبدان منتفع نگردند والله اعلم .

(٢) مترجم گوید یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت در آیند ودوزخیان ره دوزخ گیرند والله اعلم .

ستمگاران ایشان راست عذاب درد دهنده (۲۲) .

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ۖ
تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾

ودرآورده شدند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند به بوستانهائیکه می رود زیرآن جویها جاودان درآن به حکم پروردگار خویش دعای خیرایشان بایکدیگرآنجاسلام است (۲۳) .

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ
طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾

آیا ندیدی چگونه زدخدامثال سخن پاکیزه را مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوارباشد وشاخش درآسمان (۲٤) .

تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾

میدهد میوه های خودرا هرفصلی به حکم پروردگار خویش ومی زندخدا مثل هارابرای مردمان تابُوَد که پندپذیر شوند (۲٥) .

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ
فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ﴿٢٦﴾

ومثل سخن ناپاك مانند درخت ناپاك است که برکنده شد ازبالای زمین نیست اوراهیچ استقراری[1] (۲٦) .

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَفِي الْآخِرَةِ ۖ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ ۚ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾

واستوار می سازد خدا مسلمانان را بر سخن درست درزندگانی دنیا ودرآخرت و گمراه میسازدخدا ستمگاران را ومیکند خدا آنچه می خواهد[2] (۲۷) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ

آیاندیدی بسوی آنانکه بدل کردند نعمت

---

(۱) یعنی شریعت حق درملکوت ثابت است ودردنیا هر روز رواجی تازه می یابد ومردمان منتفع میشوند و ملت جاهلیت درملکوت استقرار ندارد هر چند درمیان مردم شائع شود در نهایت درهم وبرهم کرده آید والله اعلم .

(۲) یعنی وقت مرگ توفیق شهادت میدهد ووقت سوال منکرونکیر بقول حق گویا میسازد والله اعلم .

دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾

خدارا بناسپاسی[1] وفرودآوردند قوم خودرا به سرای هلاکی (٢٨) .

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾

که دوزخ است درآیند آنجاوآن بد قرارگاهیست (٢٩) .

وَجَعَلُوا لِلّٰهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ

قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾

ومقررکردند برای‌خدا همتایان تا گمراه کنند عالم رااز‌راه او بگوبهره مند شوید هرآئینه بازگشتِ شما بسوی آتش ست (٣٠) .

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوا

مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ

يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلٰلٌ ﴿٣١﴾

بگوآن بندگان مرا که ایمان آورده اند برپادارند نمازرا وخرج کنند ازآنچه ماروزی دادیم ایشان را پنهان وآشکارا پیش ازآنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست درآن ونه بایکدیگر دوستی بُوَد (٣١) .

اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَكُمْ

وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ

لَكُمُ الْأَنْهٰرَ ﴿٣٢﴾

خداآنست که آفرید آسمان هاوزمین را وفروفرستادازآسمان آب را پس بیرون آوردبآن آب روزی برای شمااز انواع میوه ها ومُسخّر ساخت برای شما کشتی را تابِرَوَد در دریابحکم او ومُسخّر ساخت برای شما جویهارا (٣٢) .

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ

الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

ومُسخّر ساخت برای شماخورشید وماه را همیشه روندگان ومُسخّر ساخت برای شماشب و روز را (٣٣) .

وَآتٰىكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ

ودادشمارا ازهرچه خواستید وا گر بشمارید نعمت خدارا احاطه نتوانیدکرد

---

(١) یعنی ناسپاسی کردند بشومی آن نعمت مفقود شد پس گویا نعمت دادند وکفر خریدند والله اعلم .

لَا تُحْصُوهَا ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾

آن را هرآئینه انسان ستمگارناسپاس است (٣٤) .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا الْبَلَدَ آمِنًا
وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾

ویادکن چون گفت ابراهیم ای پروردگار من بکن این شهررا جای امن ودوردارمرا و فرزندانِ مرا ازآنکه عبادت بتان کنیم (٣٥) .

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ ۖ فَمَنْ
تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۖ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ
رَحِيمٌ ﴿٣٦﴾

ای پروردگار من این بتان گمراه کرده اند بسیاری را ازمردمان پس هرکه پیروی من کرد پس هرآئینه اواز(آل)من است وهرکه نافرمانی کرد مراپس هرآئینه توآمرزندهٔ مهربانی (٣٦) .

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي
زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا
الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ
وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾

ای پروردگار ماهرآئینه من ساکن ساختم بعضی ازاولاد خودرا[1] بوادی بی زراعت نزدیك خانهٔ محترم تو، ای پروردگارما تا برپادارند نمازرا پس بگردان دلهائی چند را ازمردمان رغبت کننده بسوی ایشان وروزی دِه ایشان رااز میوه هاتابُوَدکه ایشان سپاس گذ اری کنند (٣٧) .

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ ۗ وَمَا يَخْفَىٰ
عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾

ای پروردگار ماهرآئینه تومیدانی آنچه پنهان می داریم وآنچه آشکارمی کنیم وپوشیده نمی ماند برخدا هیچ چیزی نه درزمین ونه درآسمان (٣٨) .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾

سپاس آن خدای راست که عطا کرد مرا باوجود کلان سالی اسمعٰیل واسحٰق هرآئینه پروردگارمن شنوندهٔ دعاست (٣٩) .

(١) مترجم گوید یعنی پسران بی واسطه والله اعلم .

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا
وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ ﴿٤٠﴾

ای پروردگار من بگردان مرا برپادارندهٔ نماز وازاولاد من نیز ای پروردگار ماقبول کن دعای مرا (٤٠) .

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ
يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

ای پروردگارما بیامرز مرا ومادر وپدر مرا و مسلمانان را روزی که قائم شود حساب (٤١) .

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّٰلِمُونَ ۚ
إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَٰرُ ﴿٤٢﴾

وهرگز مپندار خدارا بی خبر ازآنچه می‌کنند ستمگاران جزاین نیست که مهلت میدهدایشان رابرای روزیکه خیره شونددرآن چشم ها (٤٢) .

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ
طَرْفُهُمْ ۖ وَأَفْـِٔدَتُهُمْ هَوَآءٌ ﴿٤٣﴾

شتاب کنندگان، سرخود بردارندگان بازنمی گردد بسوی ایشان چشم ایشان ودلهای ایشان خالی است (٤٣) .

وَأَنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ
ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ
الرُّسُلَ ۗ أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ﴿٤٤﴾

وبترسان مردمان راازروزی که بیاید بایشان عذاب پس گویند ظالمان ای پروردگار ما مهلت ده مارا تامیعادی نزدیك تااجابت کنیم دعوت ترا وپیروی کنیم رسولان را، گفته شود بایشان آیا قسم نمی خوردید پیش ازین که نه باشدشمارا هیچ زوال (٤٤) .

وَسَكَنتُمْ فِي مَسَٰكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ
فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾

وساکن شدید درمنازل آنانکه ستم کردند برخویش وواضح شدشمارا که چه کردیم بایشان وزدیم برای شمامثل ها (٤٥) .

وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِندَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِن كَانَ
مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿٤٦﴾

وهرآئینه تدبیر کردند بتدبیر خویش ونزد خداست علمِ تدبیر ایشان و ا گرچه باشد تدبیرایشان که ازجابرکَندکوه هارا(۱) (٤٦) .

(۱) یعنی مکرایشان ضعیف است والله اعلم .

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ مُخْلِفَ وَعْدِهٖ رُسُلَهٗ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٤٧﴾

پس مپندار خدارا خلاف كننده وعدهٔ خود بارسولانِ خودهرآئينه خداغالب صاحب انتقام است (٤٧) .

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْاَرْضُ غَيْرَ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوٰتُ وَبَرَزُوْا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾

روزى كه تبديل كرده شود اين زمين بغير اين زمين و تبديل كرده شوند آسمان ها وظاهر شوند بحضور خداى يگانه غالب (٤٨) .

وَتَرَى الْمُجْرِمِيْنَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِيْنَ فِي الْاَصْفَادِ ﴿٤٩﴾

وببينى توآن روزگناه گاران را دست وپا بهم بسته درزنجيرها (٤٩) .

سَرَابِيْلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَّتَغْشٰى وُجُوْهَهُمُ النَّارُ ﴿٥٠﴾

لباس ايشان ازسُرب گداخته باشد وبپوشد روى ايشانرا آتش[1] (٥٠) .

لِيَجْزِيَ اللّٰهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٥١﴾

تاجزا دهدخدا هركسى را بآنچه كرده است هرآئينه خدا زود حساب گيرنده است (٥١) .

هٰذَا بَلٰغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوْا بِهٖ وَلِيَعْلَمُوْٓا اَنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَّلِيَذَّكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٥٢﴾

اين قرآن خبررسانيدن است مردمان را[2] وتابيم داده شوند بآن وتابدانند كه جزاين نيست كه وى خداى يگانه است و تاپندپذيرشوند خداوندانِ عقل (٥٢) .

سُوْرَةُ الْحِجْرِ

سوره حجر مكى است وآن نود ونه آيت وشش ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

الۤرٰ ۣ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ وَقُرْاٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿١﴾

الٓرٰ اين آيت هاى كتاب الهى وقرآن روشن ست (١) .

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ كَانُوْا مُسْلِمِيْنَ ﴿٢﴾

بسابود كه دوست دارند كافران كاش

(١) قطران چيزى سياه بدبودارست كه آتش دران زودمى گيرد والله اعلم .
(٢) يعنى نازل كرده شده است براى تبليغ .

مسلمان بودندی (۲) .

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (٣)

بگذار ایشان را تابخورند وبهره مندشوندو مشغول کند ایشان را امید و سپس خواهند دانست (۳) .

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ (٤)

وهلاك نه کردیم هیچ دهی را مگر که وی را اجلی بود معلوم (٤) .

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (٥)

سبقت نمی کند هیچ گروهی ازمدت خود ونه تاخیرمی کنند (۵) .

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ (٦)

و گفتند کافران ای کسی که فرود آورده شده است بروی قرآن هرآئینه تو دیوانه ای (٦) .

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٧)

چرا نمی آری پیش ما فرشتگان را ا گر هستی از راست گویان (۷) .

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ (٨)

فرونمی فرستیم فرشتگان را مگر بتدبیر محکم ونه باشند آنگاه مهلت داده شده (۸) .

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (٩)

هرآئینه فروفرستادیم قرآن را وهرآئینه ماا‌ورانگاهبانیم (۹) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ (١٠)

وهرآئینه پیغامبران را فروفرستادیم پیش ازتو درفرقه های پیشینیان (۱۰) .

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (١١)

ونمی آید به ایشان هیچ فرستاده مگر بودند که باو تمسخر می کردند (۱۱) .

كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ (١٢)

همچنین درمی آریم استهزاء را در دلهای گناه گاران (یعنی کفار مکه) (۱۲) .

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ (١٣)

ایمان نیارند بقرآن وهرآئینه گذشت آئین پیشینیان (۱۳) .

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ (١٤)

وا گر بگشائیم برایشان دری ازآسمان پس شوند باین صفت که ازآن بالا

میروند (١٤) .

لَقَالُوٓا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَٰرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿١٥﴾

البته گویند جزاین نیست که بند کرده شده چشم های ما بلکه ماقومی هستیم جادوزده (١٥) .

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِى ٱلسَّمَآءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّٰهَا لِلنَّٰظِرِينَ ﴿١٦﴾

وهرآئینه پیداکردیم درآسمان برجها وبیاراستیمش برای بینندگان (١٦) .

وَحَفِظْنَٰهَا مِن كُلِّ شَيْطَٰنٍ رَّجِيمٍ ﴿١٧﴾

ونگاهداشتیمش ازهر شیطان رانده شده (١٧) .

إِلَّا مَنِ ٱسْتَرَقَ ٱلسَّمْعَ فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾

مگر آنکه بدزدی شنود پس درپی وی افتد آتش آشکار (١٨) .

وَٱلْأَرْضَ مَدَدْنَٰهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ وَأَنۢبَتْنَا فِيهَا
مِن كُلِّ شَىْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١٩﴾

وزمین را گسترانیدیم وانداختیم درآن کوه هارا ورُویانیدیم درآن ازجنس هر چیز سنجیده[1] (١٩) .

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَٰيِشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُۥ بِرَٰزِقِينَ ﴿٢٠﴾

وساختیم برای شمادرآن جا اسباب معیشت و ساختیم برای شماآنکه نیستید اوراروزی دهنده[2] (٢٠) .

وَإِن مِّن شَىْءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ وَمَا نُنَزِّلُهُۥٓ
إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢١﴾

ونیست هیچ چیز مگر نزدِ ماخزا نه های اوست وفرونمی آریم آن را مگر باندازهٔ مقرر (٢١) .

وَأَرْسَلْنَا ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً
فَأَسْقَيْنَٰكُمُوهُ وَمَآ أَنتُمْ لَهُۥ بِخَٰزِنِينَ ﴿٢٢﴾

وفرستادیم بادهارا باردارکنندهٔ ابرپس فرودآوردیم ازآسمان آب را پس نوشانیدیم شماراآن آب ونیستید شماآن را جمع کننده (٢٢) .

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْىِۦ وَنُمِيتُ وَنَحْنُ ٱلْوَٰرِثُونَ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه مازنده می سازیم ومی میرانیم ومائیم وارث (٢٣) .

---

(١) یعنی هرنوع را صورتی و صفتی است که ازآن جا تجاوز نمیکند .

(٢) یعنی غلامان وجانوران والله اعلم .

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا
الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾

وهرآئینه دانسته ایم پیشینیان را ازشما
وهرآئینه دانسته ایم پسینیان را (٢٤) .

وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ۚ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾

وهرآئینه پروردگار تو اوست که برانگیزد
ایشان را هرآئینه اواستوارکارداناست (٢٥) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ
مَّسْنُونٍ ﴿٢٦﴾

وهرآئینه آفریدیم آدمی را ازگلِ خشك
ازنوعگلِ سیاه بوی‌گرفته (٢٦) .

وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾

وجنّهارا پیداکردیم پیش ازین ازآتش
سوزان (٢٧) .

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن
صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾

ویادکن چون‌گفت پروردگار تو فرشتگان
را هرآئینه من آفریننده ام آدمی را ازگلِ
خشك ازنوعگلِ سیاه بوی‌گرفته (٢٨) .

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾

پس چون راست کنمش وبدمم دروی
ازروح خود پس افتید پیش اوسجده کنان
(٢٩) .

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾

پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان
همه یك جا (٣٠) .

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾

مگر ابلیس سرباز زد ازآنکه باشد
باسجده کنندگان (٣١) .

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾

گفت خداآی ابلیس چیست ترادرین که
نمي باشی باسجده کنندگان (٣٢) .

قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ
مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿٣٣﴾

گفت هرگزنیستم که سجده کنم آدمی را که
پیداکرده ای اوراازگلِ خشك ازنوع گلِ
سیاه بوی‌گرفته (٣٣) .

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾

گفت پس بیرون شواز بهشت هرآئینه
توارانده شده ای(٣٤) .

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾

وهرآئینه برتست لعنت تاروزقیامت (٣٥) .

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾

گفت ای پروردگار من مهلت ده مراتاروزي که
برانگیخته شوند مردمان (٣٦) .

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾

گفت هرآئینه توازمهلت داده شدگانی (٣٧).

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾

تاروز آن وقت مقرر (٣٨) .

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾

گفت ای پروردگار من بسبب آنکه گمراه کردی مراالبته بیارایم معصیت رابرای ایشان درزمین والبته‌گمراه سازم ایشان را همه یك جا (٣٩) .

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾

مگر بندگانِ خالص تورا ازایشان (٤٠) .

قَالَ هَٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿٤١﴾

گفت خدااین اخلاص را هیست راست که برمن می رسد (٤١) .

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ
اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾

هرآئینه بندگان من نیست ترا برایشان غلبه لیکن غلبهٔ تو برکسی باشد که پیروی توکرد ازگمراهان (٤٢) .

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾

وهرآئینه دوزخ وعده‌گاه ایشان ست همه یك جا (٤٣) .

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ﴿٤٤﴾

اورا هفت دراست هردری را ازگمراهان حصه است جداکرده شده (٤٤) .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾

هرآئینه پرهیزگاران در بوستان هاوچشمه هاباشند (٤٥) .

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ ﴿٤٦﴾

ایشان راگفته شود درآئید درینجابسلامتی ایمن شده (٤٦) .

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ
سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾

وبیرون کشیم آنچه در سینه های ایشان بُوَد ازکینه برادریکدیگر شده روبروی یکدیگر برتخت ها (٤٧) .

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾

نرسد به ایشان آنجاهیچ رنجی ونیستند ایشان ازآنجا بیرون کرده شده (٤٨) .

نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾

خبردِه بندگان مرا که من آمرزندهٔ مهربانم (٤٩) .

وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٥٠﴾

وبآنکه عذاب من همان عذاب درد دهنده

است (٥٠) .

وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرٰهِيمَ ﴿٥١﴾

وخبرده ایشان را ازمهمانان ابراهیم (٥١) .

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلٰمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾

چون داخل شدند بروی پس سلام گفتند ابراهیم گفت هرآئینه ماازشما ترسانیم (٥٢) .

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلٰمٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾

گفتند مترس هرآئینه مامژده میدهیم ترابفرزندی دانا (٥٣) .

قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلٰىٓ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾

گفت آیا بشارت دادید مرا باوجود آنکه رسیدبمن پیری پس به چه چیز بشارت میدهید (٥٤) .

قَالُوا بَشَّرْنٰكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقٰنِطِينَ ﴿٥٥﴾

گفتند مژده دادیم ترا براستی پس مباش ازناامیدان (٥٥) .

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا الضَّآلُّونَ ﴿٥٦﴾

گفت وکیست که ناامید شود ازرحمت پروردگار خود مگرگمراهان (٥٦) .

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾

گفت پس چیست خبرشما ای فرستادگان (٥٧) .

قَالُوٓا إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلٰى قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾

گفتند هرآئینه مافرستاده شدیم بسوی گروهی گنهگار (٥٨) .

إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾

بجز آل لوط هرآئینه ماالبته نجات خواهیم دادایشان را همه یك جا (٥٩) .

إِلَّا امْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَآ إِنَّهَا لَمِنَ الْغٰبِرِينَ ﴿٦٠﴾

غیر زنش که مقرر کرده ایم که هرآئینه وی ازبازماندگان است (٦٠) .

فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾

پس وقتیکه آمدند بآل لوط فرستادگان (٦١) .

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾

گفت هرآئینه شما گروهی ناآشنائید (٦٢) .

قَالُوا بَلْ جِئْنٰكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾

گفتند بلکه آورده ایم پیش توآنچه درآن شبهه می کردند (یعنی عقوبت) (٦٣) .

وَأَتَيْنٰكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصٰدِقُونَ ﴿٦٤﴾

وآورده ایم پیش تو وعدهٔ راست

راوهرآئینه ماالبته راستگوئیم (٦٤) .

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ الَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾

پس بِبَراهل خودرا به پاره ای از شب وتوازپی ایشان رَو وباید که پس نه نگرَد ازشما هیچکس وبروید آنجاکه فرموده شوید (وآن سرزمین شام بود) (٦٥) .

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾

ووحی فرستادیم بسوی لوط این سخن که بیخ ایشان بریده شود چون بوقت صبح درآیند (٦٦) .

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾

وآمدند اهل شهر بشارت می دهند (٦٧) .

قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾

گفت لوط هرآئینه ایشان مهمان من اند پس رسوامکنید مرا (٦٨) .

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ﴿٦٩﴾

وبترسیدازخدا وخوار مکنید مرا (٦٩) .

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾

گفتند آیا منع نکرده بودیم ترا ازمیزبانی غریبان (٧٠) .

قَالَ هَٰؤُلَاءِ بَنَاتِي إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾

گفت این ها دختران من اند اگر هستید کنندهٔ کاری[1] (٧١) .

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾

قسم بزندگانی تو که این کافران درگمراهی خویش سرگردان میشوند[2] (٧٢) .

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾

پس دریافت ایشان را آوازهولناك چون بوقت شروق درآمدند (٧٣) .

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾

پس ساختیم بالای آن شهر هارا زیرآن وبارانیدیم بریشان سنگ ازنوع سنگ

---

(١) یعنی اگرقضای شهوت خواهید نکاح بنات من کنید والله اعلم .

(٢) این کلمه دروسط قصه حضرت لوط إضافه کرده شدتاتنبیه باشد برتطبیقِ حالِ مشرکین مکه بر حالِ قوم لوط وامثال ایشان والله اعلم .

گِل[1] (٧٤) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾

هرآئینه درین قصه نشانه هاست عبرت گیرندگان را (٧٥) .

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ ﴿٧٦﴾

وهرآئینه شهرها براهی هستند که دایم آمد ورفت دارد (٧٦) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾

هرآئینه دراین نشانه است مومنان را (٧٧) .

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾

وهرآئینه بودند اهلِ آیکه البته ستمگاران (٧٨) .

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُبِينٍ ﴿٧٩﴾

پس انتقام کشیدیم ازایشان شهرهای قوم لوط وشهرهای آیکه هردوبراه آشکار هستند (٧٩) .

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾

وهرآئینه دروغگوشمردند ساکنان حِجر پیغامبران را (٨٠) .

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾

ورسانیدیم بایشان آیت های خود را پس شدند ازآن روگردان (٨١) .

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾

وبودند میتراشیدند ازکوه ها خانه های ایمن (٨٢) .

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾

پس گرفت ایشان را آوازسخت هنگام صبح (٨٣) .

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾

پس دفع نکردازایشان آنچه کسب می کردند (٨٤) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ
وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾

ونیافریدیم آسمان ها و زمین وآنچه مابین این هاست مگر بتدبیر درست وهرآئینه قیامت آمدنیست پس در گذر (یعنی ازبی ادبیهای ایشان) درگذشتن نیکو (٨٥) .

---

(١) مترجم گوید یعنی گل پخته مثل سنگ شده .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلّٰقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾

هرآئينه پروردگار تو همانست آفريننده دانا (٨٦) .

وَلَقَدْ آتَيْنٰكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ
الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾

وهرآئينه داديم ترا هفت آيت از آنچه درنماز مكرر خوانده ميشود[1] وداديم ترا قرآن بزرگ (٨٧) .

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلٰى مَا مَتَّعْنَا بِهٖٓ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ
وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

بازمكن دوچشم خودرا بسوى آنچه بهره مند ساخته ايم بآن جماعت هاراازكافران واندوهناك مشوبرايشان وپست بكن بازوى خودرا[2]براى مسلمانان (٨٨) .

وَقُلْ إِنِّيٓ أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾

وبگوهرآئينه من بيم دهندهٔ آشكارم (٨٩) .

كَمَآ أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

فرودخواهيم آورد عذاب را مانند آنچه فرود آورده بوديم برتقسيم كنندگان (يعنى يهودونصارىٰ) (٩٠) .

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾

آنانكه ساختند كتاب الهى را پاره پاره[3] (٩١) .

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾

پس قسم به پروردگار توالبته سوال كنيم ايشان را همه يك جا (٩٢) .

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ الربع

ازآنچه ميكردند (٩٣) .

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾

پس آشكاركن بآنچه فرموده ميشوى واعراض كن ازمشركان (٩٤) .

إِنَّا كَفَيْنٰكَ الْمُسْتَهْزِءِينَ ﴿٩٥﴾

هر آئينه مابَسِنده ايم ترا از شَرِّ تمسخر كنندگان (٩٥) .

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾

آنانكه مقررميكنند باخدا معبود ديگررا

---

(١) يعنى سورة فاتحه .

(٢) يعنى تواضع كن .

(٣) مترجم گويد يعنى اهل كتاب كه بربعض آيات عمل مى كردند وبربعضى نه والله اعلم .

پس زود میدانند (٩٦) .

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾

وهرآئینه می دانیم ازحال توکه تنگ می‌شود سینهٔ تو بسبب آنچه می‌گویند (٩٧) .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾

پس به پاکی یادکن پروردگار خودرا باستائشِ اووباش ازسجده کنندگان (٩٨) .

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

وعبادت کن پروردگار خودرا تاوقتیکه برسد بتومرگ (٩٩) .

سُورَةُ النَّحْلِ

سوره نحل مکی است وآن یکصد وبیست و هشت آیت وشانزده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١﴾

آمد حکم خدا پس بشتاب طلب مکنید آن را[1] پاك است خداوبلند قدرست ازآنچه شریك اومقررمی کنند (١) .

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿٢﴾

فرودمی آردفرشتگان را بوحی بارادهٔ خود برهرکه خواهد ازبندگان خود که بترسانید (باین مضمون خدا میفرماید) که نیست هیچ معبود برحقی مگر من پس بترسید ازمن (٢) .

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾

آفرید آسمان ها وزمین را به تدبیر درست بلند قدر است ازآنکه شریك او مقرر میکنند (٣) .

خَلَقَ الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٤﴾

آفرید آدمی را از مَنی پس ناگهان وی ستیزنده آشکار است (٤) .

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا ۗ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ

وچهارپایان را آفرید برای شما درآنها پوششی ومنفعت های دیگراست وبعض

(١) یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار به یقین شدنی است چراشتاب میکنند والله اعلم.

وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾
وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾
وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنفُسِ ۚ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾
وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۚ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾
وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ ۚ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾
هُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ لَّكُم مِّنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾
يُنبِتُ لَكُم بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾
وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾
وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾

آنهارا میخورید (٥).
وشمارا درآنها آرایش است چون وقت شام از صحرا بازمی آرید وچون بسوی صحرا سرمیدهید (٦) .
وبرمیدارند بارهای شمارا بسوی شهریکه هرگز نمی رسیدید بآن مگر بمشقت جان ها هرآئینه پروردگار شما بخشاینده مهربان است (٧) .
وآفریداسپان وشتران را وخران را تاسوار شوید برآن وبرای آرایش ومی آفریندآنچه نمی دانید (٨) .
وبرخدا میرسد راه میانه وبعض راه هاکج است وا گر می‌خواست وی راه می‌نمود شمارا همه یك جا (٩) .
اوست آنکه فرودآورد ازآسمان آب را برای شما ازآن آب آشامیدنی است وازآن آب درختان است که درآن میچرانید (١٠).
میرویاند برای شما بسبب آب زراعت را وزیتون ودرختان خرما وانگور را وازهرجنس میوه ها، هرآئینه درین نشانه است گروهی را که تفکّر می کنند (١١).
ومسخر کرد برای شما شب و روز وخورشید وماه را وستارگان مسخراند به فرمان وی هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که درمی یابند (١٢) .
ومسخر کردآنچه آفریدبرای شما درزمین گونا گون رنگهای او[1] هرآئینه درین نشانه

(١) یعنی ازانواع حیوان و نبات .

استگروهی را که پندمی پذیرند (١٣).

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا
وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى
الْفُلْكَ مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (١٤)

واوست آن که مسخر ساخت دریارا تابخوریدازآن گوشت تازه(یعنی ماهی) وتابیرون آرید ازآن پیرایه که به پوشید آن را ومی بینی کشتی هارا رونده دردریا و مسخر کرد دریاراتاطلب معیشت کنید ازفضل او وتابُوَد که شکر کنید (١٤).

وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (١٥)

وافگند درزمین کوه های محکم برای احتراز ازآنکه بجنباند شمارا وآفرید جویها وراه هارا تابُوَد که راه یاب شوید (١٥).

وَعَلَامَاتٍ ۚ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (١٦)

وآفریدنشانه ها وبه ستارگان ایشان راه می‌یابند (١٦).

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ ۗ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (١٧)

آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند آیاپندنمی گیرید (١٧).

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (١٨)

واگر بشمارید نعمت خدارا احاطه نکنید آن را هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (١٨).

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ (١٩)

خدا میداند آنچه پنهان میدارید وآنچه آشکار میکنید (١٩).

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا
وَهُمْ يُخْلَقُونَ (٢٠)

وآنان که می پرستند کافران ایشان را بغیراز خدا نمی آفرینند چیزی را وخود شان آفریده می شوند (٢٠).

أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ ۖ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (٢١)

مردگانند نه زندگان ونمی دانند کَی برانگیخته خواهند شد (٢١).

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۚ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (٢٢)

معبود شما معبود یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند بآخرت دلهای ایشان ناشناس است وایشان سرکش اند (٢٢).

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ (٢٣)

بی شك خدا میداند آنچه پنهان میدارند وآنچه آشکارمیکنند هرآئینه اودوست ندارد سرکشان را (٢٣).

وَإِذَا قِيلَ لَهُم مَّاذَا أَنزَلَ رَبُّكُمْ ۙ قَالُوا أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾

وچون گفته شودایشان را چیست آنچه فروفرستاده است پروردگار شما گویند افسانه های پیشینیان است (٢٤) .

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۙ وَمِنْ أَوْزَارِ
الَّذِينَ يُضِلُّونَهُم بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾

مآل این گفتار آنکه بردارند بارگناه خویش بتمام روزقیامت وبردارند نیز بعض بارهای آنانکه گمراه می سازند ایشان را بغیر دانش آ گاه شوید بد است آنچه برمیدارند (٢٥) .

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ
بُنْيَانَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن
فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

هرآئینه بداندیشی کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بیامد (فرمان) خدا بسوی عمارت ایشان ازجانب بنیادها پس افتاد برایشان سقف ازبالای ایشان وآمدبدیشان عذاب ازآن جهت که نمی‌دانستند[1] (٢٦) .

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ
كُنتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ ۚ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ
الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٢٧﴾

بازروزقیامت رسواکند ایشان را وگوید کجایندآن شریکان من که مخالفت می کردید درحق ایشان گویند اهل علم هرآئینه رسوائی وسختی امروز برکافران است (٢٧) .

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ ۖ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ
مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِن سُوءٍ ۚ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾

آنانکه قبض ارواح ایشان میکردند فرشتگان حال آنکه ستمگاربودند برخویش پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را ما هرگزنمی کردیم هیچ عمل بد گفته شود آری هرآئینه خدا داناست بآنچه می کردید (٢٨) .

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ فَلَبِئْسَ

پس درآئید بدروازه های دوزخ جاویدان

(١) واین تمثیل است افساد مکرایشانرا بابلغ وجوه .

مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾

آن جا پس بَدَست جای سرکشان (دوزخ) (٢٩) .

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ
خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٠﴾

وگفته شد متقیان راچیست آنچه فروفرستاد پروردگار شماگفتند فرودآورده است بهترین سخن آنان را که نیکوکاری کردند درین سرای حالت نیك است وهرآئینه سرای آخرت بهترست وهرآئینه آخرت نیکو سرای متقیان است (٣٠) .

جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا
مَا يَشَاءُونَ كَذَٰلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾

به بوستانهای همیشه ماندن درآیندآن جامیرود زیرآن جویها، ایشان راست درآن هرچه خواهند همچنین جزا می دهد خدا متقیان را (٣١) .

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ
ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾

آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان می کنند حالانکه شادمان باشندگویند فرشتگان سلام برشماباد درآئید به بهشت جزای آنچه می کردید[1] (٣٢) .

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ
كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِنْ
كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾

انتظار نمی کشند کافران الاّآنکه بیایند بایشان فرشتگان[2] یابیاید فرمان پروردگار تو[3] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند وستم نکرد برایشان خدا ولیکن برخویش ستم می کردند (٣٣) .

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٤﴾

پس رسیدبایشان جزای گناهان اعمال ایشان و فرودآمد بایشان آنچه بآن استهزاء

---

(١) مترجم‌گوید خدای تعالی این دوصورت رابرای بیان قال وحال ومآل اهل سعادت واهل شقاوت نازل فرموده والله اعلم .

(٢) یعنی برای قبض ارواح .

(٣) یعنی عذاب او .

می کردند (٣٤) .

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ
مِن شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ ۚ
كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا
الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٣٥﴾

وگفتند مشرکان اگر خواستی خدا نمی پرستیدیم بجزوی هیچ چیز را نه ما ونه پدران ما وحرام نمی دانستیم بغیر فرمان وی هیچ چیزرا[(١)] هم چنین کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس نیست برپیغامبران بجز خبررسانیدن آشکارا (٣٥) .

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ
وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۖ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُم
مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ۚ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٦﴾

وهرآئینه فرستادیم درهرگروهی پیغامبری را که عبادت خدا کنید واحتراز کنید ازبتان پس ازایشان کسی بود که راه نمودش خدا و از ایشان کسی بود که ثابت شد بروی گمراهی پس سَیر کنید درزمین پس بنگرید چگونه شد آخرکار تکذیب کنندگان (٣٦) .

إِن تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ ۖ
وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٣٧﴾

اگر کوشش کُنی بر هدایت ایشان چه سود هرآئینه خدا راه نمی نماید آن را که گمراه میسازد ونیست ایشان را هیچ یاری دهنده (٣٧) .

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ ۙ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ ۚ
بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٨﴾

وقسم خوردند به خدا بمحکم ترین سوگند های خود که برنه انگیزد خدا مرده را آری برانگیزد وعدهٔ درست لازم شده بروی ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (٣٨) .

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا
أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿٣٩﴾

آری برانگیزد تابیان کند برای ایشان آنچه اختلاف می کنند درآن وتابدانند کافران که ایشان دروغگو بودند (٣٩) .

---

(١) یعنی سلف ماجماع کرده اندوآن بدون رضای خدامنعقدنمی شود والله اعلم .

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾

نیست فرمان مابرای چیزی چون خواهیم آفریدنش مگرگوئیم اورا بشو پس می شود (٤٠) .

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ
فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾

وآنانکه ترك دیار خودکردند برای خدا بعد ازآن که ستم کرده شدبرایشان البته جامی دهیم ایشان را دردنیا بسرای نیك وهرآئینه مزدآخرت بزرگ تراست ا گر می دانستند (٤١) .

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾

آنانکه صبر کردند وبرپروردگار خویش توکل مینمایند[1] (٤٢) .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ ۚ فَاسْأَلُوا أَهْلَ
الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو مگر مردانی را که وحی فرستادیم بسوی ایشان پس سوال کنید ازاهل کتاب اگر نمی دانید[2] (٤٣).

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ ۗ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ
مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾

فرستادیم ایشان را بدلائل وکتاب ها وفرودآوردیم بسوی تو کتاب تابیان کنی برای مردمان شریعتی را که فرودآورده شده بسوی ایشان وتابود که ایشان تفکر کنند (٤٤) .

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ
أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٤٥﴾

آیاایمن شده اند آنانکه اندیشیدند تدبیر های بد[3] ازآنکه فروبَرَد خداایشان را به زمین یابیاید بایشان عذاب ازآن جا که ندانند (٤٥) .

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾

یابگیرد ایشان را درآمد وشد ایشان پس

---

(١) واین وعده متحقق شده ومهاجرین را به مدینه جای داد .

(٢) یعنی پیغامبران سابق آدمی بودند فرشته نه بودند والله اعلم .

(٣) یعنی درحق پیغامبران ومومنان .

نیستند عاجز کننده (٤٦) .

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَىٰ تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٤٧﴾

یابگیردایشان را بعد ترس[1] پس هرآئینه
پروردگار شمالطف کنندهٔ بخشاینده است
(٤٧) .

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ
الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِّلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ ﴿٤٨﴾

آیاندیده اند بسوی آنچه پیداکرده است
خدا ازهرچیزی که میگردد سایه های
اوازجانب راست واز جانب چپ سجده
کنان برای خدا خوارشده (٤٨) .

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِن دَابَّةٍ
وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٩﴾

وخدای را سجده می کنند آنچه درآسمان
هاست وآنچه درزمین است ازنوع جنبنده
وفرشتگان نیز سجده می کنند وایشان
سرکشی نمی کنند (٤٩) .

يَخَافُونَ رَبَّهُم مِّن فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۩ ﴿٥٠﴾

می ترسند ازپروردگار خود از بالایِ
خویش ومی کنند آنچه فرموده می شوند
(٥٠) .

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَٰهَيْنِ اثْنَيْنِ ۖ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ
فَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٥١﴾

وگفت خدا فرامگیرید دومعبود جزاین
نیست که وی معبود یگانه است پس
ازمن بترسید (٥١) .

وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا ۚ
أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾

ومَراوراست آنچه درآسمان ها وزمین
است ومراوراست عبادت لازم شده آیا
ازغیر خدا می ترسید (٥٢) .

وَمَا بِكُم مِّن نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ
تَجْأَرُونَ ﴿٥٣﴾

وآنچه باشما است ازنعمت ازجانب
خداست بازچون رسد بشما سختی پس
بسوی اومی نالید (٥٣) .

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنكُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾

بازچون بردارد سختی را ازسرشما ناگهان
گروهی ازشما به پروردگار خود

---

(١) یعنی بعد اقامت قرائن هلاک .

شريك مقررمی کنند (٥٤) .

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾

تاناسپاسی کنند آنچه دادیم ایشان را پس بهره مند شوید پس زود خواهید دانست (٥٥) .

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾

ومقرر کردند برای چیزی که نمیدانند تحقیقِ آن یعنی برای بتان حصه ازآنچه روزی دادیم ایشان را،بخدا البته پرسیده خواهید شدازآنچه افترامی کردید (٥٦) .

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ ﴿٥٧﴾

ومقرر میکنند برای خدادختران را، پاك است او ومقررمیکنند برای خویش آنچه رغبت مینمایند[1] (٥٧) .

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾

وا گرمژده داده شودیکی راازایشان بتولّدِ دختر روی اوسیاه گردد و او پرازاندوه باشد (٥٨) .

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾

پنهان شود ازقوم بسبب ناخوشی آنچه مژده داده شدبوی درتامل افتدکه آیا باقی گذاردش بخواری یا در آردش درخاك آ گاه شوید بداست حکم ایشان (٥٩) .

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٠﴾

آنان را که معتقدنمی شوند بآخرت صفت بدست وخدای راست صفت بلند واوغالب باحکمت است (٦٠) .

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾

وا گر گرفتار کند خدا مردمان را بسبب ستم ایشان نه گذاردبرزمین هیچ جنبنده ولیکن مهلت میدهدایشان را تاوقتی مقرر پس چون برسدآن وقت مقرر ایشان

(١) یعنی پسران را .

بازنمانند ساعتی ونه پیش روند (٦١) .

وَيَجْعَلُونَ لِلّٰهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ
الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾

ومقررمی کنند برای خداآنچه ناپسندمی دارند[1] وبیان می کندزبانهای ایشان سخن دروغ را که ایشان را باشد نیکوئی[2] شکّی نیست درآنکه ایشان را باشد آتش وآنکه ایشان پیش فرستادگانند بدوزخ (٦٢) .

تَاللّٰهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ
الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾

قسم بخدا هرآئینه (پیغامبران) فرستادیم بسوی امّتانی که پیش ازتوبودند پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارهای ایشان پس او یاراین کافران است امروزایشان راست عذاب درد دهنده (٦٣) .

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي
اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

وفرونیاوردیم برتو کتاب را مگر به سبب آنکه بیان کنی برای ایشان آنچه درآن اختلاف کردند وبرای راه نمودن وبخشائش قومی را که می گروند (٦٤) .

وَاللّٰهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾

وخدا فرودآورد ازآسمان آب را پس زنده ساخت بآن زمین را بعد مرگ آن هرآئینه درین نشانه است گروهی را که می شنوند (٦٥) .

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ
فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴿٦٦﴾

وهرآئینه شمارا درچهار پایان پندی هست می نوشانیم شمارا ازجمله آنچه درشکم وی است ازمیان سرگین وخون شیر خالص گوارا آشامندگان را (٦٦) .

---

(١) یعنی دختران .

(٢) یعنی نجات در آخرت .

وَمِنْ ثَمَرٰتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَّرِزْقًا
حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

واز میوه های درختان خرما ودرختان انگور قسمی هست که میسازید ازآن شراب مست کننده ومیسازید ازآن روزی حلال هرآئینه درین نشانه است گروهی را که درمی یابند (٦٧) .

وَأَوْحٰى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا
وَّمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾

والهام فرستاد پروردگار تو بسوی زنبور عسل که بساز خانه ها ازکوه ها و ازدرختان ازآنچه مردمان بنامی کنند (٦٨) .

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۗ يَخْرُجُ مِنْ
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذٰلِكَ
لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾

بازبخور ازهرجنس میوه ها وبرووراه های پروردگار خویش رام شده برمی آیدازشکم این زنبوران آشامیدنی گوناگون رنگ های او، درآن آشامیدنی شفاست مردمان را هرآئینه درین مقدمه نشانه است گروهی را که تفکر می کنند (٦٩) .

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفّٰىكُمْ ۚ وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ إِلٰى أَرْذَلِ
الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾

وخدا آفریدشمارا باز بمیراند شمارا وازشماکسی هست که عائد کرده میشود بخوار ترین عمر مآلش آنکه نه داند بعد از دانستن چیزی را هرآئینه خدا داناتوانا است (٧٠) .

وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِينَ
فُضِّلُوا بِرَآدِّي رِزْقِهِمْ عَلٰى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۗ أَفَبِنِعْمَةِ
اللّٰهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧١﴾

وخدا فضل داد بعض شمارا بربعضی درروزی پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند عائد کنندگان روزی خودرا برمملوکان خود تاهمه ایشان درروزی برابر باشند آیا نعمت خدارا انکارمی نمایند[1] (٧١) .

---

(١) یعنی هیچ کس نمی خواهد که مملوکان خودرا برابرخود سازد والله اعلم .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ
اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً وَّرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ
اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ ﴿٧٢﴾

وخداآفريد براى شماازجنس شما زنان را وآفريدبراى شما اززنان شما پسران و نبيرگان را وروزى داد شمارا ازپاكيزه هاآيا به باطل معتقد مى‌شوند وبه نعمت خداايشان ناسپاسى مينمايند (٧٢) .

وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ شَيْئًا وَّلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ ﴿٧٣﴾

و مى‌پرستند بجزخدا كسى را كه نمى تواند براى ايشان روزى دادن ازآسمان ها وزمين چيزى را وقادرنمى شوند (٧٣) .

فَلَا تَضْرِبُوْا لِلّٰهِ الْاَمْثَالَ اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ
لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٧٤﴾

پس بيان مكنيد براى خدا داستان ها هرآئينه خدا مى داند وشمانمى دانيد (٧٤).

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوْكًا لَّا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَّمَنْ
رَّزَقْنٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَّجَهْرًا
هَلْ يَسْتَوٗنَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٧٥﴾

بيان كرد خدا داستانى بندهٔ مملوكى كه توانائى ندارد برهيچ چيزى وكسى كه دادش ازنزدِ خود روزى نيك پس وى خرج ميكندازآن روزى پنهان وآشكارا آيا برابرمى شوند، همه ستائش خداى راست بلكه اكثر ايشان نمى دانند (٧٥).

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ اَحَدُهُمَآ اَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ
عَلٰى شَيْءٍ وَّهُوَ كَلٌّ عَلٰى مَوْلٰىهُ اَيْنَمَا يُوَجِّهْهُّ لَا يَاْتِ بِخَيْرٍ
هَلْ يَسْتَوِيْ هُوَ وَمَنْ يَّاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلٰى صِرَاطٍ
مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٧٦﴾

وبيان كرد خدا داستانى ديگر دومرديكى ازايشان گنگ است قدرت ندارد برچيزى واوگران ست برخواجهٔ خود هركجا فرستدش نيارد ازآن جا هيچ نيكى آيا برابرست اين شخص وكسى كه مى فرمايد مردمان را بعدل وخودش برراه راست است[1] (٧٦) .

(١) مترجم گويد حاصل اين دومثل آنست كه آنچه درعالم تصرف نداردباخدا برابر نيست چنانكه مملوكِ ناتوان بامالكِ توانابرابر نيست وچنانكه گنگ بى تميز باصاحب هدايت واهتدابرابرنيست .

وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَمَآ اَمْرُ السَّاعَةِ اِلَّا
كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٧٧﴾

خدای رااست علم پنهان آسمان ها وزمین ونیست کار قیامت (یعنی نزدیك قدرت او) مگر مانند چشم بهم زدن بلکه اونزدیك تراست هرآئینه خدا به همه چیز تواناست (٧٧) .

وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْۢ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْـــًٔـا ۙ
وَّجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۙ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٨﴾

وخدا بیرون آوردشمارا ازشکم های مادران شما نمی دانستید چیزی را وپیداساخت برای شما شنوائی وچشم ها ودل ها تابود که شکرکنید (٧٨) .

اَلَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرٰتٍ فِيْ جَوِّ السَّمَاۗءِ ۭ مَا يُمْسِكُهُنَّ
اِلَّا اللّٰهُ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٧٩﴾

آیانگاه نکردند بسوی مرغان رام شده درهوای آسمان نگاه نمیدارد ایشان را مگر خدا هرآئینه درین نشانه ها ست گروهی را که ایمان می آرند (٧٩) .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْۢ بُيُوْتِكُمْ سَكَنًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُوْدِ
الْاَنْعَامِ بُيُوْتًا تَسْتَخِفُّوْنَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ اِقَامَتِكُمْ ۙ
وَمِنْ اَصْوَافِهَا وَاَوْبَارِهَا وَاَشْعَارِهَآ اَثَاثًا وَّمَتَاعًا
اِلٰى حِيْنٍ ﴿٨٠﴾

وخدا ساخت برای شما ازخانه های شما جای سکونت وساخت برای شما از پوست های چهار پایان خانه های سبك می یابید آن را روز سفرخود وروزاقامت خود وساخت از پشمهایشان وکُرکهایشان وموهایشان اسباب خانه وبهره مندی تاوقت مقرر (٨٠) .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّمَّا خَلَقَ ظِلٰلًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ
اَكْنَانًا وَّجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيْلَ تَقِيْكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيْلَ
تَقِيْكُمْ بَاْسَكُمْ ۭ كَذٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ
لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُوْنَ ﴿٨١﴾

وخداپیدا ساخت برای شما ازمخلوقات خود سایه ها وپیداکردبرای شما ازکوه ها غارها وساخت برای شما جامه هاکه نگاه دارد شمارااز گرمی[1] وجامه ها که نگاه دارد شمارا از ضررجنگ شما ، هم چنین تمام میدهد نعمت خودرا برشما تابُوَد که

(١) یعنی وازسردی تیز .

منقادشوید (۸۱) .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿٨٢﴾

پس اگر اعراض کنند جزاین نیست که برتوپیغام رسانیدن آشکاراست (۸۲) .

يَعْرِفُوْنَ نِعْمَتَ اللّٰهِ ثُمَّ يُنْكِرُوْنَهَا وَاَكْثَرُهُمُ
الْكٰفِرُوْنَ ﴿٨٣﴾

می شناسند نعمت خدا را بازانکار آن می کنند وبیشترین ایشان کافرانند (۸۳) .

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيْدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ
لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُوْنَ ﴿٨٤﴾

وآن روزکه برانگیزیم ازهرگروهی‌گواهی را[۱] بازدستوری داده نه شود کافران را[۲] ونه ازایشان رجوع بمرضیات الهی طلب کرده شود(۸٤) .

وَاِذَا رَاَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ
وَلَا هُمْ يُنْظَرُوْنَ ﴿٨٥﴾

وچون ببینند ستمگاران عذاب را اضطراب کنند پس سبك کرده نه شودازایشان ونه ایشان مهلت داده شوند (۸۵) .

وَاِذَا رَاَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا شُرَكَآءَهُمْ قَالُوْا رَبَّنَا هٰٓؤُلَآءِ
شُرَكَآؤُنَا الَّذِيْنَ كُنَّا نَدْعُوْا مِنْ دُوْنِكَ ۚ فَاَلْقَوْا
اِلَيْهِمُ الْقَوْلَ اِنَّكُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿٨٦﴾

وچون به بینند مشرکان شریکان خودرا گویند ای پروردگار مااین جماعت شریکان مایند که می پرستیدیم بغیرازتو پس شریکان پیغام فرستند بسوی ایشان (این سخن را) که هرآئینه شمادروغگویانید (۸٦) .

وَاَلْقَوْا اِلَى اللّٰهِ يَوْمَئِذِ ِالسَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ
مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٨٧﴾

وهمه تسلیم خداشوند درآن روز وگم گردداز ایشان آنچه افتراء می کردند (۸۷) .

اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ زِدْنٰهُمْ عَذَابًا
فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوْا يُفْسِدُوْنَ ﴿٨٨﴾

آنانکه کافرشدند وباز داشتند[۳] ازراه خدا افزون دهیم ایشان را عذابی بالای عذابی به سبب آنکه فساد می

(۱) وآن نبی آن قوم باشد والله اعلم .
(۲) یعنی تاعذرخودکنند .
(۳) یعنی مردمان را .

کردند[۱] (۸۸) .

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِم مِّنْ أَنفُسِهِمْ
وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ
تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ
لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾

وآن روزکه برانگیزیم درهرامتی گواهی برایشان ازقبیلهٔ ایشان[۲] وبیاریم ترا گواه برآنها وفرودآوردیم برتوکتاب برای بیان کردن هرچیز وبرای راه نمودن وبخشایش ومژده دادن مسلمانان را (۸۹).

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي
الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَالْبَغْيِ ۚ يَعِظُكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾

هرآئینه خدا می فرماید بانصاف ونیکوکاری وعطا کردن بخویشاوندان ومنع می کند ازبی حیائی وکارناپسندیده وتعدی، پند می دهد شمارا تابُوَد که شما پندپذیر شوید (۹۰) .

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدتُّمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ
بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا ۚ إِنَّ اللَّهَ
يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾

ووفاکنید به عهد خدا چون عهد بندید ومشکنید سوگندها را بعد محکم ساختن آنها وهرآئینه ساخته اید خدارا برخویش نگاهبان[۳] هرآئینه خدامیداند آنچه می کنید (۹۱) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِن بَعْدِ قُوَّةٍ
أَنكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَن
تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۚ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ
لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾

ومباشید مانندزنی که گسست رشته خودرابعد ازاستواری پاره پاره، میگیرید سوگند های خویش را مکردرمیان خود تا افزون ترشود گروهی از گروهی[٤] جزاین نیست که می آزماید خدا شمارا بآن افزونی والبته بیان کند برای شماروزقیامت آنچه درآن اختلاف می

---

(۱) یعنی عذاب گمراهی و گمراه کردن .

(۲) مترجم گوید وآن نبی آن قوم باشد .

(۳) یعنی نام اورادرقسم مذکور کرده اید .

(٤) یعنی برای منفعت دنیا تامال ومنال زیاده بدست آرد .

نمودید[۱] (۹۲) .

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ
مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ ۚ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا
كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

وا گر خواستی خداساختی شمارا یك گروه ولیکن گمراه می کند هرکراخواهد وراه می نماید هرکرا خواهد والبته پرسیده خواهید شد ازآنچه می کردید (۹۳) .

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ
ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدتُّمْ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۖ
وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٩٤﴾

ومگیرید سوگند های خودرا وسیله نیرنگ (به عهدشکنی) درمیان خویش پس بلغزدقدمی بعداستواری آن بچشید عقوبت به سبب بازداشتن ازراه خدا وشمارا باشد عذاب بزرگ[۲] (۹٤) .

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ إِنَّمَا عِندَ اللَّهِ هُوَ
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٥﴾

ومستانید عوض عهد خدا بهای اندك هرآئینه آنچه نزدِ خداست بهترست شمارا ا گر شما بدانید (۹۵) .

مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ ۖ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ
صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

آنچه نزد شماست فانی شود وآنچه نزد خداست پاینده است وبدهیم صابران را مزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (۹٦) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾

هر که عمل نیك کرد مردباشد یازن واومسلمان است هرآئینه زنده کنیمش بزندگانی پاك[۳] وبدهیم آن جماعت

---

(۱) مترجم گوید مرادتحریم یمین غموس است و حاصل مَثَل آن ست که اعمال خودرا برباد مکنید چنانکه این زن عمل خودراتباه کرد والله اعلم وگویا اینجا اشاره است بآنکه یمین غموس برباد کنندۂ اعمال است والله اعلم .

(۲) مترجم گوید یعنی درجهاد عهد کرده وقسم خورده دغا(عهدشکنی) کردن بسبب آنست که کافران من بعد قول ایشان را معتبر ندانند و بایشان صحبت ندارند بلکه مسلمانان درشبهه افتند والله اعلم .

(۳) یعنی دردنیانعمت دهیم .

رامزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (٩٧) .

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾

پس وقتی که خواهی قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا ازشیطان رانده شده (٩٨) .

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾

هرآئینه نیست شیطان را غلبه برآنانکه ایمان آوردند وبر پروردگار خودتوکل میکنند (٩٩) .

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُم بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾

جزاین نیست که غلبه اوبرآناست که دوستداری اومیکنند وآنانکه ایشان بخدا شریك مقررمی کنند (١٠٠) .

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ ۙ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مُفْتَرٍ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾

وچون بدل کنیم آیتی بجای آیتی[1] وخدادانده ترست بآنچه فرود می آرد گویند جزاین نیست که توافتراء کننده ای بلکه اکثرایشان نمیدانند (١٠١) .

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

بگوفرودآورده است اورا روح القدس ازجانب پروردگار توبراستی تامستقیم سازد خدا مومنان را و برای راه نمودن ومژده دادن مسلمانان را (١٠٢) .

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ ۗ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٠٣﴾

وهرآئینه ماميدانيم که کافران می گویند جزاین نیست که می آموزد این پیغامبررا آدمی زبان کسی که نسبت می کنند بسوی اوعجمی ست واین قرآن زبان عربی واضح ست (١٠٣) .

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾

هرآئینه آنانکه ایمان نمی آرند بآیات خدا راه نه نماید ایشان راخدا وایشان را باشد عذاب درد دهنده (١٠٤) .

---

(١) یعنی یك آیت بآیت دیگرنسخ کنیم .

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٠٥﴾

جزاین نیست که افتراء میکنند دروغ را آنانکه ایمان ندارند بآیت های خدا وایشانند دروغگویان (١٠٥) .

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾

هرکه کافرشود بخدا بعدایمان خود مگرآنکه جبرکرده شودبروی ودلش مطمئن باشد بایمان ولیکن کسی که سینه کُشاده کند بکفر یعنی راضی شود، برایشان است خشم ازخدا وایشان راست عذاب بزرگ (١٠٦) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿١٠٧﴾

این خشم به سبب آنست که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا را برآخرت وبسبب آنست که خدا راه نمی نماید گروه کافران را (١٠٧) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٠٨﴾

ایشانند آن جماعت که مُهرنهاده است خدابر دل های ایشان وبرگوش ایشان ودیده های ایشان وایشانند بی خبران (١٠٨) .

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠٩﴾

شك نیست درآنکه ایشانند درآخرت زیان کاران (١٠٩) .

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٠﴾

بازپروردگار تو آنان را که هجرت کردند بعد ازآن که عقوبت کرده شدایشان را تاکلمه کفر بگویند بازجهاد کردند وصبر نمودند هرآئینه پروردگار توبعدازین مقدمه البته آمرزگارمهربانست (١١٠) .

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١١١﴾

آن روز که بیاید هر شخصی جدال کنان ازذات خود وبتمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است وایشان ستم کرده نشوند (١١١) .

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً

وبیان کردخدا داستان دهی که بود ایمن

يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ
اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا
يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾

مطمئن می آمد به اوروزی اوبه کشاد گی ازهرجای پس ناسپاسی کرد به نعمت های خدا پس چشانیدخدااوراپوشش گرسنگی وترس بسبب آنچه می کردند (١١٢) .

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ
الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١١٣﴾

وهرآئینه آمد پیش ایشان پیغامبری ازجنس ایشان پس تکذیبش کردند پس گرفت ایشان را عقوبت وایشان ستمگاربودند[1] (١١٣) .

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا
نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾

پس بخورید ازآن چه خداروزی داد شمارا حلال پاکیزه وشکر کنید برنعمت خدا ا گر اورامی پرستید (١١٤) .

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ
وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٥﴾

جزاین نیست که حرام ساخته است خدابرشما مرداروخون و گوشت خوك را وآنچه ذکر کرده شد بنام غیر خدا برذبح وی پس هرکه مجبور کرده شدو نه ستم کرده ونه ازحد گذشته پس خدا آمرز گار مهربانست (١١٥) .

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَٰذَا
حَلَالٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۚ إِنَّ
الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾

ومگوئید چیزی را که بیان می کند حکم اورا زبان شما به دروغ که آن حلال است واین حرام است تاافتراء کنید برخدا دروغ را هرآئینه آنانکه افتراء می کنند برخدا دروغ را رستگارنمی شوند (١١٦) .

مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾

ایشان را بُوَد بهره مندی اندك وایشان را

(١) مترجم گوید این قصهٔ اجمالی اختراع کرده شده است ازقصه های بسیارومنطبق است برواقعه های بیشمار ولهذامثل نامیده شدو درعبارت اذاقهاالله لباس الجوع والخوف جمع کرده شده است و تشبهه دریك سیاق؟ والله اعلم .

باشد عذاب درد دهنده (١١٧) .

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۖ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

وبريهود حرام كرده بوديم آنچه قصه كرديم برتوپيش ازين (يعنى درسوره انعام) وستم نه كرديم برايشان وليكن ايشان برجان خويش ستم ميكردند (١١٨) .

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾

بازهرآئينه پروردگار تو آنان را كه كاربدكردند به نادانى بازتوبه كردند بعد ازآن وشايسته كارشدند هرآئينه پروردگار تو بعد ازين توبه آمرزگار مهربانست (١١٩) .

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٠﴾

هرآئينه ابراهيم بود امتى (بزرگوار) عبادت كننده براى خدا مائل بدين حق ونه بود ازمشركان[1] (١٢٠) .

شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ ۚ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٢١﴾

سپاس دارندۀ نعمت هاى خدارا برگزيدش خدا و دلالت نمودش بسوى راه راست (١٢١) .

وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۖ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾

وعطا كرديمش درين سرا نعمت وهرآئينه اودرآخرت ازشائسته حالان است (١٢٢) .

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾

بعد ازآن وحى فرستاديم بسوى توكه پيروى كن كيش ابراهيم را حنيف شده ونه بودازمشركان (١٢٣) .

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ

جزاين نيست كه لازم كرده شد تعظيم شنبه برآنانكه اختلاف كردند درآن

---

(١) مترجم گويد حنيف آنرا گويند كه حج وختنه وغسل جنابت مى كرده باشد والله اعلم توضيح: حنيف آنرا گويند كه شرك و باطل را ترك كرده بدين حق مائل باشد، مصحح .

لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٢٤﴾

وهرآئينه پروردگار تو حكم كند درميان ايشان روز قيامت درآنچه اندرآن اختلاف ميكردند[1] (١٢٤) .

اُدْعُ اِلٰى سَبِيْلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ ۭ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ
بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهٖ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿١٢٥﴾

دعوت كن (يعنى مردمان را) بسوى راه پروردگار خويش به دانش وپندنيك ومناظره كن باايشان به طريقى كه وى نيك است هرآئينه پروردگار تودواناترست بـه كسيكـه گمـراه شـدازراه او واودانـا تراست براه يابان (١٢٥) .

وَاِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهٖ ۭ وَلَىِٕنْ
صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصّٰبِرِيْنَ ﴿١٢٦﴾

و ا گر مكافات كنيد پس مكافات كنيد به مثل آنچه باشما معامله كرده شد وا گر صبر كنيد هر آئينه آن صبر بهترست صابران را(١٢٦) .

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ
فِيْ ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُوْنَ ﴿١٢٧﴾

وشكيبائى كن و نيست شكيبائى تو مگر به توفيق خدا واندوه مخور برايشان ومباش درتنگدلى ازآنكه بد انديشى مى كنند (١٢٧) .

اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّالَّذِيْنَ هُمْ مُّحْسِنُوْنَ ﴿١٢٨﴾

هرآئينه خدا باپرهيزگاران است وباآنانكه ايشان نيكوكارانند (١٢٨) .

سُوْرَةُ الْاِسْرَاۗءِ

سوره الاسراء مكى است وآن يك صدويازده آيت ودوازده ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

سُبْحٰنَ الَّذِيْٓ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ

پاك است آنكه ببرد بنده خودرا شبى از مسجد حرام بسوى مسجد اقصى كه

---

(١) مترجم گويد يعنى يهود بحث ميكردند درشنبه طائفه اى گفتند كه خداى تعالى روزشنبه ازخلق فارغ شد پس درشنبه عبادت بايد كردوطائفه اى سكوت كردند خداى تعالى تعظيم روزشنبه باين سبب برايشان واجب گردانيد والله اعلم .

الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِیْ بٰرَكْنَا حَوْلَهٗ لِنُرِيَهٗ مِنْ اٰيٰتِنَا ؕ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ①

برکت نهادیم گرداگردآن تابنمائیمش بعض نشانه های خودهرآئینه اوست شنوابینا[1] (١) .

وَاٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ وَجَعَلْنٰهُ هُدًى لِّبَنِیْۤ اِسْرَآءِيْلَ اَلَّا تَتَّخِذُوْا مِنْ دُوْنِیْ وَكِيْلًا ؕ ②

ودادیم موسیٰ را کتاب وساختیمش هدایت بنی اسرائیل را گفتیم که نگیرید بجزمن کارسازی (٢) .

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوْحٍ ؕ اِنَّهٗ كَانَ عَبْدًا شَكُوْرًا ③

فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را بانوح (یعنی برکشتی) هرآئینه وی بودبندۀ سپاسگذار (٣) .

وَقَضَيْنَاۤ اِلٰى بَنِیْۤ اِسْرَآءِيْلَ فِى الْكِتٰبِ لَتُفْسِدُنَّ فِى الْاَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيْرًا ④

ووحی فرستادیم بسوی بنی اسرائیل درتورات که البته فساد خواهید کرد در زمین دوباروالبته طغیان خواهید کرد بسر کشی بزرگ (٤) .

فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ اُوْلٰٮهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَاۤ اُولِیْ بَاْسٍ شَدِيْدٍ فَجَاسُوْا خِلٰلَ الدِّيَارِ ؕ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُوْلًا ⑤

پس چون بیاید وعده نخستین بارازآن دو، بفرستیم برشما بندگان خودرا خداوندانِ کارزار سخت پس درآیند میان خانه ها (یعنی برای قتل ونهب) وهست وعدۀ خداشدنی[2] (٥) .

ثُمَّ رَدَدْنَا لَـكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَاَمْدَدْنٰكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنِيْنَ وَجَعَلْنٰكُمْ اَكْثَرَ نَفِيْرًا ⑥

بازدهیم شمارا غلبه برایشان وپی درپی دهیم شمارا اموال و فرزندان و سازیم شمارا بیشتر باعتبار لشکر[3] (٦) .

اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ ۗ وَاِنْ اَسَاْتُمْ فَلَهَا ؕ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِيَسٗٓــُٔوْا وُجُوْهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا

و گوئیم ا گر نیکوکاری کنید نیکوکاری کرده باشید برای خویشتن وا گر

---

(١) یعنی خدای‌تعالی درشب معراج پیش ازصعود برآسمان ها آنحضرت صلی الله علیه وسلم را بمسجد بیت المقدس رسانید .

(٢) مترجم گوید واین وعده متحقق شد بتسلیط جالوت پادشاه عمالقه .

(٣) مترجم گوید واین معنی در خلافت حضرت داوٗد ظاهرشد .

الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوْهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّلِيُتَبِّرُوْا مَا عَلَوْا تَتْبِيْرًا ⑦

بدکاری کنید پس آن بدی برای خودتان است پس چون بیاید وعدهٔ دیگر بازبفرستیم بندگان خودرا تاناخوش سازند روی های شمارا وتادرآیند بمسجد چنانچه درآمده بودند اوّل بار وتاازپاباافگنند برهرچه غالب شوند افگندنی[1] (۷) .

عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يَّرْحَمَكُمْ ۚ وَاِنْ عُدْتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكٰفِرِيْنَ حَصِيْرًا ⑧

گوئیم نزدیك است پروردگار شماازآنکه رحم کند برشما و اگر رجوع کنید به نافرمانی ما رجوع کنیم بعقوبت وساختیم دوزخ را برای کافران زندان[2] (۸) .

اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَهْدِيْ لِلَّتِيْ هِيَ اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِيْنَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا ۙ ⑨

هرآئینه این قرآن راه می نماید بخصلتی که اودرست تراست وبشارت میدهد آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند بآن که ایشانرا باشدمزد بزرگ (۹) .

وَّاَنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ⑩

واینکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت آماده کرده ایم برای ایشان عقوبت درد دهنده (۱۰) .

وَيَدْعُ الْاِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَآءَهٗ بِالْخَيْرِ ۭ وَكَانَ الْاِنْسَانُ عَجُوْلًا ⑪

ودعامیکند آدمی به بدی[3] مانند دعای وی به نیکوئی وهست آدمی شتاب کار (۱۱) .

وَجَعَلْنَا الَّيْلَ وَالنَّهَارَ اٰيَتَيْنِ فَمَحَوْنَآ اٰيَةَ الَّيْلِ وَجَعَلْنَآ اٰيَةَ

وساختیم شب و روز را دونشانه پس بی

---

(۱) مترجم گوید واین وعده متحقق شد وقتیکه حضرت یحییٰ راکشتند پس بخت نصررامسلط ساخت .

(۲) مترجم گویدایشان عود کردند بفساد وتکذیب حضرت عیسیٰ وحضرت پیغامبرجنگ کردند با اوپس خدای تعالی عود فرمودبتعذیب ایشان بقتل واسرو جزیه .

(۳) مترجم گوید یعنی درحالت تنگدلی برخود وبراولاد خود دعای بدمیکند .

النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوْا فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوْا عَدَدَ السِّنِيْنَ
وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنٰهُ تَفْصِيْلًا ﴿١٢﴾

نورساختيم نشانهٔ شب را وساختيم نشانه
روز را درخشان (سبب ديدنِ اشياء)
تاطلب كنيد فضلی را ازپروردگار خود
وتابدانيد شمارِ سال هارا وبدانيد حساب
را وهرچيزی را بيان كرديم بتفصيل (١٢).

وَكُلَّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنٰهُ طٰٓئِرَهٗ فِيْ عُنُقِهٖ وَنُخْرِجُ لَهٗ يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ كِتٰبًا يَّلْقٰىهُ مَنْشُوْرًا ﴿١٣﴾

وبهرآدمی متصل ساختيم نامه عمل اورا
بسته درگردن او وبيرون آريم برای او
روز قيامت نامه ای كه بيندآن را بازكشاده
. (١٣)

اِقْرَاْ كِتٰبَكَ كَفٰى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيْبًا ﴿١٤﴾

گوئيم بخوان نامهٔ خودرا بس است نفس
تو امروزبرتو حساب كننده (١٤) .

مَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا
وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِيْنَ حَتّٰى نَبْعَثَ
رَسُوْلًا ﴿١٥﴾

هر كه راه ياب شدجزاين نيست كه راه
ياب ميشود برای نفع خود وهركه گمراه
شد پس جزاين نيست كه گمراه ميشود
برضرر خود وبرندارد هيچ بردارنده
باردیگری را ونيستيم ماعذاب كننده
تاآنكه فرستيم پيغامبری را (١٥) .

وَاِذَآ اَرَدْنَآ اَنْ نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيْهَا فَفَسَقُوْا فِيْهَا
فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنٰهَا تَدْمِيْرًا ﴿١٦﴾

وچون خواهيم كه هلاك كنيم دهی را
می فرمائيم به سركشان آنجايعنی آنچه
خواهيم پس نافرمانی كنندآنجا پس ثابت
شود برآن ده وعدهٔ عذاب پس برهم زنيم
ايشان را برهم زدنی (١٦) .

وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْ بَعْدِ نُوْحٍ وَكَفٰى بِرَبِّكَ
بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ خَبِيْرًا بَصِيْرًا ﴿١٧﴾

وبساكس را هلاك كرديم ازطبقات
مردمان بعدنوح وبس است پروردگار تو
به گناه بندگان خود دانا بينا (١٧) .

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهٗ فِيْهَا مَا نَشَآءُ لِمَنْ نُّرِيْدُ ثُمَّ جَعَلْنَا
لَهٗ جَهَنَّمَ يَصْلٰىهَا مَذْمُوْمًا مَّدْحُوْرًا ﴿١٨﴾

هركه خواسته باشد آسودگی دنيا به
شتاب دهيم ويرا درآن جا هر چه خواهيم
هر كرا خواهيم بازمقرر كنيم برای اودوزخ
درآيدبآن نكوهيده رانده شده (١٨) .

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ
سَعْيُهُم مَّشْكُورًا ﴿١٩﴾

وهرکه بخواهد ثواب آخرت وسعی کند برای وی سعیی که لائق وی است واومسلمان باشد پس این جماعت هست سعی ایشان مقبول (١٩) .

كُلًّا نُّمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَهَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ ۚ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ
مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾

هرفرقه را پی درپی میدهیم این فرقه راوآن فرقه را زبخشش پروردگار تو ونیست بخشش پروردگار تو بازداشته شده (٢٠) .

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ
وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾

ببین چگونه برتری داده ایم بعض مردمان را بربعض[1] وهرآئینه آخرت زیاده تر بود در تمیزدرجات وبیشتر باشد در برتری دادن (٢١) .

لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا ﴿٢٢﴾

مقرر مکن باخدا معبودی دیگررا آنگاه بنشینی نکوهیدۀ بی یارمانده (٢٢) .

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ
عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا
وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾

وحکم کرد پروردگار تو که عبادت مکنید مگر فقط وی را و باپدرومادر نیکوکاری بکنید ا گر برسد نزدیك تو بکلان سالی یکی ازایشان یا هر دو پس مگوایشان را اُف وبانگ مزن برایشان وبگو باایشان سخن نیکو (٢٣) .

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾

وپست کن برای ایشان بازوی تواضع را ازجهت مهربانی وبگو ای پروردگار من ببخشای ایشان را چنانچه پرورش دادند مرا درخورد سالی (٢٤) .

رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ ۚ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ
لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾

پروردگار شما داناتراست به آنچه درضمیر شما ست ا گر باشید شایسته

---

(١) یعنی دردنیا بحد رزق وجاه .

پس هر آئینه وی هست رجوع کنندگان را آمرزنده (٢٥) .

وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰى حَقَّهٗ وَالْمِسْكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ
وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيْرًا ﴿٢٦﴾

وبده به خویشاوندان حق آن را وبه درویش وبراه گذر واسراف مکن اسراف کردنی (٢٦) .

اِنَّ الْمُبَذِّرِيْنَ كَانُوْٓا اِخْوَانَ الشَّيٰطِيْنِ ۭ وَكَانَ الشَّيْطٰنُ
لِرَبِّهٖ كَفُوْرًا ﴿٢٧﴾

هر آئینه اسراف کنندگان هستند برادران شیاطین وهست شیطان به نسبت پروردگار خودناسپاس (٢٧) .

وَاِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاۗءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ تَرْجُوْهَا
فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُوْرًا ﴿٢٨﴾

و اگر روبگردانی ازین جماعت بانتظار رزقی ازپروردگار خود که امیدوارآن باشی پس بگوایشان را سخن ملائم (٢٨) .

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُوْلَةً اِلٰى عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ
فَتَقْعُدَ مَلُوْمًا مَّحْسُوْرًا ﴿٢٩﴾

ومکن دست خودرا بسته با گردن خود ومگشای آن را تمام گشادن که آنگاه بنشینی ملامت کرده شده[1] درمانده گشته[2] (٢٩) .

اِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاۗءُ وَيَقْدِرُ ۭ اِنَّهٗ كَانَ بِعِبَادِهٖ
خَبِيْرًۢا بَصِيْرًا ﴿٣٠﴾

هرآئینه پروردگار تو می‌گشاید وتنگ میکندروزی را برای هرکه خواهد هرآئینه اوبه بندگان خود دانا بیناست (٣٠) .

وَلَا تَقْتُلُوْٓا اَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ اِمْلَاقٍ ۭ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ
وَاِيَّاكُمْ ۭ اِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْاً كَبِيْرًا ﴿٣١﴾

ومکشید اولاد خودرا ازترس تنگ دستی ما روزی میدهیم ایشان را وشمارا هرآئینه کشتنِ ایشان هست گناهی عظیم (٣١) .

وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنٰٓى اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً ۭ وَسَاۗءَ سَبِيْلًا ﴿٣٢﴾

ونزدیك مشوید به زنا هرآئینه آن بی حیائی است وبدراه است آن (٣٢) .

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِيْ حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ ۭ وَمَنْ قُتِلَ

ومکشید نفسی را که حرام ساخته است خدا مگر بحق وهرکه کشته شود به ستم

---

(١) یعنی درصورت بخل .
(٢) یعنی درصورت اسراف .

مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِف فِّي الْقَتْلِ ۖ
إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا ﴿٣٣﴾

پس داده ایم وارث اورا قوتی[١] پس باید که زیادتی نه کند درکشتن هرآئینه وی هست یاری داده شده (٣٣) .

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ
أَشُدَّهُ ۚ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ ۖ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾

ونزدیك مشوید بمال یتیم مگر به طریقی که او نیك است تاآنکه رسد به نهایت قوت خود و وفا کنید به عهد هرآئینه عهد پرسیده خواهد شدازو (٣٤) .

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۚ
ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾

وتمام کنید پیمانه را چون پیمائید وبه سنجید به ترازوی راست این بهترست ونیکوترست ازجهت عاقبت (٣٥) .

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۚ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ
أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾

ومرو پیِ چیزی که ترا دانش آن نیست هرآئینه گوش وچشم ودل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شدازو (٣٦) .

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ
الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾

ومَرو درزمین خرامان[٢] هرآئینه تو نخواهی شگافت زمین را ونرسی به کوه ها دردرازی (٣٧) .

كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

همه این خصلت هاست بدفعلی آن نزدِ پروردگار توناپسندیده (٣٨) .

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ
اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٣٩﴾

این ازآنجمله هست که وحی فرستاده است بسوی تو پروردگار تو ازعلم ومقرر مکن باخدا معبود دیگررا آنگاه انداخته شوی دردوزخ ملامت کرده شده رانده گشته (٣٩) .

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا ۚ إِنَّكُمْ
لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾

آیا برگزید شمارا پروردگار شما به پسران وخود برگزید ازفرشتگان دختران را

---

(١) یعنی حق قصاص .

(٢) یعنی متکبرانه ومغرورانه .

هرآئینه شما می گوئید سخن گران (٤٠) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِيَذَّكَّرُوْا ۭ وَمَا يَزِيْدُهُمْ اِلَّا نُفُوْرًا ﴿٤١﴾

وهر آئینه بهر نوع سخن گفتیم درین قرآن
تاپند پذیر شوند ونمی افزاید درحق
ایشان مگر رمیدن را (٤١) .

قُلْ لَّوْ كَانَ مَعَهٗٓ اٰلِهَةٌ كَمَا يَقُوْلُوْنَ اِذًا لَّابْتَغَوْا اِلٰى ذِي
الْعَرْشِ سَبِيْلًا ﴿٤٢﴾

بگوا گر می بودند باخدا معبودان دیگر
چنانکه می گویند آنگاه طلب می کردند
بسوی خداوند عرش راه منازعت را
(٤٢) .

سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يَقُوْلُوْنَ عُلُوًّا كَبِيْرًا ﴿٤٣﴾

پاك است وی وبلند ست ازآنچه می گویند
بلندی عظیم (٤٣) .

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوٰتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ ۭ وَاِنْ مِّنْ شَيْءٍ
اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهٖ وَلٰكِنْ لَّا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيْحَهُمْ ۭ اِنَّهٗ كَانَ
حَلِيْمًا غَفُوْرًا ﴿٤٤﴾

به پاکی یاد می کنند اوراآسمان های
هفت گانه وزمین وهرکه دراینهاست
ونیست هیچ چیزی مگر به پاکی یاد
میکند باستائش اوولیکن شما نمی فهمید
به پاکی یادکردن ایشانرا هرآئینه هست
اوبردبارآمرزگار (٤٤) .

وَاِذَا قَرَاْتَ الْقُرْاٰنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِيْنَ
لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُوْرًا ﴿٤٥﴾

وچون میخوانی قرآن را میسازیم درمیان
تو ودرمیان آنانکه باورنمیدارند آخرت را
پرده، پوشیده (٤٥) .

وَّجَعَلْنَا عَلٰي قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ۭ وَاِذَا
ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْاٰنِ وَحْدَهٗ وَلَّوْا عَلٰٓي اَدْبَارِهِمْ نُفُوْرًا ﴿٤٦﴾

ومی نهیم بردلهای ایشان پوششها
تانفهمندش ودرگوش های ایشان گرانی را
وچون یادکنی پروردگار خودرا درقرآن
تنها روگردان شوند برجانب پشت
خودرمیده[1] (٤٦) .

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُوْنَ بِهٖٓ اِذْ يَسْتَمِعُوْنَ اِلَيْكَ وَاِذْ هُمْ نَجْوٰٓى

مادانا تریم به چیزی که می شنوند بسبب

(١) مترجم گوید درین هر دو آیت کنایت است از عدم انتفاع ایشان بقرآن و مواعظ .

إِذْ يَقُولُ الظّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ﴿٤٧﴾

آن[1] وقتی که گوش فرامیدهند بسوی تووقتیکه ایشان رازگویان باشند وقتی که می گویند این ستم‌گاران پیروی نمی کنید مگر مردجادو شده را (٤٧) .

انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾

بنگر چگونه زدند داستان ها برای تو پس گمراه شدند پس نمی توانند راه یافتن (٤٨) .

وَقَالُوا أَءِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ
خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾

و گفتندآیاچون شویم استخوانی چند واعضـای پـوسیـده ازهـم پـاشیـده آیابرانگیخته شویم بآفرینشِ نو (٤٩) .

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾

بگوسنگ شوید یاآهن شوید (٥٠) .

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن
يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ
رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾

یـانـوعـی دیگـر شـویـدازآنچـه بـزرگ نمایددرخاطر شما پس خواهند گفت چه کسی باز پیدا کند مارا بگوکسی که آفرید شمارا اوّل بار بازپس خواهند جنبانید بسوی توسرخودرا[2] وخواهند گفت کی باشد آن بگوشاید که نزدیك باشد (٥١) .

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا
قَلِيلًا ﴿٥٢﴾

روزی که خدا بخواند شمارا پس قبول کنید خواندن اورا حمد گویان وگمان کنید که درنگ نه کرده بودید مگر اندکی (٥٢) .

وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطٰنَ يَنزَغُ
بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطٰنَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾

وبگوبندگان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی باکفار) هرآئینه شیطان نزاع می افگند میان مردمان هرآئینه شیطان هست آدمی را دشمن آشکارا (٥٣) .

---

(١) یعنی بقصد استهزاء وعیب جوئی .

(٢) یعنی ملزم خواهندشد .

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ
عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾

پروردگار شما داناترست بحال شما ا گر خواهد رحم کند شمارا وا گر خواهد عقوبت کند شمارا ونه فرستادیم ترا (یامحمد) برایشان نگاهبان[1] (٥٤) .

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ
النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾

وپروردگار تو داناست بهرکه درآسمان ها وزمین است وهرآئینه فضل دادیم بعض پیغامبران را بربعضی ودادیم داؤد را زبور (٥٥) .

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ
كَشْفَ الضُّرِّ عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾

بگوبخوانید آنان را که گمان الوهیت را دارید درحق ایشان بغیراز خدا پس نتوانند برداشتن سختی را ازشما ونه تغیردادن (٥٦) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ
كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾

آنانکه ایشان را می پرستند کافران طلب میکنند بسوی پروردگار خویش قرب را که کدام یك ازایشان نزدیك ترباشد وتوقع دارند رحمت او را و می ترسند ازعذاب اوهرآئینه هست عذاب پروردگار تو ترسناك (٥٧) .

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

ونیست هیچ دهی الآماهلاك کنندهٔ وی ایم پیش ازروزقیامت یا عذاب کننده وی ایم بعقوبت سخت هست این وعده درلوح نوشته شده (٥٨) .

وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ
وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ
بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾

وبازنداشت ماراازآنکه بفرستیم نشانه ها مگر آنکه دروغ شمرده بودند آن را پیشینیان ودادیم ثمود را شتر ماده نشانه درخشان پس کافر شدند بوی ونمی

---

(١) مترجم گوید واین کلمه پیش ازامرجهادبود .

فرستيم نشانه هارا مگر براى ترسانيدن (٥٩) .

وَاِذْ قُلْنَا لَكَ اِنَّ رَبَّكَ اَحَاطَ بِالنَّاسِ ۚ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِيْٓ اَرَيْنٰكَ
اِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُوْنَةَ فِي الْقُرْاٰنِ ۚ وَنُخَوِّفُهُمْ ۙ فَمَا يَزِيْدُهُمْ
اِلَّا طُغْيَانًا كَبِيْرًا ﴿٦٠﴾

ويادكن چون گفتيم ترا كه پروردگار تو دربرگرفته است همه مردمان را (يعنى درقدرت خود) و نه ساختيم نمايشى را كه نموديم به تو مگر امتحان مردمان را ونه ساختيم درختى را كه نفرين كرده شد درقرآن مگر امتحانى ومى ترسانيم ايشان را پس نمى افزايد ترسانيدن درحق ايشان مگر سركشى بزرگ(١) را (٦٠) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ ۭ قَالَ
ءَاَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا ﴿٦١﴾

وياد كن چون گفتيم فرشتگان را سجده كنيد براى آدم پس سجده كردند الاّ ابليس گفت آياسجده كنم كسى را كه آفريده اى از گل (٦١) .

قَالَ اَرَءَيْتَكَ هٰذَا الَّذِيْ كَرَّمْتَ عَلَيَّ ۡ لَىِٕنْ اَخَّرْتَنِ اِلٰى يَوْمِ
الْقِيٰمَةِ لَاَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهٗٓ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٦٢﴾

باز گفت آياديدى اين شخص را كه برترى داده اى برمن ا گر مهلت دهى مرا تاروزقيامت البته ازبيخ بركنم اولاد او را الاّ اندكى (٦٢) .

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاۗؤُكُمْ
جَزَاۗءً مَّوْفُوْرًا ﴿٦٣﴾

خدافرمود برو پس هركسيكه پيروى تو كند ازايشان پس دوزخ سزاى همه شمااست سزاى كامل (٦٣) .

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَاَجْلِبْ
عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ
وَعِدْهُمْ ۭ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا ﴿٦٤﴾

وازجابجنبان هركرا توانى ازايشان بآواز خود آواز كن بر ايشان توسط سواران خود وپيادگان خود وشريك شوبايشان دراموال وفرزندان ووعده ده ايشان را

---

(١) يعنى چون كافران قصه معراج شنيدند وآيت (ان شجرة الزقوم طعام الاثيم) بايشان رسيد استبعاد كردند ومحل طعن ساختند .

ووعده نمی‌دهدایشان را شیطان مگر به فریب[١] (٦٤) .

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ ۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾

هر آئینه بندگان من نیست ترا برایشان هیچ قدرتی وبس است پروردگار تو کارساز (٦٥) .

رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ ۚ
إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾

پروردگار شماآن ست که روان میکند برای شما کشتی‌ها را دردریا تا طلب معیشت کنید ازفضل او هر آئینه اوهست برشما مهربان (٦٦) .

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ ۖ
فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۚ وَكَانَ الْإِنسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾

وچون برسد بشما سختی دردریا گم شود هرکه اورا میخوانید مگر خدا پس چون خلاص ساخت شمارا بسوی خشکی روگردان شدید وهست آدمی ناسپاس (٦٧) .

أَفَأَمِنتُمْ أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ
عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾

آیا ایمن شده اید ازآنکه فروبرد شمارا به جانبی ازخشکی یابفرستد برشما باد تندی که سنگ ریزه افگند باز نیابید برای خود هیچ نجات دهنده ای(٦٨) .

أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ
عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ۙ
ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾

آیا ایمن شده اید ازآنکه بازدرآرد شمارا به دریا باردیگر پس بفرستد برشما ازجنس باد بادتندی را پس غرق گرداند شمارا بسبب آنکه کافر شدید باز نیابید برای خود هیچ مؤاخذه کننده برمابسبب آن غرق (٦٩) .

(١) مترجم گوید واین تصویر است سعی شیطان را درگمراه کردن ایشان ماخوذ ازفعل رئیس دزدان چون دهی را غارت کند برایشان نعره میزند وسواران و پیادگان خود را آواز میدهد که ازین سو بگیروازآن سوبگیر .

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلْنٰهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنٰهُمْ مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلٰى كَثِيْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيْلًا ﴿٧٠﴾

وهرآئینه بزرگ ساختیم فرزندان آدم را وبرداشتیم ایشان رادر بیابان ودردریا[١] وروزی دادیم ایشان را ازپاکیزه ها وبرتری دادیم ایشان را بربسیاری ازآنچه آفریده ایم برتری دادنی (٧٠) .

يَوْمَ نَدْعُوْا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ فَاُولٰٓئِكَ يَقْرَءُوْنَ كِتٰبَهُمْ وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ﴿٧١﴾

روزی که بخوانیم هرفرقه را باپیشوای ایشان پس هرکه داده شده نامهٔ اعمال اوبدست راستش پس آنجماعت بخوانند نامهٔ خودرا وستم کرده نه شوند مقدار یك رشته (٧١) .

وَمَنْ كَانَ فِيْ هٰذِهٖٓ اَعْمٰى فَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ اَعْمٰى وَاَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٧٢﴾

وهرکه باشد دردنیا کور[٢] وی درآخرت نیز کور است وخطا کننده تراست راه را (٧٢) .

وَاِنْ كَادُوْا لَيَفْتِنُوْنَكَ عَنِ الَّذِيٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهٗ وَاِذًا لَّاتَّخَذُوْكَ خَلِيْلًا ﴿٧٣﴾

وهرآئینه نزدیك بودند که بفریب بازدارند ترا ازآنچه وحی فرستاده ایم بسوی توتابربندی برماغیرآن را وآنگاه دوست می گرفتند ترا (٧٣) .

وَلَوْلَآ اَنْ ثَبَّتْنٰكَ لَقَدْ كِدْتَّ تَرْكَنُ اِلَيْهِمْ شَيْـًٔا قَلِيْلًا ﴿٧٤﴾

و ا گر نبودآن که ثابت داشتیم ترا نزدیك بودی که میل کنی بسوی ایشان اندك میلی (٧٤) .

اِذًا لَّاَذَقْنٰكَ ضِعْفَ الْحَيٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيْرًا ﴿٧٥﴾

آنگاه می چشانیدیم ترا دوچند عذاب زندگانی ودوچند عذاب مرگ بازنمی یافتی برای خود مددکننده برما (٧٥) .

وَاِنْ كَادُوْا لَيَسْتَفِزُّوْنَكَ مِنَ الْاَرْضِ لِيُخْرِجُوْكَ مِنْهَا وَاِذًا لَّا يَلْبَثُوْنَ خِلٰفَكَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٧٦﴾

وهرآئینه نزدیك بودند که بلغزانند ترا اززمین تاجلاوطن کنند ترا ازآنجا و آنگاه

(١) یعنی بردواب وکشتی .
(٢) یعنی حقیقت را نبیند .

نمانند پس ازتومگراندکی (٧٦) .

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِن رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾

(مانند) روش آنانکه فرستاده ایم ایشان را پیش ازتوازپیغامبران خویش ونخواهی یافت در روش ما تبدیلی را[1] (٧٧) .

أَقِمِ الصَّلَوٰةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ الَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ ۖ
إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾

برپا دارنمازرا وقت زوال آفتاب تاهنگام تاریکی شب ولازم گیرقرآن خواندن فجر هر آئینه قرآن خواندن فجر راحاضر می شوند فرشتگان (٧٨) .

وَمِنَ الَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِۦ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰٓ أَن يَبْعَثَكَ
رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿٧٩﴾

وپاره ای از شب بیدار باش پس نماز شب بخوان بآن زیاده شده برای تو، نزدیك است که برساند ترا پروردگار تو بمقامی پسندیده[2] (٧٩) .

وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنكَ سُلْطَٰنًا نَّصِيرًا ﴿٨٠﴾

وبگوای پروردگار من درآر مرا درآوردن پسندیده و بیرون آرمرا بیرون آوردن پسندیده وقرارده برای من ازنزد خود قوتی یاری دهنده[3] (٨٠) .

وَقُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَٰطِلُ ۚ إِنَّ الْبَٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾

وبگوآمد دین حق ونابودشد دین باطل هرآئینه باطل نابود شونده است (٨١) .

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۙ وَلَا يَزِيدُ
الظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾

وفرود می آریم ازقرآن آنچه وی شفا و رحمت است مسلمانان را ونمی افزاید در حق ستمگاران مگر زیان را (٨٢) .

وَإِذَآ أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنسَٰنِ أَعْرَضَ وَنَـَٔا بِجَانِبِهِۦ ۖ وَإِذَا مَسَّهُ

وچون انعام کنیم برآدمی روبگرداند و

---

(١) مترجم گویدواین معنی روزبدرمتحقق شد وجمعی که درپیٔ ایذای آن حضرت بودند مقتول (شدند وان کادوا) بجهت این گفته شدکه وقت نزول آیت قصد لغزانیدن داشتند وهنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند والله اعلم .

(٢) یعنی مقام شفاعت .

(٣) یعنی درحال اعانت کن مراچه وقت دخول درجا چه وقت خروج ازآنجا .

الشَّرُّ كَانَ يَـُٔوۡسًا ﴿٨٣﴾

پیچاند بازوی خودرا وچون رسدبوَی سختی نا امید باشد (٨٣) .

قُلۡ كُلٌّ يَّعۡمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ ؕ فَرَبُّكُمۡ اَعۡلَمُ بِمَنۡ هُوَ اَهۡدٰى سَبِيۡلًا ﴿٨٤﴾

بگوهرکسی عمل میکند به روش خود پس پروردگار شما داناترست بآنکه وی یابنده تربُوَد راه را (٨٤) .

وَيَسۡـَٔلُوۡنَكَ عَنِ الرُّوۡحِ ؕ قُلِ الرُّوۡحُ مِنۡ اَمۡرِ رَبِّىۡ وَمَاۤ اُوۡتِيۡتُمۡ مِّنَ الۡعِلۡمِ اِلَّا قَلِيۡلًا ﴿٨٥﴾

وسوال میکنند ترا ازروح بگوروح ازفرمانِ پروردگار من است وشماندداده شده ایدازعلم مگر اندکی (٨٥) .

وَلَـئِنۡ شِئۡنَا لَنَذۡهَبَنَّ بِالَّذِىۡۤ اَوۡحَيۡنَاۤ اِلَيۡكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهٖ عَلَيۡنَا وَكِيۡلًا ۙ﴿٨٦﴾

و ا گرخواهیم ببریم آنچه وحی فرستاده ایم بسوی تو بازنیابی برای خود به سبب وی برماکارسازی (٨٦) .

اِلَّا رَحۡمَةً مِّنۡ رَّبِّكَ ؕ اِنَّ فَضۡلَهٗ كَانَ عَلَيۡكَ كَبِيۡرًا ﴿٨٧﴾

لیکن باقی گذاشتمش بسبب رحمتی از جانب پروردگار توهرآئینه فضل وی برتو بزرگ است (٨٧) .

قُلْ لَّـئِنِ اجۡتَمَعَتِ الۡاِنۡسُ وَالۡجِنُّ عَلٰٓى اَنۡ يَّاۡتُوۡا بِمِثۡلِ هٰذَا الۡقُرۡاٰنِ لَا يَاۡتُوۡنَ بِمِثۡلِهٖ وَلَوۡ كَانَ بَعۡضُهُمۡ لِبَعۡضٍ ظَهِيۡرًا ﴿٨٨﴾

بگو ا گر جمع شوند آدمیان وجن برآنکه بیارند ماننداین قرآن هرگز نیارند مانند آن ا گرچه باشد بعض ایشان بعضی را مدد دهنده (٨٨) .

وَلَقَدۡ صَرَّفۡنَا لِلنَّاسِ فِىۡ هٰذَا الۡقُرۡاٰنِ مِنۡ كُلِّ مَثَلٍ فَاَبٰٓى اَكۡثَرُ النَّاسِ اِلَّا كُفُوۡرًا ﴿٨٩﴾

وهرآئینه گونا گون بیان کردیم برای مردمان درین قرآن ازهرداستانی پس قبول نه کردند بیشتر مردمان مگرناسپاسی را (٨٩) .

وَقَالُوۡا لَنۡ نُّؤۡمِنَ لَكَ حَتّٰى تَفۡجُرَ لَنَا مِنَ الۡاَرۡضِ يَنۡۢبُوۡعًا ۙ﴿٩٠﴾

و گفتند هرگز باور نداریم ترا تاآنکه جاری کنی برای ما اززمین چشمه ای (٩٠) .

اَوۡ تَكُوۡنَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنۡ نَّخِيۡلٍ وَّعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الۡاَنۡهٰرَ خِلٰلَهَا تَفۡجِيۡرًا ۙ﴿٩١﴾

یاباشد ترا بوستانی ازدرختان خرما و انگور پس روان کنی جویها درمیان آن روان کردنی (٩١) .

اَوۡ تُسۡقِطَ السَّمَآءَ كَمَا زَعَمۡتَ عَلَيۡنَا كِسَفًا اَوۡ تَاۡتِىَ بِاللّٰهِ وَالۡمَلٰٓـئِكَةِ قَبِيۡلًا ۙ﴿٩٢﴾

یافرودآری آسمان را چنان که گمان میکنی برما پاره پاره یا بیاری خدارا وفرشتگان را رو برو (٩٢) .

اَوْ يَكُوْنَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ اَوْ تَرْقٰى فِى السَّمَآءِ ۗ وَلَنْ نُّؤْمِنَ
لِرُقِيِّكَ حَتّٰى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتٰبًا نَّقْرَؤُهٗ ۗ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّىْ هَلْ
كُنْتُ اِلَّا بَشَرًا رَّسُوْلًا ﴿٩٣﴾

یاباشدترا خانه ای اززر یا بالاروی درآسمان وباورنداریم بالارفتن ترا تاآنکه فرودآری برما نوشته ای که بخوانیم آن را بگو پاك است پروردگار من نیستم من مگرآدمی فرستاده شده (٩٣) .

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوْٓا اِذْ جَآءَهُمُ الْهُدٰٓى اِلَّآ اَنْ
قَالُوْٓا اَبَعَثَ اللّٰهُ بَشَرًا رَّسُوْلًا ﴿٩٤﴾

وبازنداشت مردمان را ازآنکه ایمان آرند وقتی که آمد بایشان هدایت مگر آنکه گفتند آیا خدای تعالی آدمی را پیغامبر فرستاده است (٩٤) .

قُلْ لَّوْ كَانَ فِى الْاَرْضِ مَلٰٓئِكَةٌ يَّمْشُوْنَ مُطْمَئِنِّيْنَ لَنَزَّلْنَا
عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُوْلًا ﴿٩٥﴾

بگوا گرمی بودند درزمین فرشتگان که می رفتند بااطمینان هر آئینه پیغامبر میفرستادیم برایشان ازآسمان فرشته را (٩٥) .

قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا بَيْنِىْ وَبَيْنَكُمْ ۗ اِنَّهٗ كَانَ بِعِبَادِهٖ
خَبِيْرًا بَصِيْرًا ﴿٩٦﴾

بگوبس است خدا گواه میان من ومیان شما هرآئینه وی به بندگان خود دانای بیناست (٩٦) .

وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ
اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِهٖ ۗ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلٰى وُجُوْهِهِمْ عُمْيًا
وَّبُكْمًا وَّصُمًّا ۗ مَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۗ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنٰهُمْ سَعِيْرًا ﴿٩٧﴾

وهرکه راخدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه گمراه سازدش نیابی برای ایشان دوستان بغیرازخدا وبرانگیزیم ایشان را روزقیامت برروبهای شان، کور و گنگ وکر جای ایشان دوزخ است هرگاه فرونشیند بیفزائیم برایشان آتش را (٩٧) .

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِنَا وَقَالُوْٓا ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا
وَّرُفَاتًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ خَلْقًا جَدِيْدًا ﴿٩٨﴾

این است جزای ایشان بسبب آنکه کافر شدند به نشان های ماو گفتند آیا چون شویم استخوانی چند واعضاازهم پاشیده آیا برانگیخته شویم بآفرینش نو (٩٨) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِىْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ قَادِرٌ عَلٰٓى

آیا نه دیده اندآن خدا که آفرید آسمان ها وزمین را تواناست که بیآفریند مانند

أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ
إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾

ایشان را وساخته است برای ایشان میعادی که هیچ شبهه نیست درآن پس قبول نه کردند ستمگاران مگر انکار را (٩٩) .

قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ
خَشْيَةَ الْإِنفَاقِ ۚ وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا ﴿١٠٠﴾

بگو ا گر می‌بودید شما مالك خزانه های بخشش پروردگار مرا آنگاه نیز بخیلی میکردید بترس آنکه همه خرج کنید وهست آدمی بخل کننده (١٠٠) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسْـَٔلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ
فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را نهُ نشانهٔ روشن پس بپرس ازبنی اسرائیل چون آمد بایشان پس گفت اورا فرعون هرآئینه می پندارم ترا ای موسیٰ جادوکرده شده (١٠١) .

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ
وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾

گفت هرآئینه تودانسته ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها وزمین دلائل روشن (برصدق حق) وهرآئینه من می پندارم تراای فرعون هلاك شده (١٠٢) .

فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ جَمِيعًا ﴿١٠٣﴾

پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را ازآن سرزمین پس غرق ساختیم اورا وآنانرا که همراه اوبودند همه یکجا (١٠٣) .

وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ
وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

و گفتیم پس ازوی بنی اسرائیل را ساکن شوید درزمین پس چون بیاید وعدهٔ آخرت بیاریم شمارا همه باهم (١٠٤) .

وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾

وبراستی فروفرستادیم قرآن را وبراستی فرودآمده است ونه فرستادیم ترا مگر مژده دهنده وترساننده (١٠٥) .

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا ﴿١٠٦﴾

وقرآن را کم کم فرستادیم تابخوانی آن را برمردمان بدرنگ وبدفعات فروفرستادیم

آن را فروفرستادنی (١٠٦) .

قُلْ اٰمِنُوْا بِهٖٓ اَوْ لَا تُؤْمِنُوْا ۭ اِنَّ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٖٓ اِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾

بگوایمان آرید بآن یا ایمان نیارید هرآئینه آنانکه داده شدایشان را علم پیش ازین چون خوانده میشود برایشان می افتند برروی خود سجده کنان (١٠٧) .

وَّيَقُوْلُوْنَ سُبْحٰنَ رَبِّنَآ اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُوْلًا ﴿١٠٨﴾

و گویند پاکی پروردگار ماراست هرآئینه هست وعدهٔ پروردگار ماشدنی (١٠٨) .

وَيَخِرُّوْنَ لِلْاَذْقَانِ يَبْكُوْنَ وَيَزِيْدُهُمْ خُشُوْعًا ﴿١٠٩﴾

ومی افتند برروی خویش گریه کنان و می افزاید قرآن درایشان فروتنی را (١٠٩) .

قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ ۭ اَيًّا مَّا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاۗءُ الْحُسْنٰى ۚ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ﴿١١٠﴾

بگو بخوانید خدارا یابخوانید رحمن را هر کدام که بخوانید خوب باشد پس خدای راست نام های نیکو واین قدر بلند مخوان نماز خودرا واین قدر پست مخوان آنرا وبجوی میان این وآن را هی (١١٠) .

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيْرًا ﴿١١١﴾

وبگوستائش خدای راست که هیچ فرزند نگرفته است ونیست اورا هیچ شریکی درپادشاهی ونیست اورا هیچ کارسازی بسبب ناتوانی وبه تعظیم یادکن اوراتعظیم کردنی (١١١) .

سُوْرَةُ الْكَهْفِ

سوره کهف مکی است وآن یك صد وده آیت ودوازده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ عَلٰي عَبْدِهِ الْكِتٰبَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَّهٗ عِوَجًا ﴿١﴾

همه ستائش آن خدای راست که فروفرستاد بربندهٔ خود کتاب ونه کرد دروی هیچ کجی (١) .

قَيِّمًا لِّيُنْذِرَ بَاْسًا شَدِيْدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِيْنَ

ساخت اورا راست تابترساند ازعقوبت

الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾

سخت آینده ازنزدِ خدا و تامژده دهدآن مسلمانان را که می کنند کارهای شایسته بآنکه ایشانراست مُزدنیك (٢) .

مّٰكِثِيْنَ فِيْهِ اَبَدًا ﴿٣﴾

باشندگان دروی همیشه (٣) .

وَّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ﴿٤﴾

وتا ترساندآنان راکه گفتند خدا فرزند گرفته است (٤) .

مَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ وَّلَا لِاٰبَآئِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً
تَخْرُجُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ اِنْ يَّقُوْلُوْنَ اِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾

نیست ایشان راهیچ دانش بآن ونه پدران ایشان را بود، سخت است این سخن که برمی آید ازدهانهای ایشان نمی گویند مگردروغ (٥) .

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ اِنْ لَّمْ يُؤْمِنُوْا
بِهٰذَا الْحَدِيْثِ اَسَفًا ﴿٦﴾

پس مگر تو کشنده ای نفس خودرا درپیِ ایشان ا گر ایمان نیارند باین سخن ازروی اندوه (٦) .

اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْاَرْضِ زِيْنَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ اَيُّهُمْ
اَحْسَنُ عَمَلًا ﴿٧﴾

هرآئینه ماقرارداده ایم آنچه برروی زمین است آرایشی برای آن تاامتحان کنیم ایشان را کدام یك ازایشان نیکوتراست درعمل (٧) .

وَاِنَّا لَجٰعِلُوْنَ مَا عَلَيْهَا صَعِيْدًا جُرُزًا ﴿٨﴾

وهر آئینه ماالبته خواهیم ساخت آنچه را که برویست میدان همواربی گیاه (٨) .

اَمْ حَسِبْتَ اَنَّ اَصْحٰبَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيْمِ كَانُوْا مِنْ
اٰيٰتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾

آیاپنداشتی که اصحاب غار ونوشته[1] ازجمله نشانه های ماعجب بودند (٩) .

اِذْ اَوَى الْفِتْيَةُ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوْا رَبَّنَآ اٰتِنَا مِنْ لَّدُنْكَ
رَحْمَةً وَّهَيِّئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾

چون پناه بردند جوانانی چند بسوی غار پس گفتند ای پروردگار مابده ماراازنزدِ خود بخششی وآماده سازبرای ما راه یابی را در کار ما (١٠) .

فَضَرَبْنَا عَلٰٓى اٰذَانِهِمْ فِى الْكَهْفِ سِنِيْنَ عَدَدًا ﴿١١﴾

پس پرده گذاشتیم برگوش های ایشان

(١) یعنی نوشته که بردیوارغار .

درغار يعنى خوابانيديم سالهاى شمرده شده (١١) .

ثُمَّ بَعَثْنٰهُمْ لِنَعْلَمَ اَیُّ الْحِزْبَیْنِ اَحْصٰی لِمَا لَبِثُوْۤا اَمَدًا ﴿١٢﴾

باز برانگيختيم ايشان را تابدانيم كدام يك ازدوگروه ياددارند مقدار مدتى را كه درنگ كردند (١٢) .

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَیْكَ نَبَاَهُمْ بِالْحَقِّ ؕ اِنَّهُمْ فِتْیَةٌ اٰمَنُوْا بِرَبِّهِمْ
وَزِدْنٰهُمْ هُدًی ﴿١٣﴾

ماميخوانيم برتو خبرايشان را براستى هرآئينه ايشان جوانانى چند بودند كه ايمان آوردند به پروردگار خويش وزياده داديم ايشانرا هدايت (١٣) .

وَّرَبَطْنَا عَلٰی قُلُوْبِهِمْ اِذْ قَامُوْا فَقَالُوْا رَبُّنَا رَبُّ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ لَنْ نَّدْعُوَا۟ مِنْ دُوْنِهٖۤ اِلٰهًا لَّقَدْ قُلْنَاۤ اِذًا شَطَطًا ﴿١٤﴾

و رشته بستيم بردل هاى ايشان[1] چون ايستادند پس گفتند پروردگار ما همان پروردگار آسمان هاوزمين است هرگز نخواهيم پرستيد بجزوى معبودى را هرآئينه گفته باشيم آنگاه سخن دروغ (١٤) .

هٰۤؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اٰلِهَةً ؕ لَوْلَا یَاْتُوْنَ عَلَیْهِمْ
بِسُلْطٰنٍۭ بَیِّنٍ ؕ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلَی اللّٰهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾

اين قوم ما معبودانى گرفتند بغيرازخدا چرانمى آرند برثبوت آن خدايان دليلى واضح پس كيست ستمگارترازكسى كه بربست برخدا دروغ را (١٥) .

وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوْهُمْ وَمَا یَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗۤا اِلَی الْكَهْفِ
یَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهٖ وَیُهَیِّئْ لَكُمْ مِّنْ اَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا ﴿١٦﴾

وچون كناره گيرى كنيد اى ياران ازين كافران و ازآنچه مى پرستند ايشان بجز خدا پس پناه بريد بسوى غارتابِگُستَرَد برشما پروردگارشما ازبخشايش خود ومهيا سازد براى شما منفعت رادركارشما (١٦) .

وَتَرَی الشَّمْسَ اِذَا طَلَعَتْ تَّزٰوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْیَمِیْنِ
وَاِذَا غَرَبَتْ تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِیْ فَجْوَةٍ مِّنْهُ ؕ ذٰلِكَ

ببينى اى بيننده خورشيد را وقتى طلوع كند مايل شودازغار ايشان بجانب راست

---

(١) يعنى دل هاى ايشان رااستوارساختيم .

مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُّضْلِلْ
فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ﴿١٧﴾

وچون غروب کند تجاوز میکند ازایشان بجانب چپ وایشان درکشادگی اند از غار این ازنشانهای خداست هرکه راخداهدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه گمراه میکندش پس نیابی اورا هیچ دوست راه نماینده[1] (١٧) .

وَتَحْسَبُهُمْ اَيْقَاظًا وَّهُمْ رُقُوْدٌ ۖ وَّنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ
وَذَاتَ الشِّمَالِ ۖ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيْدِ ۭ لَوِ اطَّلَعْتَ
عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَّلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ﴿١٨﴾

وبپنداری ای بیننده ایشان را بیدارودرحالیکه ایشان خفته اند و می‌گردانیم ایشان را جانب راست و جانب چپ وسگ ایشان گشاده کرده است دودست خودرا بردهانۀ غار اگر اطلاع می‌یافتی برایشان البته رومی‌گردانیدی ازایشان بگریختن و فرامی گرفت ترا ازایشان ترس[2] (١٨) .

وَكَذٰلِكَ بَعَثْنٰهُمْ لِيَتَسَاۗءَلُوْا بَيْنَهُمْ ۭ قَالَ قَاۗىِٕلٌ مِّنْهُمْ
كَمْ لَبِثْتُمْ ۭ قَالُوْا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۭ قَالُوْا رَبُّكُمْ
اَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ ۭ فَابْعَثُوْٓا اَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هٰذِهٖٓ

وهمچنین برانگیختیم ایشان را تاعاقبت بایکدیگر سوال کنند درمیان خود گفت گوینده ای ازایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم یك روز یا بعض روز

---

(١) مترجم گوید بخاطر فاترمیرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر بلندست که سایۀ اصلی اودر تمام سال محل خفتن ایشانرا می پوشاند ودیوار شرقی وغربی آن متصل دیوار جنوبی بلند ترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سربجانب شمال پابجانب جنوب کرده خفته اند پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بردیوار غربی وبعضی صحن غار افتدوهر چند ارتفاع زیاده گرددبلندی دیوار شرقی از وصول نور بایشان مانع آید ونور جانب راست ایشان منتقل شود بجانب سرکه جهت شمال ست و دروقت استواء بجز سایۀ اصلی دیوار جنوبی نمی ماند وچون آفتاب مائل بغروب شود نور آفتاب بردیوار شرقی افتدوآهسته برسر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان ست .

(٢) مترجم گوید وچنانکه خفتن ایشانرا نشانه ساختیم .

إِلَى الْمَدِيْنَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَآ أَزْكٰى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ
مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾

باز گفتند پروردگار شما دانا ترست بمقدار درنگ کردن شما پس بفرستیدیکی را ازمیانِ خود باین نقرهٔ خود بسوی شهر پس باید که تأمل کند کدام یك ازاطعمهٔ این شهر پاکیزه ترست پس بیارد به شما قُوتی ازآن وباید که به هوشیاری آمد و رفت کند وخبردار نکندبحال شما هیچکس را (۱۹) .

إِنَّهُمْ إِنْ يَّظْهَرُوْا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوْكُمْ أَوْ يُعِيْدُوْكُمْ
فِيْ مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوْٓا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾

هرآئینه این کافران اگر قدرت یابند برشما سنگسار کنند شمارا یا باز آرند شمارا دردین خود و رستگار نخواهید شدآنگاه هرگز (۲۰) .

وَكَذٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوْٓا أَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ
وَّأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيْهَا ۚ إِذْ يَتَنَازَعُوْنَ
بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوْا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا ۖ رَبُّهُمْ
أَعْلَمُ بِهِمْ ۚ قَالَ الَّذِيْنَ غَلَبُوْا عَلٰٓى أَمْرِهِمْ
لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَّسْجِدًا ﴿٢١﴾

وهم چنین خبردار گردانیدیم مردمان را بحال ایشان تابدانند که وعدهٔ خدا راست است وآنکه قیامت هیچ شبهه نیست درآن وقتیکه نزاع میکردند آنمردمان درمیان خود دربارهٔ ایشان پس گفتند بسازید برغار ایشان خانهٔ، پروردگار ایشان دانا تراست بحال ایشان گفتند آنانکه قدرت یافتند برمقدمه ایشان البته بسازیم برغارایشان مسجدی (۲۱) .

سَيَقُوْلُوْنَ ثَلٰثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ وَيَقُوْلُوْنَ خَمْسَةٌ
سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۚ وَيَقُوْلُوْنَ سَبْعَةٌ وَّثَامِنُهُمْ
كَلْبُهُمْ ۚ قُلْ رَّبِّيْٓ أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيْلٌ ۬ۥ
فَلَا تُمَارِ فِيْهِمْ إِلَّا مِرَآءً ظَاهِرًا ۠ وَّلَا تَسْتَفْتِ
فِيْهِمْ مِّنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾

جمعی خواهند گفت اصحاب کهف سه کس اندوچهارم ایشان سگ ایشان ست وجمعی خواهند گفت که پنج کس اند ششم ایشان سگ ایشانست بخیال غائبانه ونیزمی گویند هفت کس اندوهشتمِ ایشان سگ ایشانست بگوپروردگار من دانا ترست به شمارایشان نه میداند ایشان را مگراندکی پس گفتگو مکن دربارهٔ ایشان

مگر گفتگوی سرسری وسوال مکن درباب ایشان هیچ کس رااز کافران (٢٢).

وَلَا تَقُوْلَنَّ لِشَایْءٍ اِنِّیْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾

ومگوهیچ چیزی را که من البته خواهم کرد آن را فردا (٢٣).

اِلَّآ اَنْ یَّشَآءَ اللّٰهُ ۫ وَاذْكُرْ رَّبَّكَ اِذَا نَسِیْتَ وَقُلْ عَسٰٓی اَنْ یَّهْدِیَنِ رَبِّیْ لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾

مگر مقرون به ذکر مشیت خدا[1] ویاد کن پروردگار خودرا وقتیکه فراموش کنی[2] و بگو توقع است که دلالت کند مرا پروردگار من براهی نزدیك ترباعتبار راستی ازآنچه کافران میگویند (٢٤).

وَلَبِثُوْا فِیْ كَهْفِهِمْ ثَلٰثَ مِائَةٍ سِنِیْنَ وَازْدَادُوْا تِسْعًا ﴿٢٥﴾

ودرنگ کردند درغار خود سه صدسال و افزودند نُه سال دیگر (٢٥).

قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوْا ۚ لَهٗ غَیْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ اَبْصِرْ بِهٖ وَاَسْمِعْ ۭ مَا لَهُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِیٍّ ۡ وَّلَا یُشْرِكُ فِیْ حُكْمِهٖٓ اَحَدًا ﴿٢٦﴾

بگوخدا دانا تراست بمقداری که درنگ کردند اوراست علم غیب آسمان هاوزمین چه قدر بیناست وچه قدر شنواست نیست ایشانرا بجزوی هیچ کارسازی وشریك نمی گیرد درحکم خود هیچکس را (٢٦).

وَاتْلُ مَآ اُوْحِیَ اِلَیْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ ۚ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهٖ ۚ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾

وبخوان آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب پروردگار توهیچ کس تبدیل کننده نیست حکم های وی را وهرگز نه یابی بجزوی هیچ پناهی (٢٧).

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیْدُوْنَ وَجْهَهٗ وَلَا تَعْدُ عَیْنٰكَ عَنْهُمْ ۚ تُرِیْدُ زِیْنَةَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا ۚ وَلَا تُطِعْ مَنْ اَغْفَلْنَا

وبندکن خودرا باآنانکه یادمیکنند پروردگار خودرا به صبح و شام میخواهند رضای اورا وباید که درنگذرد چشم های توازایشان طلب کنان آرائش

(١) یعنی بگوخواهم کرد إن شاءالله تعالی.
(٢) یعنی بازمتنبه شوی.

قَلْبَهٗ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ وَكَانَ اَمْرُهٗ فُرُطًا ﴿٢٨﴾

زندگانی دنیارا وفرمان مبرآن را که غافل ساخته ایم دل اورا ازیاد خویش وپیروی کرده است خواهش خودرا وهست کارِ او ازحد گذشته (٢٨) .

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ شَآءَ فَلْيُؤْمِنْ وَّمَنْ شَآءَ
فَلْيَكْفُرْ اِنَّآ اَعْتَدْنَا لِلظّٰلِمِيْنَ نَارًا اَحَاطَ بِهِمْ
سُرَادِقُهَا وَاِنْ يَّسْتَغِيْثُوْا يُغَاثُوْا بِمَآءٍ كَالْمُهْلِ
يَشْوِي الْوُجُوْهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢٩﴾

وبگو این سخن راست ست آمده ازپروردگار شماپس هرکه خواهد ایمان آورد وهر که خواهد کافر شود هرآئینه ما مهیا کرده ایم برای ستمگاران آتشی را که درگیرد بایشان سراپرده های آن و اگر فریاد کنند به دادایشان رسیده شود به نوشانیدن آبی ماننمس گداخته بریان کند چهره ها را،آن بدآشامیدنی است ودوزخ بدآرام گاهیست (٢٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ اِنَّا لَا نُضِيْعُ اَجْرَ مَنْ
اَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٣٠﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند هرآئینه ماضائع نکنیم مزد کسی که نیکوکرده است کاررا (٣٠) .

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهٰرُ
يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّيَلْبَسُوْنَ ثِيَابًا
خُضْرًا مِّنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِـِٔيْنَ فِيْهَا عَلَى
الْاَرَآئِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٣١﴾

این جماعت ایشان راست بوستا نهای همیشه ماندن می رود زیرایشان نهرها زیورداده شوند آنجا دست بندها اززر ومی پوشند جامه های سبز از دیبای نازك ودیبای ضخیم تکیه کنان آنجا برتخت ها این نیك جزاست وبهشت نیکوآرام گاهیست (٣١) .

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِاَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ
مِنْ اَعْنَابٍ وَّحَفَفْنٰهُمَا بِنَخْلٍ وَّجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿٣٢﴾

وبیان کن برای ایشان داستان دوشخص که دادیم به یکی ازایشان دوبوستان ازدرختانِ انگور وگردا گردآن پیدا کردیم درختان خرما وپیدا کردیم درمیان این بوستانها زراعت را (٣٢) .

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ اٰتَتْ اُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِّنْهُ شَيْـًٔا وَّفَجَّرْنَا

هردوبوستان آوردند میوه های خودوهیچ

خِلٰلَهُمَا نَهَرًا ۙ (٣٣)

کم نه کرد ازمیوه و جاری ساختیم میان آنها جوی آب (٣٣) .

وَّكَانَ لَهٗ ثَمَرٌ ۚ فَقَالَ لِصَاحِبِهٖ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗۤ اَنَا اَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَّاَعَزُّ نَفَرًا (٣٤)

و بود او را میوه های بسیارپس گفت هم نشین خود را و او گفتگو میکرد بآن هم نشین من بیشترم ازتودرمال وغالبترم باعتبار حَشَم (٣٤) .

وَدَخَلَ جَنَّتَهٗ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ ۚ قَالَ مَاۤ اَظُنُّ اَنْ تَبِيْدَ هٰذِهٖۤ اَبَدًا ۙ (٣٥)

ودرآمد به بوستان خود ستم کرده برخویش گفت نمی پندارم که هلاك شوداین بوستان هیچ گاه (٣٥) .

وَّمَاۤ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً ۙ وَّلَئِنْ رُّدِدْتُّ اِلٰى رَبِّيْ لَاَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا (٣٦)

و گمان ندارم که قیامت متحقق شود و بالفرض ا گر باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خودهرآئینه خواهم یافت باز گشتی بهترازین بوستانها (٣٦) .

قَالَ لَهٗ صَاحِبُهٗ وَهُوَ يُحَاوِرُهٗۤ اَكَفَرْتَ بِالَّذِيْ خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوّٰىكَ رَجُلًا ؕ (٣٧)

گفت اوراهم نشین اوواو گفتگو میکردباوی آیاکافرشدی بآن خدای که پیدا کرد تراازخاك بازاز نطفه بازترا مرد ساخت (٣٧) .

لٰكِنَّا۠ هُوَ اللّٰهُ رَبِّيْ وَلَاۤ اُشْرِكُ بِرَبِّيْۤ اَحَدًا (٣٨)

لیکن من اعتقاد دارم که خدا پروردگارمن ست وشریك مقررنمی کنم باپروردگار خود هیچکس را (٣٨) .

وَلَوْلَاۤ اِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَآءَ اللّٰهُ ۙ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ۚ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَّوَلَدًا ۚ (٣٩)

وچون درآمدی به بوستان خود چرانه گفتی آنچه خداخواسته است شدنیست، نیست هیچ توانائی مگر بمشیت خدا ا گر می بینی مراکم ترازتوام درمال و فرزند (٣٩) .

فَعَسٰى رَبِّيْۤ اَنْ يُّؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَآءِ فَتُصْبِحَ صَعِيْدًا زَلَقًا ۙ (٤٠)

پس شاید که پروردگار من بدهد مرا بهترازبوستان تو وشاید که فرستد بربوستانِ توعذابی ازآسمان پس گردد زمین بی گیاه لغزاندهٔ پا (٤٠) .

اَوْ یُصْبِحَ مَآؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِیْعَ لَهٗ طَلَبًا ﴿٤١﴾

یاشود آب او فرورفته پس هرگز نه توانی آن راجُستن (٤١) .

وَاُحِیْطَ بِثَمَرِهٖ فَاَصْبَحَ یُقَلِّبُ کَفَّیْهِ عَلٰی مَآ اَنْفَقَ فِیْهَا
وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلٰی عُرُوْشِهَا وَیَقُوْلُ یٰلَیْتَنِیْ
لَمْ اُشْرِكْ بِرَبِّیْٓ اَحَدًا ﴿٤٢﴾

وبعقوبت احاطه کرده شد میوه های او پس بامداد کرد می مالید دودست خودرا بحسرت برآنچه خرج کرد در عمارت آن وآن بوستان افتاده برسِقفهای خود و می گفت ای کاش شریك مقرر نمی کردم با پروردگار خود هیچکس را (٤٢) .

وَلَمْ تَکُنْ لَّهٗ فِئَةٌ یَّنْصُرُوْنَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ
وَمَا کَانَ مُنْتَصِرًا ﴿٤٣﴾

ونه بود اورا هیچ جماعتی که یاری دهندش بجزخدا ونه بود خود پیروزمند (٤٣) .

هُنَالِكَ الْوَلَایَةُ لِلّٰهِ الْحَقِّ هُوَ خَیْرٌ ثَوَابًا
وَّخَیْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾

اینجاثابت شدکه کارسازی برای خدای حق است وی بهتراست ازروی ثواب دادن ووی بهتر است ازروی جزادادن (٤٤) .

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا کَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ
مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ
هَشِیْمًا تَذْرُوْهُ الرِّیٰحُ وَکَانَ اللّٰهُ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ
مُّقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾

وبیان کن برای ایشان داستان زندگانی دنیا که وی مانند آبی ست که فروفرستاد یمش ازآسمان پس درهم پیچید بسبب وی رستنی زمین پس شدآخرکار درهم شکسته می پرانیدش بادهاو هست خدا برهمه چیز توانا (٤٥) .

اَلْمَالُ وَ الْبَنُوْنَ زِیْنَةُ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا وَالْبٰقِیٰتُ
الصّٰلِحٰتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَّخَیْرٌ اَمَلًا ﴿٤٦﴾

مال وفرزندان آرایش زندگانی دنیاست وحسناتِ پاینده شایسته بهتراند نزدِ پروردگارتو ازجهت ثواب و خوب تراندازجهت امیدداشتن (٤٦) .

وَیَوْمَ نُسَیِّرُ الْجِبَالَ وَ تَرَی الْاَرْضَ بَارِزَةً وَّحَشَرْنٰهُمْ
فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ اَحَدًا ﴿٤٧﴾

وآن روزکه روان کنیم کوه هارا و ببینی زمین را نمایان و جمع سازیم مردمان راپس نه گذاریم ازایشان هیچ کس را (٤٧) .

وَعُرِضُوْا عَلٰی رَبِّكَ صَفًّا ؕ لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا كَمَا خَلَقْنٰكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍۭ ؗ بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَّجْعَلَ لَكُمْ مَّوْعِدًا ﴿۴۸﴾

وروبروآورده شوند پیش پروردگار توصف کشیده گوئیم هرآئینه آمدید پیش ماچنانکه آفریده بودیم شمارااوّل بار بلکه می پنداشتید که نه خواهیم ساخت برای شماوعده گاهی (۴۸) .

وَوُضِعَ الْكِتٰبُ فَتَرَى الْمُجْرِمِیْنَ مُشْفِقِیْنَ مِمَّا فِیْهِ وَ یَقُوْلُوْنَ یٰوَیْلَتَنَا مَالِ هٰذَا الْكِتٰبِ لَا یُغَادِرُ صَغِیْرَةً وَّلَا كَبِیْرَةً اِلَّاۤ اَحْصٰىهَا ۚ وَوَجَدُوْا مَا عَمِلُوْا حَاضِرًا ؕ وَلَا یَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ﴿۴۹﴾

ودرمیان نهاده شودنامۀ اعمال پس به بینی گناه گاران را ترسان ازآنچه درآن ست ومی گویند ای وای برماچه حال است این نامه رانمی گذارد هیچ معصیت خوردرا ونه بزرگ را مگراحاطه کرده است آن را و بیان هرچه کرده بودند حاضر وستم نکند پروردگارتو برهیچکس (۴۹) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤا اِلَّاۤ اِبْلِیْسَ ؕ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖ ؕ اَفَتَتَّخِذُوْنَهٗ وَذُرِّیَّتَهٗۤ اَوْلِیَآءَ مِنْ دُوْنِیْ وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ ؕ بِئْسَ لِلظّٰلِمِیْنَ بَدَلًا ﴿۵۰﴾

ویادکن چون گفتیم به فرشتگان سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بودازجن پس بیرون شداازفرمان پروردگار خود ای مردمان آیا دوست می گیرید اوراوفرزندان اورابجزمن وایشان شمارا دشمن اند، شیطان بدعوض ست ستمگاران را (۵۰) .

مَاۤ اَشْهَدْتُّهُمْ خَلْقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَا خَلْقَ اَنْفُسِهِمْ ۪ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّیْنَ عَضُدًا ﴿۵۱﴾

حاضر نکرده بودم ایشانرا وقت آفریدن آسمان ها وزمین ونه وقت آفریدن خودایشان ونیستم مددگار گیرندۀ گمراهان را (۵۱) .

وَیَوْمَ یَقُوْلُ نَادُوْا شُرَكَآءِیَ الَّذِیْنَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ یَسْتَجِیْبُوْا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَیْنَهُمْ مَّوْبِقًا ﴿۵۲﴾

وروزی که گوید خدای تعالی ای مشرکان نداکنید شریکان مراکه گمان می‌نمودید پس نداکنند آنجماعت را وآن جماعت قبول نکنند ندای ایشان راوساختیم درمیان ایشان مهلکه (۵۲) .

وَرَاَ الْمُجْرِمُوْنَ النَّارَ فَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ مُّوَاقِعُوْهَا وَلَمْ يَجِدُوْا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾

[1] وبه بينند گناهگاران آتش را وبفهمند كه ايشان افتاد گانند دروى ونه يابندازآن جاى باز گشتن (٥٣) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۭ وَكَانَ الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾

وهرآئينه گونا گون بيان كرديم درين قرآن براى مردمان هر نوع داستان وهست آدمى بيشترازهمه چيزدرخصومت (٥٤) .

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوْٓا اِذْ جَاۗءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوْا رَبَّهُمْ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾

وبازنداشت مردمان رااازآنكه ايمان آرند چون بيامد بايشان هدايت وازآنكه طلب آمرزش كنند ازپروردگار خود مگربانتظار آنكه بيايد بايشان روش پيشينيان يابيايد بايشان عقوبت گونا گون (٥٥) .

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ وَمُنْذِرِيْنَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَمَآ اُنْذِرُوْا هُزُوًا ﴿٥٦﴾

ونمى فرستيم پيغمبران را مگربشارت دهنده وترساننده وخصومت ميكنند كافران به شبهه بيهوده تابلغزانند بسبب آن سخن حق را وبه تمسخر گرفتند آيات مراوچيزى را كه بآن ترسانيده شوند (٥٦) .

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ ۭ اِنَّا جَعَلْنَا عَلٰي قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ۭ وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْٓا اِذًا اَبَدًا ﴿٥٧﴾

وكيست ستمگارترازكسى كه پندداده شدبآيات پروردگار خويش پس روگردان گشت ازآن وفراموش بكرد آنچه پيش فرستاده است دودستِ وى هرآئينه ماساخته ايم بردل هاى ايشان پردها تا نه فهمندقرآن را وساختيم درگوشهاى ايشان گرانى وا گر بخوانى ايشان را بسوى هدايت راه نه يابند آنگاه هرگز (٥٧) .

وَرَبُّكَ الْغَفُوْرُ ذُو الرَّحْمَةِ ۭ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوْا

وپروردگار تو آمرزنده صاحب رحمت است ا گر مؤاخذه كردى ايشان را بآنچه

---

(١) يعنى وادى ازواديهاى دوزخ تايكى بديگرى نتواند رسيد .

لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ يَّجِدُوْا
مِنْ دُوْنِهٖ مَوْئِلًا ۝٥٨

کرده اندبه شتاب فرستادی بدیشان عقوبت را بلکه ایشان را میعادی هست که هرگز نه یابند غیر ازآن پناهی (٥٨) .

وَتِلْكَ الْقُرٰٓى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا ۝٥٩

وآن دِهها راهلاك کردیم چون ستم کردند ومعین کردیم برای هلاك ایشان میعادی (٥٩) .

وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَآ اَبْرَحُ حَتّٰٓى اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ
اَوْ اَمْضِيَ حُقُبًا ۝٦٠

ویادکن چون گفت موسیٰ نوجوان خودرا همیشه راه میروم تاآنکه برسم بمحل جمع شدن دودریا یابروم مدت های دراز (٦٠) .

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوْتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ
فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝٦١

پس چون رسیدند به محل جمع شدن دودریا فراموش کردند ماهی خودرا پس راه خودگرفت دردریا شگافان(٦١) .

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتٰىهُ اٰتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِيْنَا مِنْ سَفَرِنَا
هٰذَا نَصَبًا ۝٦٢

پس چون گذشتند گفت موسیٰ نوجوان خودرا بیار برای ماطعام چاشت ماراهرآئینه رنج یافتیم ازین سفر خود (٦٢) .

قَالَ اَرَءَيْتَ اِذْ اَوَيْنَآ اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّيْ نَسِيْتُ الْحُوْتَ
وَمَآ اَنْسٰىنِيْهُ اِلَّا الشَّيْطٰنُ اَنْ اَذْكُرَهٗ وَاتَّخَذَ سَبِيْلَهٗ
فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ۝٦٣

گفت آیادیدی چون آرام گرفتیم تکیه کرده بآن سنگ پس من فراموش کردم ماهی را (یعنی آنجا) وفراموش نساخت مراازآنکه یادکنم قصه آن مگر شیطان وراه خود گرفت دردریا بنهج عجیبی (٦٣) .

قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلٰٓى اٰثَارِهِمَا قَصَصًا ۝٦٤

گفت موسیٰ این بود آنچه می جستیم پس باز گشتند برنشان اقدام خود جستجو کنان (٦٤) .

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَآ اٰتَيْنٰهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنٰهُ
مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا ۝٦٥

پس یافتند بنده ای را ازبندگان ما که دادیم اورارحمتی ازنزدِ خودوآموختیم اوراازنزدِ خود علمی[1] (٦٥) .

قَالَ لَهٗ مُوْسٰى هَلْ اَتَّبِعُكَ عَلٰٓى اَنْ تُعَلِّمَنِ

گفت اورا موسیٰ آیاپیروی توکنم به شرط

(١) یعنی خضررایافتند .

مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾

آنكه بیاموزانی مرا ازآنچه آموخته شدی ازراه یابی (٦٦) .

قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٦٧﴾

گفت هرآئینه تونه توانی بامن شکیبائی کردن (٦٧) .

وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾

وچگونه شکیبائی کنی برچیزیکه درنگرفته ای آنراازروی دانش (٦٨) .

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾

گفت خواهی یافت مرا شکیبا ا گر خداخواسته است وخلاف نکنم باتو درهیچ فرمانی (٦٩) .

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ
لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾

گفت پس ا گر پیروی من می کنی پس سوال مکن ازمن ازهیچ چیز تاآنکه خود آغازم برای توازحال آن بیانی (٧٠) .

فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا
لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾

پس راه رفتند تاوقتی که چون سوار شدند برکشتی خضر شگافت آنرا گفت موسیٰ آیا شگافتی کشتی را تاغرق کنی اهل آن را هرآئینه آوردی چیزی عظیم را (٧١) .

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾

گفت آیانه گفته بودم که تونتوانی بامن شکیبائی کردن (٧٢) .

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي
عُسْرًا ﴿٧٣﴾

گفت موسیٰ مؤاخذه مکن مرا بآنچه فراموش کردم وبرسرمن میندازدرمقدمه من سختی را (٧٣) .

فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ
نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُّكْرًا ﴿٧٤﴾

پس راه رفتند تاوقتی که برخوردند با نوجوانی پس خضر بکشت اورا گفت موسیٰ آیا کشتی نفس پاك را بغیر قصاص نفسی هرآئینه آوردی چیزی ناپسندیده را (٧٤) .

قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾

گفت آیا نه گفته بودم باتوکه هرآئینه
تونتوانی بامن شکیبائی کردن (٧٥) .

قَالَ اِنْ سَاَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍۭ بَعْدَهَا فَلَا تُصٰحِبْنِيْ ۚ قَدْ بَلَغْتَ
مِنْ لَّدُنِّيْ عُذْرًا ﴿٧٦﴾

گفت موسیٰ ا گربپرسم ترا ازچیزی بعد
ازین پس صحبت مکن بامن هرآئینه
رسیدی ازجانب من بحد عذر (٧٦) .

فَانْطَلَقَا ٚ حَتّٰۤى اِذَاۤ اَتَيَاۤ اَهْلَ قَرْيَةِ ِۨ اسْتَطْعَمَاۤ اَهْلَهَا فَاَبَوْا اَنْ
يُّضَيِّفُوْهُمَا فَوَجَدَا فِيْهَا جِدَارًا يُّرِيْدُ اَنْ يَّنْقَضَّ
فَاَقَامَهٗ ۗ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ اَجْرًا ﴿٧٧﴾

پس راه رفتند تاوقتیکه آمدند باهل دهی
طعام طلب کردند ازاهل آن دیهی پس
قبول ننمودند اهل دیه که مهمانی کنند
ایشان را پس یافتند درآنجا دیواری که
میخواست بیفتد پس راست ساخت آنرا
گفت موسیٰ ا گرمیخواستی هرآئینه می
گرفتی برتعمیر این دیوار مزدی (٧٧) .

قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَيْنِيْ وَبَيْنِكَ ۚ سَاُنَبِّئُكَ بِتَاْوِيْلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ
عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾

گفت اینست جدائی درمیان من وتو
خبرخواهم داد ترا بآنچه نتوانستی بران
شکیبائی کردن (٧٨) .

اَمَّا السَّفِيْنَةُ فَكَانَتْ لِمَسٰكِيْنَ يَعْمَلُوْنَ فِي الْبَحْرِ فَاَرَدْتُّ
اَنْ اَعِيْبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُمْ مَّلِكٌ يَّاْخُذُ كُلَّ سَفِيْنَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾

امّاکشتی پس بود ازآن درویشان چند که
کار می کردند دردریا پس خواستم که
معیوب کنم آنراوبودپیش روی ایشان
یادشاهی که می گرفت هر کشتی درست
را به زبردستی (٧٩) .

وَاَمَّا الْغُلٰمُ فَكَانَ اَبَوٰهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِيْنَاۤ اَنْ يُّرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا
وَّكُفْرًا ۚ ﴿٨٠﴾

واما آن نوجوان پس بودند پدرو ما در
وی مسلمان پس ترسیدیم ازآن که غالب
آید برایشان در سرکشی وکفر (٨٠) .

فَاَرَدْنَاۤ اَنْ يُّبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكٰوةً وَّاَقْرَبَ رُحْمًا ﴿٨١﴾

پس خواستیم که عوض دهدایشان را
پرورد گارایشان بهتر ازوی ازروی
پاکیزگی و نزدیك ترازجهت شفقت (٨١).

وَاَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلٰمَيْنِ يَتِيْمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ
تَحْتَهٗ كَنْزٌ لَّهُمَا وَكَانَ اَبُوْهُمَا صَالِحًا ۚ فَاَرَادَ رَبُّكَ اَنْ يَّبْلُغَاۤ

واما آن دیوار پس بود ازدونوجوان یتیم
درشهر وبود زیرآن گنجی ازایشان وبود
پدرایشان نیکوکار پس خواست پرورد گار

أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ
عَنْ أَمْرِي ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾

توكه اين نوجوانان برسند نهايت قوت خويش وبرآرند گنج خودرا ازروى مهربانى از پرورد گارتو و نكردم آن را ازراى خود اينست سِرِّ آنچه نتوانستى برآن شكيبائى كردن (٨٢) .

وَيَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

وسوال مى كنند تراز ذوالقرنين بگوخواهم خواند برشما ازحال وى خبرى (٨٣) .

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾

هرآئينه مادسترسى داديم اورا درزمين وداديم اورا از هرچيزوسيله اى (٨٤) .

فَأَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾

پس درپى وسيله اى افتاد[1] (٨٥) .

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ
وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن
تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٦﴾

تاآنكه رسيد بمحل فرورفتن آفتاب دريافت آنراكه فرومى رود درچشمه گل ولاى ويافت نزديك آن چشمه گروهى را گفتيم اى ذوالقرنين اختيار بدست تست يا اينست كه عقوبت كنى يابگيرى درميان ايشان معامله نيكو[2] (٨٦) .

قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ
عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨٧﴾

گفت أما كسيكه ستم كرد پس عذاب خواهيم كرد او را بازگردانيده شود بسوى پرورد گار خويش پس عذاب كند اورا عذاب سخت (٨٧) .

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ
مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿٨٨﴾

واماآنكه ايمان آورد وكارشائسته كردپس اوراست پاداش نيكو وخواهيم گفت درباب اواز مقدمهٔ خويش سخن آسانى (٨٨) .

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٩﴾

بازدرپئ وسيله اى افتاد (٨٩) .

---

(١) يعنى بحسب نظرمردمان .

(٢) مترجم گويد واين كنايت است ازقدرتِ اوبرين دوكار .

حَتّٰۤى اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ
لَّهُمْ مِّنْ دُوْنِهَا سِتْرًا ﴿٩٠﴾

تاوقتیکه چون رسید بمحل برآمدن آفتاب یافت که آن برمی آید برگروهی که نساخته ایم برای ایشان این طرف ازآفتاب هیچ پرده (٩٠) .

كَذٰلِكَ ۚ وَقَدْ اَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩١﴾

چنین بود قصه وهرآئینه درگرفته ایم بآنچه نزدیك وی بود از روی خبرداری (٩١).

ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٩٢﴾

بازدرپئ وسیله ای افتاد (٩٢) .

حَتّٰۤى اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمَا قَوْمًا ۙ لَّا يَكَادُوْنَ
يَفْقَهُوْنَ قَوْلًا ﴿٩٣﴾

تاوقتیکه چون رسید درمیان سَدّین یافت این جانب سَدّین گروهی را که نزدیك نیستند ازآنکه بفهمند سخنی (٩٣) .

قَالُوْا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّ يَاْجُوْجَ وَمَاْجُوْجَ مُفْسِدُوْنَ فِى
الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰۤى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا
وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٤﴾

گفتند این گروه ای ذوالقرنین هرآئینه یاجوج وماجوج فساد کنند گانند درزمین پس آیا مقرر کنیم برای توباجی بشرط آنکه بسازی درمیان ما وایشان سدّی (٩٤).

قَالَ مَا مَكَّنِّىْ فِيْهِ رَبِّىْ خَيْرٌ فَاَعِيْنُوْنِىْ بِقُوَّةٍ اَجْعَلْ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٥﴾

گفت آنچه دسترسی داده است مرا درآن پرورد گار من بهتر است پس مدد کنید مرا بزور بازو تابسازم میان شماو ایشان حجابی محکم (٩٥) .

اٰتُوْنِىْ زُبَرَ الْحَدِيْدِ ۗ حَتّٰۤى اِذَا سَاوٰى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوْا ۗ
حَتّٰۤى اِذَا جَعَلَهٗ نَارًا ۙ قَالَ اٰتُوْنِىْۤ اُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾

بیارید پیش من پاره های آهن تاوقتیکه چون برابر ساخت مابین آن دوکوه گفت آتش بدمید تاآنکه چون آتش ساخت آن آهن را گفت بیارید پیش من تابریزم بالای این روئین گداخته را (٩٦) .

فَمَا اسْطَاعُوْۤا اَنْ يَّظْهَرُوْهُ وَمَا اسْتَطَاعُوْا لَهٗ نَقْبًا ﴿٩٧﴾

پس نتوانستند یاجوج ماجوج که بالاروندبرآن ونتوانستند اورا سوراخ کردن (٩٧) .

قَالَ هٰذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَّبِّىْ ۚ فَاِذَا جَاۤءَ وَعْدُ رَبِّىْ جَعَلَهٗ دَكَّاۤءَ ۚ
وَكَانَ وَعْدُ رَبِّىْ حَقًّا ﴿٩٨﴾

گفت این صنعت نعمتی ست ازپروردگار من پس چون بیاید وعدهٔ پروردگار

من[١] كند آنرا هموار وهست وعدهٔ
پروردگار من راست (٩٨) .

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ
فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾

وبگذاريم بعض ايشان را آن روزكه درهم آميزنددربعض ديگر ودميده شود درصور پس بهم آريم ايشان را بهم آوردن (٩٩) .

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾

و روبروآريم دوزخ را آن روزپيش كافران روبرو آوردن (١٠٠) .

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا
لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿١٠١﴾

آنانكه بود چشم هاى ايشان درپرده ازيادمن ونمى توانستند سخن شنيدن (١٠١) .

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ
دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾

(يعنى ازشدت بغض) آياپنداشتند كافران كه دوست گرفتن ايشان بند گان مرا بجزمن موجب عقوبت نباشد هرآئينه ما آماده ساختيم دوزخ رابراى كافران جاى فرودآمدن (١٠٢) .

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾

بگوآيا خبر دهيم شمارا بآنانكه زيانكار ترين مردم اند از روى عمل (١٠٣) .

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ
أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾

اينجماعت آنانند كه‌گم شد سعى ايشان در زند گانى دنيا وايشان گمان مى كنند كه نيكوكارى مى كنند درعمل (١٠٤) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ
أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿١٠٥﴾

اين جماعت آنانندكه كافر شدند بآيات پروردگار خويش وبملاقات اوپس نابود شد اعمال ايشان پس برپانخواهيم ساخت براى ايشان روزقيامت هيچ وزنى[٢] (١٠٥) .

---

(١) يعنى نزديك شود قيامت .

(٢) مترجم گويد واين كنايت ست ازخوارى وبى قدرى .

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوٓا اٰيٰتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿١٠٦﴾

جزای ایشان دوزخ باشد بسبب آنکه کافر
شدند وگرفتند آیات مرا و پیغامبران مرا
به تمسخر (١٠٦) .

اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنّٰتُ
الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای
شائسته کردند باشدایشان را بوستا نهای
بهشت جای مهمانی (١٠٧) .

خٰلِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾

آنجاجاویدان باشند نه طلبند ازآنجا
بازگشتن (١٠٨) .

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمٰتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفَدَ
كَلِمٰتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهٖ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

بگو اگر باشد دریاسیاهی برای نوشتن
سخنان پروردگار من البته تمام شود دریا
پیش ازآنکه بآخررسد سخنان پرورد گار
من اگرچه بیاریم مانند آن دریادریائی
دیگر بطریق مدد (١٠٩) .

قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحٰى اِلَيَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ
يَرْجُوا لِقَآءَ رَبِّهٖ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهٖ اَحَدًا ﴿١١٠﴾

بگو جزاین نیست که من آدمی ام مانند
شماوحی فرستاده می شود بسوی من که
معبود شما همان معبود یکتاست پس هرکه
توقع دارد ملاقات پروردگار خودرا باید که
بکند کار پسندیده وشریك نیارد درعبادت
پروردگار خویش هیچ کس را (١١٠) .

سُورَةُ مَرْيَمَ

سوره مریم مکی است وآن نود و هشت آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

كٓهٰيٰعٓصٓ ﴿١﴾

کهٰیٰعٓصٓ (١) .

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهٗ زَكَرِيَّآ ﴿٢﴾

این است بیان بخشایش پرورد گارتو
بربنده خود زکریا (٢) .

اِذْ نَادٰى رَبَّهٗ نِدَآءً خَفِيًّا ﴿٣﴾

چون نداکرد پروردگار خودرا (ندای)
پنهان (٣) .

قَالَ رَبِّ اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّاْسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ

گفت ای پرورد گار من هرآئینه سست

بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٤﴾

شده است استخوان ازبدن من وسرم ازسفيد موئى شعله ورگشتة است ونبودم دردعاى تو اى پرورد گار من بى بهره (٤) .

وَاِنِّيْ خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَّرَآءِيْ وَكَانَتِ امْرَاَتِيْ عَاقِرًا فَهَبْ لِيْ مِنْ لَّدُنْكَ وَلِيًّا ﴿٥﴾

وهرآئينه من مى ترسم ازاقارب خود بعد ازخود وهست زن من نازاى پس عطا كن مرا از نزديك خود وارثى (٥) .

يَّرِثُنِيْ وَيَرِثُ مِنْ اٰلِ يَعْقُوْبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾

كه ميراث گيرد از من و ميراث گيرد از اولادِ يعقوب وبكن اوراى پرورد گار من مرد پسنديده (٦) .

يٰزَكَرِيَّآ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلٰمِ اِسْمُهٗ يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ لَّهٗ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٧﴾

گفتيم اى زكريا هرآئينه مابشارت ميدهيم ترا بطفلى كه نام اويحيى است پيدا نكرديم پيش ازين هيچ هم نام اورا (٧) .

قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَّكَانَتِ امْرَاَتِيْ عَاقِرًا وَّقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٨﴾

بگفت اى پرورد گار من چگو نه پيدا شود براى من طفلى وهست زن من نازاى وهرآئينه رسيده ام از سبب كلان سالى بنهايتِ ضعف (٨) .

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَّقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْـًٔا ﴿٩﴾

گفت هم چنين است وعده گفت پروردگار تواين كاربرمن آسان است و هرآئينه آفريدم تراپيش ازين ونه بودى تو چيزى (٩) .

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْ اٰيَةً قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿١٠﴾

گفت اى پرورد گار من معين كن براى من نشانه اى فرمود نشانه توآنست كه سخن نتوانى گفتن بامردمان سه شبانه روزدرحالتيكه صحيح المزاج باشى (١٠) .

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهٖ مِنَ الْمِحْرَابِ فَاَوْحٰى اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا بُكْرَةً وَّعَشِيًّا ﴿١١﴾

پس بيرون آمد برقوم خود ازمحراب عبادت پس اشارت كرد بسوى ايشان كه تسبيح گوئيد صبح وشام[1] (١١) .

---

(١) مترجم گويد القصه چون يحيى متولد شدو دوساله گشت .

يٰيَحْيٰى خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۭ وَاٰتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾

گفتیم ای یحیی بگیر(احکام) کتاب را باستواری ودادیمش دانائی درحال کودکی (١٢) .

وَّحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكٰوةً ۭ وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾

ودادیمش شفقتی ازنزدیك خود وطهارت نفس وبود پرهیز گار (١٣) .

وَّبَرًّۢا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾

ونیکوکردار به پدرومادر خود ونبودگردن کش گنهگار (١٤) .

وَسَلٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوْتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾

وسلام باد بروی روزیکه متولد شد و روزیکه بمیرد وروزیکه برانگیخته شود زنده(١٥) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ ۘ اِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾

ویادکن درکتاب مریم را چون یکسوشد ازاهل خود جای به سمت برآمدن آفتاب (١٦) .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُوْنِهِمْ حِجَابًا ۫ فَاَرْسَلْنَآ اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾

پس گرفت این جانب ازایشان پرده پس فرستادیم بسوی اوروح خودرا[1] پس به صورت بشری درست اندام ظاهر شد پیش مریم (١٧) .

قَالَتْ اِنِّيْٓ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾

گفت هرآئینه من پناه می برم بخدا از تو ا گرپرهیز گارباشی (١٨) .

قَالَ اِنَّمَآ اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكِ ڰ لِاَهَبَ لَكِ غُلٰمًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾

گفت جزاین نیست که من فرستادهٔ پرورد گارتوام تاعطاکنم ترا طفلی پاکیزه (١٩) .

قَالَتْ اَنّٰى يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَّلَمْ يَمْسَسْنِيْ بَشَرٌ وَّلَمْ اَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾

گفت چگو نه پیدا شود برای من طفلی ودست نرسانیده است بمن هیچ آدمی وهرگز نبودم زناکار (٢٠) .

قَالَ كَذٰلِكِ ۚ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ ۚ وَلِنَجْعَلَهٗٓ اٰيَةً

گفت وعدهٔ حق هم چنین است فرمود

(١) یعنی جبرئیل علیه السلام را .

لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا ۚ وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢١﴾

پرورد گار تو كه اين برمن آسان است ومى خواهيم كه بسازيم اين طفل رانشانه براى مردمان وبخشايشى ازجانب خود و هست اين مقدمه كارى مقرر كرده شده (٢١) .

فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾

پس به شكم باركرفت آن طفل را پس يكسو شد مريم بسبب آن حمل بجائى دورازمردم (٢٢) .

فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ
قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ﴿٢٣﴾

پس آوردش دردِ زه بسوى تنه درخت خرما مريم گفت اى كاش مى‌مردم پيش ازين ومى‌شدم فراموش ازخاطر رفته (٢٣) .

فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ
تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾

پس آواز داد اورا (طفل يا جبرئيل والله اعلم) ازجانب پائين اوكه اندوه مخورهر آئينه پيدا كرده است پرورد گار تو پائين توجوئى (٢٤) .

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ
رُطَبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾

وبجنبان بسوى خويش تنهٔ درخت خرمارا تابيفگند برسر تو خرماى تازه (بالفعل از درخت چيده) (٢٥) .

فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا
فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا ﴿٢٦﴾

پس بخورو بياشام و آسوده چشم شو پس اگر ببينى ازآدميان كسى را پس بگو هرآئينه من نذر كرده ام براى خدا روزه را پس سخن نخواهم گفت امروزباهيچ آدمى (٢٦) .

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۖ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾

پس برداشته آورد عيسىٰ را پيش قوم خود گفتند اى مريم هرآئينه آوردى چيزى زشت را (٢٧) .

يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾

اى خواهر هارون نه بود پدرتو مرد بد ونه بود مادرتو زنا كننده (٢٨) .

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ ۖ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾

پس مريم اشارت كرد بطفل خود گفتند

چگونه سخن گوئیم باکسیکه هست در
گهواره درحال کودکی (۲۹) .

قَالَ اِنِّیْ عَبْدُ اللّٰهِ ۛ اٰتٰىنِیَ الْكِتٰبَ وَجَعَلَنِیْ نَبِیًّا ۙ (۳۰)

گفت عیسیٰ من بندهٔ خداام داده است
مراکتاب وساخته است مراپیغامبر (۳۰) .

وَّجَعَلَنِیْ مُبٰرَكًا اَیْنَ مَا كُنْتُ ۪ وَاَوْصٰنِیْ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ
مَا دُمْتُ حَیًّا ۙ (۳۱)

وساخت مرا خدابابرکت هرجاکه باشم
وحکم فرموده است مرا به نماز و زکوٰة
مادامِیکه زنده باشم (۳۱) .

وَّبَرًّاۢ بِوَالِدَتِیْ ۫ وَلَمْ یَجْعَلْنِیْ جَبَّارًا شَقِیًّا (۳۲)

وساخت مرانیکوکار به مادر خود ونه
کرده است مرا گردن کش بدبخت
(۳۲) .

وَالسَّلٰمُ عَلَیَّ یَوْمَ وُلِدْتُّ وَیَوْمَ اَمُوْتُ وَیَوْمَ اُبْعَثُ
حَیًّا (۳۳)

وسلام برمن ست روزیکه متولد شدم
وروزیکه بمیرم وروزیکه برانگیخته شوم
زنده (۳۳) .

ذٰلِكَ عِیْسَى ابْنُ مَرْیَمَ ۚ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِیْ فِیْهِ یَمْتَرُوْنَ (۳۴)

اینست قصه عیسیٰ پسرمریم (مرادمیدارم)
سخن راست را که دروی مردمان
اختلاف میکنند (۳٤) .

مَا كَانَ لِلّٰهِ اَنْ یَّتَّخِذَ مِنْ وَّلَدٍ ۙ سُبْحٰنَهٗ ؕ اِذَا قَضٰۤى اَمْرًا
فَاِنَّمَا یَقُوْلُ لَهٗ كُنْ فَیَكُوْنُ ؕ (۳۵)

نیست لائق خداآنکه بگیرد هیچ فرزندی
پاکی اوراست چون بخواهد کاری را
جزاین نیست که میگویدش بشو پس می
شود (۳۵) .

وَاِنَّ اللّٰهَ رَبِّیْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ؕ هٰذَا صِرَاطٌ
مُّسْتَقِیْمٌ (۳٦)

وگفت عیسیٰ هرآئینه خدا پرورد گار
منست و پرورد گار شما پس عبادت
اوکنید اینست راه راست (۳٦) .

فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْۢ بَیْنِهِمْ ۚ فَوَیْلٌ لِّلَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْ
مَّشْهَدِ یَوْمٍ عَظِیْمٍ (۳۷)

پس اختلاف کردند جماعت ها میان
خویش پس وای کافران را ازحاضر شدن
روزبزرگ (۳۷) .

اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصِرْ ۙ یَوْمَ یَاْتُوْنَنَا لٰكِنِ الظّٰلِمُوْنَ الْیَوْمَ
فِیْ ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ (۳۸)

چه قدر شنواباشند و چه قدربینا باشند
روزی که بیایند پیش ما لیکن این ستم
گاران امروز درگمراهی ظاهر اند (۳۸) .

وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

وبترسان ایشان را از روز پشیمانی چون بانجام رسانیده شود کار وایشان درغفلت اندوایشان ایمان نمی آرند (٣٩) .

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه ماوارث شویم زمین را وهرکسی را که برزمین است وبسوی مابازگردانیده شوند (٤٠) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ ۚ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿٤١﴾

ویادکن درکتاب ابراهیم را هرآئینه وی بود راست کردار پیغمبری (٤١) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾

یادکن چون گفت پدرخودرا ای پدرمن چراعبادت می کنی چیزی راکه نمی شنود ونه می بیند ودفع نمی کند ازتو چیزی (٤٢) .

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿٤٣﴾

ای پدرمن هرآئینه آمده است پیش من ازعلم آنچه نیامده است پیش تو پس پیروی من کن تادلالت کنم ترا براه راست (٤٣) .

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا ﴿٤٤﴾

ای پدر من عبادت مکن شیطان را هرآئینه هست شیطان مرخدای را نافرمان (٤٤) .

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾

ای پدرمن می ترسم ازآنکه برسد به توعقوبتی ازخدا پس باشی قرین شیطان (٤٥) .

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ ۖ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ ۖ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾

گفت آیا روگردانی تو ازمعبودانِ من ای ابراهیم اگربازنه ایستی البته سنگسار کنم تراوترک صحبت من کن مدتی دراز (٤٦) .

قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ ۖ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي ۖ إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾

گفت سلام علیك آمرزش خواهیم طلبید برای تو ازپروردگار خویش هرآئینه وی هست برمن مهربان (٤٧) .

وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا

وکناره گیرم ازشما وازآنچه می پرستید

اَكُوْنَ بِدُعَآءِ رَبِّيْ شَقِيًّا ﴿٤٨﴾

بغیرازخداو خواهم عبادت کرد پروردگار
خودرا امیدآنست که نباشم بسبب
پرستش پروردگارخود بدبخت (٤٨) .

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۙ
وَهَبْنَا لَهٗٓ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ ؕ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾

پس چون کناره گرفت ازایشان وازآنچه
می پرستیدند بغیراز خدا عطا کردیم وی
را اسحق ویعقوب وهریکی را
پیغامبرساختیم (٤٩) .

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّنْ رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾

وعطاکردیم ایشان را چیزهاازبخشش
خود وساختیم برای ایشان ذکر جمیل
بنهایت بزرگی (٥٠) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مُوْسٰٓى ۡ اِنَّهٗ كَانَ مُخْلَصًا وَّكَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا ﴿٥١﴾

ویادکن درکتاب موسیٰ را هرآئینه وی بود
خالص کرده شده بود فرستاده پیغامبری
(٥١) .

وَنَادَيْنٰهُ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ الْاَيْمَنِ وَقَرَّبْنٰهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾

ونداکردیم اوراازجانبِ راست کوه طور
ونزدیك ساختیم اورا رازگویان (٥٢) .

وَوَهَبْنَا لَهٗ مِنْ رَّحْمَتِنَآ اَخَاهُ هٰرُوْنَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾

وعطاکردیم اورا ازبخشش خود برادراو
هارون نبی ساخته (٥٣) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِسْمٰعِيْلَ ۡ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ
وَكَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا ﴿٥٤﴾

ویادکن درکتاب اسمعیل را هرآئینه وی
بود راست وعده وبود فرستاده پیغمبری
(٥٤) .

وَكَانَ يَاْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ ۠ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾

ومی فرمود اهل خودرا بنماز و زکوٰة وبود
نزدیك پروردگار خویش پسندیده (٥٥) .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِدْرِيْسَ ۡ اِنَّهٗ كَانَ صِدِّيْقًا نَّبِيًّا ﴿٥٦﴾

ویادکن درکتاب ادریس را هرآئینه وی
بود راست کردار پیغامبری (٥٦) .

وَّرَفَعْنٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾

وبرداشتیم اورابمکانی بلند (٥٧) .

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ مِنْ ذُرِّيَّةِ
اٰدَمَ ۗ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوْحٍ ۡ وَّمِنْ ذُرِّيَّةِ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْرَآءِيْلَ ۡ
وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ؕ اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوْا

اینجماعت آنانند که انعام کرد
خدابرایشان اززمرهٔ پیغامبران ازفرزندان
آدم وازنسل آنانکه برداشتیم بانوح واز
ذُرّیت ابراهیم و یعقوب وازجمله آنانکه

سُجَّدًا وَّبُكِيًّا ۩ ﴿٥٨﴾

راه راست نموديم ايشان را وبرگزيديم چون خوانده مى شدبرايشان آيات خدا مى افتادند سجده كنان وگريان (٥٨) .

فَخَلَفَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ اَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا
الشَّهَوٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿٥٩﴾

پس جانشين شد بعد ازايشان ناخلفى چند كه ترك كردند نمازرا وپيروى كردند خواهش هارا پس خواهند يافت جزاى گمراهى (٥٩) .

اِلَّا مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ يَدْخُلُوْنَ
الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُوْنَ شَيْـًٔا ﴿٦٠﴾

ليكن هركه توبه كرد وايمان آورد و كارشائسته بعمل آورد پس آنجماعت درآيند دربهشت وهيچ ستم كرده نشود برايشان (٦٠) .

جَنّٰتِ عَدْنِ ِالَّتِيْ وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهٗ بِالْغَيْبِ
اِنَّهٗ كَانَ وَعْدُهٗ مَاْتِيًّا ﴿٦١﴾

بوستانهاى هميشه ماندن كه وعده داده است خدا بندگان خودرا ناديده هرآئينه هست وعده او آينده(٦١) .

لَا يَسْمَعُوْنَ فِيْهَا لَغْوًا اِلَّا سَلٰمًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيْهَا
بُكْرَةً وَّعَشِيًّا ﴿٦٢﴾

نشنوند آنجاهيچ سخن بيهوده ليكن سلام شنوند وايشان را بُودَ روزى ايشان آنجا صبح و شام (٦٢) .

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِيْ نُوْرِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾

اينست آن بهشت كه عطاكنيم ازبندگان خويش آن را كه پرهيزگاربود (٦٣) .

وَمَا نَتَنَزَّلُ اِلَّا بِاَمْرِ رَبِّكَ لَهٗ مَا بَيْنَ اَيْدِيْنَا وَمَا خَلْفَنَا
وَمَا بَيْنَ ذٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾

و(فرشتگان گفتند كه) فرونمى آئيم الّابحكم پروردگار تواوراست(علم) آنچه پيش ماست[1] وآنچه عقب ماست[2] وآنچه درميان اين ست و نيست پروردگار تو فراموش كار (٦٤) .

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ

اوست پروردگار آسمان ها وزمين وآنچه

---

(١) يعنى قيامت .

(٢) يعنى ازابتداى خلق آسمان وزمين .

وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهٖ هَلْ تَعْلَمُ لَهٗ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾

میان اینهاست پس عبادت اوکن وشکیباباش برعبادت وی آیامیدانی برای‌او همنامی یعنی مانندی (٦٥) .

وَيَقُوْلُ الْاِنْسَانُ ءَاِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ اُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾

ومیگوید آدمی (یعنی آدمی کافر) آیا چون بمیرم بیرون آورده خواهم شد زنده (٦٦) .

اَوَلَا يَذْكُرُ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿٦٧﴾

آیایاد نمی آورَد آدمی که ماآفریدیم اورا پیش ازین ونبود هیچ چیزی (٦٧) .

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيٰطِيْنَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾

پس قسم پروردگار تو که البته برانگیزیم این منکران بعث را باشیاطین بازحاضر کنیم ایشان را حوالی دوزخ بزانودرافتاده (٦٨) .

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيْعَةٍ اَيُّهُمْ اَشَدُّ عَلَى الرَّحْمٰنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾

بازبرکشیم ازهر امتی آن را که ازایشان جرأت کننده ترست برخدا ازروی نافرمانی (٦٩) .

ثُمَّ لَنَحْنُ اَعْلَمُ بِالَّذِيْنَ هُمْ اَوْلٰى بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾

بازما داناتریم بآنانکه سزاوار تراند بدرآمدن دوزخ (٧٠) .

وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾

ونیست ازشماهیچ کس مگر گذرنده برآن هست این وعده لازم بر پروردگارتو مقررکرده شد (٧١) .

ثُمَّ نُنَجِّى الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّنَذَرُ الظّٰلِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾

بازبرهانیم متقیان را و بگذاریم ظالمان راآنجابزانو درافتاده (٧٢) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَيُّ الْفَرِيْقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَّاَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾

وچون خوانده شود برایشان آیات ما واضح آمده گویند کافران مسلمانان را کدام یك ازین دوگروه بهترست در مرتبه ونیکوتراست ازروی مجلس[1] (٧٣) .

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ اَحْسَنُ اَثَاثًا وَّرِءْيًا ﴿٧٤﴾

وبسیار هلاك کردیم پیش ازایشان طبقهٔ

(١) یعنی بعزت دنیامغرورشدند .

مردمان را که بهتر بودند باعتبار رخت خانه وازروی نموداری (٧٤) .

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلٰلَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمٰنُ مَدًّا ۚ حَتّٰٓى
إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ
مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَّأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾

بگو هرکه باشد درگمراهی پس افزون میدهد اورا خداافزون دادنی تاوقتیکه چون بینند آنچه ترسانیده شدند یاعقوبت را ویاقیامت را پس خواهند دانست کدام یك بدترست درمرتبه وناتوان ترست باعتبار لشکر (٧٥) .

وَيَزِيدُ اللّٰهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۗ وَالْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ
خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَّخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿٧٦﴾

وزیاده میدهد خدا راه یابان را هدایت وحسنات پاینده شائسته بهترند نزدیك پرورد گار توازروی جزا ونیکو ترند ازجهت بازگشت (٧٦) .

أَفَرَءَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِاٰيٰتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ
مَالًا وَّوَلَدًا ﴿٧٧﴾

آیادیدی آن را که کافرشد بآیاتِ ما وگفت البته داده شود مرا[1] مال وفرزند (٧٧) .

أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾

آیا مطلع شده است برغیب یا گرفته است ازنزدیك خدا عهدی (٧٨) .

كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾

نه چنان بُوَد، خواهیم نوشت آنچه می گوید وافزون دهیمش عقوبت افزون دادنی (٧٩) .

وَّنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾

وبازستانیم پس ازوی آنچه می گوید وبیایدپیش ماتنها (٨٠) .

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾

وخدایان گرفتندبغیراز خدا تاباشند ایشان را سببِ عزت (٨١) .

كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾

نه چنان بود، منکرخواهندشد پرستشِ معبودان خود را وخواهند شد برایشان ستیزنده (٨٢) .

(١) یعنی درقیامت .

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾

آیاندیدی که فرستادیم شیاطین را برکافران می جنبانیدند ایشان را جنبانیدنی (۸۳) .

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿٨٤﴾

پس شتاب مکن برایشان جزاین نیست که مدت می شماریم (۸٤) .

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾

روزیکه برانگیزیم متقیان را بسوی رحمن بصورت وفد (۸۵) .

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾

وروان کنیم گنه گاران را بسوی دوزخ تشنگان (۸٦) .

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾

نتوانند شفاعت کردن الّاکسیکه گرفته است نزدیك خدا عهدی[1] (۸۷) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾

وگفتند فرزند گرفته است خدا (۸۸) .

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾

فرمود ایشان راهرآئینه آوردید چیزی زشتی (۸۹) .

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾

نزدیك اندآسمان ها که بشگافند ازین سخن وبشگافد زمین وبیفتند کوه ها پاره پاره شده (۹۰) .

أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾

بسبب آنکه نسبت دادند بخدا فرزندی را (۹۱) .

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَٰنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾

ونه سزد خدا را که فرزند گیرد (۹۲) .

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَٰنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾

نیست هیچ یك ازآنکه درآسمان ها وزمین اند مگرآینده پیش رحمن بنده شده (۹۳) .

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾

هر آئینه بعلم درگرفته است ایشان را وشمارکرده است ایشان راشماراکردنی (۹٤) .

---

(۱) یعنی مسلمان شده ووعدهٔ ثواب را مستحق گشته .

وَكُلُّهُمْ اٰتِيْهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾

وهريك ازايشان آينده است پيش وى روزقيامت تنها (٩٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾

هرآئينه آنانكه ايمان آوردند وكارهاى شائسته كردند پيداخواهد كردبراى ايشان خدادوستى را[1] (٩٦) .

فَاِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِيْنَ وَتُنْذِرَ بِهٖ قَوْمًا لُّدًّا ﴿٩٧﴾

جزاين نيست كه آسان ساختيم قرآن را بزبانِ توتامژده دهى بآن متقيان را وبترسانى به آن گروه ستيزند گان را (٩٧) .

وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ ؕ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ اَحَدٍ اَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾

وبسيارهلاك كرديم پيش ازايشان طبقاتِ مردم آيامى بينى هيچ كس را ازايشان يامى شنوى ازايشان آواز آهسته (٩٨) .

سُوْرَةُ طٰهٰ

سوره طٰهٰ مكى است وآن يك صدوسى وپنج آيت وهشت ركوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

طٰهٰ ﴿١﴾

طٰهٰ (١) .

مَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لِتَشْقٰٓى ﴿٢﴾

فرونه فرستاديم برتوقرآن را تارنج كشى (٢) .

اِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ﴿٣﴾

ليكن فروفرستاديم براى پنددادن كسى را كه بترسد (٣) .

تَنْزِيْلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْاَرْضَ وَالسَّمٰوٰتِ الْعُلٰى ﴿٤﴾

فروفرستادن ازجانب كسيكه آفريده است زمين را و آسمانهاى بلند را (٤) .

اَلرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى ﴿٥﴾

وى بسيار بخشائنده است برعرش قرار گرفت (٥) .

لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمين است وآنچه درميان اينهاست

---

(١) يعنى بايك ديگردوست باشند .

وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ ﴿٦﴾

وآنچه زیرخاكِ نمناك ست (٦) .

وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾

واگرآشکارا کنی سخن را پس وی میداند سخن پنهان را وپنهان تررا[1] (٧) .

اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ﴿٨﴾

خدا آنست که هیچ معبود برحقی نیست مگروی مراو راست نامهای نیکو (٨) .

وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ﴿٩﴾

وآیا آمده است بتوخبرِ موسیٰ (٩) .

إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي
آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾

چون دید آتشی پس گفت اهل خودرا درنگ کنید هرآئینه من دیده ام آتشی امیددارم که بیارم پیش شمااز آن آتش شعله ای یابیابم برآن آتش راه نمای (١٠) .

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَىٰ ﴿١١﴾

پس چون بیامدنزدیك آتش آواز داده شد که ای موسیٰ (١١) .

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ
طُوًى ﴿١٢﴾

هرآئینه من پروردگار تو ام پس ازپابیرون کن نعلین خودرا هرآئینه تو بمیدان پاك طوی هستی (١٢) .

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿١٣﴾

ومن برگزیدم ترا پس گوش بنه بسوی آنچه وحی فرستاده می شود (١٣) .

إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ
لِذِكْرِي ﴿١٤﴾

هرآئینه من خدایم نیست هیچ معبود برحق غیر من پس عبادتِ من بکن وبرپاکن نمازرا برای یادکردن من (١٤) .

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا
تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾

هرآئینه قیامت آمدنی است میخواهم که پنهان دارم وقت آن را تاجزا داده شود هر شخصی بمقابله آنچه می کند (١٥) .

فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَن لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ﴿١٦﴾

پس باید که بازندارد تراازباورداشتن آن کسی که ایمان ندارد برآن وپیروی کرده است خواهش نفس خودرا آنگاه هلاك

(١) یعنی جهررابطریق اولیٰ میداند .

شوی (١٦) .

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يٰمُوسٰى ﴿١٧﴾

وچیست این بدستِ راست توای موسیٰ (١٧) .

قَالَ هِيَ عَصَايَ اَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَاَهُشُّ بِهَا عَلٰى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَاٰرِبُ اُخْرٰى ﴿١٨﴾

گفت این عصای من ست تکیه می کنم برآن وبرگ میریزم بآن برگوسفندان خود و مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست (١٨) .

قَالَ اَلْقِهَا يٰمُوسٰى ﴿١٩﴾

گفت بافگن آنرا ای موسیٰ (١٩) .

فَاَلْقٰىهَا فَاِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعٰى ﴿٢٠﴾

پس بافگندش پس نا گهان ماری شد دوان (٢٠) .

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْاُولٰى ﴿٢١﴾

گفت بگیراین را و مترس بازخواهیم گردانید اورابشکل نخستینِ او (٢١) .

وَاضْمُمْ يَدَكَ اِلٰى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ اٰيَةً اُخْرٰى ﴿٢٢﴾

وبهم آردستِ خودرا بسوی بغل خود تابیرون آید سفید شده ازغیر عیبی نشانی دیگر (٢٢) .

لِنُرِيَكَ مِنْ اٰيٰتِنَا الْكُبْرٰى ﴿٢٣﴾

میخواهیم که بنمائیم ترابعض نشانه های بزرگِ خویش (٢٣) .

اِذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى ﴿٢٤﴾

بروبسوی فرعون هرآئینه وی ازحد گذشته است (٢٤) .

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾

گفت ای پرورد گار من کشاده کن برای من سینهٔ مرا (٢٥) .

وَيَسِّرْ لِي اَمْرِي ﴿٢٦﴾

و آسان کن برای من کارمرا (٢٦) .

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٢٧﴾

بکشای گره اززبان من (٢٧) .

يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾

تابفهمند سخن من (٢٨) .

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ اَهْلِي ﴿٢٩﴾

ومقررکن برای من وزیری ازأهل من (٢٩) .

هٰرُونَ اَخِي ﴿٣٠﴾

هارون برادر مرا (٣٠) .

اشْدُدْ بِهِ اَزْرِي ﴿٣١﴾

محکم کن بسبب اوتوانائی مرا (٣١) .

وَأَشْرِكْهُ فِيٓ أَمْرِي ﴿٣٢﴾

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾

إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَٰمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰٓ ﴿٣٧﴾

إِذْ أَوْحَيْنَآ إِلَىٰٓ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰٓ ﴿٣٨﴾

أَنِ ٱقْذِفِيهِ فِي ٱلتَّابُوتِ فَٱقْذِفِيهِ فِي ٱلْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ ٱلْيَمُّ
بِٱلسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُۥ ۚ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً
مِّنِّي ۚ وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِيٓ ﴿٣٩﴾

إِذْ تَمْشِيٓ أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُۥ ۖ
فَرَجَعْنَٰكَ إِلَىٰٓ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَقَتَلْتَ
نَفْسًا فَنَجَّيْنَٰكَ مِنَ ٱلْغَمِّ وَفَتَنَّٰكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ
فِيٓ أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَٰمُوسَىٰ ﴿٤٠﴾

وَٱصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾

ٱذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِـَٔايَٰتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾

وشريك كن اورا دركارمن (٣٢) .

تاتسبيح توگوئيم بسيارى (٣٣) .

ويادتوكنيم بسيارى (٣٤) .

هرآئينه تو هستى باحوال مابينا (٣٥) .

گفت هرآئينه داده شدى درخواست خود اى موسىٰ (٣٦) .

وهرآئينه احسان كرديم برتويك باردیگر (٣٧) .

چون الهام فرستاديم بسوى مادر توآنچه الهام كردنى بود (٣٨) .

كه بافگن اين طفل رادرصندوق پس افگن صندوق را دردريا تابيفگند اورا دريابكناره بگيردش دشمن من ودشمن وى وبافگندم برروى توقبول ازجانب خويش و خواستم كه پرورده شوى زير نظارت چشم من (٣٩) .

چون مى رفت خواهر تو پس مى گفت آيادلالت كنم شمارا بركسيكه نگهبانى اين طفل كند پس بازآورديم ترابسوى مادرتو تاخنك شودچشم وى واندوهگين نباشد وبكشتى شخصى را پس خلاص ساختيم ترااازاندوه وآزموديم ترااآزمودنى پس درنگ كردى سالهاى چند در اهل مدين بازآمدى موافق تقديرالهى اى موسىٰ (٤٠) .

وساختم ترابراى خويش (٤١) .

بروتو وبرادر تو بانشانه هاى من وسستى نكنيددرياد من (٤٢) .

اِذْهَبَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ﴿٤٣﴾	بروبسوی فرعون هرآئینه وی ازحد گذشته است (٤٣) .
فَقُوْلَا لَهٗ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى ﴿٤٤﴾	پس بگوئید باوی سخن نرم بودکه پندپذیر شود یابترسد (٤٤) .
قَالَا رَبَّنَآ اِنَّنَا نَخَافُ اَنْ يَّفْرُطَ عَلَيْنَآ اَوْ اَنْ يَّطْغٰى ﴿٤٥﴾	گفتند ای پروردگارما هرآئینه مامی ترسیم ازآنکه تعدی کند برمایا ازحدگذرد (٤٥) .
قَالَ لَا تَخَافَآ اِنَّنِيْ مَعَكُمَآ اَسْمَعُ وَاَرٰى ﴿٤٦﴾	گفت مترسید هرآئینه من باشمایم می شنوم ومی بینم (٤٦) .
فَاْتِيٰهُ فَقُوْلَآ اِنَّا رَسُوْلَا رَبِّكَ فَاَرْسِلْ مَعَنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۙ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۭ قَدْ جِئْنٰكَ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ ۭ وَالسَّلٰمُ عَلٰى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰى ﴿٤٧﴾	پس بروید پیش وی پس بگوئید هرآئینه مافرستادگانِ پروردگار توایم پس بفرست باما بنی اسرائیل را وعذاب مکن ایشان را هرآئینه آوردیم پیش تونشانه ازجانب پروردگارتو وسلامتی کسی راست که پیروی راهِ هدایت کند (٤٧) .
اِنَّا قَدْ اُوْحِيَ اِلَيْنَآ اَنَّ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿٤٨﴾	هرآئینه وحی فرستاده شد بسوی ما که عذاب کسی را باشد که دروغ شمرد وروگردان شود[1] (٤٨) .
قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمَا يٰمُوْسٰى ﴿٤٩﴾	فرعون گفت پس کیست پروردگار شمااای موسیٰ (٤٩) .
قَالَ رَبُّنَا الَّذِيْٓ اَعْطٰى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهٗ ثُمَّ هَدٰى ﴿٥٠﴾	گفت پروردگارماآنست که دادهر چیزی را صورت خالص اوبازراه نمودش (بطلب معاش خودش) (٥٠) .
قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُوْنِ الْاُوْلٰى ﴿٥١﴾	گفت پس چیست حال قرنهای نخستین (٥١) .
قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّيْ فِيْ كِتٰبٍ ۚ لَا يَضِلُّ رَبِّيْ وَلَا يَنْسَى ﴿٥٢﴾	گفت علم آن نزدیك پروردگارمن ست درکتابی که خطا نه کند پروردگارمن ونه

(١) القصه این پیغام رسانیدند .

فراموش سازد (٥٢) .

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّىٰ ﴿٥٣﴾

اوآنست که ساخت برای شما زمین را
فرش وروان کرد برای شما درآن راه ها
وفروفرستاد ازآسمان آب را پس بیرون
آوردیم بآن آب انواع مختلف ازنبات
(٥٣) .

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَىٰ ﴿٥٤﴾

گفتیم بخورید وبچرانید چهار پایانِ
خودرا هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست
خداوندان خردهارا (٥٤) .

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٥٥﴾

اززمین آفریدیم شمارا ودرزمین
بازدرآریم شمارا واززمین بیرون کشیم
شمارا باردیگر (٥٥) .

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ﴿٥٦﴾

وهرآئینه نمودیم فرعون را نشانه های
خویش تمام آن پس دروغ بشمردوقبول
نکرد (٥٦) .

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿٥٧﴾

گفت آیا آمده ای تابیرون کنی مارا اززمین
ما بجادوی خود ای موسیٰ (٥٧) .

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ
مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ﴿٥٨﴾

پس هرآئینه بیاریم پیش توجادوئی مانند
آن پس معین کن میان ماومیان خود وعده
گاهی که خلاف نکنیم آنراما ونه تو بجائی
میانه شهر (٥٨) .

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿٥٩﴾

گفت وعده گاه شما روزآرائش است
وآنکه جمع کرده شوند مردمان وقت
چاشتگاه (٥٩) .

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ ﴿٦٠﴾

پس بازگشت فرعون پس جمع کرد
مکرخودرا بازبیامد (٦٠) .

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ ﴿٦١﴾

گفت موسیٰ ساحران را وای برشما افتراء
مکنیدبرخدا دروغ را آنگاه هلاك سازد
شمارا بعذاب وهرآئینه بمطلب نرسید

هرکه افتراء کرد (٦١) .

فَتَنَازَعُوٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَاَسَرُّوا النَّجْوٰى ﴿٦٢﴾

پس گفتگو کردند ساحران درباره کارخود درمیان خویش وپنهان گفتند راز را (٦٢) .

قَالُوٓا اِنْ هٰذٰنِ لَسٰحِرٰنِ يُرِيْدٰنِ اَنْ يُّخْرِجٰكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيْقَتِكُمُ الْمُثْلٰى ﴿٦٣﴾

گفتند البته این دوشخص ساحران اند می خواهند که بیرون کنند شمارا ازسرزمین شما بسحر خود ومی خواهند که دور کنند دین شائستهٔ شمارا (٦٣) .

فَاَجْمِعُوْا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوْا صَفًّا ۚ وَقَدْ اَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلٰى ﴿٦٤﴾

پس بهم آرید اسباب سحر خودرا بازبیائید صف کشیده وهرآئینه رستگارشودامروز هرکه غالب آید (٦٤) .

قَالُوْا يٰمُوْسٰٓى اِمَّآ اَنْ تُلْقِيَ وَاِمَّآ اَنْ نَّكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰى ﴿٦٥﴾

گفتند ای موسیٰ یا اینست که توافگنی یعنی عصارا ویاباشیم ماأوّل کسیکه افگند (٦٥) .

قَالَ بَلْ اَلْقُوْا ۚ فَاِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ اِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ اَنَّهَا تَسْعٰى ﴿٦٦﴾

گفت بلکه شما افگنید پس ناگهان ریسمانهای ایشان وعصاهای ایشان نمودارشد پیش موسیٰ بسبب سحر ایشان که می دوند (٦٦) .

فَاَوْجَسَ فِيْ نَفْسِهٖ خِيْفَةً مُّوْسٰى ﴿٦٧﴾

پس یافت درضمیر خود موسیٰ ترسی را (٦٧) .

قُلْنَا لَا تَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْاَعْلٰى ﴿٦٨﴾

گفتیم مترس هرآئینه توئی غالب (٦٨) .

وَاَلْقِ مَا فِيْ يَمِيْنِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوْا ۖ اِنَّمَا صَنَعُوْا كَيْدُ سٰحِرٍ ۖ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ اَتٰى ﴿٦٩﴾

وبیفگن آنچه دردست راست تست تافروبرداآنچه را که ساحران ساخته اند هر آئینه آنچه ساخته اند جادوی جادو کننده است ورستگارنمی شود ساحر هرجاکه رود(القصه هم چنین شد) (٦٩) .

فَاُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِرَبِّ هٰرُوْنَ وَمُوْسٰى ﴿٧٠﴾

پس انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم به پروردگار هارون وموسیٰ (٧٠) .

قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّهٗ لَكَبِيْرُكُمُ الَّذِيْ عَلَّمَكُمُ
السِّحْرَ فَلَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَّلَاُصَلِّبَنَّكُمْ
فِيْ جُذُوْعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ اَيُّنَا اَشَدُّ عَذَابًا وَّاَبْقٰى ﴿٧١﴾

گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه دستوری دهم شمارا هرآئینه وی بزرگ شماست که آموخته است شماراسحر هرآئینه ببرم دست های شما وپاهای شمارا یکی ازجانب راست ودیگرازجانب چپ والبته بردارکشم شمارا برتنه های درخت خرماوالبته خواهید دانست که کدام یك ازماسخت ترست عذاب او وپاینده ترست (٧١) .

قَالُوْا لَنْ نُّؤْثِرَكَ عَلٰى مَا جَآءَنَا مِنَ الْبَيِّنٰتِ وَالَّذِيْ فَطَرَنَا
فَاقْضِ مَآ اَنْتَ قَاضٍ اِنَّمَا تَقْضِيْ هٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾

گفتند هرگز ترجیح ندهیم ترا برآنچه آمده ست پیش ماازدلائل وترجیح ندهیم ترا برخدائی که آفریدمارا پس حکم کن هرچه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که حکم کنی درین زندگانی دنیا (٧٢) .

اِنَّآ اٰمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطٰيٰنَا وَمَآ اَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ
مِنَ السِّحْرِ وَاللّٰهُ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ﴿٧٣﴾

هرآئینه ایمان آوردیم به پروردگار خویش تابیا مرزد برای ما گناهانِ مارا وآنچه جبرکردی مارا برآنکه سحر کنیم وخدا بهترست وپاینده ترست (٧٣) .

اِنَّهٗ مَنْ يَّاْتِ رَبَّهٗ مُجْرِمًا فَاِنَّ لَهٗ جَهَنَّمَ لَا يَمُوْتُ
فِيْهَا وَلَا يَحْيٰى ﴿٧٤﴾

هرآئینه هرکه بیاید پیش پروردگار خویش گنهگار پس اوراست دوزخ نمیردآنجاونه زنده شود (٧٤) .

وَمَنْ يَّاْتِهٖ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصّٰلِحٰتِ فَاُولٰٓئِكَ
لَهُمُ الدَّرَجٰتُ الْعُلٰى ﴿٧٥﴾

وآنکه بیاید پیش اومسلمان شده وعملهای شائسته کرده پس این جماعت ایشان راست درجه های بلند (٧٥) .

جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ
فِيْهَا وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا مَنْ تَزَكّٰى ﴿٧٦﴾

بوستانهای همیشه ماندن می رود زیرآن جویها جاویدان آنجا واینست جزای هرکه پاك شده است (٧٦) .

وَلَقَدْ اَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰٓى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِيْ فَاضْرِبْ

وهرآئینه وحی فرستادیم بسوی موسیٰ که وقت شب ببر بندگان مرا پس بساز برای

لَهُمْ طَرِيْقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخٰفُ دَرَكًا وَّلَا تَخْشٰى ﴿٧٧﴾

ایشان راه خشك دردریا مترس ازدریا فتن دشمن ووسواس نه کنی ازغرق شدن (٧٧) .

فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُوْدِهٖ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾

پس تعاقب ایشان کرد فرعون بالشکر های خویش پس پوشانید ایشان را ازدریا آنچه پوشانیدایشان را (٧٨) .

وَاَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهٗ وَمَا هَدٰى ﴿٧٩﴾

وگمراه کرد فرعون قوم خودرا وراه نه نمود (٧٩) .

يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ قَدْ اَنْجَيْنٰكُمْ مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوٰعَدْنٰكُمْ جَانِبَ الطُّوْرِ الْاَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى ﴿٨٠﴾

گفتیم ای بنی اسرائیل هر آئینه نجات دادیم شمارا از دشمنان شماو وعده دادیم شمارا[1] بجانب راست طور وفروفرستادیم برشما من وسلویٰ (٨٠) .

كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيْهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِيْ ۚ وَمَنْ يَّحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِيْ فَقَدْ هَوٰى ﴿٨١﴾

گفتیم بخورید ازلذائذ آنچه روزی دادیم شمارا وازحد مگذرید درباب آن روزی آنگاه ثابت شود برشماخشم من وهرکه ثابت شد بروی خشم من البته هلاك شد (٨١) .

وَاِنِّيْ لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدٰى ﴿٨٢﴾

وهرآئینه من آمرزنده ام کسی را که توبه کردو ایمان آوردوکارشائسته کرد بازراه راست یافت (٨٢) .

وَمَآ اَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يٰمُوْسٰى ﴿٨٣﴾

وچه[2] چیز بشتاب آورد ترا غافل مانده ازقوم خود ای موسیٰ (٨٣) .

قَالَ هُمْ اُولَآءِ عَلٰٓى اَثَرِيْ وَعَجِلْتُ اِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضٰى ﴿٨٤﴾

گفت قوم من ایشان اند برپیٔ من وشتافتم بسوی توای پروردگار من

(١) یعنی بدادن تورات .

(٢) مترجم گوید چون موسیٰ باهفتاد کس ازقوم خود بجانب طورمتوجه شدحضرت موسیٰ ازهمه سبقت کرد خطاب رسید والله اعلم .

تاخوشنود شوی (٨٤) .

قال فإنا قد فتنا قومك من بعدك وأضلهم السامري ﴿٨٥﴾

گفت خداهر آئینه مادر فتنه انداختیم قوم ترا پس ازتو وگمراه ساخت ایشان را سامری (٨٥) .

فرجع موسى إلى قومه غضبان أسفا قال يقوم ألم يعدكم ربكم وعدا حسنا أفطال عليكم العهد أم أردتم أن يحل عليكم غضب من ربكم فأخلفتم موعدي ﴿٨٦﴾

پس بازگشت موسیٰ بسوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده گفت ای قوم من آیا وعده نداده بودشمارا پروردگار شما وعده نیك آیا درازشد برشما مدت[1] یا خواستید که واجب شود برشما خشمی ازپروردگار شما پس خلاف کردید وعدهٔ مرا (٨٦) .

قالوا ما أخلفنا موعدك بملكنا ولكنا حملنا أوزارا من زينة القوم فقذفنها فكذلك ألقى السامري ﴿٨٧﴾

گفتند خلاف نه کردیم وعدهٔ ترا باختیارِ خویش ولیکن مارا تکلیف کردند تابرداشتیم بارها ازپیرایهٔ قوم قبط پس افگندیم آنرا[2] وهم چنین افگند سامری (٨٧) .

فأخرج لهم عجلا جسدا له خوار فقالوا هذا إلهكم وإله موسى فنسي ﴿٨٨﴾

بازبیرون آورد برای ایشان گوساله کالبدی که اورا آواز گوساله بود پس گفتند اتباع سامری اینست پروردگار شماو پروردگار موسیٰ پس فراموش کرده است موسیٰ (٨٨) .

أفلا يرون ألا يرجع إليهم قولا ولا يملك لهم ضرا ولا نفعا ﴿٨٩﴾

آیانمی دیدنداین گمراهان که بازنمی گرداند بسوی ایشان سخنی را ونمی تواند برای ایشان هیچ زیانی ونه سودی (٨٩) .

ولقد قال لهم هرون من قبل يقوم إنما فتنتم به وإن

وهرآئینه گفته بودایشان را هارون پیش

(١) یعنی مدت مفارقت من .

(٢) یعنی درآتش .

رَبُّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُوْنِيْ وَاَطِيْعُوْٓا اَمْرِيْ ﴿٩٠﴾

ازین ای قوم من جزاین نیست که مبتلا شده ایدباین گوساله وهرآئینه پرورد گار شماخدا ست پس پیروی کنید وانقیاد حکم من نمائید (۹۰) .

قَالُوْا لَنْ نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عٰكِفِيْنَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْنَا مُوْسٰى ﴿٩١﴾

گفتند همیشه مجاور خواهیم بود براین گوساله تاوقتیکه بازآید بسوی ما موسیٰ (۹۱) .

قَالَ يٰهٰرُوْنُ مَا مَنَعَكَ اِذْ رَاَيْتَهُمْ ضَلُّوْٓا ﴿٩٢﴾

موسیٰ آمده گفت ای هارون چه چیزبازداشت تراچون دیدی ایشان را گمراه شدند (۹۲) .

اَلَّا تَتَّبِعَنِ ۭ اَفَعَصَيْتَ اَمْرِيْ ﴿٩٣﴾

ازآنکه پیروی من کنی[1] آیاخلافِ حکم من کردی (۹۳) .

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَاْخُذْ بِلِحْيَتِيْ وَلَا بِرَاْسِيْ ۚ اِنِّيْ خَشِيْتُ اَنْ
تَقُوْلَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِيْٓ اِسْرَاۗءِيْلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِيْ ﴿٩٤﴾

گفت ای پسرِمادرِمن مگیرریش مرا ونه موی سرمرا هرآئینه من ترسیدم ازآنکه گوئی جدائی افگندی درمیان فرزندان یعقوب ونگاه نداشتی سخن مرا (۹٤) .

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يٰسَامِرِيُّ ﴿٩٥﴾

گفت موسیٰ پس چیست حال تو ای سامری (۹۵) .

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوْا بِهٖ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً
مِّنْ اَثَرِ الرَّسُوْلِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذٰلِكَ سَوَّلَتْ لِيْ نَفْسِيْ ﴿٩٦﴾

گفت بیناشدم بآنچه سائر مردم بینانه شدند بآن پس گرفتم مشتی خاك ازنقش پای فرستاده (یعنی جبرئیل) پس افگندم آنرا[2] وبهمین صفت بیاراست پیش من نفس من (۹٦) .

قَالَ فَاذْهَبْ فَاِنَّ لَكَ فِي الْحَيٰوةِ اَنْ تَقُوْلَ لَا مِسَاسَ

گفت پس بروهرآئینه ترادرزند گانی سزااینست که گوئی دست رسانیدن

(۱) یعنی بقتال اهلِ ضلال .

(۲) یعنی درکالبدی که از زرساخته بود بشکل گوساله .

وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ ۚ وَانظُرْ إِلَىٰ إِلَٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ
عَلَيْهِ عَاكِفًا ۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾

ممکن نیست[۱] وهرآئینه تراوعدهٔ دیگر است که خلاف کرده نشود درحق تو وببین بسوی معبود خود که مجاورشده بودی برآن البته بسوزانیم آن را پس حتما پراگنده سازیم آن را دردریا پراگنده ساختن (۹۷) .

إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

جزاین نیست که معبود شماخدا است آنکه نیست هیچ معبود بحق بجزاو فرا رسیده است بهرچیز ازروی دانش (۹۸) .

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ آتَيْنَاكَ
مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾

(یا محمد) این چنین حکایت می کنیم برتو ازاخبار آنچه گذشته است وهرآئینه داده ایم ترااززردیك خویش پندی (۹۹) .

مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾

هرکه روبگرداندازآن پس وی بردارد درروزقیامت باری را[۲] (۱۰۰) .

خَالِدِينَ فِيهِ ۖ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾

جاویدان درآن (بارکشیدن) و وی بدباری است ایشان را روزقیامت بارکشیدن (۱۰۱) .

يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾

روزی که دمیده شود درصور وبرانگیزیم گناهگاران را آن روزکبودچشم گشته (۱۰۲) .

يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾

پنهان حرف زنند درمیان خویش که درنگ نه کردید یعنی دردنیا مگر ده شبانه روز (۱۰۳) .

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن
لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾

ماداناتریم بحقیقت آنچه می گویند چون بگوید بهترین ایشان درروش درنگ

(۱) یعنی اگرباکسی همنشین شدی هردوراتب می گرفت .
(۲) یعنی گناهی را .

نکرده اید مگریك روز (١٠٤) .

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّيْ نَسْفًا ﴿١٠٥﴾

ومی پرسند ترا ازکوههابگو پرا گنده کندآنهارا پروردگار من پرا گنده کردن (١٠٥) .

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾

پس بگذارد زمین رامیدانی هموار (١٠٦) .

لَّا تَرٰى فِيْهَا عِوَجًا وَّلَآ اَمْتًا ﴿١٠٧﴾

نه بینی درآنجاهیچ کجی ونه هیچ بلندی (١٠٧) .

يَوْمَئِذٍ يَّتَّبِعُوْنَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهٗ وَخَشَعَتِ الْاَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ اِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾

آن روز ازپیِ آوازکننده روند[1] هیچ کجی نباشد آن اتباع را وپست شوند آواز هابرای خدا پس نشنوی مگرآواز نرم (پچ پچ) (١٠٨) .

يَوْمَئِذٍ لَّا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ اِلَّا مَنْ اَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَرَضِيَ لَهٗ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾

آن روز نفع نه دهد شفاعت مگربرای کسیکه دستوری داده است خدا اورا وپسند کرده ست اورااز روی گفتار[2] (١٠٩) .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيْطُوْنَ بِهٖ عِلْمًا ﴿١١٠﴾

میداند آنچه پیش روی آدمیان ست وآنچه پس پشت ایشان است وآدمیان درنگیرند خدارااز روی دانش (١١٠) .

وَعَنَتِ الْوُجُوْهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّوْمِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾

ونیایش کنند چهره های مردمان برای زنده خبرگیرنده هرآئینه بمطلب نرسیدهرکه برداشت ستم را (١١١) .

وَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخٰفُ ظُلْمًا وَّلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾

وهرکه بجاآورد کارهای شائسته واومومن باشد پس وی نترسد ازستمی ونه ازنقصانی (١١٢) .

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا وَّصَرَّفْنَا فِيْهِ مِنَ الْوَعِيْدِ

وهمچنین فروفرستادیم کتاب را قرآن

---

(١) یعنی انقیاداسرافیل کنند .

(٢) یعنی مسلمان باشد .

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ اَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

عربی وگونا گون بیان کردیم اندرآن ترسانیدن را تابودکه پرهیز گارشوند یاپیدا کنددرحق ایشان پندرا (١١٣) .

فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۚ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْاٰنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ
يُّقْضٰۤى اِلَيْكَ وَحْيُهٗ ۫ وَقُلْ رَّبِّ زِدْنِيْ عِلْمًا ﴿١١٤﴾

پس بلند قدرست خدابادشاه ثابت وشتابی مکن بخواندنِ قرآن پیش ازآن که بانجام رسانیده شود بسوی تو وحی او وبگو ای پروردگار من بیفزا مرا دانشی (١١٤) .

وَلَقَدْ عَهِدْنَاۤ اِلٰۤى اٰدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهٗ عَزْمًا ﴿١١٥﴾

وهرآئینه حکم فرستادیم بسوی آدم پیش ازین پس فراموش کرد و نیافتیم برای اوقصد محکم (١١٥) .

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤا اِلَّاۤ اِبْلِيْسَ ؕ اَبٰى ﴿١١٦﴾

ویادکن چون گفتیم فرشتگان راکه سجده کنید برای آدم (علیه السلام) پس سجده کردند مگرابلیس قبول نه کرد (١١٦) .

فَقُلْنَا يٰۤاٰدَمُ اِنَّ هٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا
مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقٰى ﴿١١٧﴾

پس گفتیم ای آدم هرآئینه این دشمن ست ترا و زن ترا پس باید که بیرون نه کند شمارا ازبهشت که آنگاه رنج کشی (١١٧) .

اِنَّ لَكَ اَلَّا تَجُوْعَ فِيْهَا وَلَا تَعْرٰى ﴿١١٨﴾

هرآئینه تراهست دربهشت این که گرسنه نشوی درآنجاو برهنه نشوی (١١٨) .

وَاَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيْهَا وَلَا تَضْحٰى ﴿١١٩﴾

وآنکه توتشنه نشوی آنجا وگرمی آفتاب نیابی (١١٩) .

فَوَسْوَسَ اِلَيْهِ الشَّيْطٰنُ قَالَ يٰۤاٰدَمُ هَلْ اَدُلُّكَ عَلٰى شَجَرَةِ
الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلٰى ﴿١٢٠﴾

پس وسوسه انداخت بسوی آدم شیطان گفت ای آدم آیادلالت کنم ترا بردرخت همیشه بودن وبرپادشاهی که کهنه نه گردد (١٢٠) .

فَاَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْاٰتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفٰنِ عَلَيْهِمَا

پس خوردند ازآن درخت پس ظاهر شدایشان را شرمگاهِ ایشان ودر گرفتند که می چسپانیدند برخویش ازبرگِ درختان

مِنْ وَّرَقِ الْجَنَّةِ ۫ وَعَصٰۤى اٰدَمُ رَبَّهٗ فَغَوٰى ۖ ﴿١٢١﴾

بهشت ونافرمانی کرد آدم پروردگارخودرا
پس گم کردراه را (١٢١) .

ثُمَّ اجْتَبٰهُ رَبُّهٗ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدٰى ﴿١٢٢﴾

بازبرگزیدش پروردگار اوپس (برحمت)
بازگشت بروی وراه نمود (١٢٢) .

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيْعًا ۢ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ فَاِمَّا يَاْتِيَنَّكُمْ
مِّنِّيْ هُدًى ۙ۬ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقٰى ﴿١٢٣﴾

گفت فروروید شماهردوازین بهشت
بعض اولاد شما بعض دیگررا دشمن
باشند پس اگربیاید بشما از جانب من
هدایتی پس هرکه پیروئ هدایت من کند
گمراه نشود ورنج نکشد (١٢٣) .

وَمَنْ اَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِيْ فَاِنَّ لَهٗ مَعِيْشَةً ضَنْكًا
وَّنَحْشُرُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَعْمٰى ﴿١٢٤﴾

وهرکه روگردان شود ازیادکردن من پس
اورا بود زندگانی تنگ و نابینا برانگیزیم
اورا روزقیامت (١٢٤) .

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِيْۤ اَعْمٰى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيْرًا ﴿١٢٥﴾

گوید ای پروردگار من چرا نابینا
برانگیختی مرا وهرآئینه پیش ازین
بینابودم (١٢٥) .

قَالَ كَذٰلِكَ اَتَتْكَ اٰيٰتُنَا فَنَسِيْتَهَا ۚ وَكَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسٰى ﴿١٢٦﴾

گوید همچنین آمد بتوآیاتهای ماپس تغافل
کردی ازآن وهمچنین امروز تغافل کرده
شود درحق تو (١٢٦) .

وَكَذٰلِكَ نَجْزِيْ مَنْ اَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ ؕ وَلَعَذَابُ
الْاٰخِرَةِ اَشَدُّ وَاَبْقٰى ﴿١٢٧﴾

وهمچنین سزامیدهم آن را که ازحد
گذشت و ایمان نیاورد بآیاتِ پروردگار
خود وهرآئینه عذابِ آخرت سخت
تروپاینده ترست (١٢٧) .

اَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ يَمْشُوْنَ
فِيْ مَسٰكِنِهِمْ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِي النُّهٰى ﴿١٢٨﴾

آیاراه نه نمود ایشان راآنکه بسیارهلاك
کردیم پیش ایشان ازطبقات مردمان را
می روند درمنازل آن هلاك شد گان
هرآئینه درین مقدمه نشانهاست خداوندانِ
خردرا (١٢٨) .

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَّاَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾

و اگر نبودی سختی که سابقاً صادر شد
ازپروردگارتو ونبودی وقتی معین

هرآئینه عذاب لازم شدی (١٢٩) .

فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُوْلُوْنَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوْعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوْبِهَا وَمِنْ اٰنَآئِ الَّيْلِ فَسَبِّحْ وَاَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضٰى ﴿١٣٠﴾

پس صبر کن برآنچه می گویند وتسبیح گوباحمد پروردگار خویش پیش ازبرآمدن آفتاب وپیش ازفروشدن آن وبعض ساعتهای شب واطرافِ روز تسبیح گو بود که خوشنودشوی (١٣٠) .

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ اِلٰى مَا مَتَّعْنَا بِهٖٓ اَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۙ لِنَفْتِنَهُمْ فِيْهِ ۗ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ﴿١٣١﴾

وبازمکشای دو چشم خودرا بسوی آنچه بهره مند ساخته ایم بآن جماعت هاراازایشان ازقسم آرایشِ زندگانئ دنیا تابیآزمائیم ایشان را درآن وروزئ پروردگار تو بهترست وپاینده ترست (١٣١) .

وَاْمُرْ اَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۗ لَا نَسْـَٔلُكَ رِزْقًا ۗ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوٰى ﴿١٣٢﴾

وبفرما اهل خودرابه نماز وشکیبائی کن برادای آن نمی طلبیم ازتوروزی دادن ماروزی میدهیم ترا وعاقبت خیراهل تقویٰ راست (١٣٢) .

وَقَالُوْا لَوْلَا يَاْتِيْنَا بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّهٖ ۗ اَوَلَمْ تَاْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِى الصُّحُفِ الْاُوْلٰى ﴿١٣٣﴾

وگفتند کافران چرانمی آرد پیش مانشانه ای ازجانب پروردگار خویش آیانیامده است بایشان دلیل واضح ازجنس آنچه درکتابهای پیشین ست[1] (١٣٣) .

وَلَوْ اَنَّآ اَهْلَكْنٰهُمْ بِعَذَابٍ مِّنْ قَبْلِهٖ لَقَالُوْا رَبَّنَا لَوْلَآ اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُوْلًا فَنَتَّبِعَ اٰيٰتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَّذِلَّ وَنَخْزٰى ﴿١٣٤﴾

و اگرما هلاك کردیم ایشان را بعقوبتی پیش ازفرستادن پیغامبر هرآئینه گفتند ای پروردگار چرانه فرستادی بسوی ما پیغمبری تاپیروی آیات تومی کردیم پیش ازآنکه خوارشویم ورسواگردیم (١٣٤) .

(١) یعنی قرآن مشتمل ست برقصص وغیر آن موافق کتب سابقه .

قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا ۚ فَسَتَعْلَمُونَ
مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ﴿١٣٥﴾

بگوهريك منتظرست پس شما نيز منتظر باشيد پس خواهيد دانست كيانند اهل راهِ راست وكه راه يافت (١٣٥) .

سُورَةُ الأَنبِيَاءِ

سوره انبياء مكى است وآن يك صدودوازده آيت وهفت ركوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ
مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾

نزديك شد به مردمان حساب ايشان وايشان درغفلت روگردانند(١) .

مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ
وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾

نمى آيد بايشان هيچ پند ازجانب پروردگار ايشان نوپديد آورده مگربشنوند آن را بازى كنان (٢) .

لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ ۗ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا
إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ ۖ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾

غافل شده دل هاى ايشان وپنهان رازگفتند ايشان اين ظالمان كه نيست اين شخص مگر آدمى مانند شما آياقبال مى كنيدبسحر وشمامى بينيد (٣) .

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾

گفت پيغامبر پروردگارمن مى داند هر سخنى را كه درآسمان وزمين باشدواوشنوا داناست (٤) .

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا
بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ﴿٥﴾

بلكه گفتند اين قرآن خواب هاى پريشان ست بلكه مى گويند بربسته است آنرابلكه مى گويند اوشاعرست پس بايد كه بياردپيش مانشانه چنان كه فرستاده شدند بآن نخستينيان[1] (٥) .

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۖ أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾

ايمان نياورده بود پيش ازايشان هيچ ديهى كه هلاك كرديم آن را آياايشان

(١) مترجم گويد مرادازنشانهٔ عقوبت عام مى داشتند مثل طوفان قوم نوح وصرصرقوم هود والله اعلم .

ایمان خواهند آورد (٦) .

وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِىٓ إِلَيْهِمْ فَسْـَٔلُوٓا أَهْلَ
الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ⑦

ونه فرستادیم پیش ازتو مگرمردان را که
وحی می فرستادیم بایشان پس بپرسیدازاهل
کتاب اگرشما نمی دانید (٧) .

وَمَا جَعَلْنَـٰهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا
خَـٰلِدِينَ ⑧

ونساختیم پیغمران را کالبدی که نخورند
طعام ونه بودند جاوید باشندگان (٨) .

ثُمَّ صَدَقْنَـٰهُمُ الْوَعْدَ فَأَنجَيْنَـٰهُمْ وَمَن نَّشَآءُ وَأَهْلَكْنَا
الْمُسْرِفِينَ ⑨

بازراست کردیم درحق ایشان وعده را
پس برهانیدیم ایشان را وهرکراخواستیم
وهلاك کردیم ازحدگذرندگان را(٩) .

لَقَدْ أَنزَلْنَآ إِلَيْكُمْ كِتَـٰبًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ⑩

هرآئینه فروفرستادیم بسوی شماکتابی که
دروهست پندما آیانمی فهمید (١٠) .

وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنشَأْنَا بَعْدَهَا
قَوْمًا ءَاخَرِينَ ⑪

وبسیار شکستیم ازاهل دیهی که ستمگار
بودند ونوپیدا ساختیم بعدآن گروهِ دیگر
را (١١) .

فَلَمَّآ أَحَسُّوا بَأْسَنَآ إِذَا هُم مِّنْهَا يَرْكُضُونَ ⑫

پس چون دیدند عذاب ما ناگهان ایشان
ازآنجا می دویدند (١٢) .

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوٓا إِلَىٰ مَآ أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَـٰكِنِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تُسْـَٔلُونَ ⑬

گفتیم مگریزید وبازروید بسوی مکانی که
آسودگی داده شد شمارا درآن و بسوی
خانهائ خویش تابود که پرسیده شوید(١)
(١٣) .

قَالُوا يَـٰوَيْلَنَآ إِنَّا كُنَّا ظَـٰلِمِينَ ⑭

گفتند ای وای ماراهرآئینه بودیم ستمگار
(١٤) .

فَمَا زَالَت تِّلْكَ دَعْوَىٰهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَـٰهُمْ حَصِيدًا خَـٰمِدِينَ ⑮

پس همیشه این بود گفتارایشان تاوقتیکه
گردانیدیم ایشان را مثل زراعت درووده
شده مانند آتش فرومرده (١٥) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَـٰعِبِينَ ⑯

ونیافریدیم آسمان وزمین را وآنچه

(١) یعنی بغمخوارگی قوم احوال شما پرسند .

درمیان آنهاست بازی کنان (١٦) .

لَوْ أَرَدْنَآ أَن نَّتَّخِذَ لَهْوًا لَّاتَّخَذْنَٰهُ مِن لَّدُنَّآ إِن كُنَّا فَٰعِلِينَ ﴿١٧﴾

اگرمی خواستیم که بسازیم بازیچه[١] هرآئینه می ساختیم آن را ازنزدیك خویش اگرکننده می بودیم[٢] (١٧) .

بَلْ نَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَى ٱلْبَٰطِلِ فَيَدْمَغُهُۥ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ۚ وَلَكُمُ ٱلْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

بلکه می افگنیم حق را برباطل پس سرش می شکند پس ناگهان باطل نابود شود و وای شماراست ازآن چه بیان می کنید (١٨) .

وَلَهُۥ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ وَمَنْ عِندَهُۥ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِۦ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾

واوراست آنکه درآسمان هاوزمین ست وآنانکه نزدیك اویند[٣] سرکشی نمی کنند ازعبادت او وامانده نمی شوند (١٩) .

يُسَبِّحُونَ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾

تسبیح می گویند شب وروز سستی نمی نمایند (٢٠) .

أَمِ ٱتَّخَذُوٓا۟ ءَالِهَةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ ﴿٢١﴾

آیااین چنین معبودان گرفته اند ازامتعهٔ زمین[٤] که ایشان را بعدموت بازبرانگیزانند[٥] (٢١) .

لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ ٱلْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾

اگربودی درآسمان و زمین خدایان چند غیرخدا هردوتباه گشتندی پاکی خدائراست خداوند عرش ازآنچه صفت

---

(١) یعنی زن وفرزند .

(٢) یعنی مجردمی بودند واین مناقضه لطیفه است حاصل آنکه دررسل این استبعادجاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن رادر تنزیه اززن وفرزندمی توان تقریر کرد که ا گرخدارازن وفرزندمی بودند مجرد وواجب الوجود جامع اوصاف کمال می بودند والله اعلم .

(٣) یعنی ملااعلی .

(٤) یعنی ازذهب وفضه .

(٥) مرادازین کلام ردست برعبادت اصنام .

می کنند (٢٢) .

لَا يُسْـَٔلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْـَٔلُوْنَ ﴿٢٣﴾

پرسیده نمی شود خدا ازآنچه می کند وایشان پرسیده می شوند (٢٣) .

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً ۗ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ ۚ
هٰذَا ذِكْرُ مَنْ مَّعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِيْ ۗ بَلْ اَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْلَمُوْنَ ۙ الْحَقَّ فَهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٢٤﴾

ایامعبودان گرفته اند بجز خدا بگوبیارید دلیل خودرا اینست کتاب آنانکه بامن اند واینست کتاب آنانکه پیش ازمن بودند بلکه اکثر ایشان نمی دانند حق را پس ایشان روگردانند (٢٤) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِيْٓ اِلَيْهِ اَنَّهٗ
لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدُوْنِ ﴿٢٥﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو هیچ پیغمبری الّاوحی می فرستادیم بسوی وی که نیست هیچ معبود برحق غیر من پس پرستش من کنید (٢٥) .

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهٗ ۗ بَلْ عِبَادٌ
مُّكْرَمُوْنَ ۙ ﴿٢٦﴾

وگفتند فرزند گرفته است خدا پاکی اوراست بلکه آنانکه درحق ایشان این زعم دارندبند گانِ گرامی اند (٢٦) .

لَا يَسْبِقُوْنَهٗ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهٖ يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٧﴾

پیش دستی نمی کنند برخدا بهیچ سخن وایشان بفرمان وی کارمی کنند (٢٧) .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُوْنَ ۙ
اِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهٖ مُشْفِقُوْنَ ﴿٢٨﴾

میداند خداآنچه درپیش روی ایشان ست وآنچه پس پشت ایشان ست وشفاعت نمی کنند الّابرای کسیکه خداخوشنودشده است وایشان ازترسِ خدا مضطربانند (٢٨) .

وَمَنْ يَّقُلْ مِنْهُمْ اِنِّيْٓ اِلٰهٌ مِّنْ دُوْنِهٖ فَذٰلِكَ نَجْزِيْهِ جَهَنَّمَ ۗ
كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٩﴾

وهرکه بگویدازایشان که من خدایم بجزخدا سزا دهیم اورا دوزخ همچنین سزامی دهیم ستمگاران (٢٩) .

اَوَلَمْ يَرَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ

آیا نه دیدند کافران که آسمان ها وزمین بسته بودند پس وا کردیم این هارا[1]

---

(١) مترجم گوید وا کردن آسمان ها نازل کردن مطرست ووا کردن زمین رویانیدن گیاه=

كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۖ
أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾

ويپداكرديم ازآب هرچيز زنده را آياايمان
نمى آرند (٣٠) .

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا
فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾

وپيداكرديم درزمين كوه هاازبراى احتراز
ازآنكه بجنباند ايشان را وپيداكرديم
درآنجا كشاده راه ها تابود كه ايشان راه
يابند (٣١) .

وَجَعَلْنَا السَّمَآءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ
آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾

وساختيم آسمان را سقفى نگاه داشته
شده وايشان ازنشان هاى آسمان
روگردانند (٣٢) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ
فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾

واوست آنكه آفريد شب و روزرا
وخورشيد را وماه را هريكى ازستارها
درآسمانى شنامى كنند (٣٣) .

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَإِنْ مِّتَّ
فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾

ونداديم هيچ آدمى را پيش ازتو هميشه
بودن آيا اگر توبميرى ايشان هميشه
باشندگانند (٣٤) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ
فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

هرشخص چشندهٔ مرگ است ومبتلامى
كنيم شمارا بسختى وآسودگى بطريق
امتحان وبسوى ما بازگردانيده شويد
(٣٥) .

وَإِذَا رَاٰكَ الَّذِينَ كَفَرُوٓا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا ۖ أَهٰذَا
الَّذِي يَذْكُرُ اٰلِهَتَكُمْ ۚ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمٰنِ هُمْ كٰفِرُونَ ﴿٣٦﴾

وچون ببينند ترا كافران نمى‌گيرند ترا مگر
به تمسخر مى‌گويند آيااين شخص است
كه يادمى كند (يعنى باهانت) معبودانِ
شمارا وايشان يادخدا را منكر اند (٣٦).

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۚ سَأُورِيكُمْ اٰيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾

آفريده شد آدمى ازشتاب[1] خواهم
نمودشما رانشانهاى خويش پس شتاب

= ازوى .

(١) اين كنايت است ازغلبهٔ استعجال برآدمى والله اعلم .

طلب مکنیدازمن (٣٧) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

ومی گویند کی خواهد بود این وعده اگر راست گو هستید (٣٨) .

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَن وُجُوهِهِمُ
النَّارَ وَلَا عَن ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾

اگربدانند کافران صورت حال آن وقت که باز نتوانند داشت ازروی رویهای خویش آتش را ونه ازپشت های خویش ونه ایشان نصرت داده شوند(چنین نه گفتندی) (٣٩) .

بَلْ تَأْتِيهِم بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾

بلکه بیاید بایشان قیامت ناگهان پس حیران گرداندایشان راپس نتوانند دفع کردن ان و نه ایشان مهلت داده شوند (٤٠) .

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا
مِنْهُم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾

وهرآئینه تمسخر کرده شد به پیغامبران پیش ازتو پس درگرفت باآنانکه تمسخر کردند ازایشان آنچه بآن استهزا می کردند (٤١) .

قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَٰنِ ۗ بَلْ هُمْ عَن
ذِكْرِ رَبِّهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾

بگو که نگهبانی می کند شمارا شب و روز ازعقوبتِ خدا بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روگردان اند (٤٢) .

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُم مِّن دُونِنَا ۚ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ
أَنفُسِهِمْ وَلَا هُم مِّنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾

آیاایشان را معبودانند غیرماکه نگاه می دارند ایشان را ازمصائب نمی توانند نصرت دادن خویش را ونه ایشان ازعقوبت ما به جمعیتِ خود محفوظ مانند (٤٣) .

بَلْ مَتَّعْنَا هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۗ
أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ۚ
أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

بلکه بهره مند ساخته ایم ایشان را وپدران ایشان را تاوقتیکه درازشد برایشان مدت عمر آیانمی بینند که مادرگرفت می کنیم زمین دارالحرب را می کاهیم آن را ازجوانب آن آیا ایشان غلبه

کنند گانند[١] (٤٤) .

قُلْ إِنَّمَآ أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ ۚ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَآءَ
إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾

بگوجزاین نیست که می ترسانم شمارا بمضمون وحی ونمی شنوند کران آوازِ خواندن را چون ترسانیده می شوند (٤٥) .

وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَآ
إِنَّا كُنَّا ظَٰلِمِينَ ﴿٤٦﴾

و اگر رسد بایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو هرآئینه گویند ای وای مارا هر آئینه مابودیم ستمگاران (٤٦) .

وَنَضَعُ الْمَوَٰزِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَٰمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ
شَيْـًٔا ۖ وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا
بِهَا ۗ وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾

ودرمیان نهیم ترازوئ عدل را روزقیامت پس ستم کرده نشود برهیچ کس هیچ چیز و اگرباشد عمل هم سنگ دانهٔ سپندان حاضر کنیم آن را وماحساب کننده بسیم (٤٧) .

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءً
وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ وهارون را کتاب فیصله کننده وروشنی .وپندی پرهیزگاران را (٤٨) .

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَةِ
مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾

آنانکه می ترسند ازپروردگار خویش غائبانه وایشان ازقیامت ترسندگانند (٤٩) .

وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَٰهُ ۚ أَفَأَنتُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ ﴿٥٠﴾

واین قرآن پندی هست بابرکت فروفرستادیم آن را آیا شما بآن منکر اید (٥٠) .

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَآ إِبْرَٰهِيمَ رُشْدَهُۥ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِۦ
عَٰلِمِينَ ﴿٥١﴾

وهرآئینه دادیم ابراهیم را راه یابیٔ او پیش ازین وبودیم باحوال اودانا (٥١) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ مَا هَٰذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِىٓ أَنتُمْ لَهَا
عَٰكِفُونَ ﴿٥٢﴾

چون گفت پدرخودرا وقوم خودراچیست این صورت ها که شمابرآن مجاورت دارید (٥٢) .

(١) یعنی باسلام اسلم وغفارپیش ازهجرت .

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾

گفتند یافتیم پدران خودرا آن را پرستنده (٥٣) .

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٥٤﴾

گفت هرآئینه بودید شما و پدران شما درگمراهیٔ ظاهر (٥٤) .

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾

گفتند آیا آوردی بما سخن راست رایاتو ازبازی کنندگانی (٥٥) .

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي
فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾

گفت بلکه پروردگارشما خداوند آسمان ها وزمین است آنکه آفرید این هارا ومن براین سخن ازگواهانم (٥٦) .

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

وبخدا قسم که البته بدسگالیِ کنم بتانِ شمارا بعد ازآن که روبگردانید پشت داده (٥٧) .

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾

پس ساخت آنهارا ریزه ریزه مگر بتِ بزرگ راازایشان تابود که بسوی اوایشان باز گردند (٥٨) .

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾

گفتند که کرده است این کار بمعبودان ماهرآئینه وی ازستمگاران ست (٥٩) .

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾

گفتند شنیدیم جوانی را که ذکر بتان میکرد یعنی عیب می کرد گفته می شود اورا ابراهیم (٦٠) .

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾

گفتند بیارید اورا بحضور چشمهای مردمان تابود که ایشان گواهی دهند (٦١) .

قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٢﴾

گفتند آیا تو کردی این کار بمعبودان ما ای ابراهیم (٦٢) .

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَاسْأَلُوهُمْ
إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾

گفت بلکه کرده است آن را این بتِ بزرگ ایشان پس سوال کنید ازبتان اگرسخن می گویند (٦٣) .

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾

پس رجوع کردند بخویشتن پس گفتند بایکدیگر هرآئینه شمااید ستمگار (٦٤).

ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ
مَا هَٰؤُلَاءِ يَنطِقُونَ ﴿٦٥﴾

پس نگونسار شدند برسر خویش (واین کنایت ست ازملزم شدن) هرآئینه تومیدانی که ایشان سخن نمی گویند (٦٥).

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا
وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾

گفت آیا عبادت می کنید بجز خداچیزی را که هیچ نفع نمی رساند بشما وزیان نکند شمارا (٦٦).

أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

ناخوشی است بشما وبآنچه شمامی پرستید بجز خدا آیانمی فهمید (٦٧).

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٦٨﴾

بایك دیگر گفتند که بسوزانید اورا و نصرت دهید خدایان خودرا اگر کننده اید(1) (٦٨).

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

گفتیم ای آتش سردشو وسلامتی باش برابراهیم (٦٩).

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾

و خواستند باو فریب کردن پس ساختیم ایشان را زیان کار تر (٧٠).

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا
فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

وبرهانیدیم ابراهیم را و لوط را بسوی زمینی که برکت نهادیم درآن عالم هارا(2) (٧١).

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا
صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾

وعطا کردیم اورا اسحق وعطا کردیم اورایعقوب که نبیرهٔ ابراهیم بود وهر یکی راساختیم نیکوکار (٧٢).

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ

وپیشوا گردانیدیم ایشان را راه می نمودند بفرمان ما ووحی فرستادیم بسوی

---

(١) القصه درآتش انداختند.

(٢) یعنی سرزمین شام.

الْخَيْرٰتِ وَاِقَامَ الصَّلٰوةِ وَاِيْتَآءَ الزَّكٰوةِ ۚ وَكَانُوْا لَنَا عٰبِدِيْنَ ۙ ﴿٧٣﴾

ایشان کردن نیکوئیها وبرپاداشتن نماز ودادنِ زکوٰة وبودند مارا عبادت کنندگان (٧٣).

وَلُوْطًا اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا وَّنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِيْ كَانَتْ تَّعْمَلُ الْخَبٰٓئِثَ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمَ سَوْءٍ فٰسِقِيْنَ ۙ ﴿٧٤﴾

ولوط را دادیم حکمت و علم وبرهانیدیم اورا از دیهی که می کرد کارهای ناپاك هرآئینه ایشان بودند قوم بد گنهگار (٧٤).

وَاَدْخَلْنٰهُ فِيْ رَحْمَتِنَا ۭ اِنَّهٗ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٧٥﴾

ودرآوردیم اورا برحمت خویش هرآئینه وی بود ازشائسته کاران (٧٥).

وَنُوْحًا اِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَنَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيْمِ ۚ ﴿٧٦﴾

ویاد کن نوح را چون ندا کردپیش ازین پس قبول کردیم دعای اورا پس خلاص کردیم اورا وکسان اورا از اندوه بزرگ (٧٦).

وَنَصَرْنٰهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمَ سَوْءٍ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٧٧﴾

ونصرت دادیم اورا برقومی که دروغ شمردند آیات مارا هرآئینه ایشان بودند گروهی بد پس غرق کردیم ایشان را همه یکجا (٧٧).

وَدَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ اِذْ يَحْكُمٰنِ فِي الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ فِيْهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شٰهِدِيْنَ ۙ ﴿٧٨﴾

ویادکن داوٗد و سلیمان راچون حکم کردند درباب زراعت چون بوقت شب چراکرد درآن گوسفندان گروهی وبودیم برحکم ایشان حاضر[1] (٧٨).

فَفَهَّمْنٰهَا سُلَيْمٰنَ ۚ وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَّعِلْمًا ۡ وَّسَخَّرْنَا

پس فهمانیدیم طریق فیصله کردن خصومت سلیمان راوهر یکی را داده

(١) یعنی گوسفند انِ قومی درزراعت قومی دیگر بوقتِ شب درآمدند وچراکردند داوٗد علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفند انِ عوض زراعت سلیمان حکم کرداین قوم را باصلاح زراعت وآن قوم را بانتفاع از شیر غنم تاوقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان اصوب بود والله اعلم .

مَعَ دَاوٗدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۚ وَكُنَّا فٰعِلِيْنَ ﴿٧٩﴾

بوديم حكمت ودانش ومسخر گردانيديم
با داؤد كوه ها را كه بااوتسبيح مى گفتند
ومرغان را نيز مسخر ساختيم ومابوديم
كننده (٧٩) .

وَعَلَّمْنٰهُ صَنْعَةَ لَبُوْسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ
مِّنْۢ بَاْسِكُمْ ۚ فَهَلْ اَنْتُمْ شٰكِرُوْنَ ﴿٨٠﴾

وبياموختيم اوراساختنِ لباسى براى شما
كه نگاه دارد شمارا ازضرركارزار شما[1]
پس آيا هستيد شكر كننده (٨٠) .

وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيْحَ عَاصِفَةً تَجْرِيْ بِاَمْرِهٖٓ اِلَى الْاَرْضِ
الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا ۚ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عٰلِمِيْنَ ﴿٨١﴾

ومسخر ساختيم براى سليمان
بادتندوَزِنده مى رفت بفرمان وَى بسوى
زمينيى كه بركت نهاديم درآن (يعنى شام)
وبوديم بهرچيز دانا (٨١) .

وَمِنَ الشَّيٰطِيْنِ مَنْ يَّغُوْصُوْنَ لَهٗ وَيَعْمَلُوْنَ عَمَلًا
دُوْنَ ذٰلِكَ ۚ وَكُنَّا لَهُمْ حٰفِظِيْنَ ﴿٨٢﴾

ومسخر ساختيم ازديوان جماعتى را كه
غواصى مى كردند براى وى ومى كردند
كارى غير آن نيزو بوديم ايشان را نگاه
دارنده (٨٢) .

وَاَيُّوْبَ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗٓ اَنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ
اَرْحَمُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿٨٣﴾

و يادكن ايوب را چون نداكرد بجناب
پروردگار خويش بآنكه مرا رسيده است
رنج وتو مهربان ترين مهربانانى (٨٣) .

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَكَشَفْنَا مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ وَّاٰتَيْنٰهُ اَهْلَهٗ
وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرٰى
لِلْعٰبِدِيْنَ ﴿٨٤﴾

پس قبول كرديم دعاى اورا پس دورساختيم
آنچه باوى بود ازرنج وعطاكرديم
اورافرزندان او ومانند ايشان همراه ايشان
بسبب مهربانى ازنزديك خويش وتاپندى
بود عبادت كنندگان را (٨٤) .

وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِدْرِيْسَ وَذَا الْكِفْلِ ۭ كُلٌّ مِّنَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿٨٥﴾

ويادكن اسمعيل راو ادريس را وذوالكفل
را هريكى ازصبر كنندگان بود (٨٥) .

وَاَدْخَلْنٰهُمْ فِيْ رَحْمَتِنَا ۭ اِنَّهُمْ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٨٦﴾

ودرآورديم ايشان را در رحمت خود
هرآئينه ايشان ازنيكوكاران بودند (٨٦) .

---

(١) يعنى ساختن زره .

وَ ذَا النُّوۡنِ اِذۡ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنۡ لَّنۡ نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمٰتِ اَنۡ لَّاۤ اِلٰهَ اِلَّاۤ اَنۡتَ سُبۡحٰنَكَ ۖ اِنِّىۡ كُنۡتُ مِنَ الظّٰلِمِيۡنَ ۚ ۖ ﴿٨٧﴾

فَاسۡتَجَبۡنَا لَهٗ ۙ وَنَجَّيۡنٰهُ مِنَ الۡغَمِّ ؕ وَكَذٰلِكَ نُـنۡجِى الۡمُؤۡمِنِيۡنَ ﴿٨٨﴾

وَزَكَرِيَّاۤ اِذۡ نَادٰى رَبَّهٗ رَبِّ لَا تَذَرۡنِىۡ فَرۡدًا وَّاَنۡتَ خَيۡرُ الۡوٰرِثِيۡنَ ۚ ۖ ﴿٨٩﴾

فَاسۡتَجَبۡنَا لَهٗ وَوَهَبۡنَا لَهٗ يَحۡيٰى وَاَصۡلَحۡنَا لَهٗ زَوۡجَهٗ ؕ اِنَّهُمۡ كَانُوۡا يُسٰرِعُوۡنَ فِى الۡخَيۡرٰتِ وَيَدۡعُوۡنَنَا رَغَبًا وَّرَهَبًا ؕ وَكَانُوۡا لَنَا خٰشِعِيۡنَ ﴿٩٠﴾

وَالَّتِىۡۤ اَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا فَنَفَخۡنَا فِيۡهَا مِنۡ رُّوۡحِنَا وَجَعَلۡنٰهَا وَابۡنَهَاۤ اٰيَةً لِّـلۡعٰلَمِيۡنَ ﴿٩١﴾

اِنَّ هٰذِهٖۤ اُمَّتُكُمۡ اُمَّةً وَّاحِدَةً ۖ وَّاَنَا رَبُّكُمۡ فَاعۡبُدُوۡنِ ﴿٩٢﴾

وَتَقَطَّعُوۡۤا اَمۡرَهُمۡ بَيۡنَهُمۡ ؕ كُلٌّ اِلَـيۡنَا رٰجِعُوۡنَ ﴿٩٣﴾

ویادکن ذوالنون راچون رفت خشم خورده[١] پس گمان کرد که تنگ نگیریم بروی[٢] پس ندا کرد درتاریکی ها بآن که هیچ معبود بحق نیست غیرتو پاکی تراست هرآئینه من بودم ازستمگاران (٨٧) .

پس قبول کردیم دعای اورا ونجات دادیمش ازغم وهمچنین نجات می دهیم مسلمانان را (٨٨) .

ویادکن زکریا را چون ندا کرد بجناب پروردگار خود ای پروردگار من مگذارمرا تنها وتو بهترین وارثانی (٨٩) .

پس قبول کردیم دعای اورا وبخشیدیم اورا یحییٰ ونیکوساختیم برای اوزن اورا هرآئینه این پیغامران شتاب می کردند درنیکی ها ومی خواندند مارا بتوقع و خوف وبودند برای ما نیاز مند (٩٠) .

ویادکن زنی را که بعفت نگاه داشت شرمگاهِ خودرا پس دمیدیم درآن روح خودرا وساختیم اورا وپسر اورا نشانه برای عالمها (٩١) .

گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملت یکتاومن پروردگار شما ام پس عبادت من کنید[٣] (٩٢) .

ومتفرق شدندامت هادرکارخود[٤]

---

(١) یعنی برقوم خود بغیراذن الهی والله اعلم .

(٢) القصه حوت اورابحلق درکشید .

(٣) یعنی اصل دین واحد ست واختلاف درفروع می باشد .

(٤) یعنی دراصل دین .

درمیان خویش هر یك بسوی مارجوع
کنندگان اند (٩٣) .

فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾

پس هرکه بکند ازجنس کارهای شائسته
واومومن باشد پس ناقبولی نه بُوَد سعی
اورا وهرآئینه برای اومی نویسیم (٩٤) .

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾

ومحال است برهردیهی که هلاك کردیم
اوراآنکه بازگردند (یعنی بدنیا) (٩٥) .

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ
حَدَبٍ يَنسِلُونَ ﴿٩٦﴾

تاوقتیکه کشاده شود قیدیاجوج وماجوج
وایشان ازهربلندی بشتابند (٩٦) .

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ
كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا بَلْ
كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾

ونزدیك برسد وعدۀ راست پس ناگهان
حال اینست بالادوخته شود چشم های
کافران گویند وای برماهرآئینه درغفلت
بودیم ازین حال بلکه بودیم ستمگار
(٩٧) .

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ
أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾

هرآئینه شما وآنچه می پرستید بجز خدا
یعنی بتان آتش انگیز دوزخ باشید
شمابروی داخل شوید(٩٨) .

لَوْ كَانَ هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾

اگرمی بودند این معبودان داخل نمی
شدند به دوزخ و همه ایشان
آنجاجاویدان باشند (٩٩) .

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾

ایشان را آنجاناله باشد وایشان آنجاهیج
نه شنوند (١٠٠) .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ
عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

هرآئینه آنانکه سابقاً مقررشد برای ایشان
ازجانب مانیکوئی این جماعت ازدوزخ
دور کرده شوند (١٠١) .

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ
خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾

نه شنوند آواز دوزخ را وایشان درآنچه
خواهد نفسهای ایشان جاویدانند (١٠٢) .

لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا يَوْمُكُمُ
الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾

اندوهگین نه سازد ایشان را آن ترس
بزرگ وپیش آیند ایشان را فرشتگان گویند

اینست آن روزکه شمارا وعده داده می شد (١٠٣) .

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَآءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۚ كَمَا بَدَأْنَآ أَوَّلَ
خَلْقٍ نُّعِيدُهٗ ۚ وَعْدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا فٰعِلِينَ ١٠٤

روزیکه درپیچیم آسمان رامانندِ پیچیدنِ طوماروقتِ نوشتن نامه هارا چنانکه آغازیدیم اوّل آفرینش را دیگربار کنیم آفرینش وعده لازم برما هرآئینه ماکننده ایم (١٠٤) .

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْۢ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ
يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصّٰلِحُونَ ١٠٥

وهرآئینه نوشتیم درزبور بعدازتورات که زمین وارث آن شوند بندگان شائسته ما[1] (١٠٥) .

إِنَّ فِي هٰذَا لَبَلٰغًا لِّقَوْمٍ عٰبِدِينَ ١٠٦

هرآئینه درآنچه گفته شدکفایت است گروه عابدان را (١٠٦) .

وَمَآ أَرْسَلْنٰكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِينَ ١٠٧

ونه فرستادیم ترا مگر ازروی مهربانی برعالمها (١٠٧) .

قُلْ إِنَّمَا يُوحٰٓى إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وّٰحِدٌ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ
مُّسْلِمُونَ ١٠٨

بگو جزاین نیست که وحی فرستاده می شود بسوی من که معبود شما خدای یکتاست پس آیاگردن نهنده هستید (١٠٨) .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلٰى سَوَآءٍ ۖ وَإِنْ أَدْرِيٓ أَقَرِيبٌ أَمْ
بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ١٠٩

پس اگر اعراض کنند پس بگو خبردارساختیم شمارابروجهی که همه برابر باشید ونمی دانم که نزدیك است یا دوراست آنچه وعده داده میشوید (١٠٩) .

إِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ١١٠

هرآئینه خدامی داندآشکاررا ازسخن ومی داند آنچه پنهان می کنید (١١٠) .

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهٗ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتٰعٌ إِلٰى حِينٍ ١١١

ونمی دانم شاید تاخیرِ موعود ابتلاباشد شمارا وبهره مندی باشد تامدتی (١١١) .

---

(١) یعنی درآخرزمان پیغامبری مبعوث شود وامت اوبرهرزمین غالب شود والله اعلم .

قٰلَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمٰنُ الْمُسْتَعَانُ
عَلٰى مَا تَصِفُوْنَ ﴿١١٢﴾

پیغامبر گفت ای پروردگار من حکم کن براستی وپروردگار مابخشائنده است ازوی مدد طلب کرده می شود برآنچه بیان می کنید (١١٢) .

سُوْرَةُ الْحَجِّ

سوره حج مدنی است وآن هفتادوهشت آیت وده رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمْ ۚ اِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيْمٌ ﴿١﴾

ای مردمان بترسید ازپروردگار خویش هرآئینه زلزله که نزدیك قیامت باشد چیزی بزرگ ست (١) .

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّآ اَرْضَعَتْ
وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكٰرٰى
وَمَا هُمْ بِسُكٰرٰى وَلٰكِنَّ عَذَابَ اللّٰهِ شَدِيْدٌ ﴿٢﴾

روزی که ببینید آن را غافل شود هرشیر دهنده از طفلی که شیرمی دهدش وبنهد هرزنِ باردار بارِشکم خودرا وببینی مردمان را مست ونیستند مست ولیکن عذاب خدا سخت ست (٢) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِى اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّيَتَّبِعُ
كُلَّ شَيْطٰنٍ مَّرِيْدٍ ﴿٣﴾

وازمردمان کسی هست که گفتگو می کند درشانِ خدا بغیر دانش وپیروی می نماید هرشیطان متمرد را (٣) .

كُتِبَ عَلَيْهِ اَنَّهٗ مَنْ تَوَلَّاهُ فَاَنَّهٗ يُضِلُّهٗ وَيَهْدِيْهِ اِلٰى
عَذَابِ السَّعِيْرِ ﴿٤﴾

که درقضای الهی نوشته شده است بروی که هرکه دوست داری اوکند پس وی گمراه کندش وراه نمایدش بسوی عذابِ آتش (٤) .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِىْ رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَاِنَّا خَلَقْنٰكُمْ
مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ
مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَّغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ ۗ وَنُقِرُّ
فِى الْاَرْحَامِ مَا نَشَآءُ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ
نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوْٓا اَشُدَّكُمْ ۚ وَمِنْكُمْ مَّنْ

ای مردمان اگردرشك اید از رستخیز پس هرآئینه ماآفریدیم شمارا ازخاك بازازنطفه بازاز خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده وغیر صورت داده (می گوئیم) تاواضح سازیم برای شما وقرار می دهیم دررحمها چیزی را که خواهیم تامیعاد معین بازبیرون می آریم شمارا

يُتَوَفّٰى وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرَدُّ اِلٰٓى اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا
يَعْلَمَ مِنْۢ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْـًٔا ؕ وَتَرَى الْاَرْضَ
هَامِدَةً فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ اهْتَزَّتْ
وَرَبَتْ وَاَنْۢبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍۢ بَهِيْجٍ ۝٥

کودکی باز تربیت می کنیم تابرسید بنهایت جوانی خود وازشما کسی بود که میرانده شود وازشما کسی بود که باز گردانیده شود به بدترین عمر تا نداند چیزی را بعدازآن که می دانست ومی بینی زمین را خشك شده پس وقتیکه فروفرستادیم برآن آب را جنبش کند وبیافزاید وبرویاند ازهرقسم رونق دار (٥) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّهٗ يُحْىِ الْمَوْتٰى
وَاَنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۙ ۝٦

این همه به سبب آنست که خدا همونست ثابت وآنکه وی زنده می کند مُردگان را وآنکه وی برهمه چیز تواناست (٦) .

وَّاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ
فِى الْقُبُوْرِ ۝٧

وآنکه قیامت آمدنی ست نیست هیچ شبهه درآن وآنکه خدا برانگیزد آنان را که درگور ها باشند (٧) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِى اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى
وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ۙ ۝٨

وازمردمان کسی هست که گفتگومی کند درشانِ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن (٨) .

ثَانِىَ عِطْفِهٖ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ لَهٗ فِى الدُّنْيَا
خِزْىٌ وَّنُذِيْقُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ الْحَرِيْقِ ۝٩

پیچیده صفحه گردن خودرا[1] تا گمراه کند ازراهِ خدا اورااست دردنیا رسوائی بچشانیم اورا روزِقیامت عذابِ سوختن (٩) .

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدٰكَ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ۝١٠

گویم این به سبب آن اعمال ست که فرستادش دودست توو به سبب آن ست که خدانیست ستم کننده بر بندگان (١٠) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ ۚ فَاِنْ اَصَابَهٗ

وازمردمان کسی هست که عبادت می

(١) یعنی تکبرکنان .

خَيْرُ ۣاطْمَاَنَّ بِهٖ ۚ وَاِنْ اَصَابَتْهُ فِتْنَةُ ۨانْقَلَبَ عَلٰى
وَجْهِهٖ ۚ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةَ ۚ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ
الْمُبِيْنُ ﴿١١﴾

كند خدارا بركناره پس اگربرسد اورانعمتی آرام گيرد بآن عبادت و اگر برسد اورابلای برگردد برروی خود باخت دنيا وآخرت را اينست زيانِ ظاهر (١١).

يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهٗ وَمَا لَا يَنْفَعُهٗ ۚ ذٰلِكَ هُوَ
الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ﴿١٢﴾

به نيايش می خواند بجز خدا چيزی را كه زيان نه رساندش و سودنه دهدش اينست گمراهئ دور (١٢) .

يَدْعُوْا لَمَنْ ضَرُّهٗۤ اَقْرَبُ مِنْ نَّفْعِهٖ ۚ لَبِئْسَ الْمَوْلٰى
وَلَبِئْسَ الْعَشِيْرُ ﴿١٣﴾

ميخواند كسی را كه زيان او نزديك ترست ازسوداو هرآئينه بدخداوند ست وبدياری ست (١٣) .

اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ
تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ﴿١٤﴾

هر آئينه خدادرآرد آنان را كه ايمان آورده اند وكارهای شائسته كرده اند دربوستانها كه ميرود زيرآن جوئيها هرآئينه خدا می كند آنچه می خواهد (١٤) .

مَنْ كَانَ يَظُنُّ اَنْ لَّنْ يَّنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا
وَالْاٰخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ اِلَى السَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ
فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهٗ مَا يَغِيْظُ ﴿١٥﴾

هركه پنداشته باشد كه نصرت نخواهد داد خدا پيغامبر را دردنيا وآخرت پس بايد بياويزد ريسمانی بجانب بالا بازبايد كه قطع نمايد پس ببينند آيا دورمی كنداين تدبيرِ اوچيزی را كه بخشم آورده[1] (١٥).

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ اٰيٰتٍ ۢ بَيِّنٰتٍ ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يُّرِيْدُ ﴿١٦﴾

وهمچنين فروفرستاديم قرآن را آياتِ روشن وبدانيد كه خداراه می نمايد هركرا خواهد (١٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَادُوْا وَالصّٰبِـِٕيْنَ وَالنَّصٰرٰى
وَالْمَجُوْسَ وَالَّذِيْنَ اَشْرَكُوْۤا ۖ اِنَّ اللّٰهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۚ
اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿١٧﴾

هرآئينه آنان كه ايمان آوردند وآنانكه يهود شدند وستاره پرستان وترسايان وگبران و مشركان خدای تعالی فيصله خواهد كرد ميان ايشان روزقيامت هرآئينه خدابرهر

---

(١) يعنی اگرازين غصّه بميردهيچ ضرر نكند .

چیز مطلع ست (۱۷) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ
وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ ۖ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۗ وَمَنْ يُهِنِ
اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۩ (۱۸)

آیاندیدی که سجده می کنند خدای تعالی را آنانکه درآسمان هااند وآنانکه درزمین اند وخورشید وماه وستارگان وکوه ها و درختان و چهارپایان وبسیاری ازمردمان وبسیارکس هستند که ثابت شده است برایشان عذاب وهرکرا خوار کند خدا پس نیست اوراهیچ گرامی دارنده هرآئینه خدامی کند آنچه می خواهد (۱۸) .

هٰذٰنِ خَصْمٰنِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا
قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ
الْحَمِيمُ (۱۹)

این دوفریق دشمنان یکدیگراند خصومت کردنددرشان پروردگار خویش پس آنانکه کافر شدند قطع کرده شد برای ایشان جامها ازآتش ریخته شود بالای سرایشان آبِ گرم (۱۹) .

يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ (۲۰)

گداخته گردد بآن هرچه در شکمِ ایشان باشد وپوست های نیز (۲۰) .

وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ (۲۱)

وبرای کوفتن ایشان مهیّا باشند گرزها ازآهن (۲۱) .

كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا
فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

هرگاهی که خواهند که برآیند ازدوزخ خلاص شوند ازآندوه بازگردانیده شوند آنجا وگفته شود بچشید عذاب سوختن (۲۲) .

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ
أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۲۳)

هرآئینه خدا درمی آرد آنان راکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند دربوستانها میرود درزیرِ آن جوئیها پیرایه پوشانیده شوند آنجا دستوانها اززر و پوشانیده شوند مروارید ولباس ایشان آنجا ابریشم بُود (۲۳) .

وَهُدُوٓا إِلَى ٱلطَّيِّبِ مِنَ ٱلْقَوْلِ وَهُدُوٓا إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلْحَمِيدِ ﴿٢٤﴾

راه نمودشد[1] ایشان را بپاکیزه ازسخن ودلالت کرده شدایشان رابراهِ خدای ستوده (٢٤) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ٱلَّذِى جَعَلْنَـٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلْعَـٰكِفُ فِيهِ وَٱلْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍۭ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند وبازمی دارند ازراهِ خدا واز مسجدِ حرام که پیدا کرده ایم آن را برای مردمان یکسان آنجا متوطن وصحرانشین وهرکه خواهد آنجاکجروی کردن بستمگاری بچشانیم اورااز‌عذاب درد دهنده (٢٥) .

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِى شَيْـًٔا وَطَهِّرْ بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴿٢٦﴾

ویادکن چون معین ساختیم برای ابراهیم موضع خانه کعبه رااین سخن گفته که شریك مقررمکن بامن هیچ چیزی را وپاك کن خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان ورکوع کنندگان وسجودکنندگان[2] (٢٦) .

وَأَذِّن فِى ٱلنَّاسِ بِٱلْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾

وآوازده درمیان مردمان بحج تابیایند پیش تو پیاده وسوار برهرشتر لاغر می آیند این شترانِ لاغر ازهرراه دور (٢٧) .

لِّيَشْهَدُوا مَنَـٰفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا ٱسْمَ ٱللَّهِ فِىٓ أَيَّامٍ مَّعْلُومَـٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَـٰمِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا ٱلْبَآئِسَ ٱلْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾

تاحاضر شوند نزدیك فائده هابرای خویش ویاد کنند نام خدارا درروزی چند دانسته شده[3] و بعدازوی برذبح آنچه خدای تعالی روزی داده است ایشان رااز قسمِ چهار پایان مواشی پس بخوریدازآن وبخورانید درمانده درویش را (٢٨) .

---

(١) یعنی دردنیا .
(٢) یعنی برای نمازگذاران .
(٣) یعنی یوم نحر وایّام تشریق .

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾

بازباید که دور کنند چرکِ تن خودرا وبه وفارسانند نذرهای خودرا وطواف نمایند باین خانهٔ قدیم[١] (٢٩) .

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ۖ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾

اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعائر خدارا پس این تعظیم کردن بهترست اورانزدیكِ پروردگار او وحلال کرده شد برای شماامواشی[٢] مگر آنچه خوانده خواهد شد برشما[٣] پس احتراز کنید ازپلیدی بتان واحتراز کنید ازسخن دروغ[٤] (٣٠) .

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ﴿٣١﴾

حنیفی دین شده برای خداغیرشریك مقررکننده باوی وهرکه شریك مقررکند باخدا پس گویا که فرود افتاد ازآسمان پس بربایند اورامرغان مردار خوار یافروافکند اوراباد بمکانی دور[٥] (٣١) .

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾

اینست حکم وهرکه تعظیم کند شعائر خدارا پس این تعظیم ازتقویٰ دلهاست (٣٢) .

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾

شمارا درآن مواشی فائده هاست تامیعادی معیّن باز جائی فرودآمدن آن بخانهٔ قدیم است (٣٣) .

---

(١) یعنی کعبه زیراکه اوّل بناشد بعدازان بیت المقدس .

(٢) یعنی شتروگاؤ وبزوگوسفند .

(٣) یعنی میته وخونِ مسفوح . .

(٤) یعنی گواهی دروغ .

(٥) حاصل آنست که هلاك شدبوجهی که امید نجات نماند .

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ عَلٰى مَا
رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَّاحِدٌ
فَلَهٗ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِيْنَ ﴿٣٤﴾

وهرامتی را معین ساخته ایم طریق قربانی تایادکنند نام خدا برآنچه داده است ایشان را ازچهارپایان مواشی پس معبود شما معبود یکتاست پس اورا منقادشوید و(یامحمد) بشارت ده نیایش کنندگان را (٣٤) .

الَّذِيْنَ إِذَا ذُكِرَ اللهُ وَجِلَتْ قُلُوْبُهُمْ وَالصّٰبِرِيْنَ عَلٰى
مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيْمِي الصَّلٰوةِ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿٣٥﴾

آنان را که چون یادکرده شود خدا بترسد دل های ایشان وصبر کنندگان را برآنچه برسدبایشان وبرپادارندگان نمازرا وآنان را که ازآنچه روزی دادیم بایشان خرج می کنند (٣٥) .

وَالْبُدْنَ جَعَلْنٰهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَآئِرِ اللهِ لَكُمْ فِيْهَا خَيْرٌ
فَاذْكُرُوا اسْمَ اللهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوْبُهَا
فَكُلُوْا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذٰلِكَ سَخَّرْنٰهَا
لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿٣٦﴾

وشترانِ قربانی راساخته ایم برای شماازشعائر خدا شمارا درآن نیکی ست پس یادکنید نامِ خدارا برنحر آنها برچهارپای ایستاده پس چون بزمین افتد پهلوی آن بخورید ازآنها وبخورانید درویشِ بی سوال را وسوال کننده را همچنین رام گردانیدیم چهار پایان رابرای شمابُوَد که شکرکنید (٣٦) .

لَنْ يَّنَالَ اللهَ لُحُوْمُهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلٰكِنْ يَّنَالُهُ
التَّقْوٰى مِنْكُمْ كَذٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللهَ عَلٰى
مَا هَدٰىكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٣٧﴾

نمی رسد بخدا گوشتهای قربانی ها ونه خونهای این ها ولیکن می رسد بوی پرهیزگاری ازشما هم چنین رام گردانیدیم قربانی هابرای شما تابه بزرگی یادکنید خدارا بشکر آنکه راه نمودشمارا وبشارت ده نیکوکاران را (٣٧) .

إِنَّ اللهَ يُدٰفِعُ عَنِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا إِنَّ اللهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ

هرآئینه خدا دفع می کند ازمسلمانان[1]

(١) یعنی ضرر اعداء ایشان را .

خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾

هرآئینه خداودوست نمی دارد هرخیانت کننده ناسپاس را (٣٨) .

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

دستوریٔ جهاد داده شد آنانرا که کفار بایشان جنگ می کنند بسبب آنکه برایشان ستم رفته است وهرآئینه خدابرنصرت دادن ایشان تواناست (٣٩) .

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِم بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾

دستوری جهاد داده شد آنان را که بیرون آورده شد ایشان را ازخانهای ایشان بغیر حق لیکن به سبب آنکه می گفتند پروردگار ماخداست واگرنه بودی دفع کردن خدا مردمان را بعض را بدست بعضی ویران کرده می شد خلوتهای رهبانان وعبادت خانه های نصاریٰ وعبادت خانه های یهودوعبادت خانه های مسلمانان که یاد کرده می شود درآن مواضع نام خدا بسیاری والبته نصرت خواهد داد خداکسی را که قصدِ نصرت دین وی کند وهرآئینه خداتوانا غالب ست نصرت خواهد داد (٤٠) .

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾

انان را که اگردسترس دهیم ایشان را درزمین برپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را وبفرمایندبکار پسندیده ومنع کنند ازکارِ ناپسندیده وخداراست نهایت همه کارها[1] (٤١) .

---

(١) درین آیت دلالت ست برصحتِ خلافتِ خلفای اربعه زیراکه ایشان ازمهاجرین اولین بودند ومتمکن شدند درزمین پس لازم آید که اقامت صلوة وایتاء زکوٰة وامر به معروف ونهی از منکر ازایشان بظهور رسد وتمکین فی الارض چون بآن حضال جمع شود همان ست خلافت نبوت .

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ﴿٤٢﴾

واگردروغگو شمرند تراپس هرآئینه دروغگو شمرده بودند پیش ازایشان قوم نوح وعاد وثمود (٤٢) .

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾

و قوم ابراهیم وقوم لوط (٤٣) .

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾

واهل مدین ودروغگو شمرده شدموسیٰ را پس مهلت دادم این کافران را بازگرفتار کردم ایشان را پس چگونه بود عقوبتِ من (٤٤) .

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾

پس بسا دیهی که هلاك ساختیم آن را ووی ستمگاربود پس وی افتاده است برسقف های خود وبسیارچاه بیکارمانده وبسامحلی بلند خراب شده (٤٥) .

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

ایاسیرنکرده اند درزمین تا بُودایشان را دلها که فهم کنند بآن یا گوشها که بشنوند بآن هرآئینه حال اینست که نابینانمی شوند چشم هاولیکن نابینامی شوندآن دل ها که در سینهااند (٤٦) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾

وزود می طلبند ازتو عذاب را وهرگز خلاف نخواهد کردخدا وعدهٔ خودرا وهرآئینه یك روز نزدیك پروردگارتو مانند هزارسال ست ازآنچه می شمرید[1] (٤٧) .

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿٤٨﴾

وبسادیه که مهلت دادم آن را وآن ستمگار بود باز گرفتار کردم آنراوبسوی من ست بازگشت (٤٨) .

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٤٩﴾

بگوای مردمان جزاین نیست که من برای شما ترسانندهِٔ آشکارام (٤٩) .

---

(١) یعنی اگرخواهدکارهزارسال دریك روز تمام کند پس این بسبب عجز نیست بلکه بنابرمصالحی که جز اوکس نمیداند .

فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٥٠﴾

پس آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ایشان رااست آمرزش وروزئ نیك (٥٠) .

وَالَّذِيْنَ سَعَوْا فِيْٓ اٰيٰتِنَا مُعٰجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿٥١﴾

وآنان که سعی کردند درآیاتِ ما عاجز کنان (بزعم خود) ایشان اند اهل دوزخ (٥١) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُوْلٍ وَّلَا نَبِيٍّ اِلَّآ اِذَا تَمَنّٰٓى اَلْقَى الشَّيْطٰنُ فِيْٓ اُمْنِيَّتِهٖ ۚ فَيَنْسَخُ اللّٰهُ مَا يُلْقِى الشَّيْطٰنُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللّٰهُ اٰيٰتِهٖ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٥٢﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو هیچ فرستاده ونه هیچ صاحب وحی الاّ چون آرزوی بخاطر بست افگند شیطان چیزی درآرزوی وی پس دورمی کند خدا آنچه شیطان انداخته است بازمحکم می کند خداآیات خودرا وخدادانا باحکمت ست[1] (٥٢) .

لِّيَجْعَلَ مَا يُلْقِى الشَّيْطٰنُ فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْقَاسِيَةِ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ لَفِيْ شِقَاقٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٣﴾

تابگرداند خداآنچه شیطان افگند بلای درحق آنانکه دردل های ایشان بیماری است وآنان که سخت ست دل های ایشان وهرآئینه ستمگاران درمخالفت دور و درازآند (٥٣) .

وَّلِيَعْلَمَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوْا بِهٖ فَتُخْبِتَ لَهٗ قُلُوْبُهُمْ ۗ وَاِنَّ اللّٰهَ

وتابدانند آنان که داده شده است ایشان را علم که آن وحی راست ست ازجانبِ پروردگار تو پس ایمان آرند بآن پس

(١) مترجم گوید مثلاً آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که هجرت کرده اند بزمینی که نخل بسیار دارد پس وهم بجانبِ یمامه وهجر رفت ودرنفس الامر مدینه بود مثلا آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که بمکه درآمده اندحلق وقصر میکنند پس وهم آمد که درهمان سال این معنی واقع شود و درنفس الامر بعدازسالهای چند متحقق شدو درامثال این صورت امتحان مخلصان ومنافقان درمیان می آید والله اعلم .

لَهَادِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٥٤﴾

نیایش کنند برای خدا دل های ایشان وهرآئینه خداراه نماینده است مسلمانان را بسوی راه راست (٥٤) .

وَلَا يَزَالُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِىْ مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتّٰى تَاْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً اَوْ يَاْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيْمٍ ﴿٥٥﴾

وهمیشه باشند کافران درشبهه ازآن وحی تاوقتیکه بیاید بایشان قیامت ناگهان یا بیاید بایشان عقوبت روزی نهایت نحس (٥٥) .

اَلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلّٰهِ ؕ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ ؕ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فِىْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ﴿٥٦﴾

بادشاهیٔ آن روزخداراست حکم کند میان ایشان پس آنان که ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند دربوستانهای نعمت باشند (٥٦) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا فَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿٥٧﴾

وآنانکه کافر شدند ودروغ شمردند آیاتِ مارا آن جماعت ایشان را باشد عذاب خوارکننده (٥٧) .

وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ قُتِلُوْٓا اَوْ مَاتُوْا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللّٰهُ رِزْقًا حَسَنًا ؕ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ﴿٥٨﴾

وآنانکه هجرت کردند درراه خدا پس کشته شدند یا بمردند هرآئینه روزی دهد ایشان را خداروزیٔ نیک[١] وهرآئینه خداوی بهترین روزی دهندگان ست (٥٨) .

لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُّدْخَلًا يَّرْضَوْنَهٗ ؕ وَاِنَّ اللّٰهَ لَعَلِيْمٌ حَلِيْمٌ ﴿٥٩﴾

البته درآردایشان را بموضعی که خوشنود شوندازآن وهرآئینه خدا دانابردبارست (٥٩) .

ذٰلِكَ ۚ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوْقِبَ بِهٖ ثُمَّ بُغِىَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللّٰهُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُوْرٌ ﴿٦٠﴾

حکم این ست وهرکه درپی ایذای کسی افتاد بمانند آنکه ایذا داده شد او را بعد ازآن تعدی کرده شد بروی هرآئینه نصرت خواهد داد او را خدا هرآئینه خدا

(١) یعنی دربهشت .

بخشاینده آمرزگارست (٦٠) .

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَأَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌۢ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾

این نصرت بسبب آنست که خدا درمی آرد شب را درروز ودرمی آرد روزرادرشب وبه سبب آنست که خداشنوابیناست (٦١) .

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾

این نصرت به سبب آنست که خدا همونست ثابت وآنچه می خوانند کافران بجز وی همونست باطل و به سبب آنست که خداهمون ست بلند مرتبه بزرگ قدر (٦٢) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۗ إِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾

آیاندیدی که خدا فرودآورد ازآسمان آب را پس زمین سرسبز شود هر آئینه خدالطف کننده داناست (٦٣) .

لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست وهرآئینه خداهمونست بی نیاز ستوده کار (٦٤) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۖ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾

ایاندیدی که خدا مسخر کرد برای شماآنچه درزمین است ومسخر ساخت کشتی ها میرود دردریا بفرمان او نگاه میداردآسمان را ازآنکه بیفتد برزمین مگر بدستور او هرآئینه خدا درحق مردمان بخشاینده مهربان است (٦٥) .

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾

واوست آنکه زنده کرده شمارا باز بمیراند شمارا باززنده کند شمارا هرآئینه آدمی ناسپاس ست (٦٦) .

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ ۖ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ ۚ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾

برای هر گرو هی معین کرده ایم شریعتی را که ایشان عمل کننده اند برآن پس بایدکه نزاع نه کنند باتو درین کار وبخوان بسوی پروردگار خویش هرآئینه

بر راهِ راستی (٦٧) .

وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾

واگر مکابره نمایند باتوبگو خدا دانا ترست بآنچه می کنید (٦٨) .

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾

خداحکم خواهد کرد میان شما روزقیامت درآنچه اندران اختلاف می کنید[1] (٦٩) .

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾

آیا نه دانستی که خدامی داند هرچه درآسمان وزمین ست هرآئینه این همه ثبت است درکتابی این همه برخدا آسان ست (٧٠) .

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا
وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾

وعبادت می کنند بجز خداچیزی را که فرو نفرستاده است خدا حجتی برآن وچیزی که نیست ایشان را بَرثبوت آن دانش ونیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (٧١) .

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ
كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ
آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا
اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

وچون خوانده می شود برایشان آیاتِ ما واضح آمده می شناسی در رویهای این کافران ناخوشی نزدیك می شوند ازآنکه حمله کنند برآنان که می خوانند برایشان آیات ما بگوآیا خبردهم شمارا به ناخوشتر ازین آن دوزخ ست وعده داده است خدا آن را بکافران و وی بدجائیست (٧٢) .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ
تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ

ای مردمان پدید آورده شد داستانی پس بشنوید آن را هرآئینه آنانکه می خوانید

---

(١) مترجم گوید درین آیت اشاره است بآنکه اختلاف شرائع بسبب اختلاف عصوراست وهمه شرائع حق ست ودرزمان خودمعمول به است پس نزاع درحقیقت بآنهانباید کرد .

اجْتَمَعُوا لَهُ ۖ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ۚ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾

بجز خدا آفریدن نه توانند مگسی را اگرچه جمع شوند برای آن وا گر برُباید ازایشان مگس چیزی راخلاص نه نتوانند کرد آن را ازمگس ناتوان شد طالب و مطلوب[1] (٧٣) .

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾

تعظیم نکردند خدارا حق تعظیم اوهرآئینه خدا تواناغالب است (٧٤) .

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾

خدا برمی گزیند فرستادها از فرشتگان واز مردمان هرآئینه خدا شنوا بیناست (٧٥).

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾

می داند آنچه پیش روی ایشان ست وآنچه پس پشت ایشان ست وبسوی خداباز گردانیده می شوند کارها (٧٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۩ ﴿٧٧﴾

ای مسلمانان رکوع کنید وسجده بجاآرید وعبادت نمائید پروردگار خودرا وبکنید کار نیکو امیدست که رستگارشوید (٧٧).

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۚ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ۚ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ ۚ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ ۖ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

وجهاد کنید درراه خدا حق جهادی که برای خداباشدوی برگزید شمارا و نه ساخت برشما دردین هیچ تنگی مشروع کرد دین پدرشما ابراهیم خدانام نهاد شمارا مسلمان پیش ازین[2] ودر قرآن نیز تاباشد پیغامبر گواه برشما وباشید شما گواه بر مردمان پس برپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را و چنگ زنید بخدا اوست مددگار شما پس نیکو مددگار ونیکو یاری دهنده است (٧٨) .

---

(١) یعنی عابد ومعبود .

(٢) یعنی درکتب سابقه .

سُوْرَةُ الْمُؤْمِنُوْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١﴾

الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ صَلَاتِهِمْ خٰشِعُوْنَ ﴿٢﴾

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُوْنَ ﴿٣﴾

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِلزَّكٰوةِ فٰعِلُوْنَ ﴿٤﴾

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِفُرُوْجِهِمْ حٰفِظُوْنَ ﴿٥﴾

اِلَّا عَلٰۤى اَزْوَاجِهِمْ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ فَاِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُوْمِيْنَ ﴿٦﴾

فَمَنِ ابْتَغٰى وَرَآءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰدُوْنَ ﴿٧﴾

وَالَّذِيْنَ هُمْ لِاَمٰنٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رٰعُوْنَ ﴿٨﴾

وَالَّذِيْنَ هُمْ عَلٰى صَلَوٰتِهِمْ يُحَافِظُوْنَ ﴿٩﴾

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْوٰرِثُوْنَ ﴿١٠﴾

الَّذِيْنَ يَرِثُوْنَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿١١﴾

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ طِيْنٍ ﴿١٢﴾

ثُمَّ جَعَلْنٰهُ نُطْفَةً فِيْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ ﴿١٣﴾

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا

سوره مومنون مکی است وآن یك صدوهیجده آیت وشش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

هرآئینه رستگارشدند مسلمانان (١) .

آنانکه ایشان درنماز خویش خشوع کننده اند (٢) .

آنان که ایشان ازبیهوده روگردانند (٣) .

وآنان که ایشان زکوٰة رااداکننده اند (٤) .

وآنانکه ایشان شرمگاه خودرا نگاه دارنده اند (٥) .

مگر برزنان خویش یا برکنیزگانی که ملك دست ایشان ست پس هر آئینه اینان نکوهیده نیستند (٦) .

پس هرکه طلب کند سوای این آنجماعت ازحدگذرنده اند (٧) .

وآنان که ایشان امانت های خودرا وعهد خودرا رعایت کننده اند (٨) .

وآنانکه ایشان برنمازهای خود محافظت می کنند (٩) .

این جماعت ایشانندآن وارثان (١٠) .

که عاقبت کاربدست آرند بهشت فردوس را ایشان آنجاجاوید باشندگانند (١١) .

وهرآئینه آفریدیم آدمی را از خلاصه ای‌از گِل (١٢) .

باز ساختیم آدمی را نطفه در قرارگاهِ استوار (١٣) .

بازساختیم آن نطفه را خونِ بسته بازساختیم آن خونِ بسته را گوشت پاره

الْمُضْغَةَ عِظٰمًا فَكَسَوْنَا الْعِظٰمَ لَحْمًا ثُمَّ اَنْشَاْنٰهُ خَلْقًا
اٰخَرَ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِيْنَ ﴿١٤﴾

پس ساختیم آن گوشت پاره را استخوانهای چند پس پوشانیدیم برآن استخوانها گوشت را باز آفریدیم اورا آفرینشی دیگر[1] پس بزرگ ست خدا نیکوترین آفرینندگان (١٤) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ لَمَيِّتُوْنَ ﴿١٥﴾

بازهرآئینه شما بعد ازین البته مردگانید (١٥) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ تُبْعَثُوْنَ ﴿١٦﴾

بازهرآئینه شما روزقیامت برانگیخته گردید (١٦) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غٰفِلِيْنَ ﴿١٧﴾

وهرآئینه آفریدیم بالای شما هفت آسمان ونبودیم ما ازآفرینش بی خبر (١٧) .

وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً بِقَدَرٍ فَاَسْكَنّٰهُ فِى الْاَرْضِ وَاِنَّا عَلٰى
ذَهَابٍ بِهٖ لَقٰدِرُوْنَ ﴿١٨﴾

وفروفرستادیم ازآسمان آب را باندازه پس جای دادیم اورادرزمین وهرآئینه ما برُدورکردنِ آن توانائیم (١٨) .

فَاَنْشَاْنَا لَكُمْ بِهٖ جَنّٰتٍ مِّنْ نَّخِيْلٍ وَّ اَعْنَابٍ لَكُمْ فِيْهَا فَوَاكِهُ
كَثِيْرَةٌ وَّمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿١٩﴾

پس بیافریدیم برای شما بآن آب بوستانهائی ازدرختان خرما وانگور شمارا درآن بوستانها میوه های بسیار پیداشود بعض آن رامیخورید[2] (١٩) .

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُوْرِ سَيْنَآءَ تَنْۢبُتُ بِالدُّهْنِ
وَصِبْغٍ لِّلْاٰكِلِيْنَ ﴿٢٠﴾

وآفریدیم درختی که بیرون می آیدازطور سینا یعنی درختِ زیتون میروید بوجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام خورندگان را (٢٠) .

وَ اِنَّ لَكُمْ فِى الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيْكُمْ مِّمَّا فِىْ بُطُوْنِهَا وَلَكُمْ فِيْهَا

هرآئینه شمارادرچهارپایان پندی هست می نوشانیم شمارا ازآنچه درشکمهای ایشان ست وشمارا درآن چهار پایان

---

(١) یعنی نفخ روح وروئیدن ناخن وموی .
(٢) یعنی بطریق قُوت .

مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ٢١

منفعت های بسیارست وبعض اینهارا
می‌خورید (٢١) .

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ٢٢

وبرچهار پایان وبرکشتی هاسوار کرده
می‌شوید (٢٢) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم
مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ٢٣

وهرآئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم او
پس گفت ای قوم من عبادت خدا کنید
نیست شمارا هیچ معبودی غیروی آیا
نمی‌ترسید (٢٣) .

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ
يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً
مَّا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ٢٤

پس گفتند اشراف کسانیکه کافربودند
ازقوم اونیست این شخص مگر آدمی
مانند شما خواهد که ریاست پیداکند
برشما و اگر خواستی خداهرآئینه
فروفرستادی فرشتگان را نه شنیدیم این
ماجرا را درپدران نخستینِ خویش (٢٤) .

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ٢٥

نیست این شخص مگرِ مردی که به وی
عارضهٔ دیوانگی ست پس انتظار وی
کنید تامدتی (٢٥) .

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ٢٦

گفت ای پروردگار من نصرت ده
مرابسبب آنکه دروغگو شمر دند مرا
(٢٦) .

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا
فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ
زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ٢٧

پس وحی فرستادیم بسوی وی که بساز
کشتی را زیرنظارتِ ما وبفرمانِ ما پس
چون آید فرمانِ ما وجوش زند تنور پس
درآر درکشتی ازهرجنسی دو عدد
(نروماده) را ودرآرآهل خودرا الّاآنکه
ازایشان سبقت کرده است بروَی گفتهٔ حق
و سخن مگو بامن دربارهٔ آنان که ستم
کردند هرآئینه ایشان غرق شدگانند
(٢٧) .

فَاِذَا اسْتَوَيْتَ اَنْتَ وَمَنْ مَّعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِيْ نَجّٰنَا مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٨﴾

پس چون راست بنشینی تووهرکه باتوباشد برکشتی پس بگو همهٔ ستائش خدای راست آنکه نجات دادمارا ازگروهِ ستمگاران (٢٨) .

وَقُلْ رَّبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ ﴿٢٩﴾

وبگوای پروردگارمن فرود آرمرا درمنزل مبارك وتو بهترین فرود آرندگانی (٢٩) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ وَّاِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِيْنَ ﴿٣٠﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هاست وهرآئینه مابودیم امتحان کنندگان (٣٠) .

ثُمَّ اَنْشَاْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا اٰخَرِيْنَ ﴿٣١﴾

بازبیافریدیم بعدایشان قرنی دیگر را (٣١) .

فَاَرْسَلْنَا فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ
مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٣٢﴾

پس فرستادیم میانِ ایشان پیغامبری را ازقبیلهٔ ایشان که عبادت خدا کنید نیست شمارا هیچ معبود برحق بجزوی آیا نمی‌ترسید (٣٢) .

وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ
وَاَتْرَفْنٰهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مَا هٰذَآ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَاْكُلُ
مِمَّا تَاْكُلُوْنَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُوْنَ ﴿٣٣﴾

وگفتند رئیسان ازقوم وی آنان که کافرشدند و دروغ شمردند ملاقات سرای بازپسین را وآسودگی داده بودیم ایشان را درزندگانی دنیا نیست این شخص مگر آدمی مانند شما می‌خورد ازآنچه شما ازآن می خورید ومی آشامد ازآنچه شما می آشامید (٣٣) .

وَلَئِنْ اَطَعْتُمْ بَشَرًا مِّثْلَكُمْ اِنَّكُمْ اِذًا لَّخٰسِرُوْنَ ﴿٣٤﴾

و اگرفرمانبرداری کردید آدمی مانند خویش را هرآئینه شما آنگاه زیان کارباشید (٣٤) .

اَيَعِدُكُمْ اَنَّكُمْ اِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَّعِظَامًا
اَنَّكُمْ مُّخْرَجُوْنَ ﴿٣٥﴾

آیاوعده دهد شمارا که شما چون بمیرید وشوید خاك واستخوانی چند بیرون آورده خواهیدشد (٣٥) .

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوْعَدُوْنَ ﴿٣٦﴾

بعیدست، بعیدست آنچه وعده داده می‌شوید (٣٦) .

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾

نیست زندگانی مگرزندگانی این جهانی مامی میریم وزنده می شویم ونیستیم برانگیخته شده[1] (٣٧) .

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾

نیست این شخص مگر مردی که افترا کرده برخدا دروغ را و مانیستیم اوراتصدیق کننده (٣٨) .

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾

گفت ای پروردگار من نصرت ده مرابمقابلهٔ آن که دروغگو شمردندمرا (٣٩) .

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾

گفت باندك زمانی پشیمان خواهند شد (٤٠) .

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً ۚ فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾

پس گرفت ایشانرا آوازسخت بحسب وعدهٔ راست، پس گردانیدیم ایشان را خاشاك درهم شکسته پس دوری بادگروه ستمگاران را (٤١) .

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

بازپیدا کردیم بعد ایشان قرنهای دیگررا (٤٢) .

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٤٣﴾

سبقت نمی کند هیچ گروهی ازمیعادِ خود نه باز پس میمانند (٤٣) .

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا ۖ كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ ۚ فَأَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ ۚ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾

باز فرستادیم پیغامبران خودرا پی درپی هرگاه آمد بامتی پیغامبرِ او بدروغ نسبت کردند اورا پس ازپی درآوردیم بعض را عقب بعضی (یعنی درهلاك) وساختیم امت هارا افسانه پس دوری بادگروهی را که ایمان نمی آرند (٤٤) .

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا

بازفرستادیم موسیٰ وبرادراوهارون را

---

(١) یعنی بعض می میرد وبعض زنده می شود .

وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٤٥﴾

بانشانه های خویش وبادلیل ظاهر (٤٥).

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۠ئِهٖ فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا عَالِيْنَ ﴿٤٦﴾

بسوی فرعون وجماعت اُو پس سرکشی کردند وبودندگروه تکبر کننده (٤٦).

فَقَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُوْنَ ﴿٤٧﴾

پس گفتند آیاایمان آریم بدوآدمی مانند خویش وقوم ایشان مارا خدمت گذارند (٤٧).

فَكَذَّبُوْهُمَا فَكَانُوْا مِنَ الْمُهْلَكِيْنَ ﴿٤٨﴾

پس دروغگو گفتند ایشان را پس شدند ازهلاك شدگان (٤٨).

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿٤٩﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب بُوَد که ایشان راه یابند (٤٩).

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهٗٓ اٰيَةً وَّاٰوَيْنٰهُمَآ اِلٰى رَبْوَةٍ ذَاتِ
قَرَارٍ وَّمَعِيْنٍ ﴿٥٠﴾

وساختیم پسر مریم را ومادرش رانشانه وجای دادیم ایشان را بزمینی بلند دارای استقرار ودارای آبِ روان (٥٠).

يٰٓاَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوْا مِنَ الطَّيِّبٰتِ وَاعْمَلُوْا صَالِحًا ۭ اِنِّيْ بِمَا
تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٥١﴾

گفتیم ای پیغامبران بخورید غذای پاکیزه وبکنید کار نیکو هرآئینه من بآنچه می‌کنید دانایم (٥١).

وَاِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُوْنِ ﴿٥٢﴾

وهرآئینه این است ملت شما ملت یکتا ومن پروردگار شمایم پس بترسید ازمن (٥٢).

فَتَقَطَّعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا ۭ كُلُّ حِزْبٍۢ بِمَا
لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿٥٣﴾

پس متفرق ساختند امتان کارخودرا درمیان خویش پاره پاره هرگروهی بآنچه نزد اوست شادمان ست (٥٣).

فَذَرْهُمْ فِيْ غَمْرَتِهِمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿٥٤﴾

پس بگذار ایشان را درغفلت ایشان تامدتی (٥٤).

اَيَحْسَبُوْنَ اَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهٖ مِنْ مَّالٍ وَّبَنِيْنَ ﴿٥٥﴾

آیا پندارند که آنچه امداد می کنیم ایشان را بآن ازمال وفرزندان (٥٥).

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرٰتِ ۭ بَلْ لَّا يَشْعُرُوْنَ ﴿٥٦﴾

سعی درنیکوئی ها می کنیم برای ایشان

بلکه نمی دانند[١] (٥٦) .

إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾

هرآئینه آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش مضطربند (٥٧) .

وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾

وآنان که ایشان بآیاتِ پروردگار خویش ایمان می آرند (٥٨) .

وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

وآنانکه ایشان به پروردگار خویش شریك مقررنمی کنند (٥٩) .

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ
إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾

وآنان که میدهند آنچه میدهند و دلهای ایشان ترسانست بسبب آنکه ایشان بسوی پروردگارخویش بازخواهند گشت (٦٠) .

أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾

این جماعت سعی می کنند درنیکی ها وایشان بسوی آن سبقت کننده اند (٦١) .

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٢﴾

وتکلیف نمیدهیم هیچ کس را مگر بقدر طاقت او ونزد ماکتابیست که سخن گوید براستی[٢] وبرایشان ستم کرده نشود (٦٢) .

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ
ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿٦٣﴾

بلکه دل های ایشان درغفلت ست ازین سخن وایشان را عملهاست غیر[٣] ازاین ایشان آن را کننده اند (درغفلت خویش ماندند) (٦٣) .

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿٦٤﴾

تاوقتیکه چون گرفتارساختیم آسودگان ایشان را بعذاب ناگهان ایشان فریاد می‌کردند (٦٤) .

لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ﴿٦٥﴾

(گفتیم) فریاد مکنید امروز هرآئینه شما ازمانصرت داده نخواهید شد (٦٥) .

---

(١) یعنی نعمت نیست بلکه استدراج است .
(٢) یعنی نامهٔ اعمال .
(٣) یعنی غیر انکار قرآن .

قَدْ كَانَتْ اٰيٰتِىْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُوْنَ ﴿٦٦﴾

وهرآئينه خوانده می شدآياتِ من برشما پس شما برپاشنه های خود بازمی گشتید (٦٦) .

مُسْتَكْبِرِيْنَ ۖ بِهٖ سٰمِرًا تَهْجُرُوْنَ ﴿٦٧﴾

تکبر کنان برآن قرآن بافسانه مشغول شده ترك می کردید (٦٧) .

اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ اَمْ جَآءَهُمْ مَّا لَمْ يَاْتِ اٰبَآءَهُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦٨﴾

آیا تأمل نکردند درین سخن یا آمده است بایشان آنچه نیامده بود به پدران نخستین ایشان (٦٨) .

اَمْ لَمْ يَعْرِفُوْا رَسُوْلَهُمْ فَهُمْ لَهٗ مُنْكِرُوْنَ ﴿٦٩﴾

آیانشناختند پیغامبر خودرا پس ایشان باو ناآشنا یند (٦٩) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ بِهٖ جِنَّةٌ ۗ بَلْ جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ وَاَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُوْنَ ﴿٧٠﴾

آیا میگویند به وی دیوانگی ست بلکه آورده است پیش ایشان سخن راست را وبیشترین ایشان سخن راست را ناخواهانند (٧٠) .

وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ اَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيْهِنَّ ۗ بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٧١﴾

و اگرپیروی کردی خدای تعالی آرزوهای ایشان را هرآئینه دَرهَم می‌ریخت نظام آسمانهاوزمین وهرکه درآنهاست بلکه آوردیم بدیشان پندایشان را پس ایشان ازپند خویش روگردانند (٧١) .

اَمْ تَسْـَٔلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَّهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ﴿٧٢﴾

آیا میخواهی ازایشان مزدی پس مزد پروردگار تو بهترست واو بهترینِ روزی دهندگانست (٧٢) .

وَاِنَّكَ لَتَدْعُوْهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٧٣﴾

و هرآئینه تومی خوانی ایشان را بسوی راه راست (٧٣) .

وَاِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنٰكِبُوْنَ ﴿٧٤﴾

وهرآئینه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت ازآن راه یکسوشونده اند (٧٤) .

وَلَوْ رَحِمْنٰهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلَجُّوْا فِىْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿٧٥﴾

واگررحم می کردیم برایشان وبرمیداشتیم آنچه بایشان ست ازسختی هرآئینه پیوسته می شدند دربیراهی خود

سرگشته (٧٥) .

وَلَقَدْ أَخَذْنَٰهُم بِٱلْعَذَابِ فَمَا ٱسْتَكَانُوا۟ لِرَبِّهِمْ
وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ٧٦

وهرآئینه گرفتار کردیم ایشان را بعذاب پس نیایش نکردند به پروردگار خود و زاری نمی نمایند (درغفلت خویش ماندند) (٧٦) .

حَتَّىٰٓ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ
مُبْلِسُونَ ٧٧

تاوقتیکه چون بگشادیم برایشان دری دارای عذاب سخت ناگهان ایشان درآنجاناامید شوندگانند (٧٧) .

وَهُوَ ٱلَّذِىٓ أَنشَأَ لَكُمُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَٰرَ وَٱلْأَفْـِٔدَةَ قَلِيلًا
مَّا تَشْكُرُونَ ٧٨

واوست آنکه بیافرید برای شماشنوائی ودیده ها ودل هارا، اندکی شکرگذاری می‌کنید (٧٨) .

وَهُوَ ٱلَّذِى ذَرَأَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ٧٩

واوست آنکه پیدا کردشمارا درزمین وبسوی اوبرانگیخته خواهید شد (٧٩) .

وَهُوَ ٱلَّذِى يُحْىِۦ وَيُمِيتُ وَلَهُ ٱخْتِلَٰفُ ٱلَّيْلِ
وَٱلنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٨٠

واوست آنکه زنده می کند ومی میراند و او راست آمدوشدِ شب و روز آیا نمی‌فهمید (٨٠) .

بَلْ قَالُوا۟ مِثْلَ مَا قَالَ ٱلْأَوَّلُونَ ٨١

بلکه گفتند مانند آنچه گفته بودند نخستینیان (٨١) .

قَالُوٓا۟ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ٨٢

گفتند آیاچون بمیریم وشویم خاک واستخوانی چند آیا ما برانگیخته خواهیم شد (٨٢) .

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَءَابَآؤُنَا هَٰذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَٰذَآ
إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ٨٣

هرآئینه وعده داده شد باین سخن مارا وپدران مارا پیش ازین نیست این مگر افسانهای پیشینیان (٨٣) .

قُل لِّمَنِ ٱلْأَرْضُ وَمَن فِيهَآ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ٨٤

بگو کراست زمین وآنچه درآنست (بگوئید) اگرمی دانید (٨٤) .

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ٨٥

خواهند گفت این همه خدای تراست بگو آیا پندپذیرنمی شوید (٨٥) .

قُلْ مَن رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ ٱلسَّبْعِ وَرَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ ٨٦

بگوکیست پروردگار آسمانهای هفت گانه

و پروردگار عرش بزرگ (٨٦) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۭ قُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٨٧﴾

خواهند گفت این همه خدای‌راست بگوآیاپس نمی ترسید (٨٧) .

قُلْ مَنْۢ بِيَدِهٖ مَلَكُوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَّهُوَ يُجِيْرُ وَلَا يُجَارُ
عَلَيْهِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٨٨﴾

بگوکیست آنکه بدست اوست پادشاهی هرچیز واوزینهار میدهد وزینهار داده نمی شود برخلاف او (بگوئید) اگر می‌دانید (٨٨) .

سَيَقُوْلُوْنَ لِلّٰهِ ۭ قُلْ فَاَنّٰى تُسْحَرُوْنَ ﴿٨٩﴾

خواهند گفت این همه خدای‌راست بگو پس چگونه فریب داده می شوید (٨٩) .

بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِالْحَقِّ وَاِنَّهُمْ لَكٰذِبُوْنَ ﴿٩٠﴾

بلکه آورده ایم بایشان سخن راست را وهرآئینه ایشان دروغ می‌گویند (٩٠) .

مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَّلَدٍ وَّمَا كَانَ مَعَهٗ مِنْ اِلٰهٍ اِذًا لَّذَهَبَ
كُلُّ اِلٰهٍۢ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلٰي بَعْضٍ ۭ سُبْحٰنَ اللّٰهِ
عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿٩١﴾

هیچ فرزند نگرفته است خدا و نیست همراه اُوهیچ معبود دیگرآنگاه ببردی هرمعبود چیزی که آفریده بود وهرآئینه غالب آمدی بعض ایشان بربعضیِ، بپاکی صفت می کنم خدای را ازآنچه بیان می‌کنند (٩١) .

عٰلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٩٢﴾

داننـدهٔ نهـان وآشکـار اسـت بـرتـرسـت ازآنچه شریك می آرند (٩٢) .

قُلْ رَّبِّ اِمَّا تُرِيَنِّيْ مَا يُوْعَدُوْنَ ﴿٩٣﴾

بگوای پروردگار من اگربنمائی مرا آنچه ترسانیده می شوند (٩٣) .

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِيْ فِي الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٤﴾

ای پروردگار من پس داخل مکن مرا درگروه ستمگاران (٩٤) .

وَاِنَّا عَلٰٓي اَنْ نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقٰدِرُوْنَ ﴿٩٥﴾

وهرآئینه ما برآنکه بنمائیم ترا آنچه وعده دهیم بایشان توانائیم (٩٥) .

اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِىَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ ۭ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُوْنَ ﴿٩٦﴾

ومقابله کُن بدی را بخصلتی که آن نیك ست ما داناتریم بآنچه بیان می کنند (٩٦) .

وَقُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ ﴿٩٧﴾

وبگو(یا محمد) ای پروردگارمن پناه می برم بتوازدغدغه های شیاطین (٩٧) .

وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ ﴿٩٨﴾

و پناه می برم بتوای پروردگار من ازآنکه حاضر شوند پیش من (٩٨) .

حَتّٰۤى اِذَا جَآءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ ﴿٩٩﴾

(درغفلت خویش باشند) تاوقتیکه چون بیاید کسی را ازایشان موت گویدای پروردگار من بازگردان مرا (٩٩) .

لَعَلِّيْۤ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيْمَا تَرَكْتُ كَلَّا ؕ اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَا ؕ
وَمِنْ وَّرَآئِهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ ﴿١٠٠﴾

بُوَدکه کار نیکو کنم درسرائی که بگذاشتمش نه چنین باشد هرآئینه این سخنی ست که وی گوینده آنست و پیش ایشان حجابی باشد تاروزیکه برانگیخته شوند (١٠٠) .

فَاِذَا نُفِخَ فِى الصُّوْرِ فَلَاۤ اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ
وَّلَا يَتَسَآءَلُوْنَ ﴿١٠١﴾

پس چون دمیده شود در صور پس خویشاوندیها نباشد میان ایشان آن روز و نه بایکدیگر سوال جواب کنند (١٠١) .

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٠٢﴾

پس هرکه گران آیدکفه های ترازوی أوپس آن جماعت ایشانند رستگاران (١٠٢) .

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْۤا اَنْفُسَهُمْ
فِىْ جَهَنَّمَ خٰلِدُوْنَ ﴿١٠٣﴾

وهرکه سبك شد کفه های ترازوی اوپس آن جماعت آنانند که زیان کردند درحق خویش دردوزخ جاویدانند (١٠٣) .

تَلْفَحُ وُجُوْهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيْهَا كٰلِحُوْنَ ﴿١٠٤﴾

می سوزد چهره های ایشان را آتش وایشان آنجا ترش روهستند (١٠٤) .

اَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِىْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُوْنَ ﴿١٠٥﴾

گویم آیا خوانده نمی شدآیاتِ من برشما پس آن را دروغ می پنداشتید (١٠٥) .

قَالُوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّيْنَ ﴿١٠٦﴾

گفتند ای پروردگار ماغالب آمدبرما بدبختیِ ماوبودیم گروهی گمراه (١٠٦) .

رَبَّنَاۤ اَخْرِجْنَا مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا فَاِنَّا ظٰلِمُوْنَ ﴿١٠٧﴾

ای پروردگار ما بیرون آرمارا ازینجا پس اگر برگردیم بکفرپس هرآئینه ماستمگار باشیم (١٠٧) .

قَالَ اخْسَـُٔوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنِ ﴿١٠٨﴾

خدا می‌فرماید برسوائی داخل شویددرآن وسخن مگوئید بامن (١٠٨) .

اِنَّهٗ كَانَ فَرِيْقٌ مِّنْ عِبَادِيْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

هرآئينه بودند گروهی ازبندگان که می گفتند ای پروردگارما ایمان آوردیم پس بیامرزمارا وببخشای برماوتو بهترین بخشایندگانی (١٠٩) .

فَاتَّخَذْتُمُوْهُمْ سِخْرِيًّا حَتّٰٓى اَنْسَوْكُمْ ذِكْرِيْ وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُوْنَ ﴿١١٠﴾

پس مسخره گرفتید ایشان را تاحدیکه فراموش گردانیدند یادمراازدل شما وشما برایشان میخندیدید (١١٠) .

اِنِّيْ جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوْٓا ۙ اَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿١١١﴾

هرآئينه من جزادادم ایشان را امروزبمقابله صبر ایشان بآنکه ایشانند بمراد رسندگان (١١١) .

قٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْاَرْضِ عَدَدَ سِنِيْنَ ﴿١١٢﴾

گوید خدا چقدر درنگ کردید درزمین بحساب شمار سالها (١١٢) .

قَالُوْا لَبِثْنَا يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ الْعَآدِّيْنَ ﴿١١٣﴾

گویند درنگ کردیم يك روزیابعض روز پس بپرس از شمار کنندگان (١١٣) .

قٰلَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا لَّوْ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١١٤﴾

گوید خدا توقف نه کرده اید مگراندکی اگرشما می دانستید (١١٤) .

اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّمَا خَلَقْنٰكُمْ عَبَثًا وَّاَنَّكُمْ اِلَيْنَا لَا تُرْجَعُوْنَ ﴿١١٥﴾

آیا پنداشتید که آفریدیم شمارا بیهوده وآنکه شما بسوی ما گردانیده نشوید (١١٥) .

فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۚ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيْمِ ﴿١١٦﴾

پس برترست خدا پادشاه ثابت نیست هیچ معبود برحق غیراو پروردگار عرش گرامی قدر (١١٦) .

وَمَنْ يَّدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ ۙ لَا بُرْهَانَ لَهٗ بِهٖ ۙ فَاِنَّمَا حِسَابُهٗ عِنْدَ رَبِّهٖ ۗ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْكٰفِرُوْنَ ﴿١١٧﴾

هرکه بخواند باخدا معبودِ دیگر را هیچ حجتی نیست وی را برثبوت آن معبودپس جزاین نیست که حساب او نزد پروردگار اوست، هرآئینه رستگار نمی شوند کافران (١١٧) .

وَقُلْ رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿١١٨﴾

وبگوای پروردگار من بیامرز وببخشای وتو بهترین بخشندگانی (١١٨) .

سُورَةُ النُّور

سوره نور مدنی است وآن شصت وچهار آیت ونه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ①

این سوره ایست که فروفرستادیم آنرا وفرض ساختیم آنرا وفرودآوردیم درآن آیاتِ روشن بُوَد که شما پند گیرید (١) .

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ
وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ
مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ②

زن زنا کننده ومرد زنا کننده پس بزنید هریکی را ازایشان صد دُرّه(شلّاق)وباید که درنگیرد شمارا شفقت برایشان درجاری کردن شرع خدا اگر ایمان آورده اید بخدا وروز آخر وباید که حاضر شوند بعقوبت ایشان جماعتی از مسلمانان (٢) .

الزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَا
إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ ۚ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ③

مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر زن زنا کننده یا شرك آرنده را وزن زنا کننده رابزنی نمی گیرد مگر مرد زناکننده یا شرك آرنده وحرام ساخته شده نکاح زانیه برمسلمانان[1] (٣) .

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ
فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا ۚ
وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ④

آنان که تهمت زنا می زنند زنانِ پرهیزگاررا بازنمی آورند چهار گواه بزنید ایشان را هشتاد دُرّه(شلّاق)وقبول مکنید گواهی ایشان را هیچ گاه واین جماعت ایشانند فاسق (٤) .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ

مگر آنانکه توبه کردند بعد ازین و بصلاح

(١) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که زانیه مقرّهٔ به زنا را نکاح توان کرد وهمین است مذهب أحمد و تاویل آیت نزد ابی حنیفه و شافعی آنست که حرام کرده شد شرك وزنا برمسلمانان یاگویند خاص است بقومی یاگویند منسوخ است .

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝٥

آوردند کارِ خود را پس هرآئینه خدا آمرزندۀ مهربان است (٥) .

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝٦

وآنانکه تهمت زنامی‌زنند زنانِ خودرا ونباشدایشان را گواهان مگر نفس خویشتن پس گواهی یکی ازایشان ست چهار بار شهادت که بخداهرآئینه وی ازراست گویان ست (٦) .

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝٧

وگواهی پنجم (این صفت) که لعنت خدا براوباد اگرازدروغ گویان باشد (٧) .

وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَن تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۝٨

وبازمی گرداند ازآن زن عقوبت راآنکه گواهی دهد چهار بار که سوگندبخدا هرآئینه وی (شوهر) ازدروغ گویان ست (٨) .

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِن كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝٩

(وگواهی دهد) پنجم بار (بااین صفت) که خشمِ خدا بادبرین زن اگرشوهر ازراست گویان باشد (٩) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۝١٠

واگرنمی بود فضل خدا برشما ورحمت او وآنکه خداتوبه پذیرندۀ باحکمت ست چه چیز ها که نمی شد[١] (١٠) .

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ

هرآئینه آنانکه آوردند تهمت را جماعتی اند ازشما مپندارید این تهمت را بد درحق خویش بلکه آن بهترست برای شماهرکسی را ازایشان چیزی ست که

---

(١) مترجم گوید درغزوۀ بنی مصطلق حضرت عائشه متهم شده ومنافقان دراشاعت بدنامی سعی کردند جماعتی اظهار براءت نمودند وجماعتی توقف نمودند خدای تعالی براءت صدیقه نازل ساخت وذمِ منافقان ومدح براءت کنندگان وتهدید توقف کنندگان فرمود .

وَالَّذِيْ تَوَلّٰى كِبْرَهٗ مِنْهُمْ لَهٗ عَذَابٌ عَظِيْمٌ (١١)

حاصل کرد ازمعصیت وآنکه دامَن زدآن تهمت راازایشان اوراست عذاب بزرگ[۱] (۱۱) .

لَوْلَآ اِذْ سَمِعْتُمُوْهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُوْنَ وَالْمُؤْمِنٰتُ بِاَنْفُسِهِمْ خَيْرًا ۙ
وَّقَالُوْا هٰذَآ اِفْكٌ مُّبِيْنٌ (١٢)

چرا نه شد که چون شنیدید آن را گمان می کردند مردان مسلمان وزنان مسلمان درحق خویش نیکی را ومی گفتند این افترائیست ظاهر(۱۲) .

لَوْلَا جَآءُوْ عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ ۚ فَاِذْ لَمْ يَاْتُوْا بِالشُّهَدَآءِ
فَاُولٰٓئِكَ عِنْدَ اللّٰهِ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ (١٣)

چرانیاورند براین سخن چهار گواه پس چون نیاوردند گواهان را پس آن جماعت نزد خدا ایشانند دروغ گو (۱۳) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيْ
مَآ اَفَضْتُمْ فِيْهِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۚ (١٤)

واگرنمی بود فضل خدا برشما ورحمت او دردنیا و آخرت هرآئینه میرسید بشما درآنچه که سخن می گفتید دربارۂ آن عذاب بزرگ (١٤) .

اِذْ تَلَقَّوْنَهٗ بِاَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُوْلُوْنَ بِاَفْوَاهِكُمْ مَّا لَيْسَ لَكُمْ بِهٖ
عِلْمٌ وَّتَحْسَبُوْنَهٗ هَيِّنًا ۖ وَّهُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيْمٌ (١٥)

چون فرامی گرفتید آن را بزبانهای خویش ومی گفتید بدهان های خویش سخنی که نه بود شمارا بحقیقت آن دانش و می‌پنداشتید آن را آسان واو نزدِ خدابزرگ بود[۲] (۱۵) .

وَلَوْلَآ اِذْ سَمِعْتُمُوْهُ قُلْتُمْ مَّا يَكُوْنُ لَنَآ اَنْ نَّتَكَلَّمَ بِهٰذَا ۖ سُبْحٰنَكَ
هٰذَا بُهْتَانٌ عَظِيْمٌ (١٦)

وچرانشد که چون شنیدید آن رامی گفتید نیست مارا که بزبان آریم این سخن را بپاکی یاد می کنیم ترا خدایا این سخن افترائیست بزرگ (١٦) .

يَعِظُكُمُ اللّٰهُ اَنْ تَعُوْدُوْا لِمِثْلِهٖٓ اَبَدًا اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۚ (١٧)

پندمی دهد شمارا خدا تا بازبعمل نیارید

---

(۱) یعنی عبدالله بن أُبیّ منافق .

(۲) یعنی جمعی که می گفتند فلان وفلان چنین میگویند وما ندیده ایم و تحقیق نمی‌دانیم .

ماننداین هرگز اگرمسلمان هستید (۱۷).

وَيُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿١٨﴾

وبیان می کند خدابرای شما آیات را وخدا دانای باحکمت ست (۱۸) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحِبُّوْنَ اَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ
عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۙ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۭ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿١٩﴾

هرآئینه آنان که دوست می دارند که منتشر شود بدکاری درمیان مسلمانان ایشان راست عقوبت دردناك دردنیا وآخرت وخدامی داند وشما نمی دانید (۱۹) .

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ وَاَنَّ اللّٰهَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٠﴾

واگرنبودی فضل خدا برشما و رحمت او وآنکه خدا بخشندهٔ مهربانست (چه چیزها که نمی شد) (۲۰) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۭ وَمَنْ يَّتَّبِعْ خُطُوٰتِ
الشَّيْطٰنِ فَاِنَّهٗ يَاْمُرُ بِالْفَحْشَاۗءِ وَالْمُنْكَرِ ۭ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَتُهٗ مَا زَكٰى مِنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ اَبَدًا ۙ وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ
وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢١﴾

ای مسلمانان ازپی گامهای شیطان مروید وهرکه پیروی گامهای شیطان کند پس هرآئینه وی امرمی‌کند به بی حیائی وکار ناپسندیده واگرنبودی فضل خدا برشما و رحمت او پاك نه شدی ازشما هیچ کس هرگز ولیکن خدا پاك می سازد هرکراخواهد وخدا شنوا داناست (۲۱) .

وَلَا يَاْتَلِ اُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ اَنْ يُّؤْتُوْٓا اُولِي الْقُرْبٰى
وَالْمَسٰكِيْنَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ښ وَلْيَعْفُوْا وَلْيَصْفَحُوْا ۭ
اَلَا تُحِبُّوْنَ اَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ ۭ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٢﴾

وباید که سوگند نخورند صاحبانِ فضل ووسعت ازشما برآنکه چیزی ندهند خویشاوندان وبینوایان ومهاجرین را درراه خدا وباید که عفوکنند و در گذرند آیا دوست نمی دارید که بیامرزد خدا شمارا وخدا آمرزندهٔ مهربان ست[۱] . (۲۲)

اِنَّ الَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ

هرآئینه آنان که تهمت زنا میزنند زنان پاك

---

(۱) درین تعریض است بابوبکرصدیق چون قسم خورده بود که مِسطَح را هیچ ندهدووی یکی ازدشنام دهندگان بود .

الْغٰفِلٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ لُعِنُوْا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ۪ وَلَهُمْ
عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿٢٣﴾

دامنِ بیخبرِ مسلمان را لعنت کرده شدند
دردنَیا وآخرت وایشان راست عذابِ
بزرگ (٢٣) .

يَّوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَاَيْدِيْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٤﴾

روزیکه گواهی دهندبرایشان زبانهای
ایشان ودست های ایشان وپاهای ایشان
بآنچه می کردند (٢٤) .

يَوْمَئِذٍ يُّوَفِّيْهِمُ اللّٰهُ دِيْنَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ
الْمُبِيْنُ ﴿٢٥﴾

آن روز بتمام رساند بایشان خدای تعالی
جزای باانصاف ایشان را وبدانند که خدا
اوست ثابت ظاهر (٢٥) .

اَلْخَبِيْثٰتُ لِلْخَبِيْثِيْنَ وَالْخَبِيْثُوْنَ لِلْخَبِيْثٰتِ ۚ وَالطَّيِّبٰتُ لِلطَّيِّبِيْنَ
وَالطَّيِّبُوْنَ لِلطَّيِّبٰتِ ۚ اُولٰٓئِكَ مُبَرَّءُوْنَ مِمَّا يَقُوْلُوْنَ ؕ
لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّرِزْقٌ كَرِيْمٌ ﴿٢٦﴾

زنانِ ناپاك لائق اند بمردان ناپاك ومردانِ
ناپاك لائق اند بزنانِ ناپاك وزنان پاك لائق
اند بمردانِ پاك ومردانِ پاك لائق اند
بزنانِ پاك، این جماعت بری اند ازآنچه
مردم می گویند ایشان راست آمرزش
وروزیِ نیکو (٢٦) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ بُيُوْتِكُمْ حَتّٰى تَسْتَاْنِسُوْا
وَتُسَلِّمُوْا عَلٰٓى اَهْلِهَا ؕ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٧﴾

ای مسلمانان درمیائید بخانه هائی غیر
خانه های خویش تاآنکه اجازه طلبید
وسلام کنید براهل آن این بهترست شمارا
بُوَدکه پندپذیرشوید (٢٧) .

فَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا فِيْهَآ اَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوْهَا حَتّٰى يُؤْذَنَ لَكُمْ ۚ وَاِنْ قِيْلَ
لَكُمُ ارْجِعُوْا فَارْجِعُوْا هُوَ اَزْكٰى لَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِيْمٌ ﴿٢٨﴾

پس اگرنیابید درآنجا هیچ کس را
درمیائیدآنجا تاآنکه اجازه داده
شودشمارااواگر بشما گفته شود که باز
گردید پس بازگردید آن پاك ترست شمارا
وخداباآنچه می کنید داناست (٢٨) .

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَدْخُلُوْا بُيُوْتًا غَيْرَ مَسْكُوْنَةٍ فِيْهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ ؕ
وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا تَكْتُمُوْنَ ﴿٢٩﴾

نیست برشما گناهی درآنکه درآئید
بخانه های که مسکن کسی نیست
درآنجامنفعتی باشد شمارا[1] وخدا

---

(١) یعنی رباط وقف .

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذٰلِكَ
اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ﴿٣٠﴾

وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ
وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى
جُيُوْبِهِنَّ وَلَا يُبْدِيْنَ زِيْنَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اٰبَآئِهِنَّ اَوْ اٰبَآءِ
بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَآئِهِنَّ اَوْ اَبْنَآءِ بُعُوْلَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ
اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيْٓ اَخَوٰتِهِنَّ اَوْ نِسَآئِهِنَّ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ
اَوِ التّٰبِعِيْنَ غَيْرِ اُولِي الْاِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ اَوِ الطِّفْلِ الَّذِيْنَ
لَمْ يَظْهَرُوْا عَلٰى عَوْرٰتِ النِّسَآءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِاَرْجُلِهِنَّ
لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِيْنَ مِنْ زِيْنَتِهِنَّ وَتُوْبُوْٓا اِلَى اللّٰهِ جَمِيْعًا اَيُّهَ
الْمُؤْمِنُوْنَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿٣١﴾

می‌داند آنچه آشکار می کنید وآنچه پوشیده می‌دارید (٢٩) .

بگو بمردان مسلمان که بپوشند چشم های خودرا ونگاه دارند شرمگاه های خودرا این پاکیزه ترست ایشان را هرآئینه خداخبردارست بآنچه می کنند (٣٠) .

وبگو زنان مسلمان را که بپوشند چشم خودرا ونگاه دارند شرمگاه خودرا وآشکارنه کنند آرایش خودرا[١] مگرآنچه ظاهر است ازآن مواضع وباید که فروگذارند چادر های خودرا برگریبانهای خود و نه نمایند آرایش خودرا مگر بشوهران خویش یا پدرانِ خویش یاپدرانِ شوهران خویش یاپسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالك اوشده است دستهای ایشان (یعنی غلامان) یا پیروانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده اند برشرمگاه های زنان ونزنند زمین را بپای خویش تادانسته شود آنچه پنهان می کنند اززیورخویش ورجوع کنید بسوی خدا همه ای مسلمانان بُوَدکه رستگارشوید[٢] (٣١) .

---

(١) یعنی مواضع زیور .

(٢) حاصل این آیت آنست که از مواضع زینت وجه وکفین وسروگردن وعضد وذراع =

وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِن
يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٢﴾

وبنكاح دهید زنان بی شوهر (مردان بی زن آزاد مسلمان را) ازقوم خویش وشایستگان راااز غلامان خویش وکنیزان خویش اگر فقیر باشند توانگر کندایشان را خدااازفضل خود وخدا بسیاردهندهٔ داناست (۳۲) .

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِن
فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ
إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۚ وَلَا
تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا ۚ وَمَن يُكْرِههُّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿٣٣﴾

وباید که بر پاکدامنی مقید باشند آنانکه نمی یابند اسباب نکاح تاآنکه توانگر کندایشان را خدااز فضل خویش وآنانکه می طلبند مکاتبت راااز غلامانی که مالك آن شده است دست های شما پس مکاتب کنید آنهارا اگر بدانید درایشان شائستگی وبدهید مکاتبان راازمال خدا که بشما ارزانی داشته است واجبار مکنید کنیزگان خودرا برزنا اگرایشان پرهیزگاری خواهند تابدست آرید متاع زندگانی دنیا و هرکه اجبارکند ایشان را پس هرآئینه خدا(آن کنیزگان را) بعد اجبار کردن برایشان آمرزندهٔ مهربان ست (۳۳) .

وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ
خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه فرودآوردیم بسوی شما آیت های روشن را ومثالی ازحال آنانکه گذشتند پیش ازشماوپندی برای پرهیزگاران (۳٤) .

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا

خدا نور آسمانها وزمین ست مثالی نورِوی (درقلب مسلمانان) مانند طاقی

= وساق، والله اعلم .

مِصْبَاحٌ ۖ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۖ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ
دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ
وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُّورٌ عَلَىٰ نُورٍ ۗ
يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ
وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾

که درآن چراغی ست[1] آن چراغ درشیشه ای ست[2] آن شیشه گویاستارهٔ درخشنده ای ست که افروخته می شود ازروغن درختی بابرکت که عبارت ازدرخت زیتونی ست نه بسمت مشرق رویدونه بجانب مغرب نزدیك است که روغن وی روشنی بدهداگرچه نرسیده باشدش آتشی، روشنی برروشنی ست راه می نماید خدا به نور خود هرکرا خواهد وبیان می فرماید خدا مثالها برای مردمان وخدا بهَر چیز داناست[3] (٣٥).

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا
بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾

درخانه های که دستوری داده است خدا که بلند کرده شود آن راویاد کرده شود آنجانام او بپاکی، یاد می‌کنند خدارا آنجاصبح وشام (٣٦) .

رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ
وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ ۙ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ
وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾

مردانیکه بازندارد ایشان را تجارت ونه خرید و فروش ازیادِ خدا و برپاداشتن نماز ودادن زکوٰة، می ترسند ازآن روز که مضطرب شوند درآن دل ها ودیده ها (٣٧) .

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ

تاجزادهد ایشان را خدابعوض بهترین آنچه کردند وزیاده دهدایشان را خدا

(١) یعنی فتیله روشن ست .

(٢) یعنی درقندیل ست .

(٣) حاصل این مثل تشبیه نوری است که بسبب مواظبت برطهارت وعبادت دردل مسلمانان حاصل می شود بنورچراغ که در غایت درخشند گی باشد وبجهت اشعار بآن مواظبت می فرماید .

مَنْ يَّشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٨﴾

ازفضل خویش وخداروزی می دهد هرکرا خواهد بی شمار (٣٨) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍۭ بِقِيْعَةٍ يَّحْسَبُهُ الظَّمْاٰنُ مَآءً ؕ حَتّٰٓى اِذَا جَآءَهٗ لَمْ يَجِدْهُ شَيْــًٔـا وَّوَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهٗ فَوَفّٰىهُ حِسَابَهٗ ؕ وَاللّٰهُ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ﴿٣٩﴾

وآنانکه کافرشدند اعمال ایشان مانند سرابیست بمیدانی هموار می‌پنداردش تشنه آبی تاوقتیکه چون بیاید نزدیك آن نیابدش چیزی ویابد خدارا نزد آن پس تمام رسانید به وی حساب وَی را وخدا زودگیرندهٔ حساب ست[1] (٣٩) .

اَوْ كَظُلُمٰتٍ فِىْ بَحْرٍ لُّـجِّىٍّ يَّغْشٰىهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهٖ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهٖ سَحَابٌ ؕ ظُلُمٰتٌۢ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ ؕ اِذَاۤ اَخْرَجَ يَدَهٗ لَمْ يَكَدْ يَرٰىهَا ؕ وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهٗ نُوْرًا فَمَا لَهٗ مِنْ نُّوْرٍ ﴿٤٠﴾

یا ما نند تـاریکـی ها دردریـائـی عمیـق می‌پوشداین بحر را موج ازبالای آن موج دیگرازبالای آن ابر تاریکی هاست بعض آن بالای بعض دیگر چون بیرون آرد دستِ خودنزدیك نیست که ببیندش وهرکه نداد او را خداروشنی پس نیست اورا هیچ روشنی[2] (٤٠) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُسَبِّحُ لَهٗ مَنْ فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالطَّيْرُ صٰٓفّٰتٍ ؕ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهٗ وَتَسْبِيْحَهٗ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٤١﴾

آیا ندیدی که به پاکی یادمی کند خدارا هرکه درآسمانها وزمین ست ومرغان بال گشاده هریکی دانسته است خدا دعای اوراوتسبیح اورا وخداداناست بآنچه می‌کنند (٤١) .

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ﴿٤٢﴾

وخداراست پادشاهی آسمانها وزمین وبسوی خداست باز گشت (٤٢) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُزْجِىْ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهٗ ثُمَّ يَجْعَلُهٗ رُكَامًا فَتَرَى

آیاندیدی که خدا روان می کند ابررا

---

(١) حاصل این مَثَل آنست که اعمالِ کافر نابُوَد شود و درآخرت آنرا هیچ ثواب نباشد.

(٢) حاصل این مَثَل آنست که برکافرظلمات بهیمیت متراکم شده است وانوارملکیت ازوی بکلی معدوم شده است .

الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهٖ ۚ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ جِبَالٍ فِيْهَا مِنْۢ
بَرَدٍ فَيُصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ وَيَصْرِفُهٗ عَنْ مَّنْ يَّشَآءُ ۖ يَكَادُ
سَنَا بَرْقِهٖ يَذْهَبُ بِالْاَبْصَارِ ﴿٤٣﴾

بازجمع می نماید میان آن بازمیسازدش تودرتو پس می بینی قطره را که بیرون می آیداز میان آن وفرودمی آرد ازجانب بالا ازکوه هاکه آنجاست ژاله را پس میرساندش بهرکه خواهد وبازمیداردش ازهر که می خواهد نزدیک ست درخشنلگی برق آن ابر دور کند چشمهارا (٤٣) .

يُقَلِّبُ اللّٰهُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّاُولِي الْاَبْصَارِ ﴿٤٤﴾

می گرداند خدا شب وروزرا هرآئینه درین مقدمه عبرتیست خداوندان بصیرت را (٤٤) .

وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِّنْ مَّآءٍ ۚ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى بَطْنِهٖ ۚ وَمِنْهُمْ
مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰى رِجْلَيْنِ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِيْ عَلٰٓى اَرْبَعٍ ۗ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا
يَشَآءُ ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٤٥﴾

وخدا آفرید هرجنبده ای را ازآب پس ازینهاست آنکه می رودبرشکم خود وازینهاست آن که میرود بردوپای وازینهاست آنکه میرود برچهارپای می‌آفریند خدا هرچه خواهد هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (٤٥) .

لَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍ مُّبَيِّنٰتٍ ۗ وَاللّٰهُ يَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى
صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٤٦﴾

هرآئینه فرود آوردیم آیاتِ روشن را وخدا دلالت می کند هرکرا خواهد بسوی راه راست (٤٦) .

وَيَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُوْلِ وَاَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيْقٌ
مِّنْهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ ذٰلِكَ ۗ وَمَآ اُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٧﴾

ومی گویند منافقان ایمان آوردیم بخدا وبرسول وفرمانبرداری نمودیم وبازرو می‌گرداند گروهی ازایشان بعد ازین ونیستند ایشان مومنان (٤٧) .

وَاِذَا دُعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذَا فَرِيْقٌ
مِّنْهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿٤٨﴾

وچون خوانده می شوند بسوی خداو رسول اوتاحکم فرماید میان ایشان ناگهان جماعتی ازایشان روگردانند (٤٨) .

وَاِنْ يَّكُنْ لَّهُمُ الْحَقُّ يَاْتُوْٓا اِلَيْهِ مُذْعِنِيْنَ ﴿٤٩﴾

واگرباشد ایشان راحق بیایند بسوی

اوگردن نهاده (٤٩) .

اَفِیْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ اَمِ ارْتَابُوْٓا اَمْ یَخَافُوْنَ اَنْ یَّحِیْفَ اللّٰهُ
عَلَیْهِمْ وَرَسُوْلُهٗ ۚ بَلْ اُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ﴿٥٠﴾

آیا دردل های ایشان بیماریست یادرشك افتادند یا می‌ترسند ازآنکه ستم کند برایشان خداورسول اوبلکه این جماعت ایشانند ستمگاران (٥٠) .

اِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِیْنَ اِذَا دُعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ لِیَحْكُمَ
بَیْنَهُمْ اَنْ یَّقُوْلُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا ۚ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٥١﴾

جزاین نیست که می باشد قول مسلمانان چون خوانده می‌شوند ایشان بسوی خدا و رسول اوتاحکم کند میان ایشان آنکه گویند شنیدیم وفرمانبرداری کردیم واین جماعت ایشانند رستگاران (٥١) .

وَمَنْ یُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَیَخْشَ اللّٰهَ وَیَتَّقْهِ فَاُولٰٓئِكَ
هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿٥٢﴾

وهرکه فرمان برداری کند خداورسول اورا وبترسدازخدا وحذرکندازعذاب اوپس این جماعت ایشانند بمراد رسندگان (٥٢) .

وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَیْمَانِهِمْ لَئِنْ اَمَرْتَهُمْ لَیَخْرُجُنَّ ۗ قُلْ لَّا
تُقْسِمُوْا ۚ طَاعَةٌ مَّعْرُوْفَةٌ ۗ اِنَّ اللّٰهَ خَبِیْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿٥٣﴾

وقسم خوردند بخدا بموکدترین قسمهای خود که اگربفرمائی ایشانرا البته بیرون روند ازوطن خود بگو قسم مخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب ست هرآئینه خداخبرداراست بآنچه می کنید (٥٣) .

قُلْ اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَیْهِ
مَا حُمِّلَ وَعَلَیْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ ۗ وَاِنْ تُطِیْعُوْهُ تَهْتَدُوْا ۗ وَمَا عَلَى
الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِیْنُ ﴿٥٤﴾

بگو فرمانبرداری خدابکنید وفرمانبرداری پیغمبرکنید پس اگر روبگردانید پس جزاین نیست که برپیغمبر ست آنچه بروی لازم کرده شدوبرشماست آنچه برشمالازم کرده شد واگر فرمانبرداری اوکنید راه یابید ونیست برپیغامبر مگرپیغام رسانیدن آشکار (٥٤) .

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

وعده داده است خداآنان را که ایمان آوردندازشما و عمل های شائسته

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾

کردندکه البته خلیفه سازدایشان را درزمین چنانکه خلیفه ساخته بود آنان را که پیش ازایشان بودند(١) والبته محکم کند برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان والبته تبدیل کندترس ایشان را پیش ازاین به ایمنی، پرستش کنند مرا شریك مقررنه کنند بامن چیزی را وهرکه ناسپاسی کند بعد ازین پس آن جماعت ایشان اند فاسقان(٢) (٥٥) .

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾

وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را وفرمانبرداری کنید پیغمبررا بُوَدکه برشما رحم کرده شود (٥٦) .

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾

مپندار کافران را عاجزکننده درزمین وجای ایشان آتش ست وآن بدبازگشت ست (٥٧) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

ای مسلمانان باید که اجازه طلبند ازشما آنانکه مالك ایشان شده است دست های شما(٣) وآنانکه نه رسیده اندبحدبلوغ ازشما سه نوبت، پیش از نماز فجر ووقتیکه فرومی نهید جامه های خودرا درنیم روز وپس از نماز عشا این سه وقتِ خلوتست برای شما نیست برشما ونه برایشان هیچ بَزَه بعد ازینها

(١) یعنی چنانکه بنی اسرائیل رابعد عمالقه پادشاه ساخت .
(٢) یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیت درحدیث آمده انّ الخلافة بعدی ثلاثون سنَة (هرآئینه خلافت پس ازمن سی سال است) والله اعلم .
(٣) یعنی غلامان وکنیزان .

درآیند گانند برشما بعض ازشما بربعض دیگر همچنین بیان می کند خدابرای شما آیات را وخدا دانندهٔ باحکمت ست[١] (٥٨) .

وَاِذَا بَلَغَ الْاَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَاْذِنُوْا كَمَا اسْتَاْذَنَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٥٩﴾

وچون رسند طفلان ازشما بحدِبلوغ باید که اجازه طلب کنند چنانکه اجازه می طلبیدندآنانکه پیش ازایشان بودند همچنین بیان می کند خدا برای شماآیاتِ خودرا وخدادانا باحکمت ست (٥٩) .

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاۗءِ الّٰتِيْ لَا يَرْجُوْنَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ اَنْ يَّضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجٰتٍۢ بِزِيْنَةٍ ۭ وَاَنْ يَّسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ ۭ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٦٠﴾

وکلان سالان اززنان که توقع نکاح ندارند پس نیست برایشان گناهی درآنکه فرونهند جامه های خودرا بدون ظاهرکردن آرایشی وپرهیزگاری کردن شان بهترست ایشان را وخداشنوا داناست (٦٠) .

لَيْسَ عَلَى الْاَعْمٰى حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ حَرَجٌ وَّلَا عَلٰٓي اَنْفُسِكُمْ اَنْ تَاْكُلُوْا مِنْۢ بُيُوْتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اٰبَاۗىِٕكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اُمَّهٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اِخْوَانِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَخَوٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَعْمَامِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ عَمّٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَخْوَالِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ خٰلٰتِكُمْ

نیست برنابینا گناهی ونه برلنگ گناهی ونیست بربیمار گناهی ونه برذات شما گناهی درآنکه بخورید ازخانه های خویش یاخانه های پدران خویش یاخانه های مادران خویش یاخانه های برادران خویش یاخانه های خواهران خویش یاخانه های عموهای خویش یا خانه های عمّه های خویش یاخانه های خالوهای خویش یاخانه های خالهای خویش یا

---

(١) حاصل آن ست که محارم واطفال نیزدرین ساعات استیذان کنندزیرا که مردمان جامه درین ساعات ازتن می کشند وعریان می شوند محصول سخن آنست که محارم راواطفال را عریان دیدن درست نیست والله اعلم .

اَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَّفَاتِحَهٗۤ اَوْ صَدِيْقِكُمْ ؕ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَاْكُلُوْا جَمِيْعًا اَوْ اَشْتَاتًا ؕ فَاِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوْتًا فَسَلِّمُوْا عَلٰۤى اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبٰرَكَةً طَيِّبَةً ؕ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٦١﴾

خانه ای که بتصرف شماست کلید های او[(١)] یاخانه های دوستتان نیست برشما هیچ گناهی درآنکه بخورید همه باهم یامتفرق[(٢)] پس چون درآئید بخانه ها پس سلام گوئید برقوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه ازنزد خدا همچنین بیان می کند خدابرای شما آیات را بُوَدکه بفهمید (٦١) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاِذَا كَانُوْا مَعَهٗ عَلٰۤى اَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوْا حَتّٰى يَسْتَاْذِنُوْهُ ؕ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَاْذِنُوْنَكَ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ۚ فَاِذَا اسْتَاْذَنُوْكَ لِبَعْضِ شَاْنِهِمْ فَاْذَنْ لِّمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٦٢﴾

جزاین نیست که مسلمانان آنانند که ایمان آوردند بخدا ورسول او وچون باشند باوی برکاری که مقتضی اجتماع ایشان است نروند تاآنکه اجازه طلبند از وی هرآئینه آنانکه اجازه می طلبند ازتو ایشان آنان اند که ایمان آورده اند بخدا و برسول او پس اگراجازه طلبند ازتوبرای بعض کارخوداجازه ده هرکراخواهی ازیشان وآمرزش طلب کن برای ایشان ازخداهرآئینه خدا آمرزندۂ مهربانست (٦٢) .

لَا تَجْعَلُوْا دُعَآءَ الرَّسُوْلِ بَيْنَكُمْ كَدُعَآءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ؕ قَدْ يَعْلَمُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ يَتَسَلَّلُوْنَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِيْنَ يُخَالِفُوْنَ عَنْ اَمْرِهٖۤ اَنْ تُصِيْبَهُمْ فِتْنَةٌ اَوْ يُصِيْبَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٦٣﴾

مشمارید طلبیدن پیغامبررا درمیان خویش مانند طلبیدن بعض ازشمابعض دیگررا هرآئینه می داند خداآنان را که به پنهانی بیرون می روند ازشما پناه جویان پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیغمبر می‌کنند ازآنکه برسدبدیشان بلائی

---

(١) یعنی نگاهبان و وکیل حفظ اوباشید .
(٢) یعنی اذنی که ازرسم وعادت مفهوم ست کفایت می کند وحاجت اذن صریح نیست والله اعلم .

اَلَآ اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ قَدْ يَعْلَمُ مَآ اَنْتُمْ عَلَيْهِ ؕ وَيَوْمَ يُرْجَعُوْنَ اِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ؕ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيْمٌ ﴿٦٤﴾

یابرسد بایشان عذاب درد دهنده (٦٣) .
آ گاه شو هرآئینه خداراست آنچه درآسمانها وزمین ست میداند روشی را که شمابرآنید ورروزیکه گردانیده شوند بسوی اوخبردهد ایشان را بآنچه کرده اند وخدابهرچیز داناست (٦٤) .

سُوْرَةُ الْفُرْقَان

سوره فرقان مکی است وآن هفتادوهفت آیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

تَبٰرَكَ الَّذِىْ نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰى عَبْدِهٖ لِيَكُوْنَ لِلْعٰلَمِيْنَ نَذِيْرًا ﴿١﴾

بسیاربابرکت ست آنکه فرود آورد قرآن را بربندۀ خویش تاباشد ترساننده عالم هارا (١) .

اۨلَّذِىْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَّلَمْ يَكُنْ لَّهٗ شَرِيْكٌ فِى الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَىْءٍ فَقَدَّرَهٗ تَقْدِيْرًا ﴿٢﴾

آنکه اوراست پادشاهی آسمان ها وزمین وهیچ فرزندنگرفته وهیچ شریك نیست اورادرپادشاهی وبیافرید هرچیزی را پس اندازه کرداوراندازه کردنی (٢) .

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖۤ اٰلِهَةً لَّا يَخْلُقُوْنَ شَيْئًا وَّهُمْ يُخْلَقُوْنَ وَلَا يَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَّلَا نَفْعًا وَّلَا يَمْلِكُوْنَ مَوْتًا وَّلَا حَيٰوةً وَّلَا نُشُوْرًا ﴿٣﴾

وگرفتند کافران بجزخدا آن معبودان را که نمی آفرینند چیزی وخود شان آفریده شوند و نمی توانند برای خویش زیانی ونه سودی ونمی توانند مرگ را ونه زندگانی را ونه برانگیختن را (٣) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْۤا اِنْ هٰذَاۤ اِلَّاۤ اِفْكُ اِۨفْتَرٰىهُ وَاَعَانَهٗ عَلَيْهِ قَوْمٌ اٰخَرُوْنَ ۚ فَقَدْ جَآءُوْ ظُلْمًا وَّزُوْرًا ﴿٤﴾

وگفتند کافران نیست این قرآن مگردروغی که بربافته است آن را ویاری داده انداورابرافترای وی گروه دیگر پس بعمل آوردند ستم ودروغ را (٤) .

وَقَالُوْۤا اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ اكْتَتَبَهَا فَهِىَ تُمْلٰى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ﴿٥﴾

وگفتند قرآن افسانهای پیشینیانست که برای خودنوشته است آنرا پس آن خوانده می شود بروَی صبح و

شام[1] (٥) .

قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٦﴾

بگو فرود آورده است آنراکسیکه میداند آن پنهان را که درآسمان ها وزمین ست هرآئینه وی هست آمرزندۀ مهربان (٦) .

وَقَالُوا مَالِ هٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ ۙ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا ﴿٧﴾

و گفتندچیست این پیغامبررا که میخورد طعام ومیرود دربازارها چرافرستاده نشد بسوی وی فرشته تاباشد همراه وی ترساننده (٧) .

أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا ۚ وَقَالَ الظّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ﴿٨﴾

یاچرا ازآسمان پرتافته نه شد بسوی وی گنجی یاچرانیست اوراباغی که بخورد ازآن و گفتند ستمگاران پیروی نمی کنید مگرمردجادو زده را (٨) .

انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٩﴾

ببین چگو نه مثالها زدند درحق تو پس گمراه شدند پس نمی یابند هیچ راهی را (٩) .

تَبٰرَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن ذٰلِكَ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا ﴿١٠﴾

بزرگوارست آنکه اگرخواهد بدهدترا بهتراز این بوستانها که میرود زیرآن جویهابدهد ترا کاخهای بلند (یعنی دردنیا) (١٠) .

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾

بلکه دروغ شمردند قیامت را وآماده ساختیم برای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را (١١) .

إِذَا رَأَتْهُم مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾

چون به ببینند دوزخ راایشان ازمسافتِ دوربشنوند از وی آواز خشم خوردن وجوش وخروش را (١٢) .

وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا

وچون انداخته شوند ازآن دوزخ بمکانی

(١) یعنی تایاد گیرد .

هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿١٣﴾

تنگ دست وپابسته بددعا کنند آنجابرخویش هلاك شدن را(١٣) .

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٤﴾

وگوئیم بددعا نکنید امروز بیك هلاك شدن وبددعا کنید بهلاك بسيار (١٤) .

قُلْ أَذٰلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ
كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾

بگو آیا این بهترست یا بهشت جاویدآنکه وعده داده است متقیان را باشد ایشان را پاداش وجای بازگشت (١٥) .

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
وَعْدًا مَسْئُولًا ﴿١٦﴾

ایشان راست درآنجاآنچه می خواهندجاویدان، هست برپروردگار تو وعدهٔ طلبیده شده (١٦) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ
أَأَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾

وآن روز که جمع کند خداایشان را وآنچه می پرستند بغیراز خدا پس گوید آیاشما گمراه کردید این بندگان مرا یاایشان خود خطا کرده اند راه را (١٧) .

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ
دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ
نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿١٨﴾

گویند بپاکی یادمی کنیم ترا سزاوار نباشد ماراکه هیچ دوست گیریم بجز تو ولیکن بهره مند ساختی ایشان را وپدران ایشان را تاآنکه فراموش کردند پند را وشدند گروهی هلاك شده (١٨) .

فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا
وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾

گوئیم (ای گروه کافران) هرآئینه دروغ پنداشتند شمارا این معبودان درآنچه می‌گفتید پس نمی توانید دفع کردن عذاب ونه یاری دادن وهرکه ستم کند ازشما بچشانیمش عذاب بزرگ (١٩) .

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ
الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ
لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿٢٠﴾

ونه فرستادیم پیش ازتو پیغامبران مگر باین صفت که ایشان می خورند طعام ومی رفتند دربازارها و ساختیم بعض شمارا درحق بعضی ابتلائی آیاصبر می‌کنید، وهست پروردگار توبینا (٢٠) .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا
الْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنفُسِهِمْ
وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿٢١﴾

و گفتند آنانكه توقع ندارند ملاقات مارا چرا فروفرستاده نشد برما فرشتگان یاچرانمی بینیم پروردگار خودرا هرآئینه بزرگ شدند درزعم خویش و سرکشی کردند سرکشیِ بزرگ (٢١) .

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ
وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا ﴿٢٢﴾

روزی كه به بینند فرشتگان را هیچ مژده نیست آن روز گنهگاران را وگویند كه بازداشته شوند بازداشتن موكد (٢٢) .

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا ﴿٢٣﴾

ومتوجه شدیم بسوی آن چه كردند ازكردار پس ساختیم آن را مانند ذرّه های پراگنده[1] (٢٣) .

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾

اهل بهشت آن روزبهترند ازجهت قرارگاه ونیكوترند باعتبار جای استراحت (٢٤) .

وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا ﴿٢٥﴾

وروزیكه بشگافد آسمان بسبب ابرو فرودآورده شوند فرشتگان فرودآوردنی[2] (٢٥) .

الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى
الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿٢٦﴾

پادشاهیِ حقیقی آن روزخداراست وباشد آن روز بركافران روزدشوار (٢٦) .

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ
مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿٢٧﴾

وروزی كه بگزد ستمگار دودست خودرا گوید ای كاش من گرفتمی همراه پیغامبر راهی[3] (٢٧) .

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾

ای وای برمن كاش كه دوست نه گرفتمی فلان را[4] (٢٨) .

---

(١) یعنی برباد كردیم

(٢) یعنی آسمان برهیئتِ معتادخود باشد اماابرناگاه منشق شود والله اعلم .

(٣) تمناكننده عقبه بن ابي معیط بود كه اطاعت أبی بن خلف كرد چنانه درسبب نزول آیه بیان كرده اند .

(٤) یعنی أبی بن خلف وماننداو .

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾

هرآئینه وی گمراه کرد مرااز پند بعد ازآنکه آمده بودبمن وهست شیطان آدمی را درمحنت تنها گذارنده (٢٩) .

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾

و گفت پیغامبر ای پروردگار من هرآئینه قوم من این قرآن را متروك ساختند (٣٠).

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾

وهمچنین ساخته ایم برای هر پیغامبر دشمنان ازگناهگاران و بس ست پروردگار تو راه نما ونصرت دهنده (٣١).

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٢﴾

و گفتند کافران چرا فرود آورده نه شد برپیغامبرقرآن بیك دفعه همچنین بدفعات آوردیم تااستوارسازیم بآن دل ترا و خواندیم آن راباآهستگی (٣٢) .

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ﴿٣٣﴾

ونیارند کافران پیش توهیچ داستانی مگر بیاریم پیش توجوابی راست و نیکوتر دربیان (٣٣) .

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٤﴾

آنانکه برانگیخته حشرکرده شوند برچهره های خویش بسوی دوزخ این جماعت بدترند باعتبار مکان و غلط کننده ترندراه را(٣٤) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب و ساختیم همراه او برادر او هارون را وزیر (٣٥).

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾

پس گفتیم بروید بسوی آن قوم که دروغ شمردند آیات مارا پس هلاك ساختیم آن قوم را هلاك کردنی (٣٦) .

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾

وقوم نوح چون دروغگو شمردند پیغامبران را غرق ساختیم این جماعت را و گردانیدیم ایشان رابرای مردمان نشانه، و مهیّا کردیم برای ستمگاران عذاب درد دهنده (٣٧) .

وَّعَادًا وَّثَمُوْدَا۠ وَاَصْحٰبَ الرَّسِّ وَقُرُوْنًۢا بَيْنَ ذٰلِكَ كَثِيْرًا ﴿٣٨﴾

وهلاك ساختيم عادوثمود واهل رسّ را وخَلقى بسياررا درميان ايشان (٣٨) ،

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْاَمْثَالَ ۡوَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيْرًا ﴿٣٩﴾

وبـراى هريكـى بيـان كرديـم داسـتـان ها وهريكى را هلاك ساختيم هلاك كردنى (٣٩) .

وَلَقَدْ اَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِيْٓ اُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ ؕ اَفَلَمْ يَكُوْنُوْا
يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ نُشُوْرًا ﴿٤٠﴾

وهرآئينه رسيدند كافران بدهى كه بارانيده شد بروى بارانِ بد(يعنى باران سنگ) آيانمى ديدند آن را بلكه توقع نمى داشتند برانگيختن را (٤٠) .

وَاِذَا رَاَوْكَ اِنْ يَّتَّخِذُوْنَكَ اِلَّا هُزُوًا ؕ اَهٰذَا الَّذِيْ بَعَثَ
اللّٰهُ رَسُوْلًا ﴿٤١﴾

وچون بينند ترا نگيرند ترا الّا مسخره آيااين شخص ست آنكه خداى تعالى پيغامبرفرستادش (٤١) .

اِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ اٰلِهَتِنَا لَوْلَآ اَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ؕ وَسَوْفَ
يَعْلَمُوْنَ حِيْنَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٤٢﴾

هرآئينه نزديك بود كه گمراه كند مارا ازپرستشِ خدايانِ ماا گر نه آن بودى كه شكيبائى كرديم برآن ها وخواهند دانست چون بينند عذاب را كه كيست اشتباه رونده ترراه را (٤٢) .

اَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ ؕ اَفَاَنْتَ تَكُوْنُ
عَلَيْهِ وَكِيْلًا ﴿٤٣﴾

آيا ديدى آن را كه گرفته است معبود خود خواهش نفس خودراآياتو ميشوى بروَى نگهبان (٤٣) .

اَمْ تَحْسَبُ اَنَّ اَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُوْنَ اَوْ يَعْقِلُوْنَ ؕ اِنْ هُمْ اِلَّا
كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا ﴿٤٤﴾

آيامى پندارى كه بيشترين ايشان مى شنوند يامى‌فهمند نيستند ايشان الّا مانند چهارپايان بلكه ايشان اشتباه رونده ترند راه را (٤٤) .

اَلَمْ تَرَ اِلٰى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ ۚ وَلَوْ شَآءَ لَجَعَلَهٗ سَاكِنًا ۚ ثُمَّ

آيا نديدى بسوى پروردگار خود كه چگـونـه دراز كـردسـايـه را[1] واگـر

---

(١) يعنى بعد اسفارقبل ازغروب آفتاب يادراوّل روز .

جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (٤٥)

خواستی گردانیدی آن را آرمیده بازبرگماشتیم آفتاب را بروَی راه نما[١] (٤٥) .

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا (٤٦)

بازفراگرفتیم سایه را بسوی خویش فرا گرفتن آسان (٤٦) .

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ
النَّهَارَ نُشُورًا (٤٧)

واوست آنکه ساخته برای شما شب را پوشش وخواب راراحت وساخت روزراوقتِ برخاستن (٤٧) .

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ
وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (٤٨)

واوست آنکه فرستاد بادهارا مژده دهنده پیش رحمت خویش وفرود آوردیم ازآسمان آب پاك را (٤٨) .

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا
وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (٤٩)

تازنده سازیم بآن شهر مرده را وتا بنوشانیمش ازآنچه ما آفریده ایم چهارپایان را ومردمان بسیاررا (٤٩) .

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ
إِلَّا كُفُورًا (٥٠)

وهرآئینه گونا گون بیان کردیم پنددرمیان ایشان تاپندپذیر شوند پس قبول نکردند بیشترین مردمان مگرناسپاسی را (٥٠) .

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا (٥١)

وا گرمی خواستیم میفرستادیم درهر دهی ترساننده (٥١) .

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (٥٢)

پس فرمان مبرکافران را وجهادکن باایشان بقرآن جهادِ بزرگ (٥٢) .

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ
أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا (٥٣)

واوست آنکه درآمیخت دو دریا را این یك آبِ شیرین دافع تشنگی ست وآن دیگر شوربدمزه وساخت میان هر دوحجابی وسدی محکم (٥٣) .

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۚ

واوست آنکه آفرید از آب آدمی را پس

(١) یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضا میکند میرود .

وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾

ساخت آن را خویشاوند نسب وخویشاوند قرابت دامادی وهست پروردگارتوتوانا (٥٤) .

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ
وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

ومی پرستند بغیراز خداچیزی را که نفع ندهد بایشان وضررنه رساند بدیشان وهست کافر برمخالفت پروردگار خود پشت دهنده (٥٥) .

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾

ونه فرستادیم ترا مگر بشارت دهنده وبیم دهنده (٥٦) .

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ
أَن يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾

بگو نمی طلبم ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن هرکه خواهد که راه گیرد بسوی پروردگارخویش(گو بگیرد) (٥٧) .

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۚ وَكَفَىٰ بِهِ
بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾

وتوکل کُن برآن زنده که هرگز نمیرد وبپاکی یادکن همراه ستایش او،وبس ست وی بگناهان بندگان خویش آگاه (٥٨) .

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمَٰنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾

آنکه بیافرید آسمانها وزمین وآنچه درمیان آنهاست درشش روز باز مستقرشد برعرش اوست بخشاینده پس بپرس ازحالِ وی دانائی را (٥٩) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا وَمَا
الرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۩ ﴿٦٠﴾

وچون‌گفته میشود بکافران که سجده کنید رحمن راگویند چیست رحمن آیا سجده کنیم چیزی را که تومیفرمائی بما وزیاده کرداین سخن درحق ایشان رمیدن را (٦٠).

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا
سِرَاجًا وَقَمَرًا مُّنِيرًا ﴿٦١﴾

بزرگوارست آنکه بساخت درآسمان بُرجهارا وساخت درآن چراغ را (یعنی خورشید را) وساخت ماهِ روشنی دهنده را (٦١) .

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ
أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾

واوست آنكه ساخت شب وروز را جانشين يك ديگر براى كسيكه خواهد پندگرفتن ياخواهد شكرگذارى كردن (٦٢) .

وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ
الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٣﴾

وبندگان خدا آنانند كه ميروند برزمين بآهستگى[1] وچون سخن گويند بايشان نادانانگويند سلام برشماباد (٦٣) .

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾

وآنانكه شب مى گذارند براى پروردگار خويش سجده كنان وقيام كنان (٦٤) .

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ
إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾

وآنانكه مى‌گويند اى پروردگار ما بازدارازما عذاب دوزخ را هرآئينه عذاب دوزخ لازم شونده است (٦٥) .

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾

هرآئينه دوزخ بدآرامگاهى ست وبدمقامى ست (٦٦) .

وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ
ذَٰلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

وآنانكه چون خرج كنند اسراف نه نمايند و تنگى نگيرند وباشد عطاى ايشان ميان جانِبَين معتدل (٦٧) .

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَن يَفْعَلْ
ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾

وآنانكه نمى پرستند باخدامعبود ديگررا ونمى كُشند هيچ نفسى را كه حرام كرده است خدامگر بحق وزنانكنند وهركه بكند اين كاررا برخُورَدبه عقوبتِ دشوار (٦٨) .

يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾

دوچند كرده شود اوراعذاب روزِ قيامت وجاويدماند آنجا خواركرده شده (٦٩) .

إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ
اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٧٠﴾

مگر آنكه توبه كرد وايمان آوردوعمل شائسته نمود پس آنجماعت تبديل كند خدا بديهاى ايشان را به نيكى ها وهست

---

(١) يعنى تواضع برايشان غالب ست .

خدا آمرزندهٔ مهربان (٧٠) .

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾

وهرکه توبه کند وکارشائسته بجاآوردپس هرآئینه وی رجوع میکند بخدا رجوع کردنی (٧١) .

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾

وآنانکه گواهی دروغ نمی دهند وچون بگذرند بربیهوده بگذرند به روشِ بزرگان (٧٢) .

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا
وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾

وآنانکه چون پندداده می شود ایشان را بآیاتِ پروردگار ایشان کرو کور نه افتند بشنیدِن آن[1] (٧٣) .

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ
أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾

وآنانکه می‌گویند ای پروردگارِمابه بخش مارا اززنان ما وازفرزندانِ ما روشنیِ چشم وقراردِه مارا پیشوای متقیان (٧٤) .

أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾

آن جماعت جزاداده شود ایشان را مقام بلند بخاطر آنکه صبر کردند، برخوردار کرده شوند درآن ایشان بدعای خیروسلام (٧٥) .

خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾

جاویدان آنجا، بهشت نیك آرام‌گاه ست ونیك مقام ست (٧٦) .

قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ
يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

بگو اعتنا نمی کند به شما پروردگار من اگرنباشد عبادتِ شما پس هرآئینه دروغ پنداشتید پس البته باشد جزای آن لازم (٧٧) .

سُورَةُ الشُّعَرَاءِ

سوره شعراء مکی است وآن دوصد وبیست وهفت آیت ویازده رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

(١) یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند .

طٰسٓمٓ ①

طٰسٓمّٓ (١) .

تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ②

این آیاتِ کتابِ روشن ست (٢) .

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ اَلَّا يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ ③

شاید توهلاك کننده ای خویشتن را به سبب آنکه مسلمان نمی شوند (٣) .

اِنْ نَّشَاْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ اٰيَةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خٰضِعِيْنَ ④

اگرخواهیم فرودآریم برایشان ازآسمان نشانه ای پس شودگردن های ایشان پیش آن نیایش کننده (٤) .

وَمَا يَاْتِيْهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمٰنِ مُحْدَثٍ اِلَّا كَانُوْا عَنْهُ مُعْرِضِيْنَ ⑤

ونمی آید بدیشان هیچ پندی نوازجانب رحمن آورده مگر می باشند ازآن روگرداننده (٥) .

فَقَدْ كَذَّبُوْا فَسَيَاْتِيْهِمْ اَنْۢبٰٓؤُا مَا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ⑥

پس ثابت شدکه ایشان دروغ شمردند پس خواهد آمدبایشان عاقبت آنچه که بآن تمسخر می کردند (٦) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَى الْاَرْضِ كَمْ اَنْۢبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ⑦

آیاندیده اند بسوی زمین چه قدر رویانیدیم درآن ازهر جنس نیك (٧) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ؕ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ⑧

هرآئینه درین ماجرا نشانه است ونیستند بیشترین ایشان مسلمانان (٨) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ⑨

وهرآئینه پروردگار تو همان ست غالب مهربان (٩) .

وَاِذْ نَادٰى رَبُّكَ مُوْسٰٓى اَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ⑩

وآنگاه که آواز داد پروردگارتو موسیٰ را که بیاپیشِ گروهِ ستمگاران (١٠) .

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ؕ اَلَا يَتَّقُوْنَ ⑪

بیاپیش قوم فرعون آیا پرهیزگاری نمی کنند (١١) .

قَالَ رَبِّ اِنِّيْٓ اَخَافُ اَنْ يُّكَذِّبُوْنِ ⑫

گفت ای پروردگار من هرآئینه من می ترسم ازآنکه دروغگو شمرندمرا (١٢) .

وَيَضِيْقُ صَدْرِيْ وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِيْ فَاَرْسِلْ اِلٰى هٰرُوْنَ ⑬

وتنگ شودسینهٔ من وجاری نمی گردد زبان من پس پیغامبری را فرست بسوی

هارون (١٣) .

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿١٤﴾

وقوم فرعون را برمن گناهی ست پس می ترسم که بکشند مرا (١٤) .

قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ﴿١٥﴾

گفت چنین نه باشد پس هردوبروید بانشانه های ماهرآئینه ما باشما شنونده ایم (١٥) .

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

پس بیائید بفرعون پس بگوئید هرآئینه مافرستاده پروردگارعالمهائیم (١٦) .

أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾

باین پیغام که بفرست همراه ما بنی اسرائیل را (١٧) .

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ ﴿١٨﴾

گفت ای موسیٰ آیا نپروراندیم ترادرمیان اهل خویش درحال طفلی وگذُراندی درمیان ماازعمر خودسالها (١٨) .

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾

وکردی آن کردار خودرا که ازتو بعمل آمد و توازنا سپاسانی (١٩) .

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾

گفت کردم آن کردار راآنگاه ومن از گمراهان بودم (٢٠) .

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي
مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾

پس گریختم ازپیش شماچون بترسیدم ازعقوبتِ شماپس عطاکرد مرا پروردگار من دانش وساخت مراازپیغمبران (٢١) .

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾

وآیااین نعمتی ست که منت می نهی برمن بندگرفتی بنی اسرائیل را[1] (٢٢) .

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٣﴾

گفت فرعون وچیست پروردگار عالمها (٢٣) .

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٤﴾

گفت موسیٰ پروردگار آسمان ها وزمین

---

(١) یعنی بنده‌گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود پس همچنین پرورش کردن که بآن ضرورت بود نعمت نباشد .

وآنچه درمیان اینهاست اگریقین آرنده اید (٢٤) .

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهٗٓ اَلَا تَسْتَمِعُوْنَ ﴿٢٥﴾

گفت فرعون آنانراکه حوالی اوبودند آیانمی شنوید (٢٥) .

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٢٦﴾

گفت موسیٰ پروردگار شماست و پروردگار پدرانِ پیشین شماست (٢٦) .

قَالَ اِنَّ رَسُوْلَكُمُ الَّذِيْٓ اُرْسِلَ اِلَيْكُمْ لَمَجْنُوْنٌ ﴿٢٧﴾

گفت فرعون هرآئینه پیغامبرشما که فرستاده بسوی شما دیوانه ست (٢٧) .

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۭ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٢٨﴾

گفت موسیٰ پروردگار مشرق ومغرب وآنچه درمیان اینهاست اگردرمی یابید (٢٨) .

قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ اِلٰهًا غَيْرِيْ لَاَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُوْنِيْنَ ﴿٢٩﴾

گفت اگرخداگرفتی غیر مرا البته قراردهم تراازز زندانیان (٢٩) .

قَالَ اَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٠﴾

گفت آیابزندان کنی اگرچه بیارم پیش توچیزی روشن را (٣٠) .

قَالَ فَاْتِ بِهٖٓ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿٣١﴾

گفت بیار آن را اگر ازراستگویانی (٣١) .

فَاَلْقٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِيْنٌ ﴿٣٢﴾

پس بینداخت عصای خودرا پس ناگهان وی اژدهای آشکاربود (٣٢) .

وَّنَزَعَ يَدَهٗ فَاِذَا هِيَ بَيْضَآءُ لِلنّٰظِرِيْنَ ﴿٣٣﴾

وبرآورد دست خودراپس ناگهان وی سفید بود برای بینندگان (٣٣) .

قَالَ لِلْمَلَاِ حَوْلَهٗٓ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيْمٌ ﴿٣٤﴾

گفت فرعون بجماعتی که حوالی اوبودند هرآئینه این شخص جادوگریست دانا (٣٤).

يُّرِيْدُ اَنْ يُّخْرِجَكُمْ مِّنْ اَرْضِكُمْ بِسِحْرِهٖ ڰ فَمَاذَا تَاْمُرُوْنَ ﴿٣٥﴾

میخواهد که بیرون کند شمارا ازسرزمین شما بِسِحرخود پس چه می فرمائید مرا (٣٥) .

قَالُوْٓا اَرْجِهْ وَاَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَآئِنِ حٰشِرِيْنَ ﴿٣٦﴾

گفتند موقوف دار اورا وبرادرش را وبفرست درشهرها نقیبان را (٣٦) .

يَاْتُوْكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيْمٍ ﴿٣٧﴾

تابیارند پیش توهرجادوگرِ دانارا (٣٧) .

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾

پس جمع کرده شد ساحران بمیعادِ روز معیّن (٣٨) .

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

وگفته شد بمردمان آیاشما جمع شونده اید (٣٩) .

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾

بوَدکه ماپیرویِ ساحران کنیم اگرایشان غالب شوند (٤٠) .

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾

پس چون حاضر شدندساحران گفتند فرعون را آیامارامزدی بُوَد اگرماغالب شویم (٤١) .

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾

گفت آری وهرآئینه شما آنگاه از مقربان باشید (٤٢) .

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنتُم مُّلْقُونَ ﴿٤٣﴾

گفت بایشان موسیٰ بافگنید آنچه شماافگننده اید (٤٣) .

فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

پس انداختند ریسمانهای خودرا وعصاهای خودرا گفتند قسم به بزرگی فرعون هرآئینه ماالبته غالبیم (٤٤) .

فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾

پس انداخت موسیٰ عصای خودرا پس ناگهان وَی فرومی برد آنچه بی حقیقت به دروغ آورده بودند (٤٥) .

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾

پس انداخته شدند ساحران سجده کنان (٤٦) .

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾

گفتند ایمان آوردیم به پروردگار عالمها (٤٧) .

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾

پروردگار موسیٰ وهارون (٤٨) .

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾

گفت فرعون آیاایمان آوردیدبموسیٰ پیش ازآنکه اجازت دَهَم شمارا هرآئینه وی رهبر شماست آنکه بیاموخت شماراجادو پس خواهید دانست البته بِبُرَم دستهای شمارا وپاهای شمارایکی ازجانب راست

ودیگر ازجانب چپ والبته بردار آویزم
شمارا همه یك جا (٤٩) .

قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾

گفتند هیچ زیان نیست هرآئینه بسوی
پروردگار خویش رجوع کنندگانیم
(٥٠).

إِنَّا نَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَن كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾

هرآئینه ماتوقع داریم که بیامرزد برای
ماپروردگار ما گناهان مارا بسبب آنکه
شدیم اوّلین مسلمانان (٥١) .

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾

ووحی فرستادیم بسوی مُوسیٰ که بوقت
شب روان کن بندگان مراهرآئینه
شماتعاقب کرده شوید (٥٢) .

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾

پس فرستاد فرعون درشهرها نقیبان
(٥٣) .

إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾

هرآئینه بنی اسرائیل گروهی اندك اند
(٥٤) .

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٥﴾

وهرآئینه ایشان مارا بخشم آورده اند
(٥٥) .

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ ﴿٥٦﴾

وهرآئینه ماجماعتی ایم سلاح پوشیده
(٥٦) .

فَأَخْرَجْنَاهُم مِّن جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾

(خدامی فرماید) پس بیرون کردیم قوم
فرعون راازبوستانها وچشمه ها (٥٧) .

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾

وگنجها ومنزل نیك (٥٨) .

كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

و همچنین میراث دادیم این چیزهارابه
بنی اسرائیل (٥٩) .

فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾

پس تعاقب ایشان کردند وقت اشراق
درآمده (٦٠) .

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿٦١﴾

پس چون یکدیگر رادیدندهردوگروه گفتند
یارانِ موسیٰ هرآئینه بمارسیدند (٦١) .

قَالَ كَلَّا ۚ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾

گفت موسیٰ چنین نیست هرآئینه بامن
پروردگارمنست راه خواهدنمودمرا (٦٢).

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانفَلَقَ فَكَانَ
كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾

پس وحی فرستادیم بسوی موسیٰ که به
عصای خودبزن دریارا پس دریابشگافت
پس شدهرپاره مانند کوه بزرگ (٦٣) .

وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ ﴿٦٤﴾

ونزدیك آوردیم آنجا آن دیگران را (٦٤).

وَأَنجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾

وخلاص ساختیم موسیٰ راوآنان را که
همراه وی بودند همه یك جا(٦٥) .

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿٦٦﴾

بازغرق ساختیم آن دیگران را (٦٦) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هست، ونبودند
بیشترین ایشان مسلمانان (٦٧) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾

وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب
مهربان (٦٨) .

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

وبخوان برایشان خبرابراهیم (٦٩) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾

چون گفت به پدر خود و قوم خود چه
چیزرامی پرستید (٧٠) .

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ﴿٧١﴾

گفتند می‌پرستیم بتان راپس می باشیم
برایشان مجاورت کننده (٧١) .

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾

گفت آیا می‌شنوند آواز شمارا چون
می‌خوانید (٧٢) .

أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾

یاسودی رسانند بشما یازیان میدهند (٧٣).

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾

گفتند نه بلکه یافتیم پدران خودرا که چنین
می کردند (٧٤) .

قَالَ أَفَرَأَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾

گفت آیادیدید آنچه می پرستیدید (٧٥) .

أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾

شما و پدران پیشین شما (٧٦) .

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾

پس هر آئینه آنهادشمنان من اند مگر
پروردگارعالمیان (٧٧) .

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

آنکه بیافریدمرا پس اوست که هدایت

كندمرا (٧٨) .

وَ الَّذِيْ هُوَ يُطْعِمُنِيْ وَيَسْقِيْنِ ﴿٧٩﴾
وآنكه اوطعام ميخوراندمرا ومى آشامايدمرا (٧٩) .

وَاِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِيْنِ ﴿٨٠﴾
وچون بيمارمى شوم پس اوست كه شفاميدهدمرا (٨٠) .

وَالَّذِيْ يُمِيْتُنِيْ ثُمَّ يُحْيِيْنِ ﴿٨١﴾
وآنكه بميراند مرا باززندگرداند مرا (٨١) .

وَالَّذِيْٓ اَطْمَعُ اَنْ يَّغْفِرَ لِيْ خَطِيْٓـَٔتِيْ يَوْمَ الدِّيْنِ ﴿٨٢﴾
وآنكه توقع دارم كه بيامرزد براى من‌گناه من روزجزا (٨٢) .

رَبِّ هَبْ لِيْ حُكْمًا وَّاَلْحِقْنِيْ بِالصّٰلِحِيْنَ ﴿٨٣﴾
پروردگارا عطاكن مرا حكمت ولاحق كن مرابشائستگان (٨٣) .

وَاجْعَلْ لِّيْ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ ﴿٨٤﴾
وپديد آر براى من ذكر نيك در پسينيان (٨٤) .

وَاجْعَلْنِيْ مِنْ وَّرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيْمِ ﴿٨٥﴾
وقرارده مرا ازوارثان بهشت بانعمت (٨٥) .

وَاغْفِرْ لِاَبِيْٓ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الضَّآلِّيْنَ ﴿٨٦﴾
وبيامرزپدرِ مرا هرآئينه وَى بود ازگمراهان (٨٦) .

وَلَا تُخْزِنِيْ يَوْمَ يُبْعَثُوْنَ ﴿٨٧﴾
ورسوا مكن مراروزى كه برانگيخته شوند مردمان (٨٧) .

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَّلَا بَنُوْنَ ﴿٨٨﴾
روزى كه فائده ندهدمال ونه فرزندان (٨٨) .

اِلَّا مَنْ اَتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِيْمٍ ﴿٨٩﴾
ليكن صاحب فائده آن بُوَد كه بياردپيش خدادل بى عيب را (٨٩) .

وَاُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٩٠﴾
ونزديك كرده شود بهشت براى متقيان (٩٠) .

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيْمُ لِلْغٰوِيْنَ ﴿٩١﴾
وظاهر كرده شوددوزخ براى گمراهان (٩١) .

وَقِيْلَ لَهُمْ اَيْنَمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ ﴿٩٢﴾
و گفته شود بايشان كجاست آنچه مى

پرستيديد (٩٢) .

مِنْ دُونِ اللّٰهِ ۗ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ ۝٩٣

بجزخدا آيانصرت ميدهند شمارا ياخودانتقام مى كشند (٩٣) .

فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ۝٩٤

پس بررو انداخته شوند درآنجابتان و گمراهان (٩٤) .

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ۝٩٥

ولشكر هاى شيطان همه يك جا (٩٥) .

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ۝٩٦

گويندودرحاليكه ايشان درآنجابايك ديگر مكابره مى كنند (٩٦) .

تَاللّٰهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلٰلٍ مُبِينٍ ۝٩٧

قسم بخداهرآئينه مابوديم در گمراهى ظاهر (٩٧) .

إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ۝٩٨

چون برابرمى ساختيم شمارا باپروردگار عالمها (٩٨) .

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ۝٩٩

و گمراه نكردند مارا مگر اين بدكاران (٩٩) .

فَمَا لَنَا مِنْ شٰفِعِينَ ۝١٠٠

پس نيست ماراهيچ شفاعت كننده (١٠٠).

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۝١٠١

ونه دوست مهربان (١٠١) .

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝١٠٢

پس كاش مارايكبار رجوع باشد پس شويم از مسلمانان (١٠٢) .

إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝١٠٣

هرآئينه درين ماجرا نشانه هست، ونيستند بيشترين ايشان مسلمانان (١٠٣) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝١٠٤

وهرآئينه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (١٠٤) .

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ۝١٠٥

دروغگو شمردند قوم نوح پيغامبران را (١٠٥) .

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝١٠٦

چون گفت بايشان برادرايشان نوح آيانمى ترسيد (١٠٦) .

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝١٠٧

هرآئينه من براى شما پيغامبر باامانتم (١٠٧).

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١٠٨﴾

پس بترسید ازخداو فرمانبرداری من کنید (١٠٨) .

وَمَآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ ۚ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٠٩﴾

وسوال نمی کنم ازشمابرتبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزدِمن مگر برپروردگار عالمها (١٠٩) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿١١٠﴾

پس بتر سید ازخدا فرمانبرداری من کنید (١١٠) .

قَالُوْٓا اَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْاَرْذَلُوْنَ ﴿١١١﴾

گفتند آیا ایمان آوریم برتو حالانکه پیرویِ تو کرده اند سفله‌گان (١١١) .

قَالَ وَمَا عِلْمِيْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿١١٢﴾

گفت نوح وچه میدانم بآنچه می کردند (١١٢) .

اِنْ حِسَابُهُمْ اِلَّا عَلٰى رَبِّيْ لَوْ تَشْعُرُوْنَ ﴿١١٣﴾

نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر بدانید (١١٣) .

وَمَآ اَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٤﴾

و نیستم من دورکنندۀ مسلمانان (١١٤) .

اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿١١٥﴾

نِیَم من مگرترسانندۀ آشکارا (١١٥) .

قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ يٰنُوْحُ لَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْمَرْجُوْمِيْنَ ﴿١١٦﴾

گفتند اگر بازنمانی توای نوح البته شوی ازسنگسار شدگان (١١٦) .

قَالَ رَبِّ اِنَّ قَوْمِيْ كَذَّبُوْنِ ﴿١١٧﴾

گفت ای پروردگار من هرآئینه قوم من دروغگو شمردندمرا (١١٧) .

فَافْتَحْ بَيْنِيْ وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَّنَجِّنِيْ وَمَنْ مَّعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١١٨﴾

پس فیصله کن میان من ومیان ایشان فیصله کردنِ عظیم وخَلاص کُن مراوآنانراکه همراه من اند از مسلمانان (١١٨) .

فَاَنْجَيْنٰهُ وَمَنْ مَّعَهٗ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُوْنِ ﴿١١٩﴾

پس نجات دادیم اوراوآنانراکه همراه اُوبودند درکشتیِ پُر کرده شده (١١٩) .

ثُمَّ اَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبٰقِيْنَ ﴿١٢٠﴾

باز غرق ساختیم بعد ازین باقی ماندگان را (١٢٠) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۗ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿١٢١﴾

هرآئینه درین ماجرانشانه است، ونیستند

اكثرايشان مسلمانان (١٢١) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾

وهرآئينه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (١٢٢) .

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

دروغگو پنداشتند قبيلهٔ عاد پيغمبران را (١٢٣) .

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

چون‌گفت بايشان برادرايشان هود آيانمی ترسيد (١٢٤) .

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾

هرآئينه من براى شما پيغامبر باامانتم (١٢٥) .

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٢٦﴾

پس بترسيد ازخداو فرمانبردارىِ من كنيد (١٢٦) .

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾

وسوال نمی كنم ازشمابرتبليغ رسالت هيچ مزدى، نيست مزدمن مگر برپروردگار عالمها (١٢٧) .

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾

آيامی سازيد بهر بلندى علامتى بى فائده (١٢٨) .

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾

ومی سازيد محلهاى استوار گوياجاويد خواهيد ماند (١٢٩) .

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾

وچون دست می‌گشائيد، دست می‌گشائيد ستمگار شده (١٣٠) .

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٣١﴾

پس بترسيد ازخدا وفرمانبردارى من كنيد (١٣١) .

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾

وبترسيد ازكسيكه امداد كرد شمارابآنچه دانيد (١٣٢) .

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾

امداد كرده است شمارا بچهار پايان و فرزندان (١٣٣) .

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾

وبوستانها وچشمه ها (١٣٤) .

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾

هرآئينه من مى ترسم برشماازعذاب روز

بزرگ (١٣٥) .

قَالُوا سَوَآءٌ عَلَيْنَآ أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُن مِّنَ ٱلْوَٰعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

گفتند یکسان ست برماکه پنددهی یا نه باشی ازپند دهندگان (١٣٦) .

إِنْ هَٰذَآ إِلَّا خُلُقُ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾

نیست این مگر عادتِ پیشینیان (١٣٧) .

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿١٣٨﴾

ونیستیم ما عذاب کرده شدگان (١٣٨) .

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَٰهُمْ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً وَمَا كَانَ
أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

پس دروغگو پنداشتندش پس هلاك ساختیم ایشان را هرآئینه درین ماجرانشانه هست، ونه بودند بیشترین ایشان مسلمانان (١٣٩) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾

وهرآئینه پروردگارتوهمان ست غالب مهربان (١٤٠) .

كَذَّبَتْ ثَمُودُ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾

دروغگو شمردند قبیلهٔ ثمودپیغامبران را (١٤١) .

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَٰلِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٤٢﴾

چون گفت بایشان برادرایشان صالح آیانمی ترسید (١٤٢) .

إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾

هرآئینه من برای شما پیغامبربااامانتم (١٤٣) .

فَٱتَّقُوا ٱللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٤٤﴾

پس بترسید ازخداوفرمانبرداری من کنید (١٤٤) .

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٤٥﴾

وسوال نمی کنم ازشما برتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدمن مگربر پروردگار عالمها (١٤٥) .

أَتُتْرَكُونَ فِى مَا هَٰهُنَآ ءَامِنِينَ ﴿١٤٦﴾

آیا ایمن‌گذاشته خواهید شددرآنچه اینجاست (١٤٦) .

فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾

دربوستانها وچشمه ها(١٤٧) .

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿١٤٨﴾

وکِشتها ودرختان خرمائی که شگوفهٔ آن نازك ست (١٤٨) .

وَتَنۡحِتُوۡنَ مِنَ الۡجِبَالِ بُيُوۡتًا فٰرِهِيۡنَ ﴿١٤٩﴾	ومی تراشید ازکوه ها خانه های ماهرانه (١٤٩) .
فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيۡعُوۡنِ ﴿١٥٠﴾	پس بترسید ازخدا فرمانبرداری من کنید (١٥٠) .
وَلَا تُطِيۡعُوۡۤا اَمۡرَ الۡمُسۡرِفِيۡنَ ﴿١٥١﴾	واطاعت مَكُتِيد فرمانِ ازحد گذرندگانرا (١٥١) .
الَّذِيۡنَ يُفۡسِدُوۡنَ فِى الۡاَرۡضِ وَ لَا يُصۡلِحُوۡنَ ﴿١٥٢﴾	آنانکه فسادمی کنند درزمین واصلاح نمی نمایند (١٥٢) .
قَالُوۡۤا اِنَّمَاۤ اَنۡتَ مِنَ الۡمُسَحَّرِيۡنَ ﴿١٥٣﴾	گفتند جزاین نیست که توازجادوشدگانی (١٥٣) .
مَاۤ اَنۡتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثۡلُنَا ۚ فَاۡتِ بِاٰيَةٍ اِنۡ كُنۡتَ مِنَ الصّٰدِقِيۡنَ ﴿١٥٤﴾	نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیار نشانه ای اگراز راستگویانی (١٥٤) .
قَالَ هٰذِهٖ نَاقَةٌ لَّهَا شِرۡبٌ وَّلَـكُمۡ شِرۡبُ يَوۡمٍ مَّعۡلُوۡمٍ ﴿١٥٥﴾	گفت این ماده شتریست وی را یك نوبت آب خوردن ست وشمارانوبت روز معین (١٥٥) .
وَلَا تَمَسُّوۡهَا بِسُوۡۤءٍ فَيَاۡخُذَكُمۡ عَذَابُ يَوۡمٍ عَظِيۡمٍ ﴿١٥٦﴾	ودست مرسانیداورابعقوبت که آنگاه دربرگیرد شمارا عذابِ روزِ بزرگ (١٥٦) .
فَعَقَرُوۡهَا فَاَصۡبَحُوۡا نٰدِمِيۡنَ ﴿١٥٧﴾	پس پی زدند آنرا پس گشتند پشیمان (١٥٧) .
فَاَخَذَهُمُ الۡعَذَابُ ؕ اِنَّ فِىۡ ذٰ لِكَ لَاٰيَةً ؕ وَمَا كَانَ اَكۡثَرُهُمۡ مُّؤۡمِنِيۡنَ ﴿١٥٨﴾	پس درگرفت ایشان را عذاب هرآئینه درین ماجرانشانه هست، و نبودند بیشترین ایشان مسلمانان (١٥٨) .
وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الۡعَزِيۡزُ الرَّحِيۡمُ ﴿١٥٩﴾	وهرآئینه پروردگار توهمان ست غالب مهربان (١٥٩) .
كَذَّبَتۡ قَوۡمُ لُوۡطِ اۨلۡمُرۡسَلِيۡنَ ﴿١٦٠﴾	دروغگو شمردند قوم لوط پیغامبران را (١٦٠) .
اِذۡ قَالَ لَهُمۡ اَخُوۡهُمۡ لُوۡطٌ اَلَا تَتَّقُوۡنَ ﴿١٦١﴾	چون گفت بایشان برادرایشان لوط آیانمی ترسید (١٦١) .

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ١٦٢

هرآئینه من برای شما پیغامبر باامانتم (١٦٢) .

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ١٦٣

پس بترسید ازخدا و فرمان من برید (١٦٣) .

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ١٦٤

وسوال نمی کنم ازشما برتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدمن مگر بر پروردگار عالمها (١٦٤) .

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ١٦٥

آیا بقصد قضای شهوت میروید بسوی مردان ازاهل عالم (١٦٥) .

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ ۚ بَلْ
أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ١٦٦

ومی‌گذارید آنچه آفریده است برای شما پروردگارشما اززنان شما بلکه شما گروهی ازحدگذشته اید (١٦٦) .

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ١٦٧

گفتند اگر بازنه آئی توای لُوط هرآئینه باشی ازبیرون کردگان (١٦٧) .

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ١٦٨

گفت هرآئینه من عمل شماراازدشمنانم (١٦٨) .

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ١٦٩

پروردگارا نجات ده مراواهلِ مراازوبال آنچه می کنند (١٦٩) .

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ١٧٠

پس نجات دادیم اورا واهلِ اوراهمه یکجا (١٧٠) .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ١٧١

مگر پیرزنی که بود ازباقی ماندگان (١٧١) .

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ١٧٢

بازهلاك ساختیم آن دیگران را (١٧٢) .

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ١٧٣

وبارانیدیم برایشان بارانی پس بَدَست باران ترسانیدگان (١٧٣) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ١٧٤

هرآئینه درین ماجرا نشانه است، ونبودند بیشترین ایشان مسلمانان (١٧٤) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ١٧٥

وهرآئینه پروردگارتو همان ست غالب

مهربان (١٧٥) .

كَذَّبَ أَصْحٰبُ لْـَٔيْكَةِ الْمُرْسَلِيْنَ ١٧٦

دروغگو شمردند باشندگانِ آیکه پیغامبران را (١٧٦) .

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُوْنَ ١٧٧

چون گفت بایشان شعیب آیانمی ترسید (١٧٧) .

إِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ أَمِيْنٌ ١٧٨

هرآئینه من برای شماپیغامبرِباامانتم (١٧٨) .

فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيْعُوْنِ ١٧٩

پس بترسید ازخداوفرمان من برید (١٧٩) .

وَمَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ١٨٠

وسوال نمی کنم ازشما برتبلیغ رسالت هیچ مزدی، نیست مزدِمن مگربر پروردگار عالمها (١٨٠) .

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُوْنُوْا مِنَ الْمُخْسِرِيْنَ ١٨١

تمام پیمائید پیمانه را ومباشید از زیان دهندگان (١٨١) .

وَزِنُوْا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيْمِ ١٨٢

وبسنجید به ترازوی راست (١٨٢) .

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِيْنَ ١٨٣

وناقص ندهید بمردمان اشیای ایشان را وبیباك مگردید درزمین فسادکنان (١٨٣) .

وَاتَّقُوا الَّذِيْ خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِيْنَ ١٨٤

وبترسید ازخدا که آفرید شمارا وخلایق نخستینیان را (١٨٤) .

قَالُوْٓا إِنَّمَآ أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِيْنَ ١٨٥

گفتند جزاین نیست که توازجادو شدگانی (١٨٥) .

وَمَآ أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِيْنَ ١٨٦

ونیستی تومگر آدمی مانندماوهرآئینه می‌پنداریم تراازدروغگویان (١٨٦) .

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَآءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ١٨٧

پس بافگن برما پاره ای ازآسمان اگرازراستگویانی (١٨٧) .

قَالَ رَبِّيْٓ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ١٨٨

گفت پروردگار من داناترست بآنچه می کنید (١٨٨) .

فَكَذَّبُوْهُ فَأَخَذَهُمْ

پس دروغگو پنداشتند اوراپس گرفتار

عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾

کردایشان را عذاب روزسائبان[1] هرآئینه وی بود عذابِ روزِ بزرگ (١٨٩) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

هرآئینه درین ماجرا نشانه هست ونه بودند بیشترین ایشان مسلمانان (١٩٠) .

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾

وهرآئینه پروردگارتو همان ست غالب مهربان (١٩١) .

وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾

وهرآئینه قرآن فرود آوردهٔ پروردگار عالمها ست (١٩٢) .

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾

فرودآوردش روح الامین (یعنی جبرئیل) (١٩٣) .

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾

بردل توتاشوی ازترسانندگان (١٩٤) .

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١٩٥﴾

بزبان عربی روشن (١٩٥) .

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾

وهرآئینه خبروی درصحیفه های پیشینیان ست (١٩٦) .

أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾

آیانیست برای ایشان نشانه آنکه می دانند حقانیت قرآن را عالمان بنی اسرائیل (١٩٧) .

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾

و اگر فرود می آوردیم قرآن رابربعض عجمیان (١٩٨) .

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾

پس می خواندش برایشان هرگزنمی شدند آنراباور دارندگان (١٩٩) .

كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾

همچنین درآوردیم انکاررا دردلهای گنهگاران (٢٠٠) .

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾

ایمان نمی آرند بقرآن تاآنکه ببینند عذاب درد دهنده (٢٠١) .

فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾

پس بیاید به ایشان ناگهان وایشان بی

(١) یعنی آتش بشکل سائبان ظاهر شد وهلاك ساخت .

خبرباشند (٢٠٢) .

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾

پس‌گویند آیا مهلت داده میشویم (٢٠٣) .

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾

آیاعذابِ مارا بشتاب می طلبند (٢٠٤) .

أَفَرَءَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾

آیادیدی که اگر بهره مندسازیم ایشان را سالها (٢٠٥) .

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

بازبیایدبدیشان آنچه ترسانیده می شدند (٢٠٦) .

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾

چه چیز را دفع کند ازسرایشان بهره مند بودن ایشان (٢٠٧) .

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾

وهلاك نه کردیم هیچ دهی را الّا اورا بیم کنندگان بودند (٢٠٨) .

ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾

بجهتِ پنددادن ونبودیم ستمگار (٢٠٩) .

وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾

وفرود نیاوردند قرآن را شیطانان (٢١٠) .

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾

وسزاوارنیست ایشان را ونمی توانند (٢١١) .

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿٢١٢﴾

هرآئینه شیطانان از شنیدن دُور کردگانند[1] (٢١٢) .

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾

پس مخوان باخدامعبوددیگررا آنگاه باشی ازعذاب کردگان (٢١٣) .

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾

وبترسان خویشاوندان نزدیكِ خودرا (٢١٤) .

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

وپست کُن بازوی خودرا[2] برای آنانکه پیروی توکردند ازمسلمانان (٢١٥) .

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾

پس اگر نافرمانی کنند تراپس بگو

---

(١) یعنی ازشنیدنِ کلام ملائکه .

(٢) یعنی تواضع کن .

هرآئينه من بى تعلقم ازآنچه شمامى كنيد (٢١٦) .

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ ﴿٢١٧﴾

وتوكل كُن برغالب مهربان (٢١٧) .

الَّذِيْ يَرٰىكَ حِيْنَ تَقُوْمُ ﴿٢١٨﴾

آنكه مى بيند تراچون برمى خيزى (يعنى وقتِ تهجد) (٢١٨) .

وَتَقَلُّبَكَ فِي السّٰجِدِيْنَ ﴿٢١٩﴾

ومى بيندگشتن تُرا[1] درميان سجده كنند گان[2] (٢١٩) .

اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٢٢٠﴾

هرآئينه وى همان ست شنوادانا (٢٢٠) .

هَلْ اُنَبِّئُكُمْ عَلٰى مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيٰطِيْنُ ﴿٢٢١﴾

آياخبردهم شمارا كه برچه كس فرودمى آيند شيطانان (٢٢١) .

تَنَزَّلُ عَلٰى كُلِّ اَفَّاكٍ اَثِيْمٍ ﴿٢٢٢﴾

فرودمى آيند برهردروغگوى گنهگار (٢٢٢) .

يُّلْقُوْنَ السَّمْعَ وَاَكْثَرُهُمْ كٰذِبُوْنَ ﴿٢٢٣﴾

مى نهند گوش وبيشترين ايشان دروغ گويانند (٢٢٣) .

وَالشُّعَرَآءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوٗنَ ﴿٢٢٤﴾

وشاعران پيروىِ ايشان مى كنندگمراهان (٢٢٤) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّهُمْ فِيْ كُلِّ وَادٍ يَّهِيْمُوْنَ ﴿٢٢٥﴾

آيانمى‌بينى كه ايشان درهرميدانى سرگردان شوند (٢٢٥) .

وَاَنَّهُمْ يَقُوْلُوْنَ مَا لَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٢٢٦﴾

وآنكه ايشان مى‌گويند آنچه نمى كنند[3] (٢٢٦) .

اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَذَكَرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا
وَّانْتَصَرُوْا مِنْۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُوْا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا
اَيَّ مُنْقَلَبٍ يَّنْقَلِبُوْنَ ﴿٢٢٧﴾

مگرآنانكه ايمان آوردند وعملهاى شايسته كردند وذكر خداكردند بسيارى وپيروز گشتند بعد ازآنكه مظلوم شدند وخواهند دانست ظالمان كه بكدام جا بازخواهند گشت (٢٢٧) .

---

(١) يعنى ازقيام بركوع وازركوع بسجود .

(٢) يعنى نمازگذاران .

(٣) يعنى بهر مضمون مبالغه مى كنند .

سُورَةُ النَّمل

سوره نمل مکی است وآن نودوسه آیت وهفت رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

طٰسٓ تِلْكَ اٰيٰتُ الْقُرْاٰنِ وَكِتَابٍ مُّبِيْنٍ ①

طسٓ .

این ها آیاتِ قرآن وکتاب روشن ست (١).

هُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُؤْمِنِيْنَ ②

هدایت ومژده است برای مسلمانان (٢).

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ③

آنانکه برپامیدارند نمازرا ومی دهند زکوٰة را وایشان بآخرت یقین می آرند (٣).

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ اَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُوْنَ ④

آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت آراسته کردیم برای ایشان کردارهای ایشان را پس ایشان سرگردان می شوند (٤).

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ⑤

این جماعت آنانندکه برای ایشان ست سختیِ عذاب واین جماعت درآخرت ایشانند زیان کارتر (٥).

وَاِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْاٰنَ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ عَلِيْمٍ ⑥

وهرآئینه توداده می شوی قرآن ازنزدِ خدای استوارکار دانا (٦).

اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِاَهْلِهٖٓ اِنِّيْٓ اٰنَسْتُ نَارًا سَاٰتِيْكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ اٰتِيْكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ⑦

یادکُن آنگاه که‌گفت موسیٰ باهل خودهر آئینه من دیده ام آتشی خواهم آورد برای شماازآن خبری یا خواهم آورد برایتان شعله ای که درآخگری فراگرفته، باشد که‌شماگرمی حاصل کنید (٧).

فَلَمَّا جَآءَهَا نُوْدِيَ اَنْۢ بُوْرِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحٰنَ اللهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ⑧

پس چون رسیدبآتش نداداده شدبه او که برکت داده شد کسی را که درآتش ست وکسی را که حوالی وی ست وپاکی خدای راست پروردگارعالمها[1] (٨).

---

(١) مترجم‌گوید کسیکه درآتش ست ملائکه که درآن نورمصوربصورت آتش بودند ملائکۀ دیگر که فرود تر ازایشان بودند والله اعلم .

يٰمُوْسٰٓى اِنَّهٗٓ اَنَا اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۙ ⑨

ای موسیٰ هرآئینه (سخن اینست که) من
خدای غالب باحکمتم (٩) .

وَاَلْقِ عَصَاكَ ۭ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَاۗنٌّ وَّلّٰى مُدْبِرًا
وَّلَمْ يُعَقِّبْ ۭ يٰمُوْسٰى لَا تَخَفْ ۣ اِنِّىْ لَا يَخَافُ لَدَيَّ
الْمُرْسَلُوْنَ ⑩

وبیفگن عصای خودرا پس چون دید که
عصامی جنبدگویاوی ماریست روبگردانید
پشت داده وبازنه گشت گفتیم ای موسیٰ
مترس هرآئینه نمی ترسند نزدِ من
پیغامبران (١٠) .

اِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًۢا بَعْدَ سُوْۗءٍ فَاِنِّىْ
غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ⑪

لیکن آنکه ستم کرد بازعوض آن کرد
نیکی بعدازبدی پس هرآئینه من آمرزندهٔ
مهربانم (١١) .

وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِيْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاۗءَ مِنْ غَيْرِ سُوْۗءٍ ۣ
فِيْ تِسْعِ اٰيٰتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا
قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ⑫

ودرآردستِ خودرا بگریبانِ خودتابیرون
آید سفید بدون عیب باین دونشانه که
داخل اند درنُه معجزه بروبسوی فرعون
وقوم اوهرآئینه ایشان بودندگروه فاسقان
. (١٢)

فَلَمَّا جَاۗءَتْهُمْ اٰيٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۚ ⑬

پس آنگاه که آمدبدیشان نشانه های
ماروشن شده گفتند این سحر ظاهر ست
. (١٣)

وَجَحَدُوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَآ اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَّعُلُوًّا ۭ فَانْظُرْ كَيْفَ
كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ۧ ⑭

وانکارآن کردند ازروی ستمکاری وتکبر
وباور داشته بُوَد آن را دلهای ایشان پس
بنگر چگونه بود آخرکارِ مفسدان (١٤) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ عِلْمًا ۚ وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ
فَضَّلَنَا عَلٰي كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ ⑮

وهرآئینه دادیم داوٗد وسلیمان را علم و
گفتند ستایش آن خدای راست که فضل
داد مارا بربسیاری ازبندگان مومن خویش
. (١٥)

وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوٗدَ وَقَالَ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ
الطَّيْرِ وَاُوْتِيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۭ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِيْنُ ⑯

ووارث شد سلیمان داوٗد راوگفت ای
مردمان آموخته شد مارا گفتارِ مرغان
وداده شدمارا ازهرنعمتی هرآئینه این
است فضلِ ظاهر (١٦) .

وَحُشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُوْدُهٗ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿١٧﴾

وگِردآورده شد برای سلیمان لشکر های اواز جن وآدمیان ومُرغان پس این جماعت بعضی راتارسیدن بعضی دیگرایستاده کرده می شدند (١٧) .

حَتّٰۤى اِذَاۤ اَتَوْا عَلٰى وَادِ النَّمْلِ ۙ قَالَتْ نَمْلَةٌ يّٰۤاَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوْا مَسٰكِنَكُمْ ۚ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُوْدُهٗ ۙ وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿١٨﴾

تاوقتیکه چون رسیدند بمیدان موران گفت مورچه ای مورچگان درآئید بخانه های خود تادرهم نشکنند شمارا سلیمان ولشکرهای اونادانسته (١٨) .

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِيْۤ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِيْۤ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَدْخِلْنِيْ بِرَحْمَتِكَ فِيْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١٩﴾

پس خندان تبسم کرد ازگفتارمورچه گفت ای پروردگارمن الهام کن مراکه شکراین نعمت توکنم که انعام کرده ای برمن وبرپدرومادرِ من والهام کن مرا که بجاآرم کردارِ شائسته که خشنودشوی بآن ودرآرمرا برحمتِ خود درزمرۀ بندگانِ شائسته خویش (١٩) .

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَاۤ اَرَى الْهُدْهُدَ ۖ اَمْ كَانَ مِنَ الْغَآئِبِيْنَ ﴿٢٠﴾

وبازجست احوال مرغان پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را یاهست ازغائب شدگان (٢٠) .

لَاُعَذِّبَنَّهٗ عَذَابًا شَدِيْدًا اَوْ لَاَاذْبَحَنَّهٗۤ اَوْ لَيَاْتِيَنِّيْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢١﴾

هرآئینه عقوبت کنم اورا عقوبت سخت یاالبته ذبح کنم اورایااین ست که بیاردپیش من حجت ظاهر (٢١) .

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيْدٍ فَقَالَ اَحَطْتُّ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَاٍۭ بِنَبَاٍ يَّقِيْنٍ ﴿٢٢﴾

پس توقف کرد نه چندان دِیر پس گفت درگرفتم بچیزی که درنه گرفته ای بآن وآورده ام پیش توازقبیلۀ سبا خبریقین را (٢٢) .

اِنِّيْ وَجَدْتُّ امْرَاَةً تَمْلِكُهُمْ وَاُوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَّلَهَا عَرْشٌ عَظِيْمٌ ﴿٢٣﴾

هرآئینه من یافتم که زنی پادشاهی میکند برایشان وداده شده است اورا ازهرنعمتی واورا تختی ست بزرگ (٢٣) .

وَجَدْتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُوْنَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ

یافتم که او وقوم او سجده می کنند

الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُوْنَ ﴿٢٤﴾

خورشید را بغیراز خدا وآراسته است
شیطان برای ایشان کردار های ایشانرا
پس بازداشت ایشان را ازراه پس ایشان
راه نمی یابند (٢٤) .

اَلَّا يَسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُوْنَ وَمَا تُعْلِنُوْنَ ﴿٢٥﴾

بسوی آن که سجده کنندآن خدای را که
بیرون می آردپوشیده را که درآسمانها
وزمین است ومی داندآنچه پنهان می
داریدوآنچه آشکارا می کنید (٢٥) .

اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ﴿٢٦﴾ السجدة

خداآنست که نیست هیچ معبودِ بحق
غیراو پروردگارِ عرشِ بزرگ (٢٦) .

قَالَ سَنَنْظُرُ اَصَدَقْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ﴿٢٧﴾

گفت سلیمان خواهیم دید آیاراست گفتی
یاهستی ازدروغ گویان (٢٧) .

اِذْهَبْ بِّكِتٰبِيْ هٰذَا فَاَلْقِهْ اِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ
مَاذَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٢٨﴾

ببراین نامه را پس بینداز آنرابسوی ایشان
بازروبگردان ازایشان پس بنگر چه جواب
بازمی دهند (٢٨) .

قَالَتْ يٰۤاَيُّهَا الْمَلَؤُا اِنِّيْۤ اُلْقِيَ اِلَيَّ كِتٰبٌ كَرِيْمٌ ﴿٢٩﴾

(بلقیس) گفت ای جماعت آشراف
هرآئینه انداخته شد بسوی من نامه ای
گرامی (٢٩) .

اِنَّهٗ مِنْ سُلَيْمٰنَ وَاِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿٣٠﴾

هرآئینه این نامه ازجانب سلیمان ست
وهرآئینه این نامه بنام خدای بخشاینده
مهربان ست (٣٠) .

اَلَّا تَعْلُوْا عَلَيَّ وَاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ﴿٣١﴾

باین مضمون که تکبر مکنید برمن بیائید
پیش من مسلمان شده (٣١) .

قَالَتْ يٰۤاَيُّهَا الْمَلَؤُا اَفْتُوْنِيْ فِيْۤ اَمْرِيْ مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا
حَتّٰى تَشْهَدُوْنِ ﴿٣٢﴾

گفت (بلقیس) ای جماعت آشراف جواب
دهیدمرا درتدبیرمن، نبودم من فیصله
کننده هیچ کارراتاوقتیکه شما حاضر
شوید پیش من (٣٢) .

قَالُوْا نَحْنُ اُولُوْا قُوَّةٍ وَّاُولُوْا بَاْسٍ شَدِيْدٍ وَّالْاَمْرُ اِلَيْكِ
فَانْظُرِيْ مَاذَا تَاْمُرِيْنَ ﴿٣٣﴾

گفتند ماخداوندانِ توانائی ایم و
خداوندانِ کارزارِ سختیم وتدبیرمفوض

بسوی تُست پس درنگر چه چیزمی فرمائی (٣٣) .

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً ۚ وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾

گفت هرآئینه پادشاهان چون درآیند بدهی خراب کنند آنرا وسازند عزیزان اهل آن را رسوایان وهمچنین می کنند (٣٤) .

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

وهرآئینه من فرستنده ام بسوی ایشان تحفه ای پس بیننده ام به چه چیز بازمی آیند فرستادگان (٣٥) .

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾

پس چون آمد آن فرستاده پیش سلیمان گفت سلیمان آیاامداد می‌کنید مرابمالی پس آنچه عطا کرده ست مرا خدای‌تعالی بهترست ازآنچه عطا کرده است شمارا بلکه شما بتحفهٔ خویش شادمان می شوید (٣٦) .

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾

بازرَوبسوی ایشان پس هرآئینه بیاییم برایشان بالشکر هائی که طاقت نباشد ایشان را بمقابلهٔ آن وهرآئینه بیرون کنیم ایشان را ازدِه رسواشدگان وایشان خوارباشند(٣٧) .

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣٨﴾

گفت[1] سلیمان ای عزیزان کدام یك ازشمامی آردپیش من تخت اوراپیش ازآن که بیایند نزدِ من مسلمان شده (٣٨) .

قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ ۖ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿٣٩﴾

گفت تهمتَنی ازجن من بیارمش نزدِ تو پیش ازآنکه برخیزی ازجای خود وهرآئینه من برآن عرش توانای باامانتم (٣٩) .

---

(١) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید وعقل وجمال اورا ادراك فرماید .

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتٰبِ اَنَا اٰتِيْكَ بِهٖ قَبْلَ
اَنْ يَّرْتَدَّ اِلَيْكَ طَرْفُكَ ؕ فَلَمَّا رَاٰهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهٗ قَالَ
هٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّيْ ۫ لِيَبْلُوَنِيْٓ ءَاَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ ؕ وَمَنْ
شَكَرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّيْ غَنِيٌّ
كَرِيْمٌ ﴿٤٠﴾

گفت شخصی که نزدِ اوعلم بودازکتاب الهی من بیارمش نزد توپیش ازآنکه بازگردد بسوی تو چشمِ تو پس چون سلیمان دید آنرا قرارگرفته نزدیك خویش گفت این خارق عادت ازفضل پروردگار من است تاامتحان کند مرا آیاشکرگذاری می کنم یاناسپاسی می نمایم وهرکه شکر گذاری کند پس جزاین نیست که شکر گذاری میکند برای نفع خویش وهرکه ناسپاسی کرد پس پروردگارمن بی نیاز کَرَم کننده است (٤٠) .

قَالَ نَكِّرُوْا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ اَتَهْتَدِيْٓ اَمْ تَكُوْنُ
مِنَ الَّذِيْنَ لَا يَهْتَدُوْنَ ﴿٤١﴾

گفت سلیمان متغیر سازید برای امتحان این زن تخت اورا بنگریم آیاراهِ شناخت می یابد یامی شود ازآنانکه راه نمی یابند (٤١) .

فَلَمَّا جَآءَتْ قِيْلَ اَهٰكَذَا عَرْشُكِ ؕ قَالَتْ كَاَنَّهٗ
هُوَ ۚ وَاُوْتِيْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِيْنَ ﴿٤٢﴾

پس چون بیامد (بلقیس)گفته شدآیاچنین ست تخت تو گفت گویاوی همان ست وداده شد مارادانش بحقانیت سلیمان پیش ازین مقدمه وهستیم مسلمانان (٤٢) .

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَّعْبُدُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ اِنَّهَا كَانَتْ
مِنْ قَوْمٍ كٰفِرِيْنَ ﴿٤٣﴾

وبازداشت سلیمان آن[1] زن را ازآنچه عبادت می کردبجز خدا هرآئینه وی بودازگروه کافران (٤٣) .

قِيْلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۚ فَلَمَّا رَاَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً

گفته شدبوی که درآی باین کو شك پس

---

(١) مترجم سلیمان علیه السلام را فاعل صدّها قرار داده است واکثر مفسرین می گویند که فاعل صدّها "ما" "المصدریه یاالموصوله" است ومعنی آیت اینطور میشود که بازداشت آن زن را ازعبادت خداآنچه عبادت میکردند غیراز خدا والله اعلم .

وَّكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا ۚ قَالَ اِنَّهٗ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّنْ قَوَارِيْرَ ۗ
قَالَتْ رَبِّ اِنِّيْ ظَلَمْتُ نَفْسِيْ وَ اَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمٰنَ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٤٤﴾

چون بدیدآنرا پنداشتش حوض آب وجامه برداشت ازدوساق خود گفت سلیمان این کوشکی ست بی نقش درخشان ساخته شده ازشیشه گفت (بلقیس) ای پروردگار من هرآئینه من ستم کرده ام برخویش واسلام آوردم همراه سلیمان برای خدا پروردگارعالمها (٤٤) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَآ اِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ
فَاِذَا هُمْ فَرِيْقٰنِ يَخْتَصِمُوْنَ ﴿٤٥﴾

وهرآئینه فرستادیم بسوی ثمود برادرایشان صالح را که عبادت کنید خدای را پس ناگهان آن قوم دوگروه شدند بایکدیگر خصومت می نمودند (٤٥) .

قَالَ يٰقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُوْنَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ۚ
لَوْلَا تَسْتَغْفِرُوْنَ اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿٤٦﴾

گفت صالح ای قوم من چراشتابان طلب می کنید سختی را پیش از راحتی چرا طلب آمرزش نمی کنید ازخدا بُوَد که رحم کرده شود برشما (٤٦) .

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَّعَكَ ۚ قَالَ طٰٓئِرُكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ
بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُوْنَ ﴿٤٧﴾

گفتند شگون بد گرفتیم ازتوو ازآنانکه همراه تواند گفت شگون بدشما نزدِ خداست[1] بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می شوید (٤٧) .

وَكَانَ فِي الْمَدِيْنَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُّفْسِدُوْنَ فِي الْاَرْضِ
وَلَا يُصْلِحُوْنَ ﴿٤٨﴾

و بودند درآن شهر نُه‌گروهك که فساد می کردند درزمین واصلاح نمی‌نمودند (٤٨) .

قَالُوْا تَقَاسَمُوْا بِاللّٰهِ لَنُبَيِّتَنَّهٗ وَ اَهْلَهٗ ثُمَّ لَنَقُوْلَنَّ لِوَلِيِّهٖ
مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ اَهْلِهٖ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ ﴿٤٩﴾

گفتند بایك دیگر قسم خداخورده که البته شبیخون زنیم برصالح واهل خانه او باز البته خواهیم گفت وارث اوراحاضر نه

---

(١) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود .

بوديم وقت هلاك شدن اهل اووهر آئينه ماراستگوئيم (٤٩) .

وَمَكَرُوا مَكْرًا وَّمَكَرْنَا مَكْرًا وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٥٠﴾

و حيله كردند بنوعى از حيله وتدبير كرديم مانوعى ازتدبير وايشان نمى دانستند(٥٠) .

فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ اَنَّا دَمَّرْنٰهُمْ وَقَوْمَهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٥١﴾

پس بنگر چگونه بودسرانجام حيلهٔ ايشان كه ماهلاك كرديم ايشان را وقوم ايشان را همه يك جا (٥١) .

فَتِلْكَ بُيُوْتُهُمْ خَاوِيَةًۢ بِمَا ظَلَمُوْا اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٥٢﴾

پس اين ست خانه هاى ايشان خالى مانده به سبب ظلم ايشان هرآئينه درين ماجرا نشانه هستگروهى را كه ميدانند (٥٢) .

وَاَنْجَيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿٥٣﴾

ونجات داديم آنان را كه ايمان آوردند و پرهيزگارى مى كردند (٥٣) .

وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖٓ اَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ وَاَنْتُمْ تُبْصِرُوْنَ ﴿٥٤﴾

وفرستاديم لوط راچونگفت بقوم خود آيا بعمل مى آريد كاربى حيائى را وشما مى بينيد (٥٤) .

اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُوْنِ النِّسَآءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُوْنَ ﴿٥٥﴾

اياشمامى آئيد بمردان بارادهٔ شهوت بجز زنان بلكه شما قومى نادانيد (٥٥) .

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖٓ اِلَّآ اَنْ قَالُوْٓا اَخْرِجُوْٓا اٰلَ لُوْطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ اِنَّهُمْ اُنَاسٌ يَّتَطَهَّرُوْنَ ﴿٥٦﴾

پس نه بود جواب قوم او مگر آنكهگفتند بيرون كنيد اهل خانهٔ لوط را از دهِ خويش هرآئينه ايشان مردم پاكى طلبند (٥٦) .

فَاَنْجَيْنٰهُ وَاَهْلَهٗٓ اِلَّا امْرَاَتَهٗ قَدَّرْنٰهَا مِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٥٧﴾

پس نجات داديم اورا واهل اورا مگر زنش كه معّين كرديم اورا ازباقى ماندگان (٥٧) .

وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَّطَرًا فَسَآءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِيْنَ ﴿٥٨﴾

وبارانيديم برسرايشان بارانى پس بَدَست باران ترسانده شدگان (٥٨) .

قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلٰمٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى ءٰٓاللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٥٩﴾

بگوسپاس خداى راست وسلام برآن بندگانِ اوكه برگزيده است ايشان را آياخدابهتر است ياآنچه شريك مى آرند (٥٩) .

اَمَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ
السَّمَآءِ مَآءً ۚ فَاَنْۢبَتْنَا بِهٖ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ ۚ مَا كَانَ
لَكُمْ اَنْ تُنْۢبِتُوْا شَجَرَهَا ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَّعْدِلُوْنَ ﴿٦٠﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه بیافرید
آسمانها و زمین را و فرودآورد برای
شماازآسمان آب پس رویانیدیم به سبب
آن بوستانها راباتازگی ممکن نه بود شمارا
که برویانیددرخت های آن را آیا معبودی
هست با خدا بلکه ایشان‌گروهی اند که
کج میروند (٦٠) .

اَمَّنْ جَعَلَ الْاَرْضَ قَرَارًا وَّجَعَلَ خِلٰلَهَآ اَنْهٰرًا وَّجَعَلَ
لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ
بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٦١﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه
ساخت زمین را قرارگاه وپیداکرد درمیان
زمین جویهاوبیافرید برای زمین کوه ها
وبیافرید میان دودریا حجاب را
آیامعبودی دیگر هست باخدابلکه
بیشترین ایشان نمی دانند (٦١) .

اَمَّنْ يُّجِيْبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوْٓءَ
وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ الْاَرْضِ ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ
قَلِيْلًا مَّا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٦٢﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه قبول
می کند درمانده را چون بخواندش
وبرداردسختی را وبسازد شمارا جانشین
نخستینیان درزمین آیامعبودی دیگر هست
باخدا اندکی پندمی پذیرید (٦٢) .

اَمَّنْ يَّهْدِيْكُمْ فِيْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُّرْسِلُ
الرِّيٰحَ بُشْرًاۢ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهٖ ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ
تَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٣﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه راه می
نماید شمارا درتاریکی های بیابان و دریا
ومی فرستد باد هارا مژده دهنده پیش
دستِ رحمت خود آیا معبودی هست
باخدا برترست خدا ازآنکه شریك می
گیرند (٦٣) .

اَمَّنْ يَّبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ وَمَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ
السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ؕ ءَاِلٰهٌ مَّعَ اللّٰهِ ؕ قُلْ هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ
اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٦٤﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه نوپیدا
می کند آفرینش بازدگرباربازگرداندش
وکیست آنکه روزی می دهد شمارا
ازآسمان و زمین آیا معبودی هست باخدا
بگو بیارید حجت خودرا اگرراست

گوئید (٦٤) .

قُلْ لَّا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ الْغَيْبَ اِلَّا اللّٰهُ ۗ
وَمَا يَشْعُرُوْنَ اَيَّانَ يُبْعَثُوْنَ ﴿٦٥﴾

بگونميداند آنكه درآسمانها وزمين است غيب را مگر خدا ونميدانند كه كى برانگيخته شوند (٦٥) .

بَلِ ادّٰرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ ۚ بَلْ هُمْ فِيْ شَكٍّ
مِّنْهَا ۚ بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُوْنَ ﴿٦٦﴾

بلكه پى درپى متوجه شد علم ايشان دربابِ آخرت[1] بلكه ايشان درشبهه اند ازآخرت بلكه ايشان ازآخرت نابينايند (٦٦) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا ءَاِذَا كُنَّا تُرٰبًا وَّاٰبَآؤُنَآ اَئِنَّا
لَمُخْرَجُوْنَ ﴿٦٧﴾

وگفتند كافران آياچون شويم خاك وپدران مانيزآياما بيرون آوردگانيم (يعنى ازقبور) (٦٧) .

لَقَدْ وُعِدْنَا هٰذَا نَحْنُ وَاٰبَآؤُنَا مِنْ قَبْلُ ۙ اِنْ هٰذَآ
اِلَّآ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦٨﴾

هرآئينه وعده داده شدباين مقدمه مارا وپدرانِ مارا پيش ازين، نيست اين مگر افسانه هاى پيشينيان (٦٨) .

قُلْ سِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَانْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٦٩﴾

بگو سَير كنيد درزمين پس بنگريد چگونه بود انجام كارگنهگاران (٦٩) .

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِيْ ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُوْنَ ﴿٧٠﴾

واندوه مخور برايشان ومباش درتنگدلى ازمكربَدِ ايشان (٧٠) .

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٧١﴾

ومى‌گويند كَى باشد اين وعده اگرراست گوئيد (٧١) .

قُلْ عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ
الَّذِيْ تَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿٧٢﴾

بگوشايد نزديك شده باشد بشما بعض آنچه بشتاب مى طلبيد[2] (٧٢) .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ
اَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٧٣﴾

وهرآئينه پروردگارتو خداوند فضل ست برمردمان وليكن بيشترين ايشان شكر نمى كنند (٧٣) .

---

(١) يعنى تابه آنكه منقطع‌گشت .

(٢) يعنى عقوبتِ دنيا .

وَاِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُوْرُهُمْ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٧٤﴾

وهرآئينه پروردگارتوميداند آنچه پنهان می كنند سينه های ايشان وآنچه ظاهر می نمايند (٧٤) .

وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِى السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اِلَّا فِىْ
كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ ﴿٧٥﴾

ونيست هيچ پوشيده درآسمان وزمين مگر نوشته است دركتاب روشن (٧٥) .

اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَقُصُّ عَلٰى بَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ
اَكْثَرَ الَّذِىْ هُمْ فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿٧٦﴾

هرآئينه اين قرآن بيان می كند پيش بنی اسرائيل بيشتر آنچه ايشان درآن اختلاف می كنند (٧٦) .

وَاِنَّهٗ لَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٧٧﴾

وهرآئينه وی هدايت ورحمت است مسلمانان را (٧٧) .

اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِىْ بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهٖ ۚ وَهُوَ
الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ ﴿٧٨﴾

هرآئينه پروردگار توفيصله كند ميان ايشان بحكم خود واوست غالب دانا (٧٨) .

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ؕ اِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِيْنِ ﴿٧٩﴾

پس توكل كن برخداهرآئينه تو بردين راست روشن هستی (٧٩) .

اِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ اِذَا
وَلَّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٨٠﴾

هرآئينه تونمی توانی شُنُوَانيد مردگان را ونمی توانی شنوانيدن كران را آواز وقتيكه روبگردانند پشت داده (٨٠) .

وَمَآ اَنْتَ بِهٰدِى الْعُمْىِ عَنْ ضَلٰلَتِهِمْ ؕ اِنْ تُسْمِعُ اِلَّا
مَنْ يُّؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُوْنَ ﴿٨١﴾

ونيستی توراه نمايندهٔ كوران تابازآينداز گمراهی خويش نمی شنوانی مگر كسی را كه ايمان آورده است بآيت های ماپس اين جماعتگردن نهندگانند (٨١) .

وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ
الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ ۙ اَنَّ النَّاسَ كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا
لَا يُوْقِنُوْنَ ﴿٨٢﴾

وچون متحقق شود وعدهٔ عذاب برايشان بيرون آريم برای ايشان جانوری اززمين كه سخنگويد بايشان بسبب آنكه مردمان بآياتِ مايقين نمی آوردند(٨٢) .

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ
يُّكَذِّبُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿٨٣﴾

وآن روزكه برانگيزيم ازهرامتی طائفه ای را ازآنانكه دروغ می شمردند آيات مارا پس ازايشان بعضی را تارسيدنِ بعض

ایستاده کرده میشود (٨٣) .

حَتّٰٓى اِذَا جَآءُوْ قَالَ اَكَذَّبْتُمْ بِاٰيٰتِىْ وَلَمْ تُحِيْطُوْا بِهَا
عِلْمًا اَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٨٤﴾

تاوقتیکه چون حاضر آیندگوید خداآیادروغ شمردیدآیاتِ مرا ودر نگرفته بودید بآن ازروی دانش یاچه کار می کردید (٨٤) .

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوْا فَهُمْ لَا يَنْطِقُوْنَ ﴿٨٥﴾

وثابت شد وعدهٔ عذاب برایشان بسبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند (٨٥) .

اَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا الَّيْلَ لِيَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۭ
اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٨٦﴾

آیا ندیده اند که ماپیداکرده ایم شب را تاآرام گیرند درآن وپیداکرده ایم روزرا روشن هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست قومی را که باورمی دارند (٨٦) .

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّوْرِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ
وَمَنْ فِي الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَاۗءَ اللّٰهُ ۭ وَكُلٌّ اَتَوْهُ
دٰخِرِيْنَ ﴿٨٧﴾

ویادکن آن روز که دمیده شود در صور پس مضطرب شوند آنانکه درآسمانها یند وآنانکه درزمین اند مگر کسیکه خدا خواسته است وهمه بیایند پیش خدا خوارشده (٨٧) .

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَّهِىَ تَمُرُّ مَرَّ
السَّحَابِ ۭ صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِيْٓ اَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ۭ اِنَّهٗ
خَبِيْرٌۢ بِمَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٨٨﴾

وبه بینی کوه هاراپنداری آنهارا برجای ایستاده وآنهامی‌روند مانند رفتنِ ابر صُنع آن خدای که استوار ساخت هرچیز را هرآئینه وی خبردارست بآنچه می کنید (٨٨) .

مَنْ جَاۗءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَيْرٌ مِّنْهَا ۚ وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ
يَّوْمَىِٕذٍ اٰمِنُوْنَ ﴿٨٩﴾

هرکه بیارد نیکی پس اورا باشدبهتر ازآن وایشان ازاضطراب آن روز ایمن باشند (٨٩) .

وَمَنْ جَاۗءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوْهُهُمْ فِي النَّارِ ۭ هَلْ
تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٠﴾

وهرکه بیارد بدی نگونسار کرده شود چهره های ایشانْ درآتش جزاداده نمی شوید مگر بوفق آنچه می کردید (٩٠) .

اِنَّمَآ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ رَبَّ هٰذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِيْ حَرَّمَهَا وَلَهٗ

بگو(یامحمد) جزاین نیست که فرموده شدمراکه عبادت کنم خداونداین شهر را

كُلُّ شَيْءٍ وَّاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٩١﴾

(یعنی مکه) آنکه محترم ساخت آنراو بتصرّف اوست هر چیز، وفرموده شدمرا که باشم از مسلمانان (۹۱) .

وَاَنْ اَتْلُوَا الْقُرْاٰنَ فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ
وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ اِنَّمَآ اَنَا مِنَ الْمُنْذِرِيْنَ ﴿٩٢﴾

وفرموده شدآنکه بخوانم قرآن راپس هرکه راه یافت پس جزاین نیست که راه می یابدبرای نفع خویشتن وهرکه گمراه شد بگو جزاین نیست که من ازبیم کنندگانم (۹۲) .

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ سَيُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ فَتَعْرِفُوْنَهَا ۭ وَمَا رَبُّكَ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٩٣﴾

وبگوستایش خدای راست خواهد نمود شمارا آیاتِ خود پس بشناسید آنهارا ونیست پروردگارتو بی خبر ازآنچه می‌کنید (۹۳) .

سُوْرَةُ الْقَصَصِ

سورهٔ قصص مکي است وآن هشتادوهشت آیت ونه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

طٰسٓمّٓ ﴿١﴾

طسّمّ (۱) .

تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ﴿٢﴾

این آیت های کتاب روشن است (۲) .

نَتْلُوْا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَاِ مُوْسٰى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ
لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٣﴾

بخوانیم برتو بعض خبر موسیٰ وفرعون به راستی برای گروهی که باورمیدارند (۳) .

اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْاَرْضِ وَجَعَلَ اَهْلَهَا شِيَعًا
يَّسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ اَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْيٖ
نِسَآءَهُمْ ۭ اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٤﴾

هرآئینه فرعون تکبرکرد درزمین وساخت اهل آن را گروه گروه زبون می گرفت جماعتی را ازایشان، می کُشت پسران ایشان را وزنده می‌گذاشت دختران ایشان را هرآئینه وی بود از مفسدان (٤) .

وَنُرِيْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا فِي الْاَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ اَىِٕمَّةً وَّنَجْعَلَهُمُ الْوٰرِثِيْنَ ﴿٥﴾

ومی خواستیم که نعمت فراوان دهیم برآنان که زبون گرفته شدند درزمین وپیشواسازیم ایشان را و وارث کنیم

ایشان را (٥) .

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا
مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ٦

ودسترس دهیم ایشان را درزمین وبنمائیم فرعون وهامان ولشکر های ایشان را اززبون گرفتگان آنچه می ترسیدند (٦) .

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ
فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۖ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ
وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ٧

والهام فرستادیم بسوی مادرموسیٰ اینکه شیربده اورا پس چون بترسی بروَی بینداز او را دردریا ومترس واندوه مخور هرآئینه مابازرسانندهٔ اوئیم بسوی تو و گردانندهٔ اوئیم ازپیغامبران (٧) .

فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۗ إِنَّ
فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ٨

پس برگرفتند آن را اهل خانهٔ فرعون تاآخر کارشود برای ایشان دشمن وسبب اندوه هرآئینه فرعون وهامان ولشکرهای ایشان خطا کننده بودند (٨) .

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ ۖ
لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا
وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ٩

وگفت زن فرعون این طفل خنکی چشم ست مرا وترا مکشیدش بُوَد که نفع دهد مارا یا فرزندگیریم اورا وایشان حقیقت حال نمی دانستند (٩) .

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۖ إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ
لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ١٠

وگشت دل مادر موسیٰ خالی از صبر هرآئینه نزدیك بود که آشکارا کند آن قصّه را اگرنمی بستیم بردل اورشته[1] تاباشد ازباور دارندگان (١٠) .

وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ ۖ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ
لَا يَشْعُرُونَ ١١

و گفت خواهرش رابرپی او برو پس بدیداورا ازدور وقوم فرعون نمی دانستند (١١) .

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ

وحرام ساختیم برموسیٰ شیرِدایگان پیش

(١) یعنی صبر نمی دادیم .

اَهْلِ بَيْتٍ يَّكْفُلُوْنَهٗ لَكُمْ وَهُمْ لَهٗ نٰصِحُوْنَ ﴿١٢﴾

از وصول خواهر پس خواهرش گفت آيا راه نمايم شمارا براهل خانه اى كه خبردارى اين طفل كنند براى شماوايشان براى اونيك خواهانند (١٢) .

فَرَدَدْنٰهُ اِلٰٓى اُمِّهٖ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ
اَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٣﴾

پس بازگردانيديم اورا بسوى مادراو تاخنك شود چشم وى واندوه نخورد وتابداند كه وعده خدا راست ست وليكن بيشترين مردمان نمى دانند (١٣) .

وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهٗ وَاسْتَوٰٓى اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا ۭ وَكَذٰلِكَ
نَجْزِى الْمُحْسِنِيْنَ ﴿١٤﴾

وچون رسيد بنهايت جوانى خود ودرست اندام شد داديم اورا حكمت ودانش وهمچنين جزامى دهيم نيكوكاران را (١٤) .

وَدَخَلَ الْمَدِيْنَةَ عَلٰى حِيْنِ غَفْلَةٍ مِّنْ اَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيْهَا
رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلٰنِ ۡ هٰذَا مِنْ شِيْعَتِهٖ وَهٰذَا مِنْ عَدُوِّهٖ ۚ
فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِىْ مِنْ شِيْعَتِهٖ عَلَى الَّذِىْ مِنْ عَدُوِّهٖ ۙ
فَوَكَزَهٗ مُوْسٰى فَقَضٰى عَلَيْهِ ۡ قَالَ هٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ ۭ
اِنَّهٗ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِيْنٌ ﴿١٥﴾

ودرآمد در شهر بروقت بيخبرى اهل آن پس يافت آنجا دوشخص كه بايكديگر جنگ مى كردند آن يك ازقوم موسىٰ بود و آن ديگر ازدشمنان وى پس مدد طلب كرد شخصى كه ازقوم اوبود برآن ديگر كه ازدشمنانش بود پس مشت زد او را موسىٰ پس بكشتش گفت اين ازكارِ شيطان ست هرآئينه شيطان دشمن گمراه كنندهٔ آشكاراست (١٥) .

قَالَ رَبِّ اِنِّىْ ظَلَمْتُ نَفْسِىْ فَاغْفِرْ لِىْ فَغَفَرَ لَهٗ ۭ اِنَّهٗ
هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿١٦﴾

گفت اى پروردگارمن هرآئينه من ستم كردم برخويش پس بيامرزمرا پس بيامرزيدش هرآئينه وى آمرزندهٔ مهربان ست (١٦) .

قَالَ رَبِّ بِمَآ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ اَكُوْنَ ظَهِيْرًا
لِّلْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٧﴾

گفت اى پروردگارمن بحق انعام كردنِ تو برمن هرگز نخواهم بُود مددگار گنهگاران (١٧) .

فَاَصْبَحَ فِى الْمَدِيْنَةِ خَاۗىِٕفًا يَّتَرَقَّبُ فَاِذَا الَّذِى اسْتَنْصَرَهٗ

پس گشت كرد درشهر ترسان انتظار كنان

بِالْاَمْسِ يَسْتَصْرِخُهٗ ؕ قَالَ لَهٗ مُوْسٰٓى اِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِيْنٌ ﴿۱۸﴾

پس ناگهان شخصی که مدد طلب کرده بود دیروز باز بفریاد رسی میخواندش گفت بوی موسیٰ هرآئینه توگمراه آشکاری (١٨) .

فَلَمَّآ اَنْ اَرَادَ اَنْ يَّبْطِشَ بِالَّذِيْ هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا ۙ قَالَ يٰمُوْسٰٓى اَتُرِيْدُ اَنْ تَقْتُلَنِيْ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًۢا بِالْاَمْسِ ۖ اِنْ تُرِيْدُ اِلَّآ اَنْ تَكُوْنَ جَبَّارًا فِي الْاَرْضِ وَمَا تُرِيْدُ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْمُصْلِحِيْنَ ﴿۱۹﴾

پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسیٰ ودشمن فریادکننده بودگفت فریاد کننده ای موسیٰ آیامیخواهی که بکشی مراچنانکه کشتی شخصی را دیروز نمی خواهی مگر آنکه باشی ستمگاری درزمین ونمی خواهی که باشی از نیکوکاران[1] (١٩) .

وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ اَقْصَا الْمَدِيْنَةِ يَسْعٰى ۫ قَالَ يٰمُوْسٰٓى اِنَّ الْمَلَاَ يَاْتَمِرُوْنَ بِكَ لِيَقْتُلُوْكَ فَاخْرُجْ اِنِّيْ لَكَ مِنَ النّٰصِحِيْنَ ﴿۲۰﴾

و آمد شخصی ازآخر شهر شتابان گفت ای موسیٰ هرآئینه رئیسان مشورت می کنند درحق تو تابکشند ترا پس بیرون روهرآئینه من برای تواز نیك خواهانم (٢٠) .

فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَّتَرَقَّبُ ؗ قَالَ رَبِّ نَجِّنِيْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۲۱﴾

پس بیرون آمد ازآن شهر ترسان انتظار کنان گفت ای پروردگار من خلاص کن مرا ازگروه ستمگاران (٢١) .

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسٰى رَبِّيْٓ اَنْ يَّهْدِيَنِيْ سَوَآءَ السَّبِيْلِ ﴿۲۲﴾

ووقتیکه متوجه شد بسوی شهر مدین گفت امیدوارم ازپروردگارخویش که دلالت کند مرا براه راست (٢٢) .

وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِّنَ النَّاسِ

ووقتیکه رسید بآب مدین یافت برآن آب طائفه ای را ازمردمان آب می نوشانیدند

(١) یعنی چون موسیٰ اورا توگمراه آشکاری گفت دانست که غضب کرده برسر من می آید .

يَسْقُوْنَ ۬ وَوَجَدَ مِنْ دُوْنِهِمُ امْرَاَتَيْنِ تَذُوْدٰنِ ۚ قَالَ
مَا خَطْبُكُمَا ۭ قَالَتَا لَا نَسْقِيْ حَتّٰى يُصْدِرَ الرِّعَاۗءُ ۫ وَاَبُوْنَا
شَيْخٌ كَبِيْرٌ ﴿٢٣﴾

مواشی را ویافت آن طرف ازایشان دوزن
که باز میدارند مواشی خودراگفت موسیٰ
بآن دوزن چیست حال شماگفتند ماآب
نمی نوشانیم تاآنکه باز گردانند شبانان
مواشی را وپدرما پیرکلان سال ست (٢٣).

فَسَقٰى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلّٰٓى اِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ اِنِّىْ لِمَآ اَنْزَلْتَ
اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرٌ ﴿٢٤﴾

پس موسیٰ آب نوشانیدبرای این هر
دوبازرواورد بسوی سایه پس گفت ای
پروردگارمن هرآئینه من بآنچه فرود آوردی
بسوی من ازنعمت محتاجم (٢٤).

فَجَاۗءَتْهُ اِحْدٰىهُمَا تَمْشِيْ عَلَى اسْتِحْيَاۗءٍ ۡ قَالَتْ اِنَّ اَبِيْ يَدْعُوْكَ
لِيَجْزِيَكَ اَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا ۭ فَلَمَّا جَاۗءَهٗ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ ۙ
قَالَ لَا تَخَفْ ۣ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٥﴾

پس آمد بموسیٰ یکی ازین دوزن راه
میرفت بشرم‌گفت هرآئینه پدرمن میخواند
ترا تابتودهد مزدِ آنکه آب دادی برای
ماپس چون موسیٰ بیامد نزداو وحکایت
کرد پیش او قصّه راگفت مترس خلاص
شدی ازقومِ ستمگاران (٢٥) .

قَالَتْ اِحْدٰىهُمَا يٰٓاَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ ۡ اِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَاْجَرْتَ
الْقَوِيُّ الْاَمِيْنُ ﴿٢٦﴾

گفت یکی ازین دو دختر ای پدرمن بخدمت
بگیراورا هرآئینه بهترین کسیکه بخدمت
گیری شخصی توانا باامانت باشد (٢٦) .

قَالَ اِنِّىْٓ اُرِيْدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَى ابْنَتَيَّ هٰتَيْنِ عَلٰٓي اَنْ
تَاْجُرَنِيْ ثَمٰنِيَ حِجَجٍ ۚ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۚ
وَمَآ اُرِيْدُ اَنْ اَشُقَّ عَلَيْكَ ۭ سَتَجِدُنِيْٓ اِنْ شَاۗءَ اللّٰهُ
مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٢٧﴾

گفت هرآئینه من میخواهم که بزنی بدهم
ترایکی ازین دو دخترِ خود بشرط آنکه
خدمت من کنی هشت سال پس اگرتمام
کنی ده سال را پس آن تبرّع است ازنزدِ
تو ونمی خواهم که مشقت افگنم برتو
خواهی یافت مرا اگرخداخواسته است
ازشائستگان(٢٧) .

قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِيْ وَبَيْنَكَ ۭ اَيَّمَا الْاَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ
عَلَيَّ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰي مَا نَقُوْلُ وَكِيْلٌ ﴿٢٨﴾

گفت موسیٰ این ست عهد میان من ومیان
تو هرکدام ازین دومدّت که اداکنم تعدی
نباشد برمن وخدابرآنچه می گوئیم گواه
ست (٢٨) .

فَلَمَّا قَضٰى مُوْسَى الْاَجَلَ وَسَارَ بِاَهْلِهٖۤ اٰنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ نَارًا ۚ قَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوْۤا اِنِّیْۤ اٰنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّیْۤ اٰتِیْكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ اَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ﴿٢٩﴾

پس چون اداکرد موسیٰ آن میعادرا وروان شد باهل خود دید بجانب کوه طور آتشی راگفت باهل خود توقف کنیدهرآئینه دیده ام آتشی امیددارم که بیارم برای تان ازآنجاخبری یا بیارم شعله ای ازآتش بُوَد که شما تحصیل‌گرمی کنید (٢٩) .

فَلَمَّاۤ اَتٰىهَا نُوْدِیَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْاَیْمَنِ فِی الْبُقْعَةِ الْمُبٰرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ اَنْ یّٰمُوْسٰۤی اِنِّیْۤ اَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِیْنَ ﴿٣٠﴾

پس چون آمد نزدیك آتش آوازداده شد ازکرانهٔ راست میدان درجائیگاه بابرکت ازمیان درخت که ای موسیٰ هرآئینه من خدایم پروردگار عالم ها (٣٠) .

وَاَنْ اَلْقِ عَصَاكَ ؕ فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَآنٌّ وَّلّٰی مُدْبِرًا وَّلَمْ یُعَقِّبْ ؕ یٰمُوْسٰۤی اَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ ۫ اِنَّكَ مِنَ الْاٰمِنِیْنَ ﴿٣١﴾

وآنکه بافگن عصای خودرا پس چون دید که عصاحرکت می کندگویاوی ماریست روبگردانید پشت داده وبازنه‌گشت‌گفتیم ای موسیٰ پیش آی ومترس هرآئینه توازایمنانی (٣١) .

اُسْلُكْ یَدَكَ فِیْ جَیْبِكَ تَخْرُجْ بَیْضَآءَ مِنْ غَیْرِ سُوْٓءٍ ؗ وَّاضْمُمْ اِلَیْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذٰنِكَ بُرْهَانٰنِ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰی فِرْعَوْنَ وَمَلَا۠ئِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِیْنَ ﴿٣٢﴾

ودرآردست خودرا درگریبان خود تابیرون آید سفیدْ شده ازغیر علتی وبهم آربسوی خود بازوی خودرا از ترس(١) پس این هردونشانه اند فرود آمده ازجانب پروردگارتو بسوی فرعون وجماعتِ او هرآئینه ایشان بودندگروهِ بدکار (٣٢) .

قَالَ رَبِّ اِنِّیْ قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَاَخَافُ اَنْ یَّقْتُلُوْنِ ﴿٣٣﴾

گفت ای پروردگار من هرآئینه من کشته ام ازایشان شخصی را پس می ترسم که بکشند مرا (٣٣) .

وَاَخِیْ هٰرُوْنُ هُوَ اَفْصَحُ مِنِّیْ لِسَانًا فَاَرْسِلْهُ مَعِیَ رِدْاً

وبرادرمن هارون فصیح تراست ازمن

(١) یعنی برای دفع ترسی که بسبب ظهورِ خوارق پیدا شده .

يُصَدِّقُنِيٓ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾

ازجهت زبان پس بفرست اورا همراه من مدد کننده که باوردارد مرا هرآئینه من می ترسم ازآنکه دروغگو شمرند مرا (٣٤).

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا
سُلْطَٰنًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ۚ بِـَٔايَٰتِنَآ ۚ أَنتُمَا وَمَنِ
ٱتَّبَعَكُمَا ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿٣٥﴾

گفت خدا محکم خواهیم کرد بازوی ترا به برادر تو وخواهیم داد شمارا غلبه پس نه توانند رسید بقصد ایذابسوی شما بسبب نشانه های‌ما، شما وآنانکه پیروِی شما کرده اندغالب خواهید شد (٣٥) .

فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ
مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾

پس چون آورد موسیٰ برایشان نشانه های روشن ماراگفتند نیست این مگر جادوی بربسته ونه شنیدیم این رادر پدران نخستین خویش (٣٦) .

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعْلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلْهُدَىٰ مِنْ عِندِهِۦ
وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ ۖ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٣٧﴾

و گفت موسیٰ پروردگارمن داناترست بهرکه آورده است هدایت ازنزدِ او وبهرکه اوراست عاقبت پسندیده درآخرت هرآئینه رستگار نمی شوند ستمگاران (٣٧) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِي
فَأَوْقِدْ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجْعَل لِّي صَرْحًا
لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ
مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٣٨﴾

وگفت فرعون ای سرکردگان ندانسته ام برای شما هیچ معبودی غیرخود پس آتش برافروز برای من ای هامان برگِل (یعنی خشت بساز) پس بناکن برای من کوشکی بُوَد که من مطلع شوم از معبود موسیٰ وهرآئینه من می پندارم اورااز‌دروغ‌گویان (٣٨) .

وَٱسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَظَنُّوٓا۟
أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾

وتکبر کرد فرعون ولشکرهای او درزمین بغیر حق وگمان کردند که ایشان بسوی ما بازگردانیده نشوند (٣٩) .

فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذْنَٰهُمْ فِي ٱلْيَمِّ ۖ فَٱنظُرْ كَيْفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾

پس گرفتیم اورا ولشکر های اورا پس افگندیم ایشان را دردریا پس درنگر چگونه بود انجام ستمگاران (٤٠) .

وَجَعَلْنٰهُمْ اَئِمَّةً يَّدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ
لَا يُنْصَرُوْنَ ﴿٤١﴾

وگردانیدیم ایشان را پیشوایانی که
میخوانند بسوی آتش وروز قیامت
نصرت داده نشوند (٤١) .

وَاَتْبَعْنٰهُمْ فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ
مِّنَ الْمَقْبُوْحِيْنَ ﴿٤٢﴾

وازپیِ ایشان فرستادیم درین دنیا لعنت را
وبروزقیامت ایشان ازدور ساختگان
باشند (٤٢) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ مِنْۢ بَعْدِ مَآ اَهْلَكْنَا
الْقُرُوْنَ الْاُوْلٰى بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى
وَّرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٤٣﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب بعد ازآن
که هلاك ساختیم قرنهای نخستین را دلیل
شده برای مردمان وهدایت وبخشایش تابُوَد
که ایشان پندپذیر شوند (٤٣) .

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ اِذْ قَضَيْنَآ اِلٰى مُوْسَى الْاَمْرَ وَمَا
كُنْتَ مِنَ الشّٰهِدِيْنَ ﴿٤٤﴾

وتو نبودی بطرفِ غربی چون بانجام
رسانیدیم بسوی موسیٰ وحی را ونبودی
ازحاضران (٤٤) .

وَلٰكِنَّآ اَنْشَاْنَا قُرُوْنًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا
فِيْٓ اَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِنَا ۙ وَلٰكِنَّا كُنَّا
مُرْسِلِيْنَ ﴿٤٥﴾

ولیکن ماآفریدیم قرنهارایعنی بعد موسیٰ
پس درازشد برایشان عمر وتونبودی
باشنده دراهل مدین که بخوانی برایشان
آیات مارا ولیکن ما بودیم فرستنده (٤٥) .

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّوْرِ اِذْ نَادَيْنَا وَلٰكِنْ رَّحْمَةً مِّنْ
رَّبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ اَتٰىهُمْ مِّنْ نَّذِيْرٍ مِّنْ قَبْلِكَ
لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٤٦﴾

ونبودی توبجانب طور چون آوازدادیم
ولیکن وحی آمد ازروی بخشایش
پروردگار تو تاترسانیگروهی را که نیامده
بُود بدیشان هیچ ترساننده پیش ازتو بُوَد
که ایشان پندپذیرشوند (٤٦) .

وَلَوْلَآ اَنْ تُصِيْبَهُمْ مُّصِيْبَةٌ ۢ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ
فَيَقُوْلُوْا رَبَّنَا لَوْلَآ اَرْسَلْتَ اِلَيْنَا رَسُوْلًا فَنَتَّبِعَ اٰيٰتِكَ
وَنَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٧﴾

و اگرنه آن بودی که برسد بدیشان عقوبتی
بسبب آنکه پیش فرستاده است دست های
ایشان پس گویند ای پروردگارما چرانه
فرستادی بسوی ما پیغامبری را تاپیروی
آیات توکنیم وباشیم ازمسلمانان (٤٧) .

فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوْا لَوْلَآ اُوْتِيَ

(پیغامبران را می فرستادیم) پس چون
آمد بایشان وحی راست ازنزدِ ماگفتند

مِثْلَ مَآ اُوْتِيَ مُوْسٰىؕ اَوَلَمْ يَكْفُرُوْا بِمَآ اُوْتِيَ مُوْسٰى مِنْ قَبْلُۚ قَالُوْا سِحْرٰنِ تَظَاهَرَا ۗ وَقَالُوْٓا اِنَّا بِكُلٍّ كٰفِرُوْنَ ﴿٤٨﴾

چراداده نشداین پیغامبررا مانند آنچه داده شد بموسیٰ آیاکافر نشده اندبآنچه داده شده موسیٰ را پیش ازین، گفتند دوسحر اند موافق یك دیگر شده[1] و گفتند هرآئینه ما بهريك كافرانيم (٤٨) .

قُلْ فَاْتُوْا بِكِتٰبٍ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ هُوَ اَهْدٰى مِنْهُمَآ اَتَّبِعْهُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٤٩﴾

بگو پس بیارید کتابی فرود آمده ازنزدِ خدا که وی راه نماینده تر باشد ازین دو، تاپیروی اوکنم اگرراست‌گوئید (٤٩) .

فَاِنْ لَّمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَكَ فَاعْلَمْ اَنَّمَا يَتَّبِعُوْنَ اَهْوَآءَهُمْؕ وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوٰىهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللّٰهِؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٥٠﴾

پس اگرقبول نکنند سخن ترا پس بدان که جزاین نیست که پیروی می کنند خواهش نفسِ خودرا وکیست گمراه ترازکسیکه پیروی خواهش نفس خودکنند بدون راه نمائی خدا هرآئینه خدا راه نه می نمایدگروه ستمگاران را (٥٠) .

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٥١﴾

وهرآئینه ما پی درپی آوردیم برای ایشان این قرآن راتابُوَد که ایشان پندپذیرند (٥١) .

اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِهٖ هُمْ بِهٖ يُؤْمِنُوْنَ ﴿٥٢﴾

آنانکه داده ایم ایشان را کتاب پیش ازقرآن ایشان بقرآن ایمان می آرند (٥٢) .

وَاِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِهٖٓ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّنَآ اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهٖ مُسْلِمِيْنَ ﴿٥٣﴾

وچون قرآن خوانده میشود برایشان‌گویند ایمان آوردیم بآن هرآئینه وی راست است ازجانب پروردگارماهرآئینه ماپیش ازنزول قرآن منقادبودیم (٥٣) .

اُولٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ اَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوْا وَيَدْرَءُوْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿٥٤﴾

این جماعت داده میشود ایشان را مزدایشان دوبار بسبب آنکه صبر کردند ودفع می کنند بخصلت نیک بدی را وازآنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند (٥٤) .

(١) یعنی تورات وقرآن .

وَاِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ اَعْرَضُوْا عَنْهُ وَقَالُوْا لَنَآ اَعْمَالُنَا
وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجٰهِلِيْنَ ﴿٥٥﴾

وچون بشنوند سخن بیهوده را روبگردانند
ازآن وگویند ماراست کردار های ما
وشماراست کردارهای شماسلام برشماباد
نمی خواهیم صحبت جاهلان[1] (٥٥).

اِنَّكَ لَا تَهْدِيْ مَنْ اَحْبَبْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ
مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِيْنَ ﴿٥٦﴾

(یا محمد) هرآئینه توراه نمی نمائی هرکه
را دوست می داری ولیکن خدا راه می
نماید هرکراخواهد واوداناترست براه
یافتگان (٥٦) .

وَقَالُوْٓا اِنْ نَّتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ اَرْضِنَا ۚ
اَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَّهُمْ حَرَمًا اٰمِنًا يُّجْبٰٓى اِلَيْهِ ثَمَرٰتُ كُلِّ شَيْءٍ
رِّزْقًا مِّنْ لَّدُنَّا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٥٧﴾

وگفتند بعض اهل مکه اگرپیروی هدایت
کنیم باتو ربوده شویم اززمین
خود[2] آیاجا نه دادیم ایشان را درحرمی
باامن رسانیده میشود بسوی وی میوها
ازهر جنس روزی ازنزدِ ما لیکن بیشترین
ایشان نمی دانند (٥٧) .

وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍۢ بَطِرَتْ مَعِيْشَتَهَا ۚ فَتِلْكَ مَسٰكِنُهُمْ
لَمْ تُسْكَنْ مِّنْۢ بَعْدِهِمْ اِلَّا قَلِيْلًا ۗ وَكُنَّا نَحْنُ الْوٰرِثِيْنَ ﴿٥٨﴾

وبساهلاك کردیم ازده ها که ازحد در
گذشتند درگذرانِ خود پس اینهاست جای
ماندنِ ایشان مانده نشد آنجابعداز ایشان
مگر اندکی وبودیم مابدست آرندۀ میراثِ
ایشان (٥٨) .

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرٰى حَتّٰى يَبْعَثَ فِيْٓ اُمِّهَا رَسُوْلًا يَّتْلُوْا
عَلَيْهِمْ اٰيٰتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرٰٓى اِلَّا وَاَهْلُهَا ظٰلِمُوْنَ ﴿٥٩﴾

وهرگز نیست پروردگارتو هلاك کنندۀ ده
ها تاآنکه بفرستد درقصبۀ آن پیغامبری که
بخواند برایشان آیاتِ ما و هرگزنیستیم
هلاك کنندۀ ده ها مگر درآن حال که اهل
آنها ستمگارباشند (٥٩) .

---

(١) مترجم‌گوید یهود پیش ازآنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت کند
و نسخ یهودیت تصریح فرماید معتقد قرآن بودند و می‌گفتند عرب را قرآن لازم ست.

(٢) یعنی مردمان اخراج کنند .

وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا ۚ وَمَا
عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ٦٠

وهرچه داده شدشمارا از هرنوعی پس بهره مندیِ زندگانی دنیا وآرایش ویست وآنچه نزدِ خداست بهتر و پائنده ترست آیانمی فهمید (٦٠) .

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ
الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ٦١

آیاکسیکه وعده دادیمش وعدۀ نیک پس او دریابندۀ آنست مانند کسی است که بهرمند ساختیمش بمنفعت زندگانی دنیا بازوی روزقیامت ازحاضر کردگان ست[1] (٦١) .

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِينَ
كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ٦٢

وروزیکه آواز دهدایشان را پس گوید کجایند آن شریکان من که شماگمان می کردید (٦٢) .

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ الَّذِينَ
أَغْوَيْنَآ أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا ۖ تَبَرَّأْنَآ إِلَيْكَ ۖ مَا كَانُوٓا
إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ٦٣

گویند آنانکه ثابت شد برایشان حکم عذاب[2] ای پروردگارمااین جماعت اند که گمراه کردیم ایشان را چنانکه خود گمراه شدیم[3] بی تعلق شدیم ازهمه بسوی تو، ایشان مارانمی پرستیدند (٦٣) .

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ
وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۚ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ٦٤

وگفته شود بخوانید شریکان خودرا پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نه کنند دعای ایشان و ببینند عذاب را و تمنا کنند کاش ایشان راه یاب می‌بودند (٦٤) .

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ٦٥

وروزیکه آواز دهد خداایشان را پس‌گوید چه جواب دادید پیغامبران را (٦٥) .

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَآءَلُونَ ٦٦

پس مشتبه شود برایشان خبرها آن روز

---

(١) یعنی درعذاب .

(٢) یعنی رئیسان کفر .

(٣) یعنی بغیرِاکراه .

پس ایشان ازیك دیگر سوال نه کنند[1] (٦٦) .

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ
يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾

پس آنکه توبه نمود وایمان آورد وکارشائسته کرد پس امید ست که باشد ازرستگاران (٦٧) .

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۚ سُبْحَانَ
اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾

و پروردگار تومی آفریند هرچه خواهد وبرمی‌گزیند هرکراخواهد نیست ایشان را اختیار، پاکی خدای‌راست وبلند ترست ازآنکه شریك می آرند (٦٨) .

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾

وپروردگارتو میداند آنچه پنهان می دارد سینه های ایشان وآنچه آشکارامی کنند (٦٩) .

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ
وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾

واوست خدا، نیست هیچ معبود بحق غیراو اوراست ستایش دردنیا وآخرت واوراست فرمانروائی وبسوی اوباز گردانیده شوید (٧٠) .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ ۖ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾

بگو آیادیدید که اگرگرداند خدای تعالی برشما شب را پاینده تاروزِ قیامت کیست معبودی غیر حق که بیاردپیش شماروشنی را آیانمی شنوید (٧١) .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ
الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ
أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾

بگوآیا دیدید که اگرگرداند خدای‌تعالی برشما روزرا پاینده تا روزقیامت کیست معبودی غیرحق که بیاردبشما شبی را که آرام‌گیرید درآن آیانمی بینید (٧٢) .

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

وازرحمتِ خود ساخت برای شما شب و روز را تاآرام‌گیریددرشب وتاروزی طلب

(١) یعنی جواب باصواب نیابند .

وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٣﴾

کنید ازفضل او[١] وتاشکرگذاری کنید (٧٣) .

وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ فَيَقُوْلُ اَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِيْنَ
كُنْتُمْ تَزْعُمُوْنَ ﴿٧٤﴾

وروزیکه آواز دهد ایشانرا پس گوید کجایند آن شریکانِ من که‌گمان می کردید (٧٤) .

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيْدًا فَقُلْنَا هَاتُوْا بُرْهَانَكُمْ
فَعَلِمُوْٓا اَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿٧٥﴾

وبیرون کشیم ازهرامتی‌گواهی را[٢] پس گوئیم قوم را بیارید دلیل خود پس بدانند که حق بجانب خداست و گم شود ازایشان آنچه افترامی کردند (٧٥) .

اِنَّ قَارُوْنَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوْسٰى فَبَغٰى عَلَيْهِمْ وَاٰتَيْنٰهُ
مِنَ الْكُنُوْزِ مَآ اِنَّ مَفَاتِحَهٗ لَتَنُوْٓاُ بِالْعُصْبَةِ اُولِي الْقُوَّةِ
اِذْ قَالَ لَهٗ قَوْمُهٗ لَا تَفْرَحْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِيْنَ ﴿٧٦﴾

هرآئینه قارون بود از قوم موسیٰ پس تعدّی کرد برایشان وعطاً کرده بودیم اوراازگنجهاآن قدر که کلید های اوگرانی می کرد جماعت صاحب توانائی را چون گفت باو قوم او شادمشو هرآئینه خدادوست نمی دارد شاد شوندگان را (٧٦) .

وَابْتَغِ فِيْمَآ اٰتٰىكَ اللّٰهُ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ
مِنَ الدُّنْيَا وَاَحْسِنْ كَمَآ اَحْسَنَ اللّٰهُ اِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ
الْفَسَادَ فِي الْاَرْضِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿٧٧﴾

وبجوی درآنچه خداعطا کرده است ترا صلاح سرای آخرت و فراموش مکن حصهٔ خود از دنیا[٣] ونیکوکاری کن چنانکه احسان کرده است خدابرتو ومجو فساد درزمین هرآئینه خدا دوست نمی دارد فساد کنندگان را (٧٧) .

قَالَ اِنَّمَآ اُوْتِيْتُهٗ عَلٰى عِلْمٍ عِنْدِيْ اَوَلَمْ يَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ
اَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهٖ مِنَ الْقُرُوْنِ مَنْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَّاَكْثَرُ

گفت جزاین نیست که داده شده است مرا مال فراوان بنابردانشی که نزدِ من ست

---

(١) یعنی درروز .

(٢) یعنی هرپیغامبری برقوم خودگواهی دهد .

(٣) یعنی دردنیا عمل صالح بجاآر .

جَمْعًا ۚ وَلَا يُسْـَٔلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾

آیاندانست که خداهلاك کرد پیش ازوی
از قرنها آن قوم را که توانا تربود ازوی
وبیشتر بود درجمعیت و پرسیده نمی
شوندگنهکاران ازگناهان ایشان[1] (٧٨).

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهٖ فِىْ زِيْنَتِهٖ ۖ قَالَ الَّذِيْنَ يُرِيْدُوْنَ الْحَيٰوةَ
الدُّنْيَا يٰلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآ اُوْتِىَ قَارُوْنُ ۙ اِنَّهٗ لَذُوْ
حَظٍّ عَظِيْمٍ ﴿٧٩﴾

پس بیرون آمد برقوم خود درآرائش
خویش گفتند آنانکه طلب می کردند
زندگانی دُنیارا ای کاش مارا باشد مانند
آنچه داده شده است قارون را هرآئینه
وی صاحب نصیب بزرگ ست (٧٩) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّمَنْ
اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ۚ وَلَا يُلَقّٰىهَآ اِلَّا الصّٰبِرُوْنَ ﴿٨٠﴾

وگفتند آنانکه داده شدایشان را علم وای
برشما ثوابِ خدا بهتراست مر آنکس را
که ایمان آورد وکار شائسته کرد وقرین
کرده نمی شوداین سخن مگر صابران را
(٨٠) .

فَخَسَفْنَا بِهٖ وَبِدَارِهِ الْاَرْضَ ۫ فَمَا كَانَ لَهٗ مِنْ فِئَةٍ يَّنْصُرُوْنَهٗ
مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِيْنَ ﴿٨١﴾

پس فرو بردیم قارون را وسرای اورا
بزمین پس نبود برای اوهیچ گروهی که
نصرت دهند اورا غیر خدا ونبود خودش
ازنصرت داده شدگان (٨١) .

وَاَصْبَحَ الَّذِيْنَ تَمَنَّوْا مَكَانَهٗ بِالْاَمْسِ يَقُوْلُوْنَ وَيْكَاَنَّ اللّٰهَ
يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ ۚ لَوْلَآ اَنْ مَّنَّ
اللّٰهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا ۖ وَيْكَاَنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْكٰفِرُوْنَ ﴿٨٢﴾

وگشتندآنانکه آرزومی کردند منزلتِ اورا
دیروز می‌گفتند ای عجب که خداگشاده
می کند رزق را برای هرکه خواهد
ازبندگان خویش و تنگ می سازد واگرنه
آن بودی که انعام کرد خدا برما هرآئینه
فروبردی مارا ای عجب که رستگار نمی
شوند کافران (٨٢) .

تِلْكَ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِيْنَ لَا يُرِيْدُوْنَ عُلُوًّا

این سرای بازپسین مقررمی کنیم آن را

---

(١) یعنی درصورت لزوم پاداش مجال عذرنیست والله اعلم .

فِی الْاَرْضِ وَلَا فَسَادًا ؕ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِیْنَ ﴿٨٣﴾

برای آنانکه نمی طلبند تکبر درزمین ونه فساد وحسنِ عاقبت پرهیزگاران راست (٨٣) .

مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَیْرٌ مِّنْهَا ۚ وَمَنْ جَآءَ بِالسَّیِّئَةِ فَلَا یُجْزَی الَّذِیْنَ عَمِلُوا السَّیِّاٰتِ اِلَّا مَا كَانُوْا یَعْمَلُوْنَ ﴿٨٤﴾

هرکه بیارد نیکی پس اوراست بهترازآن وهرکه بیارد بدی پس جزا داده نمی شوند آنانکه بعمل آوردند خطاها الّا بحسب آنچه می کردند (٨٤) .

اِنَّ الَّذِیْ فَرَضَ عَلَیْكَ الْقُرْاٰنَ لَرَآدُّكَ اِلٰی مَعَادٍ ؕ قُلْ رَّبِّیْۤ اَعْلَمُ مَنْ جَآءَ بِالْهُدٰی وَمَنْ هُوَ فِیْ ضَلٰلٍ مُّبِیْنٍ ﴿٨٥﴾

هرآئینه خدائی که نازل کرد برتو قرآن را البته باز گرداننده است ترابسوی جای بازگشت[1] پروردگارمن داناتراست بهر که آورد هدایت را وبهر که وی در گمراهی ظاهرست (٨٥) .

وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْۤا اَنْ یُّلْقٰۤی اِلَیْكَ الْكِتٰبُ اِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ ظَهِیْرًا لِّلْكٰفِرِیْنَ ﴿٨٦﴾

وتوقع نمی داشتی که فرود آورده شود بسوی تو کتاب لیکن (فرو فرستاده شد) بسبب رحمتی ازپروردگارتو پس هرگز مشو مددگارِ کافران (٨٦) .

وَلَا یَصُدُّنَّكَ عَنْ اٰیٰتِ اللّٰهِ بَعْدَ اِذْ اُنْزِلَتْ اِلَیْكَ وَادْعُ اِلٰی رَبِّكَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِیْنَ ﴿٨٧﴾

وبازندارند کافران ترا از تبلیغ آیاتِ خدا بعدازآنکه فرود آورده شد بسوی تو ودعوت کن بسوی پروردگار خویش وهرگزمباش ازمشرکان (٨٧) .

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ ۘ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۟ كُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهٗ ؕ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٨٨﴾

ومخوان باخدا معبود دیگررا نیست هیچ معبود بحق غیراوهرچیز هلاك شونده است مگر او مرأوراست فرمانروائی وبسوی اوبازگردانیده شوید (٨٨) .

---

(١) یعنی آخرت .

سُوْرَةُ الْعَنْكَبُوْتِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الٓمّٓ ①

اَحَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُّتْرَكُوْۤا اَنْ يَّقُوْلُوْۤا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُوْنَ ②

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِيْنَ ③

اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ اَنْ يَّسْبِقُوْنَا ؕ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ④

مَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَآءَ اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَاٰتٍ ؕ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ⑤

وَمَنْ جَاهَدَ فَاِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ⑥

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَحْسَنَ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ⑦

وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ؕ وَاِنْ جَاهَدٰكَ لِتُشْرِكَ بِيْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ؕ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ⑧

سوره عنكبوت مكى است وآن شصت ونه آيت وهفت ركوع است

بنام خداى بخشايندهٔ مهربان .

الٓمّٓ(١) .

آيا پنداشتند مردمان كه بگذاشته شوند بمجرد آنكه گويند ايمان آورديم وايشان امتحان كرده نشوند (٢) .

وهرآئينه امتحان كرديم آنانراكه پيش ازايشان بودند پس البته متميز بكند خدا آنانرا كه راست گفتند والبته متميز كند دروغگويان را (٣) .

آياگمان كردند آنانكه بعمل آوردند خطاها كه پيش دستى كنند برما بدچيزى ست كه بدان حكم مى كنند (٤) .

هركه اميدداشته باشد ملاقات خدارا پس هرآئينه ميعادخداالبته آينده است واوست شنوادانا (٥) .

هركه جهاد كند جزاين نيست كه جهاد ميكند براى نفع خويش هرآئينه خدابى نياز ست از عالمها (٦) .

وآنانكه ايمان آوردندوكارهاى شايسته كردند البته محوكنيم ازايشان خطاهاى ايشان را والبته جزادهيم ايشان را به نيكوترين آنچه مى كردند (٧) .

وامر كرديم آدمى را به نسبت پدرومادر وى نيك معامله كردن واگركوشش كنند باتواى انسان تاشريك آرى بامن آنچه نيست ترا بحقيقت آن دانشى پس

فرمانبرداری ایشان مکن بسوی من ست
بازگشت شما پس خبردهم شمارا به آنچه
می کردید (٨) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي
الصَّالِحِينَ ﴿٩﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته
کردند البته درآریم ایشان را در زمرهٔ
شایستگان (٩) .

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ
فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِن
جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ
اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾

وازمردمان کسی هست که می‌گوید ایمان
آوردیم بخدا پس چون آزاد داده شد اورا
درراه خدا شمرد رنج دادنِ مردمان را
مانندِ عذابِ خدا و اگربیاید فتحی ازنزدِ
پروردگارتو حتماگویند هرآئینه ما باشما
بودیم آیانیست خداداناتر بآنچه درسینه
های عالمیانست (١٠) .

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿١١﴾

والبته میداند خداآنان را که ایمان آوردند
والبته میداند منافقان را (١١) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا
وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُم بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُم مِّن شَيْءٍ
إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٢﴾

و گفتند کافران بمسلمانان پیرویِ راهِ
ماکنید والبته مابرداریم گناهانِ شمارا
ونیستند ایشان بردارندهٔ چیزی ازگناهان
آن جماعت هرآئینه ایشان دروغگویانند
(١٢) .

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٣﴾

والبته بردارند بارهای خویش را
وبارهائی را همراه بارهای خویش و البته
سوال کرده شوند روزقیامت ازآنچه
افترامی کردند[1] (١٣) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ

وهرآئینه فرستادیم نوح را بسوی قوم
اوپس توقف کرد درایشان هزارسال مگر

(١) یعنی بارِگمراه شدن وگمراه کردن بردارندوبارتابعان ازسرایشان دفع نکنند .

إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٤﴾

پنجاه سال پس درگرفت ایشان راطوفان وایشان ستمگاربودند (۱٤) .

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٥﴾

پس نجات دادیم نوح را واهل کشتی را و ساختیم کشتی را نشانه برای عالمها (۱٥) .

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ۖ ذَٰلِكُمْ
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾

وفرستادیم ابراهیم راوقتیکه گفت بقوم خود پرستش خدا کنید و بترسیدازوی این بهترست شمارا اگر می دانید (۱٦) .

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ
إِفْكًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِندَ اللَّهِ الرِّزْقَ
وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾

جزاین نیست که می پرستید بجزخدا بتان را وبرمی بندید دروغ را هرآئینه آنانکه پرستش می کنید بجز خدانمی توانند برای شماروزی دادن پس طلب کنید ازنزدِ خدا روزی را وپرستشِ اوکنید وشکراوبجاآرید بسوی اوباز گردانیده خواهید شد (۱۷) .

وَإِن تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ۖ وَمَا
عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٨﴾

واگردروغ می شمرید پس هرآئینه دروغ شمرده بودند امت های پیش ازشما ونیست بر پیغمبر مگرپیغام رسانیدن آشکارا (۱۸) .

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۚ
إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾

آیاندیدند چگونه نومی کند خداآفرینش را بازدیگربار بازگرداند آفرینش را هرآئینه این کار برخداآسان ست (۱۹) .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ
الْخَلْقَ ۚ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ۚ إِنَّ
اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾

بگوسَیرکنید در زمین پس درنگرید چگونه آغازکرد آفرینش را بازخدا پیداکند آن پیدائش بازپسین را هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (۲۰) .

يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَاِلَيْهِ تُقْلَبُوْنَ ﴿٢١﴾

عذاب کند هرکرا خواهد ورحم کند
هرکراخواهد وبسوی اوبازگردانیده
خواهید شد (٢١) .

وَمَآ اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَآءِ ۡ وَمَا
لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ﴿٢٢﴾

ونیستید شماعاجزکننده درزمین ونه
درآسمان ونیست شمارا بجز خدا هیچ
دوست ونه یاری دهنده (٢٢) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَلِقَآئِهٖۤ اُولٰٓئِكَ يَئِسُوْا
مِنْ رَّحْمَتِيْ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿٢٣﴾

وآنانکه کافرشدند بآیاتِ خدا و بملاقاتِ
او آن جماعت ناامید شدند ازرحمت من
وآن جماعت ایشان راست عذاب درد
دهنده(٢٣) .

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖۤ اِلَّآ اَنْ قَالُوا اقْتُلُوْهُ اَوْ حَرِّقُوْهُ
فَاَنْجٰىهُ اللّٰهُ مِنَ النَّارِ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ
يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٢٤﴾

پس نه بود جواب قوم ابراهیم مگرآنکه
گفتند بکشید اورا یابسوزانید اورا پس
برهانید خدااورا ازآتش هرآئینه درین
ماجرا نشانه هاست برای گروهی که باور
میدارند (٢٤) .

وَقَالَ اِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْثَانًا ۙ مَّوَدَّةَ
بَيْنِكُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ ثُمَّ يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَّيَلْعَنُ
بَعْضُكُمْ بَعْضًا ۫ وَّمَاْوٰىكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ
مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

وگفت ابراهیم جزاین نیست که‌گرفته اید
بجز خدابتان رابجهتِ دوستی درمیان
خویش درزندگانئ دنیا بازروز قیامت
نامعتقد شود بعض شما ببعض ولعنت
کند بعض شما بعض را وجای شما
دوزخ ست ونیست شمارا هیچ یاری
دهنده (٢٥) .

فَاٰمَنَ لَهٗ لُوْطٌ ۘ وَقَالَ اِنِّيْ مُهَاجِرٌ اِلٰى رَبِّيْ ؕ اِنَّهٗ
هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٦﴾

پس باورداشت ابراهیم رالوط و گفت
(ابراهیم) هرآئینه من هجرت کننده ام
بسوی پروردگار خویش هرآئینه وی
غالب باحکمت ست (٢٦) .

وَوَهَبْنَا لَهٗۤ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَجَعَلْنَا فِيْ ذُرِّيَّتِهِ

وعطاکردیم اورا اسحق و یعقوب

النُّبُوَّةَ وَالْكِتٰبَ وَاٰتَيْنٰهُ اَجْرَهٗ فِى الدُّنْيَا ۚ وَاِنَّهٗ
فِى الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ ۝۲۷

ومقرر داشتیم دراولادِ وی پیغامبری
وکتاب را ودادیم اورا مزد اودردنیا
وهرآئینه وی درآخرت ازشائستهگان ست
(۲۷) .

وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖۤ اِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ ۫
مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ۝۲۸

وفرستادیم لوط را وقتیکهگفت بقوم خود
هرآئینه شمابعمل می آرید کار بی حیائی
را که پیش دستی نکرده است برشمابسوی
آن هیچ کس از عالمها (۲۸) .

اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُوْنَ السَّبِيْلَ ۙ وَتَاْتُوْنَ
فِىْ نَادِيْكُمُ الْمُنْكَرَ ؕ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖۤ اِلَّاۤ اَنْ قَالُوا
ائْتِنَا بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝۲۹

آیا شما بقصد شهوت می آئید بمردان
وقطع طریق می کنید وبعمل می آرید
درمجلس خویش کارناپسندیده پس نه
بود جواب قوم او مگر آنکهگفتند بیارپیش
ما عذاب خدارا اگرهستی از راستگویان
(۲۹) .

قَالَ رَبِّ انْصُرْنِىْ عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِيْنَ ۝۳۰

گفت ای پروردگارمن نصرت دِه مرا برقوم
مفسدان (۳۰) .

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَاۤ اِبْرٰهِيْمَ بِالْبُشْرٰى ۙ قَالُوْۤا اِنَّا
مُهْلِكُوْۤا اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ ۚ اِنَّ اَهْلَهَا
كَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ۝۳۱

ووقتیکه آوردند فرستادگانِ ماپیش ابراهیم
مژده راگفتند هرآئینه ماهلاك کنندهٔ اهل
این دِهیم هرآئینه اهل این ده ستمگار
بودند (۳۱) .

قَالَ اِنَّ فِيْهَا لُوْطًا ؕ قَالُوْا نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِيْهَا ۫
لَنُنَجِّيَنَّهٗ وَاَهْلَهٗۤ اِلَّا امْرَاَتَهٗ ۫ كَانَتْ مِنَ
الْغٰبِرِيْنَ ۝۳۲

گفت ابراهیم هرآئینه درآنجا لوط ست
گفتند ما دانا تریم بهرکه آنجاست البته
خلاص کنیم اورا واهل اورا الّا زن وی
باشد ازباقی ماندگان (۳۲) .

وَلَمَّاۤ اَنْ جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوْطًا سِىْٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ
بِهِمْ ذَرْعًا وَّقَالُوْا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۫ اِنَّا
مُنَجُّوْكَ وَاَهْلَكَ اِلَّا امْرَاَتَكَ كَانَتْ

ووقتیکه آمدند فرستادگان ماپیش لوط
اندوهگین کرده شد بسبب ایشان و
تنگدل شد بسبب ایشان وگفتند آن

مِنَ الْغٰبِرِيْنَ ﴿٣٣﴾

فرستادگان مترس واندوه مخور هرآئينه مانجات دهندهٔ تورواهل توایم مگر زن توباشد ازباقی ماندگان (٣٣) .

اِنَّا مُنْزِلُوْنَ عَلٰٓى اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَآءِ
بِمَا كَانُوْا يَفْسُقُوْنَ ﴿٣٤﴾

هرآئينه مافرودآرنده ايم براهل اين ده عقوبتى رااز آسمان بسبب آنكه بدكارى مى كردند (٣٤) .

وَلَقَدْ تَّرَكْنَا مِنْهَآ اٰيَةًۢ بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٣٥﴾

وهرآئينه گذاشتيم ازآن ديه نشانهٔ واضح براى‌گروهى كه درمى يابند (٣٥) .

وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا
اللّٰهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِى الْاَرْضِ
مُفْسِدِيْنَ ﴿٣٦﴾

وفرستاديم بسوى مدين برادرِ ايشان شعيب را پس‌گفت اى قوم من عبادت خدا كنيد وتوقع داريد روز بازپسين را وهرسو مگرديد درزمين فساد كنان (٣٦).

فَكَذَّبُوْهُ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوْا فِىْ دَارِهِمْ
جٰثِمِيْنَ ﴿٣٧﴾

پس دروغ پِنداشتند اوراپس در گرفت ايشانرا زلزله پس بامداد كردند درخانه هاى خويش مرده افتاده (٣٧) .

وَعَادًا وَّثَمُوْدَا۟ وَقَدْ تَّبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسٰكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ
الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ
وَكَانُوْا مُسْتَبْصِرِيْنَ ﴿٣٨﴾

وهلاك كرديم عاد و ثمودرا وهرآئينه واضح شده است شمارا بعض مساكن ايشان وآراسته ساخته بود براى ايشان شيطان كردار هاى ايشان راپس بازداشت ايشان را ازراه وايشان بينابودند (٣٨) .

وَقَارُوْنَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مُّوْسٰى
بِالْبَيِّنٰتِ فَاسْتَكْبَرُوْا فِى الْاَرْضِ وَمَا كَانُوْا سٰبِقِيْنَ ﴿٣٩﴾

وهلاك كرديم قارون وفرعون وهامان را وهرآئينه آمده بودبايشان موسىٰ بانشانه هاى واضح پس تكبر كردند درزمين ونبودندسبقت كنندگان (٣٩) .

فَكُلًّا اَخَذْنَا بِذَنْۢبِهٖ فَمِنْهُمْ مَّنْ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا

پس هريكى را گرفتار ساختيم به وبالِ

وَمِنْهُمْ مَّنْ اَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْاَرْضَ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ اَغْرَقْنَا ۚ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿٤٠﴾

گناهش پس ازایشان کسی بود که فرستادیم بروی بادِسنگ بار وازایشان کسی بودکه‌گرفت اورا آواز سخت وازایشان کسی بود فرو بردیمش بزمین و ازایشان بود کسی که غرق ساختیم وهرگز نبود که خدا ظلم کند برایشان ولیکن ایشان برخویشتن ستم می کردند (٤٠) .

مَثَلُ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْلِيَآءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوْتِ ۚ اِتَّخَذَتْ بَيْتًا ۚ وَ اِنَّ اَوْهَنَ الْبُيُوْتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوْتِ ۘ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿٤١﴾

داستان آنانکه دوستان‌گرفته اند بغیر خدا همچوداستان عنکبوت ست که فراگرفت خانه ای و هرآئینه سست ترین خانه ها خانهٔ عنکبوت ست اگرمی دانستند[1] (٤١) .

اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ شَيْءٍ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٤٢﴾

هرآئینه خدامیداند حال چیزی که می پرستند بجزوی ازهرچه باشد واوست غالب باحکمت (٤٢) .

وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۚ وَمَا يَعْقِلُهَآ اِلَّا الْعٰلِمُوْنَ ﴿٤٣﴾

واین داستان ها بیان می کنیم آن را برای مردمان ونمی فهمند آن را مگر دانایان (٤٣) .

خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٤﴾

آفریدخدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست هرآئینه درین کارنشانهٔ است برای مسلمانان (٤٤) .

---

(١) مترجم‌گوید حاصل مثل آنست که ایشان ببتان پناه برده اندوبتان هیچ نفع نه دهند چنانکه خانهٔ عنکبوت هیچ فائده نمی دهد .

أُتْلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتٰبِ وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ ۖ
إِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ أَكْبَرُ ۗ
وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

بخوان یا محمد وحی فرستاده شده بسوی توازکتاب وبرپادارنمازرا هرآئینه نماز منع میکند ازکاربیحیائی وفعل ناپسندیده وهرآئینه یادکردن خدابزرگ تراست ازهمه وخدا میداندآنچه میکنید (٤٥) .

وَلَا تُجَادِلُوٓا أَهْلَ الْكِتٰبِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۖ إِلَّا
الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ ۖ وَقُولُوٓا اٰمَنَّا بِالَّذِيٓ أُنْزِلَ إِلَيْنَا
وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلٰهُنَا وَإِلٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَّنَحْنُ لَهُ
مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾

ومکابره مکنید باهل کتاب الاّبخصلتی که وی نیك است مگربآنانکه ستم کردندازایشان وبگوئید ایمان آوردیم بآنچه فرود آورده شد بسوی ماوبآنچه فرود آورده شدبسوی شماو معبود شمایکی است وماواورا منقادیم (٤٦) .

وَكَذٰلِكَ أَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتٰبَ ۗ فَالَّذِينَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُونَ
بِهٖ ۚ وَمِنْ هٰٓؤُلَآءِ مَنْ يُّؤْمِنُ بِهٖ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَآ
إِلَّا الْكٰفِرُونَ ﴿٤٧﴾

(وچنانکه کتاب های سابق فرودآورده بودیم) همچنان فررود آوردیم بسوی توکتاب پس آنانکه دادیم ایشانرا کتاب ایمان می آرندبآن وازعرب کسی است که ایمان می آرد بدان وانکارنمی کنند آیات مارا مگرکافران (٤٧) .

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهٖ مِنْ كِتٰبٍ وَّلَا تَخُطُّهٗ بِيَمِينِكَ
إِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٤٨﴾

ونمی خواندی پیش ازنزول قرآن هیچ کتابی راونمی نوشتی هیچ کتاب را بدست راست خودآنگاه درشك می افتادنداین بدکیشان (٤٨) .

بَلْ هُوَ اٰيٰتٌ بَيِّنٰتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ۗ وَمَا يَجْحَدُ
بِاٰيٰتِنَآ إِلَّا الظّٰلِمُونَ ﴿٤٩﴾

بلکه قرآن آیات روشن ست محفوظ درسینه های آنانکه داده شدایشان را علم وانکار نمی کنند آیات مارا مگر ستمگاران[1] (٤٩) .

(١) مترجم گوید بعض مفسران گفته اندکه مراد از"الذین اوتوالعلم" به تنهاذات حضرت پیغامبرست صلی الله علیه وسلم والله اعلم .

وَقَالُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَٰتٌ مِّن رَّبِّهِۦ ۖ قُلْ إِنَّمَا ٱلْءَايَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ
وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾

وگفتند چرا فرستاده نه شد برین پیغمبرنشانها از جانب پروردگاروی بگو جزاین نیست که نشانها نزد خدا ست وجزاین نیست که من ترسانندهٔ آشکارم (٥٠) .

أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ
لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾

آیاکفایت نکرده است ایشان راآنکه فرستادیم برتو کتاب که خوانده میشود برایشان هرآئینه درین مقدمه رحمت وپندست برای قومی که باورمیدارند (٥١) .

قُلْ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيْنِى وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا ۖ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۗ
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ بِٱلْبَٰطِلِ وَكَفَرُوا۟ بِٱللَّهِ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٥٢﴾

بگوبس ست خدا گواه میانِ من ومیانِ شما میداند آنچه درآسمان ها وزمین ست وآنانکه ایمان آوردند بناحق وکافرشدند بخدا ایشان اند زیان کاران (٥٢) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ ۚ وَلَوْلَآ أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَآءَهُمُ ٱلْعَذَابُ
وَلَيَأْتِيَنَّهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾

وبشتاب می طلبند ازتو عذاب را واگرنه بودی میعادِ معین البته آمدی بدیشان عذاب وهرآئینه بیایدبدیشان نا گهان وایشان ندانند (٥٣) .

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِٱلْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌۢ بِٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٥٤﴾

بشتاب طلب میکنند ازتوعذاب را وهرآئینه دوزخ دربرگیرنده است کافران را (٥٤) .

يَوْمَ يَغْشَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ
وَيَقُولُ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٥﴾

روزیکه بپوشاند ایشانرا عذاب ازبالای ایشان واز زیرپای های ایشان وبگوید خدا بچشید جزای آنچه میکردید (٥٥) .

يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ أَرْضِى وَٰسِعَةٌ فَإِيَّٰىَ فَٱعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾

ای[1] بندگانِ مسلمان من هرآئینه زمینِ من کشاده است پس خاص مرا

(١) مترجم گوید خدای تعالی ترغیب میفرماید برهجرت حبشه ومدینه باین آیات .

عبادت کنید (٥٦) .

كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾

هر شخص چشندهٔ مرگ ست باز بسوی ما بازگردانیده شوید (٥٧) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا
تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ
أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٥٨﴾

وآنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند البته فروآریم ایشان را ازبهشت به محل های بلند که میرود زیرآن جویها جاویدان آنجا نیك ست مزد این عمل کنندگان (٥٨) .

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾

آنانکه صبر کردند وبر پروردگار خویش توکل میکنند (٥٩) .

وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ
وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾

وبساجانور که برنمی دارد روزی خود را خدا روزی میدهد اورا و شما را نیز واوست شنوا دانا(٦٠) .

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ
وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾

واگرسوال کنی ایشان را کِه آفرید آسمان هاوزمین را و رام گردانید خورشید وماه را البته گویند خدا پس چگونه گردانیده میشوند ازراهِ توحید(٦١) .

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ
اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾

خدا فراخ میکند روزی را برای هرکه خواهد ازبندگانِ خویش وتنگ می سازد برای هرکه خواهد هرآئینه خدا بهرچیز داناست (٦٢) .

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّن نَّزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ
مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

واگربپرسی ایشان را که فرود آورد ازآسمان آب را پس زنده ساخت بسبب آن زمین را بعدازمردن آن البته بگویند خدا بگوستائش خدای راست بلکه بیشترین ایشان نمی فهمند(٦٣) .

وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ

ونیست این زندگانی دنیا مگربازی وبیهوده و هرآئینه سرای آخرت آنست

لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿٦٤﴾
فَإِذَا رَكِبُوْا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۚ فَلَمَّا
نَجّٰهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُوْنَ ﴿٦٥﴾
لِيَكْفُرُوْا بِمَآ اٰتَيْنٰهُمْ ۚ وَلِيَتَمَتَّعُوْا ۗ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ﴿٦٦﴾
أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا اٰمِنًا وَّيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۗ
أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَةِ اللهِ يَكْفُرُوْنَ ﴿٦٧﴾
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ
لَمَّا جَآءَهٗ ۚ أَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٦٨﴾
وَالَّذِيْنَ جٰهَدُوْا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۚ وَإِنَّ اللهَ لَمَعَ
الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٦٩﴾

سُوْرَةُ الرُّوْمِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
الٓمّٓ ﴿١﴾

سرای زندگانی اگرمی دانستند (٦٤) .

پس ایشان چون سوار شدند درکشتی ها دعاکنند به جنابِ خدا خالص کنان برای وی عبادت را پس وقتیکه نجات داد ایشانرا بسوی زمین خشك ناگهان ایشان شريك می آرند (٦٥) .

تاناسپاسی کنند بآنچه عطا کردیم ایشانرا وتابهره مند شوند[1] پس زود (حقیقت حال را) خواهند دانست (٦٦) .

آیانه دیدند که ما پیداکردیم حرم با امن را وربوده میشوندمردمان از دوروبر ایشان آیا به باطل باورمی دارند وبه نعمتِ خدا ناسپاسی میکنند (٦٧) .

وکیست ستمگار تر ازکسی که افتراء کرد برخدا دروغی را یا دروغ پنداشت سخنِ راست راچون آمد پیش او آیا نیستَ دردوزخ جای کافران را (٦٨) .

وآنانکه جهاد کردند در راه ما البته دلالت کنیم ایشان را براه های خود وهرآئینه خدا بانیکوکاران ست (٦٩) .

سورة روم مکی است وآن شصت ایت وشش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓ (١) .

(١) یعنی به درستی یکدیگر بسببِ اجتماع برشرك بهره مند شوند .

غُلِبَتِ الرُّوْمُ ۙ ﴿٢﴾

مغلوب شدند قوم روم[١] (٢) .

فِيْٓ اَدْنَى الْاَرْضِ وَهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُوْنَ ۙ ﴿٣﴾

درنزدیك ترین زمین[٢] وایشان بعداز مغلوب شدنِ خود غالب خواهند آمد (٣) .

فِيْ بِضْعِ سِنِيْنَ ؕ لِلّٰهِ الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْۢ بَعْدُ ؕ
وَيَوْمَئِذٍ يَّفْرَحُ الْمُؤْمِنُوْنَ ۙ ﴿٤﴾

درچندسال خدای راست فرمان پیش ازین وپس ازین وآن روز شادمان شوند مسلمانان (٤) .

بِنَصْرِ اللّٰهِ ؕ يَنْصُرُ مَنْ يَّشَآءُ ؕ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۙ ﴿٥﴾

به نصرتِ خدا نصرت میدهد هرکرا خواهد واواست غالب مهربان (٥) .

وَعْدَ اللّٰهِ ؕ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا
يَعْلَمُوْنَ ﴿٦﴾

وعده کرده است خدا خلاف نمی کند خدا وعده خودرا ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٦) .

يَعْلَمُوْنَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚۖ وَهُمْ عَنِ
الْاٰخِرَةِ هُمْ غٰفِلُوْنَ ﴿٧﴾

می دانند ظاهر را ازتدبیر زندگانی دنیا وایشان ازآخرت بی خبرانند (٧) .

اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوْا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ ۫ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
وَمَا بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ
بِلِقَآئِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ ﴿٨﴾

آیا تأمل نه کردند درضمیر خود که نیافریده است خدا آسمان ها و زمین را وآنچه درمیانِ آن هردواست مگر به تدبیرِ درست وبه تعین میعادِی مقرر وهرآئینَه بسیاری از مردمان به ملاقاتِ پروردگار خویش نامتعقد انند (٨) .

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ

آیاسیر نه کردند درزمین پس بنگرند چگونه شدعاقبت آنانکه

---

(١) مترجم گوید فارس برروم غالب شدند وبعضِ بلاد وسرحد را درتصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام اندوهگین شدند زیرا که ایشان اهل کتاب بودند وکفار شادمان گشتند زیراکه ایشان واهل فارس امیان بودند خدای تعالی آیات نازل فرمود و به غلبۂ روم براهل فارس بشارت داد واین در چندسال بعد هجرت متحقق شد واین قصه یکی ازدلائل نبوت است .

(٢) یعنی درسرحدِ خود .

مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ كَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاَثَارُوا الْاَرْضَ
وَعَمَرُوْهَآ اَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوْهَا وَجَاۗءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۭ
فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿۹﴾

پیش ازایشان بودند بودند توانا تر ازایشان وشورانیدند زمین را وآباد کردند آن را بیشتر از آباد کردنِ ایشان آن زمین را وآمدند بدیشان پیغامبران ایشان به معجزها پس نه بود که خدا ستم کند برایشان ولیکن ایشان برخویشتن ستم میکردند (۹) .

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِيْنَ اَسَاۗءُوا السُّوْۗاٰۗى اَنْ كَذَّبُوْا
بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿۱۰﴾

بازحال بدعاقبت آن کسان شد که بدی کردند بسبب آنکه دروغ پنداشتند آیاتِ خدارا وبآن استهزامی کردند (۱۰) .

اَللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿۱۱﴾

خدا نوپیدا می کند آفرینش را بازدوباره کندش بازبسوی اوگردانیده شوید (۱۱) .

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿۱۲﴾

وروزیکه قائم شود قیامت ملزم شده خاموش مانند گنهگاران (۱۲) .

وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَاۗىِٕهِمْ شُفَعٰۗؤُا وَكَانُوْا
بِشُرَكَاۗىِٕهِمْ كٰفِرِيْنَ ﴿۱۳﴾

ونباشد برای ایشان ازشریکانِ ایشان هیچ شفاعت کنندگان و باشند به شریکان خویش نامعتقد (۱۳) .

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَىِٕذٍ يَّتَفَرَّقُوْنَ ﴿۱۴﴾

و روزی که قائم شود قیامت آن روز پرا گنده شوند مردمان (۱٤) .

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَهُمْ فِيْ رَوْضَةٍ
يُّحْبَرُوْنَ ﴿۱۵﴾

اماآنانکه ایمان آوردند وکردارهای شائسته کردند پس ایشان در بهشت خوشحال کرده شوند (۱۵) .

وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَلِقَاۗئِ الْاٰخِرَةِ
فَاُولٰۗىِٕكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُوْنَ ﴿۱۶﴾

واماآنانکه کافرشدند ودروغ شمردندآیاتِ ما را و ملاقاتِ آخرت را پس ایشان درعذاب حاضر کردگانند (۱٦) .

فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِيْنَ تُمْسُوْنَ وَحِيْنَ تُصْبِحُوْنَ ﴿۱۷﴾

پس به پاکی یاد کنید خدارا وقتی که شام می کنید ووقتیکه به صباح درمی

آئید (١٧) .

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيًّا وَّحِيْنَ تُظْهِرُوْنَ ﴿١٨﴾

ومر او راست ستائش درآسمان هاوزمین وآخرروز و آنگاه که دروقت زوال درمی آئید(١) (١٨) .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۭ وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ﴿١٩﴾

برمی آرد زنده را ازمرده وبرمی آرد مرده را از زنده وزنده میسازد زمین را بعد مردن آن وهمچنین برآورده خواهید شد یعنی ازقبور (١٩) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَآ اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُوْنَ ﴿٢٠﴾

وازنشانه های خدا آن ست که آفرید شمارا ازخاك باز ناگهان شما مردم شدید بأمورِ زند گی خویش پرا گنده می پردازید (٢٠) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوْٓا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَّوَدَّةً وَّرَحْمَةً ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٢١﴾

وازنشانه های خدا آن ست که بیافرید برای شماازجنس شما زنان را تا آرام گیرید بسوی ایشان وپیداکرد میانِ شما دوستی ومهربانی هرآئینه درین کارنشانه هاست برای گروهی که تأمل میکنند (٢١) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّلْعٰلِمِيْنَ ﴿٢٢﴾

وازنشانه های اوست آفریدن آسمان ها وزمین وگوناگون بودن زبانهای شماورنگهای شما هرآئینه درین کارنشانه ست دانش مندان را (٢٢) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ مَنَامُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاۗؤُكُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ ۭ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُوْنَ ﴿٢٣﴾

وازنشانه های اوست خفتنِ شمادرشب وروز ورزق طلب کردنِ شَما ازفضلِ او هرآئینه درین کارنشانه هاست برای

---

(١) مترجم گوید مرادآنست که درهروقتی ازین اوقات دلائلِ تنزیه او از رذائل وانصافِ اوبحمائد متجدد میگردد پس مامور شدند بصلوٰة والله اعلم .

قومیکه می شنوند (٢٣) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖ يُرِيْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّيُنَزِّلُ مِنَ
السَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيٖ بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ
لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٢٤﴾

وازنشانهای اوست که می نماید بشما برق را برای ترسانیدن ورغبت دادن وفرود می آرد ازآسمان آب را پس زنده میکند بسببِ آن زمین را بعدِ مردنِ آن هرآئینه درین کارنشانهاست برای قومی که می فهمند (٢٤) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ تَقُوْمَ السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ بِاَمْرِهٖ ۗ ثُمَّ اِذَا دَعَاكُمْ
دَعْوَةً ۖ مِّنَ الْاَرْضِ ۖ اِذَآ اَنْتُمْ تَخْرُجُوْنَ ﴿٢٥﴾

وازنشانهای خداست که می ایستد آسمان و زمین به حکمِ او بازچون بخواند شمارا يك بارخواندن ناگهان شما اززمین برآئید (٢٥) .

وَلَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ كُلٌّ لَّهٗ قٰنِتُوْنَ ﴿٢٦﴾

ومر اوراست آنچه درآسمان ها وزمین ست هریکی برای اوفرمانبردارند (٢٦) .

وَهُوَ الَّذِيْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ وَهُوَ اَهْوَنُ عَلَيْهِ ۗ
وَلَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ
الْحَكِيْمُ ﴿٢٧﴾

واوست آنکه نوپیدا میکندآفرینش را باز دوباره کندش واین دوباره کردن آسان ترست بروی ومر اوراست صفتِ بلند تر درآسمان ها وزمین واوست غالب باحکمت (٢٧) .

ضَرَبَ لَكُمْ مَّثَلًا مِّنْ اَنْفُسِكُمْ ۗ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ
اَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَآءَ فِيْ مَا رَزَقْنٰكُمْ فَاَنْتُمْ فِيْهِ سَوَآءٌ
تَخَافُوْنَهُمْ كَخِيْفَتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ ۗ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ
لِقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ﴿٢٨﴾

بیان کرد برای شما مثالی ازحال شما آیاهست برای شما از بندگانی که مالكِ ایشانست دست های شما هیچ شریکان درآنچه عطا کردیم شمارا تاشما درآن یکسان باشید می ترسید از ایشان مانندِ ترسیدن شما ازقومِ خویش همچنین بیان می کنیم نشانها برای قومی که می فهمند[1] (٢٨) .

---

(١) حاصل مَثَل آنست که مملوك بامالك برابر نمی شود پس مملوكِ خدا را شريكِ =

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ فَمَنْ يَّهْدِیْ
مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ ؕ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿۲۹﴾

بلکه پیروی کرده اند ستمگاران خواهش های خودرا بغیر علم پس که راه نماید کسی را که گمراه کردخدا ونیست ایشان را هیچ یاری دهنده (۲۹) .

فَاَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيْفًا ؕ فِطْرَتَ اللّٰهِ الَّتِیْ فَطَرَ
النَّاسَ عَلَيْهَا ؕ لَا تَبْدِيْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ الدِّيْنُ
الْقَيِّمُ ۙ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۳۰﴾

پس راست کن روی خودرا برای دین حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پیداکرد مردمان را بروَی بدل کردن نبود این دینِ خدا را این ست دین درست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۳۰) .

مُنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ وَاتَّقُوْهُ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَلَا تَكُوْنُوْا
مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿۳۱﴾

عبادت کنید رجوع کرده بسوی وی وبترسید ازوَی وبرپادارید نمازرا ومباشیداز مشرکان (۳۱) .

مِنَ الَّذِيْنَ فَرَّقُوْا دِيْنَهُمْ وَكَانُوْا شِيَعًا ؕ كُلُّ حِزْبٍۢ بِمَا
لَدَيْهِمْ فَرِحُوْنَ ﴿۳۲﴾

مباشید ازآنانکه پرا گنده ساختند دین خودرا و شدند گروه گروه هر گروه بآنچه نزدیك اوست خورسندست (۳۲) .

وَاِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُّنِيْبِيْنَ اِلَيْهِ ثُمَّ اِذَآ
اَذَاقَهُمْ مِّنْهُ رَحْمَةً اِذَا فَرِيْقٌ مِّنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُوْنَ ﴿۳۳﴾

وچون برسد بمردمان سختی بخوانند پروردگار خود را رجوع کرده بسوی وی باز چون بچشاند ایشان را ازجانب خود آسائشی نا گهان طائفه ای ازایشان به پروردگار خود شریك می آرند (۳۳) .

لِيَكْفُرُوْا بِمَآ اٰتَيْنٰهُمْ ؕ فَتَمَتَّعُوْا ۫ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿۳۴﴾

عاقبت حال ایشان آنکه ناسپاسی کنند بآنچه عطا کردیم بدیشان پس بهره مند شوید زود حقیقت حال خواهید دانست (۳٤) .

اَمْ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوْا بِهٖ يُشْرِكُوْنَ ﴿۳۵﴾

آیا فرود آوردیم برایشان دلیلی پس آن دلیل بیان میکند برای ایشان بآنچه باخدا

= اونتوان گفت .

وَإِذَآ أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا۟ بِهَا ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾

أَوَلَمْ يَرَوْا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾

فَـَٔاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ ٱللَّهِ ۖ وَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾

وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَا۟ فِىٓ أَمْوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرْبُوا۟ عِندَ ٱللَّهِ ۖ وَمَآ ءَاتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ ٱللَّهِ فَأُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾

ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۖ هَلْ مِن شُرَكَآئِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَىْءٍ ۚ سُبْحَـٰنَهُۥ وَتَعَـٰلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾

شريك می آرند (٣٥) .

وچون بچشانیم مردمان را بخشائشی شادمان شوند بآن وا گربرسد بدیشان سختی بسبب آنچه پیش فرستاده است دست های ایشان ناگهان ایشان نومید می شوند (٣٦) .

آیا ندیدند که خدا کشاده میکند روزی را برای هرکه میخواهدوتنگ میکند برای هرکه میخواهد هرآئینه درین مقدمه نشانه ها است برای قومی که ایمان می آرند (٣٧) .

پس بده صاحب خویشی راحقِ وی ومسکین را وره‌گذررا این دادن بهترست برای کسانیکه می طلبند رضای خدا را واین جماعت ایشانندرستگاران (٣٨) .

وآنچه داده باشید ازسود تابیفزاید دراموال مردمان پس وی نمی افزاید نزد خدا وآنچه داده باشید ازصدقه طلب می کنید رضای خدارا پس این جماعت ایشانند دوچند کننده[1] (٣٩) .

خداآن ست که بیافرید شمارا باز روزی داد شمارا بازبمیراند شمارا باززنده‌گرداند شمارا آیا ازشریکانِ شما کسی هست که بکند ازین کارها چیزی، پاکی اوراست وبلندتر است ازاآنچه شریك می آرند (٤٠) .

---

(١) مترجم گوید مالی را که بشرط زیادت میدهند ربا نام نهاده شد .

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ
لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

پیداشد فساد دربیابان ودردریا بسبب آنچه بعمل آورده دست های مردمان تابچشاند ایشان را جزای بعض آنچه عمل کردند بُوَد که ایشان بازگردند[١] (٤١) .

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾

بگو سیرکنید درزمین پس درنگرید چگونه بُوَد انجام آنانکه پیش ازایشان بودند بودند بیشترین ایشان مشرکان (٤٢) .

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ
لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾

پس راست کن روی خودرا برای دینِ درست پیش ازآنکه بیاید روزی که بازَ گشتن نیست آن راازجانب خدا آن روزمتفرق شوند (٤٣) .

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ
يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾

هرکه کافرشد پس بروی ست ضررِکفرِاو وهرکه کرده باشد کارِ شائسته پس اینجماعت برای خویشتن آرامگاه تهِیّه می کنند (٤٤) .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ
لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٤٥﴾

تاجزا دهد آنان راکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ازفضل خود هرآئینه وی دوست نمیدارد کافران را (٤٥) .

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ
رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾

وازنشانه های خداآنست که می فرستد بادهارا مژده دهنده وبرای آنکه بچشاند شمارا ازرحمت خود(یعنی باران دهد) وبرای آنکه جاری شوند کشتی ها بفرمانِ اووبرای آنکه روزی طلب کنید ازفضلِ اووبرای آنکه شما شکر کنید (٤٦) .

---

(١) یعنی قحط غرق و سائرِ مصائب جزای قتلِ بنی آدم می باشد .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا اِلٰى قَوْمِهِمْ فَجَآءُوْهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِيْنَ اَجْرَمُوْا ؕ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٤٧﴾

وهرآئینه پیش ازتوفرستادیم پیغامبران را بسوی قومِ ایشان پس آوردند پیش قومِ خود نشانه ها پس انتقام کشیدیم ازآنانکه نافرمانی کردند وبود نصرتِ مسلمانان لازم برما (٤٧) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ فَتُثِيْرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهٗ فِي السَّمَآءِ كَيْفَ يَشَآءُ وَيَجْعَلُهٗ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهٖ ۚ فَاِذَآ اَصَابَ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖۤ اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُوْنَ ﴿٤٨﴾

خداآن ست که می فرستد بادهارا پس برانگیزانند ابررا پس بگستراند آن ابر را در آسمان چنانکه خواهد وبگرداندش پاره پاره پس می بینی قطراتِ باران را که بیرون می آیند میانِ آن پس چون رساندش بهرکه خواهد ازبندگان خود ناگهان ایشان شادمان شوند (٤٨) .

وَاِنْ كَانُوْا مِنْ قَبْلِ اَنْ يُّنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِّنْ قَبْلِهٖ لَمُبْلِسِيْنَ ﴿٤٩﴾

واگرچه بودند پیش ازآن که فرود آورده شود برایشان باران ناامیدان (٤٩) .

فَانْظُرْ اِلٰۤى اٰثٰرِ رَحْمَتِ اللّٰهِ كَيْفَ يُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ؕ اِنَّ ذٰلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتٰى ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٥٠﴾

پس درنگربسوی آثارِ رحمتِ خدا چگونه زنده میکند زمین را بعدِ مرده بودنِ آن هرآئینه وی البته زنده کنندهٔ مُردگان ست واو برهمه چیز تواناست (٥٠) .

وَلَئِنْ اَرْسَلْنَا رِيْحًا فَرَاَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوْا مِنْۢ بَعْدِهٖ يَكْفُرُوْنَ ﴿٥١﴾

واگرفرستیم بادی پس ببینند آن کشت را زرد شده البته شوند بعد ازآن ناسپاسی کننده (٥١) .

فَاِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتٰى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَآءَ اِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِيْنَ ﴿٥٢﴾

پس هرآئینه تونمی شنوانی مرد گان راونمی شنوانی کران را آواز خواندن چون روبگردانند پشت داده (٥٢) .

وَمَاۤ اَنْتَ بِهٰدِ الْعُمْيِ عَنْ ضَلٰلَتِهِمْ ؕ اِنْ تُسْمِعُ اِلَّا مَنْ يُّؤْمِنُ بِاٰيٰتِنَا فَهُمْ مُّسْلِمُوْنَ ﴿٥٣﴾

ونیستی توراه نماینده کوران را ازگمراهی ایشان نمی شنوانی مگر کسی را که باور میدارد آیاتِ مارا پس آنجماعت

انقیاد کننده اند (٥٣) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ ضُعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْۢ بَعْدِ ضُعْفٍ
قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْۢ بَعْدِ قُوَّةٍ ضُعْفًا وَّشَيْبَةً ۚ يَخْلُقُ مَا
يَشَآءُ ۚ وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْقَدِيْرُ ﴿٥٤﴾

خدا آنست که آفرید شمارا از ناتوانی بازداد مَرشما را بعداز ناتوانی توانائی بازداد مَرشمارا بعداز توانائی ناتوانی وسپید موئی می آفریند هرچه میخواهد واوست دانا توانا (٥٤) .

وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُوْنَ ۙ مَا لَبِثُوْا غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ
كَذٰلِكَ كَانُوْا يُؤْفَكُوْنَ ﴿٥٥﴾

وروزی که قایم شود قیامت سوگند خورند گنهگاران که توقف نکردند یعنی دردنیا بجز ساعتی همچنین ازراه بر گردانیده میشدند[١] (٥٥) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَالْاِيْمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ
فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ اِلٰى يَوْمِ الْبَعْثِ ۫ فَهٰذَا يَوْمُ الْبَعْثِ
وَلٰكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٥٦﴾

وگویند آنانکه علم و ایمان داده شده است ایشان راهرآئینه توقف کرده اید بروفق کتابِ خداتاروزِ رستخیز پس اینست روزِرستخیز ولیکن شما نمی دانستید (٥٦) .

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنْفَعُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ
يُسْتَعْتَبُوْنَ ﴿٥٧﴾

پس آن روزسود ندهد ظالمان را عذر خواهی ایشان ونه از ایشان توبه طلب کرده شود (٥٧) .

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۗ وَلَئِنْ
جِئْتَهُمْ بِاٰيَةٍ لَّيَقُوْلَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِنْ اَنْتُمْ
اِلَّا مُبْطِلُوْنَ ﴿٥٨﴾

وهرآئینه بیان کردیم برای مردمان درین قرآن هر مثالی را واگربیاری پیش ایشان نشانه البته گویند کافران نیستید شما مگربیهوده‌گویان (٥٨) .

كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوْبِ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٥٩﴾

همچنین مُهرمی نهد خدا بردل های آنانکه نمیدانند (٥٩) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ

پس صبر کن هرآئینه وعدهٔ خداراست

---

(١) یعنی چون عقوباتِ مخلّده معائنه کردند دنیارا به مشابهٔ ساعتی خیال نمودند برعکس آنکه درحیات دنیارا به مشابهٔ خلود خیال میکردند والله اعلم .

وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِيْنَ لَا يُوْقِنُوْنَ ﴿٦٠﴾

است وسبکسار نه کنند ترا آنانکه یقین نمی آرند (٦٠) .

سُوْرَةُ لُقْمٰنَ

سورة لقمان مکی است وآن سی وچهار آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓ ﴿١﴾

الٓمّٓ(١) .

تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِيْمِ ﴿٢﴾

این آیت های کتاب باحکمت ست (٢).

هُدًى وَّرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِيْنَ ﴿٣﴾

هدایت وبخشایش برای نیکوکاران (٣).

الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ﴿٤﴾

آنانکه برپامیدارند نمازرا ومیدهند زکوٰة را وایشان بآخرت یقین میدارند (٤) .

اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٥﴾

این جماعت برهدایت اندازپروردِگار خود واین جماعت ایشانند رستگاران (٥) .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّشْتَرِيْ لَهْوَ الْحَدِيْثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۖ وَّيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿٦﴾

وازمردمان کسی هست که می ستاند سخن بیهوده را[1] تاگمراه کند مردم را ازراهِ خدا بغیر علم وتمسخرگیرد راهِ خدارا اینجماعت ایشان راست عذابِ خوارکننده (٦) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا وَلّٰى مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ لَّمْ يَسْمَعْهَا كَاَنَّ فِيْٓ اُذُنَيْهِ وَقْرًا ۚ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٧﴾

وچون خوانده شود برین شخص آیاتِ ما روبگرداندتکبرکنان گویا نه شنیده است آن راگویا درهردوگوشِ وی گرانی ست پس خبرده اورا بعذابِ درد دهنده (٧) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتُ النَّعِيْمِ ﴿٨﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکردار های شائسته کردند ایشان را است بهشت های نعمت (٨) .

---

(١) یعنی مثلِ قصهٔ رستم واسفند یار .

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝٩

جاویدان آنجا وعده داده است خدا وعدهٔ راست واوست غالب باحکمت (۹) .

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَاَلْقٰى فِى الْاَرْضِ رَوَاسِىَ
اَنْ تَمِيْدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ ۚ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ
مَآءً فَاَنْۢبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ۝١٠

آفرید آسمان هارا بغیر ستون های که ببینید آنهارا وافگند درزمین کوه ها برای احتراز ازآنکه بجنباند شمارا وپرا گنده کرد در زمین ازهرنوع جانوران وفرود آوردیم ازآسمان آبرا پس رویانیدیم درزمین ازهر جنسِ نیك (۱۰) .

هٰذَا خَلْقُ اللّٰهِ فَاَرُوْنِىْ مَاذَا خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ۚ بَلِ
الظّٰلِمُوْنَ فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۝١١

این ست آفرینش خدا پس بنمائید مرا چه چیز آفریدند آنانکه بجزوی اند بلکه ستمگاران در گمراهی ظاهرند (۱۱) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا لُقْمٰنَ الْحِكْمَةَ اَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ ۚ وَمَنْ يَّشْكُرْ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ
لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِىٌّ حَمِيْدٌ ۝١٢

وهرآئینه عطا کردیم لقمان را حکمت گفتیم که شکر کن خدارا وهرکه شکر کند پس جزاین نیست که شکر میکند برای نفع خود وهرکه ناسپاسی کند پس هرآئینه خدا بی نیازستوده کارست (۱۲) .

وَاِذْ قَالَ لُقْمٰنُ لِابْنِهٖ وَهُوَ يَعِظُهٗ يٰبُنَىَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ ۗ
اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ ۝١٣

ویادکن چون گفت لقمان به پسر خود درحالیکه اُو پندمیداد آن پسررا ای پسركِ من شریك مقررمکن باخداهرآئینه شرك ستمی بزرگ ست (۱۳) .

وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ ۚ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ
وَّفِصٰلُهٗ فِىْ عَامَيْنِ اَنِ اشْكُرْ لِىْ وَلِوَالِدَيْكَ ۗ اِلَىَّ الْمَصِيْرُ ۝١٤

وحکم فرمودیم آدمی را به نسبتِ پدرومادرِ وی درشکم برداشته است وی را مادر وی درحال سستی بالای سستی دیگر[۱] و ازشیربازکردنِ اودردوسال ست باین مضمون که شکر گزاری کن مرا

(۱) یعنی هروقت سست تر میشود والله اعلم .

وپدرومادرخودرا بسوی من است باز گشت (١٤) .

وَاِنْ جَاهَدٰكَ عَلٰۤى اَنْ تُشْرِكَ بِيْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوْفًا ۖ وَّاتَّبِعْ سَبِيْلَ مَنْ اَنَابَ اِلَيَّ ۚ ثُمَّ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿١٥﴾

و اگرکوشش کنند باتو برآنکه شریك مقرر کنی بامن چیزی که نیست ترا بآن دانش پس فرمانبرداری ایشان مکن وصحبت دارباایشان درمعیشت دنیا بوجه پسندیده وپیروی کن راهِ کسی که رجوع دارد بسوی من بازبسوی من است رجوع شماپس خبردهم شمارا بآنچه می کردید (١٥) .

يٰبُنَيَّ اِنَّهَاۤ اِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِيْ صَخْرَةٍ اَوْ فِي السَّمٰوٰتِ اَوْ فِي الْاَرْضِ يَاْتِ بِهَا اللّٰهُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ لَطِيْفٌ خَبِيْرٌ ﴿١٦﴾

گفت لقمان ای پسرکِ من هرآئینه اگر خفیه باشد هم سنگ دانه سپندان پس باشد درمیان سنگی یا در آسمان ها یا در زمین بهرحال حاضر کندآن راخدا هرآئینه خدا باریك بین خبردارست (١٦) .

يٰبُنَيَّ اَقِمِ الصَّلٰوةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوْفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلٰى مَاۤ اَصَابَكَ ۭ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿١٧﴾

ای پسرکِ من برپادارنماز را وبفرما بکار پسندیده ومنع کن ازناپسندیده وصبر کن برهرچه برسد به تو هرآئینه این مقدمه ازکارهای مقصودست (١٧) .

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ ﴿١٨﴾

ومتاب رخساره خود را از مردمان (یعنی ورومتاب) و راه مرو درزمین خرامان هرآئینه خدا دوست نمیدارد هرنازنده خود ستائنده را (١٨) .

وَاقْصِدْ فِيْ مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۭ اِنَّ اَنْكَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيْرِ ﴿١٩﴾

ومیانه روی کن دررفتار خود وفرود آر آواز خودرا هرآئینه بدترین آوازها آوازِخران باشد (١٩) .

اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاَسْبَغَ

آیا ندیدید که خدا رام‌گردانید برای شما آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست

عَلَيْكُمْ نِعَمَهٗ ظَاهِرَةً وَّبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّلَا هُدًى وَّلَا كِتٰبٍ مُّنِيْرٍ ﴿۲۰﴾

وفرود آورد برشما نعمت های خود را آشکارا و پنهان وازمردمان کسی هست که مکابره میکند دربابِ خدا بغیر دانش وبغیر هدایت وبغیر کتاب روشن (۲۰) .

وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ اتَّبِعُوْا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوْا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا ۭ اَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطٰنُ يَدْعُوْهُمْ اِلٰى عَذَابِ السَّعِيْرِ ﴿۲۱﴾

وچون گفته شودبایشان که پیروی کنید چیزی را که فرودآورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزرا که یافتیم برآن پدرانِ خود را آیا پیروی میکنند اگرچه شیطان می خواندایشان رابسوی عذاب دوزخ (۲۱) .

وَمَنْ يُّسْلِمْ وَجْهَهٗٓ اِلَى اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى ۗ وَاِلَى اللّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُوْرِ ﴿۲۲﴾

وهرکه متوجه ساخت روی خودرا بسوی خدا ووی نیکوکارست پس هرآئینه دست زده است بدست آویزی محکم وبسوی خداست بازگشتِ کارها (۲۲) .

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهٗ ۭ اِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿۲۳﴾

وهرکه کافرشود پس اندوهگین نکند ترا کفرِوَی بسوی ماست رجوع ایشان پس خبردارکنیم ایشان رابآنچه میکردند هرآئینه خدا داناست به خصلتی که درسینه هاباشد (۲۳)

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيْلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ اِلٰى عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿۲۴﴾

بهره مند می سازیم ایشان رااندکی بازبه بیچار گی برانیم ایشان را بسوی عذابِ سخت (۲٤) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ۭ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۭ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۲۵﴾

واگرسوال کنی ازایشان کِه بیافرید آسمان ها وزمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستائش خدای راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند (۲۵) .

لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ﴿۲۶﴾

خدای راست آنچه درآسمان ها وزمین ست هرآئینه خداهمانست بی نیاز ستوده (۲٦) .

وَلَوْ اَنَّمَا فِی الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَّالْبَحْرُ يَمُدُّهٗ مِنْۢ بَعْدِهٖ سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ﴿٢٧﴾

واگرآنچه درزمین ست ازدرختان قلم ها شوند ودریاسیاهی بود که زیاده میکند آنرا بعدازین دریا هفت دریای دیگر بپایان نرسند سخنانِ خدا هرآئینه خدا غالب باحکمت ست (٢٧) .

مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ اِلَّا كَنَفْسٍ وَّاحِدَةٍ ؕ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ﴿٢٨﴾

نیست آفریدن شما ونه برانگیختن شما الاّ مانند آفریدن وبرانگیختنِ یکتن هرآئینه خدا شنوا بیناست (٢٨) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُوْلِجُ الَّيْلَ فِی النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِی الَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ؗ كُلٌّ يَّجْرِیْۤ اِلٰۤى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّاَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿٢٩﴾

آیانه دیدی که خدا درمی آرد شب را در روز ودرمی آرد روز را درشب ورام گردانید خورشید وماه را هریکی میرود تامدتی معین و آیا ندیدی که خدا بآنچه می کنید خبردارست (٢٩) .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهِ الْبَاطِلُ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْكَبِيْرُ ﴿٣٠﴾

این کارها بسببِ آن ست که خدا هونست ثابت وبسبب آنست که آنچه می پرستند بجزوی بی اصل ست وبسبب آنست که خدا هونست بلند مرتبه بزرگ قدر (٣٠) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِیْ فِی الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِّنْ اٰيٰتِهٖ ؕ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُوْرٍ ﴿٣١﴾

آیانه دیدی که کشتی هامیرود دردریا به فضلِ خدا تابنماید شمارا بعض نشانه های خویش هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست هرصبرکننده سپاس دارنده را (٣١) .

وَاِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۚ فَلَمَّا نَجّٰىهُمْ اِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ ؕ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَاۤ اِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُوْرٍ ﴿٣٢﴾

وچون در گیرد ایشان را موجی مانند سائبان ها بخوانند خدارا خالص کرده برای اوعبادت پس آنگاه که نجات دادایشان را بسوی بیابان پس بعض ایشان میانه رو باشند وانکارنمی کنند آیاتِ مارا مگر هرعهد شکننده ناسپاس (٣٢) .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِيْ وَالِدٌ
عَنْ وَّلَدِهٖ ۚ وَلَا مَوْلُوْدٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَّالِدِهٖ شَيْـًٔا ۚ اِنَّ وَعْدَ
اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۗ وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ
بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ﴿٣٣﴾

ای مردمان بترسید از پروردگارِ خویش وحذرکنید ازروزی که کفایت نکند هیچ پدر بجای پسر خویش ونه فرزندی کفایت کننده باشد بجای پدرِخود چیزی را هرآئینه وعدهٔ خدا راست ست پس فریب ندهد شمارا زندگانی دنیا وفریب ندهد شمارا درمقدمهٔ خدا شیطان فریبنده(٣٣) .

اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗ عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا
فِي الْاَرْحَامِ ۗ وَمَا تَدْرِيْ نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۗ وَمَا
تَدْرِيْ نَفْسٌ بِاَيِّ اَرْضٍ تَمُوْتُ ۗ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ ﴿٣٤﴾

هرآئینه خدااست که نزدِ اوست علم قیامت وفرود میفرستد باران را و میداند آنچه در بچه دانها باشد ونمیداند هیچ شخصی که چه کار خواهد کرد فردا ونمی داند هیچ شخصی که بکدام زمین خواهد مُرد هرآئینه خدا داناخبردارست (٣٤) .

سُوْرَةُ السَّجْدَةِ

سوره سجده مکی است وآن سی آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الٓمّٓ ﴿١﴾

الٓمّٓ (١) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيْهِ مِنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢﴾

فرود آوردنِ کتاب هیچ شبهه نیست درآن ازجانب پروردگار عالمهاست (٢) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ۚ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ
اَتٰىهُمْ مِّنْ نَّذِيْرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿٣﴾

آیامی گویند بربافته است آنرابلکه وی راست ست آمده ازجانبِ پروردگار توتا ترسانی قومی را که نیامده است بایشان هیچ ترساننده پیش ازتو تا بودکه ایشان راه یابند (٣) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ

خداآن ست که آفریدآسمان ها و زمین را

ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۭ مَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا شَفِيْعٍ ۭ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ۝	وآنچه مابين آنهاست درشش روز بازقرار گرفت برعرش نيست شمارا بجزوی هيچ دوستی وشفاعت كننده آيا پندپذير نمی شويد (٤) .
يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَاۗءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِيْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗٓ اَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوْنَ ۝	تدبير ميكند كاررا فرودآورده ازآسمان بسوی زمين بازبالا ميرود آن كاربسوی خدا درروزيكه هست مقدارآن هزارسال ازآن حساب كه می شماريد[١] (٥) .
ذٰلِكَ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۝	اين ست صفت دانندهٔ نهان وآشكارا غالب مهربان (٦) .
الَّذِيْٓ اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ وَبَدَاَ خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِيْنٍ ۝	آنكه به نيك ترين وجه ساخت هرچيزی را كه آفريدش آغاز كرد آفرينش آدمی را ازگِل (٧) .
ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهٗ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ مَّاۗءٍ مَّهِيْنٍ ۝	بازپيداكرد نسل اورا ازخلاصه ازآبِ خوار (٨) .
ثُمَّ سَوّٰىهُ وَنَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِهٖ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـــِٕدَةَ ۭ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ۝	بازدرست اندام كردش ودميد در وی روح خود را وپيدا كردبرای شماگوش وچشم ها ودل ها اندكی شكرمی كنيد (٩) .
وَقَالُوْٓا ءَاِذَا ضَلَلْنَا فِي الْاَرْضِ ءَاِنَّا لَفِيْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ ڛ بَلْ هُمْ بِلِقَاۗءِ رَبِّهِمْ كٰفِرُوْنَ ۝	وگفتند چون گم شويم درزمين آيا ما در آفرينشِ نو خواهيم بود بلكه ايشان به ملاقاتِ پرورد گارِ خويش كافرانند (١٠) .
قُلْ يَتَوَفّٰىكُمْ مَّلَكُ الْمَوْتِ	بگو قبضِ روح شمامی كند ملك الموت

(١) يعنی اگرمردمان نزولِ تدبير وعروجِ اوتصور كنند دركم ازهزار سال خيال ننمايند وآن همه پيش خدای تعالی دريك روز تمام می شود غرض آن است كه اوهامِ ايشان به قدرتِ اونمی رسند والله اعلم .

الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١١﴾

که گماشته شده است برشما بازبسوی
پروردگارِ خویش گردانیده شوید (١١) .

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا
وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ﴿١٢﴾

وتعجب کنی اگردرنگری وقتی که
گناهگاران نگونسار کننده سرخویش باشند
نزد پروردگارِ خویش گویند ای پروردگارما
دیدیم وشنیدیم پس بازگردان ماراتابکنیم
کارشائسته هرآئینه مایقین کننده ایم
(١٢) .

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٣﴾

واگرمی خواستیم البته می دادیم
هرشخصی را هدایت او ولیکن ثابت
شده است وعده ازجانب من که هرآئینه
پُرکنم دوزخ را ازجنیان وآدمیان همه یك
جا (١٣) .

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا
عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

پس بچشید این عذاب بسبب آنکه
فراموش کردید ملاقاتِ این روزِ خودرا
هرآئینه مانیز فراموش کردیم شمارا
وبچشید عذابِ دائم بسبب آنچه می
کردید (١٤) .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۩ ﴿١٥﴾

جزاین نیست که ایمان می آرند بآیاتِ ما
آنانکه چون پند داده می شوند بآن
نگونسار افتندسجده کنان بپاکی یادکنند
باستائشِ پروردگار خویش را وایشان
تکبرنمی کنند (١٥) .

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿١٦﴾

دورمی ماندپهلوهای ایشان ازخوابگاهها
میخوانند پروردگارخودرا بترس
وامیدواری وازآنچه روزی داده ایم
ایشانرا خرج میکنند (١٦) .

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ

پس نمیداند هیچ نفس چه چیزپنهان
داشته شدبرای ایشان ازخنکی چشم

جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾

پاداش داده شد بآنچه می کردند (١٧) .

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ﴿١٨﴾

آیاکسی که مومن باشد مانندِ کسی هست که فاسق باشد بگوبرابرنمی شوند (١٨) .

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمْ جَنَّٰتُ الْمَأْوَىٰ
نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾

اماآنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردند پس ایشان راست بهشت ها جای ماندن بطریق مهمانی بسبب آنچه میکردند (١٩) .

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَىٰهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا
مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي
كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾

واماآنانکه فاسق بودند پس جای ایشان دوزخ است هرگاهی که خواهند که بیرون آیندازآنجا بازگردانیده شوند درآن وگفته شودبایشان بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می پنداشتید (٢٠) .

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ
الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾

والبته بچشانیم ایشان را عذاب نزدیك (یعنی دردنیا) غیر ازعذاب بزرگ بود که ایشان بازگردند (٢١) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَٰتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا
إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾

وکیست ستمگارترازکسی که پندداده شده بآیاتِ پرورد گارِخویش بازروبگردانید ازآن هرآئینه مااز گناه‌گاران انتقام کشنده ایم (٢٢) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَٰبَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ
مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَٰهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ راکتاب پس مباش درشبهه ازملاقات آن وساختیم موسیٰ را هدایت برای بنی اسرائیل (٢٣) .

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا
وَكَانُوا بِآيَٰتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾

وپیداکردیم ازایشان پیشوایان که راه نمودند به فرمان ما وقتیکه صبر کردند وبآیاتِ ما یقین می آوردند (٢٤) .

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُوا
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٢٥﴾

هرآئینه پروردگارتوفیصله کند میانِ ایشان روزقیامت درآنچه اندران اختلاف میکردند (٢٥) .

أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ
فِي مَسَاكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ ۖ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ﴿٢٦﴾

آیاواضح نه شد ایشان را که چه قدر هلاك کردیم پیش ازایشان ازقرنها میروند ایشان درخانه های آن جماعت هرآئینه درین کارنشانه هاست آیانمی شنوند (٢٦) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ ۖ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ﴿٢٧﴾

آیا نه دیدندکه ما روان می کنیم آب را بسوی زمینِ بی‌گیاه پس بیرون آریم بسبب آن زراعتَ را که میخورند ازآن زراعت چهار پایانِ ایشان و خودایشان نیزآیانمی بینند (٢٧) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾

ومیگویند کی خواهد بوداین فتح اگر شما راست‌گوئید (٢٨) .

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ
يُنظَرُونَ ﴿٢٩﴾

بگو روزفتح سود ندهد کافران را ایمان آوردنِ ایشان ونه ایشان مهلت داده شوند (٢٩) .

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانتَظِرْ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾

پس روبگردان ازایشان وانتظار بکن هرآئینه ایشان نیز منتظرند (٣٠) .

سُورَةُ الأَحْزَاب

سوره احزاب مدنی است وآن هفتاد وسه آیت ونه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشائنده مهربان .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ ۗ إِنَّ
اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١﴾

ای پیغامبر بترس ازخدا وفرمانبرداری مکن کافران را ومنافقان را هرآئینه خدا هست دانای باحکمت (١) .

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ
خَبِيرًا ﴿٢﴾

وپیروی کن چیزی راکه وحی فرستاده میشودبسوی توازجانبِ پروردگارِ توهرآئینه خدا هست بآنچه میکنید خبردار (٢).

وَّتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ۚ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ③

وتوكل کن برخدا وخدا وکیل بس ست (۳) .

مَا جَعَلَ اللّٰهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهٖ ۚ وَمَا جَعَلَ اَزْوَاجَكُمُ الّٰٓئِْ تُظٰهِرُوْنَ مِنْهُنَّ اُمَّهٰتِكُمْ ۚ وَمَا جَعَلَ اَدْعِيَآءَكُمْ اَبْنَآءَكُمْ ۭ ذٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِاَفْوَاهِكُمْ ۭ وَاللّٰهُ يَقُوْلُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيْلَ ④

نیافریده است خدای تعالی برای هیچ مردی دودل درداخل بدنِ او[۱] و نه گردانیده است آن زنانِ شمارا که ظهار میکنید بایشان مادرانِ شما ونه ساخته است پسر خواندگانِ شمارا پسرانِ شما این سخنِ شماست که میگوئید بدهان خویش وَخدا می گوید سخن راست واودلالت میکند برراه (٤) .

اُدْعُوْهُمْ لِاٰبَآئِهِمْ هُوَ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ لَّمْ تَعْلَمُوْٓا اٰبَآءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّيْنِ وَمَوَالِيْكُمْ ۭ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيْمَآ اَخْطَاْتُمْ بِهٖ ۙ وَلٰكِنْ مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوْبُكُمْ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ⑤

نسبت کنید پسر خواندگان را به پدرانِ ایشان این راست ترست نزد خدا پس اگرندانید پدران ایشانرا پس بردرانِ شما اند دردین وآزاد کردگان شمااند[۲] ونیست برشماگناهی درلفظی که خطاکرده باشید به تکلم آن ولیکن‌گناه آن ست که قصد کرددلهای شما وهست خدا آمرزنده مهربان (٥) .

اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗٓ اُمَّهٰتُهُمْ ۭ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ

پیغامبر سزاوار ترست به تصرف درامور مسلمین ازذات های ایشان وزنانِ پیغامبر مادرانِ ایشانند[۳] وخویشاوندان بعضِ ایشان نزدیك تراند به بعض درحکمِ خدا از

---

(۱) مترجم گوید که درین آیات ردّاست برقول کافری که مرا دو دل داده اند وبرآنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادرحرام موبدی شود و تعریض ست بجواب طعن کافران ومنافقان به نسبت حضرت صلی الله علیه وسلم چون زینب را تزوج فرمود که زن پسر خواندنی را بزنی گرفت .

(۲) یعنی پس باین لقب بخوانید .

(۳) یعنی درحرمت نکاح .

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ اِلَّآ اَنْ تَفْعَلُوْٓا اِلٰٓى اَوْلِيٰٓئِكُمْ مَّعْرُوْفًا ۭ
كَانَ ذٰلِكَ فِي الْكِتٰبِ مَسْطُوْرًا ⑥

سائر مسلمانان وهجرت کنندگان لیکن آنکه بکنید بسوی دوستانِ خود رعایتی جائزبود این حکم هست درلوح محفوظ نوشته شده[1] (٦) .

وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِيّٖنَ مِيْثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُّوْحٍ وَّاِبْرٰهِيْمَ
وَمُوْسٰى وَعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۠ وَاَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيْثَاقًا غَلِيْظًا ۙ⑦

ویادکن چون گرفتیم ازپیغامبران عهدِ ایشان را و ازتوبگرفتیم وازنوح وابراهیم وموسیٰ وعیسیٰ پسر مریم وگرفتیم ازایشان عهد محکم (٧) .

لِّيَسْـَٔلَ الصّٰدِقِيْنَ عَنْ صِدْقِهِمْ ۚ وَاَعَدَّ لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا اَلِيْمًا ⑧

تاخدای تعالی بپرسدآن راستگویان راازراستی ایشان ومهیاکرده است برای کافران عذاب درد دهنده[2] (٨) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَاۗءَتْكُمْ جُنُوْدٌ
فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا وَّجُنُوْدًا لَّمْ تَرَوْهَا ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ
بَصِيْرًا ۚ⑨

ای مسلمانان یادکنید نعمت خدارا برخویش وقتی که آمد برسرشمالشکر ها پس فرستادیم برایشان باد را و لشکرها که نه دیدید آنهارا وهست خدا بآنچه می کنیدبینا (٩) .

اِذْ جَاۗءُوْكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ اَسْفَلَ مِنْكُمْ وَاِذْ زَاغَتِ
الْاَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوْبُ الْحَـنَاجِرَ وَتَظُنُّوْنَ بِاللّٰهِ
الظُّنُوْنَا ⑩

چون آمدند برشما ازجانبِ بالای شما واز جانبِ پائین شما وچون خیره ماندند دیدها وبرسید دلها بچنبرگردن وگمان میکردید به نسبت خدا گمانهای مختلف (١٠).

---

(١) یعنی صلهٔ ارحام واجب است وتوارث هجرت واسلام منسوخ شد به توارث به قرابت و ارحام .

(٢) مترجم‌گوید کفاردر غزوهٔ احزاب بر مدینه هجوم کردند وآن حضرت صلی الله علیه وسلم به خندق متحصن شدند وازمنافقان سخنانِ نفاق سرزدشدو مخلصان استقامت ورزیدند وآخر فتح اسلام واقع شد خدای تعالی درذَمِ آنان ومدحِ آنان ومنت نهادن برایشان نازل ساخت .

هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾

آنجا امتحان کرده شد مسلمانان را وجنبانیده شدایشان را جنبانیدنِ سخت (١١) .

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا
اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾

وچون می گفتند منافقان وآنانکه دردل های ایشان بیماریست وعده نه داد مارا خدا ورسولِ اومگر بطریق فریب دادن (١٢) .

وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ
فَارْجِعُوا ۚ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ
بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ ۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾

وچون گفتند طائفه ای ازایشان ای اهل مدینه سرای ماندن نیست شمارا پس باز گردید ودستوری می طلبندگروهی ازایشان ازجناب پیغمبرمی‌گویند هرآئینه خانه های ما نامضبوط است ونیستند آن خانه های نامضبوط نمی خواهند مگرگریختن (١٣) .

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ
لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾

واگردرآمده میشدبرسرایشان ازنواحی آن پس طلب کرده می شد ازایشان خانه جنگی البته میدادند آن را وتوقف نمی کردند درآن فتنه مگر اندکی(1) (١٤) .

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۚ وَكَانَ
عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

وهرآئینه عهدبسته بودند باخدا پیش ازین که برنگردانند پشت هارا وهست عهد خدا پرسیده شده (١٥) .

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُم مِّنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا
لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾

بگوسود نه دهد شمارا گریختن اگربگریزید ازمرگ یا ازکشته شدن وآن هنگام بهره مندساخته نه شوید مگراندکی (١٦) .

---

(١) مترجم‌گوید حاصل کلام آنست که درجهاد توقف می کنند واگرجنگ درمقدمهٔ نفسانی می شد توقف نمیکردند .

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً ۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾

بگوکیست آنکه نگاه دارد شمارا ازتصرفِ خدا اگربخواهد درحق شماسختی یا بخواهد درحق شما نعمتی و نه یابند برای خویش بجز خدا دوستی ونه یاری دهنده (١٧) .

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا ۖ وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾

هرآئینه خدا میداند بازدارندگان را ازشما وگویندگان را به برادرانِ خویش که بیائید بسوی ما وحاضر نمی شوند بکارزار مگراندکی (١٨) .

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ ۖ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُم بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ۚ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾

بخل کنان به نسبت شما[1] پس چون بیایدترس ببینی که ایشان درمی نگرند بسوی تو می‌گردد چشم های ایشان مانند کسی که بیهوش کرده شود ازسختی موت پس چون برود ترس زبان درازی کنند برشما بزبان های تیز بخل کنان برمال این جماعت ایمان نیاوردند پس خدا نابود ساخت کردار های ایشان را وهست این کاربرخدا آسان (١٩) .

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا ۖ وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُم بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنبَائِكُمْ ۖ وَلَوْ كَانُوا فِيكُم مَّا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾

می پندارند که لشکرهای کفار نه رفته اند واگربیایند لشکرها تمناکنند کاش ایشان صحرا نشین بودندی درمیانِ اعراب سوال می کردنداز اخبارشما[2] و اگر باشنددرمیان شما کارزار نه کنند مگر اندکی (٢٠) .

لَّقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو

هرآئینه هست شمارا به پیغامبرخدا پیروی

---

(١) یعنی درسوار شما .

(٢) یعنی ازهر آینده و رونده .

اللّٰهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَذَكَرَ اللّٰهَ كَثِيْرًا ﴿٢١﴾

نيك كسى راكه توقع مى داشت ثوابِ خدا وتوقع ميداشت روزِآخر ويادكردخدارا بسيارى (٢١) .

وَلَمَّا رَاَ الْمُؤْمِنُوْنَ الْاَحْزَابَ ۙ قَالُوْا هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ ۫ وَمَا زَادَهُمْ اِلَّآ اِيْمَانًا وَّتَسْلِيْمًا ﴿٢٢﴾

وچون ديدند مسلمانان لشكر هارا گفتند اين ست آنچه وعده داده بود مارا خدا وپيغامبراو وراست گفت خدا و رسول او واين ماجرا نه افزود درحق ايشان مگر باور داشتن وگردن نهادن (٢٢) .

مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ رِجَالٌ صَدَقُوْا مَا عَاهَدُوا اللّٰهَ عَلَيْهِ ۚ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضٰى نَحْبَهٗ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّنْتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوْا تَبْدِيْلًا ﴿٢٣﴾

ازمسلمانان مردانى اند كه راست كردند آنچه عهد بسته بودند باخدا برآن پس ازايشان كسى هست كه بانجام رسانيد قرار داد خودرا[1] وازايشان كسى هست كه انتظارمى كندوتبديل نكردند هيچ وجه تبديل كردنى (٢٣) .

لِيَجْزِيَ اللّٰهُ الصّٰدِقِيْنَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِيْنَ اِنْ شَآءَ اَوْ يَتُوْبَ عَلَيْهِمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٢٤﴾

تاجزا دهد خدا راست گويان را درمقابلهٔ راستى ايشان وعذاب كند منافقان رااگر خواهد يا برحمت بازگردد برايشان هرآئينه خداهست آمرزنده مهربان (٢٤) .

وَرَدَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوْا خَيْرًا ۭ وَكَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِيْنَ الْقِتَالَ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ قَوِيًّا عَزِيْزًا ﴿٢٥﴾

وبازگردانيد خدا كافران را باخشمِ ايشان نيافتند هيچ منفعتى وكفايت كرد خدا ازطرف مسلمانان درمقدمه جنگ وهست خدا تواناغالب (٢٥) .

وَاَنْزَلَ الَّذِيْنَ ظَاهَرُوْهُمْ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ صَيَاصِيْهِمْ وَقَذَفَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ وَتَاْسِرُوْنَ فَرِيْقًا ﴿٢٦﴾

وفرودآورد آنانرا كه مددگارى اين لشكر ها كرده بودند ازاهل كتاب[2] ازقلعه هاى ايشان وافگند دردل هاى ايشان

---

(١) يعنى شهيد شد .

(٢) يعنى بنى قريظه را فرود آورد .

خوف طائفه ای را می کشتید واسیرمی گرفتید طائفه ای را (٢٦) .

وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَئُوهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾

وعاقبت کار به شما داد زمین ایشان را وخانه های ایشان را و مال های ایشان را ونیز عاقبت کار بشما داد زمینی را که نفرسوده اید آنرا[1] وهست خدا برهمه چیز توانا(٢٧) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾

ای[2] پیغامبر بگوبزنان خود اگرخواسته باشید زندگانی دنیاوآرائش آن پس بیائید تاچیزی مناسب دهم شمارا ورهاکنم شمارا رهاکردنِ نیك (٢٨) .

وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

واگرمی خواهید خدا وپیغامبراورا وسرای آخرت را پس هرآئینه خدا آماده ساخت برای زنان نیکوکاری کننده ازشمامزد بزرگ (٢٩) .

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

ای زنان پیغامبرهرکه به عمل آرد ازشما بدکاری ظاهر[3] دوچند کرده شود وی راعذاب دوچندان وهست این مقدمه برخداآسان (٣٠) .

---

(١) یعنی خیبر .

(٢) مترجم‌گوید ازواج آنحضرت چیزی که نزد آنحضرت نه بود اززینتِ دنیا طلب می کردند خدای تعالی ایشانرا پندداد و زجر فرمود واحکام معاشرت باایشان نازل ساخت وزینب رضی الله تعالیٰ عنها درعقدِ زید بود درمیان ایشان ناسازگاری پدید آمد و رفته رفته بطلاق منجر شدوبعد انقضای عدت خدای تعالی اورا داخل ازواج طاهرات‌گردانید منافقان زبان طعن کشادند که زنِ پسر خودرا بزنی‌گرفت خدای تعالی درمیان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد نازل ساخت .

(٣) مترجم‌گوید مراد این جا ایذای پیغامبراست بزبان درازی .

وَمَنْ يَّقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتَعْمَلْ صَالِحًا
نُّؤْتِهَآ اَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ ۙ وَاَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيْمًا ﴿٣١﴾

وهركه فرمانبرداری كند ازشما خدا وپيغامبر اورا وبكند كارِنيك بدهيم اورا مزدِ او دوبار ومهياكنيم برای او روزی نيك (٣١) .

يٰنِسَآءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَاَحَدٍ مِّنَ النِّسَآءِ اِنِ اتَّقَيْتُنَّ
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِيْ فِيْ قَلْبِهٖ مَرَضٌ
وَّقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوْفًا ﴿٣٢﴾

ای زنان پيغامبر نيستيد شما مانند هركدام ازسائرِزنان اگرپرهيز گاری كنيد پس ملائمت مكنيد درسخن گفتن كه آنگاه طمع كند كسی كه دردل اوبيماريست وبگوئيد سخن نيكو (٣٢) .

وَقَرْنَ فِيْ بُيُوْتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُوْلٰى
وَاَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَاٰتِيْنَ الزَّكٰوةَ وَاَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ ۭ
اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيْرًا ﴿٣٣﴾

وبمانيد در خانه های خويش واظهارِ تجمل مكنيد مانند اظهارِ تجمل كه درجاهليت پيشين بود وبرپاداريد نمازرا وبدهيد زكوة را وفرمانبرداری خدا ورسولِ اوكنيد جزاين نيست كه می خواهد خدا تا دوركند ازشماپليدی را ای اهل بيت وتاپاك كند شمارا پاك كردنی (٣٣) .

وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلٰى فِيْ بُيُوْتِكُنَّ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ
وَالْحِكْمَةِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيْفًا خَبِيْرًا ﴿٣٤﴾

ويادكنيد آنچه خوانده می شود درخانه های شما ازآيت های خداوازحكمت هرآئينه خداهست لطف كننده خبردار (٣٤) .

اِنَّ الْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمٰتِ وَالْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ
وَالْقٰنِتِيْنَ وَالْقٰنِتٰتِ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالصّٰدِقٰتِ وَالصّٰبِرِيْنَ
وَالصّٰبِرٰتِ وَالْخٰشِعِيْنَ وَالْخٰشِعٰتِ وَالْمُتَصَدِّقِيْنَ
وَالْمُتَصَدِّقٰتِ وَالصَّآئِمِيْنَ وَالصّٰٓئِمٰتِ وَالْحٰفِظِيْنَ
فُرُوْجَهُمْ وَالْحٰفِظٰتِ وَالذّٰكِرِيْنَ اللّٰهَ كَثِيْرًا
وَّالذّٰكِرٰتِ ۙ اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَّغْفِرَةً وَّاَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٣٥﴾

هرآئينه مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان ومردان باوردارنده وزنان باور دارنده ومردان اطاعت كننده وزنان اطاعت كننده ومردان راست گوينده وزنان راست گوينده ومردان شكيبائی كننده وزنان شكيبائی كننده ومردان فروتنی نماينده و زنان فروتنی نماينده ومردان صدقه دهنده وزنان صدقه دهنده ومردان روزه دارنده وزنان روزه دارنده ومردان محافظت كننده شرمگاه خود را وزنانِ

محافظت کننده ومردان یاد کننده خدا را به بسیاری وزنان یادکننده مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان آمرزش ومزدِبزرگ (٣٥) .

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَّلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗٓ أَمْرًا أَنْ
يَّكُوْنَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَقَدْ
ضَلَّ ضَلٰلًا مُّبِيْنًا ﴿٣٦﴾

ونیست هیچ مومن وهیچ مومنه را چون مقررکند خدا ورسولِ اوکاری آنکه باشد ایشان را اختیار درکارِخویش وهرکه نافرمانی کند خدا ورسول اورا پس بدرستیکه گمراه شدگمراهی ظاهر[1](٣٦) .

وَإِذْ تَقُوْلُ لِلَّذِيْٓ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ
زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللّٰهَ وَتُخْفِيْ فِيْ نَفْسِكَ مَا اللّٰهُ مُبْدِيْهِ وَتَخْشَى
النَّاسَ ۚ وَاللّٰهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشٰىهُ ۗ فَلَمَّا قَضٰى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا
زَوَّجْنٰكَهَا لِكَيْ لَا يَكُوْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ حَرَجٌ فِيْٓ أَزْوَاجِ
أَدْعِيَآئِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۗ وَكَانَ أَمْرُ اللّٰهِ
مَفْعُوْلًا ﴿٣٧﴾

ویادکن چون می گفتی باشخصی که انعام کرده است خدا بروی ونیز انعام کرده ای تو بروی که نگاه دار برخود زن خودرا وبترس ازخدا وپنهان میکردی در ضمیر خویش آنچه خداپدیدآرندۀ اوست ومی ترسیدی ازمردمان و خدا سزاوار ترست بآنکه بترسی ازوی پس وقتیکه بانجام رسانید زید از زینب حاجتِ خود را یعنی طلاق داد بزنی دادیم ترا زینب تانه باشد برمسلمان هیچ تنگی در نکاح کردنِ زنانِ پسر خواند گان خویش چون بآخررسانند ازایشان حاجت را وهست مراد خدا البته کردنی[2] (٣٧) .

---

(١) مترجم گوید درین آیت تعریض ست بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آنرا زینب وبرادرش مکروه داشتند واین معنی مناسب حال ایشان نه بود والله اعلم .

(٢) مترجم گوید درین آیت تعریض است بآن قصه که درخاطر مبارك آنحضرت صلی الله علیه وسلم می گذشت که اگردرمیانِ زید و زینب مفارقت واقع شود آنرا =

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللّٰهُ لَهٗ ۖ سُنَّةَ اللّٰهِ فِي
الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللّٰهِ قَدَرًا مَّقْدُوْرًا ﴿٣٨﴾

نیست برپیغامبر هیچ تنگی درآنچه حلال ساخته است خدا برای او مانند آئین خدا درحق آنانکه گذشتند پیش ازین وهست کار خدا اندازه مقررکرده شده (٣٨) .

الَّذِيْنَ يُبَلِّغُوْنَ رِسٰلٰتِ اللّٰهِ وَيَخْشَوْنَهٗ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا
اللّٰهَ ۗ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيْبًا ﴿٣٩﴾

(پیش ازوجود مانند آئین خدا درحق) آنانکه میرسانند پیغام های خدارا ومی ترسند از وی ونمی ترسنداز هیچکس مگرازخدا وبس ست خداحساب کننده (٣٩) .

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَّسُوْلَ اللّٰهِ
وَخَاتَمَ النَّبِيّٖنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٤٠﴾

نیست محمد پدر هیچ کس از مردان شما ولیکن پیغامبر خداست ومُهرپیغامبران ست[1] وهستَ خدا بهر چیز دانا (٤٠) .

يٰأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيْرًا ﴿٤١﴾

ای مسلمانان یادکنید خدارا یادکردن بسیار (٤١) .

وَّسَبِّحُوْهُ بُكْرَةً وَّأَصِيْلًا ﴿٤٢﴾

وبه پا کی بخوانید او را صبح و شام (٤٢).

هُوَ الَّذِيْ يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلٰٓئِكَتُهٗ لِيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى
النُّوْرِ ۗ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَحِيْمًا ﴿٤٣﴾

اوست آنکه رحمت میفرستدبرشماودعای رحمت میکنند برشمافرشتگان اوتا برآورد شمارا ازتاریکی ها بسوی روشنی وهست خدا به مسلمانان مهربان (٤٣) .

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهٗ سَلٰمٌ ۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيْمًا ﴿٤٤﴾

دعای خیر ایشان[2] روزیکه ملاقات کنند بخدا سلام ست وآماده کرده است برای ایشان مُزدِنیك (٤٤) .

يٰأَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنٰكَ شَاهِدًا وَّمُبَشِّرًا وَّنَذِيْرًا ﴿٤٥﴾

ای پیغامبر هرآئینه مافرستادیم تراگواهی دهنده ومژده دهنده وترساننده (٤٥) .

= درسلكِ ازواجِ طاهرات داخل نمایند لیکن برای رعایت مراسمِ نیکو خواهی بحسن معاشرت دلالت می فرمود .

(١) یعنی بعدازوی هیچ پیغمبرنباشد .

(٢) یعنی ازجانب خدا وفرشتگان .

وَّدَاعِيًا اِلَى اللّٰهِ بِاِذْنِهٖ وَسِرَاجًا مُّنِيْرًا ﴿٤٦﴾

وخواننده بسوى خدابحكم او وچراغ روشن (٤٦) .

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ بِاَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيْرًا ﴿٤٧﴾

وبشارت ده مسلمانان را بآنكه ايشانرا باشد ازجانب خدابخشائش بزرگ (٤٧) .

وَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِيْنَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَدَعْ اَذٰىهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ؕ
وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ﴿٤٨﴾

وفرمان مبركافران را ومنافقان را وازنظر اعتبار بگذاررنجانيدن ايشانرا وتوكل كن برخدا وبس ست خداكارساز (٤٨) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوْهُنَّ
مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمَسُّوْهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ
تَعْتَدُّوْنَهَا ۚ فَمَتِّعُوْهُنَّ وَسَرِّحُوْهُنَّ سَرَاحًا جَمِيْلًا ﴿٤٩﴾

اى مسلمانان چون نكاح كنيد زنان مومنان را بازطلاق دهيدايشان را پيش ازآنكه دست برسانيدبايشان پس نيست شمارا براين زنان هيچ عدتى كه به شماريد آن را پس متعه دهيداين مطلقات را و بگزاريدآن ها راگذاشتن نيك (٤٩) .

يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ اِنَّاۤ اَحْلَلْنَا لَكَ اَزْوَاجَكَ الّٰتِيْۤ اٰتَيْتَ
اُجُوْرَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِيْنُكَ مِمَّاۤ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلَيْكَ
وَبَنٰتِ عَمِّكَ وَبَنٰتِ عَمّٰتِكَ وَبَنٰتِ خَالِكَ وَبَنٰتِ
خٰلٰتِكَ الّٰتِيْ هَاجَرْنَ مَعَكَ ۫ وَامْرَاَةً مُّؤْمِنَةً
اِنْ وَّهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ اِنْ اَرَادَ النَّبِيُّ اَنْ
يَّسْتَنْكِحَهَا ۚ خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ؕ قَدْ
عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِيْۤ اَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ
اَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُوْنَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ
غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٥٠﴾

اى پيغامبر هرآئينه ماحلال كرديم براى توآن زنان توكه داده اى مهرايشان را وكنيز كانى كه مالك ايشان شده است دست توازآنچه خدا عائد ساخته است برتو(١) وحلال كرديم دختران عم ترا ودختران عمتهاى ترا ودختران خالوى ترا ودختران خاله هاى ترا آنانكه هجرت كرده اندباتووحلال كرديم براى تو زن مسلمان رااگر به بخشدخود را براى پيغامبر(٢) اگر خواهد پيغامبر به زنى‌گيرد آن را خاص براى تو بجز مسلمانان هرآئينه دانستيم آنچه فرض ساخته ايم برايشان درحق

(١) يعنى ازكفار بتورسانيده است .

(٢) يعنى بغير مهردرنكاح آيد .

زنان ایشان ودرحق کنیز کانی که مالك آنست دستهای ایشان (سهل کردیم) تانه باشد برتوهیچ تنگی وهست خداآمرزنده مهربان[1] (٥٠) .

تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ ۖ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ
مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ
وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا
فِي قُلُوبِكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾

موقوف داری هرکرا خواهی ازایشان وجای دهی نزدیك خویش هرکرا خواهی واگر خواهش کنی زنی را ازآنجمله که یکسو کرده ای آنهارا پس نیست هیچ گناهی برتواین رخصت دادن قریب تراست ازآنکه خنك شود چشم های ایشان وانـدوه نخورندوخوشنود شوند بآنچه بدهی ایشان را همهٔ ایشان وخدا می داند آنچه دردل های شماست وهست خدا دانا بُردبار (٥١).

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ
مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ
يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿٥٢﴾

حلال نیستند ترا زنان بعدازین[2] ونه حلال ست آنکه بدل کنی بجای ایشان زنان دیگررا و اگرچه به شگفت آرد ترا حسنِ ایشان مگر آنچه مالك شد دستِ تو وهستَ خدا بر همه چیز نگهبان[3] (٥٢) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ
يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَٰكِنْ إِذَا
دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ
لِحَدِيثٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ ۖ
وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ ۚ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا

ای مسلمانان درنیائید به خانه های پیغامبر مگروقتی که دستوری داده شود شمارا برای طعامی نه انتظار کنان پخته شدن طعام را ولیکن چون خوانده شود شمارا درآئید پس چون طعام خورید پراگنده شوید ونه آرام‌گیران برای سخنی هرآئینه

---

(١) یعنی درباب نکاح چیزها ست که برامت فرض شدو نه برآنحضرت .

(٢) یعنی بعد ازین دوصنف قرشیه مهاجره مهیره یاواهبه نفس غیر مهیره .

(٣) مترجم گوید که این آیت ناسخ آیت سابقه است .

فَسْـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۚ
وَمَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا۟ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓا۟ أَزْوَٰجَهُۥ
مِنۢ بَعْدِهِۦٓ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾

این کار میرنجاند پیغامبررا پس شرم میداشت ازشما وخدا شرم نمیدارد ازسخن راست وچون طلب کنید اززنان پیغامبررختی پس طلب کنید آنراازایشان از پسِ پرده این خصلت پاك ترست برای دلهای شماو دل های ایشان وسزاوارنیست شمارا که برنجانید پیغامبرِخدارا ونه آنکه نکاح کنید زنان اورا پَس ازوَی هرگز، هرآئینه این کار هست نزدیكِ خداگناه بزرگ (٥٣) .

إِن تُبْدُوا۟ شَيْـًٔا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

اگرآشکاراکنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هرآئینه خداهست بهر چیز دانا (٥٤) .

لَّا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِىٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخْوَٰنِهِنَّ
وَلَآ أَبْنَآءِ إِخْوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبْنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا
مَا مَلَكَتْ أَيْمَٰنُهُنَّ ۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ
شَىْءٍ شَهِيدًا ﴿٥٥﴾

نیست هیچ بزه برزنان درپرده نپوشیدن پیش پدران خویش ونه پیش پسران خویش ونه برادران خویش ونه پسران برادران خویش ونه پسران خواهران خویش ونه زنان هم جنس خویش(١) ونه آنچه مالك آن شده دست های ایشان وبترسید ای زنان ازخدا هرآئینه خداهست برهمه چیزگواه (٥٥) .

إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِىِّ ۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟
صَلُّوا۟ عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾

هرآئینه خداوفرشتگانِ او درود میفرستند برپیغامبر ای مسلمانان درود فرستید بروی وسلام‌گوئید سلام‌گفتنی (٥٦) .

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤْذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِى ٱلدُّنْيَا
وَٱلْءَاخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٥٧﴾

هرآئینه آنانکه می رنجانند خدا وپیغامبر اورا لعنت کردخداایشان رادر دنیا

---

(١) يعنى غير قواده .

وآخرت ومهیاساخت برای ایشان عذاب
خوارکننده(٥٧) .

وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوْا فَقَدِ
احْتَمَلُوْا بُهْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ﴿٥٨﴾

وآنانکه میرنجانند مردان مسلمان وزنان
مسلمان را بغیر گناهی که بعمل آورده
باشندپس هرآئینه برداشتند باربهتان را و
گناه ظاهررا (٥٨) .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّاَزْوَاجِكَ وَبَنٰتِكَ وَنِسَآءِ الْمُؤْمِنِيْنَ
يُدْنِيْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ يُّعْرَفْنَ
فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿٥٩﴾

ای پیغامبر بگو به زنان خود ودختران
خود وبزنان مسلمانان که فرو گذارند
برخود چادر های خودرا این نزدیك
ترست بآنکه شناخته شوند پس ایشان را
ایذا داده نه شود و هست خدا آمرزنده
مهربان[1] (٥٩).

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ
وَّالْمُرْجِفُوْنَ فِي الْمَدِيْنَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ
لَا يُجَاوِرُوْنَكَ فِيْهَآ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿٦٠﴾

اگربازنآیند منافقان وآنانکه دردل های
ایشان بیماری است وخبربد فاش کنندگان
درمدینه[2] البته برگماریم ترا برایشان
بازهمسایه نه باشند باتو درمدینه مگر
زمانی اندك[3] (٦٠) .

مَّلْعُوْنِيْنَ اَيْنَمَا ثُقِفُوْٓا اُخِذُوْا وَقُتِّلُوْا تَقْتِيْلًا ﴿٦١﴾

لعنت کرده شدگان هرجاکه یافته شوند
اسیرگرفته شود ایشان را وکشته شود
ایشانرا کشتن بسیار (٦١) .

سُنَّةَ اللّٰهِ فِي الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ
لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا ﴿٦٢﴾

مانند روشِ خدا درآنانکه گذشتند پیش
ازین وهرگزنه یابی در روشِ خدا تغییر را
.(٦٢)

يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا

سوال می کنندترامردمان ازقیامت

(١) یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقی تعرض ایشان نکند والله اعلم .
(٢) یعنی ازکردار های خود .
(٣) یعنی جلاوطن کرده شوند .

يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦٣﴾

بگوجزاین نیست که معرفت آن نزد خداست وچه چیزخبردادترا شایدکه قیامت موجود شود درزمان نزدیك (٦٣) .

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٤﴾

هرآئینه خدا لعنت کرده است کافران را وآماده ساخته است برای ایشان آتش (٦٤) .

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٦٥﴾

جاویدان آنجاهمیشه نه یابند هیچ دوستی ونه یاری دهنده (٦٥) .

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ﴿٦٦﴾

روزی که گردانیده شود روهای ایشان در آتش گویند ای کاش ماهرآئینه فرمان می بردیم خدارا وفرمان می بردیم پیغامبررا (٦٦) .

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ﴿٦٧﴾

و گویند ای پرورد گار ماهرآئینه فرمانبردیم مهتران خودرا وبزرگان خودرا پس گمراه ساختند ماراازراه (٦٧) .

رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٨﴾

ای پرورد گارما بده ایشان را دوچند ازعذاب ولعنت کن ایشان را لعنتی بزرگ (سخت) (٦٨) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٩﴾

ای مسلمانان مباشید مانند آنانکه رنجانیدند موسیٰ را پس پاك ساخت خدا تعالی اورا ازآنچه گفته بودندوبود موسیٰ نزدیك خدا باآبرو[1] (٦٩) .

(١) مترجم گوید یعنی موسیٰ وقت غسل ستر میکردجهال بنی اسرائیل گفتند که او آدرست روزی بحسب اتفاق برکنارهٔ آب غسل میکردوجامه های خودبرسنگ نهاده بود بفرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد موسیٰ عقب سنگ دوید تاآنکه جماعتی ازبنی اسرائیل عریان دیدندو گفتند ادرت ندارد و ادرت انتفاخِ خصیه را گویند والله اعلم.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَقُولُوا۟ قَوْلًا سَدِيدًا ٧٠

ای مسلمان بترسید ازخدا وبگوئید سخن استوار (٧٠) .

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَٰلَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ
وَرَسُولَهُۥ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ٧١

تابصلاح آرد کردار های شمارا وبیامرزد برای شما گناهانِ شمارا وهرکه فرمان بردخدا ورسولِ اورا پس هرآئینه مطلب یاب شد به پیروزی بزرگ (٧١) .

إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ
فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَٰنُ ۖ
إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ٧٢

هرآئینه ما آوردیم امانت را[1] برآسمان ها وبرزمین وبرکوه ها پس قبول نه کردند که بردارند آن را وترسیدند ازآن وبرداشت آنرا آدمی هرآئینه وی هست ستمگار نادان[2] (٧٢) .

لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلْمُنَٰفِقِينَ وَٱلْمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلْمُشْرِكِينَ
وَٱلْمُشْرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ۗ
وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ٧٣

تاشود آخرکار آنکه عذاب کند خدای تعالی مردان منافق وزنان منافق را ومردان مشرك وزنان مشرك را وبرحمت رجوع کند خدا برمردان مسلمان و زنان مسلمان وهست خدا آمرزنده مهربان (٧٣) .

سُورَةُ سَبَإٍ

سوره سبامکی است وآن پنجاه وچهار آیت و شش رکوع است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَلَهُ
ٱلْحَمْدُ فِى ٱلْءَاخِرَةِ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ ١

همه ستائش خدای راست که بدست اوست آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست و مراو راست ستائش درآخرت واوست باحکمت آگاه (١) .

---

(١) یعنی استعداد وتکلیف به اوامرونواهی والله اعلم .

(٢) یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد وقابلیت آنها دارد والله اعلم .

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾

میداند آنچه درمی آید بزمین وآنچه برمی اید ازوی وآنچه فرود می آید ازآسمان وآنچه بالامیرود در وی واوست مهربان آمرزنده (٢) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۖ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ۖ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٣﴾

وگفتند کافران نخواهد آمد پیش ماقیامت بگوآری قسم پروردگارِ من البته خواهد آمدبه شما پروردگاری که دانندهٔ پوشیده است غائب نمی شود ازوی هم وزن ذرّه ای درآسمان ها ونه درزمین و نه خُرد تر ازآن ونه بزرگ تر مگرثبت ست درکتاب ظاهر (٣) .

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾

تاجزا دهد آنان را که ایمان آوردند و عمل های شائسته کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش وروزی گرامی (٤) .

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ﴿٥﴾

وآنانکه سعی کردند در ردِّ آیاتِ مامقابله کنان آن جماعت ایشان راست عذاب ازعقوبت درد دهنده (٥) .

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾

ومی بینند آنانکه داده شده است ایشانرا علم چیزی را که فرود آورده شد بسوی تو ازجانبِ پروردگارِ توراست ودلالت کننده بسوی راه خدای غالب ستوده کار (٦) .

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

وگفتند کافران بایکدیگرآیا دلالت کنیم شمارا برمردی که خبر میدهدبه شما که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هرآئینه شما درآفرینش نوباشید (٧) .

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ ۗ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾

آیابربسته است برخدا دروغ را یاباوجنونی هست بلکه آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت در عقوبت باشندودرگمراهی دور (٨) .

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُم مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ ۚ إِن نَّشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا
مِّنَ السَّمَاءِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ﴿٩﴾

آیا نه دیدند بسوی آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست ازآسمان وزمین ا گرخواهیم فروبریم ایشان را به زمین یابافگنیم برایشان پارها ازآسمان هرآئینه درین کار نشانه است هربنده رجوع کننده را (۹) .

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ۖ يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۖ
وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ ﴿١٠﴾

وهرآئینه دادیم داؤد را ازنزد خود بزرگی گفتیم ای کوه ها بزیروبم تسبیح گوئید همراه اوومسخرش ساختیم مرغان را ونرم گردانیدیم برای اوآهن را (۱۰).

أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ ۖ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۖ
إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾

فرمودیم که بساز زره های کشاده واندازه نگاه داردربافتن حلقه ها وای اهل بیتِ داؤد به عمل آرید کردار شائسته هرآئینه من بآنچه میکنید بینام (۱۱) .

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُ
عَيْنَ الْقِطْرِ ۖ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَمَن
يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾

ومسخر ساختیم برای سلیمان باد را سیراوّل روزِاویکماهه راه بود و سیرِ آخر روزَ اونیز یکماهه راه بود و روان ساختیم برای او چشمهٔ مِس ومسخرش ساختیم ازدیوان کسی را که کار میکرد پیش او به حکم پروردگار خویش وهرکه کجی کندازدیوان ازحکم ما بچشانیم اورا پاره ای ازعقوبتِ دوزخ (۱۲) .

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ
وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ ۚ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا ۚ وَقَلِيلٌ مِّنْ
عِبَادِيَ الشَّكُورُ ﴿١٣﴾

میساختند برای اوآنچه میخواست ازقلعه ها وصورت ها وکاسه ها بقدر حوض ها ودیگ های ثابت درجاهای خودگفتیم به عمل آرید ای آل داؤد سپاسداری را واندك کسی ست ازبندگان من شکر گذارنده (۱۳) .

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ
الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَأَتَهُ ۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

پس چون مقرر کردیم بروی مرگ را دلالت نه کرد ایشان را بر موتِ او مگرکرم چوب خواره که میخُورَد عصای سلیمان را پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگرمیدانستند غیب را درنگ نمی کردند درعذاب خوارکننده (١٤) .

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ
كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ
غَفُورٌ ﴿١٥﴾

هرآئینه بود قوم سبارا درجای ماندن ایشان نشانهٔ مرایشانرا بود دو بوستان از جانبِ راست وازجانبِ چپ‌گفتیم بخورید رزق پروردگارخویش وشکر گوئید اوراشمارا شهری هست پاکیزه وپروردگار آمرزنده (١٥) .

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾

پس روگردانیدند[١] پس فرستادیم برایشان سیلی تند [٢] وعوض دادیم ایشان را بجای دوبوستانِ ایشان دو بوستانی دیگرخداوند میوه های بدمزه وخداوند درخت گز وچیزی اندك ازدرخت كنار (١٦) .

ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾

این سزا دادیم ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان وسزای بدنمیدهیم مگرناسپاس را (١٧) .

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً

وپیدا کردیم میانِ ایشان ومیانِ آن ده ها که برکت نهاده ایم درآن[٣] ده هامتصل

---

(١) یعنی ازشکر .
(٢) یعنی سیلی که به پشت ها بندکرده بودند .
(٣) یعنی شام .

وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾

بـايكـديگـر ومقـرر كـرديـم درآن ده هـا آمدرفت راگفتيم سير كنيد درين ده ها شب ها وروزها ايمن شده (١٨) .

فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ
أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ
صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾

پس‌گفتند[١] اى پروردگار ما دورى پيدا كن درميانِ سفر هاى ماوستم كردند برخويش پس‌گردانيديم ايشان را افسانه ها و پاره پاره ساختيم ايشان را تمام پاره پاره ساختن هرآئينه درين ماجرا نشانه هاست هر صبر كننده شكرگوينده را (١٩) .

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا
مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾

وهـرآئينـه راسـت يـافـت شيطـان درحـق ايشان انديشهٔ خودرا پس پيروى اوكردند مگرگروهى اندك ازمسلمانان (٢٠) .

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُؤْمِنُ
بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾

ونه بود شيطان را برايشان هيچ غلبه ليكن مبتلا گردانيديم تابدانيم كسى را كه ايمان مى آرد بآخرت ازآن كه وى در شبهه است ازوى وپروردگار تو برهرچيز نگاهبان ست (٢١) .

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ
ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِن شِرْكٍ
وَمَا لَهُ مِنْهُم مِّن ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

بگوبخوانيد آنان را كه‌گمان ميكنيد بجز خـدا مـالـك نيستنـد هـم وزنِ يـك ذره درآسمان ها ونه درزمين ونيست ايشان را درآسمان و زمين هيچ شركتى ونيست خدارا ازايشان هيچ يارى دهنده (٢٢) .

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ

وسـودنكنـد سفـارش نـزد خـداى تعـالى مگربـراى كسيكه دستورى داده باشد

(١) يعنى به زبانِ حال .

عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ وَهُوَ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ ﴿٢٣﴾

برای[1] اواهل محشر مضطرب شوند تاآنگاه که اضطراب دور کرده شود ازدلهای ایشان گویند چه چیز فرموده است پروردگارشما (ملأاعلی) گویند که فرموده است سخن راست واوست بلند مرتبه بزرگ قدر (٢٣) .

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللّٰهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ
لَعَلٰى هُدًى أَوْ فِي ضَلٰلٍ مُبِينٍ ﴿٢٤﴾

بگوکه روزی میدهد شمارا ازجانب آسمان هاو زمین (باز) بگو خدامیدهد و هرآئینه ماياشما بر هدايتيم يا درگمراهی ظاهر (٢٤) .

قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾

بگو سوال کرده نخواهید شدشما ازگناه ما وسوال کرده نه خواهیم شد ما ازآنچه شمامی کنید (٢٥) .

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾

بگو جمع خواهد کرد پروردگارِما میان ما بازحکم کند میان ما (یعنی میان ماوشما) براستی واوست حکم کنندهٔ دانا (٢٦) .

قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللّٰهُ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾

بگو بنمائید مراآنانکه ایشان را لاحق کرده اید باخدا شریك ساخته نه چنین ست بلکه خدا اوست غالب باحکمت (٢٧) .

وَمَا أَرْسَلْنٰكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

ونه فرستادیم ترا الأبرای مردمان همه مژده دهنده وترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٢٨) .

وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾

ومی‌گویندکی بوجودآیداین وعده اگر شما راست‌گوئید (٢٩) .

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً
وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾

بگو شماراست وعدهٔ روزیکه بازپس نمانید ازآن ساعتی ونه پیش دستی کنید (٣٠) .

---

(١) یعنی اذنِ شفاعت داد .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ نُّؤْمِنَ بِهٰذَا الْقُرْاٰنِ وَلَا بِالَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ ۭ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الظّٰلِمُوْنَ مَوْقُوْفُوْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ښ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضِ اِۨ الْقَوْلَ ۚ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا لَوْلَآ اَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِيْنَ ﴿٣١﴾

وگفتند کافران یعنی مشرکان هرگزباورنداریم این قرآن را ونه آن کتاب را که پیش ازوی بود وتعجب کنی ای بیننده اگربه بینی چون ستمگاران ایستاده کرده شوند نزد پرورد گارخویش باز میگرداند بعض ایشان بسوی بعض سخن را[(۱)] گویند آنانکه ناتوانگرفته شد ایشان را بآنانکه سرکشی کردند اگرنمی بودیدشما هرآئینه مامسلمان می شدیم (۳۱) .

قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْٓا اَنَحْنُ صَدَدْنٰكُمْ عَنِ الْهُدٰى بَعْدَ اِذْ جَاۗءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُّجْرِمِيْنَ ﴿٣٢﴾

گفتند سرکشان به ناتوانان آیامابازداشتیم شمارا از هدایت بعد ازآنکه آمدبشما بلکه بودید شما گناه‌گاران (۳۲) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا بَلْ مَكْرُ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِذْ تَاْمُرُوْنَنَآ اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهٗٓ اَنْدَادًا ۭ وَاَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ ۭ وَجَعَلْنَا الْاَغْلٰلَ فِيْٓ اَعْنَاقِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۭ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٣٣﴾

وگفتند ناتوانان سرکشان را نه، بلکه بازداشت مارا مکر شب و روز[(۲)] چون میفرمودیدمارا که کافرشویم به خدا ومقررکنیم برای اوهمتایان را ودردل دارند همه ایشان پشیمانی چون به بینند عذاب را وباندازیم طوقهادرگردن های کافران سزا داده نمی شوند مگر بوفق آنچه می کردند (۳۳) .

وَمَآ اَرْسَلْنَا فِيْ قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوْهَآ ۙ اِنَّا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ﴿٣٤﴾

ونه فرستادیم درهیچ دهی بیم کننده را مگر گفتند مُنَعَّمَانِ آن ده هرآئینه ماباآنچه فرستاده شدید به آن نا معتقدیم (۳٤) .

وَقَالُوْا نَحْنُ اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَّاَوْلَادًا ۙ وَّمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِيْنَ ﴿٣٥﴾

وگفتند ما زیاده تریم باعتبارِ اموال واولاد ونیستیم ماعذاب کرده شدگان (۳۵) .

---

(۱) یعنی سؤال وجواب کنند .

(۲) یعنی مکرشماکه پیوسته درسعی آن بودید .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

بگوهرآئینه پروردگارمن کشاده میکندروزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (٣٦) .

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾

و نیست اموال شما ونه اولادِ شما آن چیز که مقرب گرداندشمارا نزد مابمرتبهٔ قربت لیکن مقرب آنست که ایمان آورد وکرد کردار شائسته پس آن جماعت ایشان راست جزای دوچند به مقابله آنکه عمل کردند و ایشان درکوشك های بلند ایمن باشند(٣٧) .

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾

وآنانکه سعی میکنند در ردّ آیات مامقابله کنان آن جماعت درعذاب حاضر کرده شوند (٣٨) .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۚ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

بگوهرآئینه پروردگارمن کشاده می کند روزی را برای هرکه خواهد ازبندگانِ خودوتنگ می سازد برای هرکه خواهد و هرچه خرج کنیدازهرجنس که باشد پس خدا عوضِ آن دهد واوبهترین روزی دهندگانست (٣٩) .

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَٰؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾

و روزی که برانگیزد خداایشان را همه یکجا باز بگوید به فرشتگان آیاایشان شمارا عبادت می کردند (٤٠) .

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ ۖ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ ۖ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

فرشتگان گویند پاکی تراست توکارسازمائی سوای ایشان بلکه ایشان عبادت میکردند دیوان را[1] اکثرایشان به

(١) یعنی عبادتِ ملائکه بجهت وسوسه شیاطین بود پس گویاعبادت شیاطین کردند .

دیوان اعتقاد داشتند (٤١) .

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَّلَا ضَرًّا ۗ وَنَقُولُ
لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾

پس امروز نمی تواند بعضِ شمابرای بعضی سود رسانیدن ونه زیان رسانیدن وفرمائیم ستمگاران را بچشید عذاب آتشی که شما دروغ می پنداشتیدآن را (٤٢) .

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا رَجُلٌ
يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ ۚ وَقَالُوا مَا هَٰذَا
إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرًى ۚ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا
جَاءَهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾

وچون خوانده می شود برایشان آیاتِ ما روشن آمده گویند بایکدیگرنیست این پیغامبر مگرمردی که میخواهد بازدارد شمارا ازآنچه می پرستیدند پدرانِ شما وگویند نیست این قرآن مگردروغی بربافته وگویند کافران سخن راست را چون بیامد بدیشان نیست این مگرسحرِ ظاهر (٤٣) .

وَمَا آتَيْنَاهُم مِّن كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا ۖ وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ
مِن نَّذِيرٍ ﴿٤٤﴾

ونداديم مشرکانِ عرب را کتاب ها که بخوانند آن را و نه فرستادیم بسوی ایشان پیش ازتوهیچ ترساننده(٤٤) .

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ
فَكَذَّبُوا رُسُلِي ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾

تکذیب کردند آنانکه پیش ازایشان بودند واین مشرکان نه رسیده اند به یك دَهُمِ آنچه داده بودیم به پیشینیان پس بدروغ نسبت کردند پیغامبرانِ مرا پس چگونه بود عقوبت من(٤٥) .

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ ۖ أَن تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ
وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ ۚ
إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾

بگوجزاین نیست که پندمیدهم شمارا بیك کلمه که برخیزید برای خدا دوگان دوگان ویك یك باز تأمل کنید که نیست به یارشما هیچ جنونی، نیست اومگر بیم کننده برای شماپیش از آمدنِ عذاب سخت (٤٦) .

قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۖ

بگوآنچه سوال کرده باشم ازشماجنس

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾

مُزد پس آن شماراست نیست مُزدِمن مگربرخدا واو برهمه چیزگواه است (٤٧) .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

بگو هرآئینه پروردگارمن برمی تابد ازعلمِ غیب وحیِ راست راآن پروردگار، دانای پوشیده هاست (٤٨) .

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾

بگوآمدسخنِ راست، وآفرینشِ نونمیکند معبود باطل ونه دیگر بارآفریند (٤٩) .

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ
فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾

بگواگرگمراه شدم پس جزاین نیست که گمراه شوم برنفس خویش واگرراه یابم پس بسبب آنست که وحی فرستد بسوی من پرورد گارمن هرآئینه وی شنوای نزدیك ست (٥٠) .

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾

وتعجب کنی اگر ببینی چون مضطرب شوند پس نباشد ازعذاب خلاص شدن وگرفته شوند از جائی نزدیك[1] (٥١) .

وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾

وگویند آنگاه ایمان آوردیم بقرآن وازکجابُوَد ایشان را بدست آوردنِ ایمان ازجای دور یعنی محال شد (٥٢) .

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ ۖ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ
مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

وحالانکه کافربودند به قرآن پیش ازین ومی اندازند[2] نادیده از مکان دور (٥٣).

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ ۚ
إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ﴿٥٤﴾

وجدائی افگنده شده میانِ ایشان ومیانِ آنچه می خواستند چنانچه کرده شد بامثالِ ایشان پیش ازین هرآئینه ایشان بودند درشك قوی (٥٤) .

(١) یعنی گرفته شوند بآسانی .

(٢) یعنی حدس میزنند .

سُورَةُ فَاطِر

سوره فاطر مکی است وآن چهل و پنج آیت و پنج رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا
اُولِيْٓ اَجْنِحَةٍ مَّثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ۭ يَزِيْدُ فِى الْخَلْقِ مَا يَشَآءُ ۭ اِنَّ اللّٰهَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ①

همه ستائش خدای راست آفریننده آسمان ها و زمین سازنده فرشتگان را فرستادگانی دارای بازوهای دوگان دوگان وسه گان سه گان وچهارگان چهارگان زیاده میکند درآفرینش هرچه خواهد هرآئینه خدا برهرچیز تواناست (١) .

مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۚ وَمَا يُمْسِكْ ۙ
فَلَا مُرْسِلَ لَهٗ مِنْۢ بَعْدِهٖ ۭ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ②

آنچه کشاده سازد خدا برای مردمان ازرحمت پس هیچ بازدارنده نیست آن را وآنچه بازدارد پس هیچ کشا ینده نیست آنرا بعد از وی (یعنی غیروی) واوست غالب باحکمت (٢) .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ ۭ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ
يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ ۭ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۡ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ③

ای مردمان یادکنید نعمتِ خدارا برخویش آیاهیچ آفریننده هست غیرخدا روزی میدهد شمارا ازجانب آسمان وزمین نیست هیچ معبود برحق مگروی پس ازکجا برگردانیده می شوید (٣) .

وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ ۭ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ
الْاُمُوْرُ ④

واگربه دروغ نسبت کنند تراپس هرآئینه بدروغ نسبت کرده شدند پیغامبران پیش ازتووبسوی خدا بازگردانیده میشود کارها (٤) .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ
الدُّنْيَا ۫ وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ⑤

ای مردمان هرآئینه وعدهٔ خداراست است پس فریفته نکند شمارا زندگانی دنیا ونه فریبدشمارا به نسبتِ خدا شیطان فریب دهنده (٥) .

اِنَّ الشَّيْطٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوْهُ عَدُوًّا ۭ اِنَّمَا يَدْعُوْا حِزْبَهٗ لِيَكُوْنُوْا

هرآئینه شیطان شماراست دشمن پس

مِنْ اَصْحٰبِ السَّعِيْرِ ۝٦

دشمن گیریداورا جزاین نیست که می خواند تابعانِ خودرا تاباشند ازاهل دوزخ (٦) .

اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ۬ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ۝٧

آنانکه کافرشدند ایشان راست عذاب سخت وآنانکه ایمان آوردند و عمل های شائسته کردند ایشان راست آمرزش و مُزدِبزرگ (٧) .

اَفَمَنْ زُيِّنَ لَهٗ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ فَرَاٰهُ حَسَنًا ۭ فَاِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَاۗءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَاۗءُ ڮ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرٰتٍ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ ۝٨

آیاکسی که آراسته کرده شد برای اوعملِ زشت اوپس نیك دید آنرا (مثل مومنِ صالح باشد) پس هرآئینه خداگمراه می کند هرکرا خواهد وراه می نماید هرکراخواهد پس بایدکه هلاك نه شود نفسِ تو برایشان ازروی دریغ هرآئینه خدادانا ست بآنچه می کنند (٨) .

وَاللّٰهُ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ الرِّيٰحَ فَتُثِيْرُ سَحَابًا فَسُقْنٰهُ اِلٰى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَحْيَيْنَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۭ كَذٰلِكَ النُّشُوْرُ ۝٩

وخداآنست که فرستاد بادهارا پس برانگیختند آن بادها ابررا پس روان کردیم ابررا بسوی شهر مرده پس زنده ساختیم بآن ابرزمین رابعد مرده بودنِ آن همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان (٩) .

مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيْعًا ۭ اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهٗ ۭ وَالَّذِيْنَ يَمْكُرُوْنَ السَّيِّاٰتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ۭ وَمَكْرُ اُولٰۗىِٕكَ هُوَ يَبُوْرُ ۝١٠

هرکه خواهد ارجمندی پس خدای راست ارجمندی همه یکجا بسوی اوبالامیرود سخنِ پاکیزه وعمل صالح را بلند می گرداندَ خدا وآنانکه می اندیشند فتنه هاایشان راست عذاب سخت و بداندیشی ایشان همون نابود شود (١٠) .

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا ۭ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ ۭ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ

وخدا آفریدشمارا ازخاك بازازنطفه باز گردانید شمارا جفت مرد و زن ودرشکم برنمیدارد هیچ ماده ای ونمی زاید مگربه

وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهٖٓ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ ۭ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ⑪

علم خدا وزندگانی داده نمی شود هیچ درازعمری را وکم کرده نمی شود ازعمرِوی الاثبت ست درکتاب هرآئینه این کاربرخداآسان ست (١١) .

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرٰنِ ڰ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَاۗىِٕغٌ شَرَابُهٗ وَهٰذَا مِلْحٌ اُجَاجٌ ۭ وَمِنْ كُلٍّ تَاْكُلُوْنَ لَحْمًا طَرِيًّا وَّتَسْتَخْرِجُوْنَ حِلْيَةً تَلْبَسُوْنَهَا ۚ وَتَرَى الْفُلْكَ فِيْهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ⑫

وبرابر نیستند[١] دودریااین یك شیرین درنهایت شیرینی ست خوش‌گوارست آب اووآن دیگرشور به تلخی مائل ست وازهریکی میخورید گوشت تازه وبرمی آرید زیوری که می پوشید آن را ومی بینی کشتی هارا دردریاشگافندهٔ آب تا روزی طلب کنید ازفضل اووتابُوَد که شما شکرگوئید (١٢) .

يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ ۙ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ڮ كُلٌّ يَّجْرِيْ لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ۭ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۭ وَالَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ مَا يَمْلِكُوْنَ مِنْ قِطْمِيْرٍ ⑬

درمی آرد شب را در روز ودرمی آرد روز را درشب ورام ساخت خورشید وماه را هریکی میرود بمیعادی معین اینست خدا پروردگارشما مراوراست پادشاهی وآنانکه می پرستید بجزوی مالك نمی شوند مقدارپوست خسته خرما (١٣) .

اِنْ تَدْعُوْهُمْ لَا يَسْمَعُوْا دُعَاۗءَكُمْ ۚ وَلَوْ سَمِعُوْا مَا اسْتَجَابُوْا لَكُمْ ۭ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُوْنَ بِشِرْكِكُمْ ۭ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيْرٍ ⑭

اگربخوانیدایشان را نه شنوند خواندنِ شما را واگربفرض بشنوند قبول نه کنند گفته شما وروزقیامت منکرشوند شریك مقرر کردنِ شمارا وخبرندهد تراهیچ کس مانندِ دانا[٢] (١٤) .

---

(١) یعنی یکسان نمی شوند باختلاط .

(٢) مترجم‌گوید "لاینبئك مثل خبیر" بمنزله مثل است چون سخن بلیغ‌گویند و تحقیق بنهایت رسانند‌این کلمه‌گویند .

يَآاَيُّهَا النَّاسُ اَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ اِلَى اللّٰهِ ۚ وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ
الْحَمِيْدُ (١٥)

ای مردمان شمائید محتاج بسوی خدا وخدا همونست بی احتیاج ستوده کار (١٥) .

اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَيَاْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ (١٦)

اگرخواهد نابود سازد شمارا وبیارد آفرینش نو (١٦) .

وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيْزٍ (١٧)

ونیست این کار برخدا دشوار (١٧) .

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۚ وَاِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ اِلٰى حِمْلِهَا
لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى ۚ اِنَّمَا تُنْذِرُ
الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۚ
وَمَنْ تَزَكّٰى فَاِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهٖ ۚ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيْرُ (١٨)

وبرنمی دارد هیچ بردارنده بار دیگری را وا گربخواند گران بارکسی را بسوی بارِخویش برداشته نه شود ازآن بار چیزی اگرچه آن کس خویشاوند باشد جزاین نیست که بیم میکنی آنان را که می ترسند ازپرورد گار خویش غائبانه و برپاداشته اند نمازرا وهرکه پاك شد پس جزاین نیست که پاك میشود برای نفع خویش وبسوی خداست بازگشت (١٨) .

وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ (١٩)

وبرابرنیستند نابینا وبینا (١٩) .

وَلَا الظُّلُمٰتُ وَلَا النُّوْرُ (٢٠)

ونه تاریکی ها ونه روشنی (٢٠) .

وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُوْرُ (٢١)

و نه سایه ونه بادِگرم (٢١) .

وَمَا يَسْتَوِي الْاَحْيَآءُ وَلَا الْاَمْوَاتُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ يَّشَآءُ ۚ
وَمَآ اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّنْ فِي الْقُبُوْرِ (٢٢)

وبرابرنمی‌شوند زندگان ومُردگان هرآئینه خدامی‌شنواند هرکراخواهد ونیستی توشنواننده کسی را که درگور باشد (٢٢) .

اِنْ اَنْتَ اِلَّا نَذِيْرٌ (٢٣)

ونیستی تو مگرترساننده (٢٣) .

اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ بِالْحَقِّ بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا ۚ وَاِنْ مِّنْ اُمَّةٍ
اِلَّا خَلَا فِيْهَا نَذِيْرٌ (٢٤)

هرآئینه مافرستاده ایم ترا بدین راست بشارت دهنده وبیم کننده ونیست هیچ امتی مگر گذشته است درآن بیم کننده (٢٤) .

وَاِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ جَآءَتْهُمْ

وا گربه دروغ نسبت کنند تراپس هرآئینه بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش ازایشان

رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتٰبِ الْمُنِيْرِ ﴿٢٥﴾

بودند آمدند بدیشان پیغامبرانِ ایشان به
نشانهای واضح وبنامه های الهی وبکتابِ
روشن (٢٥) .

ثُمَّ اَخَذْتُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ﴿٢٦﴾

بازگرفتارکردم کافران را پس چگونه بود
عقوبتِ من (٢٦) .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ
ثَمَرٰتٍ مُّخْتَلِفًا اَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيْضٌ
وَّحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ اَلْوَانُهَا وَغَرَابِيْبُ سُوْدٌ ﴿٢٧﴾

آیاندیدی که خدافرودآورد ازآسمان آب
را پس برآوردیم بسبب آن میوه های‌گونا
گون رنگهای آنها وازکوه قطعاتی است
برنگ های‌گوناگون، سفید وسرخ ونهایت
سیاه (٢٧) .

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَآبِّ وَالْاَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهٗ
كَذٰلِكَ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمٰٓؤُا
اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ غَفُوْرٌ ﴿٢٨﴾

وازمردمان وجانوران وچهار پایان‌گوناگون
ست رنگ او همچنان جزاین نیست که می
ترسندازخدا عالمان از بندگان او هرآئینه
خدا غالب آمرزنده است (٢٨) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَتْلُوْنَ كِتٰبَ اللّٰهِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ
وَاَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَّعَلَانِيَةً يَّرْجُوْنَ
تِجَارَةً لَّنْ تَبُوْرَ ﴿٢٩﴾

هرآئینه آنانکه تلاوت می کنند کتابِ
خدارا وبرپاداشته اندنمازرا وخرج کرده
اند ازآنچه روزی دادیم ایشان را پنهان
وآشکارا امید دارند دادوستدی را که هرگز
هلاك نه شود (٢٩) .

لِيُوَفِّيَهُمْ اُجُوْرَهُمْ وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ اِنَّهٗ غَفُوْرٌ
شَكُوْرٌ ﴿٣٠﴾

تابتمام رساند بسوی ایشان مُزدِایشان را و
زیاده دهدایشان را از فضلِ خود هر آئینه
اوآمرزندۀ قدردان ست (٣٠) .

وَالَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتٰبِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا
لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ بِعِبَادِهٖ لَخَبِيْرٌۢ بَصِيْرٌ ﴿٣١﴾

وآنچه وحی فرستادیم بسوی توازقرآن
اوست حقیقت باوردارنده آنچه پیش
ازوی ست هرآئینه خدابه بندگان خود
خبردار بیناست (٣١) .

ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتٰبَ الَّذِيْنَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا

بازمیراث دادیم قرآن را کسانی را که
برگزیدیم ایشان را ازبندگان

فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهٖ ۚ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ ۚ وَمِنْهُمْ سَابِقٌۢ بِالْخَيْرٰتِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيْرُ ؕ ﴿٣٢﴾

خود(۱) پس بعضِ ایشان ستمگارست برنفس خود وبعض ایشان میانه رواست وبعض ایشان سبقت کننده است به نیکی ها بحکم خدا این ست فضل بزرگ (٣٢) .

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا ۚ وَلِبَاسُهُمْ فِيْهَا حَرِيْرٌ ﴿٣٣﴾

به بوستان های همیشه ماندن درآیند آن جا زیور داده شود ایشان را آنجاازقسم النگو های طلاوزیور داده شوند مروارید ولباس آنها جامهٔ ابریشمی باشد (٣٣) .

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْٓ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ ؕ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَكُوْرُ ۨ ﴿٣٤﴾

و گفتندهمهٔ ستائش خدای راست که دورکردازماآندوه راهرآئینه پرورد گار ماآمرزندهٔ قدرشناس ست (٣٤) .

اِۨلَّذِيْٓ اَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهٖ ۚ لَا يَمَسُّنَا فِيْهَا نَصَبٌ وَّلَا يَمَسُّنَا فِيْهَا لُغُوْبٌ ﴿٣٥﴾

آنکه فرود آورد مارا به سرای همیشه ماندن از فضلِ خود نه رسد بماآنجاهیچ رنجی ونه رسد بما آنجاهیچ ماندگی (٣٥) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ ۚ لَا يُقْضٰى عَلَيْهِمْ فَيَمُوْتُوْا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا ؕ كَذٰلِكَ نَجْزِيْ كُلَّ كَفُوْرٍ ۚ ﴿٣٦﴾

وآنانکه کافرشدند ایشان راست آتشِ دوزخ نه حکم کرده شود برایشان تابمیرند و نه سبك کرده شود ازایشان چیزی ازعذابِ دوزخ همچنین سزا میدهیم هرناسپاس را (٣٦) .

وَهُمْ يَصْطَرِخُوْنَ فِيْهَا ۚ رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِيْ كُنَّا نَعْمَلُ ؕ اَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيْهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ النَّذِيْرُ ؕ فَذُوْقُوْا فَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ نَّصِيْرٍ ۚ ﴿٣٧﴾

و اهل دوزخ فریادکنند درآنجا که ای پروردگار ما بیرون آرمارا تابکنیم کارِ شائسته بجزآن که می کردیم گوئیم آیا زندگانی نه دادیم شمارا آنقدر که پندپذیر شود درآن هرکه پند پذیرفتن خواهد وآمد بشما ترساننده پس بچشید پس نیست ستمگاران را هیچ یاری دهنده (٣٧) .

(۱) یعنی ازپیغامبر صلی الله علیه وسلم امت محمدیه رسید والله اعلم .

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

هرآئینه خداداننده‌ٔ پنهان آسمان ها وزمین
ست هرآئینه وی داناست به مکنونِ سینه
ها (٣٨) .

هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ ۚ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۖ
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۖ وَلَا يَزِيدُ
الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾

وی آنست که گردانید شمارا جانشینان
درزمین پس هرکه کافرشود پس برویست
ضررِ کفر او ونمی افزاید درحقِ کافران
کفرایشان نزد پروردگار ایشان مگر غضب
را ونمی افزاید درحقِ کافران کفرایشان
مگر زیان را (٣٩) .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ
أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ ۚ بَلْ إِنْ يَعِدُ
الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿٤٠﴾

بگوآیا دیدید شریکانِ مقرر کردهٔ خودرا
آنانکه می پرستید بجز خدا بنمائید مراچه
چیز آفریده اند اززمین آیاایشانرا ست
شرکتی درآسمان ها نه بلکه دادیم ایشان
را کتابی پس ایشان بر حجت اندازآن
بلکه وعده نمیدهند ستمگاران بعض
ازایشان بعض را مگر بطریقِ فریفتن (٤٠) .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ۚ وَلَئِنْ
زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ۚ إِنَّهُ كَانَ
حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾

هرآئینه خدا نگاه میدارد آسمان ها وزمین
را ازآنکه ازجای خود بلغزند واگربلغزند
نگاه نه دارد آنهارا هیچ کس بعد ازخدا(١)
هرآئینه اوست بردبار آمرزگار (٤١) .

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ
لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ
مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾

وقسم خوردند بخدا سخت ترین قسم
های خود که اگربیاید بایشان ترساننده
البته خواهند بود راه یافته تر ازهریك
امت پس چون آمدبایشان ترساننده زیاده
نکرد درحق ایشان مگررمیدن را (٤٢) .

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ

بسبب سرکشی درزمین وزیاده نه کردمگر

(١) يعنى غيرازخدا .

السَّيِّئُ اِلَّا بِاَهْلِهٖ ؕ فَهَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا سُنَّتَ الْاَوَّلِيْنَ ۚ
فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا ۚ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ
اللّٰهِ تَحْوِيْلًا ﴿٤٣﴾

بداندیشی قبیح را وفرود نمی آید وبال
بداندیشی قبیح مگرباهلِ او پس منتظر
نیستند مگر آئینِ عقوبت پیشنیان را پس
نخواهی یافَت بآئین خدارا تبدیلی
ونخواهی یافت بآئین خدا تغییری (٤٣) .

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِى الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ؕ وَمَا
كَانَ اللّٰهُ لِيُعْجِزَهٗ مِنْ شَيْءٍ فِى السَّمٰوٰتِ وَلَا فِى الْاَرْضِ ؕ
اِنَّهٗ كَانَ عَلِيْمًا قَدِيْرًا ﴿٤٤﴾

آیا سیرنکرده اند درزمین تاببینند چگونه
شدانجام کار آنانکه پیش ازایشان بودند و
آنجماعت بودند زیاده ترازایشان درقوت
وهرگزنیست که عاجز کند خدارا چیزی
درآسمان ها ونه درزمین هرآئینه اوهست
داناتوانا (٤٤) .

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللّٰهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوْا مَا تَرَكَ عَلٰى ظَهْرِهَا
مِنْ دَآبَّةٍ وَّلٰكِنْ يُّؤَخِّرُهُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ
فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِعِبَادِهٖ بَصِيْرًا ﴿٤٥﴾

و اگرگرفتار کردی خدا مردمان را به
سزای آنچه میکردند نگذاشتی برپشتِ
زمین هیچ جانوری را ولیکن موقوف
میدارد ایشانرا تامیعادی معین پس چون
آید میعاد ایشان پس هرآئینه خداهست به
بندگان خود بینا (٤٥) .

سُوْرَةُ يٰسٓ

سوره یس مکی است وآن هشتادوسه آیت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰسٓ ﴿١﴾

یٰسٓ (١) .

وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيْمِ ﴿٢﴾

قسم به قرآنِ باحکمت (٢) .

اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ﴿٣﴾

هرآئینه تو ازپیغامبرانی (٣) .

عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٤﴾

برراهِ راستی (مراد دارم) (٤) .

تَنْزِيْلَ الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ ﴿٥﴾

فروفرستادن غالب مهربان (٥) .

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ اُنْذِرَ اٰبَآؤُهُمْ فَهُمْ غٰفِلُوْنَ ﴿٦﴾

تابترسانی قومی را که ترسانیده نه شده
اند پدرانِ ایشان پس ایشان غافلان

اند[1] (٦) .

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰٓ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ٧

هرآئینه ثابت شد وعدهٔ عذاب براکثر
ایشان پس اکثر ایشان ایمان نمی آرند (٧) .

إِنَّا جَعَلْنَا فِىٓ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَٰلًا فَهِىَ إِلَى الْأَذْقَانِ
فَهُم مُّقْمَحُونَ ٨

هرآئینه قرارداديم در گردن های ایشان
طوق ها پس آن طوقها تا زنخ باشند پس
ایشان سربالاکردگانند (٨) .

وَجَعَلْنَا مِنۢ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا
فَأَغْشَيْنَٰهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ٩

وساختیم پیش روی ایشان دیواری وپسِ
پشت ایشان دیواری باز پوشیدیم ایشان
را پس ایشان هیچ نه بینند[2] (٩) .

وَسَوَآءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ١٠

وبرابرست برایشان که بیم کنی ایشانرا یا
بیم نکنی ایشان را ایمان نیارند (١٠) .

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِىَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ
فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ١١

جزاین نیست که می ترسانی کسی را که
پیروی پندکندوبترسد ازخدا غائبانه پس
بشارت ده اورابآمرزش ومُزدگرامی (١١) .

إِنَّا نَحْنُ نُحْىِ الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَءَاثَٰرَهُمْ
وَكُلَّ شَىْءٍ أَحْصَيْنَٰهُ فِىٓ إِمَامٍ مُّبِينٍ ١٢

هرآئینه ما زنده می‌گردانیم مردگان را ومی
نویسیم آنچه پیش فرستادند[3] ومی
نویسیم نقش اقدام ایشان را وهرچیزی را
احاطه کردیم درکتاب ظاهر[4] (١٢) .

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَٰبَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَآءَهَا
الْمُرْسَلُونَ ١٣

وبیان کن برای ایشان داستانی قصهٔ اهل
ده چون آمدند بآن ده پیغامبران (١٣) .

إِذْ أَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ
فَقَالُوٓا إِنَّآ إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ١٤

آنگاه که فرستادیم بسوی ایشان دوکس را
پس به دروغ نسبت کردند ایشان را پس
قوت دادیم به سومی پس هرسه کس

---

(١) یعنی دربنی اسماعیل هیچ پیغمبری مبعوث نشده بود .

(٢) مترجم‌گوید این هردو آیت تمثیل وتصویرست یاس ایشان رااز شناختن حق .

(٣) یعنی ازاعمال خیروشر .

(٤) یعنی لوحِ محفوظ .

گفتند هر آئینه مابسوی شما فرستادگانیم (١٤) .

قَالُوْا مَآ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۙ وَمَآ اَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ
مِنْ شَيْءٍ ۙ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُوْنَ ⑮

اهل دهٔ گفتند نیستید شما مگرآدمی مانندِما وفرونه فرستاده است رحمن هیچ چیز نیستید شما مگر دروغ میگوئید (١٥) .

قَالُوْا رَبُّنَا يَعْلَمُ اِنَّآ اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُوْنَ ⑯

گفتند پرورد گار ماميداند که هرآئینه مابسوی شما فرستادگانیم (١٦) .

وَمَا عَلَيْنَآ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ⑰

ونیست برما مگر پیغام رسانیدن ظاهر (١٧) .

قَالُوْٓا اِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ ۚ لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهُوْا لَنَرْجُمَنَّكُمْ
وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيْمٌ ⑱

گفتند هرآئینه ماشگون بد گرفتیم به شما اگر بازنآئید البته سنگ سارکنیم شمارا والبته برسد به شما ازجانب ماعقوبتِ درد دهنده (١٨) .

قَالُوْا طَآئِرُكُمْ مَّعَكُمْ ۭ اَئِنْ ذُكِّرْتُمْ ۭ بَلْ اَنْتُمْ
قَوْمٌ مُّسْرِفُوْنَ ⑲

گفتند شگون بدشما همراه شما ست آیا اگر پندداده شود شمارا برشگون بدحمل کنید بلکه شماگروهی ازحدگذشته اید (١٩) .

وَجَآءَ مِنْ اَقْصَا الْمَدِيْنَةِ رَجُلٌ يَّسْعٰى قَالَ يٰقَوْمِ
اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِيْنَ ⑳

وآمد ازدور ترین محل های آن شهر مردی شتابان گفت ای قومِ من پیروی کنید آن پیغامبران را (٢٠) .

اتَّبِعُوْا مَنْ لَّا يَسْئَلُكُمْ اَجْرًا وَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ㉑

پیروی کنید کسی را که نمی طلبد ازشما هیچ مزدی وایشان راه یافتگانند (٢١) .

وَمَالِيَ لَآ اَعْبُدُ الَّذِيْ فَطَرَنِيْ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ㉒

وچیست مرا که عبادت نه کنم معبودی را که بیافرید مرا وبسوی وی بازگردانیده خواهید شد (٢٢) .

ءَاَتَّخِذُ مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً اِنْ يُّرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّيْ
شَفَاعَتُهُمْ شَيْـًٔا وَّلَا يُنْقِذُوْنِ ㉓

آیا بجزوی معبودانی گیرم ا گربخواهد خدای تعالی درحق من زیانی دفع نه کندازمن شفاعتِ ایشان چیزی را

وازايشان خلاص نكنندمرا (٢٣) .

إِنِّيٓ إِذًا لَّفِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾

هرآئينه من آنگاه درگمراهی ظاهر باشم (٢٤) .

إِنِّيٓ ءَامَنتُ بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ﴿٢٥﴾

هرآئينه من ايمان آوردم به پروردگارشما پس بشنويدازمن[1] (٢٥) .

قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾

گفته شداورا درآی به بهشت گفت ای كاش قومِ من ميدانستند (٢٦) .

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ﴿٢٧﴾

كه به چه چيزبيامرزيد مرا پروردگارمن وساخت مرا ازنواختگان (٢٧) .

وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾

وفرود نياورديم برقوم او بعدازو هيچ لشكری ازآسمان ونيستيم ما فرودآرنده لشكر (٢٨) .

إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ ﴿٢٩﴾

نه بود عقوبتِ ايشان مگر يك فريادِ تند پس ناگهان ايشان چون آتش فرومرده شدند (٢٩) .

يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٣٠﴾

ای وای بربندگان نمی آيدبديشان هيچ فرستاده مگر بااو تمسخر می كردند (٣٠) .

أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿٣١﴾

آيا نه ديدند چه قدر هلاك ساختيم پيش ازايشان طبقاتِ مردمان را كه آنجماعت بسوی ايشان بازنمی آيند (٣١) .

وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ﴿٣٢﴾

ونيست هرطبقه مگر جمع آورده نزد ماحاضر كرده شده (٣٢) .

وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ﴿٣٣﴾

و نشانه هست برای ايشان زمين مرده زنده‌گردانيديم آن را وبرآورديم ازآن دانه پس ازآن دانه ميخورند (٣٣) .

وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ

وآفريديم درزمين بوستان ها ازدرختانِ

(١) مترجم‌گويد اهل ده آنراشهيد ساختند والله اعلم .

الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾	خرما ودرختان انگور وروان ساختیم درآن بوستان چشمه ها (٣٤) .
لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾	تابخورند ازمیوه آنچه مذکورشد ونه ساخته است میوه را دست های ایشان آیا پس شکر نمی کنند (٣٥) .
سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾	پاکست آنکه آفرید اجناس راتمام آن ازآنچه میرویاندش زمین وازجنسِ آدمیان وازآنچه ایشان نمی دانند (٣٦) .
وَآيَةٌ لَّهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾	ونشانه هست ایشانرا شب مانند پوست می کشیم ازوی روز را پس ناگهان ایشان در تاریکی آیندگان باشند (٣٧) .
وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾	وآفتاب میرود براهی که قرارگاهِ ویست اینست اندازهٔ خدای غالب دانا (٣٨) .
وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾	وماه مقرر کردیم برای او منزل ها تاآن که بازگردد مانند چوبِ کهنه خوشهٔ خرما (٣٩) .
لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾	نه خورشید می سزدش که دریابد ماه را ونه شب سبقت کننده است برروز[١] وهریکی ازخورشید وماه وستاره هادرآسمانی سیر میکنند (٤٠) .
وَآيَةٌ لَّهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾	ونشانه هست ایشانرا که مابرداشتیم قوم بنی آدم را درکشتی پُرکرده شده (٤١) .
وَخَلَقْنَا لَهُم مِّن مِّثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾	وآفریدیم برای ایشان مانندِ کشتی آنچه سوارمی شوند برآن[٢] (٤٢) .

(١) یعنی پیش ازانقضای روزنمی آید .

(٢) یعنی شتروفیل .

وَإِن نَّشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ ﴿٤٣﴾

واگر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس هیچ فریاد رس نه باشدبرای ایشان ونه ایشان رها کرده شوند(٤٣) .

إِلَّا رَحْمَةً مِّنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾

لیکن رحمت کردیم ازجانب خود وبهره مند ساختیم تامدتی (٤٤) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾

وچون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبتی که پیش دستهای شما باشدواز عقوبتی که پس پشت شماباشد بُوَدکه برشما رحم کرده شود (٤٥) .

وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾

اعراض کنند و نمی آیدبدیشان هیچ نشانه از پروردگار ایشان الآآزآن روگردان باشند (٤٦) .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَن لَّوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾

وچون گفته شود بایشان که خرج کنیدازآنچه روزی داده ست شمارا خدای تعالی گویند کافران به مسلمانان آیاطعام دهیم کسی را که اگرخدای تعالی می خواست طعام دادی اورا نیستید شما مگر درگمراهی ظاهر (٤٧) .

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾

ومی‌گویندکافران کَی باشداین وعده اگر راستگوئید (٤٨) .

مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾

انتظار نمی کشند مگریك نعرهٔ تند را که بگیرد ایشان را وایشان خصومت کنان باشند (٤٩) .

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾

پس نتوانند وصیت کردن ونه باهل خود بازگردند (٥٠) .

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ ﴿٥١﴾

ودمیده شود درصور پس ناگهان ایشان ازقبرها بسوی پروردگارخویش

بشتابند (٥١) .

قَالُوا يَٰوَيْلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا ۜ هَٰذَا مَا وَعَدَ
الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ٥٢

گویند ای وای برما که برخیزانید مارا ازخواب گاهِ ما آری این هما نست که وعده داده بود خدای تعالی وراست گفتند پیغامبران (٥٢) .

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ٥٣

نباشد این واقعه مگرنعرهٔ تندی پس ناگهان ایشان جمع آورده نزد ماحاضر کرده شده باشند (٥٣) .

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْـًٔا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ٥٤

پس امروزستم کرده نخواهد شدبرهیچ کس هیچ ستمی وجزا داده نه خواهید شدالاّبحسب آنچه میکردید (٥٤) .

إِنَّ أَصْحَٰبَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَٰكِهُونَ ٥٥

هرآئینه اهل بهشت امروز درکاری هستند شادانند (٥٥) .

هُمْ وَأَزْوَٰجُهُمْ فِي ظِلَٰلٍ عَلَى الْأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ٥٦

ایشان وزنانِ ایشان درسایه ها بر تخت هانشیننده اند (٥٦) .

لَهُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ٥٧

ایشان راست دربهشت میوه وایشان راست آنچه طلب کنند (٥٧) .

سَلَٰمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ٥٨

گفته شود سلام باد ازجانب پرورد گار مهربان (٥٨) .

وَامْتَٰزُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ٥٩

وبگوئیم جداشوید امروز ای گناه گاران (٥٩) .

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَٰنَ ۖ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ
مُّبِينٌ ٦٠

آیاحکم نه فرستاده بودم بسوی شما ای اولادِ آدم که مپرستید شیطان را هرآئینه وی شمارا دشمنِ آشکاراست (٦٠) .

وَأَنِ اعْبُدُونِي ۚ هَٰذَا صِرَٰطٌ مُّسْتَقِيمٌ ٦١

وآنکه بپرستید مرا این ست راه راست (٦١) .

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا ۖ أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ٦٢

وهرآئینه گمراه ساخت شیطان ازقوم

شماخلقِ بسیاررا آیانمی دانستید (٦٢) .

هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِيْ كُنْتُمْ تُوْعَدُوْنَ ﴿٦٣﴾

این آن دوزخ ست که وعده داده می شد شمارا (٦٣) .

اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٦٤﴾

درآئید بآن امروز به سبب کافربودنِ خود (٦٤) .

اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰٓى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَآ اَيْدِيْهِمْ وَتَشْهَدُ اَرْجُلُهُمْ
بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٦٥﴾

امروز مُهرنهیم بردهان های ایشان وسخن گوید باما دست های ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان بآنچه می کردند (٦٥) .

وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلٰٓى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى
يُبْصِرُوْنَ ﴿٦٦﴾

وا گرخواهیم نابودکنیم چشم های ایشان را پس سبقت کنند بسوی راه پس ازکجاببینند (٦٦) .

وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوْا مُضِيًّا
وَّلَا يَرْجِعُوْنَ ﴿٦٧﴾

وا گرخواهیم مسخ کنیم ایشان را برجای ایشان پس نه توانند گذشتن ازآن جا و باز نه گردند (٦٧) .

وَمَنْ نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٦٨﴾

وهرکه را عمر دراز میدهیم نگونسار می کنیمش درآفرینش آیا درنمی یابند (٦٨) .

وَمَا عَلَّمْنٰهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْۢبَغِيْ لَهٗ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَّقُرْاٰنٌ مُّبِيْنٌ ﴿٦٩﴾

ونیاموختیم این پیغامبررا شعر ولائق نیست اورا نیست این مگرپند وقرآنِ آشکارا (٦٩) .

لِّيُنْذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَّيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٠﴾

تا بترساند هرکه زنده باشد[1] وثابت شودحجت بر کافران (٧٠) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِّمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيْنَآ اَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مٰلِكُوْنَ ﴿٧١﴾

آیانه دیدند که ماآفریدیم برای ایشان ازآنچه ساخته است دست های ماچهارپایان

---

(١) یعنی صاحبِ فهم باشد .

را پس ایشان آنرا مالکا نند (٧١) .

وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُوْنَ ﴿٧٢﴾

ورام ساختیم چهار پایان را برای ایشان پس بعض ازآن سواری ایشانست و بعض ازآن را میخورند (٧٢) .

وَلَهُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ ۚ أَفَلَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٧٣﴾

وایشانراست درچهار پایان منفعت هاوآشامیدنیهاآیاشکرنمی گزارند (٧٣) .

وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اٰلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ ﴿٧٤﴾

و گرفتند سوای خدا معبودان را تابُوَدکه ایشان یاری داده شوند (٧٤) .

لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ ۙ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُوْنَ ﴿٧٥﴾

نه توانند یاری کردنِ ایشان واین بتان برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند (٧٥) .

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ ﴿٧٦﴾

پس اندوه گین نکند ترا سخن ایشان هرآئینه مامیدانیم آنچه پنهان میکنند وآنچه آشکارمی نمایند (٧٦) .

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ ﴿٧٧﴾

آیاندانسته است آدمی که ما آفریدیم اورا ازنطفه پس نا گهان وی خصومت کننده آشکار شد (٧٧) .

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَّنَسِيَ خَلْقَهٗ ۖ قَالَ مَنْ يُّحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيْمٌ ﴿٧٨﴾

زد برای ما مثالی وفراموش کرد آفرینش خودرا گفت که زنده کند استخوان هارا درحالتی که آن کهنه شده باشند (٧٨) .

قُلْ يُحْيِيْهَا الَّذِيْٓ أَنْشَاَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيْمُ ﴿٧٩﴾

بگوزنده کندش آن که آفریداورا اوّل بار واوبهرقسم آفرینش داناست (٧٩) .

الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَآ أَنْتُمْ مِّنْهُ
تُوْقِدُوْنَ ﴿٨٠﴾

آنکه پیداکرد برای شما ازدرخت سبز آتش را پس نا گهان شماازآن درخت آتش می افروزید (٨٠) .

أَوَلَيْسَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى أَنْ يَّخْلُقَ

آیا نیست آنکه آفرید آسمان ها وزمین را

مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

توانا برآنکه بیآفریند مانند ایشان بلی واوست آفریننده دانا (٨١) .

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

جزاین نیست فرمانِ خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را که بگویدش بشوپس می شود (٨٢) .

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

پس پاك ست آنکه بدستِ اوست پادشاهی هرچیز وبسوی اوباز گردانیده شوید (٨٣) .

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

سوره صفت مکی است وآن يك صد وهشتاد ودو آيت وپنج رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾

قسم بجماعتی ازملائکه که صف میکشند صف کشیدنی[1] (١) .

فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾

پس قسم بجماعتی میرانند راندنی[2] (٢) .

فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾

پس قسم بجماعتی که تلاوت میکنند تلاوت کردنی (٣) .

إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾

هرآئینه معبود شمایکی ست (٤) .

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿٥﴾

اوپرورد گارِ آسمان هاوزمین ست وآنچه درمیان این هاست واوپرورد گارِ مشرق هاست[3] (٥) .

إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾

هرآئینه ماآرائش دادیم آسمانِ دنیا را

---

(١) مترجم گوید یعنی نزدیك پرورد گارخود .

(٢) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم .

(٣) یعنی و مغرب هانیز .

بزینت ستاره ها (٦) .

وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَٰنٍ مَّارِدٍ ٧

ونگاهداشتیم آنراازهرشیطان سرکش (٧) .

لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٍ ٨

مقصد آنکه گوش نه نهند شیاطین بسوی ملاء اعلیٰ وزده میشونند ازهر جانب (٨) .

دُحُورًا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ٩

بجهت راندن ایشان وایشان راست عذاب دائم (٩) .

إِلَّا مَنْ خَطِفَ ٱلْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُۥ شِهَابٌ ثَاقِبٌ ١٠

مگر کسی که برباید[1] ربودنی پس ازپی اوافتد شعلهٔ سوزنده (١٠) .

فَٱسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَم مَّنْ خَلَقْنَآ ۚ إِنَّا خَلَقْنَٰهُم مِّن طِينٍ لَّازِبٍ ١١

پس استفسارکن ازایشان آیاایشان سخت تراندددرآفرینش یا کسیکه ماآفریده ایم[2] هرآئینه ماآفریدیم ایشانرا ازِ گل چسپنده (١١) .

بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ ١٢

بلکه تعجب کردی[3] وایشان تمسخر میکنند (١٢) .

وَإِذَا ذُكِّرُوا۟ لَا يَذْكُرُونَ ١٣

وچون پندداده شودایشان را پندنمی گیرند (١٣) .

وَإِذَا رَأَوْا۟ ءَايَةً يَسْتَسْخِرُونَ ١٤

وچون ببینند نشانه ای را تمسخر کنند (١٤) .

وَقَالُوٓا۟ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ١٥

و گفتند نیست این قرآن مگرسحرِ ظاهر(١٥) .

---

(١) یعنی کلمهٔ راازکلمات ملاء اعلیٰ یکبارربودن .

(٢) یعنی ملائکه وجن وسماوات وغیرآن .

(٣) یعنی ازحال کافران .

ءَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا ءَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿١٦﴾

آیاچون بمیریم وباشیم خاك واستخوانی چند آیامابرانگیخته شویم (١٦) .

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾

آیاپدرانِ نخستین مابرانگیخته شوند (١٧) .

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿١٨﴾

بگو آری وشماخوارباشید (١٨) .

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿١٩﴾

پس جزاین نیست که آن برانگیختن یك نعرهٔ تند باشد پس نا گهان ایشان بنگرند (١٩) .

وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿٢٠﴾

وگویند ای وای برمااینست روزجزا (٢٠) .

هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾

گفته شود این ست روزفیصله کردن قضایا که آنرا به دروغ نسبت می کردید (٢١) .

احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾

گفته شود برانگیزید ای ملائکه ستمگاران را باهمراهانِ ایشان[1] وباآنچه می پرستیدند (٢٢) .

مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾

بجز خدا پس دلالت کنیدایشان را بسوی راه دوزخ (٢٣) .

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾

وبازدارید ایشان را هرآئینه ایشان سوال کرده خواهند شد (٢٤) .

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾

چیست شمارا بایکدیگریاری نمی کنید (٢٥) .

بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند (٢٦) .

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾

و رو آوردند بعض ایشان بربعض بایکدیگر سوال کنان (٢٧) .

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾

گویند هرآئینه شمامی آمدید پیش مازجانب راست[2] (٢٨) .

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾

گویند بلکه شمانه بودید مسلمانان (٢٩) .

---

(١) یعنی باشیاطین والله اعلم .

(٢) یعنی وازجانب چپ نیز بجهت گمراه کردن والله اعلم .

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍۭ ۖ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾

ونه بود مارا برشما هیچ تسلطی بلکه شما بودیدگروهی ازحدگذشته (٣٠) .

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَآ ۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ﴿٣١﴾

پس لازم شدبرماسخن پروردگارماکه البته ماچشندهٔ عذاب باشیم (٣١) .

فَأَغْوَيْنَٰكُمْ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ﴿٣٢﴾

پس گمراه کردیم شمارا هرآئینه ماگمراه بودیم (٣٢) .

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾

پس تحقیق همه ایشان آن روز درعذاب باهم شریك باشند (٣٣) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِٱلْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾

هرآئینه ماهمچنین می کنیم با گناه گاران (٣٤) .

إِنَّهُمْ كَانُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾

هرآئینه ایشان چون گفته می شد بدیشان که نیست هیچ معبود برحق مگر خدا سرکشی میکردند (٣٥) .

وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓا۟ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍۭ ﴿٣٦﴾

ومی گفتند آیاماترك کنندهٔ معبودانِ خود باشیم برایِ گفتهٔ شاعری دیوانه (٣٦) .

بَلْ جَآءَ بِٱلْحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾

بلکه آورد پیغامبر سخن درست را وباورداشت سائر پیغامبرانرا (٣٧) .

إِنَّكُمْ لَذَآئِقُوا۟ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَلِيمِ ﴿٣٨﴾

هرآئینه شما چشندهٔ عذاب درد دهنده باشید (٣٨) .

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾

وجزا داده نخواهید شد مگربحسب آنچه می کردید (٣٩) .

إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾

مگر بندگان خالص ساختهٔ خدا[1] (٤٠) .

أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤١﴾

این جماعت ایشان راست روزی مقرر (٤١) .

فَوَٰكِهُ ۖ وَهُم مُّكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾

انواع میوه ها وایشان نواختگانند (٤٢) .

فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٤٣﴾

دربهشت های نعمت (٤٣) .

---

(١) یعنی آنانکه پاك ساخته شدندازشرك وغیره .

عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقٰبِلِيْنَ ﴿٤٤﴾

برتخت ها روبروی یکدیگر (٤٤) .

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِّنْ مَّعِيْنٍ ﴿٤٥﴾

گردانیده می شود برایشان جامی ازشراب جاری (٤٥) .

بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِّلشّٰرِبِيْنَ ﴿٤٦﴾

سفید رنگ لذت دهنده نوشندگان را (٤٦) .

لَا فِيْهَا غَوْلٌ وَّلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُوْنَ ﴿٤٧﴾

نه درآن شرابِ تباه کاری باشدونه ایشان ازآن شراب مست کرده شوند (٤٧) .

وَعِنْدَهُمْ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ عِيْنٌ ﴿٤٨﴾

و نزدیك ایشان زنان فروواندازنده چشم فراخ چشمان باشند (٤٨) .

كَاَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُوْنٌ ﴿٤٩﴾

گویاایشان بیضه های (شترمرغ) درپرده پوشیده اند (٤٩) .

فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ يَّتَسَآءَلُوْنَ ﴿٥٠﴾

پس روی آرند بعض اهلِ بهشت بربعض بایکدیگراستفسار کنان (٥٠) .

قَالَ قَآئِلٌ مِّنْهُمْ اِنِّىْ كَانَ لِىْ قَرِيْنٌ ﴿٥١﴾

گفت گوینده ای ازایشان هرآئینه بود مراهم نشینی (٥١) .

يَّقُوْلُ ءَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِيْنَ ﴿٥٢﴾

که بانکارمی گفت آیاتو ازباوردارندگانی[1] (٥٢) .

ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَدِيْنُوْنَ ﴿٥٣﴾

آیاچون بمیریم و شویم خاك واستخوانی چند آیاماجزا داده خواهیم شد (٥٣) .

قَالَ هَلْ اَنْتُمْ مُّطَّلِعُوْنَ ﴿٥٤﴾

بازگفت آیاشمادرمی نگرید[2] (٥٤) .

فَاطَّلَعَ فَرَاٰهُ فِىْ سَوَآءِ الْجَحِيْمِ ﴿٥٥﴾

پس درنگریست پس دیدآن همنشینِ خود را در وسط دوزخ (٥٥) .

قَالَ تَاللّٰهِ اِنْ كِدْتَّ لَتُرْدِيْنِ ﴿٥٦﴾

گفت بخداهرآئینه نزدیك بودی بآنکه هلاك کنی مرا(٥٦) .

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّىْ لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِيْنَ ﴿٥٧﴾

و اگرنبودی بخشائشِ پروردگار من هرآئینه شدمی ازحاضر کردگان

---

(١) یعنی حشر را .

(٢) یعنی دوزخیان را .

درعذاب (٥٧) .

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾

آیاپس مانخواهیم مرد (٥٨).

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾

مگر مردن آوّل مان ونیستیم ماعذاب کرده شدگان (٥٩) .

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾

هرآئینه این ست پیروزیٔ بزرگ (٦٠) .

لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنندگان (٦١) .

أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾

آیاآنچه مذکور شدنیکوتراست ازنگاه مهمانی یادرخت زقوم (٦٢) .

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾

هرآئینه ماساختیم زقوم را عقوبتی برای ستمگاران (٦٣) .

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾

هرآئینه وی درختیست که برمی آید در قعردوزخ (٦٤) .

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾

خوشهٔ آن مانند سرهای شیاطین است (٦٥) .

فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾

پس هرآئینه دوزخیان بخورندازآن درخت پس پُرکنند ازآن شکم هارا (٦٦) .

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾

پس هرآئینه ایشانرا برآن طعام آمیختنی باشدازآب گرم (٦٧) .

ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾

بازهرآئینه بازگشتِ ایشان بسوی دوزخ بود[1] (٦٨) .

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾

هرآئینه ایشان گمراه یافتند پدرانِ خودرا (٦٩) .

فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾

پس ایشان برپی پدرانِ خودبسرعت رانده میشوند(٧٠) .

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾

و هرآئینه گمراه شده بودند پیش ازایشان اکثر پیشینیان (٧١) .

---

(١) یعنی بعد خوردن و نوشیدن ایشان را به دوزخ بازبرند .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ﴿٧٢﴾

وهرآئینه فرستادیم درمیانِ ایشان ترسانند گان (۷۲) .

فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ﴿٧٣﴾

پس به بین چگونه شدانجام بیم کرد گان (۷۳) .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾

مگر بند گان خالص ساختهٔ خدا (۷٤) .

وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾

وهرآئینه آواز داد مارا نوح پس نیك قبول کننده دعائیم ما (۷۵) .

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾

ورهانیدیم اوراواهلِ اورا از اندوه بزرگ (۷٦) .

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾

وساختیم اولاد اورا، ایشان را فقط باقی مانده (۷۷) .

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾

وگذاشتیم بروی ثنای نیك در پس ماند گان (۷۸) .

سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾

سلام بادبرنوح درعالَم ها (۷۹) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾

هرآئینه ماهمچنین جزامیدهیم نیکوکاران را (۸۰) .

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾

هرآئینه اوازبند گان گرویدهٔ ماست (۸۱) .

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿٨٢﴾

بازغرق ساختیم دیگران را (۸۲) .

وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾

وهرآئینه ازاتباع نوح بود ابراهیم (۸۳) .

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾

چون آمدپیش پروردگارخودبدل مبراازعیب (یعنی ازدوده شرك وشك) (۸٤) .

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾

چون گفت به پدرخود وبقومِ خودچه چیزرا عبادت می کنید (۸۵) .

أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾

آیا به رای فاسدِ خود معبودان را بجز خدامی جوئید (۸٦) .

فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾

پس چیست گمانِ شما به پروردگارعالَم ها (۸۷) .

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾

پس درنگر یست ابراهیم یکبارنگریستن

درستاره ها (٨٨) .

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾

پس گفت هرآئینه من بیمارم (٨٩) .

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾

پس بازگشتند ازوی پشت‌گرداننده (٩٠).

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾

پس پنهان متوجه شد بسوی معبودان ایشان پس گفت آیا نمی خورید (٩١) .

مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ ﴿٩٢﴾

چیست شمارا که سخن نمی‌گوئید (٩٢).

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾

پس متوجه شدبرایشان می زد زدنی به قوت (٩٣) .

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾

پس روآوردند به ابراهیم شتاب کنان (٩٤) .

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾

ابراهیم گفت آیامی پرستید چیزی را که خود می تراشید (٩٥) .

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾

وخداپیداکرد شمارا وآنچه می کنید (٩٦).

قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾

گفتند بایکدیگر بناکنید برای ابراهیم عمارتی پس بافگنید اورا درآتش بسیار (٩٧) .

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾

پس قصد کردند باوی توطئه را پس ساختیم ایشان را زیرترین (٩٨) .

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾

وگفت ابراهیم که هرآئینه من رونده ام بسوی پروردگارخود راه خواهد نمود مرا (٩٩) .

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾

ای پرورد گار من عطاکن مرا ازشائسته کاران (١٠٠) .

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾

پس بشارت دادیم اورا به نوجوانی بُردباری (١٠١) .

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي
أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ

پس چون رسید آن طفل بآن سن که سعی تواندکرد همراه والد خود ابراهیم گفت ای پسركِ من هرآئینه من می بینم درخواب

سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٠٢﴾

که من ذبح میکنم ترا پس درنگر تاچه چیز بخاطر تومیرسد گفت ای پدرمن بکن آنچه فرموده میشود ترا خواهی یافت مرا ا گرخداخواسته است از شکیبائی کنندگان (١٠٢) .

فَلَمَّآ أَسْلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾

پس چون منقاد شدند هردو و پدر بافگند فرزندِ خود را برجانبِ پیشانی (١٠٣) .

وَنَٰدَيْنَٰهُ أَن يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ﴿١٠٤﴾

وآوازدادیم ابراهیم را که ای ابراهیم (١٠٤) .

قَدْ صَدَّقْتَ ٱلرُّءْيَآ ۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾

هرآئینه راست تعبیر کردی خواب را هرآئینه ماهمچنین جزامیدهیم نیکوکاران را (١٠٥) .

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْبَلَٰٓؤُا۟ ٱلْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾

هرآئینه این ماجراامتحان ظاهرست (١٠٦) .

وَفَدَيْنَٰهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾

وعوض اودادیم گوسفندی مهیابرای ذبح بزرگ جثه (١٠٧) .

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى ٱلْءَاخِرِينَ ﴿١٠٨﴾

وگذاشتیم بروی ثنای نیك درپس ماند گان (١٠٨) .

سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ﴿١٠٩﴾

سلام بادبرابراهیم (١٠٩) .

كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١١٠﴾

هم چنین جزا میدهیم نیکوکاران را (١١٠) .

إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾

هرآئینه وی ازبند گان گرویدهٔ ماست (١١١) .

وَبَشَّرْنَٰهُ بِإِسْحَٰقَ نَبِيًّا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٢﴾

وبشارت دادیم اورا باسحق پیغامبری از شائستگان (١١٢) .

وَبَٰرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰٓ إِسْحَٰقَ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِۦ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾

وبرکت دادیم برابراهیم وبراسحق وازاولاد ایشان بعضی نیکوکارست بعضی ستم کننده آشکاراست برخویشتن (١١٣) .

وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾

وهرآئينه مااحسان كرديم برموسىٰ وهارون (١١٤) .

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾

ونجات داديم ايشان را وقوم ايشان را ازاندوه بزرگ (١١٥) .

وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾

ونصرت داديم ايشانرا پس ايشان بودند غالبان (١١٦) .

وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾

وداديم ايشان را كتاب واضح (١١٧) .

وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾

ودلالت كرديم ايشانرا براه راست (١١٨) .

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾

وباقى گذاشتيم برايشان ثناى نيك در پس ماند گان (١١٩) .

سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾

سلام باد برموسىٰ وهارون (١٢٠) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾

هرآئينه ماهمچنين جزاميدهيم نيكوكاران را (١٢١) .

إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾

هرآئينه ايشان ازبند گان گرويدهٔ مايند (١٢٢) .

وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾

وهرآئينه الياس ازفرستادگان بود (١٢٣) .

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾

چون گفت بقوم خود آيا پرهيزگارى نمى كنيد (١٢٤) .

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾

اياپرستش مى كنيد بَعل را (وبَعل نام بتى ست) وترك ميكنيد نيكوترين آفريننده گانرا (١٢٥) .

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

ترك مى كنيد خدارا پروردگارشما و پروردگارپدران نخستين شما (١٢٦) .

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾

پس دروغگو پنداشتند اورا پس هرآئينه آنجماعت حاضر كردگانند[1] (١٢٧) .

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٢٨﴾

مگر بندگان خالص كرده خدا (١٢٨) .

---

(١) يعنى دردوزخ .

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾
وگذاشیتم برالیاس ثنای نیك در پس ماند گان (١٢٩) .

سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾
سلام باد برالیاس (١٣٠) .

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾
هرآئینه ماهم چنین جزامیدهیم نیکوکاران را (١٣١) .

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾
هرآئینه وی بود از بند گان گرویدهٔ ما (١٣٢) .

وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾
وهرآئینه لوط بود ازفرستادگان (١٣٣) .

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾
یادکن چون نجات دادیم اورا و اهل خانه اورا همه یك جا (١٣٤) .

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾
مگر پیرزنی که بود ازباقی ماند گان (١٣٥) .

ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾
بازهلاك ساختیم آن دیگران را (١٣٦) .

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾
وهرآئینه شما گذر میکنید برمساکنِ آن قوم صبح کنان (١٣٧) .

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾
وبوقت شب نیز آیا درنمی یابید (١٣٨) .

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾
وهرآئینه یونس بود ازفرستادگان (١٣٩) .

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾
چون گریخت بسوی کشتی پُرکرده شده (١٤٠) .

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾
پس قرعه انداخت باهل کشتی پس شدازمغلوبان (١٤١) .

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾
پس فروبرد اوراماهی واو کننده بودکاری را که موجب ملامت باشد (١٤٢) .

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾
پس ا گرنه آنست که وی ازتسبیح کنند گان می بود(١٤٣) .

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾
البته باقی می مانددرشکمِ ماهی تاروزیکه مردمان برانگیخته شوند (١٤٤) .

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾
پس پرتافتیم اورا به زمین بی گیاه واو

بیمار بود (١٤٥) .

وَأَنۢبَتۡنَا عَلَيۡهِ شَجَرَةً مِّن يَقۡطِينٖ ﴿١٤٦﴾

ورویانیدیم برسرِاودرختی ازقسمِ کدو (١٤٦) .

وَأَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ مِاْئَةِ أَلۡفٍ أَوۡ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾

وفرستادیم اورابسوی صدهزار یا بیشترازآن باشند (١٤٧) .

فَـَٔامَنُواْ فَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ ﴿١٤٨﴾

پس ایمان آوردند پس بهره مند ساختیم ایشان را تامدتی (١٤٨) .

فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَلِرَبِّكَ ٱلۡبَنَاتُ وَلَهُمُ ٱلۡبَنُونَ ﴿١٤٩﴾

پس استفسار کن ازمشرکان آیاپروردگارترا دختر انست وایشان را پسران (١٤٩) .

أَمۡ خَلَقۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِنَٰثٗا وَهُمۡ شَٰهِدُونَ ﴿١٥٠﴾

آیاآفریدیم فرشتگان را زنها وایشان حاضر بودند (١٥٠) .

أَلَآ إِنَّهُم مِّنۡ إِفۡكِهِمۡ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾

آگاه باش هرآئینه ایشان ازدروغ گوئی خودمی گویند (١٥١) .

وَلَدَ ٱللَّهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٥٢﴾

که بزادخدای تعالی هرآئینه ایشان دروغ گویانند (١٥٢) .

أَصۡطَفَى ٱلۡبَنَاتِ عَلَى ٱلۡبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

آیااختیارکرد دختران را برپسران (١٥٣) .

مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ﴿١٥٤﴾

چیست شمارا چگونه حکم می کنید (١٥٤) .

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾

آیا نمی اندیشید (١٥٥) .

أَمۡ لَكُمۡ سُلۡطَٰنٞ مُّبِينٞ ﴿١٥٦﴾

آیاشماراحجتی واضح است (١٥٦) .

فَأۡتُواْ بِكِتَٰبِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿١٥٧﴾

پس بیارید کتاب خود را ا گرهستید راست گو (١٥٧) .

وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ نَسَبٗاۚ وَلَقَدۡ عَلِمَتِ ٱلۡجِنَّةُ إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ﴿١٥٨﴾

ومقررکردندکافران میان خدای تعالی ومیان جنیان خویشی را وهرآئینه دانسته اندجنیان که ایشان البته حاضر کردگانند[1] (١٥٨) .

---

(١) یعنی برای حساب و عذاب .

سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿١٥٩﴾

پاکیست خدای راازآن چه بیان میکنند (۱۵۹) .

اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِيْنَ ﴿١٦٠﴾

مگربندگان خالص کردهٔ خدا[1] (۱٦۰) .

فَاِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُوْنَ ﴿١٦١﴾

پس هرآئینه شمای کافران وآنچه می پرستید[2] (۱٦۱) .

مَآ اَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفٰتِنِيْنَ ﴿١٦٢﴾

نیستید همه گمراه کننده برای عبادت آن معبود باطل (۱٦۲) .

اِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيْمِ ﴿١٦٣﴾

مگر کسی را که اودر آیندهٔ دوزخ ست درعلم الهی (۱٦۳) .

وَمَا مِنَّآ اِلَّا لَهٗ مَقَامٌ مَّعْلُوْمٌ ﴿١٦٤﴾

وفرشتگان گفتند نیست هیچکس ازما مگراوراجائیست مقرر (۱٦٤) .

وَّاِنَّا لَنَحْنُ الصَّآفُّوْنَ ﴿١٦٥﴾

وهرآئینه ماصف کشندگانیم (۱٦٥) .

وَاِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُوْنَ ﴿١٦٦﴾

وهرآئینه ما تسبیح گویندگانیم (۱٦٦) .

وَاِنْ كَانُوْا لَيَقُوْلُوْنَ ﴿١٦٧﴾

وهرآئینه کافران عرب میگفتند (۱٦۷) .

لَوْ اَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٦٨﴾

اگربودی پیش ماخبری ازپیشینیان (۱٦۸) .

لَكُنَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِيْنَ ﴿١٦٩﴾

البته می شدیم بندگان خالص ساختهٔ خدا (۱٦۹) .

فَكَفَرُوْا بِهٖ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ﴿١٧٠﴾

بازکافرشدند بآن قرآن پس خواهند دانست عاقبت کاررا (۱۷۰) .

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِيْنَ ﴿١٧١﴾

وهرآئینه سابقًا صادرشده وعدهٔ مابرای بندگان فرستاده خویش (۱۷۱) .

اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُوْرُوْنَ ﴿١٧٢﴾

هرآئینه پیغامبران ایشانند نصرت دادگان (۱۷۲) .

وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغٰلِبُوْنَ ﴿١٧٣﴾

وهرآئینه لشکرماالبته ایشانند غالب (۱۷۳) .

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتّٰى حِيْنٍ ﴿١٧٤﴾

پس روبگردان ازایشان مدتی (۱۷٤) .

---

(۱) یعنی بیان مخلصان موافقِ واقع ست .

(۲) یعنی بتان .

وَّاَبۡصِرۡهُمۡ فَسَوۡفَ يُبۡصِرُوۡنَ ﴿١٧٥﴾

وبنگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید (١٧٥) .

اَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُوۡنَ ﴿١٧٦﴾

آیااین کافران عذاب مارابشتاب می طلبند (١٧٦) .

فَاِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمۡ فَسَآءَ صَبَاحُ الۡمُنۡذَرِيۡنَ ﴿١٧٧﴾

پس چون فرود آید عذاب بمیدانِ ایشان بدباشد بامدادِ بیم کردگان (١٧٧) .

وَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتّٰى حِيۡنٍ ﴿١٧٨﴾

وروبگردان ازایشان تامدتی (١٧٨) .

وَّاَبۡصِرۡ فَسَوۡفَ يُبۡصِرُوۡنَ ﴿١٧٩﴾

وبنگر پس ایشان نیز خواهند دید (١٧٩) .

سُبۡحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوۡنَ ﴿١٨٠﴾

پاکی ست پرورد گار تراخداوندِ غلبه ازآنچه این جماعت بیان می کنند (١٨٠) .

وَسَلٰمٌ عَلَى الۡمُرۡسَلِيۡنَ ﴿١٨١﴾

وسلام بادبرفرستادگانِ خدا (١٨١) .

وَالۡحَمۡدُ لِلّٰهِ رَبِّ الۡعٰلَمِيۡنَ ﴿١٨٢﴾

وسپاس خدای راست پرورد گار عالم ها (١٨٢) .

سُوۡرَةُ صٓ

سوره ص مکی است وآن نودونه آیت وپنج رکوع است

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

صٓ وَالۡقُرۡاٰنِ ذِى الذِّكۡرِ ﴿١﴾

قسم بقرآن خداوندِ پند (که آنچه بآن دعوت میکنی راست است) (١) .

بَلِ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا فِىۡ عِزَّةٍ وَّشِقَاقٍ ﴿٢﴾

بلکه کافران درسرکشی ومخالفت اند (٢) .

كَمۡ اَهۡلَكۡنَا مِنۡ قَبۡلِهِمۡ مِّنۡ قَرۡنٍ فَنَادَوۡا وَّلَاتَ حِيۡنَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾

چقدر هلاك کردیم پیش ازایشان قرنهارا پس فریاد برآوردند ونبود آن وقت خلاصی (٣) .

وَعَجِبُوۡۤا اَنۡ جَآءَهُمۡ مُّنۡذِرٌ مِّنۡهُمۡ وَقَالَ الۡكٰفِرُوۡنَ هٰذَا سٰحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾

و تعجب کردند ازآنکه بیامد بایشان بیم کننده ازقوم ایشان و گفتند این کافران این شخص جادو گردروغگوئیست (٤) .

اَجَعَلَ الۡاٰلِهَةَ اِلٰهًا وَّاحِدًا ۖۚ اِنَّ هٰذَا لَشَىۡءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾

آیا گردانید معبودان معتدد را یك معبود

هرآئینه این چیزی ست عجیب (٥) .

وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾

وبرفتند اشراف ازایشان بایکدیگرگویان که بروید و شکیبائی کنید برعبادت معبودان خود هرآئینه این دین نوفتنه است که اراده کرده شده است (٦) .

مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ﴿٧﴾

نه شنیدیم این قول را دردین پسین[١] نیست این مگرافتراء (٧) .

أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي ۖ بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿٨﴾

آیافرود آورده شد برین شخص قرآن ازمیان ما بلکه این کافران درشك انداز پندمن بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا (٨) .

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾

آیانزد ایشانست ازخزانه های رحمت پرورد گارغالب بخشاینده تو (٩) .

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾

آیاایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان آنها ست پس بایدکه بالاروند آویخته بریسمانها[٢] (١٠) .

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

لشکری هست آنجا شکست داده شده ازجمله گروه ها[٣] (١١) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾

دروغ داشتند پیش ازایشان قوم نوح وعاد وفرعون خداوند میخها[٤] (١٢) .

وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ۚ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾

وثمود وقوم لوط ساکنانِ ایکه (تکذیب کردند) ایشان بودند گروه های بسیار

---

(١) یعنی قرآن آخر که ماآن را دریا فتیم والله اعلم .

(٢) یعنی بریسمان آویخته هم نمی توانند که بآسمان روند پس چطور پادشاهی والله اعلم .

(٣) یعنی ازجنس گروه هاکه باانبیاء مخالفت کردند .

(٤) یعنی بچه هارا به میخ تعذیب می کرد .

وقوى (١٣) .

إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ١٤

نيست هيچ كس ازايشان مگر تكذيب كرد پيغامبران را پس حتمى شد عقوبت من (١٤) .

وَمَا يَنْظُرُ هٰٓؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا
مِنْ فَوَاقٍ ١٥

وانتظار نمى برند كفار اين عصر مگريك نعرهٔ تند را يعنى نفخه قيامت كه نه باشد آنرا هيچ توقف (١٥) .

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ١٦

وگفتند (بطريق استهزا) اى پروردگار ماشتاب ده مارا سرنوشت ماازعقوبت پيش از روزِ حساب (١٦) .

اِصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوٗدَ ذَا
الْاَيْدِ ۚ اِنَّهٗٓ اَوَّابٌ ١٧

صبر كن برآنچه ميگويند ويادكن بنده ماداؤد خداوند قوت را هرآئينه اورجوع كننده بود[1] (١٧) .

اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهٗ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِشْرَاقِ ١٨

هرآئينه رام ساختيم همراه اوكوه هارا تسبيح ميگفتند به وقت شام وصباح (١٨) .

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۗ كُلٌّ لَّهٗٓ اَوَّابٌ ١٩

ورام ساختيم مرغانرا بهم آورده هريكى براى اوفرمانبردار بود (١٩) .

وَشَدَدْنَا مُلْكَهٗ وَاٰتَيْنٰهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ٢٠

ومحكم كرديم پادشاهى اورا وداديمش حكمت وسخن واضح (٢٠) .

وَهَلْ اَتٰىكَ نَبَؤُا الْخَصْمِ اِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ٢١

و[2] آيا آمده است پيش توخبرگروهِ خصومت كننده بايكديگر چون ازديوار جسته داخل شدند بمسجد (٢١) .

اِذْ دَخَلُوْا عَلٰى دَاوٗدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوْا لَا تَخَفْ ۚ خَصْمٰنِ بَغٰى

چون درآمدند برداؤد پس بترسيد ازايشان

---

(١) يعنى بسوى خدا .

(٢) مترجم گويد كه داؤد عليه السلام نودونه زن داشت مع هذازن ديگر كه در خطبهٔ شخصى يا درنكاح اوبود درخواست كرد خداى تعالى فرشتگان را بجهت تنبيه داؤد بشكل خصوم متمثل ساخت اشارت باين قصه است درين آيات والله اعلم .

بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ
سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

گفتند مترس ما دوخصومت كننده ايم ستم كرده است بعض مابربعض پس حكم كن ميان مابراستى وجور مكن ودلالت كن مارا براه راست (٢٢) .

إِنَّ هَٰذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ
فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾

اين برادر من ست بدست اوست نودونه ميش وپيش من يك ميش ست پس گفت اين شخص بمن بسپاراين يك ميش را ودرشتى كرد بامن درسخن گفتن(٢٣) .

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ
الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ
وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩ ﴿٢٤﴾

گفت داؤد هرآئينه ستم كرد برتو بخواستنِ ميشِ توتابهم آرد بميشهاى خود وهرآئينه بسيارى ازشريكان ستم مى كنند بعضِ ايشان بربعضى مگرآنانكه ايمان آوردند وكارهاى شائسته كردند واندك اندايشان وشناخت داؤد كه ماآزموده ايم اورا پس طلبِ آمرزش كرداز پرورد گارخود و بيفتاد سجده كنان وبازگشت بخدا (٢٤) .

فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٢٥﴾

پس بيامرزيديم اوراآن لغزش اووهرآئينه اورانزد ما قربت ست ونيكوبازگشت ست (٢٥) .

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ
بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّ
الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا
يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

گفتيم اى داؤد وهرآئينه ساختيم تراجانشين (پادشاه) درزمين پس حكم كن ميانِ مردمان براستى وپيروى مكن خواهش نفس را كه آن گمراه كند ترا ازراهِ خدا هرآئينه آنانكه گمراه مى شوند ازراهِ خدا ايشان راست عذابِ سخت بسبب آنكه فراموش كردند روزحساب را (٢٦) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ

ونيافريديم آسمان و زمين را وآنچه

الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾

درمیان این هاست بیهوده این گمان کافران ست پس وای کافران را ازعقوبت آتش (٢٧) .

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ
أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾

آیامیسازیم آنان را که ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند مانند فساد کنندگان درزمین آیامی سازیم پرهیزگاران رامانند بدکاران (٢٨) .

كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ
أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾

این قرآن کتابیست بابرکت که فرود آوردیم اورابسوی توتا مردمان تأمل کنند درآیات او وتاپند گیرند خداوندان خرد (٢٩) .

وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾

وعطاکردیم داؤد رافرزندی سلیمان نام نیکوبنده بودسلیمان هرآئینه اورجوع کننده بودبخدا (٣٠) .

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾

یادکن چون نموده شداوراوقت شامگاه اسپانِ تیزرو (٣١) .

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّىٰ
تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾

پس گفت هرآئینه دوست داشتم این اسپان را ازقبیل رغبت بمال اعراض کنان ازذکر پرورد گارخودتاآنکه پنهان شد آفتاب درپرده[1] (٣٢) .

رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾

بازگردانیداین اسپانرا برمن پس شروع کرددست رسانیدن بساقهاوگردن ها[2] (٣٣) .

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه آزمودیم سلیمان را وانداختیم برتخت اوکالبدی بازرجوع

---

(١) یعنی نمازعصر فوت شد .

(٢) یعنی ذبح کرده ساق آنهارابریده ازجهت غیرت برذکر خدای تعالی والله اعلم .

کردبخدا[1] (٣٤) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ
بَعْدِي ۖ إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾

گفت ای پروردگارمن بیامرزمرا وعطا کن مراآن پادشاهی که راست نیاید هیچکس را غیرازمن هرآئینه توئی بخشاینده (٣٥) .

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾

پس مسخر گردانیدیم برای او باد را میرفت به فرمان اوبآهستگی روان شده هرجاکه خواسته باشد (٣٦) .

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾

ومسخر گردانیدیم دیوان را هرعمارت بناکننده وهرفرورونده بدریا (٣٧) .

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾

ومسخر گردانیدیم دیوانِ دیگررادست وپابهم بسته درزنجیرها (٣٨) .

هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

گفتیم این ست بخشش ما پس عطا کن یانگاهدار بغیر آنکه باتوحساب کرده شود (٣٩) .

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٠﴾

وهرآئینه اورانزد ماقربت ست ونیکوبازگشت ست (٤٠) .

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ
بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾

ویادکن بندهٔ ما ایوب را چون نداکرد به پروردگارخودکه دست رسانیده است مراشیطان برنجوری ودرد (٤١) .

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

گفتیم بزن زمین را به پای خودنا گهان آن چشمه باشد که مهیابرای غسل سرد بود وآشامیدنی باشد (٤٢) .

---

(١) مترجم گوید سلیمان علیه السلام ازامراء خود منغص شد و بخاطر آوردکه امشب باصدزن جماع کنم و هرزنی پسری زاید وهریکی شهسواری باشد جهاد کننده مرااحتیاج متعلق امرا نافتد فرشته گفت انشاء الله بگوسلیمان سهو کردپس هیچ زن حامله نشدالّایك زن طفل ناقص الخلقت زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شدو رجوع به رب العزت کرد والله اعلم .

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾

وعطاکردیم اورااهل خانه اوومانند ایشان همراه ایشان بخشائشی ازنزد خود وپندی خداوندانِ خرد را (٤٣) .

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا ۚ نِّعْمَ الْعَبْدُ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

وگفتیم بگیر بدست خود دسته شاخهاپس بزن بآن(١) وخلاف سوگند مکن هرآئینه مااورایافتیم شکیبا نیك بنده بود ایوب هرآئینه اورجوع کننده بخدا بود(٢)(٤٤) .

وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿٤٥﴾

ویادکن بندگان ماابراهیم واسحق ویعقوب را خداوندان دست ها وچشم ها(٣) (٤٥) .

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾

هرآئینه مایکروساختیم ایشانرا برای خصلتی پاك که یادکردن آخرت ست(٤٦) .

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

وهرآئینه ایشان نزد ماازبرگزید گان نیکان بودند(٤٧) .

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

ویادکن اسماعیل والیسع وذوالکفل را وهریکی ازنیکان بودند (٤٨) .

هَٰذَا ذِكْرٌ ۚ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٩﴾

این قرآن پندی هست وهرآئینه پرهیزگاران را نیك بازگشت ست (٤٩) .

جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾

بوستانهای دائم ست کشاده کرده برای ایشان دروازه ها (٥٠) .

مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾

تکیه کنان درآنجا می‌طلبند آنجامیوهٔ بسیار وشراب را (٥١) .

---

(١) یعنی زن خودرا .

(٢) یعنی ایوب علیه السلام سوگند خورده بودکه زن خودراصدضربه بزند خدای تعالیٰ بروی سهل ساخت .

(٣) یعنی علم وعمل هردوبکمال داشتند والله اعلم .

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ﴿٥٢﴾

ونزد ایشان باشند زنان فرودآرِنده چشم هم عمر بایکدیگر (٥٢) .

هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾

این ست آنچه وعده داده میشود شمارا برای روز حساب (٥٣) .

إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ﴿٥٤﴾

هرآئینه این رزق ماست نباشد آنرا هیچ زوال (٥٤) .

هَٰذَا ۚ وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿٥٥﴾

این ست جزا وهر آئینه ازحد گذشتگان را بدبازگشتی باشد (٥٥) .

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾

که دوزخ است درآیند آنجاپس بدآرام گاه است (٥٦) .

هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾

این عذاب آب گرم ست وزرداب ست پس باید که بچشید آنرا (٥٧) .

وَآخَرُ مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾

وعذابی دیگرست مانند این انواع مختلف (٥٨) .

هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ ۖ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ ۚ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ ﴿٥٩﴾

این[1] قومیست درآینده بآتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هرآئینه ایشان درآیندگان آتش اند (٥٩) .

قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۖ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا ۖ فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾

تابعان گویند بلکه بر شمازمین کشاده مباد شماپیش آوردید عذاب را برای ما پس بدقرارگاهی ست دوزخ (٦٠) .

قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾

گویند ای پرورد گارماهرکه آئین قدیم ساخته باشد برای ماکفر پس زیاده بکن درحق اوعقوبت درآتش (٦١) .

وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

وگفتند اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که می شمردیم ایشانرا

---

(١) چون تابعان خواهند که بدوزخ درآیند متبوعان راگفته شود .

ازبدان[1] (٦٢) .

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾

آیا مسخره میگرفتیم ایشان را یابرگشته است ازایشان دیده ها (٦٣) .

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾

هرآئینه این راست ست مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ ست بایکدیگر (٦٤) .

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ
الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾

بگوجزاین نیست که من ترساننده ام ونیست هیچ معبود برحق مگر خدای یگانه زیادقوتمند (٦٥) .

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾

پرورد گار آسمان ها وزمین وآنچه میان این هاست غالب آمرزگار (٦٦) .

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾

بگواین خبری بزرگ ست (٦٧) .

أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾

شماازوی روگردانند اید (٦٨) .

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾

نیست مراهیچ دانش بحال این جماعت بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند (٦٩) .

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾

وحی فرستاده نمی شود بسوی من مگر آنکه من ترسانندۀ آشکارم (٧٠) .

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾

ویادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان هرآئینه من آفریننده ام آدمی را ازگِل (٧١) .

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾

پس چون راست کنم اورا وبدمم دروی روح خود را پس درافتید اورا سجده کنان (٧٢) .

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾

پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان همه یك جا (٧٣) .

(١) یعنی فقراء مسلمین .

إِلَّآ إِبْلِيسَ ٱسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلْكَٰفِرِينَ ﴿٧٤﴾

مگر شیطان سرکشی کرد وشد ازکافران (٧٤) .

قَالَ يَٰٓإِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَىَّ ۖ
أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ ٱلْعَالِينَ ﴿٧٥﴾

گفت خدااى شیطان چه چیزبازداشت تراازآنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدودستِ خودآیاتکبر کردی یا بحقیقت هستی ازبلند قدران (٧٥) .

قَالَ أَنَا۠ خَيْرٌ مِّنْهُ ۖ خَلَقْتَنِى مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُۥ مِن طِينٍ ﴿٧٦﴾

گفت من بهترم ازوی آفریدی مرااز آتش وآفریدی اورا ازگِل (٧٦) .

قَالَ فَٱخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾

گفت بیرون شوازبهشت هرآئینه توارنده شده ای(٧٧) .

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ ﴿٧٨﴾

وهرآئینه برتو لعنت من باد تا روزجزا (٧٨) .

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾

گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تاآنروز که برانگیخته شوند مردمان (٧٩) .

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ ﴿٨٠﴾

گفت هرآئینه توازمهلت دادگانی (٨٠) .

إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ ﴿٨١﴾

تا روزآن وقت معین (٨١) .

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾

گفت شیطان پس قسم بعزت توکه البته گمراه کنم ایشانرا همه (٨٢) .

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾

الّابندگان خالص کردهٔ توازایشان (٨٣) .

قَالَ فَٱلْحَقُّ وَٱلْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾

فرمود پس سخن راست ست این و سخن راست میگویم (٨٤) .

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾

البته پرکنم دوزخ را ازتوواز‌آنانکه پیروی تو کننداز ایشان همه یکجا (٨٥) .

قُلْ مَآ أَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾

بگوسوال نمی کنم ازشمابرتبلیغ قرآن هیچ مزدی را ونیستم ازتکلف کنند گان[1] (٨٦) .

---

(١) یعنی دعوی وحی‌نه کنم بغیر تحقیق .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾
وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعْدَ حِينٍۭ ﴿٨٨﴾

نیست قرآن مگرپندی عالم هارا (٨٧) .
والبته خواهید دانست صدق آنرابعد زمانی(٨٨) .

سورة الزمر

سوره زمر مکی است وآن هفتاد پنج آیت و هشت رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

تَنزِيلُ الْكِتَٰبِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

فروفرستادنِ این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (١) .

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَٰبَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا
لَّهُ الدِّينَ ﴿٢﴾

هرآئینه مافروفرستادیم بسوی تو کتاب را براستی پس عبادت کن خدارا خالص کرده برای اوپرستش را (٢) .

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِۦٓ أَوْلِيَآءَ
مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰٓ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ
بَيْنَهُمْ فِى مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِى مَنْ
هُوَ كَٰذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

آگاه باش مرخدارا است[1] پرستش کردن خالص[2] وآنانکه دوستان گرفتند بجز خدا (و گفتند)عبادت نمی کنیم ایشان را مگربرای آنکه نزدیك سازندمارا بخدا درمرتبه قرب هرآئینه خداحکم میکند میان ایشان درآنچه ایشان درآن اختلاف دارند هر آئینه خدا راه نمی نماید کسی را که اودروغگو بسیارناسپاس است (٣) .

لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ
سُبْحَٰنَهُۥ هُوَ اللَّهُ الْوَٰحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

ا گرخواستی خدا که فرزند گیرد البته بر گزیدی ازآنجمله که خلق کرده ست چیزی را که میخواست پاکی اوراست اوست خدای یگانه باقوت (٤) .

(١) یعنی مقبول نزد اوست .
(٢) یعنی بغیر شرك .

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ الَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ
وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى الَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَّجْرِيْ
لِاَجَلٍ مُّسَمًّى اَلَا هُوَ الْعَزِيْزُ الْغَفَّارُ ⑤

آفرید آسمان ها وزمین بتدبیر درست می پیچاند شب را بروزز ومی پیچاند روزرا برشب ورام ساخت خورشید وماه را هریکی میرود درزمان معین آ گاه باش اوست غالب آمرزنده (٥) .

خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَاَنْزَلَ لَكُمْ
مِّنَ الْاَنْعَامِ ثَمٰنِيَةَ اَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِيْ بُطُوْنِ اُمَّهٰتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ
بَعْدِ خَلْقٍ فِيْ ظُلُمٰتٍ ثَلٰثٍ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ فَاَنّٰى تُصْرَفُوْنَ ⑥

آفریدشمارا ازیك شخص بازبیافرید ازآن شخص زنش را وفروفرستاد برای شما ازچهارپایان هشت قسم[1] می آفریند شمارا درشکم های مادران شمایك نوع آفریدن بعدازآفریدن دیگر درتاریکی های سه گانه[2] این ست خداپروردگار شما اوراست پادشاهی نیست هیچ معبود برحق مگر اوپس از کجاگردانیده میشوید(٦) .

اِنْ تَكْفُرُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضٰى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ
وَاِنْ تَشْكُرُوْا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ثُمَّ اِلٰى
رَبِّكُمْ مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ اِنَّهٗ عَلِيْمٌ بِذَاتِ
الصُّدُوْرِ ⑦

اگرناسپاسی کنید پس هر آئینه خدا بی نیازست ازشماونمی پسندد درحق بندگان خود ناسپاسی را و اگرسپاسداری کنید پسندکند او را برای شما وبرندارد هیچ بردارنده بارِ دیگررا بازبسوی پروردگار شما بازگشت شماست پس خبردهد شمارا بآنچه می کردید هرآئینه اوداناست بمکنونِ سینه ها (٧) .

وَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهٗ مُنِيْبًا اِلَيْهِ ثُمَّ اِذَا خَوَّلَهٗ
نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوْٓا اِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلّٰهِ

وچون برسد آدمی را رنجی دعا کند بجناب پرورد گارخودرجوع کرده بسوی اوبازچون عطاکندش نعمتی ازنزد

(١) یعنی نروماده ازشترگاوْ وگوسفند وبز والله اعلم .

(٢) یعنی مشیمه ورحم وبطن والله اعلم .

أَندَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ ۚ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا ۖ
إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾

خود فراموش سازد آنچه دعا میکرد بجهت اوپیش ازین ومقررکند برای خدا همسران راتاگمراه کند ازراهِ خدا بگوبهره مندباش بکفر خود اندك زمانی هرآئینه تو ازاهل دوزخی (٨) .

أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ
وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ ۗ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

(آیاآن ناسپاس مشرك بهترست) یا کسیکه اوعبادت کننده است درساعتهائی ازشب سجده کنان وایستاده شده می ترسد ازآخرت وامیدمیدارد رحمت پروردگار خودرا بگوآیا برابر میشوند آنانکه می دانند وآنانکه نمیدانند جزاین نیست که پندپذیر میشوند خداوندان خرد (٩) .

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ إِنَّمَا يُوَفَّى
الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾

بگو(یامحمد) ازطرف من ای بندگان من که ایمان آورده اید بترسید ازپروردگار خودمرآنانراکه نیکوکاری کردند درین دنیا حالت نیك باشد وزمین خدا کشاده است جزاین نیست که تمام داده میشودصابران را مزدایشان بیشمار[١] (١٠) .

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّينَ ﴿١١﴾

بگو هرآئینه فرموده شده مرا که عبادت کنم خدای را خالص ساخته برای اوپرستش (١١) .

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾

وفرموده شد مرابآنکه باشم نخستین مسلمانان (١٢) .

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾

بگو هرآئینه من میترسم اگر نافرمانی پروردگارخود کنم ازعذاب روزِبزرگ (١٣) .

قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُ دِينِي ﴿١٤﴾

بگوخدارا عبادت میکنم خالص ساخته

(١) درین آیت تعریض ست بهجرتِ حبشه .

برای اوپرستش خودرا[1] (١٤) .

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهٖ ۗ قُلْ اِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ اَلَا ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِيْنُ ﴿١٥﴾

پس عبادت کنید هرکرا خواهید بغیراز خدا بگوهرآئینه زیان کاران آنانند که درزیان دادند خویشتن را واهلِ خود را روز قیامت[2] آ گاه باش این مقدمه همانست زیان ظاهر (١٥) .

لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۗ ذٰلِكَ يُخَوِّفُ اللّٰهُ بِهٖ عِبَادَهٗ ۗ يٰعِبَادِ فَاتَّقُوْنِ ﴿١٦﴾

ایشان رااز بالای ایشان سایبانهاباشدازآتش واززیرایشان نیز سایبانهااین عذاب میترساندخدا بآن بند گان خود را ای بند گان من بترسید ازمن (١٦) .

وَالَّذِيْنَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوْتَ اَنْ يَّعْبُدُوْهَا وَاَنَابُوْٓا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ الْبُشْرٰى ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾

وآنانکه احتراز کردند ازبت ازآنکه عبادت کنندداورا ورجوع کردند بسوی خدا ایشانراست مژده پس مژده ده آن بند گان مرا (١٧) .

الَّذِيْنَ يَسْتَمِعُوْنَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُوْنَ اَحْسَنَهٗ ۗ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰىهُمُ اللّٰهُ وَاُولٰٓئِكَ هُمْ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿١٨﴾

کسانیکه می شنوندسخن پس پیروی می نمایند نیکوترین آن را ایشانند آنانکه هدایت کرده است ایشانرا خدا و ایشانند خداوندان خرد (١٨) .

اَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ ۗ اَفَاَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِى النَّارِ ﴿١٩﴾

پس کسی که ثابت شد بروی وعدهٔ عذاب آیاتوخلاص توانی کردآن دوزخی را (١٩) .

لٰكِنِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ ۙ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۗ وَعْدَ اللّٰهِ ۗ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ الْمِيْعَادَ ﴿٢٠﴾

لیکن آنانکه ترسیدندازپرورد گار خودایشانراست محل های بلند بالای آن محلهای دیگر عمارت کرده شده، میرود زیرآن جویهاوعده کرده است خدا

(١) یعنی ازشرك .

(٢) یعنی هلاك کردند خود را واهلِ خانهٔ خود را بضلال واضلال .

خلاف نمی کند خدا وعده را (٢٠) .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ
ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ
حُطَامًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾ ع

آیانه دیدی که خدافروفرستاد ازآسمان آب پس درآورد آن را به چشمه هادرزمین بازبرمی آرد بسبب آن کشت را گونا گون اقسامِ اوباز خشك میشود پس می بینی آنرا زرد شده بازمیکند آنراریزه ریزه هرآئینه دراین مقدمه پندی هست خداوندانِ خردرا (٢١) .

أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۚ فَوَيْلٌ
لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾

آیاکسی که کشاده کرده است خدا سینهٔ اورا برای دین اسلام پس او بر روشنی باشدازجانب پروردگارخود (مانند سخت دلان ست) پس وای آنانرا که سخت ست دل ایشان ازیادکردن خداایشانند درگمراهی ظاهر (٢٢) .

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَن
يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾

خدا نازل ساخت بهترین سخن، کتابی که بعض اومانند دیگر ست آیات دوتو[1] موی خیزمیشود ازشنیدن آن پوست های آنانکه میترسندازپرورد گار خود بعدازآن نرم میشود پوست های ایشان ودل های ایشان هنگام ذکر خدا این ست هدایت، خدا راه می نمایدبآن هرکرا خواهد وهرکرا گمراه کند خداپس نیست اورا هیچ راه نماینده (٢٣) .

أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَقِيلَ

آیاکسی که احترازمی کند بروی خود ازسختی عذاب روزقیامت[2] و گفته شود

---

(١) یعنی وعده یاوعید وانداریا بشارت .

(٢) یعنی بجز روی چیزی نیابد که عذاب را بآن نگه دارد وما نندا‌هل نجات باشد .

لِلظّٰلِمِيْنَ ذُوْقُوْا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ﴿٢٤﴾

ستمگاران را بچشید وبال آنچه میکردید (٢٤) .

كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتٰىهُمُ الْعَذَابُ
مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُوْنَ ﴿٢٥﴾

بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش ازایشان بودند پس بیامد بدیشان عذاب ازآنجاکه نمی دانستند (٢٥) .

فَاَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ
اَكْبَرُ ۘ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٦﴾

پس چشانیدایشانرا خداخواری درزندگانی دنیا وهرآئینه عقوبتِ آخرت سخت ترست اگرمی دانستند (٢٦) .

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ
لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٧﴾

وهرآئینه بیان کردیم برای مردمان درین قرآن ازهرنوع داستان بُوَد که ایشان پند گیرند (٢٧) .

قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِيْ عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ﴿٢٨﴾

فرودآوردیم قرآن عربی بی عیب بُوَد که ایشان پرهیزگاری کنند (٢٨) .

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيْهِ شُرَكَآءُ مُتَشٰكِسُوْنَ وَرَجُلًا
سَلَمًا لِّرَجُلٍ ۭ هَلْ يَسْتَوِيٰنِ مَثَلًا ۭ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ اَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٩﴾

بیان کرد خدا مثال بنده ای که دروی شریکان مختلف اند وبندۀ خالص برای مردی آیا برابرند درصفت ستائش خدای راست بلکه بیشترایشان نمیدانند[1] (٢٩) .

اِنَّكَ مَيِّتٌ وَّاِنَّهُمْ مَّيِّتُوْنَ ﴿٣٠﴾

(یا محمد) هرآئینه تو خواهی مُرد و هرآئینه ایشان خواهند مُرد (٣٠) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُوْنَ ﴿٣١﴾

بازالبته شماروزقیامت نزد پرورد گار خویش بایکدیگر خصومت خواهید کرد (٣١) .

---

(١) یعنی یك بنده که چند کس مالك اوباشند ضائع شود هم چنین کسی که معبودان بسیاررا پرستش میکند ضائع ست وبنده ای که خالص برای یك کس ست آن یك کس متولی جمیع امور اوباشد همچنین کسیکه موحد باشد و مخلص، خدا کارساز اوست والله اعلم .

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللّٰهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ
اِذْ جَآءَهٗ ؕ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿٣٢﴾

پس کیست ستمگارتر ازکسی که دروغ بربست برخدا ودروغ پنداشت دین راست را چون بیامدباو آیانیست دردوزخ جائی برای کافران (۳۲) .

وَالَّذِيْ جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهٖۤ اُولٰٓئِكَ
هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿٣٣﴾

وآنکه آورد دین راست را وباورداشت آن را آنجماعت ایشانند متقیان (۳۳) .

لَهُمْ مَّا يَشَآءُوْنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ ذٰلِكَ
جَزٰٓؤُا الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٣٤﴾

ایشان راست آنچه خواهند نزد پروردگار ایشان اینست جزای نیکو کاران (۳٤) .

لِيُكَفِّرَ اللّٰهُ عَنْهُمْ اَسْوَاَ الَّذِيْ عَمِلُوْا وَيَجْزِيَهُمْ
اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٣٥﴾

تازائل کند خداازایشان بدترین آنچه کردند وبدهدایشان را مزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند (۳۵) .

اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهٗ ؕ وَيُخَوِّفُوْنَكَ بِالَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ؕ
وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾

آیا نیست خدا کارسازبندۀ خودرا ومی ترسانند ترا بآنانکه غیر خدا یند وهرکرا گمراه کند خدا پس نیست اوراهیچ راه نماینده (۳٦) .

وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّضِلٍّ ؕ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِعَزِيْزٍ
ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾

وهرکرا راه نماید خداپس نیست اورا هیچ گمراه کننده آیانیست خداغالب خداوند انتقام (۳۷) .

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ
اللّٰهُ ؕ قُلْ اَفَرَءَيْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ
اَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كٰشِفٰتُ ضُرِّهٖۤ اَوْ اَرَادَنِيْ
بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكٰتُ رَحْمَتِهٖ ؕ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ ؕ
عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿٣٨﴾

واگربه بپرسی ایشان را کِه آفرید آسمان ها وزمین را البته بگویند خداآفرید بگودیدید آن را که می پرستید بغیراز خدا اگرخواهد درحق من خدای تعالی سختی راآیااین بتان دفع کنندۀ سختی او هستند یاا گر خواهددرحق من بخشائشی آیااین بتان بازدارندۀ بخشائشِ اوهستند بگوبس ست مراخدا بروی توکل می کنند توکل کنندگان (۳۸) .

قُلْ يٰقَوْمِ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّيْ عَامِلٌ ۚ فَسَوْفَ

بگوای قوم من عمل کنید بروضعِ

تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

خودهرآئینه من نیز عمل کننده ام بروضعِ
خود پس خواهید دانست (٣٩) .

مَنْ يَّاْتِيْهِ عَذَابٌ يُّخْزِيْهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿٤٠﴾

کسی را که بیایدش عذابی که رسواکندش
فرودآید بروی عذاب دائم (٤٠) .

اِنَّآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۚ فَمَنِ اهْتَدٰى
فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ
بِوَكِيْلٍ ﴿٤١﴾

هرآئینه مافرود آوردیم برتو کتاب را برای
مردمان براستی پس هرکه راه یاب شد
پس نفع اوراست وهرکه گمراه شد پس
جزاین نیست که گمراه میشود به ضررِ
خود ونیستی برایشان نگهبان (٤١) .

اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِيْنَ مَوْتِهَا وَالَّتِيْ لَمْ تَمُتْ
فِيْ مَنَامِهَا ۚ فَيُمْسِكُ الَّتِيْ قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ
الْاُخْرٰٓى اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ
يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿٤٢﴾

خدای تعالی قبض ارواح میکند هنگام
موت آن ها وآن روح که نه مرده است
قبض آن میکند در خواب آن پس نگاه
میدارد آن را که حکم موت کرده است
بروی ومی گذارد آن دیگررا تاوقتی معین
هرآئینه درین مقدمه نشانه هاست برای
قومی که تأمل می کنند (٤٢) .

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شُفَعَآءَ ۗ قُلْ اَوَلَوْ كَانُوْا
لَا يَمْلِكُوْنَ شَيْـًٔا وَّلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿٤٣﴾

آیا شفاعت کنند گان گرفته اند بغیراز خدا
بگو(ایشان را که گرفتید)ا گرچه نمی
توانستندهیچ کاری ونمی دانستند (٤٣) .

قُلْ لِّلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيْعًا ۗ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ ۗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿٤٤﴾

بگو دراختیار خداست شفاعت همه یك
جا مر اوراست پادشاهی آسمان ها وزمین
بازبسوی اوگردانیده خواهید شد (٤٤) .

وَاِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ اشْمَاَزَّتْ قُلُوْبُ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ
بِالْاٰخِرَةِ ۚ وَاِذَا ذُكِرَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِذَا هُمْ
يَسْتَبْشِرُوْنَ ﴿٤٥﴾

وچون یادکرده شود خداتنها متنفرشود
دل های آنانکه ایمان نمی آرند بآخرت
وچون یادکرده شوند آنانکه بجزاوهستند
ناگاه ایشان شادمان می شوند (٤٥) .

قُلِ اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ عٰلِمَ الْغَيْبِ

بگوبارخدایا ای پیداکنندهٔ آسمان ها
وزمین دانندهٔ نهان وآشکار توحکم کنی

وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيْ مَا كَانُوْا
فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿٤٦﴾

میان بندگان خود در چیزیکه ایشان درآن اختلاف میکردند (٤٦) .

وَلَوْ اَنَّ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا وَّمِثْلَهٗ
مَعَهٗ لَافْتَدَوْا بِهٖ مِنْ سُوْٓءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۭ
وَبَدَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مَا لَمْ يَكُوْنُوْا يَحْتَسِبُوْنَ ﴿٤٧﴾

وا گرباشدآنانراکه ستم کردند آنچه درزمین ست همه یك جا ومانندآن همراه آن البته عوض خود دهندآن را بسبب سختی عذاب روزِ قیامت وظاهر شدبرای ایشان ازجانب خدا آنچه گمان نمی داشتند (٤٧) .

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ
يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٤٨﴾

وظاهر شدبرای ایشان جزای بدآنچه کرده بودند ودرگیرد ایشان را آنچه بدان استهزاء میکردند (٤٨) .

فَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ۡ ثُمَّ اِذَا خَوَّلْنٰهُ نِعْمَةً
مِّنَّا ۙ قَالَ اِنَّمَآ اُوْتِيْتُهٗ عَلٰي عِلْمٍ ۭ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ
وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٤٩﴾

پس چون برسد آدمی راسختی بخواندمارا بازچون بدهیم اورا نعمتی ازطرف خود گوید جزاین نیست که داده شده است این نعمت مرا بنابر دانشی که در منست بلکه این نعمت آزمایشی ست ولیکن اکثر ایشان نمی دانند (٤٩) .

قَدْ قَالَهَا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَآ اَغْنٰى عَنْهُمْ
مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٥٠﴾

هرآئینه گفتند این سخن را آنانکه پیش از ایشان بودند پس دفع نه کرد ازایشان بلارا آنچه میکردند (٥٠) .

فَاَصَابَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا ۭ وَالَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ
هٰٓؤُلَاۗءِ سَيُصِيْبُهُمْ سَيِّاٰتُ مَا كَسَبُوْا ۙ وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِيْنَ ﴿٥١﴾

پس رسید بدیشان عقوبت های آنچه کردند آنانکه ستم کردند ازین جماعت خواهد رسید بدیشان عقوبت های آنچه کردند ونیستند ایشان عاجز کننده (٥١) .

اَوَلَمْ يَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَاۗءُ وَيَقْدِرُ ۭ
اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿٥٢﴾

آیانه دانسته اند که خدا کشاده میسازد رزق را برای هرکه میخواهد و تنگ میکند برای هرکه خواهد هرآئینه درین کارنشانه هاست قومی را که ایمان می آرند (٥٢) .

قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِيْنَ اَسْرَفُوْا عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوْا
مِنْ رَّحْمَةِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ جَمِيْعًا ؕ
اِنَّهٗ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ﴿٥٣﴾

بگو(ازطرف من) ای آن بند گان من که تجـاوز ازحد کردند برخود نا امید مشوید ازرحمتِ خـدا هرآئینـه خـدا می‌آمرزد گنـاهـان را همـه هـر آئینـه خـدا اوسـت آمرزگار مهربان (٥٣) .

وَاَنِيْبُوْٓا اِلٰى رَبِّكُمْ وَاَسْلِمُوْا لَهٗ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَكُمُ الْعَذَابُ
ثُمَّ لَا تُنْصَرُوْنَ ﴿٥٤﴾

ورجوع کنید بسوی پروردگار خویش ومنقادشوید اورا پیش ازآن که بیاید بشما عقوبت بازمددکرده نه شوید (٥٤) .

وَاتَّبِعُوْٓا اَحْسَنَ مَآ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ
يَّاْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَّاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُوْنَ ۙ﴿٥٥﴾

وپیروی کنید نیکوترین آنچه را که فرو فرستاده شدبسوی شمااز‌جانب پروردگار شما پیش ازآن که بیاید به شماعذاب نا گهان وشماخبردار نباشید (٥٥) .

اَنْ تَقُوْلَ نَفْسٌ يّٰحَسْرَتٰى عَلٰى مَا فَرَّطْتُّ فِيْ جَنْۢبِ اللّٰهِ
وَاِنْ كُنْتُ لَمِنَ السّٰخِرِيْنَ ۙ﴿٥٦﴾

(رجوع بخدا کنید واتباع قرآن نمائید) بجهت ترس ازآنکه گوید شخصی وای پشیمانی من برتقصیر کردنِ من درحق خدا وهرآئینه من بودم ازتمسخر کنند گان (٥٦) .

اَوْ تَقُوْلَ لَوْ اَنَّ اللّٰهَ هَدٰىنِيْ لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ ۙ﴿٥٧﴾

یا گوید ا گرخداهدایت کردی مرا البته می‌شدم از متقیان (٥٧) .

اَوْ تَقُوْلَ حِيْنَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ اَنَّ لِيْ كَرَّةً فَاَكُوْنَ مِنَ
الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٥٨﴾

یا گویـد وقتـی که معاینـه کنـد عذاب را کـاش مـرارجـوعـی بـاشـد[1] تـابـاشـم ازنیکوکاران (٥٨) .

بَلٰى قَدْ جَآءَتْكَ اٰيٰتِيْ فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ
مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٥٩﴾

(آنگاه خدافرماید) آری آمد پیش توآیاتِ من پس دروغ پنداشتی آنرا وتکبر کردی و بودی از کافران (٥٩) .

وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى الَّذِيْنَ كَذَبُوْا عَلَى اللّٰهِ وُجُوْهُهُمْ

وروز قیامت ببینی آنان را که دروغ بستند

(١) یعنی به دنیا .

مُسْوَدَّةٌ ۭ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِيْنَ ۝٦٠

برخدا چهره های ایشان سیاه شده است آیانیست دردوزخ جای برای متکبران (٦٠) .

وَيُنَجِّي اللّٰهُ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ ۡ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوْۗءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ۝٦١

ونجات دهد خدا متقیان را قرین رستگاری خویش شده نه رسد بدیشان سختی ونه اندوهگین شوند (٦١) .

اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۡ وَّهُوَ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ ۝٦٢

خداآفریننده هرچیزست واو برهرچیز خبر گیرنده است (٦٢) .

لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ اُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ۝٦٣

مراوراست کلید های آسمان ها و زمین[1] وآنانکه کافرشد ند به آیت های خدا این جماعت ایشانند زیان کاران (٦٣) .

قُلْ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَاْمُرُوْۗنِّىْٓ اَعْبُدُ اَيُّهَا الْجٰهِلُوْنَ ۝٦٤

بگوآیا می‌فرمائید بمن که پرستش کنم غیر خدا را ای نادانان (٦٤) .

وَلَقَدْ اُوْحِيَ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لَىِٕنْ اَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝٦٥

وهرآئینه وحی فرستاده شد (یا محمد) بسوی تووبسوی آنانکه پیش ازتو بودند که اگر شریك خدا مقررکنی البته نابودگردد عمل تو والبته شوی اززیان کاران (٦٥) .

بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِّنَ الشّٰكِرِيْنَ ۝٦٦

بلکه خدا را فقط عبادت کن وبشو ازسپاسداران (٦٦) .

وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ ڰ وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا قَبْضَتُهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ مَطْوِيّٰتٌۢ بِيَمِيْنِهٖ ۭ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝٦٧

ونه شناختند خدارا حقِ شناختن او وزمین همه یك جا درمشت اوباشد روزقیامت وآسمان ها پیچیده شوند در دست راست اوپاکی اوراست وبرتراست ازآنکه شریك اومقررمیکنند (٦٧) .

وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ

ودمیده شود در صورپس بمیرد هرکه در آسمان ها وهرکه درزمین ست

---

(١) یعنی مختار و متصرف اوست .

اِلَّا مَنْ شَآءَ اللّٰهُ ۚ ثُمَّ نُفِخَ فِيْهِ اُخْرٰى فَاِذَا هُمْ قِيَامٌ يَّنْظُرُوْنَ ﴿٦٨﴾

مگر آنکه خدا خواسته است بازدمیده شود درصوربار دیگر پس ناگهان ایشان ایستادگانند می نگرند (٦٨) .

وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُوْرِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتٰبُ وَجِایْٓءَ بِالنَّبِيّٖنَ وَالشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٦٩﴾

وروشن شودزمین به نور پروردگارخود ونهاده شودنامهٔ اعمال وآورده شود پیغامبران را وگواهان را وحکم کرده شود میان آدمیان براستی وایشان ستم کرده نه شوند (٦٩) .

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٧٠﴾

تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است وخدا دانا ترست بآنچه می کنند (٧٠) .

وَسِيْقَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اِلٰى جَهَنَّمَ زُمَرًا ۗ حَتّٰٓى اِذَا جَآءُوْهَا فُتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَآ اَلَمْ يَاْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَتْلُوْنَ عَلَيْكُمْ اٰيٰتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُوْنَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا ۗ قَالُوْا بَلٰى وَلٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧١﴾

وروان کرده شود کافران رابسوی دوزخ گروه گروه تاوقتی که بیایند نزدیك دوزخ باز کرده شود دروازه های آن وگویند ایشان را نگهبانان دوزخ آیا نیامده بودند به شما پیغامبران ازجنس شمامی خواندند برشماآیاتِ پروردگارشمارا ومی ترسانیدند شمارا ازملاقاتِ این روزشما گفتند آری ولیکن متحقق شدحکم عذاب برکافران (٧١) .

قِيْلَ ادْخُلُوْٓا اَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿٧٢﴾

گفته شود درآئید به دروازهای دوزخ جاویدان درآنجاپس بدجائیست متکبران را دوزخ (٧٢) .

وَسِيْقَ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ اِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۗ حَتّٰٓى اِذَا جَآءُوْهَا وَفُتِحَتْ اَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خٰلِدِيْنَ ﴿٧٣﴾

وروان کرده شوند آنانکه ترسیدند از پروردگار خویش بسوی بهشت گروه گروه تاوقتیکه بیایند نزدیكِ بهشت وباز کرده شود دروازه های آن و گویند ایشانرا نگاهبانان بهشت سلام برشما باد خوشحال شدید پس درآئید به بهشت

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ صَدَقَنَا وَعْدَهٗ وَاَوْرَثَنَا
الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ ۚ فَنِعْمَ
اَجْرُ الْعٰمِلِيْنَ ﴿٧٤﴾

وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ حَآفِّيْنَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ
رَبِّهِمْ ۚ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيْلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٧٥﴾

سُوْرَةُ غَافِرٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حٰمٓ ﴿١﴾

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْعَلِيْمِ ﴿٢﴾

غَافِرِ الذَّنْۢبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيْدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ ۭ
لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۭ اِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ﴿٣﴾

مَا يُجَادِلُ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ اِلَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَلَا يَغْرُرْكَ
تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿٤﴾

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّالْاَحْزَابُ مِنْۢ بَعْدِهِمْ

جاویدان (٧٣) .

وگویند سپاس خدای راست که راست کردباما وعدهٔ خودرا وعطا کردمارا زمین جای میگیریم از بهشت هرجاکه خواهیم پس نیك مزدِ کارکنند گان ست بهشت (٧٤) .

وببینی فرشتگان را گردا گردشده حوالی عرش تسبیح میگویند همراه ستائش پرورد گار خویش وحکم کرده شود میان ایشان براستی [١] وگفته شود ستائشِ خدای راست پرورد گارعالم ها (٧٥) .

سوره غافر - مؤمن مکی است وآن هشتاد وپنج آیت و نه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰـمٓ (١) .

فروفرستادن کتاب ازجانب خدای غالب داناست (٢) .

آمرزندهٔ گناه وپذیرندهٔ توبه سخت کننده عقوبت خداوندِ توانگری، نیست هیچ معبود برحق مگراوبسوی اوست بازگشت (٣) .

مکابره نمی کنند درآیت های خدا مگر کافران پس درفریب نیندازد ترا آمدورفت ایشان درشهر ها (٤) .

تکذیب کردند پیش ازایشان قوم نوح و

(١) یعنی دراختصام ملاء اعلی .

وَهَمَّتْ كُلُّ اُمَّةٍۭ بِرَسُوْلِهِمْ لِيَاْخُذُوْهُ وَجَادَلُوْا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا بِهِ الْحَقَّ فَاَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ⑤

جماعت های دیگر بعدازقوم نوح وقصد کرد هرجماعتی به پیغامبرخود تابگیرند آنرا ومکابره کردند به شبهاتِ بیهوده تا ناچیز سازند بآن سخن درست را پس گرفتیم ایشان را پس چگونه بود عقوبتِ من (٥) .

وَكَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ النَّارِ ⑥

وهم چنین ثابت شد حکم پروردگارتو برکافران که ایشان اهل دوزخ اند (٦)

اَلَّذِيْنَ يَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهٗ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَّعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِيْنَ تَابُوْا وَاتَّبَعُوْا سَبِيْلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ ⑦

آنانکه برمیدارند عرش را وآنانکه گردا گرد عرش اند تسبیح میگویند همراه ستائش پروردگارخویش وایمان می آرند باووآمرزش میخواهند برای مومنان میگویند ای پروردگار ما فرا گرفتی همه چیز را به بخشائش ودانش پس بیامرزآنان را که توبه کردند وپیروی راه تونمودند ونگاهدارایشان راازعذاب دوزخ (٧) .

رَبَّنَا وَاَدْخِلْهُمْ جَنّٰتِ عَدْنِ ۨالَّتِيْ وَعَدْتَّهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ ۭاِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ⑧

ای پروردگارما ودرآرایشانرا به بوستانهای جاودان که وعده کرده ای بایشان ودرآرنیز هرکه شائسته کار باشدازپدرانِ ایشان وزنانِ ایشان وفرزندانِ ایشان هرآئینه توئی غالب باحکمت (٨) .

وَقِهِمُ السَّيِّاٰتِ ۭوَمَنْ تَقِ السَّيِّاٰتِ يَوْمَىِٕذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهٗ ۭوَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ⑨

ونگاهدارایشانرا ازعقوبت هاوهرکرانگاه داری ازعقوبت ها درآن روزپس هرآئینه رحم کرده ای بروی واین مقدمهٔ نگاهداشتن همانست پیروزی بزرگ (٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللّٰهِ اَكْبَرُ مِنْ

هرآئینه آنانکه کافر شدند آوازداده شود ایشان را که به تحقیق دشمن داشتنِ خدا

مَّقْتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ اِذْ تُدْعَوْنَ اِلَى الْاِيْمَانِ
فَتَكْفُرُوْنَ ﴿١٠﴾

شمارا وقتیکه خوانده می شدید دردنیا بسوی ایمان پس کافر می ماندید زیاده ترست ازدشمن داشتنِ شما خود را (١٠).

قَالُوْا رَبَّنَآ اَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا
بِذُنُوْبِنَا فَهَلْ اِلٰى خُرُوْجٍ مِّنْ سَبِيْلٍ ﴿١١﴾

گویند ای پروردگارما میراندی مارا دوبار زنده گردانیدی مارادوبار پس اعتراف کردیم به گناهان خود پس آیا بسوی بیرون رفتن راهی هست یعنی حیله ای هست[1] (١١).

ذٰلِكُمْ بِاَنَّهٗٓ اِذَا دُعِيَ اللّٰهُ وَحْدَهٗ كَفَرْتُمْ ۚ وَاِنْ يُّشْرَكْ بِهٖ
تُؤْمِنُوْا ۚ فَالْحُكْمُ لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيْرِ ﴿١٢﴾

این عذاب بسبب آنست که چون یادکرده میشد خداتنهاانکار میکردید وا گرشریك اومقرر کرده میشد باور میداشتید پس فرمان خدای بلند قدر وبزرگوار راست (١٢).

هُوَ الَّذِيْ يُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ رِزْقًا ۚ
وَمَا يَتَذَكَّرُ اِلَّا مَنْ يُّنِيْبُ ﴿١٣﴾

اوست آنکه مینماید شمارا نشانه های خود وفرو میفرستد برای شما ازآسمان رزق را و پندپذیر نمی شود مگر کسیکه رجوع میکند بخدا (١٣).

فَادْعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُوْنَ ﴿١٤﴾

پس یادکنید خدا را، یك جهت ساخته برای اوعبادت را ا گرچه ناخوش دارند کافران (١٤).

رَفِيْعُ الدَّرَجٰتِ ذُو الْعَرْشِ ۚ يُلْقِي الرُّوْحَ مِنْ اَمْرِهٖ
عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾

اوست بلند کنندۀ مرتبه ها خداوندِ عرش، می اندازد روحی رااز فرمان خود برهرکه خواهد ازبندگان خودتابترساند آن بنده ازروز ملاقات (١٥).

يَوْمَ هُمْ بٰرِزُوْنَ ۚ لَا يَخْفٰى عَلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۚ لِمَنِ

روزیکه ایشان بیرون آیند[2] پوشیده نباشد

---

(١) یعنی گویند باخداوفرشتگان.
(٢) یعنی ازقبور.

الْمُلْكُ الْيَوْمَ ۖ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ⑯

برخدا ازایشان چیزی (خدافرماید) کِراست پادشاهی امروز(بازخود جواب دهد) مر خدای یگانهٔ غالب را (١٦) .

اَلْيَوْمَ تُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ ۗ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ
سَرِيْعُ الْحِسَابِ ⑰

امروزپاداش داده شود هرشخصی بحسب آنچه کرده است هیچ ستم نیست امروز هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است (١٧) .

وَاَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ اِذِ الْقُلُوْبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كٰظِمِيْنَ ۬ۚ
مَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ حَمِيْمٍ وَّلَا شَفِيْعٍ يُّطَاعُ ⑱

وبترسان ایشان را ازروزقیامت آنگاه که دلها نزدیك چنبرِ گردن باشندپُرشده ازغم نیست ستمگاران را هیچ دوستی ونه شفاعت کننده ای که سخن اوقبول کرده شود (١٨) .

يَعْلَمُ خَآئِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِى الصُّدُوْرُ ⑲

میداندخداخیانت چشم هارا وآنچه پنهان میدارند سینه ها (١٩) .

وَاللّٰهُ يَقْضِىْ بِالْحَقِّ ۗ وَالَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ
لَا يَقْضُوْنَ بِشَىْءٍ ۗ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ⑳ ع

خدا حکم میکند براستی وآنانکه کافران می پرستند ایشان را بجز خدا حکم نمی کنند به چیزی هرآئینه خدا همونست شنوابینا (٢٠) .

اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا فِى الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِيْنَ كَانُوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ كَانُوْا هُمْ اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً
وَّاٰثَارًا فِى الْاَرْضِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ ۗ وَمَا كَانَ
لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ وَّاقٍ ㉑

آیاسیرنه کرده اند درزمین تابنگرند چگونه بود آخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند، بودند زیاده ترازایشان به قوت وبه نشانه هادرزمین[1] پس گرفتارکرد ایشانرا خدابگناهان ایشان ونه بود ایشان را ازخداهیچ پناه دهنده (٢١) .

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانَتْ تَّاْتِيْهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَكَفَرُوْا

این عقوبت بسبب آن بودکه می آمدند بایشان پیغامبران ایشان به نشانه هاپس

(١) یعنی محل هاوقلعه ها بسیار بناکردند .

فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ ۭ اِنَّهٗ قَوِيٌّ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾

ایشان کافرشدند پس گرفتار کرد ایشانرا
خدا، هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت
ست (٢٢) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوْسٰى بِاٰيٰتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های
خویش وحجت ظاهر (٢٣) .

اِلٰى فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَقَارُوْنَ فَقَالُوْا سٰحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾

بسوی فرعون وهامان وقارون پس گفتند
جادوگری دروغگو ست (٢٤) .

فَلَمَّا جَاۗءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوْٓا اَبْنَاۗءَ
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ وَاسْتَحْيُوْا نِسَاۗءَهُمْ ۭ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِيْنَ
اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿٢٥﴾

پس چون آمد بدیشان به پیغام راست
ازنزدیك ما گفتند بکشید فرزندانِ آنانکه
ایمان آوردند همراه اووزنده گذاریدزنان
ایشان را ونیست حیله سازِی کافران مگر
درتباهی (٢٥) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِيْٓ اَقْتُلْ مُوْسٰى وَلْيَدْعُ رَبَّهٗ ۚ اِنِّىْٓ
اَخَافُ اَنْ يُّبَدِّلَ دِيْنَكُمْ اَوْ اَنْ يُّظْهِرَ فِي
الْاَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾

وگفت فرعون ای یاران بگذارید
مراتابکشم موسیٰ را وباید که دعا کند
پروردگار خویش را هرآئینه من می ترسم
ازآنکه بدل کند دین شمارا یا پدید آرد در
زمین فساد را (٢٦) .

وَقَالَ مُوْسٰٓى اِنِّىْ عُذْتُ بِرَبِّيْ وَرَبِّكُمْ مِّنْ كُلِّ
مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾

وگفت موسیٰ هرآئینه من پناه گرفتم به
پروردگارخود و پروردگار شما
ازشرهرمتکبری که باور نمیدارد
روزِحساب را (٢٧) .

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ اِيْمَانَهٗٓ
اَتَقْتُلُوْنَ رَجُلًا اَنْ يَّقُوْلَ رَبِّيَ اللّٰهُ وَقَدْ جَاۗءَكُمْ
بِالْبَيِّنٰتِ مِنْ رَّبِّكُمْ ۭ وَاِنْ يَّكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهٗ ۚ
وَاِنْ يَّكُ صَادِقًا يُّصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِيْ يَعِدُكُمْ ۭ
اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِيْ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾

وگفت مردی مسلمان ازخویشانِ فرعون
که پنهان میداشت ایمانِ خود را آیامی
کشید مردی را بسبب آنکه میگویدپرورد
گار من خداست وهرآئینه آورده است
پیش شما نشانه ها ازجانب پرورد
گارشماوا گربفرض دروغگو باشد پس
وبالِ دروغگوئی اوبراوست وا گرراست
گوباشد البته برسد به شما بعض آنچه

وعده میدهد شمارا هرآئینه خدا راه نمی
نماید کسی راکه باشد ازحد گذرندۀ
دروغ گو(٢٨) .

يٰقَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظٰهِرِيْنَ فِي الْاَرْضِ ۫ فَمَنْ يَّنْصُرُنَا
مِنْۢ بَاْسِ اللّٰهِ اِنْ جَآءَنَا ؕ قَالَ فِرْعَوْنُ مَاۤ اُرِيْكُمْ
اِلَّا مَاۤ اَرٰى وَمَاۤ اَهْدِيْكُمْ اِلَّا سَبِيْلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾

ای قوم من شماراست پادشاهی امروز
غالب شده درزمین پس کِه نصرت
دهدمارا ازعذاب خدا اگربیایدبما گفت
فرعون مصلحت نمی دهم شمارا مگر
آنچه ادراك میکنم ودلالت نمی کنم
شمارا مگر براهِ راستی (٢٩) .

وَقَالَ الَّذِيْۤ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اِنِّيْۤ اَخَافُ عَلَيْكُمْ مِّثْلَ
يَوْمِ الْاَحْزَابِ ﴿٣٠﴾

وگفت شخصی که ایمان آورده بود ای
قومِ من هرآئینه من می ترسم برشماازمانند
روزِجماعت های پیشین (٣٠) .

مِثْلَ دَاْبِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّعَادٍ وَّثَمُوْدَ وَالَّذِيْنَ
مِنْۢ بَعْدِهِمْ ؕ وَمَا اللّٰهُ يُرِيْدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ﴿٣١﴾

مانند صورتِ حالِ قوم نوح وعادوثمود
وآنانکه بعدازایشان بودند وخدا اراده
ستم نمی کند بربندگان (٣١) .

وَيٰقَوْمِ اِنِّيْۤ اَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾

وای قومِ من هرآئینه می ترسم
برشماازروز آواز دادن بایکدیگر (٣٢) .

يَوْمَ تُوَلُّوْنَ مُدْبِرِيْنَ ۚ مَا لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلِ
اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾

روزیکه روبگردانید پشت داده، نَبُوَد
شمارا ازخدا هیچ نگاه دارنده وهرکرا
گمراه سازد خدا پس نیست اورا هیچ راه
نماینده (٣٣) .

وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوْسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا زِلْتُمْ
فِيْ شَكٍّ مِّمَّا جَآءَكُمْ بِهٖ ؕ حَتّٰۤى اِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَّبْعَثَ اللّٰهُ
مِنْۢ بَعْدِهٖ رَسُوْلًا ؕ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ هُوَ
مُسْرِفٌ مُّرْتَابُ ۚ ﴿٣٤﴾

وهرآئینه آمده بود پیش ازین بشمایوسف
به نشانه ها پس همیشه درشك
بودیدازآنچه آورده بود پیش شما آنرا
تاوقتیکه بمرد چون گفتید نخواهد
فرستادخدا بعدازوی پیغامبری را همچنین
گمراه میکند خدا کسی را که هست او از
حد درگذرنده شك آرنده (٣٤) .

اۨلَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْۤ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ؕ كَبُرَ مَقْتًا

آنانراکه مکابره می کنند درآیاتِ خدا بغیر

عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ؕ كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ
قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾

حجتی که آمده باشد پیش ایشان سخت ناپسند شداین مکابرهٔ ایشان نزدیك خدا ونزدیك آنانکه ایمان آوردند همچنین مُهرمی نهد خدا برهردل متکبرسرکش (٣٥) .

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰهَامٰنُ ابْنِ لِيْ صَرْحًا لَّعَلِّيْۤ اَبْلُغُ الْاَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

وگفت فرعون ای هامان بساز برای من کو شکی تاباشد که برسم باین راه ها (٣٦) .

اَسْبَابَ السَّمٰوٰتِ فَاَطَّلِعَ اِلٰۤى اِلٰهِ مُوْسٰى وَاِنِّيْ لَاَظُنُّهٗ كَاذِبًا ؕ
وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيْلِ ؕ وَمَا
كَيْدُ فِرْعَوْنَ اِلَّا فِيْ تَبَابٍ ﴿٣٧﴾

راه های آسمان ها تادرنگرم بسوی پرورد گارِ موسیٰ وهرآئینه دروغگو می پندارمش وهمچنین آراسته شددرنظر فرعون عملِ بد او وبازداشته شد از راه صواب ونبودحیله سازی فرعون مگردرتباهی (٣٧) .

وَقَالَ الَّذِيْۤ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوْنِ اَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾

وگفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم من پیروی من کنید تادلالت کنم شمارا براه راست (٣٨) .

يٰقَوْمِ اِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ؗ وَّاِنَّ الْاٰخِرَةَ هِيَ دَارُ
الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾

ای قوم من جزاین نیست که این زندگانی اندك بهره است وهرآئینه آخرت همونست سرای همیشه بودن (٣٩) .

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزٰۤى اِلَّا مِثْلَهَا ۚ وَمَنْ عَمِلَ
صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ
يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُوْنَ فِيْهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

هرکه بعمل آرد کارِ بد جزا داده نخواهد شد الّامانندِ آن وهرکه بجاآرد کارِشائسته خواه از جنس مرد خواه ازجنس زن واومومن بود پس درآیند آنجماعت به بهشت رزق داده شود ایشان را آن جابی شمار (٤٠) .

وَيٰقَوْمِ مَا لِيْۤ اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجٰوةِ وَتَدْعُوْنَنِيْۤ اِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾

و ای قومِ من چیست مراکه میخوانم شمارا بسوی نجات وشما میخوانید مرا بسوی دوزخ (٤١) .

تَدْعُوْنَنِیْ لِاَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَاُشْرِكَ بِهٖ مَا لَيْسَ لِیْ بِهٖ عِلْمٌ
وَّاَنَا اَدْعُوْكُمْ اِلَى الْعَزِيْزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾

میخوانید مرابسوی آن که کافرشوم بخداوشریك اومقرر کنم چیزی که نیست مرا بحقیقت آن علم ومن میخوانم شمارا بسوی خداغالب آمرزگار (٤٢) .

لَا جَرَمَ اَنَّمَا تَدْعُوْنَنِیْٓ اِلَيْهِ لَيْسَ لَهٗ دَعْوَةٌ فِی الدُّنْيَا
وَلَا فِی الْاٰخِرَةِ وَاَنَّ مَرَدَّنَآ اِلَى اللّٰهِ وَاَنَّ الْمُسْرِفِيْنَ
هُمْ اَصْحٰبُ النَّارِ ﴿٤٣﴾

بی شبهه چیزی که شما میخوانید مرا بسوی آن نیست آن چیزرا قبول کردن دعا نه دردنیا ونه درآخرت وبی شبهه بازگشت مابسوی خداست وبی شبهه ازحد گذشتگان ایشان انداهل دوزخ (٤٣) .

فَسَتَذْكُرُوْنَ مَآ اَقُوْلُ لَكُمْ ۚ وَاُفَوِّضُ اَمْرِیْٓ اِلَى اللّٰهِ ۚ اِنَّ
اللّٰهَ بَصِيْرٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾

پس یادخواهید کرد آنچه می گویم به شما ومی سپارم امر خودرا بخدا هرآئینه خدا بیناست باحوال بندگان (٤٤) .

فَوَقٰىهُ اللّٰهُ سَيِّاٰتِ مَا مَكَرُوْا وَحَاقَ بِاٰلِ فِرْعَوْنَ
سُوْٓءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾

پس نگاهداشت اوراخداازسختی های آنچه مکرکرده بودند ایشان و فراگرفت بخویشانِ فرعون عذاب سخت (٤٥) .

اَلنَّارُ يُعْرَضُوْنَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَّعَشِيًّا ۚ وَيَوْمَ تَقُوْمُ
السَّاعَةُ ۟ اَدْخِلُوْٓا اٰلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾

آتش که حاضر کرده میشوند برآن بامداد وشام وروزی که قائم شود قیامت گوئیم خویشانِ فرعون را درآرید درسخت ترین عذاب (٤٦) .

وَاِذْ يَتَحَآجُّوْنَ فِی النَّارِ فَيَقُوْلُ الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِيْنَ
اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ
عَنَّا نَصِيْبًا مِّنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾

ویادکن چون باهم مجادله میکنندردوزخ پس گویند ناتوانان سرکشان را هرآئینه ماتابع بودیم شمارا پس آیا شما دفع کننده هستید ازسرِمایك حصه ازعقوبتِ آتش (٤٧) .

قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا كُلٌّ فِيْهَآ ۙ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ حَكَمَ
بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾

گویند سرکشان هرآئینه ما همه درآتشیم هرآئینه خدا فیصله کرده است درمیانِ بند گان (٤٨) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ فِی النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوْا رَبَّكُمْ

وگویند آنانکه درآتش اندنگاهبانانِ دوزخ را دعاکنید بجناب پرورد گارخویش

يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾

تاسبك كندازما حصهٔ يك روزى ازعذاب (٤٩) .

قَالُوْٓا اَوَلَمْ تَكُ تَاْتِيْكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۭ قَالُوْا بَلٰى ۭ قَالُوْا فَادْعُوْا ۚ وَمَا دُعٰۗؤُا الْكٰفِرِيْنَ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ ﴿٥٠﴾

گويند نگاهبانان آيا نمى آمدند بشما پيغمبران شمابه معجزه ها گويند آرى، نگاهبانان گويند پس شما دعاكنيد و نيست دعاى كافران مگردرتباهى (٥٠) .

اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُوْمُ الْاَشْهَادُ ﴿٥١﴾

هرآئينه ما نصرت دهيم پيغامبرانِ خويش را وآنان را كه ايمان آوردند در زندگانى دنيا ونيز روزيكه قائم شوند گواهان[1] (٥١) .

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظّٰلِمِيْنَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوْۗءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾

روزيكه سودنه دهد ستمگاران را عذرآوردنِ ايشان وايشانراست لعنت وايشانراست عقوبتِ آن سراى (٥٢) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْهُدٰى وَاَوْرَثْنَا بَنِيْٓ اِسْرَاۗءِيْلَ الْكِتٰبَ ﴿٥٣﴾

وهرآئينه داديم موسىٰ را هدايت و وارثِ كتاب ساختيم بنى اسرائيل را (٥٣) .

هُدًى وَّذِكْرٰى لِاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿٥٤﴾

براى راه نمودن وپنددادن خداوندانِ خِرَدرا (٥٤) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّاسْتَغْفِرْ لِذَنْۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ﴿٥٥﴾

پس صبر كن هرآئينه وعدهٔ خداراست است وآمرزش طلب كن براى گناهِ خود وتسبيح گو باستائش پرورد گارخود به شام وبامداد (٥٥) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ۙ اِنْ فِيْ صُدُوْرِهِمْ اِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبَالِغِيْهِ ۚ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ۭ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ﴿٥٦﴾

هرآئينه آنانكه مكابره ميكنند درآيت هاى خدا بغير حجتى كه آمده باشد بايشان نيست درسينه هاى ايشان مگر ارادهٔ غلبه كه نيستند ايشان رسنده بآن پس پناه طلب كن از خداهرآئينه خدا اوست

---

(١) يعنى فرشتگان گواهى دهند .

شنوا بينا (٥٦) .

لَخَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٥٧﴾

هرآئينه آفريدنِ آسمان ها وزمين بزرگ ترست ازآفريدن آدميان[1] وليكن اكثر مردمان نميدانند (٥٧) .

وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيْرُ ۙ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَلَا الْمُسِيْٓءُ ۭ قَلِيْلًا مَّا تَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٥٨﴾

وبرابرنيستند نابينا وبيناوبرابرنيستندآنانكه ايمان آورده اند وكارهاى شائسته كرده اند بابدكار ، اندكى پندپذيرمى شويد (٥٨) .

اِنَّ السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيْهَا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٥٩﴾

هرآئينه قيامت آمدنى ست نيست شك درآن وليكن اكثر مردمان باورنميدارند (٥٩) .

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُوْنِيْٓ اَسْتَجِبْ لَكُمْ ۭ اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَكْبِرُوْنَ عَنْ عِبَادَتِيْ سَيَدْخُلُوْنَ جَهَنَّمَ دٰخِرِيْنَ ﴿٦٠﴾

وگفت پروردگارشما دعاكنيد بجنابِ من تاقبول كنم دعاى شمارا هرآئينه آنانكه تكبرمى كنند ازعبادتِ من داخل خواهند شد به دوزخ خوارشده (٦٠) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوْا فِيْهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوْ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ ﴿٦١﴾

خداى آنست كه آفريدبراى شما شب را تاآرام گيريد درآن وآفريدروزرا بوجهى كه درآن ديدن يكديگر باشد هرآئينه خدا خداوندِفضل ست برمردمان وليكن اكثر مردمان شكر نمى كنند (٦١) .

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۘ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۡ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٦٢﴾

اينست خدا پروردگارشما آفرينندهٔ هرچيز نيست هيچ معبودبرحق بجزوى پس چگونه برگردانيده ميشويد (٦٢) .

كَذٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِيْنَ كَانُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ ﴿٦٣﴾

همچنين برگردانيده مى شوند آنانكه بآياتِ خدا انكار ميكردند (٦٣) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ قَرَارًا وَّالسَّمَاۗءَ بِنَاۗءً

خداى آنست كه ساخت براى شما زمين را قرارگاه وآسمان را سقف وصورت

(١) يعنى اعادهٔ ايشان .

وَصَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِّنَ
الطَّيِّبٰتِ ۭ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ ښ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ
رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٤﴾

بست شمارا پس نیکوساخت صورت
های شما وروزی داد شمارا ازپاکیزه ها
این ست خدا پرورد گارشما پس بسیار
بابرکت ست خدای پرورد گارعالمها
(٦٤) .

هُوَ الْحَيُّ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ
لَهُ الدِّيْنَ ۭ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٥﴾

اوست زنده نیست هیچ معبود برحقی
مگراو پس عبادت کنید اورایك جهت
ساخته برای اوعبادت ستائش خدای
پروردگارعالمها راست (٦٥) .

قُلْ اِنِّىْ نُهِيْتُ اَنْ اَعْبُدَ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ
اللّٰهِ لَمَّا جَاۗءَنِيَ الْبَيِّنٰتُ مِنْ رَّبِّيْ ۡ وَاُمِرْتُ اَنْ
اُسْلِمَ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦٦﴾

بگوهرآئینه من منع کرده شدم ازآنکه
عبادت کنم آنان را که شمامی پرستید
بجز خداوقتیکه آمدبمن نشانه ها ازجانب
پروردگار من وفرموده شد مراکه
منقادشوم پروردگار عالمهارا (٦٦) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ
ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوْٓا اَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُوْنُوْا شُيُوْخًا ۚ
وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّتَوَفّٰى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوْٓا اَجَلًا مُّسَمًّى وَّلَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُوْنَ ﴿٦٧﴾

اوست آنکه آفریدشمارا ازخاك باز ازنطفهٔ
منی بازازخون بسته بازبیرون می
آردشمارا کودك شده باز باقی میگذارد
تابرسید به نهایت قوت خودباز باقی
میگذارد تا شوید پیرِکلان سال وبعض
ازشماکسی هست که قبض روح اوکرده
شود پیش ازین وباقی میگذارد تا برسید
بمدتی معین وتابُوَدکه بفهمید (٦٧) .

هُوَ الَّذِيْ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۚ فَاِذَا قَضٰٓى اَمْرًا فَاِنَّمَا يَقُوْلُ لَهٗ
كُنْ فَيَكُوْنُ ﴿٦٨﴾

اوست آنکه زنده می کند ومی میراند پس
چون بخواهد (پیداکردن) چیزی را پس
جزاین نیست که می گویدش بشوپس می
شود (٦٨) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ ۭ اَنّٰى
يُصْرَفُوْنَ ﴿٦٩﴾

آیا نه دیدی بسوی آنانکه مکابره میکنند
درآیاتِ خدا چگونه گردانیده می شوند
(٦٩) .

الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِالْكِتٰبِ وَبِمَآ اَرْسَلْنَا بِهٖ رُسُلَنَا ۛ
فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ۙ ﴿٧٠﴾

آنانکه دروغ شمردند کتاب را وآنچه را
که فرستادیم بآن پیغامبرانِ خودرا خواهند
دانست حقیقتِ حال (٧٠) .

اِذِ الْاَغْلٰلُ فِيْٓ اَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلٰسِلُ ؕ يُسْحَبُوْنَ ۙ ﴿٧١﴾

وقتیکه طوقها درگردن های ایشان باشند
وزنجیر هانیزکشیده شوند (٧١) .

فِي الْحَمِيْمِ ۙ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُوْنَ ۚ ﴿٧٢﴾

درآب گرم بازدرآتش پرتافته شوند
. (٧٢)

ثُمَّ قِيْلَ لَهُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُوْنَ ۙ ﴿٧٣﴾

بازگفته شودایشان را کجاست آنچه
شریك مقرر میکردید (٧٣) .

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ قَالُوْا ضَلُّوْا عَنَّا بَلْ لَّمْ نَكُنْ نَّدْعُوْا مِنْ
قَبْلُ شَيْـًٔا ؕ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ الْكٰفِرِيْنَ ﴿٧٤﴾

بغیراز خدا گویند گم شدند ازنظرِما بلکه
هرگزنمی پرستیدیم پیش ازین چیزی را
همچنین گمراه میکند خدا کافران را
. (٧٤)

ذٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا
كُنْتُمْ تَمْرَحُوْنَ ۚ ﴿٧٥﴾

این عقوبت بسبب آنست که شادمان می
شدید درزمین به ناحق وبسبب آنست که
می نازیدید (٧٥) .

اُدْخُلُوْٓا اَبْوَابَ جَهَنَّمَ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ فَبِئْسَ مَثْوَى
الْمُتَكَبِّرِيْنَ ﴿٧٦﴾

درآئید به دروازهای دوزخ جاویدان آنجا
پس بدجای متکبران ست دوزخ (٧٦) .

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ۚ فَاِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِيْ
نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِلَيْنَا يُرْجَعُوْنَ ﴿٧٧﴾

پس صبر کن (ای محمد) هرآئینه وعدهٔ
خداراست ست پس اگربنمائیم ترا بعض
آنچه وعده میدهیم ایشان را (فبها) یا اگر
قبض روح تو کنیم پس بسوی
مابازگردانیده شوند کافران (٧٧) .

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ
وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ ؕ وَمَا كَانَ لِرَسُوْلٍ اَنْ يَّاْتِيَ
بِاٰيَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ فَاِذَا جَآءَ اَمْرُ اللّٰهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ
هُنَالِكَ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿٧٨﴾

وهرآئینه فرستادیم پیغامبران را پیش ازتو
ازایشان کسی هست که قصه اش را
خوانده ایم برتو وازایشان کسی هست که
قصه اش رانخوانده ایم برتو ونه بُوَد هیچ
پیغامبررا که بیاردنشانه ای مگر بفرمان
خدا پس وقتیکه آمدفرمان خدا فیصله

کرده شود براستی وزیان کارشدند
آنجابیهوده گویان (٧٨) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَنْعَامَ لِتَرْكَبُوْا مِنْهَا
وَمِنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿٧٩﴾

خداآنست که بیافرید برای شما حیوانات
را تاسوارشوید بربعض آنهاوبعض آنهارا
میخورید (٧٩) .

وَلَكُمْ فِيْهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوْا عَلَيْهَا حَاجَةً
فِيْ صُدُوْرِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُوْنَ ﴿٨٠﴾

وشمارا درچهارپایان منفعت هاست
وتابرسید سوارشده برآنهابه مقصدی که
درسینه های شما مستقر شده است
وبرچهارپایان ونیز برکشتی ها برداشته
میشوید (٨٠) .

وَيُرِيْكُمْ اٰيٰتِهٖ فَاَيَّ اٰيٰتِ اللّٰهِ تُنْكِرُوْنَ ﴿٨١﴾

وخدامینماید شمارا نشانه های خود پس
کدام یك ازنشانه های خداراانکار میکنید
. (٨١)

اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوْٓا اَكْثَرَ مِنْهُمْ وَاَشَدَّ قُوَّةً
وَّاٰثَارًا فِي الْاَرْضِ فَمَآ اَغْنٰى عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿٨٢﴾

آیاسیرنکرده اند درزمین تابنگرند چگونه
بودآخرکار آنانکه پیش ازایشان بودند
بودند بیشتر ازایشان وزیاده تر به قوت
وبه نشانه ها درزمین پس دفع نکرد
ازایشان آنچه میکردند (٨٢) .

فَلَمَّا جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرِحُوْا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ الْعِلْمِ
وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٨٣﴾

پس وقتی که آمدند بسوی ایشان
پیغامبرانِ ایشان بامعجزه ها شادمان
شدند بآنچه نزدیك ایشان بود از دانش[١]
ودرگرفت ایشان را آنچه بآن استهزاء می
کردند (٨٣) .

فَلَمَّا رَاَوْا بَاْسَنَا قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ وَكَفَرْنَا بِمَا
كُنَّا بِهٖ مُشْرِكِيْنَ ﴿٨٤﴾

پس وقتیکه دیدند عقوبت مارا گفتند
باورداشتیم خدای را تنها و منکرشدیم
بآنچه که آنرا شریك می کردیم (٨٤) .

---

(١) یعنی علمِ معاش .

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ اِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَاَوْا بَاْسَنَا ۭ سُنَّتَ اللّٰهِ الَّتِيْ قَدْ خَلَتْ فِيْ عِبَادِهٖ ۚ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكٰفِرُوْنَ ﴿٨٥﴾

پس هرگزنفع نمیداداد ایشان را ایمانِ ایشان وقتیکه دیدند عقوبت مارا آئین خدا که گذشته است در بند گان او وزیان کار شدند آنجاکافران (٨٥) .

سُوْرَةُ فُصِّلَتْ

سورة فصلت - حم سجده مکی است وآن پنجاه وچهارآیت وشش رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشائنده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حمٓ (١) .

تَنْزِيْلٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ﴿٢﴾

این فروفرستادن ست ازجانب خدای بخشائنده مهربان (٢) .

كِتٰبٌ فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ ﴿٣﴾

این کتابیست واضح ساخته شدآیاتِ اودرحالیکه قرآن عربی ست برای قومی که میدانند (٣) .

بَشِيْرًا وَّنَذِيْرًا ۚ فَاَعْرَضَ اَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُوْنَ ﴿٤﴾

درحالیکه مژده دهنده وترساننده است پس روگردان شدند اکثر مردمان پس ایشان نمی شنوند (٤) .

وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا فِيْٓ اَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ وَفِيْٓ اٰذَانِنَا وَقْرٌ وَّمِنْۢ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ اِنَّنَا عٰمِلُوْنَ ﴿٥﴾

وگفتند دل های ما درپرده هاست ازآنچه میخوانی مارا بسوی آن ودرگوش های ما گرانی ست ومیان ما ومیان تو حجابی است پس کارکن هرآئینه ما کارکننده ایم[1] (٥) .

قُلْ اِنَّمَآ اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوْحٰٓى اِلَيَّ اَنَّمَآ اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ فَاسْتَقِيْمُوْٓا اِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوْهُ ۭ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِيْنَ ﴿٦﴾

بگوجزاین نیست که من آدمی ام مانند شما وحی کرده میشود بسوی من اینکه معبودشما معبود یگانه است پس راست

(١) یعنی ، هریکی ازما برطورِ خود .

متوجه شوید بسوی اووطلبِ آمرزش کنیدازو، و وای آن مشرکان را (٦) .

الَّذِيْنَ لَا يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كٰفِرُوْنَ ۝٧

آنانکه نمیدهند زکوٰة را وایشان بآخرت نامعتقدند (٧) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝٨

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ایشانراست مزدِ غیر مقطوع (٨) .

قُلْ اَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُوْنَ بِالَّذِيْ خَلَقَ الْاَرْضَ فِيْ يَوْمَيْنِ
وَتَجْعَلُوْنَ لَهٗٓ اَنْدَادًا ۭ ذٰلِكَ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۝٩

بگوآیاشمانا معتقد می شوید به کسی که آفرید زمین را دردو روز ومقرر میکنید برای اوهمسران را، اینست پروردگارعالمها (٩) .

وَجَعَلَ فِيْهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبٰرَكَ فِيْهَا وَقَدَّرَ فِيْهَآ
اَقْوَاتَهَا فِيْٓ اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ ۭ سَوَآءً لِّلسَّآئِلِيْنَ ۝١٠

وپیداکرد درزمین کوه ها بالای آن و برکت نهاد درآن واندازه کرده اندرآن قُوتِ اهلِ آن رادرتتمه چهار روز بیان واضح کرده شدبرای سوال کنند گان (١٠) .

ثُمَّ اسْتَوٰٓى اِلَى السَّمَآءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْاَرْضِ
ائْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا ۭ قَالَتَآ اَتَيْنَا طَآئِعِيْنَ ۝١١

بازمتوجه شد بسوی آسمان واومانند دود بود گفت اورا و زمین را نیز بیائید بخوشی یا ناخوشی[1] گفتند هردوآمدیم بخوشی (١١) .

فَقَضٰىهُنَّ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ فِيْ يَوْمَيْنِ وَاَوْحٰى فِيْ كُلِّ سَمَآءٍ اَمْرَهَا ۭ
وَزَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحَ ۤ وَحِفْظًا ۭ ذٰلِكَ تَقْدِيْرُ الْعَزِيْزِ
الْعَلِيْمِ ۝١٢

پس ساخت آنها را هفت آسمان در دو روزدیگر ووحی فرستاد درهرآسمانی تدبیر آن را و بیاراستیم آسمانِ دنیا را به چراغ ها[2] ونگاهداشتیم[3] این ست

---

(١) یعنی منقادحکم من شوید والله اعلم .

(٢) یعنی ستاره ها .

(٣) یعنی ازشیاطین .

تدبیرِ خدای غالب دانا (١٢) .

فَاِنْ اَعْرَضُوْا فَقُلْ اَنْذَرْتُكُمْ صٰعِقَةً مِّثْلَ صٰعِقَةِ
عَادٍ وَّثَمُوْدَ ﴿١٣﴾

پس اگر روگردان شوند بگوترسانیدم شماراازعقوبتی مانند عقوبتِ عادو ثمود (١٣) .

اِذْ جَآءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْۢ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ
اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّا اللّٰهَ ۗ قَالُوْا لَوْ شَآءَ رَبُّنَا لَاَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً
فَاِنَّا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ﴿١٤﴾

وقیتکه آمدند بدیشان پیغامبران ازپیش روی ایشان واز پس پشتِ ایشان که عبادت مکنید مگر خدای را گفتند اگر خواستی پروردگار مافروفرستادی فرشتگانرا پس هرآئینه مابآنچه فرستاده شدید همراه آن نامعتقدیم (١٤) .

فَاَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوْا فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوْا
مَنْ اَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً ۗ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِيْ خَلَقَهُمْ هُوَ اَشَدُّ
مِنْهُمْ قُوَّةً ۗ وَكَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ﴿١٥﴾

اماقوم عاد پس تکبر کردند درزمین به ناحق وگفتند کیست زیاده ترازما به قوت آیانه دیدند که آن خدای که بیافرید ایشان را او زیاده ترست ازایشان به قوت وایشان بآیاتِ ما انکار می کردند (١٥) .

فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا صَرْصَرًا فِيْٓ اَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيْقَهُمْ
عَذَابَ الْخِزْيِ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۗ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَخْزٰى وَهُمْ
لَا يُنْصَرُوْنَ ﴿١٦﴾

پس فرستادیم برایشان بادی تند در روزهای شوم تابچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی در زندگانی دنیا وهرآئینه عذاب آخرت رسواکننده ترست وایشان نصرت داده نه شوند (١٦) .

وَاَمَّا ثَمُوْدُ فَهَدَيْنٰهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمٰى عَلَى الْهُدٰى فَاَخَذَتْهُمْ
صٰعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُوْنِ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿١٧﴾

واماثمود پس راه نمودیم ایشان را پس اختیار کردند نابینائی را برراه یابی پس در گرفت ایشان را عقوبتِ سخت عذابِ خواری بسبب آنچه میکردند (١٧) .

وَنَجَّيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا يَتَّقُوْنَ ﴿١٨﴾

ونجات دادیم آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری میکردند (١٨) .

وَيَوْمَ يُحْشَرُ اَعْدَآءُ اللّٰهِ اِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ﴿١٩﴾

وآن روزکه برانگیخته شوند دشمنانِ خدا روان ساخته بسوی آتش، پس ایشان باین

حال باشند(۱) که بعض را تابرسیدن بعض ایستاده کرده میشود (۱۹) .

حَتّٰىٓ اِذَا مَا جَآءُوْهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ
وَجُلُوْدُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٠﴾

تاوقتیکه چون بیایند نزدیك دوزخ گواهی دهدبرایشان گوش ایشان وچشمهای ایشان وپوست های ایشان بآنچه می‌کردند (۲۰) .

وَقَالُوْا لِجُلُوْدِهِمْ لِمَ شَهِدْتُّمْ عَلَيْنَا ۭ قَالُوْٓا اَنْطَقَنَا اللّٰهُ
الَّذِيْٓ اَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَّهُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّاِلَيْهِ
تُرْجَعُوْنَ ﴿٢١﴾

وگفتند پوست های خودرا چرا گواهی دادیدبرما گویند گویاکردماراآن خدای که گویاکرده است هر چیزرا واوبیافریدشمارا اوّل بار وبسوی اوباز گردانیده شوید (۲۱) .

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُوْنَ اَنْ يَّشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ
وَلَآ اَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُوْدُكُمْ وَلٰكِنْ ظَنَنْتُمْ اَنَّ اللّٰهَ
لَا يَعْلَمُ كَثِيْرًا مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٢﴾

وپنهان نمی شدید (هنگام ارتکاب معاصی ازخوف)(۲) آنکه گواهی دهد برشما گوش شما و چشم های شما وپوست های شما ولیکن پنداشتید که خدا نمیداند بسیاری ازآنچه می کنید (۲۲) .

وَذٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِيْ ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ اَرْدٰىكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ
مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٢٣﴾

واین گمانِ شما که به غلط اندیشه کردید درحق پرورد گار خویش هلاك کرد شمارا پس زیان کارگشتید (۲۳) .

فَاِنْ يَّصْبِرُوْا فَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ۚ وَاِنْ يَّسْتَعْتِبُوْا فَمَا هُمْ
مِّنَ الْمُعْتَبِيْنَ ﴿٢٤﴾

پس ا گرصبر کنند پس آتش خوابگاه ایشان ست وا گرعفوطلبند پس نیستند ایشان عفو کرده شدگان (۲٤) .

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَآءَ فَزَيَّنُوْا لَهُمْ مَّا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا

و برگماشتیم برای ایشان همنشینان (۳) پس آراسته کردند آن همنشینان برای

---

(۱) که بعض راتابرسیدن بعض اشاره کرده می شود .
(۲) یعنی درین دارخوف آنکه .
(۳) یعنی ازشیاطین والله اعلم .

خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِيْٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۚ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿٢٥﴾

ایشان آنچه پیش روی ایشانست وآنچه پس پشت ایشانست[1] وثابت شد برایشان وعدهٔ عذاب داخل شده درامتّانیکه پیش ازایشان گذشته اند از جن و آدمیان هرآئینه ایشان زیان کاربودند (٢٥) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَسْمَعُوْا لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ وَالْغَوْا فِيْهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُوْنَ ﴿٢٦﴾

وگفتند کافران مشنوید این قرآن را وسخن بیهوده گوئید دراثناء خواندنِ آن بُوَد که شما غالب شوید (٢٦) .

فَلَنُذِيْقَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَذَابًا شَدِيْدًا وَّلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَسْوَاَ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿٢٧﴾

پس البته بچشانیم کافران را عذاب سخت والبته جزادهیم ایشانرا بحسب بدترین آنچه می کردند (٢٧) .

ذٰلِكَ جَزَآءُ اَعْدَآءِ اللّٰهِ النَّارُ ۚ لَهُمْ فِيْهَا دَارُ الْخُلْدِ ۭ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوْا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ﴿٢٨﴾

این ست جزای دشمنانِ خدا که آتش ست ایشان را، درآنجا منزل علی الدوام باشد پاداش دادیم برحسب آنکه بآیاتِ ما انکار میکردند (٢٨) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا رَبَّنَآ اَرِنَا الَّذَيْنِ اَضَلّٰنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ اَقْدَامِنَا لِيَكُوْنَا مِنَ الْاَسْفَلِيْنَ ﴿٢٩﴾

وگویند کافران ای پروردگارما بنماماراآن دوکس[2] که گمراه ساختند مارا ازجنسِ جن وازجنسِ انس تادرآریم آن هردورا زیرقدم های خود تا شوند ازفروتر ماندگان (٢٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَلَّا تَخَافُوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَاَبْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِيْ كُنْتُمْ

هرآئینه آنانکه گفتند پروردگارما خداست بازقائم ماندند فرود می آیند برایشان فرشتگان[3] که مترسید واندوه

---

(١) یعنی وسوسه انداختند که دنیاقابل رغبت ست و آخرت قابل رغبت نیست والله اعلم .

(٢) یعنی آن دو فریق .

(٣) یعنی نزدیكِ موت .

تُوْعَدُوْنَ ﴿٣٠﴾

مخوريدوخوش حال شويد به بهشتى كه
وعده داده مى شديد (٣٠) .

نَحْنُ اَوْلِيٰٓؤُكُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِى الْاٰخِرَةِ ۚ وَلَكُمْ فِيْهَا
مَا تَشْتَهِىْٓ اَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيْهَا مَا تَدَّعُوْنَ ﴿٣١﴾ ؕ

ما دوستان شمائيم در زند گانى دنيا
ودرآخرت نيز وشماراست درينجا آنچه
بطلبد نفس هاى شما وشمارا ست
آنجاآنچه درخواست كنيد (٣١) .

نُزُلًا مِّنْ غَفُوْرٍ رَّحِيْمٍ ﴿٣٢﴾ ࣖ

بطريق مهمانى ازجانب خداى
آمرزگارمهربان (٣٢) .

وَمَنْ اَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَآ اِلَى اللّٰهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَّقَالَ
اِنَّنِىْ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ﴿٣٣﴾

و كيست نيكوتر باعتبار سخن ازشخصى
كه دعوت كرد مردمان را بسوى خدا
وكار شائسته كردو گفت هرآئينه من
ازمسلمانانم(٣٣) .

وَلَا تَسْتَوِى الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۗ اِدْفَعْ بِالَّتِىْ هِىَ اَحْسَنُ فَاِذَا
الَّذِىْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهٗ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهٗ وَلِىٌّ حَمِيْمٌ ﴿٣٤﴾

وبرابرنيست نيكى وبدى جواب بازده
بخصلتى كه آن بهترست پس نا گاه آن
كس كه ميان توومیان وى دشمنى ست
گوياوى دوست قريب است (٣٤) .

وَمَا يُلَقّٰىهَآ اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا ۚ وَمَا يُلَقّٰىهَآ اِلَّا ذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ ﴿٣٥﴾

ونايل نمى شوند باين خصلت مگر آنانكه
صبر كردند ونايل نمى شود باين خصلت
مگر صاحبِ نصيب بزرگ (٣٥) .

وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ؕ اِنَّهٗ
هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٣٦﴾

وا گر باز گرداند تراوسوسه بازگردانندۀ
آمده ازجانبِ شيطان پس پناه طلب كن
بخداهرآئينه خدا اوست شنوا دانا (٣٦) .

وَمِنْ اٰيٰتِهِ الَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ۚ لَا تَسْجُدُوْا لِلشَّمْسِ
وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِىْ خَلَقَهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ
اِيَّاهُ تَعْبُدُوْنَ ﴿٣٧﴾

وازنشانه هاى اوست شب و روز
وخورشيد وماه سجده مكنيد خورشيد را
ونه ماه را وسجده كنيد براى خدا كه
آفريداين چيز هاراا گرشماهستيد فقط اورا
عبادت مى كنيد (٣٧) .

فَاِنِ اسْتَكْبَرُوْا فَالَّذِيْنَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُوْنَ لَهٗ بِالَّيْلِ

پس ا گرتكبر كنند كافران (چه باك) پس
آنانكه نزديك پرورد گارتواند به پاكى ياد

وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْـَٔمُوْنَ ۩ ﴿٣٨﴾

می کنند اورا شب و روز وایشان مانده نمی شوند (۳۸) .

وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنَّكَ تَرَى الْاَرْضَ خَاشِعَةً فَاِذَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَآءَ
اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ ؕ اِنَّ الَّذِيْٓ اَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتٰى ؕ اِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٣٩﴾

وازنشانه های اوآنست که می بینی زمین را فرسوده پس وقتیکه فرود آوردیم برسرِآن آب به جنبش آمدوبلند شد هرآئینه آنکه زنده کرده است زمین را البته زنده کُنندۀ مرد گانست هرآئینه اوبرهمه چیز تواناست (۳۹) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا ؕ اَفَمَنْ يُّلْقٰى
فِي النَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَّنْ يَّاْتِيْٓ اٰمِنًا يَّوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اِعْمَلُوْا مَا شِئْتُمْ ۙ اِنَّهٗ
بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿٤٠﴾

هرآئینه آنانکه کج روی میکنند درآیاتِ ما پوشیده نیستند ازما آیا کسی که انداخته شود درآتش بهترست یا کسی که بیاید ایمن شده روز قیامت بکنید هرچه خواهید هرآئینه خدابآنچه می کنید بیناست (٤٠) .

اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَآءَهُمْ ۚ وَاِنَّهٗ لَكِتٰبٌ عَزِيْزٌ ﴿٤١﴾

هرآئینه آنانکه کافرشدند بقرآن وقتیکه آمد بدیشان (پوشیده نیستند ازما) و بتحقیق آن کتابیست گرامی قدر(٤١) .

لَّا يَاْتِيْهِ الْبَاطِلُ مِنْۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ ؕ تَنْزِيْلٌ مِّنْ
حَكِيْمٍ حَمِيْدٍ ﴿٤٢﴾

راه نمی یابد بدوباطل از پیش روی او ونه ازپس پشتِ اوفرستاده شده است ازخدای داناستوده (٤٢) .

مَا يُقَالُ لَكَ اِلَّا مَا قَدْ قِيْلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ ؕ اِنَّ رَبَّكَ
لَذُوْ مَغْفِرَةٍ وَّذُوْ عِقَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٤٣﴾

(یا محمد) گفته نمی شود ترا مگرآنچه گفته شده بود پیغامبران را پیش ازتو هرآئینه پروردگارتو خداوند آمرزش ست وخداوند عقوبتِ درد دهنده است (٤٣).

وَلَوْ جَعَلْنٰهُ قُرْاٰنًا اَعْجَمِيًّا لَّقَالُوْا لَوْلَا فُصِّلَتْ اٰيٰتُهٗ ؕ
ءَاَعْجَمِيٌّ وَّعَرَبِيٌّ ؕ قُلْ هُوَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هُدًى وَّشِفَآءٌ ؕ

وا گرمی کردیم این کتاب را قرآنی بزبان عجم هرآئینه می گفتند کافرانِ عرب چراواضح کرده نه شد آیاتِ او آیا قرآن عجمی ست ومخاطب عربی بگوقرآن مسلمانان را هدایت وشفاست وآنانکه

وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرٌ وَّهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ
اُولٰٓئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيْدٍ ﴿٤٤﴾

ایمان نمی آرند درگوش های ایشان گرانی ست وقرآن برایشان کوریست این جماعت (بمثلِ چنانند) که آواز داده میشوندازجای دور (٤٤) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتٰبَ فَاخْتُلِفَ فِيْهِ ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۗ وَاِنَّهُمْ لَفِيْ شَكٍّ
مِّنْهُ مُرِيْبٍ ﴿٤٥﴾

وهرآئینه دادیم موسیٰ را کتاب پس اختلاف کرده شددرآن واگرنه بودی کلمهٔ تقدیر سابق صادر شده از پرورد گارِتو البته فیصله کرده شدی درمیان ایشان وهرآئینه ایشان درشك قوی اند ازطرفِ قرآن (٤٥) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ
بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيْدِ ﴿٤٦﴾

هرکه بکند کارنیك پس نفع اوراست وهرکه بدکاری کند پس وبال برویست ونیست پرورد گارتو ستم کننده بربند گان (٤٦) .

اِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۗ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرٰتٍ مِّنْ
اَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهٖ ۗ وَيَوْمَ
يُنَادِيْهِمْ اَيْنَ شُرَكَآءِيْ ۙ قَالُوْٓا اٰذَنّٰكَ ۙ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيْدٍ ﴿٤٧﴾

بسوی خدا حواله کرده میشود معرفتِ قیامت وبیرون نمی آید اجناس میوه ازغلاف های خود ودرشکم بارنمی گیرد هیچ ماده ونمی نهد بارشکم را مگر بدانستِ خدا وروزیکه خداآواز دهد ایشان را که کجایند شریکان من گویند خبردادیم ترا که نیست ازماهیچ کس اثبات کننده شریکان (٤٧) .

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَدْعُوْنَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوْا مَا لَهُمْ مِّنْ
مَّحِيْصٍ ﴿٤٨﴾

وگم شد ازنظر ایشان آنچه می پرستید ند پیش ازین ودانستند که نیست ایشان را هیچ مخلصی (٤٨) .

لَا يَسْئَمُ الْاِنْسَانُ مِنْ دُعَآءِ الْخَيْرِ ۡ وَاِنْ مَّسَّهُ الشَّرُّ
فَيَئُوْسٌ قَنُوْطٌ ﴿٤٩﴾

مانده نمی شود آدمی از طلبِ خیرو اگر برسدش سختی پس ناامید طمع برنده است (٤٩) .

وَلَئِنْ اَذَقْنٰهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْۢ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُوْلَنَّ هٰذَا لِيْ وَمَآ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً وَّلَئِنْ رُّجِعْتُ اِلٰى رَبِّيْٓ اِنَّ لِيْ عِنْدَهٗ لَلْحُسْنٰى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَلَنُذِيْقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيْظٍ ﴿٥٠﴾

اگربچشانیم اورا بخشائشی ازجانبِ خود بعدازسختی که رسیده باشد بَوَی البته گوید که این برای من ست[1] ونمی پندارم که قیامت قائم شود وا گربالفرض باز گردانیده شود مرا بسوی پروردگارمن هرآئینه مرا نزدیكِ اوحالت خوش باشد پس البته خبردار کنیم کافران را بآنچه میکردند والبته بچشانیم ایشان راازعقوبتِ سخت (٥٠) .

وَاِذَآ اَنْعَمْنَا عَلَى الْاِنْسَانِ اَعْرَضَ وَنَاٰ بِجَانِبِهٖ وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُوْ دُعَآءٍ عَرِيْضٍ ﴿٥١﴾

وچون انعام کنیم برآدمی روبگرداند و دور شود بطرفِ خودرفته وچون برسدش بلای پس صاحب دعای بسیارست (٥١) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهٖ مَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِيْ شِقَاقٍۢ بَعِيْدٍ ﴿٥٢﴾

بگو آیا دیدید که اگرباشد قرآن ازجانب خدا بازکافرشوید بآن کیست گمراه تراز شخصی که باشد درین مخالفت دورازصواب (٥٢) .

سَنُرِيْهِمْ اٰيٰتِنَا فِى الْاٰفَاقِ وَفِيْٓ اَنْفُسِهِمْ حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ اَنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ﴿٥٣﴾

خواهیم نمود ایشان را نشانه های خود در اطرافِ عالم ودرنفس های ایشان نیزتاآنکه واضح شود برایشان که این سخن راست ست آیا بس نیست پروردگار تو آنکه اوبرهرچیز مطلع است (٥٣) .

اَلَآ اِنَّهُمْ فِيْ مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَآءِ رَبِّهِمْ اَلَآ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيْطٌ ﴿٥٤﴾

آگاه شو هرآئینه ایشان در شبهه انداز ملاقات پرورگارِخویش آگاه شو هرآئینه خدا بهر چیز درگیرنده است (٥٤) .

---

(١) یعنی خاطر جمع کندوخوف ازدلِ اوزائل شود والله اعلم .

سُوْرَةُ الشُّوْرٰى

سوره شوری مکی است وآن پنجاه وسه آیت و پنج رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ۝١

حٰـمٓ (١) .

عٓسٓقٓ ۝٢

عَسٓقٓ (٢) .

كَذٰلِكَ يُوْحِيْٓ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ ۙ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝٣

همچنین وحی میفرستد بسوی تو وبسوی آنانکه پیش ازتوبودند خدای غالب باحکمت (٣) .

لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ۝٤

اوراست آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست واوست بلند مرتبه بزرگ قدر (٤) .

تَكَادُ السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلٰۗئِكَةُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ ۭ اَلَآ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ۝٥

نزدیك ست كه آسمان هابشگافندازجانب بالای خود[1] وفرشتگان تسبیح میگویند همراه حمد پرورد گارخویش وآمرزش طلب می کنند برای آنانکه درزمین اند آگاه شوهرآئینه خدااوست آمرزگار مهربان (٥) .

وَالَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَاۗءَ اللّٰهُ حَفِيْظٌ عَلَيْهِمْ ڮ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ۝٦

وآنانكه دوستان گرفتند بجزخدا، خدا نگهبان ست برایشان ونیستی توبرایشان متعهد (٦) .

وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيْهِ ۭ فَرِيْقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيْقٌ فِي السَّعِيْرِ ۝٧

وهمچنین وحی فرستادیم بسوی توقرآن عربی تابترسانی اهل مکه را وآنان را که گردا گردِآن هستند وبترسانی ازروزقیامت هیچ شبهه نیست درآن گروهی در بهشت باشند وگروهی دردوزخ (٧) .

---

(١) یعنی ازهیبتِ الهی والله اعلم .

وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلٰكِنْ يُّدْخِلُ مَنْ
يَّشَآءُ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۭ وَالظّٰلِمُوْنَ مَا لَهُمْ مِّنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ٨

واگرخواستی خداگردانیدی ایشان را یك امت ولیکن درمی آرد هرکرا خواهد دررحمتِ خود و ستمگاران نیست ایشان را هیچ کارساز ونه یاری دهنده (٨) .

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءَ ۚ فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِ
الْمَوْتٰى ۡ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ٩

آیا دوستان گرفتند بجزخدا پس خداهمونست کارساز وهمون زنده میکند مردگان را واوبر هرچیز تواناست (٩) .

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيْهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهٗٓ اِلَى اللّٰهِ ۭ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبِّيْ
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ڰ وَاِلَيْهِ اُنِيْبُ ١٠

وآنچه اختلاف کردید درآن هرچه باشد پس فیصله کردن اوحواله بخدا ست این ست خدا پرورد گارمن براوتوکل کردم وبسوی اورجوع می کنم (١٠) .

فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا
وَّمِنَ الْاَنْعَامِ اَزْوَاجًا ۚ يَذْرَؤُكُمْ فِيْهِ ۭ لَيْسَ كَمِثْلِهٖ
شَيْءٌ ۚ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ ١١

آفرینندۂ آسمان ها وزمین ست پیداکرد برای شماازجنس شما زنان را وپیداکرداز جنس چهار پایان اقسامِ چند پرا گنده میکند شمارا باین تدبیر، نیست مانندِ اوچیزی واوست شنوا بینا (١١) .

لَهٗ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ ۭ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ١٢

اوراست کلید های آسمان ها وزمین کشاده میکند روزی رابرای هرکه خواهد وتنگ میکند برای هرکه خواهد هرآئینه اوبهر چیز داناست (١٢) .

شَرَعَ لَكُمْ مِّنَ الدِّيْنِ مَا وَصّٰى بِهٖ نُوْحًا وَّالَّذِيْٓ اَوْحَيْنَآ
اِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهٖٓ اِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى وَعِيْسٰٓى اَنْ اَقِيْمُوا
الدِّيْنَ وَلَا تَتَفَرَّقُوْا فِيْهِ ۭ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِيْنَ مَا
تَدْعُوْهُمْ اِلَيْهِ ۭ اَللّٰهُ يَجْتَبِيْٓ اِلَيْهِ مَنْ يَّشَآءُ
وَيَهْدِيْٓ اِلَيْهِ مَنْ يُّنِيْبُ ١٣

مقرر کرد برای شما ازآئین آنچه امرکرده بود باقامتِ آن نوح را وآنچه وحی فرستادیم بسوی تو وآنچه امرکردیم باقامتِ آن ابراهیم وموسیٰ وعیسیٰ را باین مضمون که قائم کنید دین را ومتفرق نه شوید درآن دشوار آمد برمشرکان آنچه میخوانی ایشان را بآن، خدا برمی گزیند بسوی خود هرکه را

خواهد وراه مینماید بسوی خود هر که رجوع میکند[۱] (١٣) .

وَمَا تَفَرَّقُوٓا اِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى لَّقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اُوْرِثُوا الْكِتٰبَ مِنۢ بَعْدِهِمْ لَفِيْ شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ ﴿١٤﴾

و پرا گنده نه شدند امتّها مگربعدازآن کِه آمد بدیشان دانش ازروی حسد درمیان خود و اگر نبودی سخنی که سابقًا صادر شدازپرورد گارتو که مهلت داده شوند تا زمانی معین البته فیصله کرده میشد میانِ ایشان وهرآئینه آنانکه داده شد ایشان را کتاب بعدازانبیاء درشبهه قوی اند ازدین (١٤) .

فَلِذٰلِكَ فَادْعُ ۚ وَاسْتَقِمْ كَمَآ اُمِرْتَ ۚ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَهُمْ ۚ وَقُلْ اٰمَنْتُ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتٰبٍ ۚ وَاُمِرْتُ لِاَعْدِلَ بَيْنَكُمْ ۗ اَللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۗ لَنَآ اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ ۗ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ۗ اَللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۚ وَاِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ﴿١٥﴾

پس بسوی دین دعوت کن و قائم باش بحسب آنکه فرموده شدترا وپیروی مکن خواهش این کافران را وبگوایمان آوردم بآنچه فرود آورد خدا هرکتاب که هست و فرموده شد مراکه انصاف کنم میانِ شما خدا پرورد گارماست وپرورد گار شماست ماراعملهای ماست وشمارا عملهای شماست گفتگو نیست میانِ ماومیانِ شما خدا جمع کند میان ماو میان شما[۲] وبسوی اوست بازگشت (١٥) .

وَالَّذِيْنَ يُحَآجُّوْنَ فِى اللّٰهِ مِنۢ بَعْدِ مَا اسْتُجِيْبَ لَهٗ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَّلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ﴿١٦﴾

وآنانکه مکابره می کنند دردین خدا بعد ازآنکه قبول کرده شدفرمان او[۳] مکابرهٔ ایشان باطل ست نزدیك پرورد گارایشان

---

(١) یعنی بسوی حق حاصل آن ست که انبیاء علیهم السلام دراصولِ دین متفق اندواختلافِ شرائع در فروع است وبس والله اعلم .

(٢) یعنی روزقیامت .

(٣) یعنی جمعی دراسلام داخل شدند والله اعلم .

وبرایشان است خشم وایشان راست عذاب سخت (١٦) .

اَللّٰهُ الَّذِیۡۤ اَنۡزَلَ الۡكِتٰبَ بِالۡحَقِّ وَالۡمِیۡزَانَ ؕ وَمَا یُدۡرِیۡكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِیۡبٌ ﴿۱۷﴾

خداآنست که فرود آوردکتاب را براستی وترازو را نیز وچه چیز مطلع ساخت ترا برحقیقتِ امرشاید که آمدنِ قیامت نزدیك باشد (١٧) .

یَسۡتَعۡجِلُ بِهَا الَّذِیۡنَ لَا یُؤۡمِنُوۡنَ بِهَا ۚ وَالَّذِیۡنَ اٰمَنُوۡا مُشۡفِقُوۡنَ مِنۡهَا ۙ وَیَعۡلَمُوۡنَ اَنَّهَا الۡحَقُّ ؕ اَلَاۤ اِنَّ الَّذِیۡنَ یُمَارُوۡنَ فِی السَّاعَةِ لَفِیۡ ضَلٰلٍۭ بَعِیۡدٍ ﴿۱۸﴾

زود طلب میکنند قیامت را آنانکه ایمان ندارند بآن وآنانکه باورداشته اند ترسانندازان ومیدانند که آن راست ست آگاه شو هرآئینه آنانکه مکابره می کنند درآمدن قیامت هرآئینه درگمراهی دُور اند (١٨) .

اَللّٰهُ لَطِیۡفٌۢ بِعِبَادِهٖ یَرۡزُقُ مَنۡ یَّشَآءُ ۚ وَهُوَ الۡقَوِیُّ الۡعَزِیۡزُ ﴿۱۹﴾

خدامهربان ست بربند گان خود روزی میدهد هرکرا خواهد واوست توانای غالب (١٩) .

مَنۡ كَانَ یُرِیۡدُ حَرۡثَ الۡاٰخِرَةِ نَزِدۡ لَهٗ فِیۡ حَرۡثِهٖ ۚ وَمَنۡ كَانَ یُرِیۡدُ حَرۡثَ الدُّنۡیَا نُؤۡتِهٖ مِنۡهَا وَمَا لَهٗ فِی الۡاٰخِرَةِ مِنۡ نَّصِیۡبٍ ﴿۲۰﴾

هرکه خواسته باشد کِشت آخرت را بیفزائیم برای اودرکشتِ او وهرکه خواسته باشد کِشتِ دنیارابدهیم اورا بعض دنیا ونیست اورا درآخرت هیچ نصیبی (٢٠) .

اَمۡ لَهُمۡ شُرَكٰٓؤُا شَرَعُوۡا لَهُمۡ مِّنَ الدِّیۡنِ مَا لَمۡ یَاۡذَنۡۢ بِهِ اللّٰهُ ؕ وَلَوۡلَا كَلِمَةُ الۡفَصۡلِ لَقُضِیَ بَیۡنَهُمۡ ؕ وَاِنَّ الظّٰلِمِیۡنَ لَهُمۡ عَذَابٌ اَلِیۡمٌ ﴿۲۱﴾

آیا کافران را شریکان هستند که مقررکردند برای ایشان ازدین آنچه نه فرموده است آن را خدا و اگرنه بودی وعدهٔ فیصله کردن البته فیصله کرده میشد میانِ ایشان وهرآئینه ستمگاران ایشان راست عذاب درد دهنده (٢١) .

تَرَی الظّٰلِمِیۡنَ مُشۡفِقِیۡنَ مِمَّا كَسَبُوۡا وَهُوَ وَاقِعٌۢ بِهِمۡ ؕ وَالَّذِیۡنَ اٰمَنُوۡا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فِیۡ رَوۡضٰتِ الۡجَنّٰتِ ۚ لَهُمۡ مَّا یَشَآءُوۡنَ عِنۡدَ رَبِّهِمۡ ؕ ذٰلِكَ

ببینی ستمگاران را ترسان ازجزای آنچه به عمل آورده اند وآن البته رسنده است بایشان وآنانکه ایمان آورده اند وکارهای شایسته کرده اند درسبز زار های بوستان

هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيْرُ ﴿٢٢﴾

ها باشند، ایشان را باشد آنچه درخواست کنند نزدیك پروردگار خویش این ست فضلِ بزرگ (۲۲) .

ذٰلِكَ الَّذِيْ يُبَشِّرُ اللّٰهُ عِبَادَهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۗ
قُلْ لَّآ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى ۗ وَمَنْ يَّقْتَرِفْ
حَسَنَةً نَّزِدْ لَهٗ فِيْهَا حُسْنًا ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ شَكُوْرٌ ﴿٢٣﴾

این آن ثواب ست که مژده میدهد خدابآن بندگان خود را که ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند بگونمی طلبم ازشما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی لیکن باید که پیش گیرید دوستی درمیان خویشاوندان[1] وهرکه بکند نیکی بیفزائیم برای اودرآن نیکی حُسن را هرآئینه خدا آمرزگار قدرشناس است (۲۳) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ۚ فَاِنْ يَّشَاِ اللّٰهُ يَخْتِمْ عَلٰى
قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ اللّٰهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهٖ ۗ اِنَّهٗ
عَلِيْمٌ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿٢٤﴾

آیا میگویند پیغامبرافترا کرده است برخدا دروغ را پس ا گرخواهد خدا مُهرنهد بردلِ تو ونابود می سازد خدا بیهوده را واثبات می کند دین درست را به سخن های خود هرآئینه خدا داناست بآنچه درسینه هاست(۲٤) .

وَهُوَ الَّذِيْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهٖ وَيَعْفُوْا عَنِ السَّيِّاٰتِ
وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٢٥﴾

واوست آنکه قبول میکند توبه را از بندگان خود و درمی گذرد از جرمها ومیداند آنچه می کنید (۲۵) .

وَيَسْتَجِيْبُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَيَزِيْدُهُمْ مِّنْ
فَضْلِهٖ ۗ وَالْكٰفِرُوْنَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ﴿٢٦﴾

وقبول می کند دعای آنانکه ایمان آورده اند وکارهای شائسته کرده اند وزیاده میدهدایشان را ازفضل خود وکافران ایشان راست عذاب سخت (۲٦) .

وَلَوْ بَسَطَ اللّٰهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهٖ لَبَغَوْا فِي الْاَرْضِ وَلٰكِنْ يُّنَزِّلُ

وا گرفراخ کردی خدا رزق را بر بندگان خود البته فساد میکردند درزمین

---

(۱) یعنی بامن صلۀ رحمی کنید وایذانرسانید .

بِقَدَرٍ مَّا يَشَآءُ ۚ إِنَّهُۥ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرٌۢ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾

ولیکن فرود می آرد باندازۀ آنچه خواهد
هرآئینه خدابه بند گان خود دانا بیناست
(٢٧) .

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنۢ بَعْدِ مَا قَنَطُوا۟ وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُۥ ۚ
وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾

واوست آنکه فرود می آرد باران را
بعدازآنکه ناامیدشدند و پرا گنده میسازد
رحمتِ خود را واوست کارساز ستوده
کار (٢٨) .

وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦ خَلْقُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا
مِن دَآبَّةٍ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَآءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

وازنشانه های اوآفریدن آسمان ها وزمین
است وآفریدن آنچه پرا گنده کرده است
دراین هردوازجانوران واوبر بهم آوردنِ
ایشان وقتیکه بخواهد تواناست (٢٩) .

وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا۟
عَن كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾

وهرچه برسد به شما از مصیبت ها پس
بسبب گناهی است که بعمل آورد دستهای
شماودرمیگذرد ازبسیاری (٣٠) .

وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

ونیستید شما عاجز کننده درزمین ونیست
شمارا بجز خدا هیچ کارسازی ونه
نصرت دهنده (٣١) .

وَمِنْ ءَايَٰتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَٰمِ ﴿٣٢﴾

وازنشانه های او کشتی های روان است
دردریا مانندِ کوه ها (٣٢) .

إِن يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦٓ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾

ا گرخواهد بازدارد باد را پس ایستاده
شود کشتی ها برپشت دریا هرآئینه درین
مقدمه نشانه هاست هرصبر کنندۀ شکر
گذارنده را (٣٣) .

أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا۟ وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾

یاا گرخواهد هلاك کند اهل کشتی هارا
بسبب آنچه کردند ودرمیگذرد از
تقصیرات بسیار (٣٤) .

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾

(تاانتقام کشدازایشان) وتابدانند آنانکه
خصومت می کنند درآیاتِ ما که نیست
ایشان راهیچ فرارگاه (از عذاب) (٣٥) .

فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا ۖ وَمَا عِندَ اللَّهِ
خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۳۶﴾

پس آنچه داده شد شما رااز هر جنس که باشد اندك بهره ایست از زند گانی دنیا وآنچه نزدیك خداست بهترست وپائنده ترست برای آنانکه ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می کنند (۳۶) .

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا
غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿۳۷﴾

وآنانکه پرهیزمی کنند ازگناهان کبیره واز بی حیائی ها وچون بخشم می آیند ایشان می آمرزند (۳۷) .

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ
بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۳۸﴾

وآنانکه قبول کردند فرمان پروردگارخود را وبرپاداشتند نماز را وکارایشان ازسرِ مشورت باشد بایکدیگر وازآنچه روزی دادیم ایشان را خرچ می کنند (۳۸) .

وَالَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ﴿۳۹﴾

وآنانکه چون برسد بدیشان تعدی، ایشان انتقام می کشند[۱] (۳۹) .

وَجَزَٰٓؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ
فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّٰلِمِينَ ﴿۴۰﴾

وسزای بدی بدی ست مانندِآن پس هرکه درگذرد وقضیه راباصلاح آرد پس مزدِاوبرخداست هرآئینه خدا دوست نمی دارد ظالمان را (۴۰) .

وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن
سَبِيلٍ ﴿۴۱﴾

وهرآئینه کسی که انتقام کشد بعد مظلوم شدنِ خود پس آنجماعت نیست برایشان هیچ راه ملامت (۴۱) .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ أُولَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۴۲﴾

جزاین نیست که راه ملامت برآن جماعت است که ظلم می کنند برمردمان وفساد می طلبند درزمین به ناحق آن جماعت ایشان راست عذاب درد دهنده (۴۲).

---

(۱) مترجم گوید یعنی اگربرضعیفی ظالم تعدی کند بزرگانِ قبیله متفق شوند وانتقام کشند والله اعلم .

وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿٤٣﴾

وهرکه صبر کند وبیامرزد هرآئینه این صفت[1] ازکارهای مقصوداست (٤٣) .

وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ وَّلِيٍّ مِّنْۢ بَعْدِهٖ ؕ وَتَرَى الظّٰلِمِيْنَ
لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ يَقُوْلُوْنَ هَلْ اِلٰى مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيْلٍ ﴿٤٤﴾

وهرکرا گمراه کند خدا پس نیست اوراهیچ کارسازی بعدازوی وببینی ستمگاران را چون معاینه کنند عذاب را گویند آیا هست بسوی بازگشتن هیچ را هی (٤٤) .

وَتَرٰىهُمْ يُعْرَضُوْنَ عَلَيْهَا خٰشِعِيْنَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُوْنَ مِنْ
طَرْفٍ خَفِيٍّ ؕ وَقَالَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْۤا
اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اَلَاۤ اِنَّ الظّٰلِمِيْنَ
فِيْ عَذَابٍ مُّقِيْمٍ ﴿٤٥﴾

وببینی ایشان را پیش آورده شوند نزدیکِ دوزخ متواضع شده از خواری می نگرند به گوشهٔ چشم نیم کشاده وگفتند اهل ایمان هرآئینه زیان کاران آنانند که درزیان دادند خویشتن را وخویشاوندانِ خود را روزقیامت آ گاه شو هرآئینه ستمگاران درعذاب دائم باشند (٤٥) .

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ اَوْلِيَآءَ يَنْصُرُوْنَهُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ ؕ وَمَنْ يُّضْلِلِ
اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ سَبِيْلٍ ﴿٤٦﴾

ونه باشند ایشان را کارسازان که نصرت دهند ایشان را بجز خدا وهرکرا گمراه کند خدا نیست اورا هیچ را هی (٤٦) .

اِسْتَجِيْبُوْا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ ؕ
مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَاٍ يَّوْمَئِذٍ وَّمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيْرٍ ﴿٤٧﴾

قبول کنید فرمان پروردگار خود را پیش ازآنکه بیاید روزیکه بازگشت نیست آن راازجانب خدا نیست شمارا هیچ پناهی آن روزنیست برای شما هیچ بازخواست کننده (٤٧) .

فَاِنْ اَعْرَضُوْا فَمَاۤ اَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا ؕ اِنْ عَلَيْكَ اِلَّا الْبَلٰغُ ؕ وَاِنَّاۤ
اِذَاۤ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۚ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ
بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيْهِمْ فَاِنَّ الْاِنْسَانَ كَفُوْرٌ ﴿٤٨﴾

پس ا گرروبگردانند پس نه فرستاده ایم ترا برایشان نگهبان، نیست برتو مگرپیغام رسانیدن وهرآئینه ماچون بچشانیم آدمی را ازجانب خود رحمتی شادان شود بآن

---

(١) مترجم گوید مغفرت در حقِ خود عزیمت است وانتقام رخصت است ودر حقِ ضعفاء قوم انتقام لازم است مگر آن که ضعفاء درگذارند والله اعلم .

واگر برسد بآدميان مصيبتى بسبب آنچه فرستاده است دست هاى ايشان پس هرآئينه آدمى ناسپاس است (٤٨) .

لِلّٰهِ مُلۡكُ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضِ‌ؕ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ‌ ؕ يَهَبُ لِمَنۡ يَّشَآءُ اِنَاثًا وَّيَهَبُ لِمَنۡ يَّشَآءُ الذُّكُوۡرَ ۙ ﴿٤٩﴾

خداى راست پادشاهى آسمان هاوزمين مى آفريند هرچه خواهد عطا مى كند دختران هركرا خواهد وعطامى كند پسران هركرا خواهد (٤٩) .

اَوۡ يُزَوِّجُهُمۡ ذُكۡرَانًا وَّاِنَاثًا‌ ۚ وَيَجۡعَلُ مَنۡ يَّشَآءُ عَقِيۡمًا‌ ؕ اِنَّهٗ عَلِيۡمٌ قَدِيۡرٌ ﴿٥٠﴾

يا جمع كند براى ايشان پسران ودختران وميسازد هركرا خواهد نزائنده هرآئينه اودانا است (٥٠) .

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنۡ يُّكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحۡيًا اَوۡ مِنۡ وَّرَآىٴِ حِجَابٍ اَوۡ يُرۡسِلَ رَسُوۡلًا فَيُوۡحِىَ بِاِذۡنِهٖ مَا يَشَآءُ‌ ؕ اِنَّهٗ عَلِىٌّ حَكِيۡمٌ ﴿٥١﴾

وممكن نيست هيچ آدمى را كه سخن گويد با اوخدا مگر باشارت يااز پس پرده يا بفرستد فرشته را پس نازل كند بحكم خدا آنچه خدا خواسته است هرآئينه خدابلند مرتبه باحكمت ست[1] (٥١) .

وَكَذٰلِكَ اَوۡحَيۡنَاۤ اِلَيۡكَ رُوۡحًا مِّنۡ اَمۡرِنَا‌ ؕ مَا كُنۡتَ تَدۡرِىۡ مَا الۡكِتٰبُ وَلَا الۡاِيۡمَانُ وَلٰـكِنۡ جَعَلۡنٰهُ نُوۡرًا نَّهۡدِىۡ بِهٖ مَنۡ نَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِنَا‌ ؕ وَاِنَّكَ لَتَهۡدِىۡۤ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسۡتَقِيۡمٍ ۙ ﴿٥٢﴾

وهمچنين وحى فرستاديم بسوى تو قرآن را ازكلامِ خود نميدانستى توكه چيست كتاب و نميدانستى كه چيست ايمان و ليكن ساخته ايم وحى را روشنى راه مينائيم بآن هركرا ميخواهيم از بند گانِ خويش وهرآئينه تو هدايت كنى بسوى راه راست (٥٢) .

صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِىۡ لَهٗ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَمَا فِى الۡاَرۡضِ‌ ؕ اَلَاۤ اِلَى اللّٰهِ تَصِيۡرُ الۡاُمُوۡرُ ﴿٥٣﴾

راهِ خدا كه اوراست آنچه در آسمان هاست وآنچه درزمين است آ گاه شو بسوى خدا بازميروند كارها (٥٣) .

(١) مترجم گويد اشارت عبارت از ديدن خواب است وازالقاى علم درخاطر بطريق الهام وازپسِ پرده عبارت ازآن ست كه آواز شنود وكسى را نه بيند و قسم ثالث آنست كه فرشته بصورت آدمى متمثل شود وسخن گويد والله اعلم .

سُورَةُ الزُّخْرُفِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حٰمٓ ﴿١﴾

وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ﴿٢﴾

اِنَّا جَعَلْنٰهُ قُرْءٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٣﴾

وَاِنَّهٗ فِيْٓ اُمِّ الْكِتٰبِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيْمٌ ﴿٤﴾

اَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا اَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِيْنَ ﴿٥﴾

وَكَمْ اَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِيٍّ فِي الْاَوَّلِيْنَ ﴿٦﴾

وَمَا يَاْتِيْهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ اِلَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٧﴾

فَاَهْلَكْنَآ اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَّمَضٰى مَثَلُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٨﴾

وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ
خَلَقَهُنَّ الْعَزِيْزُ الْعَلِيْمُ ﴿٩﴾

الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّجَعَلَ لَكُمْ فِيْهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ

سوره زخرف مکی است وآن هشتادو نه آیت وهفت رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ(١) .

قسم به کتاب واضح (٢) .

که هرآئینه ماساختیم این کتاب را کلامِ عربی بُوَدکه شما بفهمید (٣) .

وهرآئینه این کتاب ثبت ست درلوح محفوظ نزدیكِ ماهرآئینه این کتاب بلند قدرباحکمت ست[1] (٤) .

آیابازداریم ازشما پند را اعراض کرده برای آن که هستیلگروهی ازحدرفته (٥).

وبسیارفرستادیم پیغامبران را درپیشینیان (٦) .

ونمی آمدبایشان هیچ پیغامبری الّا باو استهزا میکردند (٧) .

پس هلاك کردیم سخت ترازقریش را[2] باعتبار دست درازی ومذکورشد داستان نخستینیان (٨) .

و اگرسوال کنی ازایشان که چه کس بیافریدآسمان ها وزمین را البته گویند بیافرید آنهارا خدای غالب دانا (٩) .

وی آنست که ساخت برای شما زمین را

(١) مترجم گوید قسم خوردن به چیزی برای اثباتِ همان چیز یالازم آنچیز کنایت است بآنکه آنچیز خود دلیل خوداست چنانکه گویند " قسم بلبِ میگون تو وزلفِ شبگونِ توکه تو معشوقِ دلربائی" والله اعلم .

(٢) یعنی عادوثمود که از قریش قوی تربودند .

تَهْتَدُونَ ١٠

بساط وساخت برای شما درزمین راه ها تابُوَد که شماراه یابید (١٠) .

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ١١

ووی آنست که فروداورد ازآسمان آب باندازه پس زنده کردیم بآن شهر مُرده را همچنین برآورده خواهید شد[1] (١١) .

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ١٢

ووی آنست که بیافرید اقسام حیوانات تمام آن وساخت برای شما ازکشتی ها وازچهارپایان چیزی را که برآن سوار شوید (١٢) .

لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ١٣

تاراست بنشینید برپشت های مرکوب بازیاد کنید نعمتِ پروردگارِخود را وقتی که راست نشستیدبرآن وبگوئید پاکست آن ذاتی که مسخرساخت برای مااین مرکوب را وما نه بودیم برآن توانا (١٣) .

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ١٤

وهرآئینه مابسوی پروردگارخویش رجوع کنندگانیم (١٤) .

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ ١٥

ومقررکردند برای خدا ازبندگان اواولاد را هرآئینه آدمی ناسپاس ظاهرست (١٥) .

أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ ١٦

آیافرا گرفت خداازمخلوقاتِ خود دختران را وبرگزیده است شمارا به پسران (١٦) .

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ١٧

وچون مژده داده شود یکی ازایشان بتولد آنچه مثل ساخته است برای رحمن[2] روی اوسیاه گردد واوپُرازغم باشد (١٧) .

---

(١) یعنی ازقبور .

(٢) یعنی به تولد دختری والله اعلم .

اَوَمَنْ يُّنَشَّؤُا فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِيْنٍ ﴿۱۸﴾

آیاآنراکه پرورده میشود در زیور واو درصفِ خصومت ظاهرنمی‌گردد (۱۸) .

وَجَعَلُوا الْمَلٰٓئِكَةَ الَّذِيْنَ هُمْ عِبٰدُ الرَّحْمٰنِ اِنَاثًا ؕ اَشَهِدُوْا خَلْقَهُمْ ؕ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْـَٔلُوْنَ ﴿۱۹﴾

وقراردادند فرشتگان را که آنان بندگان رحمٰن اند زن ها آیا حاضر بودند نزدیكِ آفرینشِ ایشان نوشته خواهد شداین گواهیٔ ایشان و پرسیده خواهندشد (۱۹) .

وَقَالُوْا لَوْ شَآءَ الرَّحْمٰنُ مَا عَبَدْنٰهُمْ ؕ مَا لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۗ اِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُوْنَ ﴿۲۰﴾

گفتند کافران اگرخواستی رحمٰن پرستش نمیکردیم این فرشتگان را نیست ایشان را بـایـن ادعـا دانـش نیستـنـد ایشـان مگردروغ‌گو (۲۰) .

اَمْ اٰتَيْنٰهُمْ كِتٰبًا مِّنْ قَبْلِهٖ فَهُمْ بِهٖ مُسْتَمْسِكُوْنَ ﴿۲۱﴾

آیا داده ایم ایشانرا کتابی پیش ازقرآن پس ایشان بآن کتاب چنگ زننده اند (هرگز) (۲۱) .

بَلْ قَالُوْٓا اِنَّا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا عَلٰٓى اُمَّةٍ وَّاِنَّا عَلٰٓى اٰثٰرِهِمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿۲۲﴾

بلکه‌گفتند هرآئینه مایافتیم پدرانِ خود را بـردینـی وهـرآئینـه مـابـرپـی ایشـان راه یافتگانیم (۲۲) .

وَكَذٰلِكَ مَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِيْ قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيْرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوْهَآ ۙ اِنَّا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا عَلٰٓى اُمَّةٍ وَّاِنَّا عَلٰٓى اٰثٰرِهِمْ مُّقْتَدُوْنَ ﴿۲۳﴾

وهمچنین نه فرستادیم پیش ازتودرهیچ دیهی ترساننده ای را مگرگفتند منعمانِ آن ده هرآئینه مایافتیم پدران خودرا بردینی وهرآئینه مابرپیٔ ایشان متابعت کنندگانیم (۲۳) .

قٰلَ اَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِاَهْدٰى مِمَّا وَجَدْتُّمْ عَلَيْهِ اٰبَآءَكُمْ ؕ قَالُوْٓا اِنَّا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ كٰفِرُوْنَ ﴿۲۴﴾

گفت پیغامبر آیابرمتابعتِ پدران مقرر مینمائید اگرچه آورده ام بشما دینی که زیاده ترراه نمائنده است ازآنچه برآن یافتید پدران خود راگفتند هرآئینه مابآنچه فرستاده شدشمارا همراهِ آن نامعتقدیم (۲۴) .

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِيْنَ ﴿۲۵﴾

پس انتقام کشیدیم ازایشان پس درنگر چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان (۲۵) .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾

ویادکن چون گفت ابراهیم پدرخود را وقوم خود راهرآئینه من بیزارم ازآنچه شماَ پرستش می کنید (٢٦) .

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾

الاّ آن کسی که بیافرید مرا پس هرآئینه اوهدایت خواهد کرد مرا (٢٧) .

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

وقرارداد خدای تعالی کلمهٔ توحید را سخنی باقی مانده درفرزندانِ اوتابُوَدکه کافران رجوع کنند[١] (٢٨) .

بَلْ مَتَّعْتُ هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ
وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾

بلکه بهره مند ساختیم ایشان را و پدران ایشان را تاوقیتکه آمد بدیشان دین راست وپیغامبر ظاهر (٢٩) .

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾

وآنگاه که آمد بدیشان دین راست گفتند این جادوست وهرآئینه مابدان نامعتقدانیم (٣٠) .

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ
عَظِيمٍ ﴿٣١﴾

و گفتند چرا فروفرستاده نه شد این قرآن برمردی بزرگ ازاهل این دودهِ[٢] (٣١) .

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۚ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ
بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾

آیاایشان قسمت می کنند رحمتِ پروردگار ترا ماقسمت کرده ایم میانِ ایشان گزرانِ ایشان را درزند گانی دنیا وبلند مرتبه ساختیم بعض ایشان را بر بعض تاکه خدمتگذار گیرد بعض ایشان بعضی را[٣] ورحمتِ پرورد گارتو بهترست ازآنچه جمع میکنند (٣٢) .

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن

واگر احتمال آن نه می بود که میشوند

(١) یعنی انبیاء واولیا در اولاد حضرت ابراهیم علیه السلام پیداشدند .
(٢) یعنی یکی ازمتموّلانِ مکه وطائف والله اعلم .
(٣) یعنی بچشم حقارت نگرد والله اعلم .

يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَّمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُوْنَ ﴿٣٣﴾

مردمان همه يك گروه البته ساختيم براى كسيكه نـا معتقـد سـت بخـدا بـراى خـانـه هـاى ايشـان سقفهـائ ازنقـره ونردبانهانيز كه برآن بالا برآيند (٣٣) .

وَلِبُيُوتِهِمْ اَبْوَابًا وَّسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔوْنَ ﴿٣٤﴾

وبـراى خـانـه هـاى ايشـان دروازه هـا نيزازنقره وتخت ها كه برآن تكيه زده بنشينند (٣٤) .

وَزُخْرُفًا وَاِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿٣٥﴾

ومى ساختيم تجمل بسيار، ونيست همه اين مگر اندك بهره مندى زند گانى دنيا، وآخـرت نـزديـك پـرورد گـارتـو متقيـان راست (٣٥) .

وَمَنْ يَّعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهٗ شَيْطٰنًا فَهُوَ لَهٗ قَرِيْنٌ ﴿٣٦﴾

وهركه غافل شود ازيادرحمٰن برگماريم بـراى اوشيطـانـى پـس آن شيطـان اورا همنشين بُوَد (٣٦) .

وَاِنَّهُمْ لَيَصُدُّوْنَهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ وَيَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ ﴿٣٧﴾

وهرآئينه شياطين بازميدارند آدميان را ازراه وآدميان مى پندارند كه ايشان راه يافتگانند (٣٧) .

حَتّٰۤى اِذَا جَآءَنَا قَالَ يٰلَيْتَ بَيْنِىْ وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِيْنُ ﴿٣٨﴾

تاآنوقت كه چون آدمى بيايد پيش ما گويد بـاشيطـان خـود اى كـاش درميـان مـن ودرميان تومسافتِ مشرق و مغرب بودى پس بدهمنشينى تو(٣٨) .

وَلَنْ يَّنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ اِذْ ظَّلَمْتُمْ اَنَّكُمْ فِى الْعَذَابِ مُشْتَرِكُوْنَ ﴿٣٩﴾

و(گوئيم) سود نه دهد شمارا امروز ازبس كه ستم كرده ايد آنكه شما درعذاب باهم شريك باشيد (٣٩) .

اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ اَوْ تَهْدِى الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٤٠﴾

(يا محمد) آيا توميتوانى شنوانيدن كران را يا راه ميتوانى نمودن كوران را وآن كس را كه در گمراهى ظاهرست (٤٠) .

فَاِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَاِنَّا مِنْهُمْ مُّنْتَقِمُوْنَ ﴿٤١﴾

پس ا گرازين عالم ببريم ترا پس البته مازين جماعت انتقام كشند گانيم (٤١) .

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾

یا اینست که بنمائیم تراآنچه وعده دادیم بایشان پس هرآئینه ما برایشان تواناایم (٤٢) .

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾

پس چنگ زن بآنچه وحی فرستاده شد بسوی توهرآئینه تو برراه راستی (٤٣) .

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾

وهرآئینه قرآن پندست ترا وقومِ ترا وشماسوال کرده خواهید شد (٤٤) .

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾

وبپرس احوال آنانکه فرستاده بودیم پیش ازتو ازپیغامبرانِ خود آیا قرارداده بودیم بجز خدا معبودان دیگر که پرستش کرده شود آنهارا (٤٥) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٦﴾

وهرآئینه فرستادیم موسیٰ را به نشانه های خود بسوی فرعون واشرافِ قومِ او پس گفت هرآئینه من پیغامبر پروردگارِ عالمهایم (٤٦) .

فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

پس آن هنگام که آمد به ایشان بانشانه های ما نا گهان بآن نشانه هامی خندیدند (٤٧) .

وَمَا نُرِيهِم مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا ۖ وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾

و نه می نمودیم بایشان هیچ نشانه مگروی بزرگ تربود ازقرین خود وگرفتار کردیم ایشانرا به عقوبت بُوَد که ایشان رجوع کنند (٤٨) .

وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾

وگفتند ای جادوگردعا کن برای ماپروردگار خود را به عهدی که با تودارد هرآئینه ماراه یافتگانیم[1] (٤٩) .

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿٥٠﴾

پس آنهنگام که دورکردیم ازایشان عقوبت را ناگهان ایشان عهدمی شکنند (٥٠) .

---

(١) یعنی مسلمان شویم .

وَنَادٰى فِرْعَوْنُ فِىْ قَوْمِهٖ قَالَ يٰقَوْمِ اَلَيْسَ لِىْ مُلْكُ مِصْرَ وَهٰذِهِ الْاَنْهٰرُ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِىْ ۚ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ﴿٥١﴾

وآوازداد فرعون درمیان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست برای من پادشاهی مصر و این جویها میرود اززیرکوشك من آیا نمی بینید (٥١) .

اَمْ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِىْ هُوَ مَهِيْنٌ ۙ وَّلَا يَكَادُ يُبِيْنُ ﴿٥٢﴾

(نی) بلکه من بهترم ازین شخص که وی خوارست ونزدیك نیست که سخن واضح گوید [1] (٥٢) .

فَلَوْلَآ اُلْقِىَ عَلَيْهِ اَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ اَوْ جَآءَ مَعَهُ الْمَلٰٓئِكَةُ مُقْتَرِنِيْنَ ﴿٥٣﴾

پس چرا فرود آورده نه شد برین شخص دست بندهائی از زر یا چرا نیامدند همراه اوفرشتگان مجتمع شده (٥٣) .

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهٗ فَاَطَاعُوْهُ ۚ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ﴿٥٤﴾

پس بی عقل کرد قوم خود را پس قبول کردند فرمان اورا هر آئینه ایشان بودند گروه فاسق (٥٤) .

فَلَمَّآ اٰسَفُوْنَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٥٥﴾

پس آن هنگام که بخشم آوردند مارا انتقام کشیدیم ازایشان پس غرق ساختیم ایشانرا همه یکجا (٥٥) .

فَجَعَلْنٰهُمْ سَلَفًا وَّمَثَلًا لِّلْاٰخِرِيْنَ ﴿٥٦﴾

پس ساختیم ایشانرا پیش رو و داستانی برای آیند گان (٥٦) .

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا اِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّوْنَ ﴿٥٧﴾

وآنگاه[2] که داستان زده شد به پسر مریم نا گهان قوم توازین داستان بخوشوقتی آوازبلند می کنند (٥٧) .

وَقَالُوْٓا ءَاٰلِهَتُنَا خَيْرٌ اَمْ هُوَ ۚ مَا ضَرَبُوْهُ لَكَ اِلَّا جَدَلًا ۚ بَلْ

و گفتند آیا معبودان مابهترند یاعیسیٰ، آن

(١) یعنی درزبان حضرت موسیٰ علیه السلام لکنت بود والله اعلم .

(٢) مترجم‌گوید براین مسئله که هیچکس غیر خدای تعالی معبود نیست مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسیٰ رامی پرستند واگروی نیز معبود نه بود ما راضی شدیم که آله مابا عیسیٰ باشند وگمان کردند که بحجتِ غالب آمدند خدای تعالی کشفِ شبهه فرمود والله اعلم .

هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾

حرف نزدند باتومگربمکابره بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند(٥٨) .

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا
لِّبَنِي إِسْرَاءِيلَ ﴿٥٩﴾

نیست عیسیٰ مگربنده ای که انعام کرده ایم بروی وساختیم اورا نشانه برای بنی اسرائیل (٥٩) .

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

واگرمیخواستیم البته قرارمی دادیم بدل شما فرشتگان را که درزمین خلیفه شوند (٦٠) .

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ
مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

وهرآئینه عیسیٰ نشانه است قیامت را پس شبهه مکنید درقیامت (بگو یا محمد) پیروی من کنید اینست راه راست (٦١) .

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾

وبازندارد شمارا شیطان هرآئینه اودرحق شمادشمن ظاهرست (٦٢) .

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ
لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿٦٣﴾

وآنگاه که آمد عیسی بامعجزه هاگفت آورده ام به شما حکمت را وآمده ام تابیان کنم برای شما بعض آنچه اختلاف می کنید درآن پس بترسید ازخدا وفرمان من برید (٦٣) .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس بپرستید اورااین ست راه راست (٦٤) .

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ
عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٦٥﴾

پس اختلاف کردند جماعت ها درمیان خویش پس وای آنان را که ستم کردند ازعقوبتِ روزِ درد دهنده (٦٥) .

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾

انتظار نمی کنند مگرقیامت را که بیاید بدیشان ناگهان وایشان خبردارنه باشند (٦٦) .

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾

دوستان آنروز بعض ایشان بابعض دشمن باشند مگر پرهیزگاران (٦٧) .

يٰعِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَآ اَنْتُمْ تَحْزَنُوْنَ ﴿٦٨﴾

گفته شود ای بندگانِ من نیست هیچ ترس برشما امروز نه شما اندوهگین شوید (٦٨) .

اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوْا مُسْلِمِيْنَ ﴿٦٩﴾

آن کسانیکه که ایمان آوردند بآیت های ماومسلمان بودند (٦٩) .

اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ اَنْتُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُوْنَ ﴿٧٠﴾

گفته شود درآئید به بهشت شماوزنان شما خوشحال ساخته (٧٠) .

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَّاَكْوَابٍ ۚ وَفِيْهَا
مَا تَشْتَهِيْهِ الْاَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْاَعْيُنُ ۚ وَاَنْتُمْ فِيْهَا
خٰلِدُوْنَ ﴿٧١﴾

گردانیده شود برایشان کاسه هائ پهن از زر و کوزها نیز دربهشت باشد آنچه خواهش کنند نفس ها ولذت ببرند ازدیدن اوچشم ها وشما درآنجا جاویدان باشید (٧١) .

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِيْٓ اُوْرِثْتُمُوْهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٧٢﴾

و این آن بهشت ست که عطا کرده شد شمارا بسبب آنچه عمل می کردید (٧٢) .

لَكُمْ فِيْهَا فَاكِهَةٌ كَثِيْرَةٌ مِّنْهَا تَاْكُلُوْنَ ﴿٧٣﴾

شماراست درآنجامیوه بسیارکه ازآن میخورید (٧٣) .

اِنَّ الْمُجْرِمِيْنَ فِيْ عَذَابِ جَهَنَّمَ خٰلِدُوْنَ ﴿٧٤﴾

هرآئینه‌گنهگاران درعذابِ دوزخ جاویدان اند (٧٤) .

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيْهِ مُبْلِسُوْنَ ﴿٧٥﴾

سست کرده نه شود ازایشان عقوبت وایشان درآن عذاب ناامید شده خاموش باشند (٧٥) .

وَمَا ظَلَمْنٰهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْا هُمُ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٧٦﴾

وستم نکردیم بر ایشان ولیکن بودند ایشان ستمگاران (٧٦) .

وَنَادَوْا يٰمٰلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ اِنَّكُمْ مّٰكِثُوْنَ ﴿٧٧﴾

وآوازدهندکه ای مالك باید که بمرگ حکم کند برماپرورد گارتو مالك گوید هرآئینه شما همیشه باشندگانید (٧٧) .

لَقَدْ جِئْنٰكُمْ بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُوْنَ ﴿٧٨﴾

هرآئینه آوردیم بشما سخن راست را ولیکن اکثر شماسخن راست را ناخواهانید (٧٨) .

أَمْ أَبْرَمُوٓا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾

آیاعزم مصمم کرده اندبرکاری پس هرآئینه مانیز عزم مصمم کنند گانیم (۷۹).

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾

آیامی پندارند که مانمی شنویم راز گو سرگوشی ایشانرا آری می شنویم وفرستادگانِ ما نزدیك ایشان می نویسند (۸۰).

قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَٰبِدِينَ ﴿٨١﴾

بگو اگربفرض باشد رحمٰن را فرزندی پس من نخستین عبادت کنندگان باشم (۸۱).

سُبْحَٰنَ رَبِّ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾

پاکست پروردگارآسمان ها وزمین خداوندِعرش ازآنچه بیان می کنند (۸۲).

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَٰقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِى يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾

پس بگذارایشان را تا درباطل بحث کنند وبازی پیش‌گیرندتاآنکه ملاقات کنند بآن روزخود که وعده داده میشود ایشان را (۸۳).

وَهُوَ الَّذِى فِى السَّمَآءِ إِلَٰهٌ وَفِى الْأَرْضِ إِلَٰهٌ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾

واوست آنکه درآسمان فرمان رواست ودر زمین فرمان روا واوست باحکمت دانا (۸٤).

وَتَبَارَكَ الَّذِى لَهُۥ مُلْكُ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُۥ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾

وبسیاربابرکت ست آنکه اوراست پاشاهی آسمان هاوزمین وآنچه درمیان هردواست ونزد اوست علم قیامت وبسوی او بازگردانیده شوید (۸۵).

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَٰعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

ونمی توانند آنانکه کفارپرستش می کنند ایشان را شفاعت کردن بغیر ازخدا لیکن کسی که‌گواهی راست داده باشد وایشان میدانند[1] (۸٦).

---

(۱) یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ فَأَنّٰى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾

وا گرسوال کنی ازایشان که کدام کس بیافرید ایشانرا البته گویند خدا آفریده است پس چگونه برگردانیده میشوند (ازعبادت خدا)(٨٧) .

وَقِيلِهِ يٰرَبِّ إِنَّ هٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

وبسا دعای پیغامبر که ای پرورد گارمن هرآئینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی آرند (٨٨) .

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلٰمٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

پس (فرمودیم) روگردان ازایشان وبگوسلامِ وداع پس خواهند دانست (٨٩) .

سُوْرَةُ الدُّخَانِ

سوره دخان مکی است وآن پنجاه ونه آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰمٓ (١) .

وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ﴿٢﴾

قسم به کتاب واضح (٢) .

إِنَّآ أَنْزَلْنٰهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبٰرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِيْنَ ﴿٣﴾

که هرآئینه ما فرود آوردیم این کتاب رادرشب مبارك[1] هرآئینه ما بودیم ترساننده (٣) .

فِيْهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيْمٍ ﴿٤﴾

درآن شب مبارك فیصله کرده میشود هرکار باحکمت (٤) .

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ ﴿٥﴾

فرودآوردیم آنرا بوحی کردن ازنزدیكِ خویش هرآئینه مابودیم فرستنده[2] (٥) .

رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿٦﴾

بسبب بخشائش ازنزدیكِ پرورد گار توهرآئینه اوست شنوادانا (٦) .

رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُّوْقِنِيْنَ ﴿٧﴾

پرورد گارآسمانها وزمین وآنچه درمیان این هردواست اگرهستید شما یقین کننده(٧) .

---

(١) یعنی لیلة القدر .

(٢) یعنی برپیغامبر فرود آوردیم آن را .

لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَآئِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٨﴾

نیست هیچ معبود برحق مگر اوزنده میکند ومی میراند پروردگارشماست وپروردگار پدران پیشین شماست (٨) .

بَلْ هُمْ فِيْ شَكٍّ يَّلْعَبُوْنَ ﴿٩﴾

بلکه کافران درشبهه ای بازی می کنند (٩) .

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَاْتِي السَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِيْنٍ ﴿١٠﴾

پس منتظر باش روزی را که بیارد آسمان دودی ظاهر (١٠) .

يَّغْشَى النَّاسَ هٰذَا عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١١﴾

که فروگیرد مردمان را این عذاب درد دهنده است (١١) .

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ اِنَّا مُؤْمِنُوْنَ ﴿١٢﴾

(گویند) ای پروردگار ما دورکن ازماعذاب هرآئینه مسلمان میشویم (١٢) .

اَنّٰى لَهُمُ الذِّكْرٰى وَقَدْ جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ مُّبِيْنٌ ﴿١٣﴾

چگونه بُوَدایشان را پند گرفتن و بتحقیق آمده بودبدیشان پیغامبر ظاهر (١٣) .

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوْا مُعَلَّمٌ مَّجْنُوْنٌ ﴿١٤﴾

بازروگردانیدند ازو وگفتند این شخص آموخته شدهٔ دیوانه است (١٤) .

اِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيْلًا اِنَّكُمْ عَآئِدُوْنَ ﴿١٥﴾

هرآئینه مادورکنندهٔ عذابیم اندکی هرآئینه شما عود کننده ایددرکفر (١٥) .

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرٰى اِنَّا مُنْتَقِمُوْنَ ﴿١٦﴾

روزی که درگرفت کنیم آن درگرفت کردن بزرگ هرآئینه ماانتقام کشنده ایم (١٦)[1] .

---

(١) مترجم گوید این وعده متحقق شد خدای تعالی درقریش قحط انداخت تاآنکه ازشدتِ جوع یاازکثرت بخار جَوّ چون دودی محسوس می شدوایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود بازبرکفر اصرار کردند خدای تعالی روزبدر ازایشان انتقام کشید که هفتادکس را از رؤساء ایشان کُشت وهفتاد کس را اسیر ساخت والله اعلم .

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَآءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٧﴾

وهرآئینه ماامتحان کردیم پیش ازایشان قوم فرعون را وآمد بدیشان پیغامبری گرامی قدر (١٧) .

أَنْ أَدُّوٓا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾

باین سخن که تسلیم کنید بمن بند گان خدارا[١] هرآئینه برای شما پیغامبر باامانتم (١٨) .

وَأَنْ لَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي ءَاتِيكُم بِسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ﴿١٩﴾

وسرکشی مکنید برخدا هرآئینه من بیارم پیش شما حجتِ ظاهررا (١٩) .

وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾

وهرآئینه من پناه گرفتم به پرورد گارخود و پرورد گارشماازآنکه سنگسار کنید مرا (٢٠) .

وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾

وا گرباورنمی دارید مرا پس یکسو شویدازمن (٢١) .

فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾

پس دعاکرد بجناب پرورد گار خود که اینجماعت قوم گنهگارا نند (٢٢) .

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾

(پس گفتیم) ببربند گانِ مرا وقت شب هر آئینه شمارا تعاقب کرده شود (٢٣) .

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾

وبگذار دریارا آرامیده هرآئینه این جماعت لشکری هست غرق شده (٢٤) .

كَمْ تَرَكُوا مِن جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾

بسیار گذاشتند ازبوستان ها وچشمه ها (٢٥) .

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾

وکِشتهاومحلِ گرامی (٢٦) .

وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَٰكِهِينَ ﴿٢٧﴾

وگذرانِ با رفاهیت که درآن محظوظ بودند (٢٧) .

كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَٰهَا قَوْمًا ءَاخَرِينَ ﴿٢٨﴾

همچنین شد وعطاکردیم این چیزهارابه گروهی دیگر (٢٨) .

---

(١) یعنی بنی اسرائیل را بمن حواله کنید و بنده مگیرید .

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ﴿٢٩﴾

پس نگِریست برین قوم (فرعون) آسمان وزمین ونه شدند مهلت داده شده (٢٩).

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَاءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾

وهرآئینه ماخلاص کردیم بنی اسرائیل رااز عذاب خوارکننده (٣٠) .

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾

که ازجانب فرعون بود هرآئینه فرعون بود سرکشی ازتعدی کنندگان (٣١) .

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾

وهرآئینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته برعالم ها (٣٢) .

وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ﴿٣٣﴾

ودادیم ایشان رااز قسم معجزات آنچه درآن امتحانِ ظاهر بود (٣٣) .

إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾

هرآئینه این جماعت می گویند (٣٤) .

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ﴿٣٥﴾

که نیست عاقبت کارمگرهمین موت نخستینِ ما ونیستیم ما برانگیخته شده (٣٥) .

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾

پس بیارید پدران ماراا گرهستید راست گویان (٣٦) .

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾

آیااین جماعت بهتراند یاقوم تبع (حمیری) وآنانکه پیش ازایشان بودند هلاك ساختیم آنهارا هر آئینه آنها گنه گار بودند (٣٧) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ﴿٣٨﴾

ونیافریدیم آسمان ها وزمین را وآنچه درمیان هردواست بازی کنان (٣٨) .

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

نیافریدیم این هردو را مگربتدبیرِ درست ولیکن اکثرایشان نمیدانند (٣٩) .

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾

هرآئینه روزقیامت میعادِ ایشانست همه یك جا (٤٠) .

يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤١﴾

روزی که دفع نه کند هیچ دوستی ازدوستِ دیگر چیزی را ونه ایشان را نصرت داده شود (٤١) .

اِلَّا مَنْ رَّحِمَ اللّٰهُ ؕ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۟ ﴿٤٢﴾

مگر آنکه رحم کرد بروخدا هرآئینه خداغالب مهربان ست (٤٢) .

اِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّوْمِ ۟ ﴿٤٣﴾

هرآئینه درخت زقوم (٤٣) .

طَعَامُ الْاَثِيْمِ ۛ ﴿٤٤﴾

طعام گنهگارست (٤٤) .

كَالْمُهْلِ ۛ يَغْلِيْ فِي الْبُطُوْنِ ۟ ﴿٤٥﴾

مثلِ مِسِ گداخته شده بجوشد در شکم ها (٤٥) .

كَغَلْيِ الْحَمِيْمِ ﴿٤٦﴾

مانند جوشیدن آب گرم (٤٦) .

خُذُوْهُ فَاعْتِلُوْهُ اِلٰى سَوَآءِ الْجَحِيْمِ ۟ ﴿٤٧﴾

(گوئیم ای فرشتگان) بگیرید این گنه گاررا پس به سختی بکشیدش بسوی میانهٔ دوزخ (٤٧) .

ثُمَّ صُبُّوْا فَوْقَ رَاْسِهٖ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيْمِ ؕ ﴿٤٨﴾

بازبریزید بالای سراوازآب گرم که عقوبت ست (٤٨) .

ذُقْ ۚ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْكَرِيْمُ ﴿٤٩﴾

(گوئیم) بچش هرآئینه توئی بزعم خود بزرگوار گرامی قدر (٤٩) .

اِنَّ هٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهٖ تَمْتَرُوْنَ ﴿٥٠﴾

هرآئینه این ست آنچه درآن شبهه می کردید (٥٠) .

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ مَقَامٍ اَمِيْنٍ ۟ ﴿٥١﴾

هرآئینه متقیان درجایگاه باامن باشند (٥١) .

فِيْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ۚۖ ﴿٥٢﴾

دربوستان هاوچشمه ها (٥٢) .

يَّلْبَسُوْنَ مِنْ سُنْدُسٍ وَّاِسْتَبْرَقٍ مُّتَقٰبِلِيْنَ ۚۖ ﴿٥٣﴾

بپوشند ازحریرنازك وحریرلك روبروی یکدیگر شده (٥٣) .

كَذٰلِكَ ۫ وَزَوَّجْنٰهُمْ بِحُوْرٍ عِيْنٍ ؕ ﴿٥٤﴾

این چنین باشد حال وجفت کنیم ایشان را باحورِکشاده چشم (٥٤) .

يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِيْنَ ۟ ﴿٥٥﴾

بطلبند آنجا هرمیوه را ایمن شده (٥٥) .

لَا يَذُوْقُوْنَ فِيْهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ الْاُوْلٰى ۚ وَوَقٰهُمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ ۟ ﴿٥٦﴾

نه چشند آنجامرگ لیکن چشیده بودند مرگِ نخستین را ونگاه داشت ایشان را خداازعذاب دوزخ (٥٦) .

فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكَ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ﴿٥٧﴾

بسبب بخشائش ازجانبِ پروردگارتو این

ست پیروزی بزرگ (٥٧) .

فَإِنَّمَا يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ (٥٨)

جزاین نیست که آسان ساختیم قرآنرابزبان توتابُوَد که ایشان پندپذیرشوند (٥٨) .

فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُوْنَ (٥٩)

پس منتظر باش هرآئینه ایشان نیز منتظر انند (٥٩) .

سُوْرَةُ الْجَاثِيَةِ

سوره جاثیه مکی است وآن سی و هفت آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ (١)

حٰمٓ (١) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ (٢)

فروفرستادن این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (٢) .

إِنَّ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَاٰيٰتٍ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ (٣)

هرآئینه درآسمانها وزمین نشانه هاست باوردارندگان را (٣) .

وَفِيْ خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَآبَّةٍ اٰيٰتٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ (٤)

ودرآفرینشِ شماودرآفرینشِ آنچه پراگنده میسازد از جانوران نشانه هاست قومی را که یقین میکنند (٤) .

وَاخْتِلَافِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ
رِّزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيْفِ الرِّيٰحِ اٰيٰتٌ
لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ (٥)

ودرآمد ورفت شب و روز ودرآنکه فرودآورد خدا ازآسمان روزی [1] پس زنده کرد بسبب باران زمین را بعد مرده بودنِ آن ودگردانیدن بادها نشانه هاست قومی را که درمی یابند (٥) .

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيْثٍ بَعْدَ
اللّٰهِ وَاٰيٰتِهِ يُؤْمِنُوْنَ (٦)

این نشانه های خداست میخوانیم آن را برتو براستی پس بکدام سخن بعد پند خدا وآیت های اوایمان آرند (٦) .

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيْمٍ (٧)

وای هردروغگوی گنهگاررا (٧) .

---

(١) یعنی باران .

يَسْمَعُ اٰيٰتِ اللّٰهِ تُتْلٰى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ لَّمْ يَسْمَعْهَا ۚ فَبَشِّرْهُ
بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٨﴾

که می شنود آیاتِ خدارا که خوانده میشود بروی بازلازم می‌گیرد کفررا تکبر کرده‌گویا نشنیده است آنراپس مژده ده اورا به عذابِ درد دهنده (۸) .

وَاِذَا عَلِمَ مِنْ اٰيٰتِنَا شَيْـًٔا اتَّخَذَهَا هُزُوًا ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ
عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ﴿٩﴾

وچون واقف شد برچیزی ازآیاتِ ما به تمسخرگیردآن را آنجماعت ایشان راست عذاب خوارکننده (۹) .

مِنْ وَّرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ ۚ وَلَا يُغْنِيْ عَنْهُمْ مَّا كَسَبُوْا شَيْـًٔا وَّلَا مَا اتَّخَذُوْا
مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْلِيَآءَ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ﴿١٠﴾

آن طرف ایشان دوزخ ست ودفع نکند ازایشان آنچه کسب کردند چیزی را ودفع نه کنند نیز آنکه دوستان‌گرفته اند بغیراز خدا وایشانرا ست عذاب بزرگ (۱۰) .

هٰذَا هُدًى ۚ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ
رِّجْزٍ اَلِيْمٌ ﴿١١﴾

این قرآن هدایت ست وآنانکه کافرشدند بآیاتِ پروردگارخویش ایشانراست عذاب درد دهنده ازجنس عقوبتِ سخت (۱۱) .

اَللّٰهُ الَّذِيْ سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيْهِ بِاَمْرِهٖ وَلِتَبْتَغُوْا
مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ﴿١٢﴾

خدای آنست که مُسَخَّر کردبرای شما دریا را تاروان شود کشتی ها درآن بفرمانِ اووتاطلبِ معیشت کنید ازفضلِ اووبُوَد که شما شکرگذاری کنید (۱۲) .

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ جَمِيْعًا مِّنْهُ ؕ اِنَّ
فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿١٣﴾

ومسخر کرد برای شما آنچه درآسمان هاست وآنچه در زمین ست همه یکجا پدید آورده ازجانب خود هرآئینه درین مقدمه نشانه‌هاست گروهی را که تفکر میکنند (۱۳) .

قُلْ لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَغْفِرُوْا لِلَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ اَيَّامَ اللّٰهِ لِيَجْزِيَ
قَوْمًۢا بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿١٤﴾

بگو مسلمانان را که درگذر کنند ازآنجماعت که توقع روزهای خدا نه دارند[۱] تاسزادهد خداگروهی را بحسب

(۱) یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمالِ ایشان باشد .

آنچه میکردند (١٤) .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ اَسَآءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ اِلٰى
رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿١٥﴾

هرکه بکند کارشائسته پس نفع اوراست وهرکه بدکاری کند پس وبال براوست باز بسوی پرورد گارخویش بازگردانیده خواهید شد (١٥) .

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنٰهُمْ
مِّنَ الطَّيِّبٰتِ وَفَضَّلْنٰهُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٦﴾

وهرآئینه دادیم بنی اسرائیل راکتاب ودانش مندی وپیغامبری و روزی دادیم ایشان راازنعمت های پاکیزه وفضیلت دادیم ایشان را برعالم ها (١٦) .

وَاٰتَيْنٰهُمْ بَيِّنٰتٍ مِّنَ الْاَمْرِ ۚ فَمَا اخْتَلَفُوْٓا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ
الْعِلْمُ بَغْيًاۢ بَيْنَهُمْ ۚ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ يَوْمَ
الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿١٧﴾

ودادیم ایشان را نشانه های واضح درباب دین پس اختلاف نکردند مگر بعدازآنکه آمد بدیشان دانش ازروی تعدّی بایکدیگر هرآئینه پرورد گارتو فیصله کند میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند درآن (١٧) .

ثُمَّ جَعَلْنٰكَ عَلٰى شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْاَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ
الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿١٨﴾

بازساختیم ترا برراه ظاهر ازدین پس پیروی کن آنرا وپیروی مکن خواهشات آنانرا که نمیدانند (١٨) .

اِنَّهُمْ لَنْ يُّغْنُوْا عَنْكَ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا ۚ وَاِنَّ الظّٰلِمِيْنَ بَعْضُهُمْ
اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِيْنَ ﴿١٩﴾

هرآئینه ایشان دفع نخواهند کرداز توچیزی ازعقوبتِ خدا وهرآئینه ستمگاران بعض ایشان کارسازان بعض اند وخدا کارساز متقیانست (١٩) .

هٰذَا بَصَآئِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ﴿٢٠﴾

این قرآن دلیل های واضح ست مردمان راوهدایت ست وبخشائش گروهی را که یقین می کنند (٢٠) .

اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ اجْتَرَحُوا السَّيِّاٰتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۙ سَوَآءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ﴿٢١﴾ ع

آیا پنداشتند آنانکه کردند جرمها که قراردهیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند، یکسان

باشد زند گانی ایشان ومُردن ایشان بدحکمِ ایشان ست این حکم (٢١) .

وَخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿٢٢﴾

وآفریدخدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست وتاعاقبت کار جزا داده شود هر شخصی بحسب آنچه عمل کرده است وبرایشان ستم کرده نشود (٢٢) .

اَفَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَّخَتَمَ عَلٰى
سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهٖ غِشٰوَةً فَمَنْ يَّهْدِيْهِ مِنْۢ
بَعْدِ اللّٰهِ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٣﴾

آیادیدی کسی را که معبود خودگرفته است خواهش نفس خودرا وگمراه کرد اوراخداباوجود دانش ومُهر نهاد برگوش اوودل او وپیداکرد برچشم او پرده پس کیست که راه نماید اورا بعد خدا آیاپندنمی‌گیرید (٢٣) .

وَقَالُوْا مَا هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَآ اِلَّا
الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّوْنَ ﴿٢٤﴾

وگفتند نیست زندگانی مگر همین زند گانی این جهانی مامی میریم وزنده میشویم وهلاك نمی کند مارا مگر زمانه ونیست ایشان را باین مقدمه هیچ دانش نیستند ایشان مگرگمان می کنند (٢٤) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ اِلَّآ اَنْ قَالُوا
ائْتُوْا بِاٰبَآئِنَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٢٥﴾

وچون خوانده شود برایشان آیت های ماواضح آمده نه بُوَد شبههٔ ایشان مگرآنکه گویند بیارید پدران مارا اگرهستید راست گو (٢٥) .

قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيْكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
لَا رَيْبَ فِيْهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٢٦﴾

بگو خدازنده میکندشمارا بازمی میراند شمارا بازجمع کند شمارا بروزقیامت هیچ شبهه نیست درآن ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (٢٦) .

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَّخْسَرُ
الْمُبْطِلُوْنَ ﴿٢٧﴾

وخدای راست پادشاهی آسمان هاوزمین وروزی که قائم شود قیامت آن روز زیان کارشوند تباه کاران (٢٧) .

وَتَرٰى كُلَّ اُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ اُمَّةٍ تُدْعٰٓى اِلٰى كِتٰبِهَا اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ
مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٨﴾

وببینی هرگروهی را بزانودرآمده، هرگروهی را خوانده شود بسوی نامهٔ

اعمـال او (يعنـی بـرای سـوال وجـواب مهياشده گوئيم) امروز جزا داده شود شمارا بحسب آنچه ميكرديد (٢٨).

هٰذَا كِتٰبُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٢٩﴾

گوئيم اين نامهٔ ماست كه اظهار حقيقت ميكند برشما براستی هرآئينه ما می نوشتيم آنچه شماعمل می كرديد (٢٩) .

فَأَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۚ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِيْنُ ﴿٣٠﴾

پس اما آنانكه ايمان آوردند وكارهای شائسته كردند پس در آرد ايشان را پروردگارايشان دررحمت خود اين ست پيروزی ظاهر (٣٠) .

وَأَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۗ أَفَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِيْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ ﴿٣١﴾

واما آنانكه كافرشدند (ايشانرا گوئيم) آياخوانده نمی شد برشماآياتِ من پس تكبر كرديد وقومِگنهگار بوديد (٣١) .

وَإِذَا قِيْلَ إِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَّالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيْهَا قُلْتُمْ مَّا نَدْرِيْ مَا السَّاعَةُ ۙ إِنْ نَّظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَّمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِيْنَ ﴿٣٢﴾

وچون‌گفته شد كه وعدهٔ خداراست است وقيامت هيچ شبهه نيست درآن گفتيد نميدانيم چيست قيامت تصور نمی كنيم آن را مگر باحتمالِ ضعيف ونيستيم ما يقين كنندگان (٣٢) .

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّاٰتُ مَا عَمِلُوْا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٣٣﴾

وظاهر شدايشانرا عقوبت های آنچه بآن عمل كرده بودند ودرگرفت ايشان را آنچه بآن استهزامی كردند (٣٣) .

وَقِيْلَ الْيَوْمَ نَنْسٰىكُمْ كَمَا نَسِيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا وَمَأْوٰىكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ ﴿٣٤﴾

وگفته شود امروز فراموش كنيم شمارا چنانكه فراموش كرديد ملاقات اين روزخـودرا وجـای شمـا دوزخ سـت و نيست شمارا هيچ نصرت دهنده (٣٤) .

ذٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَّغَرَّتْكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا ۚ فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُوْنَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُوْنَ ﴿٣٥﴾

اين عذاب بسبب آنست كه شمابه تمسخر گرفتيد آيات خدارا وفريفته كرد شمارا زندگانی دنيا پس امروز بيرون كرده نشوند ازدوزخ ونه ازايشان رضامندی خدا طلب كرده شود (٣٥) .

فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٣٦﴾

پس خدای راست ستائش پرورد گار آسمانها وپروردگارزمین پروردگارعالم ها (٣٦) .

وَلَهُ الْكِبْرِيَآءُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۪ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٣٧﴾

اوراست بزرگی درآسمان هاوزمین واوست غالب باحکمت (٣٧) .

سُوْرَةُ الْاَحْقَافِ

سوره احقاف مکی است وآن سی وپنج آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

حٰمٓ ﴿١﴾

حٰمٓ(١) .

تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ﴿٢﴾

فروفرستادنِ کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (٢) .

مَا خَلَقْنَا السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ
مُّسَمًّى ؕ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَمَّآ اُنْذِرُوْا مُعْرِضُوْنَ ﴿٣﴾

نیافریدیم آسمان ها وزمین را وآنچه درمیان هردوست مگر به تدبیر درست وبمیعادی معین وآنانکه کافر شدندازآنچه ترسانیده شدایشان را روگردانند (٣) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقُوْا
مِنَ الْاَرْضِ اَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوٰتِ ؕ اِيْتُوْنِيْ بِكِتٰبٍ مِّنْ
قَبْلِ هٰذَآ اَوْ اَثٰرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٤﴾

بگوآیا دیدید آنچه می پرستید بجز خدا بنمائید مرا چه چیز آفریده اند اززمین یاایشانرا شرکتیست درآسمان ها بیارید بمن کتابی که آمده باشد پیش ازین یابقیه ازعلم اگرهستید راست گو (٤) .

وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ يَّدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيْبُ
لَهٗٓ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَآئِهِمْ غٰفِلُوْنَ ﴿٥﴾

وکیست گمراه تر ازکسی که بخواند بجز خداکسی را که قبول نکند خواندنش تاروزقیامت واین معبودانِ باطل ازخواندن ایشان غافل اند (٥) .

وَاِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوْا لَهُمْ اَعْدَآءً وَّكَانُوْا بِعِبَادَتِهِمْ
كٰفِرِيْنَ ﴿٦﴾

وچون جمع کرده شوند مردمان باشند این معبودان ایشانرا دشمن وباشند به عبادت ایشان منکر (٦) .

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلْحَقِّ

چون خوانده شود برایشان آیاتِ ماواضح آمده گویند این کافران سخن

لَمَّا جَآءَهُمْ هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ۞ ٧

درست را چون بیامد بدیشان این سحر ظاهرست (٧) .

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ؕ قُلْ اِنِ افْتَرَيْتُهٗ فَلَا تَمْلِكُوْنَ
لِيْ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ؕ هُوَ اَعْلَمُ بِمَا تُفِيْضُوْنَ فِيْهِ ؕ كَفٰى بِهٖ
شَهِيْدًا بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ ؕ وَهُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ ۞ ٨

بلکه میگویند بربسته است آنراپیغامبربگو اگر بربسته ام آنراپس نمی توانید شما برای من ازخدا چیزی خدا دانا ترست به گفتگوی شمادرقرآن بس ست خدااظهار حق کننده درمیان من ودرمیان شما واوست آمرزگار مهربان (٨) .

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَآ اَدْرِيْ مَا يُفْعَلُ بِيْ وَلَا بِكُمْ ؕ
اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰٓى اِلَيَّ وَمَآ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ۞ ٩

بگونیستم من نوآمده ازپیغامبران ونمی دانم چه کرده خواهد شد بامن وباشما(یعنی دردنیا)پیروی نمی کنم الّا آنچه وحی فرستاده میشود بسوی من ونیستم من مگرترسانندهٔ آشکار (٩) .

قُلْ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهٖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ
مِّنْ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ عَلٰى مِثْلِهٖ فَاٰمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۞ ١٠

بگوآیا دیدید ا گرباشد قرآن ازنزد خدا ومنکر شدید بآن وگواهی داده باشد گواهی ازبنی اسرائیل برقرآن پس وی ایمان آورد وسرکشی کردید شما البته ستمگار باشید هرآئینه خداراه نمی نماید گروه ستمگاران را (١٠) .

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُوْنَآ
اِلَيْهِ ؕ وَاِذْ لَمْ يَهْتَدُوْا بِهٖ فَسَيَقُوْلُوْنَ هٰذَآ اِفْكٌ قَدِيْمٌ ۞ ١١

وگفتند کافران درحق مسلمانان ا گردین بهتر بودی سبقت نکردند برمابسوی آن وچون راه نیافتند بآن پس خواهند گفت این دروغی ست قدیم (١١) .

وَمِنْ قَبْلِهٖ كِتٰبُ مُوْسٰٓى اِمَامًا وَّرَحْمَةً ؕ وَهٰذَا كِتٰبٌ مُّصَدِّقٌ
لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنْذِرَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا ۖ وَبُشْرٰى لِلْمُحْسِنِيْنَ ۞ ١٢

وپیش ازقرآن کتاب موسیٰ بود پیشواوبخشائش و این کتابیست باوردارنده به زبان عربی آمده برای آنکه بترساند ستمگاران را وبرای مژده دادن نیکوکاران را (١٢) .

اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

هرآئینه آنانکه گفتند پرورد گار ماخداست

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾

بازقایم ماندند پس هیچ ترس نیست برایشان ونه ایشان اندوه خورند (١٣) .

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

این جماعت اهل بهشت اند جاویدان آنجاپاداش داده شوند بحسب آنچه می کردند (١٤) .

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا ۖ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا
وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا ۖ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ
أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ
الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۖ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾

وامرکردیم آدمی را درحق پدرو مادراو نیکوکاری درشکم برداشته است اورا مادراو به دشواری و زاده است اورا به دشواری و مدت بارگرفتن اوواز شیرباز کردن او سی ماه ست وزنده ماند تاوقتیکه رسید بکمال قوت خود و رسید بچهل سال گفت ای پرورد گارمن الهام کن مرا تا شکرگوئیم درمقابلهٔ نعمت تو که انعام کرده ای برمن وبرپدرومادرمن وتاکارنیك کنم که خوشنود شوی ازآن وصلاح پیداکن برای من در فرزندان من هرآئینه من رجوع کردم بسوی تو وهرآئینه من ازمسلمانانم (١٥) .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ
فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ ۖ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾

این جماعت آنندکه قبول می کنیم ازایشان نیکوترین آنچه عمل کرده اند ودرگذریم ازجرمهای ایشان دراهل بهشت باشند به وفق وعده راستی که وعده داده می شوند (١٦) .

وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ

وآنشخص که گفت به پدرومادر خود دل تنگ شدم به نسبت شماآیاوعده میدهید مراکه برآورده شوم[1] وهرآئینه گذشته اند

---

(١) یعنی ازقبر .

الْقُرُوْنُ مِنْ قَبْلِيْ ۚ وَهُمَا يَسْتَغِيْثٰنِ اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ ۖ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ ۚ فَيَقُوْلُ مَا هٰذَاۤ اِلَّاۤ اَسَاطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٧﴾

طبقه های مردم پیش ازمن[1] وآن هردوفریاد میکنند بجناب خدا میگویندوای برتومسلمان شوهرآئینه وعدهٔ خداراست ست پس گوید نیست این وعده مگرافسانه های پیشینیان (١٧).

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِيْۤ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا خٰسِرِيْنَ ﴿١٨﴾

این جماعت آنانند که ثابت شدبرایشان وعدهٔ عذاب ازجملهٔ امت ها که گذشته اند پیش ازایشان از جنیان وآدمیان هرآئینه ایشان بودند زیان کاران (١٨).

وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوْا ۚ وَلِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ﴿١٩﴾

وهریکی را مرتبه هاست بحسب آنچه عمل کردند وتابتمام دهدخداایشان را جزای اعمال ایشان و ایشان ستم کرده نه شوند (١٩).

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَى النَّارِ ؕ اَذْهَبْتُمْ طَيِّبٰتِكُمْ فِيْ حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا ۚ فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُوْنِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُوْنَ ﴿٢٠﴾

وروزیکه پیش آورده شوند کافران برآتش (گفته شود) ضائع کردید نعمت های خودرا درزند گانی دنیاوی خویش و بهره مند شدید بآن پس امروز جزا داده شودشمارا عذابِ خواری بسبب آنکه تکبرمی کردید در زمین ناحق وبسبب آنکه بدکاری میکردید[2] (٢٠).

وَاذْكُرْ اَخَا عَادٍ ؕ اِذْ اَنْذَرَ قَوْمَهٗ بِالْاَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ

ویادکن برادر قوم عاد را چون بترسانید قوم خودرا بسرزمین احقاف وهرآئینه

---

(١) یعنی هیچکس ازایشان باززنده نه شد والله اعلم .

(٢) مترجم گوید این تصویراست حال سعید وشقی را پس سعید حق خدای تعالی و حق ابوین بجامی آورد وبانواع نعم محظوظ میشود درجمیع امور بحق تعالی رجوع میکند وشقی جمع می کند میان کفرو بحقوق والدین وانکار معاد وصورتِ سعید منطبق است برحضرت ابوبکر صدیق وغیرایشان نیز والله اعلم .

النُّذُرُ مِنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦٓ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّا
اللَّهَ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ عَذَابَ يَوۡمٍ عَظِيمٖ ﴿٢١﴾

گذشته بودند ترسانند گان پیش روی وَی وپس از وی[1]که عبادت مکنید مگرخدارا هرآئینه من میترسم برشما ازعقوبتِ روز بزرگ (٢١) .

قَالُوٓاْ أَجِئۡتَنَا لِتَأۡفِكَنَا عَنۡ ءَالِهَتِنَا فَأۡتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ
إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٢﴾

گفتند آیاآمده ای پیش ما تا بازداری مارا ازپرستشِ معبودان خود پس بیارآنچه وعده میدهی مارا اگرهستی ازراست‌گویان (٢٢).

قَالَ إِنَّمَا ٱلۡعِلۡمُ عِندَ ٱللَّهِ وَأُبَلِّغُكُم مَّآ أُرۡسِلۡتُ بِهِۦ وَلَٰكِنِّيٓ
أَرَىٰكُمۡ قَوۡمٗا تَجۡهَلُونَ ﴿٢٣﴾

گفت جزاین نیست که علم نزدیك خداست ومیرسانم بشما آنچه فرستاده شدم همراه اوولیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی میکنید (٢٣) .

فَلَمَّا رَأَوۡهُ عَارِضٗا مُّسۡتَقۡبِلَ أَوۡدِيَتِهِمۡ قَالُواْ هَٰذَا عَارِضٞ
مُّمۡطِرُنَاۚ بَلۡ هُوَ مَا ٱسۡتَعۡجَلۡتُم بِهِۦۖ رِيحٞ فِيهَا عَذَابٌ
أَلِيمٞ ﴿٢٤﴾

پس چون دیدند آن عقوبت را بصورت ابری روآورده به میدان های ایشان گفتند این ابریست باراننده‌ٔ برمابلکه بحقیقت آن ابرچیز یست که بشتاب طلب کردید آنرا بادیست که دروی عقوبتِ درد دهنده است (٢٤) .

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيۡءِۭ بِأَمۡرِ رَبِّهَا فَأَصۡبَحُواْ لَا يُرَىٰٓ إِلَّا
مَسَٰكِنُهُمۡۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٢٥﴾

برهم زندهرچیزرا بفرمانِ پرورد گارخویش پس گشتند باین صفت که دیده نمی شد بجز خانه های ایشان همچنین جزا میدهیم گروه گناهگاران را (٢٥) .

وَلَقَدۡ مَكَّنَّٰهُمۡ فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمۡ فِيهِ وَجَعَلۡنَا لَهُمۡ
سَمۡعٗا وَأَبۡصَٰرٗا وَأَفۡـِٔدَةٗ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ سَمۡعُهُمۡ
وَلَآ أَبۡصَٰرُهُمۡ وَلَآ أَفۡـِٔدَتُهُم مِّن شَيۡءٍ إِذۡ كَانُواْ

وهرآئینه جاداده بودیم قوم عاد را درآنچه جای نه داده ایم شمارا درآن وساخته بودیم برای قوم عاد گوش وچشمها ودل هاپس دفع نکرد ازایشان

(١) یعنی ازهر جانب باین مضمون .

يَجْحَدُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ
يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿٢٦﴾

گوشِ ایشان ونه چشمهای ایشان ونه دلهای ایشان چیزی را ازبسکه انکارمی کردند به نشانه های خدا و فرا گرفت بایشان آنچه بآن استهزامی کردند (٢٦) .

وَلَقَدْ اَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقُرٰى وَصَرَّفْنَا الْاٰيٰتِ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿٢٧﴾

وهرآئینه هلاك کردیم آنچه دوروبر شماست ازدیه ها وگونا گون پدید آوردیم نشانه هابُوَد که ایشان بازگردند (٢٧) .

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ قُرْبَانًا
اٰلِهَةً ۭ بَلْ ضَلُّوْا عَنْهُمْ ۚ وَذٰلِكَ اِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوْا
يَفْتَرُوْنَ ﴿٢٨﴾

پس چرا نصرت نه دادند ایشان راآنانکه معبودان گرفتند بغیرازخدا قرب خداجویان بلکه گم شدند ازنظرِ ایشان وهمین ست دروغِ ایشان وآنچه برمی بافتند (٢٨) .

وَاِذْ صَرَفْنَآ اِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُوْنَ الْقُرْاٰنَ ۚ
فَلَمَّا حَضَرُوْهُ قَالُوْٓا اَنْصِتُوْا ۚ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا اِلٰى قَوْمِهِمْ
مُّنْذِرِيْنَ ﴿٢٩﴾

ویادکن چون متوجه ساختیم بسوی توجماعتی راازجن می شنیدند قرآن را پس چون حاضر شدند پیش پیغمبربایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شدبازگشتند بسوی قوم خود بیم کنان(١) (٢٩) .

قَالُوْا يٰقَوْمَنَآ اِنَّا سَمِعْنَا كِتٰبًا اُنْزِلَ مِنْۢ بَعْدِ مُوْسٰى مُصَدِّقًا
لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ وَاِلٰى طَرِيْقٍ مُّسْتَقِيْمٍ ﴿٣٠﴾

گفتند ای قومِ ماهرآئینه ما شنیدیم کتابی را که فرود آورده شد بعدازموسیٰ باور دارندهٔ آنچه پیش ازوبود راه می نماید بسوی دین راست وبسوی راه راست (٣٠) .

يٰقَوْمَنَآ اَجِيْبُوْا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاٰمِنُوْا بِهٖ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ
وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٣١﴾

ای قومِ ماقبول کنید سخنِ دعوت کننده را بسویِ خداوایمان آرید بوی تا بیامرزد خدا برای شما بعض گناهان شمارا وپناه

---

(١) مترجم گوید چند کس از جن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وآنحضرت صلی الله علیه وسلم درآن حالت نماز فجر می گذارد دربطنِ نخله قرآن استماع کردند چون بازگشتند قوم خودرا انذار نمودند اشارت باین قصه استَ درین آیات .

دهد شمارا ازعذاب درد دهنده (٣١) .

وَمَنْ لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللّٰهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهٗ مِنْ دُوْنِهٖٓ أَوْلِيَآءُ ۚ أُولٰٓئِكَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٣٢﴾

وهركه قبول نكند گفته دعوت كننده بخدارا پس نيست عاجز كننده درزمين و نيست اورا بجز خدا دوستان آنجماعت درگمراهی ظاهرند (٣٢) .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللّٰهَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى أَنْ يُّحْيِيَ الْمَوْتٰى ۚ بَلٰٓى إِنَّهٗ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٣٣﴾

آيا ندانستند اينكه خدا آفريده است آسمان هاوزمين را ومانده نه شددرآفريدنِ اينهاتواناست برآنكه زنده كندمُرد گان را آری چنين ست هرآئينه اوبرهرچيز تواناست (٣٣) .

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَلَى النَّارِ ۚ أَلَيْسَ هٰذَا بِالْحَقِّ ۚ قَالُوْا بَلٰى وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ ﴿٣٤﴾

وروزی كه پيش آورده شوند كافران برآتش (گفته شود) آيا نيست اين وعدهٔ درست، گويند آری قسم به پروردگار مادُرُستست گويد پس بچشيد عقوبت را بسبب آنكه كافر بوديد (٣٤) .

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَّهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوْعَدُوْنَ لَمْ يَلْبَثُوْٓا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ ۚ بَلٰغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿٣٥﴾

پس صبر كن چنانكه صبر كرده بودند خداوندانِ همّتِ عالی ازپيغامبران وشتاب طلب مكن عقوبت را برای ايشان روزيكه ببينند آنچه وعده داده ميشود ايشانرا چنانستی كه ايشان نمانده بودند[1] مگر يكساعت از روز اين پيغام رسانيدن است پس هلاك كرده نخواهند شدمگرقوم بدكاران (٣٥) .

سُوْرَةُ مُحَمَّدٍ

سوره محمد مدنی است وآن سی وهشت آيت وچهاررکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاينده مهربان .

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿١﴾

آنانكه كافرشدند بازداشتند مردمان را از

(١) يعنی دردنيا .

راه خدا تباه وبرباد کرد خدا اعمالِ ایشانرا (١) .

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۙ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾

وآنانکه ایمان آوردند و کارهای شائسته کردندومعتقد شدند بآنچه فرودآورده شدبرمحمد صلی الله علیه وسلم وآن راستست آمده ازپروردگار ایشان دور ساخت ازایشان جرمهای ایشانرا وبصلاح آورد حال ایشان را (٢) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿٣﴾

این بسبب آنست که کافران پیروی ازباطل کردند ومومنان پیروی دین راست کردند که ازجانب پروردگار ایشانست همچنین بیان میکند خدا برای مردمان داستانهای ایشان را (٣) .

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٤﴾

پس چون مصاف کنید باکافران پس بزنید گردن هارا تاوقتیکه چون خونریزی بسیار کردید درایشان پس محکم کنید قید را پس باحسان خلاص کردن است بعد ازین ویامالی بعوض گرفتن تاآنکه بنهد جنگ سلاح خودرا[١] اینست حکم واگر خواستی خداخود انتقام کشیدی ازایشان ولیکن میخواهد که امتحان کند بعض شمارا با بعضی وآنانکه کشته شدند درراهِ خدا پس برباد نخواهد کرد عمل ایشان را (٤) .

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ﴿٥﴾

راه خواهد نمودایشانرا ونیك خواهد کردحال ایشانرا (٥) .

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٦﴾

ودرخواهدآورد ایشان را به بهشتی که

(١) یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند والله اعلم .

شناساکرده است ایشان را به آن(٦) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ
أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾

ای مسلمانان اگرنصرت دهید دین خدارا نصرت دهد خداشمارا وثابت کند قدمهای شمارا (٧) .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٨﴾

وآنانکه کافرشدند پس هلاك باد ایشان را وبرباد کرد خدااعمال ایشان را (٨) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾

این بسبب آنست که ایشان ناپسند کردند چیزی را که فرودآورده است خداپس برباد کردخدااعمال ایشانرا (٩) .

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
مِن قَبْلِهِمْ ۚ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ﴿١٠﴾

آیاسیرنه کرده اندررزمین تابنگرند چگونه بود انجام آنانکه پیش ازایشان بودند نابود ساخت خدا ایشان را وکافران را است مانند این عقوبت (١٠) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ
لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ ﴿١١﴾

این بسبب آنست که خداکار سازِ مسلمانان ست وبسبب آنست که کافران را هیچ کارسازنیست ایشانرا (١١) .

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا
تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَّهُمْ ﴿١٢﴾

هرآئینه خدا در آرد آنان را که ایمان آورده اندوکارهای شائسته کرده اند به بوستانهائی که میرود زیرِآن ها جویها وآنانکه کافرشدند بهره برمیگیرند و میخورند چنانکه میخورند چهارپایان وآتش جای ایشانست (١٢) .

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ
أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾

وبسیار ازده که قوی تربود ازدِه تو که جلا وطن کرد ترا هلاك ساختیم ایشانرا پس نبود هیچ نصرت دهنده برای ایشان (١٣) .

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم ﴿١٤﴾

آیا کسیکه باشدبر طریقهٔ روشن از پروردگار خویش مانندِ آن کس ست که

آراسته کرده شددرنظرِ اوبدکاری و پیروی کردند خواهش های خودرا (١٤) .

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ
آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ
لِّلشَّارِبِينَ ۚ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ
الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ ۖ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا
مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾

صفتِ بهشتی که وعده داده شد متقیانرا اینست درآن بهشت جویها ست ازآب که بدیرماندگی متغیر نشده وجویهاست ازشیر که مزهٔ اوبرنه گشته وجویهاست ازمَی لذت دهنده آشامند گان را وجویهاست ازعسلِ صاف کرده شده وایشانرا ست آن جا ازهر جنس میوه ها وایشان راست آمرزش ازپروردگار ایشان (آیااینجماعت) مانند آنست که همیشه باشددر آتش ونوشانیده شوند آب گرم پس پاره پاره ساخت روده های ایشانرا (١٥) .

وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ
اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾

و[1] ازمردمان کسی هست که گوش می نهد بسوی توتاوقتیکه چون بیرون روندازنزد توگویند بآنانکه عطاکرده شد ایشانرا علم چه چیز گفت پیغامبرالحال آنجماعت آنانند که مُهر نهاده است خدابردل های ایشان و پیروی کردند خواهش نفسِ خود را(١٦) .

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾

آنانکه راه یاب شدند زیاده کردخدا ایشانراهدایت وعطاکرد بدیشان تقوای ایشانرا (١٧) .

فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ
أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴿١٨﴾

پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بیاید بدیشان نا گهان پس هرآئینه آمده است علاماتِ قیامت پس ازکجاباشدبرای

(١) مترجم گوید ازاین جاتاآخرسوره درباب تهدید مردم ضعیف الایمان نازل شد .

ایشان پند گرفتنِ ایشان وقتیکه بیاید قیامت ایشان (١٨) .

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ۗ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوٰىكُمْ ﴿١٩﴾

پس یقین کن که نیست هیچ معبود برحق مگرخدا وآمرزش طلب کن برای گناهانِ خود در حق مردان مسلمان وزنان مسلمان نیز وخدامیداند جای آمدورفتِ شماوجای ماندن شما[1] (١٩) .

وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ ۖ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ ۙ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَأَوْلٰى لَهُمْ ﴿٢٠﴾

ومیگویند مسلمانان چرافروفرستاده نه شد سورتی پس چون فرستاده شود سورتی واضح المعنی وذکرکرده شود درآن قتال ببینی آنان را که دردل های ایشان بیماری ست می نگرند بسوی تومانندِ نظر کردن کسیکه اورا بیهوشی رسیده باشد بسبب حضورِموت پس وای ایشانرا (٢٠) .

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ ۚ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللّٰهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ﴿٢١﴾

حال ایشان بحسب ظاهر فرمانبرداریست و سخنِ نیکوگفتن پس چون مصمم شودکار، اگروعدۀ خود راست کردند باخدا بهتر بودی برای ایشان (٢١) .

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾

پس ای ضعیف ایمانان اگرمتولی امورِ مردمان شوید البته نزدیك اید ازآنکه تباه کاری کنید درزمین وقطع قبیله داری نمائید (٢٢) .

أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمٰى أَبْصَارَهُمْ ﴿٢٣﴾

اینجماعت آنانند که لعنت کرد ایشانرا

---

(١) حاصل این آیات ذم آن شخص است که بمجلس علم درآید وبفهم حقیقتِ آن نرسد بسبب هجومِ هوای نفس بردل اومحتاج استفسارِ دیگران گردد و تخویف است بقیامت مثل این شخص را والله اعلم .

خدا پس کرساخت ایشانرا وکورکرد چشمهای ایشانرا (٢٣) .

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿٢٤﴾

آیاتأمل نمی کنند درقرآن یابردل هاقفل های آن دل هاست (٢٤) .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ﴿٢٥﴾

هرآئینه آنانکه برگشتند برجانب پشت های خویش پس ازآنکه ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده است برای ایشان ومهلت داده است ایشانرا (٢٥) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾

این همه بسبب آنست که ایشان گفتند باآنانکه ناپسند کرده اند چیزی راکه خدافرستاده است[1] فرمانبرداری شما خواهیم کرد دربعض کارها وخدامیداند سخنِ پنهان گفتن ایشانرا (٢٦) .

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾

پس چگونه باشد حال وقتی که قبضِ روح ایشان کنند فرشتگان میزنندروی های ایشانرا و پشتهای ایشانرا (٢٧) .

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾

این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی کردند که بخشم آورد خدا را وناپسند کردند خوشنودی اورا پس ضائع ساخت خدا اعمال ایشانرا (٢٨) .

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ﴿٢٩﴾

آیا پنداشته اند آنانکه دردلهای ایشان بیماریست که ظاهر نخواهد کردخدا کینه های ایشانرا (٢٩) .

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ ۚ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ

وا گرمیخواستیم می نمودیم ایشان را بتوپس می شناختی ایشانرا به قیافهٔ ایشان[2]

---

(١) یعنی منافقان یایهود .

(٢) یعنی ظلمت نفاق برروی ایشان هویدا می شد والله اعلم .

الْقَوْلِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ٣٠

والبته بشناسی ایشانرا دراسلوبِ سخن وخدا میداند اعمال شمارا (٣٠) .

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتّٰى نَعْلَمَ الْمُجٰهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصّٰبِرِينَ
وَنَبْلُوَا أَخْبَارَكُمْ ٣١

والبته امتحان کنیم شمارا تابشناسیم مجاهدان رااز‌شماوصابران را وبیازمائیم احوال شمارا (٣١) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَشَاقُّوا
الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى لَنْ يَضُرُّوا اللّٰهَ
شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ ٣٢

هرآئینه آنانکه کافر شدند وبازداشتند ازراه خدا ومخالفت کردند باپیغامبر بعدازآنکه واضح شد ایشانرا راهِ هدایت هیچ زیان نه رسانند خدارا وتباه خواهد کرد خداعملهای ایشانرا (٣٢) .

يٰأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا
أَعْمَالَكُمْ ٣٣

ای مسلمانان فرمان برید خدارا فرمان برید پیغامبررا وباطل مکنید عملهای خودرا[1] (٣٣) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ
كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ٣٤

هر آئینه آنانکه کافر شدند وبازداشتند ازراهِ خدا بازبمردند وایشان کافربودند پس هرگز نخواهد آمرزیدخداایشان را (٣٤) .

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللّٰهُ
مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ٣٥

پس سستی مکنید وبسوی صلح مخوانید وشمائید غالب وخدا باشماست وهرگزضائع نخواهد ساخت عملهای شمارا (٣٥) .

إِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ
أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ٣٦

جزاین نیست که زندگانی دنیابازیست و بیهودگی است و اگرایمان آرید وپرهیزگاری کنید بدهدشمارا مزد های شمارا ونه طلبد ازشمامال های شمارا[2] (٣٦) .

---

(١) یعنی به ارتداد و به ریاوسمعه .

(٢) یعنی جمیع مال را .

إِنْ يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ ﴿٣٧﴾

اگر بطلبد ازشمامال های شمارا پس مبالغه کند درسوال آنگاه بخل کنید وبرروی کارآرد آن بخل کینه های شمارا (٣٧) .

هَٰٓأَنتُمْ هَٰٓؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنكُم مَّن
يَبْخَلُ ۖ وَمَن يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَن نَّفْسِهِ ۚ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ
وَأَنتُمُ الْفُقَرَاءُ ۚ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ
لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُم ﴿٣٨﴾

آ گاه شوید شما ای جماعت که خوانده میشود شمارا تاخرج کنید درراه خدا پس ازشماکسی هست که بخل میکند وهرکه بخل کند جزاین نیست که بخل میکند ازخویش[1] وخداتوانگر ست وشما محتاج اید و اگرروگردان شوید بَدَل آرد گروهی دیگر را غیر شما بازنبا شند آنجماعت مانند شما (٣٨) .

سورة الفتح

سوره فتح مدنی است وآن بیست ونه آیت وچهار رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴿١﴾

هرآئینه ماحکم کردیم برای توبفتح ظاهر[2] (١) .

---

(١) یعنی منفعت انفاق ازخود بازمیدارد .

(٢) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند گویاآنحضرت با اصحاب درمکه داخل شدند و باطمینانِ خاطر بحلق وقصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند وچون بحدیبیه رسیدندکفار قریش ازوصول بکعبه مانع آمدند وبعد تشویش بسیار باکفار صلح کرده بغیر ازوصول بکعبه بازگشتند خدای تعالی آن عمل راازایشان قبول فرمود ازآن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم بآنحضرت صلی الله علیه وسلم کرده بودند راضی شده بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید تخصیص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلاتراخی واقع شده غنایم خیبر را مخصوص بحاضران بیعت گردانید وغیرایشانرا ازآن غزوه منع نمود ومضمون رؤیاسال آینده بظهور رسید پس درباب=

لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْۢبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكَ
وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ۙ ﴿٢﴾

عاقبت فتح آنست که بیامرزد ترا خداآنچه که سابق گذشت ازگناه تو وآنچه پس مانده وتمام کند نعمتِ خودرا برتو وتابنماید ترا راه راست (٢) .

وَّيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيْزًا ﴿٣﴾

و تانصرت دهدتراخدا به نصرتِ قوی (٣) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ فِيْ قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ
لِيَزْدَادُوْٓا اِيْمَانًا مَّعَ اِيْمَانِهِمْ ۭ وَلِلّٰهِ جُنُوْدُ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۙ ﴿٤﴾

اوست آنکه فرودآورد اطمینان را دردل های مسلمانان تا زیاده شود ایمان ایشان باایمان سابق ایشان وخدای راست لشکر های آسمان ها وزمین وهست خدا دانای باحکمت (٤) .

لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا
الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ ۭ وَكَانَ ذٰلِكَ
عِنْدَ اللّٰهِ فَوْزًا عَظِيْمًا ۙ ﴿٥﴾

عاقبت نزول سکینه آنست که درآرد مردانِ مسلمانرا وزنانِ مسلمانرا ببوستانهائیکه میرود زیرآن هاجویهاجاویدان آنجا وزائل کند ازایشان جرمهای ایشان را وهست این مقدمه نزد خدا پیروزی بزرگ (٥) .

وَّيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْمُنٰفِقٰتِ وَالْمُشْرِكِيْنَ وَالْمُشْرِكٰتِ
الظَّاۗنِّيْنَ بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوْءِ ۭ عَلَيْهِمْ دَاۗىِٕرَةُ السَّوْءِ ۚ وَغَضِبَ
اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۭ وَسَاۗءَتْ مَصِيْرًا ﴿٦﴾

وتاعذاب کند مردانِ منافق را وزنانِ منافق را ومردانِ مشرك را وزنانِ مشرك را که گمان کننده اند برخدا گمان بد برایشان باد مصیبتِ بد وبخشم آمدخدا برایشان ولعنت کردایشانرا وآماده ساخت برای ایشان دوزخ را وبدجای ست دوزخ (٦).

وَلِلّٰهِ جُنُوْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿٧﴾

وخدای راست لشکر های آسمان ها

= وعدهٔ فتوح وردّشبهه منافقان بسبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق وتهدید متخلفان ازسفر حدیبیه و بیان خوشنودی خودباهلِ بیعت این سوره نازل فرمود والله اعلم .

وزمين وهست خدا غالبِ باحكمت (٧) .

إِنَّآ أَرْسَلْنٰكَ شٰهِدًا وَّمُبَشِّرًا وَّنَذِيرًا ﴿٨﴾

هرآئينه مافرستاديم تراااظهارِ حق كننده وبشارت دهنده وترساننده (٨) .

لِّتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهٖ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ ۚ وَتُسَبِّحُوهُ
بُكْرَةً وَّأَصِيلًا ﴿٩﴾

تاايمان آريد اى مسلمانان بخداورسول اووتانصرت دهيد دين خدارا وبه بزرگى اعتقاد كنيد اورا وبپاكى ياد كنيد اورا بامدادوشامگاه (٩) .

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللّٰهَ ۖ يَدُ اللّٰهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ
فَمَنْ نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهٖ ۖ وَمَنْ أَوْفٰى بِمَا عٰهَدَ عَلَيْهُ
اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾

هرآئينه آنانكه بيعت ميكنند باتوجزاين نيست كه بيعت ميكنندباخدا دستِ خداست بالاى دستِ ايشان پس هركه بشكنند عهد پس جزاين نيست كه مى شكند بضررِ نفس خود وهركه تمام كند آنچه برآن باخدا عهد كرده است پس خواهد داد اورا مزدِ بزرگ (١٠) .

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَآ أَمْوٰلُنَا
وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا ۚ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَّا لَيْسَ فِي
قُلُوبِهِمْ ۚ قُلْ فَمَنْ يَّمْلِكُ لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ
ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا ۚ بَلْ كَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾

خواهند گفت باتوپس ماندگان ازاعراب[1] مشغول كرد مارا اموالِ ماوفرزندان ماپس طلب آمرزش كن براى ما ميگويند به زبان هاى خود آنچه نيست دردل هاى ايشان بگوكه مى تواند براى شما ازخدا چيزى اگرخواهدزيان رسانيدن بشما ياخواهد درحق شما سود دادن بلكه هست خداآنچه مى كنيد خبردار (١١) .

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَّنْ يَّنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلٰٓى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا
وَّزُيِّنَ ذٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ ۚ

نى بلكه گمان كرديد كه بازنخواهد گشت پيغامبر ومسلمانان بسوى اهل خانهٔ خويش هرگزوآراسته كرده شداين گمان

(١) يعنى آنانكه درسفر حديبيه موافقت نه كردند والله اعلم .

وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾

در دل های شما وگمان کردید گمان بد وگشتید قومی هلاك شده (١٢) .

وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهٖ فَاِنَّآ اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ سَعِيْرًا ﴿١٣﴾

وهرکه ایمان نیاورد بخدا وپیغامبراوپس هرآئینه ماآماده کرده ایم برای این کافران آتش را (١٣) .

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ يَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ﴿١٤﴾

وخداراست پادشاهی آسمان ها وزمین می آمرزد هرکرا خواهد وعذاب میکند هرکراخواهد وهست خدا آمرزگار مهربان (١٤) .

سَيَقُوْلُ الْمُخَلَّفُوْنَ اِذَا انْطَلَقْتُمْ اِلٰى مَغَانِمَ لِتَاْخُذُوْهَا ذَرُوْنَا نَتَّبِعْكُمْ ۚ يُرِيْدُوْنَ اَنْ يُّبَدِّلُوْا كَلٰمَ اللّٰهِ ۭ قُلْ لَّنْ تَتَّبِعُوْنَا كَذٰلِكُمْ قَالَ اللّٰهُ مِنْ قَبْلُ ۚ فَسَيَقُوْلُوْنَ بَلْ تَحْسُدُوْنَنَا ۭ بَلْ كَانُوْا لَا يَفْقَهُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ﴿١٥﴾

خواهند گفت باتو پس ماندگان وقتیکه روانه شوید بسوی غنیمت ها[1] تابدست آرید آنرا بگذارید مارا تاازپی شمارویم میخواهند که مخالفت کنند وعدهٔ خدارا بگوپیروی مانخواهید کرد همچنین فرموده است خدا پیش ازین پس خواهند گفت نی بلکه حسد میکنید باما بلکه همیشه نمی فهمیدند مگراندکی (١٥) .

قُلْ لِّلْمُخَلَّفِيْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ اِلٰى قَوْمٍ اُولِيْ بَاْسٍ شَدِيْدٍ تُقَاتِلُوْنَهُمْ اَوْ يُسْلِمُوْنَ ۚ فَاِنْ تُطِيْعُوْا يُؤْتِكُمُ اللّٰهُ اَجْرًا حَسَنًا ۚ وَاِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿١٦﴾

بگو(یامحمد) پس ماندگان را ازاعراب که شما خوانده خواهید شد بسوی کارزار قومی جنگجوی نیرومند[2] که جنگ کنید بایشان یاآنکه مسلمان شوند پس ا گر فرمانبرداری کنید بدهد خداشمارا مُزد نیك وا گرروگردان شوید چنانکه روگردان شده بودیدپیش ازین عقوبت کند شمارا

---

(١) یعنی غنیمت های خیبر .

(٢) یعنی فارس وروم واین معنی درزمان حضرت ابوبکر وحضرت عمررضی الله عنهما متحقق شد والله اعلم .

خدا عقوبتِ درد دهنده (١٦) .

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمٰى حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ
حَرَجٌ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهٰرُ وَمَنْ يَّتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيْمًا ﴿١٧﴾

نیست برنابینا گناهی ونه برلنگ گناهی ونه بربیمار گناهی[1] وهرکه فرمان بُرد خدا ورسولِ اورا درآردش به بوستانهائی که میرود زیرِ آن ها جویها وهرکه روگردان شود عقوبت کندش بعقوبتِ درد دهنده (١٧) .

لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِيْنَ إِذْ يُبَايِعُوْنَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ
فَعَلِمَ مَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ
فَتْحًا قَرِيْبًا ﴿١٨﴾

هرآئینه خوشنود شدخدا از مسلمانان وقتیکه بیعت میکردند باتوزیرِ درخت پس دانست آنچه دردل های ایشانست پس فرودآورداطمینانِ دل برایشان وثواب دادایشان را فتحی نزدیك (١٨) .

وَّمَغَانِمَ كَثِيْرَةً يَّأْخُذُوْنَهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ﴿١٩﴾

وغنیمت های بسیارکه بدست آرندآنرا[2] وهست خدا غالب باحکمت (١٩) .

وَعَدَكُمُ اللّٰهُ مَغَانِمَ كَثِيْرَةً تَأْخُذُوْنَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هٰذِهٖ
وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُوْنَ اٰيَةً لِّلْمُؤْمِنِيْنَ
وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿٢٠﴾

وعده داده است شمارا خداغنیمت های بسیار که بدست آریدآنهارا پس زودعطاکردبرای شمااین غنیمت[3] وبازداشت دست های مردمان راازشما[4] تاباشد این مقدمه نشانه مسلمانان را وتابنماید خدا شمارا راه راست[5] (٢٠) .

وَّأُخْرٰى لَمْ تَقْدِرُوْا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللّٰهُ بِهَا وَكَانَ اللّٰهُ

ووعده داد خداغنیمت های دیگرنیز که

---

(١) یعنی درتخلف ازمثل این سفر والله اعلم .

(٢) یعنی غنایم خیبر وغیره .

(٣) یعنی غنایم خیبر .

(٤) یعنی درحدیبیه .

(٥) یعنی کفار قریش جمع شدند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم را تشویشی رسانند خدای تعالی دست ایشان را ازقتال باز داشت وقضیه بصلح انجامید .

عَلٰی كُلِّ شَیۡءٍ قَدِیۡرًا ﴿٢١﴾

هنوزدست نیافته اید برآن به تحقیق خدادانسته است آنهارا وهست خدا برهمه چیزتوانا(١) (٢١) .

وَلَوۡ قٰتَلَكُمُ الَّذِیۡنَ كَفَرُوۡا لَوَلَّوُا الۡاَدۡبَارَ ثُمَّ لَا یَجِدُوۡنَ وَلِیًّا وَّلَا نَصِیۡرًا ﴿٢٢﴾

وا گرجنگ میکردند باشماکافران البته بسوی شما میگردانیدند پشتها را بازنمی یافتند کارسازی و نه نصرت دهنده (٢٢) .

سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِیۡ قَدۡ خَلَتۡ مِنۡ قَبۡلُ ۚۖ وَلَنۡ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبۡدِیۡلًا ﴿٢٣﴾

مانندِ آئین خداکه گذشته است پیش ازین ونخواهی یافت آئین خدارا تبدیلی (٢٣) .

وَهُوَ الَّذِیۡ كَفَّ اَیۡدِیَهُمۡ عَنۡكُمۡ وَاَیۡدِیَكُمۡ عَنۡهُمۡ بِبَطۡنِ مَكَّةَ مِنۡۢ بَعۡدِ اَنۡ اَظۡفَرَكُمۡ عَلَیۡهِمۡ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعۡمَلُوۡنَ بَصِیۡرًا ﴿٢٤﴾

واوست آنکه بازداشت دست های کافران راازشماودستِ شماراازکافران درمیان مکه بعدازآنکه پیروزمند ساخت شمارا برایشان وهست خداآنچه می کنید بینا(٢) (٢٤) .

هُمُ الَّذِیۡنَ كَفَرُوۡا وَصَدُّوۡكُمۡ عَنِ الۡمَسۡجِدِ الۡحَرَامِ وَالۡهَدۡیَ مَعۡكُوۡفًا اَنۡ یَّبۡلُغَ مَحِلَّهٗ ؕ وَلَوۡلَا رِجَالٌ مُّؤۡمِنُوۡنَ وَنِسَآءٌ مُّؤۡمِنٰتٌ لَّمۡ تَعۡلَمُوۡهُمۡ اَنۡ تَطَـُٔوۡهُمۡ فَتُصِیۡبَكُمۡ مِّنۡهُمۡ مَّعَرَّةٌۢ بِغَیۡرِ عِلۡمٍ ۚ

این کفار قریش آنانند که کافرشدند وبازداشتند شمارا ازمسجدِ حرام وبازداشتند قربانی را موقوف داشته ازآنکه برسد بجای خود وا گرنبودندی مردانِ مسلمان وزنانِ مسلمان که نمیدانید ایشان را (ا گرنبودی خوف آنکه) پامال وهلاك سازید ایشانرا پس برسد بشما گناهی بغیر دانست(٣) (فتح را مؤخر کرد) خدا تاکه در

---

(١) یعنی غنایم فارس وروم .

(٢) تعریض است بآن قصه که بعد انعقاد صلح هفتادتن ازاوباش قریش خواستند که بیخبر برصحابه هجوم آرند صحابه همه را اسیر کرده پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آوردند آنحضرت عفوفرمود ظاهرانزدیك بنده ضعیف ست وصحیح آنست که این آیت بشارتست بفتح مکه وآوردن لفظ ماضی ازجهت تحقیق وقوع بشارتست والله اعلم .

(٣) یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی وفتح عاجلاً میسر گشتی والله اعلم .

لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوْا لَعَذَّبْنَا الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿٢٥﴾

آرد هرکراخواهد برحمتِ خود اگر ازهم
جدامی بودند (این هردو فریق) البته
عقوبت میکردیم کافران را عقوبت درد
دهنده (٢٥) .

اِذْ جَعَلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ
الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَعَلَى
الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى وَكَانُوْٓا اَحَقَّ
بِهَا وَاَهْلَهَا ۚ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ﴿٢٦﴾

آنگاه که مصمم کردند کافران دردل های
خویش غیرت را ازجنس غیرتِ جاهلیت
پس فرودآوردخدا اطمینان خودرا
برپیغامبرخود وبرمسلمانان وثابت کرد
برایشان سخن پرهیزگاری وبودند
سزاواربآن واهل آن وهست خدا بهر
چیزدانا[1] (٢٦) .

لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۚ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ
الْحَرَامَ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ ۙ مُحَلِّقِيْنَ رُءُوْسَكُمْ وَمُقَصِّرِيْنَ ۙ
لَا تَخَافُوْنَ ۚ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا فَجَعَلَ مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا
قَرِيْبًا ﴿٢٧﴾

هر آئینه تحقق بخشید خداخواب
پیغامبرخودرا مطابق واقع باین مضمون
که البته داخل خواهید شد بمسجدِ حرام
اگر خدابخواهد ایمن شده وتراشیده موی
سرهای خودرا وکوتاه کرده بدون ترس
پس دانست آنچه ندانستید شما پس میسر
کرد پیش ازین فتحی نزدیك را (٢٧) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ
عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ ۚ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا ﴿٢٨﴾

اوست آنکه فرستاد پیغامبرخودرا به
هدایت ودین راست تاغالب کندش
برادیان همه وبس ست خدا اظهار حق
کننده (٢٨) .

مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ ۚ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗٓ اَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ

محمد (صلی الله علیه وسلم)
پیغامبرخداست وآنانکه همراه اویند

---

(١) یعنی جماعتی ازمسلمانان این صلح را کاره بودند آخرالامرخدای تعالی اطمینان رابدل ایشان انداخت تابمرضی آنحضرت صلی الله علیه وسلم رضادادند والله اعلم .

تَرٰىهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَّبْتَغُوْنَ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيْمَاهُمْ فِيْ
وُجُوْهِهِمْ مِّنْ اَثَرِ السُّجُوْدِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَمَثَلُهُمْ فِي
الْاِنْجِيْلِ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْـَٔهٗ فَاٰزَرَهٗ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوٰى
عَلٰى سُوْقِهٖ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ
اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَّاَجْرًا عَظِيْمًا ﴿٢٩﴾

سخت اند برکافران مهربان اندرمیان خود می بینی ایشان را رکوع کننده وسجده نماینده می طلبند فضل راازخداوخوشنودی را نشانهٔ صلاح ایشان در چهره های ایشان ست ازاثر سجده آنچه مذکور میشود داستانِ ایشانست درتورات وداستانِ ایشانست درانجیل ایشان مانند زراعتی هستند که برآورد شاخهای خود راپس قوی کردآن را پس سطبر شدپس بایستاد برساقهای خود بِشِگفت می آرد زراعت کنندگان را[1] تابخشم آرد بسبب دیدن ایشان کافرانراوعده داده است خداآنانراکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند ازایشان آمرزش ومُزدِ بزرگ (۲۹) .

سُوْرَةُ الْحُجُرٰتِ

سوره حجرات مدنی است وآن هیجده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان[2] .

---

(۱) حاصلِ مثل آنست که اسلام دراوّل حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند رفته رفته غالب وبسیار شدند عاقبت حال غلبهٔ اسلام آن ست که به خشم آردخدای تعالی کافران را .

(۲) مترجم‌گوید خدای تعالی این سورت برای تعلیم آداب فرودآوردکه از حضرت پیغامبر صلی الله علیه وسلم درامرونهی پیشدستی نکنند وبآنحضرت بآواز بلند خطاب نکنند واگرفاسق چیزی‌گوید بغیر تفتیش حال امضای عزیمت نه نمایند درصورتی که میان ایشان خانه جنگی واقع شود اصلاح آن چگونه کنند وازاستهزاء بایکدیگر ولقب بدنهادن وغیبت کردن و ظن بد کردن وبعلوِ نسب بر دیگران فخر کردن منع کرد وضعیف الایمان را برضعیف الایمان تنبیه فرمود والله اعلم .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ
وَ اتَّقُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ①

ای مسلمانان پیش دستی مکنید روبروی خداورسولِ اووبترسید ازخداهرآئینه خدا شنواداناست (١) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَرْفَعُوْۤا اَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ
وَلَا تَجْهَرُوْا لَهٗ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ
اَعْمَالُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُوْنَ ②

ای مسلمانان بلند مکنید آوازهای خودرا بالای آواز پیغامبر وبلند مگوئید باوا سخن را مانند بلند گفتن بعض شما بابعضی برای احتراز ازآنکه نابود شود عمل های شما وشما خبردار نه باشید (٢) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَغُضُّوْنَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ اُولٰۤئِكَ
الَّذِيْنَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ لِلتَّقْوٰى ۭ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ
وَّاَجْرٌ عَظِيْمٌ ③

هرآئینه آنانکه پست میکنند آوازهای خودرا نزدیك پیغامبرخدا آنجماعت آنانند که آزموده است خدادل های ایشانرا برای ظهور تقویٰ ایشانراست آمرزش ومُزدِ بزرگ (٣) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُنَادُوْنَكَ مِنْ وَّرَاۗءِ الْحُجُرٰتِ اَكْثَرُهُمْ
لَا يَعْقِلُوْنَ ④

هرآئینه آنانکه آوازمیدهند ترا ازپسِ حجرها اکثرایشان نمی فهمند (٤) .

وَلَوْ اَنَّهُمْ صَبَرُوْا حَتّٰى تَخْرُجَ اِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۭ
وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ⑤

وا گرایشان صبر کردندی تاوقتی که بیرون آئی بسوی ایشان بهتر بودی برای ایشان وخدا آمرزگار مهربانست(١) (٥) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اِنْ جَاۗءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوْۤا اَنْ
تُصِيْبُوْا قَوْمًۢا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوْا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نٰدِمِيْنَ ⑥

ای مسلمانان ا گربیارد پیش شما فاسق خبری را پس تحقیق کنید برای احتراز ازآنکه ضرررسانید قومی را بنادانی پس پشیمان شوید برآنچه عمل کردید (٦) .

وَاعْلَمُوْۤا اَنَّ فِيْكُمْ رَسُوْلَ اللّٰهِ ۭ لَوْ يُطِيْعُكُمْ فِيْ كَثِيْرٍ مِّنَ الْاَمْرِ

وبدانید که درمیانِ شمارسولِ خدااست اگر فرمانبرد شمارا دربسیاری

---

(١) مترجم گوید این تعریض است بحال قومی ازبنی تمیم که بجهت مهمی پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند وچون در مسجد نیافتند ونمیدانستند که درکدام حجره تشریف دارند نزدیك حجره هاباآواز بلند کردن شروع کردند والله اعلم .

لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ اِلَيْكُمُ الْاِيْمَانَ وَزَيَّنَهٗ فِيْ قُلُوْبِكُمْ
وَكَرَّهَ اِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوْقَ وَالْعِصْيَانَ ۭ اُولٰۗىِٕكَ
هُمُ الرّٰشِدُوْنَ ۝

ازکارهابرنج درافتید ولیکن خدادوست گردانید نزدیك شماایمان را وآراسته کرد آنرادردلهای شماوناخوش گردانید پیشِ شماکفر وفسق و نافرمانی را این جماعت ایشانند راه یافتگان (٧) .

فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَنِعْمَةً ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝

باحسان ازنزد خداوبه نعمت وخدا دانای باحکمت ست (٨) .

وَاِنْ طَاۗىِٕفَتٰنِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اقْتَتَلُوْا فَاَصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا ۚ
فَاِنْۢ بَغَتْ اِحْدٰىهُمَا عَلَي الْاُخْرٰى فَقَاتِلُوا الَّتِيْ تَبْغِيْ حَتّٰى تَفِيْۗءَ
اِلٰٓى اَمْرِ اللّٰهِ ۚ فَاِنْ فَاۗءَتْ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوْا ۭ
اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ۝

واگردو گروه ازمسلمانان بایکدیگر جنگ کنند پس صلح کنید میانِ ایشان پس اگرتعدّی کردیکی ازین دو بردیگری پس جنگ کنید باآن گروه که تعدّی میکند تاآنکه رجوع کند بسوی حکمِ خدا پس اگررجوع کرد پس صلح کنید میانِ ایشان باانصاف وداد دهید هرآئینه خدا دوست میدارد داد دهندگان را (٩) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ۝

جزاین نیست که مسلمانان برادران یك دیگراند پس صلح کنید میان دو برادرِ خویش وبترسیدازخداتابرشمارحم کرده شود (١٠) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنُوْا خَيْرًا
مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاۗءٌ مِّنْ نِّسَاۗءٍ عَسٰٓى اَنْ يَّكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۚ
وَلَا تَلْمِزُوْٓا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا بِالْاَلْقَابِ ۭ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوْقُ
بَعْدَ الْاِيْمَانِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَاُولٰۗىِٕكَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۝

ای مسلمانان تمسخر نکنید گروهی با گروهی احتمالست که آن گروه بهتر باشد ازایشان درنفس الامر و نه زنان تمسخر کنند بازنان دیگر احتمال ست که آن زنان بهتر باشند ازایشان وعیب مکنید درمیان خویش ویکدیگر را به لقب های بدمخوانید بدنامی ست فاسقی بعد ازایمان آوردن وهرکه توبه نکرد پس آنجماعت

ایشانند ستمگاران[١] (١١) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوْا كَثِيْرًا مِّنَ الظَّنِّ اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
اِثْمٌ وَّلَا تَجَسَّسُوْا وَلَا يَغْتَبْ بَّعْضُكُمْ بَعْضًا اَيُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ يَّاْكُلَ
لَحْمَ اَخِيْهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوْهُ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان احتراز کنید ازبسیاری گمانِ بد هرآئینه بعض بد گمانی گناه است وجاسوسی مکنید وغیبت نکند بعض شما بعضی را آیا دوست میدارد کسی ازشما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشدپس متنفرشوید ازوی وبترسیدازخدا هرآئینه خداتوبه پذیرندۀ مهربانست (١٢) .

يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنٰكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَّاُنْثٰى وَجَعَلْنٰكُمْ شُعُوْبًا وَّقَبَآئِلَ
لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ ﴿١٣﴾

ای مردمان هرآئینه آفریدیم شمارا ازیك مرد ویك زن وساختیم شمارا جماعت هاوقبیله ها تابایکدیگر شناسا شویدهرآئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگار ترینِ شماست هرآئینه خدا دانای خبردارست (١٣) .

قَالَتِ الْاَعْرَابُ اٰمَنَّا قُلْ لَّمْ تُؤْمِنُوْا وَلٰكِنْ قُوْلُوْٓا اَسْلَمْنَا وَلَمَّا
يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِيْ قُلُوْبِكُمْ وَاِنْ تُطِيْعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ لَا يَلِتْكُمْ
مِّنْ اَعْمَالِكُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿١٤﴾

گفتند اعراب ایمان آوردیم بگوایمان بحقیقت نیاوردیدولیکن بگوئید منقادشده ایم وهنوز درنیامده است ایمان به دل های شما وا گرفرمانبرداری خداورسول اوکنید کم نه دهد شمارا ازجزای اعمالِ شما چیزی هرآئینه خداآمرزگار مهربانست (١٤) .

اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوْا
وَجٰهَدُوْا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ
هُمُ الصّٰدِقُوْنَ ﴿١٥﴾

جزاین نیست که مومنان بحقیقت آنانند که ایمان آوردند بخداوپیغامبراو بازشبهه نه کردند وجهاد نمودند باموالِ خود وجان های خود درراه خدا آنجماعت

---

(١) یعنی بگناهی که درجاهلیت کرده باشند بعدازاسلام نشانِ سندنباید ساخت .

ایشانند راست گویان (١٥) .

قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَٰوَٰتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾

بگوآیاخبردارمی کنید خدا را به دینِ خود وخدامیداند آنچه درآسمانهاست وآنچه درزمین ست وخدا بهر چیز داناست (١٦) .

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَٰمَكُم بَلِ
اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَىٰكُمْ لِلْإِيمَٰنِ إِن كُنتُمْ
صَٰدِقِينَ ﴿١٧﴾

منّت می نهند برتو بآنکه مسلمان شده اند بگومنّت منهید برمن به اسلام خود بلکه خدامنّت می نهد برشما بآنکه هدایت کردشمارابایمان ا گر راست گوهستید (١٧) .

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَٰوَٰتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌۢ بِمَا
تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

هر آئینه خدامیداند پنهانِ آسمان هاوزمین را وخدابیناست بآنچه می کنید (١٨) .

سُورَةُ قٓ

سوره ق مکی است وآن چهل وپنج آیت و سه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قٓ وَالْقُرْءَانِ الْمَجِيدِ ﴿١﴾

قٓ وقسم بقرآن بابزرگی (که توپیغامبر خدائی) (١) .

بَلْ عَجِبُوا أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَٰفِرُونَ
هَٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾

بلکه تعجب کردند کافران ازآنکه آمد بدیشان ترساننده ازقوم ایشان پس گفتند آن کافران این چیزی ست عجیب (٢) .

أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌۢ بَعِيدٌ ﴿٣﴾

آیا چون بمیریم وخاك شویم (حشر کرده شویم) این بازگردانیدن دور ازعقل است (٣) .

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَٰبٌ حَفِيظٌۢ ﴿٤﴾

هرآئینه دانسته ایم آنچه کم میکند زمین ازایشان[1] ونزدیك ماکتابیست نگاهدارنده[2] (٤) .

---

(١) یعنی آنچه میخورد ازجزوایشان .

(٢) یعنی لوحِ محفوظ .

بَلْ كَذَّبُوْا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِيْٓ اَمْرٍ مَّرِيْجٍ ﴿٥﴾

بلکه به دروغ نسبت دادند سخن راست را وقتیکه بیامد بدیشان پس ایشان درکاری شوریده اند (۵) .

اَفَلَمْ يَنْظُرُوْٓا اِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنٰهَا وَزَيَّنّٰهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوْجٍ ﴿٦﴾

آیاندیده اندبسوی آسمان بالای خود چگونه بناکرده ایم آن را و آراسته کرده ایم آنراونیست درآن هیچ شگافی (٦) .

وَالْاَرْضَ مَدَدْنٰهَا وَاَلْقَيْنَا فِيْهَا رَوَاسِيَ وَاَنْۢبَتْنَا فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍۢ بَهِيْجٍ ﴿٧﴾

وزمین را گستردیم وافگندیم درآن کوه ها و رویانیدیم درآن ازهر نوع خوش آینده (۷) .

تَبْصِرَةً وَّذِكْرٰى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيْبٍ ﴿٨﴾

برای راه نمودن وپنددادن هربندۀ رجوع کننده (۸) .

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً مُّبٰرَكًا فَاَنْۢبَتْنَا بِهٖ جَنّٰتٍ وَّحَبَّ الْحَصِيْدِ ﴿٩﴾

وفرودآوردیم ازآسمان آب بابرکت پس رویانیدیم بسبب آن بوستانهاودانه که دَرَو میکنند آن را (۹) .

وَالنَّخْلَ بٰسِقٰتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيْدٌ ﴿١٠﴾

ودرختانِ خرما بلند بالابرآمده آنرامیوه است تـودرتـو (۱۰) .

رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَاَحْيَيْنَا بِهٖ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ الْخُرُوْجُ ﴿١١﴾

روزی بـرای بنـد گـان وزنـده ساختیم بآن شهر مرده را همچنین باشد برآمدن ازگور (۱۱) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ وَّاَصْحٰبُ الرَّسِّ وَثَمُوْدُ ﴿١٢﴾

بدروغ نسبت کردند پیش ازایشان قوم نوح واهل رَسّ وثمود (۱۲) .

وَعَادٌ وَّفِرْعَوْنُ وَاِخْوَانُ لُوْطٍ ﴿١٣﴾

وعاد وفرعون وبرادرانِ لوط (۱۳) .

وَّاَصْحٰبُ الْاَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيْدِ ﴿١٤﴾

واهل اَیکه وقوم تُبَّع هریکی بدروغ نسبت کردند پیغامبران را پس ثابت شد وعدۀ عذاب من(۱٤) .

اَفَعَيِيْنَا بِالْخَلْقِ الْاَوَّلِ بَلْ هُمْ فِيْ لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ ﴿١٥﴾

آیاعاجزشده بودیم درآفرینش نخستین بلکه ایشان درشبهه اند از آفرینشِ نو (۱۵).

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهٖ نَفْسُهٗ وَنَحْنُ اَقْرَبُ

وهرآئینه آفریدیم آدمی را ومیدانیم چیزی

اِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ الۡوَرِيۡدِ ﴿١٦﴾

که بخاطر میگذراندش نفسِ او ومانزدیك تریم باوی ازشاه رگِ (یعنی رگ گردن) . (١٦)

اِذۡ يَتَلَقَّى الۡمُتَلَقِّيٰنِ عَنِ الۡيَمِيۡنِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيۡدٌ ﴿١٧﴾

آ نگاه که فرا گیرند دوفرا گیرنده به پهلوی راست نشیننده وبه پهلوی چپ نشیننده[١] . (١٧)

مَا يَلۡفِظُ مِنۡ قَوۡلٍ اِلَّا لَدَيۡهِ رَقِيۡبٌ عَتِيۡدٌ ﴿١٨﴾

بزبان نمی آرد آدمی هیچ سخنی مگر نزدیك او نگهبانیست مهیا[٢] (١٨) .

وَجَآءَتۡ سَكۡرَةُ الۡمَوۡتِ بِالۡحَقِّ ؕ ذٰلِكَ مَا كُنۡتَ مِنۡهُ تَحِيۡدُ ﴿١٩﴾

وبیامدسختیِ موت براستی اینست آنچه ازآن کناره گیری میکردی (١٩) .

وَنُفِخَ فِى الصُّوۡرِ ؕ ذٰلِكَ يَوۡمُ الۡوَعِيۡدِ ﴿٢٠﴾

ودمیده شود درصور این ست روز وعدۀ عذاب (٢٠) .

وَجَآءَتۡ كُلُّ نَفۡسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَّشَهِيۡدٌ ﴿٢١﴾

وبیامدهر شخصی همراه اوروان کننده است وگواهی دهنده[٣] (٢١) .

لَقَدۡ كُنۡتَ فِىۡ غَفۡلَةٍ مِّنۡ هٰذَا فَكَشَفۡنَا عَنۡكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ الۡيَوۡمَ حَدِيۡدٌ ﴿٢٢﴾

(گوئیم) هرآئینه بودی دربی خبری ازین مقدمه پس برداشتیم ازتو پردۀ ترا پس چشم توامروزتیزبین ست (٢٢) .

وَقَالَ قَرِيۡنُهٗ هٰذَا مَا لَدَىَّ عَتِيۡدٌ ؕ ﴿٢٣﴾

وگفت فرشته همنشین اواینست آنکه نزدیك من بود حاضر کرده شده (٢٣) .

اَلۡقِيَا فِىۡ جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيۡدٍ ۙ ﴿٢٤﴾

(گوئیم) بافگنید ای دوفرشته دردوزخ هرناسپاس سرکش را[٤] (٢٤) .

---

(١) یعنی کراماً کاتبین والله اعلم .

(٢) یعنی اگرکلمه حق باشد فرشتۀ دست راست مینویسد واگرکلمه باطل باشد فرشتۀ دست چپ می نویسد والله اعلم .

(٣) مراد جنس روان کننده وگواهی دهنده است .

(٤) مترجم گوید عادت پادشاهانست که اسیررا پیش ایشان دوکس گرفته می آرند ازین جهت دو فرشته را خطاب شود .

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ۝٢٥

منع كنندهٔ مال درگذرندهٔ ازحدشك آرنده را (٢٥) .

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝٢٦

آنكه مقرر كرد باخدا معبودی ديگرپس بافگنيد او رادر عذاب سخت (٢٦) .

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝٢٧

گفت همنشين او[1] ای پروردگارمن گمراه نكردم اين شخص را وليكن وی بود در گمراهيِ دور (٢٧) .

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم بِالْوَعِيدِ ۝٢٨

فرمودخصومت مكنيد پيش من حالانكه پيش ازين فرستاده بودم بسوی شما وعدهٔ عذاب (٢٨) .

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۝٢٩

تغير داده نمی شود وعده نزد من ونيستم من ستم كننده بربندگان (٢٩) .

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِن مَّزِيدٍ ۝٣٠

روزی كه بگوئيم دوزخ را آيا پرشدی ودوزخ گويد آيا هيچ زياده ازين هست[2] (٣٠) .

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝٣١

ونزديك گردانيده شود بهشت برای متقيان نه دورمانده (٣١) .

هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝٣٢

(گوئيم) اين ست آنچه وعده داده ميشد شمارا نزديك كرده شده برای هر رجوع كنندهٔ ادب نگاهد ارنده (٣٢) .

مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ۝٣٣

برای هركسيكه بترسد ازخدا ناديده وپيش آمدبدل متوجه شده (٣٣) .

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝٣٤

(گوئيم) داخل شويد دربهشت همراه سلامتی اينست روزهميشه جاويدان (٣٤) .

لَهُم مَّا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝٣٥

ايشانراست آنچه خواهند دربهشت و

---

(١) يعنی شياطين ازانس وجن والله اعلم .

(٢) يعنی هر چند درواندازند زياده طلب كند والله اعلم .

نزديك مازياده است ازآن (٣٥) .

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي
الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾

وبسيارهلاك كرديم پيش ازايشان امت ها
كه قوى تربودند ايشان از اينجماعت
دردست درازى پس جستجو كردند
درشهرها كه هيچ گريزگاهى هست (٣٦) .

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ
شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾

هرآئينه درين مقدمه پندست كسى را كه
دلى دارد ياگوش نهد متوجه شده (٣٧) .

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ
أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ ﴿٣٨﴾

وهرآئينه آفريديم آسمان ها وزمين را
وآنچه درميان هر دوهست درشش روز
ونرسيد بماهيچ ماندگى (٣٨) .

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ
الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾

پس صبر كن بآنچه ميگويند وبپاكى
يادكن همراه ستائش پروردگارخويش را
پيش ازبرآمدن آفتاب وپيش ازغروب
(٣٩) .

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾

ودربعض اوقات شب به پاكى يادكن
خدارا وعقب نمازنيز (٤٠) .

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾

وبشنواين قصّه روزيكه آوازدهد
آوازدهنده ازجاى نزديك[1] (٤١) .

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾

روزيكه بشنوند نعره تند بغير تردد وآن
روز روزبرآمدن است (٤٢) .

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾

هرآئينه ما زنده مى كنيم ومى ميرانيم
وبسوى ماست بازگشت (٤٣) .

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾

روزيكه بشگافد زمين ازسرايشان بيرون
آيند شتابان، اين برانگيختن ست آسان
برما (٤٤) .

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ

ماميدانيم آنچه مى گويند ونيستى تو

---

(١) اين تصوير هست آنرا كه همه دراستماع ندا مساوى باشند والله اعلم .

بِالْقُرْاٰنِ مَنْ يَّخَافُ وَعِيْدِ ۝٤٥

سُوْرَةُ الذّٰرِيٰتِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالذّٰرِيٰتِ ذَرْوًا ۝١

فَالْحٰمِلٰتِ وِقْرًا ۝٢

فَالْجٰرِيٰتِ يُسْرًا ۝٣

فَالْمُقَسِّمٰتِ اَمْرًا ۝٤

اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَصَادِقٌ ۝٥

وَّاِنَّ الدِّيْنَ لَوَاقِعٌ ۝٦

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ۝٧

اِنَّكُمْ لَفِيْ قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ۝٨

يُّؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ اُفِكَ ۝٩

قُتِلَ الْخَرّٰصُوْنَ ۝١٠

الَّذِيْنَ هُمْ فِيْ غَمْرَةٍ سَاهُوْنَ ۝١١

يَسْـَٔلُوْنَ اَيَّانَ يَوْمُ الدِّيْنِ ۝١٢

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُوْنَ ۝١٣

برایشان قهر کننده پس پندده به قرآن هرکرا میترسد از وعدهٔ عذابِ من (٤٥).

سوره ذاریات مکی است وآن شصت آیت وسه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم به بادهای پراکنده کنندهٔ خاک وجزآن پرا گنده کردنی (١) .

پس قسم به ابرهای بردارندهٔ بارِ آب (٢).

پس قسم بکشتی های روان شونده بسهولت (٣) .

پس قسم بفرشتگانِ تقسیم کنندهٔ کار[١] (٤) .

هرآئینه وعده که کرده میشود بشما راست (٥) .

وهرآئینه جزای اعمال بودنیست (٦) .

قسم بآسمان دارای راه ها[٢] (٧) .

هرآئینه شمادرسخنی باهم اختلاف دارنده هستید (٨) .

بازگردانیده میشود ازقرآن هرکه درعلم الهی ازخیر مطرود است (٩) .

لعنت کرده شد دروغگویانرا (١٠) .

آنانکه ایشان دربی خبری اندفراموش کننده اند(١١) .

می پرسند کَی خواهد بود روزجزا (١٢).

(آری) آنروزکه ایشانرا درآتش عذاب داده

---

(١) یعنی ارزاق وبلادهارا .

(٢) یعنی صورتهای مختلف دارند مانند شکل شیر وشکل بره وشکل عقرب والله اعلم.

میشود (۱۳) .

ذُوْقُوْا فِتْنَتَكُمْ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تَسْتَعْجِلُوْنَ ﴿١٤﴾

(گوئیم) بچشیداین عقوبت خودرا اینست آنچه آنرا بشتاب طلب میکردید (۱٤) .

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ جَنّٰتٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿١٥﴾

هرآئینه متقیان دربوستانها وچشمه هاباشند (۱۵) .

اٰخِذِيْنَ مَآ اٰتٰىهُمْ رَبُّهُمْ ۚ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَبْلَ ذٰلِكَ مُحْسِنِيْنَ ﴿١٦﴾

بدست آرنده آنچه دادایشانرا پروردگار ایشان هرآئینه ایشان بودند پیش ازین نکوکار (۱٦) .

كَانُوْا قَلِيْلًا مِّنَ الَّيْلِ مَا يَهْجَعُوْنَ ﴿١٧﴾

بودند باین صفت که اندکی ازشب می خوابیدند (۱۷) .

وَبِالْاَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُوْنَ ﴿١٨﴾

و بوقت سحر ایشان طلب آمرزش می نمودند (۱۸) .

وَفِيْٓ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَالْمَحْرُوْمِ ﴿١٩﴾

ودراموال ایشان حصّه مقرر بود برای سوال کننده وبرای تنگدست کم سوال (۱۹) .

وَفِي الْاَرْضِ اٰيٰتٌ لِّلْمُوْقِنِيْنَ ﴿٢٠﴾

ودرزمین نشانه هاست یقین کنندگان را (۲۰) .

وَفِيْٓ اَنْفُسِكُمْ ۚ اَفَلَا تُبْصِرُوْنَ ﴿٢١﴾

ودرذات شما نشانه هاست آیانمی نگرید (۲۱) .

وَفِي السَّمَآءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوْعَدُوْنَ ﴿٢٢﴾

ودرآسمان است رزق شما وآنچه وعده داده میشود شمارا[1] (۲۲) .

فَوَرَبِّ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَآ اَنَّكُمْ تَنْطِقُوْنَ ﴿٢٣﴾

پس قسم به پروردگارآسمان وزمین هرآئینه این خبرراست است مانند آنکه شما سخن میگوئید[2] (۲۳) .

---

(۱) یعنی پیش ازوجود خارجی درعالم ملکوت رزق وعقوبت وامثال آن متصور میشود والله اعلم .

(۲) یعنی چنانکه درگفتن خود یقین دارید که ماالبته میگوئیم همچنین باین خبریقین باید=

هَلْ أَتٰىكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرٰهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٤﴾	آيا آمده است پیش توخبر مهمانان گرامیِ ابراهیم (٢٤) .
إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلٰمًا قَالَ سَلٰمٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢٥﴾	چون درآمدندبرابراهیم پس سلام گفتند جواب سلام داد (به دل گفت) ایشان گروهی هستند ناشناخته (٢٥) .
فَرَاغَ إِلٰى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿٢٦﴾	پس متوجه شد بسوی اهل خانهٔ خود پس آورد کباب گوساله فربه (٢٦) .
فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٢٧﴾	پس نزدیك ساخت آنرابایشان گفت آیا نه میخورید (٢٧) .
فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلٰمٍ عَلِيمٍ ﴿٢٨﴾	پس (چون نخوردند) درخاطر خود یافت ازایشان ترسی گفتند مترس وبشارت دادندش بفرزندی دانا (٢٨) .
فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿٢٩﴾	پس پیش آمد زن ابراهیم بآوازی وطپانچه زد روی خودرا (یعنی به تعجب) وگفت (آیابزاید) پیرزنی نازاینده (٢٩) .
قَالُوا كَذٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٣٠﴾	فرشتگان گفتند همچنین فرمودپروردگارتو هرآئینه اوست باحکمت دانا (٣٠) .

(١) یعنی چنانکه درگفتن خود یقین دارید که ماالبته میگوئیم همچنین باین خبریقین باید آورد والله اعلم .

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾

ابراهیم گفت پس چیست مقصد شمای فرستادگان (٣١) .

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾

گفتند هرآئینه مافرستاده شدیم بسوی گروهی گناهگار (٣٢) .

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ﴿٣٣﴾

تابفرستیم برسرایشان سنگ باری ازگل (٣٣) .

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾

که نشانمند کرده شده است نزديك پروردگار تو برای آنانکه ازحدبیرون شده اند (٣٤) .

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾

پس برآوردیم هرکرا بود درآن دیه ازمومنان (٣٥) .

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾

پس نیافتیم درآنجاغیر يك خانه ازمسلمانان[1] (٣٦) .

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾

وگذاشتیم درآن دیه نشانه برای آنانکه می ترسند ازعذاب درد دهنده[2] (٣٧) .

وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

ودرقصّهٔ موسیٰ نشانه است چون فرستادیمش بسوی فرعون به دلیل واضح (٣٨) .

فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾

پس روگردان شدهمراه قوت خود[3] و گفت جادوگریست یادیوانه (٣٩) .

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾

پس گرفتیم اورا ولشکر های اورا پس افگندیم ایشان را دردریا واوکننده بودکاری را که موجب ملامت باشد (٤٠) .

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾

و درقصّهٔ عاد نشانه است چون فرستادیم

---

(١) یعنی خانهٔ حضرت لوط والله اعلم .

(٢) یعنی آثارآن سنگباران موجود است والله اعلم .

(٣) یعنی لشکر خود .

برایشان بادی بی منفعت (٤١) .

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾

نه‌گذارد هیچ چیزرا که برسدبوی مگرسازد آن را مانندِ استخوان پوسیده (٤٢) .

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾

ودرقصّهٔ ثمود نشانه است چون گفته شدایشانرا بهره مند باشید تامدتی (٤٣) .

فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾

پس سرکشیدند ازفرمانِ پروردگارخویش پس درگرفت ایشان را نعرهٔ تندوایشان میدیدند (٤٤) .

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾

پس نتوانستند برخاستن ونه بودند انتقام کشندگان (٤٥) .

وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾

وهلاك ساختیم قوم نوح را پیش ازین هرآئینه ایشان بودندگروهی بدکار (٤٦) .

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾

وآسمان را بناکردیم به قوت وهرآئینه ما توانائیم (٤٧) .

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ﴿٤٨﴾

وزمین را گسترانیدیم پس نیکوگسترانده ایم (٤٨) .

وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾

واز هرچیزی آفریدیم دوقسم تاشماپندپذیر شوید[1] (٤٩) .

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾

(پیغامبرگوید) پس بگریزید بسوی خدا هر آئینه من برای شما ازجانب اوترسانندهٔ آشکارم (٥٠) .

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥١﴾

ومقرر مکنید باخدا معبودی دیگررا هرآئینه من برای شماازجانب اوترسانندهٔ آشکارم (٥١) .

كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا

همچنین نیامده است نزدیك آنانکه پیش ازایشان بودند هیچ پیغامبری مگرگفتند

(١) یعنی اعلی وادنی .

قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٥٢﴾
جادوگریست یا دیوانه است (٥٢) .

أَتَوَاصَوْا بِهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٥٣﴾
آیابایکدیگر وصیت کرده اندبانکاربلکه ایشانگروه سرکش اند (٥٣) .

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٤﴾
پس روی بازکش ازایشان پس نیستی توملامت کرده شده (٥٤) .

وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٥﴾
و پندده هرآئینه پنددادن سودمیدهد مومنان را (٥٥) .

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾
ونیافریده ام جن وانس را مگربرای آنکه بپرستند مرا (٥٦) .

مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ ﴿٥٧﴾
نمی خواهم ازایشان رزق را ونمی خواهم که مراطعام دهند (٥٧) .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾
هرآئینه خدا همونست رزق دهنده خداوندِ توانای زورآور[1] (٥٨) .

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ﴿٥٩﴾
پس هرآئینه آنان را که ستم کرده اند نصیبی است (یعنی ازعقوبت) مانند نصیبهٔ یارانِگذشته ایشان پس بایدکه شتاب طلب نکنندازمن (٥٩) .

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾
پس وای کافران را ازآن روزِایشان که وعده داده میشوند (٦٠) .

سُورَةُ الطُّورِ

سوره طور مکی است وآن چهل ونه آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

وَالطُّورِ ﴿١﴾
قسم به کوه طور (١) .

وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ﴿٢﴾
وقسم به کتاب نوشته شده (٢) .

---

(١) یعنی آدمیان بنده می‌گیرند تادرمآکل ومشرب معاونت کنند بخلاف خدا والله اعلم.

فِي رَقٍّ مَّنْشُورٍ ﴿٣﴾
وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾
وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾
وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾
إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾
مَّا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾
يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾
وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾
فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾
الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾
يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ﴿١٣﴾
هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾
أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾
اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ
مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾
فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾

درکاغذ کشاده[1] (۳) .
وقسم بخانهٔ معمور[2] (٤) .
وقسم به سقف برا فراشته شده[3] (٥) .
وقسم به دریا پرکرده شده (٦) .
هرآئینه عذاب پروردگارتو بودنیست (۷).
نیست اوراهیچ دفع کننده (۸) .
روزیکه جنبش کند آسمان جنبش کردنی (۹) .
وروان شود کوه ها روان شدنی (۱۰) .
پس وای آنروزدروغ شمارندگان را (۱۱).
آنانکه ایشان به بیهوده گوئی بازی می کنند (۱۲) .
روزیکه به سختی روان کرده شوند بسوی آتش دوزخ روان کردنی (۱۳) .
اینست آتشی که شماآن رادروغ می شمردید (١٤) .
آیاسحرست این یاشما درنمی نگرید(١٥) .
درآئید باین آتش پس صبر کنید یا نه کنید برابرست برشما جزاین نیست که جزا داده خواهید شد بحسب آنچه می کردید (١٦).
هرآئینه متقیان دربوستانها ونعمت هاباشند خوشحال شده(۱۷) .
بسبب آنکه نعمت داد ایشانرا پروردگار

(۱) یعنی تورات یا قرآن .
(۲) یعنی آنکه درآسمان است .
(۳) یعنی آسمان .

ایشان و بسبب آنکه نگهداشت ایشانرا
ازعذاب دوزخ (١٨) .

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيٓـًٔا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ١٩

بخورید و بنو شید گوارا به سبب آنچه
میکردید (١٩) .

مُتَّكِـِٔينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَٰهُم بِحُورٍ عِينٍ ٢٠

تکیه زده برتخت های برابریکدیگر گسترده
وجفت کنیم ایشانرا بحوران کشاده چشم
(٢٠) .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ
ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَآ أَلَتْنَٰهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَىْءٍ ۚ
كُلُّ امْرِئٍۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ٢١

وآنانکه ایمان آوردند وبرپی ایشان رفت
اولادِ ایشان درایمان برسانیم بدیشان
اولاد ایشانرا ونقصان نه کنیم ایشانرا
ازجزای عملِ ایشان چیزی هر مردی
بآنچه عمل کرد درگروباشد (٢١) .

وَأَمْدَدْنَٰهُم بِفَٰكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ٢٢

وپی درپی عطاکنیم ایشانرا میوه وگوشت
ازجنسی که طلب کنند (٢٢) .

يَتَنَٰزَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ٢٣

ازدست یکدیگرمی گیرند آنجاپیالهٔ شراب
نه بیهوده گوئی باشددرآن ونه بزه کاری
(٢٣) .

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ٢٤

وآمدورفت کنندبرایشان نوجوانانی چند
ازایشان گویاآن نوجوانان مروارید درپرده
پنهان اند (٢٤) .

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ٢٥

و روی آورد بعض ایشان بربعضی ازیك
دیگرسوال کنان (٢٥) .

قَالُوٓا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِىٓ أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ٢٦

گفتند هرآئینه ما پیش ازین درمیانِ اهل
خانهٔ خود ترسان بودیم (٢٦) .

فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَىٰنَا عَذَابَ السَّمُومِ ٢٧

پس نعمتِ فراوان داد مارا خدا
ونگاهداشت ماراازعذاب بادگرم (٢٧) .

إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ ۖ إِنَّهُۥ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ٢٨

هرآئینه ماپیش ازین عبادت میکردیم
اوراهرآئینه اوست احسان کننده مهربان
(٢٨) .

فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾

(یامحمد) پس پندده پس نیستی توبفضل پروردگارخودکاهن ونه دیوانه (۲۹) .

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ﴿٣٠﴾

بلکه آیامیگویند شاعرست انتظار کشیم درحقِ او حوادثِ زمانه را (۳۰) .

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

بگو انتظار بکشید هرآئینه من باشما ازانتظار کشندگانم (۳۱) .

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَٰذَا ۚ أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾

آیا میفرماید باین عقیده عقل های ایشان یاایشان گروهی سرکش اند (۳۲) .

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۚ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾

آیامیگویند بربسته است قرآن را نی بلکه ایمان نمی آرند (۳۳) .

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾

پس بایدکه بیارندسخنی مانندای ا گر راست گوهستند (٣٤) .

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾

آیا ایشان آفریده شدند بغیر آفرینندۂ یاایشان خود آفریدگاراند (۳۵) .

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾

آیاآفریده اند آسمان هاوزمین را بلکه ایشان باورنمی کنند (٣٦) .

أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ ﴿٣٧﴾

آیانزدیك ایشان خزانهای پروردگارتست یا ایشانند چیره دست (۳۷) .

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۖ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾

آیا ایشان رانردبانی هست که برآن بالا رفته می شنوند پس بایدکه بیارد شنوندۂ ایشان دلیل ظاهر را (۳۸) .

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾

آیا خدا را دختران پیدامی شوند وشمارا پسران (۳۹) .

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

آیاسوال میکنی ازایشان مزدی بررسالت پس ایشان ازغرامت‌گرانبار شده اند (٤٠) .

أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾

آیانزدیك ایشان علمِ غیب است پس ایشان مینویسند (٤١) .

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا ۖ فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾

آیامی خواهند بداندیشی پس کافران ایشانند

درضررِ بَداندیشی گرفتار شده (٤٢) .

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ٤٣

آیاایشان را معبودی هست بجزخداپاکی خداراست ازآنکه شریك مقرر میکنند (٤٣) .

وَإِن يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ ٤٤

و ا گر ببینند یك پاره رااز آسمان افتاده گویند این ابریست برهم نشسته (٤٤) .

فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ٤٥

پس بگذارایشان راتاآنکه ملاقات کنند بآن روزخود که درآن بیهوش کرده شوند (٤٥) .

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ٤٦

روزی که دفع نکنند ازایشان مکرِ ایشان چیزی را ونه ایشان نصرت داده شوند (٤٦) .

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ٤٧

وهرآئینه ستمگاران را عذابیست غیراین ولیکن اکثر ایشان نمیدانند (٤٧) .

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ٤٨

وصبر کن بانتظار حکم پروردگار خود هرآئینه توبحضور چشم مائی وبپاکی یادکن باستائش پروردگارخود را وقتیکه بصبح برخیزی (٤٨) .

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ٤٩

وبعض اوقات شب بپاکی یادکن خدارا وعقب غائب شدن ستاره هانیز (٤٩) .

سُورَةُ النَّجْمِ

سوره نجم مکی است وآن شصت ودوآیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ١

قسم بستاره چون فروافتد (١) .

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ٢

گمراه نشد این یارشما[1] وغلط نکرده

---

(١) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم .

است راه را (٢) .

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوٰى ﴿٣﴾

وسخن نمی گویداز خواهش نفس (٣) .

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحٰى ﴿٤﴾

نیست قرآن مگروحی که بسوئ اوفرستاده میشود (٤) .

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوٰى ﴿٥﴾

آموخته است اورافرشتهٔ بسیار باقوت (٥).

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوٰى ﴿٦﴾

صاحب حسن پس راست ایستادآن فرشته (٦) .

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلٰى ﴿٧﴾

واو بکنارهٔ بلند آسمان بود (٧) .

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلّٰى ﴿٨﴾

بازنزدیك شدوفرودآمد (٨) .

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنٰى ﴿٩﴾

پس رسید بمسافتِ دوکمان یا نزدیك ترازآن (٩) .

فَأَوْحٰى إِلٰى عَبْدِهِ مَا أَوْحٰى ﴿١٠﴾

پس پیغام رسانید بسوی بندهٔ خداآنچه رسانید (١٠) .

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأٰى ﴿١١﴾

دروغ داخل نکرد دل پیغامبر درآنچه معائنه کرد (١١) .

أَفَتُمَارُونَهُ عَلٰى مَا يَرٰى ﴿١٢﴾

آیاشما گفتگو میکنید باپیغامبردرآنچه می بیند (١٢) .

وَلَقَدْ رَاٰهُ نَزْلَةً أُخْرٰى ﴿١٣﴾

وهرآئینه دیده بوداو را(این فرشته را) یك باردیگر (١٣) .

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰى ﴿١٤﴾

نزدیك سدرة المنتهیٰ (١٤) .

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوٰى ﴿١٥﴾

نزدیك آن سِدرَه است بهشت آرامگاه (١٥) .

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشٰى ﴿١٦﴾

فرشته رادید وقتی که می پوشید سِدرَه راآنچه می پوشید[1] (١٦) .

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغٰى ﴿١٧﴾

کجروی نکرد چشم پیغامبروازمقصد

---

(١) یعنی وقتیکه انوار الهی ازهر جانب سِدرَه را احاطه کردواین درشب معراج بود والله اعلم .

تجاوز نه نمود (١٧) .

لَقَدْ رَاٰى مِنْ اٰيٰتِ رَبِّهِ الْكُبْرٰى ﴿١٨﴾

هرآئینه معائنه کردبعض نشانه های بزرگ پروردگارخودرا (١٨) .

اَفَرَءَيْتُمُ اللّٰتَ وَالْعُزّٰى ﴿١٩﴾

آیادیدید لات را وعزی را (١٩) .

وَمَنٰوةَ الثَّالِثَةَ الْاُخْرٰى ﴿٢٠﴾

منات سومی بی قدررا (٢٠) .

اَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْاُنْثٰى ﴿٢١﴾

آیاشمارا فرزند باشدوخدارا دختر (٢١) .

تِلْكَ اِذًا قِسْمَةٌ ضِيْزٰى ﴿٢٢﴾

این قسمت آنگاه قسمت بی انصاف باشد (٢٢) .

اِنْ هِيَ اِلَّآ اَسْمَآءٌ سَمَّيْتُمُوْهَآ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّآ اَنْزَلَ
اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ؕ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى
الْاَنْفُسُ ۚ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مِّنْ رَّبِّهِمُ الْهُدٰى ﴿٢٣﴾

نیست این مگرنامهای چند که مقرر کرده اید آنرا شماوپدرانِ شما فرود نیاورده است خدابرثبوت آنها هیچ دلیلی پیروی نمی کنند مگروهم فاسدرا وچیزی را که خواهش می کند نفسها وهرآئینه آمده است ایشان رااز پروردگارایشان هدایت (٢٣) .

اَمْ لِلْاِنْسَانِ مَا تَمَنّٰى ﴿٢٤﴾

آیامیسرست آدمی راآنچه که آرزو میکند (٢٤) .

فَلِلّٰهِ الْاٰخِرَةُ وَالْاُوْلٰى ﴿٢٥﴾

پس خدائراست آنجهان واین جهان (٢٥) .

وَكَمْ مِّنْ مَّلَكٍ فِي السَّمٰوٰتِ لَا تُغْنِيْ شَفَاعَتُهُمْ شَيْـًٔا اِلَّا مِنْ
بَعْدِ اَنْ يَّاْذَنَ اللّٰهُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَيَرْضٰى ﴿٢٦﴾

وبسیار فرشته اند درآسمان ها که نفع نمی کند شفاعتِ ایشان چیزی را مگر بعدازآنکه دستوری دهد خدا ورضامند شودبرای هرکه خواهد (٢٦) .

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ لَيُسَمُّوْنَ الْمَلٰٓئِكَةَ
تَسْمِيَةَ الْاُنْثٰى ﴿٢٧﴾

هرآئینه آنانکه باور نمیدارند آخرت را مسمیٰ میکنند فرشتگان را بنام دختران(٢٧)

وَمَا لَهُمْ بِهٖ مِنْ عِلْمٍ ؕ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ ۚ وَاِنَّ الظَّنَّ
لَا يُغْنِيْ مِنَ الْحَقِّ شَيْـًٔا ﴿٢٨﴾

ونیست ایشانرا بثبوت این مقدمه هیچ دانش پیروی نمی کنند مگر وهم را وهر آئینه وهم نفع نمیدهدازشناخت حقیقت چیزی را (٢٨) .

فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾

پس اعراض کن ازکسیکه روگردان شد ازیادکردن ماوطلب نه کردمگر زندگانیٔ این جهانی را (٢٩) .

ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ ﴿٣٠﴾

اینست نهایت ایشان ازروی دانش[1] هرآئینه پروردگارتو داناست بهرکه غلط کرد راه خدا واوست دانا بهرکه راه یافت (٣٠) .

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ﴿٣١﴾

وخدائراست آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست عاقبت کار جزادهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند جزا دهد آنان را که نیکوکاری کردند بخصلت نیك (٣١) .

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۚ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۖ فَلَا تُزَكُّوا أَنفُسَكُمْ ۖ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ ﴿٣٢﴾

آنانکه پرهیزگاری می کنندازکبائر گناهان وبی حیائی هاسوای گناهان صغیره هرآئینه پروردگار تو بسیارآمرزش است اوست داناباحوال شما وقتی که پیداکرد شمارااز زمین ووقتیکه شما بچه های بودید درشکم های مادرانِ خویش پس ستائش مکنید خویشتن را خدا داناترست بکسیکه پرهیزگاری کرد (٣٢) .

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ ﴿٣٣﴾

آیادیدی کسی را که روگردان شد (٣٣).

وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ ﴿٣٤﴾

وداد اندکی ازمال و سخت دل شد (٣٤).

أَعِندَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ ﴿٣٥﴾

آیانزدیكِ اوست علم غیب پس گویا اوهر چیز را بچشم می بیند (٣٥) .

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ ﴿٣٦﴾

آیا خبرداده نشد بآنچه در صحیفهای موسیٰ (٣٦) .

---

(١) یعنی این است نهایتِ علمِ ایشان .

وَاِبْرٰهِيْمَ الَّذِيْ وَفّٰٓى ﴿٣٧﴾	وابراهيم كه وفادار بود (٣٧) .
اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ﴿٣٨﴾	(مضمونش آنكه) برنخواهد داشت هيچ بردارنده بارِ گناهِ ديگررا (٣٨) .
وَاَنْ لَّيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى ﴿٣٩﴾	وآنكه نرسد آدمى را مگر آنچه عمل كرده است (٣٩) .
وَاَنَّ سَعْيَهٗ سَوْفَ يُرٰى ﴿٤٠﴾	وآنكه سعئ آدمى ديده خواهد شد (٤٠) .
ثُمَّ يُجْزٰىهُ الْجَزَآءَ الْاَوْفٰى ﴿٤١﴾	بازداده خواهد شد بحسب آن سعى جزاى تمام (٤١) .
وَاَنَّ اِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ﴿٤٢﴾	وآنكه بسوى پروردگارتست باز گشت (٤٢) .
وَاَنَّهٗ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكٰى ﴿٤٣﴾	وآنكه او خندانيد وگريانيد (٤٣) .
وَاَنَّهٗ هُوَ اَمَاتَ وَ اَحْيَا ﴿٤٤﴾	وآنكه اوميرانيد واوزنده كرد (٤٤) .
وَاَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ﴿٤٥﴾	وآنكه خدا آفريد دوقسم نروماده را (٤٥) .
مِنْ نُّطْفَةٍ اِذَا تُمْنٰى ﴿٤٦﴾	ازنطفه چون ريخته شود در رحم (٤٦) .
وَاَنَّ عَلَيْهِ النَّشْاَةَ الْاُخْرٰى ﴿٤٧﴾	وآنكه برخدا لازم ست آن پيداكردن ديگر (٤٧) .
وَاَنَّهٗ هُوَ اَغْنٰى وَ اَقْنٰى ﴿٤٨﴾	وآنكه اوتوانگر ساخت وسرمايه داد (٤٨) .
وَاَنَّهٗ هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ﴿٤٩﴾	وآنكه همونست پروردگار ستارهٔ شعرىٰ (٤٩) .
وَاَنَّهٗٓ اَهْلَكَ عَادَا ِۨ الْاُوْلٰى ﴿٥٠﴾	وآنكه او هلاك ساخت عاد نخستين را (٥٠) .
وَثَمُوْدَا۟ فَمَآ اَبْقٰى ﴿٥١﴾	وهلاك كردثمود را پس هيچ كس را باقى نگذاشت (٥١) .
وَقَوْمَ نُوْحٍ مِّنْ قَبْلُ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا هُمْ اَظْلَمَ وَاَطْغٰى ﴿٥٢﴾	وهلاك كرد قومِ نوح را پيش ازين هرآئينه ايشان بودند ستمگارتر وازحدگذشته تر (٥٢) .
وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَهْوٰى ﴿٥٣﴾	وشهر موتفكه را برزمين افگند (٥٣) .
فَغَشّٰىهَا مَا غَشّٰى ﴿٥٤﴾	پس پوشانيد بروى آنچه

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارٰى ﴿٥٥﴾
هٰذَا نَذِيْرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْاُوْلٰى ﴿٥٦﴾
اَزِفَتِ الْاٰزِفَةُ ﴿٥٧﴾
لَيْسَ لَهَا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾
اَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِيْثِ تَعْجَبُوْنَ ﴿٥٩﴾
وَتَضْحَكُوْنَ وَلَا تَبْكُوْنَ ﴿٦٠﴾
وَاَنْتُمْ سٰمِدُوْنَ ﴿٦١﴾
فَاسْجُدُوْا لِلّٰهِ وَاعْبُدُوْا ﴿٦٢﴾ السجدة

پوشانید[١] (٥٤) .
پس درکدام یك ازنعمت های پروردگار خود ای آدمی شبهة میکنی (٥٥) .
این پیغامبرترسانده است ازجنس ترسانندگان پیشین (٥٦) .
نزدیك آمد قیامت(٥٧) .
نیست اورا سوای خداهیچ ظاهر کننده (٥٨) .
آیا ازین سخن تعجب می کنید (٥٩) .
وخنده می نمائیدو نه می‌گریید (٦٠) .
وشمابازی کننده هستید (٦١) .
پس سجده کنید خدارااوپرستش نمائید (٦٢) .

سُوْرَةُ الْقَمَرِ

سوره قمر مکی است وآن پنجاه وپنج ایت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾
وَاِنْ يَّرَوْا اٰيَةً يُّعْرِضُوْا وَيَقُوْلُوْا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾
وَكَذَّبُوْا وَاتَّبَعُوْٓا اَهْوَآءَهُمْ وَكُلُّ اَمْرٍ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .
نزدیك آمد قیامت وبشگافت ماه[٢] (١) .
واگرکافران به بینند نشانه ای اعراض کنند وگویند سحریست قوی (٢) .
ودروغ شمردند وپیروی خواهش خودکردند وهرچیزی دروقت خود قرار گرفته است (٣) .

---

(١) یعنی سنگباران کرد .
(٢) اشارتست بآن قصّه که کافران ازحضرت پیغامبرصلی الله علیه وسلم معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه رادو قطعه ساخت یکی برکوه ابوقبیس ودیگر برکوهی قیقعان والله اعلم .

وَلَقَدْ جَآءَهُم مِّنَ ٱلْأَنۢبَآءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾

وهر آئینه آمده است بدیشان ازخبرها آنچه درآن پندست (٤) .

حِكْمَةٌۢ بَٰلِغَةٌ فَمَا تُغْنِ ٱلنُّذُرُ ﴿٥﴾

وآمده است دانش تمام پس فائده نمیدهدترسانیدنها (٥) .

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ ٱلدَّاعِ إِلَىٰ شَىْءٍ نُّكُرٍ ﴿٦﴾

پس اعراض کن ازایشان آنروزکه بخواند خواننده بسوی چیزی ناخوش آیند (٦) .

خُشَّعًا أَبْصَٰرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ ٱلْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ ﴿٧﴾

درحالیکه فرورفته چشمهای ایشان برآیند (آن روز) از قبورگویاایشان ملخِ پراگنده اند (٧) .

مُّهْطِعِينَ إِلَى ٱلدَّاعِ يَقُولُ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾

شتاب کنان بسوی آن خواننده گویند کافران این روزی ست دشوار (٨) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا۟ عَبْدَنَا وَقَالُوا۟
مَجْنُونٌ وَٱزْدُجِرَ ﴿٩﴾

دروغ شمردند پیش ازایشان قوم نوح پس دروغگو پنداشتند بندهٔ مارا وگفتند دیوانه است وبااوسخن درشتگفته شد (٩) .

فَدَعَا رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَغْلُوبٌ فَٱنتَصِرْ ﴿١٠﴾

پس دعاکرد بجناب پروردگارخود که من مغلوب شده ام پس انتقام بکش (١٠) .

فَفَتَحْنَآ أَبْوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ ﴿١١﴾

پس کشادیم درهای آسمان را بآب بسیارریزنده (١١) .

وَفَجَّرْنَا ٱلْأَرْضَ عُيُونًا فَٱلْتَقَى ٱلْمَآءُ عَلَىٰٓ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ﴿١٢﴾

وروان کردیم اززمین چشمه ها پس جمع شد آب ازهر جانب بنابرکاریکه مقدر شده بود[1] (١٢) .

وَحَمَلْنَٰهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَٰحٍ وَدُسُرٍ ﴿١٣﴾

وسوار کردیم نوح را برکشتی خداوند تخت هاومیخها (١٣) .

تَجْرِى بِأَعْيُنِنَا جَزَآءً لِّمَن كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾

میرفت بحضور چشم های ما بجهت انتقام برای کسیکه باور نداشته بودند

(١) یعنی هلاك قوم او .

اورا(١) (١٤) .

وَلَقَدْ تَرَكْنٰهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿١٥﴾

وهرآئینه‌گذاشتیم این عقوبت رانشانه پس هیچ پندگیرنده است (١٥) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿١٦﴾

پس چگونه بُوَدعقوبتِ من وترسانیدن های من (١٦) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿١٧﴾

وهرآئینه آسان کردیم قرآن راتاپندگیرند پس آیاهیچ پندپذیرنده هست (١٧) .

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿١٨﴾

دروغ شمردند قوم عاد پس چگو نه بود عذابِ من وترسانیدن های من(١٨) .

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾

هرآئینه مافرستادیم برایشان بادِتندرا درروز شوم بغایت سخت (١٩) .

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾

برمیکندمردمان راگویاایشان تنهای درختانِ خرمای ازبیخ برکنده اند (٢٠) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٢١﴾

پس چگو نه بود عقوبت من وترسانیدن های من (٢١) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿٢٢﴾

و هرآئینه آسان کرده ایم قرآن را تاپندبگیرند پس آیاهیچ پندپذیرنده است (٢٢) .

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾

دروغ شمر دند قوم ثمود ترسانندگانرا (٢٣) .

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾

پس گفتند آیایك آدمی راازقوم خویش پیروی کنیم هرآئینه ماآنگاه درگمراهی ودیوانگی باشیم (٢٤) .

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ﴿٢٥﴾

آیا نازل کرده شد بمردی وحی ازمیانِ ما نی بلکه او دروغگوئی خود پسنداست (٢٥) .

---

(١) یعنی برای انتقام خصومت کنان .

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَّنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ ﴿٢٦﴾

خواهند دانست فرداکیست دروغگوی خود پسند (٢٦) .

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

هرآئینه ما فرستنده ایم ماده شتررا بجهت ازمائش ایشان را پس ای صالح منتظر ایشان باش وصبر پیش‌گیر (٢٧) .

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ ۖ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿٢٨﴾

وخبردارکن ایشانرا که آب مقسوم ست درمیانِ ایشان هر حصه آب، حاضر شود بدان آنکه نوبت وی است (٢٨) .

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَىٰ فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾

پس آواز دادند یارخودرا پس دست درازی کردو مجروح ساخت (٢٩) .

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٠﴾

پس چگو نه بودعقوبت من وترسانیدن های من (٣٠) .

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٣١﴾

هرآئینه مافرستادیم برایشان یك نعره پس شدند مانند حظیره[1] درهم شکسته که حظیره سازد آنرابنا کرده باشد (٣١) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٣٢﴾

وهرآئینه آسان ساختیم قرآن رابرای آنکه پندگیرند پس آیاهیچ پندگیرنده است (٣٢) .

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿٣٣﴾

دروغ شمردند قوم لوط ترسانندگانرا (٣٣) .

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ ۖ نَّجَّيْنَاهُم بِسَحَرٍ ﴿٣٤﴾

هرآئینه فرستادیم برایشان بادِسنگبار مگراهل خانهٔ لوط که خلاص ساختیم ایشان را وقت سحر (٣٤) .

نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي مَن شَكَرَ ﴿٣٥﴾

بمهربانی ازنزدیك خویش همچنین

---

(١) مترجم‌گوید حظیره احاطه است که ازشاخهای خشك و خاربرای‌گوسفند بنا کنند وآن بمرورزمان پائمال مواشی میگرددخدای تعالی بآن پائمال شده تشبیه داد .

جزاميدهیم هرکراشکرگذاری کرد (٣٥) .

وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴿٣٦﴾

وهرآئینه لوط ترسانیده بود ایشانرا ازعقوبت ماپس مکابره کردند درآن ترسانید نها (٣٦) .

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٧﴾

وهر آئینه سخن گفتند تاغفلت دهندلوط راازحفظ مهمانانِ اوپس محوکردیم چشم های ایشانرا پس (گفتیم) بچشید عذاب مرا وترسانید نهای مرا (٣٧) .

وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٣٨﴾

وهرآئینه غارت کردایشانرا بامداد عقوبتی جائی‌گیرنده (٣٨) .

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٣٩﴾

پس(گفتیم) بچشیدعذاب مراو ترسانیدنهای مرا (٣٩) .

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٤٠﴾

وهرآئینه آسان ساختیم قرآن رابرای آنکه پندگیرند پس آیا هیچ پندگیرنده هست (٤٠) .

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾

وهرآئینه آمدند خویشاوندان فرعون راترسانندگان (٤١) .

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٤٢﴾

دروغ شمردند نشانه های مارا همه آنرا پس گرفتیم ایشانرا مانند درگرفتن غالب قوی (٤٢) .

أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُولَٰئِكُمْ أَمْ لَكُم بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾

آیاکافران شما ای قریش بهتراند ازین جماعت ها آیا شمارا حکم خلاصی ست درکتابهای پیشین (٤٣) .

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ ﴿٤٤﴾

آیامی گویند ماجماعتی انتقام گیرنده ایم (٤٤) .

سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٤٥﴾

شکست داده خواهد شد اینجماعت را وبگردانند ایشان پشت (٤٥) .

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾

بلکه قیامت وعده‌گاهِ ایشانست وقیامت

سخت تر وتلخ ترست (٤٦) .

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلٰلٍ وَّسُعُرٍ ﴿٤٧﴾
هرآئينه گنهگاران درگمراهی دیوانگی اند (٤٧) .

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلٰى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾
یادکن روزی که کشیده شوندایشان رادر دوزخ برروی های ایشان (گوئیم) بچشید دست رسانیدن دوزخ را (٤٨) .

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنٰهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾
هرآئینه ماهر چیزرا پیداکردیم باندازۂ مقرر (٤٩) .

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾
ونیست حکم ما مگریك کلمه مانند گردانیدن چشم[1] (٥٠) .

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿٥١﴾
وهرآئینه هلاك ساختیم امثال شمارا پس آیاهیچ پندگیرنده است (٥١) .

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿٥٢﴾
وهرچیزی که کرده اند مکتوب ست درنامه های اعمال (٥٢) .

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَّكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ ﴿٥٣﴾
و هرخوردوبزرگ نوشته شده است[2] (٥٣) .

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنّٰتٍ وَّنَهَرٍ ﴿٥٤﴾
هرآئینه پرهیزگاران دربوستانهاوچشمه هاباشند (٥٤) .

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾
در مجلس راستی باشند نزدیك پادشاه توانا (٥٥) .

سُورَةُ الرَّحْمٰنِ

سوره رحمن مدنی است وآن هفتادوهشت ایت وسه رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان .

الرَّحْمٰنُ ﴿١﴾
خدا (١) .

عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ ﴿٢﴾
آموخت قرآن را (٢) .

---

(١) یعنی درسرعت وجود مراد آسان بودن ست .

(٢) یعنی درلوح محفوظ .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾
عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾
اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿٥﴾
وَّالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدٰنِ ﴿٦﴾
وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيْزَانَ ﴿٧﴾
اَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيْزَانِ ﴿٨﴾
وَاَقِيْمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيْزَانَ ﴿٩﴾
وَالْاَرْضَ وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ ﴿١٠﴾
فِيْهَا فَاكِهَةٌ وَّالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ ﴿١١﴾
وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾
فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿١٣﴾
خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾
وَخَلَقَ الْجَآنَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ ﴿١٥﴾
فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ ﴿١٦﴾
رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾

آفرید آدمی را (٣) .
آموختش سخن‌گفتن (٤) .
خورشید وماه بحساب مقرر میروند (٥).
وگیاه ودرخت سجده میکنند (٦) .
وآسمان را برافراشت وفرودآورد ترازو را (٧) .
بمقصد آنکه ازحد تجاوز مکنید درترازو (٨) .
وراست سنجید بانصاف ونقصان مکنید درترازو (٩) .
وزمین راگستردبرای آدمیان (١٠) .
درآن زمین میوه است ودرختان خرماست خداوندِ غلاف ها (١١) .
ودرآن زمین دانه خداوند برگ ست وگل خوشبوئیست [1] (١٢) .
پس کدام یك راازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید[2] (١٣) .
آفریدآدمی را ازگلِ خشك مانند سفال (١٤).
وآفریدجن را ازشعلهٔ آتش (١٥) .
پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (١٦) .
پروردگار دومشرق ست وپروردگار دو

---

(١) مترجم‌گوید اشاره بآنست که برگ حبوب غازیه علف دواب ایشان میشود پس این علاوه نعمت است .
(٢) جن وانس .

	مغرب ست[1] (١٧) .
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ١٨	پس كدام يكراازنعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (١٨) .
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ١٩	گذاشت دودرياراتابهم جمع شوند (١٩) .
بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ٢٠	ميان اين هردوحجابيست كه يكى برديگرى تعدى نميكند (٢٠) .
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢١	پس كدام يكراازنعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢١) .
يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ٢٢	برآيدازين دودريا مرواريدومرجان (٢٢) .
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٣	پس كدام يكراازنعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢٣) .
وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ٢٤	خداراست كشتى هاى‌روان شونده برافراشته دردريا مانندكوه ها (٢٤) .
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٥	پس كدام يكراازنعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢٥) .
كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ٢٦	هركه هست برزمين فانى شود (٢٦) .
وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ٢٧	وباقى ماندروى پروردگارتو خداوند بزرگى وانعام (٢٧) .
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٢٨	پس كدام يكراازنعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٢٨) .
يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ٢٩	سوال ميكند ازخداهركه درآسمانهاست وزمين ست هرروزى خدادرحالتى ست[2] (٢٩) .
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ٣٠	پس كدام يكراازنعمتهاى پروردگار خويش دروغ مى شمريد (٣٠) .

(١) يعنى درزمستان آفتاب مشرق ومغرب ديگردارد و در تابستان مشرق ومغرب ديگر.

(٢) يعنى تنعيم يا تعذيب، اسعاد ياشقا، احيايا اماتت والله اعلم .

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ﴿٣١﴾

ازهمه فارغ شده برای شما متوجه شویم
ای جن وانس (٣١) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید (٣٢) .

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿٣٣﴾

ای قوم جن وانس اگرمی توانید که
بیرون روید ازکناره های آسمان هاوزمین
پس بیرون روید بیرون نخواهد رفتن مگر
بقوتی[1] (٣٣) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید (٣٤) .

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾

فرستاده خواهد شدبرشما شعلهٔ ازآتش
ودود نیز پس مقابله نتوانید کرد (٣٥) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٦﴾

پس کدام یك را ازنعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید (٣٦) .

فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ﴿٣٧﴾

پس چون بشگافدآسمان پس شود مثل گِل
سرخ مانندِادیم سرخ (٣٧) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید (٣٨) .

فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْأَلُ عَن ذَنبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾

پس آن روزسوال کرده نه شود ازگناه خود
هیچ آدمی ونه جنی (٣٩) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

پس کدام یکرااز نعمتهای پروردگار
خویش دروغ می شمرید (٤٠) .

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي
وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾

شناخته شوندگنهگاران به قیافهٔ خود پس
گرفته شودبه موی پیشانی های وبه پای
هانیز (٤١) .

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٢﴾

پس کدام یك راازنعمتهای پروردگار

---

(١) یعنی وآن قوت کجا است .

دروغ می شمرید (٤٢) .

هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِیْ یُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُوْنَ (٤٣)

این است آن دوزخ که دروغ شمرده بودند آن را گنهگاران (٤٣) .

یَطُوْفُوْنَ بَیْنَهَا وَبَیْنَ حَمِیْمٍ اٰنٍ (٤٤)

آمدورفت کنند میان آن آتش ومیان آب گرم جوشیده (٤٤) .

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ (٤٥)

پس کدام یك راازنعمت های پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٥) .

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ جَنَّتٰنِ (٤٦)

وکسی را که ترسیده است ازایستادن بحضور پروردگارخویش دوبوستان است (٤٦) .

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ (٤٧)

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٧) .

ذَوَاتَآ اَفْنَانٍ (٤٨)

دو بوستان دارای شاخه های بسیار (٤٨) .

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ (٤٩)

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٤٩) .

فِیْهِمَا عَیْنٰنِ تَجْرِیٰنِ (٥٠)

درآن دوبوستان دو چشمه میروند (٥٠) .

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ (٥١)

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٥١) .

فِیْهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجٰنِ (٥٢)

درآن دوبوستان ازهرمیوه دو قسم باشد (٥٢) .

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ (٥٣)

پس کدام راازنعمتهای پروردگارخویش دروغ می شمرید (٥٣) .

مُتَّكِـِٕیْنَ عَلٰی فُرُشٍ بَطَآىِٕنُهَا مِنْ اِسْتَبْرَقٍ ؕ وَجَنَا الْجَنَّتَیْنِ دَانٍ (٥٤)

تکیه زده برفرش های که آستِرآن ازحریرضخیم باشد ومیوهٔ آن دوبوستان نزدیك بُوَد [1] (٥٤) .

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰنِ (٥٥)

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار

---

(١) یعنی به سهولت توان گرفت .

خویش دروغ می شمرید (٥٥) .

فِيهِنَّ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿٥٦﴾

درآن کوشکهاحوران باشند فرواندازنده چشم جماع نکرده است بآنهاهیچ آدمی پیش ازایشان ونه هیچ جنی (٥٦) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٧﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٥٧) .

كَأَنَّهُنَّ ٱلْيَاقُوتُ وَٱلْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾

گویاآن حوران یاقوت ومرجان اند (٥٨) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٥٩﴾

پس کدام راازنعمتهای پروردگارخویش دروغ می شمرید (٥٩) .

هَلْ جَزَآءُ ٱلْإِحْسَٰنِ إِلَّا ٱلْإِحْسَٰنُ ﴿٦٠﴾

نیست جزای نیکوکاری مگر انعام بسیار (٦٠) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦١﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦١) .

وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾

وغیرازاین دوبوستان دوبوستان دیگرباشند (٦٢) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٣﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦٣) .

مُدْهَآمَّتَانِ ﴿٦٤﴾

دوبوستان سبزکه ازغایتِ سبزی بسیاهی میزنند (٦٤) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٥﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦٥) .

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾

درآن دوبوستان دوچشمه جوشنده باشند (٦٦) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٦٧) .

فِيهِمَا فَٰكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾

درآن دوبوستان میوه ودرختان خرما وانار باشند (٦٨) .

فَبِأَيِّ ءَالَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

پس کدام یك راازنعمتهای پروردگار

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٥﴾

مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

خویش دروغ می شمرید (٦٩) .
درآن کوشکها زنانِ برگزیده جمال باشند (٧٠) .
پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧١) .
حوران نگاهداشته شده درخیمها (٧٢) .
پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧٣) .
جماع نکرده است بآنها هیچ آدمی پیش ازایشان و نه هیچ جنی (٧٤) .
پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧٥) .
تکیه زده باشند بربالشهای سبز وبساط های نیك (٧٦) .
پس کدام یکراازنعمتهای پروردگار خویش دروغ می شمرید (٧٧) .
بابرکت ست نام پروردگارتو خداوندبزرگی وانعام (٧٨) .

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ

سوره واقعه مکی است وآن نود وشش آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾

لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾

خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ﴿٣﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .
یادکن آنگاه که متحقق شود قیامت (١) .
نیست وقت بودن آن را هیچ نفس دروغ گوینده [١] (٢) .
پست کننده است جماعتی رابلند کننده

---

(١) یعنی همه مسلمان شوند کفر وافتراآنجانه باشد .

است طائفه ای را(٣) .

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾

آنگاه که جنبانیده شود زمین را جنبانیدنِ سخت (٤) .

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾

وریزه ریزه کرده شود کوه هارا ریزه ریزه کردن بسیار (٥) .

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿٦﴾

پس شود مانند غبار پراگنده (٦) .

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾

وشوید شما سه قسم (٧) .

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾

پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (٨) .

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾

واهل شقاوت چه حال دارنداهل شقاوت (٩) .

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾

وپیش روندگان خود ایشانندپیش روندگان (١٠) .

أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾

آن پیش روندگان ایشانند نزدیك کردگان (١١) .

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾

دربوستانهای نعمت باشند (١٢) .

ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾

سابقان جمعی بسیاراند ازپیشینیان[١] (١٣) .

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾

واندکی انداز پسینیان[٢] (١٤) .

عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾

برتخت های زربافته نشسته باشند (١٥) .

مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿١٦﴾

تکیه زده برآن روبروی یکدیگر شده (١٦) .

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾

آمدورفت میکنند برایشان نوجوانان جاویدان (١٧) .

بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿١٨﴾

باآب خوره ها وابریق ها وپیالها ازشراب جاری (١٨) .

---

(١) یعنی ازامم سابقه .

(٢) یعنی ازامت محمدیه .

لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ ﴿١٩﴾
نه دردسرداده شود ایشانرا ازآن شراب ونه بیهوش شوند (١٩) .

وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٢٠﴾
وآمد ورفت کنند بامیوه ازهرجنس که اختیار کنند (٢٠) .

وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾
وباگوشت مرغان ازهر جنس که پسندکنند (٢١) .

وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾
وایشانراست حوران کشاده چشم (٢٢) .

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾
مانند مروارید پوشیده کرده شده (٢٣) .

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾
پاداش دهیم بحسب آنچه میکردند (٢٤) .

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٥﴾
نه شنوند دربهشت سخن بیهوده ونه حرفی کهگناه باشد (٢٥) .

إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٦﴾
لیکن بشنوند این سخن که هریکی سلام می‌گوید (٢٦) .

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾
واهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (٢٧) .

فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾
دردرختان کنارِ بیخار (٢٨) .

وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ ﴿٢٩﴾
ودردرختان موز توبرتوثمرهٔ آن (٢٩) .

وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٣٠﴾
ودرسایهٔ دراز (٣٠) .

وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾
ودرآب ریخته شده (٣١) .

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾
ودرمیوهٔ بسیار (٣٢) .

لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾
نه به پایان رسدونه ازآن منع کرده شود(٣٣) .

وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾
وفرش های برا فراشته شده (٣٤) .

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً ﴿٣٥﴾
هر آئینه ماآفریدیم حوران رایك نوع افریدن (٣٥) .

فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾
پس ساختیم ایشانرا دوشیزه (٣٦) .

عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٧﴾
محبوب شونده نزدیك شوهران[1] هم عمر

(١) یعنی بفنج ودلال .

بایکدیگر (٣٧) .

لِأَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ﴿٣٨﴾

برای اصحاب یمین (٣٨) .

ثُلَّةٌ مِّنَ الْاَوَّلِيْنَ ﴿٣٩﴾

جماعتی بسیارند از پیشینیان (٣٩) .

وَثُلَّةٌ مِّنَ الْاٰخِرِيْنَ ﴿٤٠﴾

وجماعتی بسیارنداز پسینیان (٤٠) .

وَاَصْحٰبُ الشِّمَالِ ۙ مَاۤ اَصْحٰبُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾

واهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت (٤١) .

فِيْ سَمُوْمٍ وَّحَمِيْمٍ ﴿٤٢﴾

دربادگرم وآب‌گرم باشند (٤٢) .

وَّظِلٍّ مِّنْ يَّحْمُوْمٍ ﴿٤٣﴾

ودرسایه دود سیاه (٤٣) .

لَّا بَارِدٍ وَّلَا كَرِيْمٍ ﴿٤٤﴾

که نه خنك باشد ونه باعزت بُوَد (٤٤) .

اِنَّهُمْ كَانُوْا قَبْلَ ذٰلِكَ مُتْرَفِيْنَ ﴿٤٥﴾

هرآئینه ایشان بودند پیش ازین بنازپرورده (٤٥) .

وَكَانُوْا يُصِرُّوْنَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيْمِ ﴿٤٦﴾

ومداومت میکردند برگناه بزرگ (یعنی شرك) (٤٦) .

وَكَانُوْا يَقُوْلُوْنَ ۙ اَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ ﴿٤٧﴾

ومی‌گفتند آیا چون بمیریم وخاك شویم واستخوانی چند باشیم آیاما برانگیخته شویم (٤٧) .

اَوَاٰبَآؤُنَا الْاَوَّلُوْنَ ﴿٤٨﴾

آیاپدران نخستین مابرانگیخته شوند (٤٨) .

قُلْ اِنَّ الْاَوَّلِيْنَ وَالْاٰخِرِيْنَ ﴿٤٩﴾

بگوهرآئینه پیشینیان وپسینیان (٤٩) .

لَمَجْمُوْعُوْنَ ۙ اِلٰى مِيْقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُوْمٍ ﴿٥٠﴾

البته جمع کرده شوند درمیعاد روزمقرر (٥٠) .

ثُمَّ اِنَّكُمْ اَيُّهَا الضَّآلُّوْنَ الْمُكَذِّبُوْنَ ﴿٥١﴾

بازهرآئینه شمااى گمراهان دروغ شمارندگان (٥١) .

لَاٰكِلُوْنَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زَقُّوْمٍ ﴿٥٢﴾

خواهید خورد ازدرختان زقوم (٥٢) .

فَمَالِـُٔوْنَ مِنْهَا الْبُطُوْنَ ﴿٥٣﴾

پس پرخواهید کرد ازآن شکم هارا (٥٣) .

فَشٰرِبُوْنَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيْمِ ﴿٥٤﴾

پس خواهید آشامیدبرآن طعام ازآب‌گرم (٥٤) .

فَشٰرِبُوْنَ شُرْبَ الْهِيْمِ ﴿٥٥﴾

پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی (٥٥) .

هٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾
اینست مهمانی ایشان روز جزاء (٥٦) .

نَحْنُ خَلَقْنٰكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾
ماآفریدیم شمارا پس چرا باورنمی کنید (یعنی اعاده را) (٥٧) .

أَفَرَءَيْتُمْ مَّا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾
آیامی دیدید آنچه میریزیددررحم زنان[1] (٥٨) .

ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخٰلِقُونَ ﴿٥٩﴾
آیاشمامی آفرینید آن را یا ماآفریننده ایم[2] (٥٩) .

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾
مامعین کردیم درمیان شمامرگ را ونیستیم ما عاجز کرده شده (٦٠) .

عَلٰى أَنْ نُّبَدِّلَ أَمْثٰلَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِى مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾
ازآنکه عوض شما آریم قومی مانند شما وبیافرینیم شمارا درعالمی که نمیدانید (٦١) .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولٰى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾
وهرآئینه دانسته اید آفرینش نخستین را پس چراپندنمی‌گیرید (٦٢) .

أَفَرَءَيْتُمْ مَّا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾
آیا دیدید آنچه می کارید (٦٣) .

ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزّٰرِعُونَ ﴿٦٤﴾
آیاشما میرویانیدآن را یاما رویاننده ایم (٦٤) .

لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنٰهُ حُطٰمًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾
اگرخواهیم بگردانیم آن زراعت راگیاهی درهم شکسته به تعجب مانده گوئید (٦٥) .

إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾
هرآئینه ماغرامت کشندگانیم (٦٦) .

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾
بلکه ما محروم ماندگانیم (٦٧) .

أَفَرَءَيْتُمُ الْمَآءَ الَّذِى تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾
آیا پس دیدید آن آب را که می آشامید (٦٨) .

ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ﴿٦٩﴾
آیاشما فرودآورده ایدآن را از ابر یاما فرودآرندگانیم (٦٩) .

---

(١) یعنی منی را .
(٢) یعنی تقلیب میکنیم منی راازحالی به حالی تاآدمی پیدامی شود والله اعلم .

لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنٰهُ اُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُوْنَ ﴿٧٠﴾

اگرخواهیم شوربگردانیم آنرا پس چرا شکر نمی‌گوئید (٧٠) .

اَفَرَءَيْتُمُ النَّارَ الَّتِيْ تُوْرُوْنَ ﴿٧١﴾

آیاپس دیدید آن آتش را که روشن می کنید ازمیان شاخ درخت برمی آرید (٧١) .

ءَاَنْتُمْ اَنْشَاْتُمْ شَجَرَتَهَآ اَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُوْنَ ﴿٧٢﴾

آیاشما آفریده ایددرخت آن را یاماآفریننده ایم (٧٢) .

نَحْنُ جَعَلْنٰهَا تَذْكِرَةً وَّمَتَاعًا لِّلْمُقْوِيْنَ ﴿٧٣﴾

ماساختیم آن درخت رابرای پند ومنفعت برای مسافران (٧٣) .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ ﴿٧٤﴾

پس به پاکی یادکن پروردگاربزرگ خودرا (٧٤) .

فَلَآ اُقْسِمُ بِمَوٰقِعِ النُّجُوْمِ ﴿٧٥﴾

پس سوگند میخورم بافتادن ستارها[١] (٧٥) .

وَاِنَّهٗ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُوْنَ عَظِيْمٌ ﴿٧٦﴾

وهرآئینه این قسمی ست بزرگ اگر بدانید (٧٦) .

اِنَّهٗ لَقُرْاٰنٌ كَرِيْمٌ ﴿٧٧﴾

هرآئینه این کتاب قرآنی است گرامیقدر (٧٧) .

فِيْ كِتٰبٍ مَّكْنُوْنٍ ﴿٧٨﴾

نوشته شده است درکتاب پوشیده (٧٨) .

لَّا يَمَسُّهٗٓ اِلَّا الْمُطَهَّرُوْنَ ﴿٧٩﴾

که دست نمی رسانندبآن مگر پاك کردگان[٢] (٧٩) .

تَنْزِيْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٨٠﴾

فرستاده شده است از جانب پروردگار عالمها (٨٠) .

اَفَبِهٰذَا الْحَدِيْثِ اَنْتُمْ مُّدْهِنُوْنَ ﴿٨١﴾

آیابااین سخن شما انکار کننده اید (٨١) .

وَتَجْعَلُوْنَ رِزْقَكُمْ اَنَّكُمْ تُكَذِّبُوْنَ ﴿٨٢﴾

ومی سازید نصیبه خودآنکه شمابه دروغ نسبت می کنید (٨٢) .

فَلَوْلَآ اِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُوْمَ ﴿٨٣﴾

پس آنگاه که رسد روح شخصی نزد

---

(١) یعنی شهب والله اعلم .

(٢) یعنی درلوح محفوظ .

وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَٰكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾

فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ﴿٨٦﴾

تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٨٨﴾

فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾

فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾

فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾

وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ﴿٩٤﴾

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

سُورَةُ الْحَدِيدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾

گلو (٨٣) .

وشما آنگاه می بینید (٨٤) .

ومانزدیك تریم باو به نسبت شما ولیکن نمی نگرید (٨٥) .

پس اگرهستید غیر مقهور حکم الهی(٨٦) .

چرابازنگردانیدروح را اگرراستگوئید[1] (٨٧) .

پس اما اگر باشد مرده ازنزدیك کردگان بارگاه الهی (٨٨) .

پس اوراست راحت وگل خوشبووبوستان نعمت (٨٩) .

واما اگرباشد ازاهل سعادت (٩٠) .

پس سلامت ست ای مخاطب خاطر تراازاهل سعادت (٩١) .

واما اگرباشد ازدروغ شمارندگان گمراهان (٩٢) .

پس اوراست مهمانی ازآبگرم (٩٣) .

واوراست درآوردن به دوزخ (٩٤) .

هرآئینه این خبردرست بی شبهه است (٩٥) .

پس بپاکی یادکن پروردگار بزرگ خودرا (٩٦) .

سوره حدید مدنی است وآن بیست ونه آیت وچهار رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

به پاکی یادکردخدارا هرچه درآسمان ها

(١) مترجمگوید لفظ لولا داخل است بر ترجعونها واعادهٔ آن برای تاکید است .

وزمین ست واوست غالب دانا (۱) .

لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝٢

اوراست پادشاهی آسمانها وزمین زنده میکند ومی میراند واوبرهرچیز تواناست (۲) .

هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝٣

اوست نخستین همه واوست آخرینِ همه واوست آشکارَاواوست پنهان واوبهرچیز داناست (۳) .

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى
عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ
مِنَ السَّمَآءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيْهَا وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا
تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۝٤

اوست آنکه آفریدآسمان ها وزمین را درشش روز بازمستقرشد برعرش می داند آنچه درمی آید به زمین وآنچه برمی آیدازآن وآنچه فرودمی آید ازآسمان وآنچه بالامیرود اندرآن واوباشماست هرجاکه باشید وخدا بآنچه میکنید بیناست (٤) .

لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ۝٥

اوراست پادشاهئ آسمان هاوزمین وبسوی خدابازگردانیده میشودکار ها (۵) .

يُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَهُوَ عَلِيْمٌ
بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ۝٦

درمی آردشب را درروز ودرمی آرد روزرا درشب واو داناست بمکنون سینها (٦) .

اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاَنْفِقُوْا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ
فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيْرٌ ۝٧

ایمان آرید بخداورسول او وخرج کنید ازجملهٔ آن مال که قرار داده است شمارا جانشین دیگران دروی پس آنانکه ایمان آوردند و خرج کردند ازشما ایشانراست مزدِ بزرگ (۷) .

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُوْلُ يَدْعُوْكُمْ لِتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ
وَقَدْ اَخَذَ مِيْثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝٨

وچیست شمارا که ایمان نمی آرید بخدا ورسول درحالیکه دعوت می کند شمارا که ایمان آرید بپروردگارخویش وهرآئینه عهدگرفته است ازشما[1] اگرهستید باوردارنده (۸) .

(۱) یعنی روز ألست بربکم .

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٩﴾

واوست آنكه فروميفرستد بر بندۀ خود آياتِ واضح تابيرون آردشمارا ازتاريكی ها بسوی روشنی هرآئينه خدا برشما بخشاينده مهربان ست (٩) .

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ ۚ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ ۚ
أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا ۚ
وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾

وچيست شمارا كه خرج نه كنيد درراه خدا و خدای‌راست واپس‌گذاشتۀ آسمان ها وزمين[1] برابرنيست ازشما آنكه خرج كرد پيش ازفتح مكه و قتال كرد (بآنكه اين چنين عمل بعد ازفتح مكه كرده باشد) آنجماعت درمرتبه بزرگ ترند ازآنانكه خرج كردند بعد از فتح وقتال كردند وهريك راوعده داده است خدا حالتِ نيك وخدا بآنچه ميكنيد خبردارست (١٠) .

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ
أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

كيست آنكه قرض دهد خدارا قرض دادن نيك پس دوچند اداكندآن قرض رابرای او و اوراست مزدِ گرامی قدر (١١) .

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

يادكن روزيكه ببينی مردان مسلمانان را و زنانِ مسلمانان را باين صفت كه می شتابدنورايشان پيش دست های ايشان و بجانب های راست ايشان (گفته شود) مژده باد شماراامروزشمارا ست بوستان های ميرود زيرآن جويها جاويد باشيد آنجا اينست مطلب يابی بزرگ (١٢) .

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا

روزيكه گويند مردانِ منافق وزنانِ منافق

---

(١) يعنی هركسيكه بميردآنچه بگذارد ملكِ خداباشد پس بآن بخل كردن نهايت شنيع است .

نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾

بامسلمانان بنظر شفقت نگرید بسوی ماتاروشنی گیریم ازنور شماگفته شودبازگردید پس پشت خویش پس بجوئیدروشنی را[1] پس بناکرده شود درمیانِ ایشان دیواری که اورا دروازه باشد اندرونِ آن دیوار درآنجارحمت ست وبیرون آن دیوار بجانب پیش اوعذاب ست (١٣) .

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنتُمْ أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿١٤﴾

آوازدهند منافقان مسلمانان راآیامانبودیم همراه شماگفتند آری ولیکن شما دربلا افگندید خویشتن را وانتظار کردید[2] وشك آوردید وفریفته کرد شمارا آرزوها تاآنکه برسید فرمان خدا[3] وفریب دادشمارادر فرمانبرداری خداشیطان فریبنده (١٤) .

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

پس امروز فراگرفته نه شود ازشمافدیهٔ ونه ازکافران گرفته شود جای شماآتش ست همان آتش لائقِ شماست و بد باز گشت ست وی (١٥) .

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلُ فَطَالَ

آیاوقت نرسیده است مسلمانان را که نیایش کند دل های ایشان آن وقت یاد کردن خداووقت یادآوردن آنچه آمده ست ازوحی الهی ونباشند مانند آنانکه

---

(١) مترجوگوید یعنی دردنیا روید تحصیل نورکنید که این جاتحصیل نور نیست والله اعلم .

(٢) یعنی هزیمت مسلمانان را .

(٣) یعنی اجل .

عَلَيْهِمُ الْاَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوْبُهُمْ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿١٦﴾

داده شده است ایشان راکتاب پیش ازین
پس درازگشت برایشان مدت پس سخت
شددل های ایشان وبسیاری ازایشان
بدکاران اند (١٦) .

اِعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ
لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿١٧﴾

بدانید که خدا زنده میکند زمین را بعد
ازمرده بودنِ آن هرآئینه بیان کردیم برای
شمانشانهابُوَد که شما دریابید (١٧) .

اِنَّ الْمُصَّدِّقِيْنَ وَالْمُصَّدِّقٰتِ وَاَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضٰعَفُ
لَهُمْ وَلَهُمْ اَجْرٌ كَرِيْمٌ ﴿١٨﴾

هرآئینه مردان خیرات دهنده وزنان
خیرات دهنده وآنانکه قرض داده اند
خدارا قرض نیك دو چند داده شودایشان
را وایشانراست مزدگرامی قدر (١٨) .

وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖٓ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصِّدِّيْقُوْنَ
وَالشُّهَدَآءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ اَجْرُهُمْ وَنُوْرُهُمْ وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا
وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ﴿١٩﴾

وآنانکه ایمان آوردند بخداو پیغمبران او
آنجماعت ایشانند صدیقان وشهیدان
نزدیك پروردگارخویش ایشانراست
مزدایشان ونورایشان وآنانکه کافرشدند
ودروغ شمردند آیاتِ مارا آنجماعت اهل
دوزخ اند (١٩) .

اِعْلَمُوْٓا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَّزِيْنَةٌ وَّتَفَاخُرٌۢ بَيْنَكُمْ
وَتَكَاثُرٌ فِي الْاَمْوَالِ وَالْاَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ
نَبَاتُهٗ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرٰىهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُوْنُ حُطٰمًا وَفِي الْاٰخِرَةِ
عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَّمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ
الدُّنْيَآ اِلَّا مَتَاعُ الْغُرُوْرِ ﴿٢٠﴾

بدانید که زندگانئ دنیا بازیست وبیهودگی
ست وآرائش ست وخودستائی ست
درمیان شما وازیکدیگرزیاده طلبی ست
درمال ها وفرزندان مانند بارانی که به
شگفت آورد زراعت کنندگان را رُستنئ
او باز خشك شود پس زرد به بینی آن را
بازدرهم شکسته گردد ودرآخرت عذاب
سخت ست ونیز آمرزش ست ازجانب
خداوخوشنودیست و نیست زندگانی دنیا
مگر بهره ای که باعث فریب باشد (٢٠) .

سَابِقُوْٓا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَآءِ

سبقت کنیدبسوی آمرزش ازجانب
پروردگار تان وبسوی بهشتی که پهنائی

وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ
يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢١﴾

اومانند پهنائی آسمان وزمین باشد آماده کرده شد برای آنانکه ایمان می آرند بخداو پیغامبران او اینست فضل خدا میدهدش بهرکه خواهد وخداوند صاحب فضل بزرگ ست (٢١) .

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن
قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾

نه رسید هیچ مصیبتی در زمین ونه در جان های شما مگر نوشته شده است درکتابی پیش ازآنکه بیافرینیم آن مصیبت را هرآئینه این کار بر خداآسان ست (٢٢) .

لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ
مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾

(خبرداده ایم) تااندوه نخورید برآنچه رفت ازدست شماوتاشادمان نه شویدبآنچه عطا کرد شمارا و خدای‌تعالی دوست نمیداردهرتکبر کننده خودستاینده را (٢٣) .

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ
اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

(دوست نمیدارد) آنانراکه بخل میکنند ومردمان را به بخل می فرمایند وهرکه رگردان شود هرآئینه خدا اوست بی نیاز ستوده (٢٤) .

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۖ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ
فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن
يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾

هرآئینه فرستادیم پیغامبران خودرا به نشانه های واضح وفرودآوردیم همراه ایشان کتاب وترازو راتاعمل کنندمردمان بانصاف وفرودآوردیم آهن را درآن جنگ سخت ست ومنفعت های دیگر برای مردمان وتابداند خدا کسی راکه نصرت دهد خداوپیغمبران اورا غائبانه هرآئینه خداتوانای غالب ست (٢٥) .

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ

وهرآئینه فرستادیم نوح را وابراهیم را ونهادیم در اولاد ایشان پیغامبری وکتاب

وَالْكِتٰبَ فَمِنْهُمْ مُّهْتَدٍ ۚ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٢٦﴾

پس بعض ایشان راه یابنده است وبسیاری ازایشان بدکارانند (٢٦) .

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَاٰتَيْنٰهُ
الْاِنْجِيْلَ ۙ وَجَعَلْنَا فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ رَاْفَةً وَّرَحْمَةً ۗ
وَرَهْبَانِيَّةَ ۨابْتَدَعُوْهَا مَا كَتَبْنٰهَا عَلَيْهِمْ اِلَّا ابْتِغَآءَ رِضْوَانِ
اللّٰهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ۚ فَاٰتَيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْهُمْ
اَجْرَهُمْ ۚ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿٢٧﴾

بازفرستادیم ازپی ایشان پیغامبران خودرا وازپی آوردیم عیسیٰ پسر مریم را ودادیمش انجیل ونهادیم دردل های تابعانِ او مهربانی وبخشائش وگوشه نشینی که خود پیدا کرده بودند آن را ما فرض نه ساخته بودیم برایشان لیکن اختراع کردند بطلب خوشنودی خدا پس نگاهداشتِ آن نکردند حقِ نگهداشتنِ آن پس عطا کردیم آنان را که ایمان آوردند ازایشان[1] مزدایشان را وبسیاری ازایشان بدکارانند (٢٧) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَاٰمِنُوْا بِرَسُوْلِهٖ يُؤْتِكُمْ
كِفْلَيْنِ مِنْ رَّحْمَتِهٖ وَيَجْعَلْ لَّكُمْ نُوْرًا تَمْشُوْنَ بِهٖ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ
وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٢٨﴾

ای آنانکه ایمان آورده اید به پیغمبران سابق بترسید ازخداوایمان آرید به پیغامبراو[2] تابدهد شمارا دوحصه ازرحمت خود وبدهدشمارا نوری که راه روید بآن وتابیامرزد شمارا وخداآمرزگار مهربان ست (٢٨) .

لِّئَلَّا يَعْلَمَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَلَّا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ مِّنْ
فَضْلِ اللّٰهِ وَاَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَآءُ ۚ
وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿٢٩﴾

(خدااین مقدمه خبرداد) تابدانند اهل کتاب که ایشان قادر نیستند برچیزی ازفضل خدا وبدانند که فضل بدست خداست میدهد آن را بهرکه خواهد وخدا صاحب فضل بزرگ ست (٢٩) .

---

(١) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم .

(٢) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم .

سُورَةُ الْمُجَادَلَة

سوره مجادله مدنی است وآن بیست ودوآیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ○

قَدْ سَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّتِيْ تُجَادِلُكَ فِيْ زَوْجِهَا وَ
تَشْتَكِيْٓ اِلَى اللهِ ۖ وَاللهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۭ اِنَّ اللهَ سَمِيْعٌۢ بَصِيْرٌ ①

بنام خدای بخشاینده مهربان .

[1]هرآئینه شنید خدای‌تعالی سخن آن زن که گفتگو میکردبا تو درباره شوهر خود وشکایت میکرد پیش خدا وخدامی شنود گفتگو کردن شمارا هرآئینه خداشنوابیناست . (۱)

اَلَّذِيْنَ يُظٰهِرُوْنَ مِنْكُمْ مِّنْ نِّسَاۗىِٕهِمْ مَّا هُنَّ اُمَّهٰتِهِمْ ۭ اِنْ اُمَّهٰتُهُمْ
اِلَّا الّٰۗــِٔيْ وَلَدْنَهُمْ ۭ وَاِنَّهُمْ لَيَقُوْلُوْنَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُوْرًا ۭ وَ
اِنَّ اللهَ لَعَفُوٌّ غَفُوْرٌ ②

آنانکه ازشما ظهار میکنند بازنان خود[2] نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان ، الآّآنانکه زاده اند ایشان را هرآئینه این ظهار کنندگان می گویند سخن نامعقول ومیگویند دروغ وهرآئینه خدا عفوکنندهٔ آمرزگارست (۲) .

وَالَّذِيْنَ يُظٰهِرُوْنَ مِنْ نِّسَاۗىِٕهِمْ ثُمَّ يَعُوْدُوْنَ لِمَا قَالُوْا
فَتَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّتَمَاۗسَّا ۭ ذٰلِكُمْ تُوْعَظُوْنَ بِهٖ ۭ وَاللهُ
بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ③

وآنانکه ظهارمی کنند بازنان خود بازرجوع میکنند درمخالفت آنچه گفتند پس واجب ست آزاد کردنِ برده ای پیش ازآنکه زن ومردبایکدیگردست رسانند[3] این حکم پندداده میشود شمارا بآن وخدا بآنچه میکنید خبردارست (۳) .

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَّتَمَاۗسَّا

پس هرکه نه یابدبرده را پس بروی واجب

---

(۱) زنی را شوهراوگفت "انتِ علی کظهر امی" توبر من مانند پشت مادرمنی آن زن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم این ماجراعرض کرد فرمودند که حرام شدی آن زن کثرت عیال وقلت مال عرض کرد خدای تعالی این آیت فرستاد .

(۲) یعنی تشبیه می دهند زنان خودرا به پشت مادر .

(۳) یعنی جماع کنند .

فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّيْنَ مِسْكِيْنًا ذٰلِكَ لِتُؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ
وَرَسُوْلِهٖ وَتِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ④

ست روزه داشتن دوماه پی در پی پیش ازآنکه هردوبایکدیگر دست رسانند پس هرکه نتوانداین را پس طعام دادن شصت فقیر لازم است، این حکم برای آنست که منقادشوید به خداو پیغامبراو واین احکام حد مقرر کردهٔ خداست و کافران را عذاب درد دهنده باشد (٤) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يُحَآدُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ كُبِتُوْا كَمَا كُبِتَ الَّذِيْنَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَقَدْ اَنْزَلْنَآ اٰيٰتٍۢ بَيِّنٰتٍ وَلِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ⑤

هرآئینه آنانکه مخالفت میکنند باخدا و رسول اوخوار کرده شدایشانرا چنانکه خوارکرده شد آنان را که پیش ازایشان بودند وهرآئینه فرودآوردیم آیاتِ واضح وکافران را عذاب خوار کننده است (٥) .

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا اَحْصٰىهُ اللّٰهُ
وَنَسُوْهُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ⑥

روزیکه برانگیزد ایشانرا خداهمه یك جا پس خبردهد ایشان را بآنچه کرده بودند یادداشت کردآنراخداوایشان فراموش کردند آن را وخدابرهمه چیز مطلع ست . (٦)

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَا يَكُوْنُ مِنْ
نَّجْوٰى ثَلٰثَةٍ اِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ اِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ اَدْنٰى
مِنْ ذٰلِكَ وَلَآ اَكْثَرَ اِلَّا هُوَ مَعَهُمْ اَيْنَ مَا كَانُوْا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوْا
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ⑦

آیانه دیدی که خدا میداند آنچه درآسمان هاست وآنچه درزمین ست نمی باشد بایکدیگر گفتن سه شخص رامگر خداچهارم ایشان ست ونمی باشد گفتن پنج شخص راالاّ خدا ششمِ ایشان ست ونه کمتر ازین ونه زیاده ازین مگر خداباایشانست هرکجاباشند بازخبر دهد ایشان را روزِقیامت به آنچه کرده اند هرآئینه خدابهرچیز داناست (٧) .

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ نُهُوْا عَنِ النَّجْوٰى ثُمَّ يَعُوْدُوْنَ لِمَا نُهُوْا عَنْهُ

آیاندیدی بسوی آنانکه منع کرده شدایشان

وَيَتَنٰجَوْنَ بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُوْلِ وَاِذَا جَآءُوْكَ
حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللهُ وَيَقُوْلُوْنَ فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا
اللهُ بِمَا نَقُوْلُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿٨﴾

راازبایکدیگر رازگفتن[١] بازعَود میکنند درآنچه ازآن منع کرده شد ایشان را وبیکدیگررازمیگویند درباب گناه وتعدی ونافرمانی پیغامبر وچون بیایند پیش تودعاکنند ترا بآن کلمه که دعانکرده است تراخدابآن[٢] ومیگویند دردل های خویش چرا عذاب نه میکند مارا خدابسبب آنچه میگوئیم[٣] بس ست ایشانرا دوزخ درآیند آن جا پس بدجائیست دوزخ (٨).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْاِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُوْلِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى
وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِيْٓ اِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿٩﴾

ای مسلمانان چون بایکدیگر رازگوئید پس بایدکه رازمگوئید درباب گناه وتعدی نافرمانیِ پیغامبر ورازگوئید درباب نیکوکاری وپرهیزگاری وبترسید ازخدائی که بسوی اوحشر کرده خواهید شد (٩).

اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطٰنِ لِيَحْزُنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَلَيْسَ
بِضَآرِّهِمْ شَيْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللهِ وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿١٠﴾

جزاین نیست که رازگفتنِ بدازکارشیطان ست تااندوهگین کنَد مسلمانان را ونیست هیچ زیان رساننده بایشان مگر بارادهٔ خدا، وبرخدا بایدکه توکل کنند مسلمانان (١٠).

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا قِيْلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوْا فِي الْمَجٰلِسِ
فَافْسَحُوْا يَفْسَحِ اللهُ لَكُمْ وَاِذَا قِيْلَ انْشُزُوْا فَانْشُزُوْا يَرْفَعِ
اللهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰتٍ
وَاللهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ﴿١١﴾

ای مسلمانان چون گفته شود شمارا که گشاده بنشینیددر مجلس ها پس گشاده کنید جای را تابگشاید خدا برای شما (هرمشکلی را) وچون گفته شودبرخیزید پس برخیزید تابلند کند خدامرتبه هابرای

---

(١) یعنی یهود که رازایشان درایذای مسلمین بود والله اعلم .
(٢) یعنی بجای السلام علیك السام علیك گویند یعنی مرگ برتوباد .
(٣) یعنی ا گر پیغامبرراست است بایستی که مارا عذاب رسیدی والله اعلم .

آنانکه ایمان آورده اند ازشما وآنانکه عطا کرده شده است ایشانرا علم وخدابآنچه میکنید خبردارست (۱۱) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا نَٰجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىْ
نَجْوَىٰكُمْ صَدَقَةً ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ ۚ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا۟ فَإِنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان چون خواهید که راز گوئید باپیغامبر پس نخست بدهید پیش ازراز گفتن خود خیرات را این کار بهترست شمارا وپاکیزه تر پس ا گر نیابید هرآئینه خداآمرزگار مهربانست[1] (۱۲) .

ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا۟ بَيْنَ يَدَىْ نَجْوَىٰكُمْ صَدَقَٰتٍ ۚ فَإِذْ لَمْ
تَفْعَلُوا۟ وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا۟ الصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ الزَّكَوٰةَ
وَأَطِيعُوا۟ اللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾

آیاترسیدید ازآنکه نخست دهیدپیش از رازگفتن خود خیرات هاراپس چون نکردید ودرگذشت خدا ازشما پس باری برپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را وفرمانبرداری کنید خدا ورسول اورا وخدا خبردارست بآنچه میکنید (۱۳) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا۟ قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم مَّا هُم مِّنكُمْ وَلَا
مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾

آیانه دیدی بسوی آنانکه دوستی کردند باقومی که غضب کرده است خدا برایشان[2] نیستند این منافقان ازشما ونه ازیهود وسوگند میخورند بردروغ وایشان میدانند (۱٤) .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ إِنَّهُمْ سَآءَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾

آماده ساخته است خدابرای ایشان عذابِ سخت هرآئینه بداست آنچه میکردند (۱۵) .

ٱتَّخَذُوٓا۟ أَيْمَٰنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ﴿١٦﴾

سِپَر گرفته اند سوگندانِ خودرا پس بازداشتند مردم را ازراه خدا پس برای ایشانست عذاب خوارکننده (۱٦) .

---

(۱) مترجم گوید این حکم منسوخ است بآیتی که می آید والله اعلم .

(۲) یعنی منافقان بایهود دوستی کردند والله اعلم .

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَآ أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۭ أُولٰٓئِكَ
أَصْحٰبُ النَّارِ ۭ هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ﴿١٧﴾

دفع نخواهد كردازايشان اموال ايشان واولاد ايشان ازعذابِ خداچيزى را اين جماعت اهل دوزخ اند، ايشان آنجاجاويدان باشند (١٧) .

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهٗ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ
وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلٰى شَيْءٍ ۭ أَلَآ إِنَّهُمْ هُمُ الْكٰذِبُونَ ﴿١٨﴾

روزيكه برانگيزد ايشانرا خداهمه يك جا پس سوگند خورند بحضور اوچنانكه سوگند ميخورند بحضور شما و مى پندارند كه ايشان بر چيزى هستند آگاه شوهرآئينه ايشانند دروغگو (١٨) .

اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطٰنُ فَأَنْسٰهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ ۭ أُولٰٓئِكَ حِزْبُ
الشَّيْطٰنِ ۭ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطٰنِ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿١٩﴾

غالب آمده است برايشان شيطان پس فراموش ساخت ازخاطر ايشان يادكردن خدارا اين جماعت لشكر شيطان اند آگاه شو هرآئينه لشكر شيطان ايشانند زيان كاران (١٩) .

إِنَّ الَّذِينَ يُحَآدُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗٓ أُولٰٓئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ﴿٢٠﴾

هرآئينه آنانكه مخالفت ميكنند باخداورسول او اين جماعت درجملهٔ خوارترين مردم اند (٢٠) .

كَتَبَ اللّٰهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۭ إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾

حكم كردخداالبته غالب شوم من و پيغامبران من هرآئينه خدا تواناى غالب ست (٢١) .

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُّؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ اللّٰهَ
وَرَسُولَهٗ وَلَوْ كَانُوٓا اٰبَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۭ
أُولٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ ۭ وَيُدْخِلُهُمْ
جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا ۭ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ
وَرَضُوا عَنْهُ ۭ أُولٰٓئِكَ حِزْبُ اللّٰهِ ۭ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ
الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

نخواهى يافت قومى را كه ايمان دارند بخدا وروز آخر باين صفت كه دوستى كنند باكسيكه خلاف كرده است باخداورسول او واگرچه آن جماعت باشند پدران ايشان ياپسرانِ ايشان يابرادرانِ ايشان يا خويشاوندانِ ايشان آن مومنان كه باكافران دوستى ندارند نوشته است خدادردل هاى ايشان ايمان را وقوت داده است ايشان را بفيضِ غيبى

ازجانب خود و درآردایشان را به بوستان ها میرودزیرآن جویها جاویدان آنجا خوشنود شد خداازایشان وخوشنود شدند ایشان ازخدا ایشانند لشکر خداآ گاه شو هرآئینه لشکر خداایشانند رستگاران (٢٢) .

سُوْرَةُ الْحَشْر

سوره حشر مدنی است وآن بیست وچهار آیت وسه رکوع است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ①

[1] به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان هاست وآنچه درزمین ست واوست غالب باحکمت (١) .

هُوَ الَّذِيْٓ اَخْرَجَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِاَوَّلِ الْحَشْرِ ۭ مَا ظَنَنْتُمْ اَنْ يَّخْرُجُوْا وَظَنُّوْٓا اَنَّهُمْ مَّانِعَتُهُمْ حُصُوْنُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ فَاَتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوْا ۤ وَقَذَفَ فِيْ قُلُوْبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُوْنَ بُيُوْتَهُمْ بِاَيْدِيْهِمْ وَاَيْدِي الْمُؤْمِنِيْنَ ۤ فَاعْتَبِرُوْا يٰٓاُولِي الْاَبْصَارِ ②

اوست آنکه بیرون راند آنان را که کافرشدند ازاهل کتاب از خانه های ایشان در اوّل جمع کردن لشکر، گمان نه داشتید شما ای مسلمانان که بیرون روند و گمان میکردندآن کافران که نگاهدارندۀ ایشان باشندقلعه های ایشان ازعقوبتِ

(١) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون بمدینه آمدند بابنی نضیر صلح کردند وایشان بسبب شقاوت ازلی سعی عداوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم پیش گرفتند آنحضرت صلی الله علیه وسلم اراده فرمود که آنجماعت را جلاوطن فرماید منافقان آن ملاعین را پیغام فرستادند که شما قتال کنید ودر جنگ استواری ورزید که مارفیق شماایم خدای تعالی برخلاف اراده منافقان دراول جمع کردن لشکر بریهودالقا رُعب فرمودتاعاجز آمدند وجلاوطنی اختیار کردند و سخن اهلِ نفاق را نشنیدند وبقتال وتکرار جمع رجال اتفاق نیفتادواموال ایشان فَیء شدوفَیء آنراگویند که بغیر قتال بدست مسلمانان افتد خدای تعالی منت بر مسلمانان نهادحکم فَیء بیان فرمود وازارادۀ منافقان خبر داد والله اعلم .

خدا پس بیامد بایشان عقوبتِ خدااز آن جاکه گمان نمی کردند وافگند دردل های ایشان ترس را خراب میکردند خانه های خودرا بدست های خویش وبدست های مسلمانان پس عبرت گیرید ای خداوندانِ بصیرت (٢) .

وَلَوْلَآ أَنْ كَتَبَ اللهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَآءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا
وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ③

وا گرنه آن بود که نوشت خدا برایشان جلاوطنی را هرآئینه عقوبت میکردایشانرا دردنیا[1] وایشان راست درآخرت عذابِ آتش (٣) .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا اللهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَنْ يُّشَآقِّ اللهَ فَإِنَّ اللهَ
شَدِيْدُ الْعِقَابِ ④

این عذاب بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند باخداورسول اووهر که مخالفت کند باخداپس هرآئینه خداسخت عقوبت ست (٤) .

مَا قَطَعْتُمْ مِّنْ لِّيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوْهَا قَآئِمَةً عَلٰٓى أُصُوْلِهَا فَبِإِذْنِ اللهِ
وَلِيُخْزِيَ الْفٰسِقِيْنَ ⑤

آنچه بریدید ازدرختِ خرما یا گذاشتیدآن را ایستاده بربیخ و ریشه های آن پس به فرمان خدابود وتاخوار کند بدکاران را[2] (٥) .

وَمَآ أَفَآءَ اللهُ عَلٰى رَسُوْلِهِ مِنْهُمْ فَمَآ أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ
وَّلَا رِكَابٍ وَّلٰكِنَّ اللهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ ۚ وَاللهُ عَلٰى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ⑥

وآنچه عائد گردانید خدابرپیغامبر خوداز اموال (بنی نضیر) پس نتاخته بودید برآن اسپان را ونه شتران را ولیکن خدا غالب میگرداند پیغامبران خودرا برهرکه خواهد وخدا برهرچیز تواناست (٦) .

مَآ أَفَآءَ اللهُ عَلٰى رَسُوْلِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرٰى فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُوْلِ
وَلِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَابْنِ السَّبِيْلِ ۙ كَيْ لَا

آنچه عائد گردانید خدا برپیغامبر خود ازاموال ساکنان ده ها خدای راست و

---

(١) بنوعی دیگر والله اعلم .

(٢) یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جائز است وترك آن نیز جائز والله اعلم .

يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ
مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾

پیغامبررا وخویشاوندان را[1] ویتیمان را وفقیران را وراه گذررا (بیان فرمودیم) تانباشد آن دستگردان میان توانگران ازشما وهرچه بدهد شمارا پیغامبر بگیریدآن را وهرچه منع کند شمارا ازآن بازایستید وبترسید ازخدا هرآئینه خداسخت عقوبت است (٧) .

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾

آن فَیء فقیران هجرت کننده راست آنانکه بیرون کرده شدایشان را ازخانه های ایشان و اموالِ ایشان می طلبند نعمت را از پروردگار خویش وخوشنودی را ونصرت میدهند خدا وپیغامبررا این جماعت ایشانند راست وعده(٨) .

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ
إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ
عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقَ شُحَّ
نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

ونیز آنان راست که جای گرفتند بدارالاسلام[2] وجای پیداکردند درایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هرکه هجرت میکند بسوی ایشان ونه می یابند درخاطرِ خود دغدغه ازطرف آنچه داده شد مهاجران را ودیگران را اختیار میکنند برخویشتن و ا گرچه باشد ایشانرا احتیاج وهرکه نگاهداشته شدازحرصِ نفسِ خویش پس آنجماعت ایشانند رستگاران (٩) .

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا

ونیز آنان راست که آمدند بعد مهاجران و

---

(١) یعنی خویشاوندان پیغامبررا .

(٢) یعنی به مدینه .

الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ
آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

انصار می‌گویند ای پروردگار ما بیامرز مارا و برادران مارا که سبقت کر دند برما به ایمان آوردن وپیدامکن دردل های ما هیچ کینه نسبت به آنانکه ایمان آوردند ای پروردگار ماهرآئینه تو بخشایندۂ مهربانی[١] (١٠) .

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ
فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
لَكَاذِبُونَ ﴿١١﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه منافق شدند میگویند آن برادرانِ خودرا که کافرند ازاهل کتاب ا گر جلاوطن کرده شود شمارا البته بیرون شویم نیز همراه شما وفرمان قبول نه کنیم در مقدمۂ شما هیچکس را هرگزو ا گرجنگ کرده شودبا شما البته نصرت دهیم شمارا وخداگواهی میدهد که ایشانند دروغگویان (١١) .

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنصُرُونَهُمْ وَلَئِن
نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٢﴾

ا گرجلاوطن کرده شوند جلاوطن نه شوند همراه ایشان (منافقان) و ا گرجنگ کرده شود با ایشان نصرت ندهند ایشانرا و ا گر بفرض نصرت دهند ایشانرا راالبته بازگردانند پشت های خودرا بعد ازآن مدد کرده نشود ایشانرا (١٢) .

لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِم مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ
قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ﴿١٣﴾

هرآئینه شمااى مسلمانان بارعب ترید درخاطر های ایشان ازخدا این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی فهمند[٢] (١٣) .

---

(١) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که درفَیء هر مسلمان را حق ست پس احوج فالاحوج رابايد دادتاآنكه مال فَیء كفايت كند والله اعلم .

(٢) یعنی ازعذاب خدا که مؤجل ست پروانداراند والله اعلم .

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَآءِ
جُدُرٍۭ ۚ بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ ۚ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ
شَتَّىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ ﴿١٤﴾

جنگ نکنند باشما یکجا شده مگردر ده هائی که برآن حصار ساخته باشند یا ازپس دیوار ، جنگ ایشان درمیان خویش سخت است می پنداری ایشان را همه یکجا مجتمع شده ودلهای ایشان پراگنده است این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که درنمی یابند[1] (١٤) .

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ۖ ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٥﴾

داستانِ ایشان مانند داستان آنانست که پیش ازایشان بودند درنزدیکی چشیدند وبالِ گناهِ خودرا و ایشانراست عذاب دردناك[2] (١٥) .

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي
بَرِيٓءٌ مِّنكَ إِنِّيٓ أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

داستانِ منافقان بااهل کتاب مانند داستانِ شیطان ست چون گفت آدمی را کافر شوپس چون کافرشد گفت هرآئینه من بی تعلقم ازتو هرآئینه من میترسم ازخدا پروردگار عالمها (١٦) .

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ
جَزَٰٓؤُا الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾

پس شدعاقبت کاراین شیطان واین آدمی آنکه ایشان درآتش باشند جاویدان آن جا واین ست جزای ستمگاران (١٧) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ
لِغَدٍ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

ای مسلمانان بترسید ازخدا وبایدکه تأمل کند هر شخص که چه چیز پیش فرستاده است برای فردا[3] وبترسید ازخدا هرآئینه خدا خبردارست بآنچه می کنید (١٨) .

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ ۚ أُولَٰٓئِكَ

ومباشید مانند آنانکه فراموش کردند

---

(١) یعنی بایکدیگر خانه جنگی ها دارند مصلحت ایشان یکی نیست والله اعلم .

(٢) یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب ومنهزم شدند ایشان نیزمنهزم گشتند والله اعلم .

(٣) یعنی برای روزقیامت .

هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿١٩﴾

خدارا پس خدافراموش گردانید ازخاطرِ ایشان تدبیر حالِ ایشانرا این جماعت ایشانند بدکاران (١٩) .

لَا يَسْتَوِیْٓ اَصْحٰبُ النَّارِ وَاَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ؕ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿٢٠﴾

برابرنیستند اهل دوزخ واهل بهشت، اهل بهشت ایشانند بمطلب رسندگان (٢٠) .

لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ ؕ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿٢١﴾

ا گرفرود می‌آوردیم این قرآن را برکوهی هرآئینه میدیدی آنرانیایش کرده پاره پاره شده ازخوف خداواین داستان هارا بیان می کنیم برای مردمان تاایشان تأمل کنند (٢١) .

هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۚ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ﴿٢٢﴾

اوست آن خدا که نیست هیچ معبود برحق مگراو دانندهٔ نهان وآشکاراوست بخشایندهٔ مهربان (٢٢) .

هُوَ اللّٰهُ الَّذِیْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ؕ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٢٣﴾

اوست آن خداکه نیست هیچ معبود برحق مگراو پادشاه نهایت پاك سلامت ازهمه عیب امن دهنده نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار پاکی خدای راست ازشریك مقرر کردن ایشان (٢٣) .

هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی ؕ يُسَبِّحُ لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٢٤﴾

اوست خدا آفریدگار نوپدید آرندهٔ نگارنده، اوراست نامهای نیك به پاکی یاد میکند اوراهرچه درآسمان ها وزمین ست واوست غالب باحکمت (٢٤) .

سُوْرَةُ الْمُمْتَحِنَة

سوره ممتحنه مکی است وآن سیزده آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّیْ وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَآءَ تُلْقُوْنَ

(١) ای مسلمانان دوستان مگیرید دشمنانِ

(١) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم خواستند که بفتح مکه متوجه شوند =

إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ
وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَ
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا
أَعْلَنتُمْ وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ①

مرا و دشمنانِ خودرامی افگنید بسوی ایشان پیغام بسبب دوستی وهرآئینه ایشان کافرشده اند بآنچه آمده است بشما ازدین راست جلاوطن میکنند پیغامبررا وشمارا نیزبرای آنکه ایمان آوردید به خدا پروردگار خویش، (دوست مگیرید) ا گر برآمده اید از اوطان خود برای جهاد درراه من وبطلب رضامندی من پنهان میفرستید بسوی ایشان پیغام دوستی ومن میدانم آنچه پنهان میکنید وآنچه آشکار می نمائید وهرکه ازشما بکند این کار هرآئینه گم کرد راه هموار را (١) .

إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ
وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ②

ا گر کافران بیابند شمارا دشمن باشند درحقِ شما وبگشایند بسوی شمادستهای خودرا وزبان های خودرا بایذا ودوست دارند که کافر شوید (٢) .

لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ ۚ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ ۚ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ③

سودنخواهند داد شمارا خویشاوندانِ شماونه فرزندانِ شما روزقیامت فیصله خواهد کردخدادرمیانِ شما، وخدا بآنچه میکنید بیناست (٣) .

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا
لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا
بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا

هرآئینه هست شمارا الگوی نیك باابراهیم وآنانکه همراه اوبودند چون گفتند قوم خودرا هرآئینه مابی تعلقیم ازشما وازآن

= ومی‌خواستند کسی اهل مکه رابقصد آنحضرت مطلع نکند تاناگهان برسرایشان رسند یکی از صحابه بطرف ایشان نامه نوشت وبرقصد آنحضرت مطلع ساخت خدای تعالی آنحضرت صلی الله علیه وسلم را اطلاع داد تاآن نامه راازراه باز آوردند وخدای تعالی درباب منع ازدوستیِ کفار نازل ساخت .

بِاللّٰهِ وَحْدَهٗٓ اِلَّا قَوْلَ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ لَاَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ
اَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ۭ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَاِلَيْكَ
اَنَبْنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيْرُ ④

چه می پرستید بجزخدا نامعتقد شدیم بشما وپدیدآمد میانِ ماومیانِ شما دشمنی وناخوشی همیشه تاوقتیکه ایمان آرند بخدای تنها (شمارا الگوی نیک ست باابراهیم) مگر درقول ابراهیم پدر خودرا که آمرزش طلب خواهم کرد برای تونمی توانم برای تو ازخدا چیزی(۱) گفت ابراهیم ای پروردگار مابرتوتوکل کردیم وبسوی تورجوع نمودیم وبسوی تست بازگشت (٤) .

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۚ اِنَّكَ اَنْتَ
الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ⑤

ای پروردگارما قرارمَدِه مارا زیردستِ کافران وبیامرزبرای ما ای پروردگارما هرآئینه توئی غالب باحکمت (٥) .

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيْهِمْ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللّٰهَ وَالْيَوْمَ
الْاٰخِرَ ۭ وَمَنْ يَّتَوَلَّ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيْدُ ⑥

هرآئینه هست شمارا بجماعت مذکوره اقتداء نیك کسی رااز شماکه امید دارد ملاقات خدا وروزآخرت را وهرکه روگردان شود پس هرآئینه خدا بی نیاز ستوده کارست (٦) .

عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِيْنَ عَادَيْتُمْ مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً ۭ
وَاللّٰهُ قَدِيْرٌ ۭ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ⑦

نزدیك ست خدا ازآنکه پیداکند درمیان شماودرمیان آنانکه دشمنی داشته ایدبآنها دوستی را(۲) وخداتواناست وخداآمرزگار مهربانست (٧) .

لَا يَنْهٰىكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِيْنَ لَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ فِي الدِّيْنِ
وَلَمْ يُخْرِجُوْكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَتُقْسِطُوْٓا

منع نمی کند خداشمارا ازمواصلتِ آنانکه جنگ نه کرده اند باشمادرمقدمهٔ

(۱) یعنی درین قول اقتداء باابراهیم نه شاید کردن واستغفار برای کافر درست نیست والله اعلم .

(۲) یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد .

إليهم ۚ إن الله يحب المقسطين ﴿٨﴾

دین وبیرون نه کرده اند شمارا ازخانه های شما (منع نمیکند) ازآنکه احسان کنید بایشان وانصاف کنید درحقِ ایشان هرآئینه خدادوست میدارد انصاف کنندگان را (٨) .

إنما ينهاكم الله عن الذين قاتلوكم في الدين وأخرجوكم من
ديركم وظاهروا على إخراجكم أن تولوهم ۚ ومن يتولهم
فأولئك هم الظلمون ﴿٩﴾

جزاین نیست که منع میکند شمارا خدااز مواصلتِ آنانکه جنگ کرده اندباشمادرمقدمهٔ دین وبیرون کرده اندشمارا ازخانه های شما ومعاونتِ دیگران کردند دربرآوردن شما (منع میکند) ازآنکه دوستی کنید باایشان وهرکه دوستی کندباایشان پس آنجماعت ایشانندستمگاران (٩) .

يأيها الذين آمنوا إذا جاءكم المؤمنت مهجرت فامتحنوهن ۖ
الله أعلم بإيمانهن ۖ فإن علمتموهن مؤمنت فلا ترجعوهن
إلى الكفار ۖ لا هن حل لهم ولا هم يحلون لهن ۖ وآتوهم ما
أنفقوا ۚ ولا جناح عليكم أن تنكحوهن إذا آتيتموهن أجورهن ۚ
ولا تمسكوا بعصم الكوافر وسئلوا ما أنفقتم وليسئلوا ما
أنفقوا ۚ ذلكم حكم الله ۖ يحكم بينكم ۚ والله عليم حكيم ﴿١٠﴾

ای[1] مسلمانان چون بیایند پیش شما زنانِ مسلمان هجرت کرده پس امتحان کنید ایشانرا[2] خداداناترست بایمان ایشان پس ا گر مسلمان دانید ایشان را بازنه فرستید ایشان را بسوی کافران نه این زنان حلال اندکافران را ونه آن کافران حلال اند این زنان را وبدهید بشوهران آنچه خرج کردند[3] ونیست گناه برشما که نکاح کنید بایشان چون بدهید

---

(١) مترجم گوید درصلح حدیبیه بعض نساء کفار هجرت کرده بمدینه می آمدندوبعض نساء مسلمین مرتدگشته بکفار ملحق میشدند خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود والله اعلم .

(٢) یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشیِ شوهران خودیا بسبب عشق مردان دیگرنیامده اند والله اعلم .

(٣) یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند بازگردانید والله اعلم .

ایشان را مهرایشان ونگاه ندارید دست آویز زنانِ نامسلمان را[۱] وطلب کنید آنچه شما خرج کردید وباید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند[۲] اینست حکم خدا فیصله میکند میان شما وخدا دانای باحکمت ست (۱۰) .

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُم مِّثْلَ مَا أَنفَقُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنتُم بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

وا گراز دست شما برود کسی اززنان شما بسوی کافران پس غنیمت بدست آوردید[۳] پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند بترسید ازخدائی که شمااورا باور دارنده اید[٤] (۱۱) .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ ۙ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای پیغمبر چون بیایند نزدِ توزنانِ مسلمان که بیعت کنند باتو باین شرط که شریك مقرر نکنند باخدا چیزی را ودزدی نکنند وزنانکنند ونه کشند اولاد خودرا وپیش نیارند سخن دروغ که بربسته باشند آن را درمیان دستهای خویش ودرمیانِ پاهای

---

(۱) یعنی برنکاح کافره اقامت نباید کرد والله اعلم .

(۲) یعنی ا گرزنی مرتد شده بامشرکان ملحق شود مهرِ اوباید طلبید و ا گرزنی مسلمان شده هجرت کند مهراوباید داد والله اعلم .

(۳) یعنی غنیمت ستانید ازایشان .

(٤) مترجم گوید که ا گرکفار معاهد باشندوزنی مرتده بایشان ملحق گرددازیشان مهر باید طلبید چنانچه درآیت سابقه معلوم شده ا گرکفار حربیان باشنداز غنائمِ اموالِ ایشان شوهران مرتده را مهر باید داد بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند نزدیك این فقیر نسخ این احکام ثابت نشده است پس ا گرمثل حالتیکه درصلح حدیبیه بودباز رودهد تحقیق که برهمین احکام عمل کرده شود والله اعلم .

خویش[۱] ونافرمانی نکنند ترا درکارنیك پس بیعت قبول کن ازایشان وطلب آمرزش کن برای ایشان ازخدا هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست (۱۲) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ
قَدْ يَىِٕسُوْا مِنَ الْاٰخِرَةِ كَمَا يَىِٕسَ الْكُفَّارُ مِنْ اَصْحٰبِ
الْقُبُوْرِ ﴿١٣﴾

ای مسلمانان دوستی نه کنید باگروهی که خشم‌گرفته است خدا برآن ها آنجماعت ناامیدشده اند از ثواب آخرت چنانکه ناامید شده اند کافران از اهل گور[۲] (۱۳) .

سُوْرَةُ الصَّفِّ

سوره صف مدنی است وآن چهارده آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿١﴾

به پاکی یادکرد خدارا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست واوست غالب باحکمت (۱) .

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَ تَقُوْلُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٢﴾

ای مسلمانان چرامی‌گوئید آنچه نمی‌کنید (۲) .

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُوْلُوْا مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ﴿٣﴾

بسیار ناپسندیده شد نزدِ خدا آنکه بگوئید چیزی که نه کنید[۳] (۳) .

اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِهٖ صَفًّا كَاَنَّهُمْ
بُنْيَانٌ مَّرْصُوْصٌ ﴿٤﴾

هرآئینه خدا دوست میدارد آنان را که جنگ میکنند درراه خدا صف بَسته گویاایشان عمارتی هستند محکم بایکدیگر چسپیده (٤) .

---

(۱) یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند والله اعلم .

(۲) یعنی خدای تعالی حکم بعذاب ایشان کرده است پس هرگز ایمان نیارند وثواب نیابند چنانچه کافران بعد مردن برکفر توقع ثواب ندارند والله اعلم .

(۳) یعنی باخداعهد کنید به وفانرسانید .

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَد تَّعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ۖ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَٰسِقِينَ ﴿٥﴾

ویادکن چون گفت موسیٰ قوم خودرا ای قوم من چرامیرنجانید مرا وهرآئینه می دانید که من فرستادۀ خدایم بسوی شما پس وقتیکه کجروی کردند کج ساخت خدادل های ایشان را خدا راه نمی نماید قوم بدکاران را (٥) .

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَٰبَنِي إِسْرَٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَىٰةِ وَمُبَشِّرًۢا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنۢ بَعْدِي اسْمُهُۥٓ أَحْمَدُ ۖ فَلَمَّا جَآءَهُم بِالْبَيِّنَٰتِ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٦﴾

ویادکن چون گفت عیسیٰ پسر مریم ای بنی اسرائیل هرآئینه من پیغمبر خدایم بسوی شما باور دارندۀ آنچه پیش دستان من است ازتورات وبشارت دهنده به پیغامبری که بیاید بعد ازمن نام او احمد باشد پس چون آمد احمد (صلی الله علیه وسلم) پیش ایشان با معجزه ها گفتند این سحر ظاهرست (٦) .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰٓ إِلَى الْإِسْلَٰمِ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّٰلِمِينَ ﴿٧﴾

وکیست ستمگارتر ازکسیکه بربست برخدا دروغ را واوخوانده می شود بسوی اسلام وخداراه نمی نماید گروه ستمگاران را (٧) .

يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ الْكَٰفِرُونَ ﴿٨﴾

میخواهند این کافران که فرونشانند نورخدارا به دهن های خویش وخداتمام کنندۀ نور خودست ا گرچه ناخوش دارند کافران (٨) .

هُوَ الَّذِيٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾

اوست آنکه فرستاد پیغامبر خودرا به هدایت ودین راست تاغالب کندش برهمۀ ادیان ا گرچه ناخوش دارند مشرکان (٩) .

يَٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَٰرَةٍ تُنجِيكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿١٠﴾

ای مسلمانان آیادلالت کنم شمارا به تجارتی که برهاند شمارا ازعذابِ درد دهنده (١٠) .

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ
وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١﴾

ایمان آرید بخدا ورسول او وجهادکنید
درراه خداباموال خود وبه جان های خود
این بهترست برای شماا گر میدانید (١١).

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾

(ا گر این چنین کنید) بیامرزدبرای شما
گناهان شمارا ودرآردشمارا به بوستانها
میرودزیرآن جویها وبه محل های پاکیزه
دربهشت های همیشه ماندن اینست
پیروزیِ بزرگ (١٢) .

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

و(بدهد) نعمتی دیگر که دوست میدارید
آنراآن نعمت نصرت ازجانب خداوفتح
قریب الحصول ست ومژده بده مسلمانان
را (١٣) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنصَارُ
اللَّهِ فَآمَنَت طَّائِفَةٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت طَّائِفَةٌ
فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ﴿١٤﴾

ای مسلمانان باشید نصرت دهندگانِ خدا
چنانکه گفت عیسیٰ پسر مریم بایارانِ
خاص خود کیستند نصرت دهندگانِ من
بسوی خدامتوجه شده گفتند آن یارانِ
خاص مائیم نصرت دهندگانِ خدا[1] پس
ایمان آوردند جمعی از بنی اسرائیل
وکافرماندند جمعی پس قوت دادیم
مومنان را بر دشمنانِ ایشان پس شدند
غالب (١٤) .

سُورَةُ الْجُمُعَةِ

سوره جمعه مدنی است یازده
آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

بپاکی یادکنند خدارا هرآنچه درآسمان
هاست وآنچه درزمین ست پادشاهِ نهایت

(١) پس در ترویج دین عیسیٰ سعی کردند .

پاك ، غالب باحكمت (١) .

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ٢

اوست آنكه برانگيخت درنا خوانده گان[١] پيغامبرى ازقوم ايشان ميخواند برايشان آيات اورا وپاك مى كند ايشان را ومى آموزدايشان را كتاب و دانش و هرآئينه ايشان بودند پيش ازين درگمراهيِ ظاهر (٢) .

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٣

ونيز مبعوث كرد آن پيغامبررادرقومى ديگرازبنى آدم كه هنوز نه پيوسته اندبامسلمانان[٢] و اوست غالب باحكمت (٣) .

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ٤

اينست فضل خدا ميدهدش بهركه خواهد وخدا صاحب فضل بزرگ ست (٤) .

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ
أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ٥

مثال آنانكه نهاده شد برايشان تورات باز برنداشتندآن را[٣] مانندِ مثال خرست كه برداردكتاب هارا بداست داستان قومى كه دروغ مى شمردند آيات خدارا وخداراه نمى نمايد گروه ستمگاران را (٥) .

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ
النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ٦

بگواى يهود ا گرگمان داريد كه شما دوستان خدائيد بجز سائر مردمان پس آرزو كنيد مرگ را ا گر هستيد راست گويان (٦) .

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ٧

وآرزو نخواهند كردآنرا هرگزبسبب آنچه پيش فرستاده است دست هاى ايشان

(١) يعنى عرب .
(٢) فارس يعنى سائرِ عجم .
(٣) يعنى به وفق آن عمل نه كردند .

وخداداناست به ستمگاران (٧) .

قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾

بگوهرآئینه مرگی که می گریزیدازآن البته وی رسنده است بشما گردانیده خواهید شدبسوی دانندهٔ نهان وآشکارا پس خبردهد شمارا بآنچه می کردید (٨) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾

ای مسلمانان چون اذان داده شود برای نماز درروز جمعه پس سعی کنید بسوی یادکردن خداوبگذارید خریدوفروش را این بهترست شمارا ا گرمی دانید (٩) .

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾

پس چون تمام کرده شود نماز متفرق شوید در زمین وطلب کنید ازفضل خدا ویادکنید خدارا بسیار تا شما رستگار شوید (١٠) .

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا ۚ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۚ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

(وآن مسلمانان) چون ببینند کاروانی یا بازی را متفرق شده متوجه میشوند بسوی آن وبگذارند تورا ایستاده[١] بگو آنچه نزدِ خداست بهترست ازبازی واز سوداگری وخدابهترین روزی دهندگانست[٢] (١١) .

---

(١) یعنی در خطبه .

(٢) مترجم گوید این آیت عتاب است بربعضی اصحاب و اشارت است بآن قصّه که کاروانی ازشام آمددراثناء خطبه ایشانرا دیده متفرق شدند ودرخدمت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماندندمگر دوازده شخص که حضرت ابوبکر وعمر ازآنجمله بودند والله اعلم .

سُوْرَةُ الْمُنَافِقُوْنَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

إِذَا جَآءَكَ الْمُنٰفِقُوْنَ قَالُوْا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُوْلُ اللّٰهِ ۘ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ
إِنَّكَ لَرَسُوْلُهٗ ؕ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَكٰذِبُوْنَ ۚ ①

اِتَّخَذُوْٓا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ؕ إِنَّهُمْ
سَآءَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ②

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا فَطُبِعَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُوْنَ ③

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ ؕ وَإِنْ يَّقُوْلُوْا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ ؕ كَأَنَّهُمْ
خُشُبٌ مُّسَنَّدَةٌ ؕ يَحْسَبُوْنَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ ؕ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ ؕ
قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ ۫ أَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ④

وَإِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ لَوَّوْا رُءُوْسَهُمْ
وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّوْنَ وَهُمْ مُّسْتَكْبِرُوْنَ ⑤

سوره منافقون مدنی است وآن یازده آیت ودورکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

چون بیایند پیش تومنافقان[۱] گویند گواهی میدهیم که تو پیغامبر خدائی وخدا میداند که تو پیغامبر اوئی وخدا گواهی میدهد که منافقان دروغ گواند (۱) .

سپر گرفته اند قسم های خودرا پس بازماندند ازراه خدا هرآئینه ایشان بداست آنچه می کردند (۲) .

این بسبب آنست که ایشان ایمان آوردند بازکافرشدند پس مهر نهاده شد بردل های ایشان نمی فهمند (۳) .

وچون ببینی ایشان را متعجب کند تراابدانِ ایشان و ا گربگویند گوش نهی برسخن ایشان گویاایشان چوبهای به دیوار تکیه داده اند، می پندارند هرآواز تند را هلاکی برخود ایشانند دشمنان پس بترس ازایشان لعنت کرد ایشانرا خداازکجا گردانیده میشوند(٤) .

وچون گفته شود منافقان را بیائید تاطلب آمرزش کند برای شما پیغامبر خدا می پیچانند سرهای خودرا وببینی ایشان را که رو می

---

(۱) مترجم گوید رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیزبرزبان آوردآن را شخصی ازانصار به عرض آنحضرت صلی الله علیه وسلم رسانید منافقان بمجلس شریف آمده قسم خوردندکه مرتکب آن کلمات نشده انداین سوره درحکایت آن اقوال وتهدید وتکذیب ایشان نازل شد .

گردانند تکبر کنان (٥) .

سَوَآءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ
إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿٦﴾

یکسانست درحق آنجماعت که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نه طلبی برای ایشان نخواهد آمرزید خداایشان را هرآئینه خدا راه نمی نماید گروه فاسقان را (٦) .

هُمُ الَّذِيْنَ يَقُوْلُوْنَ لَا تُنْفِقُوْا عَلٰى مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَتّٰى
يَنْفَضُّوْا وَلِلّٰهِ خَزَآئِنُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ
لَا يَفْقَهُوْنَ ﴿٧﴾

ایشانند آنان که میگویند (یاران خودرا) خرج مکنید برآنانکه که نزد رسول خدایند[1] تا پراگنده شوندوخدای راست خزانه های آسمانهاو زمین ولیکن منافقان نمی دانند (٧) .

يَقُوْلُوْنَ لَئِنْ رَّجَعْنَآ إِلَى الْمَدِيْنَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ
وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُوْلِهٖ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ
لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿٨﴾

میگویند ا گر بازرسیم به مدینه البته برآرد بزرگ ترخوارتررااازمدینه[2] و خدای راست بزرگی وپیغامبراورا ومسلمانان را و لیکن منافقان نمیدانند (٨) .

يٰٓأَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَآ أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ
وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿٩﴾

ای مسلمانان مشغول نگرداند شمارا اموالِ شما ونه فرزندانِ شما ازیادِ خدا وهرکه چنین کند پس آنجماعت ایشانند زیان کاران (٩) .

وَأَنْفِقُوْا مِنْ مَّا رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَّأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
فَيَقُوْلَ رَبِّ لَوْلَآ أَخَّرْتَنِيْٓ إِلٰٓى أَجَلٍ قَرِيْبٍ فَأَصَّدَّقَ
وَأَكُنْ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿١٠﴾

وخرج کنید ازآنچه عطا کرده ایم شمارا پیش ازآن که بیاید به یکی ازشما مرگ پس بگوید ای پروردگارمن کاش موقوف میگذاشتی مراتامدتی اندك تاصدقه دادمی و شدمی ازصالحان (١٠) .

وَلَنْ يُّؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْسًا إِذَا جَآءَ أَجَلُهَا وَاللّٰهُ خَبِيْرٌ

وهرگز مهلت ندهدخدا هیچکس را چون

---

(١) یعنی برفقرای مهاجرین .

(٢) یعنی توانگرانِ اهلِ نفاق فقراء مسلمین را .

بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾

بیایداجل او وخداخبردارست بآنچه میکنید (١١) .

سُورَةُ التَّغَابُن

سوره تغابن مدنی است وآن هیجده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ ۖ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾

به پاکی یادمیکند خدارا آنچه درآسمان ها وآنچه درزمین ست، اوراست پادشاهی و اوراست ستائش واوبرهمه چیز تواناست (١) .

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ۚ وَاللّٰهُ
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢﴾

اوست آنکه آفرید شمارا پس بعض ازشما کافراست وبعض ازشما ومومن وخداباآنچه می کنید بیناست (٢) .

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۚ
وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾

آفریدآسمان ها وزمین رابه تدبیرِ درست وصورت بست شمارا پس نیك ساخت صورتهای شمارا وبسوی اوست باز گشت (٣) .

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ
وَمَا تُعْلِنُونَ ۚ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤﴾

میداند آنچه درآسمان ها وزمین ست ومیداند آنچه پنهان میدارید وآنچه آشکارمی کنید وخداداناست بمکنون سینه ها (٤) .

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٥﴾

آیانیامده است بشما خبرآنانکه کافربودند پیش ازین پس چشیدند وبال کار خودرا وایشانراست عذاب درد دهنده (٥) .

ذٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَقَالُوٓا
أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَّاسْتَغْنَى اللّٰهُ ۚ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ
حَمِيدٌ ﴿٦﴾

این عذاب بسبب آنست که می آمدند پیش ایشان پیغامبران ایشان بامعجزه ها پس گفتند آیا آدمیان راه نمایند مارا پس کافر شدندو روگردانیدند وبی نیازاست

خدا وخدا بی نیاز ستوده شده است (٦) .

زَعَمَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنْ لَّنْ يُّبْعَثُوْا ۚ قُلْ بَلٰى وَرَبِّيْ
لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ ۚ وَذٰلِكَ
عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ⑦

پنداشتند کافران که برانگیخته نخواهند شد بگوآری وقسم به پروردگار من البته برانگیخته شوید بازخبرداده شود شمارا بآنچه می کردید واین برخداآسان ست (٧) .

فَاٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالنُّوْرِ الَّذِيْٓ اَنْزَلْنَا ۚ وَاللّٰهُ
بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ⑧

پس ایمان آرید بخدا ورسول او وبنوری که فرو فرستاده ایم[1] وخدابآنچه می کنید خبردارست (٨) .

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۚ وَمَنْ يُّؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ
وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُّكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّاٰتِهٖ وَيُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ
مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ۚ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ⑨

(خبرداده شودشمارا) وقتیکه بهم آردشمارا درروز قیامت آنروزروز ظهور غبن بعضی به نسبت بعضی باشد وهرکه ایمان آردبخداوبکندکارشائسته دورکند ازو بدی های اورا ودرآردش به بوستان ها می رودزیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه اینست پیروزی بزرگ (٩) .

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۚ
وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ⑩

وآنانکه کافرشدند وبه دروغ نسبت کردند آیاتِ مارا آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان آنجا وبدجائیست دوزخ (١٠) .

مَآ اَصَابَ مِنْ مُّصِيْبَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ وَمَنْ يُّؤْمِنْۢ بِاللّٰهِ
يَهْدِ قَلْبَهٗ ۚ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ⑪

نه می رسد هیچ مصیبت مگر به حکم خداوهرکه رجوع کند بخداراه نماید دل اورا وخدا بهرچیز داناست (١١) .

وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاِنَّمَا عَلٰى رَسُوْلِنَا
الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ⑫

وفرمانبرداری کنید خدارا وفرمانبرداری کنید رسول را پس اگر روگردان شوید پس جزاین نیست که برپیغامبرما پیغام رسانیدن آشکارا است (١٢) .

(١) يعنی قرآن .

اللهُ لَآ إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوٓا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ
فَاحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ
اللهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾

إِنَّمَآ أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۚ وَاللهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

فَاتَّقُوا اللهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا
خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ
فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٦﴾

إِنْ تُقْرِضُوا اللهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ
وَاللهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٧﴾

عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

سُورَةُ الطَّلَاق

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ○

يٰٓأَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا
الْعِدَّةَ ۚ وَاتَّقُوا اللهَ رَبَّكُمْ ۖ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ

خداآنست که هیچ معبود برحق نیست مگراو وبرخدا بایدکه توکل کنند مومنان (١٣) .

ای مسلمانان هرآئینه بعض ازواجِ شما وبعض اولادِ شما دشمنان اندرحقِ شما پس بترسید ازایشان[1] وا گر درگذر کنید وروبگردانید وبیامرزید پس هرآئینه خدا آمرزگار مهربانست (١٤) .

جزاین نیست که اموال شماواولاد شما امتحان ست وخدا نزدِ اوست مزد بزرگ (١٥) .

پس بترسیدازخدا آن قدرکه توانید وسخن شنوید وفرمانبرداری کنید وخرج کنید بهتر باشد برای جان های شماوهرکه نگاهداشته شود ازبخلِ نفسِ خود پس آنجماعت ایشانند رستگاران (١٦) .

ا گرقرض دهید خدارا قرض نیکودوچند دهدش شمارا وبیامرزدشمارا وخدا قدرشناس بردبارست (١٧) .

دانندهٔ پنهان وآشکارا غالب باحکمت (١٨) .

سوره طلاق مدنی است وآن دوازده آیت ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

ای پیغامبر (بگوامت خودرا) چون اراده کنید طلاق دادن زنان را پس طلاق دهیدایشانرا دراول عدت

(١) یعنی آنکه بربخل حمل کنند .

إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَتَعَدَّ
حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُۥ ۚ لَا تَدْرِى لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ
ذَٰلِكَ أَمْرًا ①

ایشان(١) و شمارکنید عدت را وبترسید ازخدا، پروردگارخویش بیرون مکنید ایشان را ازخانه های ایشان وباید که ایشان بیرون نه روند مگرآنکه بعمل آرند کار بی‌حیائی آشکارا واین حدهامقررکردهٔ خداست وهرکه تجاوز کند ازحدهای خدا پس ستم کرد برجان خویش تو نمیدانی شاید که خداپیداکند بعدازطلاق کاری را(٢) (١) .

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ
بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا۟ ذَوَىْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا۟ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِ ۚ
ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۚ وَمَن يَتَّقِ
ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مَخْرَجًا ②

پس چون نزدیك رسند مطلقات بمیعادخود پس نگاهدارید ایشان را بوجه پسندیده یاجداشوید ازایشان بوجه پسندیده وگواه گیریددوکس صاحب تقویٰ راازقوم خودوراست اداکنید شهادت رابرای خدا این حکم پندداده می شود بآن هرکه مومن باشد بخدا وبروزآخر وهرکه بترسدازخدا پدید آردبرای او مَخلَصی (٢) .

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُۥٓ ۚ
إِنَّ ٱللَّهَ بَٰلِغُ أَمْرِهِۦ ۚ قَدْ جَعَلَ ٱللَّهُ لِكُلِّ شَىْءٍ قَدْرًا ③

ورزق دهدش ازآنجا که گمان ندارد وهرکه توکل کند برخدا پس خدا بس ست اورا هرآئینه خدارسنده است بمرادخود هرآئینه ساخته است خدا هرچیز رابه اندازه (٣) .

وَٱلَّٰٓـِٔى يَئِسْنَ مِنَ ٱلْمَحِيضِ مِن نِّسَآئِكُمْ إِنِ ٱرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ
ثَلَٰثَةُ أَشْهُرٍ وَٱلَّٰٓـِٔى لَمْ يَحِضْنَ ۚ وَأُو۟لَٰتُ ٱلْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَن يَضَعْنَ

وآنانکه نومیدشدند ازحیض ازجمله زنان شما(٣) ا گر به شبهه افتاده ایدپس عدت

(١) یعنی درطهری که مساس نکرده باشید .

(٢) یعنی موافقت پدید آیدو مراجعت کند والله اعلم .

(٣) یعنی ازمطلقات .

حَمْلَهُنَّ ۚ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾

ایشان سه ماه است وآنانکه بسن حیض نرسیده اند نیز عدت ایشان سه ماه است وخداوندانِ حمل عدت ایشان آن است که بنهند حمل خودرا وهرکه بترسدازخدا پدید آرد برای او درکاراو آسانی را (٤).

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ ۚ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ
وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾

این حکمِ خداست که فرود آوردآن را بسوی شما وهرکه بترسد ازخدادور کند ازوی بدیهای اووزیاده دهداورامزد (٥).

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا
عَلَيْهِنَّ ۚ وَإِن كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ
فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ ۖ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُم بِمَعْرُوفٍ ۖ وَإِن
تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ ﴿٦﴾

ساکن کنید زنان مطلقه را جائی که شماسکونت دارید قدر طاقت خود وایذامرسانید ایشان را تاتنگ گیرید برایشان و ا گرباشند خداوندانِ حمل پس خرج کنید برایشان تاآنکه بنهند حمل خودرا پس ا گرشیردهند بفرمان شما پس بدهید ایشان را مزدایشان وبایکدیگر کارفرمائی کنید درمیان خویش بوجه پسندیده ا گرمضائقه کردید شیر خواهد داد بفرمودهٔ اوزنی دیگر (٦).

لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ
اللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ
عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾

بـایـدکـه خـرج کـنـد صـاحـب وسـعـت ازوسعتِ خود وآنکه تنگ کرده شد بروی رزق اورا پس باید که خرج کند ازآنچه عطا کرده است اوراخدا، تکلیف نمی کند خدا هیچ کس را مگر بحسب آنچه داده است اورا پدید خواهد آوردخدابعد ازتنگ دستی آسائش را (٧).

وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا
شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا ﴿٨﴾

وبَسادِه که تجاوزکردازفرمان پروردگار خویش وازفرمان پیغامبران اوپس حساب کردیم باو حسابی سخت وعقوبت کردیم اورا عقوبتی دشوار (٨).

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾

پس چشید سزای عمل خود وشدسرانجام کاراو زیان کاری (۹) .

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۚ
الَّذِينَ آمَنُوا ۚ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾

مهیا کرده است خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت پس بتر سید ازخدا ای خداوندان خرد ای مسلمانان هرآئینه فرودآورده است خدابسوی شما کتابی (۱۰) .

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ
صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ
قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿١١﴾

(فرستاده است) پیغامبری که میخواندبرشما آیاتِ خدا واضح آمده تابرآرد آنان را که ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند ازتاریکی ها بسوی روشنی وهرکه ایمان آردبخدا وبکند کارشایسته درآردش به بوستان ها میرودزیرآن جویها جاویدان آنجا همیشه هرآئینه بوجه نیك ساخته است خدابرای اورزق را (۱۱) .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ
الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ
أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿١٢﴾

خداآنست که آفرید هفت آسمان و آفریداززمین مانند آن فرودمی آید تدبیر کاردرمیان آسمان هاوزمین تابدانید که خدابر همه چیز تواناست ونیز بدانید که خدااحاطه کرده است هرچیز را باعتبار علم (۱۲) .

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

سوره تحریم مدنی است وآن دوازده آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ ۖ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

[1] ای پیغامبر چراحرام می کنی چیزی

---

(۱) مترجم گوید که آنحضرت صلی الله علیه وسلم ماریه قبطیه راسریهٔ خود ساخته =

أَزْوَاجِكَ ۚ وَاللهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۞

را که حلال ساخته است خدابرای تومی طلبی خوشنودیِ زنان خودرا وخدا آمرزگار مهربان ست (۱) .

قَدْ فَرَضَ اللهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ ۚ وَاللهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۞

هرآئینه مشروع ساخته است خدابرای شما گشادن سوگند شمارا[۱] وخداکارساز شماست واوست دانای باحکمت (۲) .

وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ ۖ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَٰذَا ۖ قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ۞

ویادکن چون پنهان گفت پیغامبر بابعض ازواج خود سخنی را پس چون افشاء کرد آن سخن را ومطلع ساخت خدای‌تعالی پیغامبررا برافشای آن سخن، شناسا کرد پیغامبر به بعض آن سخن واعراض کرداز بعض پس وقتیکه خبردار کرد آن را بافشای راز آن زن گفت که خبردادترابااین افشای راز پیغامبر فرمود خبرداد مرا خدای‌دانای خبردار (۳) .

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا ۖ وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ ۞

ای دوزن پیغامبر[۲] ا گررجوع کنید بسوی خداخوش باشدهرآئینه کج شده ست دل های شماو ا گرباهم متفق شوید براو (برنجانیدن پیغامبر) پس هرآئینه

= وازواج آنحضرت غیرت کردند آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای خاطر داشتِ ایشان ماریه را برخود حرام گردانید وآنحضرت سِرّی ازاسرارِ خودبابعض ازواج اظهار فرموده درکتمانِ آن مبالغه کردآن زوجه بدیگری اظهار نمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم بطریق وحی برافشای آن سرمطلع شدند وبنوعی ازرمزآن قصه درمیان نهادند وعتاب فرمودند خدای تعالی درباب پند ازواج طاهرات وتهدید ایشان نازل ساخت والله اعلم .

(۱) یعنی بادای کفاره .

(۲) یعنی حفصه وعائشه رضی الله عنهما والله اعلم .

خداكار ساز اوست و جبرئيل ومردمان شائسته ازمسلمانان ونيز فرشتگان بعد ازين مددگاراند اگر طلاق دهد پيغامبرشمارا (٤) .

عَسٰى رَبُّهٗۤ اِنْ طَلَّقَكُنَّ اَنْ يُّبْدِلَهٗۤ اَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُنَّ مُسْلِمٰتٍ مُّؤْمِنٰتٍ قٰنِتٰتٍ تٰٓئِبٰتٍ عٰبِدٰتٍ سٰٓئِحٰتٍ ثَيِّبٰتٍ وَّاَبْكَارًا ﴿٥﴾

نزديك ست كه پروردگاراو عوض دهدبراى او زنانِ ديگر بهتر ازشما گردن نهادگان باور داردگان دعاكنندگان توبه نمايندگان عبادت بجاآرندگان روزه دارندگان شوهر ديدگان وشوهر ناديدگان (٥) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قُوْۤا اَنْفُسَكُمْ وَاَهْلِيْكُمْ نَارًا وَّقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلٰٓئِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُوْنَ اللّٰهَ مَاۤ اَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُوْنَ مَا يُؤْمَرُوْنَ ﴿٦﴾

اى مسلمانان نگاهداريد خويشتن راواهل خانهٔ خودرا ازآتشى كه هيزم آن مردمان باشند وسنگ ها، برآن آتش موكل اندفرشتگانِ درشت خو سخت رونافرمانى نمى كنند خدارا درآنچه فرموده است ايشانرا ومى كنند هرچه حكم ميشود ايشانرا (٦) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ؕ اِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٧﴾

(آنروزگوئيم) اى كافران عذر پيش مياريد امروزجزاين نيست كه جزاداده ميشودشمارا بحسب آنچه ميكرديد (٧) .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا تُوْبُوْۤا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوْحًا ؕ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۙ يَوْمَ لَا يُخْزِى اللّٰهُ النَّبِيَّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ ۚ نُوْرُهُمْ يَسْعٰى بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَاۤ اَتْمِمْ لَنَا نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا ۚ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿٨﴾

اى مسلمانان رجوع كنيد بسوى خدا رجوع خالص اميدهست از پروردگارشما كه زايل كند ازشما گناهان شمارا ودرآوردشمارا به بوستانها ميرود زيرآن جويها روزيكه رسوانه كند خدا پيغامبررا وآنان راكه ايمان آورده اند همراه اونورايشان ميرودپيشِ دستهاى ايشان وبجانب هاى راستِ ايشان ميگويند اى پروردگارما تمام ده براى مانور مارا

وبیامرزمارا، هرآئینه تو برهرچیز توانائی (۸) .

يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ ۚ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ﴿٩﴾

ای پیغامبر جهاد کن باکافران وبامنافقان نیز ودرشت شوبر ایشان وجای ایشان دوزخ ست ووی بدجائی ست (۹) .

ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوا امْرَاَتَ نُوْحٍ وَّ امْرَاَتَ لُوْطٍ ۚ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتٰهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا وَّقِيْلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدّٰخِلِيْنَ ﴿١٠﴾

اورد خدامثالی را برای آنانکه کافرشدند زن نوح را و زن لوط را بودند زیر نکاح دوبندهٔ شایسته از بندگان ما پس خیانت کردند بآن دوبنده پس دفع نکردند ایشان ازآن دوزن چیزی را ازعذاب خدا وگفته شد درآئید هردوتا درآتش دوزخ با در آیندگان (۱۰) .

وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ اٰمَنُوا امْرَاَتَ فِرْعَوْنَ ۘ اِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِيْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِيْ مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهٖ وَنَجِّنِيْ مِنَ الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١١﴾

وآوردخدا مثالی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را چون گفت ای پروردگار من بناکن برای من نزدِ خودخانه ای دربهشت وخلاص کن مرا ازفرعون وکاراو وخلاصی دِه مرا ازقوم ستمگاران (۱۱) .

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرٰنَ الَّتِيْٓ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهِ مِنْ رُّوْحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمٰتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهٖ وَكَانَتْ مِنَ الْقٰنِتِيْنَ ﴿١٢﴾

ومریم دخترِ عمران را آنکه نگاهداشت فرج خودرا پس دمیدیم درفرج او روحِ خودراوباورداشت سخنان پروردگار خودرا وکتاب های اورا وبود از فرمانبردارندگان[1] (۱۲) .

سُوْرَةُ الْمُلْكِ

سوره ملك مكی است وآن سی آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

تَبٰرَكَ الَّذِيْ بِيَدِهِ الْمُلْكُ ۡ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

بسیار بابرکت ست آنخدا که بدست

(۱) یعنی روح حضرت عیسیٰ دررحم مریم درآمد وفرج کنایت است ازرحم .

قَدِيْرُ ①

اوست پادشاهی واوبرهمه چیز تواناست (١) .

اِلَّذِیْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ
عَمَلًا ۭ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْغَفُوْرُ ②

آنخدا که آفرید موت وحیات را تابیآزماید شما را که کدام یك ازشما نکوترست درعمل واوست غالب آمرزگار (٢) .

الَّذِیْ خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا ۭ مَا تَرٰى فِیْ خَلْقِ الرَّحْمٰنِ
مِنْ تَفٰوُتٍ ۭ فَارْجِعِ الْبَصَرَ ۙ هَلْ تَرٰى مِنْ فُطُوْرٍ ③

آنخداکه آفریدهفت آسمان را تودرتو نه بینی ای بیننده درآفرینش خدا هیچ بی ضابطگی پس بازگردان چشم را آیا می بینی هیچ شکستگی (٣) .

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ اِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا
وَّهُوَ حَسِيْرٌ ④

پس بازگردان چشم را دوباره تابازآید بجانب تو چشم خوارشده مانده گشته (٤) .

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَآءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيْحَ وَجَعَلْنٰهَا
رُجُوْمًا لِّلشَّيٰطِيْنِ وَاَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيْرِ ⑤

وهرآئینه زینت دادیم آسمانِ نزدیك را به چراغ ها وساختیم آن چراغ ها را آلاتِ رجم شیاطین وآماده کردیم برای شیاطین عذاب دوزخ (٥) .

وَلِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۭ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ⑥

وبرای آنانکه کافرشدند به پروردگارخود عذابِ دوزخ است وآن بدجائیست (٦) .

اِذَآ اُلْقُوْا فِيْهَا سَمِعُوْا لَهَا شَهِيْقًا وَّهِیَ تَفُوْرُ ⑦

وقتیکه افگنده شود ایشان را بدوزخ بشنوندآن را آوازی مانند آوازخر وآن دوزخ جوش میزند (٧) .

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۭ كُلَّمَآ اُلْقِیَ فِيْهَا فَوْجٌ سَاَلَهُمْ خَزَنَتُهَآ
اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَذِيْرٌ ⑧

نزدیك ست پاره پاره شودازخشم، هرگاه افگنده شود به دوزخ گروهی را سوال کنند ازآن گروه نگاهبانانِ دوزخ آیانیامده بود شمارا هیچ پیغامبر ترساننده (٨) .

قَالُوْا بَلٰى قَدْ جَآءَنَا نَذِيْرٌ ۙ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ
شَیْءٍ ۚ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِیْ ضَلٰلٍ كَبِيْرٍ ⑨

گویند آری آمده بود بماترساننده پس دروغ پنداشتیم وگفتیم فرودنیاورده است خداهیچ چیزرا نیستید شما مگر

درگمراهی بزرگ (۹) .

وَقَالُوْا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِيْٓ اَصْحٰبِ السَّعِيْرِ ﴿١٠﴾

وگويند ا گرما مى شنيديم يامامى فهميديم نمى شديم داخل درزمرهٔ اهل دوزخ (۱۰) .

فَاعْتَرَفُوْا بِذَنْۢبِهِمْ ۚ فَسُحْقًا لِّاَصْحٰبِ السَّعِيْرِ ﴿١١﴾

پس اقرار كردند بگناه خويش پس لعنت باد اهل دوزخ را (۱۱) .

اِنَّ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَّاَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿١٢﴾

هرآئينه آنانكه مى ترسند ازپروردگار خويش غائبانه ايشانراست آمرزش ومزدبزرگ (۱۲) .

وَاَسِرُّوْا قَوْلَكُمْ اَوِ اجْهَرُوْا بِهٖ ۭ اِنَّهٗ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿١٣﴾

وپنهان كنيد سخن خودرا ياآشكارا گوئيد آن راهرآئينه خداداناست بآنچه درسينه ها باشد (۱۳) .

اَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ ۭ وَهُوَ اللَّطِيْفُ الْخَبِيْرُ ﴿١٤﴾

آياانداند كسى كه آفريد واوست باريك بين خبردار (۱٤) .

هُوَ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ ذَلُوْلًا فَامْشُوْا فِيْ مَنَاكِبِهَا وَكُلُوْا مِنْ رِّزْقِهٖ ۭ وَاِلَيْهِ النُّشُوْرُ ﴿١٥﴾

اوست آنكه رام ساخت براى شمازمين را پس راه رويد درنواحى آن وبخوريد ازرزق خدا وسوى اوست برانگيختن (۱۵) .

ءَاَمِنْتُمْ مَّنْ فِي السَّمَآءِ اَنْ يَّخْسِفَ بِكُمُ الْاَرْضَ فَاِذَا هِيَ تَمُوْرُ ﴿١٦﴾

آيا ايمن شده ايدازكسى كه درآسمان ست ازآنكه فروبرد شمارا به زمين پس نا گهان زمين مى‌جنبد (۱٦) .

اَمْ اَمِنْتُمْ مَّنْ فِي السَّمَآءِ اَنْ يُّرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۭ فَسَتَعْلَمُوْنَ كَيْفَ نَذِيْرِ ﴿١٧﴾

آيا ايمن شده ايدازكسى كه درآسمان ست ازآنكه بفرستد برشما بادِ سنگبار پس خواهيد دانست چگو نه است ترسانيدن من (۱۷) .

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ﴿١٨﴾

وهرآئينه دروغ پنداشتند آنانكه پيش ازايشان بودند پس چگو نه شد عقوبت من (۱۸) .

اَوَلَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صٰٓفّٰتٍ وَّيَقْبِضْنَ ؔ

آيانديده اند بسوى مرغان بالاى خود

مَا يُمْسِكُهُنَّ اِلَّا الرَّحْمٰنُ ۭ اِنَّهٗ بِكُلِّ شَيْءٍۢ بَصِيْرٌ ⑲

(درپروازندو) گاهی بالهای خودراگسترده وگاهی جمع می کنند!! نگاه نمیدارد ایشان را مگر خدا هرآئینه اوبهر چیز بیناست (١٩) .

اَمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُوْنِ الرَّحْمٰنِ ۭ اِنِ الْكٰفِرُوْنَ اِلَّا فِيْ غُرُوْرٍ ⑳

آیا کیست آنکه وی لشکر ست برای شما نصرت میدهد شمارا بجز خدا نیستند کافران مگر درفریب (٢٠) .

اَمَّنْ هٰذَا الَّذِيْ يَرْزُقُكُمْ اِنْ اَمْسَكَ رِزْقَهٗ ۚ بَلْ لَّجُّوْا فِيْ عُتُوٍّ وَّنُفُوْرٍ ㉑

آیاکیست آنکه روزی دهد شمارااگر بازگیردخدا رزق خودرا بلکه محکم پیوسته اندرسرکشی ورمیدگی (٢١) .

اَفَمَنْ يَّمْشِيْ مُكِبًّا عَلٰي وَجْهِهٖٓ اَهْدٰٓى اَمَّنْ يَّمْشِيْ سَوِيًّا عَلٰي صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ㉒

آیا کسیکه برود نگونسار افتاده برروی خودراه یافته ترست یاکسی که میرودراست ایستاده برراه راست[1] (٢٢) .

قُلْ هُوَ الَّذِيْٓ اَنْشَاَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۭ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ㉓

بگواوست آنکه بیافرید شمارا وپدیدآوردبرای شما شنوائی وچشم ها ودل ها اندکی شکر می کنید (٢٣) .

قُلْ هُوَ الَّذِيْ ذَرَاَكُمْ فِي الْاَرْضِ وَاِلَيْهِ تُحْشَرُوْنَ ㉔

بگواوست که پراگنده ساخت شمارا درزمین و بسوی اوبرانگیخته خواهید شد (٢٤) .

وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ㉕

ومیگویندکافران کی باشداین وعده ا گر راست گوئید (٢٥) .

قُلْ اِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللّٰهِ ۠ وَاِنَّمَآ اَنَا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ㉖

بگو جزاین نیست که علم نزدِ خداست وجزاین نیست که من بیم کنندۀ آشکارم (٢٦) .

فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِيْۗـــَٔتْ وُجُوْهُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَقِيْلَ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تَدَّعُوْنَ ㉗

وآنگاه که ببینند آن وعده را نزدیك شده ناخوش کرده شود[2] روی آنانکه

---

(١) مترجم گوید این مثل ست کافرومومن را والله اعلم .

(٢) یعنی سیاه کرده شود .

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ ٱللَّهُ وَمَن مَّعِىَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن
يُجِيرُ ٱلْكَٰفِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ٢٨

قُلْ هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ
مَنْ هُوَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ٢٩

قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَآؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَآءٍ
مَّعِينٍۭ ٣٠

سُورَةُ القَلَمِ

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

نٓ ۚ وَٱلْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ١

مَآ أَنتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ٢

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ٣

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ٤

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ ٥

بِأَييِّكُمُ ٱلْمَفْتُونُ ٦

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ
وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ٧

فَلَا تُطِعِ ٱلْمُكَذِّبِينَ ٨

وَدُّوا۟ لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ٩

کافرشدند وگفته شوداین ست آنچه اورا می طلبیدید (٢٧) .

بگوآیادیدید ا گرهلاك کند مراخدا وآنان راکه همراه من اند یارحمت کند برما (بهرحال) که خلاصی دهدکافران را ازعذاب درد دهنده (٢٨) .

بگواوست بخشاینده باوایمان آوردیم وبروی توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر (٢٩) .

بگو آیادیدید ا گرشود آب شمافرورفته پس که بیاردبه شما آب روان را (٣٠) .

سوره قلم مکی است وآن پنجاه ودوآیت ودورکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

نٓ ، قسم بقلم اعلی وبآنچه می نویسند فرشتگان (١) .

نیستی تو به فضل پروردگارتو دیوانه (٢) .

وهرآئینه تُراست مزدبی نهایت (٣) .

وهرآئینه تو برخوی بزرگی (٤) .

پس خواهی دیدوایشان نیز خواهند دید (٥) .

که بکدام یك ازشما دیوانگی ست (٦) .

هرآئینه پروردگار توداناترست به کسیکه خطا کرد راه او را و اونیز داناترست به راه یافتگان (٧) .

پس فرمان مبر دروغ دارند گان را (٨) .

آرزوکردند که ملائمت کنی تاایشان نیز

ملائمت کنند (٩) .

وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ⑩
واطاعت مکن هر بسیار سوگند خورنده محقررا (١٠) .

هَمَّازٍ مَّشَّآءٍۭ بِنَمِيمٍ ⑪
هرعیب جوهر رونده بسخن چینی (١١) .

مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ⑫
هربخل کننده به مال ازحد گذشتهٔ گناهگار (١٢) .

عُتُلٍّۭ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ ⑬
هر سخت روی بعد ازین همه ملحق بقوم نه ازاصل ایشان[١] (١٣)

أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ⑭
بسبب آنکه هست صاحب مال وفرزندان (١٤) .

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ⑮
(تکذیب کرد) چون خوانده شود بروی آیات هاگوید افسانهٔ پیشینیان ست (١٥) .

سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلْخُرْطُومِ ⑯
داغ خواهیم نهاد اورا بربینی[٢] (١٦) .

إِنَّا بَلَوْنَٰهُمْ كَمَا بَلَوْنَآ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا۟ لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ⑰
هرآئینه ماآزمودیم ایشانرا چنانکه آزموده بودیم صاحبانِ بوستان را چون قسم خوردند که البته درو کنند بوستان را بوقت بامداد (١٧) .

وَلَا يَسْتَثْنُونَ ⑱
وانشاء الله نمی گفتند (١٨) .

فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَآئِمُونَ ⑲
پس بگردآمد برآن بوستان بلائی ازپروردگار تو[٣] وایشان خفته بودند (١٩) .

فَأَصْبَحَتْ كَٱلصَّرِيمِ ⑳
پس شدمانند زراعت بریده شده (٢٠) .

فَتَنَادَوْا۟ مُصْبِحِينَ ㉑
پس بایکدیگر آواز دادند هنگام صبح (٢١) .

---

(١) یعنی سنت خدا آنست که مردم بداصل غالبًا متصف باین صفاتِ رذیله باشند .
(٢) کنایت ست ازرسوا کردن .
(٣) یعنی آتش درگرفت .

أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ ﴿٢٢﴾

که بامداد روید بکشت خود ا گر دروکننده اید (٢٢) .

فَانطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ﴿٢٣﴾

پس رفتند بایکدیگر سخن پنهان گویان (٢٣) .

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ ﴿٢٤﴾

باید که داخل نه شود دربوستان امروز برشما هیچ فقیری (٢٤) .

وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ ﴿٢٥﴾

وبامداد رسیدند برنیت بخل توانا بزعم خود (٢٥) .

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ﴿٢٦﴾

پس آنگاه که دیدندآن بوستانرا گفتند هرآئینه ما خطا کننده راهیم[1] (٢٦) .

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾

نه بلکه محروم کردگانیم (٢٧) .

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

گفت بهترین ایشان آیانه گفته بودم شمارا که چراتسبیح نمی گوئید[2] (٢٨) .

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾

گفتند به پاکی یادمی کنیم پروردگار خودرا هرآئینه ماستمگاربودیم (٢٩) .

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ﴿٣٠﴾

پس روآوردند بعض ایشان بربعض بایکدیگر ملامت کنان (٣٠) .

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ﴿٣١﴾

گفتند ای وای ماراهرآئینه ما بودیم از حدگذشته (٣١) .

عَسَىٰ رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾

امیدست که پروردگارما عوض دهد مارا بوستانی بهترازین هرآئینه مابسوی پروردگار خود توقع دارندگانیم (٣٢) .

كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ ۖ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

همچنین ست عذاب وهرآئینه عذاب آخرت بزرگ ترست کاش می دانستند (٣٣) .

---

(١) یعنی این بوستان دیگراست بوستان ما نیست .

(٢) یعنی رجوع بخدا کنید .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰتِ النَّعِيمِ ﴿٣٤﴾

هرآئینه متقیان رانزدِ پروردگار ایشان بوستانهای نعمت باشند (٣٤) .

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾

آیا گردانیم مسلمانان را مانند گنه‌گاران (٣٥) .

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

چیست شمارا چگو نه حکم می کنید (٣٦) .

أَمْ لَكُمْ كِتٰبٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

آیانزدِ شماکتابی هست که دروی تلاوت میکنید(این مضمون را) (٣٧) .

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾

که هرآئینه شمارا باشد درآن آنچه اختیار میکنید (٣٨) .

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بٰلِغَةٌ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾

آیاشمارا عهدهای محکم ست برذمه ما که حکم آن تابه قیامت باقی باشد (باین مضمون) که هرآئینه شمارا است آنچه که مقرر کنید (٣٩) .

سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذٰلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾

بپرس ازمشرکان کدام یك ازایشان باین مقدمه متعهد ست (٤٠) .

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صٰدِقِينَ ﴿٤١﴾

آیا این مشرکان راشریکان هستند پس بایدکه بیارند شریکان خودرا ا گر راست گویند (٤١) .

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

روزیکه جامه برداشته شود ازساق وخوانده شود ایشان رابسوی سجده پس نتوانند (٤٢) .

خٰشِعَةً أَبْصٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ

نیایش[1] ظاهر باشد برچشمهای ایشان

(١) درصحیحین است ولفظ حدیث ازبخاری است که أبو سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند ازرسول الله صلی الله علیه وسلم که شنید اورا که می فرمودند که روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ماساق خودرا پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان ازمردو زن وسجده نتواند کسیکه دردنیابجهت ریاوسمعه سجده =

إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سٰلِمُونَ ﴿٤٣﴾

فروگیردایشان را خواری وهرآئینه خوانده می شد ایشان را بسوی سجده حالانکه ایشان بی علت بودند (٤٣) .

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾

پس بگذارمرا باکسیکه دروغ می شمرد این سخن را پایه پایه خواهیم کشید این جماعت رااز آن راه که نمیدانند (٤٤) .

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾

ومهلت خواهم دادایشان راهرآئینه حیله من محکم ست (٤٥) .

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾

آیامی طلبی ازین جماعت مزدپس ایشان ازتاوان گرانبارند (٤٦) .

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾

آیانزدِ این جماعت علم غیب ست پس ایشان مینویسند (٤٧) .

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادٰى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾

پس صبر کن بانتظار حکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی[1] چون دعا کرد واوپُرازغم شده بود (٤٨).

لَوْلَا أَنْ تَدٰرَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾

ا گرنه آنست که دریافت اورارحمتی ازجانب پروردگار اوالبته افگنده میشد برزمین بی‌گیاه واو بدحال بودی[2] (٤٩) .

فَاجْتَبٰهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿٥٠﴾

پس برگزیدش پروردگار اوپس ساخت اورا ازجملهٔ صالحان (٥٠) .

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصٰرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ

وهرآئینه نزدیك اند کافران که بلغزانند ترا به چشم های تیز خود چون شنید ندقرآن

= میکردپس کوشش می کند که سجده کند ولی بآن قادر نمیشود زیرا که پشت اویك طبق مثل تخته راست میشود .

(١) یعنی یونس علیه السلام .

(٢) لیکن رحمت دررسید وبدحال نه شد .

وَيَقُوْلُوْنَ اِنَّهٗ لَمَجْنُوْنٌ ﴿٥١﴾

را[1] ومی‌گویند هرآئینه این پیغامبر دیوانه است (٥١) .

وَمَا هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿٥٢﴾

وبحقیقت نیست این قرآن مگر پندی عالمهارا (٥٢) .

سُوْرَةُ الْحَاقَّة

سوره حاقه مکی است وآن پنجاه ودوآیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَلْحَآقَّةُ ﴿١﴾

قیامت (١) .

مَا الْحَآقَّةُ ﴿٢﴾

چیست آن قیامت (٢) .

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا الْحَآقَّةُ ﴿٣﴾

وچه چیزخبردارکردتراکه چیست آن قیامت[2] (٣) .

كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ وَعَادٌۢ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾

دروغ شمردقبیله ثمود وعاد قیامت را (٤) .

فَاَمَّا ثَمُوْدُ فَاُهْلِكُوْا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾

اماثمود پس هلاك کرده شد ایشانرا به نعرهٔ تند (٥) .

وَاَمَّا عَادٌ فَاُهْلِكُوْا بِرِيْحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾

واماعاد پس هلاك کرده شدایشانرا به بادسخت ازحدگذشته (٦) .

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَّثَمٰنِيَةَ اَيَّامٍ حُسُوْمًا
فَتَرَى الْقَوْمَ فِيْهَا صَرْعٰى كَاَنَّهُمْ اَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾

خدا برگماشت آن بادرابرعاد هفت شب وهشت روز نهایت نحس پس می بینی ای بیننده آن قوم عاد رادر آن شب ها وروزها بزمین افتاده‌گویا ایشان تنه های درختان خرمای ازکهنگی برهم شده اند . (٧)

---

(١) واین کنایه است از شدت عداوت ایشان .

(٢) مترجم‌گوید ظاهر نزدیك بنده آنست که معنی آیت ست عقوبتِ ثابت چیست آن عقوبتِ ثابت وهر چیز مطلع ساخت تراکه چیست آن عقوبتِ ثابت بعد ازآن چند عقوبتِ‌گذشته رابیان فرمود .

فَهَلْ تَرٰى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ ٨

پس آيامى بينى ازايشان هيچ اثرى (٨) .

وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهٗ وَالْمُؤْتَفِكٰتُ بِالْخَاطِئَةِ ٩

وبعمل آورد فرعون وآنانكه پيش ازوى
بودند واهل موتفكات نيزگناه را (٩) .

فَعَصَوْا رَسُوْلَ رَبِّهِمْ فَاَخَذَهُمْ اَخْذَةً رَّابِيَةً ١٠

پس نافرمانى كردند فرستادهٔ پروردگار
خودراپس درگرفت خدا آنجماعت را
درگرفتن عظيم (١٠) .

اِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَآءُ حَمَلْنٰكُمْ فِى الْجَارِيَةِ ١١

هرآئينه ماوقتيكه ازحد گذشت آب
سواركرديم شمارا بركشتى روان (١١) .

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَّتَعِيَهَآ اُذُنٌ وَّاعِيَةٌ ١٢

تابكنيم اين مقدمه رابراى شماپندى وياد
داردآن راگوش ياد دارنده (١٢) .

فَاِذَا نُفِخَ فِى الصُّوْرِ نَفْخَةٌ وَّاحِدَةٌ ١٣

پس چون دميده شود درصوريك بار
دميدن (١٣) .

وَّحُمِلَتِ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَّاحِدَةً ١٤

وبرداشته شود زمين و كوه هارا پس
كوفته شود ايشان رايكبار كوفتن (١٤) .

فَيَوْمَئِذٍ وَّقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ١٥

پس آنروز متحقق شود قيامت (١٥) .

وَانْشَقَّتِ السَّمَآءُ فَهِىَ يَوْمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ ١٦

وبشگافد پس آسمان آنروز سست شده
باشد (١٦) .

وَّالْمَلَكُ عَلٰٓى اَرْجَآئِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ
ثَمٰنِيَةٌ ١٧

وفرشتگان بركناره هاى آسمان باشند
وبردارند تخت پروردگارترا بالاى
خويش آنروز هشت كس (١٧) .

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُوْنَ لَا تَخْفٰى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ١٨

آنروز پيش آورده شود شمارا پنهان
نماندازحال شما هيچ سِرّى (١٨) .

فَاَمَّا مَنْ اُوْتِىَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ فَيَقُوْلُ هَآؤُمُ اقْرَءُوْا
كِتٰبِيَهْ ١٩

اماآنكه پس داده شدش نامهٔ اعمال او به
دست راست اوپس گويد بگيريد بخوانيد
نامهٔ اعمال مرا (١٩) .

اِنِّىْ ظَنَنْتُ اَنِّىْ مُلٰقٍ حِسَابِيَهْ ٢٠

هرآئينه من معتقد بودم كه من بهم خواهم
رسيد بحساب خود (٢٠) .

فَهُوَ فِىْ عِيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ ٢١

پس آن شخص درزندگانى پسنديده

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾
قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ
الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾
وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ
أُوتَ كِتَابِيَهْ ﴿٢٥﴾
وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ﴿٢٦﴾
يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾
مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ ﴿٢٨﴾
هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ ﴿٢٩﴾
خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾
ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿٣١﴾
ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾
إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾
وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾
فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾
وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾
لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾

باشد (٢١) .
دربهشتی بلند (٢٢) .
که میوهٔ آن قریب الحصول ست (٢٣) .
(گفته شود) بخورید وبیاشامیدخوردن وآشامیدن گوارا بسبب آنچه پیش فرستاده بودید درروز های گذشته (٢٤) .
واماآنکه داده شدش نامهٔ اعمال اوبدست چپ اوپس گوید ای کاش داده نمی شدمرانامهٔ اعمال من (٢٥) .
ای کاش نمیدانستم چیست حساب من (٢٦) .
ای کاش مرگ آخر کنندهٔ کار بودی (٢٧).
هیچ نفع نه کرداز من مال من (٢٨) .
زائل شداز من پادشاهی من (٢٩) .
(گفته شودای فرشتگان) بگیریدش پس طوق به گردن کنیدش (٣٠) .
بازدردوزخ داخل کنیدش (٣١) .
بازدر زنجیری که درازی آن هفتاد گزباشد درآریدش (٣٢) .
هرآئینه این شخص ایمان نمیداشت بخدای بزرگ (٣٣) .
ورغبت نمیداد مردمان رابرطعام دادن فقیر (٣٤) .
پس نیست این شخص را امروز اینجاخویشاوندی (٣٥) .
ونیست (این شخص را) هیچ طعامی مگراز چرك وخون (٣٦) .
که نخورند آنرا مگرگناهگاران (٣٧) .

فَلَآ أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾

پس قسم میخورم بآنچه می بینید (٣٨) .

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾

وآنچه نمی بینید (٣٩) .

إِنَّهُۥ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾

هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشتهٔ بزرگوار ست (٤٠) .

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

ونیست آن گفتار شاعر، اندکی ایمان می‌آرید (٤١) .

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ ۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

ونیست گفتارکاهن، اندکی پندمی پذیرید (٤٢) .

تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿٤٣﴾

فرودآورده شده است ازجانب پروردگار عالمها (٤٣) .

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾

واگر می بست پیغامبربرما بعض سخن هارا (٤٤) .

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾

هرآئینه می گرفتیم ازدست راست اورا (٤٥) .

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾

بازمی بریدیم رگ دل اورا[1] (٤٦) .

فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حٰجِزِينَ ﴿٤٧﴾

پس نیست ازشما هیچکس ازو بازدارنده[2] (٤٧) .

وَإِنَّهُۥ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

وهرآئینه قرآن پندی ست پرهیزگاران را (٤٨) .

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

وهرآئینه مامیدانیم که بعض شمادروغ پندارنده اید (٤٩) .

وَإِنَّهُۥ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾

وهرآئینه قرآن حسرت ست برکافران (٥٠) .

وَإِنَّهُۥ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾

وهرآئینه قرآن حقیقت درست ست (٥١) .

---

(١) مترجم گوید عادت سیاف آنست که دست راست اسیر رابد ست چپ خود بگیردوشمشیر بگردن اوحواله کند لهذا باین اسلوب گفته شد .

(٢) یعنی عقوبت مارا .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ ﴿٥٢﴾

سُوْرَةُ الْمَعَارِجِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سَاَلَ سَآئِلٌ بِعَذَابٍ وَّاقِعٍ ﴿١﴾

لِّلْكٰفِرِيْنَ لَيْسَ لَهٗ دَافِعٌ ﴿٢﴾

مِّنَ اللّٰهِ ذِى الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾

تَعْرُجُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوْحُ اِلَيْهِ فِىْ يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهٗ خَمْسِيْنَ اَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾

فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيْلًا ﴿٥﴾

اِنَّهُمْ يَرَوْنَهٗ بَعِيْدًا ﴿٦﴾

وَّنَرٰىهُ قَرِيْبًا ﴿٧﴾

يَوْمَ تَكُوْنُ السَّمَآءُ كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾

وَتَكُوْنُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾

وَلَا يَسْئَلُ حَمِيْمٌ حَمِيْمًا ﴿١٠﴾

يُّبَصَّرُوْنَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِىْ مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ

پس به پاکی یادکن پروردگار بزرگوار خودرا (٥٢) .

سوره معارج مکی است وآن چهل وچهار آیت ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

طلب کرد طلب کننده عقوبتی فرودآینده (١) .

برکافران فرودآینده، نیست اوراهیچ بازدارنده[1] (٢) .

فرودآینده ازجانب خدا، خداوندِ مرتبه هاکه (٣) .

برآن صعود کرده شود بالامی روند فرشتگان وروح نیز[2] بسوی خدا درروزی که هست مقدارآن پنجاه هزار سال (٤) .

پس صبر کن صبر نیك (٥) .

هرآئینه کافران دورمی بینند آن روزرا (٦) .

ومانزدیك می بینیمش (٧) .

روزی که شود آسمان مانند مس گداخته (٨) .

وشوندکوه ها مانند پشم رنگین (٩) .

ونپرسد هیچ خویشاوند خویشاوند دیگررا (١٠) .

ونموده شودایشان را قرابتیان ایشان آرزو

(١) یعنی گفتند "متی هذاالوعد ان کنتم صادقین" .

(٢) یعنی جبرئیل علیه السلام .

بِبَنِيهِ ﴿١١﴾

كند گنهگار كه عوض دهد از عذاب آنروز فرزندان خودرا (١١) .

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿١٢﴾

ونيززن خودرا وبرادر خودرا (١٢) .

وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿١٣﴾

ونيز قبيله اش را كه جاى ميدهداورا (١٣) .

وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنجِيهِ ﴿١٤﴾

ونيزهركه درزمين ست همه يك جاپس برهانداين عوض دادن خودش را (١٤).

كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ ﴿١٥﴾

هرگز ، هرآئينه دوزخ آتشى ست (١٥) .

نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ ﴿١٦﴾

شعله زننده پوست سررابركشنده (١٦) .

تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٧﴾

ميخواهد كسى را كه اعراض كرد و روگردان شد (١٧) .

وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ﴿١٨﴾

وجمع مال نمودپس نگاهداشت (١٨) .

إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ﴿١٩﴾

هرآئينه آدمى آفريده شده است ناشكيبنده (١٩) .

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿٢٠﴾

چون برسدش مصيبت اضطراب كننده (٢٠) .

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿٢١﴾

وچون برسدش رفاهيت بخل نماينده (٢١) .

إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿٢٢﴾

مگر نمازگذاران (٢٢) .

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿٢٣﴾

آنانكه ايشان برنمازخويش هميشه پايبندند (٢٣) .

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ﴿٢٤﴾

وآنانكه دراموال ايشان حصه هست مقرر (٢٤) .

لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿٢٥﴾

براى سائل و محروم (٢٥) .

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٢٦﴾

وآنانكه باورميدارند روز جزاء را (٢٦) .

وَالَّذِينَ هُم مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ﴿٢٧﴾

وآنانكه ايشان ازعذاب پروردگارخود ترسندگانند (٢٧) .

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿٢٨﴾

هرآئينه عذاب پروردگارايشان چنان ست

که ازآن ایمن نتوان شد (٢٨) .

وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حٰفِظُونَ ۝٢٩

وآنانکه ایشان اندام نهانی خودرا نگاهدارند گانند (٢٩) .

إِلَّا عَلَىٰٓ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝٣٠

مگر برزنان خود یا کنیز کانی که مالك آنها شده است دستهای ایشان پس هرآئینه این فریق ملامت کرده شده نیستند (٣٠) .

فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَآءَ ذٰلِكَ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الْعٰدُونَ ۝٣١

پس هرکه که طلب کند سوای این، پس آنجماعت ایشانانداز حدگذشتگان (٣١) .

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمٰنٰتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رٰعُونَ ۝٣٢

آنانکه ایشان امانت های خودرا وعهد های خودرا رعایت کنندگانند (٣٢) .

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهٰدٰتِهِمْ قَآئِمُونَ ۝٣٣

وآنانکه ایشان به گواهی های خود متعهد شوندگانند (٣٣) .

وَالَّذِينَ هُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝٣٤

وآنانکه ایشان برنمازخودمحافظت کنندگانند (٣٤) .

أُولٰٓئِكَ فِي جَنّٰتٍ مُّكْرَمُونَ ۝٣٥

اینجماعت دربوستان هاباشند گرامی کردگانند (٣٥) .

فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ۝٣٦

پس چیست کافران را که بسوی توشتابان اند (٣٦) .

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ۝٣٧

ازجانب راست وازجانب چپ گروه گروه شده (٣٧) .

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۝٣٨

آیاطمع میکند هرشخصی ازایشان که درآورده شود به بوستان نعمت (٣٨) .

كَلَّآ إِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ ۝٣٩

هرگز، هرآئینه ماآفریده ایم ایشانرا ازآنچه میدانند[1] (٣٩) .

فَلَآ أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشٰرِقِ وَالْمَغٰرِبِ إِنَّا لَقٰدِرُونَ ۝٤٠

پس قسم میخورم به پروردگار مشرق ها

---

(١) یعنی ازمنی .

عَلٰٓى اَنْ نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ ۙ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوْقِيْنَ ﴿٤١﴾

فَذَرْهُمْ يَخُوْضُوْا وَيَلْعَبُوْا حَتّٰى يُلٰقُوْا يَوْمَهُمُ الَّذِيْ

يُوْعَدُوْنَ ﴿٤٢﴾

يَوْمَ يَخْرُجُوْنَ مِنَ الْاَجْدَاثِ سِرَاعًا كَاَنَّهُمْ اِلٰى نُصُبٍ

يُّوْفِضُوْنَ ﴿٤٣﴾

خَاشِعَةً اَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۗ ذٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِيْ كَانُوْا

يُوْعَدُوْنَ ﴿٤٤﴾

سُوْرَةُ نُوْحٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اِنَّآ اَرْسَلْنَا نُوْحًا اِلٰى قَوْمِهٖٓ اَنْ اَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ

يَّاْتِيَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١﴾

قَالَ يٰقَوْمِ اِنِّيْ لَكُمْ نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٢﴾

اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاتَّقُوْهُ وَاَطِيْعُوْنِ ﴿٣﴾

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ

اِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ اِذَا جَآءَ لَا يُؤَخَّرُ ۘ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤﴾

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ دَعَوْتُ قَوْمِيْ لَيْلًا وَّنَهَارًا ﴿٥﴾

ومغرب ها كه هرآئينه ماتوانائيم (٤٠) .

برآنكه عوض آريم بهترازايشان ونيستيم ما عاجز (٤١) .

پس بگذار(يا محمد) ايشان را به بيهودگى درآيند وبازى كنند تاآنكه برخورند بآنروز خود كه وعده داده ميشود ايشان را (٤٢) .

روزيكه برآيند ازقبور شتابان گوياايشان بسوى نشانه ميدوند (٤٣) .

ترس ظاهر شده باشد برديده هاى ايشان درگيرد ايشانرا خوارى اينست آن روزكه وعده داده ميشد ايشان را (٤٤) .

سوره نوح مكى است وآن بيست وهشت آيت ودوركوع است

بنام خداى بخشاينده مهربان .

هرآئينه مافرستاديم نوح را بسوى قوم او كه بترسان قوم خودرا پيش ازآنكه بيايد بديشان عقوبتى درد دهنده (١) .

گفت اى قوم من هرآئينه من براى شماترساننده ظاهرام (٢) .

(باين مضمون) كه عبادت كنيد خدارا وبترسيد ازووفرمان من بريد (٣) .

تابيامرزدبراى شما گناهان شمارا وموقوف دارد شمارا تاوقتى مقرر هرآئينه وقتِ مقرر كردهٔ خداچون بيايد هرگز موقوف داشته نه شود آنرا ا گر ميدانيد (٤) .

گفت اى پروردگار من هرآئينه من خواندم قوم خودرا شب وروز (٥) .

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَآءِىٓ إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾

پس زیاده نکرددر حق ایشان خواندن من مگر گریختن را (٦) .

وَإِنِّى كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوٓا أَصَابِعَهُمْ
فِىٓ ءَاذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا
وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿٧﴾

وهرآئینه من هرگاه که دعوت کردم ایشانرا تابیامرزی برای ایشان درآوردند انگشتان خودرا درگوش های خویش وبخود درپیچیدند جامه های خویش را ومداومت کردند برکفروسرکشی نمودند سرکشی تمام (٧) .

ثُمَّ إِنِّى دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٨﴾

بازهرآئینه من دعوت کردم ایشان را بآواز بلند (٨) .

ثُمَّ إِنِّىٓ أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾

بازهرآئینه من آشکارگفتم بایشان وپنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتنی (٩) .

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُۥ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾

پس گفتم طلب آمرزش کنید ازپروردگار خود هرآئینه اوهست آمرزنده (١٠) .

يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ﴿١١﴾

تابفرستد برشما باران را ریزنده (١١) .

وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ
وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٢﴾

وپی درپی دهد شمارا اموال وفرزندان وبدهد شمارا بوستان ها وپدیدآردبرای شما جویها (١٢) .

مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾

چیست شمارا که اعتقاد نمی کنید برای خدا بزرگی را (١٣) .

وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾

حال آنکه آفریده است شمارا بطور های مختلف (١٤) .

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ
طِبَاقًا ﴿١٥﴾

آیا ندیدیدچگونه آفرید خدا هفت آسمان را تودرتو (١٥) .

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ
سِرَاجًا ﴿١٦﴾

وساخت ماه را درمیان اینهافروزنده وساخت خورشید را چراغ درخشنده (١٦) .

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾

وخداررویانید شمارا از زمین نوعی

ازرویانیدن (۱۷) .

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾

سپس بازدرآرد شمارا به زمین وبیرون آردنیز طوری از بیرون آوردن (۱۸) .

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾

و خداساخت برای شما زمین را فراش (۱۹) .

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾

تابرَوید درآن زمین براه های کشاده (۲۰) .

قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ
وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾

گفت نوح ای پروردگار من هرآئینه اینجماعت نافرمانی من کردند وپیروی نمودند کسی راکه زیاده نکرده است در حق وی مال وی وفرزندوی مگر زیانرا[1] (۲۱) .

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾

وحیله کردند رئیسان حیله ای عظیم (۲۲) .

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا
وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾

وگفتند هرگزترك مکنید معبودان خودرا وهرگز ترك مکنید وَدّوسواع ویغوث ویعوق و نسررا[2] (۲۳) .

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا ۖ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾

وهرآئینه گمراه کردند بسیاری را وزیاده مَدِه خدایا ستمگاران را مگرگمراهی (۲٤) .

مِّمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم
مِّن دُونِ اللّٰهِ أَنصَارًا ﴿٢٥﴾

بسبب گناهان خود غرق کرده شدایشان را پس آورده شد ایشان را بآتش پس نیافتند برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده (۲۵) .

وَقَالَ نُوحٌ رَّبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾

وگفت نوح ای پروردگارمن مگذار برزمین ازکافران هیچ ساکن شونده (۲٦) .

---

(۱) یعنی برؤسائی کفار .

(۲) واین پنج بت بودند .

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوْا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوْٓا إِلَّا فَاجِرًا
كَفَّارًا ﴿٢٧﴾

هرآئینه تو ا گربگذاری ایشان را گمراه سازند بندگان ترا و نه زایند مگر بدکار ناسپاس را (٢٧) .

رَبِّ اغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا
وَّلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ۖ وَلَا تَزِدِ الظّٰلِمِيْنَ إِلَّا
تَبَارًا ﴿٢٨﴾

ای پروردگارمن بیامرزمرا وپدرومادر مرا و هرکرا درآید بخانه من ایمان آورده وجمیع مؤمنین ومومنات را و زیاده مده ستمگاران را مگر هلاکی (٢٨) .

سُوْرَةُ الْجِنِّ

سوره جن مکی است وآن بیست و هشت آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوْٓا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْاٰنًا عَجَبًا ﴿١﴾

[1] بگووحی فرستاده شد بسوی من که گوش نهادند جماعتی ازجن پس گفتند هرآئینه ما شنیدیم قرآنی عجیبی (١) .

يَّهْدِيْٓ إِلَى الرُّشْدِ فَاٰمَنَّا بِهٖ ۖ وَلَنْ نُّشْرِكَ بِرَبِّنَآ أَحَدًا ﴿٢﴾

که دلالت میکند بسوی راه راست پس ایمان آوردیم بآن وشریك مقررنخواهیم کرد با پروردگارخویش هیچ یك را (٢) .

وَّأَنَّهُ تَعٰلٰى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا ﴿٣﴾

وبتحقیق (بیان کردند آن جنیان) که بلند ست بزرگی پروردگارمافرانگرفته است زنی ونه فرزندی (٣) .

وَّأَنَّهُ كَانَ يَقُوْلُ سَفِيْهُنَا عَلَى اللّٰهِ شَطَطًا ﴿٤﴾

وآنکه افترا می کرد جاهل ما برخدادروغ (٤) .

وَّأَنَّا ظَنَنَّآ أَنْ لَّنْ تَقُوْلَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللّٰهِ
كَذِبًا ﴿٥﴾

وآنکه ماپنداشتیم که هرگز نه گویند بنی آدم وجنیان برخدا سخن دروغ را (٥) .

---

(١) مترجم گوید روزیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماز صبح بیرون مکه میخواندند جماعتی ازجن آنرااستماع کردند وایمان آوردند خدای تعالی ازایمان ایشان وگفتگوی ایشان باقوم خوددرین سوره خبرداد تا قوله و ان لواستقاموا والله اعلم .

وَّاَنَّهٗ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْاِنْسِ یَعُوْذُوْنَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوْهُمْ رَهَقًا ۟ۙ ﴿۶﴾

آنکه مردان بنی آدم پناه میگرفتند بمردان جن پس زیاده کردند درحق آن جنیان سرکشی را[1] (٦) .

وَّاَنَّهُمْ ظَنُّوْا كَمَا ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ یَّبْعَثَ اللّٰهُ اَحَدًا ۟ۙ ﴿۷﴾

و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه شما گمان کرد یدکه هرگز نفرستد خدا هیچکس را[2] (٧) .

وَّاَنَّا لَمَسْنَا السَّمَآءَ فَوَجَدْنٰهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِیْدًا وَّشُهُبًا ۟ۙ ﴿۸﴾

وآنکه مادست رسانیدیم بآسمان پس یافتیم که آسمان پرکرده شده ست به پاسبانان محکم وبستاره های فرودآینده (٨) .

وَّاَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ؕ فَمَنْ یَّسْتَمِعِ الْاٰنَ یَجِدْ لَهٗ شِهَابًا رَّصَدًا ۟ۙ ﴿۹﴾

وآنکه مامی نشستیم پیش ازین به جاي هائی ازآسمان برای شنیدن[3] پس هرکه گوش بنهد الآن بیابد برای خودستاره ای مهیا ساخته (٩) .

وَّاَنَّا لَا نَدْرِیْۤ اَشَرٌّ اُرِیْدَ بِمَنْ فِی الْاَرْضِ اَمْ اَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۟ۙ ﴿۱۰﴾

وآنکه مانمی دانیم آیابلائی اراده کرده شد درحق آنانکه درزمین اند یااراده کرده است درحق ایشان پروردگار ایشان خیررا (١٠) .

وَّاَنَّا مِنَّا الصّٰلِحُوْنَ وَمِنَّا دُوْنَ ذٰلِكَ ؕ كُنَّا طَرَآئِقَ قِدَدًا ۟ۙ ﴿۱۱﴾

وآنکه ازماجمعی شایسته کاران اند و جمعی ازماسوای اینند بودیم فرقه های مختلف (١١) .

وَّاَنَّا ظَنَنَّاۤ اَنْ لَّنْ نُّعْجِزَ اللّٰهَ فِی الْاَرْضِ وَلَنْ نُّعْجِزَهٗ هَرَبًا ۟ۙ ﴿۱۲﴾

وآنکه مادانستیم که هرگز عاجزنه توانیم کرد خدارا درزمین وعاجز نه توانیم کرد او راازجهت گریختن (١٢) .

---

(١) اشارت است بآنکه در جاهلیت چون بجائی فرودمی آمدند میگفتند اعوذ بسید هذاالوادی من سفهاء قومه .

(٢) یعنی پیغامبرنفرستد .

(٣) یعنی برای شنیدن کلام ملائکه .

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ ۖ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾

وآنکه ماچون شنیدیم هدایت را ایمان آوردیم بآن پس هرکه ایمان آرد به پروردگار خویش پس اونه ترسد ازهیچ نقصانی ونه ازهیچ ستمی (۱۳) .

وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ ۖ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾

وآنکه جمعی ازمسلمانند وجمعی ازما گنهکاراند پس هرکه مسلمان شده پس آنجماعت قصد کردند راه راست را (١٤) .

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾

واما گنهگاران پس باشند هیزم برای دوزخ (١٥) .

وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾

(ونیز بگویا محمد که وحی فرستاده شده است بسوی من که) بنی آدم ا گرراست مـی‌ایستـادنـد بـرراه راسـت البتـه مینوشانیدیم ایشانرا آب بسیار (١٦) .

لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾

تاامتحان کنیم ایشانرا بآن(۱) وهرکه اعـراض کنـد ازیـادکـردن پـروردگـار خوددرآردش بعذابی سخت (١٧) .

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾

وآنکه مسجد هامخصوص برای خداست پس عبادت مکنید باخدا هیچکس را (١٨) .

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾

وآنکه چون ایستاد بندهٔ خدا(۲) که عبادت کند خدارا نزدیك بودند جنیان که برآن بنده یکی بردیگرچسپیده شوند(۳) (١٩) .

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾

بگو جزاین نیست که عبادت میکنم پروردگارخودرا وشریك مقررنمی کنم

---

(۱) یعنی ارزانی می شدوقحط نمی آمد .

(۲) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم .

(۳) یعنی ازحرص براستماع قرآن .

باوهیچ کَس را (۲۰) .

قُلْ اِنِّیْ لَاۤ اَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَّلَا رَشَدًا ﴿۲۱﴾

بگوهرآئینه من نمی توانم درحق شماضرر رسانیدن ونه لازم کردن طریق راستی (۲۱) .

قُلْ اِنِّیْ لَنْ یُّجِیْرَنِیْ مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ ۙ وَّلَنْ اَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ﴿۲۲﴾

بگو هرآئینه پناه نه دهد مراازعقوبت خداهیچکس وهرگزنیابم بجزوی پناهی (۲۲) .

اِلَّا بَلٰغًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِسٰلٰتِهٖ ؕ وَمَنْ یَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِیْنَ فِیْهَاۤ اَبَدًا ﴿۲۳﴾

ولیکن (بجاآرم) خبر رسانیدن ازجانب خداوتبلیغ پیغامهای او وهرکه نافرمانی کند خدارا وپیغامبر اورا پس هرآئینه اوراست آتش دوزخ جاویدان درآنجا همیشه (۲۳) .

حَتّٰۤی اِذَا رَاَوْا مَا یُوْعَدُوْنَ فَسَیَعْلَمُوْنَ مَنْ اَضْعَفُ نَاصِرًا وَّاَقَلُّ عَدَدًا ﴿۲۴﴾

(درغفلت خودباشند) تاوقتیکه چون ببینند آنچه وعده داده میشود ایشانرا پس خواهند دانست کیست ناتوان ترباعتبار نصرت دهنده وکمتر ازروی شمار (۲٤) .

قُلْ اِنْ اَدْرِیْۤ اَقَرِیْبٌ مَّا تُوْعَدُوْنَ اَمْ یَجْعَلُ لَهٗ رَبِّیْۤ اَمَدًا ﴿۲۵﴾

بگونمیدانم آیا نزدیك ست آنچه وعده داده میشودشمارا یا مقرر کندبرای اوپروردگارمن میعادی (۲۵) .

عٰلِمُ الْغَیْبِ فَلَا یُظْهِرُ عَلٰی غَیْبِهٖۤ اَحَدًا ﴿۲۶﴾ۙ

دانندهٔ پنهان ست پس مطلع نمی سازدبرعلم غیب خود هیچکس را (۲٦) .

اِلَّا مَنِ ارْتَضٰی مِنْ رَّسُوْلٍ فَاِنَّهٗ یَسْلُكُ مِنْۢ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا ﴿۲۷﴾ۙ

مگر کسی که پسند کرداورا از پیغامبری پس هرآئینه خدا روان میکند پیش دست های وی وپس پشت وی فرشتگان نگاهبان را (۲۷) .

لِّیَعْلَمَ اَنْ قَدْ اَبْلَغُوْا رِسٰلٰتِ رَبِّهِمْ وَاَحَاطَ بِمَا لَدَیْهِمْ

تابداند خدا که بتحقیق رسانیده اند پیغامهای پروردگار خودرا[1] وخدا

(۱) یعنی تاتبلیغ درخارج متحقق گردد زیرا که آن علم ست والله اعلم .

وَاَحْصٰی كُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

ازهرجهت احاطه کرده است برآنچه نزدِ ایشانست وفرا گرفته است هر چیز راازروی شمار (٢٨) .

سُوْرَةُ الْمُزَّمِّلِ

سوره مزمل مکی است وآن بیست آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

یٰاَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ ﴿١﴾

[1] ایمردجامه برخود پیچیده[2] (١) .

قُمِ الَّیْلَ اِلَّا قَلِیْلًا ﴿٢﴾

قیام لیل کن مگراندکی[3] (٢) .

نِّصْفَهٗۤ اَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِیْلًا ﴿٣﴾

قیام نیم شب کن یااندکی ازنیم شب کم نما (٣) .

اَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْاٰنَ تَرْتِیْلًا ﴿٤﴾

یااندکی برنیم شب بیفزاوترتیل کن قرآن را بواضح خواندن (٤) .

اِنَّا سَنُلْقِیْ عَلَیْكَ قَوْلًا ثَقِیْلًا ﴿٥﴾

هرآئینه مانازل خواهیم کرد برتوفرمانی دشوار[4] (٥) .

اِنَّ نَاشِئَةَ الَّیْلِ هِیَ اَشَدُّ وَطْاً وَّاَقْوَمُ قِیْلًا ﴿٦﴾

هرآئینه قیام شب زیاده ترست درموافقت زبان بادل ودرست ترست درتلفظ الفاظ (٦) .

اِنَّ لَكَ فِی النَّهَارِ سَبْحًا طَوِیْلًا ﴿٧﴾

هرآئینه ترا درروز شغلی ست بسیار (٧) .

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ اِلَیْهِ تَبْتِیْلًا ﴿٨﴾

ویادکن نام پروردگارخودرا وازهمه

---

(١) مترجم گوید درابتدای اسلام خدای تعالی قیام لیل برآن حضرت صلی الله علیه وسلم وبر مسلمانان موکدگردانید وچون این معنی برایشان نهایت دشوار آمد بعد یك سال رخصت نازل فرمود ان ربك یعلم الی آخرالسورة تاهرکه خواهد قیام کند وهرکه خواهد نکند وهرقدرکه خواهد بخواند والله اعلم .

(٢) یعنی بسبب هیبت وحی .

(٣) یعنی ا گر شبهانکنی گناه نه باشد والله اعلم .

(٤) یعنی دعوت کفار باسلام .

جهت گسسته شومتوجه شده بسوی اونوعی گسسته شدن (٨) .

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾

پروردگارمشرق ومغرب ست نیست هیچ معبود برحق مگر اوپس کارساز گیراورا (٩) .

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾

وصبر کن برآنچه می گویند وترك کن ایشان را ترك کردن نیکو (١٠) .

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾

وبگذارمرا بادروغ شمارندگان خداوندان رفاهیت ومهلت ده ایشانرا اندکی (١١) .

إِنَّ لَدَيْنَا أَنكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾

هرآئینه هست نزدِ ماقیدهای گران وآتش افروخته (١٢) .

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾

وطعام گلوگیر وعذاب درد دهنده (١٣) .

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا ﴿١٤﴾

روزیکه بجنبد زمین وکوه ها وشود کوه هامانند تلِ ریگِ ازهم پاشیده شده (١٤) .

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
رَسُولًا ﴿١٥﴾

هرآئینه مافرستادیم بسوی شما پیغامبری گواهی دهنده برشما چنانکه فرستاده بودیم بسوی فرعون پیغامبری را (١٥) .

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾

پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغامبررا پس درگرفتیم اورا درگرفتن سخت (١٦) .

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِن كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ
شِيبًا ﴿١٧﴾

پس ا گر کافرشوید چگونه درپناه شوید ازروزی که اطفال را پیرگرداند (١٧) .

السَّمَاءُ مُنفَطِرٌ بِهِ ۚ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ﴿١٨﴾

آسمان شگافته باشد درآن روزهست وعدهٔ خداالبته شدنی (١٨) .

إِنَّ هٰذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ
سَبِيلًا ﴿١٩﴾

هرآئینه این پندست پس هرکه خواهد راه بگیرد بسوی پروردگارخویش (١٩) .

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَيِ اللَّيْلِ
وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۚ وَاللَّهُ
يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ

هرآئینه پروردگارتو میداند که توبرمیخیزی نزدیك به دوثلث شب ونیم شب وثلث شب ونیز میخیزند جماعتی

عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْاٰنِ ؕ عَلِمَ اَنْ
سَيَكُوْنُ مِنْكُمْ مَّرْضٰى ۙ وَاٰخَرُوْنَ يَضْرِبُوْنَ فِى الْاَرْضِ
يَبْتَغُوْنَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ ۙ وَاٰخَرُوْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِىْ
سَبِيْلِ اللّٰهِ ۖؗ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۙ وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ
وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ؕ وَمَا تُقَدِّمُوْا
لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا
وَّاَعْظَمَ اَجْرًا ؕ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ
رَّحِيْمٌ ﴿۲۰﴾

از آنانکه همراه تواند وخدااندازه میکند شب وروز را، دانست خدا که شما احاطه نمی توانید کرد قیام لیل را[۱] پس (برحمت) بازگشت برشما پس بخوانید آنچه آسان باشدازقرآن، دانست خدا که خواهند بود بعضی ازشما بیماران ودیگران که سفر می کنند درزمین طلب روزی می نمایند ازفضل خدا ودیگران که کارزار میکنند درراه خدا پس بخوانید آنچه آسان باشد ازقرآن وبرپادارید نمازرا وبدهید زکوٰة را ووام دهیدخدارا وام دادن نیك[۲] وآنچه پیش میفرستید برای خویشتن ازعمل نیك آنرا بهتر خواهید یافت نزد خدا وبزرگ تر باعتبار مزد وطلب آمرزش کنید ازخداهرآئینه خدا آمرزگار مهربانست[۳] (۲۰) .

سُوْرَةُ الْمُدَّثِّرِ

سوره مدثر مکی است وآن پنجاه وشش آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

يٰۤاَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿۱﴾
ای مردجامه برخود پیچیده[٤] (۱) .

قُمْ فَاَنْذِرْ ﴿۲﴾
برخیز پس ترسان (۲) .

---

(۱) یعنی مواظبت نمیتوانیدکرد .
(۲) یعنی صرف مال کنید درجهاد بتوقع ثواب آخرت والله اعلم .
(۳) مترجم گویداین آیت بعد یك سال نازل شدو آنحضرت صلی الله علیه وسلم درهمین سوره لاحق کردند بجهت مناسبت و لهذا باسائر سوردراسلوب نمی ماند والله اعلم .
(٤) یعنی ازهیبت وحی .

وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾

و پس پروردگار خودرا به بزرگی یادکن (٣) .

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾

وجامهای خودراپاك ساز (٤) .

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾

وپلیدی را دورکن (٥) .

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ﴿٦﴾

ونباید که چیزی بدهی زیاده طلب کنی[1] (٦) .

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾

وبرای حکم پروردگارخویش پس شکیبائی ورز (٧) .

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ﴿٨﴾

پس وقتیکه دمیده شوددر صور(دشوار شودحال) (٨) .

فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾

پس آنوقت آنروز روز دشوارباشد (٩) .

عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾

بر کافران نه وقت آسان (١٠) .

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾

بگذارمرا باکسیکه آفریدم تنها (١١) .

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿١٢﴾

ودادم اورا مال فراوان (١٢) .

وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿١٣﴾

وفرزندان حاضر شونده بمجالس (١٣).

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾

ووسعت دادم اوراوسعت دادنی (١٤) .

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾

بازطمع می کند که زیاده دهم (١٥) .

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿١٦﴾

هرگز ، هرآئینه اوهست بآیات ماستیزنده (١٦) .

سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا ﴿١٧﴾

تکلیف خواهم داد او را مشقت غیر قابل تحمّل (١٧) .

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

هرآئینه وی تأمل کرد واندازه مقرر نمود (١٨) .

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾

پس لعنت باداورا چگونه اندازه کرد (١٩).

---

(١) یعنی هدیه بردن به رئیسی تاوی زیاده ازقیمت هدیه رعایت کند، ازاخلاق رذیله است .

ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾

باردگر لعنت بادبرو چگونه اندازه کرد (٢٠) .

ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾

بازدرنگریست (٢١) .

ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾

باز روترش کرد وپیشانی درهم کشید (٢٢) .

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾

بازپشت گردانیدو تکبر کرد[1] (٢٣) .

فَقَالَ إِنْ هٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ ﴿٢٤﴾

پس گفت نیست قرآن مگرجادوئی که ازساحران نقل کرده میشود(٢٤) .

إِنْ هٰذَآ إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾

نیست این قرآن مگر کلام آدمی (٢٥) .

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ﴿٢٦﴾

درخواهم آورد اورا به دوزخ (٢٦) .

وَمَآ أَدْرٰىكَ مَا سَقَرُ ﴿٢٧﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست دوزخ (٢٧) .

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾

باقی نمی گذاردوترك نمی کند (٢٨) .

لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾

سوزنده است آدمیان را (٢٩) .

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾

بردوزخ مؤكل اندنوزده كَس[2] (٣٠) .

وَمَا جَعَلْنَآ أَصْحٰبَ النَّارِ إِلَّا مَلٰٓئِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ
إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ
وَيَزْدَادَ الَّذِينَ اٰمَنُوٓا إِيمٰنًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتٰبَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ
وَّالْكٰفِرُونَ مَاذَآ أَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا كَذٰلِكَ يُضِلُّ

ونه ساختیم مؤکلان دوزخ مگر فرشتگان را ونه ساخته ایم شمارِایشان را مگر بلا درحقِ کافران تایقین کنند اهل کتاب وتا زیاده شوند مسلمانان درایمان خود وتاشك نه کنند اهل کتاب ومسلمانان وتابگو یند آنانکه دردل های ایشان

(١) مترجم گوید این تصویرست حال کافررا که خدای تعالی اورانعمت هاداده باشد واومصرّ باشد برکَفَرَ وعَبَسَ وبَسَرَثُمَّ اَدْبَرَواسْتَكْبَرَ تصویر حال تأمل وترددداست والله اعلم .

(٢) مترجم گوید این آیت اشارت ست به شبهه کفاردرعدد تسعة عشر آنحضرت صلی الله علیه وسلم آنرادرهمین سوره لاحق فرمودند بجهت مناسبت و لهذا باسائرسورنمی ماند دراسلوب والله اعلم .

اللّٰهُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِیْ مَنْ يَّشَآءُ ۭ وَمَا يَعْلَمُ جُنُوْدَ
رَبِّكَ اِلَّا هُوَ ۭ وَمَا هِیَ اِلَّا ذِكْرٰی لِلْبَشَرِ ﴿٣١﴾

بیماریست وکافران چه چیزاراده کرده است خدابااین داستان همچنین گمراه می کند خدا هرکرا خواهد وراه می نماید هرکراخواهدونمی داندلشکر های پروردگار ترا مگراوتبارك و تعالی ونیست این مگرپندی برای بنی آدم (٣١) .

كَلَّا وَالْقَمَرِ ﴿٣٢﴾

هرگز، و قسم بماه (٣٢) .

وَالَّيْلِ اِذْ اَدْبَرَ ﴿٣٣﴾

وقسم به شب چون پشت برگرداند (٣٣).

وَالصُّبْحِ اِذَآ اَسْفَرَ ﴿٣٤﴾

وقسم به صبح چون روشن شود (٣٤) .

اِنَّهَا لَاِحْدَی الْكُبَرِ ﴿٣٥﴾

هرآئینه دوزخ یکی از چیز های بزرگ ست (٣٥) .

نَذِيْرًا لِّلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾

ترساننده بنی آدم (٣٦) .

لِمَنْ شَآءَ مِنْكُمْ اَنْ يَّتَقَدَّمَ اَوْ يَتَاَخَّرَ ﴿٣٧﴾

(ترساننده است) برای هرکه خواهد ازشما پیشتر آید یابازپس ماند (٣٧) .

كُلُّ نَفْسٍۭ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ ﴿٣٨﴾

هر شخصی بآنچه کرددرگروست (٣٨) .

اِلَّآ اَصْحٰبَ الْيَمِيْنِ ﴿٣٩﴾

مگر اهل (سعادت و) راست (٣٩) .

فِیْ جَنّٰتٍ ۟ يَتَسَآءَلُوْنَ ﴿٤٠﴾

دربوستانهاباشند سوال کنند (٤٠) .

عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ ﴿٤١﴾

ازگنهگاران (٤١) .

مَا سَلَكَكُمْ فِیْ سَقَرَ ﴿٤٢﴾

چه چیز درآورد شمارا دردوزخ (٤٢) .

قَالُوْا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّيْنَ ﴿٤٣﴾

گویند نه بودیم ازنمازگذاران (٤٣) .

وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِيْنَ ﴿٤٤﴾

ونمی دادیم طعام فقیررا (٤٤) .

وَكُنَّا نَخُوْضُ مَعَ الْخَآئِضِيْنَ ﴿٤٥﴾

وبانکاردرمی آمدیم بادرآیند گان (٤٥) .

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّيْنِ ﴿٤٦﴾

ودروغ میشمردیم روزجزاء را (٤٦) .

حَتّٰٓی اَتٰىنَا الْيَقِيْنُ ﴿٤٧﴾

تاوقتیکه آمدبماموت (٤٧) .

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشّٰفِعِيْنَ ﴿٤٨﴾

پس سودنه دهد ایشانرا شفاعت شفاعت کنند گان (٤٨) .

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِيْنَ ﴿٤٩﴾

پس چیست ایشان را ازپندروگردان شده گان (٤٩) .

كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ ﴿٥٠﴾
فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾
بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَن يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً ﴿٥٢﴾
كَلَّا بَل لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾
كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ﴿٥٤﴾
فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ﴿٥٥﴾
وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ
وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

گویاایشان خران رم کرده اند (٥٠) .
که گریخته باشند ازشیری (٥١) .
بلکه میخواهد هر شخصی ازایشان که داده شود نامه های کشاده[١] (٥٢) .
هر گز ، بلکه نمی ترسند ازآخرت (٥٣) .
هر گز ، هرآئینه قرآن پندست (٥٤) .
پس هرکه خواهد بخواندآن را (٥٥) .
ویاد نمی‌کنند بندگان مگر وقتی که خواسته باشد خدااوست سزاوار آنکه ازوی بترسند واوست سزاوار آن که بیامرزد (٥٦) .

سُورَةُ القِيٰمَة

سوره قیامت مکی است وآن چهل آیت ودورکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾
وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾
أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾
بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾
بَلْ يُرِيدُ الْإِنسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .
قسم میخورم بروزقیامت (١) .
وقسم میخورم به نفس بسیارملامت کننده[٢] (٢) .
آیامی پندارد آدمی که جمع نه کنیم استخوانهای اورا (٣) .
آری می کنیم توانائیم برآنکه هموار کنیم سرانگشت های اورا (٤) .
بلکه میخواهد آدمی که معصیت کنددر پیش روی خود[٣] (٥) .

---

(١) یعنی می گویند باید که کتاب برهریك نازل شود .
(٢) که آدمی البته مبعوث خواهد شد .
(٣) یعنی آمدنی ست .

يَسْـَٔلُ اَيَّانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ ﴿٦﴾
می پرسد کی خواهد بود روزقیامت (٦).

فَاِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ﴿٧﴾
پس وقتیکه خیره شود چشم (٧) .

وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾
وتیره گرددماه (٨) .

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾
ویکجاجمع کرده شود خورشید وماه (٩) .

يَقُوْلُ الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ اَيْنَ الْمَفَرُّ ﴿١٠﴾
بگوید آدمی آنروز که کجاست گریز گاه (١٠) .

كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾
هر گز، نیست هیچ پناه (١١) .

اِلٰى رَبِّكَ يَوْمَئِذِ ۨالْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾
بسوی پروردگار تست امروز قرارگاه (١٢) .

يُنَبَّؤُا الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍۭ بِمَا قَدَّمَ وَاَخَّرَ ﴿١٣﴾
خبرداده شود آدمی را آن روزبه حقیقت حال آنچه پیش فرستاده بود وپس گذاشته[1] (١٣) .

بَلِ الْاِنْسَانُ عَلٰى نَفْسِهٖ بَصِيْرَةٌ ﴿١٤﴾
بلکه هست آدمی برای الزام خود حجتی (١٤) .

وَّلَوْ اَلْقٰى مَعَاذِيْرَهٗ ﴿١٥﴾
اگرچه درمیان آرد عذرهای خودرا (١٥) .

لَا تُحَرِّكْ بِهٖ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهٖ ﴿١٦﴾
[2]مجنبان (یا محمد) به تکرار قرآن زبان خودرا تازودبدست آری یادکردن آنرا (١٦) .

اِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهٗ وَقُرْاٰنَهٗ ﴿١٧﴾
هرآئینه وعده است برما در سینهٔ توجمع کردن وآسان کردنِ خواندنِ اورا (١٧) .

---

(١) مثل صدقه جاریه وعلم باقی .

(٢) مترجم گوید چون جبرئیل پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی آوردی آنحضرت صلی الله علیه وسلم بحفظ آن اهتمام تمام فرمودی وهم بحضور جبرئیل قبل انقضاء وحی تکرار نمودی تاازخاطر مبارك نرود خدای تعالی باین معنی اشارت فرمود .

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾

پس چون بخوانیم آنرا دل خودرا درپی خواندن اوکن (١٨) .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

بازهر آئینه وعده برماست واضح کردن آن[1] (١٩) .

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾

هرگز، بلکه ای کافران دوست میدارید دنیارا (٢٠) .

وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾

وترك می نمائید آخرت را (٢١) .

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾

يك پاره چهره ها آن روز تازه باشند (٢٢) .

إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾

بسوی پروردگارخود نظر کننده باشند (٢٣) .

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٢٤﴾

ویك پاره چهره ها آنروز پیشانی درهم کشیده باشند (٢٤) .

تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾

توقع کنند که آورده شود بایشان مصیبتی (٢٥) .

كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾

هرگز، وقتیکه برسدروح به چنبر گردن (٢٦) .

وَقِيلَ مَنْ ۜ رَاقٍ ﴿٢٧﴾

وگفته شود کیست افسون کننده (٢٧) .

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾

ویقین دانست اینوقت وقت جداشدن روح ست (٢٨) .

وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾

وبه پیچیدیکساق مُحتضربساق دیگر[2] (٢٩) .

---

(١) مترجم گوید ظاهر نزدیك بنده آنست که معنی آیت چنین باشد هرآئینه وعده لازم است برماجمع کردن قرآن درمصاحف وحفظ وقرائت آن عصراً بعد عصر وایضاح به تفسیر معانی آن خدای تعالی بردست شیخین رضی الله عنهما جمع آن کرده درهر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند به تجوید بخوانند ودرهرزمانی مفسران را توفیق دادکه در تفسیر آن سعی نمایند و الله اعلم .

(٢) یعنی درپای حرکت نماند .

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾

بسوی پروردگارتست آن روز روان کردن (٣٠) .

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٣١﴾

پس نه باور داشت آدمی ونه نماز گذارد (٣١) .

وَلَٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٣٢﴾

ولیکن دروغ شمرد و روگردان گشت (٣٢) .

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿٣٣﴾

بازبرفت بسوی اهل خانه خود خرامان شده (٣٣) .

أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٤﴾

وای برتوپس وای برتو (٣٤) .

ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٣٥﴾

باز (دیگرمیگوئیم) وای برتو پس وای برتو (٣٥) .

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾

آیامی پندارد آدمی که مهمل گذاشته شود (٣٦) .

أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ ﴿٣٧﴾

آیانه بود نطفه ازمنی که ریخته میشد دررحم (٣٧) .

ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٣٨﴾

بازبود خون بسته پس بیافریدخدا پس درست اندام کرد (٣٨) .

فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ ﴿٣٩﴾

پس ساخت ازآن منی دوقسم را مردرا وزن را (٣٩) .

أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٤٠﴾

آیانیست این خداتوانا برآنکه زنده کند مُردگان را (٤٠) .

سُورَةُ الْإِنْسَانِ

سوره دهر مکی است وآن سی ویك آیت ودو رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا ﴿١﴾

هرآئینه آمده است برآدمی مدتی اززمان که نبود چیزی ذکر کرده شده (١) .

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾

هر آئینه ماآفریدیم آدمی را ازیکپارهٔ منی درهم آمیخته ازچند چیز[1] که بیآزمائیم اورا پس ساختیمش شنوا بینا (٢) .

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾

هرآئینه مادلالت کردیم آدمی را برراه خواه شکر گوینده ویاناسپاسدارنده (٣) .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾

هرآئینه ماآماده ساخته ایم برای کافران زنجیر هاوطوقها وآتش افروخته (٤) .

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

هرآئینه نیکوکاران می نوشند ازپیالهٔ شراب که آمیزش وی آب چشمهٔ کافور باشد[2] (٥) .

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾

چشمه که می آشامندازآن بندگان مقرب خداروان کنند آن راروان کردنی[3] (٦) .

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾

وفامیکنند به نذرومی ترسند ازروزیکه مشقت آن فاش باشد (٧) .

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾

ومیدهند طعام باوجود احتیاج بآن فقیررا ویتیم را وزندانی را (٨) .

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿٩﴾

میگویند جزاین نیست که طعام میدهیم شمارا برای رضای خدانمی طلبیم ازشمامزدی ونه شکری (٩) .

إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿١٠﴾

هرآئینه مامی‌ترسیم ازپروردگار خود روز ترش روی نهایت سخت را (١٠) .

فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾

پس نگهداشت ایشان را خداازسختی آنروز ورسانید ایشانرا تازگی وخوشحالی (١١) .

---

(١) یعنی منی مردمنی زن وخون حیض ازحالی به حالی میگردانید یمش .

(٢) مراد میدارم ازکافور چشمه .

(٣) یعنی جدولی ازآن هرجا که خواهند ببرند والله اعلم .

وَجَزٰىهُمْ بِمَا صَبَرُوْا جَنَّةً وَّحَرِيْرًا ﴿١٢﴾

وجزاداد ایشان را بمقابله صبر ایشان بوستان وجامهٔ ابریشمی (١٢) .

مُّتَّكِـِٕيْنَ فِيْهَا عَلَى الْاَرَآئِكِ ۚ لَا يَرَوْنَ فِيْهَا شَمْسًا وَّلَا زَمْهَرِيْرًا ﴿١٣﴾

تکیه زده باشند آنجا برتخت ها نه بینند آنجا گرمی خورشید ونه سرمای تندرا (١٣) .

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوْفُهَا تَذْلِيْلًا ﴿١٤﴾

ونزدیك شده باشد برایشان سایه های آن بوستان وسهل الحصول کرده شود میوهای آن سهل کردنی (١٤) .

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِاٰنِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَّاَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيْرَا ﴿١٥﴾

گردانده شود برایشان بآوند هائی ازنقره وباجامهای که باشند بلورین (١٥) .

قَوَارِيْرَا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوْهَا تَقْدِيْرًا ﴿١٦﴾

(مراد میدارم) بلورین ازنقره اندازه کرده باشند ساقیان آنرا اندازه کردنی (١٦) .

وَيُسْقَوْنَ فِيْهَا كَاْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيْلًا ﴿١٧﴾

ونوشانیده شود ایشانرا آنجاجام شرابی که هست آمیزش آن آب چشمه زنجبیل (١٧) .

عَيْنًا فِيْهَا تُسَمّٰى سَلْسَبِيْلًا ﴿١٨﴾

چشمه ایست در بهشت که نام آن نهاده میشود سلسبیل (١٨) .

وَيَطُوْفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُوْنَ ۚ اِذَا رَاَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنْثُوْرًا ﴿١٩﴾

وآمد وشدکنند برایشان نوجوانان جاویدان چون بینی ایشان را پنداری که ایشان مرواریدند ازرشته افشانده شده (١٩) .

وَاِذَا رَاَيْتَ ثَمَّ رَاَيْتَ نَعِيْمًا وَّمُلْكًا كَبِيْرًا ﴿٢٠﴾

وچون نگاه کنی آنجا ببینی نعمت فراوان وپادشاهی بزرگ (٢٠) .

عٰلِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَّاِسْتَبْرَقٌ ۫ وَّحُلُّوْا اَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ ۚ وَسَقٰىهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُوْرًا ﴿٢١﴾

برایشان باشد جامه های سبز ازدیبای نازك و نیز برایشان باشد دیبای ضخیم وزیور پوشانیده شود ایشان را دست بندها از نقره و بنوشاند ایشانرا پروردگار ایشان شراب نهایت پاك (٢١) .

اِنَّ هٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَآءً وَّكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُوْرًا ﴿٢٢﴾

هر آئینه این نعمت هست شمارا جزای

اعمال وهست سعی شما قبول کرده شده (٢٢) .

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾

هرآئینه مافرودآوردیم برتو قرآن را فرودآوردنی (٢٣) .

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ اٰثِمًا اَوْ كَفُوْرًا ﴿٢٤﴾

پس شکیبائی کن برحکم پروردگارخود وفرمان مبراززمرهٔ بنی آدم گناهگاریرایا ناسپاسی را (٢٤) .

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَّاَصِيْلًا ﴿٢٥﴾

ویادکن نام پروردگارخود صبح و شام (٢٥) .

وَمِنَ الَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهٗ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيْلًا ﴿٢٦﴾

وبعضی ساعات شب نمازگذار برای اووبپاکی یادکن اورا وقت دراز از شب (٢٦) .

اِنَّ هٰۤؤُلَآءِ يُحِبُّوْنَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُوْنَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيْلًا ﴿٢٧﴾

هرآئینه این کافران رغبت میکنند به دنیا وترك میکنند پس پشت خود روزگران را (٢٧) .

نَحْنُ خَلَقْنٰهُمْ وَشَدَدْنَآ اَسْرَهُمْ وَاِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَآ اَمْثَالَهُمْ تَبْدِيْلًا ﴿٢٨﴾

ماآفریدیم ایشان را و محکم کردیم رگ وبندها اندام ایشان را وچون خواهیم عوض آریم قومی مانند ایشان به طریق بدل کردن (٢٨) .

اِنَّ هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيْلًا ﴿٢٩﴾

هر آئینه این پندست پس هرکه خواهد بگیرد بسوی پروردگارخود راه را (٢٩) .

وَمَا تَشَآءُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿٣٠﴾

ونمی خواهید مگر وقتیکه خواهد خدا هرآئینه خداهست دانای باحکمت (٣٠) .

يُّدْخِلُ مَنْ يَّشَآءُ فِىْ رَحْمَتِهٖ وَالظّٰلِمِيْنَ اَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ﴿٣١﴾

داخل میکند هرکراخواهد دررحمتِ خود و برای ستمگاران آماده کرده است عقوبتی درد دهنده (٣١) .

سُورَةُ المُرْسَلات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ○

وَالْمُرْسَلٰتِ عُرْفًا ﴿١﴾

فَالْعٰصِفٰتِ عَصْفًا ﴿٢﴾

وَّالنّٰشِرٰتِ نَشْرًا ﴿٣﴾

فَالْفٰرِقٰتِ فَرْقًا ﴿٤﴾

فَالْمُلْقِيٰتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾

عُذْرًا اَوْ نُذْرًا ﴿٦﴾

اِنَّمَا تُوْعَدُوْنَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾

فَاِذَا النُّجُوْمُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾

وَاِذَا السَّمَآءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾

وَاِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾

وَاِذَا الرُّسُلُ اُقِّتَتْ ﴿١١﴾

لِاَيِّ يَوْمٍ اُجِّلَتْ ﴿١٢﴾

لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٣﴾

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾

سوره مرسلات مکی است وآن پنجاه آیت ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم ببادهای فرستاده شده بوجه نیك (١) .

پس قسم به بادهای تند وَزَندِه به شدت (٢) .

وقسم ببادهای منتشر کنندهٔ ابربه پراگنده کردن (٣) .

پس قسم ببادهای ازهم جدا کنندهٔ ابرپپاره پاره نمودن (٤) .

پس قسم بجماعات فرشتگان فرودآرنده وحی (٥) .

برای دفع عذر یابرای ترسانیدن (٦) .

هرآئینه آنچه وعده داده میشودشمارا البته بودنی ست (٧) .

پس وقتیکه ستارها بی نورکرده شوند (٨) .

و وقتیکه آسمان شگافته شود (٩) .

ووقتیکه کوه ها پاره پاره کرده شود (١٠) .

ووقتیکه پیغامبران را به میعادی معین جمع کرده شود[1] (١١) .

برای کدام روز پیغامبرانرا موقوف داشته شد(١٢) .

برای روز فیصله کردن (١٣) .

وچه چیز خبردادترا که چیست روز

(١) متحقق گردد آنچه متحقق شدنی است .

فیصله کردن (١٤) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿١٥﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (١٥) .

اَلَمْ نُهْلِكِ الْاَوَّلِيْنَ ﴿١٦﴾

آیاهلاك نه کرده ایم نخستینیان را (١٦) .

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْاٰخِرِيْنَ ﴿١٧﴾

بعد ازآن درپی ایشان آریم پسینیان را (١٧) .

كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ ﴿١٨﴾

همچنین میکنیم با گنهگاران (١٨) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿١٩﴾

وای آنروز دروغ شمارندگان را (١٩) .

اَلَمْ نَخْلُقْكُّمْ مِّنْ مَّآءٍ مَّهِيْنٍ ﴿٢٠﴾

آیانیافریده ایم شمارا ازآب محقر (٢٠) .

فَجَعَلْنٰهُ فِىْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ ﴿٢١﴾

پس نهادیم آن آب را درجای محکم (٢١) .

اِلٰى قَدَرٍ مَّعْلُوْمٍ ﴿٢٢﴾

تااندازهٔ معین (٢٢) .

فَقَدَرْنَا ۖ فَنِعْمَ الْقٰدِرُوْنَ ﴿٢٣﴾

پس اندازه کردیم پس نیکواندازه کننده گانیم ما (٢٣) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٢٤﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٢٤) .

اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾

آیانساخته ایم زمین را جمع کننده آدمیان (٢٥) .

اَحْيَآءً وَّاَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾

زندگان ومُردگان (٢٦) .

وَّجَعَلْنَا فِيْهَا رَوَاسِىَ شٰمِخٰتٍ وَّاَسْقَيْنٰكُمْ مَّآءً فُرَاتًا ﴿٢٧﴾

وآفریدیم درزمین کوه های بلند ونوشانیدیم شمارا آب شیرین (٢٧) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٢٨﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٢٨) .

اِنْطَلِقُوْآ اِلٰى مَا كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ﴿٢٩﴾

گفته شود بروید بسوی چیزی که آن را دروغ می شمردید (٢٩) .

اِنْطَلِقُوْآ اِلٰى ظِلٍّ ذِىْ ثَلٰثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾

(گفته شود) بروید بسوی سایه صاحب سه شعبه (٣٠) .

لَّا ظَلِيْلٍ وَّلَا يُغْنِىْ مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾

نه سایه سردباشد ونه کفایت کند ازگرمی آتش (٣١) .

اِنَّهَا تَرْمِىْ بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾

هرآئینه آن آتش می افگند شررها مانند قصر (٣٢) .

كَاَنَّهٗ جِمٰلَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾

گویا آن شررها شتران زرداند (٣٣) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٣٤﴾
هٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُوْنَ ﴿٣٥﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٣٤) .
این روزروز یست که سخن نه گویند (٣٥) .

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُوْنَ ﴿٣٦﴾

ونه اجازه داده شود ایشان را تاعذر پیش نمایند (٣٦) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٣٧﴾
هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنٰكُمْ وَالْاَوَّلِيْنَ ﴿٣٨﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٣٧) .
این روز روز فیصله کردن ست جمع کردیم شمارا باپیشینیان (٣٨) .

فَاِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيْدُوْنِ ﴿٣٩﴾

پس ا گرشمارا حیله هست پس حیله کُنِید درحق من (٣٩) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٠﴾
اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِيْ ظِلٰلٍ وَّعُيُوْنٍ ﴿٤١﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٠) .
هرآئینه متقیان درسایه هاباشند ودرچشمه ها (٤١) .

وَّفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُوْنَ ﴿٤٢﴾
كُلُوْا وَاشْرَبُوْا هَنِيْٓـًٔا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿٤٣﴾

ودرمیوه ها ازجنسی که رغبت کنند (٤٢) .
(بگوئیم) بخورید وبنوشید خوردن ونوشیدنِ گوارابسبب آنچه میکردید (٤٣) .

اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ ﴿٤٤﴾

هرآئینه ما همچنین جزامیدهیم نیکوکاران را (٤٤) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٥﴾
كُلُوْا وَتَمَتَّعُوْا قَلِيْلًا اِنَّكُمْ مُّجْرِمُوْنَ ﴿٤٦﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٥) .
(ای دروغ شمارندگان) بخوریدوبهره مند باشید اندکی هرآئینه شما گنهگارید (٤٦) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٧﴾
وَاِذَا قِيْلَ لَهُمُ ارْكَعُوْا لَا يَرْكَعُوْنَ ﴿٤٨﴾

وای آن روز دروغ شمارندگانرا (٤٧) .
وچون گفته شود ایشانرا نمازگذارید نمازنمی گذارند (٤٨) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿٤٩﴾
فَبِاَيِّ حَدِيْثٍۭ بَعْدَهٗ يُؤْمِنُوْنَ ﴿٥٠﴾

وای آن روز دروغ شمارندگان را (٤٩) .
پس بکدام سخن بعد ازقرآن ایمان خواهند آورد (٥٠) .

سُورَةُ النَّبَإِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
عَمَّ يَتَسَآءَلُوْنَ ۝١
عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ ۝٢
الَّذِيْ هُمْ فِيْهِ مُخْتَلِفُوْنَ ۝٣
كَلَّا سَيَعْلَمُوْنَ ۝٤
ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُوْنَ ۝٥
اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهٰدًا ۝٦
وَّالْجِبَالَ اَوْتَادًا ۝٧
وَّخَلَقْنٰكُمْ اَزْوَاجًا ۝٨
وَّجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۝٩
وَّجَعَلْنَا الَّيْلَ لِبَاسًا ۝١٠
وَّجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ۝١١
وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۝١٢
وَّجَعَلْنَا سِرَاجًا وَّهَّاجًا ۝١٣
وَّاَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا ۝١٤
لِنُخْرِجَ بِهٖ حَبًّا وَّنَبَاتًا ۝١٥
وَّجَنّٰتٍ اَلْفَافًا ۝١٦
اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيْقَاتًا ۝١٧

سوره نبا مکی است وآن چهل آیت ودورکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .
ازچه چیز کافران بایکدیگر سوال میکنند (١) .
(آری سوال میکنند) ازخبری بزرگ (٢).
که ایشان درآن خلاف دارند[١] (٣) .
نَی نَی، خواهند دانست (٤) .
باز (میگوئیم) نی نی، خواهند دانست (٥) .
آیانساخته ایم زمین را فرش (٦) .
ونساخته ایم کوه هارا میخها (٧) .
وآفریدیم شمارا نروماده (٨) .
وساختیم خواب شمارا راحت (٩) .
وساختیم شب را پرده (١٠) .
وساختیم روزرا وقت طلبِ معیشت (١١) .
وبناکردیم بالای شما هفت آسمان محکم (١٢) .
وآفریدیم چراغی درخشنده[٢] (١٣) .
وفرودآوردیم ازابرها آب ریزان (١٤) .
تابرآریم بسبب آن آب دانهٔ گیاه را (١٥).
وبوستان های درهم پیچیده را (١٦) .
هرآئینه روز فیصله کردن هست وقت

(١) مرادبعث و قیامت ست .
(٢) یعنی خورشید .

معين (١٧) .

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ﴿١٨﴾

روزی که دمیده شوددرصور پس می آئید گروه گروه شده (١٨) .

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ﴿١٩﴾

وشگافته شود آسمان پس باشد دروازه ها (١٩) .

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ﴿٢٠﴾

وروان کرده شوند کوه هاپس باشند مانند سراب (٢٠) .

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ﴿٢١﴾

هرآئینه دوزخ ست انتظار کننده (٢١) .

لِلطَّاغِينَ مَآبًا ﴿٢٢﴾

سرکَشَانراهست مرجع ایشان (٢٢) .

لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ﴿٢٣﴾

درآیند به دوزخ اقامت کنندگان درآنجامدت های دراز (٢٣) .

لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ﴿٢٤﴾

نه چشندآنجاخنکی راونه آشامیدنی را(٢٤) .

إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ﴿٢٥﴾

مگر آب گرم وخون وچرك را (٢٥) .

جَزَاءً وِفَاقًا ﴿٢٦﴾

جزاداده شد جزاء موافق (٢٦) .

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ﴿٢٧﴾

هرآئینه ایشان توقع نمیداشتند حساب را (٢٧) .

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ﴿٢٨﴾

وتکذیب می کردند آیاتِ مارابه دروغ پنداشتن (٢٨) .

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ﴿٢٩﴾

وهرچیزی را ضبط کردیم بطریق نوشتن (٢٩) .

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ﴿٣٠﴾

پس بچشید پس زیاده نخواهیم دادشمارا مگر عقوبت (٣٠) .

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ﴿٣١﴾

هرآئینه متقیان را مطلب یابی باشد (٣١) .

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ﴿٣٢﴾

بوستانهاباشد ودرختان انگور (٣٢) .

وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ﴿٣٣﴾

وزنان دوشیزه هم عمر بایکدیگر (٣٣) .

وَكَأْسًا دِهَاقًا ﴿٣٤﴾

وپیالهٔ شرابِ پرکرده شده (٣٤) .

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ﴿٣٥﴾

نشنوند آنجاسخن بیهوده را ونه دروغ

جَزَآءً مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ﴿٣٦﴾

رَّبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ
لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ﴿٣٧﴾

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلٰٓئِكَةُ صَفًّا ۖ لَّا يَتَكَلَّمُونَ
إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ﴿٣٨﴾

ذٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ ۖ فَمَن شَآءَ اتَّخَذَ إِلٰى رَبِّهِ مَاٰبًا ﴿٣٩﴾

إِنَّآ أَنذَرْنٰكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ۚ يَوْمَ يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ
يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يٰلَيْتَنِي كُنتُ تُرٰبًا ﴿٤٠﴾

سُورَةُ النّٰزِعٰتِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالنّٰزِعٰتِ غَرْقًا ﴿١﴾

وَالنّٰشِطٰتِ نَشْطًا ﴿٢﴾

شمر دن را (٣٥) .

پاداش دادن کافی ازجانب پروردگارتو (٣٦) .

پروردگار آسمان هاوزمین وآنچه مابین اینها ست خدای بخشاینده نه توانند از (هیبت) وی سخن گفتن (٣٧) .

روزیکه بایستد روح وسائر فرشتگان صف زده سخن نه گویند حاضران محشر مگر کسیکه دستوری داده باشد اورا خداوگفته باشد سخن درست[1] (٣٨) .

این روز متحقق ست پس هرکه خواهد بگیرد بسوی پروردگارخود مرجع (٣٩) .

هرآئینه ما ترسانیدیم شمارا ازعقوبت نزدیك آینده در روزی که ببیند آدمی آنچه پیش فرستاده بود دو دست وی وبگوید کافر ای کاش من خاك بودمی (٤٠) .

سوره نازعات مکی است وآن چهل و شش آیت ودورکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم بجماعات فرشتگان که نزع میکنند بوجه سختی (ارواح کافران را)[2] (١) .

قسم بجماعات فرشتگان که بیرون می آرند بیرون آوردنی (ارواح مؤمنان را)[3] (٢) .

---

(١) یعنی سخن حق .

(٢) یعنی یك عدهٔ ارواح را به سختی .

(٣) یعنی یك عدهٔ دیگر را بطریق سهولت .

وَّالسّٰبِحٰتِ سَبۡحًا ﴿۳﴾

قسم بفرشتگان که شنامی کنند شناکردنی[۱] (۳) .

فَالسّٰبِقٰتِ سَبۡقًا ﴿۴﴾

پس قسم بفرشتگان که سبقت میکنند سبقت کردنی[۲] (٤) .

فَالۡمُدَبِّرٰتِ اَمۡرًا ﴿۵﴾

قسم بجماعات فرشتگان که تدبیر میکنند هرکاریرا (آنچه گفته میشود بود نیست) . (۵)

يَوۡمَ تَرۡجُفُ الرَّاجِفَةُ ﴿۶﴾

روزی که بجنبد جنبنده (٦) .

تَتۡبَعُهَا الرَّادِفَةُ ﴿۷﴾

ازپس وی درآیداز پس درآینده[۳] (۷) .

قُلُوۡبٌ يَّوۡمَئِذٍ وَّاجِفَةٌ ﴿۸﴾

یك جمع دلهاآنروزترسان باشد (۸) .

اَبۡصَارُهَا خَاشِعَةٌ ﴿۹﴾

بردیده های آنجماعت خواری هویدا شده باشد (۹) .

يَقُوۡلُوۡنَ ءَاِنَّا لَمَرۡدُوۡدُوۡنَ فِى الۡحَافِرَةِ ﴿۱۰﴾

میگویند کافران آیاماباز گردانیده شویم بحالت نخستین (۱۰) .

ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً ﴿۱۱﴾

آیا چون شویم استخوانهای پوسیده باززنده شویم (۱۱) .

قَالُوۡا تِلۡكَ اِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ ﴿۱۲﴾

گفتند آن رجوعِ ماآنگاه رجوع زیان دهنده باشد(۱۲) .

فَاِنَّمَا هِىَ زَجۡرَةٌ وَّاحِدَةٌ ﴿۱۳﴾

پس جزاین نیست که آن واقعه یك آواز تندست (۱۳) .

فَاِذَا هُمۡ بِالسَّاهِرَةِ ﴿۱۴﴾

پس نا گهان ایشان برروی زمین آمده باشند (١٤) .

هَلۡ اَتٰىكَ حَدِيۡثُ مُوۡسٰى ﴿۱۵﴾

آیاآمده است پیش توخبر موسیٰ (۱۵) .

اِذۡ نَادٰىهُ رَبُّهٗ بِالۡوَادِ الۡمُقَدَّسِ طُوًى ﴿۱۶﴾

چون آواز دادش پروردگاراو بوادی پاك

---

(۱) یعنی در هوا شنا کردنی .

(۲) یعنی ازیکدیگر سبقت کردنی .

(۳) یعنی نفخهٔ اولی وپس نفخهٔ ثانیه بوجود آید .

طوى نام (١٦) .

اِذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ﴿١٧﴾

كه بروبسوى فرعون هرآئينه وى ازحد گذشته است (١٧) .

فَقُلْ هَلْ لَّكَ اِلٰٓى اَنْ تَزَكّٰى ﴿١٨﴾

پس بگوهيچ ميل ست ترابآنكه پاكيزه شوى (١٨) .

وَاَهْدِيَكَ اِلٰى رَبِّكَ فَتَخْشٰى ﴿١٩﴾

وراه نمايم ترابسوى پروردگار تو پس بترسى (١٩) .

فَاَرٰىهُ الْاٰيَةَ الْكُبْرٰى ﴿٢٠﴾

پس بنمود بفرعون آن معجزهٔ بزرگ را[١] (٢٠) .

فَكَذَّبَ وَعَصٰى ﴿٢١﴾

پس دروغ پنداشت ونافرمانى كرد (٢١) .

ثُمَّ اَدْبَرَ يَسْعٰى ﴿٢٢﴾

پس أزآن مجلس بازگشت تدبيركنان (٢٢) .

فَحَشَرَ فَنَادٰى ﴿٢٣﴾

پس جمع كردقوم خودرا پس آواز داد (٢٣) .

فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ﴿٢٤﴾

پس گفت من پروردگار(بزرگوار) شمايم (٢٤) .

فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى ﴿٢٥﴾

پس گرفتار كرد اورا خدا بعذابِ آخرت ودنيا (٢٥) .

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ﴿٢٦﴾

هرآئينه درين خبرپندى هست براى هركه بترسد (٢٦) .

ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ بَنٰىهَا ﴿٢٧﴾

آياشما محكم تريد درآفرينش يا آسمان، خدابناكرد آن آسمان را (٢٧) .

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰىهَا ﴿٢٨﴾

بلند ساخت ارتفاع اورا پس درست ساخت آن را (٢٨) .

وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰىهَا ﴿٢٩﴾

وتاريك كرد شب اورا وبظهور آورد روشنيِ روز اورا (٢٩) .

وَالْاَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰىهَا ﴿٣٠﴾

وزمين را بعد ازآفريدن آسمان هموار

---

(١) يعنى عصاويد بيضا .

کرد[1] (۳۰) .

أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ۝٣١
بیرون آورد از زمین آب اوراو چراگاه اورا (۳۱) .

وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ۝٣٢
وکوه هارا استوارنمود (۳۲) .

مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۝٣٣
برای منفعت شما وچهار پایان شما (۳۳) .

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ ۝٣٤
پس وقتیکه بیاید حادثهٔ بزرگ (یعنی قیامت) (۳٤) .

يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ ۝٣٥
روزیکه یادکند آدمی آنچه عمل کرده بود (۳۵) .

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ ۝٣٦
وظاهر کرده شود دوزخ برای هرکه دیدنش خواهد (ثواب یا عقاب متحقق گردد) (۳٦) .

فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ۝٣٧
اماکسیکه ازحد گذشته باشد (۳۷) .

وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝٣٨
وبرگزیده باشد زندگانی این جهانی را(۳۸) .

فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۝٣٩
پس هرآئینه دوزخ همانست جای او (۳۹) .

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۝٤٠
وامـاکسیکـه تـرسیـده بـاشـد ازایستادن بحضور پروردگارخویش وبازداشته باشد نفس را از شهوات (٤۰) .

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۝٤١
پس هرآئینه بهشت همانست جای او (٤۱) .

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۝٤٢
می پرسند ترااز قیامت کَی باشد تحقق آن (٤۲) .

فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا ۝٤٣
درچه منزلی تو ازعلم آن (٤۳) .

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ۝٤٤
بسوی پروردگارتست منتهای علم آن (٤٤) .

---

(۱) مترجم گوید معنی هموار کردن همین ست که میفر ماید .

إِنَّمَآ أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخۡشَىٰهَا ﴿٤٥﴾

كَأَنَّهُمۡ يَوۡمَ يَرَوۡنَهَا لَمۡ يَلۡبَثُوٓاْ إِلَّا عَشِيَّةً أَوۡ ضُحَىٰهَا ﴿٤٦﴾

جزاين نيست كه توترساننده اى كسى را كه بترسدازوى (٤٥) .

روزيكه ببينند آن را چنانستى كه ايشان درنگ نكرده بودند به دنيا مگريك وقت شام يايك وقت صبحى كه پيش ازآن بود (٤٦) .

سُورَةُ عَبَسَ

سوره عبس مكى است وآن چهل ودوآيت ويك ركوع است

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰٓ ﴿١﴾
أَن جَآءَهُ ٱلۡأَعۡمَىٰ ﴿٢﴾
وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ ﴿٣﴾
أَوۡ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ ٱلذِّكۡرَىٰٓ ﴿٤﴾
أَمَّا مَنِ ٱسۡتَغۡنَىٰ ﴿٥﴾
فَأَنتَ لَهُۥ تَصَدَّىٰ ﴿٦﴾
وَمَا عَلَيۡكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ﴿٧﴾
وَأَمَّا مَن جَآءَكَ يَسۡعَىٰ ﴿٨﴾
وَهُوَ يَخۡشَىٰ ﴿٩﴾
فَأَنتَ عَنۡهُ تَلَهَّىٰ ﴿١٠﴾

روترش كرد واعراض نمود (١) .

بسبب آنكه بيامد پيش اونابينا[1] (٢) .

وچه چيز خبردار كرد تراشايد وى پاك مى شد (٣) .

ياپندمى شنيد پس نفع ميدادش آن پندشنيدن (٤) .

اما كسى كه توانگر ست (٥) .

پس تو بسوى او اقبال مى كنى (٦) .

وزيان نيست برتو درآن كه پاك نه شود (٧) .

واماكسى كه بيامد پيش توشتابان (٨) .

وازخداى خودترسان (٩) .

پس توازوى غفلت ميكنى (١٠) .

(١) نابينائى ازفقراء صحابه بمجلس آنحضرت صلى الله عليه وسلم درآمد وبسوالهاى مكرر تشويش داد وآنحضرت صلى الله عليه وسلم درآنحالت به دعوتِ اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مكروه داشتند واعراض نمودند خداى تعالى برخُلق عظيم دلالت فرمود .

كَلَّآ إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ﴿١١﴾
نَی نَی، هرآئینه این آیاتِ قرآن پندست (١١) .

فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿١٢﴾
پس هرکه خواهد یاد کند قرآن را (١٢).

فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ﴿١٣﴾
هرآئینه آیاتِ قرآن ثبت است درنامه های گرامی (١٣) .

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ﴿١٤﴾
بلند قدرپاك كرده شده (١٤) .

بِأَيْدِى سَفَرَةٍ ﴿١٥﴾
به دست های نویسندگان (١٥) .

كِرَامٍ بَرَرَةٍ ﴿١٦﴾
بزرگ منش نیکوکردار[1] (١٦) .

قُتِلَ ٱلْإِنسَٰنُ مَآ أَكْفَرَهُۥ ﴿١٧﴾
لعنت کرده شدآدمی را چقدر ناسپاس ست (١٧) .

مِنْ أَىِّ شَىْءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾
خداازچه چیز آفریدش (١٨).

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾
ازنطفهٔ منی آفریدش پس اندازهٔ معین کردش (١٩) .

ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾
بازراه برآمد آسان نمودش (٢٠) .

ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقْبَرَهُۥ ﴿٢١﴾
بازبمیراندش پس درگور کردش (٢١) .

ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾
بازوقتیکه خواست زنده ساختش (٢٢).

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَآ أَمَرَهُۥ ﴿٢٣﴾
نی نی، بعمل نیاورد آنچه فرمودش (٢٣) .

فَلْيَنظُرِ ٱلْإِنسَٰنُ إِلَىٰ طَعَامِهِۦٓ ﴿٢٤﴾
پس باید که درنگرد آدمی بسوی طعام خود (٢٤) .

أَنَّا صَبَبْنَا ٱلْمَآءَ صَبًّا ﴿٢٥﴾
بسوی آنکه ماریختیم آب را ریختنی (٢٥) .

ثُمَّ شَقَقْنَا ٱلْأَرْضَ شَقًّا ﴿٢٦﴾
بازشگافتیم زمین را شگافتنی (٢٦) .

فَأَنۢبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ﴿٢٧﴾
پس رویانیدیم درآن زمین دانه را (٢٧) .

وَعِنَبًا وَقَضْبًا ﴿٢٨﴾
وانگورو سبزی هارا (٢٨) .

(١) یعنی فرشتگان ازلوح نقل می کنند .

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ﴿٢٩﴾
وزيتون راودرختان خرمارا (٢٩) .

وَحَدَائِقَ غُلْبًا ﴿٣٠﴾
وباغهارا که درختان بسياردارد (٣٠) .

وَفَاكِهَةً وَأَبًّا ﴿٣١﴾
وميوه و علف دواب را (٣١) .

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ﴿٣٢﴾
برای منفعت شماوچهار پايان شما (٣٢).

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ ﴿٣٣﴾
پس وقتيکه بيايد آوازسخت (٣٣) .

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ﴿٣٤﴾
روزيکه بگريزد مردازبرادر خود (٣٤) .

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ﴿٣٥﴾
وازمادر خودوازپدرخود (٣٥) .

وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ﴿٣٦﴾
واززن خود و فرزندان خود (٣٦) .

لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ﴿٣٧﴾
هر مردی را ازايشان آن روز شغليست که کفايت ميکندش (٣٧) .

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿٣٨﴾
يکپاره چهره ها آن روز روشن باشد (٣٨) .

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ﴿٣٩﴾
خندان وشادان باشد (٣٩) .

وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ﴿٤٠﴾
ويکپاره چهره ها آنروز برآن غبار باشد (٤٠) .

تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ﴿٤١﴾
غالب آيد بروی تاريکی (٤١) .

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ﴿٤٢﴾
اين جماعت ايشانند کافران بدکاران (٤٢) .

سُورَةُ التَّكْوِيرِ

سوره تکوير مکی است وآن بيست ونه آيت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاينده مهربان .

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾
وقتيکه خورشيد پيچيده شود (١) .

وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ ﴿٢﴾
ووقتيکه ستارها تيره شوند (٢) .

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ﴿٣﴾
ووقتيکه کوه ها روان کرده شوند (٣) .

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾
ووقتيکه ماده شترِان بارداررامعطل گذاشته شود (٤) .

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ﴿٥﴾
ووقتيکه جانورانِ وحشی را جمع کرده

شود (٥) .

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۝٦
و وقتیکه دریاهارا مثل آتش افروخته شود (٦) .

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝٧
ووقتیکه ارواح راباجسادجمع کرده شود (٧) .

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ۝٨
ووقتیکه دختری را که زنده درگور کرده بودند پرسیده شود (٨) .

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۝٩
بکدام گناه کشته شد (٩) .

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝١٠
ووقتیکه نامه های اعمال کشاده شوند (١٠) .

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۝١١
ووقتیکه آسمان را پوست برکنده شود[١] (١١) .

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۝١٢
ووقتیکه دوزخ برافروخته شود (١٢) .

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝١٣
ووقتیکه بهشت رانزدیك ساخته شود (١٣) .

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ۝١٤
بداند هرشخص آنچه حاضر ساخته است (١٤) .

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۝١٥
پس قسم میخورم بستاره های بازگردنده (١٥) .

الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝١٦
سیر نماینده غائب شونده[٢] (١٦) .

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۝١٧
وقسم به شب چون باز گردد (١٧) .

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝١٨
وقسم به صبح چون بدمد (١٨) .

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝١٩
هرآئینه این قرآن گفتار فرستاده ای است

---

(١) یعنی سرخ شودمانند برّه که پوست اوسلخ کرده باشند .

(٢) مترجم گوید زحل و مشتری و مریخ وزهره وعطارد پنج ستاره متحیره اند چون سیر کرده بمقامی رسند ازآن بازمی گردند و بمقامی که طی کرده بودند اقبال نمایند چون وقت قران آید غائب شوند والله اعلم .

گرامی قدر (١٩) .

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾

صاحب توانائی باوقارنزدِ خداوند عرش (٢٠) .

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾

فرمانبرداری کرده شده درملکوتِ آسمان متصف بامانت (٢١) .

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾

ونیست این یارِشمادیوانه (٢٢) .

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾

وهرآئینه یارِشمادیده بود آن فرشته را بکرانه ظاهر آسمان (٢٣) .

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾

ونیست یارشمابرعلم پنهان بخل کننده (٢٤) .

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿٢٥﴾

ونیست قرآن گفتار شیطان رانده شده (٢٥) .

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ﴿٢٦﴾

پس کجامیروید (٢٦) .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾

نیست قرآن مگرپند عالمهارا (٢٧) .

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾

برای هرکه اززمره شما بخواهد که راست کردار شود (٢٨) .

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

ونمی خواهید مگر وقتیکه بخواهد خدا پروردگارعالم ها (٢٩) .

سُورَةُ الانفطار

سوره انفطار مکی است وآن نوزده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ﴿١﴾

وقتیکه آسمان بشگافد (١) .

وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ﴿٢﴾

ووقتیکه ستارگان ازهم بریزد (٢) .

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ﴿٣﴾

ووقتیکه دریاها روان کرده شود بنهایت شدت (٣) .

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ﴿٤﴾

ووقتیکه گور هارا شگافته شود (٤) .

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ﴿٥﴾

بداند هر نفسی آنچه فرستاده بود و آنچه بازپس گذاشته بود (٥) .

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ ٱلْكَرِيمِ ﴿٦﴾

ای آدمی چه چیز فریفت ترا به پروردگار بزرگوارتو (٦) .

ٱلَّذِى خَلَقَكَ فَسَوَّىٰكَ فَعَدَلَكَ ﴿٧﴾

آنخدای که بیافرید تراپس درست اندام کرد ترا پس معتدل قامت کردترا (٧) .

فِىٓ أَىِّ صُورَةٍ مَّا شَآءَ رَكَّبَكَ ﴿٨﴾

درهرصورتی که خواست ترکیب دادترا (٨) .

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ ﴿٩﴾

نَی نَی، بلکه دروغ می شمریدجزای اعمال را (٩) .

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَٰفِظِينَ ﴿١٠﴾

وهرآئینه برشما گماشته شده اندنگاهبانان (١٠) .

كِرَامًا كَٰتِبِينَ ﴿١١﴾

نویسندگان گرامی قدر(١١) .

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿١٢﴾

میدانند آنچه می کنید (١٢) .

إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ﴿١٣﴾

هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (١٣).

وَإِنَّ ٱلْفُجَّارَ لَفِى جَحِيمٍ ﴿١٤﴾

وهرآئینه‌گناهگاران دردوزخ باشند (١٤).

يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ ٱلدِّينِ ﴿١٥﴾

درآیند به دوزخ روزجزای اعمال (١٥).

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِينَ ﴿١٦﴾

ونباشند ازآن جا غائب شده (١٦) .

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ﴿١٧﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترااى آدمی که چیست روزجزا (١٧) .

ثُمَّ مَآ أَدْرَىٰكَ مَا يَوْمُ ٱلدِّينِ ﴿١٨﴾

باز (میگوئیم) چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست روزجزا (١٨) .

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْـًٔا ۖ وَٱلْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ ﴿١٩﴾

روز یست که نتواند هیچکس برای هیچکس هیچ فائده رسانیدن وفرمان آن روز خدارا باشد (١٩) .

سُورَةُ الْمُطَفِّفِين

سوره مطففین مکی است وآن سی وشش آیت است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾

وای برحقوق مردم کاهندگان (١) .

الَّذِيْنَ إِذَا اكْتَالُوْا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ ﴿٢﴾

آنانکه چون برای خود پیمانه ازمردمان به سختی تمام بگیرند (٢) .

وَإِذَا كَالُوْهُمْ أَوْ وَّزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ ﴿٣﴾

وچون خواهند که پیمانه بدهند ایشانرا یاسنجیده بدهند ایشان را زیان رسانند (٣) .

أَلَا يَظُنُّ أُولَٰٓئِكَ أَنَّهُمْ مَّبْعُوْثُوْنَ ﴿٤﴾

آیا نمیدانند این جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد (٤) .

لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿٥﴾

درروز بزرگ (٥) .

يَّوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٦﴾

روزیکه ایستاده شوند مردمان پیش پروردگار عالم ها (٦) .

كَلَّآ إِنَّ كِتٰبَ الْفُجَّارِ لَفِيْ سِجِّيْنٍ ﴿٧﴾

حقا هرآئینه نامۀ اعمال گنهگاران داخل شود درسجین (٧) .

وَمَآ أَدْرٰىكَ مَا سِجِّيْنٌ ﴿٨﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست سجین (٨) .

كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ﴿٩﴾

کتابیست نوشته شده (٩) .

وَيْلٌ يَّوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِيْنَ ﴿١٠﴾

وای آن روزدروغ شمارندگان را (١٠) .

الَّذِيْنَ يُكَذِّبُوْنَ بِيَوْمِ الدِّيْنِ ﴿١١﴾

آنانکه به دروغ نسبت میکنند روز جزارا (١١) .

وَمَا يُكَذِّبُ بِهٖٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيْمٍ ﴿١٢﴾

ودروغ نمی شُمُرَدآن را مگر هرستمگار گنهکار (١٢) .

إِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا قَالَ أَسَاطِيْرُ الْأَوَّلِيْنَ ﴿١٣﴾

چون خوانده شود بروی آیاتِ ما گوید افسانه های پیشنیان ست (١٣) .

كَلَّا بَلْ ۜ رَانَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ﴿١٤﴾

هرگز، بلکه زنگ بسته است بردل های ایشان آنچه می کردند (١٤) .

كَلَّآ إِنَّهُمْ عَنْ رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوْبُوْنَ ﴿١٥﴾

نَی نَی، هرآئینه ایشان ازدیدار پروردگار خویش آنروز محجوب باشند (١٥) .

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيْمِ ﴿١٦﴾

بازهرآئینه ایشان درآیندگان دوزخ باشند (١٦) .

ثُمَّ يُقَالُ هٰذَا الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ ﴿۱۷﴾
باز گفته شود ایشان را اینست آنچه شما آنرا دروغ شمردید (۱۷) .

كَلَّآ اِنَّ كِتٰبَ الْاَبْرَارِ لَفِيْ عِلِّيِّيْنَ ﴿۱۸﴾
حقا هرآئینه نامۀ اعمال نیکوکاران داخل شود درعلّیین (۱۸) .

وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا عِلِّيُّوْنَ ﴿۱۹﴾
و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست علیون (۱۹) .

كِتٰبٌ مَّرْقُوْمٌ ﴿۲۰﴾
کتابیست نوشته شده (۲۰) .

يَّشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُوْنَ ﴿۲۱﴾
که حاضر شوند نزدیك آن مقربین بارگاه الهی (۲۱) .

اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِيْ نَعِيْمٍ ﴿۲۲﴾
هرآئینه نیکوکاران درنعمت باشند (۲۲) .

عَلَى الْاَرَآئِكِ يَنْظُرُوْنَ ﴿۲۳﴾
بر تختهانشسته نظر میکنند بهر جانب (۲۳) .

تَعْرِفُ فِيْ وُجُوْهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيْمِ ﴿۲۴﴾
بشناسی در چهره های ایشان تازگی نعمت (۲٤) .

يُسْقَوْنَ مِنْ رَّحِيْقٍ مَّخْتُوْمٍ ﴿۲۵﴾
نوشانیده شود ایشان رااز شراب خالص (۲۵) .

خِتٰمُهٗ مِسْكٌ ۚ وَفِيْ ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنٰفِسُوْنَ ﴿۲۶﴾
سربمهرمگر بجای موم مهراومُشك باشد وبهمین شراب پاك باید که رغبت کنند رغبت کنند گان (۲٦) .

وَمِزَاجُهٗ مِنْ تَسْنِيْمٍ ﴿۲۷﴾
وآمیختنی آن از آب تسنیم باشد (۲۷) .

عَيْنًا يَّشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُوْنَ ﴿۲۸﴾
(مراد میدارم) چشمه ای که می نوشند ازآن مقربین خدا (۲۸) .

اِنَّ الَّذِيْنَ اَجْرَمُوْا كَانُوْا مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا يَضْحَكُوْنَ ﴿۲۹﴾
هرآئینه گنه گاران به مسلمانان می‌خندیدند (۲۹) .

وَاِذَا مَرُّوْا بِهِمْ يَتَغَامَزُوْنَ ﴿۳۰﴾
وچون میگذشتند بمسلمانان بایکدیگر چشم میزدند حقارت کرده (۳۰) .

وَاِذَا انْقَلَبُوْٓا اِلٰٓى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوْا فَكِهِيْنَ ﴿۳۱﴾
وچون بازمی گشتند باهل خانۀ خود بازمی گشتند شادمان شده (۳۱) .

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوٓا۟ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ﴿٣٢﴾

وَمَآ أُرْسِلُوا۟ عَلَيْهِمْ حَٰفِظِينَ ﴿٣٣﴾

فَٱلْيَوْمَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مِنَ ٱلْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٣٤﴾

عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ ﴿٣٥﴾

هَلْ ثُوِّبَ ٱلْكُفَّارُ مَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾

سُورَةُ الانْشِقَاق

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

إِذَا ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتْ ﴿١﴾

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾

وَإِذَا ٱلْأَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾

يَٰٓأَيُّهَا ٱلْإِنسَٰنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَٰقِيهِ ﴿٦﴾

وچون میدیدند مسلمانان رامیگفتند هرآئینه ایشان گمراهانند (٣٢) .

ونگاهبانان فرستاده نه شده بودند برسرمسلمانان (٣٣) .

پس امروز مسلمانان برکافران میخندند (٣٤) .

برتخت هانشسته نظر میکنند بهر جانب (٣٥) .

آیا جزاداده شد کافران را بحسب آنچه میکردند (٣٦) .

سوره انشقاق مکی است وآن بیست وپنج آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وقتیکه آسمان بشگافد (١) .

وگوش کند فرمان پروردگارخودرا آسمان سزاوارِ گوش کردن ست (٢) .

ووقتیکه زمین کشیده شود (٣) .

وبیرون اندازدآنچه درآن باشدوخالی شود[1] (٤) .

وگوش کند فرمان پروردگارخودرا وزمین سزاوارِ گوش کردن ست (یعنی حساب روزآخرت بودنی ست) (٥) .

ای آدمی هرآئینه توکار کننده ای تاملاقاتِ پروردگار خود بکوششِ تمام پس ملاقات خواهی کرد باپروردگارخود (٦) .

(١) یعنی اموات را بیرتابد والله اعلم .

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ بِيَمِينِهِۦ ﴿٧﴾

پس اما هركه داده شد اورانامهٔ اعمال اوبدست راستش (٧) .

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ﴿٨﴾

پس باوحساب كرده شود حساب آسان (٨) .

وَيَنقَلِبُ إِلَىٰٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿٩﴾

وبازگردد بسوى اهل خانهٔ خود شادمان شده (٩) .

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَٰبَهُۥ وَرَآءَ ظَهْرِهِۦ ﴿١٠﴾

واماهركه داده شداورانامهٔ اعمال اواز پس پشتش (١٠) .

فَسَوْفَ يَدْعُوا۟ ثُبُورًا ﴿١١﴾

پس ياد خواهد كردهلاك را (١١) .

وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ﴿١٢﴾

ودرخواهدآمد به دوزخ (١٢) .

إِنَّهُۥ كَانَ فِىٓ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾

هرآئينه اوبود به دنيا دراهل خانهٔ خود شادمان (١٣) .

إِنَّهُۥ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ﴿١٤﴾

هرآئينه گمان كرده بود كه رجوع نه كند بسوى خدايتعالى (١٤) .

بَلَىٰٓ إِنَّ رَبَّهُۥ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا ﴿١٥﴾

آرى (رجوع كردن متحقق ست) هرآئينه پروردگاراوبود باحوال اوبينا (١٥) .

فَلَآ أُقْسِمُ بِٱلشَّفَقِ ﴿١٦﴾

پس سوگند ميخورم بسرخى كنارهٔ آسمان اوّل شب (١٦) .

وَٱلَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾

وقسم ميخورم بشب وآنچه شب آنراجمع كرده است (١٧) .

وَٱلْقَمَرِ إِذَا ٱتَّسَقَ ﴿١٨﴾

وقسم ميخورم بماه چون تمام شود (١٨) .

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾

خواهيد رسيدبحالى بعد حالى[1] (١٩) .

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾

پس چيست اين كافران را كه ايمان نمى آرند (٢٠) .

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ ٱلْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۩ ﴿٢١﴾

وچون خوانده شود برايشان قرآن سجده

---

(١) يعنى هول موت بعد ازآن سوالِ منكرونكير بعد ازآن حشر و حساب و مروربر صراط بعد ازآن دوزخ يا بهشت والله اعلم .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ﴿٢٢﴾
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ﴿٢٣﴾
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٤﴾
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٢٥﴾

نمی کنند (٢١) .
بلکه این کافران دروغ می شمرند (٢٢) .
وخداداناترست بآنچه دردل خودنگاه میدارند (٢٣) .
پس خبرکن ایشان را بعذاب درد دهنده (٢٤) .
لیکن آنانکه ایمان آوردند وکردار های شائسته کردند ایشان راست مزدبی نهایت (٢٥) .

سُوْرَةُ الْبُرُوْج

سوره بروج مکی است وآن بیست ودوآیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾
وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾
وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ﴿٣﴾
قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾
النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ﴿٥﴾
إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ﴿٦﴾
وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾
وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .
قسم بآسمانِ دارای برجها[١] (١) .
وقسم به روز موعود[٢] (٢) .
وقسم به روزیکه درهفته[٣] حاضر میشود (٣) .
هلاك کرده شدند اهل خندق ها (٤) .
ازقسمِ آتش دارای هیزم بسیار (٥) .
وقتیکه ایشان برکنارهٔ آن خندق ها نشسته بودند (٦) .
وایشان بآنچه میکردند بامسلمانان حاضر بودند (٧) .
وعیب نکردند ازایشان مگر این خصلت

(١) یعنی برج دوازده گان .
(٢) یعنی روز قیامت .
(٣) یعنی روز جمعه و قسم بروزیکه حاجیان بآنروز حاضر میشوند یعنی روز عرفه هرآئینه مجازات متحقق ست .

را که ایمان آرند بخدا غالب ستوده کار (٨) .

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۹ۭ
آنکه اوراست پادشاهی آسمان هاوزمین وخدا برهمه چیز مطلع ست[1] (٩) .

اِنَّ الَّذِيْنَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوْبُوْا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيْقِ ۱۰ۭ
هرآئینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمانان را وزنان مسلمانان را بازتوبه نه نمودند پس ایشان راست عذاب دوزخ وایشان راست عذاب سوختن (١٠)

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ڛ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيْرُ ۱۱ۭ
هرآئینه آنانکه ایمان آوردند و کردار های شائسته کردند ایشانراست بوستانها میرودزیر آن جویها اینست پیروزی بزرگ (١١) .

اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيْدٌ ۱۲ۭ
هر آئینه گرفتِ پروردگارتو سخت ست (١٢) .

اِنَّهٗ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيْدُ ۱۳ۚ
هرآئینه اوآفرینش نومیکند و آفرینش دوباره میکند (١٣) .

وَهُوَ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ ۱۴ۙ
واوست آمرزگاردوستدار (١٤) .

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيْدُ ۱۵ۙ
اوخداوند عرش گرامیقدرست (١٥) .

فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيْدُ ۱۶ۭ
بسیار کننده است هرچیزی را که خواهد (١٦) .

هَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ الْجُنُوْدِ ۱۷ۙ
آیاآمده است به توخبر لشکر ها (١٧) .

فِرْعَوْنَ وَثَمُوْدَ ۱۸ۭ
که فرعون وثمودباشند (١٨) .

بَلِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ تَكْذِيْبٍ ۱۹ۙ
بلکه کافران دردروغ شمردن اند (١٩) .

وَّاللّٰهُ مِنْ وَّرَاۗىِٕهِمْ مُّحِيْطٌ ۲۰ۚ
و خدا از گردا گرد ایشان گیرنده

(١) مترجم گوید پادشاهی جباری رعیت خودرا تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقهارا بآتش پر کرد و ایشانرا بآتش افگند خدای تعالی آن آتش رابر پادشاه وهم نشینان او مسلط ساخت تاازخندق پریده همه را پاك بسوخت والله اعلم .

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ ﴿٢١﴾
فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

است (۲۰) .
بلکه این قرآن گرامیقدرست (۲۱) .
نوشته شده درلوح محفوظ (۲۲) .

سُورَةُ الطَّارِقِ

سوره طارق مکی است وآن هفده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾

قسم بآسمان وقسم بچیزیکه وقت شب پدیدمی آید (۱) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چه چیزبوقت شب پدید آینده است(۲) .

النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾

آن ستاره درخشنده است(۳) .

إِن كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾

نیست هیچ شخص مگر بروی فرشته نگهبانی کننده است (٤) .

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾

پس باید که ببیند آدمی ازچه چیز آفریده شده (٥) .

خُلِقَ مِن مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾

آفریده شده است ازآب جهنده (٦) .

يَخْرُجُ مِن بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

که برمی آید ازمیان پشت (مرد) واستخوان های سینه (زن) (۷) .

إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾

هرآئینه خدا بردیگر بار آفریدن آدمی تواناست (۸) .

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾

روزیکه امتحان کرده شود ضمیر های مردمانرا (۹) .

فَمَا لَهُ مِن قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

پس نباشد آدمی را طاقتی ونباشد نصرت دهنده (۱۰) .

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾

قسم بآسمان خداوندِ باران (۱۱) .

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾

وقسم بزمین صاحب شگافتن[1] (۱۲) .

(۱) یعنی تادانه بیرون آید .

إِنَّهُۥ لَقَوۡلٌ فَصۡلٌ ﴿١٣﴾
وَمَا هُوَ بِٱلۡهَزۡلِ ﴿١٤﴾
إِنَّهُمۡ يَكِيدُونَ كَيۡدًا ﴿١٥﴾
وَأَكِيدُ كَيۡدًا ﴿١٦﴾
فَمَهِّلِ ٱلۡكَٰفِرِينَ أَمۡهِلۡهُمۡ رُوَيۡدَۢا ﴿١٧﴾

سُورَةُ الأَعۡلَى

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّكَ ٱلۡأَعۡلَى ﴿١﴾
ٱلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢﴾
وَٱلَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ ﴿٣﴾
وَٱلَّذِيٓ أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ ﴿٤﴾
فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً أَحۡوَىٰ ﴿٥﴾
سَنُقۡرِئُكَ فَلَا تَنسَىٰٓ ﴿٦﴾
إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُۚ إِنَّهُۥ يَعۡلَمُ ٱلۡجَهۡرَ وَمَا يَخۡفَىٰ ﴿٧﴾

هرآئینه قرآن سخن واضح ست (١٣) .

ونیست قرآن سخن بیهوده (١٤) .

هرآئینه کافران بداندیشی میکنند یکطور بداند یشی کردنی (١٥) .

ومن نیز تدبیر میکنم یکطور تدبیر کردنی[١] (١٦) .

پس مهلت ده کافران را فروگذار ایشان رااندکی (١٧) .

سوره اعلی مکی است وآن نوزده آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بپاکی یادکن نام پروردگار بزرگوار خودرا (١) .

آنکه بیافریدپس درست اندام کرد (٢) .

وآنکه اندازه کرد پس راه نمود[٢] (٣) .

وآنکه برآورده گیاه تازه را (٤) .

بازساخت آنرا خشك شده سیاه گشته (٥) .

قرآن تعلیم خواهیم کرد تراپس فراموش نخواهی کرد (٦) .

مگر آنچه خداخواسته است هرآئینه خدا میداند آشکار وپنهان را[٣] (٧) .

---

(١) واین وعده روز بدرمتحقق شد .

(٢) یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده بحسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمودتاهمان صورت بر روی کارآمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم.

(٣) مترجم گوید فراموش گردانیدن این آیت از خاطر مبارك آن حضرت صلی الله علیه وسلم نوعی ازنسخ ست والله اعلم .

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٨﴾

وتوفيق خواهيم دادترابمعرفتِ شريعتِ آسان (۸) .

فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ ﴿٩﴾

پس پندده ا گرسود كند پنددادن (۹) .

سَيَذَّكَّرُ مَن يَخْشَىٰ ﴿١٠﴾

پند خواهدگرفت هركه مى ترسد (۱۰).

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾

واجتناب مى‌كنند ازآن پندبدبخت ترين مردمان (۱۱) .

الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ ﴿١٢﴾

آنكه خواهد درآيد بآتش بزرگ (۱۲) .

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿١٣﴾

باز نميرد آنجا ونه زنده باشد (۱۳) .

قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّىٰ ﴿١٤﴾

هرآئينه رستگارشد هركه پاك شد (١٤) .

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ ﴿١٥﴾

وياد كرد نام پروردگارخودرا پس نماز گذارد (۱۵) .

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾

بلكه اختيار ميكنيد زندگانى اين جهان را (١٦) .

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٧﴾

وآخرت بهترست وپاينده تر (۱۷) .

إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٨﴾

هرآئينه اين مقدمه مذكور بوددر صحيفه هاى نخستين (۱۸) .

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾

صحيفه هاى ابراهيم وموسىٰ (۱۹) .

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ

سوره غاشيه مكى است وآن بيست وشش آيت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداى بخشاينده مهربان .

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾

آيا آمده است به تو خبر قيامت (۱) .

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾

يك عدۀ چهره ها آنروزخوار باشند (۲).

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾

كار كننده محنت كشنده باشند (۳) .

تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾

درآيند بآتش افروخته شده (٤) .

تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ ﴿٥﴾

آب نوشانيده شوند از چشمۀ نهايت گرم (۵) .

لَّيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِن ضَرِيعٍ ﴿٦﴾

نباشد ايشانرا هيچ طعامى مگر از ضريع (٦) .

لَّا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِن جُوعٍ (٧)

که فربه نکند ودفع گرسنگی نه نماید[1] (۷) .

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ (٨)

يك عدهٔ چهره ها آنروز تازه باشند (۸) .

لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ (٩)

به سعی خودرضا مند شده باشند (۹) .

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (١٠)

دربهشت عالی (۱۰) .

لَّا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (١١)

نه شنوی آنجاهیچ سخن بیهوده (۱۱) .

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (١٢)

درآن جاچشمهٔ روان باشد (۱۲) .

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (١٣)

درآن جاتخت های بلند باشد (۱۳) .

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ (١٤)

وکوزه های نهاده شده (۱٤) .

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (١٥)

وبالشهای برابر یکدیگر گذاشته (۱۵) .

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (١٦)

وفرش های نفیس پهن کرده (۱٦) .

أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (١٧)

آیانه می نگرند بسوی شتران چگو نه آفریده شدند (۱۷) .

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (١٨)

وبسوی آسمان چگونه برداشته شد (۱۸) .

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (١٩)

وبسوی کوه ها چگونه برافراشته شد (۱۹) .

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (٢٠)

وبسوی زمین چگونه پهن کرده شد (۲۰) .

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ (٢١)

پس پنددہ جزاین نیست که توپند دهنده ای (۲۱) .

لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ (٢٢)

نیستی برایشان گماشته شده (۲۲) .

إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ (٢٣)

لیکن هرکه روبگرداند وکافرشود (۲۳) .

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ (٢٤)

پس عذاب کندش خدا به عقوبت بزرگ (۲٤) .

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (٢٥)

هرآئینه بسوی ماست رجوع ایشان (۲۵) .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم (٢٦)

بازهرآئینه برماست حساب ایشان (۲٦) .

---

(۱) ضریع نام گیاه خاردارست .

سُورَةُ الْفَجْرِ

سوره فجر مکی است وآن سی آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالْفَجْرِ ۝١

قسم بصبح (۱) .

وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝٢

وبشب های ده گانه[۱] (۲) .

وَّالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝٣

وقسم بجفت وطاق[۲] (۳) .

وَالَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ۝٤

وقسم به شب چون روان شود (٤) .

هَلْ فِي ذٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ۝٥

آیادرین مقدمه سوگندی معتبر هست صاحب خردرا[۳] (۵) .

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝٦

آیاندیدی که چگو نه معامله کرد پروردگار تو باقوم عاد (٦) .

إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝٧

ارم خداوندان قدهای بلند (۷) .

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝٨

که آفریده نشده است مانند آن درشهرها (۸) .

وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝٩

وچگونه معامله کرد باقوم ثمود که تراشیده بودند سنگهای بزرگ را دروادیِ قریٰ (۹) .

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝١٠

وچگونه معامله کرد بافرعون صاحب میخها[٤] (۱۰) .

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝١١

همه این جماعتها آنانکه سرکشی کردند درشهر ها (۱۱) .

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝١٢

پس بسیار بعمل آوردند درآنجافساد را (۱۲) .

---

(۱) یعنی عشرهٔ ذوالحجه .

(۲) یعنی بعض نماز جفت ست و بعض طاق .

(۳) که خدا جزادهندهٔ بندگان است براعمال ایشان .

(٤) یعنی به چهار میخ بسته عقوبت میکرد .

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿۱۳﴾

پس بريخت برسرايشان پروردگار تويك دفعه عذاب (۱۳) .

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿۱۴﴾

هرآئينه پروردگار توبه كمين‌گاه است (١٤) .

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿۱۵﴾

پس اما آدمی چون امتحان كندش پروردگار اوپس گرامی كندش ونعمت دهدش پس گويد پروردگار من گرامی ساخت مرا (۱۵) .

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿۱۶﴾

واما چون امتحان كندش پس تنگ سازد بروی رزق وی را گويد پروردگار من حقارت كرد مرا (١٦) .

كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿۱۷﴾

هرگز ، بلكه‌گرامی نميداريد يتيم را (۱۷) .

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿۱۸﴾

ويكديگررا رغبت نميدهيد برطعام دادن فقير (۱۸) .

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿۱۹﴾

وميخوريد مال ميراث را خوردن بسيار[۱] (۱۹) .

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿۲۰﴾

ودوست ميداريد مال رادوست داشتن بسيار[۲] (۲۰) .

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿۲۱﴾

نَی نَی ، چون پست كرده شود بلندی زمين را پست كردن بعد پست كردن[۳] (۲۱) .

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿۲۲﴾

وبيايد پروردگار تو وبيايند فرشتگان صف صف شده (۲۲) .

---

(۱) يعنی زنان و يتيما نراحق ايشان نميد هيد وحق ايشان را بمال خود جمع می كنيد.

(۲) يعنی اسباب اكرام الهی در اكرام يتيم واطعام مسكين ست آنرامی بايد كردوشما باين صفت هستيد كه يتيمان راحق ايشان نمی دهيد وحق ايشانرا بمال خود جمع ميكنيد .

(۳) يعنی جبال واتلال را باسائر ارض برابر كرده شود .

وَجِاْیٓءَ یَوْمَئِذٍۭ بِجَهَنَّمَ ۙ۬ یَوْمَئِذٍ یَّتَذَكَّرُ الْاِنْسَانُ وَاَنّٰی لَهُ الذِّكْرٰی ﴿۲۳﴾

وآورده شود آنروز دوزخ را، آنروز یادکند آدمی وکجاباشد اورانفع آن یادکردن (۲۳) .

یَقُوْلُ یٰلَیْتَنِیْ قَدَّمْتُ لِحَیَاتِیْ ﴿۲۴﴾

گوید ای کاش من می فرستادم عملِ نیك برای این زندگانیِ جاودانیِ خویش (۲٤) .

فَیَوْمَئِذٍ لَّا یُعَذِّبُ عَذَابَهٗۤ اَحَدٌ ﴿۲۵﴾

پس آنروز عقوبت نکند مانند عقوبت خدا هیچکس (۲۵) .

وَّلَا یُوْثِقُ وَثَاقَهٗۤ اَحَدٌ ﴿۲۶﴾

وبزنجیر نبندد مانند بستن او هیچکس (۲٦)[۱] .

یٰۤاَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿۲۷﴾

(گفته شودروحِ مومن راوقتِ مرگ) ای نفس آرام گیرنده (۲۷) .

ارْجِعِیْۤ اِلٰی رَبِّكِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً ﴿۲۸﴾

باز گرد بسوی پروردگارخویش توخوشنود شده وازتونیز خوشنود گشته (۲۸) .

فَادْخُلِیْ فِیْ عِبٰدِیْ ﴿۲۹﴾

پس درآی بزمرهٔ بندگان خاص من (۲۹) .

وَادْخُلِیْ جَنَّتِیْ ﴿۳۰﴾

ودرآی به بهشت من (۳۰) .

سُوْرَةُ الْبَلَدِ

سوره بلد مکی است وآن بیست آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

لَاۤ اُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴿۱﴾

قسم میخورم باین شهر (یعنی مکّه مبارك) (۱) .

وَاَنْتَ حِلٌّۢ بِهٰذَا الْبَلَدِ ﴿۲﴾

وتوحلال خواهی شد باین شهر[۲] (۲) .

وَوَالِدٍ وَّمَا وَلَدَ ﴿۳﴾

وقسم میخورم بزاینده وبهرچه زاده است[۳] (۳) .

لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِیْ كَبَدٍ ﴿٤﴾

هرآئینه آفریدیم آدمی رادرمشقت[٤] (٤) .

---

(۱) بوجهی واقع شود که هیچ کس غیراوبرآن قادر نیست والله اعلم .
(۲) یعنی تراقتال درمکه حلال خواهد شد .
(۳) یعنی آدم وجمیع ذریت او .
(٤) یعنی عادت آدمی ست که بقوت خود فخر کند ونه بیند که چه قدر ناتوانی ها =

أَيَحْسَبُ أَن لَّن يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾
يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُّبَدًا ﴿٦﴾
أَيَحْسَبُ أَن لَّمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾
أَلَمْ نَجْعَل لَّهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾
وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾
فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾
فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾
أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾
يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾
أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾
ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا
بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾
وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾
عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤْصَدَةٌ ﴿٢٠﴾

آیا گمان می کند آدمی که قادرنه شود بروی هیچکس (٥) .
میگوید خرج کردم مال توبرتو (٦) .
آیامی پندارد که ندیده است اورا هیچکس (٧) .
آیانیا فریده ایم برای اودوچشم را (٨) .
وزبان را ودولب را (٩) .
ودلالت کردیم اورا بردوراه[1] (١٠) .
پس درنیامد گزرگاه سخت (١١) .
وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست گزرگاه سخت[2] (١٢) .
خلاص کردن برده (١٣) .
یااطعام دادن بروز گرسنگی (١٤) .
یتیم صاحب قرابت را (١٥) .
یافقیر صاحب خاکساری را (١٦) .
بعدازآن باشد ازآنانکه ایمان آوردند وبایکدیگر وصیت کردند به شکیبائی وبایکدیگر وصیت کردند به شفقت برخلق خدا (١٧) .
این جماعت ایشانند اهل نیک بختی (١٨) .
وآنانکه کافرشدند بآیاتِ ماایشانند اهل بدبختی (١٩) .
برایشان آتشی گماشته شود ازهرجهت گردآورده شده (٢٠) .

= میکشد و نیز ببذل مال فخر کندونمی داندکه خدا اورامی بیند که بغایت حقیر و بخیل ست .

(١) یعنی خیر و شر .

(٢) یعنی بحقیقت قوت آنست که این اعمال بجاآرد .

سُورَةُ الشَّمْسِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحٰهَا ﴿١﴾

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلٰهَا ﴿٢﴾

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلّٰهَا ﴿٣﴾

وَالَّيْلِ إِذَا يَغْشٰهَا ﴿٤﴾

وَالسَّمَآءِ وَمَا بَنٰهَا ﴿٥﴾

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحٰهَا ﴿٦﴾

وَنَفْسٍ وَّمَا سَوّٰهَا ﴿٧﴾

فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوٰهَا ﴿٨﴾

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّٰهَا ﴿٩﴾

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسّٰهَا ﴿١٠﴾

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوٰهَا ﴿١١﴾

إِذِ انْبَعَثَ أَشْقٰهَا ﴿١٢﴾

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللهِ نَاقَةَ اللهِ وَسُقْيٰهَا ﴿١٣﴾

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ

سوره شمس مكى است وآن پانزده آيت است

بنام خداى بخشاينده مهربان .

قسم به خورشيد وروشنيِ او (١) .

وقسم بماه چون ازپى آفتاب درآيد[1] (٢) .

وقسم بروز چون نمايان كند آفتاب را (٣) .

وقسم به شب چون بپوشاند آفتاب را (٤) .

وقسم بآسمان وبناكردنِ خدااورا (٥) .

وقسم بزمين وهموار ساختنِ خدااورا (٦) .

وقسم به نفس آدمى ودرست اندام نمودن خدااورا (٧) .

پس انداخت خدا دردلش شناخت گناه اورا وتقواى اورا (٨) .

هرآئينه رستگارشد هركه پاك ساخت نفس را (٩) .

وهرآئينه زيانكار شدهركه باسفل السافلين بردآنرا (١٠) .

دروغ شمردند قوم ثمود بسبب سركشى خود (١١) .

وقتيكه برخاست بدبخت ترين آن قوم (١٢) .

پس گفت ايشانرا پيغامبر خدا بگذاريدماده شتريرا كه آفريده است ومتعرض نشويد آب خوردنِ اورا (١٣) .

پس دروغگو شمردند پيغامبررا پس

(١) يعنى بشب چهاردهم .

فَسَوّٰىهَا ﴿١٤﴾

وَلَا يَخَافُ عُقْبٰهَا ﴿١٥﴾

سُوْرَةُ اللَّيْلِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى ﴿١﴾

وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى ﴿٢﴾

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ﴿٣﴾

اِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتّٰى ﴿٤﴾

فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَاتَّقٰى ﴿٥﴾

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنٰى ﴿٦﴾

فَسَنُيَسِّرُهٗ لِلْيُسْرٰى ﴿٧﴾

وَاَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى ﴿٨﴾

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ﴿٩﴾

فَسَنُيَسِّرُهٗ لِلْعُسْرٰى ﴿١٠﴾

وَمَا يُغْنِيْ عَنْهُ مَالُهٗۤ اِذَا تَرَدّٰى ﴿١١﴾

اِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ﴿١٢﴾

وَاِنَّ لَنَا لَلْاٰخِرَةَ وَالْاُوْلٰى ﴿١٣﴾

بکشتنند ماده شتر را پس عقوبت فرودآوردبرایشان پروردگار ایشان بسبب معصیت ایشان پس هموار کرد عقوبت را برسرایشان[١] (١٤) .

وخدا نمی‌ترسد ازآنجام آن عقوبت (١٥) .

سوره لیل مکی است وآن بیست ویك آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم به شب چون بپوشاند (١) .

وقسم بروز چون ظاهر شود (٢) .

وقسم بذاتیکه آفرید نر وماده را (٣) .

که هرآئینه سعی شمامختلف ست (٤) .

پس اماهر که عطا کرد وپرهیزگاری نمود (٥) .

وباورداشت پاداش نیك را (٦) .

پس توفیق دهیم اورابرای رسیدن به سرای آسائش (٧) .

واماهرکه بخل کردو خودرا بی نیاز شمرد (٨) .

وبه دروغ نسبت کرد پاداش نیك را (٩) .

پس توفیق دهیم اورا برای رسیدن به سرای دشواری (١٠) .

وهیچ دفع نکند ازوی مال او وقتیکه نگونسار افتد (١١) .

هرآئینه برمالازم ست راه نمودن او (١٢) .

وهرآئینه برای ماست آن جهان واین

(١) یعنی به همه رسانید .

جهان (۱۳) .

فَاَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظّٰى ﴿۱۴﴾

پس ترسانیدم شمارا ازآتشی که شعله میزند (۱٤) .

لَا يَصْلٰهَآ اِلَّا الْاَشْقَى ﴿۱۵﴾

درنیاید بآن آتش مگر بدبخت ترین آدم (۱٥) .

الَّذِیْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿۱۶﴾

انکه دروغ شمرد و روگردان شد (۱٦) .

وَسَيُجَنَّبُهَا الْاَتْقَى ﴿۱۷﴾

ویکسو داشته خواهد شدازآن آتش پرهیزگار ترین مردم(۱۷) .

الَّذِیْ يُؤْتِیْ مَالَهٗ يَتَزَكّٰى ﴿۱۸﴾

آنکه میدهد مال خودرا تاپاك نفس گردد (۱۸) .

وَمَا لِاَحَدٍ عِنْدَهٗ مِنْ نِّعْمَةٍ تُجْزٰٓى ﴿۱۹﴾

ونیست هیچ کس را نزد او نعمتی که جزاداده شود (۱۹) .

اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْاَعْلٰى ﴿۲۰﴾

لیکن میدهدبه طلب رضای پروردگار خود (۲۰) .

وَلَسَوْفَ يَرْضٰى ﴿۲۱﴾

وهرآئینه خوشنود خواهد شد (۲۱) .

سُوْرَةُ الضُّحٰى

سوره ضحی مکی است وآن یازده آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالضُّحٰى ﴿۱﴾

(۱) قسم بوقت چاشت (۱) .

وَالَّيْلِ اِذَا سَجٰى ﴿۲﴾

وقسم به شب چون بپوشد (۲) .

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلٰى ﴿۳﴾

فرونگذاشت ترا پروردگار تووخشم نگرفته است (۳) .

وَلَلْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاُوْلٰى ﴿۴﴾

و هرآئینه آخرت بهتر خواهد بود تراازدنیا (٤) .

وَلَسَوْفَ يُعْطِيْكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰى ﴿۵﴾

والبته نعمت خواهد دادترا پروردگارتو پس خوشنود خواهی شد (٥) .

---

(۱) مترجم گوید که چندروزوحی نیامده بود کفار گفتند وَدَّعَهُ رَبُّهُ وَقَلاهُ خدای تعالی برای تسلی این سوره فروفرستاد .

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (٦)

آیا یتیم نیافت ترا پس جای داد (٦) .

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (٧)

ویافت تراراه گم کرده[١] پس راه نمود (٧) .

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ (٨)

و یافت تراتنگدست پس توانگر ساخت (٨) .

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (٩)

پس امایتیم را پس ستم مکن (٩) .

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (١٠)

واما سائل را پس بسختی مران (١٠) .

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (١١)

وامابه نعمت پروردگارخود پس خبرده (١١) .

سُورَةُ الشَّرح

سوره انشراح مکی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (١)

آیا کشاده نه کرده ایم برای توسینّه ترا (١).

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ (٢)

ودورکردیم ازتو بارترا (٢) .

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (٣)

آن بارکه گران کرده بود پشت ترا (٣) .

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (٤)

وبلند ساختیم برای توثنای ترا (٤) .

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (٥)

پس هرآئینه پس از دشواری آسانی ست (٥) .

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (٦)

البته پس از دشواری آسانی ست (٦) .

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ (٧)

پس وقتیکه ازکاروبارفارغ شوی درعبادت خدا کوشش کن (٧) .

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (٨)

وبسوی پروردگارخود تفرغ نما (٨) .

سُورَةُ التِّين

سوره تین مکی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (١)

قسم بانجیر وزیتون (١) .

---

(١) یعنی شریعت نمیدانستی تو والله اعلم .

وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾
وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾
ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿٧﴾
أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

سُورَةُ الْعَلَق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾
خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾
اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾
الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾
عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾

وقسم بطور سینا (٢) .

وقسم باین شهرِ امن (یعنی مکه) (٣) .

هر آئینه آفریدیم آدمی را درنیکوترین صورتی (٤) .

پس گردانیدیم آن رافروتر ازهمه فروماندگان[1] (٥) .

مگر آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند پس ایشانرا ست اجر بی نهایت (٦) .

پس ای آدمی چه چیز حمل میکند ترا بعد این همه پند بردروغ شمردن درباب جزای اعمال[2] (٧) .

آیانیست خداحکم کننده ترین حاکمان (٨) .

سوره علق مکی است وآن نوزده آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بخوان به برکت نام پروردگارخود که آفرید (١) .

آفریدآدمی را ازخون بسته (٢) .

بخوان و پروردگار تو بزرگوار ترست (٣) .

آنکه علم آموخت بوسیلهٔ قلم (٤) .

آموخت آدمی را آنچه نمیدانست[3] (٥) .

---

(١) یعنی وقتیکه کافرشدفطرت سلیمه راضائع ساخت .

(٢) وشاید که معنی آیت چنین باشد پس چه چیز باعث تکذیب تو میشود یا محمد درمقدمه جزای اعمال بعد این همه پند .

(٣) مترجم گوید اقرا باسم ربك تامالم یعلم اول چیز یست که برآنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل شد و معنی اقراء تهیی است برای وحی قرآن و تلاوت آن .

كَلَّآ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَيَطْغٰٓى ۝۶
حقاهرآئینه آدمی ازحد میگذرد (٦) .

اَنْ رَّاٰهُ اسْتَغْنٰى ۝۷
وقتیکه می بیند خودرا توانگرشده (٧) .

اِنَّ اِلٰى رَبِّكَ الرُّجْعٰى ۝۸
هرآئینه بسوی پروردگارتست رجوع (٨).

اَرَءَيْتَ الَّذِيْ يَنْهٰى ۝۹
آیادیدی شخصی که منع میکند (٩) .

عَبْدًا اِذَا صَلّٰى ۝۱۰
بنده راچون نماز می گذارد (١٠) .

اَرَءَيْتَ اِنْ كَانَ عَلَى الْهُدٰٓى ۝۱۱
آیادیدی که چه میشد ا گر براه راست بودی (١١) .

اَوْ اَمَرَ بِالتَّقْوٰى ۝۱۲
یابه پرهیز گاری فرمودی (١٢) .

اَرَءَيْتَ اِنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ۝۱۳
آیادیدی که چه میشد ا گر دروغ شمرد وروگردان گشت (١٣) .

اَلَمْ يَعْلَمْ بِاَنَّ اللّٰهَ يَرٰى ۝۱۴
آیا ندانست این روگرداننده که خدا می‌بیند[1] (١٤) .

كَلَّا لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ ۙ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝۱۵
نَی نَی، ا گرباز نه ایستد خواهیم کشید اورا به موی پیشانی (١٥) .

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝۱۶
بآن موی پیشانی دروغ زن خطاکار (١٦).

فَلْيَدْعُ نَادِيَهٗ ۝۱۷
پس باید که فریاد کند اهل مجلس خودرا (١٧) .

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝۱۸
مانیز خواهیم طلبید پیاده هارا[2] (١٨) .

كَلَّا ۭ لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝۱۹ السجدة
نی نی فرمان اوقبول مکن ونماز گذار و قرب خدا طلب نما (١٩) .

سُوْرَةُ الْقَدْرِ

سوره قدر مکی است وآن پنج آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
بنام خدای بخشاینده مهربان .

(١) یعنی بایددانست که عاقبت اهتداوهدایت بهشت ست وعاقبت ضلال حلال دوزخ ست پس این مدعارا بنوعی ازبلاغت اداکرده شده .

(٢) یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را .

إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ ﴿١﴾

هرآئینه مافرود آوردیم قرآن رادرشب قدر[١] (١) .

وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ ﴿٢﴾

وچه مطلع ساخت ترا که چیست شبِ قدر (٢) .

لَيْلَةُ ٱلْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾

شب قدر بهترست ازهزار ماه (٣) .

تَنَزَّلُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾

فرودمی آیند فرشتگان وروح درآن شب بفرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هرکاری (٤) .

سَلَٰمٌ هِىَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ ٱلْفَجْرِ ﴿٥﴾

آن شب تاوقت طلوع فجر محض سلامتی ست (٥) .

سُورَةُ ٱلْبَيِّنَةِ

سوره بینه مدنی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

لَمْ يَكُنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَٱلْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ ﴿١﴾

نه بودند کافران[٢] ازاهل کتاب ومشرکان جدا شونده (یعنی ازآئین خود) تاوقتیکه بیایدبایشان حجّت ظاهر[٣] (١) .

رَسُولٌ مِّنَ ٱللَّهِ يَتْلُوا۟ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾

پیغمبری ازجانب خدا که میخواند صحیفه های پاك یعنی سور قرآن (٢) .

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ﴿٣﴾

درآن صحیفه ها احکامیست راست درست (٣) .

وَمَا تَفَرَّقَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾

ومتفرق نه شدند اهل کتاب[٤] مگر بعد ازآنکه آمد بایشان حجت ظاهر (٤) .

---

(١) یعنی یکد فعه از لوح محفوظ بآسمان دنیا .

(٢) یعنی حال ایشان مقتضی ارسال رسول وانزال کتاب بودازین جهت رسول فرستادیم قرآن فرودآوردیم .

(٣) یعنی ایشانر تکلیف نکردیم بترك ادیان خویش مگر بعد اقامت حجت ظاهر .

(٤) یعنی بعضی مقبول شدند وبعضی مردود .

وَمَآ أُمِرُوٓا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۙ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوا الزَّكٰوةَ وَذٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ۞٥

وفرموده نشدایشان را مگر آنکه عبادت کنند خدای را خالص ساخته برای اوپرستش را متدین بدین ابراهیم شده وبرپادارند نمازرا وبدهند زکوٰة را واین ست احکام دین درست (٥) .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خٰلِدِينَ فِيهَآ ۚ أُولٰٓئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۞٦

هرآئینه آنانکه کافرشدند از اهل کتاب ومشرکان درآتش دوزخ باشند جاویدان آنجا آنجماعت ایشانند بدترین خلق (٦).

إِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ۙ أُولٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۞٧

هرآئینه آنانکه ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند آنجماعت ایشانند بهترین خلق (٧) .

جَزَآؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۞٨

جزای ایشان نزد پروردگارایشان بوستانهای همیشه باقی است می رود زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه، خوشنود شد خداازایشان وخوشنود ند ایشان ازخدا این وعده کسی راست که بترسد ازپروردگار خود (٨) .

سُورَةُ الزَّلْزَلَةِ

سوره زلزال مدنی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۞١

وقتیکه جنبانیده شودزمین بآن جنبش خودش (١) .

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۞٢

وبیرون آوردزمین بار های خودش[1] (٢) .

وَقَالَ الْإِنْسٰنُ مَا لَهَا ۞٣

وگوید انسان چه حالتست زمین را (٣) .

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۞٤

آنروزبازگو کند زمین قصه های خودرا (٤).

---

(١) یعنی گنجهارا .

بِاَنَّ رَبَّكَ اَوۡحٰى لَهَا ۝٥

بسبب آنکه پروردگارتو حکم فرستاده است بسوی زمین (٥) .

يَوۡمَئِذٍ يَّصۡدُرُ النَّاسُ اَشۡتَاتًا ۙ لِّيُرَوۡا اَعۡمَالَهُمۡ ۝٦

آنروز بازگردند مردمان براحوال مختلف[1] تانموده شود بایشان جزای اعمال ایشان (٦) .

فَمَنۡ يَّعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ خَيۡرًا يَّرَهٗ ۝٧

پس هرکه کرده باشد هم وزنِ يك ذره عمل نيك ببيند آن را (٧) .

وَمَنۡ يَّعۡمَلۡ مِثۡقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَّرَهٗ ۝٨

وهرکه کرده باشد هم وزنِ يك ذره عمل بد ببيند آن را (٨) .

سُوۡرَةُ الۡعٰدِيٰتِ

سوره عادیات مکی است وآن یازده آیت است

بِسۡمِ اللّٰهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وَالۡعٰدِيٰتِ ضَبۡحًا ۝١

قسم به اسپان تیزدونده بوجهی که ازدَم پر شوند (١) .

فَالۡمُوۡرِيٰتِ قَدۡحًا ۝٢

پس قسم به اسپان آتش برآرنده به آنکه بنعل خود سنگ رابزنند (٢) .

فَالۡمُغِيۡرٰتِ صُبۡحًا ۝٣

پس قسم به اسپان غارت کننده چون دروقت صبح درآیند (٣) .

فَاَثَرۡنَ بِهٖ نَقۡعًا ۝٤

پس برانگیزندبه آنوقت غباررا[2] (٤) .

فَوَسَطۡنَ بِهٖ جَمۡعًا ۝٥

پس درآیند به آنوقت درمیان جماعتی[3] (٥) .

اِنَّ الۡاِنۡسَانَ لِرَبِّهٖ لَكَنُوۡدٌ ۝٦

هرآئينه آدمی به نسبت پروردگارخود ناشکرست (٦) .

---

(١) یعنی ازجای حساب .

(٢) یعنی بسبب دویدن .

(٣) یعنی ازاعداء مترجم گوید این قَسَم اشارت ست بآنکه جهاد مشروع خواهد شدورضای الهی باسپان غازیان متعلق خواهد شد والله اعلم .

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ٧

وهرآئینه آدمی برناسپاسی خود مطلع ست (٧) .

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ٨

وهرآئینه آدمی دردوست داشتن مال مبالغه کننده است (٨) .

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ٩

آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شودهرآنچه درگور هاباشد (٩) .

وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ١٠

وظاهر ساخته شود هر آنچه درسینه هاباشد (١٠) .

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ ١١

هرآئینه پروردگارایشان باحوال ایشان آن روز خبردارست (١١) .

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

سوره قارعه مکی است وآن یازده آیت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

الْقَارِعَةُ ١

قیامت (١) .

مَا الْقَارِعَةُ ٢

چیست آن قیامت (٢) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ٣

وچه چیز مطلع ساخت تراکه چیست آن قیامت (قیامت متحقق شود) (٣) .

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ٤

روزی که باشند مردمان مانند پروانه های پرا گنده ساخته (٤) .

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ ٥

وباشند کوه ها مانند پشم رنگین محلوج نموده (٥) .

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ٦

پس اماهر که گران شد پلّه های حسناتِ او (٦) .

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ٧

پس آن شخص درمعِیشتی پسندیده باشد (٧) .

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ٨

واماهرکه سبك شد پلّه های او (٨) .

فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ ٩

پس جای ماندن آنشخص هاویه باشد (٩) .

وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ ١٠

وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست

نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿١١﴾

هاویه (١٠) .

آتشی ست داغ (١١) .

سُورَةُ التَّكَاثُر

سوره تکاثر مکی است وآن هشت آیت است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلْهٰكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾

حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾

كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿٣﴾

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿٤﴾

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُوْنَ عِلْمَ الْيَقِيْنِ ﴿٥﴾

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيْمَ ﴿٦﴾

ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِيْنِ ﴿٧﴾

ثُمَّ لَتُسْـَٔلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ ﴿٨﴾

بنام خدای بخشاینده مهربان .

غافل کرد شمارا ازیکدیگر بسیار طلبیِ مال (١) .

تاوقتیکه رسیدید بگورستانها[1] (٢) .

نَی نَی، خواهید دانست (٣) .

باز(میگوئیم) نَی نَی، خواهید دانست (٤).

نَی نَی، ا گر بدانید حقیقت کاررابعلم یقین (غافل نمی شدید) (٥) .

البته خواهید دیدوزخ را (٦) .

بازالبته خواهید دید دوزخ را دیدن ظاهر بی شبهه (٧) .

بازالبته سوال کرده خواهید شد آنروز ازنعمت[2] (٨) .

سُورَةُ الْعَصْر

سوره عصر مکی است وآن سه آیت است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾

اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِيْ خُسْرٍ ﴿٢﴾

اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ ۙ۬

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قسم بزمان (١) .

که هرآئینه آدمی درزیان ست (٢) .

مگر آنانکه ایمان آوردند وعملهای شائسته کردند ویکدیگر را وصیت کردند

---

(١) یعنی مدفون شدید .

(٢) یعنی درمقابلهٔ آن شکر کردید یا کفران ورزیدید .

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾

سُوْرَةُ الْهُمَزَةِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةِ ﴿١﴾
الَّذِيْ جَمَعَ مَالًا وَّعَدَّدَهٗ ﴿٢﴾
يَحْسَبُ اَنَّ مَالَهٗٓ اَخْلَدَهٗ ﴿٣﴾
كَلَّا لَيُنْۢبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾
وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾
نَارُ اللهِ الْمُوْقَدَةُ ﴿٦﴾
الَّتِيْ تَطَّلِعُ عَلَى الْاَفْـِٕدَةِ ﴿٧﴾
اِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّؤْصَدَةٌ ﴿٨﴾
فِيْ عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

سُوْرَةُ الْفِيْلِ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحٰبِ الْفِيْلِ ﴿١﴾
اَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِيْ تَضْلِيْلٍ ﴿٢﴾

به دین درست ویکدیگر را وصیت کردند به شکیبائی (٣) .

سوره همزه مکی است وآن نه آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

وای هر عیب کننده غیبت‌گوینده را (١) .

آنکه فراهم آوردمال را ونگاهداشت آن را (٢) .

می پندارد که مال اوزندگی جاوید دهدش (٣) .

نی نی، البته انداخته خواهد شد به حطمه (٤) .

و چه چیز مطلع ساخت ترا که چیست حطمه (٥) .

آتش افروخته شدهٔ خدا (٦) .

که غالب شود بر دلها (٧) .

هرآئینه آن آتش برایشان گماشته شده است (٨) .

درستون های درازدرآورده شده است (٩) .

سوره فیل مکی است وآن پنج آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

(١) آیانه دیدی چگو نه معامله کرد پروردگار تو بااهل فیل (١) .

آیا نه ساخت بداندیشی ایشان را در

---

(١) مترجم گویدابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه کرد وفیلان بسیار ولشکر بیشمار بهم آورد چون نزدیك کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تاهلاك کند .

بی فائدگی (۲) .

وَّاَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا اَبَابِيْلَ ۝٣

وفرستاد برایشان پرندگان فوج فوج می انداختند بسوی ایشان (۳) .

تَرْمِيْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّيْلٍ ۝٤

سنگ ریزها ازسنگ گِل (٤) .

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّاْكُوْلٍ ۝٥

پس ساخت ایشانرا مانند باقیمانده آخور بعد ازخوردن دَوابّ (٥) .

سُوْرَةُ قُرَيْشٍ

سوره قریش مکی است وآن چهار آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

لِاِيْلٰفِ قُرَيْشٍ ۝١

برای (شُکر) الفت دادن قریش (١) .

اٖلٰفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَآءِ وَالصَّيْفِ ۝٢

(یعنی) الفت دادن ایشان به سفرزمستان وتابستان (۲) .

فَلْيَعْبُدُوْا رَبَّ هٰذَا الْبَيْتِ ۝٣

پس باید که عبادت کنند پروردگار این خانه را (۳) .

الَّذِيْۤ اَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوْعٍ ۙ وَّاٰمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ ۝٤

آنکه طعام دادایشانرا ازبهر آنکه گرسنه بودند وامن دادایشان راازبهرآنکه ترسان بودند (٤) .

سُوْرَةُ الْمَاعُوْنِ

سوره ماعون مکی است وآن هفت آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

اَرَءَيْتَ الَّذِيْ يُكَذِّبُ بِالدِّيْنِ ۝١

آیا دیدی آن شخص را که دروغ می شمردجزای اعمال را (١) .

فَذٰلِكَ الَّذِيْ يَدُعُّ الْيَتِيْمَ ۝٢

پس آن شخص مردیست که باهانت میراند یتیم را (۲) .

وَلَا يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِيْنِ ۝٣

ورغبت نمیدهد برطعام دادن فقیر (۳) .

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ ۝٤

پس وای آن نمازگذاران را (٤) .

الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُوْنَ ۝٥

که ایشان ازنماز خود غفلت می ورزند (٥) .

الَّذِيْنَ هُمْ يُرَآءُوْنَ ۝٦

آنانکه ایشان ریامی کنند (٦) .

وَيَمْنَعُوْنَ الْمَاعُوْنَ ۝٧

وعاريت نمید هند ماعون را[1] (۷) .

سُوْرَةُ الْكَوْثَرِ

سوره کوثر مکی است وآن سه آیت است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِنَّا أَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ ۝١

(یا محمد) هرآئینه ماعطا کردیم تراکوثر[2] (۱) .

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝٢

پس نماز گذار برای پروردگار خودو (شتر را) نحر کن (۲) .

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝٣

هرآئینه دشمن توهمانست دُم بریده (۳).

سُوْرَةُ الْكَافِرُوْنَ

سوره کافرون مکی است وآن شش آیت است

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان .

قُلْ يٰٓأَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ ۝١

بگو ای کافران (۱) .

لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُوْنَ ۝٢

پرستش نمی کنم آنچه شمامی پرستید (۲).

وَلَآ أَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ أَعْبُدُ ۝٣

ونه شما پرستنده اید آنچه من می پرستم (۳) .

وَلَآ أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ۝٤

ونه من پرستنده ام آنچه شما پرستیدید (٤) .

وَلَآ أَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ أَعْبُدُ ۝٥

ونه شما پرستنده اید آنچه من می پرستم (۵) .

لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ۝٦

شمارادین شماست ومرادین من است (٦) .

---

(۱) یعنی سوزن ودیگ وپیاله ودلومانند آن مترجم گوید نصف این سوره تصویر حال کافرست و نصف تصویر حال منافق والله اعلم .

(۲) کوثر نام حوضی ست که درآخرت خواهد بود امت آنحضرت صلی الله علیه وسلم ازآن خواهند آشامید .

سُورَةُ النَّصْر

سوره نصر مدنی است وآن سه آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ①

وقتیکه بیاید نصرت خداو (بظهور) آید فتح (١) .

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِيْنِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا ②

وببینی مردمان را داخل میشوند دردین خدا فوج فوج (٢) .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ③

پس بپاکی یادکن همراه ستائش پروردگار خودرا وآمرزش طلب کن ازوی هرآئینه خداهست (برحمت) رجوع کننده(١) (٣).

سُورَةُ الْمَسَدِ

سوره لهب مکی است وآن پنج آیت است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

بنام خدای بخشاینده مهربان .

تَبَّتْ يَدَآ أَبِيْ لَهَبٍ وَّتَبَّ ①

هلاك باددودست(٢)ابی لهب و هلاك بادابولهب(٣) (١) .

مَآ أَغْنٰى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ②

هیچ دفع نه کرداز سرابو لهب مال اوو آنچه پیدا کرده بود (٢) .

سَيَصْلٰى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ③

درخواهد آمد بآتش صاحب شعله (٣) .

وَّامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ④

وزَنِ اونیز درآید (مراد) بردارنده هیزم را(٤) (٤) .

فِيْ جِيْدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ⑤

درگردن اوریسمانی است ازلیفِ خرما(٥) (٥) .

---

(١) یعنی این همه علامت قرب اجل تست یا محمد پس در استعداد آخرت مقید شو .

(٢) آنحضرت اقارب خودرا ازآتش دوزخ تخویف فرمودابی لهب سنگ بطرف آنحضرت انداخت که آیا برای این کارمارا جمع کرده بودی این سوره نازل شد .

(٣) دودست کنایه ازذات اوست .

(٤) یعنی سخن چینی کننده .

(٥) یعنی بخفه کردن تعذیب کرده شود .

سُورَةُ الإِخْلَاصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾
اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾
وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾

سوره اخلاص مکی است وآن چهار آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگو خدا یگانه است (١) .

خدابی نیازست (٢) .

نه زاد ونه زاده شده (٣) .

ونیست هیچکس اوراهمانند (٤) .

سُورَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾
مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾
وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾
وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾
وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

سوره فلق مدنی است وآن پنج آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگوپناه می برم به پروردگار صبح (١) .

ازشر هرچه آفریده ست (٢) .

وازشر شب تاریك چون تاریکیِ اومنتشر شود (٣) .

وازشرزنان سحر کننده در گرهها دم زننده (٤) .

و ازشر حاسد چون حسد کند (٥) .

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾
مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾
إِلَٰهِ النَّاسِ ﴿٣﴾
مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾
الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾

سوره ناس مدنی است وآن شش آیت است

بنام خدای بخشاینده مهربان .

بگوپناه می برم به پروردگار مردمان (١) .

پادشاهِ مردمان (٢) .

معبودِ مردمان (٣) .

ازشر وسوسه اندازنده چون ذکر گفته شد بازپس رونده (٤) .

آنکه وسوسه می افگند در سینه های مردمان (٥) .

ازجنسِ جن باشد یاازجنسِ مردمان (٦) .

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

فهرست سوره های قرآن کریم

إِنَّ وَزَارَةَ الشُّؤُونِ الإِسْلَامِيَّةِ وَالأَوْقَافِ وَالدَّعْوَةِ وَالإِرْشَادِ

فِي المَمْلَكَةِ العَرَبِيَّةِ السُّعُودِيَّةِ

المُشْرِفَةَ عَلَى مُجَمَّعِ المَلِكِ فَهْدٍ

لِطِبَاعَةِ المُصْحَفِ الشَّرِيفِ فِي المَدِينَةِ المُنَوَّرَةِ

إِذْ يَسُرُّهَا أَنْ يُصْدِرَ المُجَمَّعُ هَذِهِ الطَّبْعَةَ مِنَ القُرْآنِ الكَرِيمِ

وَتَرْجَمَةَ مَعَانِيهِ إِلَى اللُّغَةِ الفَارِسِيَّةِ

تَسْأَلُ اللهَ أَنْ يَنْفَعَ بِهِ عُمُومَ المُسْلِمِينَ

وَأَنْ يَجْزِيَ

خَادِمَ الحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ المَلِكَ فَهْدَ بْنَ عَبْدِ العَزِيزِ آلَ سُعُودٍ

أَحْسَنَ الجَزَاءِ عَلَى جُهُودِهِ العَظِيمَةِ فِي نَشْرِ كِتَابِ اللهِ الكَرِيمِ

وَاللهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ

وزارت شئون إسلامی و أوقاف و تبليغ وارشادِ
کشورِ عربستان سعودی
و مسئول و ناظر برمجمع ملك فهد برای چاپ قرآن کریم درمدینه منوره
باکمال مسرّت این چاپ قرآن کریم
و ترجمة معانی آنرا بزبان فارسی از مجمع منتشرمی کند

وازدر گاه خداوند مسئلت داردکه آنرا باعث منفعت عموم مسلمانان قرار داده
وبه خادم حرمین شریفین ملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود
مقابل مساعی فراوان ایشان درنشر کتاب خداوندکریم بهترین جزای خیر عطا
فرماید . والله ولي التوفيق.

بعون الله وتوفيقه
تم طبع هذا المصحف الشريف
وترجمة معانيه في مجمع الملك فهد
لطباعة المصحف الشريف بالمدينة المنورة
بإشراف وزارة الشؤون الإسلامية
والأوقاف والدعوة والإرشاد في
المملكة العربية السعودية
عام ١٤١٧ هـ

ص.ب ٦٢٦٢ - المدينة المنورة

بفضل
خداوند و توفیق او چاپ
این قرآن کریم با ترجمه معانی
آن درمجمع ملك فهد برای چاپ قرآن
کریم درمدینه منوره و زیر نظارت
وزارت شئون اسلامی و أوقاف و تبلیغ
و ارشاد کشور عربستان سعودی
سال 1417 هـ باتمام
رسید

ص.ب 6262 مدینه منوره

ⓒ **مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف ، ١٤١٧هـ**

فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

القرآن الكريم وترجمة معانيه إلى اللغة الفارسية / ترجمة مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف - المدينة المنورة .

٩٢٨ ص ، ١٤×٢١ سم

ردمك ٢-١٩-٧٧٠-٩٩٦٠

١- القرآن - ترجمة - اللغة الفارسية ٢- القرآن - تفسير

أ- مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (مترجم)

ديوي ٤٩١٥٥، ٢٢١ ١٧/١٠٥١

رقم الإيداع : ١٧/١٠٥١

ردمك : ٢-١٩-٧٧٠-٩٩٦٠

خ ٢٨

(٤٠٠٠/د ٢٦) (٥) (٠١) **ردمك : ٢-١٩-٧٧٠-٩٩٦٠**

قرآن کریم

وترجمه معانی آن
بزبان فارسی